

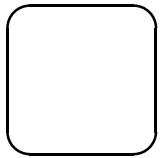
هاشمی رفسنجانی

کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۵

اوج دفاع

به اهتمام : عmad هاشمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر نشر معارف انقلاب
تهران، صندوق پستی: ۴۶۴۸ - ۱۹۳۹۵

هاشمی رفسنجانی

حاطرات ۱۳۶۵

به اهتمام: عmad هاشمی

طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب

ویراستار: قادر باستانی

چاپ و صحافی: آوام

تیراز: ۳/۳۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۸۸

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است

شابک ۷ - ۲۰ - ۷۱۹۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ● ISBN 978 - 964 - 7193 - 20 - 7

هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ -

کارنامه و حاطرات؛ اسناد، گاهشمار، رویدادها / هاشمی رفسنجانی؛

به اهتمام عmad هاشمی - تهران: دفتر نشر معارف انقلاب ۱۳۸۸

۱ هاشمی رفسنجانی، اکبر ۱۳۱۳ - حاطرات ۲ ه ایران - تاریخ - ۱۳۶۵

حرف اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در سال ۱۳۶۵ هم مانند سال‌های قبل، مهمنتین محور حوادث کشور، دفاع مقدس است. به دنبال پیروزی خیره کننده در عملیات والفجر ۸ و عبور تحسین برانگیز رژیوندگان از رودخانه عظیم ارونده، علیرغم جزرومدهای وحشی آن و تصرف بخشی از شبه جزیره فاو و تثییت نیروها در آن نقطه حساس، وضع جدیدی به وجود آمده بود.

اشراف ما بر ساحل خور عبدالله و بسته شدن راه عراق به خلیج فارس و اشراف نیروهای ما بر جزیره بویان کویت و درخشش قدرت فنی ایران، با ساخت پل بدیع بعثت در ارونده، با هدف تسهیل پشتیبانی نیروهای مستقر در فاو و امکان پیشرفت به سوی بندر محصور آم‌قصر عراق، و سابقه ساخت و نصب پل بی نظیر هفده کیلومتری خیر در هور، برای تسهیل پشتیبانی نیروهای مستقر در جزیره مجnoon و خبرهای مربوط به تجهیز پانصد گردان برای عملیات سرنوشت ساز، وضع کاملاً جدیدی به وجود آورده بود.

کاملاً واضح شده بود که نیروهای رژیوند ایران، قدرت نفوذ در عمق خاک عراق و دفع

شراحت‌های صدام را دارند. منظره شکست نهائی صدامیان، با آن همه پشتیبانی غرب و شرق و ارتعاج و از این سو بشارت پیروزی ایران تنها و تحت تحریم و فشار، منطقه و اردوگاه غرب و شرق را نگران ساخته بود و تلاش‌ها برای یافتن راه نجات از این کابوس وحشتناک برای آنان، کاملاً مشهود بود.

شراحت

پکی از راهکارهای آنها برای به ستوه آوردن ایران، شراحت‌های ضد مقررات بین‌المللی و انجام جنایات جنگی بود. دشمن بعضی در سال‌های گذشته هم، در عکس العمل به شکست‌ها، چنین شراحت‌هایی را مرتکب می‌شد.

این شراحت‌ها، با دادن چراغ سیز قدرت‌های بزرگ و تحويل موشک‌های فراوان و سلاح‌های شیمیایی و پشتیبانی هوایی، برای زدن کشتی‌ها و سکوها نفتی و هوایماهای غیر نظامی و بمباران شهرها و هر عمل ایدایی ممکن دیگر و تبلیغات رسانه‌ای فراوان، در جهت روحیه دادن به صدامیان و تحت فشار قرار دادن ایران عمل می‌شد.^۱ خوانندگان در سراسر کتاب، به صورت مکرر از این نوع شراحت‌ها را می‌بینند.

قلافي

رژمندگان ایران اسلامی که به طور اصولی و از موضع اسلامی و انسانی، با این گونه اقدامات مخالف بودند، و اصولاً مردم عراق را دوست و همراه بالقوه خود می‌دیدند، فقط در موارد خاص و با هدف

^۱- عراق با دریافت ۲۴ جنگله می‌رازد - از فرانسه، که عی توانسته در آسخان سوت‌گیری کشند، قادر شد که دوران‌برین تأسیس و نجیبات نفعی ایران را در خلیج فارس مورد حمله قرار دهد. مسجین تبروی هوایی عراق با دست یابی به بس افکن‌های تریپولت آی، نو، که قادر به حمل بسب‌هایی به وزن ۱۹۸۰۰ گیلوگرم (۸۹۴۵ کیلوگرم) در مسیر ۳۰۰۰ مایلی هستند، توان خود را بیش از پیش افزایش داد. از سوی دیگر عراق با فرستادن خلبانی خود برای آموزشی در فرانسه، شیروی، پرگلزاوی و با استخدام خلبان خارجی (بلژیکی، پاکستانی و برزیلی)، کم‌سود خود را در این زمینه رفع می‌کرد. رسانه‌ها در مقایسه‌ای، برتری هوایی عراق به ایران را داشت به یک اعلام کردند. عراق ۵۰ هر ووند هوایی می‌رازد - ۱ و ۷۵ خلبان برای پرواز آنها در اخبار داشت. شیروی و فرانسه هم‌سرین صادر کنندگان تسلیحات نظامی به عراق بودند و آمریکا نیز انتفاع جنگ‌افزار و در درجه اول هلیکوپتر، هوایساهای اکتشافی و سلاح‌های سک به عراق ارسال می‌کرد. مسجین طبق اعلام کارشناسان نظامی، عراق دارای ۴۰ نسکر رزمی و ۴۵۱ نا ۱۰۰ هواپیمای جنگله بود. تقویت ارتش عراق چنان اوچ گرفت که در عین اینکه کارشناسان ناوارهان «سیا» در اوایل تأسیستان ۶۵ متوسط قریب‌الوقوع عراق را پیش بینی می‌کردند بعد از چند ماه به این تنبیه رسیدند که با پیش‌ورود موقعيت نظامی عراق، ارتش عراق نه تنها نهادم ایران را کنده خواهد کرد، بلکه به یاتکه نیز دست خواهد زد و ممکن است تلاش کند تا «فار» را تیز پس بگیرد. همسکاری کشورهای غربی به خصوص آلمان و هلند با عراق، برای تولید سلاح‌های شیمیایی نیز چنان گسترش شده بود که چندین مجمع تولید این سلاح‌ها در حرمه شهربهای سامراء عکشه و القیم تأسیس شد و تنها در مجمع سامراء مبالغه حدود ۱۰۰۱ تین ماده مورد استفاده در ساخت سلاح‌های شیمیایی تولید می‌شد.

باز دارندگی، یا عمل مقابله به مثل جواب می‌دادند، از قبیل زدن کشته‌ها یا زدن موشک به نقاط حساس نظامی، اقتصادی و یا سیاسی بغداد و بمباران این گونه اهداف در داخل یا خارج شهرها و وارد آوردن ضربه‌ای در جبهه‌های عتوان جواب شرات‌ها و در صورتی که این گونه عملیات می‌توانست به مردم غیر نظامی و بی‌گناه آسیب بررساند، به دستور امام قبل از اقدام، به مردم اطلاع رسانی می‌شد تا آنها از ناحیه خطر احتراز کنند و در مواردی کوچ ریاد مردم از منطقه خطر، برای رژیم عراق در درسر زیاد به بار می‌آورد، نمونه‌های تریادی از موارد مورد اشاره، در سرتاسر کتاب ملاحظه خواهید کرد، مشکل دیگری که در سیاست مقابله به مثل داشتیم، این بود که متاجوزان از بنادر یا فروندگاه‌ها یا کشته‌های کشورهای جنوب خلیج فارس استفاده می‌کردند که برای ما درگیر شدن با آنها مطلوب نبود؛ این مشکل هم به نحوی حل شده بود که با کمی دقت در حوادث روزانه، قابل تشخیص است، یکی از نمونه‌ها توقيف کشته کویتی حامل سلاح برای صدام بود.

رخنه‌های کوچک

یکی از سیاست‌های ارتش بعثت، برای حفظ روحیه خود و جنگ روانی علیه ایران، رخنه‌های کوچک در مرزها و نقاط کم اهمیت و ضعیف جبهه‌ها بود که پس از انجام آن، موج بزرگی از تبلیغات و پخش تصاویر غیر واقعی با کمک امپریالیسم خبری ایجاد می‌شد. این موارد بیشتر در نقاط کوهستانی شمال غرب که اهمیت استراتژیک و تغییر قابل توجه در جنگ نداشت، از قبیل منطقه مریوان و حاج عمران و.... اتفاق می‌افتد.

هدف دیگر دشمن از این گونه عملیات، جلوگیری از اجرای هدف تشکیل پانصد گردان و تمرکز قوا برای حمله سرنوشت ساز بود. زیرا رزم‌ندگان ما ناچار بودند برای تقویت آن بخش از جبهه‌ها و عقب راندن دشمن و نیز پاسخ مناسب به تحرکات ایدلایی، نیروهای خود را به کار بگیرند. موارد متعددی از این نوع عملیات کوچک ارتش و سپاه را در این سال می‌بینید که با این اهداف و نیز گرم نگهداشتن فضای کشور و جامعه، برای توجه به ضرورت دفاع و حضور در جبهه‌ها و گاهی برای مشغول کردن حواس نیروهای دشمن انجام شده است.^۱

نبرد اقتصادی

دشمنان و حامیان آنها از مشکلات اقتصادی ما در شرایط جنگی مطلع بودند. کم شدن تولید و به

^۱-مشروح عملیات‌های انجام شده در سال ۱۴۶۵ در بخش فضایم کتاب درج شده است.

خصوص تولید نفت و نامن بودن خلیج فارس برای صدور نفت و گران شدن بیمه‌ها در اثر نامنی سیر کشته‌ها و هزینه‌های فراوان جنگ و گران تمام شدن خریدهای نظامی از بازار سیاه و واسطه‌ها و چیزهای دیگر، فشار زیادی بر اقتصاد کشور و تأمین نیازهای ضروری مردم وارد می‌کرد.

آنها از طریق جلوگیری از تولید و فروش نفت ما و تشویق دیگر کشورهای نفت خیز، برای اشباع بازار و پرکردن خلاء نفت ایران و عراق و حتی فروش نفت به وکالت از عراق - که صادراتش به شدت محدود شده بود و در صدور نفت، فقط متکی به خط لوله نفت شمال از طریق ترکیه و یا با تانکرهای نفتی از طریق اردن شده بود - فشار اقتصادی زیادی بر ما وارد می‌کردند.

در این بخش فشار بر اوپک برای عرضه بیش از نیاز مصرف نفت، باهدف پایین نگهداشت قیمت نفت و تلاش‌های پیگیرانه ایران برای مهار مقدار عرضه نفت و حفظ قیمت نفت، در جای جای کتاب قابل توجه است و عجیب اینکه بعضی از کشورهای نفت خیز، با تحمل خسار特، به هدف شوم فشار بر ایران کمک می‌کردند!

استقرار از بانک مرکزی

در بودجه سال ۶۵، اعتباری برای تأمین هزینه‌های تجهیز پانصد گردان، جهت عملیات سرنوشت ساز دیده نشده بود و منع دیگری برای تأمین آن در دسترس نداشتیم. در حالی که حامیان عراق، تمامی نیازهای اقتصادی و جنگی آن کشور را سخاوتمندانه تأمین می‌کردند.

تنها راه ممکن، استقرار از بانک مرکزی بود و این مورد هم چیزی نبود که بشود در مجلس شورای اسلامی، برای کسب اجازه مطرح شود، زیرا دشمنان پی به مشکلات ما می‌بردند و فشار را بیشتر می‌کردند. پس از بررسی در جلسات سران قوا، راه را منحصر به کسب اجازه استقرار از امام یافتیم و رسمی و محترمانه، از امام درخواست اجازه اخذ سی میلیارد تومان وام کردیم و امام اجازه را صادر فرمودند و بانک مرکزی هم همکاری خوبی داشت. به موارد زیادی بر خورد می‌کنید که نیازهای فراوان و متنوع جنگ، از این منبع تأمین می‌شود.

توجه جهان به بی آینده بودن بعثت عراق

سوابق عملیات خیز، بدرو والفجر ۸ در داخل خاک دشمن و ناکامی عراق و حامیان آن در نتیجه گیری از شرارت‌ها و ملاحظه قدرت مقابله به مثل ایران و مشاهده استقبال مردم از فراخوان اعزام به جبهه‌ها و حماسه‌های روح افرای برنامه‌های اعزام به جبهه، حامیان صدام را به فکر آینده نگری و

باز کردن دریچه‌ای به سوی ایران انداخته بود و بخشی از مخالفان بعث عراق را هم، برای همراهی با ایران دلگرم نموده بود که نمونه‌هایی از آنها را در خاطرات این سال می‌بینید از جمله:

عملیات در عمق خاک عراق در کردستان

از سال‌های قبل، کردهای عراق تحت فشار و سرکوب صدام بودند و با ایران هم پیش از انقلاب همکاری داشتند و بعد از قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره، میان [محمد رضا] شاه و صدام دچار مشکل شده بودند و یا غیگری بخشی از ضدانقلاب کردهای ایران هم، همکاری آنان در دفاع با ایران را دشوار می‌کرد.

آنها با مشاهده تفوق و دست بالای ایران در جنگ، همکاری با ایران را افزایش دادند؛ به نحوی که نیروهای ایران توانستند تا اعمق کردستان عراق پیش روی کنند.

قرارگاه حمزه، عملیات در شمال غرب و عمق خاک عراق را مدیریت می‌کرد و علاوه بر تصرف مناطقی در کردستان عراق، برنامه انهدام تأسیسات نفت کرکوک و خط لوله نفت شمال و نیز نجات اسرای ایرانی از اردوگاه موصل و نظایر آن را در دستور داشت. اتحادیه میهنی کردستان عراق (طالبانی‌ها) و حزب دموکرات کردستان عراق (بارزانی‌ها) و احزاب اسلامی کرد عراق، همکاری همه‌جانبه‌ای را با رژیوندگان ما داشتند که تا آخر جنگ ادامه داشت و پس از جنگ هم این دوستی و همراهی، تاکنون ادامه یافته است.

پیشنهاد شاه عربستان

آقای ملک فهد که کمک‌های زیادی به صدام کرده بود و می‌دید که آینده‌ای سیاه در سرنوشت صدامیان، قابل پیش‌بینی است، پیشنهادهایی برای همکاری ایران و عربستان سعودی، برای پایان دادن به سلطه بعث عراق و صدام و نجات مردم عراق و منطقه از دست صدام، به ما ارائه کرد.

یکی از این پیشنهادها که از طرف پادشاه عربستان با واسطه ارائه شد، آن بود که ایران به مدت یک هفته، جنگ را در چجه‌ها متوقف سازد و آنها خودشان برای برداشتن صدام اقدام کنند. این پیشنهاد در جلسات سران قوا بحث شد و امام هم در جریان قرار گرفت و به طور جدی پیگیری‌هایی به عمل آمد، اما در نهایت نتیجه‌ای حاصل نشد.

سعودی‌ها از سویی از درخواست‌های روز افرون بعث، برای دریافت پول و پشتیبانی نظامی به تنگ آمده بودند؛ صدام با ادعای دفاع از اعراب منطقه، از آنها باج خواهی داشت و حاضر به

پرداخت و امهای دریافتی نبود و هنوز هم مطالبات آنها پرداخت نشده و از سوی دیگر شاهد نجابت و متناسب ایران در برخوردار با آنها، در عین اطلاع داشتن از کمک‌های فراوان پولی و تدارکاتی و سیاسی اعراب منطقه بودند.

در این سال همچنین بازداشت تعدادی از حجاج ایرانی بیت الله الحرام با ادعای حمل مواد منفجره، تنشی‌هایی را پدید آورد که با خویشتنداری ایران و عربستان، ماجرای حل و فصل شد. نمونه‌های مختلفی را در خاطرات خواهید دید که نشان دهنده تحول تدریجی در دیدگاه مقامات کشورهای حاشیه خلیج فارس به صدام و آحسنه شدن روند پشتیبانی آنها از بعث عراق بود.

آمریکا-مک‌فارلین

از نمونه‌های جالب در این سال، در خصوص توجه به قدرت ایران و ضعف بعث عراق، داستان سریال مانند و طولانی معامله سلاح در مقابل وساطت ایران در نجات گروگان‌های غربی است. بخش مهم این جوابان، در ایران به نام رسوانی مک‌فارلین معروف شد و در آمریکا به نام ایران گیت یا ایران کنترار در رسائی‌ها مطرح گردید.

خوبخانه دفتر نشر معارف انقلاب موفق شده مشرح این جوابان مهم و جذاب تاریخی را در کتابی به نام "ماجرای مک‌فارلین؛ فروش سلاح - آزادی گروگان‌ها" تهیه، تنظیم و منتشر نماید.

خلاصه ماجرا که در یادداشت‌های این کتاب به ترتیب زمانی می‌خوانید، چنین است: مأموران ایرانی تهیه سلاح، در روابط خود با دلالان بین‌المللی فروش سلاح، با فردی به نام آقای منوچهر قربانی فر برخورد می‌کنند و با او معاملاتی هم انجام می‌دهند. او از فراریان ایرانی بود.

در تاریخ اول شهریور سال ۱۳۶۴ آقای قربانی فر می‌گوید با آمریکایی‌ها که از زمان رژیم سابق در ایران همکاری داشته، برای تهیه سلاح ارتباط برقرار کرده و متوجه شده است که آنها دچار مشکل جدی مسائل گروگان‌های خود در لبنان هستند و نجات آنها می‌تواند در سرنوشت انتخابات آینده آمریکا، تأثیر اساسی داشته باشد و آنها می‌دانند که ایران در نیازهای مقاومت لبنان نفوذ دارد و مایلند در مقابل تأیین نیازهای دفاعی ایران، نجات گروگان‌های را به دست آورند. او ضمن ارسال نامه‌ای، از جلسه ملاقاتش با سران جمهوریخواه آمریکا [ستانلور دول رئیس سنای آمریکا و جرج بوش معاون رئیس جمهور آمریکا] گزارشی با مضامین متن فوق می‌نویسد^۱.

ایران هم که برای فعال نگاه داشتن ردارها و موشک‌های فونیکس و تاو، هاک و هاریون، نیاز

^۱- برای مطالعه این نامه رجوع کنید به هاشمی رفسنجانی، امید و دلوابسی، کارنامه و خاطرات، ۱۳۶۴، دفتر نشر معارف انقلاب، صفحه ۵۴۷.

شدید به قطعات با خود این تجهیزات را داشت، آمادگی خود را با هدف تأمین این نیازها و نیز اهداف انسانی نجات انسان‌های به گروگان رفته و نیز نجات لبنان از بدنامی گروگان‌گیری، اعلان می‌کند.

مذاکرات مکرر طولانی بین او و آقای [محسن] کنگرلو مشاور تختست وزیر ایران، به شروع تحويل سلاح و شروع آزادی گروگان‌ها که با تلاش زیاد سر نخی از عوامل ریاضی آنها به دست آمده بود، می‌شود. سوء ظن حاکم بر دو طرف و دیوار بلند بهی اعتمادی در میان دوکشور ایران و آمریکا، باعث کندی حرکت بود، در حالی که هر دو طرف، نیازمند سرعت عمل بودند.

کار داد و ستد به تدریج و کند پیش می‌رفت، ولی صبر آمریکایی‌ها را به تمام شدن بود که ریسک سفر مقام عالیرتبه‌ای مثل آقای مک‌فارلین را با نام غیر واقعی در رأس یک هیأت پذیرفتند. هدف آنها این بود که کار را یک سره و به قول خودشان بخش‌های ضخیم را آب کنند.

این اقدام به آضافه موارد تردیدانگیز دیگر آمریکایی‌ها، به جای حرکت جهشی، کار را به بنست رساند. دروغگوئی آنها در قیمت اجناس تحويلی و گرفتن چند میلیون دلار اضافی و نیز آلوهه کردن کار با دخالت دادن مأموران اسرائیلی، باعث سوء ظن ما شد و به خصوص اینکه هیأت آمریکایی هم بخش ناچیزی از اقلام مورد توافق را با خود آورده بود.

عدم موافقت امام و سران قوا با ملاقات و مذاکره با ایشان و انجام مذاکره در سطح مدیران میانی، باعث رنجش مک‌فارلین و ناتمام گذاشتن کار و رفتن او شد.

با این همه آمریکا دست بردار نبود و فاز دیگری برای ارتباط و ادامه معامله به وجود آورد. این پار از طریق مسارت ما در انگلستان و از طریق یکی از بستگان من، [آقای علی هاشمی] به خواست فرمانده سپاه پاسداران که نیاز به سلاح را بیشتر از دیگران لمس می‌کرد، شروع شد و در فاز دوم هم سلاح‌هایی در مقابل وساطت خود به دست آوردیم، ولی هدف برای هر دو طرف ناقص ماند.

پس از مدتی، ماجرا که تا آن زمان مخفی مانده بود، توسط مجله الشراع لبنان فاش شد و در ایران هم به دستور امام، ایتحانگاب کل جریان را همان گونه که بود، در سخنرانی روز ۱۳ آبان در مقابل مجلس و سپس در مصاحبه با خبرنگاران توضیح دادم.

در آمریکا این حرکت‌های مخفیانه و بعضًا مخالف قوانین آن کشور، طوفانی به پا کرد و در ۱۴ دسامبر (۱۳ آذر ۶۵) دادستان ویژه آمریکا برای کنترل بحران کاخ سفید در قبال ایران شروع به کار کرد.

همچنین کمیته اطلاعاتی سای آمریکا، هیأت تحقیق تشکیل داد و از همه افراد دخیل در ماجرا بازجویی کرد و در نهایت گزارشی با عنوان گزارش تاور از تحقیقات مذکور منتشر شد که نشان دهنده

صحت ادعای ما و تناقض در گفتار آمریکائیان بود. گزارش تاور ضربه مهلهکی بر جمهوری خواهان که قبل‌اً در جریان حوادث اشغال لانه جاسوسی در مقابل دموکرات‌ها سود برداشت، وارد کرد. خوانندگان در سراسر کتاب، قطعاتی از این سریال طولانی منطبق بر تاریخ رخداد می‌خوانند. ولی مجموعه جریان و مقدمات و مقارتات و آثار آن، همراه با تحلیل حادثه را در کتاب "ماجرای مک‌فارلین" مطالعه فرمائید!

اروپا

در حاشیه مسأله ایران و آمریکا، اروپائی‌ها که گروگان‌هایی در لبنان داشتند، متوجه به ایران شدند و نمونه‌های کوچکی از دادوستدها تحقیق یافت که در جای خود، در این کتاب آمده است. نامه اسنف اعظم کلیساً کاتولیک اینگلیس به من، برای همکاری مشترک برای آزادی نماینده ربوده شده اسقف، تری‌ویت و یاقن و آزادی [احمد] متولانی و [محسن] موسوی، دیپلمات‌های ربوده شده ما در بیروت، نمونه‌ای از آن است که در خاطرات نمونه‌هایی از این همکاری‌ها را مطالعه می‌کنید. در خصوص فرانسه این همکاری‌ها بیشتر بود و به اخراج عناصر ضدانقلاب از این کشور و پرداخت بخشی از بدھی‌های سابق فرانسه از بابت شرکت اورودیف انجامید.

این تذهبون؟

پس از افشاری جریان مک‌فارلین، هشت تن از نماینده‌گان مجلس، با هدف سوء استفاده سیاسی اقدام به طرح سئوالی از وزیر امور خارجه - که در این ماجرا نقشی هم نداشت - کردند^۱ و امام راحل که متوجه

۱ - برای آگاهی از موضع مک‌فارلین رجوع کنید سے کتاب ماجراه مک‌فارلین، فروشن سلاح - آزادی گروگان‌ها، محسن هاشمی، حبیب‌الله حمیدی، دفتر شعر معارف اقلاق، ۲۸۸.

۲ - سوال این هشت نماینده چنین بود: "رباست محترم مجلس شورای اسلامی، احتراماً نهادندازی به وزیر محترم خارجه ایلاع گردید تا طبق اصل ۸۸ قانون اساسی در مهلت مقرر در مجلس، حاضر و به سوالات دیل پاسخ دهد: ۱ - با فرجه به اینکه وزارت امور خارجه اینه دار اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تعین خط‌نشی با مقام عظیم رغبری و مجلس شورای اسلامی است، در رابطه با حضور اینه دار اینکه این اخبار از داخل و خارج کشوده در خصوص ارتباط با دولت آمریکا، اعلام دارند که این ارتباط در چه سطحی صورت پذیرفته است؟

۳ - نظر به اینکه مجلس هیچ گونه اطلاعی از این فعل و اتفاعات نداشته است، اعلام دارند چه مقامی با مقاماتی، تضمین به این تناس و ارتباط گرفته‌اند؟ ۴ - نظری که شنیده می‌شود، امرادی خارج از کادر وزارت امور خارجه با هیأت آمریکایی تناس گرفته و مذاکره نموده‌اند، اتفاقاً اعلام دارند که این افراد مأموریتی از جانب وزارت امور خارجه داشته‌اند یا خبر و در صورتی که پاسخ منتهی باشد، مجوز قانونی تناس و ارتباط افراد مذکور آنکه این افراد مأموریتی از جانب وزارت امور خارجه داشته‌اند یا خبر و در صورتی که پاسخ منتهی باشد، مجوز قانونی تناس و ارتباط مذاکره نموده‌اند، مجزو مذاکرات، چه بوده و مذاکرات به چه تضمیماتی منجر گردیده است؟ ۵ - ضمناً موضع قیلباً وزیر محترم امور خارجه در (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

سیاسی و باندی بودن سوال شده بودند، با نهیبی رهبرانه جلوی حرکت انحرافی آنها را گرفتند و این اقدام امام، بدون درخواست کسی و فقط به اراده شخص خودشان بود که از اول تا آخر در جریان مسائل بودند و در متن کتاب می بینید^۱.

با این همه، بالاخره اطمینان به دست نیامد که قصد واقعی آمریکا از این حرکت چه بوده و مدارکی وجود داشت که آمریکا به خاطر بی آینده بودن دولت صدام و نیز وابسته بودن بعث عراق به اردوگاه شرق و جلوگیری از تزدیک شدن ایران به اردوگاه شرق، به خاطر نیاز تسلیحاتی و جلوگیری از قطع وابستگی ایران به سلاح غربی؛ در صدد تغییر اساسی در تأمین نیازهای جنگی ایران است، اما در عمل با رفتار قطره چکانی تحويل سلاح و آلوده کردن جریان با دخیل کردن اسرائیل و نیز سوء استفاده از گران فروشی برای تأمین طرقدارانش در نیکاراگوئه، تردیدها را بیشتر می کرد و به خصوص که احتمال انتخاباتی بودن اصل حرکت هم وجود داشت، ولی مدیریت خوب ایران بر مسئله، نتیجه کار را تا حدودی به نفع ایران و ضرر آمریکا تمام کرد.

نامه‌های مهم

در این میان در ارتباط با طرفهای خارجی و اینجانب، نامه‌های مهمی برای فرانسه و چین نوشته‌ام که نکات مهم و قابل توجهی از اوضاع آن زمان و شرایط جنگ و موضع نادرست اردوگاه‌های غرب و شرق و ارجاع را نشان می دهد^۲.

اصلاح ساختار نظامی

مشکلات ساختار و ترکیب نیروهای نظامی مان، کم کم آثار منفی خود را نشان می داد. تفاوت دید فرماندهان ارتش و سپاه در شیوه جنگ و اختلاف نظر در فرماندهان خود ارتش در شیوه فرماندهی، سه نیرو و وابستگی سازمانی هوانیروز و نیز جدی شدن تأسیس سه نیرو در سپاه و توسعه موازی کار پر هزینه و نگرانی بعضی فرماندهان ارتش از این جهت، مسائلی بودند که هم در کار دفاع و استفاده از امکانات موجود، مشکلاتی به وجود می آورد و هم وقت زیادی از مشغولات بالای نظامی را می گرفت.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بران گذاشته شده و پاسخ مشارلیه مقنع نبوده است. [عده‌کنندگان] سید احمد حسینی سیرجانی، جلال الدین فارسی، نیکروش، سید محمد

خامنه‌ای، موسویانی، حسینی التجیفی، رهانی، فهیم کرمانی (با سوال بند چهارم موافق هستم)، اسراییلیان.

^۱- متن کامل سخنرانی حضرت امام در تاریخ ۲۹ آبان ۶۵ در بخشی تصاویر همین کتاب درج شده است.

^۲- متن نامه‌های مذکور در پایان همین کتاب در بخش تصاویر آمده است.

یکی از نمونه‌های زجرآور آن، فشارها برای تغییر فرماندهی نیروی زمینی و هوایی بود که سرانجام علیرغم عدم تمايل ماه شهید صیاد شیرازی مجبور به استعفا شد. درخواست فرماندهان ارتتش برای استفاده از تیروهای داوطلب و شهادت طلب مردمی و موافع انجام این خواسته نیز با توجه به نقش بی‌بدیل این تیروهای داوطلب در خط شکنی در عملیات آفندی و متقابلاً درخواست سپاه برای گرفتن ابزار جنگ از ارتش، مشکلات را تشذیب می‌کرد.

خوانندگان با ملاحظه مواردی از این گونه مشکلات در خاطرات روزانه که نمونه‌ای از موارد فراوان است، می‌توانند پی به مشکلات دفاع مقدس ببرند.

اقدامات عراق برای مقابله با عملیات سرنوشت

برای جلوگیری از اجرای عملیات سرنوشت و یا حداقل ممانعت از موقفيت آن، اقدامات متعدد و گسترده‌ای صورت می‌گرفت، طوری که می‌توان گفت در این زمينه یک اجماع و وحدت نظر بین‌المللی بین ابرقدرت‌ها، شرق و غرب و دیگر حامیان رژیم بعضی وجود داشت.

مهمنترین موضوع در این زمينه، توانایی دشمن در بسیج و تجهیز نیروی انسانی برای مقابله با عملیات آتی بود که مقدمات آن از قبل بنا نهاده شده بود. به این ترتیب که از ابتدای هجوم سراسری عراق، نه تنها هیچ نیرویی از ارتش این کشور ترخیص نشد، بلکه به تدریج از یک طرف افراد مسن تر و از طرف دیگر افراد جوان تر فراخوانده می‌شدند، طوری که در شهریور ماه ۱۳۶۵، مردان ۴۱ و ۴۲ ساله و همچنین نوجوانان ۱۷ و ۱۸ ساله به خدمت وظیفه فراخوانده شدند. بقیه مردان بین این سنتین، از قبل در اختیار ارتش عراق بودند. در این دوره، بسیج نیرو و چنان بود که برخی رسانه‌ها آن را «بزرگ‌ترین تجمع نیرو از شروع جنگ» خوانند و اعلام کردند که عراق با بسیج گسترده بیش از یک میلیون نیرو، از جمله اعزام فوق العاده داشجویان، خود را برای مقابله با حمله آتی ایران آماده می‌کند.

از دیگر تلاش‌های گسترده و مهم دشمن، افزایش اقدامات مهندسی در جبهه جنوب به ویژه در منطقه شرق بصره بود. این اقدامات شامل ایجاد مواضع جدید پدافندی، تحکیم خطوط پدافندی، مرمت خاکریزها و جاده‌ها، ایجاد مواضع سلاح‌های سنگین و تجهیزات زرهی، احداث سنگرهای ایجاد مواضع و استحکامات و همچنین آب اندازی در بعضی از مناطق بود که بیشتر از همه در مناطق قاوه، حرایر واقع در اروندرود (ام‌الرصاص، ام‌البابی، ماهی و بوارین)، طلاشه، کوشک و چپیر صورت می‌گرفت. با وجود همه آسیب‌پذیری‌های بصره، بعضی‌ها تا جایی که توانستند خود را آماده کردند.

عراق علاوه بر احداث دیوار زرهی، خاکریز طولانی و تمرکز سربازان در منطقه، در مناطق عظیمی از مرداب‌ها آب انداخته بود تا فضای مانور ما را کاهش دهد.

برای جلوگیری از غافلگیری و پی بردن به زمان و مکان حمله اصلی نیروها، دشمن فعالیت‌های زیادی می‌کرد. شناسایی در مناطق مهم و حساس از جمله فاو، شرق بصره و ابوالخصب، جزایر مجنون و شرق العماره بیش از سایر نقاط بود. هر چند، دشمن در جبهه میانی و شمال غرب نیز در تلاش برای پی بردن به اهداف عملیات آینده بود. دشمن علاوه بر اغزام تیم‌های گشتی شناسایی به نقاط مختلف خطوط پدافندی، روز ب روز بر تعداد دکلهای دیده‌بانی خود می‌افزود. همچنین در این زمینه هلی‌کوپترهای شناسایی و هواپیماهای عکس برداری آنها فعال بودند. همه این اقدامات برای کسب اطلاعات، افزون بر اطلاعاتی بود که از طریق مأهوارهای آواکس‌ها و آواکس‌ها در اختیار عراق قرار می‌گرفت. همچنین ارتضی عراق برای گسترش میدان دید خود، اقدام به از بین بردن درختان، نیزارها و روییده‌ها در بعضی از مناطق می‌کرد. از جمله نیزارهای جلوی منطقه چزابه را به آتش کشید. اعلام آماده باش در مناطق مختلف و بازدید فرماندهان عراقی از خطوط پدافندی نیز اقدامی به منظور حصول اطمینان از آمادگی نیروها بود. پرتاب منور و فعالیت تیمارها در شب از دیگر تلاش‌ها برای جلوگیری از غافلگیری بود.

عملیات کوبالای ۴ و کربلای ۵

بالاخره با تلاش زیاد، ساز و برگ و نیروهای مورد لزوم عملیات سرنوشت ساز، با امید به ختم جنگ در صورت رسیدن به اهداف عملیات، تا حدودی آماده شد.^۱ بحث‌های ستادی و قرارگاهی و نیز

۱- هم زمان با طرح ریزی عملیات، اقدامات آماده سازی عملیات، از جمله اعزام و آموزش نیرو، اقدامات مهندسی، شناسایی، نیمه نجہرات مورد تیار ادامه داشت. فراخوانی و تدارک نیروی مورد نیاز عملیات از مهندسین دخالت‌ها به شمار می‌آمد و اختلال عدم تأمین ۵۰۰۰ هکتار زمین پیش‌بینی شده برای عملیات، بر مشکلات می‌افزود. یکی از مشکلات مربوط به فراخوانی و اعزام وسیع نیروهای داوطلب بسیجی بود که اساساً اجرای هر عملیات، وابسته به آیین بود. هم رمانی برخی اعزامها با برداشت محصولات کشاورزی و نیز بازگشایی مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها از دلایل روز این مشکل بود. به هر حال، برای تأمین نیروی مورد نیازه، اعزام‌های متعددی از شهرهای مختلف صورت گرفت و برنامه‌های گوناگونی طراحی شد. از جمله، به منظور گسترش سازمان رزم، سیاه پاسداران با ابلاغ دستورالعملی به توانی مختلف سپاه، دستور تشکیل اردوگاه‌های انصارالحسین را با هدف تسريع اعزام‌های رزم، استمرار زوند اعزام نیرو، نگهداری و به کارگیری نیروهای اعزامی و تجمع نیروها در مناطق مختلف داد. همچنین تختت وزیر با ابلاغ بخشش‌های در تاریخ ۱۷/۸/۱۳۶۵ از قبورت هشتگاری همه جانبه کلیه وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی جهت فراهم آوردن تمهیلات لازم برای اعزام نیروگر سپاه مجده (پس)، که قرار بود در هفته سیم (۱۱ آذر) صورت گیرد، تأکید کرد. از سوی دیگر، اقداماتی به منظور جلب مشمولان نظام وظیعه به عمل آمد که موقوفیت چنانی نداشت.

دسته دوم مشکلات و مراجع تأمین ۵۰۰۰ هکتار زمین، مربوط به تجهیره، تدارک و آموزش نیروهای نیز می‌شد. در اوضاع خاصی که (اماده پاورتی در صفحه بعد)

اقدامات آموزشی و تهیه اطلاعات از اردوگاه دشمن و تدارکات پشتیبانی و به خصوص لوازم دفاع در مقابل سلاح شیمیایی دشمن و توصیه فرماندهان انجام شد و روز موعود فرارسید.

عملیات در شب ۳ دی ماه آغاز شد و من به عنوان فرمانده جنگ در منطقه حضور داشتم و تا لحظه شروع آغاز، نشانی از مطلع شدن دشمن به دست نیامده بود و به نظر می‌رسید، عنصر غافلگیری که نقش اساسی در شکستن خطها و پیروزیهای اولیه دارد، تأمین است.

با شروع عملیات، گزارش‌های اولیه خبر از پیشرفت در اکثر محورها می‌داده، اما اولین خبر از ناکامی در بعضی از محورهای اصلی و مهم، نشان از اطلاع داشتن دشمن از برترانه عملیات داشت، لحظاتی سیار تلحی گذشت تا اطلاعات تکمیلی رسید و معلوم شد در چند محور، نیروهای پیشناز با موافع جدی مواجه شده و تلفات زیادی داده‌اند و در موادری عقب‌نشینی انجام شده و تحرکات هوایی، توپخانه‌ای و موشکی دشمن هم در منطقه، وسعت کم ساخته‌ای گرفت.

هدف عملیات، تصرف ابوالخصب و محاصره نیروهای مستقر در شبه جزیره فاو تهدید بصره از جنوب بود، تصرف فاو و رأس‌البیشه که ایران را با کویت هم‌سایه کرده و راه زمینی عراق را به شمال خلیج فارس قطع کرده بود، می‌توانست با تصرف ابوالخصب کامل شود. با این اقدام کل شبه جزیره فاو آزاد می‌شد، موقعیت ما در خلیج فارس بیش از پیش تقویت می‌گردید و نیز بصره از جنوب در خطر سقوط قرار می‌گرفت.

شواهد و قرائن نشان می‌داد که دشمن از طرح عملیات آگاه شده و با مسدود کردن دو طرف معتبر کم عرض آبی «ام‌الرصاص»، پیشرفت نیروها را دچار مشکل کرده است. اجرای انبوه آتش دشمن روی نقاط خاص و حساس اروند رود، سازمان غواص‌های خط شکن و نیز قایق سواران را که موج دوم و سوم را تشکیل می‌دادند، بر هم زده بوده، اما نیروهای غواص از تنگه گذشتند و در جزیره بلحایه پیاده شدند. در محورهای دیگر نیز با شکسته شدن خطوط دشمن در جزایر سهیل و ام‌الرصاص جنگ به خشکی کشیده شد، برای نخستین بار در جنگ، خط دشمن در شلمچه نیز شکسته شد، اما تداوم عملیات میسر نبود.

(ادامه پاورنی از عصیجه قل)

محدودیت‌های انتصاراتی و تحریم تسلیحاتی شدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شد، امر تجهیز و تدارک این گردندها خود از مسائل مهم نزد همچنین تنوع عملیات، که از پیچیدگی خاصی برخوردار بود، همروز روند سازمانی دهی و آموزشیهای خاصی را ایجاد می‌کرد که می‌آمد تبروی داوطلب، به تبروی حردهای و تخصصی تبدیل شود تا بتواند مراحل مختلف و پیچیده عملیات را جلو برد، بنابراین، حتی موقوفت در فراغتی و اعراض تعداد کافی از نیروهای داوطلب تبروای شکل دهی^{۱۰۵} گردن ریزی موردنیاز کافی نبود و سرمایه‌گذاری عظیمی، از جمله برای تدارک و تجهیز و به خصوص در زمینه تبروی انسانی متخصصین و کادر، جهت آمژش و سازماندهی این نیروهای مایستی صورت می‌گرفت.

پس از یک بحث قرارگاهی سریع، تصمیم بر این شد که اسم عملیات را به کربلای ۴ و هدف آن را عملیات محدود برای جواب شرارت‌های اخیر ارتش عراق اعلام کنیم و به انتظار بررسی بیشتر و تصمیم در مورد ادامه کار بمانیم.

تrodیدها، بحث‌ها و شرارت‌ها

در فاصله دو هفته بین دو عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ مذاکرات و مشورت‌های فشرده و پیچیده‌های داشتیم. از سویی فضای امید و نشاطی که در دوره تجهیز نیروها و اعزام از جامعه داشتیم که انتظارات زیادی شکل گرفته بود و از سوی دیگر ضریب‌هایی که به بخشی از نیروهای پیشتاز وارد شده بود و باعث تضعیف روحیه بخشی از فرماندهان و تقویت روحیه دشمنان شده بود، که تبلیغات سهمگین عراقی‌ها و امپریالیسم خبری آن را پیگیری می‌کردند.

کافی است خوانندگان محترم، متن مذاکرات یکی از جلسات مشورت ستادی و قرارگاهی را که اخیراً در نشریه وزین نگین منتشر شده، ببینند که گوشه‌ای از بحث‌های فشرده آن شرایط است.^۱

تصمیم شجاعانه

بالاخره در پایان جلسه در قرارگاه خاتم الانیاء در ساعت ۴ بامداد روز ۱۸ دی ماه ۶۵ تصمیم نهایی گرفته شد و فرمان آماده شدن برای عملیات کربلای ۵ را صادر کردم و به تردیدها پایان دادم^۲ و انصافاً عملکرد نیروها و فرماندهان - حتی آنها که از لحاظ نظری، مخالف انجام عملیات در آن زمان بودند - نمونه خوبی از انضبط نظامی و تعهد فرماندهان و نیروهای جنگ است.

کربلای ۵

سرانجام پس از آن فرمان تاریخی، در ساعت ۲ بامداد روز جمعه ۱۹ دی ماه ۶۵ عملیات کم نظیر کربلای ۵ آغاز شد که خوبشخانه در این مورد، دشمن کاملاً غافلگیر شد، زیرا فکر نمی‌کرد به این

۱ - بخشی از این مذاکرات در مخاطرات نیمه اول دی ماه و بطنی دیگر در بخش فسایم درج شده است. خوانندگان ارجمند برای اطلاع از مشروع طرح ریزی و تصمیم‌گیری برای عملیات کربلای ۵ رجوع کنند.^۳

۲ - آقای هاشمی این تصمیم را چنین بیان کرد: "اما آقایان ایجاد مذکور را توجه به همه اظهاراتی که شده، نظرمان این است که [عملیات] ایشان الله فردا شت انجام شود و فرماندهی آقای رضایی که حضور دارند ایجا تا لحظات آخر (قبل از عملیات) مسائل را بین نظر دارند. اگر وضع فوق العاده پیش نیامد، همین طور که دستور داده، عملیات انجام می‌شود. اگر ایشان تشجیع داد که خواست متوقف کنند، ولی فقط ابلسان این حق را دارند، یعنی فرماندهان دیگر، این حق را ندارند".

زودی و تنها دو هفته پس از پایان عملیات کربلای ۴، ما یتوانیم اقدام به عملیات با آن وسعت دست بزرگیم.

در این عملیات مواضع عراق در کاتال پرورش ماهی، پنج ضلعی و شلمچه از سمت شمال مورد هجوم قرار گرفت و بسیاری از درهای نفوذناپذیر تسخیر شد. به این ترتیب خشنودی عراق در متوقف کردن عملیات ابوالخصیب (کربلای ۴) بیرونی نپایید و دو هفته بعد، بصره که زمین‌های اطراف آن بسیار مسلح و نفوذناپذیر شناخته می‌شده در مقابل هجومی جدید و تهدیدی جدی قرار گرفت؛ هجوم نیروهای پیاده‌ای که اگر به زرهی و هلی کوپتر تجهیز شده بودند، پیشروی آنان تا دروازه بصره، مسلم به نظر می‌رسید.

فرضت دادن به نیروهای رزمی ما و واگذاری این منطقه، به معنای تسلیم عراق و تحقق حواسته‌های ما در جنگ بود، لذا عراق پذیرفت که برای سد کردن رژیم‌گان ایران، بهای سنگینی پیردازد و با گسیل انبوه نیروهای خود به منطقه‌ای با وسعت کم، در زیر آتش شدید و مؤثر نیروها ایستادگی نماید. این اقدام که به متلاشی شدن شمار فراوانی از یگان‌های عراقی انجامید، بدین معنا بود که عراق برای از دست ندادن زمین شرق بصره، آماده پذیرش تلفات فراوان است. پیروزی ایران در این زمین، شمارش معکوس پایان جنگ را در پی داشت. عبور از استحکامات شرق بصره نشان داد پیروزی ایران در هر وضعیت متصور است.

عبور از موانع مستحکم شلمچه و شکستن خطوط دشمن و عبور از استحکامات کم نظیر که به نظر عراقی‌ها غیر قابل نفوذ خوانده می‌شد، افتخار بزرگ نظامی در تاریخ نبردهای کلاسیک به نام رژیم‌گان ایران اسلامی ثبت کرد و نتایج حاصل از این عملیات، ستد محکمی بر قدرت نظامی ایران در سال ششم جنگ است. در این حال تلاش گسترده‌ای برای جلوگیری از شکست ارتش عراق صورت گرفت که در نهایت به تصویب قطعنامه ۵۹۸ انجامید.

در عملیات کربلای ۵ تعدادی از شیمردان جبهه از جمله حسین خرازی فرمانده دلاور لشکر ۱۴

امام حسین(ع) و اسامیعیل دقایقی فرمانده غیور لشکر ۹ بدره، شربت شیرین شهادت نوشیدند. همان روزها اخبار تأمل انگیزی به دست آمد که کارشناسان نظامی از شرق و غرب و همراه با خود صدام، در قرارگاه‌های جنوب عراق به منظور جلوگیری از تسلط ایران بر منطقه استراتژیک و نفت‌خیز بصره، با فرماندهان نظامی عراق همکاری داشته‌اند و در اثر همان پشتیبانی‌ها بود که در مراحل میانی و نهائی عملیات، مقاومت ارتش عراق خیلی سخت و جدی شده بود، به طوری که آقای شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه و فرمانده میدان عملیات می‌گفت درگیری‌ها آن چنان سخت و

فسرده شده بود که به جنگ تن به تن منجر می‌شد، مثل اینکه نیروهای دو طرف با مشت به صورت یکدیگر بزنند. آنها آمریکا را هم به خاطر استفاده ایران از موشک‌های تاو آمریکایی در انهدام وسیع تانک‌های بعضی و استفاده از موشک‌های دقیق‌هاک در جلوگیری از حملات هوایی، مورد انتقاد قرار داده‌اند.

بعداً مطلع شدیم آمریکایی‌ها بودند که صدام را از برنامه عملیات ما مطلع کرده‌اند و این کار منجر به عدم دسترسی به اهداف در عملیات کربلای ۴ شد و در تمام روزهای عملیات کربلای ۴ و ۵، ماهواره‌ها و هوایی‌های جاسوسی آواکس آمریکا، مأمور کنترل منطقه و دادن اطلاعات لازم به ارتش بعثت بوده‌اند و در جریان دخالت‌های علی‌اللهی آمریکا در درگیری‌های خلیج فارس علیه نیروهای ماء، شواهد بیشتری از تلاش آمریکا، برای جلوگیری از پیروزی مطلق ایران به دست آمد.

کار ناتمام

نیمه کاره و ناتمام ماندن عملیات کربلای ۵ و عدم امکان پیشرفت تا حد کنترل بصره، باعث شد که این عملیات هم حرکت نهایی و سرنوشت ساز موعود نشود و یک سال و نیم دیگر جنگ ادامه یابد و در سال ۶۶ بار دیگر شاهد پشتیانی‌های بی دریغ شرق و غرب و ارتجاج از رژیم بعضی رو به زوال باشیم.

سفرهای فراوان جنگی

در این سال و مخصوصاً نیمه دوم سال به خاطر نظارت بیشتر بر امور جنگ، سفرهای فراوانی به جنوب و غرب و مناطق جنگی داشتیم.

با توجه به مسئولیت اداره مجلس که نشان حضور من در تهران هم بود، تنظیم سفرها تبدیل به برنامه پیچیده‌ای شد که دشمن از غیبت من و حضورم در جبهه‌ها، کمتر مطلع شود. توع مسیرها و استفاده از لباس مبدل و راههای فرعی و ماشین و قطار و گاهی هوایی هواپیما از لوازم این برنامه است.^۱

بستگان و فرزندان

از ویژگی‌های دفاع مقدس ما، شرکت شخصیت‌ها و فرزندان آنها در دفاع مقدس، همدوش سایر

^۱- آفای هاشمی در سال ۱۳۶۵ در مجمع ۱۰ سفر به مناطق جنگی استان خوزستان انجام داد. چهار سفر با قطار و شش سفر با اتوبوس بود: ۵ فروردین تا ۹ فروردین، ۴ مهر تا ۷ مهر، ۱۸ آذر تا ۲۳ آذر، ۳۰ آذر تا ۵ دی با قطار و ۹ دی تا ۱۴ دی، ۱۷ دی تا ۲۴ دی، ۲۸ دی تا ۴ بهمن، ۱۴ بهمن تا ۱۷ بهمن، ۳۱ بهمن تا ۳ آسفند و ۸ آسفند تا ۱۵ آسفند با خودرو به سفرهای جبهه پرداخت.

رزمندگان گمنام و داوطلب است. در این سال و سال‌های قبل، نوه امام و فرزندان قائم مقام رهبری و رئیس جمهور و بسیاری از وزرا و نمایندگان و قضات و علماء، در میدان‌های نبرد به صورت مکرر و گمنام شرکت داشته‌اند و دو فرزند اینجانب در خط مقدم جبهه، مجروح و یکی از آنها مصدوم شیمیایی شد که هنوز هم آثار رنج دهنده آن ادامه دارد.

در این خصوص چند نامه به فرزندان خودم و خواهر بزرگم که فرزندش [شهید محسن شریفیان]^۱ به شهادت رسیده و خواهرزاده دیگر که فرزندش را تقدیم جهاد مقدس کرده، نوشته‌ام که بتواند دستاورد قابل توجهی در معروفی فضای جهاد مردمی در راه اسلام و وطن باشد^۱.

صناعع نظامی

با استفاده از منابع مالی که امام اجازه داده بودند و با استفاده از تجارت سال‌های سابق جنگ، تحولی مهم در صنایع نظامی آفتدی و دفاعی مان در این سال به وجود آمد که با تداوم آن در سال‌های پس از جنگ، ایران را تبدیل به یک قدرت قابل توجه در صنعت نظامی کرد، به خصوص که این صنایع، براساس درک درست از نیازهای واقعی نظامی شکل گرفت.

در این سال برای کاهش مشکلات تأمین تجهیزات مورد نیاز جنگ، ابتکارهایی به عمل آمد، از جمله اینکه با همکاری تعدادی از کارگاه‌های پخش خصوصی و همچنین کارخانجات صنعتی، تولید گلوله خمپاره و توب را افزایش دادیم. با تلاش صنایع دفاع، برخی انواع سلاح‌های سبک تولید شد و یا به تولیدات آنها افزوده شد. بسیاری از تجهیزاتی که خسارت دیده بود، بازسازی و قابل استفاده مجدد شد. با همکاری دانشگاه‌ها برخی از نیازها از جمله خشی کننده‌های سلاح‌های شیمیایی و نیز داروهای ضروری جبهه‌ها ساخته شد. با این همه، نیاز به تجهیزات و تسليحات سبک و سنگین چیزی نبود که به سادگی مرتყع شود.

تولید اکثر مهمات مصرفی جنگ، تعمیر کشته‌ها، تانک‌ها، توب‌ها، هوایپیماها، بالگردها و راکت‌ها، ساخت انبوه توب‌ها و خمپاره اندازها، ساخت قایق‌های سریع السیر نظامی و دو منظوره، شروع ساخت زیر دریایی‌ها و مین‌ها و مین روب‌ها و مین کوب‌ها؛ صنایع دفاع شیمیایی و صنایع مخابرات و ابزارسازی و سرانجام توجه ویژه به ساخت موشک‌های کوتاه برد، میان برد و دوربرد انجام شد که اهمیت نقش آنها در جنگ و به خصوص جنگ شهرهای کوتاه برد و توانستیم در سال آخر جنگ، استفاده عملیاتی از آنها را آغاز کیم.

^۱- من نامه‌ها را می‌تراند در پخش خسایم همین کتاب مطالعه کنید.

اهمیت صنعت موشکی به نظر خودم آن چنان بالا بود که از محسن - فرزندم - که رشته تحصیلی اش به درد صنعت موشکی می‌خورد، خواستم تحصیلش را ناتمام بگذارد و برگردد. او آمد و سپس سرپرستی یکی از حساس‌ترین بخش صنعت موشک‌سازی را به عهده گرفت.

با تلاش جوانان عالم و فداکار، این برنامه پس از جنگ هم ادامه یافت و خویشخانه شمره این جهاد صنعتی دفاعی، به جایی رسیده که امروز ابرقدرت‌های ناسازگار با انقلاب اسلامی، قدرت موشکی ایران را در ردیف خطرهای جدی منافع نامشروعشان ارزیابی می‌کشد و آخرین صحنه بروز آن، پرتاب ماہواره "آمید" به فضا و قرار گرفتن آن در مدار مشخص شده اطراف کره زمین است که آن هم، پایه‌اش را از احساس نیاز دوران دفاع مقدس دارد و البته در اینجا باید از نقش رهبر کشور دوست لبی و همچنین کوه شیالی، در تحويل سایت موشکی و موشک‌های دوربرد مورد نیاز، برای مقابله به مثل شرارت‌های صدام حسین مدعی دفاع از عروبت هم قدردانی شود که باعث تسریع آشنازی دانشمندان ما با فنون موشکی شد.

در لابلای خاطرات روزانه، موارد فراوانی از مراجعة مستولان صنایع دفاع و رفع موانع و مشکلات آنها و تأمین مالی بروژه‌های دفاعی در عین مشکلات فراینده اقتصادی کشور، می‌خوانید.

نگرانی از حال امام

هفتم فروردین که برای سرکشی وضع ججه در خوزستان بودم، دفتر امام برای یک امر مهم و ضروری و فوری، از من خواستند که به تهران برگردم. معلوم شد که از رئیس جمهور هم که در آن زمان خارج از تهران بوده‌اند، خواسته شده که خودشان را به تهران برسانند و متوجه شدیم که مسئله به کمالت امام مربوط است.

پس از مراجعت، در جلسه‌ای با حضور پزشکان معالج امام و حاج سید احمد آقا معلوم شد که امام در لحظه‌ای زنگ خطر را - که با توجه پزشکان، همیشه همراه داشتند - به صدا در آورده‌اند و یکی از پزشکان معالج سریعاً خود را به امام رسانده و ایشان را در حال بیهوشی یافته و با ماساژ مخصوص، امام را از بیهوشی در آورده و ایشان را به بیمارستان کوچکی که با تدبیر احمد آقا و پزشکان در جنب منزل امام در جماران ساخته شده، منتقل کرده‌اند و به لطف خداوند حاشان به سرعت بهبود یافته و در هنگام زیارت‌شان، کاملاً عادی به نظر می‌رسیدند و پزشکان گفتند خطر رفع شده و ضرورت مراقبت دائم تأکید شد.

مسئله آیت الله منتظری و قائم مقامی رهبری

مشکل دیگری که در طول سال ۶۵ در جای جای خاطرات به چشم می‌خورد، مسئله بیت و شخص آیت الله منتظری و سید مهدی هاشمی و در نتیجه قائم مقامی رهبری است که با توجه به وضع حال امام، خود یک مسئله فوری و حیاتی جلوه می‌کرد. در این باره چند نقطه مشخص در این خاطرات وجود دارد:

- ۱ - شخص آیت الله منتظری، با توجه به مقام نیابت رهبری و امام که به تصویب مجلس خبرگان رهبری هم رسیده بود، ایشان شخصیت دوم نظام و امید آینده به شمار می‌رفت؛ موضع و اظهارات و اقدامات ایشان، مورد توجه محافل داخلی و خارجی بود.
 - ۲ - ایشان در اظهارات خودشان، صریحاً از دولت، مجلس، قوه قضائیه و جنگ، انتقاد می‌نمودند و رسانه‌های داخلی و خارجی، موضع ایشان را بزرگنمایی می‌کردند؛ چیزی که با توجه به شرایط، مورد رضایت شخص امام و مسئولان کشور نبود.
 - ۳ - آقای سید مهدی هاشمی که سخت مورد اعتماد آقای منتظری بود، اقدامات و اظهارات و موضع غیرمنطبق با موضع نظام برور می‌داد و مسئولان امنیتی و اطلاعاتی کشور، آنها را مخالف امنیت نظام می‌دیدند و مشروح به اطلاع امام و سران نظام می‌رساندند. او در بیت آقای منتظری از طریق برادرش [سید هادی هاشمی] -داماد ایشان- نفوذ داشت و امام نظر مساعدی به وضع بیت ایشان و اطراحیان نداشتند و نگرانی خودشان را صریحاً در جلسات ملاقات با سران قوا ابواز می‌داشتند و از ما می‌خواستند، برای نجات نظام و شخص آقای منتظری اقدام کنیم و جلسات مکرر ما با ایشان در قم و تهران و مذاکرات مفصل و تکراری هم مشکل را حل نمی‌کرد.
- رفته رفته امام به این نتیجه رسیدند که خودشان باید برای حفظ وضع فعلی و آینده نظام اقدام کنند و چند بار صریحاً در جمع سران نظرشان را ابواز کردند که از طرف ما با اظهار نگرانی از نتایج آن، عکس العمل داشت. سرانجام قاطعیت امام وارد مرحله عمل شد که نتیجه آن تحت تعقیب قرار گرفتن سید مهدی هاشمی و عزل آیت الله منتظری از منصب قائم مقامی رهبری بود.
- خوانندگان محترم در یادداشت‌های روزانه این سال، به تدریج در جریان حوادثی که به این نتیجه منجر شد، قرار می‌گیرند.

اختلافات خطی و جناحی

اختلافات خطی بین دو جریان عمدۀ فکری نیروهای انقلاب هم با مقداری تخفیف در سال ۶۵ ادامه

یافت. البته با تکمیل کادر دولت و مدیران سطح بالا و جلب توجهات بیشتر به جبهه و مسئله قائم مقامی رهبری و آینده نظام، با توجه به تشدید کسانی امام، شدت سال گذشته را نداشت و گاه‌گاهی خودنمایی می‌کرد.

از جمله فعال شدن دستگاه قضائی روی پرونده انفجار نخت وزیری و بازداشت چند تنفر که از جناح رادیکال بودند و متهم شدن افرادی در سطح بالای آن جناح، باعث بروز تشنجات و تخاصمها شد. امام با ملاحظه این وضع و با توجه به شرایط خطیر کشور، این اقدام را مغایر مصلحت تشخیص دادند و دستور بستن پرونده و آزادی بازداشتی‌ها را صادر کردند.

تعزیرات

از جمله اختلافات دیگر که خالی از تفکرات جناحی هم نبود، مسئله قانون تعزیرات بود که شورای نگهبان با آن موافقت نمی‌کرد و ضرورت آن برای اداره کشور در زمان جنگ مشهود بود. کار به دخالت امام کشید و با دخالت ایشان این مشکل هم رفع شد.

مصوبات مجلس

مجلس شورای اسلامی در سومین سال دوره دوم، علیرغم شرایط خاص جنگ، فعالیت بسیار پریار و شایسته‌ای داشت. در این سال ۷۰ لایحه و طرح به تصویب رسید و ۴۰ لایحه و طرح پس از بررسی توسط نمایندگان رد شد. قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران، قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، قانون منوعیت وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور، قانون بازپرداخت اوراق قرضه گترش مالکیت واحدهای تولیدی، قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون بودجه سال ۱۳۶۶ کل کشور در این سال به تصویب رسید.

حرف آخر

این جلد از خاطرات، نهمین کتاب خاطرات من است. کتاب "دوران بارزه" مربوط به قبل از انقلاب و بقیه مربوط به بعد از پیروزی انقلاب می‌باشد. خاطرات قبل از انقلاب با شیوه مصاحبه تهیه و تنظیم شده و سال‌های ۵۷، ۵۸ و ۵۹ هم با مصاحبه و از روی استناد تنظیم گردیده است. در آن سال‌ها یادداشت روزانه نداشتم، ولی سخنرانی‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و مصاحبه‌های فراوانی داشتم که به اندازه

کافی سند معتبر برای نوشتتن خاطرات در اختیار می‌گذارند.

اما از اول فروردین سال ۶۰ هر روز در یک صفحه از سرسید همان سال، یادداشت‌هایی درباره کارهای خودم و حوادث مهم داخلی و خارجی می‌نویسم و این کار تاکنون ادامه دارد و عملاً برای هر سال یک کتاب آماده در یک تقویم [سرسید] بزرگ موجود است و بنا داریم هر سال یک جلد از آن توسط دفتر نشر معارف انقلاب منتشر شود.

در چاپ و نشر خاطرات، تقریباً عین عبارات مکتوب دستی من می‌آید، جز در مواردی که اشتباهی باشد و یا نشر آن ضرری داشته باشد و یا به کسی توهین شود، سعی می‌شود مطالب مربوط به دیگران در صورتی که احتمال عدم رضایت طرف داده شود، با خود او در میان گذاشته شود و در صورت عدم موافقت، نوشته تمی شود.

در موارد بسیار نادری، اگر چیزی هنوز از اسرار نظام باشد، چاپ نمی‌شود اما چون هنگام نوشتن، توجه داشته‌ام که موارد سری را نویسم، بنابراین موارد حذف، تزدیک به صفر است. معمولاً قبل از چاپ، نسخه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای می‌دهم و نظر ایشان را می‌خواهم. ایشان در موارد کمی اظهار نظر می‌کنند.

دفتر نشر معارف انقلاب در کنار انتشار کتاب خاطرات، چند کتاب دیگر شامل مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌ها، مجموعه خطبه‌های جمعه، مجموعه مصاحبه‌ها و مجموعه نطق‌های پیش از دستور مجلس شورای اسلامی، مربوط به همان سال را ضمیمه کتاب اصلی منتشر می‌کند که این کتاب‌ها می‌توانند مستندات مطالب خاطرات یا توضیحات بیشتر و یا مستقل از آن باشند.

در پاورپوینت کتاب خاطرات نیز ویراستار توضیحاتی راجع به مطالب مبهم می‌نویسد که معمولاً با کسب نظر خود من است. به هر حال سعی و وقت زیادی می‌شود که اصالت و صحت مندرجات تضمین شود و تغییرات، بسیار جزیی و معمولاً لغوی است و اگر در ویراستاری کلمه‌ای اضافه شود، در داخل کروشه می‌آید.

خوبی‌خانه دفتر نشر معارف انقلاب متن تمامی خاطرات نگاشته شده را به لوح فشرده هم منتقل کرده است که در صورت آسیب دیدن یادداشت‌ها، نسخه‌های دیگری وجود داشته باشد. از خداوند متعال شاکرم که توفیق ثبت تاریخ مشعشع انقلاب را تا آنجا که به خود من مربوط است و نیز توفیق نشر بخشی از آن را عطا فرموده است. از تمام کسانی که در این راه مساعدت دادند تشکرم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۸۷/۱۱/۲۷

یادداشت ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس بی پایان، مخصوصاً پروردگار بی همتاست که به ما توفیق عنایت فرمود تا برگزی دیگری
بر تاریخ زرین انقلاب شکوهمند اسلامی و یادمان سال‌های سراسر افتخار و از جان گذشتگی دفاع
مقدس بیفزاییم.

اکنون دفتر نشر معارف انقلاب، جای خود را در میان ناشران کشور یافته است و ابراز لطف
خوانندگان ارجمند و ملت شریف و فهیم ایران اسلامی، ما را بیش از گذشته مصمم ساخته است تا
تلاش خود را برای انتشار کتاب‌های تاریخ انقلاب اسلامی افروزن کنیم.

اردیبهشت سال ۸۷ برایمان فراموش ناشدنی است. کل شمارگان ۳۰۰۰ نسخه‌ای کتاب "امید و
دلواپسی، کارنامه و خاطرات ۱۳۶۴" در دوروز نخست نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در مصلای
امام خمینی(ره) تهران به فروش رفت. این رکورد بزرگی برای کتاب‌های تاریخی در ایران و به گفته
ناشران، امری کم نظیر است. دفتر نشر معارف انقلاب از این استقبال بسیار شایعه و پرشور ملت
قدرشناس، مشکر و ممنون است و خود را رهین نمی‌توجه مردم می‌داند و به آن سرخوشانه می‌بالد.

اینک دفتر نشر معارف انقلاب بر اساس قول خود، صحیفه دیگری از خاطرات روز نوشت حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تقدیم فرهیختگان، تاریخ پژوهان و علاقمندان تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌نماید.

در این کتاب تأثیر همانند کتاب‌های خاطرات پیشین شامل دوران مبارزه، انقلاب و پیروزی، انقلاب در بحران، عبور از بحران، پس از بحران، آرامش و چالش، به سوی سرنوشت و امید و دلواپسی، خاطرات یک سال آمده است. در سال ۱۳۶۵ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جانشیتی فرمانده کل قوا و فرماندهی جنگ را عهده‌دار بودند. همچنین ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگی حضرت امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع را بر عهده داشتند و به دلیل تزدیکی به امام عملآ در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های کلان کشور، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند. بنابراین مطالبی که به قلم ایشان در آن روزها به صورت روز نوشت به رشته تحریر در آمده است، علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهنده بخشی از تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سال‌ها می‌باشد و قطعاً این خاطرات در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی، دستمایه مفید و ارزشمندی برای پژوهشگران و مورخان خواهد بود.

انتخاب نام کتاب‌ها مانند همه کتاب‌های قبلی توسط خود آقای هاشمی انجام شده است. ایشان با توجه به کلیات خاطرات یک سال، نامی را انتخاب می‌کنند و خوشبختانه این نام‌ها با استقبال دست‌اندرکاران عرصه کتاب و کتابخوانی مواجه شده است.

در این کتاب تغییراتی نسبت به کتاب‌های خاطرات قبلی مشاهده می‌کنید که حاصل توجه به دیدگاهها و نظرات شما عزیزان می‌باشد که در نامه‌ها و یا تماس‌های تلفنی و یا در نمایشگاه‌های کتاب ابراز کرده‌اید. سعی ما بر آن بوده که پاورقی و توضیحات کتاب را بیشتر و پرمحتواتر کنیم، بخش تصویری کتاب را غنی‌تر کرده‌ایم و از صفحه آرایی جدیدی برای زیبایی بصری صفحات استفاده نموده‌ایم. تقاضا می‌کنم نظرات خود را مانند قبل با ما در میان بگذارید که تقاضص و ایرادات موجود را بر طرف نمائیم.

دفتر نشر معارف انقلاب خوشبختانه توانست به تقاضای فراوان برای تجدید چاپ کتاب‌های گذشته، جامه عمل پیشاند و مجموعه ۵ جلدی خاطرات را به بازار کتاب عرضه نماید.

دفتر نشر معارف انقلاب امیدوار است با حمایت بیشتر نهادهای فرهنگی از جمله سازمان استاد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی - که اکنون همکاری و مساعدت‌های شایسته‌ای دارد - و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توفیق عرضه سریع مجلدات را به شما خوانندگان محترم به دست آورد.

دفتر نشر معارف انقلاب نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد تا متنوی صحیح، پاکیزه و روان با استناد دست اول و عکس‌ها، نقشه‌ها و مستندات تاریخی انتشار دهد. در این مسیر نیازمند یاری هموطنان فرهیخته و بزرگوار هستیم که با ارسال عکس، سند و نامه‌های تاریخی در این کار بزرگ فرهنگی سهیم باشند.

همچنین تشکر ویژه دارم از همکاری و مساعدت ارزشمند و صمیمانه دوست عزیزم حضرت حجت‌الاسلام والملمین حاج سید حسن خمینی و جناب آقای حمید انصاری و همکاران تلاشگران شان در دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) که قبول رحمت کردند و کتاب‌های دفتر از جمله این کتاب را مطالعه کردند و نظرات صائب و مفیدی را ارائه دادند. امیدوارم این همکاری استمرار داشته باشد. از درگاه خداوند سبحان مسئلت می‌نماییم توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی به خوبی اداء کنیم.

در پایان لازم می‌دانم از تلاش‌های مجدهای جناب آقایان مسعود سپهر و شهرام اصغریان و همچنین همکارانم در دفتر نشر معارف انقلاب جناب آقایان سید علی نقی موسوی، حبیب‌الله حمیدی، داریوش باریکانی، جلال خیمه کبود، مجید اسدی و مسعود هاشمی و سرکار خانم کاشانی زاده و ویراستار مجموعه جناب آقای قادر باستانی قدردانی و تشکر کنم.

دفترنشر معارف انقلاب محسن هاشمی

۱۳۸۷

عکس حاج آقا

فروردين ماه

عکس فروردین ماه (امام)

صفحه ۳۳ شروع متن

اوج دفاع

۳۳

جمعه ۱ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۰۶ | 21 March 1986

به نماز جمعه رفتم.^۱ در جماران برف می‌بارید اما در دانشگاه تهران هوا آفتاب کمرنگی داشت. هوا سرد بود. لشکر فجر مجاهدان عراقی برای رفتن به جیهه در نماز جمعه شرکت داشتند.^۲ به همه کارکنان دفترم مثل هر سال، هزار تومان عیدی دادم.

اول وقت آقایان محسن رضایی و صیاد [شیرازی]^۳ اطلاع دادند دشمن در منطقه پنجوین حمله کرده و ارتقای کانی مانگارا از ارشاد ماگرفته است. صیاد آمد، توضیح داد و برای جبران مافات به سوی [جیهه] غرب حرکت کرد.

امام برخلاف معمول هر سال با مسئولان جلسه نداشتند و فقط خانواده‌های شهدا به زیارت امام

۱ - در خطبه اول نماز موضعی عید نوروز از دیدگاه اسلام عورد بحث قوارگفت و درباره تحول روحی در انسان‌ها و نگاه مشت اسلام به لریم ایجاد تحول در زندگی شخصی و اجتماعی انسان با فرا رسیدن سال جدید مظلالم طرح شد. در خطبه دوم نماز مسایل جنگ و نیایج عملیات والفتح و شرافت جدید مرد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "جنگ اکبریه به مقاطع خراسانی رسیده و اگر ما خوب برخورد کنیم و پنهان قصبه را درست بگیریم و مستکلین، مردم، رزم‌دگان و تمامی ارکانها و مردم آشنا به اسلحه، حساسیت این مقاطع را به خوبی نپس کنیم، سال جدید ما نباید ای شاهله سال پیروزی را موقتیت خواهد بود." در جمیع کتب "هاتمی رنسجانی، خطبه‌ای جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - نیروهای لشکر فجر هشکن از عساکرین عراقی در این روز از مقابل مجلس اعلای انتساب اسلامی عراق در عینان فردوسی تا محل

برگزاری مراسم نماز جمعه در دانشگاه تهران را زده و پس از شرکت در نیار جمعه، رامی جیهه‌های نبرد شدند.

۳ - آقای محسن و خانای فرمانده کل مباراک و اسد ار انتساب اسلامی و سرهنگ علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی بودند.

رفتند. عصر عفت و یاسر همراه آقای خامنه‌ای به مشهد رفتند. فائزه هم به رفسنجان رفته است. من و مهدی در منزل ماندیم^۱، موسی عید نداشتم و دید و بازدیدی نبود.

۲۲ March ۱۹۸۶

شبہ ۲ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ ربیع‌الاول

صیح زود فاطی و سعید به رفسنجان رفتند. من و مهدی در تهران ماندیم. برای سختوانی در سمینار سید رضی؛ بیشتر به مطالعه درباره او و حکام زمانش پرداختم.^۲

آقای سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد و گزارش داد که دیشب نیروهای ارتش در پنجوین بخشی از آنچه پریش از دست داده بودند، پس گرفته‌اند. از اطرافیان خاص [سرهنگ صیاد شیرازی] فرمانده نیروی زمینی شاکی بود و ضعف نیروی زمینی را معلوم کارهای آنها و حذف نیروهای لایق می‌دانست و علاج را در برکناری آنها عنوان می‌کرد و برای فرماندهی نیروی زمینی، سرهنگ [حسین] حسنی سعدی را پیشنهاد می‌کرد.

فائزه از رفسنجان تلفن کرد. معلوم شد به زمین خورده و بیهوش شده ولی سریعاً علاج شده است.

عصر عفت از بعضی ناهماهنگی‌ها در مشهد تلفنی گله کرد.

با آقای [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور تلفنی صحبت کرد و گفتم خوب است با آقای فهد.

شاه عربستان - تلفنی صحبت کنند و او را تشویق نمایند که با اوپک بهتر همکاری کنند. گویا مذاکرات کفراس اوپک پیشرفت کرده و تولید کنندگان نفت تلاش می‌کنند قیمت را به همان بیست و هشت دلار در هر بشکه برسانند و راه را هم کم کردن تولید می‌دانند و فعلًاً بحث بر سر مقدار کاهش تولید

۱ - باقر عفت مرعشی همسر آقای هاشمی رفاطه، محسن، ناصر، مهدی و یاسر فرزندان و دکتر حمید لاهوتی و دکتر سعید لاهوتی دامادهای ایشان هستند.

۲ - ششمین کنگره نفع البلاعه به نام "هراره سید الرضی" از روز ۴ فروردین ۱۳۶۵ بد مدت ۵ روز با سختوانی، دانشگاه ایرانی و خارجی درباره شخصت فرهنگی سید رضی در حسبیه ارشاد برگزار شد. ابوالحسن محمد بن الحسن الموسوی، معروف به سید رضی و شریف رضی، متولد سال ۳۵۹ هجری در بغداد، با پیچ و اسطه از سوی پدر به امام موسی الكاظم(ع) و با پند و اسطه از سوی مادر به امام زین العابدین، علی بن الحسن(ع) و به روایتی به امیرالمؤمنین(ع) می‌رسد. پدرش ابراهیم حسین بن عوسی، از روزگاری کمیش نقيب مادات علوی بغداد بوده است. سید رضی در دوران جوانی به تفسیر و ترقیح آیات الهی زوی آورد عشق و علاقه‌وی به قرآن از همان اوایل کرد کی آغاز شده بود چنانکه بعد از پادگیری، انس دایم و راحله همیشگی با قرآن برقرار کرد و در سی سالگی فرهادت مکناغی قرآن را حفظ کرد از همواره با رعیمه کلام الهی آیه دل را جلاهی بتعظیم. بعد از گذراندن علوم مختلف قرآنی علاوه بر شیرینی قرائت دوستان گردید کیمی، خرد را با دریابی از زیبایی‌های روح بخش همراه می‌باست که وسعتش بی‌اینها و عابتش بی‌عنهای بود. سید رضی معجزه در جمالی ثانیاً که آیات الهی دست به قلم برداشته باشد تا فطره‌ای از دریابی نیکران تعالیمیش را برصفحه روزگار جاری سازد. ثمره این تلاش ما اخلاص از جمله گردآوری کتاب سترگه "نفع البلاعه" بوده است.

نفت و سهمیه‌های است؛ گویا عربستان صمیمانه همسکاری نمی‌کند و وقت کشی می‌نماید. شب دکتر [حسن] روحانی آمد. درباره جنگ مذاکره کردیم. گزارش هیأت اعزامی به [جهه] غرب را آورد که برای مقصراً عقب نشینی از منطقه چوارتا، تقاضای تنبیه کرده‌اند. شب محسن رضایی تلفنی خواست که نیروهای جهاد رزمی از جبهه شمال غرب به جنوب بروند و صیاد خواست که همان جا بمانند. قرار شد فردا تصمیم بگیریم.

یکشنبه ۳ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۹۸۶ March ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. کتابخانه‌ام را تنظیم کردم. با جلسه فرماندهان ستاد قرارگاه خاتم در تماس بودم. در این جلسه مسائلی در ارتباط با تبادل امکانات ارتش و سپاه برای جنگ مانند توپخانه، نیرو و... مطرح بود. جلسه تا ساعت چهار بعد از ظهر طول کشید و بالاخره به نتایجی رسیدند؛ لابد مثل گذشته در مرحله اجرا به اشکال برمی‌خوریم. تعدد مراکز نظامی [ارتش و سپاه] مضر است و نمی‌شود چاره‌ای کرده جوش کاری هم مسکن است نه علاج.

خبر دادند که ارتش از منطقه کانی مانگا و گزیشن -دو ارتفاع مهم در منطقه پنجوین عراق- عقب نشینی کرده است و لابد به اینجا هم ختم نمی‌شود. این ارتفاعات را در عملیات والفجر چهار گرفته‌ایم. آقای سعیدی از ژنو تلفن کرد و گفت کنفرانس اوپک تصمیم گرفته است سطح تولید نفت را به چهارده میلیون بشکه در روز کاهش دهد و تولید کنندگان خارج اوپک هم قبول کرده‌اند که تولیدشان را کم کنند، ولی مقدار را نگفت. ضمناً سهمیه عراق را یکصد و هفتاد هزار بشکه بالا برده‌اند. در پذیرش این توافق تردید داشت. گفتم اگر مخالفت با افزایش سهمیه عراق موجب به هم خوردن تصمیمات اوپک شود، پذیرنند. باید برای حفظ قیمت نفت فدایکاری کنیم و ضرر سیاسی را با توضیح جریان نماییم.

عصر احمد آقا آمد. درباره احتمال دخالت خطوط سیاسی در پرونده انفجار نخست وزیری، لزوم اجرای عدالت، مشکلات تضاد ارتش و سپاه، پیشنهاد ادغام نیروی زمینی ارتش در سپاه، مطرح شدن سپاه به عنوان نیروی زمینی ارتش و حفظ دو نیروی هوایی و دریایی، ضعفهای قوه قضائیه و لزوم تقویت شورای [عالی] قضائی بحث شد.

شب آقایان [عالی] شمخانی و [محسن] ارفیق دوست آمدند. از عملکرد سپاه و تداوم عملیات

والفجر ۹ گله کرد و گفتم شما کار را شروع کردید و آن را ناقص به دست ارتش دادید و خودتان را عقب کشیدید و اهمیت لازم را به موضوع ندادید و عراق بخشی از شکست خود را جبران کرده و ارتش تحریر و فتح مخدوش شده است.

پیشنهاد گسترش واحدهای سپاه را داشتند. گفتم وضع موجود را تقویت کنند. پیشنهاد تعویض [سرهنگ صید شیرازی] فرمانده نیروی زمینی را داشتند، گفتم طرحتان را بیاورید. در مقابل اشکالات پاسخی نداشتند. شام را با مهدی، حاضری خوردیم.

دوشنبه ۴ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۳ March ۱۹۸۶

صبح به احمد آقا تلفنی گفتم به امام عرض کنید که امروز در صحبت‌های خودشان، مردم را تشویق به رفتن به جبهه‌ها کنند. از آقای [میرحسین موسوی] تخت وزیر درباره نتایج جلسات اوپک پرسیدم. معلوم شد دیشب وزیر نفت اندونزی با کاهش سهمیه‌اش مخالفت کرده و نزدیک بوده همه چیز از هم پیاشد که ایران شرط خود را پس گرفته و پیشنهاد بررسی بیشتر داده و تصمیم‌گیری به امروز موکول شده است. مثل اینکه عمال استعمار نمی‌گذارند کار به خوبی پیش رود و کارشکنی می‌کنند.

به زیارت امام رفیم، ملاقات رسمی بود. آیت‌الله خامنه‌ای به مشهد رفته‌اند. من [میلاد امام علی (ع)] تبریک گفتم. امام هم مفصل صحبت کردند و مخالفان جنگ را مورد ملامت قرار دادند و تشویق به جبهه رفتن کردند.^۱ به خانه برمی‌گشتم.

۱ - اولین عملیات از سلسله سردهای مربوط به استراتژی تعییب دشمن در جبهه شالی، در منطقه چوارنا با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در سه محور در استقلد ۱۴ اجرا شد و نیروهای خودی تراستند در دو مرحله به اهداف مرد نظر همچون ارتفاعات کوخر نم، تاصر، هاما خلا، موبایل، پلیگه سوز و قله کازال پیر - که از بلندترین غل منطقه است - دست یافتند. چند روز پس از پایان عملیات واقعیت ۹ و تحریل خط به نیروهای پدافندی؛ در حالی که هماطفه منصرفه هست به طور کامل ثبت شده بود، نیروهای عراقی، تراستند که تهاجم تصرف شده را باز پس گیرند. نکته حائز اهمیت، هم زمانی این عملیات با عملیات والفجر ۸ بود، یعنی در حالی که توان اصلی سپاه در منطقه فاو درگیری بود، بگانه‌ای تازه تأسیس سپاه، عملیات والفجر ۹ را انجام دادند و تراستند در تهاجم خود موفق باشند و چنانچه درست ثبت می‌گردند و نیروهای پدافندی جایگزین آنها قادر به حفظ منطقه می‌شوند، نیروهای ایران در منطقه سلیمانی به مرغیت ممتازی دست امن یافتند. آن عملیات نشان داد که در صورت گشودن دو جبهه هم زمان علیه ارتش عراق، توان ذشیع تجزیه می‌شود و قادر نخواهد بود در دو جبهه مجزا و به طور هم زمان به مقابله بپردازد.

۲ - در این دیدار که به مناسبت میلاد حضرت امام علی (ع) انجام شد، مستولاد کشور و جمعی از سفریان و کارداران کشورهای اسلامی حضور داشتند. ایندا آیا هاشمی رفسنجانی را تبریک می‌لاد را سعادت پیشواز اول شیعیان جهان، درباره اهمیت روز سیزدهم ربیع مطابق بیان کرد (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

عکس سخنرانی در کنار امام

آقایان اروج و اقبالی آمدند. بر نامه مسافرت به خوزستان و جبهه و با قطار تنظیم کرده‌اند؛ موافقت کردند. عصر به حسینیه ارشاد رفتند و در مراسم [بزرگداشت] هزارمین سال [تولد] سید رضی که بنیاد نهج البلاغه تشکیل داده بود، سخنرانی کردند.^۱ برای این سخنرانی زیاد مطالعه کرده بودند.

(ادامه پاورپوینت صفحه قتل)

ایشان ماید آوری موقعیت حسان زمانی کشور که از سوی رژیم‌گران اسلام سال پیروزی نام نهاده شده، با توجه به شرایط جهانی منذک شد که ماید در این دورها و ماههای آینده توجه خاصی داشته باشیم. ایشان گفت: "ما در شرایطی فرار داریم که مدعی ادامه راه بزرگ‌تر تاریخ امام علی (ع) هستیم، هر چند شرایط رسانی به آن بزرگوار اجراء نداد. حکومتی با اهداف انسانی و اسلامی را پایاد کند اما امروزه دست این مردم مسلمان و محروم ادامه پانه و رهبری این حکومت با فرزندان آن امام بزرگ است و برای اولین بار با این تبلیغاتی امامت و ولایت، تاریخ شاهد حکومتی از این نوع است." ایشان اظهار امیدواری کرد که با نظرات فقهای عظام به ویژه نظرات رهبر انقلاب رهست جوانان جان برگفت و ایشانگر و حمایت مردم فداکار بتوانیم کار قابل نوجوه در راه پایاده کردن اسلام را سین در تاریخ امروز انجام دهیم. آن گاه امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی درباره تعالیم حکومت امام علی (ع) و شرایط امروز مطالعی بیان کردند. حضرت امام فرمودند: "امروز همه ما مکلف هیسم. جوانهای ماید این جمهودها را پرکنند از انسانهای توی که بحمدللہ هم الآن پرکردند، لئن پیشتر لازم است." رجوع کنید → کتاب "صحیحه امام" جلد بیستم، صفحه ۲۵، مزرسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱ - آقای هاشمی در این سخنرانی گفت: "جمع آوری نهج البلاغه از الهامات خدایی بود. سیدالمرفقی ایندا نصید نداشت که سخنان علی (ع) را جمع آوری سازد بلکه فضیلش براین بود که سخنان ائمه اطهار را در مجموع گرد آوری کند اما وقتی روح کلامات علی (ع) به روح لطیف سیدالمرفقی پیوند خورد، توانست آن را رها کند. لذا سید عمر خود را بر روز این امور گذاشت. شخصیت‌هایی که در تاریخ می‌عائده، آنها بی‌مستند که کاری بسیاری کرده باشند، لذا تبادلهای تکری و فرهنگی باید بر روی کارهای بسیاری که در تاریخ می‌عائده، کار کنند. قرن چهارم که (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

عکس ملاقات با والد

امرور عراق در فاو از سه محور به نیروهای ما حمله و از خط ما عبور کرده ولی با تحمل تلفات زیاد شکست خورده و [سلاح] شیمیاگی زیادی به کار برده است.

آقای نخست وزیر اطلاع داد که کنفرانس اوپک با اصرار کشورهای عراق و ونزوئلا برای بالا بردن سهم تولیدشان، ناموفق به پایان رسیده است و برای دو هفته تنفس داده‌اند. گفتم در مصاحبه خود، عراق را مشغول شکست کنفرانس معرفی کنند.

شب حاجیه والد و بستگان آمدند. برایشان از بیرون غذا خریدیم. عازم عمره هستند. فشار خون والد بالاست و ناراحت است.^۱

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

زمان تولد سید الرضی می‌باشد، فرن اعدای علمی، صفتی، فکری، سیاسی و تمدنی اسلام است. فرنی است که تشیع برای این قرن شناخته شده بود و روح تشیع پیامبر و ولایت از طریق دانشمندان و مجاہدان در سراسر دنیا اسلامی خود و خپرداشت. "روح عکس" کتاب هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، "دفتر نشر معارف انقلاب"، ۱۳۸۷

۱ - پاییز ماه بی بی مسیریان والد گرامی آقای هاشمی در سال ۱۳۷۴ داروغایی را وداع گفت ایشان در کتاب "دوران مبارزه" از والد خود این چیز بیان نکرد: "مادرم از اهالی رومتایی بیرونی بود و در یک سالگی پدرش حاج محمد رضا که شخصیتی نیکرکار بود به دست یکی از اشرار که شناخته نشد، شهید شده بود. او علاوه بر خانه‌داری در امور زندگانی پا پدرم همکاری داشت. او هر چند نی سواد بود، اما اطلاعات خوبی از خواص گیاهان دارویی داشت. اطلاعات و تجربه‌های او برای اعصابی خانواده و حتی اهالی رومتایی بسیار بود، جبان که هنوز هم (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

۲۵ March ۱۹۸۶

سهشنبه ۵ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۴

اول وقت از جبهه سوال کرده، مسأله مهمی نداشتند. به زیارت امام رفقم، مشکلات بین ارتقش و سپاه، اختلاف افسران نیروی زمینی با آقای صیاد فرمانده نیرو و ادامه گزارش‌های قبلی درباره مذاکرات غیر مستقیمی که با آمریکایی‌ها بر سر کمک به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان در مقابل گرفتن امکانات نظامی داریم، را گزارش کردم. در مورد دوم موافقند و دستور احتیاط می‌دهند. برای رفتن به خوزستان از ایشان خداحافظی کردم.

آقای غزالی از مشهد آمد. از برخی مسئولان گله داشت. برای عیادت از مجروحان جنگ به بیمارستان طرف رفته، هدایایی هم دادم. مصاحبه‌ای هم بعد از عیادت از مجروحان انجام دادم. به مجلس رفتم و کارها را انجام دادم. به متول برگشتم. عفت و یاسر از مشهد رسیدند.

ساعت سه بعد از ظهر همراه با یاسر و مهدی و پاسداران برای سفر به جبهه با لباس بسیجی به راه آهن و با [خودروی] پیکان و به صورت ناشناس رفتم. از استگاه ریاط کریم سوار شدیم که کسی ما را نشناسد. در بین راه با آقای [صادق] افشار رئیس راه آهن درباره وضع راه آهن و کمبود بودجه و برنامه‌های توسعه مذاکره کردیم. با آقایان [محسن] رفیق دوست [وزیر سپاه پاسداران]، [علی] شمخانی [جاشین] فرمانده کل و فرمانده نیروی زمینی سپاه و [ابراهیم] سنجرقی^۱ که همراه بودند، درباره امور جنگ و سپاه و ارتقش بحث کردیم. ساعت سه بعد از نصف شب بیدار شدم و تا صبح نخوايدم.

(ادامه پاره‌رقی از صفحه قبل)

گاهی از همان تعریف‌ها استفاده می‌کیم. "رجوع کشید" \leftarrow کتاب "هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه" زیر نظر محسن هاشمی، دفتر شریعت اسلام، جلد اول، صفحه ۵۸.

۱- در این مصاحبه آمده است: "همان طور که انتظار داشتم، مجرحین ایجاد را مانند رژیملدگان میدان جنگ دیدم و آنها به ما روحیه دادند. وضع مذاواه در این بیمارستان سیار خوب است و من گلهای از بیماران نشیدم و با آنکه مجروحین آدمهای جدی و خداقی هستند و جربه‌ایشان را می‌زنند، اما وضع این بیمارستان خیلی خوب بود و نمای از قل هم با این بیمارستان آشنا بودم. خیلی خوب خدمت می‌کنند و از شاهله بقیه بیمارستان‌ها هم این طور نیستند." آنای هاشمی درباره بیانات امام خمینی (ره) در مورد ضرورت رفتن به جبهه‌ها گفت: "سخنان امام آن تدر جلدی بود که عالحظه‌ای ذکر کردیم؛ مجلس رازها کبیم و به جبهه‌ها بروم. ایشان حجت را تمام کردند و معمولاً وقتی امام این طور سخن می‌گیرند، حسائی هست که ما نمی‌فهمیم و لاید مسائل هستی را در نظر دارند که فرمودند تکلیف است و باید به جبهه رفت. ما در شرایطی هستیم که اگر خوب از آن استفاده کیم، می‌توانیم جنگ را به صورت خوبی تمام کنیم و به پیروزی دست باییم و اگر به دشمن مهلت دعیم نا خود را آهاده کنند، ممکن است زبان پیشتری از ما اگرچه شود." رجوع کشید \leftarrow کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵" زیر نظر محسن هاشمی، دفتر شریعت اسلام، ۱۳۸۷.

۲- آقای ابراهیم سنجفی رایط فرماندهی کل سپاه با آقای هاشمی بود.

بادگان گلن

چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ رجب ۱۹۸۶ March 1986

ساعت شش صبح به اندیمشک رسیدیم. به خاطر امنیت بیشتر با قطار آمدیم. تا ساعت پنج بعد از ظهر در پایگاه هوانی دزفول ماندیم. آقایان دکتر [حسن] روحانی^۱، سرهنگ [مصطفی] تراپی و رحیم صفوی آمدند. درباره جنگ و مسائل مربوط دیگر مذاکره کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد. هوا ابری است. از تهران اطلاع گرفتیم، گفتند که عفت برای سفر عمره به مکه پرواز کرده است.

عصر با میتی بوس به اهواز رفیم. سرشب به گلف وارد شدیم^۲. قرار بود فردا برای ملاقات با فرماندهان سپاه که از جبهه می‌آیند، به پایگاه امیدیه برویم. آقای [محمدعلی] انصاری از بیت امام، تلفنی گفت حضرت امام دستور داده‌اند به تهران برگردیم. نگران شدیم و تفسیرهای گوناگون داشتم.

۱ - آقای دکتر حسن روحانی رئیس کمیسیون امور دفاعی مجلس و رئیس ستاد کل پدافند کشور بود.

۲ - یکی از پایگاه‌های مهم و فعال رژیم‌گران اسلام در دوران دفاع مقدس، "پایگاه منظران شهادت" نام داشت که در محل پایگاه گلف شرکت نفت واقع در جزمه اهواز شکل شده بود و به دلیل حساسیت و اهمیت طالیت‌هایش، محل حضور و رقت و آمد فرماندهان ارشد جنگ محسوب می‌شد. برای آگاهی بیشتر از تاریخچه و اهمیت گلن در مقاله‌ای دفاع مقدس به بخش قصاید هسن کتاب مراجعه نماید.

در تلفن بعدی گفتند اگر کار ضروری دارم، برای برگشت عجله نکنم. آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر هم چیزی نمی‌دانست و آقای خامنه‌ای هم در تهران بودند. نخست وزیر گفت احتمالاً آقای [سید کاظم] شریعتمداری به زودی از دنیا برود! از سیاست و کیفیت برخورد با مراسم پرسیده؛ گفتم که در شورای [مرکزی جامعه] روحانیت مبارز، چگونه تصمیم‌گیری شده است.

پنجشنبه ۷ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۷ March ۱۹۸۶

پس از نماز در همان ساختمان گلف اهواز، به مذاکره درباره مسائل جنگ پرداختیم. آقای محسن رضایی از قرارگاه آمد و سپس رؤسای قرارگاه‌های نجف، کربلا، نوح، مسیو لان توپخانه و مهندسی رزمی آمدند و هریک گزارش وضع و کار را دادند و از مشکلات و کمبودها گفتند و تا نزدیک غروب یکسره مذاکره کردیم.

پیش از ظهر با رئیس جمهور تلفنی مذاکره کردم. اطلاع داد که دیروز حان امام به هم خورده و خطرناک بوده است. ایشان را که خارج از تهران بوده، احضار کرده بودند و معلوم شد احضار من هم - که دیشب انجام شد - به این جهت بوده و به دیگران اطلاع نداده‌اند و امروز حاششان بهتر است و خطر رفع شده. عصر از بیت امام پرسیدم. آقای [محمدعلی] انصاری گفت، حالشان به سرعت رو به بهبودی است و دیگر لزومی ندارد من بروم. عصر از اهواز به دزفول آمدیم و شب را در پایگاه هوایی

۱ - آیت الله سید کاظم شریعتمداری از مراجع تقلید شیعه پس از رحلت آیت الله برجردی به عنوان یکی از مراجع جانتین مطرح شد و پس از درگذشت آیت الله محسن حکیم و ارسال پیام تسلیت او سوی محمد رضا شاه پهلوی به ایشان به عنوان مرجع تقلید مورد نظر حکومت مشخص شد. آیت الله شریعتمداری یا روش‌های اتفاقی مخالفت می‌زد. وی معتقد به حرکت تدریجی به سوی حکومت اسلامی بود. آیت الله شریعتمداری در سال ۴۲ به همراه حضرت امام خمینی (ره) مبارزه علیه رژیم پهلوی را آغاز کرد اما روش آیت الله شریعتمداری برخلاف امام (ره) روش مسالمت‌آمیر و صلح جویانه بود. وی در اوج مبارزات انقلابی خواستار حفظ سلطنت و اجرای کامل قانون اساسی شد. که با مخالفت روحانیون طرفدار امام (ره) مراجعت کرد. آیت الله شریعتمداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از شخصیت‌های نواز اول روحانیت مطرح شد و مادرت به تأسیس حزب حق مسلمان در پایان حرب جمهوری اسلامی تکریم. اعضا این حزب در تبریز تحریکاتی را موج شدند و عده‌ای امن شهر را سه روزه روی اشغال کردند. در سال ۶۱ در بین انشای توپشه باندازی، مشخص شد که آیت الله شریعتمداری در جریان تحریکه برده اما آن را تأیید نکرده است. ایشان در تاریخ یزد به اطلاع خود او گزدنا اعتراف کرد. در بین آن جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پک عمل بی‌ساقه در تاریخ شیعه، ایشان را از مرجعیت خلع نمود. از آن پس آیت الله شریعتمداری تا هنگام مرگ در پیار سال ۱۳۶۵ خانه نشین بود. آقای شریعتمداری در روز پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ به علت سرطان کلیه در بیمارستان مهراد تهران درگذشت.

دزفول ماندیم. عراق در جبهه شمال حمله کرده است.

۲۸ March ۱۹۸۶

جمعه ۸ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ ربیع‌الثانی

ساعت سه بعد از نیمه شب با تلفن صیاد شیرازی از منطقه عملیاتی والفجر ۹ بیدار شدیم. از حمله ارتش عراق خبر می‌داد و کمک می‌خواست. به سپاه گفتیم نیرو اعزام دارد. بعد از نماز با اتومبیل به طرف باختران حرکت کردیم. بخشی از جاده‌ها خوب نبود. تقریباً در تمام مسیر از اراضی مزروعی و آباد عبور کردیم؛ غیر از قسمت کوهستانی. در قله‌های خانه کوچکی توقف کردیم و چای و کباب برگ خوردیم. آقای محسن رضایی هم به ما ملحق شد. ظهر به شهر باختران [= کرمانشاه] رسیدیم و در مرکز سپاه پاسداران به صورت ناشناس مستقر شدیم. با جبهه تماس گرفتیم. وضعیت خوب نبود. آقایان محسن رضایی و سرهنگ ترابی برای کمک به آنها به مریوان رفته‌اند که صیاد را تقویت کنند و یا سپاه مسئولیت دفاع را به عهده بگیرد. شب گزارش برنامه‌ها را دادند. آقای حمیدی نیا فرمانده فرارگاه نجف ۲ آمد. گزارش وضع جبهه‌های غرب و برنامه عملیات محدود در منطقه نوسود و زیمناکوه را داد. عصر در منطقه باع مرکز سپاه با دکتر روحانی پیاده روی کردیم و درباره جنگ و ارتش و سپاه بحث کردیم.

۲۹ March ۱۹۸۶

شنبه ۹ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۸ ربیع‌الثانی

بعد از نماز صبح با اتومبیل به طرف تهران حرکت کردیم. برای مشاهده و ملاحظه امنیت منطقه با اتومبیل حرکت می‌کنیم. منطقه آباد و حاصلخیز است. در رستورانی بین همدان و قزوین برای استراحت توقف کردیم. چای و کباب برگ صرف شد. کافه چی من را شناخت. بالباس سیچی بودم. خیلی خوشحال شده بودند. ساعت دو و نیم بعد از ظهر به تهران رسیدیم. خسته بودم.

بعد از استراحت و استحمام به زیارت امام رفتیم. (امام هنگام ملاقات فرمودند: "از لحظه‌ای که تو به طرف خوزستان حرکت کردی، در ناراحتی بودم تا لحظه‌ای که به تهران برگشتی." عبارتی که بنویسد جواب این لطف امام باشد، نیافتیم. گفتم این سفرها خطری ندارد و نباید جنابعالی ناراحت بشوید). امام

عکس تک امام

فرمودند وقتی سرفه می‌کشند استخوانهای سینه‌شان درد می‌گیرد، احمد آقا گفت درد به خاطر ماساژهای شدیدی است که هنگام سکته، دکتر داده است. امام گفتند دلیلش این نیست، هن به شوختی گفتم سرفه نفرمایید. امام از اخبار عقب نشینی ارتیش از تصرفات عملیات والفتح^۹ پرسیدندۀ تأثیر کرد. حالشان خوب و خطر رفع شده است. احمد آقا و دکتر [حسن] عارفی و دکتر [سعید] پور مقدس، گزارش جریان حمله قلبی امام را در حالی که در دستشویی بوده‌اند، دادند. امام با فشار دادن زنگ، دکترها را خبر کرده‌اند. تعبیه زنگ در مراکز خلوت از ابتکارات جالب احمد آقا است. یشان را در بیهوشی کامل یافته‌اند. با ماساژ دکتر پور مقدس، تنفس امام برگشته و سپس به بیمارستان بیت منتقل شده‌اند.

این حادثه در روز پنجمی ۱۷/۱/۶۵ ساعت پنج بعد از ظهر اتفاق افتاده است. از کارهای خوب احمد آقا، تأسیس یک بیمارستان کوچک قلب با وسائل مدرن در کنار منزل امام است که با کمک دکتر عارفی انجام شده؛ مجهز و خوب است. این کار کمک کرده که کالت امام کاملاً مخفی مانده و اگر به بیمارستانهای رسمی منتقل شده بودند، علاوه بر خطری که در بین راه ایشان را تهدید می‌کرد، منتشر شدن خبر کالت، ضربه روانی به جنگ و انقلاب می‌زد و باعث روحیه گرفتن دشمن می‌شد. اول شب آقای محسن رضایی و [سرهنگ] ترابی^۱ از مریوان آمدند. گزارش کامل وضع جبهه والفتح^۹ را دادند؛ خوب نیست و احتیاج به مقاومت سپاه دارد. از آقای نخست وزیر اوضاع را پرسیدم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. عفت به مکه رفته است. برای من، مهدی و یاسر از بیرون شام آوردند: سالاد‌لویه و ساندویچ. شب زودتر از معمول خواهیدم.

۳۰ March ۱۹۸۶

یکشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۰۶

امروز با یاسر و مهدی، در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. آقای رضایی اطلاع داد که وضع جبهه‌ها آرام است. نیروهای سپاه در شمال غربی تقویت شده‌اند و این مسئله باعث بالا رفتن روحیه ارتیش و سپاه شده است. از دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] وضع ارتباطات خارجی را پرسیدم. خبر تازه‌ای نبود. با دکتر روحانی درباره وضع جنگ و تعقیب تصمیم‌ها صحبت کردم. ظهر [آقای غلامرضا] آفازاده [وزیر نفت] آمد و گزارش کامل جلسات اویک را داد. برای

۱- آقای هاشمی به دلیل نمایندگی حضرت امام (ره) در شرایح عالی دفاع، مستولیت دفتر مشاورت امام در ایشان جمهوری اسلامی را عهددار بود. سرهنگ مصطفی ترابی پور از طرف آقای هاشمی در این دفتر فعال بود.

جلسات آینده مشورت کرد و قرار شد هرگونه تلاش برای حفظ قیمت نفت بشود و در ارتباط با عربستان فعال باشیم.

آقای [محسن] کنگرلو [مشاور نخست وزیر] آمد و گفت چهار نفر برای مذاکره درباره گروگانهای آمریکایی در لبنان، آمده‌اند به ایران بیایند و در مقابل کمکهای ما برای آزادی آنها، برنامه ارسال نیازهای دفاعی را اجرا کنند. موافقت کردم بیایند.

آقای محسن رضایی آمد. پیشنهاد شد فرماندهی جنگ را به ایشان واگذار کنم و نیروی زمینی [ارتش] را تحت کنترل عملیاتی او قرار دهم. با استخدام پاسدار افتخاری شش ماهه، برای تقویت کادر لشکرها سپاه و نیز با تشکیل مستاد تیروهای سپاه خارج از قلمرو شورای سپاه و اینکه نامه به امام بنویسند، موافقت کردم.

آخر شب آقای رضایی اطلاع داد که دشمن در منطقه پنجوین، مین‌ها را جمع کرده و گویا قصد تعریض دارد. از جبهه جنوب اطلاع دادند حدود ۱۵ نفر از نظامیان عراقی برای پناهندگی به طرف ما آمده‌اند که نیمی از آنها توسط نیروهای عراقی از پشت تیر خوردند و بقیه رسیده‌اند. آنها می‌گویند وضع ارتش عراق بد است.

دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۹۸۶

اول وقت آقای رضایی اطلاع داد که نیروهای سپاه در منطقه پیشان حمله کرده‌اند و هنوز نتیجه روشن نیست. ظهر آقای [کمال] خرازی [رئیس سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی] آمد و گزارش سفر به کوبا برای شرکت در کنفرانس رؤسای خبرگزاری‌های اسلامی را در جهان خوب است. درباره جنگ روانی و راه‌انداختن فرستنده تلویزیونی در مژه برای داخل عراق تأکید کردم.

عصر برای عیادت خدمت امام رسیدم. امروز هم بی‌نظمی در عملکرد قلب امام دیده شده است. به دکترها گفتم اگر نیاز دارید برای کمک به شما از خارج دکتر بیاوریم، گفتند نیاز نیست. چون کسالت معلوم است و علاج هم معلوم و نگرانی ندارند و به طور کلی حال امام را رو به بهبودی می‌دانند. مدتی با امام حرف زدم. قیافه امام پژمرده شده، صدایشان ضعیف است. سرم در یک دست و بازوی تحریک قلب در دست دیگر، ولی روحیه خیلی خوب است. دستگاه فیلمبرداری کامل و

اتوماتیک در بیمارستان تعیه شده که همه حرکت‌ها را فیلم می‌گیرد و در اتاق دیگر کنترل می‌شود. فیلم ملاقات خودم را در اتاق کنترل دیدم، این فیلم‌ها تاریخی است.

احمد آقا گفت امام توصیه‌های وصیت مانندی می‌فرمایند. به آیت‌الله متظری پیغام می‌دهند که حرفهایشان را با مشورت قبلی پزندند. از آقای رئیس جمهور خواسته‌اند که با دشمنان سازش نکنند. از من درباره چنگ و وضع جبهه‌ها شوال کردند و از حال آقای خامنه‌ای. آقای محسن رضایی اطلاع داد که دیشب در منطقه والفجر ۹ نیروهای ما عمل کردند و به جای اول برگشته‌اند، چون یک جناح موفق نبوده است.

سه شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب ۲۱ | April 1986

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. تلفنی حال امام را پرسیدم. احمد آقا گفت خوب است. عصر آقای [علی] آزادی‌آمد. راجع به سازمان قضائی نیروهای مسلح استمداد کرد که حدود صلاحیت‌هایش تغییر یابد و شامل موارد سیاسی و کیفری مرتبط با حیثیت نظامی هم بشود. راجع به پرونده انفجار نخست وزیری گفت که از بازجویی‌ها چیزی به دست نیامده که سند محکومیت متهمان باشد و بناسنست کیفر خواست صادر شود و به دادگاه داده شود. راهنمایی‌هایی کردم.^۱

شب آقای [علیرضا] افشار [سخنگو و رئیس ستاد مرکزی سپاه] آمد و گزارش ستاد عالی نظارت بر امور اعزام نیروها را - که مرکب از ائمه جمعه، استانداران و فرماندهان سپاه است - داد. فردا سمینار لیبیک با امام دارند. قرار شد من هم بروم. از جبهه‌ها خبر گرفتم. امروز آرام بوده. هوایی‌مای خودمان به اشتباه مراکز استقرار لشکر ۸ نجف را زده، اما خسارت عمده‌ای وارد نشده است.

چهارشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ۲۲ رجب | April 1986

امروز تا ساعت چهار و نیم بعد از ظهر در منزل بودم. به دفتر آقای رئیس جمهور رفتم. در سمینار

۱ - در پرونده انفجار نخست وزیری و شهادت دکtor محمد جواد باهنر و محمدعلی رجائی، افراد مختلفی متهم شدند. از جمله آقای علی تهرانی یکی از کارگران تختست وزیری به علت اینکه معرف مسعود گستاخی (عامل بستگاری) بوده و با او رفاقت داشته، دستگیر شد. بعد از دستگیری علی تهرانی، پای افراد دیگری مانند مهدیس بیزاد غیری و زیر صنایع سرگین، خسرو قبیری تهرانی رئیس وقت اداره اطلاعات نخست وزیری و جنه نفر دیگر به میان آمد. خسرو تهرانی در این‌جا ۶۴ دستگیر شد. به این پرونده رسیدگی کامل نشد و به دستور امام خمینی (ره) پیگیری اتهامات متهمان پرونده موقوف گردید.

«لبیک با امام» که با حضور ائمه جمیع مراکز استانها، استاندارها و فرماندهان سپاه برای پشتیبانی جنگ تشکیل شده، شرکت کرد، ابهاماتی داشتند. سخنرانی کردم و آن ابهامات را رفع نمودم! گفتم هدف تنظیم اعزام نیروهای مردمی و امکانات مردمی و دولتی در خدمت جنگ است. آنها اختیارات بیشتر و سپاه امکانات بیشتر می‌خواستند.

شب سران قوا مهمان آیت الله خامنه‌ای بودیم. احمد آقا تیامده بود. پیشنهاد وزیر خارجه عمان در خصوص پیغام آمریکا مبنی بر کمک ما به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان در مقابل گرفتن نیازهای تسليحاتی مطرح شد. با اینکه اصل مطلب را قبول داریم؛ چون از فاز دیگری در جریان است، قرار شد از طریق دیگری عمل نشود. رئیس جمهور تأکید بر لزوم عدم یأس آمریکا داشتند و من پیشرفت کاری را که از طریق [محسن] کنگرلو انجام می‌شود، توضیح دادم و مورد تأکید قرار گرفت. قرار شد آقای وحیدی مسئول اطلاعات سپاه، با چهار آمریکایی که به این منظور به زودی به ایران می‌آیند، صحبت کنند.

آقای [محسن] رضایی اطلاع داد که چند نظامی عراقی در جبهه به ما پناهنده شده‌اند. آنها می‌گویند که عراق آماده می‌شود تا دوشه آینده در منطقه قاعده حمله کند. گفت امشب در جبهه شمال نیروهای ما به صورت محدود حمله کرده‌اند.

آقای حائری شیرازی در خصوص مسائل شیراز مشورت کرد. گفتم تسلیم نظرات آیت الله منتظری باشد و سعی در تفاهم با رقیبان داشته باشد. امام جمعه زنجان اصرار به سفر من به زنجان داشت و برای استان زنجان، لشکر مستقل سپاه می‌خواست. آخر شب مصاحبه رادیو تلویزیونی داشتم.^۱

۱- در این سخنرانی آمده است: «در عملیات والجیر ۸ پیروزی‌های فاطعی به دست آمده که تاکنون به خوبی حفظ شده است و دشمن تک نمی‌کرد رزمندگان اسلام چنین پیروزی را داشته باشند و تصور هم نمی‌کرد که تراویم مقاومت کنیم اما وضع برادران ما از روزهای اول بیار بهتر است و ما در قاعده استحکامات قابل دوام و تدازگات بسیاری داریم و قاعده حفظ است و پیروزی رزمندگان ما آثار قابل ترجیحی داشت است. دنیا اکنون جمهوری اسلامی را بهتر می‌فهمد و آثاری از اطلاقان با این شرایط دیده می‌شود و دنیا اکنون حاضر است، پیروزی عالیه برآید. برای رژیم عراق بیش از هر زمان دیگری هنرمند است و ما نایاب به می‌دانیم از این اجازه نزیم خبایعات وارد و راهیم». رجوع کنید به کتاب «عاشقی رقصجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، «دقترن معارف انقلاب»، ۱۳۷۷.

۲- در این مصاحبه اهداف و نتایج سیاست‌لیک با امام تشریح شد. در مخفی از این مصاحبه آمده است: «از مسائی که در این سیاست‌بررسی قرار گرفت، تخریه تأمین نظرات امام امت بود و در نتیجه بررسی و بحث کمیسیون‌های مختلف و جمع شدید تطریات تصمیم گرفته شد که در هر استان یک سناد به نام ستاد حجج مرکز از استاندار، امام جمعه استان که اکثر نماینده امام هم هستند و فرمانده سپاه پاسداران ناحیه هستند با مسئولی از جهاد سازندگی تشکیل شود که این سناد، نظارت عالیه بر همه مسائل مربوط به جنگ را در هر استان بر عهده خواهد داشت. از وظایف این سنادها تنظیم امکانات مردمی و دولتی است که با درخواست سپاه این عوامل و امکانات به جهه اعزام شرمند استه مایر عوامل که در این رابطه بودند کسانی که اکار خود ادامه خواهند داد و در هر کمین یکن تعبیه‌ای عالی مرکب از امام جمعه تهران، نخست وزیر، فرمانده سپاه، سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی و رئیس سناد اوقتی تشکیل می‌شود و در محضر امکانات موحده کشور و نیازهای جبهه و جنگ زیر (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

۳ April ۱۹۸۶

پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب ۲۳

امروز صبح با آیت الله خامنه‌ای به تیارت امام رفیم. حالشان بهتر بود، ولی هنوز باید مدتی در بیمارستان بمانند. لازم است به نحوی در چند روز آینده در انتظار ظاهر شوند، مخصوصاً در یکی از اعیاد آینده. دکترها اجازه نمی‌دهند.

باهم به منزل ما آمدیم. درباره مسائل جنگ و مشکلات نیروی زمینی و سپاه مشاوره کردیم. نظر ایشان هم این بود که مسئولیت جبهه‌هارا به آقای محسن رضایی بدهیم و نیروی زمینی را به طور موقت در کنترل عملیاتی او قرار بدهیم.

سرهنگ [مصطفی] ترابی آمد و راجع به ارتیش و جنگ و سپاه حرف داشت. آقای [حسین] مهدیان آمد و راجع به مسائل خیریه [مرحوم ابوالفضل] تولیت^۱ و مشکلات دفتر نشر [فرهنگ اسلامی] مذاکره شد. احمد آقا آمد. راجع به کیفیت ظهور امام در روزهای آینده صحبت شد. به جایی نرسیدیم. قرار شد به آیت الله منتظری هم از حان امام اطلاع دهم. فاطی و فائزه که در ایام عید سفر کرده بودند، آمدند. تلفنی با عفت در هتل الفتح مکه صحبت کردیم.

۴ April ۱۹۸۶

جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب ۲۴

تا ساعت ده و نیم صبح در خانه کار کردم. در نماز جمعه شرکت کردم^۲. عصر آقای رضایی اطلاع داد.

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

نظر این شورا و سادها اداره خواهد شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵" دفترنشر معارف اقلای،

۱۳۸۷

۱- مرحوم ابوالفضل تولیت در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، تولیت آستان مقدم حضرت فاطمه معصومة(س) در قم را عهد دار بود. آقای هاشمی در خاطرات دوران مبارزه از مرحوم تولیت چنین یاد می‌کند: ایشان امکانات مالی زیادی داشت، بجهه هم نداشت. فردی بود روش تکمیل و از نظر اعتقادی هم پیشتر جویان عارزه اسلامی را قبول داشت. او آماده شد که اموال خود را وقف خارزه یکند به عنوان تأسیس حکومت اسلامی. شرکت طاهر - علی و صفت مرحوم تولیت - برای حسابات از مبارزان اسلامی با اموال و امکانات مالی او تأثیس شده بود و تعدادی از اعضا ای هم نهاد آزادی و تعدادی از روحا نیون از حمله آقای هاشمی در اداره این شرکت سببیم بودند. ترویت مرحوم تولیت در تقویت نیروهای مبارز اسلامی در دوره پهلوی نقش ارزشمندی داشت. ذر مزده فعالیت‌های مرحوم ابوالفضل تولیت در تهذیب اسلامی، رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، دفترنشر معارف اقلای، صفحات ۱۷۵، ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۴" (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

۲- در حظیه اول نماز ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام با عومن حقوق اجتماعی زن و مرد مطرح شد و به تفصیل درباره نقش زن در خانواره از

دشمن در منطقه هزار قله و شاخ شمیران تک کرده که در هزار قله رفع شده و در شاخ شمیران درگیری ادامه دارد.

عصر بستگان برای دیدنی عیل آمدند. از نوچ برگشته‌اند. آقای نخست وزیر اطلاع داد یک کشتنی که به تازگی خریده‌ایم، وارد شده است و می‌تواند برای تراپری فاو مفید واقع شود. به دکتر روحانی گفتم بررسی کند.

آقای [سید کاظم] شریعتمداری دیشب در بیمارستان مهراد [تهران] فوت کرده‌اند و بنابراین تصمیم جامعه روحانیت مبارزه ایشان را بدون سروصدابا حضور خانواده در قبرستان ابوحسین [قم] [دفن کرده‌اند. خبرگزاری‌های بین‌المللی این خبر را با وسعت مخابره کرده‌اند. آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] عصر اطلاع داد که در قم جمعی از طرفداران ایشان تظاهرات به راه اندخته‌اند. درباره کیفیت برخورد با آنها مشورت کرد. گفتم با دیگران هم مشورت کنید.]

شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۵ رجب ۱۴۰۶ | ۵ April ۱۹۸۶

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمد. آقای محسن رضايی اطلاع داد، دشمن ارتقای شاخ شمیران در منطقه دربندیخان [عراق] را پس گرفته است ولی جنگ ادامه دارد.^۱ [آقای محمد رضا آیت‌الله‌ی] وزیر معادن و فلاتات با معاونان آمدند و گزارش وضع زمین شناسی و اکتشاف و استخراج معادن و نیاز به نیروهای متخصص بیشتر را مطرح کردند.

[آقای محمد جواد ایروانی] وزیر اقتصاد [و دارایی] و معاونان آمدند. گزارش وضع بانک‌ها،

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

دیدگاه اسلام مطالی برای تمازگواران بیان گردید. در خطبه دوم درباره ۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی و هیچین روز جمعت پیامبر اکرم (ص) مطالب عنوانی شد. سپس تحلیلی درباره رفاقت و رخدادهای جهادیان چند و متفاوت از آنکه گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "این طور به نظر من رسید که جاییان نظامی قدرام به فکر آینده انداده‌اند. در آنها تردید پیدا شده و حرکت‌های جدیدی را شروع کرده‌اند. ما بارگاه‌گذاریم که عراق به رسماً های بند است و هر رسماً که فقط شود، تعاملش به هم من خورد و رسماً که قدرام توسل آن به اینقدر است، در حال پوسیدن است. یعنی رسماً دیگر که قدرام به آن وصل است، از تجاع مطلعه است که این با قلی‌ها غرق می‌کند. از تجاع مطلعه سرتیوشته خود را به سرتیوشته قدرام وصل می‌کند، لبیه اشتباه هی کند و می‌توانند سرتیوشته خود را جدا کنند. قدرام ما بزم زدن اینست. ترس آنها مورده تدارک، مگر اینکه تضمیم گرفته باشند که هیشه به باشند که در این صورت حق دارند گفته باشند." رجوع کنید سے کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم" دفتر تشریفات اقلای، ۱۳۸۷

۱- در روز ۱۵ فروردین در ججه شمایی در اثر هجوم دشمن به استعداد ۲ تیپ پیاده و یک گردان زرهی در منطقه دربندیخان عراق، ارتقای شاخ شمیران و شاخ سورمر سفترده کرد.

ملاقات با افراد

مالیات‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را دارند و به لایحه مالیات که در مجلس مطرح است، انتقاداتی داشتند. کارکنان مجلس به عنوان عید به ملاقات آمدند. درباره رفتن به جبهه و گران شدن غذای مجلس و نیاز به مسکن صحبت شد.

ظهر [آقای محمدسعیدی‌کیا] وزیر راه و ترابری آمد. مشکل انتقال هواپیماهای نیروی هوایی به هواپیمایی کشوری، برای استفاده از امتیازات آنها برای آوردن نیازهای نظامی و راه حل آنها و لزوم توسعه راه آهن و ایجاد مرکز تحقیقات راه آهن - که تاکنون خارجی‌ها انجام می‌داده‌اند - را مطرح کردند.

آقای [قربانعلی] دری [تجف آبادی] آمد. گزارشی از وضع فاود و از لزوم تقویت پدافند گفت. عصر مستولان بهداری سپاه آمدند. گزارشی از وضع بهداری سپاه و امداد جبهه و مصدومان اصلی شیمیائی عراق و معالجه مجروحان و نیازهای جبهه دادند. با تقویت دفاع در مقابل حملات شیمیائی، فقط شش در هزار از مصدومان شیمیائی شهید می‌شوند.

آقای سید محمد باقر حکیم [رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] آمد. درباره جنگ و قرارگاه رمضان صحبت شد. از وضع عراقی‌های مهاجر به ایران خلبان نگران و تراحت بود و از کمیته عراق که در دفتر ریاست جمهوری است، گله داشت.^۱ دلداری دادم. قوار شد تعقیب کنم. آقای [رضاء] امراللهی [رئیس سازمان امنیتی] آمد و گزارش امنیتی را داد.

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب April 1986

امروز اولین جلسه علنی مجلس در سال جدید تشکیل شد و چند لایحه به تصویب رسید. تا موقع تنفس در جلسه علنی بودم. آقای رضایی اطلاع داد، نیروهای ما از شاخ شمیران عقب نشسته‌اند. خیابی او قاتم تلح شد. با اینکه قرائتی از حمله دشمن داشته‌اند، اما نیروی کافی برای دفاع نگذاشته‌اند؛ خودشان مدعی اند که نیرو نداشته‌اند. آقای زمانی آمد و از بود شرح و ظایف تبلیغات جبهه شاکی بود. ظهر آقای [حمدی] میرزاده معاون اجرایی نخست وزیر آمد و برای تسریع در تصویب ورود کالا از سوریه، کره شمالی و ترکیه بابت طلب‌مان، خارج از سقف ارز مصوب، کمک خواست.

۱- کمیته عراق مشکل از آقایان سید محمد حاتمی، محمد علی هادی تجف آبادی و حبیح زنگنه بود. این کمیته بر تأثیر بزرگی‌های مربرط به آیده عراق و نوعه تظم هنکاری نیروهای اسلامی عراق را انجام می‌داد.

عصر برای دیدن سایت موشک خدھوایی سام ۲ که از لبی گرفته ایم، در منطقه پرندک به جنوب تهران رفیم و تا مغرب طول کشید. خیلی وسیع و پر در درس است. موشک های هاک آمریکایی، خیلی جمع و جور تر است. از همان حابه خانه رفیم. در طول راه با دکتر روحانی، مسائل جنگ را مورد بحث و مذاکره قرار دادیم.

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب ۲۷ | April 1986

صیح زود همراه با آقایان خامنه‌ای [رئیس جمهور]، [موسوی] اردبیلی [رئیس قوه قضائیه] و [میرحسین] موسوی نخست وزیر به زیارت امام رفیم. امام به خاطر کالت قلبی، ملاقات‌ها را حذف کرده‌اند. برای اینکه سوال انگیز نیاشد، ماهابه ملاقات رفیم. حالشان خوب است، ولی مدتی دیگر باید استراحت کنند. خوب مخفی مانده است.

تا شب در منزل بودم. عقد ازدواج پکی از پاسداران به نام شجاعی را بستم و نیم سکه بهار آزادی به او هدیه دادم. آقای [محمدعلی] رحمانی فرمانده پسیج آمد و از عدم توجه به پسیج در ستاد پشتیبانی جنگ شاکی بود. آمار کمک‌های جذب شده در ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی در تهران را آورد که در چند ماه گذشته بیش از سیصد میلیون تومان بوده است.

آقای صیاد [شیرازی] اطلاع داد دشمن در منطقه غرب در دو نقطه حمله کرده، یک حمله دفع شده و جایی دیگر یک ارتفاع مهم را گرفته^۱. بناست امشب پس بگیریم. آقای محسن رضایی گفت که دیشب در منطقه فاو ضربه‌ای به دشمن وارد کرده‌اند.

سهشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب ۲۸ | April 1986

مقداری از جلسه علنی را ماندم، به آقای کروبی سپردم و در جلسه ستاد قرارگاه خاتم شرکت کردم. ضعف‌های خطوط دفاعی و نیروی زمینی و راه‌های تقویت خطوط و جبران ضعف‌ها بررسی و تصمیماتی اتخاذ شد. دیر و ز در جبهه شرهانی هم عقب نشیمی کرده‌اند. عراق فهمیده که خطوط دفاع

^۱- در روز ۱۸ فروردین در جبهه جزیری در اثر هجوم دشمن تیه ۱۷۵ در شهرانی - منطقه عملیاتی محروم - سقوط کرد.

ما آسیب پذیر است و به خاطر شکست سخت در فاو، می کوشد در عملیات کوچک، برای تبلیغات و بالا بردن روحیه ارتش و مردم چیزی به دست بیاورد.

ظهر [آقای محمد تقی بانگی] وزیر نیرو آمد، از تخریب نیروگاه رامین [اهواز] با بیماران عراق خیلی ناراحت است. خارت خیلی زیاد بوده. گفتم دفاع نیرومندی در مقابل حملات هوایی نداریم، قرار شد برای ایجاد هزار مگاوات برق با نیروگاه گازی در منطقه تهران اقدام نمایند.

عصر آقای [علی] شمحانی [فرمانده تیری زمینی سپاه] آمد. وضع جبهه فاو و برنامه آینده را گفت. خط دفاعی ما در فاو تا حدودی قابل اطمینان است. تأکید بر کمک به نیروی زمینی در دفاع از خطوط کردم. حاج ابراهیم از مسؤولان یکی از مساجد تهران آمد. معامله‌ای با وزارت نفت کرده که خواهان اجرای آن بود.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. دکتر [عبدالله] جاسبی درباره داشتگاه آزاد اسلامی توضیح داد که نسبتاً مؤثر بود و کمی از مخالفتها کاست. شب شورای عالی ستادهای پشتیبانی جنگ جلسه داشت. اساسنامه‌ها را تصویب کردیم. نزدیک ساعت یازده شب به دفترم آمدم. شام خوردم و خوابیدم.

چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۹۸۶

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. در مراسم تشییع جنازه مرحوم عباس مرادی - پاسدارم که در سفر خوزستان در تصادف اتوبیل مجروح شد و دیشب فوت کرد - شرکت کردم. خیلی مغموم شدم، جوان لایقی بود. آقای [مرتضی] الیزی آمد و اطلاع داد که آقای تقی محمدی یکی از متهمان پرونده [انفجار] نخست وزیری که در بازداشت بوده فوت کرده است. بازجوها مدعی اند انتحرار کرده. گریه کرد و متأثر شدم، پیشامد مهمی است و در کل کار تأثیر خواهد گذاشت.

آقای [محمود] محمدی عراقی آمد. تأکید بر ضرورت تعیین نماینده امام در سپاه داشت. گفتم به خاطر بازگذاشتن دست فرماندهان سپاه در جنگ به تأخیر افتاده است. معمولاً تعارض بین نماینده امام و فرماندهان سپاه بوده است.

چند هزار نفر از رزمندگان راهیان کربلا از استان خراسان مقابل محطس آمدند. برای آنها سخنرانی

کردم^۸. خیلی باحال بودند. با آقای خامنه‌ای درباره تشویق [پرسنل] هوانیروز که در عملیات والفجر خوب عمل کرده‌اند، مشورت کردم. موافقند^۹.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. آقای [محمد] بزدی [نایب رئیس مجلس] از عمره بزرگشته بود. وضع عربستان و سوریه را گفت و درباره درخواست نمایندگان مبنی بر شرکت در جنگ و تعطیل مجلس بحث شد. موافقت با تعطیل نشد و قرار شد مخصوصی‌ها را محدود کنیم و به جای مخصوصی، اعزام به جبهه و مأموریت‌های پشت جبهه باشد.

شب جلسه سران قوا در مجلس مهمن من بودند. [آقای غلام رضا آقازاده] وزیر نفت آمد. سیاست‌مان در اوپک مشخص شد. قرار است این هفته اوپک برای حمایت از قیمت نفت جلسه داشته باشد. سپس درباره وضع عراقی‌های مهاجر به ایران و مجلس اعلاء بحث شد. قرار شد به فعال شدن آنها توجه شود. از جبهه اطلاع دادند که فرارگاه ابوالفضل (س) در حال آماده شدن است. شب در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۰ April ۱۹۸۶

در جلسه علنی تا ساعت دو نیم صبح کار کردیم. قبل از دستور درباره شرکت نماینده‌ها در جنگ

۱- همگام عربیت سه شکر از زرمان‌گان اسناد حراسان از مقابل مجلس شورای اسلامی به سوی جبهه‌های جنگ، آقای هاشمی به کشورهای حامی حداوم اخطار کرد تا از فرنسی که به دست آمد، استفاده کنند و تسلیم حق شوند. در عین این صورت، این حق ایران خواهد بود تا حق ملت خود، عراق و اسلام را بگیرد. این‌شانه می‌جذب معاون رئیس جمهور آمریکا به خاور عبانه اشاره کرد و گفت: «حالی می‌گردید جنگ به بن‌بست رسیده و فاتح ندارد ولی دیده‌ید که فاتح دارد و جمهوری اسلامی برای حرف خود پشتانه دارد». و جویز کنید ←

کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنوارهای سال ۱۳۶۵"، دفتر شعر و ادب، ۱۳۸۷.

۲- آقای حسین روحانی مستول سناش کل پدائله کشور در تامه‌ای به محض امام خمینی (ره) چنین نوشت: "بسیه تعالی. از سناش کل پدائله کشور به فرمانده‌ی کل نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱- همان‌گونه‌که استحضار داریم در پی برنامه‌ریزی‌های اتحاد شده و تلاش شبانه روزی و اینترگران بگانه‌های پدائله‌های در عملیات غرور آفرین والفجر با خداکتر توان ررضی، به نحو مؤثر شرکت نبوده و علی‌رغم کلیه مخدودیت‌های و تنگی‌های عملیاتی و تعسیاتی و غایلیت پیروزی گسترده دشمن بعضی و تحمل بسیاران‌های شدید موشک‌های خشد تشتمعت و انزعاج پارازیت‌های الکترونیکی، موقع به کسب پیروزی‌های چشمگیر و بی‌سابقه‌ای شدید که تابع آن در طی عملیات به عرض رسیده است.

۳- پرسنل مشروحه در برگ‌های پیوست با ایثار رشادت، ایثار و دادکاری در عملیات والفجر موفق به کسب پیروزی‌های غرور آفرین و ایندام تعداد زیادی از هماینهای دشمن شدند. و این سناش پیشنهاد می‌نماید تامیرگان به پاس از خود گذشتگی شایان توجه - به شرح مدرج ذر برگ‌های مزبور - هرورد تقدیر و تشویق قرار گیرد. هرورده به اواخر عالی است. مستول سناش کل پدائله کشور - دکتر حسن روحانی - حضرت امام (ره) نیز در پاسخ چنین مرقوم فرمودند: "بسیه تعالی با تشکر از ایثار و دادکاری‌های این عزیزان شجاع و با تأیید و تصریح جناب آقای رئیس جمهور موافقت می‌شود. ۱/۱۳۶۵ روح الله المدرسی الخمینی" رجوع کنید ← کتاب "محیجه امام"، جلد بیست، صفحه ۳۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

عکس بدرقه روزهای

صحبت کردم^۱. بعد از تنفس، جلسه دیگر تشکیل نشد. راهیان کربلا مقابل مجلس آمدند. حدود نه هزار نفر از استان تهران بودند. خیلی با شکوه بود. برایشان صحبت کردم^۲. بازان هم می‌بارید. مردم

۱ - در این نظر آمده است: "فشار زیادی از طرف آقایان نماینده‌ها هست که ما بتوانیم بر تبیین بدھیم که آقایان به تحویی در جیوه‌ها و کارهای جنگ شرکت کند. بک نامه هست که عده زیادی از آقایان خواسته‌اند ما تبیین بدھیم که در ساعات غیر وقت مجلس، وسیله آموزش نظامی آقایان فراهم شود که این کار را می‌کنیم. ما را کم آموزش نظامی صحبت می‌کنیم و جای مناسی را در نظر می‌گیریم، آقایان اینهم تبیین کنند، تا بیانیم که چه ترتیب و چه اندازه باید آنچه برای آموزش تشریف ببرند. مسئله دوم اینکه، در حال حاضر، چیزی از نماینده‌گان، یا آن طور که می‌گویند همه در جنگ شرکت کند. در کل، ما به این نتیجه رسیدیم که بتوانیم کار حوزه‌ای نماینده‌گان را متوقف کنیم. یعنی مخصوص‌های که آقایان نماینده‌گان می‌گیرند، طبق آئین تابع، برای رفن به حوزه‌های انتخابیه و برای کارهای حوزه خود، فعلاین راهنرفت می‌کنیم که در نتیجه، به طور معدل حدود ۴۰ تا ۴۰ نفر که مارضی می‌دادیم، دیگر مرضی مخصوص نمی‌دهیم و سعی می‌کنیم مأموریت‌های خارج از مستولیت جنگ را که در خارج یا جاهای دیگر می‌دادیم، آنها را هم دیگر ندهیم. بنابراین، ما همین‌سوی نوایم بین ۳۰ تا ۴۰ نفر از آقایان را آماده برای کارهای جنگ داشته‌یم. چه آنها که مایلند مستحبیم در جیوه نباشند و چه آقایانی که لازم است، پشت جیوه‌ها به عنایک استانها بروند برای سیچ مردم، برای تأمین امکانات نیروها و برای همکاری با استاندارها و ائمه جمعه و سیاه به خاطر همین مسائل سیچ و کارهایی از این قبیل که مربوط به جنگ است، مجلس کار خود را ادامه داده و در حدود ۴۰ نفر در مجلس نگه می‌داریم. این احتیاج به همکاری جلدی آقایان و خانم‌ها دارد که خیریت را بدهند و حداقل خود فقط به پیروزت‌ها که فایل فنول باشد برای ما مشود که ما بتوانیم هم کاران را ادامه دهیم و قم به جیوه رسیم. اینه اگر در اثر رفن به جیوه معلوم شد پیشتر از این لازم است که آقایان نماینده‌گان به جیوه بروند، آن مرفع ترتیب جدیدی خواهیم داد." رجوع کنید سه کتاب "هاشمی رفسنجانی نظریه‌ای پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم"، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر تشویع افغانستان، ۱۳۸۷.

۲ - چهارمین لشکر تازه نفس از استان خراسان منتقل از نیروهای زمین - تخصصی در قالب ۲۶ گردان و سومین کاروان راهیان کربلای استان (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

تهران بدرقه با شکوهی کردند. نمایندگان مراجعات داشتند.

عصر خانم تندگویان و سپس اعضای دفتر تحکیم وحدت آمدند. برای شرکت در سمینار شهید [سید محمد باقر] صدر به دانشگاه تهران رفت و سخنرانی کرد^۱. مغرب به خانه رسیدم. عفت از سفر عمره برگشته بود؛ راضی است. عصر اعضای دفتر تحکیم وحدت آمدند و برای برنامه شرکت دانشگاهها در جنگ، مشورت و مذاکره کردند.

جمعه ۲۲ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲ شعبان ۱۹۸۶

امروز در منزل بودم. دیشب و پریشب، در تهران باران فراوان و کم سابقه‌ای باریده است. تلفنی اطلاع دادند که عراق در سومار چند ارتفاع را از نیروی زمینی گرفته است. خیلی عصبانی شدم^۲. به محسن رضایی تلفنی گفتم آنها را تقویت کنند.

عصر آقایان [محمد علی] رحمانی مسئول بسیج و [علیرضا] افشار رئیس ستاد سپاه برای حل اختلافاتشان آمدند. سپاه از آقای رحمانی شکایت دارد که راه استقلال گرفته و تعیت نمی‌کند و آقای رحمانی شاکری است که سپاه، بسیج را پشتیبانی نمی‌کند و در مسئولیت‌های او دخالت می‌کند. توافق وقت برقرار کردم تا با رسیدگی به اساسنامه سپاه، مطالب و حدود وظایف روشن شود.

احمد آقا تلفنی گفت به عیادت امام بروم، زیرا ایشان مایلند من را بینند. بعد از نماز مغرب رفتم. حالشان خیلی بهتر است. از روی تخت پائین آمده و سرم و باتری را برداشته بودند. وضع می‌گیرند. دکترها اظهار امیدواری کردند که در روز نیمة شعبان، ایشان بتوانند به حسینیه [جماران] بیایند.

(ادامه پاورفی از صحنه غیل)

تهران از پایگاه‌های مقاومت مقداد، امداد، شهید پوشی، شهیرات، شهربازی، اسلام شهر، وزارتخانه و دعاوند پس از حضور در مقابل مجلس شورای اسلامی و استماع سخنرانی آقای هاشمی عازم جبهه‌ای خرد شدند. در این سخنرانی پرشور آمده است: "امام یکش اشاره چند جمله‌ای در مراسم ولادت علی‌ابطال (ع) نوروز آنچه ای که می‌توانند حنگ کنند، حرکت نمایند و ما اینجا شاهد یک گوشش از قطه‌ای از اقیانوس این حرکت‌ها هستیم. مردان خراسانی همینه در تاریخ حنگ‌ها سرنوشت ساز بودند. امروز هم از مردم خراسان همان انتظارهای تاریخی است. اولین پیروزی در خشان در جنگ با شرکت شکر پیروز خراسان انجام شد". رجوع کنید ^۳ کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر تشریفات افغانستان، ۱۳۸۷

۱- رجوع کنید ^۳ کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر تشریفات افغانستان، ۱۳۸۷

۲- در این روز در منطقه عملیاتی مسلم بن عقبه میانی، در نیجه هجوم دشمن با ۵ نیمه بیاده و ۲ گردان تانک، ارتحالات اسماعیل خان و پایگاه دوله شریف مغروط گرد.

نامه آقای هاشمی به وزیر خارجه اینتالیا

گزارش جبهه‌ها را دادم.

در دفتر بیت با آقای [سید محمد] موسوی خوئینی‌ها [دادستان کل کشور] درباره پرونده انتحار نخست وزیری صحبت کرد. ایشان معتقد است بازپرس‌ها خوب عمل می‌کنند و فوت تقی محمدی را به عنوان انتحار خود او و بدون تصریح بازجوها می‌داند.

شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۲ April ۱۹۸۶

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمد. آقایان رحیم صفوی و [ابراهیم] سنجقی آمدند. گزارش جبهه را دادند و نامه آقای محسن رضایی را آوردن که پیشنهادهایی درباره جنگ داشت: تشکیل دو قرارگاه در جنوب و شمال جبهه که قرارگاه جنوب به فرماندهی آقای شمخانی و قرارگاه شمال به فرماندهی عنصر ارشی و خود ایشان جانشین من باشد.

آقای صیاد آمد و گزارش تفاهم با آقای رضایی را داد. مدعی بود تفاهم بر فرماندهی مشترک قرارگاه‌ها داشته‌اند که با نامه آقای رضایی نمی‌سازد.

جلسه قرارگاه تشکیل شد. گزارش عقب نشینی نیروی زمینی از ارتقایات سومار را دادند. خیلی ضعیف دفاع کرده‌اند. اعضای ستاد نیروی زمینی با صراحت گفتند، بدون کمک نیروهای داوطلب نمی‌توانند از خطوط دفاع کنند. درباره توپخانه و تعداد سرباز مورد نیاز نیروها بحث شد. معلوم شد برای مثال اگر ۴۸۰ هزار سرباز بگیریم، نیاز همه تأمین می‌شود. برای دفاع از خطوط به نتیجه مشخصی نرسیدیم. قرار شد آقای رضایی بباید تا تصمیم‌گیری شود.

ظهور آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان امنیتی] آمد و گزارش مذاکره با هیأت فرانسوی را داد و گفت آلمانی‌ها اجناس خریده شده ما را ترجیح نمی‌کنند. عصر آقای [احمد] سالک آمد و گزارش کمیته پشتیبانی مجلس اعلای عراق را داد و نیازها را گفت. قرار شد عملیات داخل عراق از قرارگاه خاتم هدایت شود.

هیأت فرانسوی آمدند. نامه آقای دلماض رئیس مجلس فرانسه را آوردن. آنها خواستار تحسین روابط بودند. کارهای غیر دوستانه فرانسه را به طور مفصل گفتم و تصریح کردم که ما خواستار تحسین روابطیم ولی فرانسه مسئول نیزگی روابط است و باید از کارهای خلاف دوستی دست بردارد. آقای [محسن] کنگرلو آمد. پیشنهاد جدید آمریکایی‌ها را در رابطه با گروگانهای لبنان آورد.

علوم است که دارند بازی می‌کنند و به فکر فرینند. گفتم بگویید قبل از هر چیز باید قطعات هاک را پنرستند و سپس وارد صحبت شویم. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | شعبان ۴ | ۱۹۸۶ April ۱۳

صبح زود به مجلس آمدم، ولی برای انجام کارهای مربوط به جنگ به جلسه علنی نرفتم. آقای محسن رضایی آمد، با ایشان درباره فرماندهی جنگ مذاکره کردیم. با توجه به ضعف در دفاع از خطوط پدافندی، آقای رضایی را به جانشینی خودم انتخاب کردم و به آقای صیاد ماموریت دادم که در سمت معاونت ایشان همکاری کند. صیاد هم آمد، ابهاماتی داشت که بر طرف کردم. احکام را صادر کردم و ابلاغ نمودم. ان شاء الله با دلگرمی بیشتر، دفاع خطوط مستحکم خواهد شد و عملیات پیشرفت خواهد کرد، قبل با امام و آیت الله خامنه‌ای مشورت کرده بودم. آقای [حسین] موسویان [مدیر کل امور اداری مجلس شورای اسلامی] آمد. گزارش وضع اداری مجلس را داد. اطلاع رسید که نیروی زمینی در جبهه سومار عقب نشینی دیگری هم داشته است.

ظهور آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] آمد و پیشنهادهایی در همکاری وزارت صنایع سنگین در مهندسی جنگ داشت، خوب بود. آقای [محمد] غرضی [وزیر پست و تلگراف و تلفن] آمد و گزارش کار داد. عصر گروه تبلیغات کردستان سازمان تبلیغات اسلامی آمدند و برای کار در کردستان کمک خواستند. سال گذشته از محل جنگ ۳۶ میلیون تومان بودجه گرفته‌اند.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. درباره تعطیل کردن دفاتر حزب بحث شد و به جلسه بعد موکول گردید. شب با سران قوا مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره رواج فساد اخلاقی و بدحجابی بحث کردیم. قرار شد لایحه‌ای برای مجازات مرتكبان و عوامل آن از طرف شورای عالی قضائی به مجلس بیاید.

درباره پیشنهاد آمریکا بنی بر آمدن یک هیأت آمریکایی به ایران برای مذاکره درباره کمک ما به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان و در مقابل پرداخت قطعات اسلحه‌های آمریکایی به ما، با آمدن هیأت رسمی آمریکایی قبل از تحویل لوازم هاک، مخالفت شد. قرار شد بگوئیم اول با ارسان ۲۴ قطعه هاک، صداقت خودشان را ثابت کنند و سپس بیایند و موضوع بحث هم در محدوده فوق است، به اضافه دادن اطلاعات در مورد توطنه‌های رو سها علیه ما که آمریکایی‌ها ادعا دارند. دیر وقت به خانه رفتم.

حکم فرماندهی آقای محسن رضایی

۱۴ April ۱۹۸۶

دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شعبان ۱۴۰۶

تا ساعت دو بعد از ظهر در منزل بودم. احمد آقا آمد. اطلاع داد که آقای منتظری به زیارت امام آمده‌اند و امام دو موضوع را به ایشان تذکر داده‌اند: ۱- توجه بیشتر به سپاه و جنگ ۲- برخورد مساوی با روحانیون طرفدار انقلاب و عدم ترجیح یک جریان خاص. و نیز اطلاع داد که آقای سید رضا صدر را در جریان درگذشت مرحوم شریعتمداری به اطلاعات احضار و چند ساعتی معطل کرده‌اند و آقای منتظری به این کار اعتراض داشته‌اند. آقای منتظری نظرشان این بوده که بهتر بود مراسم تشییع و فاتحه برای آقای شریعتمداری برگزار می‌شد.

آقای صیاد شیرازی به عنوان اعتراض به تعیین آقای محسن رضایی به عنوان جانشین من، از فرماندهی نیروی زمینی استعفا داده و رونوشت برای من و امام هم فرستاده است. تلفنی علت را پرسیدم؛ چون دیروز پذیرفته بود. گفت دیروز غافلگیر شدم. آقای [سرهنگ اسماعیل] سه راهی رئیس ستاد [ارتش] هم آمد و مخالف با جانشینی آقای رضایی بود و می‌گفت باعث تضعیف روحیه ارتشی‌ها می‌شود. با احمد آقا جریان را در میان گذاشت. نظرش این است که باید حرفمن را پس نگیریم. آقای رضایی به همین دلیل نتوانسته ستاد خود را تشکیل دهد. این جریان مشکلی در جنگ خواهد آفرید. باید با ظرافت عمل شود.

عصر به مجلس آمدم. برای پاسداران نمونه و پاسداران افتخاری صحبت کردم.^۱ دوهزار نفر از دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور که عازم جبهه بودند، مقابل مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم.^۲

شب به منزل نرفتم. اول شب در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور نخست وزیر برای مشورت در موضوع نیروی زمینی که فرمانده آن استعفا داده، جلسه داشتیم. چند فرض را مورد رسیدگی قرار دادیم و قرار شد تعقیب کنیم. امروز به خاطر لطمۀ‌ای که این مسائل به جنگ وارد می‌آورد، با ناراحتی گذشت. شب در مجلس ماندم.

۱- رجوع کنید به کتاب "هاتسی رفسنجانی، سخنواری‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر شریعتمداری انقلاب، ۱۳۸۷

۲- در تبیخی از این سخنواری آمده است: "حرکت دانشگاه‌یان در عزیمت به جبهه‌های انتخابی آگاهانه، عینی و الهام نخش است. از آنجا که مهمترین ویژگی این جنگ، ماهیت مردمی بودن آن است، این جنگ یک ماهیت دفاعی دارد به مأ و انقلاب اسلامی تجاوز شده است و این تجاوز از جانب یک گنثور من شخص نیست، انقلاب و گنثور ما توسط عامل و مجری استعمال و ارتیاج مورد تهاجم فرار گرفته است. ماهیت دیگر جنگ، حضور مردم در صحنه است و این همان جزیی است که دفاع را مقدس می‌کند." رجوع کنید به کتاب "هاتسی رفسنجانی، سخنواری‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر شریعتمداری انقلاب، ۱۳۸۷

عکس حضرت آیت‌الله منتظری

سهشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ April ۱۹۸۶

صبح زود از رادیو آمریکا شنیدم که دیشب آمریکا با هواپیما به لبی حمله کرده است.^۱ تا ساعت ده صبح در جلسه علنی ماندم، پیش از دستور درباره تجاوز آمریکا صحبت کردم.^۲

ظهر [آقایان فاروق الشرع و کامل حسن منصور] وزرای خارجه سوریه و لبی به ملاقات آمدند.^۳ بیشتر بحث درباره حمله به لبی بود. آمریکا موققیت چندانی نداشته و در مجموع ضرر خواهد کرد. افکار عمومی او را محکوم و ظهور ضعف آمریکا هم، نیروی مردمی را صبورتر خواهد کرد. عصر آقای محسن رضایی آمد و درباره جنگ و چگونگی دفع حملات دشمن صحبت کردیم. سپس در شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم، ایزار و مسائل و عکس‌ها و مناظر و لباس‌های مبنی‌لای که از پانکها و فاسد‌ها گرفته شده دیدیم که برای مبارزه با آنها فکری بشود.

شب به دفترم برگشتم و کارها را تا ساعت نه شب انجام دادم. در مورد نیروی زمینی، بالاخره صیاد پیشنهاد کرد که اختیارات فرماندهی را به سرهنگ جمالی بدهد که او در اختیار قرارگاه باشد. شب به خانه آمدم.

۱ - بیب افک های ابت ۱۱ نیروی هوایی آمریکا ساعت ۲ بامداد ۲۶ فروردین از پایگاه‌های انگلیس به پرواز در آمدند و شهرهای بنغازی و طرابلس را مسایل کردند. این حمله وسیع ترین حمله هوایی آمریکا پس از جنگ ویتنام ایزیابی شد. در این حمله منزل و مرکز فرماندهی سرهنگ معصر قادی رهبر لبی آئب دید و تو پسر او محروم شدند.

۲ - در این نطق آمده است: "دیشب دیبا شاهد یک جاده افتابگردان روسا گشته‌ای بود که در تاریخ معاصر ما نظری روشنی ندارد که یک قدرت بزرگ جهانی مثل آمریکا در نیمه شب با هواپیما به یک کشور مستقل به بناهه‌های واهم این جزو حمله بکند. اتفاقاً این از نشانه‌های باز رضاع و عجز استکبار و مخصوصاً آمریکا است. نشان می‌دهند که آمریکا تعادل خودش را در ارتباطات جهانی از دست داده و نه تنها آمریکا بلکه هستکارانش در ملوک غرب چون اندگلیسیها هم مستقیماً هستکاری کرده‌اند و پایگاه در اخبار آمریکا گذاشتند که از آنچه حرکت بکند. یک کمی آدم فوجه بکند می‌فهمد که آنار ضعف و یک فرع دیوانگی در این حرکت جعلی روش است. ضعف از این جهت که بعد از این همه زعیده‌سازی عجیب و غریب که آدم نمی‌فهمد اینها دارند چه می‌گویند این قدر حرف می‌زنند. همه زمانه‌ای غریب تجهیز شده بود راهی یک کشور کوچک این قدر فضای روانی درست کنند. بعد در نیمه شب از نیروی هرای و دریایی و یا استفاده از جاسوس‌ها و یا عمل عربی که دارند یک کار در دنای ای که مساب با جریاناتی مثل اسراحت است نه آمریکا، آمریکایی که می‌خراءد سازمان ملل در کشورش باشد، آن که می‌خواهد میزان تمايزگان مردم در سازمان ملل باشد، چطور چنین عمل احتمالهای را انجام می‌دهد؟ آن هم با این ضعف، کشور به این بزرگی در یک حمله‌ای سفارت قرانسیه هم پیمان خودش را هم مورد هدف قرار بدهد. این نشان ضعف عملکرد است در نهایم قلبی شان اینها روسا شدند، این دفعه خواستنده جران نیکند بعد این جزوی شما می‌بینید در می‌آید." رجوع کنید سے کتاب "هائنسی رفتگانی، نطق‌های پیش از دستور مال ۱۳۶۵، حل دشمن" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۳ - در این علاوه که آقای فاروق الشرع ویر خارجه سوریه و آقای کامل حسن منصور دیر کمیته مردمی روابط خارجی جمهوری لبی حضور داشتند، آقای هائنسی تکمیل کرد: "مسایل های تواند اراده ملتی را از میان برد و ملت‌ها می‌توانند اراده خود را بر عینجاوزان تحسیل نمایند. باید از این تجاوز آمریکا بهترین استفاده را یکنیم و ثابت و قدرت مردم را نشان دهیم. اگر آمریکا در مقابل این تجاوز ضربه تخریب، گستاخ تر خواهد شد."

ملاقات وزرای سوریه و لیبی

چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۶ April ۱۹۸۶

خبر رادیو [صدای آمریکا] VOA را گرفتم. عکس العمل‌های سریع و شدیدی در دنیا علیه آمریکا به خاطر تجاوز به لبی شده است. به مجلس رفت. اول وقت آقایان محسن و رضایی و جمالی را به دفتر احضار کرد. بر سر برنامه‌ها توافق کردند و خواستار اختیارات بیشتر سرهنگ جمالی بودند. مسئولان بنیاد مستضعفان آمدند. گزارش وضع مالی را دادند و از مشکلشان در خصوص حدود ۱۵۰ شرکت و مؤسسه توقیفی و سرپرستی گفتند که قول مساعدت دادم.

[آقای علی اکبر محتشمی پور] وزیر کشور و مسئولان [شرکت] مترو [ای تهران] و بانک مرکزی و بیمه‌های اجتماعی آمدند. خواستار پنج میلیارد تومان اعتبار برای شروع کار مترو بودند. قرار شده بانک مرکزی با نظر مثبت، برای مقدمات کار اقدام کند. آقای [محمد حسین] آخری سفیر آینده مان در سوریه برای مشورت آمد. آقای شجاعی نماینده ساری آمد و طبق معمول از کارهای دولت گله داشت.

آقای [سید محمد] خاتمی وزیر ارشاد با آقایان [عبدالواحد] موسوی لاری و [صبح] زنگنه آمدند. ساختمان نیمه کاره تلویزیون آموزشی را که در اختیار مجلس است، برای مرکز اسناد انقلاب اسلامی خواستند. با تحويل موقت تازمان انتقال مجلس به آنجا موافقت کرد. آقای [غلامرضا] صفائی و آقای [حسن] روحانی آمدند. توصیه به عدم اقدام به جانشینی آقای رضایی داشتند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سپس به جلسه شورای عالی دفاع رفت. بحث درباره گردانهای احتیاط قدس بود که نیروی زمینی تشکیل داده و بعضی از سران نظامی و کمیسیون دفاع مخالفند. اذله نیروی زمینی قانع کننده نیست. سپس با دکتر روحانی و محسن رضایی درباره تشکیل ستاد جدید برای آقای رضایی به عنوان جانشین من صحبت شد و متفق گردید. قرار شد از ستاد موجود استفاده کنند. آقای روحانی باز هم با جانشینی ایشان مخالفت کرد. بعد از جلسه مصاحبه تلویزیونی کردم! جلسه سران قوا داشتیم. از بالا رفقن قیمت نفت مأیوسند. درباره اقدامات برای تأمین ارز و مخالفت با صدور نفت زیاد صادر کنندگان بحث شد. به جایی

۱- در این مصاحبه آمده است: "حملات آمریکا علیه لبی هیچ گونه ارزش نظامی ندارد و علی رغم ایکده این نهادهای با عاملگیری شروع شد و برای آن برخاده بریزی کرده بودند با دستیار چگنی، برخی از سفارتخانه‌های هم بیمانان خود را نیز بمباران کردند." رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشر معارف اهل‌بیت، ۱۳۸۷.

نرسیدیم، دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شعبان ۱۹۸۶

عفت صبح زود به رفسنجان رفت و من به مجلس آمدم. تا تنفس در جلسه علنی ماندم. مراجعات خیلی زیاد است. در تنفس برای مسئولان هیأت‌های تقسیم زمین صحبت کردم.^۱ آقای محسن رضایی اخبار جبهه‌ها را داد. چند پاتک را دفع کرده و تعدادی اسیر گرفته‌اند.

آقای روحانی خبر داد، یک هوایمای باربری ایلوشین لهستانی که عازم هند بوده در آذربایجان مورد تعرض جنگنده‌های عراقی قرار گرفته، ولی پدافند موشک هاک تبریز آنها را فراری داده و هوایما به شوروی رفته است. آقای سعید‌الدّاکرین [معاون روابط عمومی مجلس] آمد. خواهان انتقال به وزارت نفت بود. آقای دکتر [سید‌جواد] انگجی [نماینده تبریز و رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاهای آمد. از وزیر کشاورزی شاکی بود. معتقد است بدکار می‌کنند. عصر آقای [علیرضا] توکلی بینا آمد. از پیشرفت نکردن پیشنهاد مسئولیت جزیره کیش شاکی بوده آقای رسولی [محلاتی] مانع است.

با تلویزیون بلژیک مصاحبه‌ای درباره مسائل سیاسی و وضع زنان در ایران کردم.^۲ آقایان جعفری و هاتنی آمدند و از نفوذ باند سید مهدی هاشمی در بیت آیت‌الله منتظری شاکی بودند. شب به خانه آمدم. آقای سرهنگ جمالی آمد و گزارش داد. وضع جنگ رو به بهبود است.

جمعه ۲۹ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شعبان ۱۹۸۶

در منزل بودم. احمد آقا آمد. گزارش‌هایی در مورد جنگ را برای اطلاع امام گرفت. دیشب در جبهه

۱- در این دیدار که اعضاً هیأت‌های ۷ نفره و اکتاری زمین سراسر کشور و آقای فاعل هرندی نماینده آیت‌الله مستظری حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "اهمیت کشاورزی و پرداختن به آن برای کشور ما که در گیر یک جنگ تمام عیار است از لازمات است. مجلس و دولت نهایت معنی خود را بدل می‌دارد تا مشکلات کشاورزان حل شود و ضروری است که هر چه سریع تر ممکن اراضی را حل کنیم و گسانی که باید در این مورد اقدام انجام دهد به ایجاد وظیه‌شان بپردازند و کاری کنند که مسأله اراضی حل شود به گفته‌ای که کشاورزان به کارشان علاقمند شوند و به آن‌داد خود مطمئن باشند."

۲- رجوع کنید ← کتابه "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵"، ۱۳۸۷، "دفتر نشر معارف اسلام"

وضع به نفع ما بوده، بر عکس چند روز گذشته، عصر آقای صادق طباطبائی آمد. در مورد تعقیب پروندهایش در اروپا مشورت کرد، مخارج پروندهایش را می‌خواهد و گفت [ژاک] شیراک [نخست وزیر فرانسه] خواسته با او ملاقات کند.^۱

مغرب برای زیارت امام به دفترشان رفت. نماز جماعت را با ایشان خواندیم. حاشیان رو به عادی شدن است، ولی موقع نماز هم سیم دستگاه کترل قلب به بدنشان وصل بود و موقع بلند شدن دونفر کمکشان می‌کردند. بعد از نماز مدتی با ایشان صحبت کردم. گزارش تعیین آقای محسن رضایی به عنوان جانشین و وضع آقای صیاد و مراحل بعد را دادم. اظهار رضایت کردند. والده همراه بازن و دو دختر اخوی احمد آمدند. عیدی به بچه‌ها دادم.

شنبه ۳۰ فروردین ۱۹۸۶ | ۱۴۰۶ | ۱۳۶۵ شعبان

بیشتر به مطالعه نوشته‌های [عباس] فرماغی [رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی] و [حسین] فردوسی [رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی] پرداختم. وضع رژیم پهلوی را خوب روشن می‌کنند. آقای دکتر روحانی تلفن کرد. از ادامه جانشینی آقای رضایی راضی نیست و با رفیق دوست برخورد تلحی داشته است. درباره تقسیم موشک‌های سطح به دریا و زمین به هواکه از چین رسیده و مایه اختلاف بین نیروی دریایی و سپاه شده، قرار شد مشورت کنند. آقای رضایی تلفنی از همکاری میان ارتش و سپاه و استحکام خطوط اظهار رضایت کرد. به سرهنگ ترابی گفتم کارهای اجرایی دادن پاداش به هوانیروز و تعیین هدفهای مهم در خاک عراق را دنبال کند.

یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۹۸۶ | ۱۴۰۶ | ۱۳۶۵ شعبان

صبح زود به مجلس آمدم. از صدا و سیما آمده‌اند و از طریق ماهواره یک کافال به دفترم داده‌اند که

۱- ذکر سید صادق طباطبائی فرزند مرحوم آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبائی و برادر همسر مرحوم حاج سید احمد آقا خسینی است. وی در دوره تحصیلت انجیارات ریاست جمهوری اسلامی کاندیدا بود. او در زمینه تهیه ملزومات جنگ اقداماتی را انجام می‌داد. آقای طباطبائی در دی ماه سال ۱۳۶۱ به اتهام فاچای ترباک در فرودگاه دولتی آستانه دستگیر شد. وی از این اتهام لبرانه و مشخص نگردید که عوامل ضدانقلاب، با انجام تبله‌ای، مراد مخدوچ را در ساک او گذاشته‌اند. برای اعلام اخراج پست رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، پس از سجن، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۱" زیر نظر طاطه هاشمی، دفترچه معارف انقلاب، صفحات ۱۸۵، ۲۵۵، ۲۶۳، ۲۶۹ و ۲۹۴.

نماز جماعت با امام خمینی

۶۹ اوج دفاع

عکس

شبکه تلویزیونی سی.ان.ان آمریکا را می‌گیرد. در دفاتر رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس شورای عالی قضائی هم گذاشته‌اند. دستور کارمان اختیارات و وظایف رئیس جمهور بود. چند هزار نفر از کارکنان دولت به عنوان نیروی تخصصی و خدماتی که عازم جبهه بودند، مقابل مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم^۱. هیأت دولت هم به بدرقه آمده بودند. ظهر جمعی از نمایندگان با خزان آمدند. از آقای سید زاده و موحدی امام جمعه اسلام آباد - که در خط مخالفان هستند - شاکی بودند.

عصر [آقای کاظم خوانساری] سفیرمان در لیبی آمد و راجع به نوع کسکی که می‌توانیم به لیبی نمائیم، صحبت کرد. آقای سعید شاه آبادی آمد. پیشنهاد می‌کرد روز شهادت پدرش [آیت الله مهدی شاه آبادی] را روز روحانیون شهید اسم بگذاریم.

نماینده قاچانات آمد و از نیازهای منطقه‌اش گفت. [آقای مسعود روغنی زنجانی] وزیر برنامه و بودجه با معاونان آمدند و مشکلات برای بودجه را با فرض ارزانی نفت گفتند. آقازاده از ژنو تلفنی خبر شکست کنفرانس اوپک را داد. آقای کنگرلو آمد و گفت آمریکایی‌ها حاضر شده‌اند برای اقدام ما جهت آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان، همراه خودشان قطعات هاک را بیاورند.

آقای [رضا] امیراللهی آمد. داشمندی را آورد که مدعی کشف انرژی جدیدی بود و از من در مورد به کار گرفتن آن سوال داشت. نگران بود که نقش نفت را تضعیف می‌کند. شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. درباره جنگ و ارتض و سپاه و مسائل نفت و بودجه بحث کردیم. اطلاع دادند در منطقه فاو، پانک سنگین دشمن را دفع کرده‌اند.

۱- در یخشی از این سخنرانی آمده است: "دبیا در خود مبالغه این نظرهای را ندارد. در کجای تاریخ جنگها و انسان‌ها، ما چنین وضعی را سراغ داریم که با یکت اشاره رهبری، این چنین به حرکت نیایند که برای کنترل و نظام دادن این حرکت، تمام تدریت دولت و کنترل احسان عجز کنند." رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های مال ۱۳۶۵، ۱۳۸۷" دفتر نشر معارف اهل‌علم،

حالی

دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۲ شعبان ۱۹۸۶ April 21

امروز بیشتر وقム به مطالعه گذشت، بازجویی های [حسین آفرودست] و کارهای جاری. آقایان رضایی و جمالی از جبهه تلفنی از استحکام خطوط و همکاری مطلوب بین ارتش و سپاه راضی بودند و خواستار انحلال تیپ حضرت ابوالفضل (س) شدند. این تیپ را آقای صیاد با شرکت افراد داطلب شهادت از میان واحدهای دیگر ارتش تشکیل داده است.

اینها مدعی اند که خروج افراد مومن از واحدهای ارتش، باعث تضعیف سایر واحدهایی شده که نیاز به افراد مؤمن دارند. با رئیس جمهور صحبت شد و قرار شد دستور انحلال آن تیپ را بدهدند. همچنین آقای جمالی از عدم معرفی به مسئولان نیرو و توسط صیاد گله داشت. احتمالاً درگیری بین

۱- ارتشد حسین فردوست از امرای بلند پایه نظام طاغوت رئیس بازرسی شاهنشاهی بود. وی در تأسیس ساواک بقتل محوری داشت. فردوست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مخفی گردید و تا سال ۶۲ که دستگیری شد، در خنا زندگی می‌کرد. وی پس از دستگیری به افشاگری تاریخی قساد در دوران پهلوی پرداخت و تا سال ۶۶ که در زمان درگذشت، به ذکر خاطرات خود از آن دوران پرداخت. افشاگریهای سیار مهم ارتشد فردوست توسط مؤسسه مطالعات و پژوهشیهای سیاسی وزارت اطلاعات در کتاب تحت عنوان «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» در دو جلد به چاپهای متعدد رسیده است. صداقلهای خارج نشین وی را به خیانت منهم کردند و مدعی اشید فردوست تجزیبات خود از ساواک را در اختیار تیانگذاران وزارت اطلاعات فرار داده و هسکاری کرده است. ارتشد فردوست از حمله تروریک ترین رجال دوران پهلوی به محمد رضاشاه و دوست و مسکلامی دوران گذگری وی بود. برخی معتقدان معتقدند فردوست در خاطرات خود بازگری بعثت اعظم مطالعه را به صیاد شخصی شاه و رجال دوره پهلوی و مسابل جنسی پرداخته و نیاد ساختاری و میمتنصی را به منشایی و مسائل اصلی آن را اغلب تأکید گذاشته است. برای آگاهی بیشتر برجع کنید کتاب «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» مؤسسه مطالعات و پژوهشیهای سیاسی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۱.

صیاد و جمالی پیش آید.

عفت شب از رفسنجان رسید. او با جمعی از خانم‌های سخنران، برای سخنرانی در جلسات به رفسنجان رفته بودند.

سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۳ April ۱۹۸۶

در جلسه علنی مجلس، بررسی طرح وظایف و اختیارات رئیس جمهور ادامه داشت. کاروان پنج راهیان کریلا از استان خراسان به مقابل مجلس آمدند و خیلی با شکوه بود، برای آنها صحبت کردم.^۱ آیت الله خامنه‌ای هم آمده بودند. گروهی از جانبازان اراکی آمده بودند. برای آنها هم صحبت کردم.^۲ ظهر استانداران کشور آمدند. برایشان صحبت کردم و جواب سوالات آنها را دادم.^۳ نهار

۱ - آقای هاشمی در مراسم بزرگ هشت هزار تن زمینه‌گران شکر پنجم «لیک یا امام» استان خراسان که با حضور گروه کثیر از اقتدار مختلف مردم تهران، مقامات ملکی و نمایندگان مجلس در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی برگزار شد، اظهار داشت: «با حمایت حداکثر ملت اسلام حجت می‌کنیم، هنور فرصت دارید کلاه خود را قاضی کنید و تصمیم بگیرید. یا خواسته‌ای عالله این ملت شهید داده و مظلوم را مدهید و حرب بعت عراق را از صحنه حذف کنید یا اینکه آمده باشید رزمیگان ما با قدرت نشستگ این کار را بکنند. تزدیزی مدام فرشتگان الهی نسبت به این حالی که شما دارید و نعمتی که خداوند به شما داده عبغله می‌خورند و آرزوی این را دارند که به جای شما اینگونه در راه خدا ایثارگری کنند. این نعمت را باید قدرش را بدانیم. بهترین برخوردی که با نعمت الهی شده، همین است. سال‌ها بود دعا می‌کردیم خدایا به ما نویقی بده در رکاب امام عادل جهاد کنیم و چین نصی شد، ولی حالاً دعای ما مستجاب شده و شما وارث این دعاهای مستجاب شده هیسید». رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، ۱۴۰۶، دفترنشر معارف اهل‌الباب، ۱۳۸۷.

۲ - رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، ۱۴۰۶، دفترنشر معارف اهل‌الباب، ۱۳۸۷.

۳ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «سعی کنید در اسپاهان کارها را به گروه‌های تعظیم کنید که همانجا حل شود و به تهران محول شود. گروه‌های شما آن طور پیچیده نشود که بخواهد از کارهای شگ و پریچ و خسی غرور گند. شماها که اگرتون کارشان این مسائل هستید، در این زمینه‌ها طرح روشنی بدهید. آن چیزهایی که نکر می‌کنید در استان‌ها فاعل حل است و دلیلی ندارد به تهران باید را مشخص کنید. شاید هم شما این را در سمینار طرح کرده‌اید. اگر دنال این کار بروید، موفق خواهید شد. در کارهایان توکل کنید. خداوند از زمانی که مردم وارد صحنه شدند و استحقاق رحمت خدا را به دست آورند، رحمت را بر ما ناول کرده است. ما همروفت در مقابل خود یک مشکلی را ماجرم می‌کردیم و نکر می‌کردیم که این ممکن است سخت باشد دیدیم که مشکلات مثل ابر از جلو راه ما عقب می‌روند. نمونه‌اشن همین اسائل است که ما همچ بعکر اینکه دشمنان ما بر نامه‌هایی از لحاظ اقتصادی و نظامی جهاده‌اند و این نهاد جدید را آغاز کرده‌اند، تبادیم؛ و فی خداوند به دهن امام امت انداخت و اول سال ایشان چین دستوری دادند و چین جوی در جامعه به وجود آمده است. حضور همین مردم در صحنه سیاری از مشکلات جوانی را حل می‌کنند. آنها که چشم سرتی به نظام ما داشتند، وقتی که این مردم را می‌بینند تحت تأثیر قرار می‌گیرند، هیچکس نیست که این مسائل را بیند و تجدید نظر در مسائل خود نکند. ما که مثل هایی در آلب، شب و روز با مردم هستیم و می‌بینیم که این مردم دسته دسته به جهه می‌روند و وظی معنویت و فناکاری‌های مردم را می‌بینیم، قلبیان محکم می‌شود، دشمنان ما که اصلًا این چیزها را تبدیل‌هاند، طبعاً باید این مناظر فکر می‌کنند که باید برای این کشور حساب حیدی بآذ کنند و این کار را کرده‌اند.^۴ رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، ۱۴۰۶، دفترنشر معارف اهل‌الباب، ۱۳۸۷.

مهمان مجلس بودند.

عصر اخوی محمود - که فعلاً به طور موقت ستارت [[ایران در]] سوریه را اداره می‌کند - آمد و گفت که یک تاجر عرب مدعی است آمده است سه میلیارد دلار به ایران بدهد که بدھی‌های سوریه را ضمن آن مستهلک کند. گفتم معمولاً چنین وعده‌هایی عمل نمی‌شود.

مسئولان مهندسی رزمی جهاد سازندگی آمدند و گزارش برنامه جدید را دادند. برای آنها صحبت کردم^۱. شب در مجلس ماندم و گزارش‌ها را مطالعه کردم. مسئله مهمی نداریم. جبهه‌ها هم افزایش را کد است. به آقای خامنه‌ای تلفنی گفتم خوبست نیروی دریایی در خلیج قارس با احتیاط عمل کند.

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | April ۱۹۸۶

تا ساعت هشت صبح کارهای اداری را انجام دادم و خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم. آقای جمالی اطلاع داد عراق دشیب در منطقه عملیاتی قادر از چهار محور حمله کرده ولی شکست خورده است.^۲ به جای پنجمشنبه، امروز جلسه علنی داشتیم. تا ساعت دویم در جلسه علنی مجلس ماندم و بعد از تنفس به دفترم آمدم.

۱- در این دیدار که مسئولان دفاتر نمایندگی حضرت امام (ره) در شوراهای جهاد سازندگی در اساناها و مسئولان عرازگاههای متادهای پنتیابی جنگ حضور داشتند، آقای هاشمی با تأکید بر ضرورت سازماندهی نیروها، گفت: "وضعت جنگ، در مقایسه با اوائل آن، خیلی فرق می‌کند و اکنون اشکارات در جنگ می‌تواند نیشن مرنوشت سازی داشته باشد. اگر چه روش است که هنگام درگیری، توکت پیکان حمله را می‌کنند و افراد خطا مقدم تشکیل می‌دهند ولی کار به آنها خشم نمی‌شود. اگر کارها درست نظیر نشود، آن می‌کنند و رژمندهای نیشن توکانهای از اهداف که گرفته‌اند دفاع کنند. طبیعت جنگ این است برای محيطی که به وجود می‌آید، شرایط غیرعادی وجود خواهد داشت که باید آنها را حفظ کرد. مثلاً باید حساب کرد، برای پیروزی یک خلبان نیروی هوایی چند ریچیه‌ای، ایزار پیچیده؛ هر اکثر دیگر لازم است. در زمین هم همین همان‌جا با مقداری تفاوت وجود دارد. نیشن مهندسی رزمی در شرایط مردم و مخصوصاً در عملیات اخیر و آینده، به حاضر پیچیده شدن مسائل سرنوشت می‌باشد. شاید در غافر به نظر گار ساده‌ای باید، اما یک راننده بولندوزر در لحظه‌های درگیری می‌تواند با بولندوزر و ترور خود در آن نقاط حساس، هر قیمتی یک گردن را تخصیص و جان یکند عله رژمنده را که وجودشان در آن نقطه لازم است، در پیهای یک تل حاکم حفظ کند. این، تنها از عهده یک راننده بولندوزر برمی‌آید، کار او از یک هی کوپنر یا دستگاه ناو و غیره که تانک دشمن را می‌زنند، انصافاً در آن لحظه مهتر است. شاید کسی احبابت کار او در دهش نباشد ولی رژمندهای این را می‌فهمند. یک جاذه کیچکی که امکانات برآری را فراهم می‌کند، یک منگر به موقع در یک نقطه، نیش بزرگی در یک پیروزی عظیم می‌تواند داشته باشد". رجوع کنید به کتاب "حاشی رقصجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر تشریف اعلانات، ۱۳۸۷

۲- در جبهه شمالی در منطقه عملیاتی قادر (سیدکان) در نتیجه حمله دشمن به استعداد یک تپه بیاده و پیکان‌های حاضر، ارتفاعات می‌سرول، گردشوان و لولان مغوطه کرد

آقای امامی کاشانی آمد و پیشنهاد کرد از مسلمانان و هواداران انقلاب در خارج از کشور درخواست کمک شود؛ به استاد تمایل به کمک که در ایام سفر عمره مشاهده کرده بود و پیشنهاد اتاق بازرگانی را آورد که گفته‌اند دولت به کارخانه‌ها اجازه ندهد تا در صدی از محصولات خود را به طور آزاد بفروشند و مسئول تهیه ارز خود باشند.

به آقای [طهماسب] مظاہری مسئول بنیاد مستضعفان تلفن کردم که به قرارداد خود با آستان قدس [رضوی] در مورد هتل و پرداخت بهای آن عمل نمایند؛ آقای [واعظ] طبی خواسته‌اند. ظهر آقای [سید جمال] آزادایان کاردار مان از لندن آمد و گزارش آنجا را داد و برای رفع ضعفها استمداد کرد. آقای [حبيب الله] عسگر اولادی آمد و برای کمیته اقداد امام کمک خواست. عصر عقد ازدواج برادر آقای [اکبر] پرهیز کار [نماینده تبریز] و کار پرداز مجلس را بستم. آقای [علی] فلاحیان [معاون وزیر اطلاعات] آمد و برای کارهای برون مرزی اجازه خواست. اطلاعات رسیده از منطقه قادر می‌گوید دشمن در قسمتی از میدان پیروزی به دست آورده و این مایه شکست مدیریت جدید پیروزی زمینی و آقای رضایی است که مدعی بودند خطوط را محکم کرده‌اند.

شام سران قوا مهمان نخست وزیر بودیم. آقای [موسی] اربیلی پیش نویس لایحه تعزیرات و جلوگیری از فساد و بدحجابی را آورده تایید شد. درباره جبران کمبود ارز و بودجه به خاطر سقوط قیمت نفت بحث شد. خبر دادند یک ابزار مازوت در جنوب تهران آتش گرفته است. درباره احتمال هجوم آمریکا و... به ایران بحث شد. شب سرمهنگ جمالی آمد و گزارش نظامی منطقه عملیاتی قادر را داد.

پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ شعبان ۱۹۸۶ April ۱۹۸۶

تا ساعت ده صبح در منزل بودم. به مجلس آمدم. آقای [فریدون] مهدی نژاد با [آقای احمد

۱ - خبرگزاری آسوشیتدپرس ذو گزارشی از بعداد ضمن نقل بخش‌هایی از بیانیه نظامی عراق در مورد تصرف چندین ارتفاع در جبهه‌های شمالی می‌نویسد: "پیروهای عراقی در مقننهای اخیر در جاچوب تلاش برای جلوگیری از تجمع پیروهای ایرانی در جبهه‌های شبه جزیره قافو به حملات برق آسا علیه پیروهای پراکنده ایران در جهه‌های مختلف دست زده‌اند. در این حال صدام حسین جمهور عراق امروز چهارشنبه ریاست پک اخلاص ۱۲ ساعه از فرماندهان ارتش را که در ارتباط با بردگی اوضاع جهه‌های جنگ تشکیل شده بود، بر عهده داشت. در اخلاص مزبور وزیر دفاع و اطلاعات عراق و همچنین عرت ابراهیم نائب و نیس شورای فرماندهی انقلاب عراق حضور داشت".

وحیدی] معاون اطلاعات سپاه آمد و در مورد فعالیت‌های خارج از کشور مشورت کرد. آقای [ابراهیم] سنجقی آمد و گزارشی از وضع آموزش نظامی و ضرورت تقویت پایگاه‌های پسیج داد. عصر برای سخنرانی در مدرسه فیضیه قم در سمینار "اسلام و مستضعفان" و ملاقات با آیت‌الله منتظری به قم رفتیم. مذاکرات با ایشان بیشتر درباره جنگ و مشکل همکاری سپاه و ارتش بود. نظراتی ابراز شد و قرار گذاشتیم هفته آینده با سران قوا در حضور ایشان جلسه داشته باشیم. اجتماع مدرسه فیضیه زیاد بود، درباره استضعف و استکبار صحبت کردم.^۱ بعد از نماز مغرب به تهران برگشتم. حوضجه‌های مازوت پالایشگاه تهران که آتش گرفته در مسیر تهران-قم منتظره بدی دارد و دود فضا را گرفته و در تهران باران سیاه یاریده است.

جمعه ۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۶ شعبان ۱۹۸۶ April ۱۹۸۶

تا ساعت ده صبح در منزل بودم. اول وقت همراه رئیس جمهور و نخست وزیر به زیارت امام رفتیم. حاشان خوب است. به نماز جمعه رقم؟

۱- در بخشی از این سخنواری آمده است: "تبیه تلاشی و مجاہدت‌های مستضعفین، مقدمه شهور امام زمان (عج) را فراهم می‌سازند. این مسأله که عدالت پیش از هر چیز دیگری در قیام حضرت مهدی (عج) مطرح است، بهترین پاسخ به کسانی است که می‌پنداشند با سکوت در مقابل رژیم‌های استکباری می‌توان زمینه‌های طهور آن حضرت را فراهم ساخت. یکی از مهمترین صائل در رابطه با قیام حضرت ولی عصر (عج) برخورد جدی نامتنکرین است. آرام ننسن یک مفهوم بی اساس در انتظار طهور آن حضرت است که گمراهن و ناگاهان از آن دم می‌زنند. این یک انحراف اصولی است که ادامه آن اساس اسلام را در معرض خطر جدی تراویح می‌داد. مسلمانان و مستضعفان برای زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) باید مستکران عالم را بی وقب نگذارند و همراه در بیست و آن باند بشانند. خود را مکلف بدانند که برای رسیدن به حاکیت مستضعفین، شهادت و سختی‌های فراوانی را به جان بخوردند تا به هدف اصلی خود نائل شوند. دید عین قرآنی منی بر این واقعیت است که خروی استکباری همساره به عنوان مانع بر سر راه تکامل عهده جانبه مستضعفین مطرح شده است. از آیات قرآنی دقیقاً چنین برمی‌آید در عین حال که جهت‌گیری حرکت انبیاء الهی بر علیه مستکران بزدده ولی به تقدیمه‌های معروف و مستضعف نیز هشدار داده شده که ناید در مقابل مستکران و اعمال ضد انسانی آنان سکوت اخیار کنند. فرق آن دسته از مستضعفین را که با سکوت خود مهیدان تاخت و تاز مستکرین را آماده کرده و رشد همه جانبه آنان را تضمین می‌کنند، مرد تفییق قرار داده و آنان را همسر با مستکرین تلقی می‌کنند." رجوع گنید ← کتاب "حاشمی رضفیجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، ۱۳۸۷، ذفر شرم‌عارف‌القلاب، ۱۳۸۷"

۲- در خطه اول درباره دیدگاه اسلام راجع به حضرت مهدی (عج) با مباحث ادله نیایت عابه نهانه، مسأله انتظار امام زمان (عج)، تهرک اصلاح جامعه و تکلیف مسلمانانها در زمان امام عصر مظللی مطرح شد. در خطه دوم مسأله ترویسم بین المللی، حمله آمریکا به لبی و وحشت استکبار جهانی از جمهوری اسلامی تحلیل هایی ارائه گردید. در بخشی از خطه دوم خطاب به آمریکا آمده است: "باید خودخان را اصلاح کنید. به مردم زور نگویید. از جاهایی مثل اسرائیل حیات نکشید. توکرانی در میان دنیا هی تراشید و علیه عصیان مردم به کار نگیرید. مردم را عصانی نکنید. ببینید این حرفاها هم نخواهد برد و شما هم در قاره آمریکا این قدر امکانات دارید که بتوانید خوب زندگی کنیده روایطتان هم (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

عصر آقای فلاخ دادستان کرمان آمد و گزارش وضع منطقه را داد. از رواج مواد مخدر و همچنین از آثار سوء اختلافات خطی محلی نگران است.

شب آقای محسن رضایی گزارشی از وضع جبهه‌ها و برنامه‌های دفاعی و پدافندی آینده داد. تا ساعت دوازده شب بیدار بودم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم.^۱ مسائل مهم نیست. تهدید ریگان نسبت به سوریه و ایران و کشف شبکه قاچاق اسلحه از آمریکا به ایران سروصدا دارد.^۲

شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ شعبان ۱۹۸۶ April ۱۹۸۶

آقای [محسن] کنگرلو آمد و گزارش داد که آمریکایی‌ها می‌گویند قطعات هاک آماده تحویل است ولی می‌خواهند قبل از تحویل با کنگرلو ملاقات کنند. گفتم مانعی ندارد و نی ظاهراً آنها با اغراض

(ادله پاره‌قی از صفحه قبل)

من تواند با همه دنیا و روابط اسلامی باشد و بر اساس صحیح باش. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطهای جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم»، دفتر تشریفات اقلیات، ۱۳۸۷.

۱ - خبرگزاری فراسط خطهای نمار جمیع این روز را چنین نقل کرده بود: «هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس امروز جمیع تهدیدات رواند ریگان رئیسجمهوری آمریکا در مورد انتقام اقدامات تلافی جزیه اعلام کرد: «پیوچ، خواهد فهمید ترور چه معنی دارد. رئیس مجلس که مساینه آیت الله خمینی در شورای عالی دفاع ایران بیرونست، پیش از مطرح کردن تهدیدات حالي ریگان که فوراً توسط جرج تولر وزیر امور خارجه آمریکا نکدیب شد، تروریسم دولتش کاخ سفید را محکوم کرد. وی ضمن اشاره به تدابیر امنیتی جهت حمایت از منافع شهروندان امریکا افروز شما هم اکنون نا وحشت مواجه هستید اما اگر تهدیدات خود را علیه ایران به مرد اجراء نگذارید، آن گاه معنی ترور را خواهید نهیید. هاشمی رفسنجانی اظهار عقیده کرد که یکت بسیار آمریکا علیه شهراهای ایران آنچه را که عراق از چندین سال پیش به ایران تحمیل می‌کند، نخواهد داشت. وی همچنین اظهار داشت مردم ایران روزی که در یک چنگ باز علیه آمریکا قرار گیرند، به طور گسترده‌تری نسبیت شود. پاد آوری می‌شود ریگان روز چهارشنبه اعلام کرد که ایران و سوریه در صورتی که مستولیت یک اقدام تروریستی از سوی آنها به گونه‌ای انکار نمایند تأثیر شود، مرد یک اندام تلافی جزیه این قرار خواهند گرفت. رئیس مجلس ایران از سری دیگر تبلیغات امپریالیستی را در مورد قاچاق سلاح آمریکایی به منصبه ایران مسخره نویصف کرد. وی از خود برسید کدام قاچاقی است که من تواند هوابیا و مرشک‌های عذر را بفروشند. در حالی که کسکره آمریکا هنور تصمیم به فروتن این گونه تسلیحات به عربستان سعودی را اتخاذ نکرده است. وی همچنین این تبلیغات را که حاکمی از وحشتی است که انقلاب اسلامی و سیع ملت ایران در آمریکا و نیکوانش در منطقه به وجود آورده است، محکوم گرد. وی سپس از عمل ایران خواست تا برای دادن یک درس جدید به خصم آماده باشد.^۳

۲ - خبرگزاری‌های خربی اعلام کردند ۱۷ نفر به جرم فروش سلاح به ایران در آمریکا نجحت پیگیری قاتل‌قی فرار گرفته‌اند. تعدادی از افراد این گروه دستگیر شده‌اند و پلیس آمریکا در جستجوی آن دیگر است. پیش از این تبی جنجال‌های خربی تبلیغ اخیر تسلیحاتی ایران از اسرائیل^۴ با قاچاق اسلحه از آمریکا به ایران، از سوی عرب مطرح شده بود. سفهگوی گیرک آمریکا جمیع این معامله را حدود ۲/۵ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت به ازای این مبلغ فرار بود دهها فروند هوایی بست اذکن، هی کوتیر و هزاران قیمه موشک هدایت شونده و دهها قیمه موشک هوا به هوا به ایران تحویل داده شود.

خاص جریان را به تأخیر می‌اندازند و حسن نیت ندارند. در گذشته هم از این فیلم‌ها بازی کرده‌اند. علی‌القاعدۀ آنها باید عجله پیشتری برای آزاد کردن گروگان‌های خود در لبنان داشته باشند؛ یا در داخل خودشان مشکل‌ای دارند و یا در صدد اجرای توطئه‌ای هستند. باید با هوشیاری برخورد کرد و باید هیچ قولی درباره گروگان‌ها داد و فقط گفته شود که اگر با تحويل قطعات هاک، حسن نیت خود را ثابت کردنده، ما برای نجات گروگان‌ها شروع به اقدام می‌کنیم و پس از اقدام می‌توانیم بگوییم چه می‌کنیم.

دکتر [محمدعلی] هادی آمد و راجع به کنگره بین‌المجالس و مسائل خودش حرف زد. آقای سرهنگ جمالی آمد. او نگران تبلیغات علیه او در خصوص پذیرفتن جانشینی آقای محسن رضایی بود و خواهان لغو آن حکم است. گفتم پس از آنکه همکاری ارتش و سپاه روشن شد، آن را لغو می‌کنیم، ولی راضی نشد. به آقای رضایی هم گفته بود و آقای رضایی شب آمد و در این باره مذاکره کردیم و راهکارهایی مطرح شد، اما به نتیجه تو سیدیم.

مشکل مهم جنگ، عدم تفاهم بین ارتش و سپاه است. ارتشی‌ها حاضر نیستند زیر بار سپاه بروند. اطلاع دادند که عراق در جزیره جنوبی مجنون حمله کرده و شکست خورده است.^۱ عصر عفت مهمان داشت و مراجعات هم به من داشتند.

یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۸ شعبان ۱۴۰۶ | ۲۷ April ۱۹۸۶

صیغ زود به مجلس آمدم. رئیس جمهور تلفنی از من خواستند که در مجلس کمک کنم تا اختیارات رئیس جمهور ضعیف نشود، ولی با موضع اکثریت نمایندگان، عملاً کار زیادی نمی‌شود کرد. در جلسه علنی تا هنگام تنفس ماندم. مطابق معمول به خاطر مسئولیت جنگ، کمتر در جلسات مجلس می‌مانم. راهیان کربلا که از استان گیلان عازم جبهه بودند، مقابل مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم.^۲ نمایندگان به خاطر مسائل امنیتی موافق نیستند که زیاد در اینگونه مراسم شرکت کنم.

۱ - در این روز در جبهه جنوبی، در هنطقه عسلیاتی خبر (جزیره محنون) دشمن به استعداد پک نشکر زرهی حمله کرده، اما ظرف چهار روز آتشیست بیش از ۲۰۰ دفتر پیشروی کرد.

۲ - آقای هاشمی در مراسم عزیمت نشکر چهارم راهیان کربلا از استان گیلان به جبهه‌های تبرد که در مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شده، اظهار داشت: "این احساسات، فدایکاریها، برگزاریها و عرواطفی که علت عزیر ما این جنین بروز می‌دهند، بسیار با ارزش است. این حرکتی که مردم ما (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

این روزها این صحفه چند بار تکرار شده است.

پیش از ظهر با جمعی از دانش آموزان مدرسه امیر کبیر قزوین که چهل هزار تومان برای جبهه آورده بودند، ملاقات و برایشان صحبت کرد. ظهر دکتر محیط و اسماعیلی آمدند. محیط برای جلوگیری از ضایعات روانی در اثر جنگ پیشنهادهایی داشت.

عصر پاسداران نمونه‌ای که در جنگ خوش درخیشه بودند، آمدند. برای آنها صحبت کرد.^۱ در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کرد. بحث بر سر تعطیل دفاتر حزب بود که به نتیجه رسیدم.

شب با سران دیگر قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. نامه سرهنگ چمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] مطرح شد که خواسته بود فرمانده نیروی زمینی عوض شود و حکم جانشینی آقای رضایی لغو شود. مقبول نیفتاد. قرار شد به او ابلاغ شود که با همین وضع باید خدمت کنند. درباره مشکل ارتش و سپاه بحث شد. قرار شد چهارشنبه به قم برومیم.

آقای دکتر ولایتی برای سفر به لیبی و سوریه عازم است. قرار شد اطلاع دهد که به تقاضای سوریه حدود چهل میلیون دلار نفت به آنها کمک می‌کنیم و کالاهای پیشتر از آنها می‌خریم و در ساختن یک سد شرکت‌شان می‌دهیم. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۹ April ۱۹۸۶

امروز بیشتر وقت به مطالعه گذشت. احمد آقا آمد. درباره وضع سپاه و نیروی زمینی بحثهای دیشب را

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برای خدا، انقلاب و اجرای فرمان امام برای دفاع از اسلام، دارالعلماء و ماشیور و نشاط انجام می‌دهند و به جبهه می‌روند، پایده سپاه بزرگی است و در ناویج جاریگاه بر جای خواهد داشت. بخصوص در مردم استان گیلان و هزاردران، جایی که دشنان اسلام در آنجا با برname ریزی و به کارگیری امکانات مختلف سعی در تضعیف دین و اخلاق داشتهند و نکر می‌کردند که می‌توانند آنها را از دامن اسلام دور کنند. اما حالا می‌بینم که مردم این خطه از پستناران اعراض به جبهه می‌ستند و این شور و هیجان شناخته عصت اسلام، مذهب و اخلاق در میان شما مردم پاکدند و مندین است. رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر نشر معارف اقوال، ۱۳۸۷.

۱- در این دیدار که مستحبن فاتحان قاؤ و جمعی از بررسی اطلاعات و عمایات سپاه پاسداران خضرور داشتند، آقای هاشمی گفت: "قطع قاؤ از چنان اهمیتی برخوردار است که سپاری از معدلات جهان را بر هم زد و دنیا اکنون تسلیم رزمدگان اسلام شده است. پیروزی رزمدگان اسلام در قاؤ تهاوار نظر نظامی مطرح نیست، بلکه از لحاظ سیاسی و روابط دولتها و مسائل آینده بین‌دارای آثار ارزشمندی است که شایع آن نهاده گذشت زمان روسن خواهد شد. حامیان خود را با توجهی‌تر که در اختیار صدام فوار داده بودند، مطمئن بودند که او شکست نمی‌خورد، ولی قاؤ به حامیان صدام نشان داد که صدام شکست نمی‌خورد. زیرا عراق تمام تراش را برای بازیش تغیری قاوه کار بردا، اما توانست کاری از پیش ببرد. عبور از اروند رود و مهمن از آن تدارک و مقاومت کردن پس از آن، در مقابل آن همه تهاجم بی مایه به حاوکه دشمن خنثی نتوانسته بک و جب از خاک آن را پس نگیرد، سپار مهم است و باعث شده که دنیا اکنون در ابر شمار زندگان اسلام سر تعطیل فرود آورد". رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر نشر معارف اقوال، ۱۳۸۷.

برای اطلاع امام به ایشان گفتم. برنامه ملاقات رزمندگان ممتاز با امام نیز تنظیم شد. آقای سرگرد هاشمی آمد. او از دوستان صیاد است. پیشنهادهایی در ارتباط با جانشینی آقای محسن رضایی داشت. آقای احمد شجاعی آمد و طرحی برای زدن تلمبه خانه‌های نفت عراق از طریق ترکیه آورد. عصر خاتم شهید مطهری آمد. از آیت الله متظری و سایر دوستان شهید مطهری به مخاطر عدم توجه به خانواده ایشان گله داشت. خواب‌های نوید بخشی از سرگان نقل کرد. کارها را از مجلس آوردنده. در گزارش‌ها از موشک خوردن یک کشته کوچک ما و درگیری قطر و بحرین بر سر یک حزیره خبری بود.

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ April ۱۹۸۶

با زنگ تلفن سرهنگ [مصطفی] ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] بیدار شدم. اطلاع داد پک کشته روسی حامل اسلحه برای کویت را برای بازرگانی توقیف کرده‌اند. گفتم آزادش کنند. به دفتر آمدم. آقای محسن رضایی اطلاع داد دیشب در چهار محور در دریاچه نمک به عراق حمله کرده‌ایم و موفق شده‌ایم و به اهداف رسیده‌ایم.^۱

در تنفس آقایان [محمد] یزدی و [احمد] آذری [قمی] و [محمدعلی] موحدی کرمانی آمدند و درباره تشکیل واحد جدید "همکاری حوزه و دانشگاه" که از طرف جامعه اسلامی دانشگاهی و جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و جامعه روحانیت مبارز [تهران] تشکیل شود، مشورت کردند. نگرانند متهمن به لیبرالی و سرمایه‌داری شود. گفتم بهتر است قبل از شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه و تشکیلات آن تصویب شود.

مسولان ورزش بانوان آمدند و درباره مسائل کار خود سوال داشتند. به ستاد تبلیغات جنگ گفتم پیروزی دیشب را تبلیغ کنند. آقای [حسن] فیروز آبادی [معاون نخست وزیر در امور جنگ] آمد و درباره نحوه تخصیص ارز برای سپاه و ارتش سوال کرد. گفتم کمیسیون ویژه‌ای تشکیل شود تا اولویت‌ها را تعیین کنند.

۱- عملیات پیروزمندانه واقعیت‌گاری از ۲۰ بهمن عالی ۶۴ شروع شده بود، در این روز با تهدید بصره از جبریت به پایان رسید. پیگانهای احتیاط ارتش عراق ۷۵ روز پاک کرده‌اند اما عذر نمود و بر آمار تلفات و خسارات‌های دشمن افزوده چنان‌که سر فرماندهی ارتش عراق به یقین رسید که تلاطم برای باز پس‌گیری قاوه به حایی نمی‌رسد و هر آن‌های ریگان‌های تیجه‌ای را راهی، لذا پاک‌کرده‌ای را معرف کرده. در عملیات واقعیت، حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع تصرف شد.

عصر برای صحبت در سمینار شهید مطهری^۱، به دانشگاه تهران رفتم. اول شب به خانه رسیدم. در فکه، دشمن حمله کرده^۲ و در قاو ما حمله کردند.

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | April ۱۹۸۶

صحب زود دکتر روحانی آمد. درباره جنگ، سپاه و ارتقش و مسائل مربوط به قرارگاه صحبت کردیم. آقای محسن رضایی آمدند. در مورد عملیات آینده و مشکلات کمبود امکانات در اثر توطئه اخیر سقوط قیمت نفت مذاکره کردیم.

در ملاقات رژیوندگان ممتاز خدمت امام شرکت کردم. چون امام صحبت نمی‌کنند، اینجانب مختصری حرف زدم.^۳ ساعت ده به دفترم آمدم. غده‌ای برای پرداخت کمک به جبهه آمده بودند. آقای [سیداحمد] زرگر دادستان [مبازه با] مواد مخدر آمد. از تصمیم شورای عالی قضائی مبنی بر عدم اعدام فاچاقچیان غیر مسلح شاکی بود و کمک می‌خواست. اعضای کمیسیون نیرو^۴ که به دعوت شرکت‌های فروشندۀ نیروگاه به ایران، به کشورهای آلمان، سوئیس و ایتالیا رفته بودند گزارش

۱- آقای هاشمی در اولین نشست سمینار بررسی اندیشه‌های استاد شهید برضی مطهری با ازای تحلیلی بیرامون زندگی آن شهید، تأثیرات استاد مطهری در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار داد. ایشان گفت: "مطهری از موقعیت نوین علمی و دانشیاندۀ ناریح است، بد طوری که اگر کسی بخواهد برای زندگی خود ساریرو و قلم نامه نتویسد، بسی تواند به این خوبی این کار را به انجام ببرد. ایشان در دوران مختلف زندگی خود کارکرده است و در زمان خوبی زندگی ایشان معرفت شده است. جانازهای امروز جوانان در جبهه‌های جنگ، معلم شهادت انسابیان بزرگی چون استاد شهید مطهری می‌باشد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخواری‌های سال ۱۳۶۵"

دفتر شریعت و علوم اقلیات، ۱۳۸۷

۲- در تبعیجه هجوم دشمن در منطقه عملیاتی والفتح مقداماتی و والفتح یکد در فکه که با یکد لشکر زرهی و ده تیپ پیاده انجام شد، اعدام گسترده دشمن با واکنش مؤثر خودی خنثی گردید. در این عملیات ۱۷۶ دشمن کشته شدند. خودروی ۱۲ خودروی دشمن منهدم شد.

۳- در این ملاقات که جمعی از ایثارگران عملیاتی والفتح مقداماتی و والفتح یکد در فکه که با یکد لشکر زرهی و ده تیپ پیاده انجام شد، اعدام گسترده صابر نیروهای شرکت گشده در عملیات حضرت داشتند، آقای هاشمی ابعاد مختلف عملیات والفتح ۸ را که مسیر به آزادسازی شهر استراتژیک فاوشد، تشرییح کرد. ایشان خصوص طلب دعای خیر امام خمینی (ره) برای رژیوندگان اسلام گفت: "این افراد که غریب یک نیاپندگانی از واحدهای خود می‌باشند، برای تجدید ذیدار با فرماده خود به اینجا آمده‌اند و ایدواریم که دعای خیر امام انت و امت شهید پرور بذرقه راه نهاده رژیوندگان باشد."

۴- اعضای کمیسیون امور پست و تلگراف و نیرو در مجلس شورای اسلامی عبارت بودند از: آذیان غلامرضا حیدری، محسن رهامی، عبدالغناه هاشم رانی، جواد راضی، حامد دائمی، اسحاق جهانگیری، طائب خیاطی، بروزه مهربادی، رحیم علیراده، مسید محمدعلی فرشی، احمد همنی و علی معزی. اعضای این کمیسیون به دعوت کمیسیون اراون باوری از تأسیسات نویل و انتقال نیرو و در کشورهای سوئیس، آلمان و ایتالیا بازدید کرده بودند.

سخنرانی در کنار امام

نتایج سفر را دادند.

سرهنگ خوشنویان آمد و از فشار گروه کار نظامی رئیس جمهور و ستاد مشترک بر سازمان حفاظت اطلاعات [ارتش] گفت و گزارش کار داد. آقای هاشمی معاون امور بین‌الملل مجلس آمد و از عدم توجه کارپردازی به کار او گله داشت.

ظهور آقیان [علی] رازینی، اتابکی، [علی] یوسفی و [مصطفی] پورمحمدی برای مشورت در خصوص تشکیل دادگاه صحرائی برای محاکمه نظامیان مختلف در جنگ آمدنند. درباره اهداف سیاسی و نظامی دادگاه و کیفیت برخورد، نیازهای مقرراتی و فتوایی صحبت شد. اطلاع دادند که از منطقه فکه، دشمن به لشکر ۱۶ حمله کرده و سه گردان را ضربه زده و از خط دفاع به خط دفاع دوم عقب نشسته‌ایم؛ اوقاتیم تلغی شد و در جلسه هیأت رئیسه مجلس شرکت نکردم. قرار بود امشب با مران قوا به قم برویم. چون آقای خامنه‌ای دیر وقت از سیستان برگشتم و نمی‌توانستند به قم بیایند، منصرف شدم و به آقای منتظری اطلاع دادم که یکشنبه آینده می‌آیم. شب نخست وزیر به دفتر آمد. درباره وضع اقتصادی کشور بحث کردیم. او معتقد است می‌تواند با مشکلات بودجه پسازد. شب در مجلس ماندم. آقای نادی [نجف‌آبادی] آمد و قرار شد کمیسیونی برای تعیین اولویت‌های خریدهای نظامی تشکیل شود.

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۱ شعبان ۱۹۸۶ May 1

بعد از نماز ناساعت هفت صبح در دفترم کار کردم. آقای محسن رضایی آمد. درباره تحکیم خطوط و عملیات آینده و مسائل نیروی زمینی تا ساعت نه‌ونیم مذاکره کردیم. احمد آقا اطلاع داد که امام جواب سوالات دادگاه صحرائی را به آقای منتظری ارجاع داده‌اند.

در جلسه علنی برای رسیدن به مسائل جنگ شرکت نکردم. آقای دکتر روحانی و رضایی آمدند. گفتند آقای صیاد از دادن اختیارات به سرهنگ جمالی پشمیمان شده و گفته است خودش می‌خواهد حضور داشته باشد. عصر اعضاي سمینار وزارت ارشاد اسلامی آمدند. برای آنها صحبت کردم!

۱- دار این ملاقات‌گه آقای سید محمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی و سعادت‌گان فرهنگی جمهوری اسلامی در خارج از کشور حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "در شرایط حاضر حساسیت دنیا در مقابل ما فقط مسائل اقتصادی و سیاسی و اهمیت سوق الجیشی ایران و عربه تیست. شاید آنچه زیشه دار و مورد بعض انتهاست حیثه‌های فرهنگی اتفاقی است، آنها می‌دانند که مسئله فرهنگی چقدر مهم است و اگر ملت‌ها از (ادame پاورنی در صحنه بعد)

عکس هاشمی با خانمی

سید مهدی هاشمی^۱ آمد. از خودش دفاع کرد و داشتن گروه مخفی و اسلحه و تندروی و پخش

(ادله پاورقی از صحنه فیلم)

فرهنگ حالی باشد اگرچه عناصر ملی گرایی در آن قوی باشد، ولی باز خطر زیادی ندارد، البته تعصب قوه‌ی بیرونی ایجاد می‌شود، ولی مراجحت زیادی ایجاد نمی‌کند. اگرnon دنیا فاقد یک فرهنگ غنی است که تنزانه مراحم قدرت‌های سلطه‌گر شود. مارکسم‌یست‌ها واقعاً در صدد بردنده مکتب کاملی بیاورند که همه چیز از زیرنا دید ملسفی و آینه‌خواهی باسائل اجتماعی داشته باشد و مخرب‌های خاصی هم برای تعظیم همه چیز از آن گردید. اگر اینها با واقعیت دنیا موافق می‌دانند کاری بکنند، اما مطالب این مکتب با فطرت نمی‌خوانند، تفسیر علمی از تاریخ و طبیعت و تحلیل‌های اشتاهی از آن‌لده از آن می‌برند که مسائل علمی هم بر این تحلیل‌ها مباری‌اند. آنها وجود هر چیزی را عی خواستند ما از این تولید تحلیل کنند. می‌بیسم که همان سال‌های اول هم لبین و دیگران تنراسند این طرح‌ها را اجرا کنند، ممکنی که بر هنای آن می‌خواستند اساس خانوارده رایه هم بزیرین و زندگی خصوصی مردم را ملاشی سازند و آن ارتباط‌های عاطفی را انسان جدا نمایند، به خاطر همین مسائل بود که این مکتب کم کم شکست می‌خورد و اگرnon دارند تسلیم همان تقریباً می‌شوند. چه می‌شود که مکتب بعد از آن همه اعدام‌های دهان برکنی، همان رویه و کارهای عربیها را پیشنهاد و آن از جریان می‌گذارد. "رجوع کنید" یعنی رفیق‌جانانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۱ - سید مهدی هاشمی برادر داماد آیت‌الله منظیری، در اندیای انقلاب مستولیت جلسه‌های آزادی‌بخش را در سیاه پاسداران عهده دار نمود. بعد از انجام این جنبش، او اقساماتی را خودسرانه در استان اصفهان انجام داد. به ذاتی برخی تعالیه‌های اطلاعاتی و قضایی و احراز تحلیلات عدیده سید مهدی هاشمی، امام خصی (ره) در فاعله‌ای، آیت‌الله منظیری را از مخالفت با اقدامات انتقام شدید و تیر حمایت از نایبرده برجمله داشتند در بخشی از قاعده حضرت امام (ره) آمده است: "من تأکید من کنم که شناسام خود را از ارتباط با سید مهدی، یا کنکید که این راه بهتر است، والا همچ غکس العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان نمهدید که رسیدگی به امر حبابات مرور اتهام، حتمی است صلامت و ترقی جنابعلی را خواهانم". سید مهدی هاشمی پس از دستگیری در آبان ۶۵ و محاکمه در دادگاه ویژه روحانیت، در سال ۶۶ اعدام شد.

اعلامیه علیه بعضی از مشمولان را تکذیب کرد. گفتم به خاطر حفظ اعتبار آیت الله منتظری باید جنبه اثباتی قضیه درست شود. من پیشنهاد کرده‌ام که به عنوان سفیر به خارج بروند او این را تبعید تلقی می‌کنند.

سه نفر از معاونان وزارت کشاورزی آمدند و از ضعف [دکتر عباسعلی زالی] وزیر کشاورزی گفتند. [آقای سید کاظم آکرمی] وزیر آموزش و پرورش برای حل مشکل مدرسه چیز چیز آمد. این مدرسه منحل اعلام شده و اولیاء بچه‌ها می‌خواهند بیانند و در مجالس متحضن شوند. قرار شد من دو نفر داور معرفی کنم.

[دکتر علیرضا مرندی] وزیر بهداوی با معاونان آمدند و از تلاش مخالفان برای لغو قانون الحاق دانشگاه‌های پژوهشگی در بهداری شاکی بودند، تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. از آیت الله خاصه‌ای خواستم برای مشکل [اختلاف میان] آقایان صیاد و جمالی کمک کنم.

جمعه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۲ شعبان ۱۹۸۶ May ۲

تا ساعت ده‌ویم صبح مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. در ابتدای خطبه‌ها باران گرفت. چون اکثر مردم زیر سقف نیستند، خطبه‌ها را کوتاه کردم.^۱ عصر جمعی از اعضای دفتر تبلیغات اسلامی قم برای مذاکره و همکاری در تکمیل کار کلید قرآن آمدند. در سالهای زندان پیش از انقلاب برای فهرست کردن مطالب قرآن، یادداشت‌های زیادی برداشته‌ام که حدود صد هزار فیش است. با آنها توافق کردیم.^۲

- در خطبه اول ادای بیت عدالت اجتماعی با عنوان روابط میان زن و مرد دنیا شد و معرفات خانوار از دیدگاه اسلام، تگریش هارکسیم به نهاد خانوار اد، تبلید برخی از مادران از غرب و هشدار به خانم‌های در حجاب مطلع گردید. در خطبه دوم نیز درباره شنخت شهید مظہری، خدمات جمهوری اسلامی به طبقات مستضعف، ازوج و اهمیت مقام معلم و دلایل عدم برگزاری کنفرانس سران عرب مطالع نمازگزاران رسید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «کنیا فهمید که بعد از هفت سال که از این انقلاب می‌گذرد و علی رغم مشکلات قراوانی که در جامعه مانه خاطر جنگ وجود داشته که توانستیم هنوز به قشر مستضعف‌مان آن گزینه که حقشان هست برسیم، ولی این قشر مستضعف نشان داد که هوشیار و بیدار و وفادار به اخلاص است و این تظاهراتی که اینها دیور انجام دادند، چنان خاری در چشم حسودان و دشمن ماست که اینها را گچیج می‌کنند و نمی‌توانند بفهمند که چه رابطه‌ای بین این مردم و اخلاص است که این گزینه اینها را پایدار نگاه می‌دارد و خجالتی گردند که با تحمل مشکلات می‌توانند طبقات مستضعف را از انقلاب دور کنند و امروز طبقات مستضعف ناشان می‌دانند که هشیار و نهیمه‌اند و من دانند جهت انقلاب چیست و راه انقلاب را من دانند». رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی» خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم، «دفتر نشر معارف انقلاب»، ۱۴۸۷
- نتیجه این همکاری تشکیل مرکز فرهنگ و معارف قرآن در شهر مقدس قم بود. محققانی از حوزه علمیه قم با استفاده از فیش‌های مز جود و

شب آقایان شمخانی و جمالی اطلاع دادند که امشب بناست به نیروهای عراقی که اخیراً در منطقه فکه به داخل ایران پیشرفت کرده‌اند، حمله کنیم. باران شدیدی در جماران می‌بارد.

شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۳ شعبان ۱۹۸۶ May ۳

اول وقت سرهنگ جمالی اطلاع داد که حمله دیشب نیروهای ما در فکه با نتیجه‌ای در حد انهدام نیروهای دشمن تحقق یافته و چون توانسته‌اند الحاق نمایند، به خط خود برگشته‌اند. دو روز است که باران می‌بارد و این مقدار باران که امسال باریده، می‌گویند از ۲۵ سال پیش تاکنون مایه نداشته است. از دبیرخانه ائمه جمعه آمدند. درباره برنامه‌های اصلاح در جهت نظم و کنترل ائمه جمعه توپصیح دادند؛ خوب است. درباره حل اختلافات ائمه جمعه و نمایندگان مجلس نظر خواستند. قرار شد در هر مورد گروه تحقیق مرکب از نمایندگان دبیرخانه و رئیس مجلس تشکیل شود. نسبت به خطی برخورد کردن ستاد [برگزاری] نماز جمعه تهران و قم در مورد [انتخاب] سخنرانان قبل از خطبه‌ها هم گله داشتند.

آقای [حسین] مهدیان آمد و پیغامی از طرف آقای [محمد تقی] فلسفی آورد. پیغام این بود که پک کمپانی خارجی پیشنهاد کرده چهل هواپیمای اف ۱۴ مارا با اف ۵ و اف ۴ عوض کنند. گفتم موافق نیستم، چون اف ۱۴ خیلی پیشرفته و بهتر است. آنها فکر کرده‌اند اف ۱۴ ها به خاطر نیاز به قطعه از خط خارجند. برای شرکت در مراسم مدرسه عالی [دانشگاه] امام صادق(ع) اصرار داشت. اول شب آقای محسن صانعی آمد و از تأثیر خطبه‌های جمعه من در دانشجوها گفت.

احمد آقا آمد. وضع جنگ و مسائل ارش و سپاه را برای گزارش خدمت امام گفت و از امام خواستم که در جهت تقویت دانشگاه آزاد اسلامی، پیغامی به افرادی‌های دانشگاه بدهند. آنها اخیراً مشکل تراشی می‌کنند. ایشان در جهت گرفتن بعضی از مستملکات غیر مهم بنیاد مستضعفان و واگذاری آن به نهادهای دیگر پیشنهاد داشت. کارهای مجلس را آوردند. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتم.

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

روزن حاضر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، این کار عظیم را تکمیل کردند و اکنون تفسیر راهنمای در ۴۰ جلد به چاپ‌های مختلف رسیده و با استفاده بسیار خوب جامعه قرآنی مواجه شده است. همچنین مجموعه فرهنگ قرآن (کلید راهیابی به موضوعات و مقاصیم قرآن‌گوییم) نیز روز نظر ایشان تدوین گردیده و تاکنون ۴۱ جلد از این مجموعه نیز توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم (برستان کتاب) به زیر چاپ آراسته شده است.

۴ May ۱۹۸۶

یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۴ شعبان ۱۴۰۶

صبح زود به مجلس آمد. باران می‌بارد. از جبهه سراغ گرفتم. آقای شمخانی گفت حادثه مهمی ندارند، ولی برادر بارندگی، رودخانه‌ها طغیان کرده‌اند و ممکن است در جاده‌های هور مشکل پیش آید. در جلسه علنی تا تنفس شرکت کردم. طرح نهاد ریاست جمهوری در دستور بود، در تنفس برای پاسداران مرودشت و همدان و خانواده‌های شهدای فریدن صحبت کردم.^۱

آقای رضایی از صحبت آقای صیاد در جلسه معاونان نیروی زمینی که در جهت تضعیف گروه سرهنگ جمالی بوده، تلقنی شکایت کرد. ظهر آقای [عطالله] فضایی [نماینده سمیرم] آمد و از مخالفت مشغولان اجرائی سمیرم گلایه داشت. آقای [سید‌کاظم] اکرمی [وزیر آموزش و پرورش] آمد و اجازه جواب دادن به روزنامه رسالت را خواست.

آقای قادری [نماینده پیراهن] آمد و از اوضاع کردستان گفت؛ مدعی است عراق از منطقه تصرفی عملیات قادر عقب نشته است. آقای مهدوی آمد و گزارش کار آقای مسیح - که مدعی ساختن موشک زمین به زمین است - را داد.

عصر [مشغولان] کمیته‌های تبلیغات جنگ آمدند. برای آنها مفصلًاً صحبت کردم.^۲ با دیگر سران قوا با اتومبیل به قم رفیم. شب مهمان آقای متظری بودیم. ایشان طرحی برای ادغام نیروهای مسلح و ارتش و سپاه و ژاندارمری و کمیته‌ها و شهربانی ارائه داد.^۳ اصل ایده مورد قبول همه بود ولی در زمان و کیفیت آن، نیاز به مطالعه بیشتر دیده شد.

ساعت دو بامداد به تهران رسیدیم. هنوز باران می‌بارید. عصر آقای مشایخی، هم زندانی قبل از انقلاب که اکنون در سپاه کردستان خدمت می‌کند، آمد و از ضعف همه شاکی بود.

۱- در این دیدار آقای هاشمی بر لزوم حضور نیروها در جبهه تأکید کرد و با اشاره به اینکه بیرون‌های سیجی و پاسدار بسیار فرسی در جبهه‌ها عمل می‌کنند، در مورد حمله اخیر ایران در فکه گفت: «همین یکی در روز پیش در منطقه فکه که منطقه نسبتاً بازی است و دشمن فکر می‌کرد که چون نیروی زرهی فری دارد و نیروهای ما نیز در آنجا هنوز کر نیست، دست به تحرک کرد و مانور می‌داد ولی در یک زمان کوتاه نیروهای سپاه حرکت کردند و خودشان را به خط رساندند و قربهای مهیک به دولتکر برگ عرق که یکی شکر ۲۰ زرهی و دیگر شکر ۳۰ زرهی بوده، وارد کردند».

۲- در بخشی از این سخنرانی آمده است: «ساد تبلیغات جنگ باشد کار کرد و راه را روشن کرده و جهت بدنه و تبلیغات جنگ را به خوبی اذاره کنند. تعبیر من این است که اگر شما حتی بخشی از جهانی جنگ را بدون سانسور و ریتوش و همان طور که اتفاق افتاده در تبلیغات متعکس کنید،

در کار جنگ موفق خواهید بود». رجوع کنید به کتاب «هاشمی و سخنرانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر شرکت معارف اسلامی، ۱۳۸۷

۳- در ذوره اول ریاست جمهوری آقای هاشمی کمیته‌های انقلاب اسلامی، شهربانی و ژاندارمری ادغام شد و «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی» از ادغام این سه نهاد پیدید آمد.

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۵ شعبان ۱۴۰۶ | ۵ May ۱۹۸۶

صبح و عصر باران می‌بارید. آقای سرهنگ نوری فرمانده لشکر ڈوالفار آمد. گزارش وضع جبهه و نیروی زمینی را داد. چون شماره تلفن [متبل] عوض شده، ارتباط تلفنی کم بود. معمولاً وقتی که عده زیادی از شماره تلفن ما مطلع می‌شوند، آن را عوض می‌کنیم، زیرا علاوه بر مراحت زیاد، دشمنان هم سوء استفاده می‌کنند.

ظهر غفت مهمان خانم مطهری بود و من در خانه تنها بودم. عصر آقایان [محمدعلی آرحمانی و علیرضا] اشار آمدند. درباره نیروهای اعزامی مذاکره شد. به نظر رسید در نحوه به کارگیری نیروها مشکلات جدی وجود دارد. هر دو از عدم حاکمیت ضوابط در اداره سپاه شاکی بودند. فرماندهی سپاه به خاطر مشکلات اساسنامه، ناچار به تخلف‌هایی است که به خاطر جنگ اعتراض جدی به آن نمی‌شود.

شب غفت و بچه‌ها مهمان فاطی بودند. برای من هم غذا آوردند. احمد آقا تلفنی درباره مسأله جدید نظریه شورای نگهبان در خصوص لزوم تصویب ارجاع به داوری سوال کرد. گفتم چون در قرار دادهای گذشته قید شده که به داوری ارجاع شود و اگر مجلس هم تصویب نکند، طرف ما مراجعه خواهد کرد.

سهشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۶ شعبان ۱۴۰۶ | ۶ May ۱۹۸۶

ساعت دو بامداد تلفن شد که جمعی از افراد تحت آموزش سپاه در محاصره سیل قرار گرفته‌اند و هلی کوپتری که برای نجات آنها رفته، سقوط کرده است و دیگر هلی کوپتر نمی‌آید. به دفتر مشاورت [ارتش] گفتم موضوع را تعقیب کنند. گفتند خلبان پرواز شب، آماده نیست. باران چند روز گذشته در بسیاری از نقاط کشور سیل به راه انداخته است، منجمله در لرستان، خوزستان، خراسان و تهران و... در گزارش‌ها خبر از موشک خوردن یک کشتی نفتی بود. در جلسه علنی طرح وظایف و اختیارات رئیس جمهور را تمام کردیم. بررسی این طرح خیلی وقت برداشت. مراجعات نمایندگان زیاد بود. بعد از تنفس آقای دکتر روحانی آمد و راجع به جنگ و مشکل ارتش و سپاه و مهندسی زمینی بحث شد. آقای روحانی نگران توسعه طلبی سپاه است.

طرح آقای منتظری درباره نیروهای مسلح را گفتم، به آینده خوشنین شد. او قبول دارد که موقیت در جنگ منکی به سپاه است و جایگزین ندارد و باید با فرماندهان سپاه مماشات کرد. آقای رضایی تلفنی و با رمز، برنامه آینده عملیات را گفت و از همکاری با سرهنگ جمالی اظهار رضایت کرد. دکتر محانی دندانپزشک مجلس آمد و از خاتمه کارش در مجلس ناراضی بود.

عصر اعضاي حفاظت اطلاعات سپاه آمدند. برای آنها مفصلأً صحبت کردم! آقای [عطاء الله] مهاجرانی معاون پارلمانی نخست وزیر آمد. مشکل تفسیر شورای نگهبان از قانون اساسی را مطرح کرد که می‌گویند ارجاع به داوری قراردادهای قبل از انقلاب هم احتیاج به رأی مجلس دارد، با اینکه لغو است و طرف ما اگر به تفعش باشد، ارجاع خواهد کرد.

آقای [عبدالحسین] ساوه [نماینده کرمان] آمد و در مورد دو مدرسه [راهنمایی] مدرس و [دبیرستان شهید] چیت‌چیان حرف داشت.^۱ آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان امنیت] آمد. مدعی است که آرژانتینی‌ها تا حدودی موافقت کرده‌اند در راهاندازی نیروگاه اتمی بوشهر با ما همکاری کنند.

اعضاي کمپسیون تعیین اهداف مهم در خاک عراق آمدند و اطلاعات جامعی از مراکز صنعتی، نیروگاهها، پالایشگاهها و مراکز نفتی عراق آوردند. آقای رحیمی آمد، پیشنهاد چند قلم اسلحه آورد. آقای [واعظ] طبسی آمدند. از خط مراحم نسبت به خودشان گله داشتند. درباره معالجه پایشان

۱ - در این دیدار که مستولان حفاظت و اطلاعات مبنای، تراوحی و یگان‌های رزمی و مستولان حفاظت بختهای مرکزی سازمان حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حضور داشتند، آقای هاشمی با تأکید بر اینکه مسأله حفاظت و اطلاعات برای جمهوری اسلامی و نیروهای نظامی و انتظامی سیار حساس و کاری با ارزش، ضروری و مؤثر در بهبود نجوعه کار این نیروهast است، گفت: "دشمنان ما، مسلماً از روههای گذشته خوبیش به صورت بیچاره‌تری استفاده می‌کنند. اینها از دوران‌های گذشته که در جهان سرم حضور باقی‌ماند، همیشه سعی داشتند به درون سازمان‌ها و نشکنیلات نفوذ کنند و هرچاکه لازم باشد تهم تناق پیاشد و تفرقه ایجاد کنند و نیزه به هر بختی که لازم باشد، خط بدنهند و خلاصه در جله موجودیت نظامهای دیگر وقت و از درون فرمان بدهند. اینها کاری نیست که دشمنان ما، به تازگی آموخته باشند. مثل آنهاش در دزیارها و موقعیت سلاطین صاحب نفوذ بوده‌اند و همچین در تبرهای علیع لشکرها رخه کرده و جاهای دیگر را هم که هم بوده، از نظر دور نداشته‌اند. در شرایطی مثل کشور ما، دشمنان جمهوری اسلامی ایران برای نفوذ در نهادی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران کارهای همیشه از جهات این کارهای همیشه از جهات دور تسرع کرده‌اند، مسکن است: مثلاً بجهادی را پیروانند و وی را به صورت آدم عقول و مظلوب وارد خریان کنند." رجوع کنید سه کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر تشریفات انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - این در مدرسه به محورت غیرانتفاعی و با دریافت شهریه مقالت می‌کرد. پس از معرفی مدیر از طرف آموزش و پرورش، مستولان مدرسه از پذیرفتن مدیر خردواری کردند و مدیر اعزامی را اخراج نمودند. به دنبال آن وزارت آموزش و پرورش نشسته به اتحادیه مدارس عذرگفتمان اعلام نمود. پس از هلاقات وزیر آموزش و پرورش با آقای هاشمی، مقرر شد ریاست مجلس دو نفر را تعیین نمایند تا درباره این مسأله تحقیق و بررسی کنند. همچین چند مدیر به این دو نماینده معرفی شود. تا آنها برای هر یکی از دو مدرسه انتخاب کنند و اگر چنانچه اولیای داشش آموزان این حق قانونی آموزش و پرورش را در مورد انتخاب مدیر نبینند پرسندند، این دو مدرسه همچنان منحصراً با یکاند. آقای هاشمی در ملاقات با وزیر آموزش و پرورش گفت: "حرف شما قانونی است و باید این دو مدرسه را مدیریت دولتی اداره گردد."

صحیت شد، شب دیر وقت به خانه رفتم.

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۷ شعبان ۱۴۰۶ | May 1986

اول وقت به پایگاه امام علی(ع) رفتیم. جمعی از روحانیون برای اعزام به جبهه تحت آموزش هستند. جمعی از خانمها نیز برای مریبگری آموزش نظامی تحت آموزش اند. رژه رفتند؛ با شکوه بود. برای آنها صحبت کردم^۱. در جلسه هیأت دولت در حضور رئیس جمهور شرکت کردم. بحث بر سر راهکارهای برخورد با سقوط قیمت نفت و کسر بودجه ریالی و ارزی بود که تا ساعت یازده‌عنیم طول کشید. تصمیماتی اتخاذ شد. مشکل زیادی خواهیم داشت.

اطلاع دادند پالایشگاه تهران بمباران شده و آتش سوزی شدید است. وضعیت قمز اعلام شده، به دفترم آمد. نیروی هوایی می‌گوید رادارها، هوایی‌های مهاجم را اصلاً ندیده‌اند و حتی تا ساعت دوازده ظهر، خیال می‌کردند انفجار بوده است. بعداً قبول کردند که هوایی‌ای دشمن بوده ولی احتمال می‌دادند غیر عراقی است.

وزیر نفت می‌گوید که یک واحد پالایشگاه آسیب کلی دیده و دیگری قابل ترمیم است. مشکل مواد سوختی خواهیم داشت. به آقای رضایی گفتم توپخانه‌ها صنایع اطراف بصره را بزنند. به مسئول موشک زمین به زمین گفتم که آماده شوند. به نیروی هوایی هم گفتم آماده مقابله به مثل شوند. ظهر آقای [علی] آقامحمدی آمد. درباره عملیات ویژه در خاک عراق بحث شد.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. آقای [مهندی] [کروبی] [سرپرست حجاج ایرانی] گفت قرار شده ارز حجاج را از هزار و سیصد ریال سعودی به پانصد ریال تقلیل دهیم. عصر هم وضعیت قمز اعلان شد و ضد هوایی‌ها عمل کردند. بعداً معلوم شد هوایی‌های به اطراف تهران نیامده است. آقای [محسن] [رفیق دوست آمد] و گوارش سفر به لیبی و سوریه را داد و گفت سوریه‌ها گفته‌اند که فرانسویها اظهار آمادگی فروش دو میلیارد دلار اسلحه به ایران کردند و انگلیسی‌ها آماده دادن موشک راپیر هستند.

آقای امراللهی آمد و پیشنهادی از شخصی در سوریه آورد که تحت نظر وزارت اطلاعات سوریه بوده و گفته حاضر است مقداری کالا به ارزش بیش از یک میلیارد دلار برای پرداخت بدنه‌های

^۱- رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر شرکت معارف انقلاب، ۱۳۸۷

سوریه به ما بفروشد؛ در جلسه سران، این پیشنهاد به شرط کم شدن قیمت و اطمینان کامل تایید شد.

آقای [محسن] کنگلو تلفنی اطلاع داد که آمریکایی‌ها گفته‌اند روز هفده ماه می [۲۸ اردیبهشت] نصف قطعات در خواستی [موشک] هاک را با هیأت ظاهراً آلمانی به ایران می‌آورند و پس از تنظیم برنامه آزادی گروگانها در لبنان، بقیه را می‌آورند.

شب رئیس جمهور و نخست وزیر مهجان من بودند. درمورد مقابله به مثل علیه عراق و خرید کالا و آمدن آمریکایی‌ها توافق شد.

پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۸ شعبان ۱۴۰۶ May ۱۹۸۶

بعد از نماز صبح نا ساعت هشت در دفترم کار کردم. پیش از دستور و قبل از رسیدت جلسه از عمل تشنج آفرین جلسه گذشته مجلس انتقاد کردم و احتمال جلوگیری امام از پخش [رادیویی] مستقیم [مذاکرات] مجلس را در صورت پروز این گونه حوادث مطرح کردم.

پیش از ظهر برای جمعی از شخصیت‌های کردستان که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم.^۱ ظهر دو ملاقات داشتم، با آقایان امام موسوی و حسینی کارگزینی مجلس. عصر دو هزار نفر معلم و دانشجوی تربیت معلم آمدند. برای آنها صحبت کردم. [اعضای] انجمن اسلامی و رئیس جدید دانشگاه تربیت معلم آمدند و از اظهارات دکتر [عباس] شیبانی شاکی بودند. رؤسای پنجاه دانشگاه کشور آمدند. برای آنها درباره استفاده از امکانات مردمی دانشگاه آزاد اسلامی، توسعه تحقیق، توجه به نیروهای متعدد و بهداشت و درمان مفصل صحبت کردم.^۲ آقای

۱- رجوع کنید ^۱ کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵ء" دفترش معارف اقوال، ۱۴۸۷

۲- در این دیدار که وزیر فرهنگ و آموزش عالی و مستولان دانشگاهها حضور داشتند، آقای هاشمی با اشاره به ضعف تکنولوژیک کشورهای جهان سوم زایران در برایر داشن پیشنهاد، اظهار داشت: "اگر مدیران آمریش عالی کشور معرف شوند، دانشمندانی با کیفیت‌های بالا تربیت گشته، گام بساوی ملت‌تری برای رفع کسیده‌ها خواهد بود. علم در دنیا در خدمت حق نیست و این عقب برگشی برای انسان هاست. که دانشمندان بر جسته در خدمت افکاری عین زده می‌استند ازان عربی و تشریقی هستند. در دانشگاههای ما باید انسان‌هایی تربیت شوند که برای عردم کار کنند و به خاطر اینکه با سرمایه همین مردم درس خوانده‌اند، آرمان‌های آنان را دیگل نمایند. با توجه به تصریب قانونی در مجلس شورای اسلامی که ایازهای ماذی تحقیقات علمی را تأمین می‌کند، باید تحقیقات گسترده شود. بهره‌گیری از گستاخهای مردمی برای آمریش عالی مسئولی مهمن است و عرقیت‌های علی‌دیگر را خوب نمی‌دانند. مردمون گمک‌های مردمی است. بهترین می‌ستیم که براساس آن بزرگیم از امکانات مردمی استفاده کنیم، کاری شبی دانشگاه آزاد اسلامی است که مطرح کردیم و از دانشگاههای دولتی شاکر نیست. شما به عنوان یک سیاست پذیرید که دو این مقطع باید از امکانات کنترل شده که خارج از امکانات دولت هستند، استفاده شود تا دانشگاهها او نظر کمی توسعه پائند". رجوع کنید ^۲ کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۴۰۵ء" دفترش معارف اقوال، ۱۴۸۷

【احمد】 وحیدی مستول اطلاعات سپاه آمد. درباره کارهای خارج از کشور و هیأت احتمالی آمریکایی و مسایل لبنان مذاکره شد. کتسول ما در بمبئی هند آمد. توصیه می‌کرد که از زرتشتی‌های هند بیشتر استفاده کنیم.

جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۹ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقت را به استراحت و مطالعه گذراندم. از جبهه خبر دادند دشمن در سه نقطه حمله کرده و شب معلوم شد حمله‌ها با خسارت دشمن دفع شده است.^۱ مغرب برای نماز خدمت امام رفق. با جماعت خوانده شد و سپس به زیارت‌شان رفتم. وضع جنگ و مشکل نیروی زمینی و ارتقش و سپاه و همچوین طرح آقای منتظری را در مورد ادعام نیروهای مسلح مطرح کردم. اصل طرح را قبول داشتند. زمان فعلی را برای طرح یا اشاعه آن مناسب نمی‌دانند. در مورد نظر شورای نگهبان در خصوص نیاز ارجاع به داوری قراردادهای قبل از انقلاب به تصویب مجلس مذاکره شد. فرمودند اگر در خود قرارداد ارجاع به داوری قید شده، نیازی به تصویب مجلس ندارد. شب آقایان فیاض بخش و زائری آمدند. آنها در مورد رفتن دانشجویان و طلاب به جبهه سوالاتی داشتند.

شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۰ May ۱۹۸۶

امروز بیشتر وقت به مطالعه گذشت. باران هم بارید. مقداری وقت صرف نظم کتابخانه ام کردم. اتفاق و قفسه‌ها گنجایش کتابهایم را ندارد. با جبهه تماس داشتم. خبر مهمی نداشتم. از طرف آقای رحیمیان مقداری دلار برای مصارف جبهه آوردند و رسیدگفتند. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. در مورد بنیاد تاریخ انقلاب و کار تنظیم فیش‌های کلید قرآن بحث و مذاکره کردیم.

۱- در این روز در جبهه جزوی منطقه عملیاتی والفتح، ۱ (پیچ انگریه) دشمن با دو لشکر و ۱۱ تیپ مخلوط حمله‌ای ترتیب داد. جند روز تلاش دشمن تنها متجه به سقوط ۳۶ کیلومتر مرتع از ارتفاعات خوبین شد.

یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ May ۱۹۸۶

ساعت دو و بیست و پنج دقیقه با مدد برای سحری خوردن از خواب برخاستم و عفت، فاطی، مهدی و یاسر را بیدار کردم. ساعت سه و نیم، بعد از سحری و تماز خوايدم. ساعت هفت به طرف مجلس آمدیم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود.

در دستور مجلس لایحه شوراهای روماتائی بود. تا ساعت ده و نیم در جلسه ماندم. به دفترم آمدم. قرار شد در جلسات ماه مبارک رمضان تنفس ندهیم و بیست دقیقه به ظهر ختم کنیم که بعضی از آقایان نمایندگان به مساجد برستند.

آقای محسن رضایی گفت دشمن حمله‌ای کرده و شکست خورده و چند اسیر داده است. در دفتر آقای خامنه‌ای، برای ستاد عالی پشتیبانی جنگ جلسه داشتیم. اساسنامه را اصلاح کردیم. ظهر دو ملاقات داشتم: [آقای محمد حسن اختری] سفير جدیدمان در سوریه و نماینده ارومیه، عصر آقایان یونسی و رازینی اعصابی دادگاه جبهه آمدند. پیشتر قی در کارشان ندیدم. گزارشی از لبنان شامل اطلاعاتی درباره جهاد اسلامی و گروههای دیگر لبنان و امکانات کار و نیازها رسید. سرهنگ [محمد حسین] جلالی وزیر دفاع آمد. از مشکلات کارش گفت و اظهار تمایل به کثارة گیری و جایگزین شدن توسط آقای صیاد را نمود. افطار به منزل رفتم.

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۲ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. دوشنبه‌ها جلسه علنی نداریم، بنابراین کار زیادی نداشتم. یکتوختی کار در خانه که بیشتر مطالعه بود، روزه‌داری را مشکل کرد. با جبهه تماس داشتم. حمله‌های دشمن را دفع کرده‌ایم. آقای ولايتی تلفنی گفت [آقای فاروق الشرع] وزیر امور خارجه سوریه با عجله آمده و ملاقات می‌خواهد. گفتم ملاقات با ریاست جمهوری کافی است. شب آیت‌الله خامنه‌ای اطلاع دادند که پیام او درخواست خودداری از زدن کشته‌های سعودی است.

عصر کارهای مجلس را آوردند، انجام دادم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتم. [آقای فوزی الشکستوکی] وزیر نفت ایلی هم در همین موضوع، پیام قدایی را آورد. عربستان از طریق دو حامی عرب ما وارد شده که فشار بیاورد. شاید نگران است که در برنامه مقابله به مثل ما در زدن کشته‌های

آسیب به کشتی‌های سعودی که متهم به فروش نفت به تیابت از عراق است، وارد شود.

سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۳ May ۱۹۸۶

بعد از خوردن سحری خواب نبرد و تا ظهر کسل بودم. به مجلس آمدم. در جلسه علمی تا ساعت ده و نیم صبح ماندم. یکی از نمایندگان آذربایجان غربی از رهبران بازیانی‌ها شاکی بود و پیشنهاد دقت بیشتر در برخورد با آنان را داشت.

ظهر آقای صنایی گزارش اجلام غیر متعهد را آورد. آقای [محمد باقر] بهرامی از امام جمعه اسد آباد همدان شکایت آورد. از جبهه اطلاع دادند که دشمن در منطقه حاج عمران تجمع نیرو کرده و آماده حمله می‌شود. به فرماندهان تذکر داده شد. تا ساعت شش در دفترم کار کردم و سپس به منزل رفتم.

نخست وزیر تلفنی اجازه صرف صد میلیون دلار از سهم جنگ را برای تامین ارز کارگاه‌های کوچک برای حفظ اشتغال خواست. به آقای کنگرلو گفتم با آقای وحیدی در مورد امنیت آمریکایی‌هایی که بناسنست بیانند، هماهنگ کنند. البته بعيد است که بیانند. به نظر می‌رسد سیاست صبر و انتظار را دنبال می‌کنند.

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۴ May ۱۹۸۶

اول وقت سرهنگ جمالی از جبهه اطلاع داد عراق امشب در منطقه حاج عمران حمله کرده ولی با آمادگی قبلی، حمله دفع شده و از همکاری ارتش و سپاه اظهار رضایت کرد و سپس آقای قادری نماینده پیرانشهر همین را اطلاع داد و در خواست پشتیبانی هوایی کرد. به [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی گفتم از پایگاه تبریز و همدان پشتیبانی کنند.

به دفترم آمد. آقای [سیدحسین] موسویان [مدیر اداری مجلس شورای اسلامی] آمد. گزارش عملکرد خود را در مورد تنظیم ادارات مجلس گفت. مدعی است دفتر اموال مجلس، پس از انقلاب مفقود شده و جدیداً مشغول تهیه دفتر هستند. بایگانی را کد وضع بدی داشته که حتی اوراق قیمتی مثل

اعتبار نامه نمایندگان دوره‌های اول و ... مجلس در شرف نابودی بوده و قس علی هذا.
آقای دکتر انواری رئیس دانشگاه شریف آمد و در خصوص لغو تصویب نامه دولت در مورد
انتقال دارایی صندوق پس‌انداز کارکنان دانشگاه، قبل از دولتی شدن استمداد کرد.
نخست وزیر تلفنی اطلاع داد، دادگاه لاهه حکمی مبنی بر پرداخت حدود پانصد میلیون دلار
بدهی بانکهای آمریکایی به ایران را به نفع ما صادر کرده که هنوز قطعی برای اجرا نیست؛ پیروزی
خوبی است.

جلسه‌ای مرکب از نمایندگان تهران، [محمد اصغری] وزیر دادگستری و [حسین طاهری]
استاندار تهران، برای بررسی طرح انتقال [یدکاران] ساکنان محله جمشید^۱ - محله بدنام تهران - داشتیم
که بنا دارند آنها را به جای دیگر منتقل کنند ولی تحت تربیت فرار دهند و محله را بازسازی کنند. ادامه
بحث به هفته بعد موکول شد. ظهر آقای فخر روحانی از طرف آقای منتظری آمد و پیشنهاد اقدام به
اصلاح روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین - ساف - داشت.

ظهر سرمهنگ جمالی اطلاع داد که از ساعت ده صبح فشار عراق زیاد شده؛ با اینکه عراق شصت
اسیر داده و هشت هلی کوپتر و ده تانک از دست داده و تلفات زیاد داشته اما دو ارتفاع را گرفته است.^۲
کمک هوایی و صد هوایی خواست. آقای شمخانی قبل از ایشان فقط از پیروزی‌ها و دفع حمله گفت.
جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم. خبر دادند مرکز بهره‌برداری نفت کرکوک عراق را پمباران
کرده‌ایم. اگر درست باشد موافقیت خوبی است. خبر دادند که عراق به قطار مسافربری در ایستگاه هفت
تپه حمله کرده و ده نفر شهید و صد نفر زخمی شده‌اند.^۳ چند واگن حامل مهمات هم در ایستگاه
بود که منفجره شده است.

شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره جنگ، گروگان‌های فرانسوی و آمریکایی و
تحسین روابط با فرانسه صحبت شد. قرار شد آقای [علیرضا] معیری معاون [سیاسی] نخست وزیر
برای بردن جواب نامه سران فرانسه برای اصلاح روابط به فرانسه برود.

۱ - این محله در دوران سازندگی به غرقه‌گسرا و بوستان رازی تدبیل شد. اکنون در این عکان که ماین بیدان قرون و بیدان رازی (گسک) در
جنوب تهران قرار دارد، علاوه بر تغییرات سالم و تهران رازی برای گردگان و تور جوانان، کلاسهای آموزشی در رشته‌های مختلف علمی، فنی و
هنری برگزار می‌شود.

۲ - در این روز در جبهه شمالی متعلقه عملیاتی والتحر^۴ - حاج خسروان - ذشمن با ۷ تیپ پیاده و ۱۲ اگردان کماندویی حمله کرد و طی ده روز
ارتقاعات ۲۵۱۹ و ۲۴۲۵ سقوط کرد اما دشمن ۳۲۰۰ کشته، زخمی و اسیر داد و ۱۷ افوند هلی کوپتر آن روز مهدم شد.

۳ - جنگده‌های عراقی در ساعت ۱۶/۳۰ این روزه قطار فرقه العاده اول اهواز - تهران در ایستگاه هفت تپه را هرورد حمله هوایی غواص داد. در این
حمله چند واگن قطار و خانه‌های مسکونی مازمانی آسیب دید و بیش از ۶۰ نفر از ساکنان قطار و برستل راه آهن و خانه‌های آنان به
شہادت رسیدند و قریب به ۲۰۰ نفر نیز مجروح شدند.

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ May ۱۹۸۶

بعد از ساعت هفت صبح حوابیدم. قبل از دستور، درباره حمله به قطار مسافربری در هفت تپه صحبت کردم.^۱ به دفترم آمدم. دکتر روحانی و دکتر هادی آمدند. درباره گرم گرفتن با فرانسه و کمک به آزادی گروگانهای فرانسوی در لبنان توصیه می‌کردند.

آقای رضایی آمد و گزارش وضع جبهه‌ها را داد. عراق در جبهه‌ها خیلی فعال شده و ما را به موضع انفعالی کشانده است. نیروهایی که برای حمله جمع کرده‌ایم، داریم در دفاع به کار می‌گیریم. مدتی است که مشغول آموزش و اعزام نیروهای تازه نفس به جبهه برای عملیات سرنوشت‌ساز هستیم. عصر از کمیسیون نفت آمدند. وضع ضعیف پادشاهی‌گاهها را گفتند و از دکتر روحانی به خاطر بروخورد تند گله داشتند.

عصر به جلسه شورای عالی دفاع رفیم. درباره گردانهای احتیاط قدس و بودجه ارزی سپاه و ارتش بحث شد. بعد از افطار مصاحبه تلویزیونی کردم.^۲ وضعیت قرمز اعلان شد و ضد هوایی‌ها کار کردند. معلوم شد هوایی‌های دشمن نبوده و گویا ماهواره‌هایی را با چشم دیده‌اند.

جمعه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۶ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقتی به مطالعه واستراحت گذشت. در منطقه حاج عمران در گیری شدیدی است.^۳

۱ - در این نقطه آمده است: "در فاجعه حمله هوایی‌های عراق به قطار مسافربری، ما با دیگر شاهد جنایتکاری رژیم عراق هستیم که اینها ماهیت خود را در اوقاتی که در نیگاه غفار می‌گیرند، این عکس نشان می‌دهند. ما از رژیم گذانی انتظار داریم مانند موارد گذشته، دشمن را از این جنایات هولناک پیشیان نماید و به بازمانده‌گان شهدای فاجعه قطار از طرف همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی تسلیت و تبریک عرض می‌کنم". رجوع کلید \leftarrow کتاب "هاشمی رفسنجانی، نفع‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم"، دفترش معارف انقلاب، ۱۳۸۷.

۲ - در این مصاحبه آمده است: "اگر رژیم عرضی عراق جنگ را به شهر بکشاند، ایران به ناجار برnameهای فدارک شده خود را در این زمینه به اجراء می‌گذارد، ما سیاست مقابله به میل را به عنوان دفاع انتخاب کرده‌ایم. در صورت انجام هرگونه حرکت تا جریانهای ای از سوی دشمن ما مجبوریم این سیاست را به اجرای گذاشیم. همان حجت می‌کنیم همان طور که تأییسات شفیع عراق در کرکک را در پاسخ به حملات به تأسیسات اقتصادی‌سان بسازان کرده‌یم، حمله به قطار مسافربری اهواز - تهران را نیز به جواب تغیر این مکانات دست داشت. رژیم عراق در شرایط فشار ممکن است به جنگ شهرها رو بیاورد. البته در خریان جنگ شهرها که بال گذشته روی داد رژیم بغداد خسرو کرد. رژیم صدام از امکانات پیشرفتی‌ها در مقابله با این حملات و پیشرفت‌های عوشکی و تربیخانه‌های جدید دوربرد مانع اطلاع دارد. دشمن از آنست پایه‌ری خود را این زمینه آگاه است ولی این ندان معنا نیست که در حالت نهاد دست به اینگونه کارهای احتقامی بزند. ما امیدواریم که چنین حالی پیش نماید، اما اگر رژیم عراق بخواهد به اینگونه اعمال روی آورد، ما ناجاریم برnameهای خود را در این زمینه اجرای کنیم. پس از عملیات پیروزی‌مند والقیصر و فتح فاو رژیم عراق اعتنای نظامی خود را در ترد جایی‌اش از دست داد و اینک برای به دست آوردن اعتنای محدود شده نظامی خود، شروع به دست و پازدن در جبهه‌ها نموده است". رجوع کلید \leftarrow کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، دفترش معارف انقلاب،

عصر احمد آقا آمد. درباره جنگ و مواظبت بیشتر از امام و مسئله تلگراف آقای [سید محمد رضا] گلپایگانی و اختلاف سپاه و سیچ صحبت کردیم.

صبح دکتر [مسعود] پور مقدس برای معاینه عفت آمد. او فکر می کند قلبش ناراحت است اما نظر دکترها این است که قلب سالم است و ناراحتی مربوط به اعصاب و معده است. عصر برای معاینه دقیقت به دفتر دکتر بیرونی امام رفت. افطار عفت با فاطی و فائزه مهمان آقای مهدیان در دانشگاه امام صادق(ع) بود و من، مهدی و یاسر در خانه بودیم.

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. اطلاع دادند که عراق به مهران حمله کرده و دو تیپ آرتیشن عقب نشسته‌اند. نیروهای سپاه رسیده‌اند و پیشرفت دشمن را سد کرده‌اند. آقای ری شهری [وزیر اطلاعات] آمد. داستانی غم انگیز از اختلاف‌های حزب الدعوه و گروه آقای [سید محمد باقر] حکیم در مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق گفت.

اطلاع داد که مدارکی از اصنفهان دست آمده که قبل از انقلاب سید مهدی‌هاشمی، علیه دکتر هادی و ابراهیمی گزارش داده است. قرار شد مطالب را با آیت الله مستظری در میان گذارد. اطلاع داد که فدائیان خلق (اکثریت) باحدود دو هزار عضو و سی هزار هوادار در داخل کشور مشغول فعالیت هستند. درباره تلاش منافقین برای کسب اطلاعات از طریق تلفن نیز گزارشی داد. درباره رفتن یهودی‌ها به خارج مذاکره شد.

یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۸ May ۱۹۸۶

ساعت هفت و نیم صبح به دفترم رسیدم. در گزارش‌ها رجزخوانی عراقی‌ها در خصوص تصرف شهر مهران خودنمایی می‌کنند. بهره‌برداری سیاسی و روحیه‌ای می‌کنند. با آقایان رضایی و شمخانی در

(ادامه پادشاهی از صفحه قبل)

تصرف کند. الله پاک‌های خودی؛ فخره‌های مژده‌ی به دشمن وارد کرد.

خصوص لزوم اقدام برای پس گیری مهران تاکید کردم. قبل از شروع رسمی جلسه به نمایندگان، توضیح کوتاهی درباره از دست رفتن مهران دادم. آنها هم خیلی ناراحتند.

ساعت دهونیم به دفترم آمدم. [آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد سازندگی آمد. درباره نیاز به ماشین آلات سنگین برای مهندسی جبهه و آموزش راننده ماشین‌های سنگین و تولی زیر آب ارondon یا بهمن شیر و اصلاح اراضی دیمی و بودجه مذاکره کردیم. [آقای سعیدالدکری] معاون روابط عمومی [مجلس] آمد. درباره سیاست خارجی و جناح بندی‌های داخلی، تحلیل گونه‌ای بیان داشت. ذهن سیاسی نیرومندی دارد، می‌خواهد از مجلس برود.

آقای محسن رضایی آمد. درباره پس گرفتن مهران مذاکره کردیم. صلاح نمی‌دانست که امشب حمله کنیم. وقتی فهمید نیروهای در خط آماده حمله‌اند، اظهار رضایت کرد. درباره لزوم تشکیل گردانها و تیمهای متخصص سپاه برای تامین پدافند در کنار ارتش به منظور آزاد سازی نیروهای پدافندی سپاه صحبت کرد. قرار شد اقدام وسیع کنیم. کمی خوابیدم؛ خسته و ناراحت.

عصر جمعی از نیروی دریایی سپاه آمدند. برای آنها مفصلأً صحبت کردم.^۱ آقای [حسین علائی فرمانده نیروی دریایی [سپاه] گزارشی از پیشرفت کار و طرح ساخت قایقهای کنترل از راه دور، برای ضمیره زدن به کشتی‌ها و موشک‌های جدید چینی داد.

آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد. از خوب بعضی از نیازها و از عدم تحويل راکتور اتمی از طرف آلمان گفت. [سرهنگ جلالی] وزیر دفاع آمد. درباره ساصد [= سازمان صنایع دفاع] و نیازها گفت.

آقای جاسبی آمد و راجع به دانشگاه آزاد اسلامی و معافیت دانشجویان آن صحبت کردیم. آقای سعیدی مسئول حفاظت سپاه آمد. از ابهام وظایف و کیفیت ارتباط واحد با فرماندهی و از عدم

۱- در یختی از این سخنرانی آمده است: «حضور تبرومند ابرقدرت‌ها در ایانوس هند که به سادگی از آن چشم نخواهد پوشید و حساسیت منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و سواحل سیستان و بلوچستان و هرمزگان چیزی نیست که ما به آنها نزهی نکنیم و آذ را نادیده بگیریم. در شمال هم دریای خزر ما یک منطقه واقعاً حیاتی است که لیاز به حضور جدی ما دارد. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی تحقیقاً از حضور نیروی دریایی سپاه در گمار خود برای پر کردن خلاه ما در دریا برخلاف القاء دشستان خوشحال می‌شود و همان‌گونه که نیروی زمینی ارتش با وجود سپاه کارش احساس پشتگرمی می‌کند چنین چیزی برای نیروی دریایی به عکسر و سعت دریا به طرق اولی خواهد بود و مطمئناً با حضور بیشتر وسیع تر تسلماً در دریا آنها هم دشنان قویتر و محکم‌تر خواهد شد. ما سواحل خودمان را در خلیج فارس و دریای خغان ما نیروی دریایی خوب حفظ کردیم و ایندوایم که این حضور را توسعه کار شما قدر نشود و همان طور که در حریان عملیات والتحر^۲ نشان داده‌اند، می‌توانید همکاری خوبی با هم داشته باشید. مسئله‌ای که اهمیت دارد و باید تذائق توجه شود، این است که دریایی جنوب ما جای است که همیشه امکان یورز خطرهای بزرگ در آنجا وجود دارد و شما باید با استعداد از مغزا و فکرها و مبتکر و برنامه ریزی‌های دینی، دست به اینکارانی بزنید که مناسب با اقدام و امکانات ما در مقابل ندواتهای وسیع دریایی کشورهای قادر نمی‌باشد». رجوع کنید کتاب «هاشمی و مستغانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵» دفترشیوه اعلام، ۱۳۸۷

مراعات ضوابط در سپاه می‌نالید و این شکایت خیلی‌ها است، شب مهمان رئیس جمهور بودیم. در همه زمینه‌های مسائل روز مذاکره شد.

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۹ رمضان ۱۴۰۶ | ۱۹ May ۱۹۸۶

صیح اطلاع دادند که دیشب در حد تأمین ارتفاعات مشرف برمهان عمل شده است. آخر شب دیشب اطلاع داده بودند که به خاطر عدم تکمیل نیروهای مورد لزوم، بنا نیست عمل کنند. دیروز قرار شده بود که دیشب برای پس گرفتن مهران اقدام شود، بیشتر وقت به مطالعه گزارش‌ها گذاشت، امام از طریق احمد آقا از وضع جبهه مهران سوال کردند، توضیح داد.

عصر آفای معیری معاون نخست وزیر که عازم فرانسه است، برای مشورت در مورد مسائل فیما بین آمد، قرار شد در مورد استرداد وام و اخراج عوامل ضد انقلاب و یا جلوگیری از فعالیت آنها و ایجاد توازن در روابط فرانسه با ما و عراق تأکید شود و در خصوص گروگانهای فرانسوی در لبنان با اینکه به ما مربوط نیست، حاضریم در صورت تحسین روابط کمک کنیم و نیز درباره آزادی دو نفر مامور اطلاعات که در فرانسه در سفارت‌مان محصور هستند.

احمد آقا درباره عبارتی که امام زیر درخواست فرمانده سپاه بنویسنده، تلقنی مشورت کرد. شب سرهنگ جمالی آمد. اطلاع داد عراق ارتفاعات تصرف شده دیشب را و همچنین ارتفاع ۲۵۱۹ در

۱- اشاره به درخواست فرمانده سپاه پاسداران برای تشکیل سادی جبهه اداره سه نیرو (زمی، هرایی و دریایی). حضرت امام (ره) سا این درخواست موافقت کردند. من نامه آفای بحسن رضایی و پاسخ امام به این شرح است: "بسم الله الرحمن الرحيم، معطر بیارک فرمانده کل فوج حضرت امام خمینی - روحی فدا، بالام و عرض ادب به استحضار من رساند، به مرازات تنظیم اساسمه سپاه، نیروهای رژیم سپاه در حال شکل‌گیری بودند تیپ و لشکرها می‌غالبند به مرازات و یا پس از تصویب اساسمه سپاه بناهی قدرت دفاع از انقلاب اسلامی تشکیل شدند. اکنون با صدور فرمان تاریخی حضرت عالی مفتی بر تشکیل نیروهای سه گانه، به یک سناد برای اداره سه نیرو تیارند. بعدها ایم از سناد مرکزی سپاه قدیم بدین منظور استفاده کنیم، از آنجاکه تشکیلات و سازمان سپاه قدیم بر اساس اساسمه برای انجام مأموریت‌های ضد انقلاب و یا سیچ مردمی به صورت استقراری در شهرها و استانها شکل گرفته باشیم هم از نظر شکل و هم در بعد اخبارات در سناد مذکور تغییراتی نداشتم که این امر نیازمند مصوبه مجلس شورای اسلامی و با تأیید حضرت عالی است و یا اینکه یک سناد جداگانه برای اداره سه نیرو تشکیل دعیم که تأیید حضرت عالی در هر یک از دو شیوه مذکور، تشکیلات تشکیلاتی فعلی مارا حل خواهد کرد. طبق صحنه‌هایی که با سرور عزیزم جانب آفای هاشمی رفسنجانی در این زمینه داشتم به این نتایج رسیدم: ۱- اداره سپاه قدیم کتابی انسانی طن اساسمه. ۲- تشکیل یک سناد برای اداره سه نیرو. انشاء الله با تأیید حضرت عالی توانیم پیش از پیش در خدمت به انقلاب اسلامی لیاقت و توفيق یابیم. ملتمن دعا - ۳/۴- ۱۳۶۵- محسن رضایی: "پاسخ امام خمینی (ره)": سمه تعالی موافقت می‌شود. انشاء الله تعالی موفق ناشیم. روح الله الموسوی الحمینی "۸/۳/۶۵" رجوع کنید - کتاب "صحیحه امام"، جلد بیستم، صفحه ۴۷، هیئت‌نتظام و نشر آثار امام خمینی (ره).

حاج عمران را پس گرفته است. گفتم باید باز پس بگیریم.

سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۰ رمضان ۱۹۸۶ May 20

اول وقت به مجلس آمدم. برای پیگیری مسائل جنگ به جلسه علمی نرفتم. آقایان جمالی و رضایی اطلاع دادند که دیشب برای بار دوم ارتفاع مشرف بر مهران و نیز ارتفاع ۲۵۱۹ حاج عمران را گرفته‌ایم. تاکید کردم بر تقویت خطوط دفاعی با کمک سپاه، مخصوصاً قصرشیرین و خوشهر که تهدید می‌شوند.

آقای [علی] آقامحمدی که از طرف من مسئول پیگیری قرارگاه رمضان برای عملیات داخل عراق است، آمد و گزارشی از وضع گروههای عراقی و مشکل اداره آنها و ضعف روابط آنها با مسئولان مربوطه داد و در مورد اصول اقدامات آینده و تعیین خط مشی تصمیم‌گیری کردیم.

آقای یوسف پور آمد. اهداف مهم داخلی حاکم عراق را در بخش‌های نفت و تیر و ... آورد. نمایندگان ایلام آمدند و اطلاع دادند که متصرفی‌های دیروز ما را امروز عراق پس گرفته است. از آقای رضایی پرسیدم، اطلاع نداشت. با آقای رضایی و احمد آقا درباره متن نامه سپاه و جواب در مورد تشکیل ستاد سه نیروی سپاه و عدم لزوم مقررات شورائی برای آنها مذاکره کردم.

با دکتر روحانی درباره تعقیب مسائل جنگ تلفنی صحبت کردم. به خاطر مسائل مهران و تبلیغاتی که عراق راه اندخته و ضعفی که نیروهای ما در باز پس گیری دارند، دمدم. ظهر آقای جواد مصدرالاحمر آمد. از دوستان دوران طلبگی و کارمند بانک صادرات است. اخیراً از سمت ریاست امور حقوقی بانک برکنار شده و پست بازرگانی و پژوه را به او داده‌اند. گله داشت و استمداد کرد.

آقای صانعی پور و جمعی از مدیران صنایع نفت آمدند. وضع صنایع نفت را گفتند و برنامه پدافند غیرعامل را و برای حفاظت صنایع نفت استمداد نمودند. عصر برای نمایندگان درباره جنگ و به خصوص وضع مهران صحبت کردم. مقداری از نگرانی‌ها را تعدیل نمودم.

به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی رفم. اساسنامه جهاد دانشگاهی در دستور بود. افطار با جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و اعضای شورا مهمن آقای خامنه‌ای بودیم.

بعد از افطار با جامعه مدرسین جلسه داشتیم. نگرانی‌هایی از وضع جنگ و ارتتش و سپاه داشتند. به دنبال ملاقات آقای صیاد شیرازی با آنها به فکر مذاکره با من افتاده بودند که منجر به این جلسه شد.

ساعت یازده شب به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۱۳۶۵ اردیبهشت ۱۴۰۶ | ۱۱ رمضان ۱۹۸۶ May 21

در مجلس جلسه‌ای با حضور نماینده‌گان تهران و وزرای ارشاد، مسکن، بهداری، دادگستری و شهرداری و استانداری تهران درباره بروزی طرح اصلاح محله جمشید و انتقال زنان فاسد به جای دیگر برای اصلاح و تربیت داشتیم. به تیجه روشنی نرسیدیم و پیشنهاد تشکیل اردوگاه‌ها و قانونی کردن ازدواج موقت با همین زنان منحرف و جذب تدریجی آنها به خانواده‌های دائم، مورد قبول واقع نشد.

سپس با [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار [تهران] و [آقای سراج الدین کازرونی] وزیر مسکن و [آقای محمد اصغری] وزیر دادگستری، درباره تعیین تکلیف بناهای نیمه تمام غیر قانونی مذکوره کردیم. قرار شد در تصویب لایحه‌ای که در این باره در مجلس مطرح است، تسریع شود.

آقای [اسدالله] بادامچیان [نماینده تهران] به دفترم آمد. از تهدیدی که در خصوص مطرح شدن پرونده انفجار حزب برای مقابله به مثل با طرح پرونده نخست وزیری شده تگران بود. پیشنهاد تغییر دولت و آوردن دولت جدیدی که طرفدار و آگذاری کارها به مردم باشد، برای حل مشکلات اقتصادی را داد که گفتم عملی نیست. بهتر است آنها با دولت موجود همکاری کنند و این برنامه توسط همین دولت انجام شود. آقای مولوی آمد. درباره علمای اهل سنت و مقتیزاده کار داشت.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. افطار با هیأت دولت، مهمان رئیس جمهور بودیم. شب سران قوا جلسه داشتند. پیشنهاد شد از خارج برای امام دکتر قلب دعوت کنیم و رفته رفته خبر کمالت قلبی امام را اعلام کنیم.

قرار شد هتل امام در خمین را وزارت فرهنگ بخرد. بستگان امام می‌خواهند سهام خود را بفروشند. امام از آنجا فعلاً چیزی ندارند. آقای رضایی گفت دشمن از منطقه فکه فرار کرده و مقدار زیادی ادوات جنگ و مهمات جاگذاشته است.

عنوان خرداد

حالی

پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۲ رمضان ۱۴۰۶ | ۲۲ May ۱۹۸۶

تا ساعت ده‌ویم صبح در جلسه علی‌ماند. قبل از شروع جلسه توضیحاتی در مورد جنگ و فرار دشمن از فکه به نمایندگان دادم. قبل از ظهر برای خانواده‌های شهدای شرق تهران صحبت کردم.^۱ ظهر فرماندهان سپاه آمدند و گزارش وضع جبهه را دادند. عصر برای سالگرد [تأسیس] مجلس شورای اسلامی مصاحبه تلویزیونی کردم.

از ساعت چهار و نیم بعد از ظهر تا ده شب، جلسه ستاد قرارگاه خاتم با حضور فرماندهان ارتش و سپاه داشتیم. آنها افطار هم مهمان مجلس بودند. در این جلسه تصمیمات مهمی گرفتیم. دو ماه بر خدمت سربازان افزوده شد و با بررسی وضع جبهه‌ها و نیروهای دشمن و خودی، سیاست کلی جنگ و حرکت‌های پدافندی و آفندی را معین کردیم. تقاضم سپاه و ارتش نسبتاً خوب شده است. مطالب را به رئیس جمهور اطلاع دادم. شب به خانه آمدم.

جمعه ۲ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۳ رمضان ۱۴۰۶ | ۲۳ May ۱۹۸۶

احمد آقا آمد و راجع به حکم جدید امام در سپاه بحث شد. آقای کنگرلو آمد و اطلاع داد که پس فردا

۱- رجوع کنید کتابه "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر شرکت معارف اقلیات، ۱۳۸۷

هیأت آمریکایی وارد می شوند. درباره کیفیت کنترل آنها و مسائل گروگانها و چیزهایی که در مقابل آن باید بدھند، مذاکره شد. افطار بستگان مهمانمان بودند. آقای مرعشی دادیار دادسرای انقلاب در امور اموال توقیقی، اطلاعاتی از وضع اموال و پروندها داد و از مراجعه زیاد فراری ها گفت. شب آقای محسن رضایی آمد. درباره جنگ و زوم تجهیز بیشتر نیروهای مردمی و استفاده بیشتر از امکانات کشور برای جنگ بحث شد. اطلاع داد ارتفاعاتی را که امروز در منطقه حاج عمران گرفته بودیم، عراق پس گرفته است.

شنبه ۳ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴ رمضان ۱۴۰۶ | May 1986

با احمد آقا درباره جواب نامه فرمانده سپاه مذاکره کردیم. قرار شد به گونه ای جواب بدھند که نمایندگی امام در سپاه تضعیف نشود و دست فرماندهان در امور جنگ باز باشد. از طرف کسانی به دفتر امام گفته شده که موافقت امام با تشکیل ستاد سه نیرو و اجرای فرماندهی بدون نظر شوراء، باعث رنجش دیگران می شود.

آقای نجفی از باختران آمد. نیاز ممکن و قصر شیرین به تقویت خط دفاعی را گفت و نیاز به هماهنگی نیروها را در منطقه توضیح داد. عصر آقای [علیرضا] معیری معاون نخست وزیر آمد و گزارش سفر به فرانسه را داد؛ راضی است. [زاک] شیراک [نخست وزیر فرانسه] قول داده که هفته آینده اقدامی علیه ضد انقلاب ایران شروع کند و در مورد وام، هیأتی برای اقدام تعیین نماید و توقع داشته عکس العمل آن را روی گروگانهای فرانسوی در لبنان بینند^۱. آقای رضایی تلفنی اجازه امام را بهم و غیر کافی توصیف کرد^۲.

یکشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۵ رمضان ۱۴۰۶ | May 1986

در گزارش ها آمده که عراق تلمبه خانه گوره و امیدیه را بمباران کرده و صدور نفت قطع شده است. به

۱- روزنامه السفير چاپ بیروت در این روز چنین نوشت: "هشت فرایوری که در لبنان گروگان گرفته شده اند، در طول ۹ روز آینده در دو مرحله آزاد خواهد شد. ظاهر خمام تلفنی زاک شیراک نخست وزیر فرانسه با حافظ اسد و پیش جمهور سوریه در این مسأله تأثیر داشته است. مانع

مطلع گشته چهار هفته ای دولت سوریه برای خاتمه دادن به جنگ داخلی لبنان قدردانی کرده بود". اعلامیه ای از تلاش های دولت سوریه برای خاتمه دادن به جنگ داخلی لبنان قدردانی کرده بود

۲- من نامه آقای محسن رضایی و پاسخ حضرت امام (ره) در خاطرات روز ۲۱ اردیبهشت همین کتاب درج شده است

[سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی گفتم تلاوی کنند و به توپخانه‌های نیروی زمینی هم گفته شد که تلافی نمایند.

آقای [محسن] کنگرلو اطلاع داد که هوایی حامل قطعات گران قیمت آمریکایی - که با پاسپورت ایرلندی آمدند و به نام ایرلندی هستند - در فضای تهران است. به آقای دکتر روحانی گفتم که برای کنترل قطعات و اداره مسائل سیاسی و مذاکرات همکاری کنند. کمی در جلسه ماندم و به خاطر مسائل جنگ به دفترم آمد.

سرهنگ ترابی از سرهنگ جمالی نقل کرد که با فشار کار کردن برایش مشکل است. نماینده و فرماندار دزفول آمدند و برای ابقاء رادیو دزفول کمک خواستند. [علی] آقامحمدی آمد. راجع به عملیات داخل عراق و همکاری با گروههای عراقی مخالف صدام و ساخت کاغذ مخصوص اسکناس صحبت کردیم. آقای قادری [نماینده پیرانشهر] آمد و وضع اکراد داخل عراق و خواسته‌های بارزانی ها را داد. قرار شد فردا برای افطار خدمت امام پاشیم.

آقای لطفی اطلاع داد عراق منطقه مهران را با وسعت بیماران شیمیائی کرده است. ظهر اعصار اتاق بازرگانی آمدند و پیشنهادهایی در جهت توسعه صادرات برای جایگزینی ارز نفت داشتند. به نظرم خوب آمد. به آقای عالی نسب گفتم که با آنها جلسه‌ای بگذار و آقای [قربانعلی] دری نجف آبادی هم از طرف من شرکت نماید.

عصر خلبان های کوپتری که در عملیات والفحرا ۸ یک هوایی را سرنگون کرد و سپس در بیماران دیگری چشم خود را از دست داده، همراه با فرمانده خودش آقای انصاری آمدند. گزارش کار را دادند و از روحیه فداکاری خلبانهای هوایی‌وز و خود او گفتند و خواستار نوجه پیشتر به هوایی‌وز شدند.

آقای [عبدالرضا] اسدی نیا [نماینده اهواز] آمد و از دست خط بازی در مجلس و بیشتر از تندروها ناراحت بود. سفیر جدید چین آمد. حرف تازه‌ای نداشت. راجع به توسعه روابط حرف زدیم و تذکر دادم که چینی‌ها به فکر رابطه با اسرائیل نباشند. خوش نیامد.

آقای [علی] شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] و آقایان [محمد باقر] قالیاف و [قاسم] سلیمانی و ... فرماندهان لشکر های سپاه آمدند. راجع به پس گرفتن شهر مهران از عراق بحث کردیم. قرار شد اقدام کنند. گزارشی تلحیخ از عقب‌نشینی‌ها دادند.

افطار مهمان نخست وزیر بودیم. آقایان [محسن] کنگرلو [مشاور نخست وزیر] و

۱- آقای محمد باقر قالیاف فرمانده لشکر ۵ نصر و آقای قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ تا اول الله بودند.

در کتاب امام

[احمد] وحیدی [مسئول اطلاعات سپاه] آمدند. گزارش وضع هیأت آمریکایی را دادند. یک چهارم قطعات هاک در خواستی را آورده‌اند. آقای مک فارلین مشاور وزیر ریگان و شخصیت‌های حساس دیگر آمریکا در هیأت‌اند. برای سران کشور مأکلت و شیوه‌یمنی، هدیه آورده‌اند^۱ و خواهان ملاقات با سران هستند.

قرار شد هدیه را نپذیریم و ملاقات ندهیم و مذاکره را در سطح دکترهادی و دکتر روحانی و مهدی نژاد مخفی نگهداشیم و [مذاکرات] محدود به مسئله گروگانهای آمریکایی در لبنان و دادن قطعات هاک و چند قلم دیگر اسلحه [باشد]. آنها بیشتر خواهان مذاکره در مسائل کلی و سیاسی‌اند. می‌خواهند یک نفر دائماً در هوایپمای خودشان برای تماس با خارج از طریق ماهواره بمانند. این راهم قبول نکردیم. سپس با اصرار آنها قبول شد که برای مشورت و تماس، در موارد لزوم به هوایپما بروند. بنا بود در جایی غیر از هتل اقامت کنند، اما چون جای مناسبی نبوده در هتل آزادی مانده‌اند. به مأموران اطلاعات سپاه گفته شد که آنها را حفاظت کنند. درباره مسایل دیگر هم از قبیل جنگ و بودجه و... بحث شد. سلمان غفاری سفیرمان در واپیکان آمد. دیر وقت به خانه رسیدم.

۱- این مأکلت به همراه یک جلد انجلی حاوی یام رویال ریگان و پیش‌جمهور ایالات متحده آمریکا در میکر اسناد، کتابخانه و موزه رئیس جمهور در رفسنجان نگهداری می‌شود.

۲۶ May ۱۹۸۶

دوشنبه ۵ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۶ رمضان ۱۴۰۶

در منزل بودم. دکتر هادی و دکتر روحانی آمدند و پس از توصیه آنها در مورد مسائل قابل بحث، قرار شد دکتر هادی با هیأت آمریکایی مذاکره کنند. عصر آمدند و گفتند مکث فارلین ناراضی است و مدعی است به او توهین شده که چرا مقامات با او حرف نمی زنند و چرا هدیه اش را نمی پذیریم و می گوید اگر من برای خرید پوست گربه به روییه بروم، گورباچف در روز دو بار با من ملاقات می کند.

دیشب موضوعات مهمی را مطرح کرده اند که قابل گفتگو است و مدعی اند که روییه قصد حمله به ایران را دارد. باز هم موضوع قابل بحث را مشخص کردم و گفتم مانع ندارد که دکتر هادی با همراهان او صحبت کند، ولی سران کشور ما ملاقات و مذاکره با آنها را نمی پذیرند. قرار شد به آنها پگویند به خاطر تخلف ها و بد قولی هایشان اعتماد به آنها نیست و تا عملیاً جلب اعتماد نکنند، مذاکره رسمی ممکن نیست؛ این نظر سران قوا است.

افطار با بسیاری از مسئولان کشور و مردم جماران، مهمنان امام بودیم. نماز جماعت را با امام خواندیم و فیلمبرداری شد. امام چند لحظه‌ای سر شهره نشستند و طبق معمول سالهای گذشته، افطار را نماندند. هنگام برخاستن با شوخی آهسته فرمودند: "چون نمی توانند این غذاه را بخورند و.... که می خورند حریقان و...." بعد از افطار آقایان خامنه‌ای و [موسوی] اردبیلی به خانه ما آمدند و درباره مسائل هیأت آمریکایی مذاکره کردیم. بر گفته های قبلی تأکید نمودیم.

۲۷ May ۱۹۸۶

سهشنبه ۶ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۷ رمضان ۱۴۰۶

فراموش کردم که زنگ ساعت را تنظیم کنم. سحر بیدار نشد و همگی بدون سحری روزه گرفتیم. معمولاً بازنگ ساعت بیدار می شوم و بچه هارا بیدار می کنم. به مجلس آمدم. پیش از رفتن به جلسه، دکتر هادی آمد و گزارش مذاکره سه ساعت و نیمه دیشب را با آمریکایی ها داد.

معتقد بود تا حدی آنها را قانع کرده که روش آنها نادرست است و توقعات آنها بی جاست. نوشته هایی که در گذشته [مشوچهر قربانی فر] شخص رابط درباره این سفر و تعهد های آنها نوشته بود، به دکتر هادی دادم که به آنها استناد کند.

عکس موشک تاو

بعد از ظهر خبر داد که جلسه امروزشان بی نتیجه بوده و آنها می‌گویند امشب بدون اخذ نتیجه خواهند رفت. گویا اختلاف بر سر این است که نمی‌خواهند قبل از آزادی گروگانها، قطعات را تحويل دهند.

تا ظهر در جلسه علنی ماندم، چون دستور مهم بود.^۱ ظهر سفیرمان در یمن جنوبی آمد و گزارش وضع یمن بعد از کودتا و جریان کودتا را داد. آقای محلوچی آمد و گزارش مشاهداتش از صنایع نظامی را داده از طرف قرارگاه خاتم مأمور بررسی صنایع نظامی اند. پروژه ساخت موشک تاو^۲ را

۱- در این روز طرح قانونی اجرای اصل ۷۶ قانون اساسی درباره تحقیق و تفحص جهت دریافت گزارش‌ها و اطلاعات راصله در همه امور کشور در دستور بود. آقای موحدی ساوه‌چی پیشنهاد اصلاحی داد و آقای هاشمی به عنوان مخالف پیشنهاد اراده شده صحبت کرد. آنگاه پیشنهاد کمیسیون در مسکوت گذاشتن این طرح به رأی گذاشته شد و به تصریف رسید. همچنین طرح اصلاح ماده ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری اعاده شده از سورای نگهبان رسیدگی فریاد کمیسیون امر شوراها ارجاع گردید.

۲- تاو موشکی است که تا به امروز بیش از ۷۰۰ نمونه از آن به کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران صادر شده است. تاو به روای هدایت تاکچ چهان نامید که تا به امروز بیش از ۶۶۰ نمونه از آن به کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران صادر شده است. تاو به روای هدایت میمی هدایت می‌شود. خود موشک تاو درون محفظه مخصوصی قرار دارد. در هنگام شلیک این موشک بالجهه‌های خود را که شامل چهار عدد در عقب موشک و چهار عدد در جلوی موشک است، باز می‌کند. دو زنگه سیم که از یک طرف به لانچر و از طرف دیگر به موشک منصل است، وظیله هدایت موشک را دارند. کاربر موشک که از درون سایت هدفگیری هدف را شناساند رفته است. به وسیله همین دوربین سیم، که طولشان به اندازه برد موشک است، فرایمن اصلاح سیم را به موشک منتقل می‌کند. تاو را می‌توان از اثر ازعاج تجهیزات ذهنی چون (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

عکس احمد آقا - خامنه‌ای و هاشمی

پروژه خوبی می‌داند ولی قابلیت زمان‌بندی آن را قبول ندارد. همچنین ادعای ساخت موشک از طرف آقای سیاح تنکابنی را بی‌اساس می‌داند.
عصر به جلسه شورای انقلاب فرهنگی نرسن، افطار مهمان آقای فخرالدین حجازی بودم. عصر دکترهادی آمد. گزارش مذاکره با مک فارلین را داد. مطلب مهمی نداشت. آنها می‌خواهند گروگانها قبل از تحويل سلاح آزاد شوند و ما بر عکس؛ قرار شد فرمول تدریج را بگیریم.

چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۸ رمضان ۱۹۸۶ May 28

در منزل بودم. هنگام سحری خوردن، دکترهادی اطلاع داد که مذاکره با آمریکایی‌ها به بن بست رسیده و آنها عازم ترک ایرانند. پیش از آن آقای کنگرلو اطلاع داد که آنها رفت‌اند و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تابک و نفیر و جب و حق از روی زمین شلیک کرد. علاوه بر اینها تا او از هلي کوپرهاي زيادي چون کبرا و نیک و چند هلي کوپر دیگر قابل استفاده است. معمر لا هر هلي کوپر می‌تواند ۴ تا ۸ موشک تاوار را حمل کند. از تاوار در درگيری‌های مقامی سپاری استفاده شده که مهمترین آنها حمله ایران و عراق و جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ میلادی و حمله نظامی آمریکا به افغانستان و درگیری‌های بالکان ۱۹۹۹ است.

[منوچهر] قربانی فر را گذاشتند که دنبال کار را بگیرد. عصر احمد آقا آمد، در جریان مذاکرات با آنها قرار گرفت که خدمت امام بگوید.

آقایان [اسدالله] بیات و [سید محمد] هاشمی آمدند و برای رفع اختلافات با [آقای محمد] هاشمی مدیر عامل سازمان صداوسیما، استمداد کردند. جلسه هیأت رئیسه مجلس در منزل ما برقرار شد و افطار مهمان من بودند و پاسدارانشان در ضیافت افطار امام - که به محافظان داده‌اند - شرکت کردند.

قسمت عمده‌ای از شب را برای مراسم احیاء بیدار ماندم و کمی خوابیدم. بچه‌ها در مراسم احیاء مسجد جماران شرکت کردند.

پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۹ رمضان ۱۴۰۶ | ۲۹ May ۱۹۸۶

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمدم. [سام] نجوما رهبر [جبهه آزادی پخش نامیبا] سوایپ به ملاقات آمد و مذاکرات درباره وضع انقلاب نامیبا بود. دکتر [احسن] نوربخش [رئیس کل بانک مرکزی] آمد. خواست که در مراسم افتتاح سینهار بانکداری اسلامی که قرار است سی کشور در آن شرکت کنند، سخنرانی کنم و رفقم. [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار تهران و مجذ آراء [معاون وزیر کشور] آمدند. از نفوذ افرادی در وزارت کشور شاکی بودند.^۹

آقای [ناصر جیرانی] نوبیری سفیر جدیدمان در روسیه [= اتحاد جماهیر شوروی] آمد و از ضعف نیرو در سفارت گفت و توصیه شد که در توسعه روابط بکوشد. آقایان [مسیح] مهاجری و [محمد رضا] بهشتی آمدند. از دو مقاله روزنامه جمهوری اسلامی در مورد مجلس و دانشگاه آزاد اسلامی انتقاد کردند و آنها از اینکه به پیشنهادهای اتاق بازرگانی در مورد توسعه صادرات توسط پخش خصوصی توجه شده، ناراحت بودند.

ظهور آقای [حاتم] ناروئی نماینده به آمد. از اختلاف بین امام جمعه بهم و روحانیون سازمان تبلیغات اسلامی نگران بود. آقایان محلوچی و مهدوی آمدند و گزارش کارهای سیاح، مدعی ساخت موشک زمین به زمین را دادند. گفتند سطحی و غیر قابل اعتماد است. عصر دکرهادی و دکتر روحانی آمدند. راجع به پیگیری مسئله گروگانهای آمریکایی بحث شد.

^۹- در این دیدار مسئله احداث متروی تهران و لزوم همکاری بانکهای کشور با شهرداری تهران نیز مورد بحث اوارگرفت.

قرار شد طبق همان پیشنهاد نهائی ما که نپذیرفتند عمل شود؛ اگر آمریکایی‌ها خواستند جلو بیایند. شورای عالی دفاع جلسه داشت. تصویب شد که دو ماه به خدمت سربازان، برای شش ماه در سه دوره، اضافه شود. افطار مهمان مجلس بودند.

۳۰ May ۱۹۸۶

جمعه ۹ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۰ رمضان ۱۴۰۶

احمد آقا آمد و گفت نامه شش نفر از شخصیتها درباره پرونده انفجار نخست وزیری به امام رسیده و امام، آقای اردبیلی و خوئینی‌ها و رئیسی را احضار کرده‌اند و پس از اینکه دادستان کل گفته است که متهمان بی تقصیرند، امام دستور آزادی آنها را داده‌اند و قرار شده درباره سه نفر بازپرسی که به عنوان اعتراض استعفاء داده‌اند، رسیدگی شود.

شب احمد آقا تلفنی گفت به دنبال نامه آقای محسن رضایی به امام در مورد مطرح شدن صلح [با عراق] در جلسه نمایندگان مجلس با حضور دکتر روحانی، امام از من توضیح خواسته‌اند. گفتم فردا به زیارت‌شان می‌آیم.

۳۱ May ۱۹۸۶

شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۱ رمضان ۱۴۰۶

شب را احیاء داشتم. ساعت نهونیم صبح به زیارت امام رفتم. گزارش وضع جبهه‌ها و آمدن هیأت آمریکایی را دادم. پیشنهاد کردم که برای جلوگیری از پخش خبر توسط آنها به گونه‌ای که ما را در موضع دفاعی قرار دهنده، خودمان خبر آمدن آنها را ابتدا پخش کنیم؛ امام موافق نبودند. امام فرمودند طبق گزارش فرمانده سپاه، در جلسه‌ای جمعی از نمایندگان صحبت از مشکلات جنگ کرده و ختم جنگ را مطرح نموده‌اند. از من خواستند که به آنها بگویم ما باید تا آخرین فرد با صدام بجنگیم و صحبت از صلح نکنیم. از امام خواستم دانشگاه آزاد اسلامی را در مقابل محاله‌ان تندر و تقویت کنند. فرمودند موارد اختلاف و نقاط نظر طرفین را بنویسم تا تصمیم بگیریم؛ نوشتم و فرستادم. مسئله‌ای در رابطه با کشف وجه و کفشه و قدیمی پرسیدم. یادشان نبود. چگونگی سودی را که نظام بانکداری اسلامی مای دهد، توضیح دادم و اینکه آقای [حسین] راستی [کاشانی] در جایی

گفته این سود به نظر امام اشکال دارد. فرمودند مانعی ندارد اگر طبق قرارداد شرعی باشد، که هست.

یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۲ رمضان ۱۴۰۶ | June 1986

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس آمد. در گزارش‌ها آمده بود که یک کشتی نفتکش ما زده شده است. تا ساعت ده در جلسه علنی ماندم. آقای [اکبر] ترکان برای مشاوره در امر خریدهای نظامی و احداث کارخانه هوایپاسازی آمد. آقای رحمانی برای مسائل سپاه و ستاد اجرائی قرارگاه حاتم آمد. [آقای غلامرضا آفازاده] وزیر نفت و مسئولان نظامی و ائمه جمعه خارک و گچساران و امیدیه آمدند. درباره ضعف پدافند موسسات نفتی و اهمیت حفظ آنها مطالبی گفتند. ظهر رئیس زاده از روابط عمومی [مجلس] آمد. توصیه‌های سیاسی داشت و اجازه انتقال به وزارت نفت می‌خواست. [آقای سید حسین قاضی‌زاده هاشمی] تماینده فریمان آمد. پیشنهاد ترتیب بایگانی آمار وضع حوزه‌های انتخابیه توسط هر نماینده را داشت.

عصر آقای صلاح زواوی سفیر فلسطین در ایران آمد. از سردی روابط گله داشت و درباره جنگ و نزاع فلسطینی‌ها با [حزب] امل در لبنان و مشکلات اداری اش در تهران و مسائل فلسطینی‌ها در دنیا و مشکلات دیلمات‌ها در ایران مطالبی گفت. گفتم مانع روابط خوب، موضع غلط آنها، هم در جنگ و هم نسبت به ارتقای عرب و نزدیکی با جناح کمب دیوید و سازشکاری است! برای افطار به سفارت فلسطین دعوت کرد. قول دادم اگر موضع را اصلاح کنند، ما استقبال می‌کنیم. گروه گزینش آموزش و پرورش آمدند. پیشنهاد کردند که شورای عالی انقلاب فرهنگی اجازه تحقیق به گزینش بدهد و به صرف استعلام اکتفا نشود. آقای ریاضی آمد. گزارش کارکمیسیون ناظر بر خرید سلاح را داد. از وزارت سپاه شاکی بود و خبر آمادگی چین را برای فروش تانک و هوایپما داد.

افطار سران قوا مهمان من در مجلس بودند. آقای خامنه‌ای نظر دادند که دستگاه قضائی افرادی را

۱- پاسر عرفات رهبر سازمان آزادبخش فلسطین - سراف - ذر مال‌های جنگ، جانب عراق را گرفت و با صدام حسين بارها ملاقات کرد و عليه جمهوری اسلامی موضع گیری نکرد. او معتقد بود که جنگ عراق با ایران به قدر فلسطین و به نفع اسرائیل است. بعد از پایان جنگ و در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی در سال ۶۹ پاسر عرفات واسطه مکاتباتی میان رئیس جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهور عراق شد. این دوازده نامه مبادله شده میان آقای هاشمی و صدام به آزادی اسiran دو طرف منجر شد. برای مطالعه نامه‌ها برجسته کتاب "دوازده نامه" از دفترنشر معارف انقلاب، ۱۳۸۶

که اخیراً سران نهضت آزادی را کنک زده‌اند، تحت تعقیب قرار دهد.^۱ درباره بسیج امکانات برای جنگ و پیشنهاد فرانسه در خصوص تکمیل نیروگاه اتمی ما با استفاده از وام یک میلیارد دلاری مذکور کردیم. عصر برای فرماندهان نواحی سپاه سخت‌ترانی کردم.^۲

دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | June ۱۹۸۶

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا ده صبح گزارش‌ها را خواندم. مطلب مهمی نداشت. فرمانده سپاه کرمان آمد. گزارشی از وضع منطقه و سپاه داد. اکنون بیش از سیزده گردان نیروهای مردمی کرمان در جبهه‌اند. درباره گردان‌های قدس و تدارک مردمی مذکور شد.

۱ - در روز ۲۵ اردیبهشت ۶۵ عده‌ای از سران نهضت آزادی ایران از جمله مهندس مهدی پارزگان به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس این نهضت، حالم بیشتر رهایی شود نایر آرامگاه آیت الله طائفانی و تهیید دکتر چمران حضور یافتند، در این حین خودروی چند تن از آنها از سوی مأموران کشیل کشته خودروها متوقف می‌شود و آنها پس از برداشتن این افراد به یکی از روساهای متوجه اطراف تهران، آنها را مورد شرب و شتم قرار می‌دهند و محل را نیز می‌گشند. رسانه‌های خارجی پرتوش خوب و سیعی به این حادثه دادند. تواریخ کشور و کتبه انقلاب اسلامی با صدور اطلاع‌هایی هرگونه دلالت در این موضوع را رد کردند.

۲ - در بخشی از این سخنواری آمده است: "این اجتماع شما انشاء الله با برکت و جهش در جبهه‌ها و در نتیجه در سرنوشت جنگ و در نهایت در سرنوشت انقلاب و مسلمانان مؤمن خواهد بود. هست‌ها را باید عالی گرفت. وقتی ما با ملت ایثارگر روبرو هستیم که ثابت تموده از نواذر تاریخ شریعت است، باید از این امکانات زیاد، این مردم و این اقوایوس بیکران قدرت که در اخیار اسلام قرار گرفته است، برای اهداف اسلام و انقلاب استفاده کیم. تا آنچه که من می‌دانم خلقت این اسلام مستولان جنگ و بخصوص سپاه، ایجاد آزادگی برای شرایطی است که ممکن است در آینده پیش آید. چنانچه مقدور است آن اکثر اینجاد شده است. عملیات «المغیر»، ثابت کرده که اولاً دشمن به شدت آسیب پذیر است و آن طور که بعضی‌ها خیال می‌کردند قادر مقاومت و دفاع ندارد و قدرت اوستگی به تویی دارد که ما بتویی به کار نگیریم. هر چرا به هر اندیشه ما نواب مماسی به کار نگیریم، به این اندیشه می‌توانیم قدرت پیشرفت داشته باشیم، ولی آن را در سطح مطلوب به کار گرفته‌ایم. نایاب دشمن با خود ریزی یک خوبی از پای تنمی تشبیه. حامیان بعثت عراق و آنها که این جنگ را طراحی کردند تا به نقطه نیمسیز کارهای خود را ادامه خواهند داد. ما دیدیم با آنکه عراق ضریب کاری خود و نبروهای عینده‌اش آسیب جدی دیدند و قطعه‌ای از اشتبک از دستش رفت و حیثیت نظامی او آسیب شدید دید. با این حال تلاش‌های مذبور حاجه جدیدی را به عنوان «استراتژی» جدید شروع کرد که بهینین اسم بر آنها، «استراتژی انتشاری» است. یعنی خدام و خرب بعثت بالهای از طراحان اصلی جنگ به این تبیجه رسیدند که در این مقطع هر چه دارند باید به کار نگیرند، شاید بتوانند مقاومت کنند، ولی این کار با انتشار اینجاع می‌شود. کارهایی که عراقیها در طول یک ماه و چند روز گذشته در جبهه‌ها انجام دادند اگر ادامه باید معلوم می‌شد که بر سرشار خواهد آمد. زیرا آن چنان تحلیل خواهند رفت که در مقابل یک تهاجم جدی ماه دیگر چیزی برای دفاع، آن هم دفاع طولانی تخریب‌خواهد داشت. آن استراتژی که عراق در اینها داشت که خود را پشت میدانهای مین، رذیت‌های مکرر سیم‌های خاوردار، کانال‌های آب و شکافهای انتشاری پنهان می‌کرد و گشین‌های دامنه هرشیار خود را حفظ می‌کرد و این، احتیاط‌های مکرر را پشت سر هم قرار می‌داده، این حاصلی را داشت که نیروهای مأهده می‌برای عبور از این موقع باید تلفات می‌دادند و آنها در مرحله اول، گفتم تلفات می‌دادند از این رو، برای مراحل بعد، آماده می‌شدند." رجوع کنید سے کتاب "هائچی و فسجانی" سخنواری‌های حال ۱۳۶۵، "دفتر نشر معارف انقلاب"، ۱۳۸۷

آقای [مصطفی] هاشمی [طیا] وزیر سابق صنایع آمد. توضیحاتی درباره طرح‌های مهم اولویت دار داد و برای استفاده بهتر از حق یوزانس جهت طرح‌های دراز مدت استمداد کرد. آقای علیزاده دادستان دیوان محاسبات آمد. گزارش وضع دیوان و نیاز به دادیار و دستیار را داد.

آقایان [مرتضی] فهیم [کرمانی] و [میر غفار] سجادی آمدند. درباره اظهارات آقای سجادی نسبت به آقای هادی غفاری که مورد شکایت آقای غفاری است، توضیح دادند. آقای [علی] رازی‌نی تلفن کرد و از عدم همکاری فرماندهان ارتش با دادگاه زمان جنگ گله داشت. گروه کارگران مهار کننده چاه نفت آش گرفته خلیج فارس آمدند. از عزل رفیقشان از مسئولیت حراست شکایت داشتند.

آقای [محمد علی] ارحمانی مسؤول بسیج آمد. گزارش سفر به لبی را داد و گفت لیسانی‌ها مایلند تعدادی نیروی پسیجی از ما در لبی باشد. راجع به ستاد پشتیبانی برای جنگ صحبت کرد. آقای [محمد جواد] لاریجانی [معاون امور بین‌الملل وزارت خارجه] آمد. گزارش سفر به سازمان ملل را داد. ملاقات‌های سطح بالاتر داشته و نشان می‌دهد که دنیاروی قدرت ما حساب باز کرده است. شرق و غرب در صدد نزدیکی به ما هستند، ولی نمی‌خواهند ما نیرومندتر بشویم.

افطار با هیأت رئیسه و کمیسیون قضائی، مهجان آقای [محمد] بزرگی نایب رئیس مجلس بودیم.

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۶ | ۱۳۶۵ رمضان ۲۴ June ۱۹۸۶

در جلسه علنی مجلس تا ساعت ده‌ویم صبح شرکت داشتم. آقای [مهدی] کروبی [نایب رئیس مجلس] بقیه جلسه را اداره کردند. ظهر آقای محسن رضایی آمد. راجع به ستاد اجرایی قرارگاه خاتم

۱ - آقای محمد جواد لاریجانی معاون امور بین‌الملل وزارت خارجه که در سیزدهین جلسه فرق العاده سازمان ملل برای بررسی مسائل اقتصادی آفریقا شرکت کرده بود، گزارشی از این اجلاس ارائه کرد. در این دیدار آقای لاریجانی با اشاره به ایشان آمریکا را عرب با دادن گشکنندگی به کشورهای منطقه آفریقا، قصد تقویت نیازمندی را دارد، گفت: «هیأت جمهوری اسلامی ایران در این جلسه پیشنهاد کرده کشورهای صادر کننده نفت با افزایش یک دلار بر لیمیت نفت صادراتی، عاید آن را در حسابی به نفع آفریقا نمطور کنند» وی سپس گزارشی از دیدارهای خود با دبیرکل سازمان ملل و سارمات کنفرانس اسلامی ارائه کرد. آقای هاشمی بزرگی نایب رئیس کشورهایی که صادر کننده نفت این عدالتخواه هستند باید از طرح جمهوری اسلامی ایران حمایت کنند، گفت: «نااستفاده از این طرح، گشایشی در مشکلات اقتصادی آفریقا به وجود خواهد آمد». ایشان همچنان بیرون از توطیه کاوش قیمت نفت گفت: «ما تایید اجازه دیم که ذخایر جهان اسلام به ویژه نفت توسعه قادر تها عاریت شود، ما باید سلطه ابرنورتها بر ذخایر خود را که متعلق به نسلهای آپنده است، قطع کنیم». آقای هاشمی در زمینه عرضه دبیرکل سازمان ملل در قالب جنگ تحریکی گفت: «همانگونه که بارها اعلام کرده‌ایم آنکه «بروز دکورتیار» باید در این زمینه موقعیت بی طرفی داشته باشد و سعی تایید چهاره متجاوز را به جهانیان معرفی کند».

به منظور بسیج امکانات کشور برای چنگ مذاکره کردیم و اشکالات مصاچه ایشان را تذکر دادم.^۱ عصر به شورای انقلاب فرهنگی نرقم و برای کارها در مجلس ماندم. آقای محسن رضایی آمد و فیلم یک نوع خمپاره ابتکاری سپاه را آورد که پس از اصابت به زمین، به قضا پرتاب می شود و با انفجار در چهار متري زمین، ترکش هایش پخش می شود. همچنین خمپاره ضد تانک را آورد که ابتکار شده است. برای تولید انبوه آنها استمداد کرد.

عصر آقای سید هادی هاشمی [داماد و رئیس دفتر آقای منتظری] آمد و پیام آیت الله منتظری را آورد که در مورد طرحشان نسبت به ادغام ارتش و سپاه پیگیری کرده اند و از مصروف شدن سران نهضت آزادی ناراحت شده اند و پیگیری طرح های عملیات داخل عراق را. درباره سید مهدی هاشمی مذاکره کردیم.

افطار مهمان آقای فاضل هرندي بودیم. درباره مشکلات اقتصادی با کم شدن ارز نفتی صحبت شد. بعضی ها خوشبین اند که این نیاز به استقلال و خودکفایی و کم شدن وابستگی خواهد انجامید. درباره روابط خارجی مخصوصاً اصلاح روابط با سوری و فرانسه صحبت شد.

قرار شد که هیأتی به ریاست آقای ابراهیمی از بیت آیت الله منتظری به لبنان برای میانجیگری چنگ جاری بین امل و فلسطینی ها اعزام کنیم. شب به دکتر ولایتی گفتم که ترتیب کار هیأت را بدده، دکتر ولایتی اطلاع داد فرانسه گفته که منافقین را بیرون می کنند.

چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۵ رمضان ۱۹۸۶ June 4

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. به دکتر ولایتی گفتم در اعزام هیأت به لبنان اقدام کند و به سفارت فلسطین در تهران، مقداری محبت شود. قبل از دستور درباره روز قدس و ۱۵ خرداد صحبت کردم.^۲

۱ - آقای محسن رضایی غرمازده کل سپاه پاسداران در روز ۱۰ خرداد در یک مصاچه مطیع عاتی و رادیو تلویزیونی و صعیت جنیه ها، برنامه های آینده چنگ، آموزش نظامی نیروهای رزمده و کمکهای انسانی و اقتصادی استکبار و مرتضی منطقه به رژیم عراق را تشریح کرد. در تحسی از این مصاچه آمده است: "تها راهی که امروز برای خاتمه چنگ در پیش روی ما قرار دارد، بسیج کلیه تبرو و امکانات کثیرو در جهاد است".

۲ - در بخشی از این نظر آمده است: "به مناسب سالگرد قیام پروانچار ۱۵ خرداد و روز جهانی قدس که توسط حضرت امام اعلام شد، ما ارملت بزرگواران انتظار داریم که حق عظمت این دو مناسبت را مراعات نفرماید و با شرکت در تظاهرات، روح شهدای ۱۵ خرداد را که پیش از این (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

در جلسه علنی، طرح خیلی حساس و جنجالی اصلاحیه قانون وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مطرح بود. اکثر دانشگاهیان با انتقال دانشکده‌های پزشکی از وزارت علوم مخالفند و روزنامه‌ها در ماه‌های گذشته به نفع آنها جو سازی کرده‌اند و بحث در مجلس خیلی جدی است. قسمت عمده جلسه را ماندم که در بحث‌ها تشنج پیش نیاید، ولی اواخر جلسه بیرون آمدم. برای خود من حق خیلی روشن نیست. بالاخره مجلس به نفع بهداشت و درمان رای داد و جو سازی‌ها بی اثر از آب درآمد.

آقایان [بیژن نامدار] زنگنه [وزیر جهاد سازندگی] و [عبدالله] نوری [تحمینده امام در جهاد سازندگی] آمدند. نگران بودند که به عنوان جنگ امکانات جهاد از روستاها بیرون بر وند. تفاهم کردیم که با توافق خود آنها از امکانات شان استفاده شود. ظهر آقای هادی آمد. درباره پیشنهاد آقای [عبدالله] نوری در خصوص کاندیدا شدن ایشان برای [عضویت در] حقوقدانان شورای نگهبان مذاکره کردیم.

لطیف صفری آمد. مطالبی درباره جنگ‌های نامنظم گفت. آقای [اکبر] ترکان آمد و درباره صنایع هوایپما و خلی کوپتر سازی و توب سازی مشاوره کرد. قرار شد اقدام شود. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر خارجه] آمد. درباره ترکیب هیأت اعزامی به لبنان صحبت شد. افطار مهمان نخست وزیر بودیم. آقای [احمد] جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] آمد و انحلال نیمی از دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی را اعلام داشت. درباره جنگ و امور اقتصادی بحث شد.

پنجشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۶ رمضان ۱۴۰۶ | ۵ June ۱۹۸۶

اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] آمد. درباره اختلافش با شورای سربرستی گفت. عصر آقای سراج آمد و برای کمک به کاروانهای نور در شرق کشور استعداد کرد. افطار به مرکز سپاه رفتیم. اکثر مسئولان هم بودند. درباره جنگ و لزوم بسیج امکانات برای ختم زودتر جنگ با ضعف بنیه اقتصادی صحبت کردم.

(ادامه پاروفی از صفحه قبل)

الغایب، عظیم اسلامی بودند، شاد کنند. رجیع کید سه کتاب «هاشمی رفسنجانی، نظرهای پیش از دستور سال ۱۳۶۵، حلقه ششم، ۱۳۸۷»

اتومبیل خیلی تکان پیدا کرده، گفتم عوض کنند. در راه خیلی اذیت کرد، گویا کمک فنرهاش عیب پیدا کرده است.

جمعه ۱۶ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۷ رمضان ۱۹۸۶ June 1986

تا ساعت ده و نیم صبح مطالعه می کردم. همراه با اهل خانه برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم^۱. شرکت مردم در راهپیمایی روز جهانی قدس، خیلی وسیع و خوب بود. سفرای کشورهای اسلامی هم آمدند بودند^۲.

عصر آقایان رمضانی و مرعشی از دادسرای انقلاب آمدند و گزارشی از وضع پرونده‌ها دادند. چند مورد از مسئولان خربد دولتی در وزارت نفت و بازرگانی و بهداری که در معاملات انجام شده از خارجی‌ها پورسانت گرفته‌اند، تحت تعقیبند و راجع به کیفیت برخوردار با آنها مشورت کردند. گفتم قاطعیت همراه با تدبیر که نتوانند جو سازی کنند. نگران بودند که روابط مانع کار شود. گفتم همه سران قوا از تعقیب و کیفر مجرمان حمایت می کنند.

۱- در خطبه اول خمرو، بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوع عدالت در تنظیم روابط خانوارگی دنبال شد. تفاوت‌های اساسی بین زن و مرد، موقعیت زن در جوامع غرب، محبت مادر به فرزند و وضعیت خانوارهای غربی از مباحث مطرح شده در خطبه دوم پیش از درباره قام ۱۵ خرداد، توانستی در جریان مبارزات، هدف از اشغال فلسطین، شرایط اسرائیل و نوع برخورد مسلمانان با قضیه فلسطین مطالعی مطرح شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "امروز روز جهانی قدس و روزی است که اتفاق آمده است برای ایک عنصرين جهاد مقدس ما را خوب درکن پکند. بنده به مسلمان عرض من کنم و به تمام کسانی که قادر برداشتن اسلحه دارند، همان طوری که امام فرموده باید به گفته‌ای شما در میدانهای روز و مرگ آموزش و مناطق اعراض آماده باشید که یک روز هم، فرماندهان جنگ ما چه ارتش را به میانی در میدان جنگ احساس کنید و نکنید". رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌ای حسنه سال ۱۳۶۵" دفتر شریعت اسلام، ۱۳۸۷.

۲- در پی مطرح کردن راه عبور از عراق به فلسطین در خطبه‌های نساز جمعه این روزه مجلس ملی عراق به آن را کشنند شان داد. رادیو کربلت در این باره گفت: "عراق آمادگی خود را جهت اجازه دادن به نیروهای ایرانی جهت عبور از خاک کشورش بدون هیچ گونه شرط قللی، چنانچه ایران می خواهد در آزادسازی فلسطین شرکت تمايد، اعلام نمود. این مطلب ترسیم رئیس مجلس ملی عراق در پاسخ به اظهار هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران که در دانشگاه تهران ایراد نموده بوده عنوان شده است. هاشمی رفسنجانی علی خودداری ایران و ملتهای شرق جهان اسلام جهت حرکت به سری اسرائیل را ترجیه کرده بود، را در بعد از اظهارات رفسنجانی که گفته بود تا زمانی که جزو بعثت در عراق می باشد، به ملتهای شرق جهان اسلام اجازه داده بخواهد شد که به سری اسرائیل حرکت کنند را عنعکس کرد. هاشمی رفسنجانی گفته بود بر مسلمان‌ها است که به ایران جهت برداشتن دیوار مو جرد میان ملت ایران و ملت فلسطین کمک کنند تا این راه باز شود. حمادی افروزه من به عنوان نماینده نیروهای ایرانی قرار نمی دهد."

احمد آقا آمد. از نامه تذکر شخصت و سه نماینده [جناب راست مجلس] در مورد پرونده انججار نخست وزیری گله کرد. گفتم ممکن است آنها نمی دانسته اند که امام دخالت کردند. در مورد جنگ برای اطلاع امام توضیح دادم. در مورد دانشگاه آزاد اسلامی صحبت کردیم. گفت نامه ای که به امام درخصوص نقاط نظر مخالفان داده ام، جلوی امام است و هنوز نخواهد اند.

شب بعد از افطار همشیرزاده مهدی شریفیان آمد. جزو گروهی است که در لشکر ڈارالله آموزش عواصی برای خط شکنی در عملیات علیه عراق دیده اند. فعلایا به آنها مرخصی داده اند. با حدود یکصد و پنجاه نفر از همزمانش عازم مشهد هستند. وقت ملاقات خواستند. قرار شد بعد از مراجعت بیایند.

آقای روحانی شریک زمین منزل حمید و سعید لاهوتی، برای تفکیک زمین کمک خواست. گفتم به روال عادی عمل کنند. گفت شهرداری چی ها رشو می خواهند. گفتم کمک کنند که آنها را شناسائی کنیم. اطلاع داد در مورد ارز موردنیاز ماشین آلات کارخانه ساخت گچ های تخته سیاه که وزارت صنایع چهار میلیون و هفتصد هزار فرانک سوئیس را تأیید کرده، توانسته معامله را در آلمان به هفتصد هزار مارک تمام کند. به نخست وزیر تلفنی گفتم موضوع را پیگیری کنند که از این ناحیه، ممکن است فساد مالی زیادی کشف شود. ارز بیشتر می گیرند و از تفاوت قیمت رسمی و آزاد سود می برنند.

آقایان معیری و ولایتی درباره برخورد با سوئیس و فرانسه در مورد اخراج [مسعود] رجوی گزارش تلفنی دادند که به زودی [از فرانسه] اخراج می شود.

7 June 1986

شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۸ رمضان ۱۴۰۶

ضعف ناشی از روزه کار کرد را کم کرده است. بیشتر وقت به مطالعه گزارش ها و جزو ها گذشت. معمولاً هر روز اوراق زیادی از عملکردها، طرح ها یا نیازها از طرف ارگانهای دولتی یا اشخاص می رسد که وقت زیادی می گیرد. علاوه بر جزو های مرتب گزارش سیاسی، امنیتی، نظامی، اطلاعات و... که از طرف وزارت اطلاعات، امور خارجه، کمیته سپاه و... داریم. تلکس های خبرگزاری پارس [ایران] را هم که اخبار روز است، می بیشم.

آقای مهدیان آمد. قرار شد سهم ساختمان گرگان را برای خرج ساختمان منزل بفروشد. همچنین

عکس مطالعه بولتن‌ها وقت زیادی می‌گیرد

مقرر شد در جلسه‌ای به دانشگاه امام صادق(ع) برگزار شد. به آفای روحانی گفتم فردا جلسه ستاد قرارگاه را تشکیل دهد. اخبار اخراج رجوی از پاریس انعکاس وسیعی داشته است.^۱

عصر آفای رحیم صفوی از جبهه آمد. گزارش جنگهای اخیر در حاج عمران را داد و گفت عراق از حمله خود ضرر کرده و بعيد است آنجا تکرار کنند. وضع فاو را گفت. با انتقال آب از طرف ما در مقابل خط عراقی‌ها، آن قسمت از خط که امکان حمله رزمی عراق را داشت، از حیث انتفاع افتاده و خیال نیروهای ما راحت شده، ولی در محور ام القصر هنوز احتمال تهاجم عراق هست. در مهران نیروهای اعزام شده ما برای استرداد شهر - که اخیراً از دست دادایم - مشغول کسب آمادگی هستند. بیشتر وقت به تماشای تلویزیون گذشت. مراسم روز جهانی قدس در تهران و بعضی از مراکز استانها و شیراز و قم و مشهد و... و پاکستان و لبنان و لندن پخش شده جالب و امیدوار کننده است.

۱- سعید رجی رهبر سازمان مجاهدین خلق (متاپن) توسط پلیس فرانسه تا غرودگاه نظامی «برژه» اسکورت شد. وی به همراه چهار نفر دیگر از حمله عرب عصداطه - هرسرش - با یک جت اختصاصی فرانسه را به مقصد بعداد پاییخت عراق ترک کرد. پلیس فرانسه برای بازرسی، برگه هربوت از راد مفیم محل سکونت رجی را مزره بازرسی فرار داد. منجکوی دولت فرانسه اعلام کرد که دولت فرانسه از رجوی تحریمه است فرانسه را ترگیک کند و این تصمیم از جانب خود این گفوه گرفته شده است. شورای عالی مقاومت در بیانه‌ای نوشته است: "رژیم ایران سعی می‌کند با ساخت حرکتها دست آمرز مثل جسمیت جدید بارگان و... مجاهدین را مزروی کند و از سوی دیگر با گروگانگیری و اضمار بر دیگر کشیزهای تضمیناتی را علیه مجاهدین فراهم نماید. این بیانه همچنین درباره علت انتقال مجرم این شووا از پاریس به بعداد می‌گوید: "اين تغییر محل را به عنوان آخرین گام برای عبور به میهن می‌داند."

۸ June ۱۹۸۶

یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ رمضان

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمد. در گزارش‌ها خبر خروج [مسعود] رجوی از پاریس و رفتن به بغداد و استقبال رسمی در بغداد، انعکاس وسیعی داشت. دکترهادی آمد. مشروح مذاکرات با هیأت آمریکایی را که از نوار پیاده شده، آورد.

از ساعت نه و نیم صبح تا یک بعد از ظهر در ستاد قرارگاه خاتم جلسه داشتیم. طرح استرداد شهر مهران توسط آقای [رحیم] صفوی [جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه] توضیح داده شد و پس از بررسی تصویب شد. قرار شد نیازهای طرح تامین شود.

عصر جمعی از فرماندهان نیروی زمینی آمدند. برای آنها صحبت کردم.^۱ تشویق به مقاومت نمودم و تشکر کردم؛ برای جیران روحیه‌ها که در اثر ضعف عملکردهای اخیر ضربه خورده است. اطلاع دادند که عراق ماهواره اسدآباد [همدان] را زده و ارتباطات خارجی قطع است. آقای کنگرلو آمده در تعقیب مذاکره با واسطه‌ای که در مسأله گروگانهای آمریکایی در لبنان و معاوضه با سلاح مطرح است. پیشنهاد مشخصی نداشت. گفتم اگر محموله مورد نظر به تهران برسد، اعدام می‌کنیم.

آقای [سیدهادی] خسروشاهی آمد. به کیفیت دفن و محل دفن مرحوم [آیت الله سیدکاظم] شریعتداری انتقاد داشت و می‌گفت ایشان را مظلوم جلوه می‌دهد. همچنین نسبت به سخت گیری در مورد آقایان قمی و سید صادق روحانی و همچنین در جهت رفع آثار نسبت‌های آقای حمید روحانی [زیارتی] درباره ایشان کمک خواست.^۲ به خاطر رفاقت سابق با صادق المهدی، عازم سودان بود. من هم به رئیس مجلس سودان پیام دادم.

۱ - در بغداد طه پاسین ریاضان معاون اول بحثت وزیر، عذران خیرالله و پرورخان و حاسم وزیر فرهنگ و اطلاعات به همراه سه وزیر دیگر و مقامات بلند پایه حرب بعثت حاکم بر عراق در فرودگاه از مسعود رجوی استقبال کردند.

۲ - در پخشی از این سخنرانی آمده است: «اما انتظار داریم ما آزادگی کامل در فرستاده جنگ را به نفعه پیروزی برسانید و این پیروزی مردم آماده بودن شناورهای روزنه است. تیروهای عراقی در این منطقه نه تنها نتوانستند یکند قدم پیش ببرند، بلکه هر روز عقبانه هم رفته‌اند و حالا مدنی شروع کردند به همان وسعتی که جاهای دیگر کار می‌کنند جلوی ما می‌خوردند، کنان و مین بگذارند که دیگر ما جلوی نمی‌رویم. با توجه به این شکست‌های پیش‌زیر، فرعانهان نظامی عراق پیازدارند به اینکه برای تجدید روحیه خود اظهار وجودی بگذارند. رجوع کمید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، ذفتر شریعت‌عارف‌القلاب، ۱۳۸۷"

۳ - آقای حمید روحانی کتابی با عنوان "شریعتداری در دادگاه تاریخ" منتشر ساخت. او در این کتاب آیت الله شریعتداری را به همسکاری با روزیم بهاری و مخالفت با انقلاب اسلامی و توطئه جنی علیه روحانیان عایز منتهم می‌نماید. این کتاب در آن سال‌ها به طور وسیع در سطح کشور پخش گردیده بود.

آقای [کاظم] خوانساری سفیرمان در لیبی آمد. پیام آقای قذافی را آورد که گفته بود اگر نمی‌توانید جنگ را تمام کنید، برای ختم آن اقدام کنند. خواسته بود که در افغانستان جبهه مشترک ضد امپریالیسم تشکیل بدھیم.

در مورد اول گفتم می‌توانیم به عراق ضربه کاری بزنیم و در مورد دوم گفتم موشکها و هواییماهی موعود در سفر من به لیبی را بدھند. گفتم تا افغانستان در اشغال است و مارکسیست‌ها سرکارند، ما مخالفیم. روسها بیرون بروند و حکومت مردمی تشکیل شود. ما آماده همکاری در آن صورت هستیم و خواستم که چند کشتی مهمات بفرستند. خبر داد که پدرش بیمار قلبی است و خوب است برای معالجه به لندن برود. عضو خبرگان است.

آقای نخست وزیر تلفنی خواست در جواب به فرانسوی‌ها تلاش شود که دو گروگان از لبنان آزاد شوند. افطار به خانه آمد. شب با آقای رئیس جمهور صحبت شد که زدن کشتی‌هارا به عنوان تلافی شروع کنیم.

دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | June 1986

نماز عید فطر را در خانه به صورت فرادی خواندم. از رادیو مراسم برگزاری نماز عید در مصلای بزرگ تهران را گوش دادم. شکایت آورند که مأموران، نمایندگان را که کارت ملاقات امام ندارند راه نمی‌دهند. دیروز با احمد آقا قرار گذاشته بودیم که با کارت نمایندگی پذیرند. به احمد آقا تلفن کردم.

امام [پس از دوران نقاوت] بحمد الله خیلی خوب و طبیعی صحبت کردند. در مورد شرکت دادن مردم در امور و اجازه تأسیس مدارس و دانشگاه‌های غیر دولتی تأکید بلیغ داشتند. خیلی خوب بود و جلوی فتنه احتمالی را گرفت.^۱

۱- در بخشی از سخنرانی حضرت امام خمینی (ره) آمده است: «قری بائید و پشت هم باید، دولت و ملت با هم باید، ملت پشتیان دولت در امور باید، دولت خدمتگزار ملت باید در امور شرکت بدهد مردم را در هیتا امور، دانشگاهها باید مردم دریش و خالت داشته باشد. مردم خودشان به طور آراء باید دانشگاه داشته باشند، هنگاه دولت نظارت باید بکند. نظارت دولت جنمی است، لکن این طور نداشته که خجال کنند که خود دولت می‌تراند همه کارها را انجام بدهد، می‌بینند که نمی‌تواند، اعتراف دارند همه بر این، دولت اعتراف ندارد، همه اعتراف دارند بر اینکه بدون ملت مانسی نداشیم. این ملت را از دست ندهید، نگه دارید. روحاًیون مکلف، آنکه خودشان هم می‌دانند مکلف اند که حفظ اسلام را بکنند، حفظ اسلام به حفظ وحدت است و باید بکنند و این واجب است بر همه که حفظ کنند وحدت راه مردم را نگه دارند. اگر در یک (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

آقای سرهنگ هاشمی فرمانده شمال غرب نیروی زمینی آمد. از احتمال عوض شدن صیاد و جایگزینی سرهنگ جمالی نگران بود و از بی حرمتی بعضی به ارتقیها و ضعف تبلیغات خدمات ارتقش گفت. آقای وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد. در مورد امور سپاه و جنگ صحبت شد. بقیه روز به مطالعه و استراحت گذشت. بچه‌ها [به مناسب عید فطر] عیدی می‌خواستند. چیزی آمده نداشتند. به چند نفر از خانواده محافظان عیدی داده شد. شب آقای محسن رضایی تلفنی خواست که به وزیر نفت پیغام بازیوهای رزمتده برای جنگ همکاری شود.

سه شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۰ June ۱۹۸۶

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. پیش از دستور درباره بیانات دیروز امام صحبت کردم. روی اتحاد و شرکت مردم در امور فرهنگی و مدارس و دانشگاه‌ها تأکید کردم.^۱ اعتراض نمایندگان به بی‌احترامی دیروز ماموران پست امام زیاد بود.

(ادامه پاروفی از صفحه قبل)

شهری از شهروها بود یک اختلاف واقع شد، بداند که دست شیطان در کار است، باید این را از بین برند و نگذارند یک وقت - خدای تحواسه - ولو در یک شهری، در یک روستای اختلاف واقع شد. برادران روحانی قریا، با هم باشند و کناره گیری نکنند، همه در میدان باشند، با هم باشند. ما می‌خواهیم فقط اسلام را بکیم، باکاره گیری نمی‌شود حفظ کرد. خیال نکنید که باکاره گیری نکلیف از شما سبب می‌شود، نکلیف دو چنانی است. باید در صحنه باشید، همه روحانیت باید، کنار رفتن، از مکابله ایالی است که نمی‌گذرد که همه با هم باشند. قدرت را روی هم نگذارید؛ ارتق، سیاه، سیع و گروههای مردمی همه با هم باشند. اگر باشید با هم، خدای تبارک و تعالی نصرت می‌کند شما را. نصرت خدا این است که همه برای رخصای خدا باشید. همه با هم برای این باشید که اسلام را تقویت کنید و اسلام را به چاهای دیگر هم برسانید و این نصرت خداست و خداوند و عده کرده است که اگر نصرت نکنید، من هم نصرت می‌کنم." رجوع کنید کتاب "صحیحه امام"، جلد بیستم، صفحه ۵۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱- در این نقطه آمده است: "بیانات بسیار مهم حضرت امام امت زیر عظم انسان اغلب برای ما نکلیف مجدد می‌کند که یکتا مقدار روی این مسائلی که ایشان اشاره فرمودند دقت کیم و ایشان الله در برناهه‌ای آینده خودمان، ایها را به کار نگیریم. از ویژگی‌های وهری امام این است که مسائل خاصی را در آن مطلعی که فکر می‌کند لازم است ملت و مسئولان بدانند، مطرح می‌کند و درست عتل طیب خادقی، در موقع حساب، دستورات لازم را می‌دهند. ما اگر از این تعنت الهی استفاده نکیم، تحقیقاً اگر این تعنت را به جای ایجاد و کثیر آن تعنت در چنین شرایطی استحقاق عذاب سنگین دارد. امام هم مثل همه مأله، تحت تأثیر حضور جلب مردم در صحنه بودند. انصافاً مردم ماء همانظر که امام از مردمند، منگن تمام گذاشتند و این برای ما تعقی است اگر شرایط همای این مردم و در حد استحقاق این مردم درست بد آنها خدمت کنیم. حضوری که مردم در روز جهانی قدس و ۱۵ خرداد بدون تبلیغات و بدون تکلیف، خردشان با شعور خودشان، در صحنه داشتند برای دوستان و دشمنان، برای عمه درس و عبرت است. بهترین قدردانی از نعمت رهبری و این مردم این است که ما نماینده‌ها در درجه اول و مسئولان اجرایی و قضائی در درجه بعد به همین بیاناتی که امام فرمودند، عمل کیم" رجوع کنید کتاب "هاسُنی رفسنجانی، نقطه‌های پیش از دستور مال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفتر نشر معارف اقلایی، ۱۴۸۷

【آقای محمد باقر بهرامی】 نماینده اسد آباد آمد. توضیع بمباران مرکز مخابرات اسد آباد را داد و سامحه ماموران پدافتاد را گفت. ساعت ده و نیم به دفترم آمد. فرماندهان نیروهای دریایی و هوایی و وزیر نفت آمدند. درباره حفاظت از کشتی‌های نفتی در خلیج فارس تصمیم‌گیری کردیم. قرار شد تلافی را که دو سه هفته است متوقف کرده‌ایم، انجام دهیم.

آقای نخست وزیر تلفنی خواست که موافقت کنم ده میلیون دلار از محل جنگ، صرف خرید دستگاه‌های مخابراتی برای تامین مخابرات در صورت از کار افتادن [مرکز مخابراتی] اسد آباد شود. ظهر اخوی محمد [رئیس سازمان صدا و سیما] آمد. درباره تحويل امکانات ماهواره‌ای تلویزیون به شرکت مخابرات صحبت کرد. ظاهراً انهدام زیاد نیست، از نماینده اسد آباد پرسیدیم. گفت می‌توانند کاملاً اسد آباد را راه بیندازند. قرار شد تحقیق بیشتری شود. ظهر مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی داشتیم. به سوالات آنها درباره جنگ و مجلس و... جواب دادم.^۱ عصر آقای عظیمی عضو دفترم که در جبهه است، آمد. مدعی است از دانشجویان

۱- در این مصاحبه مطیع‌عائی و رادیو تلویزیونی با خبرنگاران خارجی، آقای هاشمی به سوالات آیان در رابطه با مسائل مختلف و سیاستهای داخلی و خارجی پاسخ داد. ایشان در پاسخ خبرنگاری که بر سیمۀ علیرغم اینکه مطلع نمی‌شوند جنگ بر جمهوری ایران تحسیل شده و با توجه به اینکه تمام امکانات برای یک حمله نهایی جهت پایان بخشنیدن به جنگ در پیش است، آیا این حرکت گشوهای عربی را علیه ایران تحریک نمی‌کند، گفت: «اما نمی‌دانیم گشوهای عربی چه مقدار تا به حال وارد گوشت شده‌اند و می‌توانند وارد شوند. میکن است تحریکشان بکشد و بعضی هایشان را هم نایحه کنند اما آنها کار زیادی نمی‌توانند انجام دهند. تا آنجا که می‌دانیم گشوهای عربی که با عراق موافق بوده‌اند تا به حال اقداماتی به تفعیل عراق گردد و همین مقداری هم که کرده‌اند پیشیان هستند، چون سودی تغواصه‌برد و ما بعد می‌دانیم از این مقدار که تا به حال اینها جلو آمده‌اند، پیش از آن کنند. بلکه اگر از عقاومت عراق مأمور شوند شاید پیش به طرف ما پیاده و راعیت‌ها را پیدا نمایند. از طرفی یک سوء‌ظنی ممکن است این داشته باشد که ما بعد از سقوط حرب عث در عراق، در مسائل داخلی دخالت کنیم ولی وقی که عملی دیده‌اند دخالت نمی‌کنیم و کار عراق را به مردمش و اگذار می‌کنیم، عراق به صورت یک گشوه عربی مستقل خواهد ماند و ما به استقلال عراق کمک می‌کنیم، طبعاً گشوهای عربی هم از عراضی می‌شوند. این شاید باور نکنند و بعد عملی می‌پیماید ما چگونه رفاقت خواهیم کرد. شاید با ما همکاری کنند و ما از آن جهت بگزافی نداریم.» آقای هاشمی در پاسخ یکی دیگر از خبرنگاران در مورد حمایت دولت ایران از ماریزین فلسطینی و حرکت‌های اسلامی به وزیر حزب شعبان لسان و درگیری اخیر گفت: «ما از این درگیری‌های فلسطینی‌ها و اهل زاراضی و مختلف هستیم و گروهی را فرموده‌ایم برای ایشان آن برای رفع اصلاح کنند و این عذر نیست که طبعین هند در حد از عار حرف شوی داشته باشند. فلسطینی‌ها مخصوصاً جناح اکثریت یعنی سازمان‌آزادی‌بخش به خاطر همراهی با مصروف‌اردن و یا به خاطر دوستی که با بعداد دارد، روابط گردنی را ماند اشتبه‌داشته‌اند آنها از ما حرف شنی تدارک و گروه اهل این عذر نیست که کاملاً از ما حرف شنی داشته باشند و اگر منتظر حرب الله در لبنان است، آنها از عار حرف شنی دارند و در این ماجرا دخالت نمی‌کنند و مخالفت با این حکم‌های داخلی هستند و اگر چیزی به آنها بگوییم از ما می‌پیدیند. و اما گروه اهل چنین پدربخشی ندارد، گاهی فیول عی کند گاهی هم نمی‌پیدند. یکی دو بار تا به حال ما دخالت کرده و جنگ را خاتمه داده‌ایم، این بار هم سعی می‌کنیم تا انشاء الله جنگ را خاتمه دهیم. ولی آنچه اشنهانگری‌هایی هستند که شاید به قبورت جاسوس با عروامل دستهای خارجی متأسفانه این فتنه را همیشه راه می‌اندازند». ایشان در عورده پیوست روایت جمهوری اسلامی ایران با غرب به وزیر فرمانده و آمریکا گفت: «ما هیچ وقت مصمم نبودیم که با عرب قطع رابطه کنیم. با ادله زیادی ما ترجیح می‌دهیم که روابطیان را داشته باشیم و نیز آنچه که نمی‌خواهیم سلطه عرب است. در زیم گذشته عرب در ایران سلطه داشت و آمریکا در امور داخلی دخالت می‌کرد و استقلال ما محدود شد (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

خوب استفاده نمی شود. به آقای رضایی تذکر دادم.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. بحث بر سر جذب استاد و دانشمندان بود. قرار شد دفتری وابسته به شورا در داخل و خارج برای این منظور تشکیل شود. [آقای سید کاظم اکرمی] وزیر آمورش و پژوهش از اظهارات امام جا خورد و تسلیم شده است. با آقای رئیس جمهور درباره جنگ مذاکره کردم.

شب به مجلس آمدم و ماندم. آقای ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] اطلاع داد هوایپمای عکس برداریمان، احتمالاً سقوط کرده است. فقط یک دوربین داشتیم که هوایپماها برای عکس برداری از آن استفاده می کنند.

چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ June ۱۹۸۶

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم صبح کارهای دفترم را انجام دادم. فقط تا قراحت قرآن در جلسه علنی ماندم. با تأخیر، جلسه شروع شد. برای افتتاح سمینار بانکداری اسلامی به هتل آزادی رفم. نیم ساعتی

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

بود. ماهی خواجه روابط حسن و دوستانه باشد و ناشی می کنیم که روابط بهتری برقرار کنیم که البته عربیها معمولاً به روابط مساوی و طرفی قائم نیستند و تقابل دارند که رورو بگریند و اتفاقاً سیاست را تحمیل کنند و اگر دستیار باشند مخصوصاً آمریکا در روابط اقتصادی استفاده های بیشتری می برند. در مرور فراسته ناید بگیریم که روابط عراصه خلیلی با ما تبره بود و تغیری در جنگ شریک عراق بوده و هنوز هم خلیل پیشرفت نکرده و مرکز خدای انقلاب بوده و تزویج استهاده در آنجا به نام پیغمبر اسلامی حیث شده اند و عالمیت می کنند و این برخلاف روابط خلیل پیشرفت نکرده اند و مرکز خدای انقلاب بوده و تغیری در جنگ شریک عراق بوده و هنوز هم آمریکا دارای اخیراً دارد بینهود پیدا می کند و تی هنوز اول کار است و خلیل پیشرفت نکرده اند. در مرور آمریکا نیز باید بگوییم که آمریکا در گذشته خلیل در کشور ما دادکرده است. این از اتفاقات مستول بسیاری از جایات زیب گذشته بوده و بعد از انقلاب هم به جای اینکه عذرخواهی کند و گذشته را اصلاح کند بعد از آن که احساس کرد در ایران دیگر نظره استعمالی نمایند، شناوری داده که شاه را برداشت و در آمریکا پنهان داد و بنا داشتند فعالیت‌شان را شنیدند که ما هم شدیداً برخورد کردیم و آنها پیشقدم شدند و روابط اینها با ما تقطع کردند و اموال همارا در آنجا بایکوت نموده و نوطه وسیعی علیه مأکرددند. ما معنقدیم که در جنگ هم دست آمریکا رجود دارد و کشورهایی مثل مصر، عربستان سعودی و کویت که تقریباً به تحریک عامل آمریکا در منطقه هستند در این جنگ نه مقدار کمک می کنند. ما از هم گفتنیم اگر آمریکا دست از شیطنت بردارد و قاعده شود که هیل بک کشور عاقل دنال روابط صحیح باشد بعد از اینکه این را اثبات کند ما این را آمریکا سوءظن داریم ولی اگر اثبات کند که واقعاً دیگر خواهان شرارت و شیطنت نیست، آن موقع ما می توانیم با آمریکا روابط داشته باشیم. ولی با شیطنت هایی که می کنند بعد از نظر می رسد به زودی یکه چین روزی پیش بیاید. اینسان در پاسخ به متول یکی دیگر از خبرنگاران در مرد خانم دادن به وقوعیت جنگ تحلیلی عراق علیه کشورمان از طبق مذاکره گفت: "ما مذاکره را مشروط به این کرده ایم که بینهود عراق هنجاور بوده و متول جنگ است. مذاکره بر این اساس باشد که چه کمتری برای هنجاور باید در نظر بگیریم یعنی مذاکره سر هیچ چیزی را در این جویان ما بتوک نمی کنیم حرکت هنجاور. کل اینها همه در شرایطی است که بدینفعه شود عراق هنجاور بوده و جنگ را شروع کرده است." رجوع کنید

سخنرانی در سمینار بانکداری اسلامی

صحبت کردم.^۱ به مجلس برگشتم.

ظهور آقای [عبدالعلی] قبری نماینده [قائم شهر] آمد. از نحوه برخورد کردن سپاه حوزه خود گله داشت و کمک مالی برای خانواده شهید گرفت. آقای [سیدحسین] موسویان آمد. درباره مزایای آقای قیصر توضیح داد که در حکم سابق اشتباه رخ داده است. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. آقای کنگرلو آمد. گزارش ادامه برخورد با آمریکایی‌ها در خصوص گروگانهای لبنان را داد. شب با سران دیگر قوا مهمان احمد آقا بودیم. گروه دکترهای معالج امام آمدند و متفرق بودند بهتر است برای آنژیوگرافی و احتمالاً عمل قلب از خارج دکتر بیاوریم. امام در جلسه ما شرکت کردند. با ایشان در میان گذاشتیم. با آمدن دکتر مخالف نبودند ولی ابتدا با عمل قلب مخالف بودند. با توضیحاتی که داده شد قبول کردند. قرار شد پزشکی توسط بنیاد شهید دعوت شود. درباره اصرار آمریکا به تجدید رابطه با ایران مذاکره کردیم. مخالف و موافق صحبت کردند. به نتیجه نرسیدیم، بنا شد در جلسات بعد بحث و قیلباً با حضرت امام مذاکره شود. درباره گرانی و کمبود اجناس به خاطر کسری ارز مذاکره شد. قرار شد قانونی مبنی بر قیمت‌گذاری کالاهای کیفری گرانفروشان و محترکان وضع شود. دیر وقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | June ۱۹۸۶

ساعت شش و نیم صبح به مجلس آمدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم، تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی شرکت داشتم. سپس تا ظهر کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. آقایان [حسن] رفیق‌دوست و [حسن] روحانی و [حسین] محلوجی و [محمدعلی] هادی آمدند. وضع کارخانه‌های دفاع شیمیائی ارتش و سپاه بررسی شد. قرار شد سپاه هم مرکز خود را به محل ارتش منتقل کند. کارهای ناقص است.

عصر اعصابی دفتر پیگیری [و رسیدگی به شکایات] نخست وزیری آمدند و گزارش کار را دادند. برای آنها صحبت کردم.^۲ آقای محمد جواد ایروانی [وزیر دارایی] آمد و درباره وضع

۱- ذر بخشی از این سخنرانی آمده است: "اسلامی گردن بانکداری در ایران، از مهمترین اقدامات نظام اسلامی است و ها حاضریم تمام بیای لازم را برای انجام کامل بانکداری اسلامی در گشتو ببرداریم، چون معتقدیم تنها اسلام است که می‌تواند مشکلات جوامع را حل کند." رجوع کنید

← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم"، دفتر نشر معارف اقلیم، ۱۳۸۷

۲- در این دیدار که اعضای دفتر ویژه رسیدگی به شکایات در نخست وزیری و نمایندگان نخست وزیر در وزارت‌خانه‌ها و ادارات تابعه حضور

اقتصادی گزارش‌هایی داد. شورای عالی دفاع جلسه داشت. درباره پدافند و تقسیم بودجه جنگ ارتش و سپاه بحث شد.

جمعه ۲۳ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | شوال ۱۵ June ۱۹۸۶

تا ساعت ده‌تیم صبح در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه دوم درباره توضیح بیانات امام بود.^۱ عصر احمد آقا آمد. گفت بحث مذاکرات با آمریکایی‌ها را امام طرح کرده امام فرموده‌اند تاکنون ضرری تداشته و لی باید خیلی مواضع بود که آنها کلاه بر سرمان نگذارند. آنها تجربه در شیطنت دارند.

عفت و بچه‌ها برای مراسم عزاداری دایی شان رفتند. اخوی محمد هم آمد و درباره کیفیت پخش اخبار جنگ و اظهارات فرماندهان نظامی مشورت کرد.

(ادامه پاره‌رقی از صفحه قبل)

داشتند، آقای هاشمی گفت: "از بارت برادرانی که با غلاش خود برای رفع مشکلات مردم کار نیکنند، حوصله، آثار حضور این دفتر را در گزارش‌هایی که ماهانه منتشر می‌کنند مطالعه می‌کنم و با برخوردنا تا حدودی آشنا هستم. این طور به نظر من درست که کار شما کار معبدی است و ان شاء الله آن را پیگیری کنید و خسته نشوید. انصافاً اگر در رابطه با رفع مشکلات پیگیری شود، اثر عمومی زیادی خواهد داشت. در جامعه ما به خاطر وین‌گهایی که انقلاب ایجاد کرده نهادهایی به حاضر ضرور نباید از این انقلاب جوشیده و این رسیدگی به شکایات و مشکلات مردم یا نیز ایجاد می‌کند. به خاطر آنکه انقلاب ماسکانی مردمی است و مردم آن را از خودشان می‌دانند و خود را بعض خانواره اندانه اتفاقات به حساب می‌آورند. گاه مدعی خود و گاه مداعی انقلاب ایجاد می‌کند که از بعضی تراقص شکایت کنند. من و فنی نامه‌های رسیده را مطالعه می‌کنم در جامعه شکایت می‌کند و این نشان می‌دهد که آنها حاضر نیستند و نیست به مسائل جامعه بی تفاوت باشد. اگر بی تفاوت بودند این فدر مراجعت و شکایات از سوی مردم صورت نمی‌گرفت، خاصیت دوم که باعث شده این وضع به وجود باید، این است که به هر حال وضع اداری کشور دارای غرائی است و افرادی مستند که به این انقلاب علاقه‌مند نیستند و در عین حال مستولیهای دارند که البته تعدادشان زیاد بیست، در ادارات افراد زیادی هستند که زحمت می‌کنند و با اخلاص کار می‌کنند و وجود همین افراد حداقت هم، مصر است." رجوع کنید →

کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۱ - در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی، با عرضهات و ضعیت خانواره از لحاظ علمی، دینی و تجزیی، وظایف علیمین در حفظ شهاد خانواره، اهمیت احترام نسبت به مادر و سیاست جمهوری اسلامی نسبت به مسئله کارکردن نایران در ادارات دنیا شد. در خطبه دوم درباره خدمات جهاد سازندگی، نقش جهاد سازندگی در جبهه‌های جنگ، اهمیت حضور گسترده مردم در جبهه‌ها، لزوم پرهیز از تفرقه اتفکنی و توجه به تضایع امام برای وحدت نیروهای انقلاب، هزعت اگرانفوشان و محکمان، ترسیمه دانشگاه آزاد اسلامی و لزوم پاری رسانی مردم در ایجاد و توسعه مدارس و دانشگاه‌ها مطالی بیان شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "الآن می‌تبینید که امام کم حریق می‌زند امام شاید به این نتیجه رسیده‌اند که کمتر در کارها حضور پیدا کند که ماها رشد بکیم و جامعه ما همیشه منکری به این شکل نباشد که اگر بک و قتی خدای تکرده در آینده‌ای دور امام حضور نداشته باشند، ضرر به بخوبیم. ایکه گاهی الان حریق می‌زند و مسئله‌ای را می‌گویند این شاید اهمیت نقضیه است". رجوع کنید → کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه مال ۱۳۶۵، جلد دهم"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

جلسه نمایندگان و دولت ۲۲ خرداد

شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ June ۱۹۸۶

آقای [شیخ حسن] صانعی [رئیس بنیاد پائزده خرداد] آمد. برای گرفتن سهم چهار درصد کالا برای بنیاد پائزده خرداد که به خانواده‌های شهدا می‌دهد، استمداد کرد و برای کارخانه سیمان که بخشی از آن برای بنیاد مصادره شده، ارز خواست.

آقای [محسن] کنگرلو تلفنی گفت آمریکایی‌ها خواسته‌اند که برای مذاکره درباره گروگانهای لبنان دوباره به ایران بیایند. گفتم موافقت نداریم که بیایند. مذاکره دیگر لازم نیست. اگر قطعات هاک را بفرستند، برای نجات آنها اقدام می‌کنیم.

جانشین فرمانده نیروی زمینی و جمعی از فرماندهان نیرو و آمدن، از نحوه عمل دادگاه رسیدگی به تخلفات جنگی و برخوردهای سپاه شاکی بودند.

عصر آقای [غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] آمد و برای موضع ما در جلسه اوپک مشورت کرد. قرار شد اگر بتوانند قبل از جلسه از صادر کنندگان نفت مبنی بر آمادگی کاهش تولید امضا بگیرند. ادعا داشت که وضع کارها رو به بهبودی است. قرار شد در پندر جاسک هم برای کم کردن آسیب پذیری مرکز صدور نفت، شبیه جزیره سیری درست شود.

عصر خانم عیاسی از اعضای حزب [جمهوری اسلامی] آمد. از ابهامات و سیوالاتی که در جامعه درباره اختلافات دو جناح در جامعه [روحانیت مبارز تهران] و حزب [جمهوری اسلامی] و از بروز فساد اخلاق در مدارس دخترانه گفت.

یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ June ۱۹۸۶

تام ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. در جلسه رسمی مجلس، انتخابات هیأت رئیسه انجام شد. من با ۱۷۹ رأی موافق و ۲۲ مخالف و ۲۴ ممتنع به ریاست انتخاب شدم. آقای کروپی نایب رئیس اول شد. آقای بزرگی هم از نیابت اول به نیابت دوم تنزل کرد که باعث ناراحتی هم گراش‌های ایشان شد.^۱

۱ - رادیو اسرائیل در واکنش به آرای ریاست مجلس چنین گفت: «در رایله رای انتخاب مجلد هاشمی وفسیجانی به ریاست مجلس شورای اسلامی (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

عکس احمد متولیان

پیش از ظهر آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. گزارش وضع لبنان را داد و آقای دشتی که همراه او برای ترتیب آزادی گروگانهای فرانسوی، به لبنان رفته بود، مشکلات کار را گفت و قرار شد تلاش کند که دو نفر از چهار نفر خبرنگار فرانسوی که اخیراً ربوده شده‌اند، آزاد شوند و از فرانسه پ Xiaoahim که تعهد نماید که برای نجات چهار نفر ربوده شده‌ما - آقایان [سید محسن] موسوی و [احمد] متولیان و... که دو سال پیش توسط فالازهای ربوده شدند - اقدام کنند! گفته می‌شود شهید شده‌اند. به آقای معیری گفتم به کاردار فرانسه اطلاع دهد.

ظهر جمعی از نمایندگان که برای رسیدگی به جبهه رفته بودند، آمدند و از وضع ارتش و سپاه و

(ادامه پارویی از صفحه قبل)

برخی خبرنگارها اظهار نظر کردند که وی تعدادی از طرفداران خود را در مجلس از دست داده است. روزنامه‌های تهران امروز نوشتند هاشمی رفسنجانی با ۱۷۹ رأی موافق در مقابل ۲۲ رأی مخالف و ۲۴ رأی ممتنع انتخاب شد. خبرنگاری رویترز در این رابطه بادآوری کرد که در انتخابات سال گذشته هاشمی رفسنجانی با ۴۰ رأی موافق در مقابل ۷ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع با این سمت برگزیده شده بود. در انتخابات دیروز سمت‌های حجت‌الاسلام مهدی کروی و حجت‌الاسلام محمد بزرگی با یکدیگر غرفی شد. حجت‌الاسلام کروی سریع‌منته نمایندگه فلان دو همی‌نایب رئیس مجلس بود با ۳۹ رأی موافق به عنوان نایب رئیس اول برگزیده شد و حجت‌الاسلام محمد بزرگی نایب‌نامه قدم با ۱۳۲ رأی موافق به سمت نایب رئیس دوم تعیین گردید.

۱- احمد متولیان کاردار سفارت ایران در بیروت به همراه تئی رستگار مقدم، سید محسن هوسی و کاظم احوال چهار ایرانی بودند که در ۱۴ تیر ۱۳۶۹ به دست فالازهای لبنان ربوده شدند و تاکنون خبر موتختی از زنده بودن باشهادت آنها به دست نیافرده است.

سخنرانی در جمع جهادگران برای جبهه چلوری مجلس

جنگ نکاتی آوردن. عصر جمعی از دانشگاهیان که برای جنگ کار می‌کنند، همراه با گردان ویژه غواص و صف شکن بالشکر ثارالله از استان کرمان آمدند، برای آنها صحبت کردم.^۱

به احمد آقا گفتم که ملاقات امام را برایشان ترتیب بدهد؛ به بعد موکول شد. جمعی از نمایندگان مشخص مجلس که درباره جنگ در جلساتشان بحث می‌کنند، آمدند. دو سه ساعت مذاکره کردیم. درباره اهداف جنگ، استراتژی سیاسی، نظامی و تاکتیک، امکانات، مشکلات، نیرو و بودجه و آینده عراق بحث شد؛ مفید بود. شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره گروگان‌ها، کترول قیمت‌ها و توزیع مذاکره شد.

۱۶ June ۱۹۸۶

دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال

به خاطر وضع جنگ و شهادت‌ها و مشکلات مردم نشاط تدارم. پیش از ظهر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. برای تأسیس صندوق فرض‌الحسنه بنیاد تاریخ و محافظه مرحومش استعداد کرد و برای بنیاد ماشین خواست و خبر داد که شرکت زیاد مردم در مراسم روز قدس در آلمان را دیده که نشان وضع خوب طرفداران انقلاب در خارج و حرکت فهقرائی ضدانقلاب است.

ظهر پچه‌ها مهمان بودند و من تنها خودم کتاب درست کردم. عصر آقای [محمد حسن] زورق معاون سیاسی صدا و سیما آمد. درباره استغفاء از این سمت به خاطر خستگی و رسیدن به وضع خانواده مشورت نمود و وضع سازمان را توضیح داد. آقای رحمانی را برای اطلاع از پرونده آقای سماواتیان فرستادم. او به خاطر معرفی کردن افراد ضدانقلاب، خودش در اثر گزارش متقابل به زحمت افتاده است.

۱- در یختنی از این سخنرانی آمده است: «حالا در گمر قهرمانان ما، رسمت و استعنیار، تهیمن و امثال آنها نیستند. قهرمانان ما، جوانانی هستند که با یک تعزیز، خطوطی را که شبه خطوط اعزامیه (بازاری) هستند، تکشته‌اند. اینها شعر و افسانه و داستانهایی که قهرمان می‌سازد تیست، بلکه واقعیت است و به چشم دیده شده است که چطرور در مقابل فربه، تانک، ایزار و اسلحه‌های دقیق و نیز هراپساهای پیشرفت‌ده سمت انکن و همه مسامبلی که قدرت دفاعی داشمن را دهها برای پیشتر از گذشته کرده است، ایستاند و دشمن را در پشت این خطوط مستحکم، به اسارت گرفتند. ما از این قهرمانی‌ها و ایثار این قهرمانان عاجز هستیم. شما این مونقیث را افلک ندانید. این فر Hatch در تاریخ اسلام برای دیگران پیش نیامده است. این فر Hatch را شما از خدا گرفتید و شما آن را خلق کردید. هیچگوئی غیر از خداوند و اولیای دین و مجاهدینهای خود شما بر شما حق ندارند و این انقلاب متعلق به شما است و شما صاحبان آن هستید و انشاء الله، آثار تلاش شما در آینده بروز خواهد کرد و نسادها از این طریق از بین خواهد رفت و شما مستعدی توانی‌های الهی در اصلاح مسیر تاریخ هستید». و جمع کنید → کتاب «هاسُمی رفسنجانی، سخنرانی‌های حال ۱۳۶۵، جلد ششم»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

نخست وزیر با نگرانی از احتمال حمله عراق به جزیره سیری خبر داد. به دو نفر فرانسوی که آنجا کار می‌کنند، اطلاع داده شده که جزیره را ترک کنند. شب پستگان مهمان بودند. از وضع مشهد و رفسنجان و کثربت تلمبه‌ها و مزارع جدید بعد از انقلاب تعریف کردند.

سه شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | June 1986

صیح زود به مجلس آمد. در جلسه علنی، مراسم تحلیف برای هیأت رئیسه جدید انجام شد. در تنفس آقای دکتر روحانی آمد. درباره جنگ مذاکره کردیم و همین طور در مورد سفر ایشان به خارج. آقامحمدی آمد از اختلاف نظرش با مسئولان اردوگاههای رمضان درباره کیفیت به کار گرفتن کردهای عراقی علیه صدام گفت. قرار شد آنها را برای مذاکره به تهران دعوت کنند.

ظهور برای گردانهای انصار جهاد که برای مهندسی رزمی تشکیل شده و مقابل مجلس آمده بودند، صحبت کردم.^۱ عصر برای مسئولان اردوگاههای اسرای عراقی که به مجلس آمده بودند، سخنرانی کردم.^۲ دو هدیه از کاردستی اسرا آورده بودند.

دکتر ولایتی آمد و در مورد سفر به کشورهای چکسلواکی، کوبا و نیکاراگوئه مشورت کرد. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد. گزارش سفر به سوریه و لبنان را داد. در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کرد. درباره شرایط دانشجویان برای ورود به دانشگاهها بحث شد.

۱ - در یخشی از این سخنرانی آمده است: «کسی نگر تی کرد جهاد سازندگی زمانی دارای این همه برکت باشد. پیش از آنکه مسئولین جنگ اعلام پسیح عمومی کنند، جهاد به فکر افجاد که نظام جدیدی به مهندسی رزمی بدهد که امروز به صورت گردانهای انصار تبلور یافته است و در شرایطی که اوضاع و عوامل جهانی و داخلی و جنگی اوضاعی کرده که در کار جنگ جهانی صورت بگیرد و از لحاظ تجهیز امکانات مردمی و دولتی تمام بزرگ و بسیارهای برداشتم، شما جهادگران این آمادگی را پیشایش از خود نشان دادید». رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷.

۲ - در این دیدار که مسئولان اردوگاههای اسرای عراقی به اتفاق آقای محمد علی نظران دیر شرایح خانی دفاع و سرپرست کمیسیون اداره اسرای عراق حضیر داشتند، آقای هاشمی از لزوم ترویج سرآذموزی و آموزخانه فنون مختلف به اسرا تأکید و از مسئولان خواست: تا وقت آنها را با امکانات ورزشی، هنری و مطالعه کتاب که بسیار مؤثر است، پر گردند. ایشان ضمن تأکید بر اشتغال اسرا و پرداخت دستمزد به آنها گفت: «به اسرا اجازه دهید در صورت نسبی محل زندگیشان را وسعت دهند و به کارهای عربانی و درختکاری در اطراف محل اقامتش خود بپردازند. اسرای عراقی نوعاً انسان‌هایی هستند که می‌توانند در آینده عراقی نقش فرودمندی داشته باشند». رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷.

شب شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت، درباره کیفیت برخورد با روحانیون ضد انقلاب بحث شد و آیت الله خامنه‌ای جریان احضار بعضی از علماء و وزارت اطلاعات را گفتند که در مسجد آنها علیه انقلاب فعالیت می‌شود.

چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۰ شوال ۱۹۸۶ June ۱۸

ساعت هشت صبح به مجلس رسیدم، تا ساعت نه گزارش‌ها را خواندم. از آقای [محسن] دعاگو احوالپرسی کردم، مبتلا به سرطان شده و ماهها در لندن معالجه کرده، گفت خطر رفع شده است. مدیران سازمان اقتصاد اسلامی آمدند. برای کنترل صندوقهای قرض‌الحسنه و تسهیلات صادرات کمک خواستند.^۱ آقای میرعماد دادستان تهران آمده بود و به خاطر اقدام به تحقیق بدته ایشان توسط محافظان قهر کرده و برگشته است. همسران آقایان بوشهری، تندگویان و یحیوی - که در عراق اسیر ند - برای استمداد در آزاد سازی آنها آمدند و گزارش فعالیتهاشان را دادند.

[دکتر محمد فرهادی] وزیر علوم و اعضای ستاد هماهنگ کننده فعالیتها و امکانات دانشگاهها برای جنگ آمدند. گزارش کار دادند و بودجه خواستند و تسهیلات برای دانشجویان جبهه رفته را گفتند. آقای [محمد] فروغی نماینده دوره سابق [مسجد سلیمان] آمد و از وضع کردستان گفت. آقای [برزو] مهبدی نماینده کازرون آمد. درباره کیفیت برخورد با دو خط فکری در کازرون مشورت کرد.

عصر هیأت رئیسه جلسه داشت. کارها را با اعضای جدید تنظیم کردیم. آقای کنگرلو آمد و خبر داد آمریکایی‌ها همچنان اصرار دارند، برای حل مسأله گروگانها به تهران بیایند. گفتم اجتناس را بفرستند و نیازی به آمدن آنها نیست. اطلاع دادند که عراق به چندین مرکز تأسیسات نفتی حمله کرده و خسارات زیادی وارد آورده و یک یا دو هوایی‌ها عراق ساقط شده؛ ممکن است ادعای کند به تلافی انفجارهای دیروز در پالایشگاه کویت اقدام کرده است.

شب سران قوا مهمان من بودند. درباره جنگ ارتش و سپاه بحث شد. آقای خامنه‌ای انتقادات

۱ - در این ملاقات این‌گزارشی از عالمت صدوفهای قرض‌الحسنه در رفع مشکلات مردم ارائه شد، میں آقای هاشمی از علاشهای مستولین سازمان اقتصاد اسلامی اقدمنی کردم و گفت: "تلاطف کنید که خدمات خود را به خصوصی در جهت رفاه فلز مستضعف توسعه دهید و از امکانات خود در جهت پیشرفت امر کشاورزی و دامداری و تولید و کسانی که در این زمینه‌ها قدم بر می‌دارند، استفاده کنید."

آقای منتظری را نقل کرد. قرار شد آقای [موسوی] اردبیلی به نماز جمعه بروند؛ مدتی است که نمی‌روند.

پنجشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ شوال ۱۹ June ۱۹۸۶

پس از نماز تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی خیلی کم ماندم. با آقایان [اسدالله] بیات و [عبدالرضا] اسدی نیا و اسماعیل فدائی، برای رفع کدورت ناشی از اظهارات آقای بیات در شورای سپرستی که توسط آقای اسدی نیابه مجلس منتقل شده، صحبت کردم، ولی نتیجه‌ای نگرفتم؛ به نظرم رسید که می‌خواهند از این پیشامد، برای اهداف سیاسی بهره بگیرند.

نماينده خلخال آمد و کمک‌های مردم خلخال برای جبهه را آورد. [ناخدا محمد حسین ملک‌زادگان] فرمانده نیروی دریایی [ارتش] آمد. گزارش حفاظت از نتفکش‌ها را داد و راجع به حفاظت از جزیره سیری و انتقال مراکز صدور نفت آن به جاسک صحبت کردیم. ظهر خانم [مریم] بهروزی آمد. راجع به مشکل خانمهای بی سپرست، ازدواج مجدد و موقت برای حل مشکل آنها بحث کرد. آقای [اکبر] حمیدزاده آمد و راجع به اختلافات دو خط [سیاسی] و روزنامه رسالت و کلیمیان مطالبی داشت.

عصر هیأت‌های گزینش آمدند. برای آنها سخنرانی کردم^۱. اعضای هیأت امنی بنياد رسالت آمدند. آقای [احمد] آذری [قمی] شرحی درباره علت تأسیس بنياد و روزنامه رسالت داد و برای رفع

۱ - در این دیدار که اعضا هیأت عالی گزینش و شرکت کنندگان در سینما سوارسی گریلس آموزش و پرورش حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: «گزینش نهادی است که بر مناسی قدرورت ایجاد گردید و تراویط ارزشها و معتبرهای اقلاب اسلامی ایجاب می‌کرد که همه چیز تغییر گند و ارزشهای جدیدی در جامعه براساس حرastهای ملت و مردم مانکه اقلاب گردد بودند به وجود آید و به خاطر همان معتبرهای ضرورت داشت که افراد عرضی شوند و صلاحیت ها را فلکهای برای پذیرش به وجود آید. تحقیقاً اقلاب اسلامی برای تحقق جمی ارزشهای به وجود آمد و برای آن تلاش کرد. لذا برای نه دست آوردن گمارگران آن نیاز به صلاحیت هایی داشت که لازم بود توسط هر اکثری تشخیص داده شود. سازمانی هم که باید تشخیص بدهد و جود نداشت در حالی که ما وارد همه نجاستها و اشکالات نظام گذاشته بودیم. هسته این نهاد گزینش نیز همچون نهادهای دیگر به طور خود جوش به وجود آمد و در سیسی خود دچار سلیمانی های شخصی شد و هر قسمی و جریانی براسامن ملیقه خود عمل کرد. تا آنکه نیاز به دخالت امام احسامی گزید و امام گام اصلاحی را برداشتد. الله ناز هم باید برای بهتر شدن آمادگی داشت طبیعت نیروهای جوان و کم تجربه این است که هر روز تیار به اصلاح و بهتر شدن دارتند و هیچ عیی هم ندازد که در راه اصراری که پیش گرفته، اشکالات خود را رفع و راه خود را پیدا کنند. ما این راه را مجبوراً می‌بینیم. بسیاری از برخوردها مشخص شده و شیوه‌های تشخیص خیلی آبرومند گردیده و زو نه اصلاح پیش می‌رود». رجوع کنید کتاب «هاشمی رفسنجانی» سخنرانی های سال ۱۳۶۵، ۱۳۸۷

مشکلات مالی و فشار سیاسی که روی آنها است، استمداد کرد. من هم با قبول ضرورت ارجانی برای بیان فکر خط آنها، توصیه کردم که برای پاک کردن پیش داوری‌ها، شکل مسائل اختلافی و تشنج را را مطرح نکنند؛ مواضع باشند یکنواخت در تضعیف دولت کار نکنند. منصفانه برخورد کنند. از موضع شان در خصوص پرونده انفجار نخت وزیری، مدرسه چیت‌چیان و پخش نامه ۶۳ نفر نماینده که مخالفت با امام تلقی شده - انتقاد کردم.

آقای محسن رضایی آمد. گزارش وضع جبهه‌ها، عملیات آینده، بسیج امکانات برای جنگ نیروی زمینی و... مذاکره شد. آقای بروجردی و بیت‌الله و مصطفی‌زاده آمدند. راجع به اختراعی گفتند که نقش ردارهای دشمن را ضعیف می‌کنند. به فرمانده نیروی دریایی گفتم برای آزمایش آن با آنها همکاری شود.

آقای ایروانی نماینده آیت‌الله منتظری در غنا آمد. از زمینه‌های مناسب تبلیغ اسلام در آفریقا گفت. ایشان را به آقای [محمد] خاتمی [وزیر ارشاد اسلامی] معرفی کرد. آقازاده وزیر نفت آمد و

۱- در این دیدار ابتدا آقای آذری قصی پیرامون بحث مدیریت و کار روزنامه سخنای بیان کرد. سپس آقای هاشمی با اشاره به درستی و همکاری قدیمی خود مذکور اندکاران بیان و روزنامه رسالت، فلسفه تأسیس روزنامه را صحیح دانست و گفت: "به حال این جریان فکری وجود دارد و به پایگاه مطبوعاتی و تبلیغاتی پیاره دارد که حرف‌های آنها هم شنیده شود و این نه تنها حق صاحبان این فکر بلکه حق مردم است. و این اصل اسلام را ماید در مطابع انسان مراحت کنیم. بنابراین تأسیس روزنامه با توجه به اینکه ماین اصول را قبول دارم، کاملاً منطقی است. درون جامعه اسلامی اختلاف نظر وجود دارد و اختلاف نظر هم قابل اجتناب است. اصلًا در تاریخ سراغ نداریم که اختلاف نباشد. حتی در زمان پیامبر (ص) و ائمه (ع) با آنکه آنان داوران بزرگی برای فرمود پردازند، اختلاف وجود داشت که شاید از نعمت‌های الهی باشد. اکنون یک پیشداوری در جامعه وجود دارد. اگر این پیشداوری در همه افراد نباشد، در خیلی‌ها است. این واقعی است. یک تقسیم‌بندی شده است از همان روزها که همین روزنامه همزار آغاز به کار نکرده بود و پس شماره‌های آن منتشر می‌شد و پیش از آن وقی خبر انشمار آپیش شده بود، یک پیشداوری وجود داشت و تعبیراتی می‌کردند که روزنامه متأخر است راستی با طریق امدادگرانی بازمایه داری یا ارتقای این پیشداوری در جامعه ماضی ارزش شاخه شده است. یک چنین پیشداوری وجود دارد. حالا اینکه چه کسی به وجود آورده این پیشداوری است، من کاری ندارم. عوامل ریادی دارد. باید این واقعیت را علاج کنم. از طرفی روزنامه کم روزنامه از اینجا پیدا می‌کند و یا از حوزه به یک تحری فربوط است. آقای آذری قصی عضو جامعه مدربین هستند و اگر هم عضو نبودند، از استوانه‌های روزنامه هستند. از سرایق ایشان همه مطلع هستند و معروف هستند. باید خیلی هر اطاعت پایشید که روزنامه روزنامه ساده‌ای نیست. روزنامه‌ای است که به خیلی جاهای فربوط است. کیهیت طرح مسائل، باید به گویه‌ای باشد که این پیشداوری را تأیید نکند، بلکه این بود. این پیشداوری برای شناخته رحمت زیادی است. شاید هم رادیوهای خارجی کم کم این مسئله را برای تعریف القاء کنند. کم کم آن قدر رادیوهای خارجی عنوان دست راستی با پیشگذاشت را مطرح می‌کنند که این اسامی اصلًا در عبارت مردم رسم شده که این کار مشکل خواهد شد. لما آقایانی که این مطلب را تعظیم می‌کنند، باید سعی کند این مسئله اگر به این عنوان ثابت شود، شما همیشه در کار روزنامه‌تان مشکل خواهید داشت. تا اختلاف‌آل در کنفرانس بالا است. دارید می‌بینید. با اینکه مسئله کمچکی که مطرح می‌شود، این اینکه در این شرایط خوش‌بینی و کنترل خودشان را از دست می‌دهند. پرخاش و اهانت می‌کنند. برداشت‌های همیشه برداشت‌های معارضه است. الان این جو برای ما خیلی ضرر دارد. در این شرایط جنگی که داریم تجملش دشوار است، اگر کسی می‌شم شود به اینکه مسائل تعریف‌انگیز با اینجان ایجاد می‌کند، این کار را دشوار خواهد کرد. من تا به حال تعبیراتی شیلم که نمی‌خواهم بگویم اینها تعبیرات درستی است. بعضی ها تعبیر می‌کنند که این هم سرنوشت هتل "میران" و یا "لالان" می‌شود. باید مواظبه نایبلد که روزنامه به تعریف اکبری و اختلاف آفریقی می‌شود که به تعطیلی آن منجر خواهد شد".

شرحی از خسارات بمباران دیروز مناطق نفتی داد و برای پدافند بیشتر استمداد کرد. آقای رضایی تلفنی از نوعی توب ضدهوایی چینی گفت، قرار شد برای تهیه آن اقدام شود.*

جمعه ۳۰ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰ شوال | ۲۰ June ۱۹۸۶

در منزل بودم. آقای امامی [کاشانی] نماز جمعه را اقامه کرد^۱ از درخت کوچک توت که در حیاط منزل است توت چیدم، خاطره‌های دوران کودکی در نوق زنده شد. اطلاع دادند که دو نفر گروگانهای فرانسه در لبنان آزاد شده‌اند.

آقای نخست وزیر تلفنی گفتند که کاردار فرانسه تماس گرفته و برای مراحل بعد استفسار کرده است. گفتم بهتر است جواب را به بعد از مشورت و برنامه‌بری و ارزیابی آزادی این دونفر موکول کنیم. به واحد موشکی سپاه دستور دادم که مرکز صنعتی کرکوک را بزنند.

امام یک چک حاوی حدود پنج هزار دلار که برای جنگ به نام ایشان توشه بودند، ارسال فرمودند که خرج جنگ کنم.

شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰ شوال | ۲۱ June ۱۹۸۶

در منزل بودم. تا ساعت هشت و نیم صبح در کتابخانه‌ام کار کردم. به سرهنگ [مصطفی] ترابی گفتم به سرهنگ [عباس] بابائی در مورد عملیات برون مرزی تأکید کند. مدتی است دستور جدی برای مقابله به مثل در مورد مراکز صنعتی عراق داده‌ایم، اما غیر از یک مورد، درست انجام نشده است. دلیل آن کمبود هوایپیمات است.

* - روزنامه بومیروی جاپ را در این روز در تحلیلی رفعت جنگ و شرایط ایران را چنین ارزیابی می‌کند: "امروز وضع سیاسی و اقتصادی موجود گشتوان برای ایران نگرانی‌هایی به وجود آورده است. به ویژه باگاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایران و روند جنگ ریان شدیدی وارد شد، اگر قیمت نفت در همین هیئت را باقی بماند، در آمد ارزی ایران حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار خواهد بود یعنی به تعمیف مال گذشته خواهد رسید. به گمان دیلمات‌های عربی، ایران نبی تواند اسلحه بزرگ خود را تهیه کند و تنها با تیروی انسانی خود می‌تواند بچشید".

۱ - در بخشی از این خطبه آمده است: "دولت باید بر فعالیت مردم در تولید، خناداری و امور فرهنگی کنترل و نظارت داشته باشد تا مسیر خلط برخوند".

آقای دعاگو آمد. از کیفیت معالجه‌اش در لندن گفت، سرطان داشته و با شیمی درمانی معالجه شده، راضی است، موهایش در اثر معالجه ریخته است. از نتایج معالجه در مدت اقامت، پیشنهاد جلوگیری از اعظام دانشجو به خارج را داشت که ارز آن را صرف تأمین استاد در داخل کنیم و همچنین در مورد اعظام بیماران به خارج و ایجاد سیستم فاضلاب در شهرها و برگرداندن آب تصفیه شده آنها برای مصارف غیر شرب به منازل و واگذاری شاهراه‌ها به بخش خصوصی مطالبی داشت. در مورد نرقن سرمیولیت ریاست کمیته شمیران مشورت کرد؛ موافقت کرد.

عصر آقای عاصمی بور و جمعی از مسئولان نفت در جنوب آمدند. گزارش خسارات واردہ بر اثر بیماران‌های اخیر عراق را دادند و برای تامین قطعه و پدافند استمداد کردند. از فداکاری‌های کارکنان در بازسازی و حفاظت تأسیسات شرحی دادند.

اعضای شورای سپاه لبنان آمدند. از مشکلات شورای لبنان گفتند و از تازه کاری سفیرمان در سوریه و ضعف او و از ایداع‌های سوریه نسبت به حزب الله و عدم وجود مرجع قوی در تهران برای امور لبنان گله داشتند. حاجیه والده آمدند. از مشهد برگشته‌اند. همشیره فاطمه به علت کالت قلبی بستری شده است.

احمد آقا آمد. راجع به جنگ، اعلامیه‌هایی که اخیراً در حمایت ارتش و علیه سپاه منتشر می‌شوند^۱ و مسئله سید مهدی هاشمی مذاکره شد. آقای [محسن] کنگرلو اطلاع داد که واسط آمریکایی‌ها تماس گرفته و اظهار آمادگی بیشتر، برای توجه به خواسته‌ها در مقابل آزادی گروگانها کرده است.

۱- این اعلامیه‌ها توسط آقای احمد کاشانی نماینده نظر تهیه و یخش می‌شد. وی در پاییز همنین سال در حالی که اعلامیه هستم را تکلیر می‌کرد، توسط وزارت اطلاعات متغیر شد.

حالی

یکشنبه ۱ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۲ June ۱۹۸۶

تا ساعت نه و نیم صبح در جلسه علنی مجلس ماندم. در دفترم آقای [سید حسین] فاضلی زاده هاشمی نماینده مردم فریمان آمد. پولی برای جبهه آورده بودند. در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. تصمیماتی اتخاذ شد.

ظهر اعضا قرارگاه رمضان آمدند. درباره پکارگیری گروههای عراقی علیه صدام بحث شد و فرار شد سختگیری نشود؛ امکانات به آنها بدهیم و عمل بخواهیم. تاکنون سختگیری می‌شده و از آنها کار نمی‌گرفتند.

عصر مدیران گمرکات آمدند و گزارش امکانات جدید را دادند. برای آنها صحبت کردم. جمعی از خلبانان هوانیروز آمدند و از وضع هوانیروز شاکی بودند. سفیر جدیدمان در کره شمالی آمد و مشورت کرد.

آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنتگین] همراه گروهی که اخیراً در ارتباط با انفجار تاخت و وزیری

۱ - در این ملاقات که آقای محمد صافی پور رئیس کل گمرک ایران و مدیران گمرک سراسر کشور حضور داشتند، آقای هاشمی درباره وزیری‌های گمرک مطلوب سلطانی ایجاد کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "یقیناً ما تاکنون با تأثیر در اصلاحات اساسی در امور گمرک گذشتیم. آنچه دروازه‌های مهم گذشتیم ماست و شما دروازه‌هایی بخش عظیمی از مسائل گذشتیم. مالدن کالاهای در گذشتیم است با این نظری به عنوان ضروری برای صادرات کالا تلقی شدند ولی آنها به هر حال گذشتند و ذیالت سرد می‌باشد و در مجموع ضرر نمی‌گذند ولی این ضرر به نحوی منتهی نمود و حتی کارگران گذشتیم می‌شدند که باید همه خسارت آن را از جیب پیردادند و ضرریش به خایوه و بجهه‌های خود آنها می‌رسد". رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، ۱۳۸۷

بازداشت بودند و به دستور امام آزاد شدند، آمدند. از برخوردهای سیاسی و بازجوئی‌ها شاکی بودند. آقای بهزادنبوی نتایج سفر ترکیه را گفت؛ راضی است، شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم.

دوشنبه ۲ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال ۱۹۸۶ June ۲۳

ساعت نه صبح فرماندهان سپاه آمدند. طرح عملیات آینده و برنامه بسیج عمومی برای تشکیل پانصد گردان تا پائیز و هزار گردان تا آخر سال را آوردند. وزارت سپاه برای تدارک این برنامه مبلغ سی میلیارد تومان بودجه می‌خواهد که حدود هشت‌صد میلیون دلار آن اوز است؛ چاره‌ای هم غیر از این نداریم. اگر بخواهیم در جنگ به جایی برسیم چاره، منحصر در همین است.

عصر محمد‌هاشمی و حمید و احمد آمدند. برای صادرات و کشت یک نوع دانه روغنی در سواحل دریا با آب شور مطالبی داشتند. شب آقای محسن رضایی آمد و برنامه جدیدی برای سازمان جنگ و قرارگاه و ستاد آورد. دوباره از فکر عمل مشترک با ارتش منصرف شده‌اند و فکر اداره دو قرارگاه مستقل برای ارتش و سپاه را پذیرفته‌اند. مدتنی به فکر بودند که از طریق قرارگاه خاتم عمل کنند اما وقتی دیدند من اصرار دارم که آقای دکتر روحانی به عنوان رئیس ستاد بماند، طرح را عوض کردند.

فاطی به ملاقات همشیره فاطمه در بیمارستان سعادت آباد رفت. گفت حالشان خوب نیست. تلفنی احوال پرسیدم. اولین شنای تابستانی را امروز انجام دادم، پزشک اصرار دارد که لااقل دوبار در هفته ورزش شنا داشته باشم.^۱

سهشنبه ۳ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال ۱۳۶۵ June ۲۴

به مجلس رفم و در جلسه علنی تا ساعت ده‌نیم صبح ماندم. چون کمتر در جلسه می‌مانم، مراجعات نمایندگان زیاد است. آقای عبدالله نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] آمد و از مصرف

۱ - بعد از حادثه ترور ناموفق آقای هاشمی در تابستان سال ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان، در در مرمنی در ناحیه شکم وجود داشت که تا سالها ادامه داشت. پرشکان برای کاهش درد در ناحیه دیافراگم، شنای مستمر را تجویز کرده بودند

زیاد بودجه در ارتش گفت.

آقایان دکتر هادی و کنگرلو آمدند. راجع به گروگانهای فرانسوی و آمریکایی صحبت شد. به آقای دکتر هادی مأموریت دادم که برای گرفتن نامه رئیس مجلس فرانسه، کاردارشان را پذیرد و تذکر دادم که چه بگویید. آقای [سیدصادق حسینی طباطبایی] نماینده زابل آمد و گزارشی از [نتایج سفر] آقای خامنه‌ای به سیستان گفت.

دکتر [سیدجواد انگجی] نماینده تبریز آمد و خبری آورد که شخصی امضای من را پای یک توصیه به وزارت صنایع جعل کرده است. گفتم جریان را پیگری نماید.

آقای [محمد فروزنده رئیس ستاد قرارگاه خاتم] آمد. گزارش وضع مهندسی وزمی را داد و درباره مواردی از کارهایش مشورت کرد. خبر داد که فرماندهان مسئول عملیات بازپس‌گیری مهران، به خاطر کمی نیرو، دلشان محکم نیست. آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] از تصمیم خریدن [خودروهای] تویوتا برای جنگ بدون نظر وزارت صنایع سنگین، تلفنی گله کرد. گفتم نماینده‌اش را در جلسه تصمیم‌گیری دعوت نمایند.

دکتر [محمد تقی بانکی وزیر نیرو] آمد. راجع به تعویض‌های زیادی که در وزارت نیرو انجام داده و مورد انتقاد قرار گرفته، توضیح داد. آقای محمد صالحی عضو حقوقدان شورای نگهبان، که برای دوره آینده معرفی نشده، آمد و برای پست سفارت صحبت کرد. آقای [سدالله بادامچیان آمد و از دولت انتقاد داشت.

به دکتر [علیرضا مرندی وزیر بهداری] گفتم که از همشیره فاطمه که به علت کسالت قلبی در بیمارستان سعادت آباد بستری است و از آنجا ناراضی است، عیادت شود و در صورت صلاح‌دید به بیمارستان قلب منتقل گردد.

عصر مسعود بارزانی [رئیس حزب دموکرات کردستان عراق] آمد. در مورد عملیات در حاکم عراق صحبت شد و از تشهیلات جدید تشکر کرد. آقای [رضاء امراللهی رئیس سازمان امنیتی] آمد و درباره استفاده از آرژانتین برای تکمیل نیروگاه [اتمی] بوشهر مشورت کرد.^۱ عصر شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت.

۱ - تجزیه‌های عملی عربی‌ها ذر مورد داشت هسته‌ای علیه ایران و عدم عمل به تعهدات و قراردادهای گذشته باعث شد که معاون امنی به دولت آرژانتین روی بیاورد و قراردادهای را آنها امضا نماید و اقدامات عملی شود، اما خشاع عرب بر آرژانتین آذا داده را هم بست و ایران روی بای خرد ادامه داد و در این راه با اینکا به داشت و فن خود پیشرفت کرد. ایران در سال ۱۳۷۵ به خودکفایی در تولید "زادیر داروها" دست یافت.

چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال | ۲۵ June ۱۹۸۶

ساعت هشت صبح به مجلس آمد. تا ساعت نه گزارش‌ها را خواندم. آقای [محمد محمدی] عراقی قائم مقام نماینده امام در سپاه آمد و گزارش وضع جبهه‌ها و سپاه را داد. گفت بعضی از فرماندهان، موافق عملیات آینده در مهران نیستند و بر لزوم تعیین نماینده امام در سپاه تأکید داشت.

دکتر [مهدي] غرضی رئیس سازمان تأمین اجتماعی آمد و طرحهای سرمایه‌گذاری منجمله در نیشکر خوزستان را گفت. آقای هیرعمادی دادستان [عمومی] تهران همراه مسئول امور فرهنگی کمیته [انقلاب اسلامی] آمدند. گزارش برنامه مبارزه با فساد اخلاق و احتکار و سوء استفاده از معاملات دولتی و... را گفتند و برای تعقیب سوء استفاده در خربدهای دولتی، از من تعایندهای خواستند. آقای اسماعیل شوستری [نماینده قوچان] را معرفی کردم.

[سید جلیل] صدر طباطبائی [نماینده یزد] آمد و از وضع حوزه انتخابیه‌اش گفت. برای معالجه در خارج کمک خواست. قرار شد به اتریش برود. دکتر [عبدالله] جاسبی آمد. گزارش وضع دانشگاه آزاد اسلامی را داد و برای معافیت سربازی [دانشجویان مشمول] و تصویب اساسنامه کمک خواست. مسؤولان سازمان تبلیغات اسلامی آمدند. آقای [علی اصغر] باغانی گزارش کارشان را دادند و من هم صحبت کردم^۱. آقای رضایی اطلاع داد که امشب قرار است دو موشک به تأسیسات نفتی کرکوک بزنند. گفتم بهتر است در دو زمان باشد نه یک زمان.

اصناف تهران عازم به جبهه، مقابل مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم^۲. هیأت رئیسه مجلس

۱- در سالگرد تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی، هسته‌لان و سرپرمان این سازمان با آقای هاشمی ملاقات کردند. ایشان در این ملاقات بر اهمیت استقلال مالی سازمان تبلیغات اسلامی و عدم انکا به بودجه دولت تأکید کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "اما بغير زيادي از خود كنایي در تاريخ روحانيت ديده‌ام و نفس آن را در استحکام و مادن روحانیت لبس کرديم. هنلا حوزه تعجب هر چه طاقت آمد و رفت، استحکام خود را حفظ کرد. حوزه‌ای مثل قم با همه فوایدات گشتوان، هزاران روحانی شایسته و شخصیت‌های عظیم ارائه نمود و اینها سندی است برای این گونه نهادها که قابل اعتماد هستند و برای برنامه‌های درآمدت من توان روی آن حساب باز کردد". رجوع کنید کتاب "هاسُمی رفستجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، "دقیق‌ترین معارف انقلاب"، ۱۳۸۷

۲- اعضاي سپه انصاف و بازاريان تهران مشکل در پنج لشکر ما اجتماع در مسجد امام و راهپیامی در خیابان‌های تهران، توان رزمنی خود را به تعابش گذاشتند و دهها کامپيون کشک‌های خود را به جهه‌ها ارسال کردند. آنها پس از راهپیامی در خیابان‌های تهران در مقابل مجلس شورای اسلامی اجتماع نمودند. آقای هاشمی در جمع رزمندانگان انصاف و بازاري مخفانی در ارتباط با حرکت امت حرب الله در جفت سرکوبی دشمن و اثر این حرکت در معادلات جهانی ابراد کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "چین اجتماع و سازماندهی ۵۰۰ کامپيون از هدايای خود به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیون تریان به جهه‌ها، نشانه قدرتاً اقتصادی مردم است و این گونه حرکات، تلاش دشمنان را که با سقوط نفت و قشار من خواهند انتصارات مرا تعییف کنند، باشکست مواجه خواهد کرد. حضور بازاريان در اعاده مختلف اتفاقات اسلامی، نشانه محکمیت کسانی است که می‌کوشند جنایات و سودجویی محتکران را به حساب انصاف و کسیه بگذارند. بازاريان جزو پیشیان انقلاب (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

جلسه داشت. ساعت پنج و نیم بعد از ظهر به قم حرکت کردیم. سر راهمان به قم در پیشست زهرا بر مزار شهدای هفتم تیر مصاحبه‌ای کردم.^۱

شب با دیگر سران قوا، مهمان آیت‌الله متظری بودیم. بیشتر درباره جنگ حرف زدیم و درباره نحوه توزیع کالا^۲. موافقت شد که بیست و پنج میلیارد تومان در خواستی سپاه برای جنگ با کسب مجوز از امام، از بانک [مرکزی] قرض شود. دیر وقت به تهران برگشتیم. ساعت یک بامداد به مجلس رسیدم و خوابیدم.

پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | شوال ۱۹۸۶ June ۱۹۸۶

تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. پس از افتتاح جلسه علنی و امضای مرخصی‌های نمایندگان به دفترم برگشتم. فرماندهان سپاه از جبهه آمده بودند. تا ظهر در باره وضع جبهه‌ها بحث شد و سرانجام علی‌رغم تردیدی که به خاطر کمی نیرو وجود داشت، تصمیم گرفتیم برای پس‌گرفتن مهران، عملیات طراحی شده را انجام دهیم.

عصر [آقای مهندس غلامرضا شافعی] وزیر صنایع و معاونان آمدند. گزارش عوارض منفی

(ادامه پارویی از صفحه قبل)

مسئله که همیشه بخشنی از زندانیان را در زمان طاغوت تشکیل می‌داده‌اند، رجوع کردید ^۳ کتاب «ماشی رفستجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۱- در این مصاحبه آمده است: «فداخلایی که قصد ماره سلطانیه با جمهوری اسلامی را داشت، با جایت هفتم تیر را تبعیج نهاد. در خبری و نیز باه شهادت رساندن شهدای معزاب و ساری بیرهای حرب (الله)، بهای پشت سرش را حراب کرد و راه برگشت را به روی خود ساخت. خود آنان چنان جوشید که آثار منقی را جوان کرد و به کلی پایه‌های منافقین، با این جایت رده شد. شهید بهشتی در دستگاه قضایی نیز هم تبریز شخصیت‌های اهل‌بیان بود و جای خالی او را مهندز هم احساس می‌کنیم. گروچ خون او خلی چبره‌ها را جوان می‌کند و توجه به شهادت این شهید گرامی، عمق جایت دشمنان او را نشان می‌دهد». رجوع کردید ^۴ کتاب «ماشی رفستجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲- آیت‌الله منتظری روز سه شنبه ۳ تیر در ملاقات با مدیران سملول و سردبیران مطبوعات درباره توزیع کالا نیز مطالعه عنوان گردید. در بخشی از سخنرانی اینسان در خصوص توزیع آمده است: «توزيع باید واقعاً به مردم محول شود، منتهی با نظرارت. دلالت مستقیم دولت چند تا انتکمال دارد. یکی اینکه موجبه تغیر و بعضی ملت می‌شود و دیگر اینکه استعدادها را کرده پیدا می‌کند و دولت باید استخدام زیادی برای کنترل کردن نکند. یکی اینکه انگیزه ناپایای سطح هر ایست لای برای تکامل. وتنی دست ملت باشد، این کارخانه سعی می‌کند از آن مرغوب‌تر باشد. او می‌خواهد جنسیت از این مرغوب‌تر باشد. رقابت در کار پیدا می‌شود. در رقابت و عرضه و تقاضا خیلی از مشکلات حل می‌شود. اما وتنی که بنا باشد دولت وارد کند و بعد هم به تعاوی بدهد. همین انت که هست. آن تولید داخلی هم می‌گردد هر تعجلی که هست، کوئی به مردم می‌دهند چه داعی داریم که جس مان را پهنه کیم. اگر دست مردم باشد و آزادی برای مردم باشد، این تکامل پیدا می‌کند».

در کتاب خواهر و مادر

کسبود ارز برای صنایع را دادند و راههای حل مشکل را مطرح کردند.^۱ در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کرد. شب با آقای خامنه‌ای درباره نیروی زمینی مذاکره کردیم. قرار شد روز شنبه به منظور کسب نظر ایشان با هم خدمت امام برویم. درباره سفر ایشان به زیمبابوه هم صحبت شد.

۲۷ June ۱۹۸۶

جمعه ۶ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال

در منزل بودم. از استخر کوچک خانه برای شنا استفاده کردم و از درخت کوچک نوت حیاط توت خوردم. اطلاع دادند که دیشب دو موشک اسکاد-بی به تاسیسات نفتی شمال غرب کرکوک زده‌ایم و هوای پیماهایمان هم، امروز صبح تاسیسات دیگری از عراق را در همان ناحیه بمباران کرده‌اند. چون محل اصابت موشک‌ها را نمی‌دانیم، قرار شد خبر را تاکب اطلاع از محل اصابت به تأخیر اندازیم. ظهر حاجیه والده و همشیره طیه آمدند، مهمنمان بودند. حسین-همشیرزاده-گزارشی از وضع کارخانه‌های بنیاد شهید داد و امیدوار است که بتوانند ارز مورد نیازشان را با صادرات تأمین کنند. شب سرهنگ جمالی [معاون فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارش وضع جبهه‌ها را داد و امیدوار است که نیروی زمینی را آماده کار آفند و پدافند تمايد.

۲۸ June ۱۹۸۶

شنبه ۷ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال

ساعت هشت صبح با آقای رئیس جمهور خدمت امام رسیدیم^۲. درباره تعویض فرمانده نیروی زمینی مذکور شد و اینکه آقای صیاد را امام برای عضویت در شورای عالی دفاع منصوب کنند و از زحماتش

۱ - در این دیدار با توجه به وضعیت جدید بهای نفت و اثرات آن در صنایع کشور، جهت‌گیری این وزارتخانه و بجزه اداره واحدهای صنعتی و سیاست‌گذاری‌های مربوطه از لحاظ تأمین ارز و راههای استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت کارخانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین شیوه‌های مختلف تأمین ارز از طریق هنایع غیر دولتی؛ اعم از صادرات بدون انتقال ارز و سایر شیوه‌های معاملات بین‌المللی و صادرات مصادر عات مطرح شد. میس گزارشی از سقف ارزی این وزارتخانه از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ ارائه گردید.

۲ - در این روز، حضرت امام(ره) در حکمی آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی را بازدیگر به ریاست دیوان عالی کشور (جمه فضاییه) منصب کردند.

نامه آقای هاشمی به سرهنگ جمالی ۸ تیر

تقدیر نمایند و برای عبارت فرمان امام، فرار شد من و آفای خامنه‌ای متنی تهیه نماییم. برای نیاز تجهیز به پانصد گردان نیروی زمینه، موافقت امام را جهت اخذ ۲۵ میلیارد تومان وام از بانک مرکزی حلب کردیم که به شیوه سال گذشته عمل شود. درباره عملیات بازپس گیری مهران هم با امام صحبت کردیم.

سپس در منزل ما با آفای خامنه‌ای درباره کمبود ارز و وضع بد اقتصادی کشور بحث کردیم. یک پیشنهادی مطرح شد که به استثنای اقلام خاصی از نیازهای عمومی به کارخانه‌ها اعم از دولتی و خصوصی برای توزیع و تولید و تهیه ارز و تعیین قیمت، آزادی بدهیم و کمک ارزی نکنیم. طرح دیگری هم مطرح شد که کارخانه‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کنیم و در مورد بند جیم مطابق قانون اصلی عمل شود؛ به جایی رسیدیم.

تا شب به مطالعه گزارش‌ها گذشت، عصر خاتم دکتر واعظی و خواهش و خانم نوبخت آمدند و از سیاست آموزش و پژوهش در مورد خودشان به اتهام ارتباط با خط راست شاکی بودند.

شب نخست وزیر اطلاع داد که عراق با قطع برنامه‌اش، خبر پرتاب موشک ما را به مرأکر نفتی کرکوک گرفته و تهدید به انتقام کرده است. به ستاد تبلیغات جنگ گفتم خبر را بدهد و زدن مرأکر مسکونی را نفی نماید. آفای رضایی از جهه تلقنی برای عملیات مهران، پدافند هاک خواست. به سرهنگ ترابی دستور دادم که پیگویید اعزام کنند.

یکشنبه ۸ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | شوال ۲۱ | June ۱۹۸۶

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها تهدید عراق و مسائل اوپک مهم است. امید به اخذ تصمیم نیم بندی در اوپک می‌رود^۱ و نیز خبر اصابت دو کشتی نفتی در آبهای جنوب توسط

۱- گذشته‌ای عضو اوپک روز شنبه ۷ تیر به توافقی موافقت پیرامون یک سقف تولید جدید و فیستهای مورد نظر برای نفت خرد که ۶ تا ۸ دلار از ترخهای جاری بالاتر است، دست یافتند. اما ساعتی بعد آفای بمقاس نیز نفت انگلیزی که گذشت به طور مداوم خواجهان سقف قرنید پایین تر و فیستهای سیار بالاتری برای نفت بوده است؛ جلسه وزیران اوپک را ترک کرد. او ضمن تفسیع این توافق گفت: "احساس نمی‌کنم که کار بخیلی صورت داده باشیم و یا اینکه در جهت رفع مشکلات پیش‌فرمی کرده باشیم." در روز یکشنبه ۸ تیر پیش‌فرمی حاصل شد و آفای علام‌رضیا آغازده و وزیر نفت ایران گفت: "اگر سهیمه بندی چند بخت اوپک برای ملاحتات میانی تعیین شود، ایران مطابق با عراض اعلام شده خود عمل خواهد کرد و منعده به مصوبات اوپک تغایر نمود. ایران در برابر هر مقدار افزایش تولید برای عراق، به میراث دو برابر آن نفت تولید خواهد کرد." گفهارنس ۷۸ اوپک در پیگلازوی در روز دوشنبه بدون نتیجه پایان یافته و تنها مسئله‌ای که اکثریت اعضا در (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

هوایپیماهای ما آمده بود که از نیروی دریایی توضیح خواستم. معلوم شد نیروی هوایی آنها را زده است. مرکز صدور نفت ما از جزیره سیری به لارک در جنوب بندر عباس منتقل شده، که امن تر است!.

در جلسه علمی صحبت کوتاهی درباره شهدای انفجار دفتر مرکز حزب جمهوری اسلامی کردم.^۱ ساعت نه‌ویم به دفترم برگشتم. دکتر روحانی آمد و درباره فرمانده نیروی زمینی صحبت کردیم. قرار شد ایشان با سرهنگ [حسین] حسنی سعدی به طور کلی صحبت کند. آقای مهاجری معاون رئیس دفترم که به ججهه رفته بود، آمد و گزارش آنچرا داد.

ظهور با خانواده شهدا که مهمان مجلس بودند، تماز جماعت خواندم و بین دو نماز برای آنها صحبت کردم.^۲ عفت و دوستاشش به دفترم آمدند. ناهمار در جمع خانواده شهدا شرکت کرده بودند.

(اداهه پارویی از صفحه قبل)

خصوص آن به یک غرفه خیمنی دست یافتد، گاهی سقف تولید ۱۷ میلیون بشکه‌ای در روز های سال ۸۶ میلادی بود که در رسانای استراتژی افزایش حدود ۵ دلار در هر بشکه در قیمت‌های نفت قرار داشت.

۱ - خبرگزاری روپر درگزاری درباره موقعیت جزیره لارک، دلایل ایران و برای انتخاب این محل جهت صادرات نفت، امیت تی از حملات عراق و نزوح باین توابعه کشته رانی در این مطنه عنوان کرد، در این گزارش که را پیش بی می سی آن را بعنی کرد، از قول صنایع کشته رانی گفته شده است که پایانه صوقت، جدید ایران در کنار جزیره لارک را داخل تنگه هرمز در مدخل خلیج فارس واقع شده است و اکنون به جای تأسیس نزدیک جزیره سیوی (که هشتاد میل دیواری آن طرف از جنوب خلیج فارس است) بزرگ استفاده قرار می‌گیرد. پایانه جدید شامل ۶ کشته عطیه نهضتش مادر و ۹ کشته بدکش می باشد که در غرب جزیره و خارج از شعاع عملیاتی جت‌های عراقی قرار دارد. منابع کشته رانی می گویند: «امیت سی لارک و برج پایانه نوی بیمه کشته رانی در این مطنه، از جمله دلایل ایران برای انتخاب این محل جهت صادرات نفت است و با شروع عملیات بازگیری از لارک، از پایانه موقت سیری برای تخلیه و بازگیری گازوئیل و نفت ساده استفاده می‌شود». این منابع می گویند که اگر عراق تواند این طرف از لارک را بیندازد، پایانه موقت فعلی را می‌توان به سرعت طرف چند روزه بین این از تنگه هرمز قرار دارد، مستقل کرده اما در حال حاضر به خوبی از لارک دفاع می‌شود زیرا این جزیره در ۲۳ کیلومتری شمال آبراه اصلی و عیق گشته زیست در دنگه هربر، واقع در پایانه جزیره قشم و جزیر پایگاه دریایی ایران در بندر عاصم فرادر دارد. در پایان گزارش روپر آمده است که ایران کار احداث دو خط لوله موقت را از گواوه به خارک برای افزایش حجم نفت ارسالی به خارک، به اتمام رسانده است اما هنوز از این دو خط لوله جدید بهره‌برداری نشده است. چون تمهیمات لازم برای بهره‌برداری از پایانه بازگیری نفت لارک پیش بینی نشده بود، پس از یک ماه که از آغاز فعالیت آن گذشت برآثر بدی وضع هوا و طوفان‌های دریایی، از اولین ماه جاری متوقف شده است.

۲ - در این لحظه آمده است: «فاجعه هفتمن قیر پایانگر این معا بود که دشستان اسلام به هیچ اصلی از اصول انسانی و اسلامی پایین‌تر نیستند و ماهیت آنها را بعلملا کرد. از طریق نشان داد که جمهوری اسلامی پایین‌به افراد و اشخاص نیست. تا این ملت بزرگ و قدرگزار به نظام در صحنه است، هیچ چیز‌نی فواید به این جمهوری صریه بزند و حضور ملت همه چیز را جبران می‌کند». رجوع کنید سه کتاب «هاشمی رفسنجانی، لغت‌های پیش از دستور مال ۱۳۶۵، جلد ششم» دفتر نشر معارف اقلیات، ۱۳۸۷.

۳ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «اگر قرار بود ریشه جوان فریباکاری مثل منافقین در جهان متراکمه شود، هیچ چیزی مثل جوان انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی نمی‌توانست ریشه آنان را بسوزاند. دشستان برای این ریشه کردند تا بایجاد آن فاجعه، خاندان از مجلس، دولت، فرهنگ اسلامی و ایران امام راحت نشود، ولی خداوند چنین نمی‌خواست و مغایر کرده بود که خود آنها از همین تاحیه قدریه بخوردند و از این بروند». رجوع کنید سه کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، ۱۳۸۷» دفتر نشر معارف اقلیات، ۱۳۸۷.

خانواده شهید دانش خوزستانی آمدند و برای رفع مشکلات خود استمداد کردند. عصر شورای عالی اسلامی کار و ۷۲ تن از رزمندگان به مناسبت شهادت ۷۲ تن آمدند. برای آنها صحبت کرد.^۱

معاون امور خارجی وزارت اطلاعات آمد و راجع به همکاری وزارت اطلاعات با جنگ و لزوم جدی گرفته شدن امکانات آنها صحبت کرد.

آقای [ماسوکی] میاکه، فرستاده ویژه وزیر خارجه ژاپن آمد. نامه آقای [شیتارو] آبه [وزیر امور خارجه ژاپن] را در مورد جنگ، سفر دبیرکل سازمان ملل به ایران، گروگانهای آمریکایی در لبنان و تمایل آمریکا به تحسین روابط با جمهوری اسلامی آورد. نظر من را خواست. در مورد جنگ گفتم شرط حذف صدام و [حزب] بعث عراق از طرف ماجدی است. گفت غربی‌ها، عرب‌ها و ترکیه با توجه به دیکاتوری صدام، نگران نامنی شدید در منطقه و پیدا شدن لبنانی جدید در عراق با تحریکات شوروی هستند. گفتم می‌شود از پیش برای حفظ آرامش، وحدت و تمامیت ارضی عراق با همسایگان طرح همکاری داشت.

در مورد آمدن دبیر کل هم گفتم اگر با این هدف بباید، موفق است و اگر غیر از این باشد، آمدن‌شان را مانعی نمی‌کنیم ولی توفيق کم است. در مورد گروگانهای آمریکایی در لبنان، ما حاضریم کمک کنیم ولی آمریکایی‌ها برای آزادی آنها جدی نیستند و این کشور می‌خواهد اغراض دیگر ش را تأمین کند و تحسین روابط ما با آمریکا، احتیاج به مقدماتی دارد که بهتر از همه، اصلاح رفتار و موضع موذیانه آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی ایران است و آمریکا باید عملًا ثابت کند که دست از شطینت علیه ما برداشته است. جواب نامه آقای آبه را هم دادم.

کاردار جدیدمان در افغانستان آمد و برای سیاست کارش در آنجا مشورت کرد. دکتر ولاشی آمد و گزارش سفر به کوباء، نیکاراگوئه و چکسلواکی را داد و درباره جواب به فرستاده پاکستان در مورد سائله افغانستان مشورت کرد. آقای [حمدی] میرزاوه معاون اجرایی نخست وزیر آمد. در مورد سفرش به چین مشورت کرد و گزارش پیشرفت برنامه‌های جزیره کیش را داد.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. قرار شد به پاکستان جواب بدھیم که مسائله افغانستان

۱- در این دیدار که آنای اول القاسم سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی، اعضای شورای اسلامی کار همراه با ۷۲ تن از رزمندگان جنیه‌ها به یاد بود ۷۲ تن از شهادای هفت‌نیم تبر حضور داشتند، آقای هاشمی اختیت شوراهای اسلامی کار و شوراهای اسلامی روسانی در ایجاد حاکمیت مردم را تشریح کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "سیاری از کشورهای در دنبی ادعای دموکراسی دارند ولی خدمه می‌دانند در کشورهایی که رازگاه به اصطلاح دموکراسی است، ادعای حاکمیت مردم بر هردم را در می‌آورند. قدر تندیها، پولدارها و کسانی که با ایثارهای پیچیده و قدرت احزاب، آرای مردم را تغییر می‌دهند و اسم آن دموکراسی می‌گذارند، حاکمیت را در اختیار دارند. اگر ما با این شوراهای که به خاطر آن غیام کردیم، بخواهیم پیش برویم و تنازع گفته افران، حکم‌وت مستشعفان را در زمین، خواست خدا بدانیم، تنها راه درست، راهی است که پیش گرفته‌ایم و شوراهای اسلامی را مطرح می‌کنیم؛ زیرا این راهی است که محدودش نشده است."

باید با همسکاری سه همسایه، ایران، پاکستان و شوروی و بدون دخالت آمریکا حل شود و حضور نماینده مردم افغان لازم است. قرار بود امشب عملیات در مهران شروع شود، اما انجام نشد.

٣٠ June ١٩٨٦

دوشنبه ۹ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۲ شوال

در منزل بودم. طرف صبح بیشتر وقت به مطالعه گذشت. آقای [محسن] رفیق دوست [وزیر سپاه پاسداران] اطلاع داد که عملیات [کربلای یک] به شب آینده موکول شده است. عصر آقای [کاظم] خوانساری [سفیر ایران در لیبی] آمد و نظرات و هیجان لبی را آورد. آنها توقع دارند که ما در مسأله گروگانهای آمریکایی در لبنان، فشاری به آنها به نفع لبی وارد کنیم. درباره سفر آقای موسوی اردبیلی به لبی مشورت کرد.

آقای رفیق دوست و مسئولان پدافند هوایی سپاه و مسئول گروهی که برای آموزش موشک‌های ضد هوایی و ساحل به دریا به چین رفته بودند، آمدند. درباره محل استقرار موشک‌ها و آموزش پرسنل لازم مذاکره کردیم. معلوم شد قبل از آموزش بیشتر، نمی‌توانیم به خوبی از این موشک‌ها استفاده کنیم.

خانم اخوان فرشچی و پسرش دکتر محمد آمدند. از مشکلات شان گفتند و استمداد کردند. دکتر در دانشگاه استاد بوده و مشکل پیدا کرده. همچنین درباره ملک مشاعمان در خیابان گرگان که گفتم من مایل آن را برای رفع نیازم بفروشم.

شب آقایان محسن رضایی و [علی] شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] از جبهه مهران اطلاع دادند که ساعت ده و بیست دقیقه شب، حمله ما برای پس گرفتن مهران شروع شده است.^۱ نخست وزیر و وزیر نیرو درباره مشکلات کمبود سوت و تعطیلی بعضی از نیروگاهها و قطع آب و برق، تلفنی مذاکره کردند. قرار شد ترتیبی برای حفاظت بیشتر از تاسیسات نفتی داده شود.

۱ - شهر مهران که در عملیات والدیر ۳ آزاد شده بود، پس از عملیات والدیر ۸ در اردیبهشت ۶۵ مورد تعریض ارتش عراق فرار گرفت و اشغال شد. دو ماه بعد عملیات کربلای یک را سپاه پاسداران غیرایی و در پنج مرحله اجرا کرد. در این عملیات، نیامی هنله از جمله شهر مهران، پاسگاه دراجی و قله ۲۲۳ - از مسلسله ارتفاعات فلاوریان - آزاد شد. این پیروزی بیش از آنچه بود که پیش بینی می‌شد. سرعت پیروزی در این برد تأثیر اقدامات قبلي عراق در دوره ذخایع محرک را خنثی کرده به تصریحی که از آن پس تحرک دیگری از اوتلش این گشته، تا روزهای پایانی جنگ مشاهده نشده و اوتلش عراق دوباره در لامک دفاعی قرو رفت. در این عملیات فرماندهان بسیاری از اوتلش عراق اسیر شدند و متفاصل رضا دستواره جاشنین فرماندهی نشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) به شهادت رسید. عملیات کربلای یک از ۹ تیر تا ۱۹ تیر ادامه داشت و ۲۲۱ کیلومتر مربع شامل شهر مهران و ارتفاعات آن در این عملیات آزاد شد.

سهشنبه ۱۰ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال ۱ July ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمد. آقای شمخانی اطلاع داد که مرحله اول عملیات با موفقیت انجام شده و نیروهای ما مشغول زدن خاکریز هستند. به دکتر روحانی گفتم برای پشتیبانی ضد هوایی‌ها و هاک و ارسال مهمات خمپاره پیگیری نماید. به آقای [کمال] خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] گفتم آماده باشد که اولین بیانیه قرارگاه را پیش از ظهر، پس از معلوم شدن وضع جبهه بدهیم.

برای رسیدگی پیشتر به وضع جنگ به جلسه علنی نرفتم. به آقای [مهدی] کروبی [نایب رئیس اول] گفتم که خبر شروع عملیات استرداد مهران را به نمایندگان بگوید. تا عصر در دفترم ماندم. مرتب با جبهه تماس داشتم. مضامین بیانیه‌های قرارگاه را تایید کردم. آخرین اخبار از منطقه مهران می‌گویید، بیش از ۳۰۰ اسیر گرفته‌ایم و نیمی از مرحله دوم عملیات هم انجام شده و تاکنون دشمن مقاومت جدی نداشته و غافلگیر شده است.

ظهر [سید محمد کاظم] امام موسوی نماینده شوستر آمد و از تحرکات خط تندرو و امام جمعه شوستر گله داشت آقایان دری [نجف آبادی] و [عبدالله] نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] برای مذاکره و بررسی مصرف بودجه جنگ آمدند. آقایان [علی اکبر] محتشمی [وزیر کشور] و [اصغر] ابراهیمی [مدیر عامل شرکت مترو] آمدند. درباره نیازهای مترو [ی تهران] مذاکره شد. بناست فعل شود.

عصر به جلسه شورای عالی انقلاب فرستنگی رفت. از جبهه خبرهای خوب مبنی به پیشرفت بیش از حد انتظار در مهران دادند. شب [اعضای] شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز [تهران]، مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودند. دیر وقت به منزل رسیدم. در اثر گرمی هوا راحت نخوابیدم.

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال ۲۴ ۲ July ۱۹۸۶

بعد از نماز و ورزش و تمیز کردن استخر به مجلس آمد. آقای سعیدی [فر مسؤول اطلاعات قرارگاه قدس] اطلاع داد که دیشب به سوی مهران پیشرفت داشته‌ایم. در اخبار ساعت هفت [صبح رادیو] از اخبار جنگ خبری نبود. به سپاه و ستاد تبلیغات [جنگ] اعتراض کردم. معلوم شد در اثر اختلاف بین سپاه و ستاد، اخبار جنگ درست پخش نمی‌شود. به صدا و سیما گفتم اخباری که از منطقه توسط سپاه

عکس طالبانی و بارزانی

می‌رسد، بدون انتظار تایید ستاد پژوهش کنند و آقای محسن رضایی مسئولیت تنظیم اخبار و روش تبلیغ را پذیرفت.

در جلسه علمی مجلس قبیل از رسمیت جلسه، اخبار جنگ را به نمایندگان دادم. قبل از دستور درباره پیروزی مهران و عملیات کربلای یک صحبت کردم.^۱ در حین جلسه علمی، پیام آقای محسن رضایی رسید که نیروهای ما وارد شهر مهران شده‌اند. به دفترم آمدم. آقای دکتر روحانی آمد. درباره نظرات سرهنگ حسنی سعدی مذاکره کردیم. درباره جنگ‌های منظم و نامنظم صحبت نمودیم. آقامحمدی آمد. نحوه کار با بارزانی‌ها و طالبانی‌ها

۱- در این نظر آمده است: "از رژیم‌گان دلیر و فدایکاران که این روزها دشمن بعضی را تحت فشار گذاشتند و کاری در دست افدام دارند که بعثت عراق را از آن می‌است انتخاری جنگی اش پیشان کرده، منتظریم، عراقی‌ها در منطقه مهران، وارد گنگوستانی شده‌اند که هر چه نیروی و آنچه نفر می‌شوند با از رده به کلی خارج خواهند شد. این پیروزی عالی که برخی از آن را ملت عزیز ما مطلع هستند، در سایه همکاری نیروهای رژیم‌های ارتش، سپاه و نیروهای مردمی، سیمی و ناجا و مهندسی - رژیمی و مجاهد سازندگی به دست آمده است و همکاری و اتحاد نیروهای رژیم‌های رژیم‌های امروز برای ما انتخار آمیز و امیدوار کنده است. در شرایطی که خود عراقی‌ها به وجود آورده و تحت خبرورقی که پیروزی ناو به آنها تحصیل کرده، دست به حرکت های انتخاری زده‌اند، به نام "دفاع هنجرگ" و از پشت میم‌های خاردار و کانال‌های آب و منگرهای مستحکمی که تهیه کرده بودند، بیرون آمدند و خود را در معرضی قرار دادند که اندک‌تر نیروهای ما دارند از این موقعیت استفاده می‌کنند و قبرهای کاری را که مقدمه شکست نهایی است، بر ارتش روسیه افتد. محل عراق وارد می‌شوند." یخچوں کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نظریات ایشان از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم" دفتر نذر معارف الغایب، ۱۴۸۷.

را در خصوص بکارگیری آنها علیه صدام را که نوشته بود، آورد. تا ظهر چندین ملاقات داشتم. آقای [گودرز] افتخار جهرمی آمد و درباره پذیرش مسؤولیت عضویت [حقوقدان] شورای نگهبان مشورت کرد. نظر موافق دادم. استعفایش را مسکوت گذاشت.

تا عصر مرتبأ خبر از پیروزیها در منطقه مهران و تصرف کامل ارتفاعات حساس قلاویزان می‌رسید. آقای رئیس زاده آمد و درباره مسائل سیاسی و مجلس نظراتی ابراز کرد. شب با رؤسای قوا مهمان رئیس جمهور بودیم. درباره جنگ و لبنان و سوریه بحث شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۵ | ۲۵ شوال ۱۴۰۶ | ۳ July ۱۹۸۶

در منزل بودم. به مطالعه گزارش‌ها پرداختم. خبرهای جبهه خوب و حاکی از پیشرفت بیشتر در منطقه مهران است. همشیره طیبه و محمد و معصومه آمدند. خبر داد که فرزندش مهدی در مهران جراحت برداشته و به نوق منتقل شده است. او آموزش [غواصی] برای عبور از ارونده و شکست خط دیده است. قرار شد پسته‌های نوق رایه محمد - همشیره زاده - از قرار مالی ۴۰ هزار تومان و ۲۰۰ من پسته اجراه بدھیم. ظهر بچه‌ها مهمان فاطی بودند و ناهار برای من هم آوردند. تنها در منزل بودم.

جمعه ۱۳ تیر ۱۳۶۵ | ۲۶ شوال ۱۴۰۶ | ۴ July ۱۹۸۶

در نماز جمعه شرکت کردم. خطبه دوم را درباره پیروزیهای مهران ایراد کردم.^۱ خبر رسید که دیشب و

۱- در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی با موضوع مسائل خالیزاده در اسلام دشال شد و درباره تحزیره برخورد رژیم و شهر، خصوصیات مردان خوب و اهمیت فسیر در برابر بداخلانی دیگران عطایی عنوان کرد. در خطبه دوم درباره اهمیت عملیات کربلای یکتا و آزادی منطقه مهران، خسارات وارد شده بر ارتش عراق، پرچم ادعاهای دولت عراق، عخدوش شدن اعشار نظامی عراق برای حامیان صدام حسین، هماهنگی کامل تیروهای سیاه اسلام، نیاز جبهه‌ها، ضرورت حضور مردم در هر آنکه آمرزش نظافی و لرروم عاززه جدی باگرانفوشان و مختاران مطالبی برای نمازگزاران جمعه ایراد شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "کاری که رژیم‌گان عزیز ما در کربلای یکتا کردند که الحمد لله بالهاینگی کامل تیروهای رزمنده‌های چه ارتشی‌ها و چه سیاهی‌ها و بسیجی‌ها انجام شد، هماهنگی کامل تیروهای ذی‌صی و هر ای و پادشاه هر ای و هوانیروز همه مثل یکه ماتین هماهنگ، وظایف خودشان را هر یکه در آن نقطه معین به خوبی انجام دادند و با همکاری فرق العاده مؤثر، مهندسی رزمی و جهاد سازندگی اینها همه هماهنگ عمل کردند که این نشان قدرت و اتحاد و تقدیر اعمال نظر برای جمهوری اسلامی و نشان (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

امروز دو تیپ از گارد ریاست جمهوری عراق در مهران منهدم شد، عصر آقای امیر عراقی آمد و درباره شعلش مشورت کرد. رابطه‌اش با مشولان بالاتر وزارت نفت گرم تبست و گفت کسانی هستند که پیشنهاد دادن وام به ایران دارند که بعد نفت ببرند. آقای مهندس حسین سالاری آمد و از بی توجهی به او در وزارت نفت شاکی بود.

شب آقای محسن رضاei آمد. گزارش کامل عملیات کربلای یک در مهران و برنامه‌های آینده را داد. دیشب و امروز هم در ارتفاعات قلاویزان، ضربه به دشمن وارد آورده‌ایم. دکتر معالج عفت آمد. بشارت داد که قلبش کاملاً سالم است.

شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۵ | ۲۷ شوال ۱۴۰۶ | ۵ July ۱۹۸۶

پیش از ظهر آقای رضاei اطلاع داد که دیشب و امروز در مهران بر سر ارتفاعات قلاویزان درگیری بوده که به نفع ما تمام شده است. به نخست وزیر و وزیر سپاه و رئیس بانک مرکزی درباره تسهیل و تسريع در پرداخت بودجه تجهیز ۵۰۰ گردن صحبت کردم. با وزیر نفت درباره تولید و توزیع نفت صحبت کردم.

عصر آقای معادیخواه آمد. در حضور پنیاد تاریخ و کارکلید قرآن و انتساب پنیاد به مجلس مذکوره شد. آقای رفیق دوست برای گرفتن تشهیلات بیشتر برای تخصیص ارز خربد و مسائل جنگ آمد. احمد آقا و محسن رضاei آمدند. تاکید بر تسريع در تعویض فرمانده نیروی زمینی و تقویت سپاه داشتند.

سرهنگ جمالی آمد و گزارش عملیات مهران را داد. خیلی راضی است. با اینکه قبل از شروع موافق بود. تقاضای سفر به سوئیس برای شرکت در سمیناری داشت. بنا شد با آقای رئیس جمهور مشورت شود. آقای [مصطفی] میرسلیم اطلاع داد که [آقای حاج سید جواد خامنه‌ای] ابوی آیت الله خامنه‌ای در مشهد در سن نود و دو سالگی فوت کرده‌اند.^۱

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

طبع و اضطراب و آسیب پذیری عراقیها در این هفته مجسم شده است: "رجوع گنبد" کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم، دفترنشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷"

^۱- عرجوم آیت الله حاج سید جواد خامنه‌ای در سال ۱۲۷۳ در خانواده‌ای روحانی متولد شد. پدر ایمان آیت الله حاج سید حسن خامنه‌ای از (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

یکشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۵ | ۲۸ شوال ۱۴۰۶ | ۶ July ۱۹۸۶

در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. در جلسهٔ علنی، قبل از دستور در مورد فوت ابوی آقای خامنه‌ای حرف زدم.^۱ ساعت ده به دفترم آمد. آقای [محمد] خراصی نمایندهٔ رشت آمد و از آقای [صادق] احسان‌خشن [نمایندهٔ ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعهٔ رشت] و طرفدارانش گله داشت. آقای ریاضی مسئول کمیسیون نظارت بر خرید سلاح آمد. از بی انقباطی وزارت سپاه شاکی بود. آقای [جواد] مقصودی از ماندن تخم مرغها در مرغداری و عدم اقدام وزارت بازرگانی برای مصرف آنها تلقنی شکایت کرد؛ به نخت وزیر گفتم. ظهر [منوچهر نیکروز] نمایندهٔ کلیمیان آمد و از سختگیری‌ها برای خروج یهودی‌ها از کشور گله داشت.

(ادامه پارویی از صفحهٔ قبل)

علمای برزگ آذربایجان و امام جماعت مسجد جامع مریز بود. آقا سید جراد در بوجواهی شاهد وقایع صدروطیت در نبری بود، محصوراً اینکه شوهر خواهرش "شیخ محمد خیابانی" بخش بزرگی از جریان متروله خواهی را در نبری زیرزمینی عی کرد و به طور بدینه شام خانواده را درگیر این جریات ساخته بود. آقا سید جواد خامنه‌ای تحصیل را در نبری آغاز نمود و در جوانی سفری به عتبات و سفر دیگری به مشهد کرد و در همین سفر آخر، جدب غیری و همچای علایم مشهد و هم جواری با حضرت امام رضا(ع) شد و تصمیم به اقامت در مشهد گرفت. این در مشهد از علمای برزگی چون آیت‌الله آقازاده حواسی و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی استفاده کرد و سیس به مدت پنج سال بای ادامه تحصیلات دینی به نجف اشرف عزیمت نمود و از درمن آیت‌الله العظیم میرزا نائیی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بهره و افراز. پس از آن آقا سید جواد به مشهد بازگشت و تا پایان سفر بربرکت خود به وظایف دینی و علمی اشغال داشت. اینسان پس از بازگشت به مشهد با ذخیر آیت‌الله حاج سید هاشم صیردادازی ازدواج کرد که حاصل این وصلت چهار پسر و یک دختر بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرزند دوم ایشان هست. آقا سید جواد خامنه‌ای در عین پرخورداری از امتحانات عالی علمی و وجهه‌ای مردمی و محظوظ داشتند و تا آخر عمر در حائله‌ای محترم و الله باصحنا یافندگی کرد. اینسان سالها در مشهد به تدریس تقدیر و اصول و اقامه جماعت در مسجد گنگه‌نشاد و مسجد صدیقه‌ای بارز برزگ مسئول بود. زیرا معظم انقلاب در خاطرات خود درباره پدرشان چنین می‌گویند: "بدروم روحانی معروف بود، اما خیلی پارسا و گوشه‌گیر. زندگی مایه سختی می‌گذاشت. در پادم هست شهابی اتفاق می‌افتد که در منزل ما شام نبود، مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می‌کرد و آن شام هم نان و کشمش بود. آقا سید جواد خامنه‌ای پس از چند ماه تقاضت و ضعف در چین روزی به لقاء الله پیوست و پیکرش در دارالبيض حرم مطهر حضرت امام رضا(ع) دفن گردید. امام خصی (ره) در پایام تسلیت خود چنین بیان فرمود: "جان بحیث الاسلام حاج سید علی خامنه‌ای رئیس جمهور محترم دامت اقامه‌داشته، رحل والد معظم جایعالی که عربی با علم و تعلیم و تعلیم و تعلیم موچت تأسف گردید. این معنیت را به جایانی فخران محترم و خالدان جلیل تسلیی گفته، سلامت و مرتفقیت آن جانب را از خدای تعالیٰ عسلت دارم، والسلام علیکم و رحمة... ۲۸ شوال المکرم ۱۴۰۶ روح الله السرسوی الخصیم".

۱- در این نهضت آمده است: "متهمانه غرفت والد محترم ریاست جمهوری و برادران همسکارمان در مجلس شورای اسلامی و همه آسیده‌هادی باعث انزو و عرایی خا و عردم شد. ما این مصیبت را به مقام محترم ریاست جمهوری و برادران همسکارمان در مجلس شورای اسلامی و همه نایبل محترم خامنه‌ای تسلیتی عرض می‌کنیم و امیدواریم خداوند به آنها حبیر واجر عنایت بفرمایده و لشان عمر بر برکت این عالم ربانی و وجود فریانی مظلل مقام ریاست جمهوری و آقای آسیده محمد خامنه‌ای و آقای آسیده هادی خامنه‌ای هستند که همه از برگان این گشتو و از خدمتگران دوران انقلاب و بعد از انقلاب هستند و آثار خیر و برکت را ما در وجود این برادران همان عهیته داریم من بینیم. از طرف همه نایبلگان مجلس شورای اسلامی و مخصوصاً نماینده‌گان استان خراسان ما به این نایبل محترم تسلیت عرض می‌کنیم." و جمع کنید ۷- کتاب "هاشمی رفسنجانی، نظریه‌ای پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم" دفتر شریعت و معارف اهل‌السنّة، ۱۳۸۷

مراسم ختم پدر آقای خامنه‌ای

عکس پدر آقای خامنه‌ای

آقایان [عطالله] مهاجرانی و نواب برای استمداد درباره حل مشکل ارجاع به داوری بین‌المللی آمدند. شورای نگهبان در مورد قراردادهای قبل از انقلاب هم موكول به تصویب مجلس نموده و امام این نظر را رد کرده‌اند.

عصر آقای معیری [معاون نخست وزیر] آمد. در مورد کار با فرانسوی‌ها در خصوص اصلاح روابط مشورت کرد. حاضر شده‌اند سیصد و پنجاه میلیون دلار از بدھی را فعلاً بپردازنند. [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر اقتصاد آمد. گزارش مشکلات کار کرد با اینکه را داد و مدعی بود که اشکال‌های ناشی از سیاست دکتر نوربخش [رئیس بانک مرکزی] است. به فکر تعویض ایشان است. مسئولان دفاتر نمایندگی امام در سپاه آمدند. از مشکل عدم هماهنگی با فرماندهی و تعیین نشدن

۱ - نشریه "السلجقه" چاپ لندن در این باره نوشت: یک هیأت ایرانی به سربرستی آقای "علیرضا معیری" معاون نخست وزیر ایران هم اکنون از پاریس دیدن می‌کند. مخالف و راست امر را خارجه فرانسه گفتند که آقای "معیری" همراه خود، دائم‌هایی از مقامات ایرانی برای همایی فرانسوی آنها به پاریس آورده است. این مخالف می‌افزاید هیأت ایرانی با مقامات فرانسوی در مورد تمامی مسائل موجود میان دو کشور ایران و فرانسه، از جمله مسئله گروگان‌ها در لیبان، مسئله یک میلیارد دلار شاه به فراسه، مسئله روابط عراق و فرانسه، مخالفین ایرانی مقیم پاریس و نیز زندایانی که به جان "شاپور بختیار" سوء قصد نافرجم کرده بودند، گفتگو خواهد کرد. در مورد گروگان‌ها در لیبان، فرانسوی‌ها دیگر معتقد شده‌اند به جو تهران‌کسی، نسی توافق بر رایاندگان در لسان، تأثیری نگذارند. بد لیل اینکه این گروگان‌ها با به گفته یکی از مقامات فرانسه به صورت "مسئل ملی فرانسه" در آمده‌اند و نیز به دلیل اینکه توسل به رور مای نجات جان آه، شاید به مرگ‌دان منجر گردد، پاریس برای آزادی این گروگان‌ها روش انجام مذاکرات با تهران را ترجیح داده است. برخی از ناطران معتقدند فرانسوی‌ها یک معامله شامل مسائل زیادی برای بحث و بررسی آن با ایرانی‌ها در دست دارند. از جمله این مسائل می‌توان از مسئله گروگان‌ها، مسئله گروگان‌ها در شام و مسئله یک بیلیارد دلار نام برد. براساس این معامله پاریس نایسی آزادی عمل مخالفین رژیم ایران همچون "بنی صدر" و "سعید رجوی" و "شاپور بختیار" را محدود نمایند و نیز یک بیلیارد دلار شاه "معدوم" را به صورت کسکهای اقتصادی پس از پایان جنگ، در قبال آزادی گروگان‌های موجود در لسان، به تهران برگردانند. به نظر می‌رسد که هیزان فضایت گروههای مخالف رژیم ایران در پاریس گاهشی باشه است. در حال حاضر گفتگوها میان دو کشور ایران و فرانسه دقیقاً در مورد این معامله یک بیلیارد دلار چیست؟ در نیمه دهه هفتاد، شاه از یکی از شرکت‌های آلمانی خواست تا یک نیروگاه انسی در ایران، احداث نماید. همچین از فرانسه درخواست نمود تا این کشور نا خرد چندین سهم از سهام یک شرکت ایرانی که در زیرزمین "وزیریم" غاییت می‌کند و فرانسه برگزین سهام دار آد به شمار می‌رود، موافقت کند. کشور فرانسه در این زمینه موافقت خود را اعلام نمود. شاه برای حربان لطف و محبت این کشورهای یک وام یک بیلیارد دلاری برای سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی، در اختیار رژیم فرانسه قرار داد. این داستان یک بیلیارد دلار بود، میوه شرط ایران همان خودداری رژیم فرانسه از ارسال اسلحه به عراق است. در اینجا این سلوک عظیم من شد که آیا رژیم فرانسه با ۳ تشریف ایران موافقت خواهد کرد؟ در اظهار "زاک شیراک" نخست وزیر فرانسه آمده است: "پاریس خواهان ادعاه گفتگو با "ایران" کشور برگزی که فرانسه هیچ گونه دشمنی با آن ندارد، می‌باشد، و در عین حال خواهان حق‌وقوع و ادامه روابط دوستی و همکاری با کشور عراق نیز می‌باشد. "اظهارات نخست وزیر فرانسه یان‌گر این است که رژیم پاریس اکنون برای ایجاد توازن در روابط دیپلماتیک خود با تهران و بعد از ناکنون مبدول می‌دارد. برخی از مخالف فرانسه بر این عقیده هستند که پاریس راهی جز آمیختن تلاش‌های خود با تلاش‌ها برای برقراری صلح میان بغداد و تهران، ندارد. آیا پاریس دست به طرح تازه‌ای در این زمینه می‌زند و آیا در این امر موافق می‌شود؟ تنازعی دلایل شان می‌دهند که ایران هرگز به طرح را در جهت برقراری صلح با عراق رد کرده و بر شرایط خود اصرار خواهد نمود، به ویژه اکنون که توانسته است قسمتی از قدرت نظامی و روابط سیاسی خود را دیگران را دوباره بدست بیناورد. آن وقت پاریس خود را ناگزیر به اتخاذ موضع ساقی خود مینمی بر تأیید عراق و دست گشیدن از برقراری توازن در دیپلماسی و یا تسليم در برای شرایط ایران، خواهد یافت.

دیدار خبرنگاران از جبهه

نماینده به جای شهید محلاتی و نیاز به کار فرهنگی بیشتر درجهه‌ها گفتند. برای آنها مفصل‌اً صحبت کردم.^۱

آقای [کمال] خرازی آمد. پیشنهادهای جدید تبلیغاتی داشت و از عدم همکاری سپاه گله می‌کرد، آقایان [علی] یوسفی و [مصطفی] پور محمدی آمدند و گزارش کار کرد دادگاه تحلفات جنگی را دادند. برای ادامه کار سیاست مشخص خواستند که بحث شد. آقای محسن رضایی اطلاع داد امروز جیمه مهران آرام بود و خبر نگاران خارجی دیدار کرده‌اند. شب مهمان آیت‌الله موسوی اردبیلی بودیم. درباره روابط با فرانسه و قیمت‌ها^۲ بحث شد.

دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۶۵ | ۲۹ شوال ۱۴۰۶ | ۷ July ۱۹۸۶

در منزل بودم. تا ظهر وقتی به مطالعه گزارش‌ها و انجام تلفنی کارها صرف شد. معمولاً روزهایی که در منزل هستیم، کارها را به خانه می‌آورم. عصر آقای [علی] فلاحیان [معاون وزیر اطلاعات] آمد. توضیحاتی درباره اقدامات وزارت داد و درباره برنامه‌های آینده مشورت کرد. از اینکه مسئولیت معاونت امنیت داخلی از ایشان گرفته شده، ناراضی است.

آقای رفیق دوست و مسئول صنایع نظامی سپاه آمدند، دو ساعت مذاکره کردیم. قسمت عمده وقت را برنامه تولید وسائل دفاع در مقابل اسلحه‌های شیمیایی گرفت. پیشنهای قابل توجهی در امر پل سازی، قایق سازی و تولید وسائل دفاع داشته‌اند. در ساخت مهمات به شیوه ریخته گری به جای روش معمول کشش، و در امر ساخت وسائل نیروی دریایی و زیر دریایی، ابتکارات جالبی دارند.

۱- در این ملاقات که مستولان دفاتر نمایندگی امام در سپاه پاسداران، استاد هنرگری، بوحاجی و قرارگاه‌ها حضور داشته‌اند آنای هاشمی با تشرییع اهمیت تعلیم این دفاتر در سازماندهی تیرووهای برخورزت شرکت فعال روزگاریان در جبهه‌ها تأکید کرد. در بخشی از سخنرانی آمده است: "اگر بتاید شد سپاه همیشه حافظ اتفاقات اتفاقات باشد، نیاز به چهارگاری و ایثارگری دارد و روحیه ایثارگری، همواره لیاز به هدایت گر و معلم دارد. از بیرون وارد حضرت امام این نیاز را رفع عی کند و از درون افرادی مانند شما، این ترکیب را حفظ می‌کنند، اگر بتاید روز عتملاً هزار روحانی به جبهه‌ها اعزام می‌شده از هر روز چهار نیازبر آن به جهیه اعزام شوند و در این رابطه از روحانیان سطح بالا و از جامعه مدرسین هم استفاده کنند و در جبهه‌ها شخص رسیدگی به واحدها، به واحدهای ارتقی هم سر بریزد." رجوع کنید. کتاب "هادیتی رسمخانی سخنرانی های سال ۱۳۶۵"

۲- اداره آمار اقتصادی پانک مرکزی جمهوری اسلامی در مخازنی اعلام کرد که شاخص بهای عمده فروشی گالاها در ایران در خرداد ۱۳۶۵ تسبیت به ماه قبلاً ۴ درصد افزایش داشته است. این شاخص در مقایسه با رفم خرداد ماه قبل ۱۶ درصد ترقی شتاب می دهد. براساس این آمار، هنوز شاخص بهای عمده فروشی گالاها در ایران علی مه اوی می سال ۶۵ به میران ۱۲ / ۴ درصد تسبیت به دوره مسایه میان قلل افزایش یافته است. در ادامه این مخازن، افزایش قیمت سیاری از کالاهای اساسی در مدت مذکور مورد تأیید قرار گرفته است:

سخنرانی در جمع بسیجیان در ورزشگاه آزادی تهران

آقای محسن رضایی اطلاع داد، امروز در گیری‌های محدودی در جیهه بوده است.

سه شنبه ۱۷ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ شوال ۱۹۸۶ July ۸

تا ساعت ده‌ویم در جلسه علنی بودم. اطلاع دادند که تیروهای ما در حمله به ارتفاعات جنوب قلاویزان در خاک عراق، پیروزی‌های مهمی به دست آورده‌اند. در دفترم تا ظهر چند ملاقات داشتم. آقایان آقامحمدی و کمالی آمدند. امام جمعه پاوه از برخورد شهردار پاوه شکایت داشت. آقای نورانی از قم، مدعی تحقیقات وسیع درباره خواص داروهای گیاهی بود و کمک می‌خواست. قرار شد از طریق دانشگاه آزاد اسلامی رسیدگی و در صورت مفید دیدن کمک کنیم.

عصر آقای حافظ ریاض از علمای پاکستان با جمعی از طلاب آمدند و درباره اوضاع پاکستان توضیحاتی دادند. مدعی بودند طرفداران خانم [ای] نظیر [ای] بوتو در پاکستان، بیشتر از حامیان جناح حاکمند. محرومان هم حامی حزب مردم هستند و درباره موضع شیعه در مقابل دو طرف مشورت کرد. در جلسه فاتحه برای ابوی آیت‌الله خامنه‌ای در مدرسه شهید مطهری شرکت کردم. دکتر [هادی] منافی و همکارانش در [سازمان حفاظت از] محیط زیست آمدند و از مشکلات کارشان و خطرهای عدم مراعات مقررات محیط زیست گفتند. تأکید کردم مسئله تالاب انزلی را حل کنند.

اطلاعات ارتش آمدند. برای آنها سخنرانی کردم.^۱ آقای خسرو تهرانی آمد و از کیفیت برخورد با او و رفتایش در جریان رسیدگی به پرونده انفجار نخست وزیری شاکی بود.^۲

۱ - در این دیدار که مستولاً واحد حفاظت و اطلاعات ارتش جمهوری حضور داشته، آقای هاشمی با اشاره به حسابت ارتش در نظام‌های سیاسی، به وزیر در جمهوری اسلامی که به خاطر اهداف افغانی و اسلامی خود عورت هجوم دشمنان فرار دارد، بر مسئولیت خلیف ارتش در حفاظت از مرزوکوں تأکید کرد و گفت: "نفر دشمن در همه جا خطرناک است، اما در ارتش بیشتر از جاهای دیگر من تواند مضر باشد و سلامت صحیح ارتش، مسئله‌ای است که به سلامت کشور کمک عی کند و خجال مردم را راحت می‌سازد؛ چرا که مردم ما وجود ارتش عالی‌تر گزینی که مرزهایشان را حفظ می‌کند، آمرزده زلگی کرده و در نلاتی‌ها شرکت می‌کند." رجیع کنید → کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های مثال ۱۳۶۵»، "دقترین معارف افغانستان"، ۱۳۸۷.

۲ - آقای خسرو تبری تهرانی یکی از مبارزان مسلمان قبل از انقلاب بود که به خاطر مبارزه با رئیس سمت شاهی، سالهایی را در زندان گذراند. وی بعد از پیروزی افغانستان اسلامی در سال ۱۳۵۹ با حکم شهید محمد علی رجایی به سمت عماون نخست وزیر و رئیس دفتر اطلاعات و تحقیقات (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

سرهنگ ترابی آمد و طرح تصرف اسکلهای البکر والعمیه عراق را توسط نیروی دریایی آورد.
گفتم با سپاه هماهنگ نمایند. تا ساعت نه شب در دفتر کارم کارها را انجام دادم. امروز کمالت داشتم؛
کمی تب و خستگی.

چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۹ July ۱۹۸۶

پس از شروع جلسه علمی مجلس، برای سخنرانی در سمینار طرح فرماندهان بسیجی به ورزشگاه [آزادی] رقم ۱. بیناست از افراد بسیجی برای کار [آماده سازی] پانصد گردان جدید التاسیس سپاه استفاده شود. ساعت یازده برقشتم. خانم توحیدی از فریمان برای شکایت از نماینده خودشان و گزارش وضع آنجا آمد.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. عموزاده محسن از رفستجان آمد. با آقای میری مدیر عامل [مس.] سرچشمۀ اختلاف پیدا کرده است. شب سران قوا مهمنان من در مجلس بودند. درباره

(ادامه پاروفی از صفحه قبل)

تجھیز وزیری منصوب شد و به کشف و خنثی سازی توقیلهای خسادگلات و برخورد با عوامل جاسوسی پرداخت. آقای تهرانی این مسٹ را در کابینه آیت الله مهدوی کی و مهندس میرحسین مرسوی پیر حفظ کرد و دامال ۱۳۶۳ که عملاً وزارت اطلاعات تشکیل شد، این وظیفه را به انجام رساند. وی پس از جاده هشتم شهرپور ر شهادت محمد علی رجایی و محمد جواد باهر در پرونده مریوط به این جاده مدت گذشتی
بازداشت شد. پرونده مریوط در سال ۶۵ به دستور امام خمینی (ره) مخفومه گردید. عامل سره‌عقله هشتم شهرپور فردی به نام مسعود کشیری پردازش کرد. دکتر تهرانی در دوست آقای محمد خاتمی، مشاور رئیس جمهور بود.

۱ - سمینار سراسری پنج هزار نفری فرماندهان بسیجی (طرح مالکه اشتر تا اسامه) در سال ۱۲ هزار نفری استادیوم آزادی برگزار شد. در این سمینار آقای هاشمی گفت: «طرح مالکه اشتر به دلایران از تیار مالکه اشتر نویل می‌دهد برای ایجاد تحول وارد جبهه‌ها شوند. وضع جبهه‌ها و شرایط منطقه و دنیا، یک آمادگی جدی را مطلبه می‌کند. بعد از عملیات و الفجر هست در شرایط سیاسی منطقه تحولی ایجاد شد و شرایط دنیا تا حدودی بسیگی به شرایط جبهه‌ها دارد. همان طور که امام غرموده‌اند اصل سال پیروزی است و امیدواریم سالی باشد که اهداف مقدس ما تحقق یابد و سربازان خوبی برای رهبر باشیم و به اهداف جیگ نا پایان سال داشت باشیم». برخیز کنید ← کتاب «هاشمی رضستانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر نشر معارف اقلای، ۱۳۸۷

۲ - در این روز فرمانده کل سپاه پاسداران علی نامه‌ای به فرماندهان فراخی محلنگ کشته، بر نامه ریزی تهدیدات نیروی انسانی آنان را به نیروی زعینی سپاه برای سال ۱۳۶۵ ابلاغ کرد که طبق آن در سال جاری، نواحی مذکور می‌باید در مرد جذب و تأمین حدود ۴۸۰ هزار نیرو شامل ۹۵ هزار پاسدار و ۱۶۰ هزار سرباز و ۲۲۰ هزار بسیجی، اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین با تراویق سپاه پاسداران و وزارت آموزش و پژوهش، تعدادی از نیروهای داوطلب آموزش و پژوهش خود را به عنوان مأمور برای گذراندن دوره آموزش فرماندهی از رده گردان به یابیم، به سپاه پاسداران معرفی می‌کنند. این افراد باستثنی دوره آموزش نظامی را گذرانده و حداقل دویار در عملیات شرکت کرده باشند. مدت مأموریت این یک سال می‌باشد که قابل تمدید است. افزون بر این اقدامات، عربست کاروان‌های مختلف یزمنی و تخصصی منشکل از نیروهای داوطلب مردمی و بسیجی از سراسر کشور به می‌توی جبهه‌ها نزد ادامه دارد.

ستاریوی کار با فرانسه که توسط آقای معیری ارائه شده تصمیم‌گیری کردیم و متن پیشنهادی به امام در مورد نصب صیاد شیرازی در شورای عالی دفاع تایید شد. شب در مجلس خوایلدم.*

پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذی‌قعده ۱۹۸۶ July ۱۰

قبل از شروع جلسه درباره عدم امکان طرح گزارش کمیسیون ویژه [رسیدگی به] بیانیه الجزایر در جلسه علمی صحبت کرد. ۱۲۰ نفر نماینده خواستار طرح آن شدند.^۱ رفسنجانی‌ها تماشچی جلسه بودند. شعار دادند. آقای [مرتضی] فهیم [کرمانی] آمد، اعتراض داشت.

ستاد قرارگاه خاتم جلسه داشت. طرح عملیات نیروی دریایی در اسکله العمیه عراق مطرح بود که تصویب شد. گزارش عملیات مهران توسط آقای [علی] شمخانی ارائه شد. آقای [محسن] نوربخش آمد و اظهار آمادگی برای ادامه خدمت در بانک مرکزی داشت. وزیر اقتصاد با ایشان مخالف است. فرماندهان سپاه آمدند. درباره مواضع موشکهای ساحل به دریای چین و عملیات آینده مذاکره شد. عصر هیأت سوری [مشکل از] سه وزیر اقتصاد، صنایع و نفت به ملاقات آمدند. استمداد کردند. دکتر [عباسعلی] زالی [وزیر کشاورزی] آمد. موقعیت‌های کشاورزی و طرحها را گفت و برای رفع مشکلات استمداد کرد.

آقای [ایرج] صفاتی [دزفولی] رئیس دیوان محاسبات آمد. گزارش داد و از کمی بودجه و عدم همکاری کمیسیون محاسبات گله داشت. آقای قومی حائری سفیرمان در امارات آمد. از لزوم انسجام برنامه تجارت ما در امارات گفت. آقای رهنما آمد و از عدم همکاری بانک مرکزی با صادر کنندگان شاکی بود. سفیرمان در بنگلادش آمد. وضع آنجا را گفت و لزوم توجه بیشتر به آنجا را خواستار شد.

* - در پی پارگشته تاموقن مکفارلین و همراهان وی از تهران در هفتم خرداد سال ۶۵، در این روزه منظه قربانی بر - دلال اسلحه و یکی از عوامل اصلی ترتیب دهنده سفر هنریور - در نامه‌ای به محسن کمک‌خواه رابط ایرانی خود، به بورسی تأثیرات آزاد شدن "مایرفرد" یعنی از گروگان‌های آمریکایی در بیرون بر از سال سلاح، تغییر رهار آمریکا و اصلاح مواضع سیاست خارجی اش در مورد جمهوری اسلامی و هنجین انتظارات منفای آمریکا از ایران پرداخت. برای مطالعه عنان این نامه رجوع کنید → کتاب ماجراهای مکفارلین، محسن هاشمی، حبیب‌الله حبیدی، دفتر نشر معارف اقلیات، ۱۳۸۸.

۱ - در این نامه تباین‌گان در خواست کردند تا گوارش کمیسیون ویژه رسیدگی به بیانیه الجزایر و مسائل مربوط به دعواری ایران و آمریکا در دستور کار مجلس قرار گیرد. مجلس این کمیسیون را در سال ۶۵ به منظور تعقیق در نزهه عملکرد دستگاه اجرایی هنریور به هیأت داوری دعاوی ایران و آمریکا تشکیل داده بود.

خبر رسید امشب در مهران پیروزی جدیدی بدست آمده است! آقای محسن رضاپایی از اردبیل، از تصویب طرح نیروی دریایی [درخصوص اسکله العمیه] اظهار نارضایتی کرد.

۱۱ July ۱۹۸۶

جمعه ۲۰ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۳ ذیقعدہ

در منزل بودم. امامت جمعه [در تهران] را آقای موسوی اردبیلی اقامه کردند. پیش از ظهر احمد آقا آمد. در مورد متن حکم امام در خصوص تعیین صیاد [شیرازی] و [محسن رفیق دوست] وزیر سپاه در شورای عالی دفاع مذکوره کردیم.

عصر مصاحبه مفصلی با مجله پاسدار اسلام [ارگان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم] درباره جنگ داشتم. تلفنی اطلاع دادند که نیروی دریایی برای تصرف اسکله العمیه آماده عملیات شده ولی نیروی هوایی توانسته ماموریت خود را انجام دهد و نواخت توپخانه سپاه هم قوی نیست.

۱ - با پایان یافتن عملیات کربلایی یک سپاه پاسداران، در منطقه عمومی مهران که مسح به آزادسازی شهر مهران و نسلت نیروهای خودی بر ارتفاعات منطقه گردید، امروز پیروی زمینی سپاه یک دستورانعمل پدافتندی به نیروهای تحت امر در منطقه مذکوره ابلاغ کرد. طبق این دستورانعمل، قرارگاه نجف به منظور ثبت خط منطقه عملیاتی کربلایی ۱ استفاده از پیگانهای تحت امر خود شامل تیپ ۲۱ امام حسن (ع)، لشکر ۱۷ علی بن ایطاب (ع)، لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، لشکر ۱۱ سید الشهدا (ع)، لشکر ۵ نصر، تیپ ۱۱ امیر المؤمنین (ع) و لشکر ۴۱ ثارالله، به پدافتند از منطقه مذکور می‌پردازد.

در هنگام ثبت خطوط، لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، نایق عاده بالهای ارتفاع ۲۴۳ را در عرب این ارتفاع تصرف کرد. در این عملیات، فوارگاه تاکیتی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ ارتش عراق به تصرف درآمد و حدود سه گزدان از نیروهای دشمن منهدم شدند و ۷۰ تن از آنان به همراه یک فرمانده تیپ به اسارت درآمدند. همچنین در این عملیات نیروهای اسلام ۱۰ نانک سالم را به عنیت گرفت و ارتفاع ۱۹۰ آزاد گردید. عملیات هریور در راقع آخرین پیشروی نیروهای خودی در عملیات کربلایی یک است و از این پس، نیروهای به قیمت و تحکیم مواضع تصرف شده و تقویت خطوط پدافتندی مرجوح می‌پردازند. به این ترتیب عملیات کربلایی یک با پیروزی کامل و دست یافی به اهداف به میزان بیش از ۱۰۰ درصد اهداف تعیین شده، به پایان رسید و نیروهای خودی با تسلط کامل بر قله ۲۲۳ و پیش از آن، نا ۱/۵ کیلومتر از این ارتفاع به سمت غرب گستری یافتد. از سوی دیگر، دوین کاروان اسیران عراقی عملیات کربلایی یک با ۶۰۰ اسیر وارد اصنهان شد و مردم این شهر ضسن حضور در مسیر عبور آنها، با شرکت در یک تظاهرات خیابانی، شعارهایی را در حمایت از ادامه جنگ تا پیروزی نهایی سردادند.

۲ - این مصاحبه با عنوان "نقش نوعلمه‌ها در تسريع پیروزی نهایی" منتشر شد و در آن مطالعی در خصوص نوعلمه سقوط قیمت نفت، اهمیت فتح فاو، وضعیت جبهه‌های جنگ، سنا و پیشیگیری جنگ، وضعیت اقتصادی کشور و توجه نوعلمه دشمنان مطرح شده است. در بخشی از این مصاحبه که جنجال بسیاری به یافته، آمده است: "کشورهای جنوب خلیج فارس که جامی عراق هستند و عراق از نمای تدقیق آنها تقاضه می‌کنند، باید بدانند که اگر باشد هر اکثر اقتصادی رده شود، آنها را هم به حساب عراق خواهیم گذاشت". این مصاحبه در شماره مرداد به چاپ رسید و بازتابی بسیار زیبادی در محلات مسایی دنبی داشت. رجوع کنید به کتاب "اهاشمی روشنگرانی؛ مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵" دفتر شرکت معارف اقلیات، ۱۳۸۷

عکس اعضا شورای نگهبان

شنبه ۲۱ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۴ ذیقده ۱۹۸۶ July ۱۲

از برنامه تسخیر اسلکله العمیه استخبار کردم. معلوم شد توanstه اند تصرف کنند، اما مدعی هستند که یک هواپیما و دو هلی کوپتر عراق را سرنگون و دو قایق را غرق کرده‌اند.^۱

۱- اطلاعه شماره ۲۵۲۹ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران حاکی است که در ساعت ۴۲/۳۰ امتحب «اسکله العمیه عراق مورد حمله نکاوران بیروی دریایی ارتش قرار گرفت و به تأییات آن خسارت‌های سیاری وارد شد. در فرود از واحدات شاور دشمن فیز در این عملیات با آنکه شاورهای بیروی دریایی جمهوری اسلامی منهدم شدند».

طبق طرح عملیات مذکور، که قبل از جلسه‌ای با شرکت فرماندهان بیروی موافق و ستاد مشترک ارتش، سپاه پاسداران و آفای هاشمی بیرونی شده بود - می‌باشد ۸ قایق داف.اج.سی به همراه یک یا دو فروند «روتوزگ» (به اسلکله حمله می‌کردند و چند فروند «روتوزگ» و «میسی روتوزگ») مسلح به توپ ۲۳ و ۱۰۶ میلی متری پیشیبانی ترددیک آنها را انجام می‌دادند. یک شاور اف.اج.سی به هواه ۵ فروند «روجندر» مسلکل تأثین دهانه خور عبدالله بودند تا آن را ستدند و همین تعداد شاور نیز وظیفه داشتند که میان دو اسلکله البکر و الفسی (حدود ۱۱ کیلومتر) پیش شوند تا از ترددیک شدن شاورهای دشمن به اسلکله العمیه جلوگیری کنند. پیش میلی شده بود که دو یا سه ناوچه موشک الدار «کالس پیکان» از تبع «لاکرپیاتان» برای پیشیبانی آتش - از دور - شاورهای عمل کننده به مطلبه آورده شوند. براساس پیش میلی‌ها ناچار شد که برای فریب دشمن از هدف‌های کاذب استفاده شود و به این منظور یک‌کشی مستعمل جهت پداشت به مطلبه وارد شد.

برخلاف این طرح، نکاوران بیروی دریایی ارتش با شروع عملیات، پیش از رسیدن به اسلکله، از راه دور به تبراندای و شلیک برداختند و پس از مدتی اجرای آتش، همه آنها - بی هیچ آسیبی - عقبه نشانی گردند. بدین فرتبه عملیات بدون دست یابی به اهداف تعیین شده، به اجرای آتش مقابله از راه دور منحصر شد گفتنی است که در اطلاعه ستاد مشترک ارتش آمده است که همزمان با عملیات مذکور، شاورهای پیگان‌های پیاده (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

در جلسه علنی مجلس شرکت کردم، طرح دو فوریتی کیفیت انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان مطرح بود، صفت بنده جدی و جو مجلس پشیمانی بود، هدف صاحبان طرح، مبارزه با انتخاب شدن آقایان دکتر [محمدعلی] هادی و [سید محمد] اصغری و [گودرز] افتخار جهومی است، با کنترل شدید، جلسه را اداره کردم، کلیات طرح رد شد.

نامه پاسخ [آقای رئی شهری] وزیر اطلاعات در خصوص جعلی بودن اسنادی که اخیراً عليه دکتر هادی پخش شده، رسید. گفتم آن را بین نمایندگان توزیع کنم. خوشحال شد.

ساعت سه و نیم بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه مجلس خبرگان در دفترم تشکیل شد. دستور جلسه را تنظیم کردیم. از ساعت چهار تا هفت و نیم حله خبرگان داشتیم. مسئله لزوم مرجعیت فعلی رهبر یا عدم لزوم آن مطرح بود. شام را با اعضای خبرگان در سالان کتابخانه مجلس خوردم، تا دیر وقت کارهای دفترم را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. با نخست وزیر و آقای موسوی اردبیلی در مورد تحوه برخورد با پژوهشکاری که تهدید به اعتراض ۲۴ ساعته کرده‌اند، صحبت کردم.

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذی‌قعده ۱۹۸۶ July 13

در جلسه علنی امروز مجلس، انتخابات اعضای حقوقدان شورای نگهبان، هیجان زیادی داشت، کشاکش بین دو جناح بود و در مورد دکتر هادی، بالاخره با تفاوت دو رای - ندوپنچ در مقابل ندووهفت - او شکست خورد.

ساعت ده صبح به جلسه شورای عالی ستادهای پشتیبانی جنگ رقم، در مورد اعزام دانشجویان ثربیت سلام و دادن وام به ستادهای پشتیبانی و... تصمیماتی اتخاذ شد. آقای خامنه‌ای مرتضی بود، به

(ادامه پاروپنی از صفحه قبل)

هزاری نیروی دریایی ارتش یک هیلی کورپس (سرپرفلکشن) و یک (منگ) ۲۳، ارتش عراق را سرنگون کردند. دشمن در مقابل اقدامات علّتکرده در شب عملیات با غبور دادن دو تساور از خور عبدالله به منظور کسک رسانی به نیروهای خود در اسکله و همچنین تسلیک ۵ عرضک به طرف نیروهای خردی، تأکید کرده که با هرگز به حمله‌ای به اسکله‌های «العیسی» و «النکر» به شدت مقابله می‌کند. در این باره، عراق در اطلاعیه نظامی شماره ۲۲۸۹ خود اعلام کرد: از ساعت ۲۳ یک نیروی دشمن منتشرک از چند قایق بزرگ و متوسط قصد نفوذ به بندر العیسی را داشتند که در درگیری با نیروهای مأمور متوسط، یک کشتی فرماندهی، یک قایق توپدار و تعداد ریادی قایق کمچک که حامل افراد تیر بودند منهدم شدند. همچنین یک یه‌مک کش بزرگ دریایی در حال خروج از حریره خارکه، هدف قرار گرفت و منهدم شد. رادیو آمریکا نیز در انعکاس این عملیات گفت که واحدهای تربخانه مساحتی ایران تأسیسات نفتی عراق را در جنوب آن کشته گالوه باران کرده و خسارت‌های فراوانی به آنها وارد کرده‌اند.

عیادت ایشان رفتم. ظهر سر هنگ جمالی برنامه آینده نیروی زمینی را گفت. او عازم ژنو است. عصر مجلس خبرگان جلسه داشت. سپس هیأت رئیسه خبرگان در دفترم جلسه داشت. قرار شد سند تنظیم شده درباره رهبری آیت الله متظری به امام و آقای متظری داده شود و خبر آن پخش شود.

ناخدا [محمد حسین] ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی آمد. گزارش حمله ناموفق به اسکله العمیه را داد. مدعی است تجربه خوبی کسب کرده و فهمیده است تکاوران موجود نیرو، عرضه کاری از این قبیل را ندارند و باید عوض شوند، ولی کار بخشی دیگر خوب بوده است. وزرای سوریه به ملاقات آمدند.^۱

شب مهمان نخست وزیر بودیم و بیشتر درباره نطق آقای خامنه‌ای در کنگره غیر متعهدها در زیمبابوه بحث بود، درباره اعتصاب احتمالی پزشکان برای حمایت از [سازمان] نظام پزشکی هم صحبت کردیم.^۲ امروز عصر توسط [ابراهیم] اسرافیلیان به من متول شدند که دکتر حفظی آزاد و به حرفه ایشان توجه شود. گفتم پس از لغو تصمیم اعتصاب، می‌توانند برای مذاکره بیایند. شب در مجلس ماندم.^۳

۱- پر تکلیف روش ۲/۵ میلیون تن نفت به سوریه امضا شد. بر اساس موافق نامه چندیدی که در پایان سومین دور مذاکرات هیئت نفتی سوریه با روزیر نفت ایران امضاء شد، اتفاق رگردید که جمهوری اسلامی ایران طی شش ماه از اکتبر ۱۹۸۶ تا پایان مارس ۱۹۸۷ (از نیمه دهه ۱۳۶۵) نیمه فروردین (۱۳۶۶) به میزان ۲/۵ میلیون تن نفت به سوریه پیروز شد. این هیئت بلند پایه تجاری، تفکی، صنعتی و مالی سوریه با شرکت پریو اقتصاد و تجارت خارجی، وزیر صنایع و وزیر نفت و ترویج های معدنی و نیز چند از مقامات دولتی سوریه برای یک هفته ای، از ۱۴ تیرماه به ایران آمدند. رادیو بی‌سی می‌ضمن لعکاس خبر توافق نامه نفتی دوکشور (ایران و سوریه) گفت: "طبق قرارداد قلعی، ایران مالاًه ۶ میلیون تن پاروزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت در اختیار سریزه قرار می‌داد که ۲۰ هزار بشکه آن به طور رایگان و ۱۰ هزار بشکه دیگر در روز با برع تعیینی به سوریه صادر می‌شد، اما سقوط قیمت نفت، اخلال در جریان صدور نفت ایران و مشکلات سوریه در برداخت بهای نفت خردباری شده، این قرارداد را بامشکلاتی رو به روز ساخت." این منع اخورد: "آنجه مسلم است معامله جدید در مقایسه با قرارداد قلعی، خواهی اعیازات کسری برای سوریه است." بی‌سی این انتشار ایران به سوریه را عمل متفاصل ایران در مقابل برخورداری از حیات سوریه در جنگ و پس از لوله نفتی عراق در سوریه، اعلام کرد.

۲- اعتراض سازمان نظام پزشکی و تهدید به اعتراض ۲۴ ساعه پرسکان به مطرح شدن لایحه جدید نظام پزشکی در مجلس شورای اسلامی بود. در اعلانیه گروه آمده است: "الایحه جدید نظام پزشکی، جامعه پزشکی را به اسارت مقامات اجرایی در می‌آورد." این اقدام در وضعیت خاص گنوار امری مشکر که تلغی شد و با ماهانگی دستگاه قضایی، نخست وزیر طی حکمی هیأت مدیره نظام پزشکی عزیزی و شهرستانها را به علت عدم صلاحیت منحل کرد و دکتر هادی منافی را از تعیین تکلیف قطعی این سازمان به سرپرستی سازمان نظام پزشکی ایران منصوب نمود. دکتر حفظی از این‌گذاران سازمان نظام پزشکی و ذیر کل آن بوده است.

*- در این روز جنگدهای عراقی خنکش قرسی "آچلیس" را مورد حمله قرار دادند. این نخنکش که ۲۶۹ هزار تن طوفیت دارد، در حالی که به مظلوم بارگیری خارم حریزه خارک بود، هدف یک موشک اگرسه هواپیماهای عراقی قرار گرفت و دجاج آتشی سوزی شد که بین از مهار آتش به مصیر خود ادامه داد.

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | July ۱۹۸۶

از ساعت هشت صبح تا ظهر جلسه مجلس خبرگان داشتیم. آقای [صادق] خلخالی در نقط پیش از دستور در جواب آقای [احمد] آذری [قمشی]، حرفهای تندی گفت. عصر آقایان [محمد مهدی] دستغیب و [غلامحسین] جمی امام جمعه آبادان آمدند. با آقای جمی درباره چنگ زدگان و حفظ نخل های آبادان مذاکره شد.

آقای شیرازی امام جمعه مشهد آمد و از دخالتها در امور اجرایی استان و مخصوصاً کمیته و استانداری گله داشت. توصیه به همکاری و رفاقت کرد. آقای [مصطفی] ایزدی [فرمانده قرارگاه حمزه] آمد و از عملیات مهران گزارش داد. از خود محوری ها در سپاه و عدم مراعات ضوابط گله داشت و به ایجاد کنترل از طرف امام در سپاه توصیه می کرد.

آقای سرگرد دادبین آمد. از باند حجتیه در ارتش اظهار نگرانی کرد و درباره فرمانده نیروی زمینی در آینده حرفهایی داشت و از حساسیت ارشی ها گفت. آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. درباره اوضاع پاکستان، هند، قرقیزستان و لیبان بحث شد.

شب همراه اعضای مجلس خبرگان، جامعه روحانیت مبارز، شورای نگهبان و شورای عالی قضایی مهمنان رئیس جمهور بودیم. آقای مشکنی [رئیس مجلس خبرگان رهبری] و من برای حضور صحبت کردیم.^۱

رئیس جمهور اطلاع دادند که امام به نخست وزیر فرموده اند کسی را به جای رئیس نظام پزشکی نصب کنند و ایشان دکتر [هادی] منافی را نصب کرده است. احمد آقا اطلاع داد که آقای مستظری مخالف سخت گیری و شدت عمل نسبت به پزشکان اعتراضی است.

امروز جمعی از پزشکان به عنوان اعتراض به لایحه نظام پزشکی، دست از کارکشیده بودند ولی امام به آقای مستظری پیغام داده اند که در این امر دخالت نکنند، تأیروهای امنیتی و قضائی وظیفه خود

۱ - آقای هاتمی در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری - در غیافت شامی که آیت الله خاننه ای رئیس جمهور برای آنان تدارک دیده بود - اظهار امیدواری کرد که طبق یک طرح جدید و آینده ای نزدیک، چنگ به جایی برسد که نسام حقوق جمهوری اسلامی تأمین شود. در بخشی از این سخنرانی آمده است: «عملیات قاو و مهران به دنیا ثابت گرد که ما توانایی پایان چنگ را از طریق نظامی داریم... برای این مورد خانمۀ چنگ بسیار جدی است. طبق طرح جدید بوار بر این است که سپاه حداقل ۵۰۰۰۰ گردان مجوز را برای اجرای عملیات آماده کند و تأیروهای ارتش تبر با امکانات اضافی، توانایی های خود را بیشتر و قوی تر نمایند. در گام بعدی ۱۰۰۰ گردان توسط سپاه تجدید سازمان خواهد شد. این طرح بسیار جدی است و کار فراوان و شرده ای را لازم دارد که مسائل عالی، تسليحانی و آموزشی آن تأمین شده و با تولکل به خدا با موافقیت اجرا خواهد شد.»

را انجام دهنند، شب در مجلس ماندم.^۲

سه شنبه ۲۴ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ July ۱۹۸۶

صبح در جلسه علنی مجلس شرکت کردم، ساعت نه صبح به دفترم آمدم. آقای شاملو از اداره قوانین مجلس برای کارهای اداری آمد، سعیدالدزاکرین [معاون روابط عمومی مجلس] برای کسب اجازه انتقال به شرکت نفت آمد.

آقای رئی شهری آمد و درباره باندی که شبناه به نفع ارتضی و علیه سپاه پخش می‌کنند، مذاکره کردیم. تا حدودی به آنها رسیده‌ایم. از موقفیت‌هایی در نفوذ در عناصر ضد انقلاب و نیز از ضربه‌ای که امروز در حاکم عراق به نیروهای قرارگاه رمضان وارد آمده گزارشی داد.

پیش از ظهر در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. ظهر سفر و کاردارانمان در کشورهای آفریقائی و عربی آمدند. برای آنها صحبت کردم.^۱ عصر آقایان هادی و روحانی آمدند.

درباره تحسین روابط با فرانسه و انگلیس و اجازه به انگلیس برای معرفی سفیر تأکید داشتم. عصر مجلس خبرگان جلسه داشت. بحث با اصرار آقای خامنه‌ای بر لزوم عدم تفكیک رهبری و مرجعیت متصرک شد و ناتمام ماند. شب جمعی از نمایندگان که عازم اردوگاه آموزش نظامی برای رفتن به جبهه هستند، آمدند.^۲ آقای [صادق] احسان‌بخش امام جمعه رشت آمد. از نیازهای استان

* - در این روز امام خمینی (ره) فرمانده کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، علی حکمتی دو عضو جدید به شورای عالی دفاع افزودند. من حکم حضرت امام چنین است: "بسم الله الرحمن الرحيم، برای فعل کردن هر چه بیشتر و بهتر فرای مسلح کشور پیروزی دارد از تجزیه اشخاصی که در من مسائل جنگ برده‌اند، استناده هر چه بیشتر شود. مدین سب سرگار سرهنگ حسید شیرازی، وزیر سپاه پاسداران اقلال اسلامی را ناپایان جنگ به عضویت شورای عالی دفاع منصب می‌نمایم، از خداوند متعال ترقیت همگان را در خدمت به اسلام و کشور مسللت می‌نمایم. روح الله الصویی الخبیثی. ۲۳ تیر ماه ۱۳۶۵". رجوع کنید ← کتاب "صحیحه امام" ، جلد بیستم، صفحه ۷۳، مؤسسه تظمیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "از مجموعه برخوردها و شرایط کشور ما و منطقه و دنیا من احساس می‌کنم که دنیا و آنها که امکانات و نظرانشان در دنیا سرنوشت ساز است. در مردم ما بر سر دوراهی قرار گرفته‌اند و این پا و آن پا می‌کنند. تکاهی به طرف ما تقابل پیدا می‌کند و تکاهی ضد عالم شوند. جمهوری اسلامی یکی واقع است که دنیا باید با آن کار بیاید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفترنشر معارف اقلال، ۱۳۸۷.

۲ - در این ملاقات اینجا عضول سیچ نمایندگان مجلس شورای اسلامی گزارشی از فعالیت‌های انجام شده و استقبال نمایندگان از این افراد و توجه آموزش ارایه کرد. پس آقای هاشمی در سخنرانی گفت: "با توجه به تصمیمات منخدده در جهت خبرش عمومی برای پایان دادن به جنگ و پیروزی در میدان نبرد در سال حاری، اعزام نمایندگان برای دیدن دوره و حضور آنان در قرارگاهها بالشگرها می‌تواند تأثیر سپاه منتظر داشته باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفترنشر معارف اقلال، ۱۳۸۷.

[گیلان] گفت، از جمله تأمین نیازهای کارخانه‌های چای و ... آقای علی محمد دستغیب آمد. از تعادل خودش در برخورد با آقای [محی الدین] حائری [شیرازی] گفت و از تنی برادرش [آقای محمد مهدی دستغیب] و [احمد] تجارت گله داشت. شب در مجلس ماند.

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ذیقده ۱۹۸۶ July 1986

تا هنگام تنفس در جلسه علمی ماندم. گرما زده و خسته بودم. آقای‌هادی غفاری به دفترم آمد و از روزنامه رسالت و خط مقابل اظهار ناراحتی کرد. نامه‌ای در مورد آموزش سریع پرسنل ضد هوایی‌ها و ساحل به دریاها به نخست وزیر چین نوشتند که آقای [حمد] میرزاده [معاون نخست وزیر] به چین بیرون. عصر در جلسه مجلس خبرگان شرکت کردم. بحث عدم تفکیک مرتعیت از رهبری مطرح بود. گرچه به نتیجه مصوب رسمي نرسیدیم، ولی در پایان رای تمایل حضار به لزوم وحدت رهبر و مرجع اظهار شد. شب سران قوا و احمد آقا مهمان من بودند. در این جلسه درباره فرمانده تیروی زمینی بحث کردیم که قرار شد آقای [حسین] حسنی سعدی باشد. درباره کالاهای [مانده] در خارج بحث شد و هم درباره پیشنهادی در خصوص دادن چند میلیارد نقد دلار به ایران که نفت آن را در سالهای بعد بپردازیم.

۱ - در مقابله ناصیحت ناسامان اقتصاد، برخی تلاش‌های به شمر رسیده ایران مورد توجه مخالف انتصادی جهان قرار داشت: از جمله به گزارش شریه اقتصادی «میدل ایست اکتوبر میست»، صادرات نفتی جدید ایران از پایانه نفتی «لارک» ناصل کاهش ترخ بینه ناشکل‌ها در غلیظ فارس شده است. مطابق این گزارش، گمینه ترخ بدی یمه نفتی در لندن مرکب از شرکت‌های پیمۀ جهان اعلام کرده است که این گمینه ترخ بینه خود را از ۴۵ درصد به ۱۰ درصد کاهش داده است. در حال حاضر صادرات نفتی ایران از جزیره «خوارک» علی رغم حملات موافق عراق به طور عادی ادامه دارد و جمهوری اسلامی ایران روزانه یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت از این پایانه صادر می‌کند. مفسران علی رفع به شمر رسیدن این گونه تلاش‌ها و تداوم صدور نفت ایران در وضعیت به شدت مشکل جنگ‌کشندی‌ها، عالیاً می‌گویند: ایران در تگلای اقتصادی شدیدی قرار دارد. دیروز هرست، مقاله نویس آمریکایی در این باره می‌نویسد: «فشار مالی که عراق و تاکون سخت در تگلای قرار می‌داد، اکنون ایران را بیش از هر زمان تحت فشار قرار داده و تولیدات صنعتی و کشاورزی کسانی که رو به ارزش است، لائق ده میلیون بشکار و احتمالاً حدود چهار میلیون تن کم کارند. هیزان نزد مسالنه به حدود ۵۰ درصد می‌رسد و فقط گمکنگی‌گلان مالی دولت است که از افزایش سرمایم آور بهای مواد غذایی جلوگیری می‌کند و هردم را از عشرت و گرسنگی می‌رهاند. اقتصاد ایران اکنون بین از هر زمان دیگر منگی به عناید نفت است. ماه مارس سال جاری (استخنده ۱۳۶۶) مجلس برداخای به تصریب رسانده که مبلغ آن از عایدی نفت به ایران ۱۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بود و لی بیک ها و بیم پیش وریز نفت این اعیان را به ۲۰ تیم میلیارد دلار کاهش داده، حتی این رقم بیش از حد خوشبینانه است. زیرا اگر ایران صدور نفت را در حد یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روی تگلای دارد، با توجه به بهای کاهش یافته نفت، احتمال نمی‌رود که از آن باید در سال جاری بیش از پنج الی هفت میلیارد دلار نصیب کشور شود.» (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

شب را در مجلس ماندم. تمام این هفتة به خانه تر قتم. برای فرماندهان ارتش و سپاه از امام وقت ملاقات گرفتم و ابلاغ کردم.

۱۷ July ۱۹۸۶

پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیقده

به علت تأخیر چند نماینده، جلسه با سه چهارم ساعت تأخیر، رسمی شد. قبل از شروع از بی نظمی نماینده‌گان انتقاد کرد و تهدید به اجرای کیفرهای پیش‌بینی شده کرد. تا آخر در جلسه بدون تنفس ماندم و بعضی از مخصوصی‌ها را لغو کردم.

بعضی از نماینده‌گان آمدند و از حمایت شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز به اتفاق آراء از آقای ناطق [نوری] اظهار تاراحتی کردند. دبیل راهی هستند که اتفاق آراء نباشد که به معنای حمایت من و آقای خامنه‌ای از ایشان است.

عصر فرستادگان ویژه سرهنگ قذافی آمدند و پیشنهاد همکاری ما و لبی برای مبارزه با توطئه سقوط قیمت نفت را داشتند. نکاتی مطرح کردند و قرار شد پس از بردن پیام ما برای آقای قذافی جواب بدهند. آقای کنگرلو آمد و پیشنهاد جدید آمریکایی‌ها را در خصوص دادن امتیاز برای جلب کمک ما به آزادی گروگانها را آورد. امشب بعد از یک هفته به منزل رفتم.

۱۸ July ۱۹۸۶

جمعه ۲۷ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیقده

تا ساعت ده و نیم برای خطبه‌ها مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم.^۱ عصر

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

می‌توان در بررسی اقتصادی فوق و نیز نرسی‌های عدیده دیگر، تأثیر قیمت‌ها یا جنگ نفت علیه ایران را مشاهده کرد. به تدریج این امری پذیرفتنی می‌گردد که با اقدامات همه جایه‌ای که عدتاً در چارچوب جنگ اقتصادی علیه ایران و مهار پیروزی‌های همه جانه در جنگ صورت گرفته است، قیمت نفت روز به روز کاهش می‌یابد اما این سقوط هنوز امری عادی نشده است، فی المثل روزنامه «الایریونیکا» چاپ این‌الیا در شماره امروز خود نوشت: «بازار نفت دیرآلا شده است، تمامی سطوح قیمت‌هایی که کارستانان تصور می‌کردند دیگر پایین نیز از آن نخواهد آمد، ماه به ماه و روز به روز شکست می‌شود. روز دوسته (۱۳۶۵/۴/۲۳) نفت خام استخراج شده از دریای شمال (نفت برنت) به پایین ترین قیمت خود ۳۲ سال اخیر یعنی به شکل‌ای ۶۵ دلار رسید و صبح دیروز (۱۳۶۵/۴/۲۴) هر بشکه به قیمت ۸ دلار و ۸۰ سنت و بعد از ظهر دیروز هر بشکه به قیمت ۸ دلار و ۶۵ سنت معامله شده است. در همین حال خبر رسید که نفت دوبی «بهای کمتر از ۸ دلار به فروش رسیده است. از ۷ تا ۱۰ نیز خبرهای مبنی بر مبالغه پایاپایی بی‌نهایت با صریح نفت و کالا بین ایران و اروپا منتداور شده است.»

۱ - آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه امروز ضمن تشریح وضعیت کنونی جنگ، کاهش قیمت نفت را توطئه استکبار جهانی و هدف آن را (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

وقت را بستگان گرفتند. خانواده آشیخ محمد‌هاشمیان، همسیره صدیقه و بچه‌هایش و نیز بچه‌های مرحوم اخوی حاج قاسم آمدند. آقای سرهنگ جمالی از سوئیس تلفنی گفت سخنرانان سمینار که کارشناسان قدرت‌های نظامی هستند، نوعاً از شکست عراق و رفتگی بودن صدام حرف می‌زنند.

شنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۵ | ۱۱ ذی‌عده ۱۴۰۶ | ۱۹ July ۱۹۸۶

آقای [علی] شمخانی [فرمانده تیروی زمینی سپاه] آمد، وضع جبهه‌ها را گفت و در خصوص مطالبی که باید در جلسه فرماندهان سپاه مطرح شود، مذاکره شد.

ساعت هشت صبح همراه با فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌های ارتش و سپاه به زیارت امام رفیم. قبل از ملاقات در حیاط منزل امام، خدمتشان رسیدم و در خواست کردم که درباره اتحاد ارتش و سپاه و لژوم تداوم عملیات و مهلت ندادن به صدامیان و لزوم شرکت بیشتر مردم در جبهه چیزی بفرمایند. در حیاط کوچک بیرونی امام که حدود هفتاد نفر گنجایش دارد، جلسه تشکیل شد. مقدمتاً من چند جمله‌ای صحبت کردم و عید را تبریک گفتم. امام مفصل صحبت کردند.^۱ همگی فرماندهان موفق

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

نازد اشیان ایران از ادامه جنگ داشت و افزود: "امروز ما در بحیره یک مبارزة بسیار جدی روحانی فراز گرفتیم. استکبار عرب برای گرفتن یکی از دست آوردهای انقلاب اسلامی برناهه ویری کرده است و یک بخش آن این است که تیم نفت را که بر اثر انقلاب اسلامی بالا رفت و چند باره شد، از ما بگیرد و تا امروز هم در این کارش هرچه بوده است. این چند ماهه، دوره مرتقبه انتصارات غرب است و انسان این یک نهاج اقتصادی صرف نیست، به خیال عرب یک تهاجم اقتصادی، سیاسی و نظامی است و شاید کانون مبارزه‌ها باشند ولی او می‌خواهد کل منطقه را هم خلخ سلاخ کند. آنها با این اقدام [کاهش فیض نفت] می‌خواهد با یک تبر چند نشان بزند و مهم ترین این است که می‌خواهد دست ما را در چنگ تھیلی خالی کند. ما در این چنگ آن چنان برناهه ویری کرده‌ایم که این توطنه را بیرشكت خواهیم داد و چنان که آثار این برناهه را در «قاو» و «مهران» دیده‌ایم، این توطنه خیر شیجه معکوس خواهد داشت. این برناهه ای شاهدله در آینده آثار عظیمی از گذشته خواهد داشت." ایشان ضمن اشاره به دستگیری یک جاسوس آمریکایی که با پاسپورت ایالتی ایالات متحده در ایران متفاوت به کار بوده است، از اعلام اعتصاب جمعی از پوشکان، به عنوان اقدامی هم چهت با توکله جهانی دشمنان برای بر هم ریختن وحدت کشور در وقوعیت کوئی و بهره برداری از کسیووهای ناشی از ذہبیت کشور فام برد و گفت: "دشمنان انقلاب فکر می‌کنند جامعه ما را خاطر کنید امکانات اقتصادی تأثیرپذیری خواهد داشت. آنها می‌خواهند از عواملی که خال عی کند در جامعه وجود دارد برای در هم رویختن وحدت جامعه استفاده کنند." خواسته صنفی عورذ قول است اما مبارزه با انقلاب قابل قبول نیست. تسا آن قدر احتیاج دارید که گرفتن احتیاج از شما برای کیفر دادن تاکمی است، بنابراین، حرماتی که آمریکا روى آنها حساس باز کرده، اگر ان نکنند که از آن‌گل آنود می‌شوند ماهی گرفت. رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطه‌های جمهوری مال ۱۳۶۵، جلد دهم،" ذفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۱- که به مناسبت تولد امام رضا(ع) انجام شد، اینجا آقای هاشمی درگزارشی به فرمانده کل قواه به آمادگی تیرووهای رژیم جمهوری اسلامی برای به دست آوردن پیروزی نهایی اشاره کرد و با توضیح وضعيت مترول دشمن، گفت: "خبرهایی که ما از داخل عراق و ناظران خارج از عراق (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

شدند دست امام را بیوسند و چون معمولاً در ملاقات‌های عمومی، چنین توفیقی نیست، خیلی خوشحال بودند.

از ساعت نه و نیم تا یازده و نیم در حسینیه جماران با فرماندهان سپاه برای شنیدن تیازها و حرفاها آنان و تصمیم‌گیری در امر جنگ جلسه داشتیم. تب داشتم. با صرف قرص مسکن توانستم جلسه را تحمل کنم. آقای [محمد] باقری مسئول اطلاعات [نیروی زمینی] سپاه از به هم خوردن تعادل ارتش عراق و ضعف قدرت بازسازی آنها و نزوم توالي حملات مأگفت. موقوفیت‌های مهران روحیه روزمندگان ما را قوی کرده است. لشکرها، نیروهای داوطلب موجود کم دارند. از آنها خواستم با ترکیب نیروهای خود، اقدامی برای انجام دستور امام درخصوص تداوم عملیات بشود. عصر احمد آقا

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

دانیم، شناختی دهد که سه حرکت قاطع اخیر باعث شده است که ماشین جنگی عراق را به ضعف و زوال برسد و علی رغم نرطنه دشمنان، روحیه سربازان اسلام روید تکاملی دارد.

سپس امام حسینی (ره) به تعیین رظایف و چارچوب حرکت بیروهای مسلح در جنگ و تاکید بر نزوم تسریع و مدارست در عملیات حلی دشمن، پرداختند و فرمودند: "بر همه واجب است که دفاع کنیم از اسلام، امروز قصید، قصیه دفاع است.. این یک فریضه است بر همه ما و از هم فرائض است؛ یعنی حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالآخر است. تسا در چیزهای هیچ نگارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر نگذارید آرامش پیدا کند، می‌رود و تجهیز بیشتر می‌کند و شما را به رحمت می‌اندازد. باید نگذارید که او یک تسبیح از اضطراب بیرون پیاده شود، اگر نگذارید ممکن است از اضطراب بیرون پیاده شود. باید همه ملت ایران در این امر شرکت داشته باشد. سآله یک حکومت است، سآله سآله یک جبهه نیست، مسأله، مسأله اسلام است."

امام حسینی در بخشی دیگری از مخکان خود فرمودند: "شما گمان نکنید که انکا به مواری خدا برای ما بتواند کارگشایی بکند؛ انکا به خدا بکند که اگر یک روز ما انکای خودمادر را بر خدا برداشیم و دری نکنند گذاشیم یا روى سلاح گذاشیم، بداید که آن روز وری است که ما را به شکست خواهیم رفت. اخلاص پیدا کنید در کارهای ایشان، انکای خودتان را به خداوند تبارک و تعالیٰ قری کنید که نصیر نصرت بیان انکا [له] او حاصل نمی‌شود. شما در آن ملاحظه کنید که قدرت‌های بزرگی که انکا دارند به آن سلاح‌های عجیب و عربت خودشان، در اضطراب دارند زندگی می‌کنند. گمان نکنید کایع سهید و کایع کرملین الان آرام نشسته و آرام زندگی می‌کند، آنها با اضطراب زندگی می‌کند و این اضطراب به طاهر این است که آنها نیع شیطان هستند و شیطان نیع نگذارد طبایه پیدا شود، شما بخواهید که اضطراب بدانه باشید و ایمان نان را قری بکنید، بداید که نعمت دیانش است. اول باید اخلاق‌خان را قری کنید، ایمان نان را قری کنید بعد بروید دنیا آن طوری که خداوند تبارک و تعالیٰ فرموده است و این اخلاق و ایمان شما را قری می‌کند و روح‌خان را بالا می‌برد... و من به شما سفارش می‌کنم که بعد از اخلاق، اتحاد راه وحدت راه اگر اخلاق به این وحدت، شیاطین پیدا بکنید، به وحدت شما روزمندگان، بداید که شما اگر فتار آن کید شیطان شدید و شکست همراهش است. کوشش کنید که درین ما این نباشد که عن ارتضی هستم، من سپاهی هستم، من بسیجی هستم، همه احسان این را بکنید که ما خدمت اگر اسلامیم، وقتی نباشد همه خدمت اگر اسلام باشیم، اخلاق دیگر پیش نمی‌آید... امروز که دشمنان از جهات دیگر مأمور شده از جهت اینکه در جهه‌ها آنها یک پیش‌ترین نکنند یا بتوانند، فاو را برگردانند با بتوانند در «مهرا»، کاری نکنند آنها مأمور شده‌اند، ولی از این نکته مأمور نیستند که بین خودتان بیانند و اخلاق ایجاد کنند، این اخلاق از زبان هرگز باشد، از زبان هر مرجدی باشد، این زبان، زبان شیطان استه؛ چه از زبان یکه روحانی باشد، چه از زبان یکه مقدس باشد، چه از زبان یکه نهادگزار باشد و چه از زبان سایر زبان‌ها، بداید که این زبان، زبان شیطان است و گاهی هم خود آن آدم ملت‌ت بیست که تحت تأثیر شیطان است و زبان شیطان دارد در او تعالیت می‌کند. بنا بر این امور مهمه‌ای که بر همه ما واجب است، دفاع از اسلام و دفاع از جمیوری اسلامی است که بستگی دارد به وحدت." رجیع کنید کتاب "صحیحه امام" جلد پیشتم، صفحه ۷۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام حسینی (ره).

به منزل آمد. درباره مسائل جاری کشور و جنگ مذاکره کردیم.

۲۰ July ۱۹۸۶

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیقعده

به علت تعداد کم نمایندگان حاضر، نصاب رأی گیری با مشکل روبرو بود. یکسره تا نزدیک ظهر کار کردم و در جلسه ماندم.

ظهر آقای [محمد] اسحاق مدنی از نمایندگان اهل سنت استان سیستان و بلوچستان [نماینده سراوان] آمد. گزارش کامل از وضع منطقه و بلوچستان پاکستان و خطرات بالقوه و وضع روحانیون اهل سنت داد. پیشنهاد داشت که یکی دو نفر از علمای محل، مصدر امور باشند که با قدرت، امکانات و امتیازات دولت، منطقه و روحانیون را هدایت کنند.

عصر گروهی از نیروی هوایی آمدند. پیشنهاد و طرحی برای ساخت بال و بدنه هواییما داشتند و کمک و حمایت می خواستند. به گروه صنایع نظامی قرارگاه، ماموریت دادم با آنها مذاکره شود. [آقای عجلی] سفیر الجزایر برای خداحافظی آمد. برای سفرم به کشور الجزایر تأکید داشت.^۱

سرهنگ رزمجو رئیس نظام وظیفه آمد. از کثرت مراجعه مشمولان نظام وظیفه گفت که نوبت اعزام آنها به ماههای ۷ و ۸ این سال هم می کشد. این هجوم برای طرح جدید مجلس است و به خاطر کثرت غاییان بیش از نیاز است. از توصیه ها و سوء استفاده از معافیت پزشکی ناراضی است.

سفیرانمان در سودان و گابن آمدند. گزارش وضع آنجا را دادند و پیشنهادهایی درجهت توسعه روابط داشتند. آقای [حسین] شیخ الاسلام [معاون سیاسی وزارت امور خارجه] آمد و گزارش سفر به مالزی و اندونزی برای ایجاد هماهنگی در مبارزه با سقوط قیمت نفت را داد.^۲ نتیجه روشنی نیاورده است.

۱ - آقای هاشمی در این ملاقات خواستار تضمیم و اقدام مشترک گشته های صادر گشته نفت برای مقابله با ترکیه استکبار جهانی در گاهش قیست نفت شد. اینان در پاسخ به دعوت برای سفر به الجزایر تشکر کرد و اظهار امیدواری نمود که تلاش های برای پیشرفت دو گشتو ایران و الجزایر ادامه داشته باشد.

۲ - جنگ قیست ها (ذر زمینه نفت) علیه ایران از مردمی عامت جدی مرتبط با جنگ ایران و عراق است که در محافل داخلی و خارجی مرتبآ مرور یافته قرار می گیرد. در این باره آمریکا من به نهل از شرکت «داویوز»، در ترکیه، گزارش داد: «عربستان سعودی با کاهش قیمت نفت خود به صورت دست بیک، در صدد جلب پیشتریان زایبی است، در این راستا گشته های دیگر تولید گشته نفت در خاورمیانه به ویژه ایران و کویت برای قروض نفت خود به زاین تحت فشار قرار می گیرند. بر این ترتیب بازندگی ایران متعذر است، ایران خواهد بود، زیرا زایبی ها در ماه زیسته روزانه ۱۵۰ هزار تا ۲۰۰ هزار بشکه نفت ایران را با این های پایین تر از بازار آزاد از آن گشته خریداری کرده اند».

شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. آقای خامنه‌ای نبودند. ایشان مشهد هستند.

۲۱ July ۱۹۸۶

دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

دکتر وحید [دستجردی رئیس جمعیت هلال احمر ایران] و دکتر [علیرضا] مرندی [وزیر بهداشت، درمان و آموزش پژوهشکی] و [عطالله] مهاجرانی [معاون حقوقی و پارلمانی نخست وزیر] درباره لایحه نظام پژوهشکی که قرار است در مجلس مطرح شود، تلقنی صحبت کردند. معتقد بودند مسکوت بسازند تا در آینده محکم تر شود. سرانجام قرار شد در دستور بماند.

آقای [علیرضا] توکلی بینا آمد. در مورد احیای [جزیره] کیش هم صحبت شد. عصر محمد همشیرزاده - آمد. اجاره نایه املاک توق را به او دادم؛ چهار ساله از قرار سالی چهار صد هزار تومان اجاره داده ایم. شب استگان عفت مهمنمان بودند. کارهارا از مجلس آوردند، انجام دادم. امشب بارش باران در تهران، هوای گرم را عوض کرد.

۲۲ July ۱۹۸۶

سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی ماندم. در دفترم به کارهای جاری امور جنگ پرداختم.^۱ آقای

^۱- در این روز خبرگزاری کرویت از لندن درباره اقدام برحقی از تماین‌گان مجلس عوام انگلیس در خصوص تحریم تسليحاتی دو طرف درگیر در جنگ عراق و ایران تکرارش داد. "در لندن اعلام شد تماین‌گان مجلس عوام انگلیس طرحی را پیشنهاد کردند که طبق آن بکسر تحریم تسليحاتی علیه هر دو کشور درگیر در جنگ خلیج فارس" اعمال گردد. در این پیشنهاد که از مسوی ۷۸ تن از تماین‌گان مشکل از تسامی جنایت مجلس این کشور امضا گردیده، از دولت انگلیس خواسته شده است که اطیافیان دهد هیچ یک از سیاست‌هایی موج کنک به نقای رژیم [امام] خمینی نگردد. در این پیشنهاد همچنین به ادعای کمیسیون حقوق شور مجلس انگلیس تحت عنوان "تفسی حقوق بشر در ایران" اشاره شده است. در ادامه تکرارش آمده است: شایر پیغامبر ارتبیس تکرده مرسوم به "جشن مقاومت ایران" "ضم حمایت از این حرکت مجلس انگلیس اطهار ایدواری کرده که دولت انگلیس به فریاد مجلس عوام در این خصوص گزش فرا داده و مطابق خواسته آن مجلس عمل نماید".

۱- ماهنامه آمریکایی [ریتریوایجست]، در تکرارشی که نویسنده آن آتشکارا در بی کم اهیت تماین‌گان تسلیح و تجهیز اروان عراقی به دست دولت‌های عربی و دامن زدن به شایعات بی اساس روابط تسليحاتی ایران و اسرائیل است، اعلام کرد که دلالان سلاح با موافقت کشورهای عربی در حال پوشش حدود یک میلیارد دلار سلاح به کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران می‌باشد. طبق تکرارشی که در شماره اخیر این شرکه (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و خبرداد که در مذاکره با فرانسه از ادعای غرامت آنها در خصوص لغو قرارداد نیروگاه دارخوین کاسته‌اند. از مراحت شهرداری در مورد کارهای انرژی اتمی در اهواز گله داشت.

آقای [احمد]وحیدی [معاون اطلاعات سپاه] آمد. در مورد آزاد کردن یکی از گروگانهای آمریکایی در لبنان مذاکره شد. ما نفوذ جدی در گروگان‌گیرها نداریم. آنها مولعی مطرح کرده‌اند و به نظر می‌رسد معطل خواهند کرد.^۱

آقای [عبدالمحمد] رفوقی فرمانده لشکر ولی عصر خوزستان آمد و از کمی پشتیبانی استان از لشکر گله داشت. بنا شد کمک کنیم. گویا امکانات استان از کاتالهای دیگر صرف جنگ می‌شود و استانهای دیگر بیشتر به لشکر مربوط خود می‌پردازن. معمولاً هر استانی لشکرهای سپاهی مربوط به خود را با کمک‌های مردمی پشتیبانی می‌کنند.

ظهور نماینده الیگو در ز آمد. ماشین و محافظت می‌خواست. روحانی دهدشت آمد. از اینکه بعضی از مسئولان منطقه به دلیل اینکه مقلد آقای [سیدabolقاسم] خوئی است، با ایشان مخالفت می‌کنند، گله داشت.

عصر در سورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کرد. اساسنامه دانشگاه تربیت مدرس مطرح بود و آقایان [محسن] قراتی و [غلامعلی] حدادعادل برای بحث در کتب دینی مدارس و دانشگاه‌ها آمدند.

(ادامه پاروچی از صفحه قبل)

آمده است، بعضی از دلالان اسلحه وابسته به شرکت‌های قابوی هستند که کالاهای خود را با موافقت دولت‌های خوبی به فروخت می‌رسانند. این شریه افزوده است: «حدود ۲۰۰ دلار و فروشده اسلحه، کشورهای قانون شکن خاورمیانه از جمله ایران و تیبی را از طریق اقیانوسی می‌کنند. علاوه بر آن، یک کمپانی دولتی صنایع فولاد به نام دوست آیین، قراردادی صورمانه به ارزش یک میلیارد دلار با ایران معقده کرده است. اسرائیل نیز موافقت کرده است تا در مقابل نفت، کالا، مهمات و تجهیزات، او جمله قرب ۱۵۵ میلیون هزاری به ایران تحويل دهد. صادرات‌های جاموسی کشف کرده‌اند که اسرائیل به عراق نیز مواد شیمیایی صادر کرده است که از آنها در کارخانجات تولید گاز سوخت استفاده می‌شود. در میان کشورهایی که در تجارت اسلحه شرکت داشته‌اند بعضی از اعضا (تاق) و هم پیمانان نزدیک آمریکا از جمله قرانه، اسرائیل و آلسان عربی نیز به چشم می‌خورد، علاوه بر آن ایام ایتالیا و بریتانیا نیز در میان این کشورها دیده می‌شود. اسرائیل یکی از همین منابع تأمین اسلحه و مهمات برای ایران است. اسرائیل در سال ۱۹۸۵ یک کمپانی اسرائیلی در اتل آویو، به دلالان از جمله چندین ایرانی پیشنهاد فروختن موشک‌های هوا به هوای آمریکایی و تایلند و تندگ را ارائه کرد». این جمله آمریکایی در پایان گزارش کدک خود می‌نویسد: «آنچه که در پشت حمایت نظامی اسرائیل از چین رقیم‌های فائز تکنی چون آیت‌الله خمینی به چشم می‌خورد این است که درگیری پیش ایران و عراق در جنگ با یکدیگر، امنیت اسرائیل را کمتر تهدید می‌کند».

۱- در حالی که میریه نلات می‌کند نادر حسالله گروگان‌های خوبی در لبنان، جهت گسب امیاز در روابط با عرب برای خود نقش عمده دریافت و ترسیم کند و مزایای هر چه پیشتری به خود اختصاص دهد، امروز یک کادر سیاسی و دو از اکارکان ستارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان را هنگام عبور، نیروهای سوری مستقر در یک پست بازرسی در منطقه «قاع» در نزدیکی روستای «بسی شیت» توقیف کرده‌اند و پس از ضرب و جرح و اهانت، آزاد کردند.

عکس

آقای قراشی به تلحی خود موجود شکایت داشت. فکر می‌کند افرادی از قبیل جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] می‌توانند این کتابها را بنویسن. آقایان [غلامعلی] حداد عادل و دکتر [علی] احمدی جواب‌های خوبی دادند. رئیس دانشگاه تربیت معلم هم تعیین شد. شب در مجلس ماندم.*

*- در این روز، نزدیک به صندوق از معترضان به مسئله بدجایی در تهران، سوار بر موتو، فاصله میدان ولی عصر (عج) تا میدان تجریش را پیمودند و در طی این مسیر علیه افراد بدجای و گشتنی که ناس‌های غیر معمولی بر تون می‌کشند شعارهای مختلفی را سر ذارند، این گروه از موتورسواران را حذف پانزده تن از زنان با جهاب که سوار بر دو دستگاه وانت بودند همراهی می‌کردند. موتوسواران در هزاری علاوه بر شعار "مرگ بر این جهاب" در اعتراض به گرانفروشی و احتکار و هجومی تأکید بر اداءه جنگ ناپیروزی، شعارهایی می‌دادند. این گروه اعظام اعصاب اخیر عده‌ای از پیشکار را نیز مفعکوم کردند.

عنوان مرداد

حالی

چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۵ ذیقعده ۲۳ July ۱۹۸۶

قبل از دستور درباره سفر [شیمون پرز] نخست وزیر اسرائیل به مراکش^۱ [و ملاقات با شاه حسن دوم پادشاه این کشور] صحبت کردم و آن را محکوم کردم^۲. تاسعات نه و نیم صبح در جلسه ماندم. لایحه نظام پژوهشکی مطرح بود. برخی از اطباء به عنوان اعتراض به این لایحه یک روز اعتصاب کردند. ساعت ده برای سخنرانی در سمینار فرماندهان سپاه به مرکز ستاد سپاه رفتم و درباره لزوم تسریع در عملیات و تجهیز پانصد گردان حرف زدم^۳. در اثنای سخنرانی، خبر دادند وضعیت قرمز است و

۱- «شیمون پرز» نخست وزیر اسرائیل در اکاخ ارزن، با شاه حسن دوم پادشاه مراکش دیدار کرد. این تحسین ملاقات و مذاکره رسی میان یک رئیر اسرائیلی و رهبر یک کشور عرب در هشت سال گذشته است. در آستانه انجام شدن این سفر، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در اطلاع‌یابی رساناً این سفر را به شدت محکوم کرد. عراق نیز در پایانی این سفر، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در کرده، پدربانی پادشاه مراکش از نخست وزیر اسرائیل را یک عمل انحرافی خواند و آن را محکوم کرد. سوریه نیز روابط خود را با مراکش قطع کرد. لیسی این ملاقات را خیانت به آیمان اعراب دانست و یمن جزیری، الجزایر و سازمان آزادی تخلی فلسطین نیز این دیدار را به عنوان خیانت به ملت عرب محکوم کردند. در لیسی ولیان نظاهراتی علیه شاه مراکش برپا شد، از سوی دیگر، فرانسه، انگلستان و آمریکا حمایت خود را از این دیدار اعلام کردند.

۲- در یختنی از این نظر آنده است: «کشورهای عرب خلیج فارس احتمالاً به این دلیل در صدد مصالحة با اسرائیل هستند که از اسرائیل بخواهند در مقابل نفع فرایده ایران در منطقه خلیج فارس صفت آزمایی کنند. شاید آنها به این دلیل بر صلح با اسرائیل پاشنواری می‌کنند که از پیروزی ایران به وحشت افتدند و می‌بینند که هدایت حسین در حال منقطع به قبور جهنم است، چیزی که می‌تواند خطوط برای اسرائیل باشد». رجوع کید سه کتاب «هاشمی رضوی‌جانی، نظری‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵» دفتر شریعت‌عارف‌الغلاب، ۱۳۸۷

۳- سمینار دور روزه مراسی فرماندهان نواحی و پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور فرمانده کل سپاه و فرماندهان نیروهای سه‌گانه سپاه پاسداران و فرماندهان نواحی و پایگاه‌های سپاه آغاز به کار گرد. آقای هاشمی به تشریح سخنان اخیر حضرت امام (ره) فرمانده کل قوا در (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

صدای انفجار شنیدم. بعداً معلوم شد به پارچین بمب اندخته‌اند. شکر خدا که به نقاط حساس نخورده است. یک ابیار پشم آتش گرفته که خاموش شده و هفت نفر مجروح شده‌اند. آنجا مواد منفجره وجود دارد و خیلی خطرناک است. مشخص است که با اطلاعات قبلی آمده‌اند.^۱

به کارخانه ذوب آهن اصفهان هم حمله کردند که آسیب‌هایی هم وارد آمده است.^۲ به متاد تبلیغات جنگ گفتم خبر بددهد به اطراف تهران حمله شده و انتقام خواهیم گرفت. بعد از بیرون راندن عراق از مهران و تصرف نقطه‌ای در خاک عراق ارتش عراق برای ترمیم روحیه، به زدن شهرها روی آورده است. عراق معمولاً وقتی در جبهه شکست می‌خورد به این گونه شرارت‌ها می‌پردازد. آقای طارمی سفیرمان در عربستان آمد. از تیرگی روابط و عدم جواب مساعد به پیشنهادهای تحسین روابط ما گفت. قرار است سیاست پی‌گیرانه‌تری نسبت به آنها داشته باشیم و مسائل مدیریت حرصین شریفین و بازسازی بقیع و داشتن کرسی فقه در مراسم حج برای زوار و نظاهرات علیه آمریکا

(ادامه پاروپنی از صفحه قبل)

جمع فرماندهان یگان‌های رزمی سیاه و ارش پرداخت را از شرکت کنیدگان در سینما خواست زمینه اجرای فراین رژیه ایشان را فراهم نماید. در بخشی از این سخنرانی آمده است: «ملت سلطنت ایران و وزمندگان اسلام بایستی هر چه سریع تر جنگ را به مرحله‌ای برمانند که استکبار جهانی از ماج خواهی و سران کشورهای عرب از بایگانی دهی مأمور شوند و رژیم‌های اسرائیل و عراق و حایان صدام را مانعی دیگر مراجعاً نمایند. از فرماندهان نواحی و بایگانهای سیاه و مستولین ستاد پشتیبانی جنگ اساده‌هار رشته‌ستان‌ها می‌خواهیم باجهت آماده صاری و سازمان دهی هر چه سریع تر ۵۰۰ گردان رزمی مورد نیاز سیاه و بکارگیری امکانات ارائه شده از جانب مردم، ناچیز پیشمری تعاونی.» رجوع کنید → کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر معارف اقلام، ۱۳۸۷.

۱ - در این روز نیروی هوایی عراق غلبه بر مناطق عدالتی، در بخش وسیعی از ایران فعالیت شدید داشت. بیانار ذوب آهن اصفهان، صنایع نظامی پارچین نهران و چند ایستگاه راه آهن و هفت نظامی و نیز تجاوز هزاری به آسمان چند شهر عربی و مرکزی، از جمله حملات هوایی امروز دشمن است. در حمله هوایی‌های عراقی به «اصلاح نظامی پارچین» نهران از مجموع شلیک پرتاب شده، سه بیت به قست اثار پنه اصابت کرد که باعث آتش سوزی گردید. به گفته شاهدان عیّنی، هوایی‌ها ایجاد دشمن در فروند و از نوع سو خود دادند. این حمله هفت مجروح داشت.

۲ - در حمله پنج جنگلده رژیم عراق به کارخانه ذوب آهن اصفهان تعداد هفت بیت به سوی تأسیسات آذ پرتاب شد که چهار بیت عمل کرد و خسارات هایی وارد آورد، اما نه در حدی که منع بر تعطیل کارخانه شود. در این بیماران ۵ تن شهید و ۱۲۰ تن زخمی شدند. از اندای جنگ تحیلی این اولین بار است که ذوب آهن اصفهان مورد حمله هوایی هوایی‌ها ای عراقی فرایم گیرد. این حمله یک روز پیش از بار دید سپاهان چین، شوروی، کره شناسی، سگلان و بوگلادن از خط تولید ذوب آهن انجام شد. از سری دیگر، کارخانان روسی طرف فرآزاده ذوب آهن از زمانی که کشور میتواند وضعيت فوق العاده اعلام نموده، اصفهان را ترک کردند و هنوز به این شهرو باز نگشته‌اند. پادگان، استهداد عادت، مریوان را نیز امروز دویاره هوایی‌ها ای عراقی بیماران کردند که در نتیجه ۱۵ تن مجروح شدند. در بیماران روز گذشته این پادگان، پیش از این پادگان دچار آتش میزی شد که در این حادثه ۴۵ تن شهید با مجروح شدند. هوایی‌ها ای دشمن هشچن ایستگاه‌های راه آهن تگ و تگ زنگ در استان ترستان و یک پاسگاه در حوالی مسجد سلیمان را تیز بیماران کردند. آسمان قم و حريم هرایی استان همدان نیز مورد تجاوز هوایی قرار گرفت و نیز دیوار صوتی در شهرستان‌های نهادن، کرمانشاه و اسدآباد شکسته شد. هوایی‌ها هیلی کوپرهای عراقی مجموعاً ۷۳ سورتی بیرواز در ساعت گذشته در مناطق مختلف عملیاتی روی مواضع خودی انجام دادند. از سوی دیگر توپخانه آتش نیز بیروگاه برق و تأسیسات صنعتی و اقتصادی الحارثه عراق واقع در شمال نصره را تیز آتش گرفت.

رامطروح کنیم.

مسئول حفاظت سپاه آمد. راجع به حفاظت نمایندگان - که اخیراً با تصمیم شورای تامین کمتر شده - مذاکره شد. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. قرار شد گزارش کمیسیون بیانیه الجزایر را به کمیسیونهای مجلس بدھیم که نمایندگان مطالعه کنند، سپس برای بحث و تصمیم گیری، فکری بشود. شب در مجلس ماندم، درباره زدن موشك به بغداد مشورت کردم. منتظر که نظر رئیس جمهور و نخست وزیر را بگیرم. آنها [برای شرکت در مراسم ختم ابوی آیت الله خامنه‌ای] فعلًاً در مشهدند.

پنجشنبه ۲ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۶ ذی‌قعده ۱۴۰۶ | July 1986

اول وقت آقایان [حسن] روحانی و [محمدعلی] هادی آمدند و درباره مقابله به مثل حملات عراق بحث شد. تا ساعت ده و نیم در جلسه ماندم. اختلاف بین دو خط در انتخابات هیأت اجرائی بین المجالس وقت گیر شده است.^۱

ظهر خانم [عاقله صدیقی همسر شهید] رجایی [نماینده تهران] آمد و از کم توجهی به خانم‌ها مخصوصاً در مأموریت‌های حج گله داشت. آقای [حسین] محلوجی گزارش پیشرفت صنایع دفاع را داد.

عصر مسئولان تبلیغات جبهه و جنگ روانی و نیز گروه اطلاعات سپاه برای افغانستان و نمایندگان امام در واحدهای نظامی و خانواده‌های شهدای هفتاد دو تن آمدند. برای همه آنها جداگانه صحبت کردم.^۲

۱ - به علت اختلاف دوره تصدی شورای اجرایی بین المجالس، انتخاباتی جهت تعیین ۱۵ نفر اعضا شورای اجرایی جدید برگزار شد که این افراد به ترتیب انتخاب آرا برای مدت دو سال کسب کردند: ۱- احمد عزیزی - ۲- دکتر موسی زرگر - ۳- محمد پروردی - ۴- جلال الدین فارسی - ۵- محمد علی عزحدی کرماتی - ۶- محمد علی هادی نجف آبادی - ۷- سید جلیل سیدزاده - ۸- غلامحسین رازی - ۹- علی مرحدی سارچی - ۱۰- رسول منجبیان - ۱۱- سید فضل الله حسینی برمانی - ۱۲- سید هادی خامنه‌ای - ۱۳- اکبر پریزکار - ۱۴- حسین سلحشور - ۱۵- غلامرضا قدایی. شورای اجرایی جدید در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۶۵ اولین جلسه خود را جهت انتخاب اعضای هیأت رئیسه و دیگر کل تشکیل داد و این افراد انتخاب شدند: محمد علی عزحدی کرماتی (رئیس)، علی مرحدی سارچی (نایب رئیس اول)، محمد علی هادی نجف آبادی (نایب رئیس دوم)، دکتر موسی (زرگر) (دیگر کل)، غلامحسین رازی (خراندگار)، غلامرضا قدایی (مشی اول) و حسین سلحشور (نایب‌العنی دوم).

۲ - آقای هاشمی در دیدار با مسئولان و اعضا تبلیغات سپاه بر تعالیت همه سازمان‌های دی ربط در انعکاس اخبار جنگ تاکید کرد و درباره تأثیر تبلیغات در پایداری وزیر عراق و حمایت‌های تبلیغاتی آمریکا از آن گفت: "شکست عراق در قیچ المفین و خزمشیر و جاهای دیگر، هر ادامه پاورتی در صفحه بعد)

[آقای محمد رضا آیت‌الله] وزیر معدن و فلزات و معاونان آمدند. گزارش دادند و توضیحاتی گرفت. آقای [موسی] حبیر [حیب‌الله] آمد و از تعقیب وزارت اطلاعات شاکی بود. با نخست وزیر در مورد حمله امروز عراق به سنترج، باختران و کاغذسازی پارس و... و مقابله به مثل صحبت کردیم.^۱ قرار شد در مورد بصره تهدید کنیم. به قیروی هوایی دستور حمله به داخل عراق داده شد. دیر وقت به خانه رسیدم. بعد از سه روز کار متراکم، خسته بودم.

جمعه ۳ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ | ۲۵ July ۱۹۸۶

در منزل بودم^۲. آیت‌الله اربیلی را برای اقامه جمعه فرستادم و نکاتی به ایشان درباره مسائل جنگ و مقابله به مثل دادم.

عصر آقای وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد. گزارشی از مناطق تحت کنترل طالبانی‌ها در عراق

(ادامه پارویی از صفحه قبل)

کدام به نهایی کافی بود که عراق را به نقطه نهایی بگشاید، ولی اینها با عوامل غواصی من جمله با همین تبلیغات تو استند خودشان را حفظ کنند. در جریان شکست قاو، آمریکایی‌ها حتی حاضر شدند که برای پوشایدن شکست عراق [ماهواره] خودشان را رسوا کنند؛ آمریکایی‌ها گفتنده که ماهواره‌ها چیزی را نشان ندادند. در حالی که ما می‌دانیم ماهواره وسعت زیادی را زیر پوشش قرار می‌دهند و همه چیز را زیر نظر قرار گیرند، با این حال آنها حاضر شدند به قیمت بدنه و رمزایی ماهواره‌ها، حالت شکست را مشکوک نگاه دارند و بعد هم به دروغ هر روز می‌گفتنند که عراق چند کیلومتر در فاصله طرف موضع ابرانی‌ها پیش روی گردید است. رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، «دفترچه معارف انقلاب»، ۱۴۸۷.

۱ - جنگلدهای نیروی هوایی عراق در این روز نیز به شدت خسارات هوایی خورد را بر تأسیسات اقتصادی و شهرهای مسکونی ادame داد. در این حملات، شهرهای شوش، کرمانشاه، سلند، سقز، مریوان و ایلام هدف قرار گرفت و در نتیجه پیش از ۳۰ تن از افراد غیر نظامی شهید و شمار سیاری مجرح شدند. از سوی دیگر، به هوایسای دشمن ضمیم حمله به کارخانه کاغذسازی پارس در هفت بهار، شل راکت پرتاب گردند که در نتیجه یکی از اداری پشتیبانی و اداری کاغذ آسیب کلی دید و حدود ۴۰۰ تن شهید و ۴۰۰ تن مجروح شدند. در این حمله همچنین به ایثار مراد اولیه، ایثار محضرلات کارگاه غریکی، قسمی از سالی تولید، ساختن اداری ناهارخواری و آتش نشانی خسارات‌هایی وارد آمد و فست عمدۀ ای از مواد و بخشی از ماضین آلات موجود از این رفت. همین این خسارات‌ها، دو میلیارد ریال برآورده شده است. همچنین در ساعت ۱۴:۴۱، شهر کرمانشاه هدف سیاران هوایی واقع شد. در این حمله، دو پیک ۲۳ که بیک فروند سکاری دیگر دشمن آنها پشتیبانی می‌کرد، تأمینات بالاینگاه شهر را بسازان کردند و به دنبال آن، ستوان بزرگی از آتش و دود آسان شهر را غرما گرفت و تاسع ساعت سه کیلومتری محل سیاران، تپشه‌های واحدهای مسکونی خورد شد. به نقل از شاهدان عینی در باختران، یکی از هوایسایهای مهاجم دشمن هدف پدیده شد. شهر قرار گرفت و مرنگون شد. منابع غیررسمی آمار خسارات‌های جانی را ۱۳ تن شهید و ۵ تن مفقود ذکر کردند.

* - در این روز در عراق جلسه‌ای به ریاست صدام حسین و با شرکت تعدادی از فرماندهان و نظامیان ارشد ارتش از جمله عدنان خیرالله معاون فرمانده کل و وزیر دفاع، طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه و لطفی جاسم وزیر فرهنگ و اطلاعات تشکیل شد. این جلسه هشت ساعت به طول انجامید. در این جلسه حدام گفت: «اگر قسرورت حکم کند ما می‌توانیم از نشی می‌باور ارتش می‌جند عراق به وجود نباوریم که همه افراد آن از خود عراقی‌ها ناشست.

داد. به نظرم رسید که در گذشته در نپذیرفتن همکاری با آنها اشتباه کرده‌ایم. آنها آماده همکاری با ما هستند. چون به خارج راه ندارند و تحت فشارند، امتیاز زیادی هم نمی‌خواهند. خود وحیدی ده روز در مناطق آنها از اربیل تا خالقین، گشته. به جز راه‌ها و شهرها حضور دارند. با آیت‌الله خامنه‌ای که پس از یک هفته از خراسان برگشته، درباره زدن موشك به بعداد، تلفنی مذاکره کردیم. قرار شد در جلسه سران قوا در شب دوشنبه بحث شود.

شنبه ۴ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۸ ذی‌قعده ۱۹۸۶ July ۲۶

فرزندم مهدی برای آموزش نظامی و رفتن به جبهه همراه آقای رحمانی - پاسدارم - عازم اردوگاه بود. عفت مادرش صابرانه او را بدوقه کرد و قرآن گرفت و صدقه و دستور کشتن گوسفند داد. وضع روحی مهدی با اینکه ۱۷ سال بیشتر ندارد، کاملاً عادی بود. از این تحول در حوانان و مادران لذت بردم و مخفی از آنها اشک شوق ریختم.

برای شرکت در مراسم ختم آموزش هیأت ویژه هوابرد سپاه به پادگان خاتم رفتم. ده تن از نمایندگان مجلس هم برای دیدن دوره کوتاهی با آنها بودند. برایشان صحبت کردم! گفتم با

۱ - در مراسم اختتامیه بختیان دوره آموزش عمومی نیپه ویژه هوابرد سپاه پاسداران و تحقیقی دوره آموزش نظامی نمایندگان مجلس، ایمان خصم مژلول داشتن دولت عراق، اطهار امداواری کرد که در سال جاری، با اعزام گسترده نیروها به جبهه، تحریکی مرتوف شست ماز در تاریخ جنگ و منطقه روی دهد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "از ارش صدام از اوضاع که برای خود درست کرده بود به طرف مراشیی می‌رود و صدام دیگر از لحاظ مالی و اقتصادی امکان تدارکه بیرونیان را مانند گذشته ندارد و نیروی مهندسی صدام نیز قدرت تحرک خود را از دست داده است. کمک‌گیر صدام به قدر دیگر خود است و علت آن است که دانشگاه‌ها و مدارس را تعطیل کرده و به قول خود دستور بسیج خمرعی داده است". نماینده امام در شورای عالی دفاع به نقل از فرمایندگان اسر عراقی گفت: "از هر گزگزان رزمی عراقی که ناسی جبهه حرکت می‌کنند در بین راه تعدادی از نیروها فرار می‌کنند و در میدان جنگ هم چه در طار و چه در میان، چندگان را دیده‌اند". تأسیس نیپه ویژه هوابرد در این شرایط سیار ضروری بود و مکرر نیشا اکبری و عامت خاک عراق می‌توانید به یک لشکر دشمن صدمه وارد کنید و در شرایطی که نوار سریازان عراقی از جبهه‌ها افزایش یافتد، داشتن چنین نیروی مجهزی ضروری است... با وجود اینکه خدم خسارات زیادی از جنگ متحمل شده‌اند و داع دل‌های زیادی دارند ولی بخلاف اینکه خواهان ادامه جنگ بیش از هر زمان شده‌اند... نگاهی به آثار کاروان‌های کمک‌های مردمی به سری جبهه‌های جنگ تعلیل نشان می‌دهد که این کمک‌ها نسبت به سال گذشته چند برآور شده است... این نیز کاروان‌ها را افزایدی به سوی جبهه‌های جنگ می‌فرستند که فرزنداشان را هم به جبهه می‌فرستند و ڈاروی رزمندگان را هم خود آنها تأمین می‌کنند و اگر لازم باشد. خودشان را هم ذر این راه می‌دهند و چنین جو عاشقانه‌ای در جبهه‌های جنگ حاکم است".

فرمانده عالی جنگ با اشاره به حضور نمایندگان مجلس در میان رزمندگان نیپه هوابرد و عزیست آنان به جبهه‌های نیروه گفت: "از خبلی وقت پیش اشاره بر روی ما بود که مجلس را تعطیل کنیم و همه نمایندگان به جبهه بروند ولی ما دیدیم که با توجه به کارهای روزمره اتفاقی و تأثیر ترین (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

نمایندگان مصاحبه شود.

عصر آقای کنگرلو تلفنی گفت یکی از گروگانهای آمریکایی در لبنان آزاد شده، ولی سوریه از آمریکایی‌ها برای آن امتیاز می‌خواهد و از ما کسب تکلیف شده است. گفتم در رابطه با سوریه به ما ربطی ندارد، خودشان می‌دانند. اگر آمریکا به تعهد خود عمل نکند، در آینده از ما انتظاری نداشته باشد.

احمد آقا آمد. درباره فرماندهی نیروی زمینی صحبت شد. آقایان جمالی، حسنه سعدی و دادین مطربند. احتمال زدن موشک به بغداد را مطرح کرد که از امام پرسید. آقای [مصطفی] کفاسزاده آمد و از آمادگی کردهای عراق برای همراهی با ما در رزم با صدام گفت. آقای مهدیان آمد و گفت در بررسی نهائی، ارزش پاساژ خیابان گرگان که نصف آن از من است، قیمت بالاتری از آنچه ورات اخوان فرشچی گفته‌اند، دارد. قیمت آن حدود پنج میلیون تومان است. به پول آن برای ساخت خانه خودم و بچه‌ها نیاز داریم. یاسر از سفر آمد و کمی جای خالی مهدی را پرکرد.

یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۹ ذی‌قعده ۱۹۸۶ July 27

در گزارش‌ها آزادی یک نفر گروگان آمریکایی آمده است و آمریکایی‌ها از سوریه تشکر کرده‌اند. منتظر رسیدن محمولة قطعات هاک‌ها هستیم. در جلسه علمی تا هنگام تنفس ماندم. آقای نیک روش از برخورد آقای هادی غفاری [نماینده تهران] شکایت آورده. اختلافات دو جریان دارد به برخورد می‌انجامد. عفت، فاطی، یاسر و سارا برای ناهار به مجلس آمدند.

خبر رسید که عراق مراکر نفتی را در ارakk بمباران کرده و حدود صد نفر شهید و چهارصد نفر محروم شده‌اند و خرابی تاسیسات داشته‌ایم. بسیار متأثر شدم. از این رهگذار خسارت زیادی می‌بریم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مجلس در حرکت جامعه، بسی توان مجلس را تعطل کرد و موافقت شد که نمایندگان، گروه گروه به جهه برond و امرور اولین گروه از برادران آمریش زده همراه شما عازم جبهه‌ای جنگ تحریلی هستند. اکنون همه افشار ملت ایران روسایران، داشجیران، شحصیت‌های مسامی و نظامی، فرمادهان بسیج، صیاد، ارتقان، نمایندگان مجلس، شخصیت‌های اسلامی و فرزندان شخصیت‌های برانگی مانند آیت‌الله‌معظمی منظري و فرزند رئیس جمهور همراه با رزمندانه این یکپارچگی مردم و مستران سپاه و ارتقان و اشارگونانگون جامعه را نشان می‌دهد و بادر تاریخ ماند اکنون شاهد رویدادهای بزرگی هستیم". یحیی کرد که "کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"

وضع دفاع ضد هوایی مان خوب نیست.

ظهور آقای [عباسعلی] پهاری [نماینده ساری] آمد و از مشغول حزب جمهوری [اسلامی] در مازندران شکایت داشت. آقای بنکدار آمد و از آقای جمشیدی رئیس دفتر آقای [سید محمد] موسوی خوئینی‌ها [دادستان کل کشور] شاکی بود.

عصر آقای حمید بهرامی از لاهه آمد. راجع به حکم دادگاه لاهه در مورد مذاکره ایران و آمریکا درباره مسائل مهم مورد اختلاف در لاهه گفت که ظاهراً این حکم برای ایجاد محیط مناسب مذاکره و تفاهم طراحی شده است. قرار شد جواب گزارش کمیسیون ویژه را بتویسنند. استاندار کرستان و معاونش آمدند. درباره وضع نظامی و فرهنگی منطقه گزارش دادند و خواستار تقویت نظامی و فرهنگی منطقه شدند و از نماینده امام در غرب ناراضی اند. وزیر سپاه و فرماندهان نیروی هوایی و موشكی سپاه آمدند. درباره خرید موشك زمین به زمین و زدن موشك به بغداد بحث شد.

اعضای حزب جمهوری اسلامی از اصفهان آمدند از بلا تکلیفی اعضای حزب نگران بودند. برای آنها صحبت کردند و علی این وضع خراب حزب را توضیح دادند.

شب با سران قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. درباره موضع مان در اوپک و فرماندهی نیروی زمینی و زدن شهرهای بصره و بغداد در حد حمله به مراکز صنعتی با اعلان قبلی و بمباران مراکز صنعتی با هدف مقابله به مثل و بازدارندگی بحث و اتخاذ تصمیم شد.^۱ دیر وقت به خانه رسیدم.

۱- امروز بعد از دو روز عملیات نسبت‌گیری حجم، بر دیگر نهادهای هوایی عراق علیه مناطق و اهداف غیرنظامی ایران، شدت یافت. عمله ترین حملات هوایی امروز عراق، علیه مناطق غیرنظامی در اراک صورت گرفت، به این ترتیب که صبح امروز هوایساهای عراقی به مناطق کارگری صنعتی اطراف شهرستان اراک حمله کردند. که برای آن، شماری از کارگران که مشغول کار بودند به شهادت رسیدند. طی این حمله، شل هوایی‌ای عراقی در حالی که در ارتفاع پایین پروار می‌کردند کارخانه و اگر سازی پارس آلمیسیون، کارخانه آذ آب، مراکز آمرزش ماشین سازی اراک، یک ساختمان اداری و یک منطقه در شهر اراک را مورد حمله قرار دادند. این تعرض هوایی بیش از ۱۰۰ شهید و بیش از ۵۰۰ مصروف بر جای گذاشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از شاهدان عینی نیاوران، هوایساهای عراقی در ارتفاع عرق العاده پایین اهداف خود را مورد حمله قرار دادند و کارگرانی را که از محوطه کارخانه‌ها بیرون آمدند بودند. به تیر رگبار کالیبرهای خود تکوینند. خبرگزاری آلساز غربی در این باره طی تفسیری گفت: "عراق امروز یک رشته حملات هوایی علیه تأسیسات نفتی و اقتصادی در داخل ایران به موجله اجرائگماشت که تهدیدات ایرانی‌ها می‌برند. آنها به وسیله موشك‌های زمین به زمین را به دنبال داشت".

۲- عملیات بزرگ آینده ایران جایگاه ویژه‌ای در تفسیرها و جزء‌های رسانه‌های خارجی دارد که به تعریف‌هایی از آن اشاره می‌شود: یکی از مفسران رادیویی بی‌سی که از ایران بارگشته است، در تفسیر خود گفته: "خدود این رهبران اظهار می‌دارند که دیگر نمی‌توانند حالت نه جنگ و نه صلح را تحمل کنند. آنان این هدف روانی را انتخاب کرده‌اند تا بتوانند به جنگ سراسر اسلام بدهند. شناوهایی در دست است دال بر اینکه ایران احتمالاً حمله نهایی (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۰ ذیقده ۱۹۸۶ July ۲۸

سرهنگ جمالی جانشین فرمانده نیروی زمینی آمد. گزارش سمینار امنیت بین‌المللی ژنو را داد. انتستیتوی مطالعات استراتژیک پرگزار کرده بود. او خواستار تعجیل در تعیین فرمانده نیروی زمینی شد. عصر تلفنی گفتم و احتمال انتخاب شدن سرهنگ حسنی سعدی را مطرح کردم. کمی ناراحت شد و گفت در صورت آمدن آقای حسنی سعدی، نمی‌تواند به عنوان جانشین ایشان عمل کند. نخست وزیر و وزیر کشور پیشنهاد تعطیل شدن کارخانه پلی اکریل اصفهان را به خاطر احتمال بمباران شدن مطرح کردند. از نیروی هوایی پرسیدم. گفتند از فردا هواپیمای اف ۱۴ در فضای اصفهان و تهران خواهد گماشت و امنیت نسبی دارد. آقای نخست وزیر که به ملاقات امام رفته بودند، نقل کردند که امام با زدن شهرهای عراق ملاحظاتی دارند. از احمد آقا پرسیدم و پس از استفسار از امام، جواب داد که در حد تضمیم گیری شده که مراکز صنعتی داخل شهرهای بغداد و بصره با اعلام قبلی زده شود، موافقند.

عصر پاسر مهمان داشت؟ همدرسانش و یک معلم که کلاس تأسیانی دوره‌ای داشتند و به همین دلیل دیگران از خانه بیرون رفتند و من هم بیشتر در حیاط بودم و کمی در جلسه آنها شرکت کردم و احوالپرسی نمودم.

سه شنبه ۷ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۱ ذیقده ۱۹۸۶ July ۲۹

اول وقت با آقای خامنه‌ای درباره تعیین فرمانده نیروی زمینی و زدن موشک به بغداد مذاکره کردیم.

(ادامه پاره‌رقی از صفحه قبل)

را در شمال بصره با جبهه‌های مرکزی آغاز خواهد کرد. برخی تحلیل‌گران معتقدند ایران اختصاراً خود را در مرفقی مستحکم و نیرومندی قرار خواهد داد تا بتواند از طریق مذاکرات راه حلی پایان چنگ بیابد.

مسخر را دیگر کلی بیز در این باره گفت: «خبری ایران آشکارا اعلام کرده است که برای شکست دادن هر چه سریع نز عراق، تمام بیرونیش را به کار گرفته تا پیش از انسام سال جاری، چنگ میان ایران و عراق را به پایان برساند، اما ناظران خارجی در بغداد در این مرد شک و تردید دارند. یکی از شخصیت‌های معتقد بین‌المللی یاد آور شد که باید در نظر داشت با توجه به وضع حکومت‌های دو کشورهای ایران و جمهوری خلق چین در سال جاری اعیان زیادی وجود نیست چون از یک طرف برای ایران تنظیم برپا شده جهت انجام دادن عملیات تعیین کننده مشکل است و از طرف دیگر اوضاع داخلی عراق به طور کلی ثابت است. به علاوه، مهمتر از آن در حال حاضر عراق از نظر اقتصادی و نظامی از ایران ضعیف‌تر نیست. این معنی افزو: «این تضمیم استراتژیک، مبنی بر تبدیل چنگ فرسانیده به چنگ زود فرجم که او سلطه ماده (اوخر از دیپوشن) سال جاری توسط خود امام خمینی رهبر ایوان تنظیم شده است، اکنون در مراکز کشور بدوزده در میان پاسداران انقلاب قعالانه به مرحله اجرا در می‌آید. در مقابل هیئت حاکمه عراق نیز یک تضمیم سیاسی هم را اتحاد کرده است؛ مثلاً سراسر عراق اکنون در حالت بسیع خدمتی به مر

می‌برند».

در جلسه علنی تا ساعت دو نیم ماندم. در صحبت‌های پیش از دستور آقای [مرتضی] رضوی [نایب‌نده تبریز] درگیری به وجود آمد.

اطلاع رسید عراق شهر اراک را بباران کرده است. صحبت مختصری درباره مقابله به مثل در مقابل شرارت‌های صدام نمود. برای گروهی از اعضای چندالله کردستان صحبت کرد.

جمعی از خواهران بسیج پایگاه مقداد آمدند و هدایایی برای جنگ آوردند. از استقبال زیاد خانمهای برای آموزش نظامی گفتند و برای امکانات آموزشی کمک خواستند. آقای حسنی سعدی آمد و درباره مسئولیت فرماندهی نیروی زمینی و برنامه‌های جنگ با او مذاکره کرد.

آقای [جمال] ساداتیان کاردار مان در لندن آمد و برنامه توسعه تدریجی روابط با انگلیس را مطرح کرد و برای تصویب آن کمک خواست. آقای [سیدحسین] موسویان برای کارهای اداری آمد. آقای [محمدعلی] رحمنی مسئول بسیج آمد و درباره عملیات داخل عراق و بسیج نیرو مذاکره کرد.

عصر [آقای محمدی ری‌شهری] وزیر اطلاعات و معاونان و مدیران کل آمدند و نیازها و

۱- آقای رضوی از نایب‌نده‌گان خلیفه دولت، سخنان خود را با جایخت آماری شروع کرد و گفت: "بنده به جناب آقای خانی رزیر مختار ارشاد عرض کردم که بهتر است در صدا و سیما و روزنامه‌های ما یک سری بحث‌های آماری مطرح شود تا بین ملت ۴۰ میلیونی ما چه مقدار گرفت مصرف می‌کند و زاین ۱۱۰ میلیونی چه مقدار؟ ما چقدر تابع مصرف داریم و فرآنه چقدر؟ و بالآخر ما چقدر عی خوریم و کشورهای مرغه دیما چقدر؟ طبق تحقیقاتی که انجام دادم، مصرف در کشور ما از هیچ کشور مرتفعی اگر بشتر نباشد، کمتر نیست". وی سپس درباره انتخابات و انتخابات مجلسی معلمات ایران مطابق بیان داشت و در ادامه گفت: "جناب آقای امامی کاشانی یک تکه مهمی را فرمودند. قرموتد مسئله اصلی این است نایب‌نده‌ای که به مجلس می‌رود تاییدگی اش شروع باشد. کسانی که با اینگونه جوها می‌خواهند... اگر جو نیست، جواب بدene تا من شخص شود. اما با چین عنوان مجہول می‌خواهند خودشان را ببلیغ کنند، چگونه شرعاً خودشان را قاعی می‌کنند که به مجلس باید و بگیرند ما نایب‌نده مردم هسیم. از همین حالا کسر سنه‌اند که باید مجلس و ریشه دولت را برند و در مخالفت با دولت کار کند. انتخابی بعدی (اساکت شرید). خلاف قانون حرف نزینه... رئیس نایی من است". آقای رضوی درین حال سخنان پیش از دستور خود را عنوان نهادهای جعلی گفت: "الجنس اسلامی معلمات داریم. جامعه اسلامی چیست؟ اینجنب اسلامی معلماتی که مرحوم بهشتی در جایی و دیگر شهدای بزرگوار در قاسیس آن دخیل بودند. آن یکی دیگر چیست؟ ما کدام راه را عی خواهیم بر قدم. دیگر این همه هر روز به پایه‌های اساسی اخلاق نظم را، آخر می‌خرافیم چه بکیم با ۲۵ هزار یا ۲۰ هزار شهید. آقای هاشمی رئیس مجلس در این نقطه انتخاب کرد که این زن شهید را شما از کجا من گردید. آقای رضوی گفت: "این زن را احتمالی می‌گوییم. رقم اصلی را عرض نمی‌کنم". رئیس مجلس مجدد آنکه: "خوب، چرا رقم خلاف می‌دهید". در اینجا چون وقت نایب‌نده تبریز پایان یافته بود و من بایست مه دفیقه یاقینانه را نایب‌نده اراک سخنرانی می‌کرد، آقای رضوی از پشت میکروفن گار و قت).

۲- در این نقط آمده است: "دو روز اخیر جنایات عقیل‌های عراق در زدن شهرا به اسم مرکز صنعتی و حمله به محیط کارگری و جناباتی که در سندخ و اراک و بعضی جاهای دیگر هر نیک شدند، ثانی از استیصال و به استیصال کارهای صداسانی رفن است که در طول جنگ، ما هبیشه از هدام دیده‌ایم. رژیم‌گان اسلام، نیروی هوایی و سایر مسئولان جنگ ما وضعیه خودشان را در مقابله به مثل انجام می‌ذیند ما با اینگونه به مقابله به مثل هستیم و بدون مقابله با ذشن نمی‌توانیم دست این جایتکار را شکیم و این بایست برای مردم عراق مناسفیم که اگر شار ناراحتی خواهند شد ولی مسئولیت این ناراحتی به عهده سرمهداران حرب بمعت عراق است که آنها هبیشه این گونه کارها را شروع می‌کنند و پای ما را می‌گشند به جایی که نمی‌خواهیم به آن حجا وارد بشویم. ما به مردم شهیدبربر سندخ و مردم ایثارگر و فداکار اراک تسلیت عرض می‌کیم مخصوصاً به خاکرهای شهدا و ایثارگان اسلام جواب مناسب را در جبهه‌ها و در جاهای مناسب به این جنایت بدene".

مشکلات را ارائه دادند. برای آنها صحبت کردم! آقای سرهنگ صیاد آمد و برای وظایف آینده مشورت کرد. درباره اشتباه او در استعفای گذشته و برنامه آینده مذاکره کردیم. امیدوار است که فرماندهی نیروی زمینی را داشته باشد. با اینکه خود ایشان استعفا داده، من هم مایل بمائد و تلاش زیادی نمودم که اختلافاتشان را حل کنم اما نتیجه نداد.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی و جامعه روحانیت مبارزه، برای انجام کارهای جاری شرکت نکردم. شب آقای رفیق دوست آمد و امضا دریافت چهار میلیارد تومان برای مخارج جنگ از طریق استقرار [از سیستم بانکی] را گرفت.

چهارشنبه ۸ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۲ ذیقعده ۱۴۰۶ | ۳۰ July ۱۹۸۶

تا ساعت ده صبح در جلسه علمی ماندم. قبل از شروع جلسه نمایندگان را از مطرح کردن اختلافات در تربیون بر حذر داشتم. طرح مجازات عاملان احتکار و گرانفروشی در دستور بود. پیش از ظهر در دفترم برای امور جنگ و مخصوصاً موشك زدن به بغداد تماسهایی داشتم. متخصصان لیبی گفتند دستگاه پرتاب موشك آمده نیست و احتیاج به تعویض قطعه دارد. ولی افراد خودمان آن را آمده کردند؛ شاید تندی خواهند کمک کنند.

ظهور آقای [سید محمد مهدی] شمس الدین معاون مجالس اعلای شیعه لبنان آمد. درباره امور لبنان

۱ - در این دیدار آقای هاشمی با اشاره به تشکیل و شکل‌گیری وزارت اطلاعات اظهار داشت: "قبل از تشکیل و شکل‌گیری این وزارتخانه، کارهای اطلاعاتی به صورت برآنده و غیرحساب شده انجام می‌گرفت و برنامه ریزی‌ها در این مورد در حد برآورده بیارهای روزمره بود. انت این روش در مسأله اطلاعات کی یک امر ریشه‌ای و مترکم است کهایت نمی‌کرد. در چنین موضعی انجام کار اطلاعاتی و مبارزه با سازمان‌های اطلاعاتی پیشرفت‌های قدرت‌ها و همچنین عوامل سنت پیچم دشمن کار دشواری است و باید با تلاش بیشتر کسبودهای احتمالی را جوان نمایم".

ایشان با تأکید بر ضرورت ارزیابی کار اطلاعات و تهات مثبت و منفی آن گفت: "از حمله تکات مشت کار شما و جزو نیروهای خوبی است که جذب این وزارتخانه شده‌اند و این از مهم ترین عناصر انجام کار اطلاعاتی است. در میان شما گسانی هستند که فکر می‌کنند با انجام اینکار دارند دیستان را به انقلاب و اسلام ادا می‌کنند. این گفته افراد شبه برخودشان با مردم خوب است و هم قادر است انتقال خوبی دارند و هم خوب خبر می‌آورند. باید می‌اظبط باشید که افراد خوبی را که جذب می‌کنند به گونه‌ای خوبی خوب تربیت کنید و رشد بدهید و سازمان اطلاعاتی ای در نهای شکل بدهید که دجال حق باشد و حق را پیگیری کند. و افراد آن روح دینی در مصالح را در نظر بگیرند. اگر اعتماد مردم جلت شد و مردم اطلاعات شان را بد راحی در اختیار آن سازمان قرار دهند، تحقیقاً آن تشکیلات قوی‌ترین و معترن‌ترین سازمان اطلاعاتی خواهد بود. این در صورتی امکان‌پذیر است که اعتماد مردم را جلب کند و مردم نمونه‌های بدی نیشند". رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، "دفتر نشر معارف الفلاحات، ۱۳۸۷

مخصوصاً ورود نیروهای سوری به جنوب بیروت مشورت کرد و نظراتی ارائه نمود. عصر به کارهای جاری پرداختم.

شب آقایان خامنه‌ای، موسوی، احمدآقا و ولایتی مهمان من در مجلس بودند. درباره لبنان معلوم شد که حزب الله خلع سلاح را - که از طرف سوری‌ها پیش خواهد آمد - تحمل نمی‌کنند؛ حتی با درگیری. ولی در مقابل حضور سوری‌ها در بیروت درگیر نمی‌شوند و قرار شد ایران فعالیت سیاسی شدیدی برای جلوگیری از برخورد سوریها با حزب الله بخواهد.

در مورد اطباء و اعتصاب گذشته نظام پوشکی، قرار شد بررسی شود. آیت‌الله منتظری پیام داده‌اند که ملاطفت شود. در مورد زدن موشک به بغداد، قرار شد اگر عراق شرارت جدیدی نکند، فعلانه نزینم ولی اگر مرکز غیر نظامی را بمیاران کرد، به نقطه صنعتی در بغداد بزنیم.

پنجشنبه ۹ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۳ ذی‌قعده ۱۴۰۶ | ۳۱ July ۱۹۸۶

در مجلس یکسره تا ظهر کار کردیم. طرح پوزحمتی داشتیم. ظهر ملاقات‌های را حذف کردم. عصر قرار بود جلسه‌ای برای تکمیل طرح، پس از عودت از شورای نگهبان تشکیل شود. چند نفری نیامدند. به جلسه رفتم و تلفنی احضار شان کردیم. به زحمت جلسه رسمی شد. به خاطر تعطیلات معمول تابستان، مجلس برای یک ماه تعطیل شد.

خبر رسید که عراق کارخانه سیمان درود را بمیاران کرده و این حمله عده زیادی شهید و مجروح داشته است. تصعیم گرفتم به بغداد موشک بزنیم و دستور صادر شد^۱. شورای عالی دفاع جلسه

۱ - در اثر حمله جنگنده‌های عراقی به مناطق کارگری و صنعتی شهر درود ۲۰ تن غیرظامی شهید و حدود ۱۰۰ تن مجروح شدند. در ساعت ۱۲:۱۵ پنج غروند جنگنده عراقی به حرم هرای شهرستان درود تجاوز کردند که دو غروند از آنها پدیدهای منطقه را متغول و سه غروند دیگر پرتاب راکت کردند و در نتیجه، پنج نمونه از جمله کارخانه سیمان این شهر رهبرستان مجاور آن مورد اصابت قرار گرفت. هوابیهای عراقی به آسمان اراکت نیز تجاوز کردند اما نیمه‌های خود را در بیان‌های اطراف این شهر بروز ریختند. هوابیهای دشمن صعب امرور پل اقطع را و استگاه راه آهن سلامس در استان آذربایجان غربی را هم مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن، خسارتهای جزئی به یکی از پایه‌های پل وارد شد. یکی از گوارشگران بی‌سی در این پاره گفت: «هوابیهای عراقی دو موج تاره حملات هرای، از ارتفاع کم روی مراجمی که برای حنگله‌ها حصار نداشت پرتوخواهی کردند و نیروهای دفاع هرای ایرانی این ماندند. طور قطع این موج حملات باعث بالا رفتن روحیه عراقی‌ها خواهد شد که پس از عقب نشینی تحریر آذربایجان از شهر مرزی هرای، گاهش باقه بود».

۲ - آفای هاشمی در پایان جلسه شورای عالی دفاع اعلام کرد: «ایران علی رغم عدم تسامی خود، شرارت‌های اخیر رژیم بعثت در جمله به مناطق مسکونی و اقتصادی را یامخ خواهد داد و کلیه مراکز اقتصادی و صنعتی عراق را هدف حملات موشکی، هوابیها و تویخانه قرار می‌دهد». (ادame پاورنی در صحنه بعد)

داشت. آقای حسنی سعدی به عنوان فرمانده جدید نیروی زمینی تعیین شد. آقای صیاد در طول دفاع مقدس خدمات زیادی داشته اما اختلافات درون ارتش و بین سپاه و ارتش، کار را به اینچار ساند. خیلی متاثرم. شب درباره جنگ مصاحبه تلویزیونی نمودم.^۱

جمعه ۱۰ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۴ ذیقعده ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقتی به استراحت و مطالعه گذشت.^۲ عفت از محل و حال مهدی پرسید. آقای اقبالی خبر داد که در محل اردوگاه سد است. دکتر ولایتی برای خداخافضی و مشورت درباره سفر به چند

(ادامه پارویی از صفحه قبل)

ایشان از مردم عراق خواست به منظور پیشگیری از صدمات اجتماعی، اطراف مرکز اقتصادی و صنعتی تمام شهرهای عراق را تحمله کند.^۳ تا هنگامی که عراق دست از شرارت‌های خود بر قرار نداشته باشد اهمام حیث بدقت خود را بوده و علی‌رغم اینکه حمله به شهرهای عراق برای ما نفع است اما ما ناجازیم که جواب رئیم عراق را بدیم. هدف ما نراکت صنعتی است اما این احتمال وجود دارد که برخی از گلوله‌ها به مناطق مسکونی برخورد کند.^۴ ایشان ضمن رای ادعای عراق که ایران به مناطق مستکونی شهر سلیمانیه عراق حمله کرده است، گفت: "عراق نلاش دارد به رسیله این دروغ‌ها اقدامات خود را توجیه کند". خرگزاری فراسه در لعکس این خبر به نقل از خرگزاری جمهوری اسلامی گفت: "این هشدار به منظور جلوگیری از وارد آمدن تلفات انسانی در جریان گلوله پاران این مراکز است". در این باره آسوشیتد پرس نیز به نقل از رادیو تهران گزارش داد: "ایرانی‌ها در طول خطوط مقدم جبهه در نزدیکی خلیج فارس واحدهای برگ موشکی مستقر کردند که بر روی اهداف نظامی و اقتصادی عراق نشانه‌گیری شده است".

۱ - آقای هاشمی درباره وضع آنی جنگ مجدد آنکه امسال سال دست یابی به پیروزی‌های برگ در صحنه‌های نظامی خواهد بود. ایشان تأکید کرد که این بدلین معنا نیست که جنگ امسال پایان خواهد یافت.

در یخشی از این مصایب آمده است: "برنامه‌ها به منظور تدارک عملیات آینده از هر ظرف ممکنی باشد و عملده‌ترین عامل در عملیات آینده، حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه‌های توافقی کار اساسی شروع شد بروایم به آن تداوم بیخیصم. انشاء الله باشک مردم و نیروهای مسلح این پیروزی‌ها حاصل خواهد شد اما علی‌رغم تغییرهای مختلف، این مدان معنا نیست که امسال جنگ پایان یابد بلکه با برنامه‌هایی که داریم جنگ را به جای خواهیم رساند که پیروزی ایران مستchluss شود و یکی از نسودهای این پیروزی،قطع حمایت جامیانه صدام از این رژیم است. امسال سال دست یابی به پیروزی‌های برگ در صحنه‌های نظامی خواهد بود". رجوع کنید ۲ کتاب "هاشمی رفسنجانی، معاجمه‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف اهل‌بلاء، ۱۳۶۷.

۲ - هشدار آقای هاشمی به سوچ خلیج فارس به سبب حادثت آها از قدم که در مصایب با مجله پاسدار اسلام مطرح شده بود و دیروز به چاپ رسید، بازتاب وسیعی در مخالف سیاسی داشته است. در این باره سعدی‌گزیر وزارت خارجه آمریکا در یک موضع گیری آشکار گفت: "له نظر من رسد که ایران دوباره تبلیغات تحریک آمیز خود را علیه کشورهای عرب خوده خلیج فارس از فوریه (یعنی ماه) گذشته آغاز کرده است... این مدخلان تهدیدی برای گسترش جنگ به کشورهای بی‌طرف خلیج فارس است. آمریکا هم‌واره خرستان پاران جنگ عراق و ایران بوده است". وی همچنین تأکید کرد: "گسترش جنگ به مناطق دیگر خلیج فارس، یک خطر جدی برای منافع آمریکا ملکی می‌گردد". این اخطار دولت آمریکا به ایران به دنبال مخفیان دیروز حیثت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مصایب با مجله پاسدار اسلام بوده است. آقای رفسنجانی در آن مصایب گفت: "ایران دو مقابل کشورهای خلیج فارس که بول در اخبار عراق می‌گذارند تا آن کشور اسلحه تهیه کرده و تأمینات نقی ایران را بکوبد، عکس العمل نشان خواهد داد".

کشور آفریقائی آمد. در مورد سفر به اتیوپی توصیه کردم که اخبار را به گونه‌ای منتشر کنند که با سیاست حمایت ما از مسلمانان مبارز در مورد اوتیره و اوگاندا... سازگار باشد.
ظهر بستگان عفت مهمانمان بودند. کارگر مان محمد تقی از نوق آمده بود. او از اجاره املاک نوق به همشیرزاده محمد ناراضی است. می‌ترسد از او گرفته شود.

شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۵ ذی‌قعده ۱۴۰۶ | ۲ August ۱۹۸۶

در منزل بودم. از مهدی خبر رسید که در اردوگاه است و آموزش جنگ و عملیات آبی خاکی را می‌گذراند. او بعد از ظهر با آقای رحمانی آمد. عفت خیلی خوشحال شد. از آموزش راضی است. دوره فشرده‌ای دیده و مدعا است فقط در شباه روز دو، سه ساعت می‌خوابیده‌اند و بقیه وقت را صرف آموزش کرده‌اند.

این اردوها و شرکت در جنگ و عملیات مخاطره‌آمیز، برای بچه‌ها سازنده است. مادرش نمی‌خواهد او را از رفتن به جبهه باز دارد، ولی گاهگاهی که فشار روحی اش زیاد می‌شود، بروز می‌دهد اما علی‌رغم احساس مادری تحمل می‌کند.

از نیروی هوایی سپاه اطلاع دادند که دشیب توانسته‌اند، موشک را به بغداد بزنند و امکان دارد امشب بتوانند با مشورت با آقایان خامنه‌ای، میرحسین موسوی و احمد آقا، قرار شد بر فرض آمادگی موشک، قبل از اینکه عراق حرکت جدیدی نکند، پرتاب نکنیم. با توجه به نظرات امام سعی می‌کنیم از شدت جنگ شهرها جلوگیری شود. دو روز است که حرکتی نکرده است.

آقای کنگرلو اطلاع داد که هوایی‌آمریکایی حامل ۲۴۰ قطعه هاک در مقابل آزادی یک گروگان آمریکایی از لبنان روز دوشنبه به ایران می‌آید؛ مطمئن نیستم. بنا بود ۲۴ ساعت پس از آزادی گروگان بیاورند. اگر اینها را بدھند، نشانه کم شدن خصوصت آمریکایی‌هاست، چون توان پدافند هوایی مارا زیاد می‌کند.

شب دکتر وحید [دستجردی] [رئیس سازمان هلال احمر] آمد که بخواهد در مورد سختگیری به پزشکان محرك اعتصاب نظام پزشکی کوتاه نیاییم و گفت آقای منتظری را هم تا حدودی قانع کرده است. در مورد آمدن اعضا صلیب سرخ جهانی به ایران استمداد کرد. آقای [محمدعلی] نظران مخالفت می‌کند. شرحی از واگذاری کتابخانه چهارهزار جلدی پدر زنش به آستان قدس

رضوی داد.

آقای سالازی سفیرمان در آلمان آمد و از آمادگی آلمان برای انتقال تکنولوژی به ایران و همکاری در ساخت سلاح ضد تانک تی ۷۲ روسی و مطالب دیگر از جمله بی انصبباطی ارتباط ارگانهای ایرانی با مراکز آلمانی گفت.

یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۶ ذیقعده ۱۹۸۶

رئیس جمهور تلفنی طرح پیشنهادی صیاد را برای شرح وظایف سمت جدید عضویت شورای عالی دفاع گفت. گزارش‌ها را خواندم. بموی خبری از نشست جاری اوپک نمی‌رسد. جناح مرتاجع کارشناسی می‌کند. عراقی‌ها بعد از اخطار روز پنجشنبه من، موقتاً جازده‌اند و با شعار و حرف برخورد می‌کنند! چند نفر از کارکنان مجلس آمدن و درباره تاسیسات و کمیسیون اصل ۹۰ و... مطالبی مطرح کردند.

آقای محسن [مجتهد] شیستری [رئیس کمیسیون امور بازرگانی و توزیع مجلس] از عدم توجه سپاه به حفاظت ایشان گله داشت. نمایندگان اصناف آمدن و از عدم همکاری وزارت بازرگانی در تشکیل شورای مرکزی اصناف و اتمام آثیین نامه شاکی بودند. آقای شیستری را مامور رسیدگی کردم. غلامرضا - همشیرزاده - کارمند مجلس برای خدا حافظی سفر سعی آمد.

آقایان سرهنگ ترابی و سنجقی آمدن و درباره امور جنگ و سپاه و ارتش، بسیج نیرو، عملیات، نیازهای ارتش و سپاه، فرارگاه رمضان، نیازهای طالبانی‌ها و بارزانی‌ها و حفاظت از مراکز صنعتی و کلتهای مذاکره کردند. سردبیران مجلات العالم و افکار آمدن و درباره سیاست ایران در امور مهم

۱- روزنامه عراقی التیزه امروز بار دیگر تأکید کرد که عراق از این پس به هیچ وجه سهمیه تولید نفت خام خود را که در اوپک تعیین می‌شود، اگر کمتر از مسهمه ایران ناشد، تغواهه پذیرفت. این روزنامه در آستانه کنفرانس اوپک در زیر، اظهار عقیده کرده است که چنانچه تفاوت میان سهمه‌های ایران و عراق تفاوت نداشت، اوپک به طور غیر مستقیم مسئول ادامه تجاوز تهران علیه عراق خواهد بود. التیزه افزوده است: "این سهمه بالاکه توسعه اوپک برای ایران تعیین شده است، به رزیم تهران فرضهای دیگری می‌دهد تا هزینه جنگ خرد را علیه عراق تأمین نماید". از سری دیگر، عهادن اخورین اسلام و بازرگانی وزارت نفت ایران (حسین کاظم پور اندیلی)، در زیر تفاصیل رزیم بغداد برای داشتن مسهمه تولید نفت به میزان تولید ایران را یکنی از مواضع غیرواقع‌بینانه آن رزیم خواهد گفت: "اتحاد چیز موصوعی از سری بنداد برای ایران غایبی ندارد. ایران اگرچه برای مرتفعات اجلام اوپک از هیچ تلاشی در بین تخریه کرد اما این به معاید پذیرش هرگز نه موضع غیرواقع‌بینانه از سری برجسته اعطا نیست.... تولید نفت ایران در طول قاریخ ۲۵ ساله اوپک به میزان دو برابر تولید عراق بوده است".

مثل جنگ و نفت و... سوالاتی کردند.^۱

آقازاده از ژنو تلفنی گفت او پک به طرف تثبیت سهام قبلی پیش می‌رود، فقط می‌خواهد عراق را استثناء نمایند. مسئولان اتحادیه حمل و نقل آمدند و از سخت گیری وزارت راه در تعریف‌ها و حق گاراژ‌ها شاکی بودند.

آقای [غلامرضا] حدادی کاردار مان در پاریس آمد. درباره می‌باشد برخورد با فرانسه و مسائل گروگانها سوالاتی داشت. سرهنگ قناعتی رئیس اداره گذرنامه آمد. گزارش آماری داد و از کوچکی ساختمان اداره و نیاز به توسعه گفت.

شب با آیت‌الله خامنه‌ای مهمان نخست وزیر بودم. درباره مسائل جنگ^۲ و گروگان‌ها و گرفتن نیازهای دفاعی از آمریکا مذاکره شد. سپس به خانه آمد.^۳

۱- رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵»، «دفتر شریعت‌عارف‌انقلاب»، ۱۳۸۷

۲- در این روز صدام حسین در یک رست می‌باشد و صلح طلبانه، با طرح پیشنهادی پیغام‌های بدون اشاره به تنبیه هنجاره، از ایران خواست که با اعلام آتش بس و استقرار صلح موافقت کند. این پیشنهادها مبنی بر این سرگشاده‌ای خطاب به رهبران ایران مطرب گردید. در این ناخه بر برتری لجه‌پسی عراق تأکید و در آن اخلاص شده است که هیچ راه دیگری به جز راه صلح وجود ندارد. طرح صلح پیغام‌های که صدام از اینه داده است، تأمل عنت نشیی سریان به پیش مروزهای خود، ماده اسپریان جنگ، اضافی فرارداد صلح، تاسابی و احرام مقابل رهبری با یکدیگر جهت نیات در منطقه حلیق قارس می‌باشد.

در ناخه مذکور آمده است: این شعار شما که بر اساس آن، شرایط رمانی را به نفع خود قلمداد می‌کردید، شکست خورده است و اکنون شما شعار جنگ طلایی و فرسایشی را به شعار کرتاه کرد زمان جنگ و قراردادن سال جاری به عنوان سال سروشوست نهایی، مبدل ناخه اید. اما برتری در تمامی زیستهای سوق الجیش در مقایسه با آنچه که شما دارای آن هستید، به نفع ماست. نوابای عراق بر روزگر و غفال تر از نوابای شناس است. پیروزی حتمی از آن اسرائیلی می‌باشد، زیرا که شعار، شعار توسعه طلایه و هدف از آن نسل بر عراق و بر قواری یکی امیراطوری توسعه طلایه است، در حالی که شعار ما، حفاظت از حاکمیت، مقدسات و خواسته‌هایمان می‌باشد و در هر فرضیت دعوت به صلح را تکرار کرده و این خط مشی ما در تمام حالت‌های مرجحه می‌باشد. ما به شما می‌گوییم: از تها راهی که می‌توان آنچه را که می‌شود نجات داد، نجات دهد و آن، تمام برداشت در راه صلح و دست یابی به صلح شرائمه‌دانه‌ای است که بر اساس هنای زیر می‌باشد:

۱- عنت نشیی کامل و همه جانه و بدین قید و شرط تا مروزهای شاحد شده و بین اتمی.

۲- مبادله کامل و همه جانه اسرا

۳- اضافی مراقبت ناجه صلح و عدم تجاوز میان دو کشور.

۴- عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احرام گذشتگان هر کشور به حق انتخاب خود.

۵- هر یک از کشورهای عراق و ایران باید عامل مثبت در تحقق نیات و اهانت منطقه و بدینه منطقه خلیج عربی باشد.

در همین حال اهل یاسین رمضان: عضو شورای فرمانده‌ی انقلاب و معاون اول نخست وزیر عراق تأکید کرد که عراق آمده است از شرف و استغلال خود دفاع نماید، حتی اگر جنگ با ایران برای صدها سال ادامه یابد.

روزنامه لوکریندویاری چاپ پاریس در خمسیوری نوشت: «صدام نخستین بار است که از طریق یک نامه سرگشاده روحانیون جمهوری اسلامی را مصادر فرار می‌دهد. با توجه به ععاد نامه می‌توان گفت رهبران جمهور عراق با پایین به هاشمی رفسنجانی (اشارة به سخنان آقای هاشمی در مجله پاسدار اسلام) از یک سو محاکم بین‌المللی و از سوی دیگر محاکم داخلی کشورش و به ویژه ارتش را با این پیام هدف فرار داده است».

^۳- به پیشنهاد شورای عالی دفاع، سرهنگ حسین حسینی سعدی؛ را امام خمینی (ره) به فرمانده‌ی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

۴ August ۱۹۸۶

دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ۲۷ دی ۱۴۰۶

آقای نخست وزیر اطلاع داد که هواپیمای آمریکایی حامل قطعات هاک وارد ایران شده است. بالاخره پوزه ریگان را به هاک مالیدیم و علی رغم شعاری که می دهد که در مورد گروگان‌گیری باج نمی دهد، باج مهمی داد. گرفتن مسائل پادشاهی مثل هاک از دشمنی مثل آمریکا مهم است. این را مرهون مجاهدات مسلمانان مجاهد لبنان هستیم.^۱ ان شاء الله بتوانیم قسمتی دیگر از نیازها را بگیریم. عصر آقای [محمدحسین] اختری سفیرمان در سوریه همراه با اخوی محمود آمدند. گزارش وضع لبنان را داد و مشورت نمود. تصمیمات جلسه شب پسچشته سران قوارا گفتم. شب آقای رفیق دوست برای کارهای سپاه و خرید نیازهای جنگ آمد.^۲

(ادله پاره‌قی از صفحه قبل)

منصوب گردند. امام خمینی در پاسخ خود به ناده تصوری عالی دفاع مرقوم فرمودند: "با تقدیر از رحمت‌های علاقت فرسای سرکار سرهنگ صیاد شیرازی که نتعهد کامل به اسلام و جمهوری اسلامی در طول دفاع مقدس از هیچ‌گونه حدنهای به گشتوں اسلامی خودداری نکرده است... اید است در آینده نیز در هر مقامی که باشد، مونق بد ادامه خدمات ازین‌جهة خود باشند".

۱ - به گزارش رادیو کلن، سازمان جهاد اسلامی در لبنان - که نیز سه تن آمریکایی را در گروگان دارد - با انجام دادن مذاکره ناریگان رئیس جمهور آمریکا و «باب زان پل دوم» و همچنین استفت اعظم کاتربری برای آزادی گروگان‌های مذکور، مخالفت می‌کند. طبق این گزارش، سازمان مذکور در اعلامیه‌ای که در روزنامه نشنای «النهار» به چاپ رسیده، تهدید کرده است در صورتی که تقاضای این سازمان عملی نشود، گروگان‌ها را به قتل خواهد رساند. رادیو کلن حسن اعلام این خبر ازود: "از حمله در خواسته‌ای سازمان جهاد اسلامی، آزادی فضله نفر از هواداران این سازمان است که در رابطه با انجام [دادن] عملیاتی در کوت زدنی هستد. جهاد اسلامی در اعلامیه خود اظهار می‌دارد: "ما هرگز برای گان قاتل و جانی معامله نکرده‌ایم و هرگز نخواهیم کرد". در ادامه این اعلامیه آمده است: "سکوت پاپ در مورد جنایات آمریکا و هم پیمان‌هایان وی را تحریک جایت آنها کرده است".

* - در این روز بزرگ‌ترین ابار نذریه مهمات ارتش عراق واقع در حد تاصل شهر سلیمانیه و گیکرک را یک گروه شرشری از عراق‌فان حرب بعث منفجر گردند. بواسیس این گزارش ۱۵۰ دستگاه تربلی و کامپری های شخمی که مأموران حرب بعث برای حمل مهمات به جبهه‌های جنگ به کار می‌برندند. به آقیل کشیده شد و یک کارخانه اسلحه ساری متعلق به وزارت راه و ترابری عراق که در مجاورت این ابار واقع شده بود، به کلی با خاک کشان شد و حداقل ۶۰ دستگاه هاشمی آلات سنگین نیز در جریان انهدام این کارخانه طعمده خریق شد و سوخت. متابع مطلع خسارات‌های ناشی از انفجار این ادار و کارخانه آسلحه را می‌لاردها دیوار برآورد کرده‌اند و تلفات جانی را حداقل ۲۰۰ نیز گشته و بین از ۱۰۰۰ نفر و بخشی تحسیس زده‌اند. از سری دیگر، انفجار برگزین ترین اثار مهمات ارتش عراق، خسارت فراوان نیز به روسانیان مجاور وارد آورده است به طرزی که در شهرک الپی شیش تن و ذر رومتای فرش قایه هشت تن بر اثر برخورد ترکیب انفجار کشته شدند. طبق این گزارش، در حال حاضر کلیه شهرک‌ها و روستاهای مجاور این اثار از سکنه خالی است. ذر همین حال همراه با این اتفاق، گروه دیگری از مخالفان صدام که در ارتش این کشور خدمت می‌کنند، طی عملیات‌های جنگ‌گاههای ۱۳ اثار مهمات دیگر را در شهرهای موصل، بصره و جلوه در استان بغداد منفجر گردند که این انفجارها خسارات‌ها و تلفات سگی داشته است. گفته می‌شود و قرع این انفجارها مرجحی از وحشیت درین سران حرب بعث در رابطه با ادامه جنگ ایجاده کرده است.

۵ August ۱۹۸۶

سه شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۸ ذی قعده ۱۴۰۶

شب باران بارید و صبح باران سیل آسا در جماران آمد. معمولاً این گونه باران در این فصل نداشتیم. برای بازدید از صنایع نظامی با ماشین به پارچین رفتیم، صنایع موشکی، صنایع شیمیائی و باروت سازی و پرگن مهمات و کاتبیشا و آرپی. حی سازی را دیدیم و به توضیحات مسئولان گوش دادیم و برای کارکنان سخترانی کردم. عصر به تهران برگشتم.

خبر موقتی نسبی ما در اوپک و موافقت با پیشنهاد ما در خصوص کاهش تولید، خستگی را رفع کرد. گزارش‌ها را خواندم، مطلب مهمی نداشت. با خستگی خوابیدم. با زنگ تلفن وزارت خارجه بیدار شدم. آقای [حسین] شیخ‌الاسلام اطلاع داد که کاردار سوریه اطلاع داده احتمالاً در عراق کودتا شده و روابط تلفن و تلکس قطع شده است.^۱ به فرماندهان سپاه تذکر دادم که اگر کودتا محرز شد،

۱ - سرانجام اجلاس اوپک بعد از ۹ روز بحث برای تعیین سهمیه اعضا امور را تصویب پیشنهاد ایران متنی بر کاهش تولید اعضا نا سطح ۱۶ میلیون بشکه در روز و استثنای کردن عراق از سهمیه‌بدی، به کار خود پایان داد. این تصویب بحراں اخیر اوپک را که باعث کاهش شدید قیمت نفت در بازار جهانی شده بود، موافقاً پایان داد.

آقای آفرازه وریز نفت، در مورد این پیشنهاد گفت: "با توجه به اینکه عراق حاضر نیست ما اوپک همکاری نماید، این مسأله مورد تأیید کلیه اعضاي اوپک فرار گرفت که توثیق خود را سریعاً حدود ۴۵ میلیون بشکه کاهش دهنده اجلاس به اتفاق آراین پیشنهاد را بدیرفت. رسیده ای اتفاقی آغازه وریز نفت، در مورد این پیشنهاد گفت: "در حالی که تیجه این اجلاس همروز اعلام نشده ولی شایعات آآل منجر به افزایش قیمت نفت حدود سه الی چهار دلار در بازارهای جهانی شده است." آقای آفرازه تابع دیگر موقتی به تصویب رسیده این پیشنهاد ایران را شکسته شدن جنگ قیست‌ها، انسجام هر چه پیشتر اوپک، حافظ روش مای خلط قیمت‌گذاری و تعییف‌های مخصوص داشت. در همین زمانه، وزیر نفت کویت پس از پایان اجلاس اوپک در یک مصالحة مطبوعاتی در مرور دلیل قبول پیشنهاد ایران در اجلاس زیر، گفت: "پیشنهاد مذکور در مقابله با دیگر پیشنهادهای ارائه شده ضمن کوتاه مدت بودن، از انعطاف پیشی برخوردار بود و ویژه آن که سهمیه‌ای برای عراق نیز مشخص شناخته است. این امر به معنی تغییر سیاست کشوری نمی‌باشد. سهم اوپک در بازار باید پیشتر از ۱۶ میلیون بشکه در روز باشد."

۲ - در پی مطرح شدن احتساب و قرع کودتا در عراق که به تحریر غیررسمی در برجی محلات دیلمانیک، به خصوص "سوری" ها امراز گردید، خبرگزاری جمهوری اسلامی، اعلام کرد که شایعه و قرع کودتا در عراق به شدت در سطح کشور و جهادهای جنگ در حال گسترش است. در تهران افشار مختلف مردم و نیز صراحت مخلتف دولتی ضمن تماش با این خبرگزاری، با ایاز خرسحالی، از چند و چون هاجرا می‌پرسید. در همین زمانه مردم مناسب با دوق و سلیقه خود به پخش شایعاتی نظری و تورصدام، سرکوبی کردند، فوارگرهی از مقامات عربی ایران، پیاهنگی یک هرایپمای عراقی به ایران و نظایر آن مبارزت نمودند. همچنین براساس خبرگزارش رسیده از فوارگاه خبره، شایعه هزیز و سرنگونی صدام به ملوک گسترده‌ای در عیان رژیم‌گان مطرح است، به طرزی که در این غوارگاه شربینی توزیع شده است. از باختنان، اعزام اراک، تبریز و تهریش نیز گزارش رسیده است که شایعه هزیز در سطح این شهرها پخش شده است. به دنبال قوت گهرنین این شایعه، مساعی خبری ایران در پی باطن می‌راند هیئت و سقم و جوانش آن برآمدند. با توجه به اینکه قضای خبری به شدت بسته عراق امکان تحقیق مستحب را منتفی می‌کند، روش‌های کنسه خبرهای غربی با واسطه غربه نظر توارد گرفت. در پی این امر، یک هیئت عراقی ترک در پیک تماش غلغنهی با خبرگزاری جمهوری اسلامی در آنکارا به تقلیل از سعیه ترکیه در عراق گفت که در چند روز اخیر واعده‌ای که خنان دهنده ایجاد تحولات اساسی در کادر رهبری این کشور را باشد به وقوع نیز نیز نیز است و اوضاع در این کشور عادی می‌باشد. این منع اطلاعاتی همچنین اعلام کرد که مسئولان وزارت (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

تلاش کنند مراکز حساس مثل جاده بصره و ام القصر را بگیرند.

چهار شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیقعده ۲۹ | August 1986

ساعت نه صبح به مجلس آمد. مجلس تعطیل است. سفیر آلمان غربی آمد. در مورد لزوم تکمیل طرحهای نیمه تمام تذکر دادم. کاردار کره جنوبی آمد. خواهان تبدیل کارداری به سفارت بود و در مورد آزادی یک دیلمات کره‌ای که در لبنان ریوده شده استمداد کرد. اظهار بی اطلاعی نمودم. مسئول قضائی مقر شهید مطهری آمد و از برخورد نمایندگان با پاسداران گله داشت. مسئولان گریش دانشگاه آزاد اسلامی آمدند. برای آنها مفصلًاً صحبت کردم!

درباره احتمال کودتای عراق پیگیری کردم. آقای شیخ‌الاسلام اطلاع داد که روزنامه الشرق در لبنان هم مطرح کرده و پرواز هوایی عراقی به عربستان سعودی هم تاخیر داشته و فرائین دیگری نداریم. ظهر آقای عبدالله نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] و سرهنگ حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] برای مذاکره در امر بودجه ارتض و مسائل جنگ و نیروی زمینی آمدند.

عصر آقای ریاضی آمد. در مورد دکتر [ابراهیم] یزدی که از آمریکا برگشته^۱ و هم در باره خریدهای تسلیحاتی مطالبی داشت. نمایندگان شوراهای جهاد دانشگاهی آمدند. برای آنها صحبت

(ادامه پاروپن از صحنه قبل)

خارجه نزکه از احتمال وقوع کودتا در عراق اظهار بی اطلاعی کرده‌اند. یک مقام سفارت یائین در ایران نیز گفت: «مطابق اطلاعاتی که آنها از سفارت خود در بغداد دریافت کرده‌اند، هیچ نشانای از وضعیت غرب‌زادی در پاییخت عراق دیده نشده است». در همین حال آقای سید محمد باقر حکیم علی نمایی با خبرگزاری جمهوری اسلامی، اعلام کرد: براساس آخرین تفاس ما با عراق، کودتایی در این کشور مصوب نگرفته است و دینی رسیله شایعه وقوع کودتا تکذیب می‌شود.

۱- آقای هاشمی خطاب به هیأت‌های گریش برکری و هسته‌های گریش دانشگاه آزاد اسلامی گفت: «خرابش من از برادران مسئول گریش این دارند؛ به سمت بدی سوق دهن. اگر کسی را شناخید و اساد نیز علیه او وحدت داشت، مسئلای نیست اما اصل راهیه بربرات و صحبت نگلارید. اگر کسی خوب باشد و مسائل را رعایت کند و قاهری قابل قبول داشته باشد و علیه او هم شکایتی تباشه بدون تحقیق باید او را پذیریم مگر آنکه سیوال جدی علیه او وجود داشته باشد». رجوع کنید \leftarrow کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های مال ۱۳۶۵»، دفتر شریعت اسلام، ۱۴۸۷.

۲- در رسانه‌های غربی تایع شده بود که یکی از کاتالهای ارتباط ایران و آمریکا برای تهیه ملاج از طریق دکتر ابراهیم برداشته است این ادعای تکذیب شد.

کردم^۱ و گزارشی دادند. [آقای غلامرضا شافعی] وزیر صنایع و معاونان آمدند. گزارشهای خوبی دادند که صنایع در جهت استقلال از ارز دولتشی پیش می‌روند. شب مهمان رئیس جمهور بودیم. تقریباً روشن شده که گودتای ادعا شده در عراق یا اصلاً نبوده و یا شکست حورده است. در مورد ورود نیروهای سوری به جنوب بیروت هم بحث شد.

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۵ | ۱ ذیحجه ۱۴۰۶ | 7 August ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه و استراحت گذشت. احمد آقا آمد و درباره جنگ، مقابله به مثل، قطعات هاک گرفته شده از آمریکا و مراحل بعد معاوضه با گروگانها، طرح تشدید مجازات محکران و پیام امام به حاجج مذاکره کردیم.

عراق به اصفهان و خارک حمله کرده و خساراتی وارد کرده است.^۲ دستور مقابله به مثل دادم. عصر فرماندهان قرارگاه رمضان درباره قرارداد با بارزانهای و طالبانیها صحبت کردند و خواستند که برای انجام قوارها کمکشان کنم. گفتم به تدریج و گام به گام پیش بروند، در حدی که آنها امتحان صداقت می‌دهند، امکنات بدھیم.

۱- در یعنی از این سخنرانی آمده است: تشكیل جهاد داشتگاهی از اقدامات خوب بعد از انقلاب فرهنگی بوده است. پیشنهاد دهنگان این طرح، احسان کرده بودند باید حلایی که در داشتگاه وجود دارد بر شود. قا در نظام آموزش عالی، تعطیلی مطلق بروز نکند. ایجاد نهادهای انقلابی به تناسب نیازهای انقلاب بروزه و صرفاً برای خدمت به جامعه و بدون بر تامه ریزی قلی تأسیس گردیده اند و به همین خاطر سالمند ترین نوع نهادها در طول تاریخ هستند. رجوع کنید به کتاب "هاشمی رضتیجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۵" دفترنش معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲- در این روز بار دیگر حملات هوایی عراق گستری یافت. بد این ترتیب که بین گزاره هوره حمله هواپیماهای عراقی قوارگفت ولى خسارتی بار نایماد. همچین هر اکثر غیر نظامی و اتفاق اداری در اصفهان و جزیره خارک مورد حملات خسارت بار قرار گرفت. صبح امروز هشت هواپیمای دشمن، چند ناچیه صنعتی و کارگری اصفهان را بسازان کردند. در این حمله هوایی سه نهمه پالایشگاه شماره یک اصفهان و یک تخته از معاون پخش شهید محمد عظیزی هدف قرار گفت. هواپیماهای عراقی همچنین بیرون گاه اسلام آباد اصفهان را بسازان کردند که برادر آن، واحدهای بک، دو و سه این بیرون گاه آسیب دید. خساراتی این به مسائل نیزهین وارد گردید و تانکهای ذخیره سازی مازوت نیز بر اثر بروزه نوکلن متروخ شدند. در این حمله حدود ۲۰ تن مجروح شدند. به گفته شاهدان عینی، در حمله به بیرون گاه اسلام آباد اصفهان دو هواپیمای عراقی در مطلع سپاه پایین به بیرون گاه حمله کردند به طوری که خلبان این هواپیماها دیده می شدند. به گفته این شاهدان، یکی از هواپیماها با راکت و یکی دیگری با کالیبر به بیرون گاه حمله کردند. هواپیماهای عراقی بعد از ظهر امروز نیز به فضای اصفهان وارد شدند ولی تنها دیوار صربتی را شکستند. به نظر می رسد هدف از حمله اخیر، عکس ازداری از مناطق آسیب دیده باشد.

۸ August ۱۹۸۶

جمعه ۱۷ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیحجه

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. در جریان امور جنگ و مقابله به مثل تجاوزهای عراق قرار گرفتم. دستور زدن مراکز صنعتی بصره با توب و حمله هوایی به مراکز اقتصادی داده ایم که اجرا می شود، عصر آقای [عبدالمجید] معاد بخواه آمد. درباره بنیاد تاریخ بحث شد.

به نخست وزیر گفتم به کنگرلو پگوید تا آمدن هوایی دوم حامل [موشک] ناو و لامپ P.R پول قطعات ها ک آمریکایی ها را نپردازد. شب خبر دادند هوایی حامل قطعات موشک، اسکاد-بی از لبی برگشته است. خوشحال شدم. از همکاری لیبی‌ها مطمئن نبودم.*

۹ August ۱۹۸۶

شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیحجه

ساعت هشت صبح همراه [پسرم] مهدی به زیارت امام رفتیم. مهدی برای رفتن به جبهه از امام خداحافظی کرد. سارا هم بنا بود بیاید ولی نرسید. درباره مشکلاتی که مجلس با شورای نگهبان در مصوبات خود دارد با امام صحبت کردم و مخصوصاً روی نظرات شورای نگهبان درباره تعزیرات و به خصوص طرح تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان تکیه کردم.

آنها معتقدند که مجازات‌ها را خود قاضی‌ها باید تعیین کنند و نمی‌پذیرند که مجلس به صورت قانون کلی بیاورد و این موجب تفاوت فراوان و گاهی فاحش بین مجازات‌ها می‌شود. در مورد مرجعیت گروه چهارنفری منصوب امام هم اشکال ایجاد کرده‌اند. در مورد جنگ هم گزارشی دادم.^۱

* - در پی دستگیری یک جاسوس آمریکایی به نام "جان پاتیس" که به عنوان مهندس مخابرات برای یک شرکت مقاطعه‌کار بین‌المللی در ایران کار می‌کرد، امروز زادبو آمریکا به نقل از وزارت خارجه این کشف رفته: "سارات سوتیس در ایران می‌کرد یک مهندس آمریکایی مخابرات را که شش هفته پیش به اتهام جاسوسی دستگیر شد، آزاد کند. به گفته یک سخنگوی وزارت خارجه، سارات سوتیس که حافظ خانع آمریکا در ایران است توافق است با مهندس ۴۹ ساله به نام "جان پاتیس" ملاقات کرد". رادبو آمریکا همچنین به نقل از روزنامه واشنگتن پست گفته: "جان پاتیس هنگامی که با یک پاسپورت جعلی ایالاتی دستگیر شد، در مرکز مخابرات بین‌المللی ایران در اسدآباد گاز می‌کرد. ماه گذشته (۱۳۶۵/۴/۲۷) علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: "یک آمریکایی با گذرانه جعلی ایالاتی به اتهام جاسوسی در بازداشت به صریح بردازی از ایران خارجه آمریکا می‌گردید پاتیس کارهند دولت آمریکا نیست. خواهر پاتیس جاسوس آمریکایی بیز دستگیری وی را توعی سره تفاهم خواهد و گفت: "برادرم در زمان حمله هوایی‌ها عراقی به اسدآباد، برای انجام دادن مأموریتی به اهواز رفته بود و این امر باعث توهم مقامات ایرانی مبنی بر جاسوسی وی برای آمریکا شده است.

۱ - حرج شولتز، وزیر خارجه آمریکا امروز در مصاحبه‌ای اعلام کرد که دو ایرانی که اینکار تازه برای پایان بخشیدن به جنگ نشست ساله ایران (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

امام به خصوص از وضع موشک‌ها سوال کردند و از قطعات هاک که اخیراً از آمریکا در مقابل آزادی یک گروگان آمریکایی در لبنان گرفته‌ایم پرسیدند. مراحل بعدی معاوشه را که بنامت [موشک] فونیکس و... بگیریم، گفتم.

تا شب در خانه بودم و بیشتر وقت به مطالعه گذشت. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزارت امور خارجه] اطلاع داد که سفیر راپن آمده و راجع به آمریکا و گروگانهای لبنان مطالبی پرسیده، ولی جواب آقای بشارتی را نپسندیدم.

۱۰ August ۱۹۸۶

یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۶۵ | ۴ ذیحجه ۱۴۰۶

مهدی برای رفقن به جهه آماده می‌شد و من برای انجام ملاقات‌ها به مجلس آمدم. آقای سرهنگ ترابی برای گزارش مسائل جنگ آمد. آقای حمید نقاشیان آمد. اظهار کرد که بیکار است. آقای ناجی رئیس صنایع فولاد آمد. گزارشی از وضع صنایع فولاد داد و برای تقویت بودجه و نیروی انسانی استعداد کرد و از عدم همکاری وزیر [معدن و فلات] گله داشت.

در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کردم. مصوباتی در جهت اعزام نیرو و تجهیز امکانات داشتیم. سپس با آقای محسن رضایی درباره سه عملیات محدود قبل از حمله وسیع آینده مذاکره کردیم. ناهار به مجلس آمدم. عصر قرار بود برای پاسخ به سوالاتی که در اثر تبلیغات دشمنان در مورد جنگ وجود دارد، مصاحبه تلویزیونی داشته باشم، اما به خاطر آماده نشدن سوالات به بعد موکول شد.

فرزندم مهدی و پسردارم آقای رحمانی که عازم جبهه بودند، برای خدا حافظی آمدند. یک ساعت به آقای رحمانی هدیه دادم. مهدی را به خاطر روحیه فدایکارانه‌ای که دارد، بیشتر از گذشته دوست دارم. با عفت تلفنی صحبت کردم، ولی راضی است. نمی‌خواهد فرزندش را از ثواب و سعادت باز دارد، می‌داند که حضور او در جبهه برای انقلاب مفید است، ولی مادر است دلش

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

و عراق هطرح کرده‌اند. وی جزئیات این طرح را فاش نکرد. بنابراین گزارش خبرگواری کریم، شرکت افروز؛ "هر دو ایران قدرت دارای اندکی وجوده اشراک در رابطه با چگونگی تحریک و تحلیل جنگ ایران و عراق بوده و هر دو مایلند این جنگ خاتمه بیندازند". به گزارش میع مذکور، وی از افشاری حرثیات پیشتر، خودداری کرد و مشخص نکرد که آیا دو ایران قدرت قابل تحقیق و گویهای مربوط به چگونگی بایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق را آغاز کرده‌اند یا اینکه قصد دارند آن را در اجلاس آتی وزیران خارجه آمریکا و شوریوی مطرح کند.

می سوزد، گفت صدقه بدhem و برای او و پاسداران، گوسفند قربانی کنم.

آقای [علاءالدین] بروجردی سفیر جدیدهان در چین برای مشورت و خداخاظی آمد. آقای علیزاده عضو جدید شورای نگهبان آمد و از دستگاه قضائی انتقاد داشت. از آقای [مصطفی] محقق داماد [رئیس سازمان بازرگانی کل کشور] راضی بود.

گروه مسئول حفاظت شخصیت‌ها از طرف شورای امنیت آمدند. در مورد کم کردن تشریفات و حجم حفاظت مشورت کردند. شب سران قوا مهمان من بودند. درباره اختلافات مالی و سیاسی با فرانسه صحبت شد و آقای [محمدجواد] لاریجانی [معاون امور بین‌الملل و اقتصادی وزارت امور خارجه] گزارش سفر به روسیه را داد. گویا روسها مایلند با ما روابط خوبی داشته باشند.^۱

دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذی‌حجه ۱۹۸۶

آقای پشارتی اطلاع داد که عربستان اعلام کرده چند نفر از حجاج ایرانی در ساکنهای خود تی.ان.تی داشته‌اند. آقاجلال برای مهدی یک گوسفند قربانی کرد و اتفاق نمود. پیش از ظهر احمد آقا آمد. درباره مرجع تعیین تعزیرات قانونی که با شورای نگهبان مشکل پیدا کرده‌ایم، مذاکره شد. نظر داماد که بهترین مرجع مجلس است، ولی شب احمد آقا اطلاع داد که امام می‌خواهند کار را به آیت‌الله متضطری محوال کنند که ایشان مرجع را تعیین کنند.

۱- دکتر محمد جواد لاریجانی معاون امور بین‌الملل و اقتصادی وزارت امور خارجه در بازگشت از سفر رسمی به مسکو، گفت که میان ایران و شوروی زمینه‌های همکاری وسیعی وجود دارد. او گفت که در این دیدارها حسن نیت، علاقه به تضمیم دولت شوروی به توسعه روابط با ایران را احساس کرده است. در این بازه زایدی کل در تصریح گفت: «روابط ایران و شوروی بعد از سفر لاریجانی به مسکو را بسیار خوب نهاده توصیف کرد و هم‌زمان مرحوم سیار دور است. تغییر اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان مانع از آن می‌شود که روابط حسن همکاری و امنی بین تهران و مسکو به وجود آید. زیرا این اکنامکان خراسان خروج غریزی و بدون قید و شرط تبروهای نظامی شوروی از افغانستان هستند. تاکید گزینیکو بر ضرورت آغاز مذاکرات صلح از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا ایرانی‌ها ظاهراً در تدارک یک عمل جدید همه جانبه علیه عراق می‌باشد و به این ترتیب در مرحله مقدماتی به تهران احظار می‌شود که این جنگ شدت یابد، این امر با اتفاق و مخالفت شوروی رو به رو خواهد شد. در همین حال می‌خواهیم کاپسسا معاون وزارت خارجه اتحاد شوروی در مسکو، گفت: «جنگ ایران و عراق هم اسباب است و هم بی‌معداً مرجع اتحاد شوروی از این‌جا چنگکشیده بود که زودتر پایان یابد. این درگیری مصالح بیشتری برای دو طرف درگیر به همراه خواهد داشت... ما مدام و با قیمت از هر دو طرف خواسته‌ایم که ما پایان خسروت‌ها، عقب‌کشیدن تیروها و آغاز مذاکرات موافقت کنند». از سری «نیگر» را زیرینی بی‌می‌ذر تصریحی درباره روابط ایران و شوروی گفت: «قرآن و تواریخ حاکم است که تا حدی روابط ایران با ایران‌دلتات شناسی خود در مقایسه با آمریکا - که می‌خواهد به شیطان برزخ توصیف می‌شود - بهتر شده است. در حقیقت آغاز یک رشته دیدارهای اقتصادی میان دو طرف، نوعی واقع‌گرایی مبتنی بر مسائل اقتصادی را به وجود آورده است. ظاهراً ایران و شوروی هر دو بر این نکته متفق‌اند که نگذارند اختلاف بر سر مسائل مهم می‌است خارجی، مانع در راه بهبود روابط دو طرف شود».

عصر آقای معادیخواه آمد و درباره نیازهای بنیاد تدوین ناریخ انقلاب صحبت کرد. جمعی از مدیران بهره‌برداری شرکت نفت آمدنند. گزارشی از خسارات بمبان اخیر خارک دادند و برای پدافند استمداد کردند. به سرهنگ ترابی گفتم که به حرفاشان توجه کنند.

درباره کارواتی که در جده گیر افتاده و جمعی از حجاج که در ساک آنها مواد منفجره کشف و بازداشت شده‌اند، پیگیری کرد. معلوم شد. که حجاج بی اطلاع بوده‌اند. فقط رئیس کاروان می‌دانسته، به وزارت خارجه و اطلاعات گفتم که برای ملاقات با رئیس کاروان در حج تلاش کنند. آقایان اروج و وحیدی درباره برنامه‌ای که برای کنفرانس [جنبش کشورهای غیر متعهد در] حواره پایخت زیمبابوه دارند، توضیح دادند. اطلاع دادند به پالایشگاه اصفهان از طرف عراق حمله شده است.^۱ دستور زدن موشک به پالایشگاه الدوره در جنوب بغداد را دادم.^۲

سه‌شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذی‌حجه ۱۹۸۶ August ۱۲

در منزل بودم. صبح زود اطلاع دادند که دیشب موشک را ترده‌ایم.^۳ نزدیک ظهر اطلاع رسید که

۱- امروز بار دیگر حمله‌های هوابی از عراق به مناطق مسکونی و مسکنی شدت گرفت که برای آن، پیشترین آسیب منطقه شهر اصفهان بود. در حمله به این شهر که باش فروند هوابی از عراقی صورت گرفت، دورهای هوابی دشمن به حرکات قریب دهنده پرداختند و دو فروند دیگر از ارتقاء ۳۰ متری بعد از ۷۵۰ بی‌فراسی ۷۵۰ پیوندی (تریپل ۳۶۱ کیلومتر) را به طرف پالایشگاه اصفهان پربات تهدید کردند. که در پیجه آن در محاذ دخیره هراورددهای نهنی مورد اصابت قرار گرفت و دچار آتش سوزی شد. همچنین توپخانه از کارکنان پیش فرآورده‌های نهنی نیز در حمله دچار آسیب شد و تعدادی از تانکرهای نهضت مسخر در آن نیز در آتش سوختند. در این حمله ۱۸ تن از کارکنان پالایشگاه شهید یا مصروف شدند. نوع هوابی‌های عمل کننده میان فراسی بوده‌اند.

در خصوص حملات اخیر هوابی‌های عراقی، را بی‌بی‌سی. می‌دانم در تفسیری گفت: "گزارش‌های مکرر حاکی از این است که ایران تهاجم وسیع دیگری را تدارک می‌بیند و شاید هدف عراق از حملات هوابی اخیرش این باشد که ایران را به شروع این تهاجم پیش از آن که آمادگی کامل باشند، و ادار گیند".

۲- در پاسخ به حملات اخیر عراق به مناطق عیار نظامی، هوابی‌های نیروی هوابی اتریش یک پادگان نظامی عراق واقع در شمال غربی شهر اربیل را مسازان گردند. همچنین توپخانه ایران شهر بصره و پتروسنسی آن را از مقابل پاسگاه زید و شلسجه مورد هدف قرار داد. ارتش عراق در اطلاعیه نظامی شماره ۲۳۲۲ خود حمله یک هوابی ایجاد کرد و از اعلام کرد و از اخود: "بازلو گلوله باران شهر بصره، یک غیرنظامی گشت و ۱۱ نفر دیگر از جمله ۳ کودک مهروم شدند".

۳- در پاسخ به حملات هوابی اخیر عراق، امروز پس از حدود یک ساعت باز دیگر بغداد هدف یک موشک دوربرد ایران قرار گرفت. این حمله را در ساعت ۱۵ با مدد امروز بگان موشکی نیروی هوابی سپاه پاسداران ایلام داد که برای آن پالایشگاه الدوره نشادند و آتش گشیدند. پالایشگاه مربوط در ۱۵ کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد و یکی از بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های نفت عراق است. این پالایشگاه، نزدیک سریر، نزدیک هوابیما و نفت سفید و نیز درون افزایش تخفیفه و تولیده می‌گرد عراق برای معافیت از این پالایشگاه عظیم نهنی، دو پایگاه موشکی (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

عراق به جزیره سیری حمله کرده و چند کشتی را زده است. با توجه به اینکه بیش از هزار کیلومتر تا عراق فاصله دارد، قاعده‌تاً باید از کشورهای مجاور استفاده کرده و یا امکانات جدیدی بدست آورده باشد.^۱

اطلاع رسید یک جت فالکن آموزشی شرکت آسمان فرار کرده و در بغداد به زمین نشسته است.^۲ خبرگزاری‌ها به دروغ گفته‌اند که هوایی‌ای اختصاصی من بوده یا خلبانش خلبان مخصوص من بوده. به خبرگزاری [جمهوری اسلامی] گفتم که تکذیب نمایند. پخش این مطالب از رادیوهای بیگانه هیجانی در سراسر کشور به وجود آورده بود که عصر و شب تلفنهای زیادی به منزل و دفتر داشتیم. آقایان [احمد] وحیدی [معاون اطلاعات سپاه]، عروج و [محمد باقر] ذوالقدر [فرمانده قرارگاه رمضان] برای مذاکره درباره کردهای عراقی، مسائل حج و کنفرانس غیرمعهدها آمدند.

چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذی‌حجه ۱۹۸۶

ساعت هشت به مجلس آمدم. [آقای یوناکا نومورانو] سفیر ژاپن آمد. نامه آقای [شینتاوو آبه] [وزیر

(ادامه پاروفی از صفحه قبل)

زمین به هوا و یک سلسله مخازن هیدرولیکی در اطراف آن ایجاد کرده است. این مخازن هیدرولیکی نه هنگام تردیدکشند هوا یاساهه، بلور اتوهایک توخی گاز تیره و نیک برای استارپالایشگاه از خطر حبله هوابی منقاد می‌کشد. این پالایشگاه با شش لوله تفتی ۱۲ اینچی که از منطقه موصل اتصاد یافته، تغذیه می‌شود و اطراف آن دارای مخازن‌های خیره بخت و بیزین می‌باشد.

۱ - هوایی‌های عراقی امروز برای اولین بار پایانه تفتی «سیری» را که در ۹۰ کیلومتری ترددیک ترین پالایشگاه هوابی عراق دارد، سازان کرده‌اند و حداقل سه نفتکش اجاره‌ای ایران را بحسب‌های هدایت شونده نیروی فرانسوی هدف نوار دادند. برخی منابع معتقدند که عراق در این حمله از کشورهای دیگر منطقه کمک گرفته است. در حمله امروز چهار هوا یاسایی می‌رازد - ۱ - عراق شرکت داشتند. این اولین بار در جنگ است که چنگله‌های عراقی چین برد طلای را پروردی کنند. توسله کتاب جنگ خلیج (gulf war) معقد است که لارمه پرواز در چین بودی، لیاز به سوت گیری مجدد است. هوایی‌های عراقی احتسالاً یا سوت گیری مجدد نیروهای ایران را رفت و بزرگ شدند که عربی مانند عصان، عربستان سعودی یا ترکی استفاده کردند. ترددیک ترین پالایشگاه هوابی عراق به جزیره سیری، پالایشگاه تاصره در بصره می‌باشد که ترددیک به ۹۰ کیلومتر با این جزیره فاصله دارد و بدب اینکه ها و شکاری‌های عراقی لسی تو انسند بنین کافی برای رفت و بزرگ شدند که این مسافت داشته باشد. بر اثر حمله امروز عراق به پایانه تفتی در جزیره سیری، دو نفتکش ترددیک هدف واقع شدند که یکی از آنها به هلو کامل مرتکت. این حمله پیش از طیور امروز صورت گرفت.

۲ - هوایی‌ای آموزش جت فالکون ۴۰ عتعلق به شرکت هوایی‌ای آسمان با هدایت خلبان آن علی اکبر محمدی، پس از برخاستن از فرودگاه رشت، خاک ایران را ترک کرد و با استفاده از فضای ترکیه در یکی از فرودگاه‌های بزرگ به زمین نشست. در این باره خبرگزاری بی‌گل‌لایی ضمن تأیید این خبر، به بقل از مصاحبه خلبان در بعداد، اقدام وی را یک اقدام شفهی و در افراض به جنگ ایران و عراق توصیف کرد. خبرگزاری آلمان، رویر و کوبت نیز گزارش‌های متابه منشهر کردند. رسانه‌های خارجی مدعی شدن همسر و یکی از دختران آقای هاشمی رفسنجانی در این هواییما بوده و به عراق پناهندۀ شده‌الدّا خلبان نامبرده یک ماه پس از قراره از طریق عراق به آلمان غریب رفت و در روز جمعه ۲۶ دی ماه ۱۳۶۵ در هامبورگ به دست دو ناشناس کشته شد. پلیس هامبورگ این تور را سیاسی و مربوط به اداره امنی پلیس دانست.

خارجه زاپن】 را آورد و برای نجات گروگانهای آمریکایی در لبنان استمداد کرد. گفتم آمریکا تعهد کند که برای نجات زندانیان در کویت تلاش نماید. این خواست سازمان جهاد اسلامی لبنان است. همچنین قطعات خریده شده مانکه در اینبارهای آمریکا مانده و یا زده هلی کوپتر ماراکه در ایتالیا با توقیف آمریکا مانده، بدنه تاکمک کنیم و اضافه کردم به نظر می‌رسد آمریکا در این موضوع جدی نیست، اگر جدی باشد اینها خواسته‌های زیادی نیست. اگر این کارهارا بکند، گامی هم در جهت عادی سازی روابط که خواست آمریکا و زاپن است، برداشته است.

جمعی از فرهنگیان که سینیاری برای تغییر نظام آموزشی داشته‌اند، آمدند. برای آنها صحبت کردم^۱. قبل از جلسه آقای اسدی لاری از اظهاراتی که آنها را متهم به اعمال سیاستهای خطی کرده‌اند ابراز ناراحتی کرد. آقایان سرهنگ [محمدحسین] جلالی [وزیر دفاع] و [کبر] ترکان آمدند و در ارتباط با فشارهایی که از طرف سپاه بر آنها وارد می‌شود، شاکی بودند. تاکید کردم که با سپاه سازند و قول دادم که آنها را هم نصیحت کنم.

جمعی از اعضای شورای مدیریت انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمدند. از عدم حمایت مطلق ما از ایشان گله داشتند. توضیحاتی دادم و نصیحت کردم که تندروی نکنند و از آنها خواستم به جای مخالفت با دانشگاه آزاد اسلامی، با آن همکاری کنند که اگر انتقادی دارند رفع شود.

ظهر آقایان [بیژن نامدار] زنگنه [وزیر جهاد سازندگی] و [غلامرضا] فروزان آمدند و از مشکلات جهاد و تیازها و خدماتشان گفتند. سرهنگ ترابی و سرهنگ [مصطفور] ستاری [معاون طرح و برنامه نیروی هوایی] آمدند. برای پدافند اصفهان و جزیره سیری بحث شد. به ظن قوی به نظر می‌رسد عراق در حمله به سیری از کمک کشورهای همسایه استفاده کرده است.

【آقای رضا امیرالله‌ی】 رئیس سازمان انرژی اتمی آمد و ابتکار هدف لیزری برای توبه‌هارا گفت. عصر شورای عالی دفاع جلسه داشت. بعد از جلسه مصاحبه کردم^۲. شب مهمان احمد آقا بودیم. امام هم

۱- در این ملاقات که آقای سید کاظم اکرمی وزیر آمریز و پرورش و مسئولیت تغییر نظام آموزشی حضور داشتند، آقای هاشمی نژام ایجاد یک نظام هماهنگ و مکبارة ارکوکستان نا دوره‌های عالی تحضیی در راستای اهداف انقلاب اسلامی را مورد تأکید قرار داد. در بخشی از سخراجی آمده است: «موقعیت کوئنی یک مرهیت است و شرایط از غیر جهت برای این منظور مساعد است. باید این اندام را جدی نگیریم چرا که در غیر این صورت، ممکن است به زودی پیشیاز شویم. تغییر نظام فرهنگی از پایی به بالا از همین‌ریان کارهast و تعلم باید به گونه‌ای ناشد که الگوی مسلمان واقعی را به دانش آموزی انسان دهد. دانشگاه‌ها و مسیری منزه سلطه باید بجهه‌ها را به گونه‌ای تربیت کنند که واقعاً حامی قدر محروم و مستضعف باشند».

۲- در بخشی از این مصاحبه آمده است: «اسناد و مدارکی در اختیار داریم که نشان می‌دهد هوابیمهای عراقی برای حمله به جزیره سیری از امکانات کشورهای منطقه استفاده کرده‌اند». ایشان حمله حین‌گذه‌های عراق به پایانه نفتی ایران در جزیره سیری را یک عامل مهم از لحاظ تحریر (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

شرکت کردند. آقای خامنه‌ای از امام خواستند که ارشادات خاص معنوی بفرمایند. امام تاکید بر خدمت به مردم و توجه به خدا و عبادت فرمودند و گفتند مطالب خاص ویژه‌ای ندارند.

۱۴ August ۱۹۸۶

پنجشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیحجه

تمام روز در منزل بودم». فاطی و فائزه برای استراحت به جواهرده رفته‌اند. خانواده مرحوم لاھوتی در آنجا منزلی دارند. به پاسداران گفتند برای رفتن به مشهد آماده شوند، بنابراین خانواده همهٔ محافظان را هم ببریم. آقای رحمانی [مسئول] بسیج آمد و از فشار سپاه و تحويل ساختمان بسیج گله داشت.

۱۵ August ۱۹۸۶

جمعه ۲۴ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیحجه

تا ساعت ده و نیم صبح برای خطبه‌ها مطالعه می‌کردم. در دانشگاه تهران نماز جمعه را اقامه ننمودم.^۱ قبل

(ادامه پاره‌قی از صفحه قبل)

دسترسی جنگل‌های عراقی به آن مکان توصیف کرد و گفت: «براساس عذرآگه موجود، ظهیر من غسل شده از مکانات خلابان عراقی توسط شنود درایی و نیز گزارش‌های واحدهای رادار شان می‌دهد که عراق برای حمله به سپری از امکانات و تسبیلات کشورهای منطقه سرو جسته است». سخنگوی تورای عالی دفاع خارجی وارد بیانیه خود شد و بایانه نفعی سپری را لذت بزیست گردید و با آرزوی کرد که جمهوری اسلامی در خلیج فارس دارای مداخلی وسیع و امکانات فراوانی است و قادر است در هر جای خلیج فارس که بخواهد برای صدور نت خود بایان صادراتی ایجاد کند. آقای هاشمی افزود: «حمله عراق به سپری تسبیل کوچکی بود که بگاههای تبعیانی وابسته آن را خیلی بزرگ کردند. عراقی‌ها از این اندام خود نیزه‌ای نخواهند گرفت، جرایکه خلیل‌ها ضرر نکنند». سخنگوی شورای عالی دفاع همچین درباره اقدامات اخیر عراق و تحریط ایران برای پایان دادن به مقابله به مثل گفت: «ما تا به حال مقابله به مثل را به عنوان یک عامل نازارنده به کار گرفته‌ایم، اکنون نیز حاضریم همانند گذاشته در صورتی که عراق تضییں بدهد که از حمله به هر اکثر اقتصادی و شهرهای ما خودداری کند، از مقابله به مثل خودداری کیم و تذکر می‌دهیم که اگر عراق این پیشنهاد را نپذیرد و یا اگر پذیرد و به آن عمل نکند ما توجه به ثدارکات و سیعی که برای مقابله با شرایط‌های رژیم جنگ افزور یعنی آهاده کرده‌ایم، تمامی هدف‌های نفعی شده در خاک عراق را با موشک و توپ‌های دوربرد و سب‌های جنگل‌های خود جد夫 فرار خواهیم داد». رجوع کردند به کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵»، «دفترنشر معارف الفلاح».

۱۳۸۷

^۱- در این روز دبیر کل سازمان ملل با انتشار پایه‌ای در هفت سازمان ملل، اعلام کرد: «افزایش حملات در جنگ ایران و عراق داعث افزایش اختلالات در منطقه و نگرانی کشورهای همسایه از ترسعه جنگ شده است». وی گفت: «از بیانه‌های اخیر ایران و عراق معلوم می‌شود که دو کشور از توقف حملات به مناطق مسکونی خشنود هستند». سپس وی خواستار برهمیز دو طرف از حمله به مناطق مسکونی - که جزو کشوار عبر نظایران انتبهای ندارد - و نوقف آن از روز عید قربان (۲۵ مرداد، ۱۶ آوت) شده است. دبیر کل در ادامه خسین تاکید دوباره بر پایان جنگ، از دو طرف درگیری خواست که از گسترش بیشتر جنگ طویل‌گیری خسایند. وی آمادگی مجدد خود را برای گفت و گیر با دو طرف به منظور دسترسی به یک صلح عادلانه، اعلام کرد. سخنگوی دبیر کل سازمان ملل می‌اعلامهای در این باره گفت: «دبیر کل در نظر دارد هیأتی وابسته به این سازمان را جهت پای‌بندگردن دو طرف جنگ به فرادرد پیش از حمله به مناطق مسکونی - که دو سال پیش اتفاق شده بود - به دو کشور درگیر جنگ اعزام کند».

۱- آقای هاشمی جانشین فرمانده کل فرا در خطه‌های امروز نماز جمعه مطالب مهمی درباره جنگ بیان کرد. ایشان خسین تاکید بر اینکه حمله

از شروع خطبه‌ها با آقای [محمد تقی] مصباح [بیزدی] درباره وضع درسها و حوزه صحبت کردیم. معتقد است استعدادهای نیرومندی جذب حوزه [علمیه] قم شده‌اند، ولی مدیریت و درسها در حد لازم نیست.

عصر و شب هم به استراحت و مطالعه گذشت! به مسئولان نظامی سرهنگ ترابی و سرهنگ

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

آینده نیروهای رزمی، حمله نهایی بوده بلکه حمله سرنوشت سار است، به نلامت‌های آمریکا و شوروی و کشورهای مختلف برای حمله ایجادی از پیروزی نظامی جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: «حظمت اسلام را پایداری این اقلاب منوط به پیروزی در جنگ است». همچنین در خصوص ناجیه سپروان عراق، حمله به جزیره سپری و تبلیغات برخی گروه‌های مختلف در داخل کشور و نیز مواضع فرماندهی عالی جنگ عظالی پیان کرده که بخش‌های همده آن جنین است: «موقعیت ما همان موقعیت قبلی است اما اکنون که جمهوری اسلامی ایران خود را برای کار پیروزی در جنگ آماده کرده است، استکار دست به کار تبلیغاتی انحرافی زده است و از حمله سرنوشت سار به عنوان حمله نهایی یاد می‌کند که در آینده چنانچه به اهداف خود که تکلیف جنگ را روشن خواهد ساخت، رسیده‌اند آن را شکست نمایند، با هیچ وقت این را حمله نهایی می‌دانم و اگر کسی بیز این سخن را می‌گیرد از روی می‌باشد این خاصیت را باشند. با حمله سرنوشت سار خود، جنگ را به جایی خواهیم رساند که کلیه رگ‌های امید، صدام و حایاتش را پاره سازیم و آنها را نجات به سلیم در برابر خواسته‌های پیش خود نماییم و تکلیف جنگ را برای آینده روشن سازیم. آنها که زمانی به خود حق می‌دادند سرنوشت دیگران را رقم بزنند اکنون شدیداً در رابطه با جنگ تعییلی بر سر یک در راهی حرث آوری فرار گرفته‌اند را دل هایشان بر از خشم از پیروزی های بعدی ماست و حالا به رغم قبول شکست نهایی نلامت‌های گذشتگان در نایاب کردن جمهوری اسلامی ایران، هنوز هم به صدام و مرتعین امیدوارند و همچنان امیدوار به شکست ما هستند. استکار با مشاهده پیروزی‌های اخیر و زمانگان ما، خیال گذشته خود را که جنگ راه حل نظامی ندارد، اتفاق بر آب شده قلمداد سیکله و در حال حاضر شدیداً در مگردن های خود متزلزل شده است، تا جایی که نمایندگان از کنگره آمریکا با عده‌ای از نمایندگان گوارشی اوله می‌دهند که از خواسته بودن اوضاع عراق حکایت دارد. آنها پس از پیروزی ما در قاو و مهران بدان نتیجه رسیده‌اند که این نشان بی اطمینان است که این قدر دیر به این نتیجه رسیده‌اند. در همین زمینه یک مقام رسمی آمریکا اعلام می‌کند که ما با شوری‌ها به توافقنامه رسیده‌ایم و علی‌رغم اختلاف نظرهای موجود به این نتیجه رسیده‌ایم که جنگ میان ایران و عراق پایان پذیرد، البته ما معتقدیم که آنها خواهان پایان جنگ به نفع عراق هستند. این دو به دلیل اختلاف نظرهایی که باهم دارند به آسانی باهم متناسب نمی‌شوند اماده هر حال نزدیکی آمریکا و شوروی در رابطه با جنگ، مطلب جدیدی نیست، از روز اوی هم همین بود؛ آنها با هم جنگ را شروع کرده‌اند که ما را شکست بدند و با هم به صدام کشک کرده‌اند که ما پیروز نشویم». ایشان در ادامه فاجعه سپری رسیده‌ایم که جنگ میان ایران و عراق پایان پذیرد، البته ما مسأله سپری را با ۴۶ ساعت پاییز معکوس کردن و زمانی این را مطرح کرده‌اند که ما آن روز در آن منطقه یک شلیک هم نداشته‌ایم. رئیم عراق در یکی از عراکی مخالفین کرد، کشواری، را انجام داد و بعد آن‌عده آن را به حساب ایران گذاشتند و جالب اینکه بعد از واسنگان نظامی سفارت خانه‌های خارجی در بعد از پایان گشتن خود دعوت به عمل نمی‌آورد و تها خبرنگاران و واسنگان سیاسی سفارت خانه‌ها را دعوت به بازدید می‌کند. مع الالطف خبرگزاری‌ها و همین دلیل‌های بازدید کشند، سیاست سکوت خود را در قالب جایات صدام ادامه می‌دهند و تا به این حد اعتنای یک خبر را به مسخره می‌گیرند. همین خبرگزاری‌ها مسئله زدن نهشکن‌های ما را در سپری به شکل گستردگی مطرح می‌نمایند، سانه‌ای که اساساً فائد احمدیت نظایری است. آنها نهشکن‌هایی را زده‌اند که ما از آنها به عنوان قومیانه‌ای منجرگرک استفاده می‌کنیم. آنها زدن سپری را به ایام ایشان کشیده‌اند، مطرح می‌نمایند، و نیز ما در تحقیقاتی که انجام دادیم مشخص شد همایش‌های عربی که از فرودگاه شعبیه بعد از حرکت کرده‌اند تا جزیره فارسی یعنی محاری جزیره خارک پیشتر دلده نشده‌اند و از آن بعد با اینها مسئله داریم که ان شاء الله بعد این مسائل را حل خواهیم گرد و روشن خواهیم ساخت [که چه کسی به سپری حمله کرده است].^۱ رجوع کمید ← کتاب «ماشی مرسنجان، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم»، دفتر نشر معارف اقلای، ۱۳۸۷

۱- در العکاس مسحنان آقای هاشمی، خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: «این اظهارات، ظاهراً نشانه این است که رهبران ایران که مردم را برای وارد ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

[هوشنگ] صدیق [فرمانده نیروی هوایی] گفتم که حمله به مراکز غیر نظامی عراق را متوقف کنند. دو سه روز است، عراق متوقف است. [ناخدا ملکزادگان] فرمانده نیروی دریایی اطلاع داد که یک کشتی را به انتقام حملات عراق زده‌اند.

شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۰ ذیحجه ۱۴۰۶ | ۱۶ August ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقتی با مطالعه گذشت، عصر خبر رسید که عراق به تاسیسات دو سد و شهید عباسپور حمله کرده و یک فروند میراژ ساقط شده و کمی هم خسارت وارد شده است.^۱ نامه مفصلی به محسن رضایی نوشتم که آقای دانایی برد ولی نرسید.

نزدیک غروب احمدآقا آمد، مطابق معمول درباره جنگ و سفر مشهد و انفجار قم صحبت کردیم. معتقد است ناید به مشهد سفر کنم. امروز در مقابل درب جنوبی صحن مطهر قم، بمی که در اتو میلی کار گذاشته شده بود منفجر شده و یازده نفر شهید و یکصد نفر مجروح داشته است.^۲ به

(ادامه پاره‌رفت از صفحه قبل)

آوردن ضربه نهایی علیه عراق، فرخانی می‌کردند، اندکی کوتاه آمدند، علی‌رغم آن که طرف معتقد‌های اخیر بسیج سراسری عظیمی انجام شده است. رادیویی: «می‌نیز در انعکاس مسخان امام جمعه تهران گفت: «علی‌رغم اینکه ایران هر از چندگاهی یک بار به گشتوهای عربی منطقه خلیج فارس هنداری دهد که به عراق حکمک نرسانند، انتظار نیز روود که مستقبلاً با آنها درگیر شود. مگر آن که در مخصوصه بزرگی گرفتار آید...» نهای مسأله‌ای که می‌توان آن را حل کرد، مسأله نفت است، اما ایران در حال حاضر حمله عراق به سیری را یک مسأله کوچک تلقی می‌کند که می‌توان آن را حل کرد، اما چنانچه صدور نفت ایران به شدت مختلف شد، آن وقت ناید گشتوهای مذکور واقعاً مراقب امنیت خود واشد».

۱ - هوایماهای عراقی امروز سه «شهید عباسپور» در مسجد سلیمان و سد «در» در درقول را بسازان و به آسمان اصفهان تجاوز کرددند که در این حملات یک هوایما عراقی سرنگون شد. در ساعت ۱۲:۱۵ امروز در هوایما دشمن مطلع خبری شهر مسجد سلیمان و سد تمهید عباسپور را یا هشت راکت مورد هدف قرار دادند که پنج فروند از این راکت‌ها به دستگاه کنترل و سه فروند دیگر به دیوار سد اصابت نمود. در این بسازان؛ چهار تن شهید و چهار تن مجروح شدند. برادر این بسازان خسارت‌های بیز به تأسیسات فنی وارد آمد را نزدیک به خسارت‌های قلی، تولد این نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی عملی متوقف شده است، این امر به خاموشی‌های مکرری ذر افزای و دیگر شهرهای خوزستان در روزهای آینده متوجه شد. همچینین یک هوایما عراقی ساعت ۱۲:۱۳ تأسیسات سد «در» در منطقه درقول را بسازان گردید که خسارات جزئی به تأسیسات سد وارد شد. این هوایما که از نوع غیراز اف - ۱ بود در بارگشت مرد عده پداشتند هواپیمای قرار گرفت و در جویی جاده الادبیشک سقوط کرد. تلویزیون عراق اعتراف کرد که یک فروند از جنگده‌های این گشتوهای خاک ایران مغوط کرده است. در این اطلاعه علت سقوط هوایما عراقی شخص فی ذکر شد. همچنین یک هوایما عراقی به آسمان منطقه اصفهان تجاوز نمود اما با اقدامات تاکتیکی هوایماهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی موافق نگردید و متعاری شد.

۲ - در ساعت ۰۶:۳۰ روز عید تبریز به هنگام بیان نماز عید، یک بیت نسبتاً قوی در خیابان موزه قم واقع در ضلع جنوبی حرم مطهر حضرت (ادامه پاره‌رفت از صفحه بعد)

مسئولان نظامی گفتم زدن تاسیسات بصره را که از دیشیب متوقف شده بود، مجددًا شروع کنند.^۱

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۱ ذیحجه ۱۴۰۶ | ۱۷ August ۱۹۸۶

به مجلس آمدم. به دفترم گفتم ترتیب سفر به مشهد را بدهند. آقای زاهد از دانشجویانمان در ترکیه آمد. از قساد و آبرویزی زنان فراری ایرانی در ترکیه و از بی نظمی پروازهای ایران ایر گفت و مبلغی از طرف مردم عربستان سعودی^۲ برای جنگ و سهم امام آورده بود. کاردار لیبی آمد. خواهان سفر آقای خامنه‌ای به لیبی بود و هوایمای سی - ۱۳۰ باری می خواست و خواسته‌های ما را با اگر و مگر گذراند. آقای [مجید] قاسمی مدیر عامل بانک ملی آمد. از تحول

(ادمه پاروفی از صحنه قبل)

بعضی‌های (س) منفجر شد که برای آن، جمعی از نمارگزاران به شهادت رسیدند. اکثر شهیدان و مجرحان، را از این حرم خلپه برداشتند. انفجار این سبّ خارجی به ساختمان‌ها و معابر اطراف آورد و شیشه‌ای خلیع جنوبی حرم مطهر را خرد کرد و بد آینه‌کاری مسجد طاطابی نیز آسیب رساند. طبق بی‌گیری و بررسی هایی که تیم هستی سازی پیگان حفاظت ناجه ویژه قم انجام داده است، این سبّ دارای مسمی انکتروپیکی و حاری حدودی پنج الی شش پوند مواد منفجره بود که در قسمت صنایع عقب یک توپیل قرار داده شده بود. در این انفجار ۱۵ تن از جمله ۴ کودک به شهادت رسیدند. این انفجار همچنین باعث مجروح شدن بیش از ۱۰۰ تن از مردم نمارگزار شد.

۱- تبریز زمینی سیاه امروز یک برنامه زمان بندی شده در خصوص اجرای چند عملیات محدود به قرارگاه خاتم الانبیاء تقدیم کرد. براساس این برنامه، آمادگی اجرای عملیات مذکور عموماً تا آخر شهریور ماه تعطیل شده است. این برنامه با توجه به وضعیت دشمن، وضعیت منطقه و میران آمادگی و توان پیگیری و قرارگاه ملی دو هفته گذشته تهیه شده است.

۲- امروز ۱۳۶۵ زائر ایران بیت الله الحرام که ۹ روز است در بارداشت ریزم سعدی به سر می‌برند، در محاصره نظامیان مسلح به طرف خانه خدا و اعمال حج پرداختند. این گروه که تعدادی از آنها به دلیل کهولت سن یا خستگی به کمک دیگران یا برداش خدمه، اعمال حج به جا آوردند، در پایان مراسم طواف به مادرانشگاه برگردانیده شدند. این افراد که تعدادی زن نیز در میان آنها بی باشد، از استان اصفهان هستند و صبح جمعه ۱۳۶۵/۵/۱۷ هنگام ورود به فروندگاه جده، مأموران امنیتی عربستان سعودی آنها را بازداشت کردند. مقامات سعدی مدعی اند که زائران بازداشت می خواستند اندماجی برخلاف مصالح اسلامی حکمرانی سعدی انجام دهند. رادیو اسرائیل نیز در این باره به تقلیل از رادیو صوت ایمان، گزارش داد که این عدد قدرت از این افراد است که این عدد قدرت داشته اند برای ایجاد آشوب در عربستان به توزیع وسائل تغذیه و بخش اعلامیه پردازند.

یک نشریه داخلی میاه در ذیل خبر دستگیری و تداوم نارداشت حجاج بادشده، نوشته است: "به احتمال زیاد عربستان سعی خواهد کرد از جریان دستگیری کاروان اخراجی از اصفهان به این اتهام که با حاسازی مراد انتحاری ذرا ساکه هایشان در صدد لطمہ زدن به اعیان غربستان بردند، بعد از خروج کامل حجاج از این کشور، بهره‌برداری نماید. عدم پهنه‌برداری عربستان از این سوژه تبلیغاتی مهم احتمالاً بد علت تومن از عکس العمل حجاج ایرانی و نلاش این کشور در جهت تشنج زدایی و حفظ آرامش در ایام هنگام حج و احتمالاً مشغول بودن به بازجویی حجاج شافت می‌گیرد، اما از این امر خراfeld توانست مستحسنک مnasibی جهت بدین نمودن مردم عربستان و ازین بردن زمینه‌های مردمی حاشیه‌داری از اتفاق اسلامی بیاند که از هم اکنون مقدمات آن در رسانده‌ها فراهم شده است".

کار بانک در جهت جذب سرمایه‌های مردم و سرمایه‌گذاری در موارد نیاز دولت و لزوم تعیین تکلیف رئیس بانک مرکزی گفت.

آقای [منوچهر] منطقی از بخش موشک سازی صنایع دفاع و سپاه آمد. توضیحاتی درباره موشکهای تاو، اسکادبی، عقاب و نازعات و همچنین کاتیوشا و آرپی. جی داد. عصر آقای [علی] شمخانی آمد. برنامه عملیات چند ماه آینده را توضیح داد. گروهی از سیجی‌های استانهای ایلام، باختران، کردستان و سمنان [فارس و آذربایجان غربی] آمدند. برای آنها صحبت کردم!

آقامحمدی آمد. گزارش پیشرفت برنامه عملیات داخل عراق و مسافت آقای [محمد باقر] حکیم به منطقه کردستان را داد. مدعی است قرارگاه رمضان در مورد به کارگیری بارزاتی‌ها کوتاهی می‌کند. سرشب آقای [ابراهیم] سنجقی برای امضای چند مورد برای کارهای جنگ آمد. آقای محسن رضایی از بوشهر نیازهایشان را تلفنی مطرح کرد.

شب مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. درباره جنگ، فرانسه، آمریکا و لبنان و امور اقتصادی بحث شد. آقای نخست وزیر گفتند که خطبه جمعه گذشته من در مورد افراط کاری در مبارزه با منکرات، متصدیان مبارزه را ناراحت کرده است. آقای خامنه‌ای مطالب خطبه را تایید کردند و قرار شد در خطبه آینده تایید کنند. شب آقایان مهدوی کنی، جوادی آملی، رسولی و توکلی آمدند.

شورای ناحیه سپاه آمد. گزارش وضع خودشان را دادند و نیازهایشان را گفتند. دو سه نفر از خانمهای مسجد سلیمان آمدند و از نماینده آنجاشاکی بودند. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۲ ذی‌حججه ۱۴۰۶ | ۱۸ August ۱۹۸۶

اول وقت دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر به چند کشور آفریقائی و کنفرانس خلع سلاح ژنو را داد. معتقد است سفرها مؤثر بوده و جمهوری اسلامی اعتبار خوبی دارد. برنامه سفر به پاکستان و هند و

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هر بار که افرادی مثل شما را زیارت می‌کنیم، تنشیت پیشتری برای کار و روحیه پیشتری برای برنامدهای می‌گیریم. لطفاً خداوند، نعمت و حجت را برای مستوی‌لین این نظام تمام کرده است و برای شما هم بهترین فرصت را برای خودسازی پیش آورده است." رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر تدریس عارف انقلاب، ۱۳۸۷.

۲ - رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، آقای محمد باقر حکیم، اعلام کرد که به زودی گمگره بورگی از مخالفان نظام یعنی عراق به منظور هماهنگی موضع و هدکاری آنها بر ضد رژیم بعثتی، در تهران تشکیل خواهد شد. را ببر اسرائیل در این باره گفتند: "از قرائی چین برسی آید که مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق بتو خود را برای آغاز تعلیت وسیع همزمان با حمله آتی ایران، آماده می‌سازد".

مشکل سفر به پاکستان با توجه به آشوب‌های جدید جاری آنچا و اظهارات منفی ضیاءالحق را گفت. درباره اسرائیل و فلسطین هم بحث شد. قرارشده در وزارت خارجه راجع به اصل سفر و یا محتوای کار بحث و شور شود. در مورد ترکیه و مسامحه آنها در رفقن فالکن دردیده شده مابه عراق بحث شد و قرار شد بازخواست کنیم. در مورد ارامنه و لژوم بهره‌گیری از آنها به عنوان اهرمی در مقابل ترکیه، شوروی، فرانسه و لبنان مذکور گردیم.

تلفنی با نخست وزیر و وزیر جهاد [سازندگی] و فرمانده سپاه و فرمانده نیروی دریایی و سرهنگ ترابی درباره کارهای جنگ و دفاع صحبت کردم.

فاطی برای دعوت همراهان مشهدش فعال است و برای دعوت همشیره فاطمه رفت. نزدیک ظهر برقج‌های راکه خس کرده بود در دیگ خورشت ریختم، خیال کردم می‌خواهد دیخت درست کند، معلوم شد برای صافی نمک ریخته بود که شور شد.

عصر همراه با پاسداران محافظ و خانواده‌های آنها و دوستان فائزه و فاطی که جمیعاً بیش از یکصد و بیست نفر بودیم، با هواپیما به مشهد پرواز کردیم. در فرودگاه مشهد آقای [واعظ] طبسی با جمعی از مشمولان استقبال کردند.^۱ مغرب به سالن تشریفات آستان قدس در صحن مطهر و مسجد گوهرشاد وارد شدیم. مردم ابراز احساسات زیاد کردند. یکبار هم شب به احساسات مردمی که در صحن امام جمع شده بودند و خواهان ملاقات بودند از بالکن پاسخ دادم.

جمعی از علماء و روحانیون به مناسبت حضور من، شب به شام مدعو بودند. در اجتماع آنها پس از شام سخنرانی کوتاهی نمودم.^۲ ضمناً بر نامه اقامت چهار روز را تنظیم کردند. همراهان را در دو سه نقطه جا دادند.

۱- آقای هاشمی ساعت ۱۸ امروز وارد مشهد شد و در فرودگاه این شهر از سوی آیت‌الله واعظ طبسی تعاونده امام و تولیت آستان قدس رضوی، آیت‌الله شیرازی امام جمعه مشهد، سرهنگ جمالی جانشین فرمانده نیروی ارتش، عهندس کربابی استاندار خراسان، آقای علی جنتی استاندار خوزستان، جمعی از نواب‌گان استان خراسان، مدیران کل، فرماندهان نظامی، انتظامی، مقامات این استان مورد استقبال فرار گرفته.

۲- در این دیدار که آیت‌الله واعظ طبسی، آیت‌الله شیرازی، آیت‌الله میرزا جواد تهرانی و جمعی از علماء و فضلاً حضور داشتند، آقای هاشمی با اشاره به عظمت انقلاب اسلامی در جهان و اثرات تعیین کننده آن در حرکت‌های اسلامی در دیگر کشورها گفت: «کاخ سفید و کمر ملن که روزی با سرانگشت خود سرتیقت هرگزهای از جهان راکه اراده من کردن، تغییر داده و به هم می‌ریختند، امروز با نیروی قرقی و مردمی رشد و مقاوم همچون ملت ما روبرو شده‌اند که در برآرثان ایستاده و آنها را علی‌رغم تمام خصم‌منی که با انقلاب و ملت ما دارند، وادرد به خضرع نموده است. دادکاریها و اشارة‌گری مردم عصر ما، تکلیف بزرگی برای علماء و روحانیت آنگاه ایجاد کرده است. هر چند که روحانیت خود جلوه‌دار و پیشناه این حرکت عظیم بوده است، نیکن امروز نیز باید در تمام امور پیشگام باشد و حضور روحانیون در جمیع امور اگر تقدیر معنوی آن که بر کسی بروشیده نیست، یعنی این موارد است چراکه امروز مرکز نشان دادن دادکاری و از خود گذشتگی جبهه‌های نبود است». رجوع کنید ← کتاب «هاشمی و فتحعلی‌خانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفترچه معارف اهل‌بیت، ۱۳۸۷.

عکس‌های سفر به مشهد

۱۹ August ۱۹۸۶

سه شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۳ ذیحجه ۶

اول وقت به زیارت امام رضا رفتم. از اتفاقی که در طبقه دوم پائین پای صریح مطهر بود، زیارت نامه خواندم. اگر میان اجتماع بروم، شلوغ می شود و مردم ابراز احساسات می کنند و نمی گذارند باحضور قلب زیارت کنم.

هنگام صحابه آقایان طبی و فردوسی از اذیت های خط مقابل و مخصوصاً معاون سیاسی و استانداری و مدیر کل آموزش و پرورش خراسان گفتند. پیشنهاد کردم که با مهربانی آنها را جذب کنند.

به دیدار موزه تابلوهای خط خوشنویسان و موزه قرآن های خطی رفتیم. سپس برای بازدید از مرز عه نمونه رقم. شش هزار و پانصد هکتار زمین و گاوداری مدرن و دامداری خوبی دارد. عملیات شیردوشی و تلقیح مصنوعی گاوها را تماشا کردم. به نظر جالب آمد. بعد از ناهار تا ساعت چهار استراحت کردیم.

عصر در صحن امام اجتماع با شکوهی بود. سخنرانی کردم^۱. کمی تب عارضم شد. با مسکن سبک شدم. فاطی آمد و گفت [دخترش] سارا هم تب کرده است.

بعد از نماز روحانیت مبارز مشهد آمدند. بحث بر سر مشکلات و خطرهای اختلافات خطی بود که طبق معمول به جایی نرسید. آنها از خط مقابل گله داشتند و من خطاهای هر دو طرف را گفتم. با کمال و خستگی خوابیدم. برنامه فارسی رادیو آلمان را گرفتم. خبر تازه و مهمی نداشت.^۲ آقای

۱- در این سخنرانی آقای هاشمی ضمن تأکید بر حیات های همه جانه نظام بین السلال از صدام برای جلوگیری از پیروزی رژیمگان، از مردم خواست بد طور گسترده در جهه ها حضور یابند. ایشان در اجتماع مردم مشهد گفت: "کار اساسی ما امروز جنگ است و ما باید به جای مترقب شد در ججه ها قوی از و شدیدتر عمل کیم. مر این اساس، ماطوری برنامه ریزی کرده این تابروی هر روز شاهد اعراض خیل رژیمگان اسلام به جهه ها باشیم. خدام، آمریکا، شوروی و همه قدرت های استکباری می خواهند در منطقه آتش سس برقرار شود تا جمهوری اسلامی هر چه در توان دارد صرف خربد نسلیحات کند و در واقع ما را در یک مسایقه دالیع تسلیحاتی انداده و با این کار خیال اسرائیل را راحت کنند. آنها می خواهند وضعیتی که اکنون در مرزهای اسرائیل، سوریه و لبنان وجود دارد، بین ما و عراق نیز ادامه یابد و حالت نه جنگ و نه صلح در مرز حاکم نباشد. بتاریخ وظیفه ما امروز خیلی متگل است و اگر ما اسلحه را زمین بگذرانیم دیگر منی توافق آن را درداریم. من در اینجا اعلام می کنم که مهم ترین، مناسب ترین و مؤثر ترین زمان برای وقفن به جهه ها، همین مقطع کوتاهی است که باید سرنوشت حنگ برای همینه در آن رقم زده شود. استکبار جهانی برنامه ریزی کرده بود تا با تحقیق فشار فرار دادن با از نظر اقتصادی و مالی، از ادامه جنگ جلوگیری کرده و مارا محیر بصلح کند و یک سال است که ما نیز وارد این مرحله شده ایم، بتاریخ اعلام ما در برابر توطه های دشمن، تسریع حنگ بود و علامت این اقدام تبلیغاتی به چشم می خورد. پس باید ترک پیکان حرکت ما جنگ باشد". رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی و سخنرانی های سال

۱۳۶۵، "دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲- آسوشیتدپرس در تفسیری از سخنان آقای هاشمی، گزارش داد: "آقای هاشمی رفسنجانی قصد داشته که انتظارات ایرانیان را عینی بر اینکه (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

شیرازی امام جمعه مشهد اصرار دارد که به منزل ایشان بروم، در محظوظ افتاده ام و همین محظوظات مانع سفر به جاهای دیگر است.*

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۰ August ۱۹۸۶

بعد از نماز و زیارت حرم شریف و صبحانه به فروگاه مشهد رفتیم و با سه هلی کوپتر به پالایشگاه گاز [خانگیران] سرخس رفتیم. دو سه ساعت از قسمتهای مختلف بازدید کردیم و در پایان برای کارکنان صحبت کردم.^۱ سپس با هلی کوپتر به محل جنگلی پسته در مرز شوروی رفتیم. سرجنگداری و مستاجران پسته‌ها توضیحاتی دادند. امسال دویست و پنجاه تن اجراء رفته و معلوم است، اگر خوب به درختها برستند، بار بهتری خواهد داد. در گذشته نسبت به این ثروت که در جاهای دیگر استان خراسان هم هست، بی توجهی شده است.

به شهر سرخس رفتیم. ناهم در مهجانسرای آستان قدس، مهمنان سازمان املاک استان قدس بودیم. آقای اسپهبدی مدیر عامل این سازمان توضیحاتی درباره املاک آستانه و طرحهای وسیع عمرانی داد. از رودخانه هربرود که مرز مشترک ما و شوروی است، آب می‌گیرند. مطابق قرار داد غیر عادلانه‌ای ۳۰ درصد آب رودخانه از ایران و ۷ درصد از شوروی است و از همین مقدار هم استفاده نمی‌شد.

(ادانه پاورقی از صفحه قبل)

ضریب نهایی به عراق در بین سیع انزو سراسری در کشور قریب الوقوع است، کاهش دهد، ولی به ظلمی رسید که اطهار نظرهای او در مشهد نشان دهنده تغییر موضوع است. با وجود این تحمل گران نظامی تردید دارند ایران که به دلیل وجود جنگ و ارزانی پهان نفت با مشکلات اقتصادی رویدروست، تواند آغاز یک نهاد طولانی را تحمل کند.

*- جمع این روز بعنی نسبتاً قریب به قدرت انفعاض تجربی ۵ بوئن در میدان فردوسمی مقابل دفتر هوایپاسایی جمهوری اسلامی ایران کارگذاشته شده بوده موجب شهادت ۲۱ تن و مجموع شدن شمار سیاری از مردم شد. در ضمن، پنج خودرو مواردی و یک افرووس شرکت واحد که در حال عبور از این محل بودند و تعدادی معابره تا شعاع ۷۰ هزار، آسیب‌های کلی دیدند.

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "در این عراک انسان شاهد گشته‌ای از استغلال کشور است. ما شیرینی استغلال را در این بازدیدها حس می‌کنیم. یکی از اهداف این اغلاق است که بالاترین مراحل ناپائین زده‌ها این ترقیت را شاهد هسیم. در این رابطه اگر زمامداران یک کشور و استه باشند استغلال معنا ندارد. چرا که در هیروت و استنگی رهبران، رحمات تمام بخش ها را با عنایت بگانگان مرتبط می‌سازند. به همین دلیل مهمترین عامل ترقیت در استغلال گرفتن امور مملکت به وسیله مردم است. ایران من تواند ادعا کند که از هیچ کشور خارجی دستور

نمی‌گیرد و در هیچ زمینه‌ای خود را ملزم به برقراری رابطه فرمانده و فرمانبری نمی‌پسند. استغلال سامی اگر با مشکلاتی در زمینه صنعت و تکنیک و مسائل فرهنگی و هنری باشد، این استغلال مخدوش می‌شود". و جو عکس کنید کتاب "هائمه و لفسجانی، سخنرانی‌های حال

عکس‌های سفر به مشهد

عکس‌های سفر به مشهد

اخیراً آستان قدس با حفر چند کانال بهره برداری می نماید. تالب مرز هم رفیم. مرز آرام و بی مسئله است. روسها با پرجهای دیده بانی و مأموران مجروب و امکانات خوب، بهتر از ما مرزداری می تماینند. از مزارع و دریاچه های پرورش ماهی و اردک هم بازدید کردیم.

عصر در محل سپاه پاسداران برای مردم سخنرانی کردم^۱. جمعیت خوبی جمع نشده بود. به مشهد مراجعت کردیم. غروب به مشهد رسیدیم. در صحن ها مواجه با ابراز احساسات مردم نمازگزار شدیم. شب مسئولان اجرائی استان خراسان آمدند. برای آنها سخنرانی کردم^۲ و پس از شام برای استراحت به اتفاق رفت. نخست وزیر تلفنی بر ضرورت تقویت پدافند جزایر سیری و لارک تأکید نمود.

پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۵ ذیحجه ۱۴۰۶ | 21 August 1986

اول وقت به زیارت حرم شریف رفتم و در مراسم صحنه‌گاه مشترک نیروهای مسلح در پادگان لشکر ۷۷ خراسان شرکت نمودم و برای آنها سخنرانی کردم^۳. مراسم رژه را برگزار کردند و از همانجا

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "جنگ را باید هر چه زودتر با پیروزی نمام تکیم تا برابری سرمایه های این کشور را برای اجرای طرح های عمرانی مصرف نماییم. امروز حنگ اساسی ترین کار ماست و آن را باید به نقطه ای رسانند تا این حمه امکانات را از ما نگیرد. لای دشمن و حامیانش متزلزل شده اند. عراق اگر تنها بوده مدت ها قبل نابود می شده، اما این امکانات کشورهای دیگر است که عراق را سربا نگه داشته است و بدانید تا وقتی که مسأله جنگ حل نشود، به سایر کارهای کشور نمی رسیم. در صورت وقوع آتش سر در جنگ، رفعیت نیز از حالت فعلی بدتر می گردد، ندا ساده های پشتیانی باشد ناچار کنند که ۵۰۰۰ گردنار را بسیع مایند و اگر مسأله جنگ با این ۵۰۰۰ گردنار حل نشود، این نعداد را به یک هزار گردنار برسانند تا جنگ را به نقطه خوب و درخشانی برسانیم". رجوع کنید ^۴ کتاب "ماشی رفسنجانی، سخنرانی های مال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "جمهوری اسلامی مقصوم است بیکار رزمدگان اسلام را در جبهه های جنگ تحریلی به عنوان یک پیروزی واقعی در تاریخ جهان ثبت کند. لذا جنگ را به نقطه ای سرنوشت ساز خواهد رساند. یعنی از آزووهای دیرینه ملت ایران، زندگی در حکمرانی حق بود که با ظهور انقلاب اسلامی به این آرزو حامه عمل پوشانیده شد. به طوری که علی رغم قشارهای شدید نظامی و اقتصادی استکبار جهانی که ناچار می کرد اسلام واقعی حضور پیدا نکند، اسلام و مسلمانان در جهان غیربین شدند و مسلکهای شنی در

سوسای ذینبا از رونق افتد". رجوع کنید ^۵ کتاب "ماشی رفسنجانی، سخنرانی های مال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۳ - صحنه‌گاه مشترک نیروهای مسلح مشهد با اعلاء امروز با حضور آقای هاشمی در محل لشکر ۷۷ پیروز خراسان برگزار شد. در این مراسم، پس از اجرای مسروط جمهوری اسلامی و دعا و نیایش، سرهنگ جنایی چانین نیروی زمینی ارتش به آقای هاشمی و حاضرین خبر مقدم گفت. آنگاه چانین فرمانده کل قوا علی سخنانی اظهار داشت: "ی شک امروز نیروهای مسلح جزو مهم ترین ارکان نظام هستند و جنگ و حربات عربیوط به (ادame پاورتی در صحنه بعد)

برای بازدید از سایت کبکان که آمریکایی‌ها در زمان شاه برای کنترل عملیات هسته‌ای و موشکی و ماهواره‌ای شوروی احداث کرده‌اند، عازم کبکان شدیم. دو، سه ساعتی صرف استماع توضیحات مسئولان کردم. معلوم نیست که در آینده بتوانیم از آن بهره برداری کنیم یا خیر. باید برای رفع نواقص فنی دستگاه‌ها و یادگر فتن شیوه کار آن فکری کنیم. با سه هلی کوپتر رفته بودیم. ارتفاعات مهمی است که برای کنترل خاک شوروی اهمیت فوق العاده‌ای دارد، ولی به خاطر احتزار از حساس شدن روشهای فعلی ما نمی‌توانیم بهره‌گیری کنیم. قرار شد خبر بازدید ما پخش نشود. ظهر به مشهد برگشتم.

عصر در محل داشگاه امام رضا(ع) با طلاق حرف زدم. جلسه مهمی بود. من هم مفصل‌آ درباره وظایف روحانیت در این مقطع صحبت کردم.^۱ عبور پیاده از میان مردم در صحنه‌های مطهر و اطراف آن برایم لذت بخش بود. مردم هم که ناگهان ما را در میان خود می‌دیدند، خوشحال می‌شدند. شب همراهانم در محل اقامتم، مهمان آستان قدس رضوی بودند.^۲

۱۴۰۶ | ۱۳۶۵ مرداد ۱۹۸۶ | ۲۲ August ۱۹۸۶

در برنامه غبار رویی ضریح مطهر امام رضا(ع) شرکت کردم. آقایان [لطفلله] صافی [گلپایگانی] و مهدوی کنی، امامی کاشانی، رسولی [محلاتی]، جوادی [آملی]، [محمد رضا] توسلی، فردوسی و [واعظ] طبسی هم بودند.

بیش از پنجاه میلیون تومان پول و مقدار زیادی طلا به عنوان نذر از طرف زوار در این مدت پنج

(ادامه پاره‌رقی از صفحه قبل)

آن ضرورت قدرت تبروهای مسلح را به شکل علمی به مردم ما و مطلعه^۳ اثبات کرده است. امروز همه اتفاق نظر دارند که تبروهای مسلح باید قریء، مفتخر و مجهر باشند. همه امکانات منطقه نرای شکست شما بسیج شد. اما امروز صدای رعب آسای تبروهای مسلح اسلام و دست فتوی رژیم‌گان ما در همه دنیا مشهود است. شرایطی که امروز در جهه حاکم است، به نفع تبروهای مسلح ما است. دشمن به علت چند شکست متراکم روحیه ای را از دست داده است و گرفتار معمذ و پیشوای به سوی انهدام کامل است. در عوین شما در بهترین شرایط قرار دارید.^۴

رجوع کنید سے کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر تشریف معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۱- رجوع کنید سے کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر تشریف معارف انقلاب، ۱۳۸۷

^۲- ذر این روز با تلاش بر مسل وزارت اطلاعات و کمیته انقلاب اسلامی، اعضا شکه بسبکاری در تهران و قم دستگیر شدند. ذر بازجویی از این افراد مشخص شد که شکه بسبکاری قم مستقیماً با سردار جاف (یکی از عملاء عراق) در ارتعاشت بوده و سبکه از این اموری انجویل گرفته شده است. شکه بسبکاری تهران را نیز یک جاسوس عراقی تبار به نام "عبدالحسن کریم" هدایت می‌کرد که وی هسراه با چندین تن دیگر دستگیر شده‌اند. این شکه تاکنون به بسبکاری در باجهان شهید فیاضی بخش تهران (در تربکی بازک شهر) و پایانه آزادی تهران (تعاوینی ۷) اعتراف کرده‌اند.

عکس‌های سفر به مشهد

عکس‌های سفر به مشهد

ماه در ضریح مقدس ریخته شده بود. بعد از برداشت پول‌ها ضریح را جارو کردیم و با گلاب شستیم. زیارت خوبی بود. لابد مردم از دو سه ساعت ممنوعیت حضور در حرم ناراحت می‌شوند. همراهان ما و پاسداران محافظ آمدند.

مدیر کل اطلاعات استان [خراسان] آمد. راجع به کارهای جاسوسی افغان‌ها و روسها و ضدانقلاب و مشکلات اختلافات خطی گفت. از طرح بازسازی فلکه و کتابخانه بزرگ آستانه بازدید کردیم. طرح بسیار عظیمی است.

عصر در مرکز بسیجیان مشهد برای آنها سخنرانی کردم^۱ و از آنجا به فرودگاه رفتیم. مصاحبه کردم^۲ و اول شب وارد مهرآباد شدم. در رفت و برگشت در هوایپما از همراهان احوالپرسی کردم. از این سفر راضی و ممنون بودند. شب اوضاع را نخست وزیر و رئیس جمهور تلفنی پرسیدم. آقای خامنه‌ای شرح مأموریت وزیر خارجه سوریه را دادند که عمدتاً برای شفاقت کشورهای جنوب خلیج فارس مخصوصاً عربستان آمده بود، که ما آنها را به خاطر حمایت عراق تنبیه نکنیم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم.^۳

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "نقش بسیج و نیروهای دارطلب که با مبل و شوک و اخبار و اراده، راه جهاد، جانبازی و سعادت و شهادت را انتخاب کرده‌اند، برای همه روشن است. ما پیروزی‌های گذشتہ‌مان را ناحدود زیادی مهمن این عزیزان هستیم". رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، "دفترنامه اتفاقات"، ۱۳۸۷.

۲- در این مصاحبه آمده است: "استان قدس رضوی بعد از انقلاب اسلامی گام‌های مؤثری در جهت گسترش کشاورزی و دامپروری و پرورش ماهی در استان خراسان برداشته است و امید می‌رود در آینده نزدیک، استان خراسان از لحاظ بخشی از تولیدات کشاورزی و هدایت دامپروری خود کفایت کند". رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵"، "دفترنامه اتفاقات"، ۱۳۸۷.

۳- در این دور آقای علامرضا آقاراده وزیر نفت که دیروز از مسکن به تهران بازگشت، در مصاحبه‌ای تراپن‌های ایران و شرکت را در خصوص مسائل نفی نشانی تشریح کرد. وی ملاقات‌های دوکشور را سازنده و میثت ارزیانی کرد و به نهل از نخست وزیر شوروی افزواد که همچ مانع برای گسترش روابط دوکشور وجود ندارد.

در همین زمینه رادیو گلن، بهبود روابط ایران با شوروی را چنین برسی کرده است. "دیلمات‌های ایران در مسکن تعائیث شدیدی را در این زمینه آغاز کرده‌اند. در آغاز هاه جاری معاون و زیر امور خارجه ایران با گذشت ملاقات کرد. آقاراده وزیر نفت ایران نیز در پیابان سفر موافقیت آور خود به شوروی را گشود. بهترین شرکت بازگشت. طایب گزارش‌های رسیده از تهران، وزیر امور خارجه ایران قل از پیابان هاه جاری می‌لاید نه شوروی سفر خواهد کرد. یک هیئت از سوی دولت ایران تبریز به زودی به آلمان شرقی خواهد رفت... روابط اقتصادی ایران و شوروی که سال‌ها قابل توجه نبود، احتمالاً اینکه به سرعت بهبود خواهد یافت. از منی ذیگر، باید دید که آیا روابط سیاسی دوکشور نیز چنین خواهد شد یا خیر... اتفاقاً رئیس جمهوری شوروی از ایران که اوایل هاه جاری عنوان شده بود، اینکه تومط "ریشکوف" نخست وزیر شوروی نیز تکرار شده است. ریشکوف اخیراً از ایران به خاطر عدم تعامل به مذاکره به منظور پایابان جنگ اتفاقاً کرده و به وزیر نفت ایران گفته است که خواستار حل مسئله جنگ خلیج فارس مبنی بر مذاکره می‌باشد".

۲۲۹ اوج دفاع

عنوان شهریور

حالی

شنبه ۱ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۷ ذیحجه ۱۴۰۶ | ۲۳ August ۱۹۸۶

تمام روز در منزل بودم. کار عمده‌ام، مطالعه گزارش‌ها و انجام کارهای عقب مانده چند روز مسافت را بود. خبر دادند آقای عبدالحلیم خدام معاون رئیس جمهور سوریه به ایران آمده و می‌خواهد با من هم ملاقات کند. ملاقات محدود شد.

شب آقای خامنه‌ای خبر دادند که پیشتر برای وساطت در مورد برخورد ما با عربستان سعودی آمده و خواسته است که کشتی‌های عربستان را در سیاست مقابله به مثل نزینم و ادعای فهد را در خصوص عدم همکاری با عراق در زدن سیری و... عدم ایداء زوار بازداشت شده در عربستان را گفته و بالاخره از آقای خامنه‌ای قول گرفته که تا دو هفته دیگر، کشتی‌های عربستان را نزینم.

۱- در پی مسافرت چند روز پیش (۲۸ و ۲۹ مرداد) "فاروق الشرع" وزیر امور خارجه سوریه به تهران و تسلیم پیام "حافظ اسد" به مقامات ایران، امروز نیز "عبدالحلیم خدام"، معاون رئیس جمهوری سوریه وارد تهران شد و دوین پیام "حافظ اسد" را به رئیس جمهوری ایران، تسلیم کرد و چند ساعت بعد از ورود، تهران را ترک کرد. خبرگزاری جمهوری اسلامی از دعشق درین باره به قتل از رادیو دعشق گزارش داد: "سعیر خدام معاون رئیس جمهوری سوریه به ایران به دلیل تحریلات اخیر در حنگ عراق علیه ایران می‌باشد". رادیو دعشق سپس به قتل از "خدام" گفته است: "ما مطمئنم اگر جنگ نترد، امروز صدها هزار ایرانی در کنار سوریه در مقابل رژیم اشغالگر قدس فرار داشته‌اند". روزنامه کویری "السياسة" در این باره نوشت: "سفرهای مستولان بلندپایه سوریی به تهران، در پی ارسال نامه‌ای از "نهد" پادشاه عربستان سعودی به حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، همراه گرفته است". به نوشته این روزنامه، نماینده ویژه "نهد" پس از حملات هوایی عراق به منابع نفتی ایران و تهدیدهای اخیر آقای خامنه‌ای در خطه‌های خماز جمعه تهران، مشترک‌هایی را با مقامات سوری انجام داده و در سفر "فاروق الشرع" به تهران، قرار شد عبدالحلیم خدام نیز قل از مسافرت به تهران با "حریری، نماینده ویژه (نهد)" ملاقات کند. رادیو اسرائیل نیز در گزارشی درباره سفر عمامات سوریی به ایران، گفت: "در روابط تهران و دمشق امری که اکنون چنین سفرهای فوری و مکرری را ایجاد نماید، وجود ندارد ولی (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

عصر دکتر روحانی آمد و گزارش سفرش و وضع سمینار لندن را داد. او را در جریان اوضاع جاری جنگ قرار دادم. شب استاندار کرمان آمد و گزارش اوضاع را داد و در مواردی استفاده کرد. مهدی و آقای رحمانی از جبهه تلفن کردند. حاشان خوب است و مشغول آموزش‌اند. برای عملیات آینده آماده می‌شوند.

۲۴ August ۱۹۸۶

یکشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیحجه

امام ملاقات داشتند. کمی دیر رسیدم. جلسه رسمیت پیدا کرده بود. امام نسبتاً با لحن قوی و صدای سالم صحبت کردند.^۱ اخوی محمد آمد و از رأی شورای سوپرستی درباره آقای حجت گله داشت. آقای روحانی آمد. وقت جلسه ستاد فرارگاه را برای بورسی طرح عملیات آینده تعیین کردیم.

(ادامه پاروپی از ضمیمه قبل)

توسعه جنگ در خلیج فارس می‌تواند علت اصلی این سفرهای پایابی باشد.^۲ رادیوین، بی‌سی نیز در این ماره گفت: "ممکن است سوریه هشدار ایالات متحده را به ایران ابلاغ کرده باشد". حربگزاری آئینه غربی بیز این پیام را یک درخواست برای متوقف کردن جلالات ایران به کشته‌های کشورهای غربی، خواند. و از ورد: "این نکته قابل توجه است که علی چهار روز گذشته هیج گونه حمله‌ای از سوی ایرانی‌ها علیه کشته رایی در خلیج فارس گزارش نشده است".

۱- امام خمینی در دیدار با مسئولان کشوری و تکنیکی در روز عید غدیر خم، به شدت مارش طلبه در جنگ را مورد انتقاد قرار داده و خواستار تحریر همه امکانات به منظور ادامه جنگ تا پیروزی شاند. اینشان در سخنان خود غرموده: "ما الان متألیه هستیم؛ یعنی دسته‌ای در همین فقضیه هم دارند اشکال تراشی می‌کند. نه یک اشخاصی باشند که حالا تأثیری داشته باشد، اما هستند، هستند اشخاصی که می‌گزینند باید صلح یکیم، باید یک سازشی نکنیم ما از تاریخ باید این امر را باید بگیریم. و هضرت امیر تحمل کرددند آنکه حکم باید شود و از بعد که حضرت امیر با فشار اینها توافانت، می‌خواستند نکشدش، اگر نکند. برای اینکه آنها چهار کرده بودند که چه باید بشود، حکم قرار بددهد، فرآن است این. این ابتلا را حضرت امیر داشت، الان نظر او را مداریم. اینکه می‌گویند این و آن و آن من ایند که بگذارید یک حکمیت بینداشود، باید بشهود، حکم بینداشود که کارها را انجام بدهد، تشخیص بدهد که کی چی است. دنیا اسی دانند که کی مجاور است؟ ما از آن فقضیه باید عبرت بگیریم و زیربار حکمیست، ما در این فقت سالی که بوده است فهمیدیم که این حکم‌ها کی فست و اینها که می‌خواهند صلح ایجاد کنند، کی هستند... آن صلح تحصلی‌ای که در عصر امام حسن واقع شد، آن حکمیت تحصلی که در زمان امیر المؤمنین واقع شد و هردویش به دست اشخاص جمله‌گر درست شده، این ما را هدایت می‌کند به اینکه نه زیر بار صلح تحصلی بزیر و نه زیربار حکمیت تحصلی، ما باید خدمان به حسب رأی خودمان، به حسب رأی ملستان، آن طوری که الان همه ملت دارند می‌گردند، ما باید این جنگ را ادامه بدهیم تا وقتی که انشاء الله پیروزی حاصل بشود و تزدیک است ان شاء الله، فلنها اگر بخواهد ملت ما تزدیک‌تر بشود این پیروزی، زیاد نزدیک بشود - که به صالح ملت عراق است و به صالح ملت اسلام است - باید مجهر بشود باید در این برده زمان باید به تمام معنا مجهر بشود برای جبهه‌ها". رجوع کنید ← کتاب "اصحیحه امام"، جلد پیشتم، صفحه ۱۱۱، مؤسسه تحظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

عکس مهدی در جبهه

عصر به مجلس رفتم و در سمینار ستادهای پشتیبانی جنگ سخترانی کردم.^۱ شب در مجلس ماندم. بعد از نماز ستاد قرارگاه خاتم جلسه داشت. فرماندهان سپاه چهار طرح عملیاتی را که روزهای آینده می‌خواهند انجام دهند، توضیح دادند و تصویب شد. به نیروهای هوایی، زمینی و دریایی ارتض هم مسؤولیت‌هایی برای پشتیبانی عملیات داده شد. شام را با اعضای ستاد صرف کردیم. نخست وزیر هم در جلسه شرکت کرد. شب در مجلس ماندم.^۲

دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۹ ذی‌حججه ۱۴۰۶ | ۲۵ August ۱۹۸۶

پیش از ظهر در دفترم ماندم. چون سمینار در مجلس برقرار بود، ترجیح دادم که برای مراجعات بمانم.

۱ - دومین سمینار سراسری «لیک یا امام» ستادهای پشتیبانی جنگ استان‌های سراپر کشور با سخنان آقای هاشمی گفتاری داشت. در این سمینار دو زوره با حضور جمعی از وزیران، اعضای شورای عالی جنگ ستاد مرکزی و ستادهای پشتیبانی جنگ استان‌ها، امامان جمعه، استانداران سراسر کشور، فرماندهان سپاه و ارتش و مستران جهاد سازندگی برگزار شد. آقای هاشمی عالی ترین مقام فرماندهی جنگ بین ای امام، در صحابی ضمن تأکید بر اینکه ما ناید در جنگ محکم نایstem، ضرورت حضور و حداقت یکارچه مستران و مدیران از جنگ را در مقطع کوتولی یاد آورد. ایشان از امامان جمعه و استانداران خواست امکانات مردمی را دولتی موجود در استان را به تصریح مطلوب در خدمت جنگ قرار دهد. در بخشی از سخنرانی آمده است: «ما باید بدشمن فرست برای مردم ریزی نهادیم و وقتی نهاجم همه جانبه‌ای را شروع کردیم، تداوم عمل باید محفوظ بماند تا دشمن فرست برای مردم ریزی های شنطی آمیز و تجهیز و ترمیم خود نداشته باشد». رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، ۱۳۸۷.

۲ - آقای هاشمی در یک مصاچه اختصاصی با روزنامه مصری «الشعب» به پوشش هایی درباره نجوة فعالیت احزاب سیاسی در کشور، ترکیب نیروها در مجلس شورای اسلامی، امکان برقراری، رابطه بین ایران و آمریکا، رابطه سوریه و عراق، شایعه درخواست ایران از پاس عرفات برای پیانچی گزی بین ایران و عراق و اخلاق نظر بین مستران جمهوری اسلامی، پاسخ گفت.

در این مصاچه ایشان در پاسخ به سئوالی درباره آینده روابط ایران با فرانسه و آمریکا گفت: «ما هیچ وقت در فکر قطع روابط با غرب بودیم و فقط من خواهیم متنقل باشیم؛ هنلا وقتی سعی می‌کنم با برخی کشورهای قدرتمند نظریه رفاسنه ماساسی برقرار نمایم. می‌بیم که این کشورها بیش از دیگر کشورهای عراق را به سلاحهای مدرن مجهز می‌کنند، ظلمًا احسان می‌کنم برقراری روابط ایران با فرانسه تیار به زمان بینشتری دارد. ما این همه، روابط ما با فرانسه در حال حاضر به تدریج رو به بهبود است. اما در مورد روابط با آمریکا اگر این کشور از ما عذرخواهی کند و قول عدم توطئه چنین علیه مارا بدهد و همیستان خود را از مساعدت به عراق باید دارد، می‌تواند ما روابط متفاصلی داشته باشند، ولی من برقراری چنین روابطی را در آینده تزدیک بعید می‌دانم». ایشان در مورد تلاش‌های در حال انجام شدن برای بهبود روابط بین عراق و سوریه گفت: «مشکلات و مسائل ریشه‌داری بین عراق و سوریه وجود دارد و من تصور نمی‌کنم با وجود این مشکلات و اختلافات، روابط بین دو کشور طبیعی شود». آقای هاشمی هرگز دعوت از عرفات برای پیانچی گزی را رد کرد و گفت: «همه ترین خواسته‌های ملت ایران، عدم مذاکره بود و یکی از مهم ترین سوابیک ما برای پایان جنگ، محکوم نمودن هنچهار است». ایشان در خصوص وضعيت داخلی و جنایت‌های مختلف، ضمن تأکید بر آزادی مخالفان در بیان نظرهای خود، گفت: «اگر در مجلس ایران، تنها اعضای حزب جمهوری اسلامی به ریاست آقای خامنه‌ای حضور دارند و احزاب دیگر، حضور ندارند، فعالیت سیاسی حزبی در ایران ریشه‌دار نست و لی فعالیت‌های ایدئولوژیکی گسترده‌ای انجام می‌گیرد. اکنون در داخل حزب جمهوری اسلامی نیز دو جناح قدرتمند وجود دارد که جناح اول خواهان حاکمیت مطلق دولت بر تسامی فعالیت‌های کشور را باشد و جناح دوم خواهان مشارکت طبقه‌ای خاص در تمام مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و این دو جناح در واقع نمایندگان دو حرب بدون تشکیلات می‌باشند و امام هسواره توصیه می‌کند که اختلاف نظرهای دو جناح فقط در جبهه اقتصادی باشد... در مجموع تغایر هر دو جناح به نفع جمهوری اسلامی است». رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاچه‌های سال ۱۳۶۵»، ۱۳۸۷.

مسئولان استان باختران آمدند و نیازهای منطقه را گفتند؛ چون تردیک جبهه‌اند بسیاری از امکاناتشان صرف جنگ می‌شود و نیاز به حمایت بیشتر دارند.

ظهر فرماندهان نواحی سپاه آمدند. از مشکلاتشان با ستادهای پشتیبانی جنگ و نیازها در ارتباط با تجهیز پانصد گردان و گردانهای قائم گفتند. عصر هم در سمینار شرکت کردند. گزارش کمیسیوتها و سخنرانی آقای خامنه‌ای را شنیدیم و جواب سوالات را دادم.

آقای عبدالله نوری را خدمت آیت‌الله منتظری فرستادم. نامه‌ای که به امام در مورد تعزیرات نوشته بودم و امام به آقای منتظری ارجاع داده بودند، توسط ایشان فرستادم.^۱ آیت‌الله منتظری حق تعیین تعزیرات احکام سلطانی را به مجلس محول کردند. اگر شورای نگهبان هم قانع شود، یک مشکل مهم از سر راه مجلس برداشته می‌شود. شب به خانه آمدم.

۲۶ August ۱۹۸۶

سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۰ ذی‌حججه

در منزل ماندم. نقاش آمده و منزل را رنگ می‌کند. محدودیت داریم. دیروز اتفاق خواب من را و

۱ - در این نامه آمده است: «سبه تعالی، محضر تشریف حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی - دامت برکات وجوده الشریف، معمولًا در قوانین مصوبه مجلس‌های دنیا و منجمله مجلس شورای اسلامی کیفرهایی برای مبتلئان از قانون و مجرمان پیش‌بینی می‌شود که بدون آنها خاصمنی برای اجرای قانون نیست. مدنی پیش شورای مجرم نگهبان نظر داد که اینگونه کیفرها تغیرهایی اند که باید توسط قاضی در دادگاه تعین شوند و می‌شود به صورت کلی در لایاس قانون در آیند. شورای عالی قضایی به حامل ایکه احوال کیفرها به نظر قصاص بایث ثباتوت های فاحش و رینه ای در کیفرها می‌شود و مابه ای اعتباری دستگاه قضایی و نظام کیفری اسلامی خواهد شد، باحالا کیفرها به نظر قصاصات محلافت داشت. در برهای از زمان پذیرفته شد که سقنى و حداقل و اکثری برای کیفر مجرمان تعین شود و اخبارات قضایی را در انتخاب حدی در میان اقل و اکثر قرار دهیم. این روش نه نظر شورای نگهبان را تأمین کرده، نه نظر شورای عالی قضایی را و بالاخره حضرت‌عالی برای حل مشکل، هیأتی مرکب از دو عضو شورای نگهبان و یک عضو کمیسیون قضایی مجلس و رئیس شورای عالی قضایی را چهت تعین تعزیرات معین فرمودید. این هیأت تتوائست مشکل را حل نماید». در ادامه این نامه به یاد علل تاکمیل هیأت پرداخته شده و آن گاه جمین یشنیده شده است: «در مجلس همه وسائل رسیدگی و دقت موجود است؛ و لواجع همراه خود نظر گارشاسی دولت و دستگاه قضایی دارند، و دویاره در کمیسیونها با حضور کارشناسان بحث می‌شود و عموماً یک لایحه در چند کمیسیون روزی از دیوار در جلسه علی مورد بحث فراز می‌گیرد، را وسائل ارتباط جمعی پخش می‌شود و هماجع پژوهان ذی علاقه معمولاً نظر ایشان را برای مجلس می‌فرستند و حداقل برای تصویب آن ۹۱ رأی توانیدگان مجلس و خود دارد که معقولاً در عیان آنها افراد مجتهد و منفی قراران است، و اگر اعتباًی پیش آید با نظر شورای نگهبان به مجلس برمی‌گردد. و بعد از همه اینها اگر نار هم خلاف بود، قانون عادی است و قابل اصلاح. خواهشمندیم هرگونه که مصلحت من دانید مشکل را حل فرماید. خصماً پیوست عربی‌شده، طرح تشدید محاذات محتکران و نگرانه‌وشان را تقدیم می‌دارد که مشکل ما را ملاحقه فرماید. رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی - ۶۵/۵/۲۶ - پاسخ امام خمینی (ره) چنین بود: سمه تعالی، حباب حجت‌الاسلام آقای هاشمی رئیس مجلس شورای اسلامی. در این موضع به حضرت حجت‌الاسلام والملیصین آقای منتظری - دامت برکاته - مراجعه نماید که با نظر ایشان مشکل حل شود، ان شاء‌الله تعالی. ۱ شیرین ۶۵ روح‌الله‌الدوسری‌الخمینی رحیع کپید \leftarrow کتاب «صحیفه امام»، جلد پیشتم، صفحه ۱۱۰، مؤسسه تبلیغ و نشر آثار امام خمینی (ره).

امروز نقاط دیگر را نقاشی کرده است.

آقای شیرازی امام جمعه مشهد و فرزندش آمدند، فرزند درباره لزوم رسیدگی و دلداری خلبانها که با مسئله دار شدن از کشور می‌روند، گفت. از دخالت‌ها در عزل و نصب‌ها و امور دولتی شاکی بود و خواستار کمک به ایجاد سقف در [محل برگزاری] نماز جمعه مشهد شد. آقای طبسی هم قبلاً از تصمیم زدن سقف روی صحن گوهر شاد گله داشتند.

عصر آغازده وزیر نفت آمد. گزارش مذاکرات با رهبران شوروی را داد. معتقد است به تفاهمنهای خوبی در زمینه اکشاف و حفاری تفت در خزر، فروش گاز، مسائل فنی و سیاسی رسیده‌اند. در مورد سفر چین که فردا می‌رود، مشورت کرد. گفتم تأکید کند در آموزش کارکنان سایتهای ضد هوایی و ساحل به دریا تسريع شود.

شب اخوی احمد و خانواده‌اش با همشیره فاطمه مهمانمان بودند. از بیرون غذا گرفتیم. اصلاح دادند عراق به مراکز نفتی ما حمله کرده، اما خیلی موثر نبوده است، ما هم به اسکله‌های البکر والعمیه حمله کرده‌ایم.

چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۱ ذی‌حجه ۱۴۰۶ | ۲۷ August ۱۹۸۶

تا ساعت هشت صبح بظالعه کردم^۱. برای ملاقات‌ها به مجلس رفتم. آقای [مصطفی] محقق داماد رئیس سازمان بازرگانی کل کشور آمد. از بی‌سامانی دادگاه‌ها و مخصوصاً دادگاه‌های انقلاب و خشونت زیاد آنها و ائتلاف اموال توقيفي شاکی بود و توصیه به تلطیف جو جامعه داشت.

آقای [محسن] دعاگو آمد. از گله بعضی از افراد کمیته از انتقادات من در نماز جمعه از برخورده

۱- امروز، عصمت کانی، قاینه دائمی عراق در سازمان ملل علی نامه‌ای خطاب به دیرکل این سازمان به نقل از دولت سوری خود اعلام کرد که در تاریخ ۱۲۰ آگوست ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۴/۲۹)، خبرگزاری روابط خارجی آمریکا با آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران منتر ساخته که وی در آن مصافحه گفته است که تهران نفعاً ۲۰ جولای ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۴/۲۹) شورای امنیت را که در آن دعوت به آتش پس شده است، تصریح کرد، زیرا عراق به عنوان منجاوی معرفی نشده است. در این نامه همچنین آمده است "رسنجانی اعلام کرد که ایران قصد خود را برای ادامه جنگ تا ۲۰ میل دیگر، تا سرنگونی دولت صدام حسين اعلام می‌نماید". عراق همچنین در نامه‌ای به شورای امنیت ادعای کرد که به رغم پیام‌های متولی این کشور به ایران مبنی بر قطع حمله به غرب ایران، ایران با دیگر حمله به شهرها و مناطق مسکونی را از سوی گرفته است. طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق مبنی نامه‌ای که برای رئیس شورای امنیت سازمان ملل فرستاده، پس از اعلام مطلب این افراده است که شهر بغداد از معرض حمله غرب ایران فرار گرفت و برای آن دو غیرنظامی کشته و هفت شهروند مجروح و چند ناب خانه مسکونی منهدم شده است.

خشن آنها با مردم گفت و از مشکلات صدا و سیما در ارتباط با آقایان حجت و بهزادی نیا و واعظی که اختلاف دارند و معتقد است که تکیه من در نماز جمعه بر ازدواج موقت آثار خوبی ندارد، چون با فرهنگ موجود نمی‌سازد.

آقای [احمد] سالک آمد. از برنامه جدید در امور اداره مجلس اعلا و تبروهات اسلامی عراق و مشکل تشکیل گروه سه نفری جدید با دستور آیت الله منتظری و تعارض اختیارات آیت الله خامنه‌ای از طرف امام در مورد مسائل عراق با آنکه آقای منتظری به عنوان مختار از طرف امام، آقای [محمدعلی] رحمنی را تعیین کرده‌اند.

ظهور آقای [عباس] محتاج رئیس ستاد سپاه آمد. از مشکل تامین نیروی سیجی کادر برای پانصد گردان گفت. عصر مصاحبه مفصل تلویزیونی، برای رفع ابهامات و ایرادات ادامه جنگ نمودم^۱ ستاد تبلیغات جنگ خواسته است.

آقای [جواد] ازهای و همکارانش از دفتر اداره انجمن‌های اسلامی آمدند. گزارشی از وضع انجمن‌ها و مشکلات و ارتباط آنها با مدیریت‌ها دادند. آقای محمد رضا بهشتی برای استمداد مالی جهت تدوین تاریخ معاصر از محل کمک وزارت ارشاد به بنیاد تدوین تاریخ آمد. شب مهمان آقای اردبیلی بودیم. از مکه برگشته‌اند. از سفر راضی‌اند. از مکه تلفنی درباره زوار بازداشتی خبر دادند که سعودی‌ها قول داده‌اند، فردا آزادشان کنند. درباره دونفری که از دست

۱ - با توجه به وضعیت حساس جنگ و شدت فشارهای سیاسی و تبلیغاتی علیه ایران، آقای هاشمی درینکه مشت را دیور تلویزیونی به مژوالات متعدد خبرنگاران پاسخ داد. مسوالت‌های مختلف را در تصریح و تشریح و ضعیت جنگ، شرایط ایران برای خصم جنگ، روابط ایران با کشورهای عربی خاشیه خلیج فارس و شایعه خرید سلاح از اسرائیل برد. در این مصاحبه، جاشنی فرمانده کل قوا اعلام کرد: «اگر حرب بعثت عراق توسط یک کوادتاً ساقط شود و صدام از صحنه سیاسی عراق جدا شود، یعنی از همین تین خواسته‌های جمهوری ایران تأثیر نشده است و اگر حاکمیت جدید یک حاکمیت اسلامی و مردمی باشد، ما برای دریافت عرامت فشاری متوجه او نخواهیم شد». ایشان با اشاره به اینکه مجمع بن‌السلیل، ناکنون توافقه‌اند رژیم عراق را از به کاربردن سلاح‌های شیمیایی بازدارند، گفت: «اگر عراقی‌ها در بردهای بعدی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کنند ما نیز تاچار به استفاده از این سلاح‌ها خواهیم بود». ایشان شرایط ایران و برای خاتمه جنگ، معاکمه متجاوز در یک دادگاه صالحه، برداخت حقوق تضییع شده مردم ایران (غرات جنگی) و بازگشت مردم آواره عراق به وطنشان عنوان کرد. آقای هاشمی به کشورهای عطفه خلیج فارس اطمینان داد که ایران قصد توسعه جنگ را ندارد و اگر خواستار چنین اندامی برد، دلایل کافی برای آن داشت. ایشان این دلایل را از اینکه کشورهای خلیج فارس به رژیم عراق ذکر کرد و از عود: «اما آنها نایابه همکر کنند چون هم با عراق می‌جنگیم نمی‌توانیم با آنها بجنگیم زیرا آنها در حد یک استان عراق‌اند و ما فکر می‌کیم که عراق یک سپاه دیگر دارد... همه اعکانات کشورهای خلیج فارس بازند مراجعت نهی، دستگاه‌های آف شیرین گن و کشته‌های تجاري در تبریز ما هستند و ما حتماً نشان داده‌ایم که بردار هستیم، مثلاً فاصله ما با جزیره «بریتانی» کوتیت تنها خروج عبدالله است. اما با این همه عالم‌سلمانی و مسلمان جنگ علیه مسلمان دیگر را آغاز نمی‌کند. لبکه تحمل نیز حدی دارد، هنگامی که از حد گذشت، مردم ما اجازه گذاشت بیش از اندازه را به ما نمی‌دهند. ما نیازی به کمک کشورهای خلیج فارس نداریم، فقط آنها اگر مایل به خاتمه جنگ هستند، به عراق کمک نکنند». رجوع کردند کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵» دفترنشر معارف اقلیات. ۱۳۸۷

مأموران سعودی در رفتہ اند و دنیاں و سیلہ ای برای خروج از عربستان اند، صحبت شد.
دکتر ولایتی آمد، گزارش سفر بہ هند و پاکستان را داد و گفت آمریکا تو سط پاکستان پیغام داده
که مایل به رفع مشکلات روابط با ما است. دربارہ آوردن دکتر جدید برای امام و نیز سفر رئیس
جمهور بہ زیمبابوه برای شرکت در کنگره سران جنبش غیر معهدہ^۱ و دربارہ جنگ و سایت‌های
بہشهر و کبکان صحبت شد.

پنجشنبه ۶ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۲ ذیحجه ۱۹۸۶

در منزل بودم، و قم به مطالعه گذشت. همشیره طیبه و بستگان دیگر آمدند. محمد همشیره زاده که از
مکه برگشته می‌گوید وضع ایرانی ها خیلی خوب بوده، افکار مانفود کرده و بچه‌های عربستان، ایرانی
را که می‌بینند با حماسه مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل می‌گویند. زوار دیگر کشورها هم در
راه پیمانی [برایت از مشرکین] شرکت کرده‌اند.

عصر آقای رحمانی محافظ و مهدی فرزندم از جبهه تلفن کردند و خدا حافظی نمودند و گفتند
عازم خط مقدم برای عملیات هستند. روحیه خوبی داشتند. خداوند همه نیروهای جان برکف اسلام را
حفظ کند. عفت نیست و خبر ندارد، لابد خواب خواهد دید.

جای مهدی را در خانه خالی می‌بینم ولی از راهی که انتخاب کرده خوشحالم. اگر بماند در
زندگی اش مؤثر است و اگر شهید شود، رستگار است. از لحظه روحی آمادگی نوشتن نامه‌ای به
مهدی احساس شد، نشستم و یک نامه نه صفحه‌ای نوشتم^۲. خبردادند که عربستان صدو سه نفر از
صدو سیزده نفر حاجاج بازداشتی ما را آزاد کرده است.

۱- پاسعرفات رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین درباره اجلاس آقی جیسٹ عدم تعهد در حراره و تبر لزوم طرح مسأله بایان جنگ عراق و ایران
در آن اجلاس، در مفاخره با روزنامه «هرالد» چاپ حراره گفت: «اجلاس سران غیرمعهدہ‌ها در خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق مستولی
اساسی دارد و باید ایران را به قبول یک میانجیگری واضعی تشغیل کنند». رئیس ساف در مردم جنگ ایران و عراق که آن را دیواره وار خواند،
گفت: «فلسطینی‌ها خود را برگزیری بازنده جنگ ایران و عراق می‌دانند. من به ایران‌ها می‌گویم کافی است، کافی است، ما
غیرمعهدہ‌ها برای این جنگ بھای سیار سنجینی پرداخته‌ایم». روزنامه «هرالد» همچنین نوشتند است: «طروحی از سری عرفات به هشتمین
اجلاس سران جنبش عدم تعهد در حراره پیشنهاد خواهد شد که طبق آن جشن غیرمعهدہ‌ها یکتا نیروی حافظ صلح به نیروهای ایران و عراق
گشیل خواهد داشت و پراسر این طرح حق مخالفت یکی از طرقی درگیر مانع از اعمام این نیروی خواهد شد، زیرا در این صورت این نیرو با
عیور از مرز کنکوری که با آن موافق است، در جبهه بین ارتش ایران و عراق مستقر خواهد شد».
۲- من کامل این نامه در یخت فضایی همین کتاب درج شده است.

۲۹ August ۱۹۸۶

جمعه ۷ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیحجه

تا ساعت ۵ و نیم صبح در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به داشگاه تهران رفتم. عصر احمد آقا تلفنی گفت که آقای کروبی می‌گوید ۵ نفر باقی نیستند، دو سه نفری هستند. قرار شد خود ایشان از فهد تشکر کند. شب ارتباطات تلفنی زیادی با چبه و قرارگاه خاتم داشتم. هماهنگی سپاه و نیروهای ارتشی که باید عملیات را لحظه پدافند و توپخانه و هوایی پشتیبانی کند، ضعیف است. در اصفهان بر سر مدیریت فرودگاه قدیم که به سپاه سپرده شده، بین سپاه و هوانیروز درگیری بروز کرده که گفتم هیأتی برای رسیدگی به آنجا بروند.

۳۰ August ۱۹۸۶

شنبه ۸ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیحجه

اول وقت دستور هماهنگی‌های جبهه‌ها را پیگیری کردم. وضع جبهه بهتر شده است. فاطمه خانم کارگری که هفته‌ای چند روز به کمک عفت می‌آید، پس از سه هفته غیبت امروز آمد. برای جمع

۱- در خطبه‌های تباز جماعت ابروز بر ضرورت سرعت بخیدن به جنگ و تبریع در اغرام نیروهای بیشتر برای ادامه چنگ تابروزی تأکید شد و نیرو موضوعات مهمی چون تضییل شورای هستگاری خلیج فارس در جنگ علیه ایران و ضرورت مقابله با آن مورد بررسی قرار گرفت. آقای هاشمی در آخر به تحلیل شایعات و مشکلات مردم در داخل کشور پرداخت و تلویحاً و تصریحاً از مردم در تحمل مشکلات باری طلبید. در تخفی از خطبه‌های نماز جمعه آمده است: «در این شرایط که حضرت امام حضور در جبهه‌ها را واجب کتابی اعلام کرده و سپاه پاسداران هم که اعلام کرده است ابتدا ۱۰۰۰ گرگدان و اگر کارساز نشد ۱۰۵ گرگدان را به چهدها سازی کند، همه ما وظیفه داریم که در جبهه‌ها حضور داشته باشیم؛ کسانی که آمریک دیده‌اند لازم است در جبهه‌ها باشند». آقای هاشمی خطاب به حکام خلیج فارس گفت: «حرب، بی انصاف‌ها، شما آنچه نشسته‌اید و می‌دانید عراق دارد اعلان می‌کنید که «من کشته را زده‌ام» آیا شما نمی‌توانید بهمیشید که نمی‌شود دست روی دست گذاشت تاکنی‌های ایران زده شود؟ اگر ایران نشان دهنده شفوف شد و بعد دیگران نفت صادر بکند و به جای ایران بفروشند و اسلحه بفروزنده و بدهند به عراق، خوب اینکه معقول نیست، شما مگر با سعیه طرف هستید؟ مگر شما [حکام کشورهای منطقه] اسریک جنگ عراق نیستید؟ شما مگر نفت [منطقه] ای عراق را به عراق نمی‌دهید؟ شما مگر بول به عراق نمی‌دهید که پشتوانه جنگی اش باشد؟ رادیو هايان و خودتان در تأیید عراق متجاوز مگر نیست؟ خوب اگر در جنگ شریک هستید، دیگر چه ترقی دارید؟! به علاوه، ما ادعای شما مبنی بر زدن کشته‌ها را به عهده نگرفتایم و از اول گفته‌ایم این تیر عیب است که کشته‌ها را می‌زنند و به فرض اگر روزی قبول کیم که زداییم، این حق ما است، نا این وصف خیلی هم کوتاه آمدیم، اگر ما بخواهیم با شنا فاطع برخورده کنیم باید تاکنگه هر مر را ستدیم و کشته‌های شما را تیری خلیج فارس راه ندهیم». ایشان خطاب به مردم نیز گفت: «من قبول دارم که تحصل این کشیده‌ها برای ما مشکل است اما چه باید کرد؟ این اقلاب در شرایطی که قوارگوشه است و وضع جبهه به حالی که در آمده مانند این است که از پله‌های زیادی بالا رفته‌ایم و تردید کیم پشت بام رسیده‌ایم و حالا باید برگردیم؛ این منطق هیچ کس نیست، حتی لیبرال‌ها هم دیگر حراثت نمی‌کنند این حرف‌ها را بزنند». رجوع کرد کتاب «هاشمی و فسجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم»، دفترکش معارف المغلاب، ۱۳۸۷

فاتح اسکله العربیه

کردن برنجهای مزروعه‌اش به لاهیجان رفته بود. از زیادی محصول خوشحال و از گرانی کارگر ناراحت است. می‌گوید سه جریب زمین دارند.

ظهر، علی اخوی زاده که از اروپا برگشته آمد. از طریق کاردارمان در لندن، دو نفر از مقامات آمریکایی با او ملاقات کردند. خواستار رفع تیرگی روابط شده‌اند و از ما برای آزادی گروگانهاشان در لبنان استمداد کردند و در مورد جنگ از موضع قبلی دشمنی‌شان با ما فرمی شان داده‌اند. در مورد کانالهایی که در گذشته به ما پیغام داده‌اند، پرسیده‌اند. توسط احمد آقا به حضرت امام گزارش دادم. گفتم من اظهارات آنها را بنویسد که در جلسه سران سه قوه مطرح کنیم.

عصر آقای رفیق دوست و آقای ادیب آمدند. از مدیریت صنایع نظامی ارتض شاکی بودند. رفیق دوست در مورد سفر آینده‌اش به سوریه و لیبی مشورت کرد. احمد آقا آمد. درباره سخنان امروز امام که از روزنامه رسالت انتقاد کرده‌اند، صحبت کرد^۱ و مقصود امام از جریانی که فرمودند شناسایی

۱- امام حسینی (ره) به مناسب هفتاد دوست، در جمع احصای هیات دولت مطالب مهمی در فاره رفوار مخالفان و متنفذان از دولت آقای بیرجین موسوی بیان فرمودند، از جمله: «ما باید عملکرد دولت را روزی هم رفته حساب کنیم، بیسم که آیا این دولت در این مدنی که در جنگ بوده است و در محاضره اقتصادی بوده است و مخالفت همه قدرت‌های بزرگ دنیا بوده است، این دولت موقن بوده است روی هم رفته پا نه؟ بی انصافی است که ما بگوییم موقن نبوده، بی انصافی است که ما بگوییم که دولت کار ارش باده، خوب، کارهای بزرگی کرده‌اند، کارهایی که در ظرف چهل پنجاه سال نشده بود اینها کرده‌اند، در هر قشرشان، همه جا، همه افرادشان را روزی هم رفته یک دولت موقن بوده است... من با همه اشخاصی که قلم در دستشان است، زبان گزی بارند می‌خواهم سفارش کنم من رجاه پاشند که قلم آنها را در حضور خداست، فردا مذاخره دارم. صحبت سر دولت و ریاست جمهوری و اینها نیست، صحبت سر نظام است، نظام اسلام است. آقای خامنه‌ای سلم‌الله - پاشند رئیس جمهور یا یک‌گزی دیگر، آقای موسوی بخت و زیر باشد یا یک‌گزی دیگری، این مطرح نظام جمهوری اسلامی است؛ ما مکلفیم به حفظ او، همه ترسیله‌ها مکلفید به حفظ نظام... آیا بآن توجه بکنند که قلم آنها یک وقت قلم ناشاشد که جمهوری اسلامی را تضعیف بکند. من می‌بسم در بعضی قلم‌ها این حریز است و اینها توجه بکنند. من همیشه میل دارم که ناصیحت، با - عرض می‌کنم که - تفاصله باطلیست نا آقایان رفشار کم و همینه جزوی باشد که یک مصعبی که ملامی ناشاشد، ناشاد؛ لکن اگر چنانچه یک وعی اتفاق بکند مصلحت اسلام، یک وقت انسان بپسند که مرواحد یک کسی اسلام را تضعیف کند ولو نعمی قهقهه خودش، با خدای تحریست از روزی غیره - که بعضی نادر هست اراد - که از روزی ادراک می‌خواهد نظره بروند و شناسایی هم مسکن است شده باشد، لکن توجه بکنند که اگر یک وقت یک مسیح چیزی پیش بیايد، آن وقت یک وضع دیگری پیش می‌آیده این جزو نیست که همه‌اش قضیه تضعیف باشد و ملامیت باشد، یک سواله دیگری پیش می‌آید، ما در حال اتفاقات هستیم، شما ملاحظه کنید، آن جهانی که اتفاقات شده است چه کردند آن جهانی که اتفاقات شده است، اتفاقات روزه‌ای که پیجاع و چند سال از آن گذشته است، روزنامه باز همیجر تخت کنترل است که نمی‌تواند یک کلمه این و را آنور بگویند، الان به طوری که براي من گزارش دادند، در عراق هیچ مطلبی را جز اینکه اداره اطلاعات اجازه بدهد نمی‌توانند بروز بدنه‌های هیچ مطلبی را راجع به اقتصادشان، راجع به عرض می‌کنم که - ارزشان، راجع به نظامی شان، همه چیزهای باید اداره اطلاعات اجازه بدهد تا چی شود... خوب ماجی؟ ما هر چه دسته‌اند آمد گفتم، الان اقتصاد ما این طوری است و ما ورشکسته هستیم، خوب، عا ورشکسته، جناب عالی که می‌فرمایید که ما ورشکسته شدیم، این براي اسلام مضر است یا براي دولت مضر است؟ این براي جمهوری اسلامی مضر است، وقی قهقهه طرف ما، ما ورشکسته نیستیم، چون مردم می‌دانند، اما تویی که برضی داری هی فریبی ما ورشکسته هستیم، تویی که می‌تویی ما هیچی دیگر نداریم، تویی که این حروف را می‌تویی، این براي اسلام مضر است، نه براي دولت، اگر یک چیز بود که مخصوص دولت بود، خوب، یک (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

شده و فساد می‌کند را معرفی کرد. گزارش کامل پیام آمریکایی‌ها را گرفت تا برای امام منتقل نماید.^۱

۳۱ August ۱۹۸۶

یکشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذیحجه ۲۵

اول وقت به مجلس رفتم. معلوم شد دیشب عملیات انجام نشده است.^۲ دکتر جاسبی آمد. گزارشی از وضع دانشگاه آزاد اسلامی داد. می‌خواهند شهریه را گران کنند. گفتم با نخست وزیر مشورت نماید. اجازه ساختن دانشگاه کرج را می‌خواست.

【آقای درگاهی معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی به همراه مشاوران، مدیران کل و رؤسای قدسیون‌های ورزشی و مدیران تربیت بدنی آمدند. گزارشی از وضع ورزش دادند و من هم مفصل‌اً صحبت کردم.^۳ قرار است در جبهه حمله داشته باشیم.

(ادامه پاورتی از صفحه قبل)

مسأله‌ای بود، باز می‌شد یک چیزی، اما یک چیزی که برای نظام ضرر است، هست و این را توجه کنید با آن، دست‌هایان را یک قدر بگ

دارید، قلم‌هایان را یک قدر نگه دارید، نوجه بکنید به اینکه هر چیزی باید توشه بشود، هر چیزی باشد منتر بشود، و من به شما عرض

نم کنم که من مسکن است یک روزی اگر جانوچه خدای بحروشه تعیف بکنند آقایان، مسکن است من یک وضع دیگری بیش باید براهم.

رجوع کنید ← کتاب «صحیحه امام»، جلد بیست، صفحه ۱۲۴، مؤسسه تبلیغ و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱ - برای مطالعه جزیان کامل روابط ایران و آمریکا در ماجراهی مک قاریین رجوع کنید ← کتاب ماجراهی مک‌غارلین، محسن هاشمی، حبیب الله حیدری، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ - غروب امروز حرکت ۱۴۰ نیروی خواص برای تصرف «اسکله العربی» آغاز شد. این نیروها قبل از حرکت به سری سه پایه «اعمیه» (در پنج

کلمنتری اسکله العربی)، از زیر فرآی که بر دست های امام جمعه اصفهان آیت‌الله طاهری فرار داشت، گذشتند و پس از آماده شدن، در تابیق‌ها

نشستند و در ساعت ۲۱ به سوی هدف باد شده که به عنوان «طبقه رهایی» نیروها در نظر گرفته شده بود، حرکت کردند. غواصان موافق شدند

بعد از یک ساعت به «بریه ۸» برسند، اما با تغییر ناگهانی وضعیت جوی را افزایش فوری (نیرو) آس و قلاطم آن، مهار قایق‌ها منتکل شد و

قطع نسای برخی شاورها برای تفرقه آب از کار ایستادند؛ شدت گرمای و شرخی بودن هزار نیروها را در چار تهویه و سرگردانی جان‌گذار کرده بوده.

مجموعه این عوامل هرچند دیر رسیدن غواصان به سایه العربی شد، اگرچه غرمانده می‌توانست با دادن تعییراتی در طرح، عملیات را ادامه

داده اما به دلیل اختلال کاهشی هرتفت آن، پیش‌باد شد که عوایق بینند و سرایم را از مشورت فرماندهان عملیات، در

حدود ساعت یکناید به نیروها دستور داده شد که عقب نشینی کنند و با حفظ استار در منطقه سانده و خود را برای عملیات در شب آینده

آماده کنند. گفتنی است که مشاهده نشان و اکتشاف از دشمن در برابر حرکت نیروهای خودی، این امید را در فرماندهان نیرو بخشید که عملیات

لو نرفته است.

۳ - در بخشی از این مستوانی آمده است: «وزرش همان طور که ذر زندگی فرد مؤثر است، ذر زندگی اجتماعی هم تأثیر فراوان دارد. در تمام طول

تاریخ، وزرش وجود داشته و ما مقطعي از تاریخ را سراغ نداریم که وزرش در آن به استکان و اصحاب مختلف وجود نداشته باشد. در هر زمان

ما نباید با سرمه طل برخورد کیم، چه وزرش در مقایسه با دیگر آثار اجتماعی جهان اسلام پیشتری برخوردار است. هیجانات ورزشی از

جادیت‌های ورزشی است، اما اشکال از آن کسی است که می‌خواهد از این هیجانات سوءاستفاده کند. عده‌ای فکر می‌کنند، مسابقه و برد و

(ادامه پاورتی در صفحه بعد)

هیأت سودانی^۱ به ملاقات آمدند. از نماز جمعه ایران اظهار اعجاب کردند و از باز شدن قبرستان بقیع اظهار خوشحالی نمودند و از مشکلاتشان در جنوب سودان و رفع خرابیهای زمان [جعفر] نمیری و نیاز شدید به نفت گفتند. درخواست دارند که به سوخت آنها کمک کنیم. خانم افزار از هلال احمد آمد. از مشکلات روانی خانواده‌های مفقودان و اسرا و لزوم تحرک صلیب سرخ جهانی گفت. ظاهراً کمیسیون اسرای عراقی همکاری نمی‌کند.

آقایان رازینی، یوتسی و منتظری از دادگاه نیروهای مسلح آمدند. از مشکلاتشان گفتند و از عدم همکاری سپاه در جریان درگیری اصفهان بین لشکر امام حسین(ع) و مرکز توپخانه سپاه گفتند که در آنجا لشکر امام حسین(ع) بخشی از پادگان آموزشی توپخانه را در اختیار دارد. اتحادیه صنف فنادها آمدند و از وزارت دارائی شاکری بودند. برادر آقای انواری که در آمریکا طبیب است، آمد. پیشنهاد همکاری در انتقال اطلاعات صنعتی داشت.

عصر آقای محتظوظی آمد. از مسامحه گریش دانشگاه‌ها در خصوص فساد اخلاق و در عین حال از سخت‌گیری وزارت اطلاعات در پذیرش متهمنان گروهگی شاکری بود. از من خواست با جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] گرم تر باشم. در عین حال از جامعه اسلامی دانشگاهیان و وزارت پهداشت و درمان گله داشت. گفتم در موضع تناقض دارد.

دکتر [حسن] حبیبی آمد. از بی‌حالی شورای عالی قضایی و عدم کارائی [وزارت] دادگستری گفت و برای اصلاح آن استمداد کرد. آقای تفرشی آمد. برای فعال شدن روابط اقتصادی با چین طرحی داشت. [آقای محمدجواد ایرانی] وزیر دارائی آمد. گزارش وضع اقتصادی و ارزی کشور را داد و از بانک مرکزی شکایت داشت.

آقای خلیلی از پاریس برای استمداد در آزادی گروگانها از لبنان آمد. گفتم اختلاف راست و چپ در فرانسه مانع تصمیم‌گیری خود آنهاست.

شب مهمان نخست وزیر بودیم. رئیس جمهور برای شرکت در کنگره غیر معتهدها در زیمبابوه است. گزارش کامل پیغامهای آمریکایی‌ها را که توسط علی - اخوی زاده - داده‌اند، مورد بحث قرار دادیم. آمریکایی‌ها بر قرای روابط با ما دست و پا می‌زنند و به هر وسیله‌ای متثبت می‌شوند و اعلام آمادگی برای دادن امکانات نظامی هی نمایند و این بار مدعی طرفداری از ما در مقابل عراق

(اداوه پاورقی از صفحه قبل)

ناخت با مقدسی، اخلاصی و حزب الله بودن مقایر است؛ در صورتی که همین رقابت با اصحاب و پیروزی عجیب است که اسلام هم آن را تحمل نکرده است... رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر شرکت معارف نهضات، ۱۳۸۷

۱- آقای محمد مادری وزیر البرزی سودان و هیأت افغانی - سیاست هموار.

عکس آقای خامنه‌ای در هوابیسا

هستند. مدعی‌اند روسها با تمام قوا از عراق حمایت می‌کنند. قرار شد از دکتر [محمدعلی] هادی بخواهیم که در این باره با آنها صحبت کند و در حد کمک برای آزادی گروگانهای آنها در لبنان در مقابله گرفتن نیازهای نظامی مذاکره نماید.

خبر رسید که یک فروند هواپیمای اف ۱۶ به عراق فرار کرده و شب [سرهنگ هوشمنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی از شنود نقل کرد که هواپیما در شرق زیبادات عراق سقوط کرده است. معلوم نیست زده‌اند یا خلبان کابین عقب که مدعی مخالفت با فرار بوده، اقدامی کرده است. گرچه عراقی‌ها گفته‌اند، هواپیما در پایگاهی نشسته و خلبانها پناهندۀ شده‌اند.^۱

دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۶ ذیحجه ۱۴۰۶ | ۱ Sept ۱۹۸۶

منتظر خبر نتایج عملیات شب گذشته بودم. حدود ساعت نه صبح خبر از طریق آفای محسن رضایی رسید که در جنوب عمل نشده و در شمال در منطقه حاج عمران عمل شده است.^۲ [پسرم] مهدی هم

۱- این خلبان گاه سرگرد احمد مرادی، نام داشت و برای گشتن رزی در اطراف اصفهان بر فراز من کرده، این هواپیما را با تجهیزات کاپاک به عراق برد و در حرب است پناهندگی می‌ساخت. وی خانواره خود را قبلاً به رفاسه منتقل کرده بود. کسک خلبان این هواپیما به دنیال آگاهی از قصد خلبان مرادی، با برج مراقبت تمام شده بود، سپس کوشیده که از هواپیما خارج شود، اما به دلیل سرعت زیاد هواپیما بوقتی به این کار نشده است. وی در مصاحده رادیو تلویزیون بعد از سرگرد خلبان احمد مرادی بیرون حضور نداشت. رادیو بغداد با استناد به مصاحده این خلبان غیر از
بعد از ۷۰ ساعت، گفت: «ایران هم اکنون بیش از هفت هزار نیروی ارتش ایران را در این خطوط می‌خواهد و ادعاهای ایران مبنی بر دارا بودن ۷۰ ساعت
نروونه از این نوع هواپیما را رد کرده. خبرگزاری آسوشیتد پرس در این خصوص گزارش داد: «در کشور از بکه ماه این دو میون مورد گزارش شده
از فرار خلبان ایرانی با هواپیماها شان می‌باشد. جمهوریت در ۱۲ اوت ۱۹۸۶ (۱۳۶۵ هجری) عراقی ها فروند یک هواپیمای غیر نظامی
ایران به همسراه خلبان آی و دو نفر دیگر را که عضو نیروهای مسلح ایران بوده اند، اعلام کردند. این اولین هواپیما از نوع اف-۱۴ ایران است
که به عراق برده می‌شود هر چند که قبل از چهار هواپیمای جنگی و مسافربری دیگر نیز به بغداد برده شده بود.

۴- چنان که ذکر شد، برای ناساعد شدن اوضاع جوی، عملیات تصرف استکله العربیه در شب گذشته متوقف و به اعضا مورکول شد. از اولین دقایق غروب امروز، اعزام مجدد نیروها برای تصرف استکله آغاز شد و تا ساعت ۲۶ اقداماتی به این شرح انجام گرفت. نیروهای عراضی پس از مکارهای فریبده نشان و مراسم گزنهای عزاداری و تبرسل به امام حسین (ع)، در حالی که هر بیک و سابلی و لام عراضی و تجهیزات عملیاتی خود را همراه داشتند، با شور و هیجان شدیدی برای رسیدن به نقطه رهایی سوار قایق هاشدند. طبق طرح قرار برد که عرضانان با دو فرونده مشاور اینجا مأموری مشخص به ابیویه ۸ (اویل نقطه حکمگی)، رسیدن، میس با تنظیم مجددگرا به طرف سه پایه (العقبه) یعنی «نقطه رهایی» ادامه فسیر بدند و از این نقطه با پوشیدن ناس عراضی وارد آلت شوند و مسبیر پیچ گلوبالمنزی سر پایه تا اسکله را شناختند پس از راهی شدن شاورها بر علی برآمد، چانشین فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) (برادر ابوشافعه) به چهار سکان دار قایق های (والفعر) که امکانات ضروری از اسکله (بردنان) را با خود داشتند دستور داد چنانچه به وجود آنها در بالا رفتن از اسکله نیاز شد، به منطقه درگیری اعزام شوند. در عمل به سبب پیدا شدن مستکلات متعدد، نیروهای عراضی با یک ساعت و نیم تأخیر به نقطه رهایی رسیدند. برای اینکه تأخیر پیش آمده سبب نشود که (ادامه پاوری) در صفحه بعد)

در همان منطقه است.

تیپ بدر که مشکل از عراقی‌ها است، کاملاً به اهداف خود رسیده و در سمت چپ هستوز در گیریم. معلوم می‌شود عراقی‌های مجاهد خوب می‌جنگند. دویست اسیر از هموطنانشان گرفته‌اند. قاعده‌تا آنها برای گرفتن اسیر از ایرانی‌ها موفق ترند. زیر و بم زبان همدیگر را می‌فهمند و هم عاطفه بیشتری دارند.

سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی] اوضاع را گفت. از مجموع گزارش‌ها بدست می‌آید که موقیت نسبی است نه کامل^۱. عصر آقای مهدیان آمد. خواست که در مورد دفترنشر

(ادله پاره‌قی از صفحه قبل)

بیوهای خواص در زمان مقرر به اسکله برستند، قرار شد که قایق‌ها، غواص‌ها را دو کیلوسین جلوتر از نقطه وعایی که پیش از آن تعیین شده بود در آب رها کرد. قایق‌ها پس از گذراندن سافت سین شده، غواص‌ها را تجهیزات کامل در آب رها کردند. در حالت که وضعیت جوی ناساعد می‌شد و با افزایش سرعت پاد، مرچ‌ها بر بلندتر می‌شدند. غواص‌ها باورده داخل آب در سه متون صفت مستند را فراز هر متون به مطهر حفظ انسجام حداشان، به فاصله دو متر از هم، دست خود را به طاب بلند گرفته بودند. غیر از این اول که برای حفظ نظم و هدایت متون فی خواندن فقط بسیار بیرون از آب فرار داشت، بقیه افراد با گذاشتن «اشنگر» سر خود را در آب غرق برد و منتظر حرکت بودند. با رسیدن دستور حرکت در آخرین دقایق روز دهم شهریور در حالی که اوضاع جوی نیز هر لحظه ناساعدتر می‌شد را موج خوشان خلیج فارس توانی‌ها را بالا را پایین می‌برد، هر سه متون شاکنان حرکت خود را به سوی اسکله العیه که در سه کیلومتری قرار داشت، آغاز کردند.

- در منطقه عملیاتی «حاج عمران» علی‌رغم اجرای آتش توبخانه دشمن روی بیوهای خودی و شلیک متورهای فراوان و بی در بی که جاکی از هوشیاری دشمن بوده بیوهای خودی تو اسنند در اولین ساعت مادراد امر رف خود را به خط تماش برسانند و در حالی که هنوز دقایقی به ساعت یک باعده باقی مانده بود، پیکی از گردان‌های تیپ ۱۰۵ قدس را دشمن در شکاف میان ارتفاع اواراس^۲ و ارتفاع ۲۵۱۹ دید و در گیری تا خواسته و رود هنگام آغاز گردید. در محور راست، عملیات تیپ ۹ بدر با استفاده از سه گردان عملیاتی («شهید صدر»، «شهید دستیپ»، «شهید پیشی») و یک گردان احتیاط (گردان حمده که عصداً از اسیران عراقی بودند)، از سه محور با هدف تصرف ارتفاع «شهید صدر» انجام شد. این تیپ هی بک رشته عملیات و در گیری سخت موفق شد در نهایت به جزء خرم‌اندی دشمن واقع در نقطه‌ای مرسوم به مطلع، تماشی هنگله عملیاتی مورد نظر را تصرف کند و در آب مسقر شود. از سری دیگر، بواسطه طرح مأمور ارتفاع ارتفاعه سگی^۳ که ارتفاع شهید صدر را زیر دید و قیر داشت، می‌باشد به دست نیروهای تیپ ۱۱۷ قائم تصرف می‌شد که این بی توانست عملیات خود را انجام دهد، با روش شدن هوا متوقف شد، ولی تیپ ۹ بدر ادامه پیش روی‌های خود این تیپ را تصرف کرد. در محور چپ نیز بیوهای یگان‌های عمل گشته با حرکت به میست منطقه در گیری، زیر آتش شدید توبخانه و مسلسل های سانگین دشمن قرار گرفته‌اند که تعدادی از آنها شهید و مجروح شدند، اما بقیه خود را به سیگرهای دشمن رساندند و در گیری را آغاز کردند. تیپ ۱۵۵ شهداً با مقتبل هدف ابدی‌بی خود را روی ارتفاع ۲۵۱۹^۴، به دست آورد و چهت تصرف دو هدف دیگر را بلندترین نقطه قله، مسیر را ادامه داد. یکندان از این تیپ از سنت راست خود را به پشت دشمن رساند و با استقرار در تیر بال هام جاده ادرینه^۵ به ۲۵۱۹^۶ راست و معرف شد که از بیوهای دشمن را به اسارت بگیرد، ولی با شروع پانک دشمن، تقویت بسیاری بر آن وارد آمد و ناگیر عقب نشیستی گردید در نتیجه دوباره جاده برای خود را دشمن باز شد.
- آتش تریسه بیوهای خودی بواز مقاومت و آتش دید دشمن هرچند به تصرف تله ۲۵۱۹^۷ نشستند و تنها با گرفتن جایایی در بال پایین ۲۵۱۹^۸ به عقب بارگشته‌اند. تیپ ۱۰۵ دشمن بیز علی‌رغم تحمل تلفات در هنگام حرکت به سوی خط دشمن، خود را آن جا رسانند و توانست یک گردان (گردان میثم) را تا زدیکی «واراس» برساند و به قسمی از اهداف خود دست یابند، ولی به سبب یاکسازی نکردن بال‌های پایین ارتفاعات ۲۵۱۹^۹ و اینه تحم مرعی^{۱۰} و نیز هوشیاری دشمن، این گردان محاصره شد و بقیه بیوهای تیپ تا خسچ امروز به عقب (ادله پاره‌قی در صفحه بعد)

[فرهنگ اسلامی] خبری از ملاقات منتشر شود. دکتر روحانی آمد. درباره پدافند و قرارگاه رعد و عملیات جاری و آینده و بررسی پیشنهاد آمریکایی‌ها در خصوص گروگانهای آمریکایی در لبنان و تأمین اسلحه مورد نیاز صحبت شد.

اخوی محمود آمد. وضع لبنان و مشکلات شورای لبنان را گفت و در مورد تلاش برای ایجاد ارتباط با مردم مصر صحبت کرد. شب در منزل تنها بود و از وضع جبهه‌ها استفسار کرد.^۱ معلوم شد عملیات کربلای سه برای تصرف البکر و العمیه امشب الجام می‌شود و بنا است عملیات کربلای دو ادامه پیدا کند.^۲

سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۷ ذیحجه ۱۴۰۶ | ۲ Sept ۱۹۸۶

زود به مجلس آمد. آقای محسن رضایی از جبهه جنوب اطلاع داد که رزم‌ندگان موفق شده‌اند اسکله العمیه عراق را بگیرند. حدود صد نفر اسیر گرفته‌اند. هوایماهای عراق حمله کرده‌اند و یکی از آنها

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

بارگشته‌نشکر، سیدالشهدا نیز در آغاز کار تا حدودی موقق بود و تواست اینه بخم معنی «راتصرف کند، ولی برای آن شدید دشمن که از ارتفاعات،^۱ ویل اسکران، اجرایی شده، موفق نشد اهداف خود را به طور کامل نصرف کند و با خسار دشمن، ناچار عقب تسبی کرد. «سرهنگ ابرفارس» مستول گردان اسیران عراقی که در ساعت اولیه عملیات قرارگاه فرماندهی تبروهای دشمن را به محاصره خود دور آورده و علی‌رغم تلاش بسیار توانسته بود آن را تصرف کند، با تعدادی از نیروها پس از دور زدن دشمن، به آنان حمله کرد و در ساعت ۸:۳۰ این قرارگاه را به تصرف درآورد. رجوع کید کتاب «روز شمار جنگ ایران و عراق» جلد چهل و سوم، در تدارک عملیات سرنوشت سار، هرگز مطالعات و تحقیقات جنگ سیاه پاسداش اقبال اسلامی.

۱- در این روز خبرگزاری آمریکایی‌رس به نقل از رادیو بغداد گزارش داد که «سعدون حدادی» رئیس مجلس علی عراق در آستانه برجگزاری مجلس سوان عدم تعهد در «حراره» در یک تأثیرگذاری اعلان کرد که عراق حاضر است پیمان عدم تجاوزی را با ایران و به غسانیت پنج عضو دائی شروایی امیت امضاء کند. ولی همچنین پیشنهاد کرد که ایران و عراق هر کدام،^۲ کشور را اخفاک و بد منظر تضمین این پیمان به یکدیگر غرقی کند و در صورت مخالفت ایران، اعضا سازمان کشورهای اسلامی مستقیماً به جای ایران وارد عمل شوند و اقدام کنند.

۲- این چه زمان عملیات کربلایی^۳ مربوط به دوره‌ای است که استراتژی تعقب منحاویز در جبهه شالی پایه‌بری شده بود اما تا قل از احساس سرست در جنوب، اجرای این استراتژی جدی نشد. به عبارت دیگر اجرای عملیات کربلایی^۴ بیش از هر چیز متاثر از استراتژی معروف به اذفان منحروک که از نظر عراق بود. در این دوره در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۶۵ در منطقه حاج عمران، عراق به ارتفاعات ۲۵۱۹ و شهید صدر حمله کرد و دستاوردهای جنگی و لغزش^۵ را به اشغال درآورد. از آنجاکه تسلط و اشراف داشتن بر منطقه، تبروهای خودی را در قشار قرار می‌داد و پیروسته متحمل تلفات می‌کرد، عملیات کربلایی^۶ با فرماندهی سیاه در دو محور شمالی و جنوبی اجرا شد. در محور شمالی، ارتفاع شهید صدر تصرف شد، اما در محور جنوبی، هوشباری و مقاومت دشمن موجب شد تا تبروهای خودی به عقب بارگردند و ارتفاع در دست ارتش عراق نایی نباشد.

ساقط شده است. خواست اهمیت کار به مردم توضیح داده شود.^۱

فرمانده نیروی دریایی اطلاع داد که یک کشتی شوروی حامل مهمات و موشک را بازرسی کرده‌اند که به صورت ظاهر به کویت می‌رود، اما به احتمال قوی مال عراق است.^۲ تلفنی به آقای [شیخ حسن] صانعی گفتم که از امام کسب تکلیف کند. امام نظر صریحی ندادند و فقط فرموده بودند که مانعی توانیم با شوروی در بینتیم.

با نخست وزیر مشورت کردم. قرار شد سفیر شوروی را احضار کنند و مطلب را با خود روسها در میان بگذاریم. به نیروی دریایی گفتم که تا معلوم شدن تصمیم نهائی، کشتی را نگهدازند. اولین جلسه بعد از تعطیلی مجلس بود. در جلسه علنی که به موقع تشکیل شد، پیش از دستور درباره جنگ و نصایح اخیر امام صحبت کردم.^۳ دو نفر از نمایندگان خط مخالف گروه [روزنامه]

۱- برای آگاهی از عملیات کربلای ۳ و بجزء رجوع کنید سه کتاب «برد العصیه»، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سیاه پاسداران، صفحات ۱۴۳ تا ۱۵۸

۲- یک کشتی باری شوروی که مستقر کرد به حمل کالا برای عراق بود، توقیف شد. خبرگزاری آسوشیتدپرس به تقلیل از مقامات کشتی رانی گزارش داد که امروز پیش از کشتی دیگر شوروی به نام «توتووف» را نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به گیری کرده است اما ایرانیان وارد کشتی نشده و به آن اجازه ندادند که مسیر خود را به یکتا بذر عربی در جلیل فارس که نام آن فاتح نشده است ادامه دهد. بد گزارش خبرگزاری فرانسه سخنگوی ریاست جوز امنیت ایران در یک کافر اسپاس مطبوعانی ماید که یک کشتی شوروی به دست نیروهای ایران در روز گذشته توقیف شد و افزود که این کشتی هنگامی که در آب‌های بین خبر گفت: «در طول سال سال جنگ ایران و عراق این تخفیت دار است که نیروهای دریایی ایران یک کشتی بازگانی روسی را متوقف می‌سازند نا مطمئن شود که جاصل اسلحه یا کالا برای عراق نسی باشد.

بد موضع نشریه «گزارش»، یکی از کشتی‌های توقیف شده حامل مهمات برای کویت بود که ظاهراً نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران آن را تخلیه کرده است و کشتی دوم نیز سیستان (ظاهراً برای عراق) حمل می‌کرده است. طبق برخی گزارش‌ها، این کشتی ۱۱۷۵۰ تنی از دریای سیاه عازم کویت بود که در ۵۰ کیلومتری غرب دری بوقت شد.

۳- در بخشی از این تقطیع آمده است: «عملیات محدود کربلای ۲ و ۳ به عربان اقدام در راستای دستورات حضرت امام و قتل از اجرای عملیات مرتضی‌نشانه، انجام گرفته است و نیز اهداف سیاسی خاصی را دنبال می‌کند؛ همچوین، آمیزش کردن حامیان عراق، جلوگیری از تحرکات آنها در اجلس سران خدم تعهد و نیز از بنی بودن فریب‌های تبلیغاتی عراق در داخل آن کشور که تیغه عنوان سالگرد جشن‌های نادیمه صدام اجرا می‌شود. حضرت امام فرموده بودند تداوم عملیات محدود باشد و به دشمن اجازه تجدید تیزرو داده نشود، براساس آن دستور، برایه ریزی شده بود، از دیروز نیز حرکت عملی در جبهه‌ها آغاز شد و انساء الله به گونه‌ای خواهد بود که تا قبل از شروع عملیات مرتضی‌نشانه ساز، پیوایم تراهن دشمن را تحلیل برد و زمینه مزینت کامل را فراهم آوریم. همین امروز نیز عملیات کربلای ۲ شروع شد که با محظوظی ساز از پیش از این تقطیع هم جبهه‌ها ادامه دارد و اخراجش را در لحظات بعد خواهید شنید. همچنین در عملیات کربلای ۲ آن چنان صربه کاری به دشمن وارد شد که هنر هم ادامه دارد و انساء الله شرایط را برای برتابه‌هایی که در شمال عراق تا نیل از شروع عملیات مرتضی‌نشانه مبارز و پیروزی مطلق لازم داریم، به دست «اخراج داد و تحرکات می‌جاده‌ی عراقی» در عملیات کربلای ۲ برای ما جیلی جالب بود. تیپ ۹ ندر عشقگل از نیروهای عراقی بهترین درختنگی را در این عملیات از خود نشان داد و عینده اسرائی که به پشت جبهه تجهیله شده‌اند به دست آنها اسر شده‌اند. عجیب اینکه همین عراقی‌ها که در صیف خدمایان آن گونه بزدل هستند، وقتی در میدان جنگ و در صیف اسلام قرار می‌گیرند این غلور نیرومندند»^۴. و جوچ کنید سه کتاب «هاشمی رفسنجانی، تعلق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم»، ذقر تشریع عارض‌الخلافات، ۱۳۸۷

رسالت از موقعیت استفاده کرده و به رسالتی‌ها و مخالفان دولت حمله کردند.^۱ آقای [احمد] آذری قمی [صاحب امتیاز روزنامه رسالت] برای جواب وقت خواست.

آقای [علیرضا] معیری معاون سیاسی نخست وزیر آمد و درباره مطالبی که می‌خواهد به سفیر شوروی بگوید، مشورت کرد. به دفترم آمد. آقای [احمد] جتنی آمد و از منتقل شدن خطبه‌های نماز جمعه قم از کanal یک به کanal دو تلویزیون گله داشت. احمد آقا تلفنی گفت خوب است مهمات کشته شوروی را مصادره کنیم. گفتم از امام اجازه بگیرند. بالاخره نظر صریحی ندادند. بعد از ظهر سفیر شوروی جواب آورد که رهبران شوروی برای ادامه سفر کشته مصممند و در روسیه همین را به کاردارمان گفته‌اند. پیامی از طریق کاردارمان در روسیه به وزارت خارجه شوروی دادیم. عصر در مشورت با نخست وزیر و آقای موسوی اردبیلی به همین نتیجه رسیدیم که این کار نباید به درگیری با شوروی منجر شود. فعلاً سیاست صبر و انتظار داریم.

ظهر آقای سعید الذاکرین برای کارهای مجلس و برگزاری سمینار بزرگداشت شهید مدرس آمد. آقای ریاضی برای مشورت در تجویز خرید جدید سپاه از دانمارک آمد؛ کمی گرانتر است ولی عجله دارند. قرار شد حتی الامکان تخفیف بگیرند.

عصر آقای [علی اصغر] حجازی معاون آقای ری‌شهری آمد و از عملکرد سپاه در خارج گله داشت. اختلاف دارند. از اوضاع افغانستان هم گفت که چند روز قبل به ماموران ما در کابل حمله شده است.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. کلیات آموزش عالی نیمه حضوری تصویب و چند کار دیگر انجام شد. برای انجام کارهای جنگ، شب در مجلس ماندم. امشب عملیات کربلای سه شروع شد.

چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۸ ذی‌حجہ ۱۴۰۶ | 3 Sept 1986

ساعت یک و نیم بامداد با تلفن آقای محسن رضایی از جبهه جنوب بیدار شدم. گفت هفت ناچه موشک‌انداز دشمن از خور عبدالله گذشته‌اند و احتمال درگیری شدید در منطقه البکر و العمیه هست

^۱- این دو نفر عازرت بودند از آذیان سید حسین قاضی‌زاده هاشمی نماینده فرمایان و سید ابراهیم حائری زاده نماینده پیر جلد.

و کمک خواست. به سرهنگ ترابی گفتتم به نیروهای هوایی و دریایی ارتض بگوید کمک کنند. عملیات کربلای دو هم نیمه کاره متوقف مانده است. آقای [محمد] کاوه فرمانده تیپ ویژه شهدا شهید شده است؟ او مکرر مجروح شده بود. خیلی شجاع و فداکار بود و به استقبال خطر می‌رفت. تماسهای مکرری با فرماندهان نیروها و قرارگاه، برای پشتیبانی نیروهای دفاع اسکله‌العمیه داشتم. عراقی‌ها هم به موضوع خیلی اهمیت داده‌اند. با ریسک زیاد ناوچه‌های اوزا را به البکر فرستاده‌اند. مرتب‌آخیر از فشار زیاد هوایی علیه نیروهای مستقر در العمیه می‌رسد. فیلم جالبی دیشب پخش شد. احمد آقا به مجلس آمد و در مورد برخورد با کشتی سوری مشاوره کردیم. خودش مثل آقایان موسوی اردبیلی و نحسن وزیر مخالف بود. بعد تلقنی گفت امام هم مصلحت نمی‌داند.

آقای محلوجی آمد و از فشار وزرای کشور و آموزش و پرورش بر فرماندار و مدیران آموزش و

۱- در ادامه عملیات کربلای ۴ در اسکله‌العمیه، دشمن در بحثین ساعت‌بامداد امروز در یک جنگ الکترونیک که علیه نیروهای خودی به راه انداخت، نواست با اشغال کلیه بی‌سم‌های لشکر امام حسین (ع)، هرگونه نهایاً با نیروهای مستقر در اسکله را خبر ممکن نکند. همچنین در بحثین دقایق بامداد امروز، تحرک ناوچه‌های عراقی برای حضور در مقطع عملیاتی شروع شد. قرار بود همراهان با عملیات در اسکله، برای سیل خور عذرالله به منظور قطع ارتباط دریایی عراق با این اسکله تیپ اقداماتی انجام گیرد، اما نیروهای خودی به دلیل نداشتن آمادگی، در این مأموریت موفق نشدند و دستنم نواست هشت ناوچه سک مجهر به توب و رادر خود را خور عذرالله پگرداند و وارد مقطعه عملیاتی کرد. حضور این ناوچه‌ها در سقطه نشان می‌داد که با روش شدن هوا، دشمن علاوه بر بمبان اسکله، با این شناورها نیز به آن (اسکله) حمله خواهد کرد. در عمل نیز چنین شد، پیش مقابله روشانی هوا، جملات هوایی عراق با شدت آغاز گردید. قبل از آن، هنگام ادان صبح، دشمن یک فروند موشک پیوند می‌نمود اسکله پرتاپ کرده بود. هوایهایی دشمن در بسیارانهای شدید خود این‌کلیه سلاح‌های پداخته همی‌ست. در اسکله را به دقت شناسایی و مهدم کردند، آن‌گاه از ارتفاع پایین به بمبان شدید اسکله پرداختند. با فشار دشمن از هوا و دریا سرانجام نیروهای خودی به سه پایه‌العمیه و سپس ناگداوم فشار، به بوبه ۸، پیش مواضع اولیه خود بازگشتند. به دنبال عقب نشینی نیروهای خودی و نسلط مجدد دشمن بر اسکله‌العمیه، جلسه‌ای با حضور فرمانده کل سپاه و مسلولان نیروی زمینی و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) تشکیل شد و تفاظ ضعف و قوت عملیات مورده بروی فرار گردید. در این جلسه تصمیم گرفته شد که به مظور جلوگیری از عبور ناوچه‌های دویگر دشمن، بحثی از خور عذرالله مین‌گذاری شود و نارچه‌هایی که در اسکله مستقر شده‌اند بیر جمله کشند. در عمل به رغم کوشش مجدد نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، توانیق قابل توجهی در جمله به ناوچه‌ای مدفع اسکله عاید نگردید، اما عملیات مین‌گذاری در آبراه خور عذرالله انجام شد و ۱۵ میان به داخل آن (بین ساحل و بوبه ۱۹) پرتاپ گردید. این میان ها دارای لیگرهای بسیار بلندی بودند که احتمال جایه‌جای آنها را در آب کاهش می‌داد. هر کدام از مین‌ها ۱۵ کیلوگرم وزن داشتند. در مجموع در عملیات کربلای ۴ علاوه بر وارد آمدن آسیب جدی به اسکله‌العمیه و بین آمدهای سیاسی، نظامی و اقتصادی حاصل از آن علیه عراق، ۶۳ تن از نیروهای دشمن کشته و ۱۰ تن از آنها به اسارت در آمدند که با شبکه موشک دشمن به همکاری کوپنه اسکله‌العمیه ۱۵ تن از آنها به قتل رسیدند. همچنین دو هوابسای جنگی دشمن ساقط شد و یک ناوچه اوزا، ۱۵ فیضه سلاح ضدهوایی و دو دستگاه رادار نیز منهدم گردید و ۱۲ سلاح ضدهوایی و ۴ دستگاه رادار به غنیمت قوآمد. از نیروهای خودی نیز مجموعاً ۷۵ تن شهید و ۱۸۶ تن مجروح شدند و ۲۵ فانی خودی نیز منهدم گردید.

۲- شهید محمد رکاوه یکی از جوانترین فرماندهانی بود که در جنگ عراق را این، از خود گذشتگی و رشادت فراوان از خود نشان دادند. روزی که جنگ شروع شد او یک حوان ۱۹ ساله بود، اما سه ماه بعد فرماندهی تیپ ویژه شهدا را به عهده گرفت. تبیین که از کلیدی ترین بیکان‌های سیاه بود. رشادتها و انجام عملیات خارق‌العاده توسط این تیپ، با فرماندهی کاره، باعث شد به لشکر ویژه ارتش پایند. کاوه در ۱۰ شهریور ۱۳۶۵ در مقطعه عصومی حاج عربان بر روی له ۲۵۹ حاج عربان بر اثر اهانت از کشکله نیز قتل شد، در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسید.

پرورش کاشان گله داشت. آقای امراللهی آمد و از ندادن بودجه آب شیرین کن بوشهر گله داشت. عصر عقد ازدواج فرهاد قاسمی - پاسدارمان - را بستم و هدیه‌ای دادم.

هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اول شب آقایان کنگرلو و دکتر هادی درباره تعقیب مذاکره برای موضوع گروگان‌های آمریکایی و نحوه تأمین تیازهای نظامی آمدند. به آنها از طرف سران سه فوه، مسئولیت واگذار شده است.

شب آقایان موسوی اردبیلی و نخست وزیر در مجلس مهمنان من بودند. معلوم شد نیروهای سپاه به خاطر فشار هوایی، با دادن حدود هشتاد شهید از العمیه عقب نشینی کرده‌اند.

آقای [جلال الدین] طاهری اصفهانی از جبهه، تلفنی از همکاری ضعیف نیروهای دریایی و هوایی ارتش گله کرد. یک فرورد هوایی اف ۱۴ ما توسط پدافند خودمان در گوره سقوط کرده، که خسارت عمده‌ای است.

آقای شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزارت خارجه] آمد و گزارش آخرین وضعیت مذاکرات با روسها را درباره کشتی توقيفی داد. قرار شد کشتی را آزاد کنیم و اگر بتوانیم کاری به سر محموله آن در گوپت پاوریم. شب در مجلس خواهدیدم.

پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ ذیحجه Sept 1986

صحیح زود از وزارت اطلاعات برای مشاوره در امر کشتی روسی و بندرکویت آمدند. در جلسه علمی شرکت کردم. به نمایندگان تذکر دادم که از حرفاً تفرقه انگیز خودداری نمایند. بعد از تنفس به دفترم آمدم.

آقای [علی اصغر] ججازی آمد و گزارش نتیجه مذاکراتشان برای ماموریت در گویت را داد. قرار شد ماموری همراه هیأت وزارت خارجه برای جلوگیری از تحويل سلاح‌ها به عراق برود. ظهر آقای [محسن مجتبه] شبستری برای مذاکره درباره مشکلات بین اتحادیه اصناف و شورای عالی نظارت آمد. به آقای [حسن عابدی جعفری] وزیر بازرگانی گفتم مساعدت نماید. آقای سرهنگ ترابی آمد. از نامه گله آمیز سپاه به امام در خصوص عدم همکاری ارتش در العمیه شکایت داشت.

آقای [علیرضا] معیری آمد و گزارش اقدامات درباره پس‌گرفتن پول‌های مان از بانک‌های سوئیس

را داد که گفته می شود به اسم سران رژیم سابق گذاشته شده است. عصر علی - اخوی زاده - برای پیگیری پیام کاردارمان در لندن در خصوص پیام آمریکاییان آمد. گفتم تعقیب نکند و از مطرح کردن مسئله ممتوعش کردم. خوب نیست به خاطر رابطه فامیلی، علی در موضوع وارد شود. گردن ویژه روحانیون عازم جبهه آمدند و گزارش اقدامات فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی در جبهه‌ها را دادند. برای آنها صحبت کردم^۱. آقای دری [نجف آبادی] آمد. درباره گزینش و صنایع نظامی ارتشم و سپاه و بودجه صحبت کرد.

گروهی از رؤسای دانشگاه‌ها آمدند و درباره مشکلات ناشی از مدیریت وزارت بهداشت و درمان و آموزش پژوهشکی گفتند. رئیس دانشگاه [بوعلی سینا] همدان از کشف مهم «حلال» برای تشخیص عیب قطعات پیچیده گفت^۲ و برای پیاده کردن کمک خواست.

۵ Sept ۱۹۸۶

جمعه ۱۴ شهريور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ذي الحجه ۱۳۶۵

تا ساعت ده و نیم در منزل برای خطبه‌های جمعه کار می کردم. نماز جمعه را اقامه نمودم^۳. عصر فیلمی

۱ - آقای هاشمی در عراسم اعزام اولین گروه از کاروان محروم، ویژه روحانیان، با اشاره به پیش از یک هزار شهید روحانی در جنگ، از شرکت گسترده روحانیان در جهادها تجلیل کرد و خواستار همراهی آنها با ۵۰۰ گروه از اعزامی برای عملیات سربوشت ساز شد. در بخشی از این سخواری آمده است: «یکی از عوامل مقاومت و ایثار عدم خشگی مردم در جهادها و پشت جهادهای دیدار روحانیون از جهادها و حضور آنها در صحنه‌های رزم بوده است... وقی می‌خواهم می‌خواهیم ۵۰۰ گروه از جهادها داشته باشیم، به معنی آن است که به ناسیت آن، روحانی اعزام خواهد شد که مردم، هم کنار روحانیون و به دنبال آنان به جهه روی خواهد آورد و هم به تمام امام لیک خواهد گشت. شهادت پیش از یک هزار روحانی در اتفاقات تاریخی روحانیون است که شهادت روحانیت نسبت به سایر انصاف و افشار پیشتر است و این متألفه نتیجات دشمن را می‌براند که آنها دروغ می‌گویند». رجوع کنید که کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخواری های سال ۱۳۶۵، جلد ششم، دفتر نشر معارف اتفاقات، ۱۳۸۷»

۲ - برای نجسین بار در ایوان فرمول حلال ا ragazzi پرستنی های شبیلی قطعات الکترونیکی حسامی ناکاربرد نظاری به کوشش منحصراً دانشگاه برعالی سپای همدان و پا هسکاری، جهاد خردگاهی پایگاه هوابی شهید فرزاد به دست آمد. با استفاده از این حلال های علی توان قطعات انکترونیکی نظاری که با پیک ماده پلیمری معروف به (پاوینگ) کاملاً پوشیده شده اند، تعمیر و بازسازی کرده و گریندگان این ادعاهای را رسماً نمود و مردم فهیم‌داند که آنها دروغ می‌گویند». رجوع کنید که آنها دروغ می‌گویند

قطعات الکترونیکی نظاری که به علت نواقص جزئی از رده خارج شده اند به کار گرفت. همچنین با استفاده از این حلال های علی توان از خروج مبالغه‌گذشتی از روز با منتظر تهیه قطعات یکدی جلوگیری کرد. پوشش پلیمر پاوینگ به روی قطعات نظاری، برای انجصاری کردن تعمیر و ساخت آنها است و سازنده اصلی قطعات آن را انجام می‌دهد.

۳ - آقای هاشمی در خطبه‌های امروز نیاز جمعه تهران با تشرییع دو عملیات کربلای ۲ و ۳ و تأکید بر وضعیت مظلوم میانی - نظاری جمهوری اسلامی، اثبات امیدواری کرد که در ماه محرم اعزام نیروهای داوطلب به جبهه‌ها افزایش پاید. ایشان در اینجا با اشاره به حمامه تیبی^۴ بدر (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

از تلویزیون تماشا کردم. یکی از پاسداران خواستار گرفتن عکس یادگاری با من شده؛ چون قبل از شکایتی رسیده بود که او از موقعیت محافظت من سوء استفاده کرده، برایم دشوار بود، ولی نتوانستم خواسته او را رد کنم. روز بعد ادعای کرد که عکس خراب شده است.

رادیوهای پیگانه مدعی شدند که پیام رضا [پهلوی] پسر شاه سابق با تصویر از کانالهای ۷ و ۱۰ سیمای ایران پخش شده است، ولی موردی بدست نیامد که دیده باشند. گرچه آنها ادعای دارند که دیده شده است.

خبر دادند که عراقی‌ها به جزیره لاوان حمله کردند. در این حمله یک کشتی و چند مخزن نفت آسیب دیده است. مسؤولان پدافند می‌گویند از خاک کویت استفاده شده است.^۱

شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۵ | ۱ محرم ۱۴۰۶

خبر حمله به کنیسه یهودیان در استانبول ترکیه و کشتن ۲۴ نفر از جمله شش خاخام یهودی بازتاب

(داده پاره‌قی از صفحه قبل)

(مشکل از مجاہدان، پاکندگان و اسرایان توابع عراقی) در عملیات کربلا ۲ در سوریه حاج عسرا، گفت: «شجاعت این بیرونها به خاطر بیومن آنها به خط امام و اسلام می‌باشد». آقای هاشمی با ذکر اقدام یک سرهنگ پناهندۀ عراقی در این عملیات، اظهار امیدواری کرد که از این به بعد عراقی‌ها در آزادسازی مراکز حساس عراق شرکت کنند و نا آزاد کردن کشورشان پس از پیروزی، خودشان ارتش جدید عراق را سازمان دهند. ایشان در ادامه به تصریف اسکله «البغیر» و اهدام اسکله «البکر» عراق در عملیات کربلا ۳ شاره کرد و این اسکله‌ها واپسگاهی برای بظارت عراق به کمک را درآرای خود در خلیج فارس و ابرای عملیات‌های ایدایی علیه جمهوری اسلامی در منطقه داشت و افزود: «اما باید این امکانات را از دشمن می‌گرفتیم. ما از لشکر امام حسین (ع) در صفت شکنی‌ها و سوری از خطوط خطرناک خلیج جاها از این صحنه‌ها را دیده بودیم، این عرق همه آن صحنه‌هاست و از لحاظ مشکل بزرگ کار... یعنی برای کسانی که می‌خواهد جنگ در بایی بکنند و می‌خواهند چنین بسیگرد این اصلاً در ردیف کارهای در بایی به تصور نمی‌آید... عده خود فرماندهان نظامیان می‌آیند برای اثنا تو پیغام می‌دهند که شجاعت و حماسه این‌ها را در تاریخ نسبت کنند... این بسیار هم بود که رفتند و اعمیه را گرفتند. آنها نفر را اسیر کردند و آر از ازار مارح برای ما را در خلیج فارس منهدم کردند و عملی اسکله را برای استفاده نظامی عراق از کار انداختند و اسکله «البکر» را هم آتش زدند». زیرا
کنید ← کتاب «هاشمی رضوی‌چانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم»، دفتر شعر اقبال، ۱۳۸۷

۱ - چهار هوایی عراقی در ساعت ۱۸:۲۵ جزیره «لاوان» واقع در شمال عربی جزیره اسیری در خلیج فارس را بسیار کردند. در این بسیاران پاکندگاه جزیره «لاوان» مورد اهتمام قرار گرفت و سه مخزن نفت آن سوراخ شد و قسمتی از پاکندگاه نیز آتش گرفت. در این حمله، پنکتس ایرانی امکران، نیز که در محل نشستگاران اندک شد فرار گرفت که دچار آتش سوزی شد و سه تن از خدمه‌های آن شهید و ۱۰ تن تیز رحمی شدند. خرگزاری رویتر در این باره به نقل از یک کارشناس امدادی گفت: «به نظر می‌رسد که هدف عراق از حمله به لاوان آسیب رساندن به تأمینسات و داری بوده است. این تأمینسات برای ایجاد یک میز را دری برای تنشکن‌های ایران در مقابل حملات هر ای عراق در هنگام گذر از خلیج فارس طرح ورزی نشده است. در این جزیره همچنان یک باله برای استفاده چنگیده بسته افکن‌های اف - ۴ وجود دارد. به همین دلیل از جزیره لاوان بیش از هر جزیره ایرانی دیگر در خلیج فارس دفاع می‌شود. منابع کشتی رانی گفتند: « حتی اگر تانکرهای دشمنه نفت در این جزیره آسیب دیده باشند، ایران در سراسر خلیج فارس دارای یک سلسه دخایر نفتی است و اختلال در گلشی رانی این گشود جزوی خواهد

زیادی داشت.^۱ رسانه‌های دشمنان، سعی دارند این حادثه و حادثه دیروز حمله به هوایی‌مای آمریکایی در کراچی پاکستان را به دوستان ما نسبت بدهند.^۲

به وزارت خارجه گفتم به آقای شیخ‌الاسلام در کویت بگوید در مورد خبرهای کاری کویت با عراق در حمله به لاوان اخبار بدهد. با وزارت خارجه و وزارت اطلاعات در مورد فرد اردنی که اخیراً به ایران آمد و مدعا برنامه‌ای بزرگ برای اردن است و مورد سوءظن مقامات امنیتی ما قرار گرفته و نمی‌گذارند بروود و تلگرافی از من برای خروج از ایران استفاده کرده، صحبت کرد، قرار شد تحقیق بیشتری بشود.

مهدی از جبهه تلفن کرد، ولی قبل از صحبت تلفن قطع شد. در خط مقدم است. خبر درستی از وضع او ندارم. آقای رفیق دوست که از لیبی برگشته، تلقنی خبر داد که موفق بوده و کشتی برای آوردن اجناس اعزام خواهد شد.

یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ محرم ۷ Sept ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمد. در گزارش‌ها اینها از وضع تصمیمات نهائی کنفرانس غیر متعهدان وجود دارد. مثل اینکه برای قطعنامه و محل کنفرانس آینده به مشکل بخورده‌اند.^۳ آقای هدایت [لطفیان]

۱ - مقامات دولتی از اعلام گردند که در حمله سلحنه مردان ناشامن به کتبه بودیان شهر استانی حمله ۲۴ بهودی و دون از مهاجران کشته شدند. طبق گزارش پلیس، چند مرد ناشامن به عنوان عکامن به کتبه بودیان - که بعد از مدت‌ها دوباره افتتاح می‌شد - وارد شدند و ناگران با سلسل و نارنجک بد حاضران حمله کردند. برای انتحار نارنجک، آتش سوزی عظیمی در کتبه ایجاد شد که در نتیجه آن، ۲۱ بهودی بالاخصه کشته شدند و یک تن دیگر در بیمارستان جان داد. درین از مردان صلح بیز در این راقعه به قتل رسیدند.

۲ - عاجزای هرایمای زبرده شده آمریکایی در پاکستان با یه جاگذاردن ۱۸ کشته و ۱۲۷ زخمی خانمه واقت. چهار مرد مسلح عرب که جموح شرکت ایان امریکن را در غروگاه کراچی به تصرف خرد در آورده بودند، برای قطع برق هرایمای وخت زده شدند و به سمت مسافران تیراندازی گردند که در همین زمان کمالوهای ارتش پاکستان به هرایمای بیرون برداشت. گروههایی به نام «جلال‌الله» و «حسن‌الله‌ای لی» در تأسی تلفی عسالیت این هرایمایی را پذیرفته‌اند، اما عده‌ای از مسافران که جان سالم در برده‌اند عقیده دارند هرایماییان فلسطینی هستند. آنها رفاد هرایماییان را دوستانه توصیف کردند. یکی از مسافران گفت: «همگامی که برق هرایمای قطع شد، یکی از هرایماییان با صدای بلند به عربی فرمود: زمان برای آخرین جهاد فرا رسیده است؛ اگر کشته شویم، همگی شهید به شوار خواهیم رفت.» سپس همگی شروع به شلیک گردند.

۳ - به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در بحث‌های اجلاس کتبه میانی سران کشورهای خلیج جنوب علیم تعهد که در حراره پایانی زیبایوه جریان دارد، ۱۳ کشور جامی عراق به طور مشخص علیه ایران موضع گرفته‌اند. این موضع گیری زمانی آشکار شد که ۱۹ کشور عضو جنیش در خصوصی سه بند از پیش تویس اعلامیه میانی نهایی هشتمین اجلاس جنیش، اصلاحه‌ای صادر گردند. در این اصلاحیه کشورهای (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

از قرارگاه حمزه اطلاع داد که ادامه عملیات کربلایی دو را متوقف کرده‌اند و خواست که ادامه یابد. تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علیه ماند.

ظهر ستد پدافند کل کشور آمدند. مدعی بودند هواپیماهای عراق برای زدن لوان، سیری و العمیه از خاک کوت و نیز بعضی از کشته‌های دیگر جنوب خلیج فارس استفاده کرده‌اند ولی ادله کافی نداشتند. با توجه به کمک‌های دیگر آنها به عراق باطن قوى مطلب شان درست است، اما قابل اثبات نیست. قرار شد با مقابله به مثل و کارهای ایدائی دیگر فشار بیاوریم و فرمانده نیروی دریایی مأمور این کار شد.

ظهر نمایندگان استان گیلان آمدند و از استاندارشان و وزیر کشور که او را عزل نمی‌کند، شاکی بودند. از اقدام امام جمعه شان هم در کنترل برج ناراضی‌اند. عصر آفای [محمدعلی] نظران [سرپرست اداره امور اسیران عراقی در ایران] آمد. راجع به اسرا و سازمان صلیب سرخ مطالبی گفت. قرار است صلیب سرخ مجددًا فعال شود.^۱ سپاه می‌خواهد از اسرای تائب در جنگ استفاده کند. در عملیات کربلایی دو ۱۶۵ نفر از آنها بوده و خوب جنگیده‌اند.

وزیر نفت آمد و از مشکلات صدور نفت گفت. کشتی‌ها حاضر نیستند به خارک بروند. خبر داد بهره‌برداری از گاز قم شروع شده و روزانه یک میلیون متر گاز به لوله‌های مصرف می‌رود. گاز شیرین است.

(ادامه پاروچی از صلحه قبل)

علمکور خواستار تشدید لحن مه از پیش نرسی شده بودند. این پیش نرسی را قابل ریسایره توشه برد. در جلسه امروز گستاخ سیاسی جشن که به ریاست نایبه بنی حزبی برگزار شد، اینها کشته‌های حامی عراق شامل عربستان سعودی، کربت، مصر، اردن، مراکش، تونس، فقط، یمن، عمان، امارات متحده عربی، یمن شمالی، مازنی، افغانستان، کیا، چاد، کومو و مالدیو اصلیه‌ای بد گرفتاری دادند که در آن تنها خواستار پایان جنگ از طریق مذکوره شده بودند. گستاخ سیاسی - که وظیفه تهیه بنیادنی سیاسی اجلام سوان را بر عهده دارد - در سه بند پیش نرسی اولیه، تجاوز عراق به ایران، کاربرد سلاح‌های شیمیایی و حمله به مناطق مسکونی را محکوم نمود. در این جلسه ایران اعلام کرد که تحت در این زمینه پاید به گستاخ پیزه‌ای سپرده شود، اما رئیس جلسه به درخواست حامیان عراق گذاشت این خواستار طرح مطالب در جلسه عغرضی بودند، پاسخ نداشت داد و بدین ترتیب بررسی متون طرح‌های پیشنهادی، در این جلسه کوتی بد نمایندگی از کشته‌های حامی عراق، مطالب سنتا مفصلی مطرح کرد و ایران را ادعا دهنده جنگ و مسئول خوبیزی و مانع از تحقق صلح قلمداد نمود. پس ۱۳ کشته از این مواضع حمایت کردند که عبارت اند از: عربستان، کربت، مصر، اردن، مراکش، یمن، عمان، امارات، یمن شمالی، میانماری، کیا، مازنی و افغانستان.

۱- به دنبال برخی اخبار منی بر شروع به کار محدد گستاخ بین‌المللی صلیب سرخ در ایران که از دو ممال پیش به اتهام جاسوسی به نفع عراق، به دستور مسئولان جمهوری اسلامی او ادامه کار بازمانده بود، این گستاخ اعلام کرد که هنوز تصمیم قاطعی در مورد دیدار از اسیران جنگی عراق در ایران اتخاذ نکرده است. در این باره: «مرگشی کامپیه به آسوشیتدپرس گفت: «دبات سراسری گستاخ بین‌المللی صلیب سرخ در موقیع، تنها کلیات موافق ایران و ایران را دریافت کرده‌اند». آسوشیتدپرس افزود: «پیش از این، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران جزئیات موافق را به نقل از وحدت دستورالعملی صریح می‌نماید: هلال احمر ایران اعلام کرده بود».

اعضای کمیته برگزاری هفته جنگ آمدند و برنامه خود را گفتند. برای آنها صحبت کردم.^۱ تیپ بدر [مجاهدین] عراق که از منطقه حاج عمران آمده بودند، برای آنها سخنرانی کردم.^۲ مسئولان متوجه شدند. گزارش شروع کار را دادند و نیازها را گفتند. خوشحال شدم.

مسئولان عملیات کربلای سه آمدند. گزارش کار دادند و نقاط ضعف و قوت کار را مطرح کردند. همراه آنها در جلسه سران قوا در منزل آقای موسوی اردبیلی شرکت کردیم. در آنجا گزارش کامل عملیات را دادند. معلوم شد نگهداری از اسکله‌ها در مقابل بمباران هوایی مشکل است. برای خواب به مجلس آمدم.

۸ Sept ۱۹۸۶

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ محرم ۱۳۶۵

اول وقت فرماندهان سپاه آمدند و گزارش عملیات کربلای دور را دادند. موفق نبوده‌اند. در محوری که مجاهدین عراق عمل کرده‌اند، توفیق نسبی داشته‌اند و در محور عمل نیروهای خودمان با دادن حدود چهارصد نفر شهید و مفقود، عقب نشینی کرده‌اند. گزارش عملیات آینده را دادند که امیدوار کنندۀ

۱- در پیش از این سخنرانی آمده است: "ایران در حضورت قبول صلح تجییلی، باید ذات و شکست و همچنین شرکت در یک مسابقه تسلیحاتی و حرج دائم جنگ و تراع دائمی در کانون منطقه پذیرید و علاوه بر آن، کیله عسیقین من عرب و عجم، شیعه و سني، فارس و غیرفارس و همه عناوینی که در منطقه هست از ادامه خواهد بیافت. جنگ ما جنگ دفاعی است و لازم نیست دفاع، هیئت‌ماندن در سگر باشد. در خود جنگ، اصطلاح نظامی‌ها بن است که بهترین دفاع، حمله است. در عالم سیاست، آن کسی که واقعاً مورد تعاظر باشد، اگر موضع تهاجمی در کارهایش بگیرد، دفاعش پیروزتر است. پیش، دستی کردن در حرکت و در میدان برای مدافع هم یک اصل است". رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، "دفتر نشر معارف اقلیات"، ۱۳۸۷

۲- آقای هاشمی در دیدار با تبریزی‌ای تیپ ۹ بدر [مجاهدان عراقی] که در عملیات اخیر در منطقه «حاج عمران» مرفقیت‌های چشمگیری به دست آورده‌اند، بر تفاهم حضور مجاهدان عراقی در جبهه‌ها تأکید و ایاز امیدواری کرده که این تبریزها در آینده عراق و منطقه نهضت اساسی اینها را بخواهند. در پیش از این سخنرانی آمده است: "آن شاهدان این واحد رزمیه عراقی با تقویت خود عسلاً بنو اند میدان جهاد عراق را به دست گیرد و ارتض آینده عراق به وسیله هسته‌هایی از آن بنیان گذاری نمود و با تشکیل سپاه پاسداران عراق بنو اند در آینده منطقه و نجات فلسطین نتش اساسی اینها کند. با برادران سیجی ایران و عرب که از سایر نقاطی می‌آیند و به شما می‌پیوتدند ارتض عربی اسلامی را به وجود آورید. حرکت شما در روند اتفاقات، وندگی مردم و مسلمانان منطقه و مایه‌کشی‌های اسلامی و عربی تأثیر عصی خواهد گذاشت. ما ترجیح می‌دهیم حتی الامکان شما خردان عراق را آزاد کنید، شنه ما از شما پشتیبانی می‌کنیم تا اینکه فرزندان شما دست در دست افراد ما برای تجاجات مردم مست دیده فلسطین و طرد اسرائیل از صحن، وارد میدان شوند. اگر بعضی ها ممکن می‌کنند با اکارهایی، آموزشی و تربیت کادر می‌توانند آینده کشور را تجهیز کنند، اشیاء کرده‌اند. کادرها و نیروهای اصل در همین میدان جنگ تربیت می‌شوند. همچو کلاس درس، حوزه حربی و آموزشی نمی‌تواند پیش از عجیب مسگرها، لحظات حسام خطر، هنگامه غرض توبیخ و مسلسل ها و رفت و آمد خطوطی که گاورله‌ها ترسیم می‌کنند، سازنده باشد". رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، "دفتر نشر معارف اقلیات"، ۱۳۸۷

نیود.

به جلسه ستاد قرارگاه رفیم. گزارش کامل دادند و مشورت شد. به خاطر لو رفتن عملیات و به دست نیامدن راهکار کامل، دستور داده شد در قرارگاه تاکتیکی نجف، یکبار دیگر بررسی کنند و نظر بدهند تا در جلسه آینده تصمیم‌گیری شود.

ظهر آقای رفیق دوست آمد. گزارش سفر به لیبی و تهیه تدارکات را داد. سپس سرهنگ حسنی سعدی فرمانده نیروی زمینی آمد. نیازهایش و پیشروفت کار سازماندهی جدیدش را گفت. تلفنی با رئیس جمهور که امروز از حرارة برگشتند، احوالپرسی کرد. راضی به نظر می‌رسند.^۱ ظهر فاطی خبر داد که مهدی از جبهه تلفن کرده است و منشی دفتر گفت چون گردانشان در حاج عمران عمل کرده است، آنها را به عقب آوردند. تا شب در دفترم به خواندن گزارشها و انجام کارها پرداختم.

تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره تشییع جنازه عراقی‌های شهید در عملیات کربلای دو مشورت کردم.^۲ شب آقایان محسن رضایی و رفیق دوست آمدند. درباره نیازهای جنگ و مشکلات همکاری ارتش و سپاه بحث شد. به خانه رفتم.

۱ - آیت الله خامنه‌ای رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع، بعد از بازگشت از اجلامن سران غیرمتعهدان در «حرارة» در مصاچه‌ای دست آوردهای این سفر را تشرییح کردند، از جمله: «یکی از عسائل مورده بحث مسئله جنگ بود. اصولاً ماهیت این جنگ را که حمله به یک انقلاب است، خیلی‌ها در دنیا نمی‌دانند. خیلی از کسانی که در این کنفرانس شرکت کردند، خودشان از القابیون و ماروزان قدیمی هستند و به آنها گفتم من به عنوان یک مبارز [در حضوض مسائل انقلاب و جنگ] با شما صحبت می‌کنم؛ مثلاً به هر چیز اضافه و زیبی را می‌کنم! گافووندا؛ که یکی از پیر مردهای جنسن و محترمین آفریقاست - گفتم باید. من به نام خامنه‌ای و شما به نام کافووندا در مورد مسائل مورد علاقه، در صورت مبارزه و در مورد انقلاب صحبت کنیم و برای او تشرییح کردم و او تصریح ماند که آیا مسئله جنگ این است؟! و سیاری از سران بعد از آن که حرف‌های مارامی شنیدند آن را تأیید و تصدیق می‌کردند که حق باشاست که از خودخان دفاع می‌کنند و چندین نفر به من گفتند که شما حق دارید متجاوز را مجازات و سپه کنید. ما در صورت جنگ چند موقیت برگ را در این کنفرانس به دست آوریدم؛ یکی ایکه برای اولین بار در ذهنیت جیل عذر عدم تعهد مسئله شروع به جنگ و شروع به متجاوز را حاقداً خیم و این دفعه برخلاف اجلس‌های قبلی مسئله شروع به جنگ و شروع متجاوز مطرح شد و در قطع‌آمدهای آن اشاره گردید. موقیت دیگر جمهوری اسلامی در این اجلس این بود که از مدت‌ها پیش یکندۀ از درستان عراق و پیش‌آن عراق با همکاری کرده بودند و یک طرح چند ماده‌ای را تهیه کرده که در صد به زبان جمهوری اسلامی و به نفع عراق بود و آن را کمیته سیاسی برندند و به عنوان اصلاح‌های بر قطع‌آمدهای پیش‌هادی دفتر همکاری جشن، مطرح گردند. اما نیروهای کارشناسی جمهوری اسلامی با ن غالیت‌های چشمگیر خود مانع از تغیریت این طرح شدند.

۲ - هفته نامه عربی «الشروع» چاپ شد و در مقامهای درباره پادهای حمله برگ را آینده ایران، با اشاره به همکاری نیروهای اسلامی با ایرانی و احتلال طرق‌داری شیعیان خذوب عراق از ایران در حمله آنی به بصره، از شش است که ایران طرح سوریه را مبنی بر استفاده از این نیروهای عراقی برای اداره بک جنگ عراقی‌ها علیه رژیم عراق به جای جنگ عراق علیه ایران، رد کرده است. این منع افزود؛ «منابع غربی از تابع حمله قریب الوقوع ایران به جبهه اجتماعی و سیاسی عراق سیار نگرانند، زیرا اندامات ایران می‌توانند به تجزیه عراق به سه بخش منجر شود که این امر نه تنها برای عراق بلکه برای مشرق عربی و خلیج [فارس] نیز تابع ناجده آمیزی را در برخواهد داشت و آنگاه هیچ نیروی اسلامی توانست ایران را برای رسیدن به هدف امیر ایرانی نیزگرگ اسلامی باز دارد».

۹ Sept ۱۹۸۶

سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ محرم

در جلسه مجلس آقای فارغ [به مناسبت ماه محرم] ذکر مصیتی کرد، ولی روضه خوبی نخواند. پس از تنفس به محل مراسم تشییع جنازه شهدای کربلایی دو عراقی‌ها آمدیم.^۱ جمعیت زیادی بود. آقایان [سید محمد باقر] حکیم و نخست وزیر و من صحبت کردیم. حدود صد شهید تشییع می‌شدند، دوازده نفر آنها از اسرای سابق هستند. جمعی از اسرا هم در تشییع شرکت داشتند، جمع زیادی از عراقی‌ها آمده بودند. به دفترم آمد.

آقای کنگرلو آمد. درباره کمک به گروگانها و خرید اسلحه آمریکایی صحبت شد. وزیر دفاع آمد. برای خرید و پرداخت فوق العاده‌های عقب افتاده کمک خواست. آقای قریشی آمد. برای مساجد کمک خواست که نداشتم. آقای رحمنی مسئول معزول تلکس مجلس آمد و از سعید الذکرین گله‌داشت. آقای [مهدی] جهانگیری آمد و گزارش وضع حج را داد. در مراسم حج، رئیس دفتر آقای [مهدی] کروپی بود.

عصر در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. ضوابط گرینش مراکز آموزش عالی نظامی و انتظامی تصویب شد. کمی سخت‌تر از ضوابط دانشگاه‌های غیر نظامی است.

سرشب با آیت‌الله خامنه‌ای درباره مسائل جاری کشور در غیاب ایشان و کنفرانس حراره مذاکره کردیم. ایشان خیلی از نتایج سفرش راضی است. همانجا شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. دستور مهمی در جلسه نداشتم. بیشتر به استماع مطالب آقای خامنه‌ای از [کنفرانس جهش غیر متعهد در] حراره گذشت.^۲

۱ - افروز پیکر ۱۰۴ نفر از شهدای مجاهدان عراقی که در عملیات کربلایی ۲ به شهادت رسیده بودند، بر دوش همراهان و خانواده‌های آنها به سوی مجلس شورای اسلامی برگزار شد، آقایان هاشمی، میرحسین موسوی و نیز رئیس مجلس اعلای عراق، آقای محمد باقر حکیم، طی سخانی از این شهدا تجلیل کردند. آقای هاشمی در سخنان کوتاهی این حرکت مجاهدان عراقی را تبلور خواست ملت عراق توصیف کرد و افورد: "حضور این میهمانان اسیر که از مرادان نقاوم عراق می‌باشند، نوید دهنده یک حرکت جدید و یک تحول در تهیث عراق است".

سپس در ادامه این مراسم تخت وزیر علی سخنرانی پیوست: بین تبروهات اهل‌الائمه مسلمان ایران و عراق را برای دستمنان در آور خواهند و خطاب به حامیان صدام گفت: "ما توجه به وضعیت متغیر عراق، آنها در حقیقت در مقابل مردم عراق استناده‌اند". آیت‌الله حکیم نیز در این مراسم گفت: "ملت علیمان عراق به نفع انقلاب اسلامی عمل کرده و مردم عراق را روسانیده کرده‌اند". وی خواستار شرکت دادن بین‌شتر مجاهدان عراقی از ای تبر علیه تبروهات دولت عراق شد.

۲ - در این اجلاس رئیس جمهور وقت ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در لطفی عصی و صریح به برسی عوایض ایران در قالب مسائل جاری جهان و نیز جنگ‌گاه تجملی پرداخت. ایشان در بخشی از سخنان خود گفتند: "آیا هیچ جایی زشت‌تر از اشغال نظامی یک کشور با اقدام به تجاوز برای دست‌یابی به سلطه میانی و اقتصادی بر یک ملت وجود دارد؟... از جینش البته توقع نیست که مانند بک پیمان نظامی وارد معزکه شود، (ادame پاورتی در صحنه بعد)

بعد از شام آقای گلپایگانی از تعارضی که بین نمایندگی آقای رحمانی از طرف آیت الله متظری به عنوان نماینده ولایت فقیه در هیأت سه نفری عراق و حکمی که آقای خامنه‌ای از امام برای رسیدگی به مسائل عراق دارند، اظهار نگرانی کرد.
امروز عراق به پالایشگاه و نیروگاه تبریز حمله کرد که کمی خسارت داشته است.^۱ به سپاه گفتیم با زدن موشک به بغداد تلافی کنمد. شب به خانه رفتم. بچه‌ها خوابیده بودند، دیر رسیدم.

چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ محرم ۱۹۸۶

به امور جنگ پرداختم. آقای رفیق دوست خواست نماینده لیبی را که حامل پام سرگرد [عبدالسلام]

(اداء پاروفی از صفحه قبل)

لیکن این انتظار است که شجاعانه رصادانه از حق و از مظلوم و قربانی تجاوز و سلطه طلبی، دفاع کند. صلح به طور کلی و به ویژه برای منطقه حسام ما یک انتخاب بیست، یک صرورت حیاتی است. ما چاره‌ای جزو این نداریم که با مجازات قطعی زیست نتجاوز، جنگ افروز و با جنگ عراق، برقراری و استحکام چیز خلیج را در منطقه تقسیم کیم.^۲ در جایه سیاسی اجلالی سران در حرارة، بخشنی به جنگ ایران و عراق اختصاص داشت که مشتعل بر جندهای ۱۴۶ نا ۱۴۷ پایه برد؛ شد ۱۴۶؛ رؤسای کشورها پادشاهی از اصل «استفاده نکردن از رزرو در روابط بین المللی» در رابطه با جنگ جمهوری اسلامی ایران و عراق تأکید می‌ورزند. شد ۱۴۷؛ شد این زمینه از آغاز و ادامه حضوت‌ها بین دو کشور که هر دو از اعضا می‌باشند عدم تعهد هستند. افزون نگرانی عصبی می‌شود. شد ۱۴۸؛ سران کشورها یکدیگر از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهند که خصوصیات خود را به منظور اجتناب از خوارث‌های مالی و نیمات جانی، خانمه دهد. سران کشورهای عدم تعهد یکدیگر خودشان را متعهد می‌کنند که برای خانمه سریع این درگیری و حشمت کوشش کنند. کوشش‌هایی که ایران در اخلاص حرارة برای محکوم شدن متجاوز کرده، اطمینان تأثیف عصبی جنسن از آغاز و ادامه جنگ و نیرو امداد برخی از سران شرکت کننده با نظر ایران را در پی آورده که این خود یکانگر مرقبیت ایران در آن اجلالی در خصوص اثبات برحق بودن خود در جنگ با عراق، بود. این توضیح لازم است که موافقت برخی از سران با نظر ایران، آشکارا بیان نشد، بلکه مانند سخنان رئیس جمهوری پورکیافوس در دیدار با رئیس جمهوری ایران بود که گفت: «من احساس می‌کنم در این جنگ حق با ایران است، ولی متأسفانه کسی حراست نمی‌کند بگویید!»^۳

۱- بعد از وقتی که کوه، حملات هرابی عراق به مسلط غیرنظامی کشورمان شدید شد، امروز هوابیهای عراقی پالایشگاه تبریز و مسلط اطراف سرداشت، هریوان و هواباد را هزار حمله فرار دادند. در ساعت ۹:۰۸ امروز چهار هوابیهای دشمن پالایشگاه نفت تبریز را نسازان گردند که برآتی آن، ۴ تن شهید و ۲۲ تن مجروح شدند. در این حمله به دیگرهای بخار، برج‌های خلک کننده، امارت شیعیان، خطوط لوله مواد نفتی و ساختمان تولید پتار نیروگاه برخی از خساراتی وارد آمد. علی‌برخی گزارش‌ها پدیده هرابی منطقه در حین حمله دشمن واکنشی از خود نشان نداد و آذیز حمله هرابی نیز پس از خانمه سازان به صدد آمد!

۲- هیچین نیروگاه جدید ۷۰۰ مگاواتی تبریز را امروز هوابیهای سازان گردند که برآتی آن، ۵ تن از کارکنان نیروگاه صورج شدند، یک تن از مهندسان خارجی گشته و یک مهندس خارجی دیگر تبریز مجروح شد. این نیروگاه حواری از ۳۰ واحد ۳۸۷ مگاواتی تشکیل شده است که در این حمله قصتی از یک واحد آن - گله قرار بود به روزی راه اندازی شد و در مدار فرار گیرد - هدف ایجادگریست. از عوی دیگر، در ساعت ۸:۱۵ امروز سه هوابیهای دشمن شهرک ریط در منطقه سرداشت را بسازان گردند. در این بسازان، پیش بینی و یک میانی بوس که در حال سوختگیری بود مورد اصابت چند بمب فرار گرفت که ۱۶ تن شهید و ۱۲ تن مجروح شدند. همچین هوابیهای دشمن ایران هریوان و رومنای کوههای که بزرگ از توان مهندسان را نسازان گردند که یک تن از اهالی شهید و ۴ تن مجروح شدند.

جلود [عضو شورای فرماندهی چماهیری نیبی] است، پی‌ذیرم. گفتم به مجتبس بیاید. شب سران قوا و وزرای نفت و خارجه در منزل ما بودند. فاطی خانه‌داری کرد. به وزیر نفت اجازه دادیم، قطعات لازم را برای ترمیم خرابی‌های بمبان بخرند. احتمال بروز مشکل در رابطه با سوخت با تشدید جنگ وجود دارد و اجازه دادیم برای ذخیره کردن سوخت زمستان، بنزین و گازوئیل کوبنی شود. در مورد قیمت نفت، نفت و گاز قم ... مذاکره شد.

با درگیری پارزانتی‌ها با نیروهای ترکیه در راه نفوذ به مرکز مورد نظرشان مخالفت شد. در خصوص روابط با عربستان به وزرات خارجه مأموریت داده شده، با توجه به اظهارات اخیر سعودی‌ها در خصوص ادعای عدم کمک به عراق و علاقه به تحسین روابط با ما اقدام کشند. در مورد فرانسه و کویت هم بحث شد.

آقای خامنه‌ای گزارشی از اجلاس حراره داد. قرار بود امشب به عراق موشک بزنیم. اما به خاطر عدم هماهنگی با ماموران نیبی به تأخیر افتاد. امروز هم عراق به تبریز و به یک کشتی حمله کرده است.^۲

-
- ۱ - هستمن اجلاس سران جنگ غیرمعهدها میزبان باشد و بین مانگرد تأسیس این جنگش در حراره پایانیت زیباسوه آغاز به کار گردید. این اجلاس شنبه روز به طول انجامید. بیش از پنجاه تن از سران کشورهای عضو جنگ در حراره حضور یافته‌اند که از جمله می‌توان آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهوری ایران، دایل اورنگزا رئیس جمهوری تیکاراگوئه، فیصل کاسنر رئیس جمهوری کوبا، گاندی رئیس وزیر هند و ساموئل کی دو رئیس لیبریا رئیس نام بود. در این اجلاس مسائل خاورمیانه، سیاست آمریکا در مدیترانه، جنگ عراق علیه ایران، حل سلاح جهان، روابط شرق و غرب و بر اوضاع آمریکای مرکزی مورد بحث قرار گرفت. در جلسه افتتاحیه این اجلاس، روابرت موگانه، نخست وزیر زیباسوه و ایسراعرات، رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) خواستار پایان یافتن جنگ شش ساله ایران و عراق شدند. پاسخ عرفات در این اجلاس خطاب به رئیس جمهوری ایران گفت: «پیشنهادهای میانجی گری را که از سوی جنگ عدم تعهد، سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی به شناخته است، پذیرید. تمام تضییغ‌ها باید به سوی دشمنان مفترک مان یعنی رژیم‌های «پرتویا» و «آل آوبی» گرفته شود. هر سه‌مان با اجلاس جاری سران جنگ عدم تعهد در حراره، موافقت کردند. این پیشنهاد حلیج جدید عراق، خوانده شده، مورد بحث رسانه‌های گروهی جهان قرار گرفت. در پیشنهاد جدید عراق که وزیر خارجه این کشور آن را مطرح و طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل تقدیم کرده، آمده است که عراق حاضر است با تضییعهای بین‌المللی یک پیمان عدم تجاوز بایران اعضا کند تا جنگ شش ساله را حاتمه دهد. این پیمان باید با نظرات سازمان ملل و تضییع شورای امنیت، یا ۳۰ دولت با انتخاب ایران، ۳۰ دولت با انتخاب عراق، یا سازمان کنفرانس اسلامی انجام گیرد. همچنین توافقی درباره حسن هم‌جواری و عدم تجاوز بین دولت‌های حلیج فارس از جمله ایران و عراق اتفاق شود.
- ۲ - حملات هوایی عراق به شهرها امروز نیز ادامه یافت که طی آن، شهرهای تبریز، ارومیه و مهاباد مورد حمله دشمن قرار گرفتند. چهار جنگنده عراق ساعت ۱۴:۴۰ امروز مجددآیا تجاوز به خرم‌های تبریز و نخله از تأسیسات پالایشگاه و مهله از محورهای باز منطقه کارخانه‌های تراکتورسازی این شهر را بمبان کردند که علاوه بر وارد آمدن خسارتی به این عراک، ۲۰ تن از کارکنان و کارگران نیز مجروح شدند. در پی این بمباران، و با توجه به حمله روز گذشته هر ایمه‌ای عراقی فعالیت این پالایشگاه متوقف شد. طرفیت تحقیقه نفت خام این پالایشگاه - که حدود ۱۵ درصد از نیاز کشور به فرآورده‌های نفتی را تأمین می‌کرد - حدود ۸۰ هزار بشکه در روز است که در برخی مقاطع این رقم به ۱۰۰ هزار بشکه در روز نیز می‌رسید.

پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ Sept ۱۹۸۶

اول وقت آقای رفیق دوست برای گرفتن ارز و اعتبار آمد. سپس دکتر روحانی برای امور جنگ و پدافند و حل مشکل عدم هماهنگی ستاد قرارگاه با سپاه آمد. قبل از شروع جلسه به نمایندگان تذکر دادم که در تعطیلی عاشورا به جبهه‌ها بروند.

پس از شروع جلسه به دفترم آمد. آقایان دعائی و صفائی - که همراه آقای رئیس جمهور به حراره رفته بودند - آمدند و ضمن ابراز رضایت از موفقیت‌ها و اثر نیرومند شخص آقای خامنه‌ای، از کثرت افراد هیأت - حدود ۲۰ نفر - و عدم هماهنگی انتقاد داشتند.

آقای [مهدی] عراقی از نمایندگی امام در سپاه آمد. به عملیات کربلای دو از نظر ضعف مدیریت و هدایت عملیات انتقاد ای ای داشت. ظهر فرماندهان سپاه برای نیازهای عملیات آینده آمدند. عصر جمعی از دادیاران دادسرای انقلاب که حکم‌شان لغو شده است، به شکایت آمدند. به آقای موسوی اردبیلی گفتم، معلوم شد می‌خواهند آنها را استخدام کنند.

جمعه ۲۱ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۲ Sept ۱۹۸۶

در منزل بودم. آقای خامنه‌ای نماز جمعه را اقامه کردند. خبر رسید موشک زمین به زمین که دیشب به بغداد زده‌ایم، در منطقه‌ای نزدیک منطقه هتلها خورد و تلفات زیادی داشته است. با هدف مرکز پلیس مخفی عراق زده‌ایم.^۱ مجلس اعلا اعلام کرد، ساختمان‌هایی از استخبارات عراق هم آنجا بوده است.^۲ فاطی و سعید به رفیعجان فائزه و حمید هم به شمال رفتند. مهدی هم در جبهه است و من هم

۱- ستاد تبلیغات جنگ در اطلاع‌های پس از این حمله موشکی، اعلام کرد: "جمهوری اسلامی ایران برای بازداشت عراق از تکرار جایائل مکرراً به مجامع و سازمان‌های بین‌المللی روی آورد، اما همان گونه که پیش بینی می‌شد، باز هم عکس العمل عناصی از سوی این مجامع دیده شد تا آن جا که هم رمان با برگزاری هشتمین اجلام سران جنگ عدم نهضه در تسبیب رژیم عراق عجلدآ اقدام به تکرار جایائل تسبیحی مناطق عملیاتی در غرب ایران کرد، اما این مجامع هیچ‌جان چشم‌خورد را در مقابل این جنایات بستند. تجزیه شش ساله جنگ نشان داد که جمهوری اسلامی نارد خود رأساً در مقابل تجاوزات عراق اقدام کرد و در هشتم راستا ناامداد امروز ساختمان اطلاعات و ادبیت نداد خود هدف حمله موشکی افراگرفت".

۲- به دنبال حمله موشکی ایران به بغداد، جنگنگار روزنامه لومند مجل اصحاب موشک، زمین به زمین ایران را در ماحله ۵۰۰ هزار میدان سوباز گفتم درطلب بغداد - که هتل‌های پیست طبقه مریدن و شرایتون در آنجا قرار دارد - ذکر کرده است. لومند افروز: "شکنی پیست بر قتاب این (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

تنها در خانه.

شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ محرم ۱۹۸۶ Sept 1986

دیشب به خاطر اشتغال زیاد، خواب کمی داشتم و امروز کمی کسالت و خستگی دارم. ظهر اطلاع دادند عراق به پنج تلمبه خانه نفت که نفت جنوب را به پالایشگاه‌های تهران، اصفهان و تبریز می‌رساند، حمله کرده و نفت قطع شده است.^۱ یک هواپیمای مهاجم سرنگون شده است، وزیر نفت و نخست وزیر خیلی ناراحتند. به خاطر کسالت، شب زودتر خوابیدم.*

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ محرم ۱۹۸۶ Sept 1986

اخبار محل اصابت موشک ما به بغداد زیاد است. عراق روی زدن نقاط مسکونی از طرف ما سرو صدا

(ادامه پاره‌قی از صفحه قبل)

موشک - که در بغداد موشک رفسنجانی توصیف می‌شود - در پاسخ به بسaran پنج تسلیه بالایشگاه تبریز صورت گرفته است. به گفته یک دیل tatsäch غربی در بغداد ایران به احتساب قوی نصد داشته است هرگز اکثریتی بعد از راکه در میان اتوان نصره و چند کیلومتری محل اصابت موشک قرار دارد، مورد هدف قرار دهد. خبرنگار خبرگزاری بحرین در بغداد گفت: «راکر حمله موشکی ایران، گزوانی به قدر ۱۰ و عمق پنج هزار متر ایجاد شده است و ساختمان‌های واقع در دایره‌ای به قطر یک کیلومتر خسارت دیده‌اند» این منبع به تقلیل از ناظران گفته است که ایران خسارات حاکمی از این است که ایران به موشکی پیچیده‌تر از نوع اسکاد ساخت شوروی که در گذشته مذکور بوده است، دست یافته‌است. رادیو بی. بی. سی در این باره گفت: «این واقعیت که موشک به یک کیلومتری محل مورد نظر یعنی ساختمان ستاد پلیس اصابت کرد، نشان می‌دهد که متخصصان تربیخانه ایران به تواند با دقت بسترنی هدف‌گیری توانند». این منبع افزود: «متخصصان امور نظامی عرب قبل از تأیید مقامات عراق، در اینکه آیا اتفاق امروز برای اصابت موشک بوده است، تردید کردند. این تردید از آن جانشی می‌شود که دقت هدف‌گیری سیستم هدایت کننده موشک‌های اسکاده ساخت شوروی که گفته شد در اخیر ایران است، به این کشور اجازه نمی‌دهد که هدفی نظری یک ساختمان را با دقت ریاضی مورد اصابت قرار دهد».

۱- هواپیماهای عراق امروز نیز چند هرگز غیرنظامی را در استان‌های لرستان، خوزستان و کردستان بسaran کردند. در این حملات ۷ تن شهید و ۱۹ تن مجروح شدند، پک هواپیمای دشمن نیز سرنگون شد. شرح مختصر این حمله‌ها چنین است: «صبح امروز تلمبه خانه‌ای «باغ ملک» و اشماره ۲ راهی هر در استان خوزستان و لیر تلمبه خانه‌ای: «رازان» و «بل بابا» در استان لرستان بسaran گردید. در این حملات یک تن شهید و هفت غیرنظامی مجروح شدند و خساراتی نیز به این تأسیسات وارد شد. به گزارش نیروی ارتش در این حمله یک هواپیمای دشمن در انتگه فلی، در استان لرستان در ساعت ۹:۳۰ سرنگون شد و خلنان آن به اسارت ور آمد.

* در آستانه برگزاری چهل و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، دیرکل این سازمان طی گزارش سالیانه‌ای که درباره مسائل مختلف جهانی منتشر کرده، از ادامه جنگ ایران و عراق مطلع گشته بود که متعیین شد که گسترش آن خطرهایی برای منطقه و هیئت‌جهانی به ذمیل خواهد داشت. (ذکری تاریخ در این گزارش، در خصوص جنگ ایران و عراق ثبت شده است که نهایت‌گان او هنوز تبر استاندارد و طرف را متعارض کشید که از گلوله‌بازاران و سیاران شهرهای یکدیگر - که به گفته وی از نیز جهانه‌ترین جندهای این جنگ است - صرف نظر کرد. دیرکل سازمان ملل افروده است که گلوله‌بازار زوار ازون و وحشتناک جوانان دو کشور همچنان ادامه دارد و ادامه این جنگ در آینده عی تواند به کشورهای دیگر منطقه هم سرتاسر کند.

راه‌انداخته^۱. شب به دعوت آیت‌الله موسوی اردبیلی برای سخنرانی به کانون توحید رفتم.^۲ مهدی امروز از جبهه برگشت، خوشحال شدم. جبهه اثرات سازنده‌ای بر او گذاشته است، از مدیریت عملیات کربلای دو انتقاد دارد. او را به انتخاب خودش جزو گردن شهدا گذاشته‌اند که خطرتاک ترین و حساس‌ترین ماموریت را داشته است. ۱۵ کیلومتر در قله‌های ارتفاعات مسکران با کوله پشتی پیاده روی کرده که به پشت دشمن بزنند. از تدارکات جبهه راضی است. از فرمانده لشکر قول گرفته که موقع عملیات آینده او را به جبهه ببرند. اخواى محمد آمد. پسته و انار شیرین سوغات آورده بود. احمد آقا آمد. راجع به مسائل جاری با هم صحبت کردیم.

دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۰ محرم ۱۴۰۶ | ۱۵ Sept ۱۹۸۶

اول وقت پس از نماز به مطالعه پرداختم.^۳ آقای [عباس] کوثری واعظ پس از مراسم عزاداری حسینیه جماران [به مناسب عاشورای حسینی] در خدمت امام و مطابق معمول سنوایی، برای روضه خوانی آمد. آقای مرتضوی که در جبهه بیانی خود را از دست داده و آقای چهل اخترانی هم آمدند و ذکر مصیبت کردند. گریه زیادی نمودم.

آقای رحمانی که همراه مهدی به جبهه رفته بوده، آمد و گزارش وضع عملیات را داد. از مدیریت عملیات شکایت داشت و از تأثیر حضور مهدی در جنگ بر روی لشکر اظهار رضایت نمود. ظهر

۱- عراق نا ارسال دو ناهه به سازمان ملل اعلام کرد که مناطق مسکونی پرجمعیت بغداد هدف حمله موشک زمین به زمین ایران قرار گرفته است. در اولین نامه آمده است که برای این حمله، ۲۱ غیرنظامی کشته و ۸۱ تن مجروح شده‌اند. در نامه دوم نیز به نقل از سخنگوی فرماندهی کل پیروهای سلح عراق فرشته شده که ایران باطق مسکونی شهرهای مرزی آذکشی را با آتش تویخانه هدف قرار داده و در نیجه، حسارات و تلفاتی به وجود آمده است.

۲- رجوع کلید کتاب "هاشمی رضانجیانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، ۱۳۶۶" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۴۸۷

۳- صدام حسين امروز در پیامی که بعد از حمله موشکی ایران به بغداد (۲۱ شهریور) منتشر شده، با تأکید بر اینکه در نتایج این حمله عجله تعزیز کرده، ادعای کرد که این تقصیم را به متوجه تقویت مواضع برخی عناصر هوادر صلح در داخل ایران گرفته است. وی تأکید کرد که مهترین اولویت عراق این است که جنگ را به نفع خود پایان دهد. صدام در این پیام که از رادیو تلویزیون عراق پخش شده خطاب به گروهی که خواستار گرفتن انتقام از حمله موشکی ایران بودند، گفت: "من برای انتقام شما را تسبیم، خود را آرام کنید، ما به زودی تلاطف خواهیم کرد و لیکن تعزیز رمان و نوع این تلاطف را به عینده ما بگذارید". وی افزود: "علی‌رغم درخواستهای عدوی برای انتقام جزئی، پیروهای عراقی به آن طلبی که ایرانی‌ها اخیراً به مناطق عسکرونی عراقی حمله کرده‌اند، پاسخ حمله ایران را تغیرات نداد... این تقصیم به آن لحاظ اتحاد شد تا بهانه‌ای به دولت ایران جهت برانگیختن احساسات جنگ طلبانه در میان مردم ایران داده شود". صدام در ادامه گفت: "بعض اعضا ایرانی‌ها با ما هستند و با لاقل در دعوت به صلح و بادان دادن به جنگ با ما هم عقیده‌اند، لذا لازم است از لحاظ نظامی، سیاستی را در پیش بگیریم که موقع ملت ایران را در این ارتباط تغییر ندهند".

غذای من و مهدی را از حسینیه آوردند.

عصر دو نفر از عناصر اطلاعات و عملیات لشکر سیدالشهداء آمدند. از مدیریت لشکر و عملیات کربلایی دو سخت گله‌مند هستند. معمولاً عملیات که موفق نمی‌شود از این انقادها زیاد داریم و حق هم دارند. شب اخوی احمد با همسر و فرزندانش آمدند.

۱۶ Sept ۱۹۸۶

سه شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ محرم

آقای سرهنگ جمالی، جانشین آقای سرهنگ حسنی سعدی اطلاع داد که عراق در بخشی از ارتفاع ۲۷۰ مهران که قرار بود به آن حمله کنیم، عقب نشینی کرده و نیروهای ما در پایان متوجه شده‌اند. به گروه آخر حمله کرده‌اند و ۱۲ نفر را اسیر گرفته‌اند.^۱ خواست که برای احیای روحیه رزمی‌دگان تبلیغات قوی بشود. به مجلس آدمد. در گزارش‌ها مسئله مهمی نبود.

به آقای [مسیح] مهاجری گفتم در روزنامه جمهوری اسلامی، سلسله مقالاتی در ارتباط با تصمیم اخیر فرانسه و اعضای ناتو در خصوص مبارزه با تروریسم بنویسد و نقش خود آنها را در ترویج تروریسم بگوید.

از وزیر نفت درباره وضع پمپاز نفت و فروش توضیح خواستم. با آقای اردبیلی درباره قضای دادگاه انقلاب صحبت کرم. کارکنان تلفنخانه مجلس آمدند و از تفکیک تلفنخانه از تلکس شکایت کردند.

محافل خبری مسئله متوقف ماندن زدن مراکز صنعتی از طرف عراق و ما را بزرگ گرفته‌اند.^۲

۱ - فوارگاه خاتم الانبیاء (ص) با خبرور اطلاع‌دهی از عملیات نیروهای خودی در منطقه هژران، خبر داد. در این اطلاع‌دهی آمده است: "نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ساعت پیک تمام‌داد امروز به مراضع دشمن در شمال عربی منطقه عملیاتی هژران حمله کرد. علی این حمله، تپه اسرازیک در ۲۷۰ واریقات اطراف آن در داخل حاکم عراق، آزاد شد. با آزاد سازی بین ماطلق، رژیم‌دگان اسلام بر شهرهای زیباییه و بدراه عراق کاملاً مسلط شده و امکان هرگونه نفوذ احتسالی به منطقه عملیاتی هژران از دشمن سلب گردیده است. در این عملیات، نیروی زمینی ارتش با وارد آوردن تلفات سنگینی به ترتیب ۱۱۸ از لشکر ۳۵ ارتش عراق، متفق شد. ۵ تن از آنان را به اسارت در آورد. در میان این اسرا که افسر و چند درجه‌دار به جسم می‌خورد".

خبر فرماندهی ارتش عراق با انتشار اطلاع‌دهی نظامی شماره ۲۳۶۶ خرداد ادعای کرد که نیروهای این کشور همی عملیات تو شنبه شب و روز سه شنبه غلایه بر داده بیکن حمله نفوذی نیروهای ایران به مناطق عملیاتی سیاه دوم عراق، مقادیری از تجهیزات آنها را تبر منهدم کرده‌اند.

۲ - سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ اعلام کرد: "به علت مطلع حملات عراق به مناطق مستکنی و صنعتی کارگری کشته‌مان در دو روز گذشته، ایران نیز اقدامات مقابله به مثل خود را نزفک کرده است. در صورتی که رژیم عراق دست به جنابت تاجه‌ای برند رژیم‌دگان اسلام همچون گذشته به (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

فرمانده نیروی دریایی درباره سیاست محاصره محدود دریایی کویت به منظور جلوگیری از رسیدن سلاح به عراق از طریق کویت اجازه خواست.

عصر در سورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردیم. تصویب شد که به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، اجازه تاسیس دانشگاه برای عراقی‌ها داده شود. همچنین تسهیلاتی در مورد نمره انشاء و فارسی دانش آموzan عراقی در مدارس قائل شدیم. درباره ضوابط دانشگاه‌های غیر دولتی و غیر انتفاعی بحث شد. شب به خانه رفتم.

عراق به جزیره خارک حمله کرده و دو بازوی بارگیری اسکله T (تی) رازده^۱ و چند هوایپما را از دست داده است.

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ Sept ۱۹۸۶

آقایان رضایی و رفیق دوست پس از زیارت امام آمدند. درباره جنگ و سیاه و هلی کوپرهای که به امر امام، ارتش باید تحويل سپاه بدده، صحبت شد.^۲ مایلند به مناسب سالگرد دستور امام در

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

شدت با آن مقابله خواهند کرد». خبرگزاری آستان غربی از بغداد و تهران گزارش داد که عراق و ایران امروز حمله به تراویح غیرنظمی داشتند. حضر یک جنگ جدید شهرها را در خلیج فارس پیش آورده بود، متوفی کردند. صدام حسین رئیس جمهوری عراق در یک رادیویی گفت که هیچ عملیات مقابله به مثلی را در برابر حمله مرشکی زمین به زمین ایران در تکرار ندارد. وی گفت: «به خاطر محروم کردن دولت ایران از هر بهانه‌ای و برای تقویت احساس جنگ در میان مردم خود، خویشنداری خواهد کرد».

۱ - امروز هشت هزاری عراقی جزیره خارک را می‌سازان کردند. در این میان یک اسکله خسارانی وارد شد. در این حمله بازویهای بارگیری شماره ۷ و ۸ "دچار حریق شدند که این حریق را تا ساعت ۱۶ بهار و به کلی خاموش گردند. هر کار مهم ر حسام اسکله "تی" (T) قلاً بیرون هدف حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفته و بخشی از آن آسیب دیده بود. همچنین در حمله امروز عراق به جزیره خارک، کشته "ایران یانا" که روزی آن پدائند زمین به هوا مسخر بود، هدف هواپیماهای دشمن قرار گرفت و آسیب کلی دید. یکی از حکم‌دهای عراقی در جزیران این حمله هدف قرار گرفته و ساقط شده است. فرماندهی ارتش عراق درباره حالات امروز، اعلام کرد که هواپیماهای عراق نتوانسته‌اند طی یک ساعتنه مه مبار جزیره خارک را خود حمله انجام دهند.

۲ - فرمانده کل سپاه پاسداران در نامه‌ای به تاریخ ۶ شهریور ۶۵ ضمن اراده گزارشی از وضعیت امکانات هلی کوپتر در اختیار ارتش در خواست تموده است درصدی از این امکانات به صورت سالم و تعبیری تحریل سیاه شود. در فصلی از این درخواست آمده است: «ما در جبهه به شدت برای حمل می‌خواهیم عملیات جنگی و نقل و انتقال مستولیین و فرماندهان، به هلی کوپتر تیازیم که در عملیاتها غالباً در اختیار هیچ قدرتی نیافریده اما هم‌وارد یا با تأخیر و با ذره‌نایی تعداد مورد لیاز داده تی شود. ضمن اینکه بعضاً از نظر مدیریتی نیز با اشکال مواجه می‌شویم».

امام خمینی (ره) در پاسخ گزارش مذکور چنین مرفوم فرموده‌اند: «بسیه تعالی موافقت می‌شود. جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای اندام توانند. ۱۱ شهریور ۶۵ روح الله المسؤول الخصمی».

رجوع کنید کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۳۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خصوص تأسیس سه نیروی زمینی و دریایی و هوایی سپاه، مراسم داشته باشند. من برای پر هیز از ناراحتی ارتقی ها موافق نیستم.

احمد آقا آمد. درباره مسائل اختلافی مشهد صحبت شد. قرار شد به گونه ای عمل شود که به اتحاد تزدیک شوند و درباره نمایندگی ولایت فقیه در گروه سه نفر سیاستگذار امور داخل عراق، امام دستور داده اند به آقای خامنه ای و آقای منتظری هر دو واگذار گردد. خبر دادند عراق به مرکز واردات فرآورده نفتی بحرگان حمله کرده، به دو یدک کش آسیب زده و یک هواپیما از دست داده است.^۱ عصر آفایان تجفی و علی هاشمی آمدند. وضع جزیره جنوبی مجnoon و عملیات اخیر را گفتند و برای حفظ جزیره، تعدادی کمپرسی برای کار مهندسی و سهمیه بیشتر گلوله خمپاره برای جلوگیری از کار مهندسی دشمن خواستند.

پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۳ محرم ۱۹۸۶ Sept 1986

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمد. آفایان حمید میرزاده و مظفری برای راه اندازی ترمینال کامپیوترا اطلاعات - که شعبه ای در دفتر من و ریاست جمهوری و نخست وزیری نصب شده - آمدند. کار خوبی است. توضیحاتی درباره جزیره کیش که اخیراً بندر آزاد [تجاری] شده و توسعه ماهیگیری و توزیع گوشت دادند.

گروهی از کادر آموزشی پادگان ۲۱ حمزه [آذریجان] آمدند. مشکلات و نیازها را گفتند. نمایندگان جامعه معلومین آمدند و برای حق بازنشسته شدن پیش از موعد برای معلومان کمک خواستند.^۲ آقای صیاد شیرازی آمد. از وضع جنگ اظهار بی اطلاعی کرد. ایشان را در جریان امور

۱ - یک هواییمای میلاد عراق امروز نشکن دستیار اس - ۲۳، متعلق به شرکت ایرانی بحرگان را هرورد حمله قرار داد. صدمه ای به این نشکن وارد نشد ولی کاپیتان آلسانی آن به نام هنرویگر کشته شد و چهار خدمه خارجی آن نیز تخریب شدند. این افراد هرورد اصوات رنجبار مسلسل فرار گرفته بودند. بعد از حمله، میتوان نشکن را حرastت شرکت نفت جمهوری اسلامی ایران به بوشهر انتقال داد. صبح امروز یک میلاد عراقی که قصد حمله به یک شاور نیروی دریایی ارتش را داشت، با آتش پدیده هرایی یک شاور دیگر نیروی دریایی، در آبهای خلیج فارس سقوط کرد و جلبان آن دستگیر شد.

۲ - در این روز آقای هاشمی در دیدار با اعضا هیأت مدیره جامعه معلومین ایران اظهار امیدواری گرد اعضا این جامعه در خدمتگزاری به معلومین کشور و انجام خدمات بزرگ انسانی موقوف باشند. در این دیدار ایشان گفت: "با توجه به اینکه جمع زیادی از جانبازان جنگ تحمیلی به شما هم پیوند ندارد، دکتر من گم جامعه ما حمایت دو چندانی از شما نکند و ما و شما همگی وظيفة داریم که خدمت کشم و برای شما دعا می کنم که موفق باشید". رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف اتفاقات، ۱۳۸۷

گذاشتم، دفتر ارتباط نخست وزیر با ائمه جمعه و جماعات آمدند^۱. گزارش کارشان را دادند. آقای سنجقی آمد و چند امضاء برای امور جنگ گرفت. جمیع از افراد انتظامات مجلس آمدند و گزارش دادند. برای آنها صحبت کردم^۲ و نصیحت به انصیباط و تاکید بر اهمیت کارشان نمودم. آقای انصاری فرمانده سپاه ناحیه تهران آمد. از فکر تبدیل منطقه تهران به هشت ناحیه کوچک و از فکر فرماندهی فرماندهان واحدهای رزمی بر نواحی مربوطه که امروز زمزمه آن وجود دارد، انتقاد داشت. جمیع از همافران آمدند و تعجیل برای تصویب طرح ارتضی توین دارند. برای آنها صحبت کردم و وعده تسریع دادم^۳. آقای امامی کاشانی درباره مطالب خطبه‌های نماز جمعه، تلفنی مشورت کرد. اول شب در دفترم کارهای دفتری را انجام دادم و بخشی از گزارش‌ها را خواندم.

۱۹ Sept ۱۹۸۶

جمعه ۲۸ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۴ محرم

در منزل بودم. جمیع از مسئولان آموزش نظامی سپاه آمدند. از کمپود جا و مردمی و از عدم استفاده از

۱ - آقای هاشمی خطاب به اعضا دفتر را بخطت روزی با ائمه جمعه و روحانیت، گفت: "شما وارد مسائل سیاسی نشوید و با روحانیون مختلف از هر جویانی که هستند گذار کنید. این افراد: اگر وارد مسائل سیاسی شوید، موقعیتی نمی‌کنند، شایرین در این مسائل دخالت نکنند. یکی از چیزهایی که حرکت شما را نهیدید می‌کند، آن است که آقایانی که به شما مراجعه می‌کنند، احسان کنند که مطباتان جدی گرفته نمی‌شود. کار شما در نوع خود اینکار کم ساخته است. قبلاً معقول بوده و حکمت‌ها با روحانیون جلسات و ملاقات‌های ویژه‌ای داشتند، اما به این شکل قابلی کار تازه و خوبی است. این رابطه رجوع شما ممکن است با کارهای اجرایی مربوکار نداشته باشد. وقتی کسی از دور مشکلات را پیش خیلی طرح‌ها و فکرها به نظرش می‌رسد و فکر می‌کند مسئولین نمی‌توانند این کارها را حل کنند، چون از تزدیک مسائل در رابطه بیسته". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - آقای هاشمی در این دیدار ضمن تفسیر و تقدیر از رحمات شاهنشاهی اعضا و اند انتظامات نهادهای مختلف دونی گفت: "بروهای حفاظت و انتظامات بخشی از برووهایی به نصاری می‌روند که برای دفاع از اسلام مسئولیت دارند، ما خدا تعالی‌بیرونی که کارهای تحریمی انجام می‌دهند مقابله نمایند و این سیار با اهمیت است. ممکن است پاسداری در پیش خودش در طرق خدمت با مسئله‌ای مواجه شود و در نتیجه پیش خود عکس کند، جوانی اش به هنگام انجام وظیفه در سر چهارها و یا گوچه‌ها هدی می‌رود، اما باید توجه داشت که شاید نتک افراد نتوانند در ظاهر کارآیی وظیفه خود را لمس کنند، ولی وقتی این محسوسه با هم کار می‌کنند آن وقت است که اهمیت و حساسیت این وظیفه خطر نمایان می‌شود و نفع هم ممین است که اینها هیچ‌چیز پوش بوده و مراقب کارهای خدالغایب باشند. اعضا و اجهاد حفاظت و انتظامات باید احسان کنند کاری انجام نمی‌دهند و تصریح کنند که حسناً باید در جهه و سگر باشد و وقتی برادران جانبار را می‌بینند احساس کسری داشته باشند" رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۳ - آقای هاشمی با اشاره به حضور هماقراں در حرکت‌های پیروزی یعنی انقلاب اسلامی یاد آورد: "برادران هماقرا پیش از انقلاب با حضور در جو مبارزات مردم نفس مؤثر خویش را در پیروزی اینها گزندند و مردم ما شاهد حضور آنان در جمع خود در خیابانها بودند". آقای هاشمی با اشاره به تهیه طرح توین ازتش گفته زودی برای شور دوم در مجلس شورای اسلامی مطرح خواهد شد، در این زمینه خاطرنشان کرده: "برای تهیه این روسی طرح مذکور ملاحظاتی ذایل بررسی بود. از جمله در حال جنگ بودن ازتش و نیز آثاری که طرح توین می‌تواند بر سازمان و تشکیلات ارتش داشته باشد و امر مهم دیگر اینکه نظرات در زمینه تهیه این طرح سیار منوع و گسترده بود که هر حال کاری سر عظیم و گسترده بود که امیدواریم با بهره گیری از نظرات و اصل شده بررسی و تصریف و طرح کامل و جامعی ارائه گردد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

پادگان امام حسین(ع) گله داشتند. فرمانده نیروی دریایی اقدامات کنترل کشته‌ها را گفت. جانشین فرمانده نیروی زمینی، خبر عملیات محدود دیشب در غرب مهران را گزارش داد.^۱

عصر آفایان داریوش [باریکانی] و [حسن] آشن از پاسداران محافظم که عازم جبهه بودند، برای خداخافضی آمدند. آقای عباس طباطبائی آمد و برای تصویب دانشگاه سید رضی که تقاضا کرده‌اند و ادامه تحصیل دخترش در خارج استمداد نمود.

شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ محرم ۱۹۸۶

در منزل بودم. گزارش‌ها را مطالعه کردم. پیش از ظهر احمد آقا و آقای ری شهری آمدند. آقای ری شهری گفت آیت الله منتظری از کشف و بازداشت مرکز و وسائل مخفی سید مهدی هاشمی ناراحت‌اند و می‌گویند این اشیاء را برای کار نهضتها لازم دارند. ولی آقای ری شهری نپذیرفته که مواد منفجره و استناد سری دولت و وسائل جعل و... برای این کار لازم باشد، ضمن آنکه خود نهضتها هم به او واگذار نشده است.

ضمناً آیت الله منتظری این بازداشت را با اشاره من و احمد آقا می‌دانسته‌اند که کاملاً اشتباه است. امام در جریان قرار دارند. همچنین یک نوار از [آقای احمد کاشانی] نماینده نظر آورد که در مقابل اظهارات اخیر امام در حمایت از دولت و ملامت روزنامه رسالت، اظهاراتی کرده است. قرار شد در جلسه سران موضوع اول را مطرح کنیم.

عصر هم دو نفر از مسئولان وزارت اطلاعات آمدند. نتایج تلاش برای کشف و ضربه زدن به [سازمان] فدائیان [خلق] اکثربت را آوردند. تا حدود زیادی آنها را شناخته‌اند و سران آنها را بازداشت نموده و اعتراف و اظهار تسليم نموده‌اند. اکثر آنها بریده‌اند و همکاری می‌کنند. درباره کیفیت برخورد با افراد معمولی، آنها که زیادند، نظر خواهی کردند. قرار شد در جلسه سران قوا مطرح

۱- به منظور تقویت پدافند و تسهیل امر نذاکرات و پشتیبانی نیروهای خودی در فاو، امروز مرحله اول تنصیب یک پل مهم تابت روی ارونک روده نام «پل بیرونی» - پس از مدتی پل بخت نام گرفت - به همت جهاد سازندگی استان خراسان به انجام رسید. تنصیب این پل لوله‌ای که از دهم خرداد سال ۱۵ آغاز شده بود، با مبتکلات مختلف همچون اصواح برخاسته از باد و طرحان و تبر آتش دشمن مواجه بود که به رغم برخی وقفه‌های مرغت در کاره، این بیرونی مهم امروز تحریل قرارگاه تاکتیکی حاتم الایمه (عی) شد. در طول اجرای کار، بر اثر اصابت گلوله ترب و همچین بمبان اطراف پل، مجذب عاً شش تن از نیروهای جهادگر و مهندس مجزروح شدند. پس از عملیات والتجعـ ۸ (فتح فاو) پشتیبانی و تدارکه نیروهای خودی اینها با شاورهای سنگینی به نام «سطوحه خضر» (پل خضر) انجام می‌شد و پس از مدتی پل «پوتونولوت» احداث شد. این پل شب‌ها متصل و روزها به منظور در امان مازلن از حمله بمباران دشمن، باز می‌شد، اما همواره احداث پل ثابت به عنوان یک طرح اصلی دنال می‌شد که با احداث پل بیرونی این امر تحقق یافتد.

شود. ضمناً گفتند که یکی از افسران عالیرتبه نیروی زمینی، برادر یکی از کادرهای کمیته مرکزی [سازمان فدائیان خلق ایران شاخص] اکثریت است و خودش سابقه همکاری با آنها را دارد، که باید تصمیمی بگیریم.

یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۱ Sept ۱۹۸۶

اول وقت به مجلس رسیدم. در جلسه علنی تاسعت ده و نیم ماندم. مراجعات نمایندگان خیلی زیاد بود. در تنفس برای خانمهای بسیجی تعليم نظامی دیده خمین و دانشجویان امامیه پاکستان که مهمان وزارت ارشادند، صحبت کردم.^۱

آقایان روحانی و هادی برای پیگیری معامله تسليحاتی کمک به آزادی گروگانهای آمریکا در لیبان و تقویت روابط با عربستان و تلاش برای نجات زندانیانمان در عربستان آمدند. آقای روحانی برای عبور هواپیماهای حنگیمان از فضای کویت برای عملیات در خاک عراق اجازه گرفت. ظهر آقای کبیری و آقای جلالی آمدند. گزارش از وضع کرده است و مشکلات آنچه دادند. عصر آقای ابراهیمی برای همین منظور آمد. اعصاب انجمن مدیریت آشوریها آمدند و برای رفع مشکلاتشان در زمینه مدارس و تعلم زبان و مراسم معاشرت استعداد کردند. آقای [ذیبح الله] حاج بخشی از لشکر سید الشهداء آمد و برای حمایت از حزب الله کمک خواست.^۲

آقای هدایت [لطفیان] فرمانده قرارگاه حمزه آمد. مشکلات کار کرده است و عدم انسجام مدیریت و عدم توجه کافی سپاه به نیازهای آنچه و راه حل ها را گفت. قرار شد توجه بیشتری به کرده است بنخایم.^۳

۱- رجوع کنید سے کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۵"، "دفتر معارف انقلاب"، ۱۳۸۷

۲- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "تا می توانید نیروی خود را صرف آموزش کنید، آموزش را توسعه دهید و به آن عمق بخشید. با توجه به ۵۰۰ گردانی که داریم، باید اینکار بیشتری به خروج دیده از وسائل و امکانات جدیدی که قبلاً مورد استفاده قرار نداده اید، استفاده کنید. ما به آینده اید زیادی داریم و نضرت خداوند هم همیشه برای ما کارساز و موفقیت آفرین بوده است". رجوع کنید سے کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۵"، "دفتر معارف انقلاب"؛ ۱۳۸۷

۳- آقای هاشمی در جمع مشکلان پادگان احتجاج سید الشهداء، با اشاره به تزلزل کلینی دشمن، بر استمرار تجهیز و بالابردن آموزش گفین نیروها و افزایش حسلات و امان ندادن به دشمن در اوضاع کثیف، تأکید کرده و گفت: "از لمحات امکانات، ایزرا و نیرو نست به همه دوران های جنگی در وضعی ساخته ای هستیم و همه چیز برای اداره یکد جنگ و سبع و طولانی آماده است. همین عملیات های کمیک در مجموع، کار یک عملیات بزرگ را می گند... در جام عرضان عراق واقعاً نیروهای گیغی و زیادی را از دست داد و در شرایط حاضر بازمیزی نیروها برای عراق مشکل تر و طولانی تر از قبل است. اکنون بهترین زمان برای کار و استفاده از زمینه های موجود است. اصل تعقیب دشمن و مهلت ندادن به او، از اصول نظامی است و ثمرات زیادی دارد و به خاطر نتایج سودمندی که دارد، حتی تحمل کمربدهایی هم در این زمینه ارزشمند است و برای کارهایی که در آینده می خواهیم انجام دهیم مؤثر است. شما باید فرست تجویی را به دشمن ندهید".

شب سران قوا مهمان من در دفترم بودند. در برنامه اخبار به طور زنده از دفتر شرکت کردم و درباره جنگ به مناسبت هفته جنگ حرف زدم.^۱ در جلسه سران راجع به آوردن پژوهش برای حضور امام، برای حصول اطمینان بیشتر بحث شد و همچنین در مورد گرفتن اجازه از امام برای قرض از بانک [مرکزی] برای تأمین کسری بودجه دولت. دیر وقت به منزل رفتم.

۲۲ Sept ۱۹۸۶

دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ محرم

تا ساعت دو و تیم بعد از ظهر در منزل بودم. استراحت و مطالعه کردم. با دکتر روحانی درباره خرید ضد هوایی های اسکایی کارد سپاه صحبت شد.

حاج احمد آقا آمد و گفت امام نظر قاطع دارند که گروه سید مهدی هاشمی باید طرد و تعقیب شوند. نگرانیمان این است که آیت الله متضرری سخت بونجند و ضرر کنیم. پیشنهاد کردم که برای تعديل نظراتشان خدمت امام برسم.

عصر برای دیدن و افتتاح نمایش عملیات والفجر ۸ و فتح فاو به محل پارک خرم رفتم و سه ساعت آنجا بودم. صحنه خیالی جالب، برای آنها که مطلع از خصوصیات عملیات بودند، تنظیم نشده ولی برای عموم غالب است. احساس کردم مغز خیالی خوب کار نمی کند و حتی اسم خیالی از اماکن آشنا را فراموش کرده بودم مثل فاو، خور عبدالله و ...

پس از مراجعت به خانه احساس سردرد هم داشتم. به پزشکان بیت امام اطلاع دادم. دکتر [سعود] پور مقدس آمد. معاینه کرد و گفت لازم است پزشک متخصص مغز و اعصاب بیاید. قرار شد زود بخوابم. یک قرص والیوم ۵ خوردم و زود خوابیدم. دکتر [حسن] عارفی و احمد آقا هم آمدند، ولی چون من به خواب رفته بودم به فردا موکول نمودند.

۱- در بخشی از این پام تلویزیونی آمده است: "ما در آستانه تحریف هفتادین سال جنگ تحصیلی و یکی از طولانی ترین جنگ های تاریخ هستیم. در خاطر اعتمادی که به راهنمای و آرمان مان و نصرت خداوند داریم، امیدواریم که پایان این جنگ، به تمع حق، اسلام و مردم فداکار و ایثارگر ما و انقلاب اسلامی باشد، انتهای مایل نبودیم که جنگ در منطقه و آن همین دو کشور اسلامی به وجود آید و حتماً این جنگ بر ما تحمیل شد و جنگ هم همراه خودش مشکلات و تلاخی های فراوانی دارد. نبی شود که جنگی وجود داشته باشد و تلخی و هزار و غصه و حزن دل نداشته باشد، متهی اگر انسان در جنگ، وظیفاً خودش را انجام دهد و آنچه که خداوند از او خواسته بتواند به خوبی انجام دهد، تزد خداوند و در پیشگاه تاریخ، معرفاً خواهیم بود و وجدان ماد هم ما را آزار نخواهد داد، ما خدا را شاکریم که به ما، ملت ما و هبری ما، توفیق داد که در این جنگ، آن گونه که وظیفة اسلامی و فرق آنی و مردمی و ملی هاست، عمل کنیم و به همین دلیل هم، ما آوار جنگ را در مسیر خواسته های انقلاب می بینیم، حتی علی رغم آن که این جنگ به ما تحمیل شد". این پام در بخش خنایم همین کتاب درج شده است.

۲۷۱ اوج دفاع

عنوان مهر

حالی

سه شنبه ۱ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۳ Sept ۱۹۸۶

به دستور دکتر تا ساعت نه صبح در منزل هائدم. نایب رئیس‌ها مجلس را اداره کردند. دکتر عارفی و دکتر لطفی آمدند، معاينه‌ای کردند و تشخیص دادند که حالت دیروز عصر، معلول خستگی مغز است

و کسالت عمده‌ای نیست. خون و ادرار برای آزمایش بردند. ساعت نه و نیم به مجلس آمد.

در گزارش‌ها حساس شدن اسرائیل روی حزب الله لبنان و نیروهای ایرانی در برخوردات جنوب

لبنان و همچنین متهم شدن یک نفر ایرانی در ارتباط با انفجارهای پاریس وجود دارد.^۱ در جلسه

شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کرد. ظهر سلمانی برای اصلاح سرم آمد.

عصر آقایان [محمد باقر] ذوالقدر و [ابراهیم] سنجه‌ی آمدند. گزارش طرح عملیات ویژه پیاده

علیه تأمیسات مهم عراق در عمق خاک آن کشور را دادند. این طرح تصویب شد. قرار شد ساعتی از

رادیو ارومیه در اختیار برنامه داخلی عراق بنام "صوت المستضعفين" قرار گیرد.^۲

۱- زاکت شرایک نخست وزیر فرانسه در مصاحبه با شرکه تلویزیونی سراسری ای‌بی‌سی آمریکا، ضمن رد اتهام حمایت ایران، سوریه و نیز از تروریسم، مدارک موجود را برای اثبات تاکتی داشت. شرایک در این مصاحبه در پاسخ به ادعای مجری برنامه منی بر دلالت

کشورهای ایران، سوریه و نیز در عملیات تروریستی و سکوت فرانسه در قال آنهاد، گفت: "اعلام اینکه ایران، سوریه و نیز مجری تروریسم

مسئله کار سازه‌ای است ولی شواهد شما برای اثبات این ادعا کجاست؟ این تهمت‌ها خود یکن تروریسم است. وی تأکید کرد که

اقدامات اخیر تروریستی علیه گزارش را خواهده و دولتان [سوری] عذر آله - [یک لبانی] که به اتهام قصد انجام دادن اقدامات تروریستی هم

اکون در فرانسه زنده‌ای است - انجام داده‌اند و پای هیچ کشوری در میان نبوده است. وی همچنین اهمیت روابط فرانسه با کشورهای عرب را

موردن تأکید نهاد و تصریح کرد که فرانسه مابال نیست مسئله تروریسم منجر به تبرگی این روابط حسنه شود.

۲- هفته نامه فرانسوی زبان زون آفریک در مطلبی تحت عنوان "جنگ سخت امور این ایران و عراق" به نیاهدی بیرون همزی

آقای روحانی آمد و اطلاع داد امروز هوایپماهای ما با عبور از فضای کویت، مرکز تلمبه خانه نفت جنوب عراق را زده‌اند. خود عراقی‌ها هم اشتباهاً یک هوایپمای خودشان را ساقط کرده‌اند.^۱ فرمانده نیروی دریایی اطلاع داد که یک کشتی نفتی انگلیسی -که به کویت می‌رفته- زده شده است.^۲ شب به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. با دکتر روحانی درباره حفاظت اطلاعات ارتش بحث شد. دکتر روحانی معتقد است که یک روحانی در رأس آن باشد، رئیس جمهور مخالفند. بالاخره آقای خامنه‌ای با استقلال آن و ریاست فردی مثل سرهنگ [مصطفی] ترابی [پور] موافقت کرد. شب شورای مرکزی جامعه روحانیت هزارز درباره اعزام روحانیون مشخص به جبهه جلسه داشت.^۳

(ادامه پاره‌قی از صفحه قبل)

رادیو تلویزیون‌های ایران و عراق که برای کشور مقابل بخش می‌شود، پرداخته و اهداف آن را مورد بررسی قرار داده است. در این گزارش آمده است: "ایران به گھک چهار فرستنده رادیویی خود در اهواز، آبادان، باختران و تهران برآمدهای رادیویی به زبان عربی، کردی و همچنین زبان ترکمنی که زبان بختی ارمدم شمال عراق است، پخش می‌کند که شلنگان زیادی بین مردم عراق دارد. همچنین نلریزیون ایران یک سوم از مردم عراق را تحت بوقت خود قرار می‌دهد. در مقابل، عراق نیز با شنایستگاه رادیویی به تبلیغات صدای ایرانی بردارد. در این زمینه رادیو بغداد ۱۲ ساعت در روز به زبان فارسی برنامه دارد. رادیو کرکوک همین پایام‌ها را به زبان کردی پخش می‌کند. طرق‌داران مسعود رجوی رهبر مجاهدین حق نیز یک رادیو مخصوص به خود دارد که در تزدیکی مرز ایران در شهر طوله، عراق مستقر است. همچنین یک ایستگاه رادیویی در بغداد فعالیت می‌کند که پایام‌های شایور بختیار آخرين بخت و زیر شاه رامشتر می‌سازد و یک ایستگاه رادیویی دیگر نیز در بغداد وجود دارد که در اخبار طرق‌داران غلامعلی اویسی قرار دارد که در سال ۱۹۸۴ [۱۳۶۳] در پاریس به قتل رسید. حزب دمکرات کردستان ایران نیز دارای یک فرستنده رادیویی در شمال عراق است." زون آفریک ازورد: "می‌توان این طور تصور کرد که تبلیغات طرفین متعاصم به شدت جریان دارد و یکی از موضوعات هیشتنگی این تبلیغات، حواسی از ملت رقیب در پی‌هاست و قیام کردن علیه رهبران خود است".
 ۱- طبق اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی، در ساعت ۱۴:۰۰ امروز خلابان نیروی هوایی از شنایستگاه جمهوری اسلامی ایران با چند هوایپما شکاری سبب اتفکن، هجده فتی رومله وافع در ۵ کیلومتری جنوب غربی نصره را بمباران کردند. تأسیسات تلسه خانه رومله در جوب غربی نصره و در عمق ۹ کیلومتری حاکم عراق قرار دارد و کار پیماز بخت خط لوله نفتی عراق راکه از عرسان می‌گذرد، انجام می‌دهد. در این نسازاد، سخنگوی نظاماً عراق ادعای کرد که پدافند هوایی این کشور یک قرون هوایپمای ایرانی را امروز در مقطعه جوب سرنگون کرده است. این سخنگوی همچنین مدعی شد که هوایپمای ایرانی هیچ هدفی را در عراق نسازان گذاشت.
 ۲- به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک مسیع در پایی خلیج فارس تأیید کرد که یک شنکش ۶۸۷۷۷ تی انگلیسی به نام پاولس "بامداد امروز در تزدیکی جزیره ابروهیسی و در نیمه راه امارات منجده و ایران مورد اصابت یک راکت قرار گرفت. دیگر این گزارش از فروده است": "مابع دریایی مطلعه نیز تصریح کرده‌اند این شنکش خسارت زیادی تهدید و توانسته است نه مسیر خود ادامه دهد." وزیر مشاور در امور تدارکات دفاعی انگلیس، در یک مصادر مطرب‌عاتی، ایران را به این حمله متهم ساخت و همروز تهدید قرار داد. او پس خواستار پایان چنگ شد.
 *- در این روز پاک عرفات در دیدار با صدام حسین بر حمایت کامل "ساف" از عراق و حمایت از پیشنهادهای صدام به مقتدر توافق چنگ، تأکید کرد. وی همچنین پایان یافتن این چنگ را عقدمه آزادی قدس داشت. به گفته رادیو بغداد، پاک عرفات در این دیدار تأکید کرده‌است که معاشر در کفار عراق ایستاده است و از این چنگ در هر اتجاه با تجاوز ایران حمایت می‌کند. عرفات همچنین عراق را به دلیل قبول پیشنهادهای صلح و پاسخ به تلاش‌های پیاوی‌گرانه سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، سپاهش کرد. بدیگزارش خبرگزاری عراق، عرفات در یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد گفت: "این سمعن که چنگ ایران و عراق راه آزادی قدم را هموار خراهد کرد، صحیح نیست بلکه تنها پایان چنگ و برگرداندن تمامی مسلح‌ها به سوی اسرائیل می‌تواند بسته‌المقدم را آزاد کند".

چهارشنبه ۲ مهر ۱۳۶۵ | ۱۹ محرم ۱۹ Sept ۱۹۸۶

اول وقت به بیمارستان ژاندارمری رفتیم. حدود یکصد مجروح جنگی آنجا بودند. با همه آنها ملاقات و احوالپرسی کردم و به همه هدیه مختصری دادم. سپس صحبت کوتاهی برای دکترها و خدمه بیمارستان کردم. مجموعاً وضع بیمارستان خوب و مجروحان راضی بودند.

ظهور در دفترم فرماندهان نیروی زمینی ارتقش آمدند. طرح عملیات گستردۀ و عملیات نیمه گستردۀای را آوردنند که مذاکره کردیم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سپس آقای رفیق دوست آمد. گزارش تکمیل قایقهای کنترل از راه دور برای زدن کشتی‌ها را داد. همچنین درباره نیازهای مالی تدارک پانصد گردان و وضع مهمات گزارش داد.

اول شب آقای آقامحمدی آمد و گزارش برنامه عملیات وسیع نفوذی در داخل حاکم عراق را - که قبلًا مطلع بودم - و برنامه‌های بارزانی‌ها و طالبانی‌ها را داد.

شب با سران دیگر قوا مهمن آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره نرخ ویزیت دکترها برای افراد بیمه و غیر بیمه تصمیم مهی گرفتیم که احتمالاً بی واکنش نخواهد بود و در مورد اطبای محکوم به تبعید سازمان نظام پزشکی سابق که تقاضای عفو کرده‌اند، قرار شد با نامه صریح توبه و محکوم کردن

۱- آقای هاشمی در سومین روز هفته جنگ، روز مأمور سیچ و آمادگی نظامی «با زندگان مجروح نستری شده در بیمارستان ژاندارمری دیدار و هدایه‌ای به آنان تقدیم کرد. اینسان همچنین در بازدید از بخش‌های جراحی و ارتوپدی بیمارستان ژاندارمری، در جمع مسکونان، پرشکان، بیماران و کارکنان بیمارستان، ضمن سخنان کوتاهی «گفت: "کار انسانی ای که شاید عهده گرفتاید و وظیفه‌ای که انجام می‌دهید، خداوند و مردم را از شما راضی می‌کنند و شما سرافراز خواجهید بود. ما آرزو داریم که روزی جنگ نباشد و امکانات بیمارستانها برای معالجه بیماران معمولی به کار رود و امکاناتی که صرف جنگ می‌شود، به عنوان و آنادی کشور بررس و آن روز، ان شاء الله توبه کنید. من از طرف خود و همه خدمتگزاران، از شما جراجان، پرشکان و پرستاران تشکر می‌کنم و آرزوی موافقت شما را دارم".

۲- «استینتو تحقیقاتی صلح استکیلم» در سوئد، طی گزارشی در خصوص جنگ ایران و عراق، با اعلام اینکه حدود ۴۰ کشور به ایران و عراق جنگ افزار صادر می‌کنند، تریشه است که قدرت‌های بزرگ مایل به ختم جنگ و پیروزی ایران نمی‌باشند. این گزارش تحقیقاتی افزوده است: «اتحاد جماهیر شوروی و فرانسه مهم‌ترین صادرکنندگان تسلیحات نظامی به عراق هستند و از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا تیر جنگ افزار در درجه اول همیشه رهایی‌های اکتسابی و سلاح‌های سبک به عراق ارسال می‌کند. اما شوروی و آمریکا در زمینه فروش تسلیحات نظامی به ایران نزد اقدام می‌کنند، این امر از طریق کشورهای ثالث و با اطلاع دوکشور شوروی و آمریکا صبرت می‌گیرد. تحت چنین شرایطی بر تعداد کشته و رخصی شدگان افوده خواهد شد و جنگ رهانی پایان می‌یابد که یا هر دو کشور از این جنگ خسته شوند و یا آن که تعییر و تحریک سیاسی و همه جانبه در ایران و یا عراق رخ ندهد». وادیو کلن که این گزارش را پخش می‌کرد افزود: «استینتو تحقیقاتی صلح استکیلم در گزارش خود به این نتیجه می‌رسد که ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی علاقه‌ای به خانه جنگ در آینده نمودیک تدارک دارد، زیرا این امر منجر به پیداگش قدرت جانبدی ذر موضع خلیج فارس خواهد شد. بنابر این گفتگات این استینتو، آمریکا عالی است که از عربستان سعودی به عنوان قلعه‌ای عالی در منطقه، حیاطت نماید و شوروی نیز مایل نیست که ایران به عنوان کشور همسایه و مخالف شوروی در این جنگ پیروز شود. از سوی دیگر، شوروی نمی‌خواهد که از طریق اقداماتی همه جانبه برای گستک به عراق، روابط خود را نیز به حظر بیندازد».

بازدید از بیمارستان رُاندار مری

رادیوهای بیگانه پذیریم. در مورد رفتار با فرانسه و آمریکا در امر گروگانها و [دادگاه] لاهه^۱ و نیز در مورد اجازه برداشت از بانک‌های داخلی با اجازه امام، تصمیم‌گیری شد.^۲ شب برای خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۳ مهر ۱۳۶۵ | ۲۰ محرم ۱۴۰۶ | ۲۵ Sept ۱۹۸۶

تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. مراجعات نمایندگان خلیجی زیاد است. پیش از ظهر آقای صیاد شیرازی آمد. قطعات حساس را داره راکسی برای فروش به ایشان عرضه کرده بود. به دکتر روحانی ارجاع دادم.

آقای آفازاده [وزیر نفت] آمد. آماده سفر به عربستان سعودی است. درباره مطالب قبل مذکوره با ملک فهد [پادشاه عربستان] مشورت کرد. درباره اوپک، جنگ، مبارزه با اسرائیل و آینده عراق مطالبه گفتم:

ظهر آقای جزایری آمد و گفت که می‌خواهد کتابخانه‌اش را به مجلس بفروشد. عصر در جلسه شورای عالی دفاع شرکت نمودم. امروز عراق به اراک، اصفهان و خوزستان حمله کرده است.^۳ دستور

۱ - مجله بررسی اقتصادی خاورمیانه (بی‌د) چاپ لند در گزارشی از احکام جدید دیوان لاهه درباره اختلافات مالی ایران و آمریکا، مرتضی: «دادگاه ویژه بررسی دعاوی ایران و آمریکا در لاهه اخیراً به نفع ایران رأی داده است. به حکم این دادگاه، آمریکا باید حدود ۱۵ میلیون دلار از حساب پول‌های بلکه شده ایران را به این کشور مسترد دارد. دادگاه مربوط به طرحی [ایران و آمریکا] اعلام نمود مذاکرات مفصل خود را پیرامون این حکم تا ۲۰ دسامبر ۱۹۸۶ آغاز نموده انجام خواهد رساند. این مجله افزوده است: "چنانچه تا این مدت هیچ‌گونه توافقی میان طرفین حاصل نشده، دادگاه لاهه خود اقدام به انتقال مبلغ مرور خواهد نمود و احتمالاً تا اوایل سال ۱۹۸۷ [بینه دوم دی ۱۳۶۵] این کار را انجام خواهد داد".

۲ - قیمت نفت «برنت» در بای شمار، در این روزگارها بافت به طوری که قیمت یک بشکه نفت برای تحریل در ماه غواصی [ایران و آذربایجان] در بازار جهانی به ۱۲ دلار و ۶۰ سنت رسید و مدعی ترتیب قیمت آن بنت به جمعه گذشته یک دلار کاهش یافت.

۳ - امروز حملات هواپیماهای عراقی بودند. در این حملات، ۲۰ نی از کارگران و افراد غیرنظامی زخمی شدند و به چند واحد مهم صنعتی و اقتصادی کشور خسارتی وارد آمد. امروز در ساعت ۹:۳۰، چهار هواپیمای عراقی از موقع هیولا به سه واحد صنعتی و کارگری شهرستان اراک حمله و کارخانجات هیکره، آذربایجان و آذربایجان سازی را بمباران کردند. در این حمله هواپیمای ۱۶ بمب و راکت به کارخانجات هیکره، آذربایجان سازی و معجزه‌رخه روبروی پلیس راه اراک - خسین اصابت کرد. در ساعت ۹:۵۷ نیز تو فرودنده هواپیمای منجاور عراقی به حریم هوایی اصفهان وارد شد و صنایع نظامی این شهر را هدف حمله قرار دادند. در این حمله هشت راکت به سری این صنایع برتابه شده، ولی تنها سه عدد از آنها عمل کرد که بر اثر آن، ۹ تن مجروح شدند. به گزارش پایگاه هواشناسی اصفهان، از تفاوت برواز (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

داده شد که در بصره مقابله به مثل شود.^۱

برنامه سفر به جبهه را تنظیم کردیم. اول شب با آفای خامنه‌ای درباره مسائل مشهد صحبت کردم. مصاحبه رادیو تلویزیونی انجام دادم.^۲ شب به خانه آمدم.

۲۶ Sept ۱۹۸۶

جمعه ۴ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۱

تا ساعت چهار بعد از ظهر در منزل بودم. مطالعه می‌کردم^{*} و برای سفر به جبهه، چندان سفر را آماده

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

موایمای عراقی چندان باین بود که خلبان‌های آها دیده من شدید. این هرایمها به صورت موادی و متناسب در حال پرواز بودند. بدگزارش این مبالغ، از هست سب رها شده، سه بیب در گاراخاجات شیعیانی این مجمع نظامی فرود آمد که یکی از آها مصجر شد و دو بیب دیگر عمل نکرد. دو این حمله خسارت‌های سنتی عیاده‌ای به دستگاه‌های گارخانه وارد شد. بدگزارش فیروز ریاستی ارشت موایمای عراقی بعد از عملیات خود، روسنای ملک آباد در خوانی اصفهان را تیر با ریگار سلسیل هدف قرار دادند که بر اثر این تیراندازی، دو نی از اهالی این روستا مجروح شدند. سناشترک ارشت تیر اعلام کرد که در این حمله هوابی، یک قروز از موایمای عراقی هدف قرار گرفت که احتمالاً در ارتفاعات مطلع شهر گرد سقوط کرد.

۱- سخنگوی سناشترک از طهر امروز اعلام کرد که رژیم‌گران اسلام به نلایی حملات دشمن به تأسیسات صنعتی و سکارگوی اراک و اصفهان، تأسیسات نظامی و اقتصادی خود را از ساعت ۲۰ امشب تا مدت ۴۸۰ پورشنه هدف آتشی دوربرد قرار خواهند داد. این سخنگو از مردم عراق خواست که برای مصوب مادن از هرگونه صدمایی، اطراف این تأسیسات را تحفیل گذند.

۲- آفای هاشمی در این مصاحبه مواضع جمهوری اسلامی ایران را در خصوص حملات هوابی اخیر دشمن، عملیات مقابله به مثل «ثوابت پداشت» و هوایی کشور و اتهامات اخیر مقامات انگلیس بعد از حمله به یک کشته این کشور در خلیج فارس و همچشم آزادگی ایران برای تحقق خواسته‌های خود در جنگ را تشریح کرد. ایمان در مردم اهم مسائل مطرح شده در جلسه اخیر شورای عالی دفاع گفت: از مردم برنامه‌های آنی و وضعیت جبهه‌ای یعنی تقویت پدافند کشور تعیین شد و همچین پرآمون وضعیت نظام وظیفه پرسنل جهاد سازندگی که حداقل دو سال در جبهه‌ها به خدمت متغیر بوده‌اند، تفصیلی اینجاد نگردید و مقرر شد که این مدت جزو خدمت وظیفه این داوطلب محسوب شود. در مردم حسله به یک کشته انگلیسی و تحریکاتی که استکبار جهانی در منطقه خلیج فارس ایجاد می‌کند، این قدرت‌ها می‌دانند کشته هایی که در خلیج فارس مورد حمله قرار گیرند، عمدتاً توسط مرتشکرهای پیشنهاد اگر وسیله فرانسوی می‌باشد که اسکبار در اخیار عراق قرار گرفته است. این هیاهو و جنجال رسانه‌های خبری اسکباری در پراپر حمله به یک کشته، چیزی جز منحرف کردن افکار عمومی جهانی نیست چرا که ما با هم اعلام کردیم در صورتی که در منطقه خلیج فارس برای ما نامنی ایجاد شود این نامنی دامن گیر همه کشته‌های این منطقه خواهد شد". رجوع کنید سه کتاب «ماهشی رضیجانی، مصاحبه‌های

سال ۱۳۶۵» دفتر نشر معارف اتفاقات، ۱۳۸۷.

*- در این روز پیام روحانی و عرفانی امام خمینی در مراسmi به عنایت چهارمین روز هفته جنگ تحمیلی (روز ایثارگران) فرائت شد که سیار مردم توجه حاضران قرار گرفت و آنان را تحت تأثیر قرار داد. در این مراسم قشراهای مختلف مردم، خاکبادهای شهیدان، مقوفدان، اسریان و جانبازان، نمایندگان تبروهای نظامی و انتظامی^۳ نی چند از مستولاد لشکری و کشتری، زهران مذهبی و خاکبادهای شهیدان افیت‌های مذهبی شرکت داشتند در این پیام که امام خمینی آن را در روز ۲۰ مرداد ماه نگاشته، چنین آمده است: «سم الله الرحمن الرحيم» (لاتحسن ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

نمودم. عصر گزارش‌ها را آوردند. خبر مهمی نداشت. ساعت چهار بعد از ظهر حرکت کردم، و نوشتم که همان وصیت سابق معتبر است.

مازنده دفعه قبل بالباس بسیجی در اتو میل غیر زرهی به ایستگاه ریاط کریم رفتیم. حدود ساعت پنج سوار قطار شدیم. واگن مخصوص برای ما آورده بودند. شب را سپتاً راحت خوابیدم. صبحانه را نزدیک اهواز خوردیم. واگن ما آخرین واگن قطار بود و در عقب بالکنی داشت که قسمتی از وقت را در آن می‌نشستیم و صحراء و بیابان را تماشا می‌کردیم.

شنبه ۵ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ محرم ۲۲ Sept ۱۹۸۶

برای نماز صبح، نزدیکی‌های اندیمشک پیدار شدم و دیگر نخوابیدم. ساعت هشت و نیم به اهواز رسیدیم. البته حرکت با قطار در خوزستان در روز با توجه به علت انتخاب قطار و احتراز از سفر با هوایما که همان احتمال خطر هوایماهای دشمن است، منطقی نبود. در محل [ساختمان] گلف مستقر شدیم.

پیش از ظهر فرماندهان سپاه گزارش وضع سراسر جبهه‌ها را دادند و نیازها، مخصوصاً کمبودهای مهندسی را گفتند. عصر فرماندهان قرارگاه نجف و کربلا طرح عملیات بزرگ آیینه و عملیات محدود را دادند^۱. طرحی که برای آن پانصد گردان تشکیل داده‌ایم، غیر قابل اجرا به نظر رسیده و

(ادامه پاروپنی از صحنه قبل)

الذین قتلوا في سبل الله امراها على احياء عند ربيهم يرجوون".

اگر تیود در شان و عظمت شهداء معظم فی سبل الله جر این آنکه کریمه که بالعلم قادر عیب بر قلمبه مبارکه نبرانی سید رسول -صلی الله علیه و آله و سلم- نگاشته و پس از تنول موافقی، به حاکیان صوت کنی آن رسیده است، کافی بود که علم‌های ملکوتی و ملکی شکسته شرد و علم‌های مارزاء اضیاء الله از جوانان در حول آن فرویسته شود. محاکیان مجبور با اعلایکیان چه می‌دانیم که این اوراق "عذر دین الشهداء" چی است؟ چه سما مقامی باشد که خاصین مقربان درگاه او -جل و علاء- و وارستان از خود و ملکت هستی باشد. پس مثل من و اسنته به عالیین و وامانده از حماق چه گفیر و چه خرام که حاضری بیهود و شکستن قلم اولی است. بارانها تو واقعی بر اسرار و غیر تو چه دانه و چه تواند و چه سان از عهد و شکر نعمت‌هایی که به علت عزیز ما عطا فرموده‌ای، به در آید. ما از عهد و شکر شهدای گرانقدر و شهیدان زنده عزیز و اسرا و متفربین معظم و بارحانه‌گان و واسیگان به آنان و بالحمله علت بزرگوار نیز نخواهیم برآمد. پس تو که سکور و غفرانی، به همه آنان از العطاف خفیه خود هرجتنی فرماد و ذری از معارف الهیه بر روی هنگان بگشای و شهیدای گرانقدر، عقام هر چه والا نزدیک شهید اجر شهید در راه خود سلامت و عاقبت و به مقتدین و اسرا صبر و عورت به وطن و به بازمانده‌گان شهید او وستگان سارین اجر و غیر عنايت فرما و ظهور شبه الله - از روح احنا لمقده‌هذا - را تزدیک نمایم و لی التعم والمعرفة. ۲۰ مرداد ۱۳۶۵ / ۵ دیجه ۱۴۰۶ روح الله مرسی الحمینی

^۱- مسروچ طرح مأمور ارائه شده و مسائل مطرح شده در این جلسه، در پیش فضایم همین کتاب به طور کامل درج شده است.

تغییراتی در آن داده‌اند که از هدف مهم خود دور شده و به ناچار بحث روی طرح‌های جدید شروع شده است.^۱

۱ - در حالی که طرح زیری مانور عملیات بزرگ آنی موسوم به حیدر، مراحل نهایی حرمه را می‌گذراند، در این روز آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ از تزدیک آخرین مراحل طراحی این عملیات را مورد بررسی فرارداد در خلیه‌ای باحضور ایشان در قرارگاه خاتم، بعد از بحث‌های طولانی در خصوص طرح مانور، بر عبور از بازیک بین جایز ماهی و امراض این عملیات به عنوان مهم‌ترین عامل خالق گیری دشمن و تاکتیک ویژه در این عملیات، تأکید شد، در این جلسه که فرمانده کل و دیگر فرماندهان ارشد عملیاتی سیاه در جنوب حضور داشتند، بررسی عملیات اصلی در دستور کار خلیه قرار داشت. قبل از این جلسه، جزئیات طرح تصویب شده در تاریخ ۹/۵/۱۳۶۵، را فرمانده کل سپاه به اطلاع آقای هاشمی رسانده بود، در جلسه امروز ایندا فرمانده قرارگاه قدس آقای محمدعلی (عزیز) جعفری - که مستولیت اصلی پیگیری عملیات را به عهده دارد - پس از عبور دخترسی بر سیر طرح زیری عملیات، آخرين طرحی را که مرور نظر فرماندهان بگانه، قرارگاه قدس و نیروی زمینی بود و با طرح ۹/۵/۱۳۶۵ تفاوت داشت، بیان کرد، وی در خصوص این طرح گفت: "در این طرح تلاش اصلی، عملیات از مقابل جزیره «میتو» و «ام» امراض، است و پیش روی نه سری هدف نیز مسکنی بر جاده اول و دوم می‌باشد. محور اصلی این طرح از مقابل جزیره میتو و محور غرضی آن مسکنی به عبور از سگ است." به دنبال این مقدمات، آقای هاشمی گفت: "اویلين طرحی که مطرح گردید، نکتدای داشت که خالق گیری را تأمین می‌کرد و آن نکته، شروع عملیات از جزیره [بلجایه] به بعد بود که دشمن خط دفاعی دارد و قرار بود که دشمن از پشت خالق گیر شود. اما فقط نکت اصلی که برای اویلين بار طرح اولیه را پذیرفته، در این طرحی که شما می‌گویید، واقعاً یک حمله و در روی [لک] جهای است. همان طور که شما گفتید، اگر دشمن در این جا راهه جاوه‌شایر را شناسد، حادث فکر می‌کند از این جا من خواهید حمله کنید، پس اگر بخواهید با همین مانور زود را در دشمن بینگذیر و وارد میدان (آن طرف ام امراض) بشوید، مشکل ترین حمله‌ای است که انتخاب کرده‌اید و سخت ترین جای باشد."

برادر جعفری درباره علت تغییر طرح مانور گفت: "اجراه طرح فلی خلیل پیچیده و مشکل بود. چون پیروهای ما می‌باشد، سوار بر آب حرکت کنند و این لازم‌اش این است که ما همه یاری هایمان را در رودخانه کارون جاوه‌شایر جاوه‌شایر می‌باشیم و ماهی از آن جا غیربرکتیم که با چند مشکل هواجه برد؛ اول، لزوم نصرت زمین مقابل ام امراض و قسمت چیه آن جهت تأمین عقبه عملیات؛ دوم، احتمال عدم درستیت در انجام تاکتیک ویژه وجود دارد و با وضعیت خاصی که ام امراض دارد، با فانی مانند یک تیوار دشمن در طول خط با سواحل چهارگانه [جزایر بوارین، ماهی، ام امراض و بلجایه] تمامی امکانات پیشیگانی مانکر می‌کند که احتمالش بیز زیاد است؛ سوم؛ پیچیده بودن مانور عبور از تنگه و هوشیاری دشمن در منطقه است. زیرا با توجه به حساسیت دشمن در منطقه نیز باعث گردیده که عواص ها مسکنی به یک سیار مشکل شده است و احتلال لر رفتن عملیات می‌رود؛ چهارم، نیزه نهرهای متعدد در منطقه نیز باعث گردیده که عواص ها مسکنی به یک نهر باشند، پس اگر به آب اندادن هر عواص نیم دیقه طول بکشد برای ۵۰۰ متر می‌بینیم از ۴ ساعت وقت لازم است در حالی که مدت زمان حد کامل ۳ ساعت است؛ پنجم، آنکه برآورد می‌شود پاک ساری شنیجه بیش از ۴۴ ساعت طول بکشد و در نتیجه انتقال عقبه طرف ۴۸ ساعت به آن، غیرممکن می‌باشد در نتیجه با این مشکلات، فرماندهان بگانه‌ای مانور را عملی می‌دانند و گفته‌اند "مانور سیار پیچیده‌ای است، و نظر همه این بود که مانور به سمت چپ گسترش پیدا کند." پس از توضیح علی تغییر طرح مانور، آقای هاشمی براحت خود را از طرح مانور فلی توضیح داد و گفت: "این ادله‌ای که من گویید، درست است چون ما اول هم بد مان می‌آمد که عبور از دادن غواص از اردوند به این سکل که بتواند در دو طرف اردوند به پشت دشمن بزند؛ قابل اعتماد نیست و آسان به نظر نیز رسیده می‌باشد اگر این تلاش را این طرح حذف کنیم، اشکالاتش کمتر از عمل به آن نیست." ایشان می‌سین دو اشکال عده را بر طرح جدید وارد نیست و اشکال اول را چنین بیان کرد: "اگر شناور مرفق مشویه جاده دوم را تأثیر کنید، همه بیرونی سپاه از این به بعد گرفتار و درگیر حظر طی پداشتی این منطقه خواهد شد، آن وقت شناور بگیر نبی تو ایند تیروی آماده کنید تا در یارین این منطقه (سمت فاو) عملیات شنام دهد." آقای هاشمی اشکال دوم را چنین مطرح کرد: "به احتمال خلیل قری دشمن این حرکت شما [یعنی پیش روی از روی جاده اول و دوم در مقابل جزیره میتو] تا این الحصیب" را گفت می‌کند و حتی اگر در نحطه شکسلن خط خالق گیر شوده این آمادگی را دارد که بگذراند شما از آن چاکر کنید و با همه امکانات خود جلو عبور شما را می‌گیرد." به دنبال طرح این اشکالات و پس از مدتها بحث فرمانده کل سپاه برای رهایی از این بن بست اجرای عملیات محدود (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شب درباره نقاط ضعف عملیات کربلای دو بحث داشتیم، به نظرم ادعای ضعف مدیریت عملیات اثبات شد؛ گرچه بعضی‌ها قبول نداشتند. دستور دادیم گلوله باران بصره قطع شود، زیرا در این چهل و هشت ساعت، دشمن شرارت مهمی نداشته است.

یکشنبه ۶ مهر ۱۳۶۵ | ۲۳ محرم ۱۴۰۶ | ۲۸ Sept ۱۹۸۶

تمام روز را در محل گلف در یک اتاق به سر بردم و به امور جنگ و بررسی تیازها و طرحها پرداختیم. [آقایان رفیق دوست و زنگنه] وزرای سپاه و جهاد و [آقای حسن فیروزآبادی] معاون

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

در شلسجه و بوارین را پیشنهاد داد. اما آقای هاشمی صنم رد این پیشنهاد گفت: "این جو دشی یک عملیات سگی است. گرفتن شلسجه، از پنج سال پیش جزو اهداف ما بوده است که اگر این جا وارد عمل شویم، بیش از سه ماه و حتی پیشتر از قاو در گیر خواهیم بود، از طرفی در این جا، دشمن تریجانه‌های زیادی دارد و از همه طرف می‌تواند روزی سقطه اجرای آتش بکند. پس اینکه اول اینجا عمل کنیم (شلسجه و جزیره بوارین را تصرف کنیم) و دوباره فیروزه‌یمان را تجهیز کنیم (برای سور از ارونده و سنت نگه ابوالخطب) و درباره عمل کنیم، سی دانم چگونه است؟ مطمئناً وقتی اینجا بایم (بوارین را تصرف کنیم)، دشمن (در جنوب ارونده) خط پیروزیم و اطراف آن را خانی نمی‌گذاره و خط نشکلی می‌دهد."

در صحن، در این جلسه آقایان هاشمی رفسنجانی و محسن رضایی آنکه کردند که تنها راه پذیره‌هایی، تلاش برای عبور از تنگه است. آقای هاشمی برادران را به گمار پیشتر برای عبور از تنگه سفارش کرد و در ترجیه احتیت سائل، استدلال کرد: "آن نقطه‌ای که به نظر من کلید مقطده است و باید برای آن راه حل پیدا کنند، این است که پس از نشکنند شدن خط اول دشمن، (در جنوب ارونده) شما از طرف پیروزیم وارد شوید، چون دشمن در اینجا (سواحل کارخانه پیروزیم) آمده این گونه مسائل نیست شما در طرح خود از مقابل جزیره می‌بریم تا این‌الخطبی سه مرحله پیش بینی کرده‌اید در حالی که در اجرای آن با کمیابی بگان رو به رو می‌شویم، تا برین مرحله اول را تصرف دام الرصاص و قسمتی از (عواری) و ساحل (بلجایه) در نظر بگیرید تا در شب اول از تاریکی استفاده کنید و در این فرست بدلون عراض، [این باین] بیرون و تدارکات را از تنگه عبور دهید". آقای محسن رضایی تیر خصم تأیید نظر آقای هاشمی گفت: "اصلاً جهت کلی مانور این است و ضمایش هم سنگی به حل گره (تنگه) وارد که باید با غرق روحی آن عمل شود. الله عبور از تنگه مشکل است که باید آن را حل کرد و تراش بیرون گذاشت". در نهایت مقرر شد که بحث در خصوص یافتن راه حل‌های مناسب برای مشکلات طرح مانور با تأکید بر عبور از تنگه ام الرصاص به عنوان تاکتیک و بیزه عملیات ادامه باید.

۱- در ادامه جلسه قبل هیچ‌های دیگر سپاه از جمله طرح عملیات یادگردی در هر رفاقتی اجرای عملیات‌های محدود در مناطق بدره، زیباطه (مندلی) و ماؤوت مطرح شد که آقای هاشمی توجه پیشتر به طرح «هزار» داشت و گرفتن بدره، زیباطه و مندلی را ارادی ارزش چندانی ندانست. ایشان در این جلسه طرح ارتش برای تصریف خانقین را مطرح کرد:

در جلسه دیگری در توارگاه بیرونی زمینی سپاه در اهواز، مسئولان این بیرون در حضور آقای هاشمی علی گزارش‌هایی، تعالیت‌هایی دشمن در سرتاسر جهان، اوضاع خطوط خودی، همچنین مشکلات تأثیرهای مهمات و امکانات مهندسی و لجستیکی را تشریع کردند. در نخستین گزارش، پس از عادی خواهند تعالیت دشمن در مناطق شمال عرب و غرب، بر تشدید حساسیت در مناطق شرق دجله، هور، جزیره مجنون، شلسجه و قاو تأکید شد. سپس افزوده شد که دشمن توان رژیمی لشکر گارد و همچنین سرعت بالا سازی بیرون‌هایش را افزایش داده است به طوری که هم اکنون (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

نخست وزیر در امور جنگ هم که احضار شده بودند، آمدند. فرماندهان لشکر ۲۵ کربلا آمدند. سازمان و نیازهای لازم لشکر شان را توضیح دادند. دو ساعت طول کشید و از این طریق وضع کلی لشکرهای سپاه روشن شد.

معطل ماندن ابزار جنگ و ماشین‌ها به خاطر نداشتن قطعه از مسائل مهم بود که وزیر سپاه مکلف شد برای تأمین قطعه تلاش کند. نیازهای رزمی و تدارکات هم بررسی شد. این نیازها حجم عظیمی است و خرج زیادی تحمیل می‌کنند. قرار شد دو هزار کمپرسی برای مهندسی هور تجهیز شود.^۱ عصر فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند و با حضور فرماندهان سپاه، طرح عملیاتی منصور که از طرف ارتشی‌ها تنظیم شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. فرماندهان سپاه به آسانی آن را نمی‌پذیرند و کار عمده عملیاتی به عهده آنها است. کمیسیونی برای بررسی بیشتر از دو طرف تشکیل شد.

قبل از مغرب، چند دقیقه‌ای همراه با دکتر روحانی در حیاط خاکی گلف قدم زدیم. هوایه شدت گرم بود، روزها واقعاً بر مردم اهواز سخت می‌گذرد. شب برای جمع بندی مذاکرات دو روزه با فرماندهان سپاه جلسه‌ای داشتیم.^۲ بد نبود.

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

پادگان‌های عراق بر از نیروی می‌باشد. اقدامات مهندسی دشمن در منطقه تاو تار به روی جزیره میتو و نفوذ عناصر شناسایی او به عراضع تبروهای خردی در سواحل ارونده تا شلچجه، از موضوع‌های گزارش بعدی بود. در ادامه این جلسه، گزارش‌های تیز درباره وضعیت تبروهای خودی و مشکلات آنها از جمله گشود مهمنات، ادوات و تجهیز مهندسی به خصوص در خط فاصله شد و میس نصیحتی به منظور رفع این مشکلات اتخاذ گردید.

۱ - به دنال جلسه دیروز فرارگاه خانم‌الانیا و متفق شدن طرح مأمور پیشنهادی تبروی زمینی سپاه، برای عملیات آئی، امروز با حضور آفای هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ، و آقایان محسن رضایی فرمانده کل سپاه، محسن رفیق دوست وزیر سپاه، علی شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه، رحیم صفری قائم مقام فرمانده نیروی زمینی سپاه، علامعلی رشید مستول معاونت عملیات فرارگاه خانم‌الانیا (من) و جانشین عملیاتی فرمانده کل سپاه، حسن روحانی رئیس ستاد کل پدافند، و محمد فروزنده مسئول مهندسی فرارگاه خانم، جلسه‌ای دیگر برگزار شد که در آن مباحث دیروز پیگیری و تلاش شد تا بنست طرح عملیات حل شود. در این جلسه فرمانده کل سپاه تلاش می‌کرد تا حاضران را به عملیات در این منطقه ایدوار کند. آفای محسن رضایی ضمن توجه نسبتی صعب طرح عملیات پیشنهادی، گفت: "ما تلاش خواهیم کرد تا روی طرح قلبی برای حل مشکل عبور از تلگه کارکیم و در هفته آینده نتایج را ارائه خواهیم داد". سرانجام پس از این دوره از بحث‌ها، تبا

یک راه حل برای اجرای عملیات در منطقه ایو الخصیب (حدرا) باقی ماند و آن بازگشت به طرح توافق شده در ۱۳۶۵/۵/۷ بود.

در جلسه امروز همچنین در خصوص مشکلات پیشیبانی، مهندس، تأیین نیرو و نیازهای لجستیکی بحث و نصیحتی اتخاذ شد. در پایان این جلسه به منظور تسریع در کار، تقسیم وظایفی انجام گرفت که بر اساس آن مقرر شد تا فرمانده کل سپاه امور مربوط به عملیات در منطقه جبار و ترجیه پیگانها و تغییر پادگانی در جبار و پیگیری گرد و فرمانده عالی جنگ نیز مسائل مربوط به تأیین و پیشیبانی تدارکات این عملیات را حل

کند. رجوع کنید کتاب "روز شمار جنگ ایران و عراق"، کتاب چهل و چهارم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ صفحه ۱۸۶

۲ - در این جلسه فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت: "ما از عملیات کربلای یک تاکتیک با مشکلات سپاه، جنگ را ادame داده ایم و دچار عقب (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

تلفنی یا نخست وزیر و احمد آقا که در بیت امام جلسه سران داشتند، صحبت کرد و از نخست وزیر اجرای اموری در ارتباط با جنگ خواسته شد.

دوشنبه ۷ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ Sept ۱۹۸۶

اول وقت فرمانده توپخانه سپاه و استاندار خوزستان برای امور جنگ آمدند. از جمله درباره زدن گلوله توب به بصره و تعمیر قبضه‌های توب و [تأمین] مسکن فرماندهان رزم‌منده در اهواز مذاکره کردیم. با آب سرد اهواز استحمامی نمودم که در اثر گرمی هوا به جای آب گرم قابل استفاده است. ساعت هشت صبح با ماشین به سوی دزفول حرکت کردیم، ساعت ده رسیدیم. در محل پادگان نیروی زمینی جلسه‌ای با حضور فرماندهان لشکرها، قرارگاه‌ها، تیپ‌ها و سایر واحدها و بخش‌های نیروی زمینی داشتیم.

【سرهنگ حسنی سعدی】 فرمانده نیرو صحبت کرد و بعضی از حضار حرف‌های خودشان را

(ادامه پاروفی از صفحه قبل)

باندگی سه ماهه‌ای در این خصوص می‌باشیم، به طوری که عدم تدارک پیگان‌های عمل کننده این ذهنیت را در برخی فرماندهی‌ها بگان‌ها ایجاد کرده که این کار تعجب‌آور نیست. آقای هاشمی نیز در این جلسه ضمن ابراز رضایت از موقعیت نیروی زمینی سپاه در استفاده از نیروهای رطیغه، برای تأیین برو و گشتن سازمان رزم سپاه گفت: «در این باره دست ما باز است و می‌توانیم با کمی فشار آمار مورد نیاز را برای انجام یک عملیات برگ گذانیم. حداقل بیار مهدی‌سی دو هزار دستگاه کمپرسی است که من شخصاً این مسأله را حل می‌کنم». در این باره فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت: «از عملیات غیر (۱۳۶۲/۱۲/۳) تاکنون در زمینه مهندسی پیگان‌ها، ما همچنین به منظور حابیگری‌یی پیگان‌های اندکی انجام نداده‌ایم، لذا حالا در حال جمع آوری نور و بولو و زر و دیگر امکانات مظیبه آنها گستبه‌ییم». آقای هاشمی در ادامه گفت: «به هر حال من روحانی و فوت دوست نیام این مسائل را در حد مقدور دیال می‌کشم و مانند تلاش خود را انجام خواهیم داد و چنانچه انجام نشود، شما این کوتاهی را از جانب ما تلقی نکنید». آقای شعبانی گفت: «مانع گریم که ناتوانی می‌کشد، ولی مشکلاتی که باید در خردادماه حل شود، فرار است آذربایجان می‌شود و این برای ما غایده‌ای ندارد». آقای هاشمی در ادامه گفت: «مانع امکانات کثیر را بسیج کرده‌ایم تا عملیات آنی را انجام دهیم». در این خصوص فرمانده کل سپاه ضمن تعیین شرطی برای عملیات موقی در این منطقه، گفت: «اگر شما به قبول های خودتان در خصوص تأثیرات متفاوت و مهمات و همچنین حضور پیشتر در جبهه‌ها عمل کنید، ما قبول یک عملیات موقی را به شما خواهیم داد». آقای هاشمی در پاسخ ضمن قبول موارد پاد شده گفت: «بیشتر پیشیگرانی را به عنیله‌های بگذارید و من در کار شما خواهیم بود». در خاتمه این جلسه و در بیان توافق فرمانده نیروی زمینی سپاه ضمن اشاره به تراویب فرماندهان سپاه از انجام ذاذن امیره افزوود: «شما اطمینان داشته باشید که هر کار نشدنی را به شدتی تبدیل خواهیم کرد و این کار را با هر وسیله ممکن (انتشار، ایثار و...). عینی خواهیم کرد». وی افزوود: «ما برای این کار هم شجاعت لازم و هم ساخته لازم را داریم و ان شاء الله عَزَّلَ قدرت الٰی عِشْکَلَاتِ انقلاب را حل خواهیم کرد و شکنی در این مورد نداشته باشید». آقای هاشمی در پاسخ گفت: «بن هیچ شکنی نداشتم که شما از ما جلوتر هستید و می‌توانید میانه دلایلی دو کارهای کوتاهی کنیم ولی شماها کوتاهی نبینی کنید. با این تفسم کار می‌خواستم تا هر کس تکلیف خود را بداند و لا ما می‌دانیم که شما کوتاهی نخواهید کرد و شما همه هستی خود را برای جنگ گذاشته باشد».

بیشتر در جهت نیازها گفتند و من مفصل‌اً صحبت کردم و توضیحاتی دادم. در مجموع جلسه مفیدی بود. به نظر می‌رسد تمایل به جنگیدن بعد از آمدن فرمانده جدید زیادتر شده و منسجم تر شده‌اند. نماز را به جماعت خواندیم و ناهار دسته جمعی خوردیم. سپس استراحت کردم و تاسعات شش بعد از ظهر درباره امور جنگ مذاکره داشتیم.

ساعت شش و نیم به جمع خلبانهای پایگاه چهارم دزفول رفتم. به سخنان فرمانده پایگاه و خواسته‌های خلبان‌ها گوش دادم. بیشتر آنها روی تهیه متول شخصی برای خلبان‌ها متمرکر بود. خواسته آنها را پذیرفتم و قول کمک دادم و سخنان مفصلی برای تقویت روحیه و امیدشان گفتم.^۱ از همان جا علی‌رغم خطرناک بودن پرواز - به خاطر احتمال حمله عراق - با دو هوایی کوچک حت‌استار و فالکن به تهران پرواز کردیم.

سه شنبه ۸ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۵ محرم ۱۹۸۶ Sept 1986

اول وقت به مجلس آمدم. در دو سه و وزر گذشته هم، خلاصه گزارش‌ها را به خوزستان می‌دادند و می‌دیدیم. مطلب مهمی ندارد. در جلسه علنی مجلس تا ساعت نه و نیم ماندم و سپس به دفترم آمدم. آقای عبدالله نوری آمد و در مورد کم کردن پر مسئلل غیر نظامی ارتش پیشنهاد داشت. سرهنگ ترابی آمد و پیشنهادهایی در جهت حمایت از نیروی زمینی ارتش برای انجام عملیات گستردۀ داد. ظهر جمعی از علمای اهل سنت از لارستان، پندرلنگه، قشم، پندرعباس و ... آمدند. اظهار

۱- در مختصر این سخنرانی آمده است: "شهدای زیادی که ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول دفاع امت اسلامی در مقابل هجاآزان نقدیم کرده و اکنون تصاویر شماری از آنان را در این محل شاهد هستیم، دلیل تعهد و وفاداری ارتش به افلاط و اسلام است. اعتمادی که مردم و مستران به ارتش و نیروی هوانی دارند، با عیانت چد عذر دنیاطبل می‌تراند نمی‌شود. اعزور تبروهای مسلح ما، از نظر وضعیت نظامی، آمادگی رژیم رژیستکی و تجهیزات در بهترین شرایط در طول شش سال دفاع خود و در نقطه مقابل زمان شروع تجاوز دشمن فرار دارند و در مقابل، دشمنان ما در ترزال سیار شدیدی درگیرند و هر لحظه در انتظار هجوم رژیستگان اسلام می‌باشد. اکنون دشمنان ماء خواب آرام ندارند و پیروزی در این نگرانی‌اند که امتنب، قرقا شب، این هفتاد و یا ماه دیگر، تبروهای اسلام آنان را مورد حمله قرار دهند. با وجود اینکه قادرت‌های استخواری، دشمن ما را از نظر تجهیزات و سلاح باری می‌دهند، خلبانان و متخصصان ما، ای هوابیها و امکانات خود به بهترین وجه استفاده کرده، قطعه‌های سیاری را که مورده نیاز بوده است، ساخته‌اند. نقش خلبانان و هر تبروه و شبكه‌های پدافند هوانی در عملیات پیروزمانه (والله) ارزشند. ارزشند بزر و در عملیات آینده نیز نیروی هوانی، باستی گماکان آمادگی خود را حفظ کرده، نقش اساسی خود را در فریه زدن به دشمن ایفاء کند. نیروی هوانی ما می‌باشد در عملیات مقابله به مثل بر حقی که صورت می‌گیرد، بر دشمن فریه وارد کند و اینه، سیستم‌های موشکی و توپخانه‌های قدرتمند رژیستگان اسلام نیز نقش خود را ایفاء خواهد کرد." برجوی کنید کتاب «هاسُنی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر نشر معارف افلاط، ۱۳۸۷.

وفاداری به انقلاب نمودند و خود را از همکاری با دولتهاي خارجي تبرئه کردند. گفتند کمک‌هاي بني که از خارج برای مدارس اهل سنت می‌رسد، کمک سنتی‌هاي ايراني مقيم شيخ‌نشين‌ها است و نه از دولتها. از توسعه مدارس اهل سنت بعد از انقلاب، اظهار رضایت کردند. آنها دو ميليون ريال به جيده‌ها کمک کردند.^۱

عصر به جلسه شوراي عالي انقلاب فرهنگي نرتفم و گزارش‌هاي چند روز گذشته را که به علت مسافرت نديده بودم، خواندم. تلفنی از نخست وزیر خواستم که چهار ميليارد تومان به نيزوی زميني ارش براي جبران فوق العاده عملیات عقب افتاده و سازمان صنایع نظامي پردازد. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | October ۱۹۸۶

آقای [مصطففي] کفashزاده به منزل آمد و از قول يك دلال اسلحه ادعاه کرد، يكى از افراد موثر نيزوی هوايي از او رشوه خواسته است. به دكتر روحاني گفتم موضوع را سريعاً تعقيب کنند.

۱ - مدرسان در مستولان مدارس علوم دیني اهل سنت استاد هرمگان و جنوب فارس، بین از بازدید از منطقه آزاد شده فار و ديدار با رئيسيگان اسلام در اين شهه جزيره، با آقای هاشمي ديدار کردند. در اين ديدار، شيعه محمد صالح قطباني امام جمعه اهل سنت نذر عاصم، حسین سخااني پيرامون سائل ميساني جهان اسلام، حساب جمهوري اسلامي ايران از روحانيون و مدرسان اهل سنت را مورد قدردانی قرار داد. ايشان ميس با اشاره به مساله جنگ تحصيلي، گفت: "صدام بني توارد مسلمان باشد؛ بلکه از دشن معمولي اسلام هم بدراست. صدام، چند استاذ ميهن ما را ويران کرده و اين همه آواره به جاي گذاشت. حتی اگر دو حمسايه غير مسلمان هم بودند، حق همسايجي يابد رعایت مي شد، اما صدام آن قادر بني و جهان برد که حتی از يك کافر معمولي هم با غافر نهاد". آنگاه آقای هاشمي حسن شکر، اين گزنه کمک‌ها را سند همکاري و اتحاد شيعه و سبي خواند و تحليل و ترسیم امام جمعه اهل سنت پيدرعياس، از مسائل را بسیار خوب و مeticلي توصيف کرده. در بخشی از این سخراجي آمده است: "تلقيق جوانان اهل سنت را که مدرسه‌ها را اداره مي کنند، ماهي اميدواري است. حار رو حجاز، معتقدیم عصده پيروزنهايي که به دست آورده‌ایم، در سایه تعاليت طلبه‌هاي جوان بوده است. ما انقلاب را برای جهان اسلام خواسته و می خواهیم و تنها آن را برای خدمان و شيعان نمي خواهیم. شيعه از جهت آماري، حدود يك دهم جمعيت مسلمانان دنيا را تشکيل مي دهد. به فرض که ما همه شيعان را انقلابي کنیم و همه‌جا انقلاب شيعي شود، انقلاب اسلامي كامل بخواهد شد، مگر آنکه دنيا اسلام با ما همراه باشد. اگر دنيا اسلام، به گونه معتقد، انقلاب کنند، در برای دستسان اسلام جيجه نيزومندي را تشکيل مي دهند. در زمان جوشش انقلاب اسلامي و قتل از پيروزنها، سخاجان علماني مثل سيدقطب، علمای الازهر، المجزاير و دیگر علمای اسلامی يارگو مي شد. اين گزنه برد که ما تعجر داشته باشيم و بگويم چون آنها سني الله و ما شيعه، بشاران بنايد سخاجان آنها را برای عردم بگويم. زمانی در حوزه علميه تم، و اعطان عالم، مطلع به انکار انقلابيون سني در کشورهای عربی بودند. کتابهای آنها توجهه مي شد و مقاله‌هایی بر اساس افکار آنان نوشته مي شد و اکثرون آنها، همین طور فکر مي کنند. ما آوروند بهم، يك دانشگاه ديني در سطح الابراهی اهل سنت ابیجاد شد که طلبه‌هاي اهل سنت بشاران نداشته باشند، تحصیلات خود را در گشتوهای دیگر ادامه بدهند، بلکه از دیگر نقاط تيز به گشتوه ما بپايد. ان شاء الله روزی اين مهم را با امکانيات دولتي و با استفاده از وجهه شرعی انجام خواهیم داد. ما همکاري با اهل سنت ايران و خارج از ايران را بر خود لازم مي دانيم". بجوع گند ^۱ کتاب "هاشمی و مسجالي، سخراجي هاي سال ۱۳۶۵"

آقایان [ابراهیم] سنجقی و [حمد] نقاشیان آمدند. اولی نامه‌هایی برای امضاء در امور جنگ آورد و دومی ادعا دارد که شرکت‌های راپینی می‌خواهند پنج میلیارد دلار نفت بخرند؛ پول نقد بدنهند و نفت را در آینده به قیمت روز بگیرند، به علاوه بهره. آقای ترابی برای امور جنگ آمد. رفیق دوست برای امضای جواز خرید اقلام تسليحاتی و پول استقراری برای جنگ از بانک [مرکزی] آمد.

آقای نخست وزیر، تلفنی از طرح مقررات کمیسیون اصل نود که نسبت به وزرا سخت‌گیری دارد، به تلحی انتقاد کرد. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. چون مصوبات هیأت رئیسه در دفتری ثبت می‌شود، معمولاً اینجا در خاطرات نمی‌تویسم، مگر اینکه موضوع مهمی باشد.

شب سران قوا مهمان نخست وزیر بودند. وزیر نفت که از عربستان و کویت برگشته بود، گزارش‌های خوبی داشت.^۱ ملک فهد اعلام کرده بود که صدور نفت عراق از طریق عربستان قطع شده و دیگر سعودی کمکی به عراق نمی‌کند و موافق حذف صدام است و می‌خواهد روابط را با ایران حسن کند. قرار شده فرآورده نفتی از سعودی بخریم.

او پیشنهاد کرده یک هفته جنگ را متوقف کنیم و قول داده که در پایان آن، صدام را کنار می‌گذارند. قرار شد در خصوص کیفیت این امر مذاکره شود. کویتی‌ها ابتدا شدید برخورد کردند، ولی با برخورد تندر آغازده، کوتاه آمدند. در مورد زدن موشک به کشتی‌ها در بندر کویت و سهمیه‌بندی بنزین^۲ و استقراری از بانک‌های داخلی و برنامه‌های جنگ مذاکره شد. دیر وقت به خانه رفتم.

۱ - حرجگاری رویترز گزارش داد: "به گفته مأمور مقنی و گشایانی خلیج [فارس]، خسارات ناشی از حمله هولای عراق به فرمانیه جزیره خارک، از اوایل ماه اوت گذشته [اواسط مرداد] میزان صادرات نفت ایران را به نصف کاهش داده است. از سوی دیگر، طرفیت صدور نفت ایران از این جزیره پس از حمله ماه گذشته عراق، از یک میلیون بشکه در روز به حدود نیم میلیون بشکه محدود شده است. گرچه حدود ۴۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار بشکه در روز از صادرات نفت ایران از طریق البارهای شاور در لرستان جزیره خارک انجام می‌گیرد ولی با این حال مجموع صادرات نفتی روزانه ۷۰ هزار تا ۸۰ هزار بشکه‌ای ایران در مقایسه با میزان صادرات این کشور تا اوایل ماه اوت گذشته نصف کاهش پیدا کرده است. بنابراین نشریه بروزی اقتصادی خاورمیانه (مید)، در هفته جاری میزان صادرات نفت ایران تنها ۸۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. این نشریه حداقل میزان صادرات نفتی ایران در ماه سپتامبر را یک‌میلیون و ۴۲۵ هزار بشکه در روز برآورد کرده است که این میزان نسبت به سقف دو میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز که توسط اوبک برای ایران تعیین شده است، حدود یک‌میلیون بشکه کاهش نشان می‌دهد".

۲ - به دنبال اعلام رسمی طرح جبردندی و تکریبی شدن بنزین، صحف طبل خودروهای سواری در اغلب شهرهای کشور از جمله اصفهان، همدان، بندور خیام، سمنان و چند شهر دیگر تشکیل شد. وزیر نفت در این باره گفت: "اين اقدام موقعي است ولی توسل به آن لازم گشته تا در معرف فرآورده‌های نفتی صرفه جویی شود و ذخایر استراتژيک کشور به مصرف نرسد".

۲ October ۱۹۸۶

پنجشنبه ۱۰ مهرم ۱۳۶۵ | ۲۷ اکتوبر ۱۹۸۶

تا ساعت هفت و نیم صبح گزارش‌ها را خواندم. تا ده و نیم در جلسه علی‌الله بودم. طرح اختیارات کمیسیون اصل ۹۰ مطرح است و دولت سخت مخالف آن است، ولی اکثریت نمایندگان موافقند و کاری نمی‌شود کرد.

پیش از ظهر به کارهای جنگ پرداختم. ظهر خانم دباغ و آقای یونس محمدی آمدند. عصر آقای حلیمه نماینده امام در پاکستان - که به جای آقای سید حسن طاهری در پاکستان هاند - آمد و گزارش کارهای خود را داد و از نیاز دانشجویان ایرانی در پاکستان به کمک ارزی گفت.

【آقای مسعود روغنی زنجانی】 وزیر برنامه و بودجه و معاونان آمدند. گزارش برنامه آمارگیری نفووس و مسکن را دادند و خواستند که در نماز جمعه از مردم بخواهیم همکاری کنند.^۱ 【آقای محمد سعیدی کیا】 وزیر راه و معاونان آمدند. گزارش عملکرد دادند و به خصوص در مورد پل والفجر روی اروند و پل دریاچه ارومیه مذاکره شد. آقای رحمانی و مسؤولان پسیح آمدند و گزارش کار دادند. برای آنها صحبت کردم.

۳ October ۱۹۸۶

جمعه ۱۱ مهرم ۱۳۶۵ | ۲۸ اکتوبر ۱۹۸۶

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. نماز جمعه را اقامه نمودم.^۲ در

۱- در این دیدار که آقای روغنی زنجانی وزیر برنامه و بودجه همراه با آقای جمشیدی رئیس ستاد سرشماری کشور و آقای بویری معاون امور مجلس وزارت برنامه و بودجه حضور داشتند، گزارشی از کارهای اجرایی که تاکنون انجام شده و برنامه زمان‌بندی برای اجرای سرشماری و همچنین برنامه‌های آتی ارائه شد، همچنین در رابطه با ضرورت و اهمیت سرشماری، همکاری مردم و نفس سرشماری در توسعه بازاری و برنامه‌بری اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور گفته شد. آنگاه آقای هاشمی بر ضرورت و اهمیت سرشماری تأکید کرد و بادآور شد که لازم است صدا و سیما و مطبوعات در مورد اهمیت سرشماری و آگاه نمردن مردم در این زمینه تعالله وارد میدان شوند.

۲- آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه به احتمال تغییر موضوع حامیان صدام، فشارهای سازمان ملل و کشورهای متعدد بر جمهوری اسلامی برای مصالحة با صدام، مواضع برخی عناصر داخلی در می‌ظافت با جنگ و می‌ساخت اخیر دوست می‌بر سهیمه شدی بین اشاره کرد و تنهای راه رسیدن به اهداف جنگ را تجھیر و تأمین تبروهات ۵۰۰ کیلومتر روزی داشت. ایشان این‌دادرباره تغییر موضوع حامیان صدام گفت: "بعضی از حامیان سیار جدی صدام به عا اطلاع دادند که کسیکه‌ایشان را قطع کرد واند و می‌خراند رابطه خود را با عراق قطع نکنند که این مسئله برای ما مقطعی جدیدی را باز می‌کند. در این‌دادی جنگ که احسان پروری ایران را نی دادند، دشمنان خیلی حرفاها می‌زندند اما هنگامی که آشکار شده ایران طرف پرورد این نیز است، شروع کرده‌اند به بیان این مطلب که این جنگ آدم‌کشی است و جنگ مسلمان با مسلمان است." ایشان همچنین پس (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

پایان دعا کردم و در دعا برای مرضای مسلمین، مریض منظور گفتم، چون چنین دعائی از من در نماز جمعه، کم سابقه یا بی سابقه بود، خیلی ها حدس زدند که امام مریض است و مراجعات تلفنی زیادی داشتیم. شب اخویزاده محمد و آقای توکلی آمدند. در مورد سهام شرکت البرز قم و برنامه آینده آن و اقدامات عمرانی و کشاورزی در آنجا مذاکره شد.

آقای رحیم صفوی تلفنی از انجام عملیاتی با همکاری طالبانی ها در خاک عراق در جاده دیانا عليه یک مرکز نظامی عراق گفت^۱ و برای تحمله مجر و حان، هلی کوپتر خواست. به سرهنگ ترابی گفتم به نیروی زمینی بگویید، پنج هلی کوپتر در اختیار قرارگاه حمزه بگذارند.

شنبه ۱۲ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ محرم ۱۹۸۶

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم گزارش ها را خواندم. احمد آقا و آقای خامنه‌ای برای هماهنگی در مطالی که بنا بود خدمت امام مطرح شود، آمدند. ساعت هشت خدمت امام رسیدیم. حالشان خوب است.

درباره پیشنهاد ملک فهد در خصوص توافق یک هفته‌ای جنگ به منظور مهلت دادن به نظامیان عراق، برای رفقن به بغداد و سرنگونی صدام صحبت شد. موافقت کردند که موضوع را تعقیب کنیم که برنامه و هدف آنها روشن شود و اگر جدی بود، تعطیل یک هفته را - که عنوان آتش پس نداشته باشد - را محکن دانستند. درباره زدن یک موشک ساحل به دریا به بندر کویت بحث شد، آقای خامنه‌ای مخالفند و امام هم موافقت نفرمودند.

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

از تأیید سیاست اخیر دولت در مورد سهمیه‌بندی نیزین، گفت: "در حال حاضر روزانه سه میلیون لیتر بنزین وارد کشور می‌شود و بایت آن دلار برداخت می‌گردد. عاقلاً نبست در شرایط فعلی اقتصادی، روزانه این قدر نیزین وارد شود". آقای هاشمی، با توجه به هریه‌های هنگست اسام شده برای مواد سوختی افزود: "اعتراف بی رویه و غیرضروری نیزین در این شرایط درست و منطقی نبست است این سهمیه‌بندی موقتی و مقطعي خواهد بود". رجوع گند ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطه‌های جمهه سال ۱۳۶۵، جلد دفتر تشریف اتفاقات، ۱۳۸۷

۱ - پیشگان حزب الله کرد عراق که فرارگاه رمضان آنها را پنهانی می‌کند، طی یک عملیات در کردستان عراق در صحراء دیانا - عریکه سوره، موفق شدند گردان واسطه ارتش عراق را در عرصه ۴۵ کیلومتری خاک این کشور، منهدم کنند. در این عملیات که از ساعت ۱۱ دیشب آغاز و تا اوایل ساعت پاکداد امروز ادامه داشت، جمیں انهدام کامل این گردان، کلیه پاسگاه‌های تابع آن در محو روزانه - هر گاه سور تصرف شد و تبروهای عراقی مستقر در آنها به امصارت درآمدند. در طول این عملیات، جاده دیانا - مرگه سور در کنترل کامل پیش مرگان حزب الله کردستان قرار داشت. در حرب این هدام گردان مزبوره سیاری از تجهیزات تبروهای دشمن منهدم شد و با سالم به خدمت پیشگان حزب الله کرد عراق در آمد. در عین اسرار عراقی چند تن از فرماندهان این گردان نیز به چشم می‌خوردند

درباره مسأله سید مهدی هاشمی و مرکز مخفی آنها - که اخیراً کشف شده - صحبت شد^۱. نظر امام این است که تعقیب شوند و به آقای منتظری هم گفته شود که دخالت نکنند و نهضت‌ها هم از آنها مگرفته شود. ما گفتم ممکن است تعقیب قضیه، به افراد نزدیک بیت آیت‌الله منتظری متوجه شود. پیشنهاد کردیم که کوتاه بیاییم ولی امام اصرار داشتند و قرار شد خودشان مطلب را به آیت‌الله منتظری بفرمایند^۲.

ساعت ده صبح به مدرسه شهید مطهری رفتم. جمع زیادی از روحانیون جمع بودند. برای آنها سخنرانی مفصلی درباره جنگ و ضرورت شرکت روحانیون در جبهه‌ها کردم^۳. ظهر به مجلس رسیدم.

عصر آقایان سرهنگ جلالی و کنگرلو برای سائل خریدهای نظامی مراجعت کردند. خبر دادند که عراق به دو کارخانه قند در خوزستان حمله کرده و ۲۷ نفر شهید و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح داشته‌ایم^۴. قرار شد که به عنوان مقابله به مثل، بصره را گلوله پاران کنند. شب در مجلس ماندم.

۱- سید نهدی هاشمی بیش از پیروزی انقلاب با همدستی چند تن از طرفدارانش در بخش قهقهه اصفهان به انعام قتل آقای شمس آبادی امام جماعت مسجد سید اصفهان و چند نفر دیگر دستگیر و در دادگاه جنایی اصفهان (در استفاده سال ۱۳۵۵) محکوم گردید. وی پس از پیروزی انقلاب آزاد شد و تحت عنوان گسک به سازمان‌های آزادی‌بخش، سمت‌هایی را احراز کرد. او سیس به انعام چند قوه‌جناحت و از تکاب انصیح دیگر تحت تعقیب فرار گرفت و پس از دستگیری و اعتراف به قتل‌های تکان دهنده - که اعترافات روى از سیماي جمهوري اسلامي ايران بخش گردید - محکمه و به اعدام محکوم و حکم صادره تبر جراحت گردید. حسایت آقای منتظری از ایشان - علی رغم تذکرات تکرر امام خمیني و دلسوزان انقلاب - اکي به دلیل نفوذ همکتران وی در بیت آقای منتظری، به ریشه تلاش‌های سید هادی هاشمی - داماد آقای منتظری و برادر سید مهدی هاشمی - یکي از دلایل متعددی بود که سراسجام مجرم به برگاري ایشان از قائم مقام رهبری گردید.

۲- به دنبال بررسی تعالیت‌های اطلاع‌اعلی و قضایی در رسیدگی به تخلفات مهدی هاشمی، امام خمینی در این روز طلاق ایشان آیت‌الله منتظری را از مخالفت با اقدامات انجام شده و نیز حسایت از نامرد برحدار داشت. امام خمیني (ره) در بخشی از نامه خود چنین آوردند: "من تأکید کنم که شما دامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است والا هیچ عکس العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایات مورد انعام، حنفی است. سلامت و ترقی حجاب عالی را خواهان". من کامل ناده در بخش خسایم همین کتاب درج شده است.

۳- آقای هاشمی که به دعوت جامعه روحانیت مبارز تهران در جمع روحانیون، چند تن از فقهاء شورای نگهبان و جمعی از نمایندگان مجلس در مدرسه عالی شهید مطهری سخن گفت، با اشاره به سیعیت رژیم عراق و تقاضی برای امنیت مبارزات و قوانین بین‌المللی و استفاده بی‌حساب از سلاح‌های شیمیایی، خمله به هوابساهای مسافری در آسمانها و کشتی‌های در دریاها و ویران ساختن شهرها و آبادیهای مانند سوگرد و هریزه، بر ماهیت دفاعی ادامه جنگ از سوی ایران تأکید کرد و خاطرنشان ساخت: "در شرایطی که قدرت‌های جهانی و رژیم‌های مقطمه از رژیم عراق حمایت مالی و سیاسی تسلیحانی می‌کنند، اگر رژیم عراق به حال خود گذاشته شود با تقویت خود، مجددآ یک جنگ چند ساله دیگر را بر ما تحصیل خواهد کرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" ذی‌قمر ششم معارف‌الخلافات، ۱۳۸۷

۴- در این روز دو کارخانه قند واقع در دزفول و جاده اهواز - اندیمشک و همچجن مترکت گشت و صنعت‌گارون در جرمه شورشتر شدند. حمله فرار گرفت که بر اثر این حملات، ۲۴ تن از افراد عیرنظمی شهید و ۱۸۵ تن مجروح شدند. در این حمله‌ها یکند قروند از هوابساهای عراقی هدف فرار گرفت و متوجه شد. چهار هوابسای عراقی در ساعت ۱۵:۰۰ بعد از ظهر امروز کارخانه قند دزفول را مورد تهاجم قرار (ادامه پاورتنی در صفحه بعد)

۵ October ۱۹۸۶

یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. در دفترم آقای [عبدالله] نوری نماینده امام در جهاد آمد. از عدم همکاری سپاه با پیشنهاد شوراهای روستائی جهاد^۱ در اعزام نیرو و گله داشت. آقای نادی [نجف آبادی]^۲ آمد و پیشنهاد تلاش وزارت خارجه برای ابقاء سوئی‌های پیمانکار کارخانجات شیمیایی صنایع دفاع اصفهان داشت. آنها در اثر بمباران گذشته عراقی‌ها، می‌خواهند بروند و کار نزدیک به خاتمه را معطل بگذارند.

آقای [مهدی] مهدوی [نماینده بابلسر] طرحی برای نحوه [توزيع] برجام‌های شمال مطرح کرد. به طرح بسیج اقتصادی انتقاد داشت. آقای [غلامعلی] شهرکی [نماینده زابل]^۳ آمد. از آقای [صادق] خلخالی [نماینده قم]^۴ گله داشت و آقای خلخالی هم از اظهارات امروز صحیح ایشان شاکی بود. با دکتر روحانی در امور جنگ و خریدهای نظامی مذاکره کردیم و خبرداد که امروز نیروی هوایی، یک کارخانه مهم حیری‌بافی عراق را در شهر کوت، به تلافی حملات دیروز عراق زده است. آقای سنجقی اطلاع داد که امشب قرارگاه رمضان، عملیات مهم نفوذی اش را انجام می‌دهند.

(ادامه پاره‌فی از صفحه قبل)

دادنه که میجرد شهادت ۲ تن و مجزووح شدن ۲۰ تن گردید. در این حمله کوره تفاهه چند قله و چند قسمت دیگر از کارخانه هدف قرار گرفت. هراپیماهی عراقی در حدود ساعت ۱۴:۵۰ نیز کارخانه قله و غصبه شکر واقع در جاده اهواز - اندیشک را بمباران گردند که بر اثر آن، یک تن شهید و ۱۵ تن مجزووح شدند و مساحتی جزوی به کارخانه وارد آمد. شش فروند از هراپیماهی عراقی ساعت ۱۴:۵۰ شرکت کشت و صفت کارون (در حرم شهرستان شوشتر) و شهرک گازگیری این شرکت (شهرک بروستان) را مورد حمله قرار دادند که غالباً بر وارد آمدن خساراتی به ناسیبات و ایثارهای شرکت، ۲۱ تن از کارکنان این شرکت و خانوارهای آنها شهید و ۱۵۰ تن مجزووح شدند که در میان آنها تعدادی کوکدک به چشم می‌خورد. در این حمله، هراپیماهی دشمن با مسلسل ایثاره و محروم شرکت را به ریگار ستد و در هنگام گیری از صقطه، تعدادی راکت به مزارع نیشکر پرت کردند که موجب آتش سوزی شد. در حمله هراپیماهی عراقی به شرکت کشت و صفت کارون، یکی از این هراپیماها از نوع «سن‌خو» به وسیله پدانله هراپی مستقر شد. درین منطقه هدف قرار گرفت و سرنگون شد.

۱- در دوین روز از کنفرانس بررسی نقش عضارک و بسیج مردم در خودکشی کشاورزی و سازندگی دستاورد، پام آقای هاشمی خطاب به شرکت کنندگان در کفراس قوات شد. درین خصوصی از این پام آمده است: "در قادوم روزند تکاملی انقلاب اسلامی رحلات بیرونی رژیم‌گران اسلام، آفیخن خون سرخ شهادت و خط سر جهاد خسنه‌های سگنه‌ی از عروج بندگان خالص خدا پیش روی نوشگان بارگاه الهی (که آفرینش انسان آنان را به تعجب و ادانته بود) خلق کرده و پیکن مسناوان جهاد سرود فتح قریب رژیم‌گان اسلام را در صور دیده و محروم و مستضعمن دیار حق را به نزول رحمت الهی مشارکت می‌دهد. جهاد سازندگی از میان نهادهای خود چوپشی که نایاب ضرورت‌های جامعه انقلابی ما بوجود آمده یکی از هر قلی ترین الگوهای سازندگی کشور را ارائه نموده و با اقتدار مختلف جامعه سروکار داشته و در بکارگیری تیروهای مزمن به انقلاب هر قلیت‌های چشمگیری به دست آورده است. نالانهای حدادفانه و خستگی نایاب جهادگران در هادین گفراگزین سازندگی و شرکت جانانه آنان بر زمزمه‌های مقابله باکثر جهانی چهره وجهه این نهاد مقدس را جلوه‌ای جذاب داده و سرمایه عظیمی از اعتماد تردد های می‌گیرند و آن بخشیده است". بچوی کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصالحه‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم" به انسجام پیام‌های

اوج دفاع

۲۹۱

سخنرانی در اجتیاع و عاظ نهان

عصر جمعی از انجمن‌های اسلامی باشکوه آمدند و خواهان کمک به وزیر اقتصاد در برگزار کردن آقای [محسن] نوربخش از ریاست بانک مرکزی بودند. توصیه به همکاری کرد.

معاونان سیاسی استاندارها همراه با [آقای علی اکبر محشی پور] وزیر کشور آمدند. صحبت کردم و توصیه به اتحاد و همکاری با سلیمانی‌های گوناگون تudem.^۱ [آقای موسی رفان] فرمانده نیروی هوایی سپاه آمد. گزارش کامل تشکیلات و امکانات نیروی نوبنیاد را داد و قول کمک‌هایی گرفت. شب سران قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودند. احمد آقا نامه امام به آیت‌الله منتظری را آورده بود که ضمن تجلیل زیاد از آقای منتظری، از ایشان خواسته بودند که در مورد تعقیب اتهامات آقای سید مهدی هاشمی و دوستانش همکاری کنند و حداقل سکوت اختیار نمایند.^۲ به آقای روی شهری هم گفته‌اند که تعقیب را شروع کنند. آقای روی شهری حادثه کاردار سفارت سوریه را توضیح داد و درباره مسئول نهضت‌های آزادیخواه صحبت شد.

۶ October ۱۹۸۶

دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | صفر ۱۴۰۶

در منزل بودم. بیشتر وقت با مطالعه گذشت. عصر خبر رسید که عراق به چند مرکز نفتی مثل بیدبلند،

۱- در این دیدار آقای محشی و زیرکنور گزارش مسیمان معاونان را به اطلاع ایشان رساند و سپس آقای هاشمی با اشاره به فعالیت وزارت کشور در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و ناهمه‌گی سیاست‌هایی که موجب فرست طلبی گروه‌های مناقوت در نقاط مختلف کشور می‌شد، گفت: "امروزه بحمد اللہ، دیگر یک نظام وجود دارد، ولی آنچه کنم و بیش هست شاید مشکل وزارت کشور و خلی جهانی دیگر نیز باشد، این است که هنوز حدود و نفوذ مسثیت‌ها، به ویژه کارهای سیاسی که تقسیم مادی و عرب‌جغرافی زیاد نداده تداخل و ظایف در امور خارجه‌گی و اجتماعی زیاد به چشم می‌خورد و فاعل‌تازه مشکل وزارت کشور هم هست. اما، به هر حال، از جمله مسثیت‌هایی بود که شورای انقلاب به عهده استانداران گذاشت. تصویب هیات دولت در مرور انتخاب استانداران، شرط میزدین اخبارات و قدرات پیش معلوم شرایط غیرضریب آن رمان بوده است. تصور می‌شد، شیوه کار به گونه‌ای باشد که بخلن‌های دولتی روزانه دیگر یک نوع نمرک در ارتباط با او داشته باشد، هیأت دولت، استانداران را تعیین می‌کرد و وزرا با مذیونان کل در امور خاص استانداران ناهمه‌گی می‌گردند. کاری که به شناسایی‌گان سیاسی وزارت کشور در استانداریها عربیوت می‌شود، سیار طریف است. امروز، در شرایط جدگ، وحدت و هماهنگی در شمار نخستین نیازهای جامعه ماست. ما، هنوز به طرف تئیت و جا اندخان سازمان‌های کشورمان در شرایط انقلاب و ناهمه‌گی آنها بیش می‌روم که مهم ترین الزام برای ما، در این جهت، ناهمه‌گی و وحدت است. چیزی که ما به خلیج‌کلی می‌فهمیم، این است که در مسئولان سلطخانه‌ای کشورهای از ورژانگر فرقه نا معاونان آنها، استانداران، معاونان، فرعانداران و مدیران کل، حسن تیت و جرد دارد و توغاً دیده نمی‌شود که دلسوزی نمایند. اگر هم باشد، ناتاخته است، مطلب هستم که در همه سطوح، دلسوزی برای انقلاب وجود دارد. اگر عدم دلسوزی باشد، در ودهای پائین، آن هم در شاخته است، اکثر مسئولان رده بالا، تا آنچه که من می‌دانم، در قید افسانه کار و حق جلسه گرفتن نیستند، بلکه سعی می‌کنند گزارش را انجام دهند. مشکل ما، اکثر، ناهمه‌گی در سلیمانی‌های است. ما، شیوه عربی‌ها را به آن صورت نظام جزی نماییم که جزی انتخاب می‌شود و بقیه، دیگر توقعی نداشته باشند که فکر کنند حالاکه مردم به آنها رأی دادند، دیگر ما شکست خورده‌ایم و کار می‌رومیم. آنچه، جزی که شکست می‌خورد، دیگر توقعی ندارد و می‌رود دنبال برنامه‌ای و تبلیغات برای پیروز شدن در دوره بعد". بچوک گردید کتاب "ناهمه و فسجانی، سخنواری‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر شعر معارف انقلاب، ۱۳۸۷^۲- این نامه در بخش خسایم عین کتاب درج شده است.

بوشهر، اهواز، اسکله آذرپاد و مارون‌ها و کارخانه کاغذ سازی پارس حمله کرده و خساراتی وارد شده^۱ و حمله‌ای که دیشب قرار بود قرارگاه رمضان به مراکز نفتی عراق داشته باشد، انجام نیافته است. گویا مانع داشته‌اند، به تاخیر افتاده است.

شب آقای مهدیان آمد. در مورد پولی که از میراث [ابولفضل] تولیت در بانکهای لندن مانده و به خاطر اختلاف وراث نمی‌توانند برگردانند - با اینکه پول از وراث نیست و خیریه است - صحبت شد. قرار شد خاتم تولیت اقرار کنند که از خیریه است، تا برای گرفتن آن کمک کنیم. اقرار نامه ناقص آورده بود. خواستار شرکت من در مراسم دانشگاه امام صادق(ع) بود.

سه شنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۷ October ۱۹۸۶

تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی مجلس بودم. پیش از ظهر جمعی از نمایندگان که به جبهه رفته بودند، گزارش‌هایی از نیازهای جبهه و مسائل کردنستان آوردند. ظهر آقای محمد هاشمی آمد و از مزاحمت شورای روستا در مورد گرفتن دو درصد محصول پسته املاک اجاره‌ای بنیاد به ایشان شکایت کرد. آقای سید علی هاشمی آمد و از دوگانگی نمایندگی ولایت فقيه در امر مدیریت امور عراقی‌ها ابراز نگرانی کرد؛ آقای رحمانی از طرف آیت‌الله متظری و آیت‌الله خامنه‌ای که قبل از طرف امام نصب شده‌اند.

آقای ستحقی آمد و اطلاع داد که عملیات نفوذی قرارگاه رمضان در وقت مشخص آینده انجام

۱ - حملات هوایی عراق به مأاطق غیرظامی کشور امروز بیز با شدت دنیال شد که در نتیجه آن، بالایشگاه، گار پیدبلد، تأمیمات (بوبت یک) اهواز، شرکت نفت مارون اهواز، کارخانه قند و کاغذ سازی هفت به و جزیره خارک میزان شد. شرح این حملات چنین است: چهار فروردین از هوایمهای عراق، بالایشگاه گاز پیدبلد (واقع در ۳۰ کیلومتری جاده پیهبان - آنچه‌جایی) را هدف ۸ سبب غفار دادند که بو اثر آن به قسته‌های از آن - از جمله دیگرهای بخار - خساراتی وارد آمد و ۴ تن شهید و ۲۰ تن مجروح شدند. این هوایمهای همچنین یکی از مأاطق عشاپردازین منطقه را نیز مورد هدف قرار دادند و یا به رگبار مستن این منطقه غیرظامی ۳ تن از عشاپرداز افجور گردند. هوایمهای مهاجم امروز همچنین به تأمیمات نهضت اهواز عرسوم به بوبت یک (واحد پهراه برداری شماره پنک، واحد پیمانه هفت) حمله کردنده که علاوه بر وارد آمدن خسارات، ۶ تن شهید و تعدادی مجروح شدند. واحد فارون ۲ و واحد (بوبت) اهواز بیز مورد حمله قرار گرفت. در این حمله ۸ تن از کارکنان این واحدها بر اثر اصابت بمدنه به سنگر محل احتشامشان شهید و ۱۰ تن نیز مجروح شدند، اما خسارات وارد به این تأمیمات جزوی بوده است. همچنین دو فروردین از هوایمهای دشمن امروز در ساعت ۱۷:۱۱ کارخانه کاغذسازی پارس و قند و شکر هفت پیه را بمیاران کردنده که بر اثر آن تعدادی مجروح شدند. حمله دیگر امروز عراق به جزیره خارک که بود که خسارت‌هایی به اسکله ۱۲ (آذرپاد) وارد آورد. این اسکله در قلع غربی جزیره خارک و مقابل اسکله تی (T) (با اسکله شرقی قرار دارد که حمله شدید جاند روز پیش عراقی به آن، سبب آسیب دیدن چند محل بارگیری و گاهش مادرات نفت ایران شد).

می شود. شکایتی از عدم اجرای دستور فرماندهی به نزاجا در خصوص تحويل مهمات به جزیره مجnoon آورد که توبیخ گونه ای نوشت.

عصر در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. آقای فروزنده تلفنی اطلاع داد که پل لوله ای که جهاد سازندگی روی اروند ایجاد کرده اند، امروز کامل شد و مورد بهره برداری قرار گرفت. این پل از کارهای عظیم انقلاب است که موقعیت ما را در فاو مستحکم می کند و برای عراق امکان تخریب آن با بمباران نیست.

شب در دفتر آقای خامنه ای و با حضور آقای [سید جلال الدین] طاهری امام جمعه اصفهان، درباره امور جنگ و ارتش صحبت کردیم.

چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۸ October ۱۹۸۶

پیش از ظهر آقایان علوی تبار و صفوی از کمپسیون نفت آمدند و گزارش وضع پدافند تلمبه خانه های نفت را دادند؛ خوب نیست.

عصر گزارش ها را آوردند. به مجلس نرفتم. به خاطر راه دور بین منزل و مجلس و لزوم آمدن پاسدارها، رفتن از خانه به مجلس و بالعکس کار مشکلی است. به کار خطر ضد انقلاب، رحمت پاسدارها وقت رفت و برگشت در سطح شهر، سعی می کنم کمتر رفت و آمد کنم. گاهی به مجلس نمی روم و گاهی به خانه نمی آیم. نامه ای به آیت الله منتظری در ارتباط با شهادت یاسر رستمی - نوه ایشان - نوشت.

۱- امروز پس از حدود شش ماه تلاش پیگیر و تنبیه روزی، آخرین مرحله آماده سازی و آسمالت ریزی پل بعت به پایان رسید و اولین ترددها به دو کرانه دارویل رود از روزی آن انجام گرفت. پل بعت به درخواست فرماندهان عالی جنگ راه کوشش و ابکار مهندسان جهاد سازندگی خراسان طراحی و ساخته شده است. پل های ساخته شده قبلی که از نوع شاوره هستند، پاسخگوی نیاز متفاوت عملیاتی نبودند. پل بعت حدود ۹۰۰ متر طول و ۱۲ متر عرض دارد و از ۳۴۰۰ توله به طول ۱۲ متر و قطر ۱/۴۲ متر و ضخامت ۱۶ میلی متری از نوع غولاد ۱۴۰۰ نشکل شده است. این ترددها در هر رذیف به وسیله اتصالات گشواره ای به هم زنجیر و متصل شده و میس در سر رودخانه مناسب ناعرض آن، از گفت تا یک متر بالاتر از سطح رودخانه پهن و رذیف شده اند. هر رذیف روزی رذیف قبلی به گونه ای تغییر گزندگ است که شکل شکنده آن زیبایی وجود آورده اند. روزی آخرین رذیف پس از تراز کردن سطح فرقانی به وسیله تردد های ناقلل هنفاوت، به مقدار و ضخامت لازم آسمالت ریخته شده است. چون روز استقرار نیروهای مهندسی جهاد خراسان در منطقه در تاریخ دوشنبه ۱/۱۷ ۱۴۳۶ و مصادف با روزهای نزدیک به عید معتم حضرت رسول اکرم (ص) بوده این پل، «بعت» نامیده شد. طراح و ناظر ساخت این پل، مهندس بهروز پور شریفی فرمانده عملیات مهندسی پیشیگیری جنگ جهاد سازندگی بود که در یک سانجه راندگی در سال ۱۳۷۴ درگذشت.

۲۹۵ اوج دفاع

پل بعثت

۹ October ۱۹۸۶

۱۴۰۶ | ۱۳۶۵ مهر | ۴ صفر

معلوم شد عملیاتی که قرار بود دیشب انجام شود، به تأخیر افتاده است. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. پیش از ظهر آقای [علی محمد] دستغیب از شیراز آمد و برای سالگرد شهید [آیت الله عبدالحسین] دستغیب [امام جمعه شیراز] دعوت کرد که به شیراز بروم.

دو نفر از ائمه جمیع خوزستان آمدند. درباره پدافند و مسائل خوزستان استمداد کردند. دکتر روحانی را خواستیم و تاکید بر تقویت پدافند شد. استاندار هرمزگان آمد و وضع استان را گزارش کرد. عصر سر هنگ جمالی آمد و برای انتقال دخترش از دانشگاه اهواز به تهران و برای حل اختلاف شان با سپاه بر سر قرارگاه اصفهان، کمک خواست.

دکتر [محسن] نوربخش [رئیس بانک مرکزی] آمد. وضع ارزی را توضیح داد و در مورد اختلافش با آقای [محمد جواد] ایروانی [وزیر امور اقتصادی و دارایی] گفت. قرار شد برای رفع اختلاف کمک کنم. در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم. در مورد بودجه ارتش و کم کردن پرسنل اداری نیروها بحث شد.^۱

۱۰ October ۱۹۸۶

جمعه ۱۸ مهر | ۱۴۰۶ | ۵ صفر

در منزل بودم و کار زیادی نداشتم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت^۲. یاسر با دوستانش به کوهنوردی

۱ - شورای امنیت که از جمله روز قتل به در خواست گروه هفت نفری الحادیه عرب جله‌های اضطراری برای برسی جنگ ایران و عراق تشکیل واده بود، بعد از بحث‌های طولانی، امرور قطعنامه جدید را تصویب کرد که در آن از دکتور دیگر خواسته است که قطعنامه ۵۸۲ مصوب در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۵) را پذیرنده و اجرا کند. از دیگر نیز در خواست شده است تا پس از تصویس با طرف‌های درگیر در مورد اجرای این قطعنامه، تیزه کار خود را تا ۳۰ نوامبر (نهم آذر ۱۳۶۵) به شورای امنیت گزارش دهد. این قطعنامه مانند قطعنامه‌های قلی نقطه ترجیح است و در فاصله زمانی ۷ ماه و ۱۲ روز بعد از قطعنامه قلی صادر شده که تست به سایر قطعنامه‌های قلی، فاصله نسبتاً کمی می‌باشد. خسماً از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده نیز این قطعنامه کم تأثیری نیز در خواسته قطعنامه از مجموعه قطعنامه‌های مورد مطالعه است.^۳ با توجه به سخنان دیگر کل در اجلاس شورای امنیت در ۱۳ آکتبر ۱۹۸۶ (۱۱ مهرماه ۶۵)، تهدیدات ایران منتهی بر انجام دادن حمله سرنوشت ساز و نهایی، در صدور این قطعنامه مؤثر نبوده است. در قطعنامه ۵۸۲ با اظهار تأسف از ادامه جنگ - تهاجمات ارضی، نیسان هناظی غیرنظالمی، حمله به کشته‌های بی طرف و هزارها ایجاد شده بین اسلامی به خصوص استفاده از ملاجع تسبیابی، از ایران و عراق خواسته شودند تا بنی درنگ این موارد را علی کشند: آتش رس، توقف مخاصمات در دریا و هوا و زمین، عقب کشیدن همه نیروها به حوزه‌های شناخته شده بین‌المللی، مبارله اسپران و تبدیل روش‌های خصممه به میانجیگری مصالحت آغاز.^۴

۲ - در واکنش به جو سازی‌های اخیر عراق می‌بر در معرض نظر قرار گرفتن صلح و امنیت منطقه خلیج فارس، امروز به در خواست جمهوری

رفت. خسته و راضی بود.

۱۱ October ۱۹۸۶

شنبه ۱۹ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

اول وقت آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد، عملیات ما در منطقه کرکوک انجام شده است. سپس
نفر از نیروهای ما و دو هزار نفر از نیروهای طالبانی [= اتحادیه میهنی کردستان عراق] در این
عملیات شرکت داشته‌اند.^۱ ابتدا نیروهای نظامی، اطراف مراکز نفتی را منهدم کرده‌اند و سپس با حذف
سی قیصه از اسلحه‌های متوجه قبیل خمپاره، مینی کاتیوشوا و تفنگ ۱۰۶ و آر.پی. جی به چندین

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

اسلامی، من طرح قرارداد انتخابی پیش‌نیازی ایران برای منطقه را سازمان ملل منعقد نشتر کرد. در این طرح - که ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۵ (۲۰ مه ۱۹۸۶) وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران برای اتفاق دیگر یک قرارداد امنی مطلقه با کشورهای حلفاً فارسی می‌بر اصول استقلال،
حکومت ملی، نیابت ارضی، عدم مداخله در امور دیگران و همچنین بی طرفی کامل در جنگ، احلاف آزادگی کرده است. در این نامه آمده است: "برای جلوگیری از حمله به هر کشور دیگر راحتمالاً جلوگیری از توسعه جنگ به صایر کشورها، همان‌گونه که این موضوع در قطعنامه ۵۸۲ تواریخ اصیت ضعکن شده، جمهوری اسلامی از آن حمایت می‌کند." در بعضی دیگر از نامه نوشته شده است: "حمله عراقی در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) شروع شد و در حال حاضر به مرحله پیچیده خود رسیده و به دلیل حیات برخی کشورها و عدم آزادگی میان این اینکه به منظور جلوگیری از نیازهای خارجی، بیش آن رود که باقی راه حل نهایی مدت زیادی به طول انجامد. در چنین شرایطی جلوگیری از گسترش دائم چرازیابی جنگ هدف اصلی سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مطلقه می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، جمهوری اسلامی ایران بر مبنای میاست اعلام شده مبنی بر جلوگیری از گسترش دائم جنگ به منظور ایجاد صلح با ایان در آینده برای منطقه، در جهت توسعه روابط خود با کشورهای منطقه مدام کوشش کرده است، علی‌رغم گشک‌هایی که توسعه برخی این کشورها به عراق داده می‌شود، عراق توسط تبلیغات سوء و سوء خود و هم‌اگهی می‌سازی با برخی کشورهای این تشنج را تشید کرده است. در پایان نامه آمده است: "به نظر ما [ایران] حضور یک نایابه بی طرف در چنین شرایطی سیاست مودمند خواهد بود. دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به روابط دولتی و اعتماد متقابل که در خلال سالیان گذشته با آقای دیربکل بوجود آمده، آمده است برای جلوگیری از گسترش جنگ به خارج از مرز دور کشور همسکاری کند. به همین منظور اقدامات و اسناد آقای دیربکل باید در جهت ایجاد صلح بآئین در منطقه متنی بر اصول رعایت اخراج به استقلال و تمامیت ارضی و همچنین عدم مداخله در امور داخلی دیگران و ایجاد بی طرفی کامل توسعه همه کشورهای موزد پورسی غفارگیرد."

۱ - ساعت ۱۳:۰۰ یامداد امروز عملیات بزرگ تئودزی سپاه پاسداران انتظام اسلامی با مسکاری نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق در دو صحنور در استان کرکوک، عراق نایام قلع یک آغاز شد. از اولین دقایق شروع عملیات، تأمینات نفتی، صنعتی و نظامی کرکوک از سه صحنور با خبرهای اندازه‌های ۱۲۰ میلی متری، تفنگ ۱۰۶ میلی متری و مینی کاتیوشای ۱۰۷ میلی متری تبروهای خودی زیر آتش شدند فرار گرفتند. با اجرای آتش در محور جلبر و حضور عملیات آغاز شد. نیروها در محور دوم (سفرلی و دارامان) نیز ساختی بعد عملیات خود را آغاز کردند. در محور سوم ارتخاکات کانی دملان هم با اندکی تأخیر و پس از رفع منشکلات می‌جوده، درگیری در پاسگاه دشمن و بلافضله اجرای آتش روی تأمینات نفتی باباگرگر آغاز گشتند. در بین اندک، منطقه دچار آتش سوزی گسترده‌ای شد و تمام آتش و دود غلظی اجاته کرد به نحوی که دیده‌بان‌ها دیگر قادر به مشاهده نقاط اضطراب نگلر له شوندند. آتش سوزی تأمینات باباگرگر از فاصله ۴۰ کیلومتری به خوبی دیده می‌شد و حتی از آن می‌توان اندکی دملان (با ارتفاع ۴۸۰ متر) نیز قابل مشاهده بود. در پایگاه هر این کرکوک احباب گلوله‌های مینی کاتیوشای ۱۰۷ که دیده بودند، آتش سوزی وسیعی ایجاد کرد. چند هیلی کوپرتر نیز (حداکثر سه فروند) در این پایگاه منهدم شد.

مرکر نفتی از قبیل تلمیه خانه پالایشگاه، بهره برداری، تانک فارم، تصفیه گاز و ... حمله کرده‌اند. خارت عراق قاعده‌ای زیاد است و پس از روش شدن هوا، نیروهای ما به عقب برگشته‌اند و در منطقه تحت کنترل طالبانی‌ها متفرق شده‌اند.

با قرارگاه و ستاد تبلیغات جنگ مذاکره کردیم، قرار شد اسم عملیات "فتح یک" گذاشته شود. قبل از قرار بود کربلای چهار باشد. خواستیم جنبه عملیات داخلی خود عراق داشته باشد. ظهر به داشگاه امام صادق(ع) رفم. از کلاسها و خوابگاه بازدید کردیم. در سالن برای دانشجویان صحبت کردم.^۱ بعد از ناهار به خانه برگشتم.

احمد آقا آمد. راجع به عملیات فتح یک توضیح خواست. راجع به حفاظت اطلاعات سپاه که به امام شکایت کرده و دستش از قسمت عده سپاه کوتاه شده، صحبت کردیم. با تصمیم اخیر امام سه نیروی سپاه از مراعات اساسنامه معاف شده است. برای تسريع در امر جنگ بحث شد. آقایان علی شمخانی و محسن رضایی و [محمد باقر] ذوالقدر، تلفنی گزارش عملیات فتح یک را دادند. عصر غلت و خانم امام به منزل آقا خوانساری رفتند.^{*}

۱۲ October ۱۹۸۶

یکشنبه ۲۰ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ صفر ۷

تا ساعت هفت و نیم صبح گزارش‌ها را خواندم. هنوز انعکاس ضربه به کرکوک، [در رسانه‌های ارتباطی] خوب به چشم نمی‌خورد. عراق و منافقان مذبوحانه تکذیب می‌کنند. در جلسه علمی، قبل از

۱- آقای هاشمی که در جمع دانشجویان داشنگاه امام صادق(ع) و بعد از اقامه نماز غیر و عصر به امامت آیت الله مهدوی کی می‌گفت، بر اینست آموزش می‌ستاندیک و برنامه ریزی شده، تأکید کرد. ایشان در همین مورد غشی علاوه مدرسه حقوقی نم که در ابعاد کوچکتر تحت آموزش سیستماتیک فرار داشته‌اند در این‌ای اتفاق را به عنوان عمال بادآور شد و داشنگاه امام صادق(ع) را شکل تکامل یافته آن مدرسه توصیف کرد که امروز با قوچه به امکانات موجود رطیقه سگنی بر عهده دارد. ایشان خوب درس خوانند را بهترین قدردانی از این‌گری رژیم‌گرانی دانست که یا فداکاری خود موقیت جنده‌ها را تحکیم کرده‌اند و انقلاب را به پیش می‌برند. آقای هاشمی با مقاصد کم و کیف تحصیل طلاب درگذشته و حال، تراویح مساعده و فرام تحصیل امروز را معرفون خون شهدای انقلاب اسلامی دانست و خبرورت نظردانی از این نعمت از طریق آموزش خانمانه علم و تعریف تقوی او ایله خدمات به جامعه و انقلاب را عورت تأکید قرار داد. رجوع کید گیاب "هاشمی رستجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، "ذفتر شریعت اسلام، ۱۳۸۷

*- در این روز نصدین دور مذاکرات (ازونالد ریگان) رئیس جمهور آمریکا و «عی خانل گوریاچ» دبیرکل حزب کسرویست شوروی در اریکیاونک ایسلند پایان یافت. به گزارش پونایندگرس، ریگان و گوریاچ ایندا یک ساعت به طور خصوصی گفتگو کرده، میس وزیران امور خارجه دو کشور به آنها پیوستند. نسبت دور مذاکرات ریگان و گوریاچ دو ساعت به طول انجامد و قرار است دو مذاکره دو ساعت دیگر نیز داشته باشد. سخنگوی کاخ سفید، مذاکرات را دوستانه خواند

شروع توضیحی از عملیات برای نمایندگان دادم و قبل از دستور، صحبت تحلیل گونهای داشتم.^۱ ساعت ده و نیم به دفترم آمد.

آقای محلوچی آمد. گزارش قایق هدایت شونده صنایع الکترونیک شیراز را داد و از عدم هماهنگی سپاه و ارتش و دخالت در کارهای یکدیگر گفت. آقایان [علی] یوسف پور [نماینده اردن] و [مرتضی] رضوی [نماینده تبریز] آمدند و در مورد مراکز اقتصادی و صنعتی عراق توضیح دادند. خواستند نیروی هوایی به مراکز مهم نفتی عراق حمله کنند.^۲

دو نفر از همافران از پایگاه هشتم [شکاری] اصفهان آمدند. از ضعف عمل حفاظت اطلاعات و عقیدتی سیاسی ارتش گفته‌ند. عصر سرهنگ جلالی [وزیر دفاع] آمد و از بماران کارخانه نظامی اصفهان ناراحت بود.

جمعی از پزشکان آمدند. برای عدم سخت گیری مقصراًن اعتصاب پزشکان استمداد کردند. گفتم به وزیر بهداشت نامه بنویسند و رادیوهای بیگانه را محکوم کنند و از اعتصاب غذر بخواهند. سخنان بود که به وزیر نامه بنویستند. گفتم به من یا نخست وزیر بنویسند.

۱ - آقای هاشمی در این نطق از گوشش و فداکاری رژیم‌گان در عملیات فوج ۱ شکرکرد و پس از تشریح اهمیت این عملیات، اطهار امیدواری نمود که عملیات فوج ۱ باعث درگیری دنیا از قدرت جمهوری اسلامی ایران و اقدام برای جذب خدام از طبقه سیاسی قبل از عملیات بزرگ آئی تبروهای خودی شود. در بخشی از این نطق آمده است: «ما از رژیم‌گان اسلام به خاطر تحولی که ناچارک جدید خود در عملیات فوج ۱ ایجاد کردند، تسلیم می‌کیم. تردیدی نیست که رسانه‌های استکاری و حایان آزاد تلاش می‌کنند تا از اهمیت این عملیات گه برای عراق کوچیده است، بکاهند. این امر در مقطع مناسی شروع شد زیرا در شرایطی که رژیم‌گان ما بجذب در حال آماده شدن برای عملیات مرتباً نشست ساز می‌باشند، ضرورت داشت که از داخل عراق هم حرکت ماسی آغاز شود و خوشبختانه با همکاری صمیمانه‌ای که می‌قرارگاه رمضاً و اتحادیه میهن پرسان اکتسان کردستان به وجود آمد، این تحول شروع شد. اینکه سوان تا عمق حدود ۱۸۰ کیلومتری خاک عراق دهنه‌های اسلحه سیک و سگنی را انتقال داده و مقتله‌ای به راست ۱۰۰ کیلومتر را به آتش کشید، با ادعای سلطه اطلاعاتی عراق بر تماشی خاک این کشور، سازگار نیست. نفوذ این تعداد رژیم‌هه به درون عراق در شرایطی که عملیات احتیاج به عاقل‌گیری کامل داشت، برای حمایه‌دار کنندۀ است و جالب اینکه تبروهای رژیم‌های روزنه مهیج گونه صدمه‌ای نیز ندیدند، یعنی ما هیچ‌گونه تلفات جانی غیر از چند مجروح در این عملیات نداشتم و این کار بسیار چشمگیری است که در آن راست انجام شد. ما از تحریب سرمایه‌های عراق خوشحال بیسیم ولی از اینکه در این مقطع صربایی به مانش چنگی عراق برترم، خوشحال هستیم». رجوع کنید سه کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور مال ۱۳۶۵، جلد ششم»، دانشنیر معارف اقلاق، ۱۳۸۷.

۲ - هواپیمایی عراقی امروز مجمع صنایع اصفهان و پالایشگاه شیراز را بماران کردند و خسارات بسیاری به این دو مرکز اقتصادی وارد آورده‌اند. ساعت ۱۶ امروز مجمع صنایع اصفهان که تبریز نظر سازمان صنایع دفاع و آسنه به وزارت دفاع می‌باشد و در جنوب این شهر (نژدیک زرین شهر) واقع است، به وسیله شش فروند هواپیمای میراژ دشمن نماran شد که علی آن ۱۳ تن شهید و ۱۰ تن مجروح شدند. بنابر اطهار شاهدان عینی در این حمله دو فروند از هواپیمایی عراق در ارتفاع ۱۵ هزار پا به فرب پادشاهی‌های ضدهرابی پرداخته و چهار فروند دیگر به منظور هدف‌گیری موضع، در ارتفاع ۱۵ پایی پهواز می‌کردند. بسب‌های پرتاب شده از نوع مدرن‌ترین بسب‌های فرانسوی است که ۷۵ بوند وزن دارد. تردیدیک به ۱۲ مال است که یک شرکت سوئیسی برای راه‌اندازی این مجمع تعالیت کرده و قرار بود در آینده تردیدیک این مرکز تعالیت تولیدی خود را شروع کند.

عکس خلبانان نیروی هوایی

فارغ التحصیلان دانشگاه افسری آمدند. برای آنها صحبت کردم.^۱ دکتر جاسیپی آمد و راجع به امسانه دانشگاه آزاد اسلامی صحبت کرد. شب سران قوا، مهمان من در مجلس بودند. درباره مطالب مذکور آقای نخست وزیر که عازم آلمان شرقی و مجارستان است، و همچنین درباره جنگ و زدن مراکز غیر نظامی مشورت شد.

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | October ۱۹۸۶

پیش از ظهر امروز، فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند. طرح عملیاتی شان را توضیح دادند و نیازها را گفتند. شوق جنگیدن دارند. توقعات زیادی ندارند. عصر معلمان که از فشار مشهولان و وزارت آموزش و پرورش بر خط مخالف شکایت داشتند، آمدند.

شب آقای محسن رضایی آمد و گزارش پیشرفت کار در طرح وسیع و اصلی عملیات آینده را داد. با فرماندهان قرارگاهها و لشکرها به توافق رسیده‌اند و همان اهداف اولیه در طرح گنجانده شده است. در سفرم به اهواز، تردید مشهود بود. با بحث‌های آقای رضایی با آنها و تذکرات من مشکل رفع شده است. پیشرفت‌هایی در مسئله گروگانهای آمریکایی در لبنان و تأمین سلاح پیش آمده است. احمد آقا آخر شب تلفنی اطلاع داد که دکترها به خاطر وضع جدید حال امام، ملاقات فردا را الغو کرده‌اند. او نگران بود. از من خواست که در عرض با زائران امام ملاقات کنم.

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: «امروز چنان قدرتی در ایران خلق شده است که ایدواریم دنیا طوری روی آن حساب کند که بعد از این جنگ، هیچ چنگی در علته واقع نشود و ما برقراری صلح دیگر نگران حرکت‌های موذیانه نباشیم. خوبی که دشمن برای ایران دیده بودند که بعد از انقلاب از داشت یک نیروی مسلح فرق و مظلوم محروم باشد، تغیر نشده و در جریان این جنگ، توانستی نیروهای صلح اسلام بر همگان ثابت شد. عملیات غفرانی فتح یکی، بد عنوان نشانه‌ای باز از توان روحی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. عملیات افعی یکی» در مدت ۲ تا ۴ ساعت، تفاوت میان نیروهای اسلام و نیروهای مقاوم آن را نشان داد. متفقه کرکوک از مذهبی پیش، قله‌های پولادین خرازده می‌شد و واقعاً هم اگر این متعلقه در دست نیروهای کارآمد بوده، قله‌های پولادین بود. عراقی‌ها، آنچه حدود ۲۱ پایگاه نظامی ایجاد کرده و علاوه بر آن، نیروهای اختیار قابل توجهی نبز در تزدیکی متعلقه مستقر کرده بودند. اماه این قله‌های پولادین به سرعت سقوط کرده، بدون اینکه حتی یک نفر از نیروهای ما شهید شود و تنها چند نفر محدود از افراد طلبانی شهید شدند. قضی پایگاهها سقوط کرده و نیروهای پیشیانی عراقی‌ها وارد میدان شدند، دشمن آنقدر بی حساب و بهم ریخته وارد میدان شدند که دقیقاً وارد دامی گردیدند که نیروهای اسلام برایش گستردند بودند و افراد دشمن هیچکدام از آنها نتوانستند از میدان فرار گند. قله‌های هم متعلقه کرکوک در شرایطی سقوط کرد که ما ۱۵۰ کیلومتر با هر ز ساعله داشتم و آنها در سرگرهای خود می‌جنگیدند و ما با کشاندن ادوات سنگین و سک و پیچ آن قله‌ها، این پیروزی محدود ولی عمیق را در طول چند ساعت بدست آوردیم». رجوع کنید کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»،

فارغ التحصیلی دانشکده افسری

آغازده از ژئو تلفنی اطلاع داد که زکی یمانی [وزیر نفت عربستان سعودی] گفته آقای فهد در عربستان گفته فردی از ایران به آنجا بود تا درباره پیشنهاد کیفیت حذف صدام مذاکره کنند و گفت کوپی ها در پیشرفت کار او پک کار شکنی می کنند.^۱ کارهای مجلس را آوردند و تا ساعت یازده شب انجام داد.

۱۴ October ۱۹۸۶

سه شنبه ۲۲ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ صفر

صیح زود به مجلس رسیدم. از گزارش ها چنین به نظر می رسد، عراقی ها با همکاری مرکز خبری تلاش می کنند تا آثار ضربه عملیات فتح یک را خشی کنند و با صحنه سازی تکذیب می کنند. آقای عبدالله نوری آمد و گفت آیت الله متضرری در عکس العمل جریان بازداشت گروه سید مهدی هاشمی، ملاقات ها را تعطیل کردند.

مدتی که در جلسه علنی بودم، مراجعات زیادی از نمایندگان در همین خصوص داشتم. نگرانی شدیدی در نمایندگانی که مطلع شده اند، بروز کرده است.

زود به دفترم برگشتم. گروهی از خلبانان پایگاه نوره آمدند. خواسته ها را مطرح کردند: وام سکن، امتیازات بیشتر، عدم مخالفت با سفر به خارج خلبانها، پرواز ممنوع نکردن عده ای به واسطه

۱- «زکی یمانی» وزیر نفت عربستان سعودی، در دسامبر ۱۹۸۵ با اعلام سیاست جدید خود می بر افزایش سطح تولید او پک، در به راه امداد اختن چنگ قیست ها سهم عمله ای داشت. سیاست یمایی در افزایش تولید نفت او پک بر این تحلیل استوار بود که او پک باید با مرازیز کردن نفت قراران و ارزان خود به بازار سهم انصصاری خود را در بازار جهانی نفت احیا کند، در صورت تثبیت این موقیت و در دست گرفتن بازار نفت، او پک قادر به بالا بردن قیمت ها خواهد بود. از نظر او کاهش درآمد نفت ریاضی های او پک از راه، قریبی گوتاه مدغی خواهد بود که در برابر منافع طولانی مدت او پک غالباً ترجیه است. لکن در عمل، عربستان سعودی با کارگری های شیوه هرچ و مردمی در عرصه تولید و فروش با وجود آورده که سبب شد در مدت شش ماه، بیش از ۶۰ درصد از بهای نفت کاهش شود. کاهش درآمد سیاری از کشورهای عضو او پک و کشورهای تولید کننده مستغل را که بدنه های خارجی و تعهدات مالی ستگی داشتند، در ورطه بحرانی شدید گرفتار ساخت. سراجام با تصویب پیشنهاد ایران می بر کاهش تولید نفت، بهای هر بشکه نفت در بازارهای جهانی از تقریباً ۲۰ میلیون به ۱۷ میلیون پوند شکنیده در روز کاهش یافت. در همان نخستین ساعتی که اعضا ای پک طرح ایران را پذیرفتد، قیمت ها به میزان بیش از دو دلار در هر بشکه افزایش یافت، طبق طرح پیشنهادی ایران، تولیدات واعده او پک - با احتسابه تولید مازاد بر میهمانه - برای مدت دو هاه روزانه چهار میلیون بشکه کاهش یافت. پذیرفتن طرح ایران، پس از مذاکرات طولانی و رد طرح عربستان و گوییت میمی بر کاهش داوطلبانه تولید و نیز رد طرح الجزایر میمی بر تعیین سقف تولید ۱۵ تا ۱۶ میلیون بشکه و سهیمه بندی میان اعضا به استثنای ایران و عراق، صورت گرفت. پذیرفتن پیشنهاد ایران در هنگامی که هیچ یک از اعضا ای پک راضی به کاهش حق بشکه از تولیدات خود نبودند، موجب شگفتی ناظران گردید. در مقابل، ایران نیز به دلیل منافع کلی مازمان او پک نرمی نشان داد و حاضر شد مستثنی بودن عراق از مهیمه بندی افزایادی را پذیرد.

سوه ظن و ...

جمعی از پرسنل لشکر امام حسین(ع) آمدند که ملاقاتشان با امام لغو شده بود. برای آنها و پرسنل پایگاه هوایی نوژه صحبت کردم. جمعی از نمایندگان آمدن و نگران مسائل جاری آقای منتظری بودند و از من خواستند که خودم به قم بروم. قبول کردم. تلفنی در این خصوص با احمد آقا و آقای خامنه‌ای هم مشورت کردم.

آقای حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] اطلاع داد که دیشب عملیات محدودی در جبهه غرب توسط ارتش انجام شده و موفق بوده است.^۱

آقای [مرتضی] بنی فضل از قم تلفنی مسأله آقای منتظری، قطع ملاقات‌ها و پخش خبر و ناراحتی طبله‌ها را گفت و از من برای حل مشکل استعداد کرد. احمد آقا از اینکه بعضی‌ها او را متصر معرفی کرده‌اند و به دروغ مانع ملاقات آقای منتظری با امام معرفی کرده‌اند و... اظهار ناراحتی کرد؛ حق دارد، چون بیشترین نلاش را برای اعتبار آقای منتظری دارد.

ساعت سه بعد از ظهر به طرف قم حرکت کردم. نزدیک غروب به منزل آقای منتظری رسیدیم. کمی پشت در معطل شدیم. ظاهر این بود که ایشان مصمم بوده کسی را پذیرد ولی در مقابل حضور من، تاچار پذیرفتند. بعداً فهمیدم از پیش مطلع بوده‌اند و منتظر. گفتن آقای [براهیم] امینی را پذیرفته‌اند.

تا ساعت نه شب با ایشان بودم. پس از صرف شام به تهران برگشتم. آقای سیدهادی هم در مذاکرات شرکت داشت. ایشان از دستور امام درخصوص تعقیب گروه سید مهدی هاشمی رنجیده‌اند.

۱ - در بخشی از این سخواری آمده است: "کاری که سه روز پیش برادران شما و همسکاری گزدهای مبارز عراق در کرکوک و در اعصار ۱۶۰ کیلو‌متری خاک عراق انجام دادند از کارهای کم نظیر و مرگت جنگ بوده است و رئیم عراق از این ضربه زمزمه‌های شده که ما پژوهشی اصلًا نمکر این عملیات شده است. الان وقوع ما و شرایط از تهاجم ضعف روحیه دشمن و قدرت روحیه زمزمه‌گان ها و تغییر و پشتیبانی که داریم و حمایت فاعل مردم و بهتر شدن شرایط جهانی و آمادگی نیروهای پشتیبان هزاروز و نیروی هوانی برای حمایت عملیات از هر جهت بهتر است و امیدواریم که در لحظه ماس بتوانیم کاری را که باید انجام دهیم. دعا من کمی بیش از آنکه به آن نظره برسیم، خداوند دشمنان ما را هوشیار نمکند که دست از لجاجت بردارند و توجه کنند که این ضربه از آن ضربه هایی بیست که به ایشان ایران تمام شود، کاری کنند که ما دیگر نیاز نداشته باشیم با آن حرکت و مسیع که تدارک دیده‌ایم بخراهم اهدافیم را بگیریم". رجوع کنید به کتاب "هانتسی راسپنجانی، سخواری‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف القلاط، ۱۳۸۷.

۲ - یگانهایی از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۱:۱۰ با مدد امروز عملیات محدودی را با رمز "الاعبد الله الحسين(ع)" در منطقه عملیاتی سریل دخاب و قصر شیرین (ارتفاع مقابله تیگ حمام در حدفاصل ارتفاعات فراویز، آهنجان و پیشگان) آغاز کردند. در این عملیات نیروهای ارتش موفق شدند ارتفاع ۶۵۴ را تصرف کنند و ۲۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند. به دنبال این پیروزی، نیروهای عراقی پس از جندهای نگین و با تحمل تلفات سییار، مجدداً ارتفاع ۶۵۴ را به تصرف درآوردند. یک مقام نظامی عراق بدون اشاره به تلفاتی که ارتش عراق منجمل شده است، اعلام کرد که نیروهای عراقی در ساعت ۱۸ مرتضی به پس گرفتند تا ۶۵۴ شده‌اند.

و دستور امام به اینکه دیگر عفو زندانیان با آقای متظری نباشد، کار را بدتر کرده و مخصوصاً شیوه ابلاغ که به واسطه افرادی مثل آقای محمدی گیلانی و [سید محمد] ابطحی و شورای عالی قضائی که برای ایشان قابل توجیه نیست.

ایشان معتقدند در مورد سید مهدی گزارش‌های غلط و اغراق آمیز به امام داده شده و پس از دستور تعقیب مأموران در برخورد با متهمان، خیلی تن و غلط عمل کردند و نمونه‌های زیادی داشتند. احتمال می‌دهند قضیه ریشه دارد و از منابع دشمنان خارجی سرچشمه می‌گیرد و قرائتی مطرح کردند.

ضمانته خط سه خیلی بدین بودند و به خصوص از احمد آفگله می‌کردند. من شرحی از اقدامات و مذاکرات اتمان را با امام برای تعدیل قضیه گفتم. از احمد آقا دفاع کردم. از خود من هم گله داشتند که کمک لازم را نکردند. بالاخره مسئله حل نشد و ایشان معتقدند گزارش‌ها باید اصلاح شود. نزدیک ساعت یازده شب به مجالس رسیدم. کمال دو را گرفتم و سپس خوابیدم

۱۵ October ۱۹۸۶

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۵ | ۱۰ صفر ۱۴۰۶

شب در مجلس خوابیده بودم. از اول وقت مشغول کار شدم. آقای حسنی سعدی اطلاع داد، دو ارتفاع که دیروز گرفته بودند، پس داده‌اند.

ساعت هشت صبح آقای عاصمی پور آمد. گزارش از وضع مراکز نفتی، خرابی‌های بمبان، بازسازی‌های مشکلات صدور نفت و عدم همکاری ارگانهای دیگر داد. آقای مهدی غیوران و برادرش آمدند. از برخوردهای نامناسب با بازاریان گله مندند.

آقای [حبیب الله] عسکراولادی آمد. برای کمیته امداد امام، جهت اداره خانواده سربازان متأهل مستمند کمک می‌خواست. در مورد مسئله جدید آیت الله متظری و امام سؤال داشت و پیشنهاد تقویت مدارس خصوصی را داد. آقای [کمال] خرازی آمد. طرحهای جدید تبلیغات جنگ را آورد. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اطلاع دادند عراق به فرودگاه شیراز و برق سدهای دز و شهید عباسپور حمله کرده و صدماتی زده است.^۱ با مشورت سران قوه، قرار شد به بغداد موشك بزنیم.

^۱ - امروز هرایمهای عراقی با افزایش بمبان‌های خود، فرودگاه غیر نظامی شیراز و دو سد در جوانی اندیشک و مسجد سلیمان و همچنین (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

دستور به تیروی هوایی سپاه داده شد که به منطقه مخابرات بغداد بزنند. بعد از عملیات قطع یک در کرکوک، شرارت عراق زیاد شده است.^۱

شب مهمان آفای موسوی اردبیلی بودیم. بیشتر بحث درباره مسأله آفای منتظری بود. من گزارش ملاقاتم با ایشان را دادم. درباره پیشنهاد ایشان در حد دادن گزارش جدید براساس واقعیات از طرف وزارت اطلاعات - ایشان مدعی اند گزارش غلط به امام داده شده - بحث و تصمیم گیری شد. قرار شد برای تکمیل کار، آیت الله خامنه‌ای فردا به قم بروند. نظری این بود که مانع ندارد، سید مهدی و افرادش را بعد از تکمیل بازجوئی‌ها آزاد کنند.

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۶۵ | ۱۱ صفر ۱۹۸۶ | October 1986

به مجلس آمدم. در جلسه علنی شرکت نکدم. برای رسیدگی به امور جنگ، آقایان دکتر هادی و دکتر روحانی آمدند. قرار شد در موضوع معامله گروگانهای آمریکایی در لبنان با نیازهای تسليحاتی و

(ادامه پاروپی از ضمیمه قبل)

شهرهای تبریز و فاری را مورد حمله قرار داده. در حمله امروز هوابیساهای عراقی به فرودگاه شیراز، حسارات عده‌ای به هوابیساهای مستقر در پارکینگ وارد شد. این حمله زمانی روی داد که مسافران یکت فروند هوابیسای ایرانی متعلق به سازمان هوابیسای جمهوری اسلامی (همان)، به مقصد پندر غامس در حال سوار شدن به آن بودند. در مسار امروز، این هوابیسای دچار آتش سوزی شد و سخت آسیب دید، همچنین سه هوابیسای تانکر ساخت رسان ۷۴۷ متعلق به تیروی هوایی ارتش تبریز دچار آتش سوزی شدند که یکی از آنها جدود ۲۰ درصد و دو فروند دیگر به طور کامل سوختند و از بین رفند. طبق این گزارش، دو فروند تانکر منهدم شده را رور قیل از جاده‌ای از محل دیگری به این فرودگاه آوردند و در هنگام حمله، خارج از آشناه و سوار نزدیک به هم فرار داشتند. در این حمله، دو اتوکیل سوخت رسانی فرودگاه، دو اتوکیل شاڑی، یک اتوکیل حمل بار، یک دستگاه حمل بیمار و معلول، ۴ دستگاه پلاکان هوابیسا، یک میسی برس و یک قرلیکس استینن خسارت‌های کلی دیدند. به ساختمان پاویون دولتی، برج مرافت و سالن انتظار فرودگاه بازگشایی نداشتند. علاوه بر این خسارت‌ها، بر اثر برخانات شش بیت، ۶ نم از هموطنان شهید و ۳۰ نم دیگر مجروح شدند. گفتنی است که در جین این حمله، سلاح‌های پادشاهی مستقر در محل، واکنشی فوری و مناسب نشان ندادند، به طوری که هوابیساهای متغیر فرستایانند تا علاوه بر سازمان کردن، به دور زدن و به رُگار سمت ساختمان فرودگاه و بدانه هوابیسای مسافربری تبریز پردازند. در چند روز اخیر، این یاردهمین نجائزه هوایی به شیراز نزد، به دنال این حمله، از نسل عراق در اطلاعیه شماره ۲۴۰۳ خود ادعای کرد که هوابیساهای این کشور در سیاران یک پایگاه هوایی در شیراز، ۲۳ فروردین هوابیسای نظامی از نوع آسی - ۱۳۰ را بندهم کردند.^۲

۱- در پی حملات هوایی چند زور نگذشته هوابیساهای عراقی به مناطق مسکونی و اقتصادی و به خصوص حمله روز ۲۷ آبان به یک هوابیسای سازگاری در فرودگاه شیراز، شانگاه بغداد هدف یک هوت‌شک فرار گرفت و بصره و چند مرکز نظامی و انتظامی اطراف آن گلبه بازان شد. چند ساعت پیش از اخراجیه مناد تبلیغات جنگی مبنی بر درخواست از مردم عراق برای تخلیه مناطق حوالی تأمینات نظامی و اقتصادی شهرهای عراق، سپاه پاسداران اعلام کرد که ساعت ۲۱:۱۵ (۲۴/۷/۱۵) یک فروند موشک زمین به زمین پیگان عوشکی تیروی هوایی سیاه به سوی عرک مخابرات، بعد از هدف‌گیری شد. در ادامه اطلاعیه، بر آعادگی سیاه برای تداوم اقدامات بازارنده تأکید شده است. در ساعت ۲۳:۱۵ پک سخنگوی نظامی رژیم عراق، از رادیو بغداد خسنه اعلام حمله موشکی ایران به بغداد، ادعا کرد که این موشک روی مناطق مسکونی سقط کرده و به یک مدرسه و یک مسجد اصابت کرده است. وی تهدید به نایب‌دی کامل شهرهای ایران کرد.

آمدن هیأت مک فارلین آمریکایی به ایران که اخیراً شایع شده بود، برای افراد مورد اعتماد، مخفی توضیح داده شود و کانال واحدی برای این موضوع در نظر گرفته شود. در مورد پدافتاده و چنگ هم صحبت شد.^۱

آقایان آقامحمدی و مرتضی رضایی آمدند. آقای مرتضی رضایی که همراه مسعود بارزانی به منطقه بارزانی آن طرف روزگار در منطقه زاخو و بارزان رفته بود، گزارش کاملی از نیازهای عملیاتی کردن آنها گفت. قرار شد تعقیب شود. فرماندهان لشکر سید الشهداء آمدند و گزارش عملیات و وضع لشکر را دادند.

آقای میرزائی آمد. نگران و مضطرب است. وزارت اطلاعات در رابطه با مسئله سید مهدی هاشمی احضارش کرده. آقای سنجقی برای کارهای جنگ آمد. گروه تحقیقات وزارت جهاد سازندگی آمدند. گزارش خدمات جنگی خود را گفتند: تحقیقات درباره موشک های زمین به زمین با برد صد کیلومتر و ساختن موشک از نوع مرکب.

سپس وزیر دفاع و مهندس ترکان و آذین از پنهان [= هلی کوپتر سازی] آمدند. گزارش وضع صنایع نظامی اصفهان و تعمیر هلي کوپترها را دادند. تعمیرات هلي کوپترها پیشرفت خوبی کرده است. آقای رئیس جمهور که از قم برگشتند، تلفنی گفتند سفرشان به قم بی اثر نبوده، ولی هنوز مشکل حل نشده است.

جمعه ۲۵ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ October ۱۹۸۶

در منزل بودم. آقای [محمد رضا] توسلی آمد و چک کمک به جبهه ها را از طرف امام آورد. احمد آقا آمد. درباره حل مشکل آیت الله منتظری صحبت کردیم. قرار شد از امام تقاضا کنیم که ایشان را به تهران بخواهند و به ایشان محبت نمایند. سپس تلاش شود که خاطر ایشان راضی شود. عصر احمد آقا اطلاع داد که امام دستور داده اند ایشان به تهران بیایند و قرار شد شب در جلسه سران قوا هم باشند.

۱- در این روز جیرج شولتز وزیر خارجه آمریکا ایران را تهدید به دخالت نظامی کرد. او در مصاحبه ای با مجله «گرسنگ اینترنشنال» گفت: «در صورت پیروزی ایران در چنگ، ابالت منجده دخالت نظامی خواهد کرد... و چنین دخالتی از حیات کامل شرکتی برخوردار خواهد بود؛ زیرا هر دو این قدرت دارای یک نوع مقابل در مشاهده پایان این چنگ هستند». شولتز افزود: «این تفاهم بر این واقعیت امنیار است که پیروزی ایران در چنگ، تعادل نظامی منطقه را بر هم می زند و وضعیت سیاسی آن را کاملاً تغییر خواهد داد».

عصر آقای محسن رضایی و [فریدون] مهدی نژاد آمدند. مهدی نژاد شرح مذاکرات با هیأت آمریکایی در آلمان درباره گروگانها در لبنان و پیشرفت‌هایی که شده را داد و انجیلی را که ریگان امضاء کرده و فرستاده به ما نشان داد. مرحله بندی آزادی گروگانها و گرفتن نیازهای تسليحاتی و اطلاعاتی را گفت. قرار شد با امام و سران قوا مشورت شود و سپس به اجرا در آید.

شب آیت‌الله منتظری از قم آمدند. با آقایان خامنه‌ای و اردبیلی مهمان احمد آقا بودیم. امام هم شرکت کردند. به آقای منتظری خیلی محبت کردند و گفتند وجود شما برای انقلاب ضرورت دارد و حفظ اعتبار شما وظیفه همه است و دستور تعقیب گروه سید مهدی هاشمی هم به همین منظور بود که بیت شما مطهیر شود.

به ایشان دستور دادند که وضع خودشان را عادی کنند و دوباره عفو زندانیان را امضاء نمایند. آقای منتظری نمی‌پذیرفتند ولی امام اصرار کردند. نزدیک بود امام عصبانی شوند که با دخالت ماهها وضع بهتر شد.

امام خیلی کوتاه آمدند و متأسفانه آقای منتظری نرم نمی‌شوند. امام یکی دو بار صریحاً گفتند که عمر شان نزدیک به پایان است و شاید چند روز دیگر بیشتر زنده نباشند. دکترها گفته‌اند امام نباید دچار عصبانیت شوند. خیلی متأثر شدیم. ضمناً به مناسبتی فرمودند احمد آقا که اعتر اشخاص در دل ایشان‌اند، اگر خطای کنند، مثل دیگران او را تعقیب می‌کنند. بالاخره آقای منتظری قبول کردند که ملاقات‌ها را به طور محدود شروع کنند ولی نپذیرفتند که مثل گذشته صحبت و سخنرانی و دخالت در امور نمایند.

آخر شب گزارش‌ها را خواندم. عراق با سانسور آثار موشک، روضه خوانی راه انداده است. از مجموع مطالب برمی‌آید آمریکا خود را ناچار دیده که رضایت خاطر جمهوری اسلامی را جلب نماید.

شنبه ۲۶ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۳ صفر ۱۹۸۶

در منزل بودم. آقای صادق طباطبائی آمد. در مورد ادامه اقامه دعوی علیه بیمه لویدز مشورت کرد. حقوق‌دانی گفته دادگاه به نفع ما رأی تحواهد داد. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. با نخست وزیر که از سفر آلمان شرقی و مجارستان برگشته، تلفنی صحبت کرد. دو روز است که

عراق شرارتی نکرده است؛ یا از موشک درس گرفته یا آماده برای شرارت جدید و وسیعی می‌شود. عصر احمد آقا اطلاع داد که امروز در درس آیت الله متظری، طلباء از ناراحتی ایشان اظهار تأسف کرده که پیشنهاد رفقن مقابل مجلس برای حمایت از ایشان را نموده که آقای متظری ضمن تشکر از ایشان، گفته فعلاً بیازی نیست، ولی تکفه‌اند که مسئله حل شده و این برخلاف انتظار ما از جلسه دیشب و دستورات امام است.

عصر کارها را از مجلس آوردند، مطالعه کردم. مسئله مچی نداشتیم. آقای خامنه‌ای هم تلفنی از برخورد آقای متظری در جلسه درس ابراز نگرانی مختصری کردند، ولی راه حمل بر صحت هم دارند.

یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۴ صفر

تا ساعت هفت و نیم صبح گزارش‌هارا خواندم. تا ساعت نه در جلسه علنی مجلس بودم. تا ساعت ده و ربع در دفترم به مراجعات جواب دادم. دکتر هادی آمد. راجع به گروگانها و وضع آقای متظری صحبت شد. تا ساعت یک در دفتر آقای خامنه‌ای در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ بودیم. تا ساعت دو آقای محسن رضایی آمد. راجع به جنگ و مسئله آزادی گروگانها صحبت شد.

عصر آقای صدرایی از بنیاد تاریخ انقلاب، همراه آقای بروجردی آمد. او پیشنهاد انتقال اسرار تحقیقات پیچیده از آمریکا را داشت. آقای نورانی روحانی از شهرداری تهران آمد و از شهردار و کارمندان شکایت داشت.

آقای امراللهی آمد و برای گرفتن بودجه انژری اتمی کمک می‌خواست. آقای منیرالدین حسینی آمد. آثار دفتر تحقیقات را آورد که روش تنظیم یک نظام اسلامی را تهییه می‌کنند. آقای رفیق‌دوست آمد و برای کار ساختمان خانه‌های سازمانی سپاه در محل حظیره بهائی‌ها [شهرک شهید محلاتی تهران] که اخیراً با کمک من و دستور امام، از بنیاد گرفته کمک خواست.

اول شب با فرماندهان قرارگاه رمضان جلسه داشتیم. گزارش عملیات فتح یک را دادند. شب سران قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. موارد مذاکره بسیار زیاد بود: جنگ، مسئله آقای متظری، تبادل گروگان‌ها و سلاح و کمبود بودجه.

عکس جلسه با فرمانده هان قرارگاه

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ صفر ۲۰ October ۱۹۸۶

ناخدا [محمدحسین] ملک زادگان [فرمانده نیروی دریایی ارتش] آمد و گزارش وضع نیروی دریایی را داد و عملیاتی شدن موشکهای استاندارد روسی و کیلر و نیاز نیرو به هلی کوپتر بیشتر را داد. قرار شد به تعمیرات به خاطر محدودیت در خرید، اولویت بدنهند. بعد از ظهر مطلع شدم که عراق به استگاه فرعی قطار در انديمشك حمله کرده است. در اين حمله چند واگن آسیب دиде و پنج نفر شهيد شده‌اند.^۱ با مشورت دکتر روحاني رئيس ستاد [پدافند کشور] قرار شد، بیست و چهار ساعت

۱ - چهار روز پس از بمباران فرودگاه شیراز، ساعت ۱۴:۴۵ صبح امروز چند هواپیمای دشمن استگاه فرعی راه آهن انديمشك را بمباران کردند که ۶ نفطه از خط ترعی این استگاه مورد اصابت قرار گرفت و به ۷۳ واگن باری خالی خسارتی وارد شد. در اثر این بمباران پنج تن شهید و یازده تن مجروح شدند. چهار تن از شهداء از کارکنان راه آهن انديمشك بودند. درباره این حمله ارتش عراق در اطلاعه نظامی شماره ۲۴۱۰ خود مذکور شد تعدادی از قطارهای حامل سرباز، جنگک افزار و تجهیزات نظامی را مورد حمله هوایی قرار داده است. حمله صبح امروز هواپیماهای (ادامه پاورتنی در صفحه بعد)

بصره گلوله باران شود.

با نخست وزیر در مورد صفووف اتومبیل‌ها در مقابل پمپ‌های بنزین صحبت کرد. احتمالاً معلوم صعف مدیریت و اعلان بی موقع لغو بعضی از کوپین‌ها در آینده تزدیگ است.

در گزارش‌ها سقوط شکوک هواپیمای حامل سامورا ماشل رئیس جمهور موزامبیک و مرگ او و همراهانش مهمترین خبر است.^۱ آفریقای جنوبی متهم است که عامل این جنایت بوده. شب تا دیر وقت گزارش‌ها را می‌خواندم.

عکس سامورا ماشل ۵/۵ × ۶/۵

با نخست وزیر درباره وضع نان تبریز که به نظر نمایندگان تبریز، معلوم سوء مدیریت است، صحبت کرد.^۲ قرار شد تعقیب کنند.

۲۱ October ۱۹۸۶

سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۶ صفر

در راه مجلس از صفووف طولانی ماشین‌ها برای گرفتن بنزین ناراحت شدم.^۳ نگرانی از حمله عراق

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

دشمن به ایستگاه راه آهن اندیشتک، بازتاب خسماً وسیعی در رادیوهای خارجی داشت که به نقل از مخابع جمهوری اسلامی و عراق گزارش این حمله را منتشر کرده‌اند.

۱ - معاشرها عامل رهبر مبارزه در سوزمی بود که برگزیر مستعمره پرتغال در آفریقا نه شمار می‌رفت. کشته موزامبیک نا رهبری ماشل در سال ۱۹۷۵ استقلال یافت. او در مارس ۱۹۸۴ با آفریقای جنوبی معاوه عدم تجاوز اضفاء کرد. در روز ۱۹ آکتبر ۱۹۸۴ (۲۷ مهر ۱۳۶۵) هوابیسای حامل سامورا ماشل که از لوز اکاعازم اموپوت بود، همراه با ۴۹ سرمهین سقوط کرد. در پی کشته شدن عامل، "حاکیم چیساخون" وزیر امور خارجه موزامبیک به عنوان رئیس جمهور این کشور انتخاب شد. ما نوجه به اینکه ساخته هوابی در مجاورت مرزهای آفریقای جنوبی رخ داده بود و رژیم پرتوپرا مظبون حادله فرار گرفت اما این امر اثبات نشد.

۲ - در پی انتشار شایعه جبرهندی شدن نان و ایجاد صفووهای طولانی خرد نان، یکی از عسلولان شورای آزاد و نان کشوار گفت. "صدانقلابیون با پخش این شایعات و با خرید و دور ریختن مقدار ریادی نان، یک چنگ روایی علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند. خوشحاله نلاش‌های این عوامل به ذلیل آن که مسایله‌ای مانشته از گذشته است، غافم عانده است". و نیس کل سارمان غله کشوار نیز در همایه‌ای گفت: "نه مظلوم نوزیع بپرس و کاهش صفو و اطمینان خاطر پیشتر از امروز حواله سهیمه کلیه نانوایی‌ها از یک ماده به دو ماده (دو برابر) افزایش یافته و مقرر شده است تعدادی از نانوایی‌ها تا پاسی از شب به پخت نان مادرت کنند".

خبرگزاری‌های روپرتر و فرانسه و رادیو بی‌بی‌سی فمین انگلستان تکذیب شایعه جبرهندی نان، به تفسیر این موضع بروزگذر از جمله روپرتر گزارش داد: "آخر افزایش قیمت برخی در ایران، هردم را وادار کرده است تا نفاذیایی بان را افزایش دهد که این باعث مشاهده صفت‌هایی در جلو نانوایی‌ها شده است".

۳ - اکثر نفاذ کشوار در این عقدنۀ دچار کمود ببنزین و گازوئیل بوده است که بیاندهای تام‌طلبی به همراه داشته است. از حمله باعث توقف وسائل (ادامه پاورپوینت از صفحه بعد)

به قم و بیماران مراکز حساس هم خاطرم را مشغول می‌داشت و نیز وضع آیت‌الله منتظری و از عکس‌العمل ایشان در مقابل تصمیمات امام تاراهمت. مجموعاً بیش از گذشته نگرانم. در جلسه علنی هم مراجعات نمایندگان حاکمی از اضطراب آنها است. مسئله اختلاف نظر آقای منتظری با امام برایشان قابل قبول نیست و خبر را هم نمی‌دانند و نمی‌شود به همه گفت و شیاطین و سوسمه می‌گنند.

ساعت ده و نیم به دفترم آمدم. دکتر [موسى] از رگر آمد و راجع به چسبندگی که بعد از عمل حرایق سوه قصد برایم پیش آمده صحبت کردیم. گاه‌گاهی می‌گیرد و درد می‌آورد. قرار شد عکسیرداری و معاینه شود. دکتر [هادی] منافی آمد. از وضعی که پس از نظر شورای نگهبان برای [سازمان] نظام پژوهشی پیش آمده، نگران است. پیشنهاد اصلاحی برای لایحه دارد که ظاهراً مقبول نیفتد.

آقای محمد نژاد مسئول پخش وزارت نفت آمد. تیگناها را گفت و برای ورود پژوهن از طریق بندر امام چاره جوشی کرد. آقای حاجی قدری از قم آمد. برای زایشگاهی که در قم ساخته، دکتر متخصص رفان خواست. گروهی از روحانیون آمدند و در خواست استقلال لامرد از لار را داشتند. عصر در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. درباره دانشجویان تعلیقی که به علن اخلاقی یا سیاسی از ادامه تحصیل محروم شده‌اند، مذاکره شد. قرار شد به فارغ التحصیلان داشتنامه بدھیم. نسبت به آنها که در توم آخر تحصیل‌نند و اتمام تحصیلاتشان معمولاً در ظرف یک‌سال یا کمتر ممکن است، اجازه اتمام تحصیل داده شود، ولی قرار شد طرح جامعی را وزیر فرهنگ و آموزش عالی تهیه نماید و در جلسه آینده بحث شود.

اول شب با آقای خامنه‌ای مذاکره کردیم. از نتیجه سفر امروز قم راضیم‌دیدم. کمی تعدیل در روحیه

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

عمومی در برخی انسان‌ها همچون گیلان شده و شایعه اعداصاب راندگان در این استان را در پی داشته است. همچنین کمربد گازوئیل سبب برخی مشکلاتی برای کشاورزان و تعطیلی سپاری از پمپ‌های آب در هزار شده است. در تهران نیز با وجود اجرای توسعه شهری‌بندی، در هفته جاری صفت‌های هویتی در خانه‌گاه فروشن پژوهن ایجاد شده است و خیابان‌های مجاور را ترافیک پیچیده مواجه کرده و برای ساکنان این ماطق مشکلاتی به وجود آورده است.

۱- آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور به اتفاق آقای میرحسین موسوی نخست وزیر عصر امروز در قم با آیت‌الله منتظری دیدار و گفت و گوی کردند. در این ملاقات نخست وزیر گزارشی از نتایج سفر به آستان شریف و مهارستان ارائه کرد. در پیان آیت‌الله منتظری توصیه‌هایی بیان کرده که قرار نشد رایزن جمهور و نخست وزیر پیشگیری کنند.

رادیویی بی‌سوی امروز طی گزارشی درباره ملاقات‌های اخیر آیت‌الله منتظری با امام خمینی گفت: «در تهران شایع شده بود که آیت‌الله منتظری مشکلات ناشی از ادامه جنگ، با عراق را درباره مطرح کرده است، اما گزارش‌های رسیده از تهران اکنون حاکی است که ملاقات برای اعتراض (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

آقای متظری دیده‌اند. به خانه رفتم، بچه‌ها همگی جمع بودند، اجتماع خوبی بود.

۲۲ October ۱۹۸۶

چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷

اول وقت آقای ابراهیمی آمد و از وضع پیش آمده برای آقای متظری و از سهپاشی‌های باند سیدمهدی ابراز نگرانی داشت و چاره‌جوئی نمود. گفتم اصل مهم، حفظ اعتبار و شخصیت آقای متظری است و بقیه امور، در ارتباط با این اصل باید تنظیم شود. اقدامات امام هم بر همین محور است. ساعت نه صبح به مجلس آمد. در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. آقای ملک‌زاده اطلاع داد که نیروی دریایی با موشک سی کیلو یک نتفکش را زده است!

آقای فومنی سفیرمان در امارات آمد و شرح مذاکرات اخیرش را با شیخ زائد گفت، سفیر ما ابتدا خیلی تند و از موضع بالا حرف زده و او هم در جواب به عنوان اعتراض به دخالت در امور داخلیش سخت بر آشته و تند جواب داده است. من گفتم تقصیر از شما است. آنها در کیفیت انعکاس خبر جردن کرده‌اند و لازم نیست که عکس العمل تندی بروز دهیم.

آقای سنجقی و آقای سرهنگ جلالی برای کارهای جنگ و ارتضش و سپاه آمدند. آقای فاضل هرنمی برای حل مشکل اراضی موات که در مجلس و شورای نگهبان به وجود آمده، استعداد کرد. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب در جلسه سران قوا، مهمن آقای خامنه‌ای بودیم. مسئولان کردستان و وزرای کشور و اطلاعات آمدند و به مشکلات کردستان رسیدگی شد. هماهنگی و قاطعیت مورد نیاز است. قرار شد کمیسیونی زیر نظر نخست وزیر به امور کردستان و آذربایجان غربی رسیدگی کشند و نخست وزیر

(ادامه پاروپنی از صحنه قبل)

نه عرضی اندامات تبروهای امنیتی علیه ترددیکان آیت‌الله متظری بوده است. شایع است که یکی از ترددیکان آیت‌الله متظری یعنی سید مهدی هاشمی در قم بازداشت شده است. گفته می‌شود که سید مهدی هاشمی دارای افکار تند و افرادی است و از سیاست‌های خارجی ایران در سال‌های اخیر انتقاد می‌کرده است. از علت بازداشت وی و بازداشت اطلاعی در دست بست و احتمالاً مرتبط به حمله‌های اخیر به دیلمات‌های افغانی و سوری در تهران باشد. به نظر می‌رسد که آیت‌الله هاشمی پس از تعقیب در این زمینه، اقدام مقامات امنیتی ذرا بازداشت مهدی هاشمی را تأیید کرده است.

۱ - نتفکش ۱۳۷ هزار تنی کربلی (البغی)، ساعت ۱۶:۳۰ با مدد امروز در ۱۵ کیلومتری ساحل دوین در جنوب خلیج فارس هدف موشک قرار گرفت. به گزارش روزنامه ایران به این نتفکش خالی، هیگام عربیت آن به کویت انجام شد. بهمراه این موشک ایرانی به نتفکش البغیه اعلام کرد که خسارت سگیتی بر این نتفکش وارد شده است.

حمله به نفتکش

عکس

اختیارات کامل از امام بگیرد.

وزیر اطلاعات گزارشی درباره تحرکات افراد پاند سید مهدی هاشمی در دفاع از او و به اسم آیت الله منتظری و متهم کردن مسئولان کشور داد و گفت امام در جواب نامه اش گفته اند که با جدیت آنها را تعقیب کنند^۱. شب برای خواب به مجلس رفتم.

۱- امام خمینی در روز ۵ آباد در پاسخ به نامه حجت‌الاسلام ری‌شهری وزیر اطلاعات که از ایشان خواستار اسلام نظر درباره تعزیر رسیدگی به جراحت سید مهدی هاشمی - که به جرم قتل، همکاری با اساویک، تغییر ایالتی سلاح، جعل اسداد دولتی و تعاملات‌های منافق، با اطلاع و نظر امام خمینی دستگیر شده است و اکنون در آستانه محکمه وی تعدادی از عزاداران اویه تحریب ادھان و ایجاد اختلاف در جامعه پرداخته‌اند. - ملی‌نامه‌ای بر صحابه دقيق و منصفانه ری تأکید کرد و توشت. بسم الله الرحمن الرحيم جناب حجت‌الاسلام آری شهری وزیر اطلاعات با توجه به مسائلی که تاکنون کشته و یا مورد سوءظن شده است و با توجه به جرسازی‌ها و اطلاع‌دهایی که با اسامی مختلف ترسط افراد هدایت‌های انتحراف و واسطه به مهدی هاشمی پخش شده‌اند که خود دلیل مستقلی است بر خطا احراز از انقلاب و اسلام. جناب عالی هوظف هستید به جمیع جوانان این امر با کمال دقت و انصاف رسیدگی نمایید و تمام افراد متهمی را که از سران این گروه محسوب می‌شوند و این افراد دیگری را که در انتشار مسائلی کذب و فضایلی دیگر داشت داشته‌اند تعقیب نمائید و بدیهی است که این امر چون مربوط به اسلام و انقلاب و امنیت کشور است، تحقیق آن محضر از اخبار وزارت اطلاعات می‌باشد. باید تأکید کنم که همه در پیشگاه نقضات اسلام مساوی بوده و نیز به همان اندازه که اتفاق از مجرمین گناه بزرگی است، تعرض نسبت به بنی گناهان، از گناهان نایخودونی است. خداوند تعالیٰ را حاضر و ناظر بدانید که این امر عبادتی است که دامان بزرگانی را از اتهامات پاک و نوطله منجر دان را ختنی می‌کند. و السلام، روح الله مرسی الخبیث^۲

عنوان آبان

أوج دفاع
٣١٧

حالی

پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۶۵ | ۱۸ صفر ۱۴۰۶ | ۲۳ October ۱۹۸۶

بعد از نماز صبح تا ساعت هفت و نیم مطالعه کردم. متن فارسی خطبهٔ عربی نماز جمعه را نوشتم. تا ساعت ده و نیم در جلسهٔ علنی مجلس بودم، هنوز نمایندگان از مسائل بیت‌الله منتظری نگران هستند و حق با آنها است. در مورد آقای میرزا ثی هم که بازداشت شده، مراجعتی دارند. قرار بود به امام نامه پتویستند. مثل اینکه امضای قابل توجهی نداشته‌اند، منصرف شده‌اند. فاطی و سارا به مجلس آمدند. سارا یک ساعت رومیزی را که داشتم، پسندید و برد.

رئیس دبیر خانه مجلس آمد و تذکراتی در امور اداری داد. عصر شورای عالی دفاع جلسه داشت. در این جلسه، آئین نامه ستاد تبلیغات جنگ را تصویب کردیم. به خانه رفتم. شب آقای رحمانی [مسئول بسیج] برای امور جنگ آمد.

جمعه ۲ آبان ۱۳۶۵ | ۱۹ صفر ۱۴۰۶ | ۲۴ October ۱۹۸۶

تا ساعت ده و نیم مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. به مناسبت سالگرد شهادت آقای مصطفی خمینی، مطالبی در ستایش از امام، آیت‌الله منتظری و احمد آقا به منظور تخفیف شرایط جاری که در اثر بازداشت گروه سید مهدی هاشمی و عکس العمل آیت‌الله منتظری به

وجود آمده، گفتم^۱. تا شب وقتی به مطالعه گذاشت.

اطلاع رسید عراق به مراکز نظامی غرب حمله هوایی داشته و دو هواپیماش ساقط شده است.^۲ به

۱- آقای هاشمی، اسرار در خطلهای نماز جمعه با تبین و پیغایت فعلی جنگ، به بروز بودند در حامیان عراق و عدم مشروعت مردمی رژیم عراق اشاره کرد و به مقامات ترکیه در موزه هنگونه چشمداشت بدشمال عراق هشدار داد و درباره اجلاس اخیر اویک و حمله به هوایماهای غیر نظامی مطالبی بیان کرد، در پیش از خطبه دوم آمده است: "در تنهاد حاج مصطفی، امام امت خبر از ایاز رضایت و اینکه شاهنی به سایر خانزادهای شهدا پیدا کرد، چیزی نفهمد و همان روحی که در ایشان بود جلوه کرد که سه همین جا من حرام روی این مکان کشید کنم، اصولاً محور حرکت برای شخصی امام و شاگردان ایشان مخصوصاً فاتح مقام رهبری حضرت آیت الله العظمی منتظری و سایر کسانی که با نفس گرم این امام بزرگوار تقدیر شده‌اند، همین است که اصل را اسلام و اقلاب و بقیه مسائل را فرع قرار می‌دهند. اگر این ایمان و اعتقاد شد و انسان پذیرفت و این مسئله برای خودش هضم شد خلیل کار راحتی است. هر کس این گونه تفکر کند، یک نقطه‌ای برای خودش مصور و اصل فرار بدهد، آسمان عی تواند بقیه چیزهایی که دارد فدای این بکند و ادامه اشت چنین انتخابی کردند، همین چند روز قبل به مناسبتی در پیک تعجبی در خدمت امام است بودم، ایشان اشاره کردند به حاج احمد جعینی و فرمودند این احمد که یکی از عزیزترین انسان‌هایی است که پیش از است، اگر بنا باشد که فدائی اسلام بشود من یک ذره قلبای ناراحت نمی‌شوم. صحبت اینکه یک وقت اطهار فاراجتی بکنم، به ایشان که در هیچ معتبری اطهار فاراجتی نمی‌کنم، صحبت اطهار قلبی بود. فرمودند من قلبای اگر بینم این احمد فدائی اسلام شده، هیچ ناراحت تجوادم شد. این مسالک برای ما در نکته داشت. یکی همین بود که برای شما عرض می‌کنم، یک تکه دیگر اینکه امام فرمودند احمد آقا عزیزترین افراد در نزد من است که اخوب این نشان حمدانی است که ایشان می‌گندند و امام می‌دانند. همین حال را مادر حضرت آیت الله العظمی منتظری می‌بینم. من دانم که ایشان جزو کسانی است که پیشترین فدایکاری را در اقلاب کرده است و تقریباً نیما عصر شان در راه اقلاب صدمه دیدند، یا در زندان بودند یا تحت فشار بودند. با در تبعید بودند بجهة هایش مثلاً تهدید محمد منتظری، یک عنصر با ارزش در تاریخ این اقلاب بود که خودتمند، حساس‌های ریاضی از فدایکاری‌هایش دارد. ایشان را در راه اقلاب داد. پارسال آن فرزند غیربر دیگرش آقا سعید را دیدم که در سیدان‌های جنگ چشمی را از دست داد و در میان هفتادهای قبل ایشان شهید پاسر [زمتشی] را در راه اقلاب تراز اول جنگ بدیشگاه خداوند تقدیم کردند و همیشه حال ایشان پیکواخت بود. ما در زندان حدود سه ساعتی با ایشان در اتاق زندگی می‌کردیم و بیرون هم متأثر در تجف آناد، فم در همین شرایطی که الان هم حاکیت داریم و خدمت ایشان هستیم، همه شرایط برای ایشان یکسان است. مسیلان جمهوری اسلامی همین جور هستند که خودشان را آماده کردند تا فدائی اسلام شوند. زندگی اینها این مکان را تابت می‌گند و مردم همه به همین دلیل به اینها اعتماد دارند. چیر دیگری نیست که اینها را پسندند عزیز بکنند، من به طرف قاطع شما می‌گویم که مسیلون تراز اول جمهوری اسلامی هر کس فرزندی، برادری و نزدیکی که بزراند در جیوه باشند، به جمهه فرساده و همین حالاً نیز در جیوه‌ها حضور دارند. وظی که حادثه‌ای برای آنها یعنی آید، اعلام می‌شود در عین صورت مثل سیجی‌ها می‌روند و می‌آیند و مثل سیجی‌های دیگر می‌جنگد و کسی هم خبردار نمی‌شود. مسیلان گشتو، نایاب‌گان مجلس، وزراء و شخصیت‌ها عملنمای این گونه هستند. الله نبی خواهم بگویم که همه این گروه هستند چه می‌گذرد. ممکن است همه این طور نباشند ولی اکثریت به افق این طور هستند و این نظامی که از آن بالا امامش آن گونه است و جزو شیوه‌دادهای این اقلاب هستند و جزو روح دیده‌های بیش از همه که قسمت عمدۀ عمر شان را در ازرو، تبعید و زندان و امثالیه به سر برندند. فاتح مقام ایشان این جوری است. مسیلان و شخصیت‌های دیگرش هم این جوری هستند، این نظام می‌تواند از مردم توقع کند که مردم هم در هیدان فدایکاری کند و مردم هم همین را می‌بینند که فدایکاری می‌گشند. شرعاً موافقت یکنظام این است که مسیلو ایشان به مردم راست می‌گیرند و با مردم هم دل و همراهان هستند". رجوع کنید سه کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم"، دفترش معارف اقلاب، ۱۳۸۷.

۲- در ساعت ۱۵:۰۰:۰۰ چهار هواپیما به شهر اسلام آباد تجاوز کردند که با آتش سلاح‌های پدافند هوایی مواجه و بدون هیچ اقدامی منواری شدند و به سوی باختران رفتند. هواپیمای مهاجمین راه دو پیغایت به طرف گزندۀ حسن آباد پرتاب کردند که بر اثر اصابت ترکش بصفه یک قبیلی بوس، چهار تن مجروح شدند. همچین چهار نسبت به طرف روسایی حسن آباد پرتاب کردند که متوجه شدند. در بی‌آن، تبروهای خشن کشیده بسب از سپاه اسلام آباد عرب به حسن آباد اعزام شدند و تعداد ۳۰۰ بسب خوش‌ای عمل نکرده را جمع آوری و خنثی کردند. در ساعت ۱۵:۰۰:۰۰ نیز هوایماهای عراق در مرحله، یک بار با ۱۰ فروند و بار دیگر با ۸ فروند اطراف فرارگاه تیپ نیز اکرم (ص) سپاه پاسداران (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

نظر می‌رسد، از ترس موشک‌هایی که به بعداد می‌خورد و گلوله باران بصره، از حمله به مراکز نظامی به طور محدود خودداری می‌کند. آقای منتظری امروز در جلسه‌ای تجدید فعالیت را برای رسیدگی به عفو زندانی‌ها اعلام کردند که باعث خوشحالی شده؛ زیرا قهر کرده بودند.

۲۵ October ۱۹۸۶

شنبه ۳ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ صفر ۲۰

اول وقت به زیارت امام رفتم. گزارش وضع جنگ و برنامه عملیات آینده را دادم. نظر جلسه سران قوا را در مورد گروه سید مهدی هاشمی گفت که برای احتراز از عکس العمل احتمالی آقای منتظری، بهتر است جریان بازداشت‌ها متوقف شود و اینها که بازداشت شده‌اند، تدریجاً با ضمانت آزاد شوند و در صورت لزوم محاکمه شوند و جریان به مردم هم گفته شود؛ چون رسانه‌های پیگانه به طور تافقن می‌گویند و ایجاد شباهت می‌کنند، ولی نظر امام این است که تمام اعضای تشکیلاتی بازداشت شوند و هوادارها بازداشت نشوند و پنا دارند مطالب را علني کنند. وضع حالشان بد نبود.

در مورد احتمال تجاوز ترکیه به شمال عراق در صورت سقوط صدام صحبت شد^۱، فرمودند باید منتظر بود که چه پیش می‌آید. نظر خاصی ارائه نکردند. گزارش پیشرفت مسئله گروگان‌های آمریکایی در لیستان و نیازهای تسليحاتی را دادم، تایید کردند.

تا شب در منزل مطالعه کردم و کار زیادی نداشتم. شب آقای سلامت و خانم اشرف [خواهر همسر] آمدند. اشرف از آموزش و پرورش کرمان شاکی بود.

(ادامه پاره‌رقی از صفحه قبل)

و همواره با خزان را ناپس خوشای بسیاران گردند. در جریان این حمله، با آتش سلاح‌های پدافند هوایی یک هوایی‌سایی «سوخو» دشمن در مقطعه کرکنند غرب (اطراف زیحان) سرنگون شد و خیان آن به اسارت رژیلانگان در آمد. در ساعت ۱۰:۱۰ چند هوایی‌سای عربی به حربه سرداشت تجاوز گردند که یک فروند آنها هدف آتش رژیلانگان قرار گرفت و در منطقه دریارا سقوط کرد و خیان آن کشته شد. هوایی‌سای دشمن مجدد در ساعت ۱۱:۳۰ به منطقه سرداشت تجاوز گردند و رومتاها عباس آباد و بیرون پایین را بسیاران گردند. به گزارش قوارگاه حمزه، در این بسیاران، از عردم ۲۶ تن شهید و ۴۱ تن مجروح شدند و از نیروهای نظامی نیز ۴ تن شهید و ۱۰ تن مجروح شدند.

۱- احظار روز گذشته، آقای هاشمی در خطبه‌های تماز جمعه به ترکیه می‌بر خودداری از هرگونه چشمداشت به شمال عراق، ترکیه را به داکشن و ادامت وزارت خارجه ترکیه امروز طی بیانیه‌ای بر موضع روشن و مشخصین بی طرفی ترکیه در جنگ تأکید و اعلام کرد: «آنکارا برخورد منطقی با معنای خود را حفظ خواهد کرد. ما امیدواریم همه همان طور به جاگست اراضی تمام کشورها احترام بگذارند که ما هی‌گذاریم». خبرگزاری آلسان عربی نیشن اعلام این خبر افزود: «وحید حلف اوعلو وزیر خارجه ترکیه قیلاً این تصویر رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی را که ترکیه در صورت تعریض نهایی ایران، حزبه‌های نفی کرکوک در عراق را خواهد گرفت، تکذیب کرده بود ولی با این حال بر مالعجه حیانی ترکیه در این خط لوره‌ای که از کرکوک به یکی از نادر مادریانه‌ای ترکیه می‌رود، تأکید نموده بود».

۲۶ October ۱۹۸۶

یکشنبه ۴ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۱ صفر

مجلس را به ملاحظه سفر نمایندگان در اربعین تعطیل کردیم. بنا بود به بازدید کارگاههای مترو بروم اما چون ماشین‌های حفاری آماده نشده بود، به تأخیر انداختند.

اول وقت به مجلس آمدم. با آقای رئیس شهری که بنایه خدمت امام برود، درباره نتیجه مذاکرات دیروزم با امام تلفنی صحبت کردم و نیز درباره مطرح کردن مسئله حفاظت و اطلاعات ارتتش تذکر دادم. بعد از ملاقات اطلاع داد که امام در مورد تعقیب گروه سید مهدی هاشمی جدی‌اند و در مورد حفاظت اطلاعات هم نظرشان این است که تحت نظر وزیر اطلاعات - به صورت مخفی - قرار گیرد. رئیس جمهور قبلًا با این نظر مخالف بودند.

آقای [رسول] متوجه نماینده دفتر مشاورت امام در ارتش در جزیره خارک [آمد. گزارش وضع پدافند فارس و نیازها را داد. انتظارات مجلس نماینده آمدند. برای گرفتن تلویزیون مدار بسته کاخ نیاوران برای حفاظت مجلس استمداد کردند. به دکتر [محمد] فرهادی [وزیر فرهنگ و آموزش عالی] تذکر دادم.

سفیرمان از زاین آمد. گزارش وضع آنجا را گفت و تأکید داشت که بهتر است عملیات موعد زودتر انجام شود. آقای [محمد جعفر] سعیدی [یان‌فر] نماینده [خمینی شهر] آمد. از مسئله سید مهدی هاشمی و از اینکه رادیوهای پیگانه او را هم جزو بازداشتی‌ها می‌دانند، نگران است. آقای فاضل هرنדי آمد، از صدمه احتمالی که در مسئله سید مهدی به آقای منتظری وارد شود، به خاطر مطرح شدن موضع گیری ایشان در مقابل دستور امام، اظهار نگرانی کرد و نمونه‌هایی از اظهار نظر بعضی از طرفداران سرشخ ایشان را نقل کرد. دکتر هادی آمد. عازم قم است. درباره مطالبی که می‌خواهد مطرح کنند، مشورت کرد.

آقای [محمدحسن] اختری سفیرمان در سوریه همراه اخوی محمود آمدند. گزارش وضع لبنان و سوریه را دادند. در مورد اعضای شورای لبنان مشورت کردند. نفت اضافی برای سوریه طلب کردند. عصر چهار نفر از طلاب مدرسه عالی شهید مطهری که در عملیات فتح یک شرکت داشتند آمدند. ضعف‌های عملیات را گفتند و بیشتر روی ضعفهای مدیریت و فرماندهی تأکید داشتند.^۱

۱ - عملیات ایدانی فتح ۲، امروز در عین خاک عراق به اجرا درآمد. به گزارش فرارگاه بنا اجرای آتش روى تبروگاه ۲۵۰ مگاواتی دوکان خسارات نابل توجهی به این تبروگاه وارد نکردند. این تبروگاه نسبت‌های وسیعی از استان اربیل، قله دیره و سد دوکان را زیر برش داشت. در این عملیات همچنین پایگاههای اطراف تبروگاه و مقرهای استقرار تبروگاهی حافظ در اطراف دوکان، ساختمان (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

آقای رئیس زاده آمد. تحلیلهایی برای مسائل جاری، منجمله بازداشت سید مهدی هاشمی و عکس العمل آیت الله منتظری ارائه داد. آقای موسویان سرپرست ادارات مجلس آمد. عقاید و خط سیاسی اجتماعی خودش را عرضه کرد.

شب سران قوا مهمنان من در مجلس بودند. در این جلسه دکتر ولایتی گزارش سفر به لیبی را داد. درباره گروه سید مهدی بحث شد.

دوشنبه ۵ آبان ۱۳۶۵ | ۲۲ صفر ۱۴۰۶ | ۲۷ October ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر به مطالعه پرداختم. احمد آقا آمد. تصمیم امام را در مورد نوشتن جواب سوال وزیر اطلاعات در خصوص تعقیب پرونده گروه سید مهدی گفت و متن آن را آورد. بمناسبت از رسائمهای پخش شود، به آیت الله خامنه‌ای تلفتی گفتم که نماز جمعه آینده را اقامه کنند. قرار گذاشته ایم در سال بیست هفته ایشان و بیست هفته من و هشت هفته آیت الله موسوی اردبیلی و چهار هفته آقای امامی کاشانی اقامه نمایند.

اول شب آقای آغازده وزیر نفت آمد. مدغی است در او پک، کویت و عربستان از موضع ضعیف حرکت کرده‌اند و قدرت ایران محسوس است. گزارش وضع صادرات و سوخت را داد.

(ادامه پاورپوینت صفحه قبل)

فرمانداری شهر و چندین قصه سلاح فد هوایی در اطراف شهر منهدم گردید و تعدادی از نیروهای عراقی کشته شدند. راوی مرکز مطالعات جنگ در فرارگاه رمضان در گزارش خود از این عملیات می‌نویسد: «به علت مسائلی که در جریان عملیات هیچ یک در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه میهنی کردستان عراق به وعده طلبانی بروزگرد، مرکز اتحادیه ایرانی هرگز به عملیات دیگر را می‌وطد و عقد قرارداد رسمی روابط با جمهوری اسلامی ایران کرد، لذا عملیات فتح ۲ صرفاً نیروهای اندک خودی که در داخل خاک عراق یافی بودند، انجام شد. این نیروها با دیده‌بانی روزی مراضع دشمن، توسط دو فضله خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلی‌متری، حدود ۵۰ گلوله خسارة روزی نبروگاه درگاه و تأسیسات روایگاه‌های اطراف آن شلیک کردند». را دیر بغداد امروز در بخش کردی خود، در تفسیری یا حمله شدید به اتحادیه میهنی کردستان، گفت: «خیانت طلبانی به جانی رسانده است که به مژده روزیم خسی غبد گردیده است و آنان را در حملات به خاک وطن رهبری و راهنمایی می‌نمایند».

۱ - در این روز صدام حسین در جواب نامه پاپ، به طور ضمنی از ایران درخواست آتش سی یک روزه کرد. را دیر صوت العجماء (بغداد) گفت: «در پاسخ به نامه پاپ، که می‌آی از وهران سیاسی و نظامی جهان خواسته تا روز ۲۷ اکتبر (۵ آبان) به مnasبت روز عبادت نامی ادیان، سلاح‌های خود را به کلی زمین بگذارند، و یعنی جمهور عراق نوشته: «ما ضمن قدردانی از توجه شما به جنگی که به خاطر امروز روز ایران به ادامه جنگ تجاوز کارای خود علیه عراق و می‌است ترسیعه طبلان آن در مقطعه، شش سال است جریان دارد و درگست شما از اینکه ما مایل به راه حل‌هایی عادلانه و دائم برای آن هستیم، قدردانی می‌گذیم... ما مقتدریم که به پیام شما پاسخ مثبت دهیم؛ ولی اجرای یک طریق این پیام امکان پذیر نیست و ما مسرور می‌شیم اگر ایرانیان به این پیام پاسخ مثبت می‌دانند».

ملاقات با سفیران جمهوری اسلامی

دکتر هادی [نجف آبادی] آمد. در مورد سفر به عربستان برای مذاکره با آقای فهد - شاه عربستان - مشورت کرد. فهد گفته اگر یک هفته جنگ متوقف شود، صدام را کنار می گذارند. قرار شده از طرف مالکی برود و توضیع کیفیت کار را بگیرد. نامه وزیر اطلاعات و جواب امام در خصوص تعقیب سید مهدی هاشمی امروز منتشر شد؛ احتمالاً آقای منظری ناراحت تر شده باشد.

سه شنبه ۶ آبان ۱۳۶۵ | ۲۳ صفر ۱۹۸۶ October ۱۹۸۶

قبل از دستور، تلگراف آیت الله منتظری در جواب تلگراف و تسلیت نمایندگان را خواندم. ساعت ده و نیم به دفترم آمدم. با انتشار جواب امام، آرامشی احساس می شود. جمعی از ارتشی ها آمدند. برای آنها صحبت کردم.^۱ در جلسه ستاد قرارگاه برای بررسی وضع موجودی مهمات نیروی زمینی ارتش شرکت کردم. به جز دو مورد بقیه وضع بدی ندارند. آقای [واعظ] طبسی ناهمار مهمنام بود. شرح مذاکرات با آقای منتظری و امام را گفتند. آقایان رفیق دوست و مهدی نژاد آمدند. در مورد مراحل آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان و نیازهای تسلیحاتی بحث شد.^۲

۱ - آقای هاشمی در جمع عده ای از روحانیون و پرسنل دایره عقیدتی - میامی و پرسنل تابعه سازمان ملل متحد از اسکبار جهانی برای ایجاد تفرقه بین مردم و ارتش گفت: "توطنه دشمنان در این زمینه شکست خورد و امروز جمهوری اسلامی دارای ارتشی است که بیش از همیشه به مردم نزدیک است و این حاصل برخورد مدبرانه امام با ارتش بود. الان ارتش ما جزو مظلوم ترین ارتش های دنیا از لحاظ ارتباط با کل نظام، رهبری و مردم است و پیچ شن سال تجربه جنگ این را به خوبی نشان داد علی رغم اینکه قسمت های اصلی ارتش در گذشته شکل گرفته بود، با توجه به اینکه های مذهبی که داشته، الی به صورت یک ارتش مردمی درآمده است". حیرگزاری آسوشیتدپرس با نقل قسمتی از سخنان آقای هاشمی متن بر اینکه پس از پایان جنگ عراق، ایران با همسایگان خود در صلح زندگی خواهد کرد... ما ایده ایم پس از پایان جنگ تعاملی از سوی عراق، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به یک معنی برای کشورهای منطقه تبدیل شوند". سخنان اینسان را چنین تفسیر کرد: "له نظر من رسالت این سخنان برای کاهش نگرانی کشورهای خارجی [فارس] آنکه بیم دارند بیرونی انقلابیون مذهبی ایران بتوانند کشورهای این را بی ثبات کنند، طراحی شده است". آسوشیتدپرس با نقل بخشی دیگر از سخنان آقای هاشمی که گفته بود: "همسایگان، علی رغم برقرار غیردوستانه شان تسبیت به ما، پس از پایان جنگ خواهند نهیضد که به سادگی قادرند با ما در صلح زندگی روند و بیشتر به ما اعتماد کنند". اضافه کرد: "جنگ خلیج [فارس] و حمله به کشتی ها از عسائل عمدۀ گفتگوهای وزیر خارجه شدن کشور عصر شورای هستکاری خلیج فارس است که در این طبقه تشکیل جلسه داده اند. رهبران کشورهای عضو این شورا بین فرار است روزهای شنبه و یکشنبه آینده تشکیل جلسه دهنند. دو گنبد بزرگ این شورا یعنی عربستان و گورنر در جویان درگیری خلیج [فارس] همواره از عراق حمایت کرده اند".

۲ - مسأله گروگانهای فرانسوی و آمریکایی در لبنان و احتمال آزادی آنها امروز نیز بروز بحث رسانه ها فرار گرفت. ادعای شب گذشته را دیگر (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

عصر آقامحمدی آمد و در مورد کیفیت رفتار و برخورد با گروههای عراقی برای جنگ با پسر عراق مذکور شد. در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کرد. مشکل داشتگویان تعلیقی - که چند سال است بلا تکلیف مانده‌اند - حل شد. کمیسیون مأمور تشخیص، تعیین شد. شب به مجلس آمد و کارها را انجام داد. سرهنگ ترابی که مسئول حفاظت اطلاعات ارتش شده است، برای مشورت در برنامه کار جدیدش آمد.

چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ صفر | ۲۹ October ۱۹۸۶

تا ساعت هفت و نیم صبح مطالعه کرد. تا ده و نیم در جلسه علنی بودم. در تنفس برای جمعی از سپاهیان تیپ بیت المقدس صحبت کردم.^۱ آقای [سید رضا] زواره‌ای آمد و مطابق معمول از مجریان شاکری است. پدر شهید حیدری نماینده سابق بوشهر و مادر ایشان آمدند و برای انتقال فرزند سربازشان به شیراز کمک خواستند.

ظهور جمعی از سفرا و کاردارانمان آمدند. برای آنها مفصل‌اً صحبت کردم.^۲ عصر آقای [احمد]

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

صدای لسان، متعلق به گروه «سیر جمع»، مبنی بر آزادی قریب الوقوع دو گروگان فرانسوی و شش گروگان آمریکایی و انتقال آنها به مقبر قرماده‌ی بیرونی سوریه در لسان، شگفتی محاذل خبری پاریس را برانگیخت. وزارت خارجه فرانسه این اجراء را تکذیب کرد و روزنامه لیبراسیون آن را بخشی از یک جنگ روانی خواند. رادیو مسیحیان لسان بیرونی منتشر کرد که در آن آمده است: «خلیع امتنی اطلاعاتی دریافت کرده‌اند که براساس آن، دو گروگان فرانسوی هم اکنون زیر نظر رئیس اداره اطلاعات سوریه در لسان حبس و این اختلال وجود دارد که این در همه باشش گروگان آمریکایی در مقابل آزادی ژرژ میدالله که در فرانسه زندانی است، آزاد شوهد. روزنامه کوپنه‌کوبن بیان این مورد بروشت: دو گروگان فرانسوی امکان دارد قبل از گزدهم آلبی رزبران امیر خارجہ کشورهای جامعه اقتصادی اروپا در ۱۰ توامبر ۱۹۸۶ در لندن، آزاد شود.» الفنس به تقلیل از مبالغه مرتکب نوشته که آزادی این گروگان‌ها اختلال «هدایه» سوریه به فرانسه برای جبران تلاش پاریس در جامعه اقتصادی اروپا جهت جلوگیری از عیارات‌های سگنین علیه سوریه است. الفنس افزود: «فرانسه در حال حاضر نفس عضم ترین مدافع سوریه در اروپا را بازی می‌کند و برای جلوگیری از حضورهای میانی، دیپلماتیک و اقتصادی اروپا علیه سوریه - که عوایق آن تردیدی هر چه بیشتر داشت به مسکن خواهد بود - تلاش می‌کند. آزادی این دو گروگان که ناید با هواقت ایران ضرورت‌گیرد، امکان دارد به دلیل انعقاد توافق نامه پاریس و نهضان در زمینه مددکاری اورهودیف، تسهیل شود.»

۱- رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنواری‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر شعر و معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲- آقای هاشمی در جمع بنی‌فران، کارداران و سرکنس‌لان جمهوری اسلامی در آسیا و اقیانوسیه به تشرییع و فضیلت جنگ و اوضاع داخلی کشور پرداخت. در این دیدار ایشان با اظهار اینکه عزیخت قعلی سیار حسام انت و ما در مجموع رمان فرق العاده سرتورشتسازی را می‌گذرانیم، گفت: «دشمنان ما را به هزیمت نهاده‌اند... عراق به تهایی قادر به ادامه جنگ نبود و حدام چون عنصر وابسته‌ای نداشت، سیاست جنگ را دیگران تعیین می‌کنند... فرانسه و شوروی به طور عده اسلحه عراق را تأمین می‌کنند. عراق مثل ما نیست که اگر از لحاظ اسلحه تدارک نشود (ادامه پاورپوینت در صفحه بعد)

عزیزی [رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس] آمد و راجع به شایعه آمدن مک فارلین به ایران توضیح خواست؛ توضیح دادم. آقای رحمانی مسئول پسیج آمد و برای شرکت در برنامه فرماندهان پسیج که برای اعزام یکصدهزار نفر در آذر ماه برنامه ریزی می‌کنند، دعوت کرد؛ پذیرفتم. شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم.

مطلع شدیم که یک هوایپما در بندرعباس به زمین نشسته و پانصد موشک تا و مقداری داروی هدیه از طرف آمریکا آورده که ما برای آزادی گروگانها در لبنان کمک کنیم. در جلسه سران در مورد مسائل مربوط به گروگانهای فرانسوی و آمریکا که در جریان مذاکره و معامله است، بحث و تصمیم‌گیری شد.

آقای امیراللهی آمد. گزارش پیشرفت‌های سازمان انرژی اتمی را گفت. فرانسوی‌ها اصرار دارند تفاهم نامه سیاسی و اقتصادی، همزمان منتشر شود. مشکل آزادی گروگان آمریکایی، مسائل جدید آنها با سوریه است. در مورد مسائل مربوط به آیت‌الله منظری هم پژوهش شده؛ مشکل عمیق است، آقایان معیری و شیخ‌الاسلام درباره تفاهم نامه‌های سیاسی و اقتصادی با فرانسه در جهت عادی کردن روابط نظر خواهی کردند.

شب خبر دادند که عراق به باختران و اسلام آبادغرب حمله هوایی کرده و بیش از صد نفر را شهید و مجرروح کرده است^۱. ظاهراً هدف پادگان نظامی بوده، ولی به غیر نظامیان هم آسیب وارد شده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بیانند به جنگ ادامه دهد. ما اگر تمام دروازه‌های ایران را هم سدیم در شکل موجود جنگ را ادامه دهیم. آنها تاکنون جنگ را باخته‌اند. اگر هدف آنها سقوط مابوده، جنگ را باخته‌اند، اگر هدف تحریه مابوده، باز باخته‌اند؛ اگر تقویت صداقات بوده، باز باخته‌اند... آنها حالا نهایی خواهند صدام را به هر قیمتی که شده، حفظ کنند. همه هست‌های این است که وضع موجود را در عراق حفظ کنند... اگر گاهی تحولات هرای رخ می‌دهد و نظریوی صورت می‌پذیرد در همان جهاد است که امری داشته باشد تا آذ اتفاق لنج برای آنها رخ ندهد... ما اگر تنسیم بگیریم که در هر فرصت حرکتی در میدان جنگ بکنیم، چیزی مانع نمی‌یست. در همین قصبه اخیر که عراق آغازگر آن بود [جنگ شیرها و حسله به پایانهای نهانی دور داشت] دیگران خیلی به او کمک کرده‌اند از جهت شناسایی، اخلاقیات، دادن امداد لبری و غیره، همه چیز در اختیار عراق گذاشتند. رجوع کنید که کتاب «هاتسی رفتگانی» ساخته‌های سال ۱۳۶۵، «دقترن شهر معارف اتفاقات»، ۱۳۸۷

۱- امروز شهروندان باختران و اسلام آباد عرب زیر آتش سگین سبب، راکت و مسلسل هوایی‌های عراقی قرار گرفت و تعداد زیادی از مردم را به خاک و خون کشید. تعداد ۹ قرونه هوایی‌سای دستمن غصمن تجاوز به حرم هوانی شفرا اسلام آباد عرب ۲۵ نقطه از پادگان آنگر این شهر را بسaran کرده‌اند که بر اثر آن دزدانی، اثارهای پرشتابک، تعلیه، فسیی از تیپ ۴۵ جروادالائمه و پسپا بنزین جهاد آسیب دید و ۲۲ تن شهید و ۴۸ تن مجروح شدند. همچنان با حمله ملک‌کور، ۱۲ هرایمای دشمن سه نقطه از اطراف پادگان صالح آباد باختران و کری افسران و ذرجه‌داران را بمباران خوشایی کرده‌اند که بر اثر آن به بیمارستان ۵۲۰ اورتش در باختران، یک سالن پذیرش، چند آسایشگاه، تعدادی خودرو مسکن و سگین و چند واحد مستقری خساراتی وارد آمد. در جریان بسaran پادگان اسلام آباد ترکش پصب‌های پرتاب شده بد خطر ط انتقال برق اصابت کرده و باعث خاموشی کامل برق اسلام آباد و بخشی از باختران شد. هرایمای دشمن مجدداً در ساعت ۱۸:۴۰ نیز ضمن (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

است. دستور داده شد بازden بصره تلافی شود و عملیات فتح ۲ که در منطقه دوکان انجام شده اعلام شود.

۳۰ October ۱۹۸۶

پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۵ صفر

قبل از جلسه علنی مجلس، اطلاعات لازم از بمباران‌های دیروز دشمن^۱ و بمباران امروز پالایشگاه باختران گرفتم^۲. قبل از دستور صحبت کوتاهی کردم^۳. طرح واگذاری قطعی اراضی کشت موقت با رای بیش از دو سوم نمایندگان تصویب شد، ولی ظهر آقای انصاری خبر داد که شورای نگهبان به امام

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

تجاویز به حرم هرای شهر باختران منیر خیابان کسری و قسمی از خیابان سراب این شهر را هدف گلوله‌های تیربار خود قرار دارد که به جندین واحد مسکونی و بیش از ده دستگاه اتومبیل آسیب وارد شد و شماری بیشتر شهید و مجروح شدند. ناامداد ۶۵/۸/۸ شهادای کرمانشاه و ۱۰۶ تن و شهادای اسلام آباد غرب به ۱۸ تن رسید و در این در شهر مجموعاً ۵۸۰ تن بیشتر مساران را اصابت رگبار مسلسل هواپیماهای عراقی مجروح شدند.

۱- بنا به گزارش رادیو صوت‌الجماهیر (بعداد) خبری شعبان فرمانده بیرونی عراق در مصاحبه با هفت‌نامه‌الفناء اصمم تهدید به تشدید حملات هوایی عراق، گفت: "دور ترین نقطه ایران در دسترس حملات ما است و تیری هرای ما همیشه آمده متیر با تمام امکانات دفاعی است که ایران خدارگ کرده است". ولی اضافه کرد: "ایران باید بیش بینی ضربات فرایند را به فروندگاهها و بایگانهایش را بکند. ولی تأکید کرد موشک‌هایی که ایران از سوریه و لیبی به دست آورده، عراق را نمی‌ترمانند".

۲- در ادامه حملات روزگارش هواپیماها به کرمانشاه که بدسبت آن ۱۶ تن شهید و ۴۸۰ تن مجروح شدند، در ساعت ۶:۵۵ صبح امروز ۱۸ فروردین هواپیسا پالایشگاه، جند بقطه مسکونی و پیارساند ۵۲۰ ارش را در این شهر بمباران کرده که بر اثر آن ۱۹ تن شهید و ۷۰ تن مجروح شدند و جندین بیع موت خود، بین سوپه و ذخیره گاز مهمله یا به آن آسیب کلی وارد شد و بخشی از تأسیسات پالایشگاه خسارت دید. گسربگی آتش به حدی است که امکان تردیک شدن به مرکز پالایشگاه و قسمت‌های منهدم شده و یا آسیب دیده وجود ندارد. ساعت ۱۶:۵۵ با سرایت آتش به صایع تیران مسربه، شاعع شعله‌های آتش به دو ببار افزایش یافت، طوری که از ۴۵ کیلومتری خارج تپه قابل رؤیت بود. به بسب حملات مذکور، کرمانشاه به صورت نیمه تعطیل درآمد. توزیع سوخت دچار اختلال شد و صفات‌های طبلی از خودروها در جایگاه‌های نزدیک تشكیل شد. همچنین مراسم تشییع شهیدان که فراز بود ساعت ۱۵ برگزار شد، لغو گردید.

۳- در بخشی از این نطق آمده است: "نهادت جمعی از عزم باختران و اسلام آباد باز نشانه‌ای است از اینکه رژیم علتنی دست از همان شیره شرورانه خودش برنسی دارد و هر وقت در تگا قرار می‌گیرد آن طبق در زمان خوبی خودش را نشان می‌دهد. ما خس اینکه حق مقابلک به مثل را برای خودمان محفوظ نگیریم و عمل می‌کنیم، امیدواریم که بعثان عراق را روزمه‌گان خا در میدان‌های جنگی به سزای اصلی خودشان برمانند و خواهند رساند و بی‌شک این گونه حرکت‌ها برای انتقام گرفتن از دولت ایران و عراق است که بحق‌ها هموکتاب می‌شوند. نمونه دیگر از بن سنت رژیم عراق حركتی است که در مورد فرستاده اغیر کویت را که برای آوردن پیام برای مقام ریاست جمهوری عازم آمدند، مورد تعقیب قرار دادند که اگر

جنگنده‌های ما به دفاع بلند تشدید بودند تحقیقاً سرنوشت این فرستاده هم مثل وزیر خارجه شهید الجزایر می‌شد. با اینکه کویت‌ها در این مدت از حمایت عراق دریغ نکردند ما من بنیم بعث عراق برای چه حباب‌هایی آمادگی دارد. انشاء الله این گونه حراثت هم مردم عراق را هم حامیان صدام را هشیارتر نگشند و شر این را از منطقه بگشند". رجوع گردید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های بیش از دستور حال ۱۳۶۵، ۱۴۰۷، دفتر نشر معارف اسلام"

پیغامی داده که اجازه رد کردن آن را یگیرد.

آقای [علی اصغر] حجازی آمد. مذاکراتش با آقای متظری را گفت و برای حل مشکل استمداد کرد. دکتر روحانی آمد. درباره جنگ و خریدها صحبت شد. مهدی نژاد آمد و درباره جدول معامله گروگانهای آمریکایی در لبنان با نیازهایمان بحث شد. دکتر نورخیز [رئیس بانک مرکزی] آمد و مشکلات مضيقه ارزی را گفت.

برای مستولان امور پژوهشی که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم.^۱ عصر در اجتماع فرماندهان بسیج در پادگان امام علی(ع) شرکت و سخنرانی کردم.^۲ اول شب به خانه رسیدم.

جمعه ۹ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ صفر ۲۶ | ۳۱ October ۱۹۸۶

در منزل بودم. نماز جمعه را آیت الله خامنه‌ای اقامه کردند.^۳

۱ - آقای هاشمی در دیدار با اعوانان پژوهشی ادارات کل وزارت آموزش و پژوهش اعیان تربیت نیروهای انسانی، منهد و کارآمد را برای نصفین آینده جمهوری اسلامی مورد تأیید قرار داد و ضمن تأکید بر اهمیت مسئولیت خطیر مستولین پژوهشی آموزش و پژوهش خطاب به آزاد گفت: «نیروهای جواه که در این مقطع در اختیار شما قرار می‌گیرند، کل سرمایه انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهند و آینده چامده و انقلاب تا حدود زیادی به این عامل سبکی دارند که ما چگونه از ساختن این نسل نو آشیم. اگر این دسته از نیروهای انسانی که مصدّر امور قرار می‌گیرند، واقعاً شایسته باشند، چامده هیچ مشکلی نخواهد داشت. نیروهایی که ما امروز تربیت می‌کیم، بیست سال دیگر مسئولیت‌های کل کشور از مجلس، دولت، مدیریت‌ها و سایر بعثتها را بر عهده خواهند داشت. لذا هر چه دا امروز سازیم آینده کشور همان خواهد بود. آن‌ها سایر

عرافان مانند خانزاده، صندوق سیاست‌گذاری و مطلعات، مبنی‌ها و مجامع فرهنگی هم مؤثر هستند. ولی کار آموزش و پژوهش مهم‌تر از همه است و همه را تحت الشاعع قرار می‌دهد.^۴ رجوع کنید کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر شریعت‌علوم اسلام، ۱۳۸۷.

۲ - ایشان در جمع فرماندهان پایگاه‌های بسیج سراسر کشور که به منظور برپانادربیزی اعزام یک‌صد هزار تن از زندگان سیچ در هفته بسیج گرد هم آمدند، ضمن تشرییع وضعیت کوتی جمهوری اسلامی ایران در صحه جنگ، اعلام کرد که زندگان اسلام برای انجام یک هجوم همه جانبه علیه فرای شکست خورده صدام آمادگی کامل دارند. آقای هاشمی گفت: «متعسر عهده همانهای مسئولان جنگ، شرایط سیاسی جهان را برای وارد کردن ضربه بهایی بر زنیم عراق مهیا می‌کند و دور نیست زمانی که رژیم‌گذاران اسلام با اینکال به قدرت آئند و بهره گیری از طرح‌ها را بر تأمین امنیتی‌های انجام شده محور رئیم حاکم بر عراق اقام نمایند». رجوع کنید کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر شریعت‌علوم اسلام، ۱۳۸۷.

۳ - حملات اخیر عراق به شهرها و نحوه مقابله به مثل ایران، پیامدهای نظامی و سیاسی عملیات فتح یک و مسائل داخلی کشور از جمله روابط آیت‌الله منظری و امام حسینی مورد بحث آیت‌الله خامنه‌ای در خطبهای نماز جمعه امروز تهران غفار گرفت. رئیس جمهوری سپس به مردان وسیع شایعات منتشره ذهن گذشته به عنوان نمایه اشاره کردند و گفتند: «هدف آنها از این شایعه پر اکنی ها در قم و تهران تضعیف رهبری کشور و مقام ولایت فقیه و القاء اینکه در رهبری جامعه ما شکاف ورخنای وجود دارد و نسام رساندهای مگروهی جهان بدون استثنای توطئه را دارند. آنها نیست به امام نمی‌توانند این کار را انجام دهند چرا که می‌دانند ملت ایران نیست به ایشان ارادت و اخلاص دارد و این راه به کلی عاریم اند لیکن برداختند به مقام مقام رهبری. حضرت آیت‌الله العظمی منظری که جهود محبو و صحبی این انقلاب و بر جسته‌ترین شخصیت این انقلاب بعد از امام هستند. و خواستند شاید بنویند به حیثیت والای ایشان نزد مردم لطفه‌ای وارد گنند».

۱ Novem ۱۹۸۶

شنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ۲۷ صفر

در منزل بودم. اعضای شورای سپرستی صدا و سیما آمدند. درباره لزوم فعال تر کردن صداوسیما در مسائل مهم کشور و بیرون آمدن از حالت انفعالی بحث شد.

حاج احمد آقا آمد. از شیوع خبر سفر مکفارلین به ایران به گونه‌ای انحرافی نگران است و پیشنهاد داشت که آن را به گونه واقعی که برای ما پیروزی است و برای آمریکایی‌ها خفت و شکست مطرح کنیم، پیش از آنکه دشمنان سوه استفاده کنند. قرار شد فردا شب جلسه سران منزل ما باشد و موضوع بحث هم همین باشد. عصر و شب به مطالعه گذشت. در گزارش‌ها تازه مهمنی نداشتم.

۲ Novem ۱۹۸۶

یکشنبه ۱۱ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ۲۸ صفر

در منزل بودم. سرهنگ ترابی آمد. گزارشی از وضع حفاظت اطلاعات ارتش داد و برای ایجاد حرکت پس از حذف پرسنل قدیمی، پول و اختیارات بیشتر برای تعقیب خواست. آقای سالاری آمد

و برای مشکل خود در وزارت خارجه استمداد کرد. مدعی است دشمنانش به ناحق او را متهم می‌کنند. شب سران قوا در منزل ما جلسه داشتند. دکتر هادی گزارش سفر به عربستان را داد. آقای فهد گفته در کنفرانس سران شورای همکاری خلیج فارس به نفع ما حرکت می‌کنند و اظهار آمادگی کرده که در صورت خاموش شدن دو هفته‌ای شعله جنگ در جبهه‌ها - حتی بدون آتش بس - برای حذف صدام اقدام شود و گفته سه نفر زندانی کاروان ما را چند روز آینده با پرونده‌ها پس می‌دهد.

آقای دکتر ولایتی گفت سوری‌ها نگرانند و از ما خواسته‌اند که کمک کنیم تا با آزادی چند نفر از گروگان‌های فرانسوی، از این اهرم در جهت استفاده از قدرت فرانسه در مسائل جاری در میان بازار مشترک [اروپا] استفاده کنیم. قرار شد به گونه‌ای مسئله استفاده از آن در ارتباط با پرداخت بخشی از

۱ - در این روز برگزاری زکی، یمانی و تپیر نفت عربستان به عنوان مهم‌ترین خبر در صدر اخبار جهانی و مالی مطبوعات آمریکا قرار گرفت. وال استریت زوریال برگزاری یمانی را جزو آخرین تلفات جنگ ایران و عراق و بازوف رو به رشد ایران که ناشی از این جنگ است، دانسته و به تقلیل از تحلیل گران و کارشناسان غنیمت نهت این تحول را نیزه هشدار ایران بر عربستان و حاکمی از قدرت گیرش و افزایش القوه ایران در خلیج فارس و در سازمان اوپک جواند.

۲ - دبیرde جاکوبسن، نگران ۵۵ ساله آمریکایی که تدبیک یک سال در دست سازمان جهاد اسلامی لیان بود امروز آزاد شد. سازمان جهاد اسلامی طی اطلاعه‌ای در این باره اعلام کرد: "ما دولت آمریکا را مستلزم عرافت هرگونه شکست در بهره‌برداری از این فرصت و حرکت نا (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

طلبمان از فرانسه که در جریان است، هماهنگ شود.

درباره شایع شدن مسئله آمدن مک فارلین به تهران بحث شد. قرار شد که پس فردا در مراسم سالگرد اشغال لانه حاسوسی در مقابل مجلس، من به گونه درستی موضوع رامطرح کنم، پیش از آنکه مخالفان آن را در جهت غلط و انحرافی مطرح نمایند. آقای موسوی اردبیلی اطلاع دادند که آقای منتظری کمی ترمیم شده‌اند و بنا دارند خدمت امام برستند.

دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ صفر ۲۹ | ۳ Novem ۱۹۸۶

بعد از چند روز توقف در خانه به مجلس رفت. اول وقت مطلع شدم هواپیمای سی - ۱۳۰ حامل ۹۰ نفر نظامی، دشیب در زاهدان سقوط کرد و ۱۵ افسر و ۷۵ درجه دار ارتیش شهید شده‌اند.^۱ به مجلس آمد. آقای [غلامعباس] زائری آمد و درباره مشکل دیروز - که مقر شهید مطهری از کارکنان مجلس خواسته است کارت مخصوص مقر را پذیرند و آنها را به مجلس راه نداده - توضیح داد. بین سپاه و کارپردازی مجلس اختلاف نظر است.

سفیر هند آمد. دعوت کرد که کسی را برای دریافت جایزه بانو [ایندیرا] گاندی معرفی کنم. هند این جایزه را برای کسانی قرار داده که خدمت مهمی برای صلح یا کشورشان کرده باشند. از پاکستان گله داشت که می‌خواست هیأت "کشمیر آزاد" را به کنفرانس سران اسلامی بیاورد و من بر ضرورت توجه بیشتر هند به مسلمانان این کشور تاکید کردم.

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

برخورددهای فعلی که در صورت ادامه می‌تواند به حل موضوع گروگان‌ها بسیار مضر باشد. ملت آمریکا، خانزاده‌های گروگان‌ها و مردم آمریکا هشدار می‌دهیم در صورتی که دولت آمریکا نتواند برای رسیدن به نتایج مورده است. این برخورددها را تکمیل کند، موضعی کاملاً متفاوت اتخاذ خواهیم کرد. در این حال ریگان رئیس جمهوری آمریکا گفت: "نمی‌توانم جزئیات آنچه را که منجر به آزادی جاکوینس شد، افشا کنم. احتمالاً مدت‌ها از طریق کانال‌های حساس در این عوردهای آزادی این اتفاق افتاده است. یک مستول کاخ سفید - که نام خود را باش نساخت - به روزنامه مذکور گفت: "ایران در این آزادی سهیم بوده است".

۱- یک فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ از ارتش جمهوری اسلامی در حوالی زاهدان سقوط کرد و ۹۸ نفر تنین و خدمه آن به شهادت رسیدند. این هواپیما حامل ۹۱ تن از زندگان لشکر ۸۸ زرهی زاهدان و ۷ خلیان و خدمه پرواز بود و از باخوان به زاهدان می‌رفت. این هواپیما در اثر نقص فنی در قسمت شرق و در نزدیکی مادن فرودگاه حرائی مطغه‌ای به نام "بارگی" پاکیه برخورد کرد و کلیه سرنشیان آن در دم به شهادت رسیدند.

فرماندهان لشکر حضرت رسول(ص) آمدند، برای آنها صحبت کردم^۱ و پانصد هزار تومان به آنها کمک نمودم، جمعی از پرسنل نیروی هوایی آمدند، از ضعف سیاسی عقیدتی گفتند و از گروه کار نظامی رئیسجمهور شاکی بودند.

آقای [علی محمد] پشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد، از وضعی که در ارتباط با بیت آیت الله منتظری پیش آمده، اظهار نگرانی کرد، ضمن اینکه به ضرورت تعقیب گروه سید مهدی تاکید داشت. آقای رفیق دوست آمد و گزارش پیشرفت تدارکات پانصد گردن را داد و دو میلیارد تومان برای مخارج اجازه گرفت.

ظهر آیت الله خامنه‌ای آمدند، درباره کیفیت اعلام قضیه آمدن مک فارلین به ایران بحث کردیم^۲ توافق حاصل شد، ایشان ابتدا با تصمیم دشپ جلسه ما موافق نبودند، درباره کیفیت کار با

۱- آقای هاشمی در این دیدار ضمن تجلیل از خدمات نیروهای لشکر محمد رسول الله (ص) گفت: "ما در آستانه شرایط سُتاً خوبی قرار گرفته‌ایم که جختی از این شرایط را شناسیم" ایند، از روزی که دشمنان مازنده‌های جدیدی را برای مراحت و تضمیم گرفتند که نگذارتند رشادت‌ها و جانشانی‌های شنا به نهر برسد و نگذارند چندکه با پیروزی شما تمام شود، بخلاف نظرشان تاییج معکوس گرفتند و ما هم به جای ترسیدن ر عقب رفتن صصمتر شدیم، مردم را زیبری ما جدی نم نشیدند که حالا که آنها دست برداش از شرارت شان نیستند، زرده بر کار را تمام کنیم هر پیروزی را که داریم سیچ کنیم تا همراه نوٹله آنها را دادهیم، درست در شرایطی که آنها می‌خواستند به خجال خودشان را تحلیل برند شما ۰۵ گردن را مطرح کردید و تاکید نمودید که اگر با این مقدار صالح حل نشد آن را به ۱۰۰ گردن می‌رساید، اوغل آنها این مسأله را یک تهدید ریک بلوف تلقی می‌کردند اما در راقیت با این امر موافق شدند که مسأله سیار جدی است، میل عظیم نیروهای مردمی در سراسر کشور به دنبال این دعوت به راه افتادند، خداوند هم برای این پیروزی‌ها عظیم در امر تدارکات کشک نمود، در شمال عراق، ترکیه قرار دارد و نفس کلن عراق از طریق آن کشور است، یعنی جایی که توله‌های نشست از آنجا عبور می‌کند، ترکیه ای که وقای احسان می‌کند عراق متزاول است با پیروزی در روزنامه‌های خود مطرح می‌کند که شمال عراق از ماست و می‌گویند مردم کوکوک ترک هستند و اعداء‌های کهنه و قدیسی را مطرح می‌کنند، شما بینند عراق با یکی چشم حامی نیما می‌جنگید و ماعنی داییم که اگر ترکیه راه تنفس عراق را سندد و خط‌الله آن را قطع کند و یا جاده‌ای مسدود شود، عراق زمین‌گیر می‌شود، در جنوب، کشورهای عربی هم مثل شمال عراق متزاول هستند، الان مدنی است که لوله‌های نفت عراق به سر پیچ [واقع در عربستان] کار نمی‌کنند که ادل آن را بعداً می‌فهمید، آنها هم در حمایت از عراق متزاول هستند، همه قدرت‌های برگ را امید این ذخایر نفت عراق و به امید سودهای کلان این حمایت‌ها را می‌کردند، الان که در معرض این قرار گرفته‌که فردا جزء بعث مسکن است وجود نداشته باشد که پرسدار و حافظ منابع نامشروع آنان باشد، به فکر آینده افتاده‌اند، آنها نمی‌توانند جواب شرکت‌هایی که اینجا سرمایه‌گذاری کرده‌اند را بدهند، مردم عراق هم عذر هیچ تعهدی برای پاره‌داخت این شرکت‌ها که برخلاف هیل مردم عراق آنچه رفته‌اند ندارند، ما با جنگ‌های نامنظم در شرکت کردیم که قدر داخل عراق نام است و به دنیا گاتی کردیم که چندتر عراق آسمیده‌پذیر است، رجوع کنید سه کتاب هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵ "دفتر نشر و اعارف اقلالب" ۱۳۸۷

۲- در یک اندام غیرمنتظره، امروز همه نامه‌لسانی [الشروع] از دیدار محترمانه یک هیأت آمریکایی به سرپرستی مک فارلین نماینده وزیر دولت آمریکا، از ایران خبر داد، «الشروع» نوشت: "زارت مک فارلین یکی از فرستادگان آمریکایی در مأموریتی از تهران به طور عحرمانه دیدار کرد و گفتمگوهای سیار مهمی با دکتر محمد لیاسانی به نمایندگی از وزارت امور خارجه و محمد علی هادی نائب رئیس کمیته روابط خارجی در مجلس شورای اسلامی و یکی از افسران عالی و تیه ارتش ایران انجام داد" این نظریه ازدواج ایران اروشگان خواست تاکنک‌های نظامی، مادی و میانی خود را به عراق منونف کند و به ایران لوازم پذیری سلاح‌های آمریکایی بفروشش، فهمنا آمریکا از تهران خواست تا پشتیبانی و کمک‌های خود را به سازمان‌های آزادی‌بخش در جهان، به بیانه اینکه این سازمان‌ها تزویست هستند، منونف، تمايز، و امنیت خلیج [فارس] را (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

عربستان سعودی در مورد پیشنهاد حذف صدام مذکوره کردیم. عصر آقای حسنی سعدی آمد و نیازهای نیروی زمینی را گفت. آقای [عباس] دوزدوزانی [نماینده تهران] آمد و از مؤلفه شکایت داشت.

آقای ریاضی آمد. گزارش پیشنهادهای را که در مورد خرید اسلحه داریم، گفت که نشان این است که اگر پول داشته باشیم، تامین اسلحه مقدور است. آقای [محمدجواد] ایروانی وزیر دارایی آمد. گزارش اقتصادی داد^۱ و برای مشکل بانک مرکزی استمداد کرد. شب در مجلس ماندم. آقایان [جلال الدین] طاهری [نماینده ولی فقیه و امام جمعه اصفهان] و [عبدالله] نوری [نماینده امام خمینی در جهاد سازندگی] آمدند. از مسائل مربوط به آقای متظری اظهار نگرانی کردند و آقای طاهری مطالب امام و نگرانی ایشان را که در ملاقات امروز شنبده بود، گفتند. از طرف امام مأمور شده‌اند که با آقای متظری ملاقات و گفتگو کنند. شب در مجلس ماندم.

سه شنبه ۱۳ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱ Novem ۱۹۸۶
در جلسه علنی مجلس، قبل از دستور صحبت کوتاهی در مورد ۱۳ آبان و حادثه سقوط هواپیما در

(اداوه پاورقی از صحنه قبل)

برای آمریکا حظ نماید". مخالف نزدیک به اسیدمهدی هاشمی، که برای انحراف افکار عمومی از انتها مات بعده مذکور گفت که به روی وارد شده است، این گزارش مخلوط از واقعیات و اکاذیب را در اختیار «الشرع» فراز داده بودند.
۱ - عملکرد مانی دولت جمهوری اسلامی ایران طی هفت ماهه اول سال ۱۳۶۵ نشان دهد در آمدهای خصوصی دولت طی هفت ماهه اول این سال مجموعاً بالغ بر ۹۶۶ میلیارد ریال بود که نسبت به رقم متابه سال گذشته (۱۳۶۴) معادل ۳۲٪ تقلیل یافه است. نسبت درصد در آمدهای مانی به کل درآمدهای دولت طی هفت ماهه اول سال جاری ۶۰ درصد بود در حالی که براساس ارقام پیش پیش شده در بودجه مصوب ۱۳۶۵ می‌باشد معادل ۳۸ درصد بود. درآمد جاصله از صدور نفت طی دوره بزرگ بررسی بر اثر کاهش بهای نفت به میزان قابل توجهی تقلیل یافته و در این حدت تنها ۲۱۲ میلیارد ریال از این بابت وصول شده است و به این ترتیب حدود ۷۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. این کاهش در مقایسه با مدت متابه سال گذشته معادل ۶۸ درصد می‌باشد. کاهش درآمد جاصله از فروش نفت فیض سه عامل عدمه می‌باشد:
۱ - کاهش حجم صادرات نفت خام. ۲ - کاهش شدید قیمت نفت صادراتی. ۳ - کاهش ارزش دلار در مقابل سایر ارزهای معترف در نتیجه کاهش برای دلار در مقابل ریال. عملکرد سایر درآمدهای پیش پیش شده در قانون بودجه طی هفت ماهه اول سال جاری بالغ بر ۱۷۲ میلیارد ریال بود. رقم مذکور در مقایسه با دوره متابه سال قبل حدود ۱۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. علت اصلی عدم تحفظ این قلم از درآمدهای برداشتی از تقلیل درآمدهای ارزی کشور می‌باشد. به عنوان نمونه پیش پیش شده بود مبلغ ۳۰۶ میلیارد ریال از این طریق شامل شده است. مجموع قیمت بزرگ؛ وصول شد که به دلیل کسره ارز طی دوره بزرگ بررسی فقط ۳ میلیارد ریال از این طریق شامل شده است. مجموع پرداختهای دولت طی هفت ماهه اول سال ۶۵ بالغ بر ۱۷۰۵ میلیارد ریال می‌باشد. این رقم در مقایسه با مدت متابه سال قبل معادل ۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. از رقم مذکور ۱۲۹۱ میلیارد ریال مربوط به اعیارات جاری می‌باشد. سهم هرینهای جنگ تحملی از مبلغ فوق الذکر بالغ بر ۲۶۸ میلیارد ریال می‌باشد.

سخنرانی ۱۳ آبان آقای هاشمی

راهدان داشتم^۱. آقای امامی کاشانی از پخش سؤال شورای نگهبان از امام و جواب ایشان در مورد اراضی کشت موقت - که به نفع شورای نگهبان نیست - گله کرد. گفتم تقصیر خودتان است که سؤال کردید و جواب امام چیزی جز تأیید نوشته اولشان نیست.

آقای رحیم صفوی آمد. گزارش طرحهای عملیاتی آینده را داد و نیازها را گفت. آقای سعیدی آمد. توضیحاتی از اشتباہ آیت الله متضرری و نزدیکان ایشان در مورد مسئله سید مهدی هاشمی دادم و ایشان را از ادامه این راه برحدتر داشتم.

آقامحمدی آمد. گزارش برنامه‌های قرارگاه رمضان با گروههای عراقی در داخل خاک عراق را داد و خواسته‌های جلال طالب‌انی [رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق] را - که در همدان با مسئولان قرارگاه مطرح کرده - ارائه داد، و از من نظر خواست، خوبشین است. دکتر ولایتی آمد و خواست که

۱ - آقای هاشمی ناگفاید اشت روز دانش آموز، حرکت دانشجویان پیرو خط امام در تسخیر لاهه جاسوسی آمریکا را به عنوان انقلاب دوم توصیف کرد و آن گاه به مناسبت شهادت جمعی از نظایران در مساجد مسخره هواپیما در راهدان افهار داشت: "به حاضر حادثه تلخی که در راهدان اتفاق افتاد و بر اثر سقوط یک هواپیمای تراوری نظامی هان، جمعی از افسران و درجه داران و سربازان هان را از دست دادیم، منآسفم و به ارواح پاک این شهداء که برای مرخصی از جهیه برص مگشته درود می فرمیم. همچین برای خانواده های محروم شان و مردم شریف سیستان و بلوچستان از خداوند تقاضای صبر و اجر من کهیم". رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، نظریهای پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد سشم،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

کمک کنیم تا دو نفر از گروگان‌های فرانسوی در اختیار سوری‌ها قرار گیرند. قرار شد در جلسه فردا تصمیم‌گیری شود.

ظهر دکتر روحانی آمد. درباره جنگ و نیازها و ارز و مطالب سخترانی عصر مذاکره شد. دکتر هادی برای مشورت در مطالب سخترانی عصر آمد. عصر آشیخ قدرت [علیخانی] آمد و از راه یافتن چند نفر از تائبان منافق در اطراف بیت آیت‌الله منتظری اظهار نگرانی کرد. در مراسم ۱۳ آبان مقابل مجلس، سخترانی مبسوطی ایجاد کرد. آمدن مک فارلین به ایران را خوب توضیح دادم و استیصال آمریکا را تشريع کرمد.^۱ نظر امام هم این بود که حقایق جریان به مردم گفته شود.^۲

چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۵ Novem ۱۹۸۶

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمد. بیشتر وقت را صرف مطالعه گزارش‌ها کرد. سخترانی

۱- آقای هاشمی ابتدا با ذکر وقایع مهمی که در روز ۱۳ آبان رخ داده است، تعیید امام، کشتار دانش آموزان و ضرف لاه جاسوسی، درباره واقعه سوم گفت: "بعد از اشغال جاسوسخانه دونظر کاملاً رو در رو در صحیح خودمان و در دنیا هی دیدیم که یکی نظر مخالفین، لیبرال‌ها و عرب‌زده‌ها بود که اعتقاد آبان این حرکت مضر و درجه تضعیف کشور و مایه عقب ماندگی در امور مادی است... اتفاً اینها اکسانی هستند که اصولاً به تحریر شان با عرب آن چنان گفته خودده است که نبی نواند حرکت مستقل و آزادی را در دنیا تصور کنند... در مقابل این گفوه یک طرز تحقیر دیگری بود که مایه اصلی آن از امام است که حضرت امام همال روزما فرمودند که این انقلاب دوم است و اغلبی است که از انقلاب اول بالاتر است و در همین رابطه مطابق گفته شد که «آمریکا هیچ غلطی نبی نواند یکند» و یا «ما رابطه با آمریکا را می خواهیم چه کیم»... موضع جمهوری اسلامی و حزب الله و موضع کسانی که امروز در جبهه و پشت جبهه جان و مال می دهد و حاضر مدنگلات را تحمل کنند، از اول همین بود و حالاً همین است". آقای هاشمی از یک تسویه تلاش‌های آمریکا برای نزدیک شدن به ایران و عنوان تسویه‌ای از استیصال آبان پاد گرد و ماجرای سفر مک فارلین به تهران و مسائل مرتبط به آن را به طور شفاف برای مردم تعریز داد. برای آنگاهی بیشتر رجوع کنید سے کتاب "ماجرای مک فارلین، محسن هاشمی، حب‌الله حبیبی، دفتر شر معارض انقلاب، ۱۳۸۸".

۲- در پی انشاگری آقای هاشمی و علی‌رغم اینکه مک فارلین روز گذشته به دبی گزارش "الشارع" سفر به ایران را تکذیب گرده بود، شکنۀ تلویزیونی (ای.بی.سی) آمریکا امشب به نقل از مبالغه‌دانی مطلع، اعلام کرد: "ایران مک فارلین خبری به عنقر از این پیشنهاد قطعات پدیدی تسلیحات آمریکایی به ایران، یک مأموریت سری به تهران انجام داده است. مأموریت مشاور سابق ریاست جمهوری آمریکا در امور امنیت ملی در چارچوب خلاصه‌هایی به عنظر آزاد سازی گروگان‌های آمریکا انجام گرفته است" ای.بی.سی افزود: "مأموریت مربوط توسط سپاهلان شر رای اهانت علی درگاه سفید سازمان‌دهی شده و تعداد کمی از اعضا ای دولت از آن آنگاه بودند" براساس این گزارش، سرهنگ اولیور تورث نکارشناس صد تزویریم در شر رای اهانت ملی آمریکا، این مأموریت را سازمان‌دهی کرده است. از سوی دیگر، کاخ سفید امروز از هرگونه اظهار اغفار درباره گروگان‌های عربیم به ایران خودداری کرد و شت هنگام تأکید کرد که تحریم فروض سلاح آمریکایی به ایران، کساکان پار جاست".

دیروز عصر من، مثل بمب در دنیا منفجر شده است. آمریکایی‌ها به مخصوصه افتاده‌اند^۱. برخورد بدی نداشته‌اند. اطلاع داده‌اند برای جلوگیری از خراب شدن جریان آزادی گروگان‌ها، کوتاه می‌آیند ولی چاره‌ای جز این ندارند، چون چیزی برای گفتن ندارند^۲، مگر اینکه متول به دروغ شوند که احتمال رسواشی بیشتر را دارد. همه رسانه‌های جهانی این مطالب را در صدر اخبار خود گذاشته‌اند. آقای محسن رضایی آمد. درباره چنگ مذاکره کردیم. جمعی از نمایندگان برای شکایت از وزیر کشاورزی آمدند.

آقای ری‌شهری اطلاع داد که احمد کاشانی نماینده نظرت^۳ به جرم شرکت در گروه زیرزمینی از نظامیان که اعلامیه در جهت تفرقه ارتیش و سپاه می‌دادند، دستگیر شده است. هشتمین شماره آن اعلامیه در منزل وی برای پخش آماده بوده. آقای [محمد رضا] باهنر مراجعت کرد و در این باره توضیح

۱ - در بی‌سخنان دیرور آقای هاشمی درباره مسافرت پهلوی مکفارلین به بهار، برخی مقامات کاخ متولد و روارت خارجه آمریکا، امروز در مصاحبه‌های خصمن ره این مطلب که آمریکا به منظور حل مسئله گروگان‌ها حاضر به معامله پهلوی با ایران شده است، به طور صریح از اینکار این جریان خودداری کردند. اسپیکر سجنگیری ریاست جمهوری آمریکا گفت: "مادامی که ایند بد کارگیری ترویسم را دیگر من کنم، تحریر ایالات متحده بیز ادامه خواهد یافت... موضوع آمریکا کاسکان این است که چنگ ایران و عراق می‌بایست متوقف شود و دو طرف متعاره خود به یک حل و فصل حد اگرها دست یابند". وی در پاسخ به این سوال که آیا ایران همچنان در لیست کشورهای حامی ترویسم باقی است یا خیر، گفت: "آری، تضادی از وقوع یک تعییر قاطع در سیاست ایران ملاحظه شده است." از مرد دیگر، آسوشیتدپرس گزارش داد: ریگان هنگام سوار شدن به هواپیما برای پرواز از لوس آنجلس به واشنگتن، در جواب این سوال که مکفارلین در این چه می‌گردد است، گفت: "اعلایارهظری بیست".

۲ - بدنبال اظهارات آقای هاشمی در سخنرانی روز گذشته خود مبنی بر علاش زاین برای آزادی گروگان‌های خارجی در لبنان و درخواست زاین از ایران در این زمینه، امروز دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی من کامل پیام نخست و تبریز زاین به آقای هاشمی و پاسخ ایشان را منتشر ساخت، در این نامه ضمن تأکید بر اشاره‌کثیر ایران و زاین در نهی ترویسم و تقدیر از کوشش ایران در آزادی مسافران هواپیمای عربده شده اتفی دبلیو.ای، از ادامه اسارت هفت آمریکایی در لبنان اطهار تأسف شده و خواستار اعمال نفوذ ایران در این افر شده است. آقای هاشمی در جواب ضمن تأکید بر حل مسئله رینهای چنگ و ترویسم، درباره اصل ادعای وجود گروگان آمریکایی در لبنان و شاخت عوامل آنها و همچنین صداقت در اقدام آمریکا برای حل آن ابراز تردید شده است. در این نامه همچنین آمده است: "حرکت آمریکا بعد از حل ماجراجای هواپیمای ریوده شده اتفی دبلیو.ای، این سوءظن را تأیید نمی‌کند. مسترلان سزریه به مانع شدن که آمریکا تهدید کرده که پس از حل مسئله هواپیمای زندانیان لبنانی که برخلاف مقررات جهانی در اسرائیل زندانی اند آزاد شوند، ولی می‌بینید که به وعده خود عمل نمی‌کند. به نظر من رسید آمریکا با این حلاف و عده می‌خواهد مردم منطقه را عحسانی و تحریک که این اعمال تمايزد. اگر سیاست آمریکا این باشد، احتمال بی اعتماد شدن تsuma و عاده نظر مردم عظوم لسان در جریان تلاش جدید، جدی است. به نظر اینجانب برای اثبات جدی بودن مسئله گروگان‌ها و جدی بودن آمریکا در راه نجات آنها، آمریکا باید به وعده قبلی خود عمل کند و زندانیان فساتی در اسرائیل آزاد شوند. قابل بینی بینی است که اگر زندانیان لبنان در اسرائیل باقی بمانند حتی در صورت آزادی گروگان‌های اذعنی آمریکایی، این گثمه حراثت داشکل بدتری بدوقوع بیرونند. از مسترلان هوشمند زاین انتظار داریم که این مذاکرات دوستانه توجه نمایند و فریبت بریکاران را تخریب نمایند. این تیجه یا بدنتیجه بیاشد". در همین حال یا ساهیر ناکاروئه بخست وزیر زاین حاضر نشده اظهارات آقای هاشمی مبنی بر دریافت یک نامه مشخص از جانب وی برای جلب حمایت ایران در آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان و تأیید پا تکذیب شماشد. ناکاروئه در پاسخ درخواست توضیح خبرنگاران، تنها به گفتن این جمله اکتفا کرده که "هیچ توضیح ندارم".

خواست. جریان را گفتم و وعده دادم برای حل مشکل کمک کنم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

آقای کنگرلو آمد و گفت [منوچهر] قربانی فر که از جریان گروگانها آمریکایی کنار گذاشته شده، خیلی ناراحت است و گریه می کند. جلسه سران قوا در نخست وزیری بود. تصویب شد که مسئله آزادی گروگانها و تأمین نیازها ادامه یابد. وزارت خارجه مسئله را با فرانسه تعقیب کند و پیشنهاد مبادله جاسوس آمریکایی، با پولهایمان در آمریکا رانیز تعقیب نماید. همچنین مقرر شد اگر بتوانیم، لبنانی ها را راضی کنیم تا دو نفر از گروگانها را با خواست سوریه آزاد کنند. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۳۶۵ | ۳ ربیع الاول ۱۴۰۶ | Novem 1986

در گزارش های واصله، مسئله مهم روز برای همه رسانه های جهانی، افشاگری های من در مورد سفر هیأت مک فارلین به ایران است. وقت زیادی را برای خواندن آنها صرف کردم. قبل از شروع جلسه، بازداشت آقای احمد کاشانی را به اطلاع نمایندگان رساندم.^۱

در دفتر ملاقات طولانی با مسئولان قرارگاه رمضان داشتم.^۲ در این جلسه پیشنهادهای جلال

- ۱ - سید احمد مصطفوی کاشانی نماینده مردم نظر در مجلس شورای اسلامی به همراه چندین از افسران ارشت هفت گذشته به انعام تحریک از شیان علیه سپاه پاسداران بازداشت شد. این خلاصه به حکم دادستانی نیروهای مسلح دستگیر شدند. اتهام کاشانی، تقطیم، تبهی و توزع اطلاعاتی بوده است که در آن از شیان علیه سپاه پاسداران تحریک می شده اند. روابط عمومی وزارت اطلاعات در این ناره اعلام کرده: "این شنایدها با الهام از خد انتقلاب در حساس ترین مقطع دفاع مقدس ملت مسلمان ایران مستر شد تا توجه نیروهای مسلح را در جهه های جنگ به مسائل غیر واقعی بکشاند". تصریح گزارش از انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم در این زمینه بوشت: "به دنال مسائیلی که جول و حوض تغییر در فرماده هی نیروی زمینی ارتضی اتفاق افتاد، تیرهای از جناب راست نا استفاده از اطلاعاتی که از این جریان داشتند، اقدام به برخورد با مسائل جنگی کرده و با اصحاب ای محظوظ اطلاعاتی ها و شنایده های صادر کرده اند. در این رابطه احمد کاشانی نماینده نظیر در مجلس و نیز چند تن از مردان ارتضی که سابقه فعالیت در اینجن حیجیه داشته اند، از جمله سرهنگ کیمیه ریاست رکن ۴ ارتش و سرهنگ آگاهه به انعام شرکت در انتشار مسائل تقریه ایگانه بین ارتش و سپاه تو می و وزارت اطلاعات دستگیر شدند. رادیو بی بی سی نیز در این زمینه گفت: "سید احمد کاشانی پسر آیت الله کاشانی است که مخالفتش با مصالحه کردن با عربانه در رابطه با بازپرداخت وام یک میلارد دلاری ایران به آن گشتو به شهرت او افزود. آخرین اعتراض سید احمد کاشانی به دولت در رابطه با بذرخواری با پرستکان بود. او اعتراض خود را در قالب سخوانی خطاب و وزیر کشور مطرح کرده که در احوالمن زور سه شنبه مجلس هنوت گرفت. در پاسخ به مسئول احمد کاشانی، وزیر کشور او را متهم کرده که با ساقورهای آمریکایی هم صدا شده است. هیچ گونه اطلاع رسمی که حاکم از دلایل بازداشت احمد کاشانی نباشد در دست نیست".
- ۲ - در گزارشی از قوارگاه رمضان آمده است که کرد های معارض عراقی اخراج تعالیت و همکاری های خود را علیه نیروهای دولتی تشید نموده اند و اخیراً چندین مورد همکاری نظامی بین اتحادیه میهنی کردستان عراق با حرب شیوه ای در عملیات های مختلف مشاهده گردیده است و اختلال عی رود این همکاری ها در آینده گسترش پیدا کند.

طلایانی در مورد عملیات بررسی شد و درباره احتمال کودتا در عراق مذاکره گردید. با آقای محسن رضایی درباره عملیات آینده بحث کردیم. از تیپ محروم آمدند و درباره آتش توپخانه از جزایر مجنون بحث کردند.

عصر آقامحمدی و آقای شفق آمدند. بر قامه همکاری با گروه ایوان در منطقه موصل را گفتند؛ طرح جالبی دارند. دکتر روحانی و دکتر هادی آمدند و درباره لزوم تعقیب طرح عربستان سعودی در مورد عراق بحث شد.

جمعه ۱۶ آبان ۱۳۶۵ | ۴ ربیع الاول ۱۴۰۶ | Novem ۱۹۸۶

به نماز جمعه رفتم. خطبه دوم را درباره مسائل جاری سفر مک فارلین و تبلیغات جهانی مربوط به آن بحث کردم. شب آقای [فریدون] مهدی نژاد برای مشورت در این امر آمد.

شنبه ۱۷ آبان ۱۳۶۵ | ۵ ربیع الاول ۱۴۰۶ | Novem ۱۹۸۶

برای عکسبرداری و معاينات پژوهشکی به بیمارستان کوچک کنار خانه امام رفتم. دکتر [حسن] عارفی و دکتر سهراب پور بودند. از دیافراگم که بعد از عمل جراحی سوء قصد سان اول انقلاب [توسمط تروریست عضو گروهک فرقان] آسیب دیده بود، عکس گرفتند. سالم است. قرار شد فیزیوتراپی

۱- در خطبه‌های نماز جمعه امروزه، ایندا ایشان به آثار متبت قطع ارتباط ایران با آمریکا اشاره کرد و گفت: "اگر ما به آمریکایی‌ها و استه بودیم هرگز موفق به ساخت مرشک نمی‌شدیم در حالی که الان مرشک‌هایی با برد پیش از ۱۰۰ الی ۱۴۰ کیلومتر و مرشک‌هایی با برد بالاتر از آن و پیش‌ترنه در حال طراحی و آزمایش داریم". آقای هاشمی با اشاره به اینکه از مدت‌ها پیش آمریکایی‌ها در ضد جریان انتهاهات گذشته خود بوده‌اند و قصد مذاکره با ایران را داشتند، گفت: "حل مسأله هواپیمای تی دلیل ای در لسان مسئله‌ای بود که سوریه از نا درخواست گرد و آنها می‌خواستند که ایران پذیرد که با آمریکایی‌ها به خواهند از گروگان‌های ایشان به عنوان وسیله اصلاح انتهاهات گذشته خود استفاده کند و تنها مسأله آزادی چند نفر نیست. آمریکا از مسأله گروگان‌هایی خواهد به جمهوری اسلامی ایران برند و این نشانه را بخت آنها و برد ماست". ایشان با اشاره به سخنان اخیر [الکساندر هیگ]، و زیر عارجه سانچ آمریکا که گفته است: "آمریکا باید قدرت اول بود ایران در منطقه، ضایعه‌گاشن را به ایران تکمیل داشته" این کار را نشانه پذیری شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران و پیروزی ایران در جنگ او می‌وی آمریکا داشت". درجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم"، دفتر شریعت و معارف انقلاب، ۱۳۸۷

شود.

سپس با احمد آقا درباره مسائل جاری بعد از افشاگری من علیه آمریکا مذاکره کردیم؛ شرایط مجموعاً مثبت است. آمریکایی‌ها در مشکلات افتاده‌اند. آقای [مصطفی] کفاس زاده آمد و در مورد خربدهای نظامی صحبت کرد.

آقای اروج آمد. جزو هایی از آثار یکی از شهدای فارس را آورد که مدعاً ارتباط با غیب و امام زمان (عج) و ملائکه بوده است. تا شب به مطالعه پرداختم. گزارش‌ها و کارهای مجلس را آوردند. هنوز بحث مهم رسانه‌های جهان، مسئله مک‌فارلین است.^۱ غصر و شب باران خوبی آمد.

یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۶۵ | ۶ ربیع الاول ۱۴۰۶ | Novem ۱۹۸۶

تاماعت ده و نیم صبح در جلسه علنی ماندم. در دفترم آقای [ابولقاسم] خر علی آمد. راجع به وزارت نفت مطالبی داشتند. دکتر هادی و عبدالله نوری آمدند. آیت‌الله منتظری آنها را خواسته‌اند درباره مذاکرات مشورت کردند. آقای صالحی نماینده اصفهان آمد و درباره امور جاری مطالبی گفت. ظهر دو نفر از جمعیت حزب الله بابل آمدند. گزارشی از وضع گروه خود گفتند که اعضای آن خود را وقف خدمت به جنگ و نظام و مردم کرده‌اند. مطالب جالبی داشتند. عصر آقای [ابراهیم] سنجقی برای امور جنگ آمد. مسئولان تبلیغات جبهه و اعزام مبلغ آمدند و برای حل مشکلاتشان استمداد کردند. سفیر جدیدان در الجزایر آمد و مشورت و خداحافظی کرد. شب با دیگر سران قوا، مهمان احمد آقا بودیم. آیت‌الله منتظری هم بودند. آقای منتظری نسبت به

۱ - در پی اتفاقی تماش‌های پنهانی اخیر آمریکا با ایران، شبکه‌های تلویزیونی آمریکا علی سه روز اخیر در برنامه‌های مختلف خبری خبره مصاحبه‌های متعددی در این باره داشتند. در این برنامه‌ها تحلیل گران و مقامات سرتاسر جهان کسانی هیگ روزی خارجه سابق ریگان، لارنس اینگریگ معاون سابق شولمن در امور خوب و شری آسیا، اگری سیک عضو شورای امنیت ملی کارتر و ریگان، هادی‌گنگ‌کارتر سخنگوی کاخ سعد در زمان کارتر و جیمز کمب مشاور سابق ریگان در امور امنیت ملی، به اتفاق اندام دولت ریگان برای ایجاد رابطه با ایران را تأیید و ادامه آن را تشرییق نمودند. تأکید نایبدگان بر این بود که ایران دارای مرفقیت بسیار استراتژیک بوده و ایجاد و حفظ رابطه با آن برای آمریکا فوق العاده بالغیت بلکه حیاتی می‌باشد. آنها همچنین ایاز امیدواری نمودند که اوقاع ناگهانی بلکه بسیار وحیم اقتصادی در کنار افزایش نارهایی در میان مردم و وضع منشیخ داخلی و نیز قدرتگی تبروهای صلح و عدم پیشروی در جنگ با عراق، ایران را واذار نماید. پیشتر به غرب نزدیک شرد. مصاحبه شوندگان همچنین تأکید کردند که پیروزی ایران در جنگ با عراق، برای آمریکا و منافعش در منطقه بسیار خططرنگ است و به هر ترتیب باید از وقوع آن جلوگیری به عمل آورد. از سوی دیگر، مقامات دولت ریگان به طور بسیار مبالغه‌ای درباره تحولات و روابط اخیر میان دولت‌کشور سکوت کردند و به آنها تأکید شده است که در اظهاراتشان در این زمینه مسأله عراق باشند.

جلسه گذشته، خوب صحبت کردند و نسبت به امام اظهار ارادات و اطاعت کردند و گفتند از نامه سید مهدی اطلاعی نداشتند، ولی امام تحقیقی در مسأله گروه سید مهدی ندادند. بعد از رفتن امام با حضور آقای منتظری در خصوص مذاکره با عربستان در مورد همکاری در حذف صدام بحث و تصمیم گیری شد. قرار شد مذاکره را تعقیب کنم.

۱۰ Novem ۱۹۸۶

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ربیع الاول

صحیح زود به بیمارستان جنب خانه امام رفتم. از معده ام عکس برداری شد. فیزیوتراپیا به منزل آمدند و پس از آزمایش گفتند احتیاج به فیزیوتراپی نیست. مقداری از وقت صرف خواندن آثار یکی از شهدا به نام صادقی شد که مدعی ارتباط با غیب و امام و... بوده است؛ مطالب نه اطمینان آور و نه معلوم است. تا شب در منزل مطالعه می کردم.

۱۱ Novem ۱۹۸۶

سه شنبه ۲۰ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ربیع الاول

تا ساعت ده و نیم در جلسه علمی ماندم. پیش از ظهر چند ملاقات غیر مهم داشتم. به کارهای دفتر و جنگ پرداختم. عصر آقای جلال طالباني همراه آقایان [محمد باقر] ذوالقدر و آقامحمدی آمدند. تشویق به همکاری شان نمودم.

۱ - جلال طالباني رهبر اتحاديه بیوهی گردستان امروز علی مصاحمه ای در تهران گفت: "جمهوری اسلامی ایران می خواهد تمام نیروهای عراقی را متحده کند چون هدفی تعیین نیروشست عراق به دست خود آنها است و ما از این دورت به وجود استقبال می کیم". خبرگزاری روپورت در گزارش از مصاحجه طالباني به نقل از وی افراد: "طی هفته چاری در تهران ملاقات های جداگانه ای با ادريس بازرگاني از حزب دمکرات گردستان و محمد باقر حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق داشته است". وی به خبرنگاران گفت: "اتحاديه بیوهی گردستان گستر از ۲۰ هزار رزمنده در اختیار نهاد و فراغی استان های اربيل، کركوك، سلیمانیه و صلاح الدین عراق را کنترل می کند". طالباني ۵ ساله افزود که روز مه شنبه با اکبر هاشمی رفسنجاني و نیم مجلس ايران ملاقات کرده است که وی بر علاقه ايران به جلوگیری از دخالت ایران در امور داخلی عراق تأکید کرده است. طالباني گفت: "در مردم رژیم آشنه عراق نامجلن اعلای انقلاب اسلامی عراق بحث کرده و تفاوت شده که در این مردم باید در یک رفدانروم و انتخابات آزاد تصمیم گیری شود". وی افزود: "اتحاديه بیوهی گردستان و ايرانيان ماه گذشته برای اجرای حمله ای چریکی ترمیک، کرکوك و اربعه در حدود صد کیلومتری مرز ايران، نیروی مشترکی تشکیل دادند... چریکها تراویحی عذری بر تأسیسات نهضتی را الشغال کردند. سپس حدود صد تن حمایه اندایی، تفگی ۱۰۶، راکت اندای کاترپلا و مهمات را با استفاده از (ادame پاورنی در صفحه بعد)

در جلسه سه شنبه نمایندگان شرکت کرد. توضیحاتی درباره جنگ، سفر مک فارلین، معامله با آمریکا بر سر گروگان‌ها در لبنان و بازداشت میرزاچی و [احمد] کاشانی دادم و نمایندگان را نصیحت کردم که به اختلافات دامن نزنند.

شب در مجلس ماندم. یک فیلم طولانی درباره هوابیمهای تی.دبليو.ای و نیروی دلتای آمریکایی دیدم. خشونت مسلمانان و اغتشاش لبنان را بزرگ کرده و خواسته از نجابت و بی‌گناهی غربیان بگوید. اطلاع رسید که عراق به بندر ماشهر حمله کرده است. آسیب مهمی نداشتم. دستور مقابله به مثل دادم.

چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ربیع الاول ۱۹۸۶ Novem ۱۹۸۶

اول وقت دکتر روحانی از اصفهان اطلاع داد که عراق به پالایشگاه این شهر و نقاط دیگر آن حمله نموده و آسیب وارد کرده است. مقرر شد بصره و ام‌القصر و خانقین را به تلافی آن بمیاران کنند. در گزارش‌ها مهمترین مسأله، رسوائی آمریکا در ارتباط با ایران است. آقای صیاد شیرازی آمد و گزارش جبهه‌ها را داد و نظراتی اظهار کرد.

(ادامه پاروچی از صفحه قبل)

تو اکثر و چهار پا مخفیانه عبور دادند و هیچ‌کس به مقامات اطلاع‌نداد و این دشمنی مردم علیه دولت را نشان می‌دهد... چریک‌ها از عملیات فیلم برداری کردند. در این عملیات تأسیسات «حلی ایار» و «جیسور» کاملاً منهدم شدند و دیگر هدف‌های تندی و نظامی خسارات دیدند.
۱ - امروز در یک هجوم کم‌ساخته هراکت اقتصادی، صنعتی، نظامی، نقاط مستکونی و حریم هوایی شهرهای اصفهان، باخران، اسلام آباد، تبریز، جریره خارک، ایلام، اراک، سرمهار و کوه‌های غرب هدف سیاران هوابیمهای دشمن قرار گرفت.
در ساعت ۷:۵۰ صبح امروز پنج هواپیما پالایشگاه اصفهان را هدف سیاران قرار دادند که در نتیجه ۱۰ تن از کارگران شهید و ۳۰ تن مجروح شدند. همچنان بخش‌های آب و بخار پالایشگاه و محوطه گازار مابع و گذربگاه لوله‌های پنهان آسیب دید. در بین این حمله اکثر بخش‌های پالایشگاه اصفهان منطقه گردید. در عین حال قسمت بارگیری به صفات خود ادامه داشت. پالایشگاه اصفهان که بالآخرین طرفیت تنصیبه نفت خام را در بین پالایشگاه‌های داخلی دارد تا قبل از حمله صبح امروز حدود ۸۰ هزار بشکه ریز طرفیت ۳۰۰ هزار بشکه ای خرد کار می‌کرد. همزمان با حمله مذکوره تبریزگاه شهید محمد منظری اصفهان بیز هدف سیاران دشمن قرار گرفت که در نتیجه ۲ تن شهید و ۷ تن مجروح شدند و به واحد شماره یکم این تبریزگاه آسیب‌کلی وارد شد و واحد شماره ۲ آن خسارت جزئی دید. همچنان بر اثر این حمله حدود ۴۰۰ مگاوات برق از تولید برق شکنکه می‌امسرا کاسته شد. تبریزگاه شهید منظری دارای چهار واحد ۲۰۰ مگاواتی می‌باشد که تبیاد و واحد آن در مدار قرار داشت.
در ساعت ۱۶:۰۷ امروز نیز چند هواپیما با تحاوزه به حریم هوابیمهای تبریز، پالایشگاه این شهر را بمیاران کردند که در نتیجه آن یک تن شهید و چهار تن مجروح شدند و خساراتی به پالایشگاه وارد شد. بر اثر این حمله تعاملات پالایشگاه منتفع شد و گفته می‌شد ترمیم خسارات وارد یک هفته به طول می‌انجامد. در تجاوز به تبریز یک هواپیمای دشمن یکی از مناطق مستکونی تبریز را به ریگار گلوله بست که بر اثر آن چهار تن مجروح شدند.

آقایان ابراهیم امینی و دکتر هادی و ابراهیمی آمدند. آقای امینی درباره پیشنهاد به عهده گرفتن سمت نایب‌نگری امام در لبنان بحث کرد و شرایطی داشت که قبول کرد. آقای منتظری این سمت را به ایشان پیشنهاد داده است.

هسته گزینش دانشگاه‌های علوم پزشکی آمدند. از مشکلات پیش آمده در اثر عدم همکاری وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تغییر ضابطه‌ها شاکی بودند. آقای خوشنویسان - دانش آموز سال چهارم دبیرستان که نایخواستگار است و استعداد نیرومندی دارد - همراه آقای طباطبایی آمد. گفت که در ایران اشیاع نمی‌شود، و خواستار اجازه رفتن به خارج برای تحصیل بود. قرار شد مشورت نمایم.

【آقای موسی رفان】 فرمانده نیروی هوایی سپاه آمد. گزارش وضع نیرو را داد و استمداد کرد. وزیر دفاع آمد. درباره خریدهای نظامی، مشورت و استمداد داشت. آقای مسیح مهاجری [سردییر روزنامه جمهوری اسلامی] آمد. درباره مسائل اخیر و سفر مک فارلین نظرات خوبی داشت. درباره کتاب رفتن از روزنامه [جمهوری اسلامی] در آینده دور مشورت کرد که موافقت نکردم و خبر داد برای روزنامه، چاچخانه عظیم و مدرنی تهیه کرده است.

عصر جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم. خبر رسید که عراق امروز به تبریز و باختران [- کرمانشاه] حمله وسیعی کرده است. شب مهمان آقای رئیس جمهور بودیم. در این جلسه مسئله بانک مرکزی در دستور بود.

پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۰ ربیع الاول ۱۹۸۶ Novem

ساعت ده و نیم صبح دستور تمام، و جلسه علنی مجلس ختم شد. تا ظهر چند ملاقات داشتم. عصر برای سپاهیان و لبنانی‌ها صحبت کردم. مطالبی گفتم که حکومت آمریکا و فرانسه را تحت فشار تبلیغاتی قرار می‌دهد. آقای میر محمد صادقی آمد. از برخورد آقای [اکبر] ترکان در مورد پروژه توپ سازی گله داشت.

سرهنگ ترابی آمد و برای کارش استمداد پولی کرد. آقای سنجقی آمد و سفر به جنوب را چند روز به تأخیر انداخت. از مشهد اطلاع دادند که حکم چلب برای [سید حسین] قاضی زاده هاشمی نماینده [فریمان و] سرخس صادر شده است. به آقای موسوی اردبیلی گفتم دستور رسیدگی بدهند. قرار شد به مراکز حساس و نظامی و اقتصادی مهم بغداد به عنوان مقابله به مثل موشک بزنند. تا ساعت

هشت شب در دفترم کار کردم، به خانه رفتم.

۱۴ Novem ۱۹۸۶

جمعه ۲۳ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ ربیع الاول

در منزل بودم. آقای [محمدحسن] زورق [معاون سیاسی سازمان صداوسیما] آمد و از وضع برنامه‌های صداوسیما و افراد و خطوط گزارشی داد. خواستار همکاری بیشتر مدیر عامل صداوسیما با ایشان بود. عصر دکتر وحید [مستجرد] آمد. گزارش وضع کنفرانس هلال احمر در ژنو را داد و از وضع مسلمانان سودان و تقویت عمیق انقلاب اسلامی در سودان گفت. دکتر روحانی گزارش وضع پدافند را داد.

سپس آقایان وضایی و مهدی نژاد آمدند. مهدی نژاد گزارش سفر به ژنو و مذاکره با آمریکایی‌ها درباره بقیه گروگانها را داد. آنها به وضع بدی افتاده‌اند و از موضع صحف و با التمساص برخورد می‌کنند! خیلی جالب است. قرار شد همان جدول تعیین شده اجرا شود و درباره مسائل سیاسی بحث نکنند و سه نفر آقایان هادی، کنگرلو و مهدی نژاد قضیه را ادامه دهند. سپس درباره جنگ صحبت

۱ - سراجعام ریگان رئیس جمهوری آمریکا پس از ده روز از افتتاحی سفر یک هیأت آمریکایی به ایران، پیشنهاد شد در یک نقطه تلویزیونی درباره ارتباط ما ایران، ارمنا اسلجه به ایران، گروگان‌های آمریکایی در لبنان، اهمیت زیربنیت ایران، جنگ ایران و عراق، سخنانی ایراد کرد و از اقدامات خود در این زمینه، دفاع کرد. ریگان در سخنرانی خود گفت: "در این زمان من می‌خواهم تا با شما درباره یک موضوع شدیداً حساس و عصیان مهم سیاست خارجی صحبت کنم. اکنون همچه ماه است که ما یک انتقام سیاسی عورمانه در ارتباط ما ایران را در جریان داریم. این انتقام به خاطر مساعدة ترین و بهترین دلایل در جریان قرار گرفت". وی دلایل مذکور را تجدید روایت باکشور ایران، تحقیق خانمه شرافتسدانه جنگ شش ساله بین ایران و عراق، معنو کودک تزوییس اهل رهبری و خرابکاری، تأثیر در اهل را بگشت نهادی گروگان‌ها در لبنان داشت و گفت: "بدون همکاری ایران ما قادر به خانمه بخشنیدن به جنگ خلیج فارس نییم و بدون رضایت ایران امکان برقراری یک صلح بادام در خاور عیانه وجود ندارد". ریگان افزود: "در جریان مذاکرات محرمانه‌ای که ما داشتم، من اجازه اتفاق مقدار کوچکی از تسلیحات دفاعی و تقطیعات یک‌کی برای سیستم دفاعی ایران را دادم، هدف من مقاعده کردن نهادن به این بود که مقامات مذاکره کننده آمریکایی با اجازه من عمل نمکند و هدف این بود تا به ایران علامت دهیم که ایالات متحده آمده است تا خصوصت بین ما [آمریکا و ایران] جای خود را به یک روایت و مناسبات جدید بدله. این تحریل اذکر تسلیحات در مجموع می‌تواند در یک فرموده هوایی‌سایی باری جای نگیرد و نهادی این تسلیحات در مجموع نمی‌تواند تأثیری برنتیجه جنگ شش ساله بین ایران و عراق داشته باشد و هنچین نمی‌تواند به همچ وحجه در تعادل نظامی بین دو طرف تأثیری داشته باشد. در همان حال که ما این ایکار را مدنظر نوار دادیم، روشن ساختیم که ایران می‌باشد تمامی اشکال تزوییس بین‌المللی به عنوان شرطی در پیشرفت روایت ما محل‌گفت کنند ما اشاره کردیم که مهم ترین قدری که ایران می‌تواند بردارد، استفاده از نفوذ خود در لبنان برای تأمین آزادی نهادی گروگان‌هایی است که در آنجا نگه‌داری می‌شوند. پیشرفت‌هایی قبل از دست آمده بود از زمانی که دولت آمریکایی ایران در تهاس قرار گرفته است هیچ‌گونه شواهدی داش بر اینکه دولت ایران در اقدامات تزوییسی علیه آمریکا همدستی کرده باشد، وجود ندارد. گروگان‌ها به کشور بازگشته‌اند و ما از تلاش‌هایی که دولت ایران در گذشته اتخاذ کرده و در حال حاضر مدنتظر قرار می‌دهد، استعمال می‌کنیم".

شد. به نظر می‌رسد عملیات باز هم تأخیر داشته باشد.^۱

۱۵ Novem ۱۹۸۶

شنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ربيع الاول

در متزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. عصر احمد آقا آمد. نتیجه مذکورات مهدی نژاد را برای اطلاع امام گفتم و ضمناً ادعای آمریکایی‌ها را مبنی بر اینکه صادق طباطبائی به آنها مراجعه کرده و خواسته در مسأله گروگانها میانجی شود، گفتم. بعد احمد آقا گفت صادق به کلی منکر است.

[بعضی] اکناف زاده آمد و ادعای [همایون] انصاری [شیرازی] آدم خدمتگزاری است. او به اخذ رشوه از کمپانی نوریکو در خرید توبهای اتریشی ۱۵۵ متمم شده است. گفتم بالاخره باید به دادستانی برود تا وضع روشن شود. شب آقایان رفیق دوست و ادب آمدند. گزارش وضع تدارکات جنگ را دادند. معلوم شد از برنامه عملیات عقب هستند.

ناخدا ملک‌زاده اطلاع داد یک کشتی را در راه کوبت زده است. همشیره فاطمه و همسر مسعود - همشیره زاده - آمدند و برای ویزای آلمان کمک خواستند. گفتم با رفقن آنها به آلمان مخالفم و نظرم این است که مسعود برگردد. او ممکن است در آلمان دچار مشکل شود.

۱۶ Novem ۱۹۸۶

یکشنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ربيع الاول

تا ساعت هفت و نیم گزارش‌ها را خواندم و طبق معمول به برنامه فارسی رادیو [بی.بی.سی] لندن و [رادیو] آمریکا گوش دادم. هنوز استیصال و افتضاح آمریکا، مهمترین مسأله روز است. قبل از دستور صحبت کوتاهی درباره پیشنهاد هفته و حدت از طرف آقای منتظری کردم.^۲ تا ساعت ده و نیم در جلسه

۱- در این روز اعدمی نسب ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص)، تیپ پله‌افندی هوابی مساجد، مسئولین جنگ‌های تن - م - ر و ملتمنین واحدیان مختلف سیاه پاسداران انقلاب اسلامی در جریب کشتو را آقای هاتسی دیدار کردند. در این دیدار ایشان حضن تجلیل از رشادت‌های رژیم‌گران اسلام گفت: "امثال حرکت تکاملی شما و حرکت نژولی دشمن خیلی شدیدتر به چشم می‌خورد. به خصوصی با طرح ۵۰۰ گروه و تجهیز و تدارک نیروهای حرکت‌های سیاسی، تبلیغاتی و جنگ روانی برای شکستن طلسه تبلیغاتی که دشمنان برای روحیه دادن به صدام ایجاد کرده بودند، در مجموع امتیازات چشم‌گیری نسبت امت اسلامی شده است." رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر شریعت اسلام، ۱۳۸۷

۲- رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵"، دفتر شریعت اسلام، ۱۳۸۷

علنی مجلس بودم. مراجعته خیلی زیادی از طرف نمایندگان داشتم. پیش از ظهر آقایان روحانی و هادی آمدند و درباره چگونگی تعقیب جریان آزادی گروگانهای آمریکایی بحث کردیم. وزیر دارائی و رئیس بانک مرکزی، جداگانه برای دادن نظرات مكتوب خود و جلب تظری من آمدند.

تلفنی به اخوی محمد گفتتم که صدا و سیما در مورد جا انداختن استیصال آمریکا و قدرت ایران کار کند. عصر مسئولان دانشگاه [شهید چمران] اهواز آمدند و کمیودها را گفتند واستمداد نمودند. آقای منوچهر متکی سفیرمان در ترکیه آمد. گزارش وضع ترکیه را داد و در مورد مسائل جدید مشورت کرد. آقای [علی] فلاحیان آمد. گزارش عملیات وزارت اطلاعات را داد. شب با سران قوا مهمان احمد آقا بودیم. درباره رئیس بانک مرکزی تصمیم گرفتیم که آقای دکتر [مجید] قاسمی به جای آقای [محسن] نوربخش باشد. علت آن عدم سازش [آقای محمد جواد ابروانی] وزیر دارائی با آقای نوربخش است. درباره رفتار با آمریکایی‌ها قرار شد فقط در حد معاوضه گروگان‌ها باشد. امام در جلسه شرکت کردند. حالشان خوب است و مزاح کردند و گرم گرفتند. درباره دادن اختیارات شورای عالی قضائی در صورت اختلاف نظر، به آقای موسوی اردبیلی، بحث شد. ایشان موافقت خودشان را مشروط به درخواست شورا فرمودند. در مورد مسائل اخیر بین ما و آمریکا نظرشان این است که مجموعاً به نفع ما تمام شده است. پیشنهاد شد که آقای منتظری اعضای شورا را بخواهد و به آنها بگویند که از امام برای دادن اختیارات به رئیس شورا درخواست نمایند. شب به خانه آمد.

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ Novem ۱۹۸۶

گزارش‌ها را خواندم. مسأله مهم بین‌المللی، تماس آمریکا با ایران است. حکام آمریکا سخت در موضع دفاعی و انفعال افتاده‌اند و تحت فشارند. ساعت هشت و نیم صبح همراه با آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] برای دیدن پروژه ساخت خمپاره‌ها به کارخانه پارس متاب رفتیم. برایم جالب بود. برای کارکنان صحبت کردم.^۱

۱- در یخشی از این سخنرانی آمده است: «در شرایطی که تصمیم گرفتیم ۵۰۰+ گردان تیروی جدید وارد میدان جنگ کیم، تیمه مهمند و (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

نرديك ظهر به مجلس رسیدم. آقای رفيق دوست برای گرفتن امضای دوميليارد تومان برای پانصد گردان آمد. آقای قادری [تحاينده پيرانشهر] آمد. گزارش عمليات فتح سه را داد. اين عمليات را بارزانيها و نيزوهای ما به طور مشترك در منطقه زاخو انجام داده اند.

عصر سرهنگ ترابي آمد و از احتمال سلطه وزارت اطلاعات بر حفاظت اطلاعات ارتش اظهار نگرانی کرد. آقای محسن رضائي آمد. درباره نيزوهای عمليات آينده و كمبودها و آزادی گروگان‌هاي ليناني گفت و تاكيد کردم که فريدون [مهدي نژاد] باید جزئيات را به من يگويid. به دكتور ولايتي گفتم به کويت گفته شود که حرب الدعوه تعرضي به آنها نخواهد داشت. به احمد آقا گفتم که لازم است [مصطففي] کفash زاده، [همایون] انصاري [شيرازی] را به دادستانی معزفي کند. آقای [محمد] کياوش از اتریش تلفنی گفت که اتریشی‌ها نيسیت به بازداشت آيزنبرگ ناراحتند و عکس العمل نشان خواهند داد. اين مطلب مربوط به پرونده سوء استفاده در معامله سلاح است. شب در مجلس ماندم. تا دير وقت به انجام کارها پرداختم.

(ادامه پاروپي از صفحه قبل)

تجهيزات نظامي برای آنها کار ساده‌ای بود لذا از نوان داخلی گشتو پيشتر استفاده گردیدم. دشمن وقعي فهميد که ما هي توانيم با نوان نظامي خود به خوبی چنگ را اداره کييم. آثار شکست در او آشكار شد. يكى از اين نمره‌ها همین جريان اخير آمريکاست. آنها بي دليل تاکتیك خود را در قبائل ايران گذاشتند. تعبيير نداده اند. الله معنای اين موضوع آن نيسیت که آنها ما دوست شده آنها [آمريکانيها] با ملي که هي خواهند روري پاي خود بايسند، درست نسي شوند. آمريكا با گشتوهاي درست مي شود که موئي دماغان نگردند. خصوص آنها برای اين است که مایه‌هاي قدرت و استقلال را در اين مردم مي بینند و فكر مي كشد بهتر است که در پيچه جديدي بازگشته. تليل حرکت جديد آمريکا، قادر و عمر راضي مردم ما برای آزاد زمين و احراق حق در برادر مستحکمان است". رجوع کنند ـ کتاب "هاشمی رفسنجاني، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، "دفتر نشر معارف القلاب"، ۱۳۸۷

۱- عمليات فتح ۳ در عمق خاک عراق پيچش شد [۲۲/۸/۱۵] آغاز شد. قرارگاه خاتم الانبياء (ص) طي اطلاع‌آوردای اين عمليات را چين تشريح کرد: "رمذانگان پرتوان اسلام با آغاز عمليات جريکي فتح ۳ در منطقه شمال شرقی گردستان عراق، واقع در عمق ۳۰۰ کيلومetri زميني و ۲۰۰ کيلومetri هوائي خاکهاي اين گشتو موقق شدند تلافات و ضایعات سنگني را به نيزوهای صدامی وارد آورند. در اين عمليات منهزانه که در سه محور زاخر، موصل و دشت اربيل انجام گرفت، نيزوهای فرازگاه چنگ‌هاي ناعنظم نيزوی زميني سياه پاسداران القلاط اسلامي و نيزوهای مازركرد بارزاني موقق شدند مقر لشکر ۳۰۳ ارتش يعني عراق را در منطقه تلگير که مسئوليت هماهنگی از جاده بین المللی و خطري طرق نفت عراق - ترکيه را به عهده داشت، منهدم سازند. رمزانگان اسلام در سه محور زاخر را به معاصره در آوردن اين شهر، به موضع دشمن در مطلعه دره «گل اسي» و ارتفاعات مشرف بر آن پورش بوده و جاده ترازييني عراق - ترکيه را مسدود گردند که در گذري در اين محور همچنان ادامه دارد. نيزوهای اسلامي هم زمان در يك عمليات نمردي ديكري به شهر موصل در منطقه «حيي صدام» مراكز نظامي و دولتي دشمن را مورد حمله قرار داده و تعداد زياري از آنان را به هلاك است. منهدم سازند که در ميان گشته شدگان چند اسر و درجه‌دار عراقی به چشم مي خورد. همچinden در محور دشت اربيل رمزانگان اسلام محسن حمله به پاگاه‌های نظامي اوتلن بعت عراق موقق شدند ۷۰ تن از مردوان عراقی را به هلاك است. يك فروند هلي گويپندر تپه‌دار دشمن و تعدادي تاينك را منهدم سازند. اين عمليات همچنان ادامه دارد و دشمن يعني پس از شکسته دو محورهای مختلف عمليات اقدام به پهبايان شهر زاخر و رومشاهی اطراف آن نمود که منهجه به گشته با محروم شدن تعدادي از مردم بى دفع عراقی گردید."

سه شنبه ۲۷ آبان ۱۳۶۵ | ۱۵ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۱۸ Novem ۱۹۸۶

تا ساعت هفت و نیم صبح مطالعه کردم. هنوز هم مسأله مهم دنیا، مسأله ما و آمریکایی‌هاست و حکام آمریکا سخت تحت فشارند. در مجلس هم هنوز علایم سوال و گاهی هم شیطنت و تحریک دیده می‌شود.

ساعت نه و نیم به دفترم آمدم. چند ملاقات کوتاه داشتم و دو عقد ازدواج خواندم. [آقای منوچهر کلیمی تیکروز] نماینده کلیمیان آمد. به کارهای ضد اخلاقی متهم شده و ترسیده است. استمداد کرد. به جلسه شورای انقلاب فرنگی رفتم. قسمتی از اساسنامه دانشگاه نیمه حضوری تصویب شد. شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. بحث آن درباره اساسنامه و انتخابات جدید بود. دیر وقت به خانه رفتم.

چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۵ | ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۱۹ Novemb ۱۹۸۶

به مجلس آمدم. کارهای عقب مانده را انجام دادم. [آقای میر فخار] سفیرمان در اندونزی آمد و گفت وضع اقتصادی اندونزی خراب است. اصرار دارند که ما از آنها هلی کوپتر بخریم. [آقای علاء الدین بروجردی] سفیرمان در چین آمد و گفت که چینی‌ها تمایل بیشتری برای فروش سلاح نشان می‌دهند. [اعضای] شورای مرکزی کمیته امداد آمدند و گزارش کار دادند و استمداد کردند. دکتر روحانی آمد. راجع به جنگ بحث کردیم. قاضی زاده هاشمی آمد و از بازداشت شرکایت کرد. شب با سران قوا مهمنان رئیس جمهور بودیم. آقای ری شهری گزارش نتایج بازجویی‌های گروه سید مهدی هاشمی را داد و فیلم مصاحبه با یکی از اعضای آن را نمایش داد. گفت سید مهدی هم بزیده است و مصاحبه می‌کند. در جلسه‌ای با آیت‌الله خامنه‌ای و دکتر روحانی، مشکلات پدافند را بحث کردیم. قرار شد برای تسهیل کار، اختیارات بیشتری به آقای روحانی داده شود.

پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۵ | ۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۲۰ Novem ۱۹۸۶

در منزل بودم. محسن - عموزاده - آمد. از [شرکت مس] سرچشمۀ استعناده و پشیمان است. امام

ملاقات داشتند. قرار بود صحبت کنند. مسئولان دعوت نشده بودند که خانواده‌های شهدا و مردم عادی استفاده کنند.

آقایان رحمانی و آشتیانی به منزل آمدند و اطلاع دادند که امام در مورد مسائل اخیر ایران و آمریکا صحبت کرده و اقدامات مسئولان را تایید کرده‌اند و آن را یک پیروزی بی‌سابقه نامیده‌اند و به تلحی به مخالفان و هشت نماینده‌ای که در مجلس از وزیر خارجه سوال مطرح کرده‌اند، حمله نموده‌اند^۱. احمد آقا هم آمد و همین‌ها را گفت.

از اهواز اطلاع رسید که عراق حمله وسیعی به شهر و اطراف آن کرده است. دستور مقابله به مثل داده شد.

جمعه ۳۰ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۸ ربیع الاول ۱۹۸۶ Novem

در منزل بودم. آیت‌الله موسوی اردبیلی نماز جمعه را اقامه کردند. عصر برادر مرحوم لاهوتی و دامادش دکتر ساغری آمدند. دکتر از نیازهای بخش مداوای هسته‌ای بیمارستان شریعتی گفت.

آقای [محمد] عباشی [خراسانی] همراه گروه کار روی یادداشت‌های من درباره قرآن (کلید قرآن) آمدند. برای کیفیت کار مشاوره شد و ترتیبی انتخاب گردید.

آقای میرعماد دادستان تهران اطلاع داد که رد پای [همایون] انصاری [شیرازی] متهم را در منزل [مصطفی] کفash زاده پیدا کرده‌اند. آقای [محمدعلی] انصاری از بیت [امام] آمد و از رفقن ماموران به خانه یکی از خدمتگزاران بیت شکوه کرد و گفت انصاری [شیرازی] را در منزل یکی از آنها گرفته‌اند. احمد آقا هم تلفنی گله کرد.

۱- در این ملاقات امام خمینی عیлад پیامبر اکرم (ص) و ولادت امام جعفر صادق (ص) و انبیک گفتند و به بیان رسوابی آمریکا در طرح رایله نا ایران پرداختند. متن کامل سخنرانی حضرت امام (ره) در بخش فصلنامه کتاب درج گردیده است.

عنوان آذر

أوج دفاع

٣٤٩

حالی

شبه ۱ آذر ۱۳۶۵ | ۱۹ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۲۲ Novem ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقتی به مطالعه گذشت و کارها را تلفنی انجام دادم. عصر علی - اخوی زاده - آمد؛ از خوزستان احضارش کرده بودم. گزارش دیدار و مذاکره مجدد با آمریکایی‌ها را داد. قبل از اقدام او را نهی کرده بودم.

به من گفته بودند که به آمریکا رفته و با ریگان درباره سقوط صدام مذاکره کرده است. گفت به آمریکا نرفته، بلکه به نوعی ادامه همان رشته ارتباط‌های سابق بوده و با [البور] نورث عضو شورای امنیت ملی آمریکا] و پویندکستر [از طراحان رابطه آمریکا با ایران]، [آلبرت] حکیم و سام صحبت کرده. معلوم شد انجیل با انصاری ریگان را، او آورده و این کار را با اصرار آقای محسن رضایی کرده است. به عواقب اقدامش توجهش دادم و او را از تکرار تماس بر حذر داشتم.

احمد آقا آمد. نگران عواقب همان دیدار بود که قبلاً گفته بودیم با ریگان بوده؛ جریان جدید را گفت، مثل من قدری خیالش راحت شد. در عین حال احتمال سوء استفاده تبلیغاتی می‌زود. شب همشیره طبیه آمد؛ برای ازدواج دختر و پسرش که می‌خواهند حضرت امام عقد آنها را بینند. به احمد آقا گفتم، قبول کردند. قرار شد روز دوشنبه عقد بسته شود.

اطلاع رسید که به بغداد موشك زده‌ایم و اصابت کرده است! گزارش‌ها را از مجلس آوردند،

۱- این موشك در ساعت ۱۸:۲۱ دقیقه به وقت بغداد به مذکور مخابرات این شهر اصابت کرد. شیخه سراسری تلویزیون دولتی عراق، پس از اطلع (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

خواندم. آمریکایی‌ها خیلی در مخصوصه افتاده‌اند. فرانسوی‌ها هم از برکت گروگانها در لبنان، بالاخره ۳۰ میلیون دلار را به عنوان قسط اول بدهی خودشان پرداخته‌اند.

یکشنبه ۲ آذر ۱۳۶۵ | ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۲۳ Novem ۱۹۸۶

قبل از جلسه گزارش‌ها را خواندم و به اطهارات رادیوهای آمریکا (VOA) و انگلیس (BBC) گوش دادم. هنوز هم مهمنترین مسئله، رسوایی آمریکاست و به نظر می‌رسد به طرف بحران سیاسی می‌روند. خبر حمله موشکی ما به بغداد هم توجه را جلب کرده است. در جلسه علنی، نمایندگان با اهرم سخنان امام، تهاجم شدیدی به هشت نفر سوال کننده^۱ و خط آنها داشتند^۲ و من پیش از دستور، صحبت ملایمی در این باره نمودم.^۳ آنها خیلی ترسیده و سخواالشان

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

۱۰ دقیقه‌ای برداشتهای عادی خود، وقوع یک انفجار هیب در مساقط هرگز را پادخت را مورد تأیید قرار داد. راذیر بی بی سی گزارش داد: "یک موشک دوربرد زمین به زمین به بعد اصابت کرد که شدت انفجار آن بد حدی بود که صدای آن ۱۰ کیلومترها فاصله از محل انفجار شنیده شده است".

۱- این بدهی بخشی از مطالعات مربوط به وام یک میلیارد دلاری بود که از طرف کمیسیون افزایی افزایی فراسه پرداخت شد. این وام در سال‌های پیش از اقلال اسلامی، توسط دولت وقت به فرمان اختصاص یافته بود. همچنین یک فقره وام ۹۴۴ میلیون فرانکی بیز در سال ۱۹۷۷ از طرف ایران به شرکت فرانسوی "اوروراپ" پرداخت شده که این شرکت ۳۵ میلیون فرانک از این وام را دریافت کرده اما در بازپرداخت آن قصر کرده بود.

۲- آن هشت نماینده عارض پرداخت از آغاز جلال الدین فارسی، مرتضی فهیم کرمانی، سید محمد سیرجانی، سید محمد خامسی، ابراهیم اسرافیلیان، حسینعلی نجفی، سید حسن موسویانی، نیکت روش.

۳- در این روز آقایان علی شوشری نماینده نیشابور و مهدی شاملی نماینده ملایر پیش از دستور سخراجی کردند.

۴- آقای هاشمی در نقطه پیش از دستور، سخنان امام حسین (ره) را داروی شعاب‌الغشی فوایض کرد که قته را از زیشه خوباند. در پیشی از این نقطه آمده است: "حضرت امام همان طور که معمول شان است، به صورت یک طبیب حادق و انساد و معلم وارد، هر لحظه ای که شخصی می‌دهد مسکن است فنایی بروز کند و مشکلی برای جامعه به وجود بیاید و حدث اجتماع مخدوش بشود، خودشان دخالت می‌فرمایند و جلوی قته را می‌گیرند. الحمد لله این بار هم به موقع وارد شدند و حلولی یک قته احسانی را که ممکن بود به انسجام با ضروره بروز در شرایط حنگ و در شرایطی که می‌بینم همه شیاطین دنیا قلعشان و شمشیرهایشان را قیز کرده‌اند برای اینکه اختلاف در جامعه ما ایجاد نکنند و غریل نه همه چیز می‌شوند، برای اینکه بگویند در اینجا می‌شوند و منصدیان امور با هم اختلاف دارند، در این شرایط بیانات امام علی داروی شعاب‌الغشی بود که قته را از زیشه خوباند. الله ما عن اسقیم از اینکه در شرایطی که شیرینی این پیروزی می‌توانست همه ملت ها را شاداب نکند، به گزنهای مسایل مطرح شد که شیرینی این پیروزی را که امام فرمودند: "بزرگترین پیروزی سیاسی تاریخ اخیر ماست" و افعاً همین طور است، در این شرایط که می‌بینیم دشمنان ما مثل اسپند روی آشیان، در مقابل یک حادثه مصیطوب هستند. خواستند این شیرینی را برای ملت ما تلحظ کنند که الحمد لله، امام با تذکر انشان جلوی این مسئله را گرفتند. من به ملت‌مان و خدمت حضرت امام عرض می‌کنم که اکثریت قاطع نمایندگان مجلس از صیم (ادامه پاورپوینت بعد)

را پس گرفتند. آقای [مرتضی] فهیم آمد. درباره راه اصلاح حرکات انحرافی اش مشورت کرد. راهنمایی کرد. بعضی نماینده‌ها در صدد اخراج هشت نفر از مجلس بودند که جلوگیری کردند؛ نامه‌ای علیه آنها به امام تهیه کرده بودند و امضا می‌گرفتند.

ساعت ده و نیم به دفترم آمد. دکتر هادی آمد و درباره ادامه روند آزادی گروگانهای آمریکایی مشورت کرد. دکتر روحانی آمد، در همین باره و درباره جنگ صحبت کردیم. خبر رسید که عراق حمله شدیدی به باختران و اسلام آباد کرده و بیش از یکصد شهید و یا نصد مجروح داشته‌ایم.^۳ دستور مقابله به مثل داده شد.

آقای ستحقی آمد و گزارش وضع ججه‌ها را داد. آقای [میرعلی نقی] خاموشی آمد و از فشار وزارت کشور علیه صندوقهای قرض‌الحسنه گفت و استمداد کرد. آقای میرعماد [دادستان عمومی تهران] تلفنی، گزارش رسیدگی به ادعای فساد در جریان خرید توپهای اتریشی را گفت. عصر برای کارکنان وزارت دفاع و عقیدتی سیاسی صحبت کرد.^۴ [آقای محمد سعیدی کیا] وزیر راه [و ترابری] و معاونانش آمدند. درباره راه آهن و هواشناسی راهها بحث شد. شب سران سه

(ادامه پاورفی از ضمیمه قبل)

دل پیرو ولاپت فقهه هستد و عمیقاً ایمان به رهبری‌هایی که امام می‌فرماید، دارند و ذرمهای تردید در قلب هیچ‌یک از کسانی که تا به حال بارها خودتار را معوف کرده‌اند و ایمانشان را ایبات کرده‌اند، در مقابل راهنمایی که از طرف رهبری معظم این انقلاب می‌شود، بروز نمی‌کند. تحقیقاً امام هم این مجلس را می‌شناشد. نماینده‌گان نگران نباشید. این مجلس از چشم امام نمی‌اند. امام همچنان مجلس را در رأس امور می‌داند و همچنان این مجلس را بایگاهی برای اداره امور این کشور می‌داند و همچنان اکثریت فاعل نماینده‌گان مورد علاقه ایشان هست. من تحقیقاً می‌دانم که امام نظرشان بست به کلیت مجلس، اکثریت فاعل نماینده‌گان، نظر مثبت است. شناگران نباشید. ایده‌رازیم که دیگر ما ز این مسائل تابع در آئینه نداشته نباشیم. رجوع کنید سه کتاب "هاشمی رفسنجانی، نظرهای پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم"، دفترش معارف اتحاد، ۱۳۸۷.

۱- برای آگاهی از سوال جلت نماینده جناب راست مطبوع از دکتر علی اکبر ولاشی وزیر خارجہ ب پاورفی صفحه ۱۶ همین کتاب رجوع کنید.

۲- در این نامه به ا مضای ۱۴۵ نفر از نماینده‌گان رسیده، از حرکات خلاف مصالح نظام و تضعیف کنندگان دولت اسلامی ابراز از جار شده است. هنر کامل این نامه را تصویر آن در یکش صیاغه همین کتاب درج شده است.

۳- در این حمله هوایی سیار شدید، ۷۰ واحد مسکونی در جنوب شهر اسلام آباد غرب آسیب دید و ۱۵ نفر غیر نظامی به تهادت رسیدند. در کرمانشاه نیز به مسجد و زینی شهرگرد آبادانی و مسکن واقع در شمال شرق این شهر، خساراتی وارد شد و تهدیدی دو مرحله بسازان به ۱۱۴ نفر رسید.

۴- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "اکنون چطور شده است که آقای ریگان می‌گوید ما ۱۸ ماه است در تلاشیم باب عذاکره با ایران را نگشاییم. هر چند تلاش آنها بی‌فایده مانده و در طول این مدت یک نفر مسئول شناخته شده از کشور ما را پیدا نکرده‌اند تا با او یک کلمه حرف بزنند. ذی‌اکنون فهمیده است که جمهوری اسلامی ایران به کجا رسیده و در ایران چه خبر است. آنها می‌دانند دز ایران چه نیروی وجود دارد و برای همین است که سر تعطیل فروند می‌آورند. سخنان امام امث که فرمودند پیروزی ما در این فتحه از تمام پیروزی‌ها بزرگتر است، واقعیت حواشی است که اکنون در جریان است". رجوع کنید سه کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، دفترش معارف اتحاد،

قوه در مجلس مهمن من بودند. درباره ادامه روند آزادی گروگانهای آمریکایی و فرانسوی تصمیم‌گیری شد. قرار شد یک گروگان فرانسوی آزاد شود و فریدون [مهدی نژاد] برای بحث در جدول زمانیندی - که طرف دیگر خواسته در آن تجدید نظر شود - به اروپا برفود.

۲۴ Novem ۱۹۸۶

دوشنبه ۳ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ربيع الاول

در منزل بودم، بیشتر وقت به مطالعه گذشت. اول وقت همشیر طبیه و سرتگاهش آمدند. دخترش را عروس و پسرش را داماد می‌کند. از امام تقاضا شده بود که عقد بینندن. همراه آنها خدمت امام رسیدم و عقدها بسته شد. عفت و من به آنها هدیه دادیم. امام از علت تاخیر عملیات پرسیدند و درباره لزوم حل مشکل قوه قضائی به خاطر مشکل شوزایی بودن مدیریت، صحبت کردیم.

عصر آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. توصیه کرد که در مذاکره با آمریکایی‌ها، درباره مسائل سیاسی حرف نزنند و درباره جنگ هم چیزی نگویید. اگر آنها حرفی زدنند، گوش بدند. فقط درباره جدول معاوضه گروگانها با نیازها صحبت شود. در جلسه سران قوا و مشورت با امام، این تصمیم اتخاذ شده است.

عفت و فاطی به خانه احمد آقا رفته‌اند. گزارش‌های آوردنده، خواندم. هنوز رسوایی آمریکا مسأله روز است. عراق امروز به ماشههر حمله کرده و خسارات زیادی وارد کرده است. ما هم متقابلاً حمله کرده‌ایم.^۱

۲۵ Novem ۱۹۸۶

سهشنبه ۴ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ربيع الاول

تا ساعت هشت و نیم صبح گزارش‌ها را خواندم. هنوز مسأله مهم دنیا، رسوایی آمریکا و پیروزی سیاسی ما است. در جلسه علنی، قبل از دستور آقایان فواد کریمی [نماینده اهواز] و [حسن] صادقلو

۱ - چند نزونه خواهی عراقی در ساعت ۹:۴۵ و ۹:۴۶ چند بخطه مسکونی و صنعتی - گلگزی بذر امام حمینی به سر نادر و ماشههر را مورد حمله قرار دادند. در این حملات ۱۰ خانه با خاکب پکسان شد و ۴۰ باب منزل مسکونی دیگر آسیب دید و ۱۹ نفر از جمله چند کوکه شهید شدند. شمار مجروحان نیز به ۸۰ تخمین زده شد. در پاسخ به این حملات، مجتمع بیرون‌نشی موقبل عراق توسط جنگنده بدب اتفکن‌های نبروی هوانی ارتش جمهوری اسلامی سیاران شد.

【نماینده رامیان】 به تلخی، به خط مقابل خود، به دلیل سؤال هشت نفر اخیر حمله کردند.^۱ آنها ترسیده‌اند و چیزی نمی‌گویند. در تنفس به نماینده‌گان توصیه کردم که دیگر این نزاع را ادامه ندهند. پیش از ظهر آقایان دکتر روحانی، دکتر هادی، رفیق‌دوست و محلوچی آمدند. درباره عملیات داخل عراق از طریق سوریه بحث کردیم. آقایان کبیری و جلالی آمدند و درباره بهبود روش توزیع کمکهای مردمی برای جنگ نظر دادند. نماینده‌گان تبریز آمدند و خواستند حضور داوطلبان و بسیجی‌های آذربایجانی را هم در مقابل مجلس پیذیرم.

ظهر آقای [محمد] اشرفی [اصفهانی] نماینده باختران آمد و گزارش ناسامانی باختران بعد از بمبازان را داد. عصر در مجلس ماندم و تا ساعت هشت کارهایم را انجام دادم. خیر رسید که عراق به اندیمشک، پایگاه وحدتی دزفول و لارک حمله کرده و تلفات وارد آورده و هوایپمایی از آن ساقط شده است. ما هم به دھوک و بصره حمله کرده‌ایم. مقرر شد که امشب به بعداد موشک بزنند.^۲ به خانه آمدم.

چهارشنبه ۵ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۳ ربیع الاول Novem ۱۹۸۶

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رسیدم. جمعی از فرماندهان نیروی دریایی و بسیج آمده بودند. برای آنها مفصلًاً سخنرانی کردم.^۳ سفیر ترکیه برای خداحافظی آمد. مترجم خوبی نداشتیم. بیشتر

- ۱ - در بعضی از سخنان پیش از دستور نماینده رامیان آمده است: «عبدال Rachid آمدن در پرتو ولايت نهیه است و س. و ایجادست که به پرچان و نیمه‌لیست‌های داخلی باید گفت چه می‌گویند؟ آیا اعتراف آمریکا به شکست راشا ارتباط با ایران می‌داشد؟ این دهنگی به ولايت نیست؟ این چه سوالی است که مطرح شده است؟ آیا این سوال خود زیر سوال نیست؟ آیا سوال در خود حکم ندارد؟ شاید سوال کشیدگان عظوم نمایی کند و بگویند از حق قابوی خودمان استفاده کرده‌ایم. اما گنجاندن عبارت (این ارتباط در چه سطحی صورت گرفته است) خود نوعی حکم است. آیا با طرح چنین سوالی نمی‌توان گفته که سوال کشیدگان، اصلی از اصول قانون اساسی یعنی اصل ۶۷ را زیر سوال برده‌اند؟ چرا که اصل مذکور که به عنوان قسم نام آمده است، عبارت «گهیان دستوارهای انقلاب اسلامی شده» آمده است. آیا این است نگهبان انقلاب اسلامی بردن؟ مگر اینکه شیوه کیم و بگویند شکست مقضیانه آمریکا، دستورید نیست. آیا این سوال، زیر سوال بردن بهترین مرگ بر آمریکایی که ریاست محترم مجلس در روز ۱۳ آبان فرمودند، نیست؟
- ۲ - موشک در ساعت ۳:۵۰ دقیقه نامداد به پقداد شلیک شد. خرگزاری روپرتو گزارش داد پقداد شهر ۴/۵ میلیون تقریبی در طول شش سال جنگ ۱۷ بار مدعی موتک نوار گرفته است. مقامات عراق رسانه‌های ارتباط جمعی وال ارصال گزارش در مورد محل انفجار به دلایل امنیتی منع می‌کردند.

- ۳ - در این دیدار که جمعی از فرماندهان نیروی دریایی ارتش و فرماندهان منتخب پایگاه‌های معاونت بسیج حضور داشتند، آیا هاشمی به موقعیت‌های روز از پرون جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های میانی و نظامی اشاره کرد و خواستار گسترش حضور و تقویت نیروی دریایی کشور در خلیج فارس شد و در عین حال بر تداوم حضور نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ تأکید کرد. در پیش از این سخنرانی آمده است: (ادامه پاورنی در صحنه بعد)

صحیت درباره تحسین و تحکیم روابط و جلوگیری از اخلال مغرضان و مخصوصاً مطبوعات ترکیه و حضور ضد انقلاب ایران بود.

آقای [ابولفضل] رهنما سفیرمان در لهستان آمد. از زمینه خوب توسعه روابط گفت و شش هزار دلار بابت خمس درآمدهای اضافه بر مخارج خودش را داد. هیأت کشور مالی به ریاست [آقای مودبیو کیتا] وزیر امور خارجه این کشور که در ایران هستند، به ملاقات آمدند. صحبت‌ها کلی بود و دوستانه.^۱

ظهر آقای [علی اصغر] حجازی معاون وزارت اطلاعات آمد و گزارش حدود کمک به جنگ را داد و درخواست یک میلیون و نیم دلار از اعتبار جنگ برای خرید بی سیم‌های دوربرد تموده موافقت کرد.

آقای محسن رضایی آمد و برای توجیه فرستادن علی -اخوی زاده- برای مذاکره با آمریکایی‌ها در مورد گروگان‌های لبنان حرف زد که قانع کننده نبود و گفتم اشتباه کرده است. اما از جهتی به ایشان حق دادم، زیرا احساس نیاز به سلاح را بیشتر از دیگران دارد و از طرفی پی بوده که فاز اول در آستانه بنیست است و فکر کرده با در صحنه قرار گرفتن برادرزاده من، پیشرفت کار بهتر خواهد بود. جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم و سپس با آقای رضایی مذاکرات ادامه یافت. برنامه و اهداف و مانور عملیات آینده را توضیح داد.

شب جلسه رؤسای قوا در نخست وزیری بود. [آقای علی اکبر ولایتی] وزیر خارجه آمد. در مورد سیاست برخورد و درگیری‌های لبنان بین امل و فلسطینی‌ها و سیاست رفتار آینده با فرانسه و

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

"تابع تأیین تسلیحاتی عراق مدرب ترین سلاح‌های جنگی را در اختیار صدام می‌گذارند. شوروی‌ها، در دوران جنگ، انواع هواپیماهای پیشرفته آمریکا، و تانکهای تی ۷۷، و قطعات یادکار به عراق می‌دهند. فراستی‌ها، گذشته از فروش هواپیماهای ایران، سریز افاده‌ردد به او تفرض نیز می‌دهند و آمریکایی‌ها نیز در زمان جنگ، ضمن خارج کردن عراق از لیست تزوییت‌ها، بیش از یک میلیارد دلار اعشار مالی، گشتم، همی‌کنند، همراه شیمیایی و اطلاعات مهاره‌ای به عدام داده‌اند و ادحای بی‌طرفی هم می‌کنند. اما آنها موافقی که ادعای می‌شود، حقیقت به اندازه محبوثه یک هواپیما برای ما اسلحه ارسان شده که بعد آن را نیز روزن خواهیم کرد، هیاهوی در جهان بی‌شود، کایله آمریکا به هم می‌زند، بن آمریکا و اروپا اختلاف می‌افتد و کشورهای عربی هم مانند این روی آتش می‌شوند و این طرف می‌پرند. اینها نشان می‌دهند که ملت ما واقعاً در این ۷ سال، تبا جنگیده و بدون اینکا به دیگر کشورهای با همه ابرقدرت‌های جهانی دنیا به خود مستقیم و غیرمستقیم در جنگ بوده است و نراسنه همه مستکرلان، از جمله آمریکا، شوروی، انگلیس و فرانسه را شکست دهد و این اخبار تا حدود ریاضی مرفون حضرت مردم در جبهه‌هast." رجوع کلید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر تشریفات انقلاب، ۱۳۸۷

۱ - در این ملاقات آقای هاشمی گفت: "جمهوری اسلامی ایران همواره تحسیم داشته و دارد که با کشورهای مسلمان، آزاد و مستضعف جهان، روابط حسنۀ داشته باشد. شما مطلع شدید که ما جهه بر سر فرستادگان ویژه آمریکا آورده‌یم. جراحته که سیاست‌ها با قدرهای استعماری همواره بر ناسارگاری دارد. جمهوری اسلامی آمادگی دارد تا از امکانات خود جهت احفاظ حقوق مردم تحت سنم آفریقا استفاده نماید."

وجوه احتمالی مانده در بانکهای سوئیس از طرف [محمد رضا] شاه [پهلوی] و نصیری [رئیس ساواک] و ادامه روند آزادی گروگانها در لبنان با آمریکایی‌ها و سفر وزیر خارجه به سوریه برای گرفتن اجازه استفاده از خاک سوریه برای عملیات در خاک عراق و تشویق لبی برای ارسال موشک و مهامات به ایران تصمیم‌گیری شد.

آقای ری‌شهری نوار مصاحبه سید مهدی هاشمی را آورد، او بربده و اعتراضاتی کرده است. شب برای خواب به مجلس آمد.

پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۶۵ | ۲۴ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۲۷ Novem ۱۹۸۶

بعد از نیاز و ورزش، گزارش‌ها را خواندم و به برنامه فارسی لندن و واشنگتن گوش دادم. هنوز هم مهمترین مسئله بین‌المللی، افتضاح آمریکا است. کمی در جلسه رسمی مجلس ماندم و برای ادامه فرایت گزارش‌ها و کارهای عقب افتاده به دفترم آمد. [آقای غلامرضا آفرازه] وزیر نفت از گرفتن امکاناتشان در خوزستان برای جنگ گله کرد.

آقای [علیرضا] افشار [رئیس ستاد مرکزی سپاه] آمد. گزارش وضع نیروهای رژیم‌ده را داد و از تبلیغات زیاد [آقای رحمانی] مسئول بسیج و نادیده گرفتن نقش سپاه در تجهیز سپاه محمد (ص) گفت. آقای [محمد] کیاوش [نماینده آبادان] گزارش سفر به خارج را داد و از وضع پرونده گروه سید مهدی [هاشمی] پرسید.

ظهور عقد ازدواج یکی از کارکنان مجلس را بستم و به او هدیه دادم. عصر جمعی از طلاب تحت

۱- در این روز آقای هاشمی در اجتماع طلازداران سپاه محمد (ص) در مقابل مجلس گفت: «همان طور که خداوند دشمنان ما را به خاطر جنایات و حرکت‌های زشت و پلیدشان در مقاطع مختلف دچار اشتباهات بزرگ کرده، این بار هم دشمن بعضی مرتكب اشتباه جدیدی شده است. در شرایطی که نیروهای ما از همیشه آماده‌تر هستند و شرایط جهانی و محلی برای حرکت برگرگ زندگان در جهه‌ها بهینه‌ی شود، جایگاه رسانیده‌اند، شرارت‌های جدیدی به صورت آغاز مجدد حنگ شهرها را مرتكب شدند. دشمن با جنایاتی که در باختران، ایلام، اسلام آباد، گیلان، عربستان، در قزوین، آذربایجان، سقز، سنندج و اهواز انجام داد، ماهیت خودش را برای چندین بار تشدیز داد و قلب رژیم‌گان ما را هنچ‌گرد که با چه دشمن جوان حیثیت و درنده خوبی روبرو هستند که صی توائد از شرارت دست برداشت و خصم مقدسی را که دل‌های رژیم‌گان ما را گرفت برد امروخته‌تر و زمه‌های را برای یک حرکت نظامی که چین دشمنی را می‌خواهد شکست بددهد، آعاده کرده است. خداوند این انعام را در قلب‌های متور مسئولان ما برجرد آورده که در هناسب ترین شرایط و موقع این موضع تشکیل سپاه محمد (ص) را برجرد آورند و ما این حرکت را برای خود و رژیم‌گان دلیل نطف الہی می‌بینیم». آقای هاشمی در این اجتماع بر تشكیله دلاوری‌های مردم آذربایجان در مبارزات نیم اخیر تاریخ کشورمان را بر شمرد و آن را مرد فخر دانی نمود. و جزئیاتی از کتاب «هاشمی ریاست‌جمهوری؛ سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»

آموزش زبان‌های عربی و انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی قم آمدند و گزارش دادند. برای آنها مفصلأً صحبت کردم.^۱ تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. امروز تهاجم عراق به شهرها کم بود.

٢٨ Novem ١٩٨٦ | ١٣٦٥ آذر ٢٥ | الْأَوَّلِ رِبَعِ الْأَوَّلِ جمادى

با افتضاح آمریکا ایراد کردم.^۲ خلیل طولانی شد و حسته شدم.

عصر آقای [ابراهیم] سنجهقی و مسئولی از قرارگاه رمضان آمدند. برنامه عملیات فتح چهار را گفتند. دکتر روحانی اول شب آمد. درباره پادگان و مشکل کمود توبخانه، برای عملیات آستنده

۱- آقای هاشمی در این سخنرانی بر اهمیت فرآگیری زبان برای تسهیل ارتباط با جوامع زمردم بیگانه و درجهت ابلاغ یام انقلاب اسلامی تأکید کرد و اهمیت این امر را بنویس به تبلیغات فرهنگی شدید علیه انقلاب اسلامی مذکور شد، درین مختصر این سخنرانی آمده است: «اگر روزی تاریخ تهاجمات فرهنگی به این انقلاب از سوی صدای اسلامی و فرهنگی روشن تو شود، خواهیم دید که بچیق انقلابی در دنیا این قدر تهاجم نشده است. و عجیب اینجاست که با وجود این همه دروغها و نهیت‌ها که هنوز هم با بعض وکیله ادایه دارد، به تنها از هموز و رجهه انقلاب اسلامی کاسته نشده است بلکه روزبه روز فروزانی افریم شود و این مدان خاطر است که سخنواران انقلاب ما محتوا عاقیلی و فرهنگی است و همکنی به اسلامی است که این آسمان آعله و از وحی منزه شده گرفته است. آپوکایی ها هنوز در دنیا خلی نیرومند هستند و حتی رقیانی آنها تحولی شاد می‌گیرند. اما آنها نصیر نمی‌گردند که ما آنها را تحولی تکریم و اهمیت کار در اینجاست که این انقلاب را بنی حربت فرهنگی شخصیت خودش را حفظ کرده و راه حزد را کم نکرده است و آنها از هر طریقی که عمل کرده‌اند، توانسته‌اند در این انقلاب نفوذ کرد. این همه تضاد در دنیا می‌باشد که به خان هم اتفاق نداده و یک‌لکی‌گیر را می‌خورند و هر روز دروغ تلاذی از در گشته‌های آنها گشته می‌شود. بدون اینکه حرف هایی که مازدهایم یک‌لکمه کم و زیاد شده و یا تضع شود، همه دليل استحکام و مایه‌دار بودن این انقلاب است». رجوع کرد ← کتاب «ماشیق»، سخنواران، سخنواران، های سال ۱۳۶۵، عدد پنجم، معارف انقلاب، ۱۳۸۷.

۴- در خطبه اول نماز صاحث قرآنی در ایساطت ناگاهه دین به موضوع زید مطرح شد و اسماعیل رنایی که نام آنها در قرآن آمده است، مورد بحث و بررسی فرازگرفت. در خطبه دوم بخطی با عنوان امساله افاضخ آمریکا و پروری سیاسی جمهوری اسلامی به تفصیل بیان شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «طالبین که درباره آمریکا کشش شد خلی چیزهای گویایی است. اولاً روش شد که ایکه ما خیلی می کشم در آنجا اینها یک مشت آدمهای مسلط بر امور جریات و نفعه هایشان هستند و تمام مسائل آنها حساب شده است و شکست پذیری لیستند، بر عکس روش شد که یک کشور جهان سرمی امکن بر تعلمه ریزی گند بر عکس کارهایی که آنها می کردند می تواند پاک کارهایی به آنها بزند که خلی آنها را بشناسد و در درس بیاندارد. همین کاری که اینها تا به حال می کردند، هر وقت که می خواستند کشوری را آشوب زده کنند، شیطنت هایی می کردند و گشتر رایه آشوب می کشیدند، این کار را ماما افزود در آمریکا می کنم، یعنی معکوس این کار در آمریکا انجام می گیرد، اینها در چنین متفعلی شروع به شیطنت کردند و هر کسی می کردند حالا امام که می خواهد ما پرورش پیدا بکنیم و خود کما شویم و گشتر حرفت می زندند، اخراج دروغی که کسب می کنند و در جریان گرفتن سرشان گذاشتند می رود، به اینها گفته بودند که امام می بینی است و جمهوری اسلامی در حال انتقال همان چیز است که در چنین شرایطی شروع به حمله کردند. پاتکی که اینها خور دند چیزی استه که اکتوبر در آمریکا می بینید. آیا آن کاخ سعیده تحت قشار ما است یا ما تحت قشاد آمریکایی ها؟»^۹ و جو کس که کتاب «فلسفی و سیاستی، خطبه های جمعه مسال ۱۳۶۵، جلد دهم،

مذکوره کردیم، ارتش و سپاه نیازها و موجودی خود را داده‌اند؛ امکانات کم است. بستگان به دیدن ما آمدند.

۲۹ Novem ۱۹۸۶

شنبه ۸ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ربيع الاول

امروز بیشتر وقت به مطالعه گذشت. از صبح تا شب باران می‌بارید. آقای [مصطفی] کفاسزاده آمد و برای رسیدگی سریعتر به اتهام دوستش آقای [همایون] انصاری [شیرازی] که بازداشت شده، استمداد کرد. عصر همسر آقای سالاری - کاردار سابق ایران در آرژانتین - آمد و برای رفع اتهام از شوهرش که مشکلی در کارش پیش آمده استمداد کرد. کارها را از مجلس آوردند. در گزارش‌های خارجی، هنوز مهمترین مسئله، افتضاح آمریکا در ارتباط با تلاش برای ایجاد رابطه با ایران و نجات گروگان‌هاست. اعتبار ریگان سخت ضربه خورده و زمزمه کناره‌گیری او را مطرح می‌کنند!

۳۰ Novem ۱۹۸۶

یکشنبه ۹ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ربيع الاول

امروز هم مثل دیروز باران می‌بارید. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی مجلس بودم. در تنفس، خواهان عضو پیج مقابل مجلس آمدند. برای آنها سخنرانی کردم.^۲ آقایان [محسن مجتبه] شبستری

۱ - باران و افتضاح سیاسی زاشگن گریان سیاست‌داوای این کشور را گرفت. با اوج گیری این بحران احتمال برکاری رئیس ستاد کاخ سفید مطرح شد. همچنین ولیام کسی رئیس مازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به خاطر این بحران هزره بازجویی قرار گرفت. شبکه ABC اعلام کرد زدیک ترین فرد به رئیس جمهور در این حادثه از معرض اتهام غواص گرفته است. همچنین در ارتباط با بحران جاری کاخ سفید، کمیته اطلاعاتی سای آمریکا، شصت ساعت از مکافارلین بازجویی کرد.

۲ - در پی‌بینی روز از هفته پیج ده‌ها هزار تن از زبان مسلمان کشور عان نه پیش‌بینی از زمزدگان کفرستیز اسلام، طی راهی‌سایی از چند هسیر و تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی حمایت خود را از ادامه دفاع مقدس زمزدگان اسلام و حضور گسترده سپاهیان محمد (ص) در جبهه‌های جنگ اعلام کردند که در این اجتماع باشکوه، خواهان سیچی مراکر تربیت معلم، پیج ادارات و کارخانجات، پیج دانش آموزی و تربیتی و پایگاه‌های مقاومت پیج سیاه خضرور داشتند. آقای هاشمی در این اجتماع پرچم گفت: "تحول روحی زبان مسلمان ایران، نطفه سیار ارزش‌های در تاریخ زن در اسلام به ستار می‌رود، هیچ وقت در ذکر کسانی که هدفان نتکامل و آزادی زبان بوده، خطر نکرده است که زبان عقیف و فداکار این گونه که خواهان سیچی مادر صحنه حاضرند از خود ایز وجود کرده باشند. این حرکات را از اسلام داریم و آن را تا حد زیادی می‌برویم تا این این خواهان متعهد می‌دانیم". رجوع گنبد \leftarrow کتاب "هاشمی و مستجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"

[نماینده تهران] و [مراد علی] احمدی [نماینده سنقر و کلیایی] و عده‌ای از نمایندگان، جداگانه برای کارهای مربوطه خودشان و کمبودهایشان آمدند.

عصر انجمن اسلامی سازمان آموزش فنی حرفه‌ای و وزیر آموزش و پرورش و معاونان آمدند. درباره اصلاحات در نظام آموزشی و مشکلات کمی حقوق معلمان و بروخورد با نمایندگان و قوه قضائیه مطالبی مطرح شد. آنها را به رعایت اعتدال توصیه کردم.

شب با دیگر سران قوا، مهمن آقای اردبیلی بودیم. تلفنی از آقای رفیق دوست، نتیجه سفرش به سوریه را گرفتم. با آقای رضایی درباره عملیات صحبت شد. آقای دکتر ولایتی نتایج سفر به سوریه را گفت و مشکل فلسطینی‌ها و اهل را در لیان، و اجازه سوریه برای استفاده از مرزهای آنها برای ورود ما به عراق و سخت گیری‌های لیبی از دادن بقیه موشك‌های موعود را شرح داد. احمد آقا نظر امام را در مورد پخش مصاحبه سید مهدی هاشمی [از تلویزیون] گفت و قرار شد در جلسه آینده با امام صحبت کنیم. به نخست وزیر گفتم که درباره آقای سالاری با عجله قضاوت کرده است، مجدداً بررسی نمایند. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۶۵ | ۲۸ ربیع الاول ۱۴۰۶ | Decem 1986

در منزل بودم. آقای کنگرلو آمد و گفت [منوچهر] قربانی فر برای توجیه گران فروشی خودش و سروصدایی‌های آمریکایی‌ها تلفن کرده و مدعی است اگر به ریگان کمک نشود، سقوط می‌کند و جانشینان او با ما بدتر بروخورد می‌کنند. گفتم به آنها بگوید اولاً باید مبلغ اضافی مسترد شود و ثانیاً به دروغ، صحبت از دخالت اسرائیل و تماس با میانه روهارا نکنند. به ادعای آنها مبلغی طلبکارند ولی چون گران داده‌اند، ما می‌گوییم بدھکارند.

احمد آقا آمد. در مورد ملاقات دوم علی هاشمی با آمریکایی‌ها که با دستور آقای محسن رضایی انجام گرفته بود، بحث و فرار شد به سران قوا هم بگوئیم.

احمد آقا گفت نظر امام این است که مصاحبه آقای مهدی هاشمی پخش شود، ولی برای آقای منتظری ضرر دارد. قرار شد خدمت امام اصرار کنیم که از پخش قسمتی از آن صرف نظر شود و نیز گفت پیشنهاد بازداشت آسیدهادی -داماد آقای منتظری - که از طرف وزیر اطلاعات ارائه شده، مضر است و آقای منتظری را به شدت می‌رنجد و قابل ترمیم نیست. قرار شد فردا شب خدمت امام

بگوئیم، ظهر بستگان مهمانمان بودند.

عصر [ناخدا حسینی] فرمانده نیروی دریایی آمد. برنامه مانورشان را گفت. قرار شد من هم شرکت کنم. آقای [احمد] وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد. برنامه عملیات را گفت و مشورت کرد و گفتم یک گروگان فرانسوی در لبنان، اگر با شفاعت ما آزاد شود، خوب است. دیروز ژاک شیراک با اعتراف به اشتباه فرانسه در برخورد با ایران در گذشته، موضع خوبی گرفته^۱ و سران قوا تصویب کرده‌اند که در مقابل پرداخت قسط اول وام انجام شود. شب تا دیر وقت به خواندن گزارش‌ها گذشت.

سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ ربیع الاول ۱۹۸۶ Decem

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه بودم. در تنفس برای بسیجیان صومعه سراکه به مجلس آمده بودند، زیر باران صحبت کردم.^۲ گروهی از افراد آموزش دیده موشك‌های ضد هوایی در چین آمدند و مدعی بودند که آموزش دیگران در رده‌های خدمات و مربی گردی در اینجا را می‌توانند انجام دهند و لازم نیست کسانی دیگر به چین بروند، مگر برای تعمیر و نگهداری.

در تهران از چند روز پیش تاکنون، متناوباً باران می‌بارد و خیلی از جاهای کشور را سیل گرفته است. در گزارش‌های بین‌المللی، افتضاح آمریکا هنوز مسئله اول است ولی تلاش می‌کنند جیهه ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی ما را ملکوک کنند.

۱ - ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه با اعلام صریح این عطلب که صدام رئیس رژیم عراق جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرده است، گفت که وی چند روز پیش از حمله بیرونی عراقی به ایران، از این حمله باخبر بوده است. رادیو فرانس اطهار داشت است که در سپتامبر ۱۹۸۰ از تصدی عراق مبنی بر حمله به ایران مطلع بوده و می‌پامی از صدام استدعا گردد است از حمله به ایران صرف نظر گند. شیراک افزود: صدام در پاسخ به این درخواست وی مدعی شده بود که اتش ایران روحیه خود را به گلی پاخته و اقتیاد عرب در ایران غیاب کرده و با آغوش باروی را خواهد پذیرفت و همچو طرف یک هفته به پایان خواهد رسید. ژاک شیراک در ادامه گفت: ولی پس از پیش از شتر سال جنگ، این قضیه باعث سد دولت ایران استوار تر گردد.

۲ - آقای هاشمی در دیدار با رژیم‌گران لشکر «میرزا کوچک خان» از شهرستان صومعه‌سرای استان گیلان که برای پیوستن به سید محمد (ص) در تهران به سر می‌برند اطهار داشت: «شکل سیاه منحصه (ص) روحیه خوبی به جهه‌ها داده است. انسان‌های گیلان و هزاران، علی‌غم خوابی که در رژیم گذشته برای آنها دیده بودند تا نساد را در آنچه‌گیشی دهند، خوشبختانه تاکنون پیشترین حضور را در جهه‌های جنگ از خود نشان داده‌اند. ایسکه، جوانهای کشیز در این مقطع، جبهه و جنگ را بر همه چیز ترجیح می‌دهند و جان خود را مردانه در طلاق اخلاص می‌گذارند، سیار با ارزش است. چنین جمعی از جوانان یک شهر که بخش مهمی از تبروهای رژیم‌گران را تشکیل می‌دهند، نمی‌توان در هیچ مقطع تاریخی پیدا کرد و این تحول ناشی از کمک‌های خداوند است که چنین صحنه‌های باشکوهی به وجود می‌آید». رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفیعیانی، سیجرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر نشر معارف افغانستان، ۱۳۸۷.

عصر شورای انقلاب فرهنگی چلسه داشت. ضوابطی برای اعزام دانشجو به خارج تعیین کردیم. سپس با آقای خامنه‌ای، مذاکراتی درباره مسائل مربوط به آمریکا داشتیم. درباره مطالب نماز جمعه آینده مشورت شد.

شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. درباره اعزام روحانیون برای تبلیغ به جبهه مذاکره و اتخاذ تصحیم شد. آقای مهدوی کنی پیغام آقای میناچی را درباره پرسش که در آمریکا بیست میلیون دلار از پولهای خرید سلاح ما را برداشت و مخفی شده آورد. او خواسته است که اجازه بدهیم برای تعقیب موضوع به خارج بروم. اخیراً آمریکایی‌ها اطلاع داده‌اند که پول ما در حسابی زیر نظر اف. بی. آی [پلیس فدرال آمریکا] است.

آقای جلالی خمینی مواردی در ارتباط آقای رضوانی خمینی در جوانی با اجهه و تखیر جن گفت که چون خود ایشان شاهد بوده، برای حضار جالب بود. دیر وقت به خانه رفم.

چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۵ | ۳۰ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۳ Decem ۱۹۸۶

بعد از نماز تا ساعت هفت و نیم صبح مطالعه کردم و اخبار را گرفتم. هنوز مسئله مهم دنیا رسوانی آمریکایی‌هاست. ساعت هشت و نیم برای سخنرانی در اجتماع یکصد هزار نفری سپاه محمد(ص) به استادیوم [آزادی] رسیدم. خیلی با شکوه بود! بعد از سخنرانی به مجلس آمدم. از دیروز به خاطر احتمال حمله هوایی عراق به اجتماع، نگرانی شدیدی در مسئولان وجود داشت؛ به خیر گذشت. آقای [مجید] قاسمی رئیس جدید بانک مرکزی آمد. از اعتماد مسئولان تشکر کرد. گزارش وضع دشوار ارز و راههای علاج را داد و سیاست‌های جدید بانکها را گفت. به نظر می‌رسد بتوانند با

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "شایی در عجل ثابت کردید که خط شکن هستید. بی‌شک این اجتماع عظیم و باشکوه در طول تاریخ و در زمان ما و گذشته در سراسر دنیا ناتوجه به گفت شرکت‌کنندگان بی‌ساخته می‌باشد. این احساس بزرگ به صورت یک نقطه بر جسته در تاریخ است خواجه شد و در میان افرادی که در این اجتماع شرکت دارند، کسی را نمی‌توان پیدا کرد که به حالت اجار آمده باشد، بلکه با آمادگی کامل، ایمان و اشیاق فقط برای رضای خداوند در این کاروان نیست نام نموده و با اراده خود از این مکان به سمت جبهه‌های برد حرکت خواهند کرد. من هرچه از این اجتماع شما تبریف کنم، قادر نیستم آنچه را که در قلب شماست بازگر کنم. در این اجتماع، اشاره مختلف هر دفعی از قبل کارگر، روزمندی، عشاپری و غیره دیده می‌شود که سیار قابل توجه است. نقطه اندکای پیروزی ما همین مقاومت و اینارگریهای شازمندگان است. با اینکه ما از نظر هادی مانند کشورهای بزرگ دنیا نیسم ولی در دنیا، کشورهایی همانند ما سیارند، اما آنچه ما را ممتاز می‌کنند، ایمان، احسان و طیقه و ادای تکلیف و قصده تکریب به خداوند می‌باشد". یخچو کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترچه معارف انقلاب، ۱۳۸۷

گروه حاکم بر وزارت دارایی، تحولی در امور بانکها به وجود آورند.
آقای دکتر [عباسعلی] زالی [وزیر کشاورزی] آمد. وضع کشاورزی را گفت و از فشار بعضی نمایندگان گله داشت. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب با دیگر سران قوا مهمان احمد آقا بودیم. امام هم در جلسه شرکت کردند. از امام درخواست کردیم آن قسمت از نوار مصاحبه سید مهدی [هاشمی]^۱ که به ضرر آقای منتظری تمام می‌شود، منتشر نشود. قبول فرمودند و نیز عجالتاً از بازداشت سید هادی صرف نظر کردند؛ به امید اینکه بعد از انتشار مصاحبه‌ها وضع اصلاح شود. دیر وقت به خانه رفتم. آشیخ محمد [هاشمیان] - عموزاده - مهمانمان بود.

پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۳۶۵ | ۱ ربيع الآخر ۱۴۰۶ | ۴ Decem ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمد. تا ساعت ده و نیم در جلسه بودم. پیش از ظهر دکتر روحانی آمد. گزارش سفر به خوزستان و علت تأخیر در انجام عملیات را گفت. سلمانی برای اصلاح آمد. آقای [محسن] میردامادی مسئول اعزام دانشجویان به جبهه آمد و برنامه جذب نیروهای دانشگاهی برای خدمت به جنگ را گفت.

عصر آقای رفیق دوست آمد. اجازه تخصیص ارز برای خریدها را گرفت. در جلسه شورای عالی دفاع، بحث درباره دادن اختیارات جدید به [ستاد کل] پدافند [کشور] بود. مصاحبه طولانی رادیو - تلویزیونی، داشتم^۲. شب در مجلس ماندم. کارهای عقب مانده را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. هنوز مهمترین مسأله، رسایی و بحران در کاخ سفید آمریکاست.

جمعه ۱۴ آذر ۱۳۶۵ | ۲ ربيع الآخر ۱۴۰۶ | ۵ Decem ۱۹۸۶

اول وقت برای بازدید از عملیات ساختمان مترو رفتم. مراکز قورخانه، دردشت، عباس آباد، حرّ و

۱- در این مصاحبه درباره کیفر متعارض، ادعای عراقی منی بر حبله ایران به مناطق مسکونی، تهمت خرید اسلحه از استرالیا، درست ازی مسیر مکافارین بداران و روابط با فرانسه مطالی مطرح شد. در بخشی از این مصاحبه آمده است: "کشورهای خوزه خلیج فارس یا بد خود را ارزیم عراق کیار یکشند و جان طور که برادر بزرگ آنها سرعیل آمد، کوچکترها هم بر سر عقل بیایند. نهی که برخی از کشورهای خوزه خلیج دارمن به حساب عراق می‌فرمودند، در آینده تردیک قطع خواهد شد". رجیع کیبد \leftarrow کتاب "هائتمی رسیجانی، مصاحبه‌های حال ۱۳۶۵، دفتر نشر معارف اسلام، ۱۴۸۷

عکس تولن مترو

خروجی به طرف کرج و ماشین بزرگ حفاری را دیدم. به نظر می‌رسد که خیلی فعال و جدی هستند. مقدمات کار خوب و سریع انجام می‌شود. کارگاهها فعال‌اند. ماشین‌ها را آماده کار کرده‌اند. گویا رُاضی‌ها برای راه اندازی آنها پول زیادی با وقت زیاد خواسته‌اند که متخصصان داخلی خودشان انجام داده‌اند.^۱

عصر فرماندهان سپاه آمدند. برنامه عملیات آینده و نیازها را توضیح دادند. از ساعت چهار بعد از ظهر تا دو بعد از نصف شب حدود ده ساعت طول کشید؛ باز هم ناقص است. با خستگی در مجلس خوابیدم.

شنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۵ | ۳ ربیع‌الآخر ۱۴۰۶ | Decem 1986

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح، گزارش‌ها را خواندم. می‌پس در جلسه ستاد قرارگاه خاتم شرکت

۱ - متروی تهران علی‌رغم مخالفت‌های بسیار و مستگان‌اندازی‌ها، با حمایت خاص آقای هاشمی، در دوران سازندگی «اورج» تعالیت رسید و از مال ۱۳۷۶ به جایگایی مسافر در خطوط مختلف پرداخت. کارشناسان حمل و نقل معتقد‌اند در صورت عدم احداث مترو در تهران، تعییر پایتحت اجتناب‌ناپذیر بود و شهر تهران با مشکل جدی و بیزان مواجه می‌شد.

اوج دفاع

۳۶۵

دیدار با وزیر امور خارجه سیرالشون

کردم. سپاه و ارتیش برنامه عملیات آینده خود را با پرده پوشی به منظور حفظ اطلاعات گفتند. مشکل کمبود توپخانه است که به نحوی حل کردم. تقسیم پدافند هوایی، هلی کوپترها و چیزهای دیگر هم انجام شد. زمان عملیات هم مشخص گردید. جلسه خوبی بود.

ظهور آقای حسنی سعدی و جانشین نیروی زمینی آمدند. از تقسیم توپخانه اظهار نارضائی کردند و برای انتقال دختر جانشین از دانشکده پزشکی اهواز به دانشگاه تهران استمداد نمودند.

عصر [آقای عبدالکریم کروما] وزیر خارجه سیراللون برای ملاقات آمد. صحبت‌ها کلی بود.

دکتر ولایتی آمد و برای تحويل زمین‌های شهرک دیلماتیک [در اراضی عباس آباد تهران] برای سفارتخانه‌ها استمداد کرد. سرهنگ جلالی [وزیر دفاع] آمد و برای خرید کامیون کمک خواست. امروز عراق شهر اهواز را به شدت بمباران کرده و گویا پیش از یکصد نفر شهید شده‌اند و خرابی زیاد بوده است.^۲ دستور مقابل به مثل داده شد. برای اولین بار نیروگاه نکا [در استان مازندران] بمباران شده که بعد می‌دانستیم بتوانند آن را بمباران گفتند.

شب قرار بود با فرماندهان سپاه جلسه داشته باشیم که به علت عدم نیاز لغو شد. شب در مجلس ماندم و کار جنگ و کارهای دفترم را انجام دادم. کمی هم تدبیر نداشتم. نخست وزیر تلفنی و با نگرانی، درباره انهدام نیروگاه نکا و بمباران اهواز صحبت کرد.

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴ ربیع‌الآخر ۱۹۸۶

تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی مجلس بودم.^۳ دستور کارمان تمام شد و جلسه را ختم کردم. نمایندگان

۱- در این ملاقات وزیر خارجه سیراللون، تحولات جمهوری اسلامی ایران را به نفع مستضعفان جهان توصیف کرده و ضمن تشکر از کمک‌های ایران در چهت حل مشكلات کشورهای آفریقایی، خواستار مبادله هیأت‌های پارلمانی برای برطرف ساختن فراقس می‌نماید. پارلمانی سیراللون شد. آنگاه آقای هاشمی گفت: "آفریقا یک قاره بالقوه انقلابی و ناحد زیادی اسلامی است. به همین دلیل هر یک از مسئولین آفریقایی که نه ایران بیانند، ما خوشحال و امیدوار می‌شیم که راهی برای هیئت‌کبری بازگردد. اگر تبروهای اصولی و مردمی آفریقا وارد صحنه شوند، به خوبی می‌توان این قاره را از دست عرب نجات داد. به نظر می‌رسد عمومی ترین فرهنگی که می‌تواند بین مردم آفریقا منتشر شود، اسلام است و اختلافات بر سر مسائل ناسیروالیستی و سایر چیزهایی که غرض‌ها در آنجا از خود بد جا گذاشتند، مانع پیشرفت و استقرار آفریقا می‌شود و در جوایز دیگری هم آن مایه‌های اقلایی نسبت به اسلام گستر و جرود دارد".

۲- در این روز ده نهمین شهرباز در سه نوبت هورد نهادم هرایم‌های عراقی قرار گرفت و در جریان این حملات بیش از ۱۰۰ نفر شهید و تعدادی نیز مجرح شدند. در این حملات سه واحد تکارگری صعنی نیز آسیب دید. در بمباران نیروگاه نکا در استان مازندران نیز دو تن از پرسنل این نیروگاه شهید و ۲۵ نفر مجرح شدند. در اسلام آزاد عرب نیز بمباران جنگنده‌های دشمن هوجعب شهادت چهار نفر از هم‌طنان شد. در پاسخ به شرارت‌های ارتیش عراق، تأثیرات صعنی، اقتصادی و نفاط حسان ۱۴ استان عراق آماج حملات سنگین نیروی هوایی و توپخانه‌های ارتیش جمهوری اسلامی فرار گرفت.

۳- آقای هاشمی در جلسه علنی امروز مجلس به خواهادهایی که بر اثر شرارت‌های اخیر عراق عرب ایشان به شهادت رسیده‌اند، تسلیت گفت و (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

خوزستان از بمباران دیروز اهواز ناراحتند. گروهی از نمایندگان به خوزستان رفتند و گروهی از کمیسیون نیرو به نیروگاه نکا.

آقای [محمد رضا] رحیمی نماینده قزوین آمد و درباره برنامه برخورد با خلبانانی که هواپیماهای ما را زبوده‌اند گفت. به وزارت اطلاعات گفتم همکاری کنند.

آقای صدیق [فرمانده نیروی هوایی] تلفنی اطلاع داد که به تلافی شرارت‌های دیروز عراق، پنج مرکز اقتصادی و نظامی آن کشور را امروز بمباران کرده‌ایم و هواپیماها همگی سالم برجسته‌اند. عصر کشاورزان نموده آمدند. برای آنها سخترانی کردم.^۱ گروهی از طلاب و علمای لبنانی مقیم ایران آمدند. مشکلات سیاسی، عقیدتی و اقتصادی لبنان را گفتند و برای رفع آن استمداد کردند و پیشنهاد تعیین نماینده تام الاختیار امام در لبنان و کمک‌های مالی رفاهی دادند. شب آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. فتوکپی پاسپورت‌های جعلی هیأت آمریکایی [به سوپرستی] مکنده‌ارلین - راکه به عنوان ایرلندي آمده‌اند - آورد و راجع به مذاکره آینده در جهت آزادی گروگان‌ها مشورت کرد.

شب سران قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودند. وزیر نفت درباره سیاست ما در اجلاس آینده اوپک مشورت کرد. درباره مسائل جاری با آمریکا و مقابله به مثل مذاکره کردیم. دیر وقت به خانه رفت و وسائل برای رفتن به سفر برداشتمن.

(ادامه پاروپنی از صحنه قبل)

اظهار امیدواری نمود که رژیم‌گان اسلام انتقام آنها را از عوامل این شرارت‌ها بگیرد. در بخشی از این نطق آمده است: "ما به خانوارهای محترم کسانی که در شرارت اخیر بعث علیقی در اهواز و جاهای دیگر عربیانشان را از دست دادند، تسلیت عرض می‌کنیم و امیدواریم آنها در آینده، شاهد انتقام جدی رژیم‌گان ما از عوامل این شرارت‌ها باشند. با وضعی که رژیم‌گان ما از روحیه و حسینیه صداسی‌ها می‌بینند، انگیزه‌های مقدشان برای انجام وظیفه‌ای که به آنها محل شده تقویت خواهد شد. نمایندگان استان خوزستان به همه مردم اهواز و خانوارهای معظم شهدا تسلیت عرض می‌کردند". رجوع گنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفتر تشریف معارف الثقلاء، ۱۳۸۷

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هم اکنون تعداد زیادی رودخانه به آب بدون آنکه استفاده مفیدی از آن شود وارد خاک کشورهای مالکه عراق، سوریه و بین‌الدریایی خزر و خلیج فارس و دریای عمان می‌شود. اکنون با تکنولوژی موجود در جهان می‌شود آب این رودخانه‌ها را وارد دشت‌های کرد و کشاورزی و دامداری این ماطق را روشن داد. با این امکانات بالغه و این رهبری و هدوم خوب، امکان داشتن زندگی مرتفع و سعادتمند برای مردم و تأمین سعادت این دنیا و آخوند کاملاً تراهم است. این همان نقطه‌ای است که دشمنان از آن می‌ترسند، چراکه وجود چنین کشوری می‌تواند الگویی برای دیگران و مسلمانان را شد. اکنون اهل معنا از دشمن مراحمی فرمند و فردا اهل دنیا هم خواهد تهمید." رجوع گنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر تشریف معارف الثقلاء، ۱۳۸۷

۸ Decem ۱۹۸۶

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

صبح زود به مجلس آمدم. گزارش‌ها را خواندم. آقایان سنجقی، دکتر روحانی، سرهنگ ترابی و آقامحمدی آمدند. درباره چنگ، پدافتاد، قرارگاه رمضان و حفاظت اطلاعات ارتش مذاکره شد. جمعی از اعضای کمیسیون نیرو که به نیروگاه نکارفته بودند، گزارش آوردهند و از مدیریت پدافتاد انتقاد کردند.

عصر در دفترم کار داشتم. شب آقایان دکتر هادی، نوری و سعیدیان آمدند. گفتند آیت الله منتظری آنها را احضار کرده و پیامی برای من فرستاده‌اند: از ادامه بازداشت بقایای گروه سید مهدی [هاشمی] و خبر برنامه پخش مصاحبه‌های آنها اظهار نگرانی کرده‌اند و از من خواسته‌اند که برای جلوگیری کمک کنم.

به [سرهنگ جمالی] جانشین فرمانده نیروی زمینی مأموریت داده شد که برای مقابله به مثل در پایان مهلت ۴۸ ساعته، چند موشك دیگر به مناطق نظامی، صنعتی و اقتصادی بصره برسند.^۱

۹ Decem ۱۹۸۶

سه شنبه ۱۸ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

صبح زود دکتر هادی و [عبدالله] نوری آمدند و توضیحات بیشتری در مورد اظهارات دیروز آقای منتظری دادند. رادیو فارسی آمریکا و انگلستان را گرفتند. با مطرح شدن رسایی کاخ سفید در کنگره آمریکا، مسئله اوج گرفته و [جرج] شولتز [وزیر امور خارجه ایالات متحده] و مک فارلین را تحت بازجویی قرار داده‌اند.

تا ساعت نه صبح در جلسه علنی ماندم. برای انجام مقدمات سفرم به دفتر آمدم. آقای زائری و مهاجری آمدند. درباره برنامه حضور در بندرعباس مذاکره شد. ظهر هیأت اتحاد جماهیر شوروی به ریاست آقای [کنستانتن] کاتاشوف رئیس کمیته دولتی روابط اقتصاد [خارجی] شوروی به ملاقات آمد. پیام رهبران شوروی مبنی برخواست توسعه روابط را آورد. از برخوردهای روسها در روابط با خودمان، دادن اسلحه به عراق، حضور نظامی در افغانستان و تفسیرهای نادرست در مسائل اخیر ما با

^۱ - سه فروردین موشكه برد کوتاه عوشوم به عقاب به سری بصره برتاب شد. همچنین مرکز اقتصادی، نظامی و امنیتی بصره در محدوده‌ای به طول ۸۰ کیلومتر از العزیز نام العصر، به شدت هدف آتش آتشیارهای سگین نیروی زمینی ارتش تواریخت.

آمریکا انتقاد کردم^۱ به موضع انفعال افتاده بود.^۱

ساعت چهار و نیم به سوی قم حرکت کردم که پس از ملاقات با آقای منتظری با قطار به خوزستان برویم. اول شب به قم منزل آیت الله منتظری رسیدم. ایشان و آسید هادی [هاشمی] خوشحال شدند و استقبال خوبی کردند. توضیحاتی درباره مسائل مربوط به سید مهدی برای رفع سوء ظن ایشان دادم و گفتم اشتباه آقای منتظری کار را خراب تر می کنند. اینکه با سیاست قهر و انتقاد، می توانند امام را منصرف کنند، تصور درستی نیست. گفتم اگر امیدی به نتایج کار باشد، فقط از راه تایید موضع امام و رضایت به آن است.

ایشان از خبر احتمال پخش مصاحبه آنها نگران بودند و اتفاقاً همان جا بودم که تلویزیون اعلام کرد، مصاحبه سید مهدی پخش می شود. ایشان ناراحت شدند. در مجموع ملاقات خوبی بود و تفاهم به دست آمد و قرار شد که وضعیتشان را راعادی کنند.

ساعت هشت و نیم شب در ایستگاه قم سوار قطار شدم. دکتر روحانی و سرهنگ ترابی و سنجقی

۱- آقای کاتاشوف در این دیدار ضمن تأکید بر روابط حسن همجواری بین درکنشور و رعایت اصول برابری و احترام متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر، خاطرنشان ساخت که رهبران شوروی اهیت خاصی برای داشتن روابط با جمهوری اسلامی ایوان فاقی هستند. کاتاشوف این امر را امیدواری کرد که با تلاش مستولی در طرف، روابط قیاسیان قدم به قدم پیشرفت کرده و موضع موجود یکی پس از دیگری از پیش پای برداشته شوند. آقای هاشمی در این دیدار ضمن تشکر از ایران تمثیل مستولان شوروی برای تحکیم روابط و گسترش آن و رفع موضع ایار امیدواری کرد که آنان در تحکیم و فعل کردن روابط دوکشور جدی باشند و به مفاد مذاکرات هیا آنها جدا عمل کنند. ایشان با اشاره به وقایع اخیر آمریکا و عرب در رابطه با برقراری روابط با جمهوری اسلامی، گفت: "شما در این اواخر داستان آمریکایی‌ها را بدخوبی شنیدید و مطلع هستید که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها چند رهای برقراری روابط و عادی کردن وضعیت ما آنها دارند و دیدید که چگونه مابه آنها جواب ره دادیم. مسأله آقای مکمل اغازلی در تاریخ آنها و روابط خارجی آمریکایی‌ها می‌ساقه‌ای است. ایشان با آنکه حامل پیام‌ها و هدایای آقای زینگان بود، نتوانست در اینجا یک نفر آدم روسی را پیدا کند که با ایشان حرف بزند و آقای مکمل اغازلی گفت که اگر من برای تجارت به رویه رفته بودم آقای گورباجف سه بار با من صحبت می‌کرد. مسئلین آمریکایی‌ها چه جمهوری‌خواهان و چه دموکرانها علیرغم احتمالاتی که دارند فلسفه ارماط با ایران را قبول دارند و حاضرند در صورت نرسی ما حق متكلقات تسلیحانی ما را حل کنند، با وجود این ماقبلانه آن را رد کردیم و تنها در حد شناعت گرگان‌های لیلان بدون مذاکرات رسمی و گفتن امراضی که در آمریکایی‌دارم، حاضر شدم تماس پاش. انگلیسی‌ها مکرراً خاصید من فرستند و تلاش می‌کنند که سطح روابط را با مایشتر کنند. مسئله مسئل‌لان کنفرانس با ادلی‌ای که برای ما قابل قبول نیست، به گونه‌ای دیگری عمل می‌کند. شما با وجود مایکله می‌دانید عراق کشور مجاوری است، چرا او را تقویت می‌کنید تا برای تأثیان کردن یک کشور شدیداً ضد امپریالیستی تلاش کند؟ شما که می‌بینید عراق برخلاف تمام موارن مبنی اسلامی عمل می‌کند، چظر او را کنک می‌کنید تا به انقلاب مردمی و خدا امپریالیستی ایران صدمه وارد کند؟ متأسفانه مسئل‌لان کنفرانس با آمریکا، شما در رسانه‌های جمعی خودتان این مسأله را به گونه‌ای مطرح کردید که گنوبای ایران به خواست آمریکا می‌خواهد جنگ را طولانی کند. حال آنکه حق این بود که شما ذر رسانه‌های این حرکت ما به عنوان یک پیروزی بر رنگ از یک کشور جهان سرم یاد می‌کردید. عذر رابطه با افغانستان که مسأله شناسست، حاضر شدم همکاری کمی تا افغانستان به چهار ریک کشور مستغل نافی بماند تا غربی‌ها در آنجا بباشند. این مسأله را دوسته‌انه مطرح کردیم و تئی خواهیم یک حرکت سیاسی یکیم، اما شما با حضور نظامیان در آنجا عنای معاونه کار را گزه می‌زیند. ما مایلیم افغانستان به صورت یک کشور آزاد و مستقل و خدا امپریالیست باشد و در آنجا حکومتی به وجود آید که مورد خواست اکثریت مسلمان آن کشور باشد. شما اگر والعاً پیامی برای ترسیمه روابط دارید، جدی باشید و مطمئن باشید که جمهوری اسلامی در این صورت برای ایجاد روابط آمادگی کامل دارد".

هم بودند. شام خوردیم و ساعت یک و نیم خوابیدم.

۱۰ Decem ۱۹۸۶

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ربيع الآخر ١٤٠٦

ساعت هفت صبح در اندیمشک از قطار پیاده شدیم و با ماشین به طرف اهواز حرکت کردیم. به خاطر احتمال حمله هواپیماهای عراق به قطار، درست نبود که روز در قطار باشیم.

مصطفی سید مهدی را از رادیوی ماشین گوش دادیم. چیزهایی در مورد بیت و مدارس و کتابخانه سیاسی ایشان گفت که به تفعیل آیت الله منتظری نبود.^۱ قرار نبود این قسمت‌ها پخش شود.^۲

ساعت نه و نیم صبح به اهواز رسیدیم و در محل ساختمان گلف مستقر شدیم. تا ظهر به گزارش‌های مربوط به نیروهای شرکت کننده در عملیات آینده و وضع امداد و درمان و بیمارستان‌های صحراوی پرداختیم. آقای [حسین] علایی [فرمانده نیروی دریایی سپاه]^۳ هم راجع به آمادگی سایت موشک انداز ساحل به دریا گفت و قرار شد به اسکله البکر و المقص و کشتی‌ها زده شود.

عصر جلسه‌ای برای شنیدن گزارش فرماندهان لشکرها عمل کننده داشتیم. جلسه تا ساعت پازده و نیم شب جلسه طول کشید و سپس تا دوازده درباره توپخانه‌ها بحث شد. سپاه انتظار دارد قبصه‌های بیشتری توب از ارتش تحويل آن شود. ساعت دوازده اخبار را گرفتم و خوابیدم.

در طول روز، چند بار وضعیت قرمز اعلان شد و رادیو اهواز اعلان وضع غیر عادی کرد و توپخانه‌های ضد هوایی کار کردند. این وضعیت برای مردم اهواز عادی شده است.

دکتر روحانی برای تعییت امور پدافند به ستاد پشتیبانی جنگ رفت. گزارش مانور عملیات روزمندگان سپاه، هیجان انگیز و امیدوار کننده است. پیش از ۲۰۰۰ گردن نیرو از حدود ۲۵ واحد سپاهی در عملیات شرکت می‌کنند. از لحظه وسائل انتقال نیرو و امکانات ترابری سنگین در مضیقه‌اند. در پایان جلسه برای فرماندهان لشکر، صحبت کوتاهی کردم.

۱۱ Decem ۱۹۸۶

پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ربيع الآخر ١٤٠٦

هنگام اذان صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. آقای محسن رضایی آمد و درباره عملیات فریب و

۱ - ذکر آیت الله منتظری با صدور اطلاعه‌ای اعلام کرد: "آیت الله العظمی منتظری فرمودند آدای سید مهدی هاشمی در دفتر اینجانب و در مدارس مربوط به اینجانب و اداره و برنامه‌های آنها به هیچ نعر دخالت نداشته و اطیارات ایشان نسبت به دو موضوع فرق جداً تکلیب می‌شود".^۴ برای مطالعه من کامل اخراجات سید مهدی هاشمی، به بخش قسمای همین کتاب مراجعه کنید.

استفاده از قرارگاه ابوالفضل (س) مذاکره کردیم و بار سیدن دکتر روحانی درباره پدافند و ضد هوایی ها بحث شد. سپاه می خواهد که [پدافند] تحت امر نیروی هوایی سپاه قرار گیرد. دکتر روحانی رضایت ندارد. قرار شد تحت امر [قرارگاه] خاتم یک باشند. این گونه اختلافات وقتگیر و اعصاب خرد کن، زیاد است.

ساعت هشت و نیم با اتو مبیل به طرف بوشهر حرکت کردیم. از شهرهای ماشه شهر، دیلم و بندر گناوه گذشتیم. تقریباً در تمام مسیر آثار سیل زدگی بود. در رامشیر بیشتر از جاهای دیگر، به جاده ها، پلها و مزارع آسیب رسیده و سیل خیلی وسیع بوده است.^۱ نماز ظهر را در مسجد گناوه خواندیم و ساعت سه و نیم وارد پایگاه هوایی بوشهر شدیم. برای رد گم کردن و اغفال دشمن، قرار شده به کیش و بندر عباس برویم.

هواییمای ۷۰۷ تانکر نیروی هوایی از تهران آمده بود. فاطی، فاثر و بچه هایشان و خانواده داشی شان هم آمده بودند. به سوی جزیره کیش پرواز کردیم و ناهار را در هواییما خوردیم. ساعت چهار و نیم وارد کیش شدیم. استقبال رسمی انجام شد و مصاحبه مختصری کردم و به ویلای اقامتگاه آمدم. نماز مغرب و عشاء را خواندم و خاطرات امروز را نوشتم.

با مسئولان جزیره کیش و استان هرمزگان در هتل [شایان] جلسه داشتیم.^۲ توضیحاتی درباره فعالیت های جدید سازمان عمران کیش شنیدیم. استاندار و بعضی از مقامات دیگر استان موافقت ندارند و با هم اختلاف نظر دارند.

در مذاکرات هم بین آقای [حمدی] میرزاده معاون اجرایی نخست وزیر و مسئول [سازمان عمران] کیش با آقای تاجیک استاندار هرمزگان، برخوردهای لفظی هم پیش آمد. در مجموع حق با میرزاده است. شام در هتل صرف شد. دیر وقت خوابیدم.

۱ - در دهه اول آذر ۶۵ بر اثر بارندگی های شدید، در استان های جزیری کشور از جمله خوزستان، بوشهر، شهraz و بزد جاری شدن سیل موجب وارد آمدن خسارات فراوان به منازل مسکونی به وزیر در رسانها وقطع جاده های اوتوماتی و ازین زین اراضی کشاورزی گردید.

۲ - در این جلسه آقای میرزاده در گزارشی از فعالیت های عمرانی جزیره کیش گفت: "برناهه های ترسیمه این جزیره، در راستای حرکت های ملی کشور و با هدف ارتقاء سطح درآمد افراد بومی جزیره کیش انجام گرفته است. بر اساس مصوبه هیأت دولت در زمینه صادرات و واردات کالا در این جزیره، کلیه کالاهای مجاز و مجاز شروط و مربوط به لیست کالاهای انتقال اور و کالاهای وارداتی در مقابل صادرات، می توانند بدون پرداخت سود بارگانی، حضری و عوارضی گمرکی به جزیره وارد و از آن خارج شوند. هر مسافر که وارد کیش می شود، می تواند تا پیچ هزار تومان کالا از جزیره خارج نماید." در ادامه جلسه آقای هاشمی با تأیید فعالیت های عمرانی و اجتماعی انجام شده در جزیره کیش، به همکاری هر چه بینش مسئلان اجرایی در جهت پیشبرد این برنامه اشاره کرد و گفت: "اجرای این طرح ملی به نفع جمهوری اسلامی ایران و کل منطقه است و ما را تقویت امر خبید و ضیادی در منطقه و حمایت بومیان جزیره، می توانیم الگویی مصروف کشور را به سوی استفاده از فراورده های بروتینی سرق دهیم و باعث ایجاد اشتغال شویم."

۱۲ Decem ۱۹۸۶

جمعه ۲۱ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ربيع الآخر

از صبح تا ظهر، مراکزی از جزیره کیش را بازدید کردیم. ساختمان‌های در حال تکمیل، اسکله جدید، کسر و سازی، نمایشگاه صنایع دریایی و آکواریوم که چهل نوع ماهی را نمایش می‌داد، نمایشگاه صدفها و کارگاه پرورش مروری مخصوصی که جالب بود.

اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس هم که برای بررسی برنامه بندر آزاد و گمرک آمده بودند، رسیدند. ظهر برای ارتشی‌ها سخنرانی کردم.^۱ عصر ساعت چهار و نیم با هوایپما به طرف بندر عباس حرکت کردیم. مغرب رسیدیم. استقبال رسمی و وسیع بود.

شب در محل مهمانسرای استانداری با علما دیدار داشتیم. سپس در مالان استانداری، مسغولان اداری، نیازها و مشکلات را گفتند و استمداد نمودند.^۲ شب در مهمانسرا شام خوردیم و خوابیدیم.

۱۳ Decem ۱۹۸۶

شنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ربيع الآخر

اول وقت به پادگان نیروی دریایی رفتیم. در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای مسلح و نظامی و انتظامی شرکت کردیم. برای آنها سخنرانی کردم.^۳ به کارخانه‌های صنایع نظامی نیروی دریایی رفتیم. از حوضچه‌های ثابت و شناور نیرو که برای تعمیر کشتی‌ها ساخته شده، بازدید کردم.

نمایندگان همراه، به بازدید از کارخانه‌ها گمارده شدند و من با چند نفر به دیدن موشک‌های ساحل به دریا - که به تازگی از چین خریده‌ایم - رفتیم. تعداد ۴۸ نفر از نیروی دریایی، آموزش ناقصی

۱ - آقای هاشمی در اجنسان پرستیل پایگاه هزاری کیش در ارتباط با مرفعت جمهوری اسلامی ایران، اهیت اقتصادی - سیاست خلیج فارس «تداوم پیروزی‌های رژیم‌گران اسلام سخانی ابراد کرده. در بعضی از این سخنرانی آمده است: "هم ایکن تنها در جزیره کیش بر اساس گزارش‌های واصله دوازده هزار تن ماهی صید می‌شود و از فناوری غصیم خلیج فارس، پیروزی برداری‌های مطلوبی یافته‌ده و ضعیت آس و هر این آن به عمل می‌آید".» رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - آقای هاشمی در این جلسه گفت: «استان هرگزگان به خاطر موقعیت ویژه‌اش در کشور مهم است و نقش اساسی دارد و نیزم اینکه باید به چین منطقه‌ای رسیدگی بشری شود، کاملاً روشن است.

۳ - مراسم صبحگاه مشترک نیروهای نظامی در محل میدان هیئت‌گاه منطقه یکم داریابی پلر عابن برگزار شد. آقای هاشمی در سخنرانی خود با محکوم کردن عملیات دافور اخیر نیروهای عمان و الگلیس در خلیج فارس گفت: «ما امروز انتظار داریم که شما دلاوران آخرین پیروزی کتاب نطور پیروزمندی‌های ایران را ارائه کنید و منطقه را از شر حنگ که تحملی با تصریح نهایی خلاص کنید». رجوع کنید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

دیده‌اند و مشغول تمرین و سوار کردن بودند. دو سه ساعت برای ما توضیع دادند. اشکالاتی دارند. نواقصی در ابزار تحویل شده وجود دارد که باید از چنین ها بخواهیم آن را تکمیل کنند. از مشکل‌های سی کیلو^۱ هم بازدید کردیم.

ناهار در ستاد پادگان نیروی دریایی بودیم. نماینده‌ها ترسیدند. نگران وضع آنها بودیم. استانداری خوب از آنها پذیرایی نکرده. عصر در مسجد شهر در اجتماع مردم بندر عباس سخنرانی کردم.^۲ شب مهمان سپاه بودیم و برای آنها سخنرانی کردم.^۳ فاطی، فائزه و خانواده حسین آقا [مرعشی] در خانه‌ای در مجاورت ما متزل گرفته‌اند. جداگانه مشغولند و در برنامه‌های ما نیستند.

احمد آقا تلفنی از تهران احوال پرسی کرد. گفت آیت الله منتظری از پخش مصاحبه سید مهدی گله‌مند شده.^۴ خبر رسید عراق به حومه تهران حمله کرده و پست برق و سایت [پرتاب موشک] سام

۱- این موشک ایالاتی از نوع قاکیکی سطح به سطح است که در سال ۱۹۶۵ توسعه یافت. سی کیلو به وسیله موتوکیکی بر زبان می‌شود. بدین جهت می‌توان گفت بروی روانه‌سازی موشک مربوط به دوازده موتور است که ماسحت جامد کار می‌کند و موتور اصلی آن با سوخت غایع کار می‌کند. موشک از روی پروانگرهای نایت زوی عرضه گشته برتایپ می‌شود. برای هدایت موشک از مدایت سوار بر عرض به اختلاف ارتفاع سنج زاداری استفاده می‌شود. از طبق لیست رادیویی هم می‌توان برای هدایت موشک استفاده نمود. کشنی‌های کلامن فرنگی بیرونی درونی جمهوری اسلامی معجزه بدین موشک می‌باشد.

۲- در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هم اکنون بوده نماشی جدیدی در برخوردهای بین‌المللی به وجود آمده که ناحدودی تازگی دارد و آن این است که استکبار با چهراهی ظاهر فربیت به سایر نگرد و حال آنکه می‌دانیم در پشت این چهره، دل‌های بر از بعض و کمیه نسبت به اسلام وجود دارد. تحلیل گران جدی دنیا در همین حال که نیز خواهد بود ما روحیه زیادی بدنه، ادعای می‌کنند که طی ماه‌های آینده ما بیروزیم ولی ما این راضی گرئیم که تهای صدام نیست که شکست خورده بلکه مدعی هستم کفر را شکست داده‌ایم. هم اکنون عراق بالغ بر ۹۰ بیلارد دلار به دولت‌های استکباری مفروض است و دیگر هیچ کس در جهان حاضر تلاخ داشد بولی به این گشتوں پیر دارد، لذا جهاد خواران در تلاشله، بر نامه جدیدی را به احرارگان از این شروع نخمن بر نامه است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر شریعت‌عارف انقلاب، ۱۳۸۷

۳- در این سخنرانی روند تشکیل و تقویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشرییح شد. آقای هاشمی در بخشی از این سخنرانی درباره رتبه معنوی و نظامی سپاه گفت: "حرکت سپاه پاسداران از اول انقلاب ناکنون به صورت تکاملی بوده و امروز نسبت به گذشته سپاه ما در اوج این روند قرار دارد. سپاه بازی فدر تسلیه انقلاب و پیروزی استین پیامبر (ص) و الله معصومین (ع)، است. بکی ازویزگی های سپاه این است که از اول پیروزی انقلاب اسلامی، پیوه‌های خالقی و مخلص در آن حضور داشتند و اینها برای جانفشاری آماده بودند و امروز کسی که وارد سپاه می‌شود، اول آمادگی از خردگانشگی پیدا می‌کند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر شریعت‌عارف انقلاب، ۱۳۸۷

۴- آیت الله منظری روز دوشنبه تمام‌ای به امام خمینی (ره) توشیح: متن نامه چنین است: سلام اللہ الرحمن الرحيم. محضر مبارک رهبر پرورگ انقلاب آیت الله انعظی امام خمینی مدظله‌العالی، صحن سلام و تشکر از موضع گیری‌های مدیرانه و برخورد قاطع حضر تعالی نسبت به جریانات انحرافی، خواهشمند دستور فرمایید که جراحت و اتهامات میبد مهدی هاشمی و افراد مربوط به وی، بدون اعماقی و ناکمال دقت مطابق هزارین اسلامی اولویت عالی رسانید و مبادا ارتباط مسی ایشان و یادیگران نایحه‌نام و با هرگز وی را عایشه حرمت این و آن، مانع تحقیق و رسیدگی نگردد زیرا حفظ حرمت اسلام و حذرگیری از انحرافات از دامن اسلام عزیز و انقلاب مقدس و روحانیت بر همه جهات مقدم است. سلامت و طول عمر حضر تعالی و پیروزی روزمندگان مسلمان را در همه جهودها از خداوند متعال مسلط می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته - حسینی منظری - ۲۶ آذرماه ۱۳۶۵".

آسیب دیده و گویا یک مامور لیبی شهید شده است.

۱۴ Decem ۱۹۸۶

یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴ ربیع الآخر ۱۴۰۶

سحر بیدار شدم و دیگر نخوايدم. خاطرات دو روز گذشته را نوشتم. برای حرکت به دریا برای شرکت در مانور تیروی دریایی آماده شدم. به مرکز هواناو رفیم. یاند جدید را افتتاح نمودم. سپس با چند هلی کوپتر برای شرکت در مانور به «دولفار» سواحل جاسک در دریای عمان رفتیم. صدای هلی کوپتر خیلی زیاد و ناراحت کننده بود. در فضای جزیره لارک گشتنی زدیم. روی عرضه ناو لجستیکی خارک، هلی کوپترها به زمین نشستند. استقبال رسمی و نظامی به عمل آمد. سپس به ناو سبلان که کنار جزیره خارک پهلو گرفته بود، منتقل شدیم. در آنجا هم کارکنان کشتنی استقبال رسمی کردند. تکرار این گونه مراسم خسته کننده است.

در دفتر فرمانده ناو مانور را توضیح دادند. اولین حرکت، رژه ناوچه‌ها از مقابل ناوشکن مابود. از اینکه توائمه‌اند ناوها را عملیاتی نگه دارند، خوشحال بودند. ناوهای دماؤند، پلنگ، بیر، دماوند، سبلان، سهند، هنگام، لاوان، خارک، چارک و ... موشک اندازها و سوت رسانها و هوا ناوها و هلی کوپترها در رژه شرکت داشتند. سپس تیزاندازی با توپخانه‌ها و خمپاره‌ها و موشک‌ها به هدف انجام شد که موفق نبودند. فقط در حد عملیاتی بودن خوشحال کننده بود. هلی کوپترها هم توائمه‌اند موشک به هدف بزنند. درجه داران ناو، از افسران شاگری بودند. در مجموع نواقص، و نقاط قوتی نیز داشتند.^۱

در راه برگشت، از هلی کوپتر سایت موشک ساحل به دریای سپاه را در سیری یک دیدیم؛ جای خوبی است. در این سایت شرق تیگه هرم راکتول می‌کنند. اول شب به فرودگاه بندر عباس رسیدیم. باز هم بدרכه رسمی و نظامی بود. معلوم شد عده‌ای از همراهان نرسیده‌اند. یکی از هلی کوپترها به بهانه نقص فنی آنها را نیاورده و با هاوار کرافت حرکت کرده بودند. چهار ساعت در فرودگاه به انتظار

۱ - آقای هاشمی در خانمه مرحله سیم مانور دولفار بر روی ناوشکن سبلان به حیرانگاران گفت: «آن چیزی که در این مانور من دیال آن بودم، یکی از لحظات زمان مانور بود که مناسب‌ترین زمان انتخاب شد. یعنی بعد از مانوری که با نام "تمثیر میان" انگلیسی‌ها و عمانی‌ها انجام دادند که در حقیقت مانور انگلیسی‌ها بوده بجا بود که ایران خودش را نشان دهد و با یک اسنی که بیان‌فرز شیشه‌بر از شیشه‌بر باشد، دولفار را انتخاب کردند و مانور را انجام دادند و بعد از آنها هم مخفی‌رضا انجام دادند. ما هم آمدیم برای اینکه علمی‌باشد برای آنها که به ذکر بازگشت به این نقطه نباشد. آنچه که من در اینجا مشاهده کردم که برای من جانب بود، این بود که تقریباً از دیگر به تمام امکانات نیروی دریایی عاملیاتی بود، ناوهاییان در همه کلاسها بشان، موشک‌اندازه‌ها، ناوهای نیروی، ناوهای رزمی، ناوهای سرگن، هم‌سیز و سک همه عملیاتی بودند». رجوع

کید ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های مال ۱۳۶۵، دفتر شیوه معارف اخلاقی، ۱۳۸۷»

مانور ذو القار

مانور ذوالفقار

آنها ماندیم. خسته و عصیانی بودم و مسئولان نظامی شرمنده. ساعت دوازده شب به تهران رسیدیم. بعد از ساعت یک باعذاد خوابیدم. فاطمی و فائزه نیم ساعت بعد از من به خانه رسیدند.

دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ Decem ۱۹۸۶

تا ساعت نه صبح در منزل بودم. به مجلس آمدم. تا عصر پیشتر به قرائت گزارش‌های چند روز سفرم پرداختم و کارهای عقب مانده را انجام دادم.

ظهر آقای رفیق دوست، برای حل مشکل ارزی خرید تسليحات آمد. آقای علیزاده گزارش وضع ساخت مهمات را داد. آقای سپهانی امکاناتی از وزارت صنایع، برای توسعه ساخت نیازهای جنگ خواست. عصر سر هنگ چهارمی برای گزارش عملیات آینده ارتض آمد، ولی معلوم شد پیش‌رفتی نداشته‌اند. شناسائی آنها ناقص است.

شب در مجلس ماندم و کارها را انجام دادم. احمد آقا تلفن کرد و گفت نظر وزارت [اطلاعات] این است که آسید هادی [هاشمی] را بگیرند. گفتم درست نیست، اکنون که آقای منتظری حرکت خوبی کرده‌اند، دیگر ایشان را برنجاتیم و احتمالاً برای حفظ آقای سید هادی این اقدام شده و ممکن است نتیجه مذاکرات چند روز پیش من باشد.^۱

نیازهای جنگ را مورد بررسی و اقدام قرار دادم. آقای رضاei اطلاع داد کارها به خوبی پیش می‌رود و گزارش شلیک اولین موشک چینی ساحل به دریا را داد. اگر خوب انجام شده باشد، دلیل این است که سپاه در انجام امور فنی هم موفق است. نیروی دریایی، هنوز تا عملیاتی کردن سایت خود فاصله دارد.

سه شنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۶ Decem ۱۹۸۶

تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی ماندم. پیش از ظهر دکتر هادی و [عبدالله] نوری آمدنده و درباره مسائل بیت آیت الله منتظری بحث داشتند. از نامه‌ای که آقای منتظری و آقا سید هادی به امام نوشته‌اند و ابراز اطاعت و رضایت کرده‌اند، راضی بودند و پیشنهاد رفتن سید هادی از بیت و جرمان ضربه‌ای که

^۱- اشاره به نامه آقای منتظری خطاب به حضرت امام (ره) که در پاورپوینت خاطرات شش ۲۴ آذر آمده است.

به آقای منتظری از سوی امام وارد شده را داشتند.

خانم [عاتقه صدیقی همسر شهید] رجایی آمد. تأکید بر حضور یک نماینده زن در هیأت بین المجالس داشت. عصر در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کرد. سرشب با آقای خامنه‌ای درباره جنگ مذاکره کردیم.

شب شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. کار بیشتر در جهت کمک به سیل زدگان و پیشنهاد تهیه منازل برای خوایگاه دانشجویان توسط مساجد تهران تصویب شد. بعد از شام به مجلس آمد. کارهای عقب مانده را انجام دادم و خوابیدم.

چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴ ربیع الآخر ۱۹۸۶

تا ساعت نه صبح مطالعه کردم. مسئولان شورای برگزاری [ستاد خارجی] مراسم دهه فجر آمدند. گزارش برنامه را دادند و من هم نظراتی دادم.^۱ دکتر جاسبی آمد. گزارش وضع دانشگاه آزاد اسلامی را داد و مشکلات را گفت.

[اعضای] شورای برگزاری کنفرانس معارضان عراقی آمدند. گزارش وضع کار، برنامه، مشکلات و نیازها را دادند. به خاطر مخالفت بعضی از جریان‌های داخلی اسلامی؛ حزب کمونیست عراق را دعوت نکرده‌اند. گفتم این ممکن است باعث سرسرخی شوروی و کشورهای کمونیستی در حمایت از بعثت عراق و ایجاد مشکل در راه پیروزی جنگ بشود. بهتر است دعوت شوند و توصیه

۱ - در پیشی از این سخنرانی آمده است: «مسئلی که اکبرن در دنیا در مورد آمریکایی‌ها، غربی‌ها و شرقی‌ها مطرح است، موضوع عالی است که باید درباره آن بررسی شود. شما محورهای جزئی تر را پیدا کنید و مدارکی جمع کنید. اکبرن، وضع دنیا در این جهت است و غربی‌ها در این خط حرکت می‌کنند که نکته می‌پیرزیم و به عنوان یک قدرت در منطقه وجود داریم. آنها می‌خواهد به گونه‌ای برخورد کنند که نگفته‌ای علی‌رغم کارشناسی هایی که قدرت‌های برگزگشیده‌اند، ما پیروز شده‌ایم. محورهای تبلیغات آنها به طور غیر مستقیم هستند. ما به تحری کتوانستیم از آن ازدواجی که آنها برای ما می‌خواستند ایجاد کنند، خارج شویم و توافقیم همه دنیا میخواست خدمان را شکست دهم. در اینجا فجر» باید فصل بدی لایم به عمل آید و برگزار تبلیغاتی جناب پاشدکه این انقلاب نا ویزگی هایی که دارد، پایان تاپذیر و آسب تاپذیر شود. ما نطفه اصلی روز مولفه‌های مان را باید در اسلام بینیم. تفاوتی که ذر ایران و آمریکایی بود و جریان‌هایی بود که هی خواستند سوءاستفاده کنند و کار را به بیان نکشانند. اصل حادثه هم این بود که شاید آمریکایی‌ها و روس‌ها را در وضعیت انتقال قدرت می‌دانند و فکر می‌کردند که بهترین وسیله همین است که اینجا درگیری ایجاد کنند، بحران به وجود آورند و انسجام عا را متلاشی کنند». رجوع کنید کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر شرکت معارف انقلاب، ۱۳۸۷

کردم که سعی شود در کنفرانس درگیری به وجود نیاید.^۱

آقای [سیدحسین] موسویان آمد. گزارش وضع اداری مجلس را داد و از کم بودن مسئولیت مشی های کمیسیون های مجلس گفت که لازم است وقت خالی آنها را پر کنیم. عصر هیأت رئیسه جلسه داشت و مطابق بعمول، دستور کار هفته آینده مجلس معین شد.

شب سران قوا مهمان احمد آقا بودیم. امام هم شرکت فرمودند. تقاضای رادیو ای - بی - سی (A.B.C) آمریکا برای مصاحبه زنده و مستقیم با من مطرح شد و مورد موافقت قرار گرفت. امام موافقت کردند که در صورت تقاضای سودان برای حل مشکل جنگ داخلی اش در جنوب، کمک نظامی کنیم.

شرح ملاقات با آیت الله منظری را دادم. خواستم که از بازداشت سید هادی [هاشمی] صرف نظر شود^۲. از ما خواستند که برای کنترل ایشان، بیشتر به ایشان تزدیک شویم. امام از تأخیر عملیات گله کردن و گفتند ممکن است کار سیاسی می کنند و می خواهند چیز های بیشتری از جنگ بگیرند. گفتم واحدها اصرار دارند که قبل از عملیات، به اندازه کافی نیازها را تامین کنند.

قرار شد در منزل آقای خامنه ای با صادق المهدی [نخست وزیر سودان]^۳، جلسه شام خصوصی داشته باشیم. امام در مورد رسیدگی بیشتر به سیل زده ها تاکید کردند. نخست وزیر اطلاع داد که در حمله هوایی امروز عراق، تلمبه خانه تنگه فنی آسیب دیده و پمپار نفت به پالایشگاه تهران و تبریز کم شده است.

پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | Decem ۱۹۸۶ ربيع الآخر

تا ساعت نه و نیم صبح در جلسه ماندم و سپس در دفترم با آقایان دکتر هادی درباره مسائل بیت آقای

۱ - در این دیدار که اعضاي سعاد برگزار کننده کنفرانس همياری مردم عراق حضور داشتند، آقای هاشمي با توجه به شرکت تمامي گروه هاي مختلف عراقی در اين کنفرانس، بر جاعیعت کنفرانس تاکید کرد و گفت: "گروه های عراقی محورهای هسته ای را تعیین کند و اعضاي کنفرانس وحدت و انسجام هر چه بیشتر حقوق مردم مسلمان را به طور جدي در نظر داشته باشند و توجه کنند، آنچه در اتفاقات و جریان ها قابل توجه است حقوق پکارچه مردم و حاکمیت آنهاست. استقلال و نهادت ارضی عراق در همین راستا از مهم ترین مسائل است که باید توجه دقیقی به آن شود و برای اموری های لازم در این زمینه به ترتیب منظمی صورت پذیرد". رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۵" دفتر نشر معارف اقلیات، ۱۳۸۷

۲ - در این روز معبد منظری فرزند آیت الله منظری و سید هادی هاشمي داماد ایشان، علی اطلاعهای داشتن هرگونه ارتباط ذکری و همکاری عملی و تشکیلاتی با سید بدیع هاشمي را تکذیب کردند. در این اطلاعه "توطیه" مردموز ایادي شیاطین خارجی و زادبوهای بیگانه و شکست خورده گان فراری که پیوسته تلاش می کنند از ارتباط سیی سید بدیع هاشمي با حضرت آیت الله العظمی منظری در جهت مقاصد شیوه خود بهره برداری سیاسی نمایند، محکوم شده است.

منتظری صحبت شد. یوسف پور و شهاب نمونه عکس‌های ماهواره‌ای تجاری از عراق را آوردند.
برای خرید نقشه کامل عراق بودجه خواستند.

ظهر آقای [محمدجواد] لاریجانی [معاون بین‌الملل وزارت امور خارجه] آمد. گزارش سفر به پاکستان را داد و درباره مسائل افغانستان، کویت و آمریکا مشورت کرد. یکی از فرماندهان سپاه - که پایش در جنگ قطع شده - آمد. از دوستان [یسرم] مهدی است. به او کمک کردم.
عصر آقای منصوری همراه با ذوفن آمدنند و درباره مهاجران ایرانی به سایر کشورها صحبت کردند. پیشنهاد محبت و برخورد سازنده داشتند. موافقت کردم. حدود یک میلیون و دویست هزار نفر ایرانی در خارج است. خطرهای مهاجران افغانی به ایران را نیز گفتند.

مسئولان مدارس مهاجران عراقی در ایران آمدند. تقاضا داشتند که انشای شاگردان به زبان عربی باشد که آنها بتوانند تعریف بیاورند. نظر دادم که تا پایان جنگ خوب است. اول شب [آقای صادق المهدی] نخست وزیر سودان و همراهان به ملاقات آمدند. بحث‌های کلی و در حدود ژروم همکاری و تحکیم روابط داشتند. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم.

به آقای [غلامرضا] شافعی وزیر صنایع گفتم که به سپاه امکانات برای مسائل جنگ بدهد.
آقامحمدی آمد و نامه جلال طالباني [رهبر اتحاد میهنی کردستان عراق] را آورد که حامل پیغامی از [عبدالرحمن] قاسملو [رهبر حزب دموکرات کردستان ایران] مبنی بر آمادگی ترک مخاصمه با ایران بود.

جمعه ۲۸ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۹ Decem ۱۹۸۶

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم^۱. آقای صادق المهدی نخست وزیر سودان که در نماز شرکت کرده بود، در بین دو نماز سخنان کوتاهی ایراد کرد.

۱- آقای هاشمی در خطبه اول، در ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام به حقوق زن و مرد و سواله طلاق در اسلام برداخت و آثار شرم طلاق در جامعه و زندگی انسان‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. ایشان در خانمه این بحث تأکید کرد: "نقرا رسیه استحکام خانواده‌هاست و آنها را از لغرض‌ها حفظ می‌نماید." در خطبه دوم نیز موضع‌های خسارات سیل، کنفرانس مازان عراقی در تهران، سواله نفت و اوپک و تبلیغات وسیع رسانه‌ای درباره ماجراهای مکدفارلین و تحلیل ذرعانگی و بجزان فزانیه در کاخ سفید مورد بحث و بررسی قرار گرفته در بخشی از خطبه دوم نماز آمده است: "حرف ما به آمریکا که تاکنون چند بار اعلام شده، این است که آمریکا امروز عاریکه به طور غیرقابلی توقیف گرده است، آزاد کنند. در صورتی که آمریکا چنین کاری را انجام دهد، ما نیز از اعتراض و آبروی خود در فرد شیعیان لبنان برای آزادی گروگان‌های آمریکایی استفاده خواهیم کرد". رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم" دفتر شریعت و معارف اقلیات، ۱۳۸۷

اوج دفاع

۳۸۱

صادق المهدی در نماز جمعه تهران

عصر به مجلس آمد. آقای مهدی نژاد آمد و گزارش مذاکره با مأموران آمریکایی را پیر و مبادله گروگان‌های آمریکایی داد. کار را به وزارت خارجه محول کرده و افراد سابق را خلخ نموده‌اند. اختلاف عمیقی بین سردمداران آمریکا بروز کرده است. نمی‌توانند طرح سابق را اجرا کنند. وقت‌گذرانی می‌کنند که ارتباط قطع نشود. برخورد از موضع ضعف دارند.

شب سران قوا و آقای صادق المهدی، [شام را] مهمن آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. [نخست وزیر سودان] توصیحاتی از وضع کشور سودان داد. درباره جنگ قرار شد روی تشکیل دادگاه محاکمه صدام به عنوان متهم و مستثول شروع جنگ کار کنند. برای روابط دوچانبه، قرار شد کمیسیون ویژه تشکیل دهیم. دیر وقت به خانه رسیدم.

شنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ دیسمبر ۱۹۸۶

از دیشب در تهران برف شدیدی می‌بارد. آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد که در خوزستان هم باران می‌بارد. ظاهراً در مجموع به نفع عملیات آینده است. عصر آقای [محمد] یزدی آمد. گزارش مذاکرات با هیأت چینی را داد و با هیأتی که به ریاست [آقای گنگ پیائو] معاون کمیته خلقی چین است، ملاقات و مذاکره شد. بحث‌ها کلیات بود. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم.

آیت‌الله منتظری و آقای سید هادی هاشمی از قم تلفن کردند و از احضار تلفنی هاشمی به وزارت اطلاعات ابراز نگرانی نمودند و از من خواستند جلوگیری کنم. با آقای خامنه‌ای صحبت کردم. ایشان هم مثل من نظرشان این بود که نباید بازداشت شود و با نظر آقای منتظری - که خواستند در صورت لزوم، مأموری اعزام شود که در قم از او بازجویی کنند - موافق بودند.

احمد آقا را خواستم که به امام پیغام بدھیم. هنوز تماس تلفنی برقرار نشده. با آقای ری‌شهری صحبت کردم. نظرش این است که باید موافقت شود. آخر شب با احمد آقا صحبت کردم. قرار شد فردا جواب بدده.

۱ - آقای هاشمی در این ملاقات گفت: «اما انتظار داریم کشور شما با سیاست عاقلانه‌ای که برای آینده خود اتخاذ کرده، بنویسند تا حدود ریادی میدان را از ابرقدرت‌ها بگیرد و در آینده نقش انسانی خود را در دنیا ایفا نمایند و این دو حیزه‌تی ممکن است که چن قسم حفظ روابط عادلانه و دوستانه خود با کشورهای جهان سوم و ملت‌ها، مواظب باشد که در روابط خود با ابرقدرت‌های توسعه طلب، دچار واستنگی شود».

دیدار با هیأت چینی

اوج دفاع
۳۸۴

یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۱ Decem ۱۹۸۶

در نقط پیش از دستور توصیه کردم که اهل نظر، نظرات خود را در مورد آینده عراق به کنفرانس معارضان بدهند.^۱ بیشتر هدف از صحبت این بود که حضور در تهران مشخص شود که سفر به جبهه را بپوشاند. تا ساعت ده و نیم در مجلس ماندم.

در تنفس برای خواهران دانشجویان تربیت معلم بروجرد صحبت کردم.^۲ مقداری پول که از خرج سفرشان صرفه جویی کرده بودند، برای سیلزدگان دادند. آقای [سعید] رجایی خراسانی [نماینده دائم ایران در سازمان ملل]^۳ آمد. از اینکه در جریان تماس‌های آمریکایی‌ها نبوده و بی اطلاع از سیاست ماست، در پرخورد با رسانه‌های جمعی غرب ضعیف است. ایشان را روشن کردم. ظهر آقایان [عباس] متین و [غلامعباس] زائری برای استمداد در مشکلات بندرعباس از جمله امام جمعه و عدم گماردن بومی‌ها در مسئولیت‌ها آمدند.

آقای لطیف صفری [نماینده اسلام‌آباد غرب]^۴ آمد. از تبلیغات خط مقابل خودش در منطقه گله داشت. آقای [سید جلیل] سیدزاده [نماینده کرمانشاه]^۵ اطلاع داد که عراق، باختران را امروز ظهر به شدت بمباران کرده و خسارات زیاد است. مقرر شد که بصره را به تلافی باختران و درود، ۲۴ ساعت گلوله باران کنند.

آیت‌الله منتظری از قم تلفنی درباره نتیجه شفاعت من خدمت امام پرسیدند و گفتند اطلاعات، احضار سید هادی را دنبال می‌کنند. گفتند بتا دارند امروز برای زیارت امام به تهران بیایند. گفتم صبر کنند که من امروز به قم بروم و ایشان را در جریان امور بگذارم. خواستم به احمد آقا بگویم، تماس تلفنی ممکن نشد. پیش از این به ایشان گفته بودم که به امام بگویند سخت گیری نشود، ولی جوابی نداده است. بالاخره بعد از ظهر احمد آقا اطلاع داد که امام فرموده‌اند دخالت نمی‌کنند و به من گفته‌اند که به آیت‌الله منتظری بگویم، برای شفاعت به تهران بیایند. گفتم صلاح نیست که این پیغام را برم، من خودم به قم می‌روم و نظر امام را می‌گویم، شاید خود آقای منتظری از قصد سفر منصرف شوند و

۱- در این نقط آمده است: «باست در این هفته در جمهوری اسلامی کنفرانس معارضان نظام بعثت علی‌الله شکل پذیرد. هدف اصلی این کنفرانس تعیین آینده عراق است، بدگونه‌ای که خواست مردم عراق است و ما انتظار داریم اولاً از خود عراقی‌ها در هر جاکه هستند اگر نظری درباره آینده عراق، تأثیر اساسی آینده عراق دارند، به این کنفرانس بدهند و از برادران تصاویر مجلس و امانتان هم انتظار داریم که با ارائه نظرشان به این کنفرانسی که سرنوشت آینده عراق را باید تطبیق کند و از پیروزی‌های رژیم‌گان عرب اسلامی، بهره‌برداری قابل قبول پذیرد، درین تکدد و انشاء‌الله همه ما دعا‌الله در این امر مهم شرکت یکیم». رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی، نقطه‌ای‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵»، جلد ششم، «دفترنشرمعارف‌الخلافات»، ۱۳۸۷^۶

۲- رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، «دفترنشرمعارف‌الخلافات»، ۱۳۸۷^۷

٣٨٥ دفاع اوج

عکس

عکس

نیازی به گفتن پیش نیاید.

عصر عازم خوزستان برای عملیات آینده بودیم، همراهان ساعت چهار و نیم با قطار حرکت کردند و من پس از ملاقات با سفرا و کاردار نیمان در امارات متحده عربی و بحث درباره سطح روابط و در برخورد با سیاست موذیانه آنها در ارتباط با جنگ و عراق، یا اتمبیل به سوی قم حرکت کردم. ساعت شش و نیم به بیت آقای منتظری رسیدم. منتظرم بودند، نظر انعطاف ناپذیر وزارت اطلاعات را درباره مقصود بودن آقای سید هادی، در جریان سید مهدی گفتم. باز هم از من خواستند که شناعت کنم، تلفنی به رئیس جمهور گفتم که شناعت کنند. ساعت هشت با قطار از قم حرکت کردم. شام خوردیم و زود خوابیدم.

۳۸۷ اوج دفاع

عنوان دی ماه

حالی

دوشنبه ۱ دی ۱۳۶۵ | ۱۹ ربیع الآخر ۱۴۰۶ | 22 Decem 1986

نماز صبح را در قطار خواندیم و ساعت شش و نیم در آندیمشک پایاده شدیم و به پادگان نیروی زمینی رفتیم. مقداری در کنار رودخانه در پادگان قدم زدم، بعد از صرف صبحانه و شنیدن اخبار صبح برای احتیاط از خطر بمباران، به زیر زمینی بسیار عمیق و وسیع که قبل از اینبار کارخانه لاستیک پادگان بوده رفتیم. مرتبًا وضعیت قرمز اعلان می‌شود.

فرماندهان نیروی زمینی و اعضای ستاد قرارگاه خاتم در جلسه شرکت کردند. قرارگاه غرب و فرماندهان واحدهای عمل کننده، طرح و مانور عملیات آینده ارتش را گفتند. تا ظهر طول کشید. اواخر جلسه فرماندهان سپاه هم رسیدند. به نظر می‌رسد طرح و مانور معقولی دارند و امید موقفیت برای آن هست. گرچه آقایان [رحمیم] صفوی و [غلامعلی] رشید از سپاه، اعتقاد به پیروزی آن ندارند.

عصر به سوی قرارگاه فرماندهی سپاه که در جاده ماشهر آبادان است، راه افتادیم که درباره عملیات آینده صحبت کنیم، دو روز عقب اندخته‌اند و خطر لو رفتن و هوشیاری دشمن می‌رود. ساعت هشت رسیدیم و تا ساعت یازده شب، جلسه طول کشید. مشکل کار، تنظیم برنامه با شرایط جوی و جزر و مد است.

سپس به سوی پایگاه امیدیه حرکت کردیم و ساعت یک بامداد رسیدیم. به حافظ دو ساعت حرکت با ماشین در جاده‌های شلوغ، خیلی خسته شدیم.

سه شنبه ۲ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۳ Decem ۱۹۸۶

دو سه ساعت خواهیدم. ساعت شش صبح برای نماز بیدار شدم و دیگر نخواهیدم. خاطرات را نوشتم و به اخبار صبح ایران، آمریکا و انگلیس گوش دادم. هنوز بحران رسایی آمریکا دوام دارد. تلفنی با آقای خامنه‌ای در تهران صحبت کردم. در مورد مسئله آقای منتظری هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌اند و همچنان بر تعقیب آسید هادی [هاشمی] اصرار دارند.

برای اینکه غیبت من از تهران توجیه شود، قرار شد به بوشهر مسافت کنیم. نزدیک ظهر با دو هواپیما با جمعی از همراهان به بوشهر آمدیم. استقبال رسمی به عمل آمد و در پایگاه هوایی مستقر شدیم. پس از ناهار با سه هلی کوپتر از روستاهای سیل زده اطراف پل موند بازدید کردیم. در کنار چادرهای اهالی سیل زده روستای درویشی [در شهرستان دشتی] نشستیم. با اهالی صحبت کردم. از امداد راضی بودند. کمبودهایی هم داشتند. گفتند چهار روز در محاصره سیل مانده‌اند، تا هلی کوپرهای نیروی دریایی رسیده‌اند.

شب در محل مصلای نماز جمعه برای مردم سخنرانی کردم^۱ و سپس در استانداری با مسئولان شهر و استان صحبت کردم^۲. مسائل مهم بوشهر، کم آبی و فاضلاب است. شب مهمان نیروی هوایی بودیم. اطلاع دادند که امروز شهر باختران به شدت بمباران شده و به جاهای دیگر هم حمله شده

۱ - در این روز سعدگویی کیست اخلاق‌آمیز سای آمریکا اعلام کرد که این کمیته گزارش بازجویی‌های معهدهای سه هفته‌ای خود را منتهی خواهد ساخت و این در حالی است که «سکورر» زنال بازنشسته آمریکایی عززه بازجویی کمیته اخلاق‌آمیز سای آمریکا قرار گرفت. از سوی دیگر را برت مک فارلین در مصاحدای اعلام کرد وی قبل از آغاز عملیات نزدیک سازی آمریکا با ایران، موافقت رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا را به دست آورده بود. اظهارات مک فارلین با آنچه «دونالدریگان» ویس کارکان کاخ سفید مبنی بر ایکه و ویس جمهور موافقت خود را با این عملیات اعلام نکرده بود، تضاد دارد. این‌دستگذشت مشارک پیش افتی ملی و «اویپر نورث» یکی از معاونان او ناگفتن از پاسخگویی به سخاالت کمیسیون‌های کنگره خود را کرده‌اند.

۲ - آقای هاشمی در این سخنرانی با اشاره به قدرت روزافروں انقلاب اسلامی گفت: «صدام اکبر ممتاز شده است، زیرا عنی داند فرزندان این ملت که رهپار جوهها شده‌اند، تا چیزی را که می‌خواهند به دست بیارند، از جمهه برخواهند گشت. صدام که دشمن هر در ملت ایران و عراق است، می‌خواهد عرا را به جزوی ایجاد کند که هر دو ملت خربه بیشند، لئن ما برای بازداشت او از جنایتش باید مقابله به مثل کنیم؛ ونی کار اساسی ماین است که زیشه حزب بعث عراق را از عصنه برکشیم. این جنگ هر غدر هم طول بکشد، معکوم به این است که اسلام پیروز شود و

حرب یعنی شکست بخورد». رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی» سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷.

۳ - در جلسه شورای اداری استان بوشهر که با حضور امام جمعه، استاندار، فرماندهان نظامی و انتظامی، مدیران کل و رؤسای ادارات و ارگان‌ها تشکیل شد، آقای هاشمی گفت: «از این نعمتی که برای ما پیش آمده و مستلزم است خدمت کردن به مردم به ما و اگذار شده، باید درست استفاده کنیم. این امیاز یعنی خدمت کردن به اسلام و مردم به راحتی به دست نیامده و ما موظفیم از آن جهالت کنیم و برای این مستولیت ارزش قائل شویم. کوتاهی کردن در زمینه این مستولیت‌ها، قلل به اسلام، انقلاب و مردم است». رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷.

عکس جلسه با فرماندهان

است^۱. ما هم مقابله به مثل کردی‌ایم، از تأخیر حمله، با توجه به تراکم نیروها و وسعت شرارت عراقی‌ها مردم ناراضی و لی ساکنند.

چهارشنبه ۳ دی ۱۳۶۵ | ۲۱ ربیع‌الآخر ۱۹۸۶ Decem ۱۹۸۶

بعد از نماز و گرفتن اخبار و صرف صبحانه، عازم میدان مانور پایگاه نیروی هوایی برای شرکت در مراسم صبحگاه نیروهای مسلح شدیم، بعد از مراسم سخنرانی کردم^۲ و از همان جا به اسکله نیروی

۱- کومنشاد در سه نوبت توسط جنگنده‌های نیروی هوایی عراق به شدت سواران شد و ۶۰ نفر شهید و ۲۷۸ نفر مجروح شدند. اسلام آباد غرب نیو سه نوبت در صبح و بعد از ظهر بسیاران شد. در این نوبت بسیاران که هم‌زمان با بازدید یک هیأت سازمان ملل انجام شد، بیش از ۳۰ نفر به شهادت رسیدند و به چندین واحد مستکونی و تجارتی خساراتی وارد شد. در پاسخ به حملات هواپی به کومنشاد و اسلام آباد غرب، تریخانه ارتش جمهوری اسلامی، شهر چمران راگفته باران کرد.

۲- صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی استان بوشهر با حضور نایابه امام و امام جمعه بوشهر، استاندار و فرماندهان نیروی هوایی، دریانی و جمعی از مسئولین استان در میدان صبحگاه منطقه دوم دریانی بوشهر برگزار شد. آقای هاشمی در این مراسم خطاب به نیروهای نظامی گفت: "اتحادی که امروز بین نیروهای نظامی مشاهده می‌شود، بسیار امیدوار کنده است. من تأکید می‌کنم که سعی کنید این اتحاد را حفظ و برادری و ادامه پاورتی در صحنه بگذارید".

در بایی رفیم، نواها و ناوچه‌های زیادی پهلو گرفته بودند که با شرایط خطر حمله هوایی، اجتماع این همه کشته در یک نقطه درست نیست.

از یک ناو حنگی و یک ناوچه کلام پیکان که مجهز به موشک [زمین به زمین] هارپون^۱ است، بازدید کردیم. سپس به کارگاه رفیم. توضیحی درباره تعمیر جایروسکوپ و ساخت اهداف کاذب در بایی، برای انحراف موشک‌های دشمن بازدید کردیم.

سپس به محل [نیروگاه] انژری اتمی [بوشهر] رفیم. مسئول آنچا توضیحی درباره وضع کلی داد. عمدۀ کار حفظ وضع موجود است و مایلند اجازه تکمیل بعضی از فازهای کار داده شود. ناھار را در مهمانسرای نیروی هوایی خوردیم و پس از کمی استراحت و مصالحة^۲ تلویزیونی با هوایپما به سوی امیدیه پرواز کردیم. چون خطر داشت، از سطح پائین پرواز می‌کردیم. [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی، خلبانی هوایپما را به عهده داشت.

مغرب به پایگاه رسیدیم. ارتباط با فرارگاه مقدم نداشتم. معلوم نبود که ابیث حمله آغاز می‌شود یا خیر؟ آقای سنجقی را به منطقه فرستادیم. تزدیک ساعت ده خبر دادند که عملیات با نام کربلای چهار آغاز شده است؛ غافلگیر شدیم. فوراً آقای [منصور] ستاری برای انتقال هاک عازم شد و به فرارگاه غرب به نیروی زمینی ارتش هم اطلاع دادیم. محسن رضایی و محسن رفیق دوست، تلفنی خبر

(ادله پاورقی از صحنه قل)

الخوت خود را پشت نمایید. بی شک دهسترن مسنه ما، منطقه و دیبا این جنگ تعجیلی می‌باشد و معرفت این جنگ می‌تواند در تمام دیبا تأثیر بگذارد. جنگ در درون خود حادث سیار مهی را می‌بروراند و مردم‌ها شاهد مقابله سپاه کفر و ایمان است. بیرونی اهربی می‌دانی از تمامی امکانات خود استفاده می‌کنند که جلوی این سیل عظیمی راکه از طب تولد مردم مسلمان سازی شده و بیان کفر و از تجاع مسطقه را لرزانده است بگیرند. می‌بینید که رژیم عراق دست انسان به مسوی شما دراز می‌کند و دعوت به آتش می‌ساید و این شناوه آنها و قدرت شناس است". رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، مسخرانی های سال ۱۳۶۵،" دفترشمارف نقلات، ۱۳۸۷

۱- موشک هارپون یکی از معروف‌ترین و قدرتمندترین سلاح‌های ضدکشتی است که با وجود عمر طولانی آن، هرگز یکی از موشک‌های اصلی ضدکشتی در نیروی دریایی آمریکا و سیاری ارکتوهای جهان از جمله ایران است. موشک هارپون به صورت اختصاصی و تنها برای مقابله با کشتی‌ها ساخته شد و اولین بار به خدمت نیروی زمینی و دریایی آمریکا در آمد. موشک هارپون به دلیل بار شدید نیروهای هوابی و دریایی در مدل‌های مختلف به قبول انبه و سیده است.

۲- در این مصاحبه آقای هاشمی در رابطه با نقش مردم در این برجه از زمان و وظیفه آنان در زمینه همکاری با دولت گفت: "مردم واقعاً وظیفه خود را به خوبی تشخیص داده‌اند. من در احساس مردم که شرکت کرده بودم، هیجان، صفا و صمیمت مردم را دیدم که این خود نشان می‌دهد این مردم بیش از آنچه که وظیفه دارند سرمهایگزاری کرده و در جنگ دولت را بایزی می‌دهند. الله دولت هم مشکلاتی دارد. بخش عظیمی از امکانات دولت خرج جنگی می‌شود. ولی هیماری مردم در مسائلی مثل سبل، زیارت، جنگ و کمک به آسیب دیدگان می‌تراند تا اندازه زیادی از بار دولت بگاهده من خواهش می‌کنم که مردم با دل‌گزینی زاده خود را ادامه بدهند. تا ما هم بتوانیم با دلگرمی راهیان را ادامه داده و بتوانیم انقلاب را به نقطه مطلوبی که خواست خود مردم هست، برسانیم". رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" دفترشمارف نقلات، ۱۳۸۷

از موقیت اولیه دادند. بعد از ساعت دوازده شب خوابیدم. بیدارم کردند و گفتند عراق حمله را اعلام کرده است.

۲۵ Decem ۱۹۸۶

پنجشنبه ۴ دی ۱۳۶۵ | ۲۲ ربیع الآخر ۱۴۰۶

وقت اذان صبح بیدار شدم. از وضع میدان جنگ بی اطلاع بودیم. امکان برقراری تماس تلفنی از طرف ما نبود. یک تلفن مبهم آقای رفیق دوست - که گفت قبل از رسیدن آقای سنجقی که به سوی ما حرکت کرده، مطلبی را اعلان نکنیم - نگرانی ایجاد کرد و ابهام را بیشتر تmod.

ساعت هفت صبح و قبل از اخبار [رادیو]، اهواز اعلان وضعیت قرمز کرد. این به معنای تحرک هوایی‌ها دشمن است. تلفنی اطلاع دادند که آقای سنجقی می‌آید و اخبار حمله را می‌آورد و گفتند به اهداف اولیه نرسیده‌اند. از تهران مرتبًا از طرف بیت امام و مسولان، خبر می‌خواستند و تأخیر را موکول به رسیدن پیک می‌کردیم.

بالاخره آقای سنجقی رسید و معلوم شد به جز در دوشه محور، موقیت نداشته‌ایم و قرار شد اسم عملیات را کربلای چهار و هدف را جواب به شرارت‌های اخیر عراق اعلام کنیم.^۱ کم کم روشن شد

۱- عملیات کربلای چهار با هدف تصرف ابوالخصب و محاصره تبر و های مسخر در شبه جزیره فارس و تهدید نصره از جنوب، نام زنی (امحمد ص) انجام شد. تصرف فارس و رأس الپیله که ایران را با کوتیت همسایه کرده و راه زمینی عراق را به شمال خلیج فارس قطع کرده بود، می‌توانست با تصرف ابوالخصب کامل شود. با این اقدام کل شبه جزیره فارس و آزاد می‌شده موقیت ایران در خلیج فارس پیش تقویت می‌گردید و نیز بصره از جوب در خطوط مقتطع فوار می‌گرفت. سپاه در نظر داشت که عملیات را بالاگاهله پس از عملیات والتجیر ۷۸ روز حمله کرد، علاوه بر این جهت که سازمان زم سپاه منکی به تبر و های پیاده بود و ۷۵ روز حمله در ناو، ضرورت بازسازی پیگان‌ها را ایجاد می‌کرد، علاوه بر این اجرای عملیات در زمان موردنظر میسر نشد. از سوی دیگر، سپاه برای اجرای پیک عملیات با موقیت تضییف شده، در خواست ۱۵۰۰ کرگردان داشت تا از سه مطقه هور، شرق بصره و ابوالخصب به دشمن هجوم برد، لیکن بدان عملیات تنها برای محور ابوالخصب صورت گرفت. نام گذاری سال ۱۳۶۵ به «سال سرنوشت» و تأکید بر اجرای «عملیات سرنوشت سار» ایده‌واری مسلولان کشته و فرماندهان جنگ به تابع این عملیات را نمایان می‌ساخت. سپاه برای اولین بار در یک تدارک وسیع موقوع شده بود

۲۰ کرگردان رزمی را برای یک عملیات، سازماندهی، تجهیز و آماده کنده که این در طول جنگ می‌سابقه بود. با شروع عملیات، سواهد و قوانین نشان می‌داد که دشمن از طرح عملیات خودی آگاه شده و اما مادگی و هوشیاری کامل؛ هیم ترین غیر عملیاتی را مسدود مداخله نمود. بدین ترتیب دشمن دو طرف معرف کم عرض آبی «ام الرصاص» را که از آن با عنوان (نگره هرمز) پاد می‌شد، مسدود کرد. اما این هوشیاری که با دریافت اطلاعات ماهرارهای و حاضری از آمریکا حاصل شده بود، ن بواسطه اشکنسته شدن خطوط منتهی دشمن جلوگیری کند. اجرای اینه آتش دشمن روی نهاده خاص و حساس ارondon رود، سازمان عراضه‌ای خط شکن و نیز قاتق سواران را که موج دوم و سوم را تشکیل می‌دادند بر هم رده بود، اما تبر و های خواص از نگره گذشتند و در جزیره بلجستان پیاده شدند. در محورهای دیگر نیز باشگسته شدن خطوط دشمن در جزایر مهبل و ام الرصاص حنگ به خشکی کشیده شد. در این عملیات برای تخفیت بار خط دشمن در شلمچه نیز شکسته شد، اما با وجود شکسته شدن خطوط دشمن، امکان تداوم عملیات میسر نگردیده لذا به منظور حفظ قرا و عراضی عملیات مجدد، از آماده نبود صرف نظر شد.

که از منطقه شلمچه و جزایر بوارین و ماهی عقب نشسته‌اند و از جنوب جزیره مینو نیز که عبور کرده بودند و سر پل قابل توجهی، آن طرف اروند به دست آورده بودند، عقب نشسته‌اند. جزیره ام‌الرصاص را در تصرف دارند، ولی گفتند در بیانیه نیاید که معلوم می‌شود تثیت نشده‌اند. با توجه به آمادگی‌ها و روحیه‌های خوب و امیدهای زیاد، تا این لحظه باید عملیات را ناموفق خواند و به فکر عملیات دیگر باشیم. البته چون اطلاع از برنامه قرارگاه خاتم یک ندارم، فعلانمی‌دانم چه می‌خواهد بکشد.

اول شب جمعی از قرارگاه آمدند. گزارش کار را دادند. حدود مسافت گردان وارد عمل کرده‌اند و فقط در حال حاضر جزیره ام‌الرصاص و سرپلی در جزیره ام‌اللبابی را در اختیار دارند و قرار است، امشب از همان جا به طرف ساحل دشمن بروند. آقای رسید موافق نبود. بحث کردیم و به این نتیجه رسیدیم که اگر نرونده، ممکن است فردا دشمن بر سر ام‌الرصاص بجنگد و با حالت انفعالی درگیر باشیم. عملیات بدکی هم حاضر نیست و می‌گفتند اگر بخواهیم آن را اجرا کنیم، ممکن است پیش از یک ماه فرصت لازم باشد. بالاخره نتیجه این شد که نظر فرماندهی سپاه که ادامه عملیات از همین امشب است، بهتر است. گفتند فرماندهان لشکرها هم موافقند.

۲۶ Decem ۱۹۸۶

جمعه ۵ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ربيع الآخر

اول وقت معلوم شد که دیشب در ادامه عملیات، کاری نشده و ام‌الرصاص را هم خالی کرده و با اینکه دیشب گفتند می‌خواهد به پیش بروند، به محل او لیه برگشته‌اند. معلوم می‌شود هماهنگی درستی ندارند. به آیت الله خامنه‌ای اطلاع دادم که در نماز جمعه امروز، قبل از دریافت مطالب درست، چیزی مطرح نکنند؛ برایشان غیرمنتظره بود.

سرهنجگ جمالی جانشین فرمانده نیروی زمینی از غرب آمد و گفت عراق، منطقه مورد نظر آنها را تقویت کرده و دیروز بمباران تریاد داشته و در اثر قطع برق منطقه، مشکلات در تدارک نیروها به وجود آمده و مدعی است، عراق از طرح مطلع شده است. گفتم فعلًاً صبر کنند تا تکلیف عملیات پایین روشن شود.

فرماندهان سپاه اطلاع دادند که مشغول جمع بندی برای تصمیم‌گیری، با توجه به وضع پیش آمده هستند و پس از بررسی به اینجا خواهند آمد. مدتی به تنها فی در کنار ساختمان محل اقامت قدم زدم و

عملیات کربلای ۴

اوج دفاع

۳۹۵

تخلیه شهدا در عملیات کربلای ۴

فکر کردم. شکست عملیات، یا آن همه امکانات و تبلیغات که داشتیم، بسیار تلغی است. دشمن از این وضع استفاده زیادی خواهد کرد! اگر بتوانیم جبران کنیم، خوب است ولی روحیه‌ها پائین آمده و روحیه دشمن بالا رفته است.

دکتر هادی و دکتر روحانی آمدند. از مدیریت عملیات انتقاد داشتند. معمولاً در شرایط شکست، در دل‌ها اوج می‌گیرد. آمار مجروحان را دادند: حدود سه چهار هزار نفر؛ قاعده‌ایک پنجم این تعداد هم شهید داریم. خبر دادند که امروز دشمن در منطقه، در سطح وسیعی بمب شیمیایی به کار برده است. [موشک ضدهوایی] هاک هم که تازه عملیاتی شده بود، با ضربه خوردن از کار افتاده و دفاع درستی ندارند.

آقای مهدی نژاد آمد. گفت آمریکایی‌ها اطلاع داده‌اند طرحی جدید برای مسئله گروگانها تهیه کرده‌اند. مشورت کردیم. به نظر می‌رسد به این بهانه می‌خواهند رشته مذاکرات قطع شود. گفتم بگوید طرح جدیدی نیاز نیست و همان قرار سابق عمل شود.

عصر فرماندهان سپاه آمدند. از عدم موفقیت عملیات ناراحت بودند. برنامه جدید را گفتند. به جای یک حمله بزرگ، سه حمله کوچک‌تر پیشنهاد نمودند. در ستاد بحث و تصویب شد. آقای [غلامعلی] رسید [معاون عملیات سپاه] مخالف بود. قرار شد تا فردا شب، زمان‌بندی شده بگویند. ارشی‌ها به غرب و سیاهی‌ها به جنوب رفتند. ما هم هواییما خواستیم که از تهران آمد. ساعت ده شب به طرف تهران پرواز کردیم. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم.

شنبه ۶ دی ۱۳۶۵ | ۲۴ ربیع‌الآخر ۱۹۸۶ Decem ۱۹۸۶

تلفنی با آقای رئیس جمهور صحبت کردم. نگران نتایج حمله بودند. قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم که

۱- راذیو نوآنسه ادعای رژیم عراق می‌بر شهادت ۳۲ هزار تن از زمینه‌گان اسلام را منکرس کرد: "عراق دیروز اعلام کرد در تلاش نافرجم ایران برای حمله به موضع این کشور در شبه جزیره فاو ۳۲ هزار نفر از نیروهای ایران را کشت است. عراق همچنان اظهار می‌دارد در حمله ایران به شعبه سره، ۱۹ هزار سرباز ایرانی کشته و مجروح شده‌اند. ایران تعداد تلفات عراق را ۹۵۰۰ نفر ذکر کرده است. ایران اظهار می‌دارد رقم تلفاتی که از سری عراق در مورد ایران "ذکر شده شاید آخراً اخیر است". راذیو گفت فارسی نیز به ذرخواست ایران او سازمان ملل برای جلوگیری از استعمال سلاح‌های شیمیایی رژیم عراق اشاره کرده و گفت: "پس از آنکه حمله اخیر جمهوری اسلامی آنگونه که از خواهر امر بوعی آید، صریکوب گردیده است، طرفین یکدیگر تبلیغاتی بر سر تعداد تلفات شروع کرده‌اند. عراق تعداد تلفات ایرانیان و در مبارزات سه روزه پیش از ۹۰ هزار نفر اعلام کرده است. جمهوری اسلامی این وقت را اغراق آمیز می‌داند و ادعایی کرد که عراق در این حمله ۹۵۰۰ نفر تلفات داده است. طرفین ملت معمول درباره تعداد تلفات خود مسکوت می‌کنند."

کنفرانس همیاری ملت عراق

عکس گروه سرود اسرا

برنامه آینده را توضیح بدهم. به سرهنگ ترابی گفتم از اقامتگاه تحقیق کنند که دفترچه رمز من که همراه نیست، کجا مانده است و اگر بینا نشد به قرارگاه بگوید تا رمزها را عوض کنند. گزارش‌های خبری دیروز را آوردند، خواندم. عراقی‌ها شکست تهاجم ما را جشن گرفته‌اند و آمار و ارقام مبالغه آمیزی منتشر می‌کنند. احتیاج به سر و صدای تبلیغی دارند ولی چون ما از اول عملیات را محدود و انهدامی معرفی کرده‌ایم، در سطح جهان تبلیغاتشان نگرفته است. آقای [احمد] سالک برای آمادگی من جهت سخنرانی امشب، تلفنی گزارش کنفرانس معارضان عراقی را داد. احمد آقا آمد. گزارش عملیات و برنامه آینده را برای امام توضیح گرفت و جریان بازداشت سید هادی [هاشمی] را توضیح داد.

عصر هم به استراحت و مطالعه گزارش‌ها گذشت. شب در جلسه کنفرانس همیاری ملت عراق در

۱- از رمان آغاز کنفرانس همسای مردم عراق در تهران رادیوهای بین‌المللی کشور به این مسئله توجه نهان دادند. ظل روزهای سوم لغایت ششم دی تنها رادیو لندن در بیک گزارش خبری ذر ارتباط با اطهارات کاردار ایران در لندن اشاره‌ای به این مسئله داشت. پس از خاتمه کنفرانس مربوته رادیویها اندکی پیشتر به این موضع توجه کردند. رادیوهای آمریکا و بی بی سی نکشیه شب نه ترتیب ذر بیک خبر و بیک گزارش به تابع کنفرانس و اهداف آن اشاره کردند. رادیو هرنست کارلو گفت: "مخالفین عراقی که از سوی ایران حمایت می‌شوند اولین کنفرانس خود را در تهران که به مدت چهار روز انجامید در حالی پایان دادند که مخالفین ایرانی در بعداد از فعالیتی علیه پاسداران انقلاب گزارشی دادند. سازمان مساجدین اعلام کرد به بیک عمل انفعاً ری در بزرگترین پادگان سیاه در تهران که به گشته و زخمی شدن پاسدار منجر شده، دست زد".

هتل استقلال شرکت کرد. مدیران کنفرانس از نتایج کار و کیفیت برگزاری راضی بودند. سروودی توسط اسرای عراقی اجرا شد که حضار گریه کردند. گزارش کمیسیونها هم قرائت شد. قطعنامه کنفرانس توسط آقای [محمدصادق] تسبیری در ۷ بند خوانده شد و آقای سالک صحبت کوتاهی داشت. من سخنرانی مفصلی ایجاد کردم.^۱ به خانه برگشتم.

بعد از نیمه شب اعظم و عmad [همسر و فرزند محسن هاشمی] از کانادا آمدند. به دنبال مطرح شدن حضور محسن در کانادا، در مطبوعات غربی و علی‌الله شدن آدرس و محل تحصیل او، دیگر ماندن آنها در کانادا مشکل است و خطر دارد. محسن هم بعد از یک ماه دیگر، پس از دفاع از تر خود خواهد آمد. عmad را باحان و شیرین یافتم.

یکشنبه ۲۵ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۸ Decem ۱۹۸۶

در گزارش‌ها، تبلیغات عراق بر اساس شکست عملیات سرنوشت‌ساز ما، خیلی زیاد است.^۱ قبل از شروع جلسه در مورد جنگ توضیح کوتاهی، برای نماینده‌ها دادم. در مجلس سرخوردگی شدیدی در

۱- در بخش اراین سخنرانی آمده است: "نه نظر من رسید که تشکیل کنفرانس همیاری در این زمان، یکی از اطاف الهی است و رسانی مناسبی برای این نجوم انتخاب شده است. شرایطی که بر منطقه ایران و عراق و دیما حاکم است، ایجاد می‌کند، ملت عراق که صاحبان اصلی خاک عراق مستند به طور جدی وارد میدان شود. از کیفیت برگزاری این کنفرانس باید راضی بود و از کسانی که رحمت کشیده‌اند و این جنسان را به وجود آورده‌اند، باید تشکر کرد. به طور قطعی، نتیجه این اجتماع نااین لحظه بسیار مثبت است و غیرعم ایشان معلم‌لا در اجنباء گروه‌های سیاسی گروگان‌گون، بروح‌دهای نامطلوب مسكن است باعث آثار سوء شود، جوشچانه در این مدت چیز جیزی واقع نشد. لذا ما آن را فال نیکی برای آینده عراق به حساب می‌آوریم. معنی کمی از تقاضا اخلاق صرف نظر کنید و بر تقدیر اشراک که سیاست زیاد است، تکیه کنید. اگر همین روحیه باقی بماند، ما به آینده عراق و مردم عراق و استقلال و تمامیت ارضی و معاشر مردم عراق امیدوار می‌شویم و آن را زیاده و از نتایج کنفرانس می‌دانیم." رجوع کنید سے کتاب "هاشمی رفستجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر شعر و معارف اتفاقات، ۱۳۸۷

۲- رادیو اسرائیل در گزارشی گفت: ایران و عراق هر دو اعلام کردند که جنگ شط العرب که جمهوری اسلامی آذربایجانی آذربایجانی ۴ تا میده بود و پایان رسیده است. حکومت اسلامی تهران غصنه صدور اعلامیه‌ای در این زمینه خاطرنشان ساخت که ادعای عراق عصبی بر اینکه در این تبره هزار نفر از نیروهای ایرانی به قتل رسیده‌اند، صحبت ندارد ولی در ضمن همچو دکتری نیز از تعداد دقیق و یا حتی تقریبی تلفات جمهوری اسلامی در این اعلامیه به میان نیامده است. حسناً جمهوری اسلامی از سازمان ملل درخواست کرد از اعمال سلاح‌های شیوه‌ای به وسیله عراق حمله‌گیری نماید، این رادیو در ادامه گزارش خود به سخنان آنای هاشمی رفستجانی پیرامون عملیات نهایی ایران اشاره کرد و گفت وی تاریخی برای این حرکت سرنوشت مبارز تعبیه نکرد. رادیو اسرائیل همچنین طی خبر دیگری گفت: "روزنایه نگاران کشورهای عربی از مناطق شرق پصره دیدن کردند و به گزارش خبرگزاریها در این میانه با عده‌ها جسد متعلق به افراد نیروهای مسلح ایران که در نقاط مختلف پراکنده بود از خوره نمودند. فرمانده سپاه ششم عراق به خبرنگاران گفت در طول پنجاه کیلومتر خط حنگی نیروهای مهاجم ایران با تحمل هزاران کشته عقبه‌نشینی کردند." رادیو این بی‌سی نیز ضمن معکوس ساختن ادعای تبره هادر ماهر عذرالرشید مبنی بر دفع کامل تهاجم اخیر ایران از حمله رژیم عراق به یک هدف دریایی در علیجه فارس خبر داد. رادیو آمریکا نیز گفت: "خبرنگاران غربی اجازه یافته از محل دوروز تبره سرگین نیروهای عراقی و ایرانی در هفته گذشته دیدن کنند. خبرنگاران گزارش دادند احتمال دهنده ایرانی را که گفته می‌شود در جریان تازه‌ترین حمله ایران گشته شد و آن مشاهده کردند. این رادیو در پایان به نقل از ایران و عراق به آمار تلفات طرفین اشاره کرد".

ارتباط با عملیات بروز کرده و قابل توجیه نیست که برای آنها صحبت کنم. من هم در فشار شدید روحی قرار می‌گیرم.

نخست وزیر بودجه سال ۶۶ را تقدیم مجلس کرد و نطقی ایراد نمود. ظهر آقای [محمدحسن] اختری سفیرمان در دمشق، همراه فرمانده سپاه در لبنان آمدند. گزارش آثار میانجی گری ایران در نزاع امل و فلسطینی‌ها را دادند و خواستند که کار میانجی گری ادامه پابد. طرحی برای برخورد با نیروهای اسرائیلی مستقر در لبنان ارائه دادند. عصر را به مطالعه گزارش‌ها و انجام کارهای عقب مانده چند روز مسافت گذراندم.

اول شب آقای [احمد] جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] آمد. از کنندی پرداخت بودجه طرح تبلیغات در کردستان گفت. شب با سران قوا مهمان آیت‌الله موسوی اردبیلی بودیم. در جلسه امروز آقای نخست وزیر از شیطنت روزنامه‌کیهان در برخورد با مسائل و در برخورد با بودجه تقدیمی دولت به مجلس گفت و قرار شد برای اصلاح متصدیان کیهان اقدامی شود؛ معمولاً در شایط نامناسب ضربه می‌زند.^۱

گزارش سفر به قم و عملیات کربلای چهار را به جلسه دادم و برنامه عملیات آینده را گفتم. روح امید گذشته به خاطر عدم توفيق اخیر، ضعیف تر شده است. دیر وقت به منزل رسیدم.^۲ سرماخوردگی شدیدی عارض شده که با مسکن، امکان تلاش و کار به دست می‌آورم.

دوشنبه ۸ دی ۱۳۶۵ | ۲۶ ربیع الآخر ۱۹۸۶

تلفنی با محسن صحبت کردم. هنوز نگران آثار اخبار کذب حاشیه ماجرا مک فارلین است و بنا دارد

۱ - روزانه کیهان در سلسله گزارش‌های اتفاقی از بازار مصرف کالا، به انگلیس نارضیابی مردم از چند فرجی بودن کالاهایها و ضعف دولت در بعض توزیع پرداخته بود. مدیر مسئول روزنامه کیهان در آن سال آقای سید محمد اصغری و معاون ایشان آقای ابراهیم اصغرزاده بود. گزارش روز صحنه ۵ نیز با ذیری، آقای محمد مهدی فرقانی تهیه می‌شد. آقای سید محمد خاتمی لیر به عنوان نماینده ولی فقیه در مؤسسه کیهان بود. در ۱۰ دی سال ۶۵ حضرت امام (ره) در پاسخ به استفسار آقایان خانمی و محمود دعایی، با استقلال مؤسسات کیهان، اطلاعات از بیان مستحبمان و اداره آن زیر نظر ولایت فقیه موافقت فرمود.

۲ - در این روز آقای هاشمی در مراسم سالروز تشکیل نهضت مساد آمرزی در سالن هفتم نیر تروکت کرد. ایشان در این مراسم در مسخانی بی‌سوادی را از عقان شرم استعمال و پدیده‌ای رشت نامید و با اشاره به درصد بالای بی‌سوادی در فیل از افلات اسلامی و اینکه این قدر بی‌سوادی بعد از اقلاب، زیسته اغلاب تبود، تأثیر رشد و گسترش مساد آمرزی در رشد گیاهی انسان را بسیار پر اهمیت توجه کرد و خدمت مساد آمرزی را وظیعه دولت، تھمت سواد آمرزی و همه افراد با سواد جامعه داشت و از همه ملت خواست تا بخشی از امکانات شان را به این امر اختصاص دهدند تا انشاء الله بی‌سوادی این میراث نظام مشم شاهی از گشیر و بله کن شود. آقای هاشمی در پایان سخنان خود از همه کسانی که در راه خبر گشترش مساد آمرزی به تحری فعالیت می‌کنند، تشکر و قدردانی به عمل آورد.

پس از دفاع از تر فوق لیسانس به ایران بیاید. به مجلس آمد. به آقای [جلال] ساداتیان [مسئول دفترم] گفتم که مقدمات سفر به جبهه را فراهم کنند. گزارش‌های عقب مانده را خواندم. دکتر روحانی آمد و قرار شد فردا همراه من به جبهه بیاید. فرمانده سپاه برای تقویت اعزام نیرو استعداد کرد. آقای رفیق دوست اطلاع داد که هشت موشك اسکاد - بی از کره شمالی رسیده است؛ موافق است.

عصر آقای [شریف الدین] پیرزاده دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی آمد و تأکید بر شرکت ما در اجلاس کویت در سطح بالا داشت.^۱ قبل از پذیر خارجه اطلاع داده بود که موافق رفتن رئیس جمهور به کویت نیستیم و تلاش می‌کنیم که محل اجلاسیه را به خاطر طرفداری کویت از عراق، عوض کنیم. تا ساعت دو شب در دفترم کار کردم. پاسداران به حاطر شهادت برادر یکی از پاسدارانم در جبهه، دیر آمدند.

آقای کنگرلو آمد و گفت [متوجه] قربانی فر از آمریکا، تلفنی از قول [جرج] بوش [صاعون رئیس جمهور آمریکا] خواسته است تلاش کنیم یک نفر از گروگانها در لبنان در کریسمس آزاد شود و گفته اگر نشود، خصوصت شدید خواهد شد. گفتم بگویید به قرار گذشته عمل کنند تا شفاعت کنیم و پیش از این حرف نزند.

فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند و گفتند عراق به نقطه عملیاتی شان پی برده و نگران بودند. برای راهکار مذاکره کردیم.

سه شنبه ۹ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۷ ربیع الآخر ۱۹۸۶ Decem

از منزل به قصد رفتن به جبهه، خدا حافظی کردم. یاسر هم بنا بود بیاید. اما وقتی فهمید کار من در

۱ - آقای هاشمی در پاسخ به درخواست شریف الدین پیرزاده دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی، در مورد شرکت ایران در اجلاس پیغمبر میان کشورهای اسلامی در کربلا گفت: «مسئله اصلی این است که در کنفرانس‌های عشاشه این سازمان، کار جدی که براز از تشریفات و کارهای معمولی باشد، دیده نشده است. ما این را اعلام می‌کردیم ندانید که این کنفرانس تناده حرفی جدی الجامد دهد. اگر کنفرانس از روز آغاز چندگاه، مجاور و مسئول اصلی آن را اعلام می‌کرد، هم چندگاه روز تمام می‌شد و هم کنفرانس اسلامی، شخصیتی جدی پیدا می‌کرد». ایشان سپس خطاب دارد: آقای پیرزاده اهلدار داشت: «شما اگر در مشترکی که به عهده دارید، بنوایند حق را میخواهند قرار دهید و کنفرانس را به صورتی اداره کنید که از رنجیدن دیگران هراس نداشته باشد، همه دونت‌ها آن را جدی تلقی خواهند کرد». آقای هاشمی با اشاره به عدم این طریق کربلا در قالب چندگاه عراق را ایران، گفت: « حتی اگر ما این عدم بی طریق را هم ندانیده بگیریم، بد لطف ما، باز هم کربلا چنانچه کنفرانسی که ۴۶ کشور اسلامی در آن حصه هستند را ندارد. مقامات کربلا، آنقدر تحقیت تأثیر عراق هستند که، وقتی هر ایسای فرستاده مخصوص‌شان توسط عراقی‌ها مورد سوءتفاہم قرار گرفت و آنها با شیوه فرار گردند، حتی حاضر نشدنده با جرأت نکردند بگویند عراق به ما سوءتفاہم کرده است. به هر حال این مشکلی است که توسط آنها ایجاد شد و ما، به هر حال، فرستاده کربلا را بدل‌فیضیم و این کربلا است که باید موضع را درک و مواضع خود را اصلاح می‌کرد».

قرارگاههایست و به جلو نمی‌روم، نیامد. برای اعلان حضورم در تهران در جلسه علنی مجلس تا هنگام نطقهای قبل از دستور و قرائت تذکرات ماندم. قرار بود ساعت نه صبح حرکت کنیم، به خاطر رفتن برق، ماشین‌ها توانستند پترین بگیرند و تا ساعت یازده معطل شدیم. در این فاصله در دفترم کار کردم. نمایندگان باختران آمدند و از شایعه تهدید بمباران شیمیایی امروز باختران نگران بودند. آقای رفیق دوست آمد. گزارش کیفیت انفجار ابزار مواد منفجره در پادگان شهید بهشتی^۱ را داد و دستور گرفتن ارز برای خریدهای نظامی از بانک مرکزی گرفت.

ساعت یازده همراه دکتر روحانی و سرهنگ ترابی و محافظان، با چند اتمبیل به طرف خوزستان حرکت کردیم. بیرون تهران، لباس نظامی پوشیدم. تا هار را به طور ناشناس در قهوه خانه‌ای بین قم و اراک خوردیم. یک جا هم پترین زدیم و چای خوردیم و ساعت شش و نیم شب وارد خرم آباد شدیم. در مهمانسرای نیروی زمینی مستقر شدیم. من را تشناختند.

خیابی زود شام خوردیم. بنا نبود من شناخته شوم. گفته شده بود فرمانده نیروی زمینی می‌آید، نمی‌دانم مسؤول مهمانسرایکه با مهمانان ناشناخته، همراه با محافظان مسلح زیاد مواجه می‌شد، چه فکری داشته است؟ تلفنی رسیدنمان را به تهران اطلاع دادیم. برق قطع شد و اخبار تلویزیون نیمه کاره ماند. ما هم رفتیم خواهیدیم.^{*}

چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۶۵ | ۲۸ ربیع الآخر ۱۹۸۶ Decem ۱۹۸۶

اذان صبح بیدار شدیم. بعد از نماز به سوی خوزستان حرکت کردیم. صبحانه را در قهوه خانه‌ای از شوابع لرستان، بعد از گذشت از کوههای بلند، در کتار رودخانه ای عظیم خوردیم؛ سرشیر و تخت مرغ، به سوی اهواز راندیم. در حومه اهواز، گروه پیشوپ که برای آماده کردن اقامتگاه به محل گلف رفته بودند، با بی سیم اطلاع دادند کمی در راه توقف کنیم. در کنار جاده توقف کردیم و کاهو

۱ - سازمان مجاهدین حق (منافقین) مستریلت جاده ترویستی انفجار در پادگان شهید بهشتی را بر عهده گرفت.

* - در این روز زیرال عنان خیرالله وزیر دفاع عراق در یک کنفرانس مطربانی اظهار داشت: "چنانچه ایرانی‌ها به گلوله بازان بصره (جوب عراق) و بخش‌های مرزی ادامه دهند از این مناسله تعجب نکنید که دسته‌هایی مشکل از حدود هوابیانی غرایی، هم زمان شهرهای ایرانی را بسیار کنند". وی در جریان این کنفرانس مطربانی که به آخرین تهاجم ایران در جنوب جبهه اختصاص داشت از روی گله صبر عراقی حدی دارد و تبعی تو اراده تا اید شاهد کشمار ملت خود باشد. وزیر دفاع عراق آنگاه در تشرییع قایع آخرين تهاجم ایران در جنوب جبهه اظهار داشت که هدف ایران تصرف شهر بصره بوده و هسته و سپس بالجهی طبر آلوه گفت: "اما اگر ایرانی‌ها یک بخش دیگر از جبهه را انتخاب کنند ما به آنها خرسانیده می‌گوییم" وی در همین حال مجدداً تأکید کرد که عربی قادر است هرگز نهایت هرگز نهایت ایران را دفع کند.

خوردیم. هوا هم سرد بود. تعجب داشت که هوای خوزستان این قدر سرد باشد. یک ساعت بعد از ظهر وارد گلف شدیم^۱ ناهار و نماز و استراحت و سپس حرکت به سوی قرارگاه خاتم در جاده اهواز - خرمشهر. ساعت چهار و نیم بعد از ظهر رسیدیم. همان جاکه در عملیات خبیر مستقر بودیم.

آقای شمخانی اطلاعات لازم را در خصوص نتایج عملیات شکست خورده گربلای چهار داد. خیلی بدتر از آنچه تا به حال گفته بودند: تزدیک ۱۰۰۰ شهید و ۳۹۰۰ مفقودالاثر داشتیم که اکثر آنها را باید شهید حساب کرد و حدود ۱۱ هزار مجروح که حدود نصف آنها، سرپائی معالجه شده یا می شوند.

بعد از نماز مغرب، فرماندهان لشکرها و فرارگاه آمدند. گزارش‌ها کامل تر داده شد و برنامه دو عملیات در دست تهیه، داده شد که هیچ کدام آماده کامل و بی اشکال نیست.

صحبت کوتاهی کردم، با حضمون اینکه در این شرایط که این همه نیرو، امکانات و حمایت مردم را داریم، اگر حمله نکنیم معلوم نیست در آینده بتوانیم عملیات موفق داشته باشیم و ضرر سیاسی زیاد است. روحیه همه برای عملیات آماده است. قرار شد بحث را به فردا موکول کنیم.

ساعت دوازده جلسه ختم شد. فرمانده لشکر عاشوراء شهادت مهدی [شريفيان] - همشيرزاده - و مجروح شدن عباس - همشيرزاده ديگرم - را تأييد کرد. گفتند گلف امن تو است، به اهواز برگشتیم. ساعت یک شب خوابیدم.

پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۶۵ | ۲۹ ربیع الآخر ۱۴۰۶ | 1 Janu 1987

اذان صبح بیدار شدیم. بعد از نماز، خاطرات را نوشتیم. آقایان سنجقی و دکتر روحانی درباره عملیات نظراتی ابراز کردند. با فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌های سپاه از ساعت هشت و نیم تا دوازده و نیم جلسه داشتیم. عده‌ای از آنها عملکرده خودشان در عملیات گذشته و ماموریتشان را در عملیات آینده و نظرشان را درباره آن گفتند.

بعد از نماز و ناهار و استراحت از ساعت دو و نیم بعد از ظهر تا مغرب، جلسه به همین وضع ادامه یافت و شب تیز از ساعت هفت جلسه را ادامه دادیم. از نظرات فرماندهان درباره عملیات مورد نظر به

۱- برای آشنایی با تاریخچه ساختمان گلف و بخش فضایی هسن کتاب مراجعه نمایید.

پیام به روزمندگان

حایی نرسیدیم و سرانجام با اتکاء به اظهارات آنها و به ناچار، خودم تصمیم گرفتم و دستور انجام عملیات را دادم و برای دو عملیات بزرگ زمان تعیین کردم. با اینکه قبل از صدور حکم، معمولاً از برخورد قاطع و بریده شدن قضیه خوشحال شدند. اگر به نظر خودشان واگذار شده بود، امکان تصمیم‌گیری نبود. سپس مسئولان مهندسی جنگ آمدند. نیاز شدید به کمپرسی دارند. قرار شد روی آن تأکید کنیم. برای رفتن به تهران مشورت کردیم. بالاخره قرار شد با اتومبیل برگردیم. به تهران اطلاع دادیم که من برای نماز جمعه به تهران نمی‌رسم. آقای خامنه‌ای، آقای موسوی اردبیلی را برای نماز جمعه، از قم برگرداندند.

جمعه ۱۲ دی ۱۳۶۵ | ۱ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۲ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح، دو پیام جداگانه برای فرماندهان واحدها و رزمندگان به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده جنگ نوشتم و ضمن تشریح اهمیت مسؤولیت‌شان، خواستار مقاومت بیشتر در لحظات پاتکها شدم.^۲

آقایان رضایی و شمخانی آمدند. تابع جلسه دیشب خودشان با فرماندهان واحدها را که پس از دستور قاطع من تشکیل داده بودند، گفتند که واحدها با مسؤولیت‌های مشخص، برای شروع عملیات در تاریخ تعیین شده، به دنبال اجرای مأموریت رفته‌اند. سرهنگ جمالی چانشین فرمانده نیروی زمینی آمد و تغییر زمانی در عملیات آنها هم ابلاغ شد.

۱ - من کامل مذاکرات این جلسه در بخش خصائص همین کتاب درج شده است.

۲ - من پیام به این شرح است: «سلام و درود بر شما برادرگزارانی که امروز محور تاریخ و تاریخ ساز هستید. چشمان تمامی ناظران امروز خیره به سوی شماست و دل‌های راکن مؤمنان در انتظار شمارت پیروزی هایان می‌تبد و قلوب آزاده کهار و دشمنان خدا در ترس نهادن شروع سرنوشت سازن ائمداد نگران نشیدند خروش الله اکبر تان و مشاهده گنگ‌های بلند و استوار تان در میدان‌های تبرد حق علیه باطل. این اضطرار را که طلبیداران کاروان‌الله و نونک پیکان حرکت ناییع در جهت اجرای خواست اسلام و فرقان شده‌اید، مبارک باد. تهامت و شجاعت و ایثار شمارا دوست و دشمن می‌داند و غنوة‌گرین دشمنان حق هم ناجا بردان اعتراف دارند و بی‌رازد در مقابل آن خاصع‌الله شما دژهای مستحکم و پرلادین را می‌شکافید و صاعقه‌وار بر دشمنان خدا در منگرهای نیروز می‌آید و طین الله اکبر تان ابرهای تبره تعصبه‌ها و اهتمامات را می‌شکافد و پرده‌گشی جهانیان را عریش می‌سازد و ایها همه محصول ایمان و تغوا و نیزنهای والایی سنت اهی در تاریخ جهاد اینیاد و اولیاء و بیرون آنهاست. در تعليمات قرآن و منت تاریخ پیروزی نهایی مرهون ایمان، مقاومت‌ها و تحمل مشکلات و پشت نکردن به دشمن و تداوم جهاد است که به لطف خدا شما همه را دارید. - اکبر هاشمی رفسنجانی»

فرمانده حفاظت سپاه آمد و درباره کار خودش مشورت کرد.

آماده حرکت به سوی تهران شدیم. قرار شد تا اصفهان با ماشین و از آنجا با هواپیما به تهران برویم، ولی در راه تصمیم گرفتیم، یکسره با ماشین به تهران بیاییم. ناها را در کافه رستوران «سراب جهانگیر» خوردیم. شام را در ماشین، نان و پنیر و پسته خوردیم. ساعت ده و نیم صبح از اهواز حرکت کردیم و یکسره راندیم و جز برای نماز و ناها توقف نداشتیم. ساعت دوازده شب به خانه رسیدیم. عفت برای شرکت در مراسم شهادت مهدی شریفیان - همشیره زاده‌ام - به رفسنجان رفته بود. بچه‌ها خواب بودند. من هم خوابیدم.

شنبه ۱۳ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲ جمادی الاول ۱۹۸۷ Janu ۳

عفت از رفسنجان تلفن کرد. گفت هنوز معلوم نیست جنازه شهید مهدی شریفیان - همشیره زاده‌ام - به نوق رسیده باشد. منتظر رسیدن خبر بودند که به نوق بروند. با آقای خامنه‌ای صحبت کردم و نتایج شر را گفتم. احمد آقا آمد. نتیجه سفرم را به ایشان گفتم که خدمت امام بگویند. اظهار نظر کرد که بهتر است آقای سید هادی هاشمی آزاد شود. من هم موافقم. خبر دادند که سید مهدی هاشمی بعضی از اعتراضات خود را پس گرفته است.

بیشتر وقت را به انجام کارهای عقب مانده چند روز سفر و قرائت گزارش‌ها اختصاص دادم.

نامه‌ای به همشیره طیبه در تسلیت شهادت فرزندش مهدی در کربلای چهار نوشتم.^۱ عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه برای کارهای بنیاد تاریخ آمد؛ ترمیث کامپیوتی گرفته و خرج ماهانه دارد. اول شب آقای محمدی عراقی آمد. گزارشی از وضع واحدها در جنوب داد و پیشنهادهایی داشت. در مورد جنگ رقم مفقودان کربلای چهار را تا امروز در حدود دو هزار نفر گفت. قبل ایشتر گفته شده، مثل اینکه کم کم پیدا می‌شوند. معمولاً بعد از عملیات چنین است. با آقایان فیروزآبادی، ریاضی، رفیق دوست، دکتر روحانی و سنجقی درباره نیازهای جنگ مذاکره کردم. در گزارش‌های امروز، خبر مهمی نداشتیم. عراق هم بعد از عملیات کربلای چهار از شرارت‌ش کاسته است؛ روشن نیست چرا؟

^۱ - من کامل نامه آقای هاشمی به خواهرشان در ارتباط با شهادت شهید مهدی [- محسن] شریفیان، در بخش ضمایم هصین کتاب به چاپ رسیده است.

شهید مهدی شریفیان

۴۰۹ اوج دفاع

شهید شریفیان

٤ Janu ١٩٨٧

یکشنبه ۱۴ دی ۱۳۶۵ | ۳ جمادی الاول ۱۴۰۶

مهدی بعد از دو سه هفته، امروز به مدرسه رفت. ساعت هفت و نیم به مجلس رسیدم. قبل از دستور، رحلت آقای [آیت الله حاج شیخ عبدالرحمن] حیدری امام جمعه ایلام [و نماینده مجلس خبرگان] را تسلیت گفتم. تذکرات نماینده‌گان را که تبریک و تسلیت شهدای کربلای چهار بود، نخواندم. چون نشان کثرت شهدا است و مطابق آئین نامه، اجباری به خواندن نیست.

قانون محاسبات در دستور بود. به خاطر اهمیت ماده ۳۰ که مربوط به ذیحسابی است، تا آخر در جلسه ماندم و تعديل شد. ظهر آقای حمیدزاده آمد. از تربیت بدنی و سازمان محیط زیست گله داشت. عصر آقای امراللهی آمد. از ندادن بودجه به افرادی اتفاقی گله داشت. آقای [جلیل] بشارتی مسئول پیگیری نخست وزیری آمد. درباره خسارات سیل و کمکهای مردمی و برنامه امداد و بازسازی توضیح داد. مدعی است خسارات از دوازده میلیارد تومان می‌گذرد.

شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند. شرح طرح عملیات آینده و کربلای چهار را دادم. در این جلسه اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی تصویب شد. درباره مسائل مختلف بحث کردیم. احمد آقا و من به آقای موسوی اردبیلی در مورد اشتباہ بودن بازداشت شهردار خوب اصفهان گفتیم.^۱ بعد از جلسه با احمد آقا درباره سید هادی هاشمی صحبت کردیم. نظر هر دوی ما این است که بهتر است ایشان آزاد شود.

شب در مجلس ماندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. عفت هنوز در رفسنجان است. تلفنی با اخوی محمد، درباره نامه مسعود [همشیر‌هزاده]^۲ که از آلمان نوشته است، صحبت کردیم.

٥ Janu ١٩٨٧

دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۶۵ | ۴ جمادی الاول ۱۴۰۶

نا ساعت نه صبح در دفترم به انجام کارها و خواندن گزارش‌ها پرداختم. آقای دکتر [موسی] زرگر

۱- آقای محمد حسن ملک مدنی شهردار اصفهان در بی جلوگیری از ساختمان یک پاساز تجاری غیرفاضلی ذو ناکه دوم شهداي اصفهان از سوی شعبه ۱۷ دادگاه گفیری این شهر بازداشت و به ۳ ماه زندان و ۲ سال اغتصاب از خدمت محکوم شد. آقای ملک مدنی درباره نازداشت خود گفت: «ساجدان این محسوسه را مقاومت فروان سعی در احداث این ساختمان داشته که بنا به دستور آقای علام محسن گرباسچی استاندار اصفهان» از ساخت مجموعه جلوگیری به عمل آمد. اهمایی که شهرداری اصفهان وارد شده، در رابطه با استفاده از عاشن‌های آئین شناختی است که در شستن و لزین بردن بنزینی که برای احداث این پاساز غیر قانونی به کار برده بود».

آمد. اهمیت بیمارستان سینا را گفت و خواستار تحویل ساختمان وزارت آموزش و پرورش بود. این ساختمان از طرف شورای انقلاب به بیمارستان سینا واگذار شده است. دکتر محمد زاده و دکتر لاله از اساتید دانشگاه شهید بهشتی آمدند. [دخترم] فاطی شاگرد آنها است و برایشان وقت گرفته است. از مشکلات برنامه‌ریزی و نفوذ غیر انقلابی ها گفته‌است.

آقای بهرامی از دادگاه لاهه آمد. نگران پرونده‌های تابعیت مضاعف است! از کم کاری دفتر و آقای افتخار جهرمی شاکی بود و از آینده دادگاه نگران است!

آقای ریاضی آمد. گزارش خریدهای نظامی را داد. آقای ترکان آمد. از پژوهه نوسازی و تولید وسایل دفاع شیمیایی و پیشرفت کار ساخت موشک و مهمات گزارش داد. برای گرفتن ارز و ریال بیشتر استمداد کرد. آقای رفیق دوست برای دریافت پول بیشتر برای جنگ آمد. اخوی محمد [رئیس سازمان صدا و سیما] آمد و از ارز جنگ، برای بازسازی ابزار آسیب دیده امکانات رادیو، تلویزیون در جنگ، سهمیه‌ای خواست. آقای [غلام‌پاس] زائری برای مسئله ارز مسافت تمایندگان آمد. آقای صفائی آمد و وضع باختزان را گفت.

عصر آقای ری شهری آمد. گفت نامه ای به امام نوشته و پیشنهاد کرده سپاهادی [هاشمی داماد آیت‌الله منتظری] به یکی از شهرهای دور تبعید شود و تحت نظر باشد. نظر من این است که ماموریت

۱- یکی از توانفات ایران و آمریکا در الجزایر آن بود که ایران خسارات وارد به اتباع آمریکایی در جریان انقلاب اسلامی را پرداخت کند. دادگاه لاهه که بر می‌ای توافق نامه انجایی تشکیل شده بود، به ادعاهای اتباع آمریکایی رسیدگی عی کرد. حال آنکه عده‌ای از سرمایه‌داران و عناصر طاغیونی قراری که در آمریکا سکوت نداشتند، تابعیت مضاعف آمریکایی می‌گرفتند و به عنوان تنده اپالات منجده از دادگاه لاهه دعوی خلفی می‌گردند و دادگاه لاهه نیز به استاد توافق نامه الجزایر به نفع آنان رأی می‌داد.

۲- گزارش یونایتد پرس از جریان اسرداد دارایی‌های مسدود شده ایران در آمریکا حاکی است، سخنگوی سفارت آمریکا و ایران برای رفع توقیف ۵۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های بانکی ایران که در آمریکا مسدود شده است با هم ملاقات نکردند. یک سخنگوی سفارت ایران گفت: "او نسبت به انجام توافق خوشبین است و این امر می‌تواند به آزادی برخی گروههای آمریکایی که در لسان نگاه داشته شده‌اند کمک کند". او گفت: "ما خوبین هستیم آمریکایی‌ها عوافت کرده‌اند مقداری از پول‌ها را مسند کنند. چند موضعی هی کرجک هست که باید حل شود اما یعنی داریم که آنها خواهد پول را به حساب ما واریز کنند". در پاسخ به این سوال که آبا این توافق به آزادی گروگان‌های آمریکایی کمک خواهد کرد باید او پاسخ داد این موضع بساز حساسی است". سخنگوی مذکور گفت: "آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران گفته است که اگر آمریکایی‌ها آنچه را که لازم است بخشنده انجام بدهند، روی کسانی که گروگانها را نگه داشته‌اند تأثیر ملت خواهد داشت". او گفت: "ایران پیش‌بینی می‌کند که توافق برای زفع توقیف از دارایی بانکی ایران طرف یکنی دو روز آینده عملی خواهد شد. پول ایران پس از آنکه در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) ۵۲ دیلمات آمریکایی در سفارت آمریکا در تهران به گروگان گرفته شده‌اند توقیف شد. دیلمات‌های مذکور بیش از یک سال در تهران گروگان نگاه داشته شدند. این پول شامل پولهای متعلق به آن در بانک‌های آمریکا و پرداخت‌های سفارش اسلحه از طرف شاه ساقی ایران که اسلحه آن به ایران فرستاده شده می‌باشد. سخنگوی سفارت آمریکا گفت: "بانکداران ایران و آمریکا برای ادامه گفته‌های فی راجع به شرایط و نحوه انتقال پول هایی که در یک حساب بانکی از طرف بانک فدرال نیز برگردان شده با هم ملاقات می‌کند".

به یکی از کشورهای خارجی - مثلاً از طرف وزارت ارشاد - داده شود.
شب به خانه رفتم. کاظم - همشیرزاده - و حسین آقا مرعشی [برادر همسرم] برای کارهای دیگران
مراجعة نمودند.

سهشنبه ۱۶ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۹۸۷ Janu

چندانم را برای سفر، همراهم به مجلس آوردم. قبل از دستور در جلسه علنی، سخنان کوتاهی به
مناسبت میلاد حضرت زینب(س) و روز پرستار ایجاد کردم. جمع زیادی از تمایندگان، شهادت مهدی
همشیرزاده را تسلیت و تبریک گفتند. تائنس در جلسه ماندم. [منوچهر] نیکروز [نماینده
کلیمیان] آمد. موضوع پرونده‌اش را گفت. ترسیده است.

آقای روحانی برای تهیین نحوه سفر، به دفتر آمد. برای مراعات امنیت ناچار شدیم به فردا صبح
موکول کنیم. سلمانی برای اصلاح آمد. اخوی محمد، تلفنی برای ترتیب مصاحبه مستقیم با رادیو
آمریکا در هفته آینده اجازه گرفت.

آقای [جلیل] سیدزاده آمد. گزارش وضع باختزان را پس از بمباران و شایعه بمباران شیمیایی داد
که منجر به خلوت شدن شهر شده است و برای امکانات بیشتر استفاده کرد.

عصر آفایان [محمد] عبائی و هاتفی آمدند و گفتند کار [تدوین و آماده سازی مجموعه] کلید
قرآن با سه گروه شروع شده^۱ و برای طلاب اعزامی به جبهه کمک خواستند. شب به خانه رفتم. عفت
هم از رفسنجان رسیده بود. توضیحاتی درباره مراسم تشییع جنازه شهدا و از جمله دو نفر از شهدای
بهرمان نوق داد که مهدی همشیرزاده، یکی از آنهاست؛ با شکوه برگزار شده است.

آقای رضایی، تلفنی اجازه خواست که حمله یک روز تأخیر بیفتد. موافقت کردم. نخست وزیر
تلفنی بیدارم کرد و گفت دکتر [حسن] افیروز آبادی، کار فوری دارد. سپس خودش تماس گرفت و
گفت لازم است امشب من را بینند. ساعت دوازده شب با جمعی از دکترهای سپاه آمدند. گفتند از
جهه خواسته‌اند که دکترها را فوراً ببریم و نگران کشف شدن عملیات با اعزام دکترها بودند. قرار شد
دوازده ساعت قبل از ساعت حمله حرکت کنند.

۱- مجموعه ماندگار تفسیر راهنمای مجتمع غیرهنجگ فرآن را روشن انتکاری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، یادگار دوران زندان ایشان در سال‌های
مبادره نارژیم سمت شاهی است. این مجموعه اکنون چاپ شده و در اختیار تشكیل معارف فرقه آنی فرار گرفته است. انتشارات بوستان کتاب قم،
به دلیل کثرت تفاخر، دوره تفسیر راهنمای را جذب نار تجدیده جایب نموده است. برای مطالعه تاریخچه تدوین و ایده نجاشیان کلید قرآن به مقدمه
معصل آقای هاشمی در جلد اول مجموعه ۲۱ جلدی «تفسیر راهنمای» مراجعه نمایید.

عکس غواصان دلاور کربلای ۵

چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۷ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح برای رفتن به جنوب برای عملیات به فرودگاه رفتم. چون فضای خوزستان آمن نیست، به شیراز رفتیم. از شیراز ساعت نه صبح با انومیل از طریق بهبهان به سوی اهواز حرکت کردیم. در ارتفاعات برف می‌بارید. جاده پد نبوده بخشی کوهستانی و بخشی دشت. حدود پانصد کیلومتر راه داشتیم که ساعت هشت شب رسیدیم. خسته شدم.

بعد از نماز و شام به قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) رفتیم. تا ساعت چهار بامداد، فرماندهان سپاه جمع شدند. درباره عملیات و زمان آن بحث شد. بعضی‌ها با زمان مقرر به خاطر اشکال مهتاب موافق نبودند و جمعی با تأخیر، به خاطر آماده شدن نیروها و امکانات در پای کار و احتمال قوی کشف شدن عملیات در صورت تأخیر و برگشتن نیروها که مدت تعهدشان تمام شده، مخالف بودند: آقایان [محسن] رضایی و [علی] شمخانی موافق و آقایان [غلامعلی] رشید و رحیم [صفوی] مخالف. سرانجام قرار شد من و آقای رضایی تصمیم بگیریم. ما دو نفر به اضافه دکتر روحانی با توجه به اظهارات، به مشورت پرداختیم و عمل کردن در وقت مقرر را ترجیح دادیم و به قرارگاه چهار اعلان کردیم و قرار شد عملیات آغاز شود، مگر اینکه فرمانده سپاه تشخیص بدهد که مشکل عمدۀ‌ای دارند.

تردیدها بسیار رنج دهنده است. برای اولین بار در تاریخ جنگ، قبلاً از عملیات دچار چنین حالی شده‌ام. شاید به خاطر وضعی که در عملیات کربلای چهار پیش آمد و چشممان ترسید و به خاطر مسئولیت مستقیمی که دارم و همین وضع درباره فرماندهان دیگر هم صادق است.

پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ جمادی الاول ۸ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز همراه دکتر روحانی و سرهنگ ترابی به اهواز آمدم، چون محافظان معتقد بودند، قرارگاه در روز امنیت ندارد، قرار شد روزها در قرارگاه نباشیم و شبهای باشیم. به دفترم گفتم که خبری در اخبار ظهر پخش کنند که غیبت ما را از تهران توجیه نماید، ولی بالاخره گویا خواسته‌اند خبری در مورد ملاقات با امام باشد. امام موافقت نکرده‌اند که خبر ملاقات بدون واقعیت پخش شود.

دکتر روحانی و سرهنگ ترابی برای سرکشی به مرکز دریابی و پدافند و قرارگاه ابوالفضل(س) رفتند. ما هم در محل گلف ماندیم. آقای رئیس جمهور وضع را سوال کردند. بعد از شام دسته جمعی دعای توسل خواندیم و برای پیروزی رژیوندگان دعا کردیم.

قرار است عملیات ساعت دو بامداد شروع شود. خواهیدم و به آقای سنجقی گفتم هرگونه تحولی را به من اطلاع دهد و تلفنی با قرارگاه‌ها در تماس باشد. ساعت دو و ربع بامداد اطلاع دادند که عملیات ساعت یک شروع شد و در اغلب محورها موفق شده‌اند تا خط دشمن را در شلمجه بشکنند. عملیات کربلای ۵ با رمز "یازهرا(س)" آغاز شد!

۱- نام گذاری سال ۱۳۶۵ به «سال سرفوش»، عدم هر مقیت در عملیات «کربلای ۴» بحران برزگی را برای جنگ ایجاد کرده بود. آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی، ادامه جنگ را به شرط تضیین پیروزی مقبول می‌دانست و فرماندهان بگاه‌های سپاه پیز که از تابع عملیات «کربلای ۴» دچار فشار زوچی بودند و نیز استحکامات شلمجه را غیرقابل عبور می‌دانستند، به تنها تضیین پیروزی زا میسر نمی‌دانند، بلکه کسب موقوفیت دو شلمجه را غیرقابل دسترسی از زیابی می‌کردن. اما در این میان فرمانده سپاه که از شکست در کربلای ۴، فقط ضعف دشمن در شلمجه را شناسایی کرده بود، از افزای امنیت واری برد که در حملات تضییم‌گیری بر اجرای عملیات در منطقه شلمجه اصرار می‌ورزید و به عمارت دیگر، اگرچه عملیات «کربلای ۴» به همین‌گونه بینجامد. لیکن تاکتیک به کار رفته در آن عملیات در محور شلمجه که سبب شکسته شدن خط دشمن و تقدیر به عمق مراضع آنها شد، آسیب پذیری موائع مستحکم شرق بصره؛ را آشکار ساخت. به هر صورت، عملیات «کربلای ۵» در وضعیت سیار دشواری طی‌آمده و بلااصله آغاز شد. در این عملیات مواقع عراق در کانال پرورش ماهی، پنج فلوجه و شلمجه از سمت شمال مورد هجوم قرار گرفت و سیاری از دشنهای نفوذناپذیر تسخیر شد. از آن جاکه این عملیات تنها دو هفته پس از پایان عملیات کربلای ۴ به وقوع پیوست، دشمن از نظر زمان غافلگیر شد. همچنین به دلیل این که جهت هجوم نیروهای خودی، غالباً جهت آزادی نیروهای عراقی بوده، در تاکتیک نیز دشمن غافلگیر شد. به این ترتیب خلیلودی عراق در متوقف کردن عملیات ابرالخطبی (کربلای ۴) دیری (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

عکس دعا و تصریح توسط آقای هاشمی

جمعه ۱۹ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۹ Janu ۱۹۸۷

ساعت چهار بامداد است و در گلف اهواز هستیم. ساعت دو و پانزده دقیقه بامداد آقای سنجقی بیدارم کرده و اطلاع داد پیش روی آغاز شده و چهار واحد ثارالله، فجر، عاشورا و سیدالشهداء خطها را شکسته‌اند.

(ادامه پاپریقی از صفحه قبل)

پایین و دو هفته بعد بصوره که زمین‌های اطراف آن بسیار مسلح و غیرلایذر شاخته می‌شوند، در مقابل هجومی جدید و تهدیدی جدی قرار گرفت؛ همچوں نیروهای پیاده‌ای که اگر به زرهی ز همی کپر تجهیز شده بودند، پیش روی آنان تا دروازه پصره مسلم به نظر می‌رسید. فرست دادن به پیروهای رزمی سپاه و راگداری این منطقه، به معنای تسلیم عراق و تختن حراسه‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ بود، لذا عراق پذیرفته که برای سد کردن حرکت رژیم‌گان ایران بهای سگنی بیزاده و باگسل این‌دو نیروهای خود را منطقه‌ای با وسعت گم، در زیر آتش شدید و مؤثر تیروی خودی استفاده نماید. این اقدام که به عنالش شدن شمار فراوانی از یگان‌های عراقی انجامید، بدین معنا بود که دشمن برای اول دست ندادن زمین شری پصره، آماده پذیرش تلفات فراوان است. در عین حال ارتش عراق توانست مانع از مفوتوط هرچیز در شرق پیروه شود و ۸۰ درصد از هدف‌های عملیات کربلای ۵ تأمین شد. پیروزی ایران در این زمین شناسی معکوس پایان جنگ را ذر بی داشت. غیره از استحکامات شرق پصره نشان داد پیروزی ایران در هر وضعیت متصور است و استحکامات و تجهیزات عراق نبی این‌درو بازداشت رژیم‌گان ایران نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد، لذا برای جلوگیری از شکست ارتش عراق غالش گسترده‌ای صورت گرفت که در نهایت به تصریب قطعنامه ۵۹۸ انجامید. در این عملیات حسین خرازی و استاعلی دفایقی فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و ۹ بدر به شهادت رسیدند.

بلند شدم، وضو را گرفتم برای نماز شب. احساس کردم حال عبادت دارم. این اثر شکست حمله قبلی است که من را بیشتر متوجه به خدا کرده است. لابد روی دیگران هم چنین اثری داشته است. بالعینان اثر شکست را در ساختن انسان‌ها و شکستن غورها در وجود خودم لمس می‌کنم و این نعمت عظیم الهی را می‌بینم که بندگانش را با تلخی و مشکلات می‌سازد و از انحراف و غفلت نجاتشان می‌دهد.

مدتی است که لذت عبادت را خوب درک نمی‌کنم. عدم توفیق در عملیات گذشته که کربلای چهار نام گرفت، ضربه بیدار کننده‌ای بود. نماز شب را و دعای کمیل و دعای صباح و مناجات «راجین» را با حان و میل خواندم.

دو ساعتی را خوابیدم و پس از اذان صبح برای نماز بروخاستم. حالی شبیه حال دوران زندان که از بهترین حالات عرفانیم بوده، داشتم. احساس رضایت از تقدیرات الهی سبکم کرده است. آقای سنجقی در ساعت سه و چهل و پنج دقیقه [بامداد] اطلاع داد، دو لشکر فجر و سیدالشهدا(ع) خوب پیش می‌روند ولی عاشورا و ثارالله کندتر حرکت می‌کنند و لشکر امام رضا(ع) نیز شروع کرده و الغدیر و المهدی هم به خط آمده‌اند. اگر تا روشن شدن هوا، جای پای محکمی بگیرند، ادامه عملیات مقدور است.

پس از طلوع آفتاب، از قرارگاه مقدم اطلاع دادند که در بخشی از منطقه عملیاتی، نیروهای ما جای پای محکمی به دست آورده‌اند و مشغول پیشروی هستند و چند پل را - که دشمن در آب احداث کرده بود - تصرف نموده‌اند و ضلع شمالی کanal پرورش ماهی را نیز تصرف کرده‌اند. در عملیات رمضان [در سال ۶۱]، هدف عبور از کanal ماهی بود که موفق نشدیم و چند بار تاکنون برای گرفتن شلمچه عملیات کرده بودیم و موفق نبودیم.

ساعت نه صبح آقای رضایی اطلاع داد که در منطقه پنج ضلعی شلمچه، نیروهای ما به جنوب کanal ماهی رسیده‌اند و تعدادی از تانک‌های دشمن را غنیمت گرفته‌اند و راه برای عبور تانک‌های خودمان باز شده و اکنون با تانک، با دشمن آن طرف آب گرفتگی می‌جنگیم و حدود ۶۰۰ اسیر گرفته‌ایم. از اینکه در روز می‌توانند حمله را ادامه دهند، راضی است.

ضمناً دشمن، گویا توپهای خودش را از اینجا به منطقه فاو برد، یا برای حمله یا برای دفاع که گویا فریب خورده و آتش توپخانه دشمن و بمباران هوایی اش ضعیف است. [سیستم دفاع موشکی] ها ک هم فعال است و تاکنون - ساعت ده و نیم - دو هواپیمای دشمن را انداخته است. تا شب، یازده هواپیما را ساقط کردیم. در آخرین ساعت روز در نقاط حساسی از زمین دشمن، سر پل داشتیم و پاتک‌های

اوج دفاع

۴۱۷

سخنرانی در جمع رژمندگان لشگر ۱۰ سیدالشهدا

عکس رزمندگان

دشمن را دفع کرده‌ایم. پنجاه تانک و نفر بر غنیمت و ۶۵۰ اسیر گرفته‌ایم که به عقب تخلیه شده‌اند. عراق حمله به شهرها را آغاز کرده و امروز سو سنگرد و دزفول را بمباران نموده و ما هم اعلام مقابله به مثل کردیم. به نیروی زمینی ارتش دستور دادم که خودشان را آماده کنند، تا در زمان مقرر حمله را شروع کنند. عصر برای رفع خستگی در جاده اهواز از دزفول رفتیم. کاهو خریدیم و همانجا خوردیم.

شنبه ۲۰ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | جمادی الاول ۱۹۸۷ Janu

ساعت پنج بیاند شد. نماز شب خواندم. برای پیروزی رزمندگان دعا و التماس کردم و مقداری از سوره انفال را خواندم. حال خوبی ایجاد کرد. ساعت شش و نیم از آقای سنجقی آخرین خبرهای میدان جنگ را خواستم. گفت ساعت سه بامداد گفته‌اند که دو لشکر نجف و امام حسین(ع)، یک تیپ مکانیزه دشمن را در محاصره دارند و لشکرهای نصر و علی بن ابی طالب(ع) از جاده شلمچه عبور کرده وارد میدان نبرد شده‌اند. گفتم آخرین اخبار را بیاورد. ساعت هفت صبح آخرین خبرها می‌گویید، دیشب پیشرفت زیادی نداشته‌ایم. امید ریسادی به

پیشرفت بود. معلوم شد دشمن توانسته تعادل خود را بیدست بیاورد و در خطوط جدید مقاومت نماید. در مجموع از نقاطی که تا دیشب گفته بودند، در اختیار داریم، در بعضی موارد جلو رفته ایم و در بعضی موارد عقب و در مواردی ثابت مانده ایم. به احتمال قوی امروز درگیری ها شدید خواهد بود. هوا بری و نیروی هوایی دشمن ضعیف است.

ساعت هشت و نیم اطلاع دادند یک هوایی دشمن ساقط و خلبانش اسیر شده است. درخواست کمک بیشتر هوایی روز و هوایی شد. با سرهنگ جمالی جانشین فرمانده نیروی زمینی برای ساعت (س) روز عملیات ارتش مذاکره کردیم. سه روز مهلت خواست. با مهلت دو روز موافقت و ابلاغ گردید. بعضی ها معتقدند آنها می خواهند با تأخیر یا از حمله معاف شوند - در صورت ناموفق ماندن عملیات جاری - و در صورت تداوم یا پیروزی کامل عملیات جاری، جبهه مقابل آنها خلوت شود. تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر پاتک های دشمن به شدت ادامه دارد و گاهی در صفوف ما نفوذ می کند و سپس عقب زده می شود. در غرب کانال ماهی فشار بیشتر است.

بعد از ظهر آقای رضایی اطلاع داد که حمله ای داشته ایم و پیشرفت خوبی بوده است. اول شب اطلاع دادند که کلیه پاتک های امروز دشمن دفع شده و خودمان را برای حمله به دشمن آماده می کنیم. آقای رفیق دوست از قرارگاه مقدم آمد و گزارش حضوری داد. مطلب جدیدی نداشت. خواستار تغییر محل سایت موشکی ها ک شدند که با رسیدگی و مذاکره با سرهنگ [منصور] ستاری [معاون طرح و برنامه نیروی هوایی] مصلحت نمایدیم.

آخر شب اطلاع دادند در سه محور حمله کرده ایم و ساعت دو با مدد اطلاع دادند که هر سه محور موفق بوده اند. آقای محمدی عراقی آمد و خبر آورد که تعداد شهدا در کربلا پنج، خیلی کم است. دکتر کی نژاد آمد. وضع هوا در سه روز آینده را گفت. عراق امروز به بروجرد، رامهرمز و نهادوند موشک زد و اصفهان را بمباران کرد؛ همان رفتارهای معمولش که بعد از هر شکست، با شرارت در شهرها و مراکز غیر نظامی عمل می کند.

یکشنبه ۲۱ دی ۱۳۶۵ | ۱۰ جمادی الاول ۱۴۰۶ | 11 Janu 1987

ساعت دو با مدد آقای سنجقی بیدارم کرد و گفت برای انتقال مجر و حان، نیاز به هوایی می بیشتر داریم. آقای دکتر روحانی را بیدار کردیم. مذاکره شد. چون هوا در فرودگاه اهواز مساعد نیست، قرار شد

آنها را به امیدیه ببریم و از آنجا منتقل کنیم.

بعد از نماز صبح و استحمام، گزارش جبهه را از آقای رضایی گرفتم. راضی و خوشحال بود و اطلاع داد پاتک‌های دشمن در چند محور با نیروهای تازه نفس گارد مخصوص شروع شده است. مرتبأ وضعیت قرمز و آژیر خطر به صدا در می‌آمد. عراق حمله به شهرها را شروع کرده و با سمعت ادامه می‌دهد. ما هم مقابله به مثل می‌کنیم.

تردیک ظهر، آقای رضایی اطلاع داد که پاتک دشمن دفع شده و در محور جنوب که به سوی حریره بوارین پیش می‌رویم، موقوفیت‌های خوبی داشته‌ایم. از تاخیر دو روزه عملیات ارتشم اظهار شکوه کرد. به نخست وزیر در جلسه هیأت دولت تلفنی گفتم، اعتبار سپاه را بدنه و خبر موقوفیت‌های دیشب را دادم.

احمد آقا هم تلفنی از اوضاع جنگ پرسید و جواب گرفت. اطلاع داد که آیت‌الله منتظری نامه‌ای به امام نوشه و از احتمال تبعید آسیدهادی اظهار نگرانی کرده و گفته چون کمک کار تجواهند داشت، اگر بناست او تبعید شود، پس به ایشان اجازه داده شود که متزوی شوند.

اطلاع رسید که امروز صبح اعضاي سپاه پاسداران توanstه‌اند، موشك اسکاد-بی به بغداد شلیک کنند. خوشحال شدیم، چون مأموران لیس اخیراً از همکاری استکاف کرده‌اند و معلوم نبود که خودمان پتوانیم عمل کنیم. مخصوصاً وقتی که خبر گزاری‌ها از شنیده شدن انفجار در بغداد خبر دادند، اطمینان کامل پیدا شد. این توفیق نیروهای خودمان در راه اندازی سایت موشكی، فتح مهمن است.^۱

بعد از ظهر، اطلاعات بیشتری از موقوفیت در محور جنوبی شلمچه و درگیری در جبهه غربی آن

۱- موشك اسکاد برای بسیاری از ایرانیان به ویژه ساکنان استان‌های خوزستان، ایلام و تهران یادآور خاطرات دردناکی از موشك باران‌های شبانه عراق است. موشك‌های ۹ متری در جیان‌های ۷ متری. موشك اسکاد در اوسط دهه ۵۰ میلادی نوسط شوری بالگیرداری او طرح‌های بدبست آمده از آلسان تولید شد. موشك اسکاد-بی دوین مدل خانواده موشك‌های اسکاد است. سیستم هدایت این موشك به کنترل اینرسایی تغیر کرد که دقت آن را از ۴۰۰۰ متر به ۴۵۰۰ متر افزاید. این موشك از پیک موتور ساخت مابع استفاده می‌کند که به آن تردد بین ۱۶۰ تا ۲۵۰ کیلومتر می‌دهد و قادر است کلامک چنگی تا ۵۴۰ کیلوگرم را در معرض موشك اسکاد-بی به همراه خود لیاز به ۶ نفر خدعاً برای راه‌اندازی و کنترل شلیک دارد. اولین حضور رزمی موشك اسکاد به سال ۱۹۷۳ و چنگ اغرا و اسراطیل بر می‌گردد که مصر تعداد عجولی موشك اسکاد به اسراطیل شلیک کرد. در جریان حمله عراق با ایران نیز بین از ۶۰۰ فروند موشك اسکاد توسط دو گشورد مورد استفاده قرار گرفت. حملات موشكی ابتدا توسط عراق آغاز شد و چون اسکاد دارای دقت زیادی نیست و برای حملات دقیق مابع استند، فقط برای تأثیرگذاری ایران مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در سال‌های بعد نیز ایران برای پاسخگیری به حملات عراق، شهرهای این گنبد از جمله بغداد را مورد حمله قرار داد. یک سال پیش از پایان جنگ، عراق سر چنگی موشك‌ها را گوچکتر کرد تا ایران ساخت آنها را افزایش دهد، به این ترتیب موشك‌های جدید به برد ۶۵ کیلومتر رسید که موصوم به موشك «الحسین» شد و ۱۷۰ فروند به تهران و شهرهای حرمہ شلیک گردید. در سال‌های بعد عراق موشك «النعمان» را با برد ۸۰ کیلومتر طراحی کرد که هیچ‌گاه به مزد تولید و استفاده نرسید.

گرفتیم. برای تفرج به بیرون اهواز رفیم. کاهو خوردم و اسلحه‌ام را آزمایش کردم. اول شب درباره محل سایت موشکی هاک تصمیم‌گیری کردیم. با آقای خامنه‌ای، تلفنی درباره فرمانده نیروی هوایی صحبت کردم.

امروز عصر هم عراق به باختران و ایلام موشک زده نشان ضعف و استیصال است. با آقای رضایی، آخر شب تماس گرفتم. معلوم شد نیروها در منطقه عملیاتی کربلای پنج از چند محور پیشروی را آغاز کرده‌اند و راجع به ادامه عملیات و عملیات آینده ارتش صحبت کردیم.

تلفنی باعث در متول حرف زدم. گفت مردم خیلی از پیروزی‌ها خوشحالند و گفت که نقل شد من مجروح شیمیایی شده‌ام. گفتم دروغ است. لابد خبر مصدوم شیمیایی شدن مهدی در عملیات گذشته هم به این صورت درآمده است. آمار شهدا و مجروهان را گرفتم. تا ساعت نه صبح تعداد ۹۳۱ شهید و ۶۰۱۰ مجروح داشته‌ایم.

دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ جمادی الاول Janu ۱۹۸۷

اول از آقای محسن رضایی در مورد عملیات دیشب اطلاع گرفتم. معلوم شد در محور جنوب به جزیره بوارین رسیده‌اند و مشغول پاکسازی جزیره هستند و در نقطه‌ای بر سر قرارگاه دشمنان در گیرند. در محور غرب سلمچه، پیشرفت نداشته‌اند و فقط انهدام دشمن انجام شده؛ گویا دشمن هم با حضور شخص صدام در این محور، برنامه تهاجم وسیع داشته که شکست خورده است. در شمال جبهه با تصرف پلی بر روی کanal ماهی پیشرفت کرده‌اند. به آقای خرازی گفتم تبلیغات را با شور و حال ادامه دهند. از مشکلات فیلمبرداران در جبهه و سخت‌گیری حفاظت، شکوه شد که کمک کردیم.

آقای روحانی اطلاع داد که به آقای صدیق فرمانده نیروی هوایی گفته‌اند در بیمارستان به صورت ظاهر بستری شود، تا تکلیف مسأله [سرهنگ عابدی] خلبان رئیس ستاد نیرو که با اجازه شخص صدیق به لندن رفته و خانواده‌اش را برده و احتمالاً از ترس تعقیب یک اتهام برنمی‌گردد، روشن شود. عصر آقای روحانی و آقای ترابی، برای بررسی برنامه عملیات ارتش به غرب رفتند. امروز هم عراق به شهرها، حمله وسیع با بمباران و پرتاب موشک داشته است. مهمترین حریبه‌اش را به کار گرفته. تعداد شهدا تا امروز ۱۵۰۰ نفر است.

اول شب آقای سعیدی مسئول حفاظت سپاه آمد. گزارشی در مورد پرونده [همایون] انصاری

عکس رزمندگان

【شیرازی】 - دلال اسلحه که اخیراً به اتهام گرفتن مبلغ کلانی از اتریشی‌ها در معامله توب ۱۵۵ و رشوه دادن به مستولان بازداشت شده - داد.

شب به محل قرارگاه سابق خاتم در جاده اهواز خرمشهر رفیم. آقایان رحیم صفوی، رشید و رفیق دوست از منطقه عملیاتی آمدند. توضیحاتی درباره برنامه عملیات و وضع موجود دادند.^۱ دشمن به سختی مقاومت می‌کند و پیش روی ما به کنندی انجام می‌شود. نیروها نیاز به واحدهای تازه نفس دارند. اصرار داشتند که عملیات ارتش به تأخیر نیفتند که دشمن مجبور به تقسیم نیروهایش بشود و می‌تواند نیروی زیاد به منطقه پصره بیاورد.

در انتهای کانال ماهی، دشمن در میان نیروهای ما موقوعی را حفظ کرده و مانع الحق دو بخش مهم صفوی ما در پنج ضلعی و کانال می‌شود. به گلف برگشتم. امروز دستوری به واحدهای سپاه صمنی بر تداوم عملیات و بهره برداری کامل از امکانات و نیروها خطاب به فرمانده سپاه دادم.

سه شنبه ۲۳ دی ۱۳۶۵ | ۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۱۳ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح با آقای شمخانی تلفنی صحبت کردم. دیشب توانسته‌اند یکی از قرارگاه‌های مهم

۱ - شرح کامل عملیات گربلای ۵ در بخش قصاید همین کتاب به تفصیل درج شده است.

دشمن در شرق رود دویجی را تصرف کنند و نیروی کافی وارد جزیره بوارین کنند. دیشب هم وارد شده بودند، ولی چون مشکل همان قرارگاه باقی بوده، پیشرفتی حاصل نشده بود. آقای محسن رضایی اطلاع داد که موشک به بغداد رسیده شده است. دستور دادم حل مسأله نفوذ دشمن در میان دو بخش در اولویت قرار گیرد. قرار است برای نظارت بر عملیات ارتش به غرب بروم.

آقای [احمد] وحیدی آمد. از قربانی فر نقل کرد که به کنگرلو گفته نظامیان سوری به عراق آمده‌اند و هدایت عملیات در مقابل ما را به عهده گرفته‌اند. لحن شوروی در حمایت از عراق، اخیراً صریح و گستاخ شده است.

ساعت نه صبح به سوی غرب حرکت کردیم. در بین راه از اندیمشک وضع جبهه را رسیدیم. نگران بودیم؛ چون نیروهای گارد رئیس جمهور عراق، امروز پاتک سنگینی آغاز کرده‌اند. تا هار را در کافه‌ای در نزدیک کوه‌دشت خوردیم و نماز ظهر را همانجا خواندیم. نزدیک غروب به اسلام‌آباد غرب رسیدیم. تازه بهماران شده بود. مردم شهر را تخلیه کرده بودند و شیوه تعطیل عمومی بود، حتی پمپ بنزین‌ها هم کار نمی‌کرد.

اول شب به قرارگاه غرب نیروی زمینی ارتش در ارتفاعات مشرف به سومار و نفت شهر رسیدیم.^۱ در بین راه بعد از کوه‌دشت تا اینجا، همه جا از میان جنگل‌های بلوط گذشتم. خوشختانه در غرب این همه جنگل خوب داریم.

در قرارگاه، آقای حسنی سعدی و آقای جمالی گفتند که دیشب یک اسیر عراقی گرفته‌ایم. او گفته که از عملیات ما مطلع‌اند و آنها هم یک درجه‌دار از ما اسیر گرفته‌اند. نظرشان را راجع به انجام عملیات خواستم. گفتند بهتر است عمل بکنیم. آنها برای انجام عملیات جلوتر رفته‌اند. من هم در قرارگاه به انتظار ماندم.

احمد آقا تلفنی پیغام داد که زدن موشک به بغداد خیلی موثر بوده، باز هم زده شود. گفتم بزنند.

۱ - عملیات آزاد ساری «نفت شهر» قرار بود هم زمان با عملیات «کربلای ۴» در جنوب، در مقطعه‌ای ریح انجام شود، زیرا آزادی این منطقه و پیشروی به سوی «نفت خانه» عراق، علاوه بر آزاد سازی بخشی دیگر از خاک خودی، می‌توانست جبهه جدیدی را هم زمان با عملیات جنوب، بگشاید و دشمن را تغیری سازد، اما این حرکت موادی که قرار برد ۴۸ ساعت پس از تروع عملیات جنوب آغاز شود، با ترتفع عملیات «کربلای ۴» به تعویق افتاد. آغاز عملیات «کربلای ۵» در نزدیکی بصره، به دلیل اهیت این منطقه برای عراق، و اکنون شدید ارتشد این کشیور را برانگیخت، چنان‌که مسگن‌ترین درگیری‌های تمام طول تاریخ جنگ تحریکی به وقوع پیوسته و تداوم عملیات با مقامات سیار شدید دشمن هواجده شد، در این زمان اجرای عملیات در نفت شهر بیش از پیش ضرورت یافت، خابرا این، عملیات «کربلای ۶» که در ارتش جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی شده بود، به اجرا درآمد، در صورت موقوفت این عملیات، از فشار دشمن در جنوب کاسته می‌شد و پیشروی خودی در مقطعه شرق بصره تسهیل می‌گردید. اما در عمل نیروهای خودی در شکست و غور از خط دشمن توافقی نیافتند و عملیات متوقف شد. و دین ترتیب نفت شهر آزاد شد، نفت خانه مورد تهدید قرار نگرفت و از شمار دشمن در مقطعه شرق بصره کاسته نشد.

موشک هاک و نار

بعد از نماز و شام، دعای توسل خواندیم. ساعت ده و نیم، عملیات بارمز یا فاطمه الزهراء(س) آغاز شد. نیروی زمینی با پنج لشکر عمل می کند. از بام قرارگاه، خواستم منظره را بینم، ولی جز صدای توپ ها و برق آتش سلاح ها، چیزی قابل تشخیص نبود. به انتظار نتیجه ماندیم. اطلاع رسید عراق، خرم آباد و باختران را بمباران کرده و در جنوب موقعیت داشته ایم.

چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | Janu ۱۹۸۷

نردیک صحیح بیدار شدم. از نتیجه عملیات اطلاع گرفتم. گفتند در دو محور راست و چپ موفق بوده اند، ولی در دو محور وسط که اصل و هدف عملیات بوده، پیشرفتی نداشته اند. آقای روحانی هم صحیح از قرارگاه جلو آمد و شرح کار را داد. آقایان حجازی و رازیانی هم آمدند. هایوس نبودند، ولی آقای روحانی به ادامه کار خوشبین نیست. سایت هاک^۱ را هم که بنا بود اینجا بیاشد، هنوز راه

۱ - موشک هاک (HAWK) نوعی سامانه موشکی زمین به هوا برای اینفاکات بالا است. این موشک که میان برد و مساحت شرکت آمریکایی (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

نینداخته‌اند. گویا یک بخش آن از هلی‌کوپتر حامل آن افتاده و خراب شده است. برنامه تبلیغی را مشخص کردیم و آقای خرازی به اجرا پرداخت.

با قرارگاه عملیات کربلای پنج در جنوب تماس گرفتیم. دیروز و دیشب هم پیشرفت‌هایی داشته و پانک‌هارابه خوبی دفع کردند. امروز مشغول پاکسازی جزیره بوارین هستند. عصر فرماندهان ارتش آمدند و جمع‌بندی عملیات را گفتند. قرار شد عملیات را ادامه دهند. نیاز به گمیرسی داشتند، به آقای فروزنده گفتم که تأمین کنند. با اتومبیل به سوی تهران حرکت کردیم. از ساعت پنج عصر تا سه بامداد در راه بودیم.

پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۶۵ | ۱۴ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۱۵ Janu ۱۹۸۷

ساعت نه صبح به مجلس آمدم. از جبهه‌ها سراغ گرفتم. جنوب خوب است و غرب جالب نیست. پیشروی جنوب هم کند است. بعد از تنفس در جلسه علنی شرکت کردم، پس از ختم جلسه، اوضاع جبهه‌ها را برای نمایندگان توضیح دادم. خیلی خوشحالند. بماران شهرها در سایه پیروزیهای جبهه، تلحی و تاثیرات سوء معمولی راندارد.

ظهر و عصر در دفترم به خواندن گزارش‌ها و رسیدگی به امور جنگ گذشت. شب آقایان نخست وزیر و رئیس جمهور آمدند. توضیحات وضع جبهه‌ها را دادم و در امور مربوط، مشورت شد. در مورد فرماندهی نیروی هوایی و مسئله کویت و انتقاد از شوروی در نماز جمعه فردا بحث شد. شب به خانه رفتم.

جمعه ۲۶ دی ۱۳۶۵ | ۱۵ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۱۶ Janu ۱۹۸۷

از جبهه‌ها خبر گرفتم. در جنوب پیشرفت داشته‌ایم و در جزیره بوارین و در غرب خبری نبوده، جز

(اداوه یاور قی از صفحه قبل)

ریبون است. موشک‌هاوک که در ایران به «هاک» معروف است، در آغاز برای تایدسازی هواگردها طراحی شده بوده ولی بعداً برای نابود کردن دیگر موشک‌ها از تغییراتی در طرح دادند. موشک‌هاوک از سال ۱۹۶۰ میلادی وارد خدمت شده است. در ماجراهای مکن فارسی، ایران تعدادی از این موشک‌ها را توانست از این کشور خریداری نماید.

پانک دشمن، در نماز جمعه عمدتاً درباره جنگ حرف زدم.^۱ عصر احمد آقا آمد. درباره جنگ و فرماندهی نیروی هوایی صحبت شد. آقای رحمانی آمد و درباره اعزام نیروهای بسیج، برای اعزام نیروی انبوه در دهه فجر مشورت کرد.

شب بیشتر به مطالعه گزارش‌های رسیده چند روز سفرم گذشت. امروز ما به بغداد موشک زدیم و عراق چند مورد بمباران شهرها داشت. در حال اقامه نماز جمعه و ابراد خطبه، وضعیت قرمز اعلان شد و آژیر خطر به صدا در آمد و وضع مراسم عادی ماند و من به صحبت ادامه دادم و مردم مضطرب نشدند. همان لحظه قم بمباران شد و در نماز جمعه قم، مردم با شعار و حماسه به استقبال بمباران رفند.^۲

شنبه ۲۷ دی ۱۳۶۵ | ۱۶ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۱۹۸۷ Janu

بعد از نماز تا ساعت نه صبح، در منزل گزارش‌ها را خواندم. از [جهه] غرب، فرمانده نیروی زمینی

۱- در این خطه آقای هاشمی انداده وضعیت جنگ در میدان‌های برد را تشریح کرد، سپس به بیان اهمیت جزیره بواریون برای عراق، تحلیل رفت. نیمه نظایر عراق، نقش هوانیروز در عملیات کربلای پنج، نتایج عملیات کربلای پنج با عملیات والتجو هشت، مقاومت شهرهای مرزی در مقابل سوارانهای عراق، اشتباه بزرگ عراق در سواران شهر مقدس تم و لزوم تداوم عملیات اخیر پرداخت. در بخشی از خطه دوم آمده است: "وارد شدن به رصده در این جنگ مسائله‌ای نیست، یعنی اگر هدف ما این باشد که وارد پهنه شرمن، مسکن است یک راهی که راههای زیادی هم در پیش است؛ راه باریکی پیدا کنیم و به پصره برویم اما این هدف نیست، چیزی را نمی‌کنند. پاید ما در کنار پصره با عراق تسویه حساب کنیم. پاید اینجا مسائلی که برای آینده جنگ لازم است، تأمین کنیم. سواران هدف خودمان روش است و تبلیغات انحرافی استکار جهانی هم نمی‌تواند مسائلی را منحرف کند و رژیم‌ها طرح خودشان برایشان شخص است و دارند همان راهی که برناخته بودند کردند و بعد الله همان گونه که برناخته بودند شده برد و همان جا که ما مابین بودیم با ارتش عراق درگیر باییم، در همان نقطه درگیر هستیم. اگر یک مقدار عقب بر برمی‌یم، در آب درگیر بودیم، اگر یک مقدار جلوی باییم، مسائل دیگری مطرح است. اینجا جای نسیبه حساب است و اینجا جایی است که باید برای دنیا معلوم شرکت کرد و اقی مال کیست؟ و این ملت ما هستند که قوی‌اید، مقدارهای پرشانی که می‌خواهند در بناء رزق و بر ق بولاد و عرض هوابیمه خودشان را معرفی کنند و خودشان را حفاظت کنند." و جو عکس کنید \leftarrow کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم، دفتر نشر معارف اقلیات، ۱۳۸۷"

۲- شورای امنیت سازمان ملل، در این روز با انتشار یک درخواست فریزی، بار دیگر خواستار پایان دادن جنگ میان عراق و ایران به ویژه حمله به هدف‌های غیرنظامی شد. ۱۶ عضو شیرا در بیان چندین روز اجلام در پشت درهای بسته، من کامل درخواست اعضا را منتشر کردند. این متن حاکمی است شورای امنیت عصیاً بگران است که از زمان درخواست اولیه خود در ۲۲ دسامبر، درگیری‌ها میان ایران و عراق اشیده شده و خطر جنگ که هم اکنون بیش از شش میلیون نفر از آن می‌گذرد، تهدید فراپنه و متوجه ثبات منطقه نموده است. این درخواست گسترده‌تر قابل ملاحظه جنگ که در برگیرنده تقاضا جدی اصول و فواید بین‌المللی و سایر فواین جنگ می‌باشد را حاصلتر شان ساخته که اشاره‌ای به جملات علیه هدف‌های غیرنظامی و اسناده از سلاح شیمیایی بوده است. در این بیانیه از شورای امنیت خواسته شده که هرگونه اقداماتی را جهت توقف درگیری‌ها و حل اختلاف از طریق صلح جویانه ادامه دهد. آقای میرحسین موسوی نجاست وزیر دو بیان جلسه هیأت دولت بیانه شورای امنیت را غیرمعهده و ناعادلانه خواند و آن را رد کرد.

گفت در اثر پاتک دیروز دشمن، دیشب نتوانسته‌اند عمل کنند و به فردا شب موكول شده است. به مجلس آمد. تا ظهر به خواندن گزارش‌ها گذشت. آقای معادیخواه، تلفنی خواست بودجه ماهانه بنیاد تاریخ را تا چهار صد هزار تومان بالا ببریم.

آقای اقبالی برای تعیین مسأله سفر به جنوب آمد که قرار بود با قطار برویم، ولی در اثر بمباران پل تله زنگ، قطار نمی‌رود، به آقای شهاب گفتم از امکانات قرارگاه ابوالفضل(س) برای آزمایش استفاده شود. اطلاعات از [جهه] جنوب می‌گوید که کار تسخیر جزیره بوارین تمام شده و جمعی از غراییها فرار کرده‌اند. نیروهای ما در حال تسخیر جزیره ماهی و طویله در جنوب بوارین هستند. ظهر صدای انفجاری شنیده شد و بلافصله ضد هوایی‌ها کار کردند و سپس وضعیت قرمز اعلان شد. بعداً معلوم شد دو هوایی‌ها عراقی به شمال غرب تهران نفوذ کرده و در ولنجک بمب انداخته‌اند که دو نفر شهید و جمعی مجروح شده و شیشه‌های خانه‌ها - منجمله منزل اخوی محمد - در منطقه وسیعی شکسته و نیروی هوایی اصلًا اثری از آنها را در رادارها ندیده است.^۱

شب با دیگر سران قوا مهمان احمد آقا بودیم. امام هم شرکت کردند. از نتایج عملیات راضی‌اند. توضیحاتی درباره عملیات جنوب دادم. اصرار به ادامه عملیات دارند. اجازه ندادند که موشك به بندر کویت بزنیم.

بعد از رفتن ایشان درباره آسید هادی هاشمی صحبت شد. وزارت اطلاعات از امام اجازه تبعید خواسته و امام به سران قوا محول کرده‌اند.^۲ من با تبعید مخالفت کردم و گفتم پستی بدھیم و مامور به

۱- این حمله مقابله ساعت ۴۲-۴۵ دقیقه انجام شد و در اثر آن چهار منزل مسکونی ویران و به چند مساحات خسارتی وارد آمد. همچنین تا شعاع پانصد متری محل اصابت راکت با پست، شیشه‌های مازل شکست. یک مرد ۵۵ ساله و دو کودک دو و چهار ساله در این حمله هوایی به شهادت رسیدند. در این روز چند نقطه مسکونی شهر تبریز در دو نوبت هدف بسازان هوایی‌ها عراقی فرار گرفت. در این حملات ۱۵ نفر شهید و ۲۵ نفر مجروح شدند. در اثر این حمله هوایی ۴۰ واحد مسکونی تخریب شد و به چند واحد مسکونی دیگر خسارتی وارد آمد. در اعزام نیز بسازان و خشانه هوایی، باعث شهادت ۳۳ نفر و مجروح شدن ۴۰ نفر گردید. در اضطرار تجاوز دو هوایی‌ها مهاجم عراقی و بسازان مقاطع مسکونی مستضعف نشین ای شهر، هر جو شهادت یک نفر و مجروح شدن ۵ نفر شد. در کویت هدسته، بسازان هوایی ۱۷ شهید و ۱۰۰ عجزروح بر جای گذاشت. شهر خرم آباد نیز مورد تجاوز هوایی‌ها عراقی فرار گرفت و چهار نفر شهید شدند و به چند واحد مسکونی آسید رسید.

۲- آقای محمدی ری شهری این موضوع را در نامه‌ای از صحیر حضرت امام (ره) درخواست کرد، امام خمینی در مورخه ۲۴ دی، آن را به رؤسای سه قوه احالة فرموده و در ۲۸ دی با آن موافقت کردند. من تاکه به این شرح است: "بسمه تعالیٰ، رهبر انقلاب و بنایگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی - سلام علیکم" با ابررسی‌های انجام شده درباره اتهامات آقای سید هادی هاشمی، وزارت اطلاعات به این نتیجه رسیده که لازم است تا امر رهبری تیر نظر این وزارتخانه به یکی از اتفاقات کشور تعیین گردد. موافقت و اجازه حضرت عالی ارای اقدام ضروری است. ۱۰/۲۳ - مجیدی ری شهری "پاسخ حضرت امام: "بسمه تعالیٰ، رؤسای محترم سه قوه در این امر رسیدگی نمایند و آنچه تشخیص داده شده مجالزید، عمل نمایند. ۲۴ دی روح الله المرتضی الحمینی "پاسخ" باشیم: "بسمه تعالیٰ، با حفظ تمام مرازین عدل و ادامه پاورتی در صفحه بعد)

خارج کنیم. آقای موسوی اردبیلی هم با نظر من موافقت کردنده، به نتیجه رسیدیم. درباره مصاحبه من با رادیو آمریکا - به طور مستقیم و پخش زنده - بحث شد. همه موافقت دارند. قرار شد انجام شود. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ جمادی الاول ۱۹۸۷ Janu ۱۸

بعد از نماز به مجلس رفتم. با جبهه تماس گرفتم. در منطقه نفت شهر، ارتفاع مهمی در شرق نفت شهر را گرفته‌ایم، در جنوب هم به طرف بصره پیشرفت داشته‌ایم. قبل از دستور در جلسه علنی سخنانی ایراد کردم^۱ که بیشتر به منظور جا افتدن حضورم در تهران قبل از رفتن به جبهه بود.^۲

به دفترم آمدم. آقای [علی اکبر] ناطق نوری آمد و برنامه‌ای برای عمل در داخل عراق ارائه داد که قرار شد بعد از سفرم بررسی شود. آقای سیدزاده آمد و در مورد سفر رئیس مجلس صحرامشourt کرد.

ساعت نه و نیم با اتومبیل به سوی اهواز حرکت کردیم. در بین راه قم، لباس نظامی پوشیدم. از سلفچگان، جاده دلیجان، محلات، خمین، الیگودرز، ازان، درود و خرم آباد رفتیم. با اینکه قدری دورتر شد اما به علت تازگی داشتن، کمتر خسته کننده بود. مغرب به خرم آباد رسیدیم. تا هزار را در مزرعه‌ای در حومه الیگودرز خوردیم. پاسداران از کافه

(ادامه پاروپنی از جمعه قبل)

انصاف حراقت می‌شود. ان شاء الله تعالى مرق باشد. ۲۸ / ۱۰ / ۶۵ روح الله موسوی الحسینی "رجوع کنید" کتاب "صحیحه امام"، جلد بیست، صفحه ۱۸۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: "از طرف همه نمایندگان مجلس تشکر می‌کنیم از رژیوندگان عربستان که این روزها حرکات شان مایه عظمت اسلام و وحدت کفر و ارتقای در منطقه است ما از پیروزی‌های چشتگیرشان و موقوفات های کم نظریشان مطلعیم و امید به آینده‌ای بین در جریان این عملیات داریم. اکنون در ساحل شمال شط العرب رژیوندگان عربی ما حدود دوازده کیلومتر از نفعه آغاز به طرف شهر بصره پیش رفته‌اند و منطقه ایل الخصیب و حوره بصره در حرب شط العرب در غاصله ۵۰۰ هنری رژیوندگان ما است که در جزایر ماهی و طبله و بوارین نیز متمرکزند. در غرب برادران جان برکت ارتشی عالی‌گاه‌های بلندی در جبهت رسیدن به اهداف شان برداشته‌اند که اخبارشان را از رسانه‌ها خواهیم شد. چیزی که برای مردم ما برای دنیا حالت است و ناید توجه رسانه‌های جمعی نی انصاف، و مراکز جهانی بی‌انصاف، را به خودش حلبت نکند، تفاوتی است که در شیوه عمل رژیوندگان ما و بعث غافلی عراق دیده می‌شود." رجوع کنید کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵"، "دفترنشر معارف اقلیات"، ۱۳۸۷

۲ - در این جلسه، نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی خطاب به پارلمان‌های دنیا در ارتباط با حملات وحشیانه عراق به تهران و مناطق عسکری کشور فرائت شد.

چلوکیاب گرفته و به آنجا آوردهند. با صفا و خوش هوا بود. نماز مغرب و عشاء را در حومه اندیمشک خواندیم و شام را در راه حاضری خوردیم. ساعت دوازده شب به اهواز رسیدیم و در گلف مستقر شدیم.

با آقای محسن رضایی تماس گرفتیم. گفت عملیاتی شروع کرده ایم و به سوی خط دشمن پیشرفت داشته ایم. قرار شد فردا برای توضیح و مشورت بیشتر اینجا بیاید. عراق امروز در شهرها شرارت زیادی کرده است. در مقابل شکست در جبهه ها، متولی به زدن شهرها شده است.^۱

دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۶۵ | ۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۶ | 19 Janu 1987

بعد از نماز با آقای شمخانی در قارگاه مقدم تماس گرفتیم. اطلاع داد که در عملیات دیشب پیشرفت خوبی داشته ایم و دو جاده در جنوب منطقه عملیاتی را که دشمن از آنها استفاده می کرد، قطع کرده ایم و خواست که نیروی هوایی، امروز فعال باشد. آقای سنجقی هم اطلاع داد که در غرب هم ارتش در ارتفاعات شر میل تثبیت شده و چند ارتفاع دیگر را هم گرفته است.

آقای رضایی آمد و توضیحات کاملی در مورد عملیات جاری و برنامه های آینده داد.^۲ دیشب از

۱ - هوایسماهای عراقی شهرهای سنجق، نهادن، ملایر، دزفول، مسجد سلیمان، اصفهان، ایلام، بروجرد و خرم آباد را ساران کردهند، در بیماران و حشنه شهر سنجق ۴۲۰ نفر شهید و بیش از ۱۰۵۰ نفر م vrouج شدند. هشت فروند هوایسماهی جنگی ۱۸ نقطه از شهر سنجق را ساران نمودند. در نهادن نیز ساران هوایسماهای مهاجم ۲۳ شهید و ۱۰۰ م vrouج بر جای گذاشت. در بروجرد نیز در اثر ساران، قسمت های از مسجد جامع این شهر اخوب شد.

۲ - پیروزی های چند روز گذشته نیروهای ایران در خاک عراق در اغلب روزنامه های بین المللی امروز دوشه بازتاب گشته اند داشت. این روزنامه ها تأکید نموده اند که رژیم عراق برای مقابله با حملات اخیر ایران با مسلکلات روزافروزی عراجه است و فراید بعد از نتوانسته اند سریاران ایرانی را از عواضع به دست آورده بیرون کنند. وزنایم الونکوتیدن دوپاری، ضمن اشاره به نتوحات جدید ایران می نویسد: گرچه هرگونه ارزیابی دقیق اوضاع و احوال جهه های جنگ به علت برید ناظران به طرف در محل سوار توار است، با این حال به ظرف می رسد عراقی ها پس از خشی تکردن حمله ماه دسامبر (آذرماه) نیروهای ایران و پس گرفتن جزیره کوچک، «ام الرصاص»، برای مقابله با حمله جدید ایران که در ۹ راً نویمه (۱۹ دی ماه) از طریق شهر سنجق در جنوب غربی بعضه آغاز شده، با مسلکلات به هر آئمه شدیدتر و فاهمیارتر مواده گزیده است و به هر حال می توان با غلطیت تعریس گفت ایرانیان موفق شده اند در خاک عراق مستقر شوند و عراقی ها پس از ده روز برد سرگین هنوز نتوانسته اند، آنان را از سرزمین خود براند. «لوکوتیدن دوپاری» احاطه شنای می کند لحن گفخار را دیو بغداد نسبت به ماه دسامبر گذشته که پس از آزاد ساخن جزیره «ام الرصاص» پیروزمندانه بود، اگزین تردید آمیز شده و حملات متعدد هوایسماهای عراقی به شهرهای عمدۀ ایران، علی روژهای اخیر به طور قطع نشانه مسلکلات نیروهای بعداد در جلوگیری از پیشوای های فراید تهران در جبهه جنوبی است. «لوکوتیدن دوپاری» می افزاید: این در نظره برای تحسین بار پس از دو سال در معرض شدیدترین گلوله باران توبیخانه ایران قرار گرفته و برخی از اهالی راه فرار را در آدامه پاورتی در صحنه بعد)

نهر جاسم عبور کرده و یک کیلومتری به طرف بصره پیش رفته‌اند و پاتک‌ها شروع شده است. آقای [محمدباقر] ذو‌القدر فرمانده قرارگاه رمضان آمد و برنامه عملیات داخل خاک عراق را تحقیق کرد. سرما و برف، پیشرفت کار را کند کرده است.

ظهر آقای [محمد] کوثری فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) آمد. گزارش عملیات خودش را داد. پشت کانال ماهی، سخت تحت فشار بوده و تلفات زیادی داشته است. نجیبانه از عدم هماهنگی لشکرهای سید الشهداء (ع) و ۲۵ کربلا در شب عملیات شاکی بود. اگر مطالب ایشان درست باشد، متأسفانه اشتباہی از یک موقیت مهم ما را محروم کرده و باعث خسارات عمدی شده است. قرار شد عملیات دیشب را مرحله سه کربلای پنج اعلام کنیم.

آقای [حسین] علایی فرمانده نیروی دریابی سپاه آمد. قرار شد یک موشک به کشته مژاحم بزرد. عصر فرماندهان گردانهای بعضی از واحدهای عمل کننده سپاه آمدند. برای آنها سخنرانی کردم^۱ و پیام امام را در خصوص لزوم تداوم عملیات دام و سپس با آنها جلسات و مذاکرات خصوصی برگزار کردم^۲. این برنامه از ساعت چهار و نیم تا ده شب ادامه یافت.

معمولًا فرمانده هر گردانی، گزارش عملکرد خود را در عملیات کربلای چهار و پنج می‌داد و من شوالاتی در مورد وضع فعلی، تلفات، موقیت‌ها، غنائم و برنامه آینده‌اش می‌کردم. لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) به حاضر حضور در خط پشت کانال ماهی و انجام دو حمله که با دو جناح چپ و راست آن یعنی سید الشهداء و ۲۵ کربلا هماهنگی نداشته، پیش از دیگران آسیب دیده است.

با لشکرهای نصر، امام رضا (ع)، فجر، المهدی (ع) و تیپ‌های امام حسن (ع) و قائم سمنان نیز مذاکره شد. دو نفر از اطلاعات و عملیات غرب سپاه آمدند و از کمی توفیق عملیات ارتش در غرب

(ادامه پاره‌قی از صفحه قبل)

پیش گرفته‌اند. همچنین امکن خبر عبور ایرانیان از شط العرب و از دیگر شدن آنها به بصره صحت داشته باشد، تأثیر روانی آن در سراسر عراق الزاماً بسیار منفی خواهد بود. با توجه این روزنامه برخی از کارشناسان نظامی من گزینده حمله جدید ایران در جبهه خلیج عسکن است عملیاتی الجرافی باشد و هدف از آن این است که ارتش عراق در مقطعه بصره تیکت شود تا تیروهای تهران بتراند چند روز دیگر با حمله گسترده‌ای در توحیش شمال، ارتباط بصره و همچنین گویست با بعداد راقطع کند. به مرخد فرضیه‌ای دیگر احتمال دارد هدف از حمله کوتولی ایران حلوگیری از کنفرانس عالی سران کشورهای اسلامی در گرفت باشد. روزنامه الیساپرسن^۳ نیز همین فرضیه را مطرح می‌کند و خاطرنشان می‌سازد ایران بر خند کنفرانس گرفت وارد جنگ شده و حمله وسیع و جدید در جبهه خلیج فارس، هشدارهای تهدید آغاز جهاد اسلامی، همه و همه در جهت جلوگیری از گرفتگیری این کنفرانس است. لیساپرسن می‌نویسد: «هر حال بصره پیش از پیش در صورت محاصره نواحی تهران قرار گرفته و ده روز پس از حمله کربلای پنج و نزدیک شدن ایرانیان به مرکز صنعتی مهم عراق، سوارانهای اصلی و هناظم شهرهای عده ایران تنها پاسخ بقداد شده است».

۱- رجوع کنید کتاب «هائینی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵»، دفترشور معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲- مذکور این جلسه و مطالب عنوان شده در آن، در یافتن فرمایه این کتاب درج شده است

گفتند.

آقای امین مسئول قرارگاه ابوالفضل(س) آمد و از عدم تاثیر آن، گزارش داد. آقایان [منصور] ستاری و [عباس] بابائی آمدند. درباره تقویت پدافند منطقه تأکید کردند.

سه شنبه ۳۰ دی ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۰ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح تا ساعت هشت صبح گزارش‌ها را خواندم و به رادیوها گوش دادم. با اینکه تا حدودی به پیروزی ما در کربلا پنج اعتراف می‌شود، ولی هنوز تلاش در حفظ روحیه عراقی هاست. آقای [علی] شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] و آقای [محمد] باقری [معاون اطلاعات نیروی زمینی سپاه] از جلو آمدند. گزارش کاملی دادند. معتقدند اگر امکانات بسیج شود، همین جا می‌توانیم جنگ را ببریم؛ ارتش عراق ضربه‌های کاری خورده است. آقای باقری آمار انهدام نیروهای عراقی را داد، اگر درست باشد، ضربه جدی است.

[ارتش عراق] حدود صد تیپ به میدان آورد و هشتاد درصد آن آسیب دیده است. از بیست تیپ دست نخورده دیگر می‌تواند استفاده کند. البته از آسیب دیده‌ها هم استفاده می‌کند. سه محور برای ادامه عملیات مطرح است. روی هم رفته آن محوری که فرماندهان سپاه انتخاب کرده‌اند، مهمترین است، گرچه آقای خامنه‌ای و من قبل رؤی محور دیگری تکیه داشتیم. خواستار تقویت مهندسی، پدافند و توپخانه بودند. آقای رفیق دوست مدعی است که از نظر مهمات، در مصیقه نمی‌افتیم.

دکتر روحانی و سرهنگ ترابی که از غرب آمده بودند، گزارش وضع آنجا را دادند. مجموعاً امیدی به موفقیت چشمگیر ارتش ندارند. می‌گویند حداقل دو ارتفاع کوچک شریل و تپه سرخه را ممکن است بگیرند. به دکتر روحانی گفتم برای تقویت پدافند خط، چند [نوب] اورلیکن را جلو ببرند و سایت موشکی هاک را هم جلو تر ببرند. عصر آقای [محمدعلی] انصاری هم از طرف امام در این خصوص پیغامی تلفنی گفت.

ظهور با آقای [محمد] فروزنده [مسئول مهندسی قرارگاه خاتم] درباره تقویت مهندسی خط مذکور و تصمیم‌گیری کردیم. قرار شد برای تعمیر واحدهای آسیب دیده و گرفتار ماشین‌های سنگین از ارگانهای دولتی اقدام کنیم. عصر بیشتر وقت به خواندن گزارش‌ها گذشت. اعتراف به شکست

عکس

عراق، کم کم رواج می‌گیرد. از آقای ری‌شهری در مورد سه آتش سوزی در کویت پرسیدم. توضیح داد.

آقای رضایی، تلفنی اطلاع داد پانک‌ها و آتش تپخانه دشمن، امروز شدید بوده و کمی عقب‌نشینی داشته‌ایم. شب دیر وقت آقای رحیم صفوی و آقای [مرتضی] قربانی [فرمانده لشکر ۲۵ کربلا] آمدند. از فشار فوق العاده تپخانه و نیروی هوایی دشمن برمحور پیشروی به سوی بصره، اظهار نگرانی کردند و خواستار تقویت پدافند و تپخانه و مهندسی بودند. به نظر می‌رسد در پیشروی دچار مشکل شده‌اند و پیش بیشی‌های دیشب و امروز صبح، جای خود را به نگرانی داده است.

عنوان بهمن

٤٣٣ اوج دفاع

حالی

چهارشنبه ۱ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۰ جمادی الاول ۱۴۰۶ | 21 Janu 1987

قبل از اذان بیدار شدم. نافله شب خواندم و برای پیروزی رژیم‌گان دعا کردم و بخشی از سوره احزاب را که مربوط به جنگ است، قرائت نمودم.

با اینکه بر اساس مبانی و نظر امام، در این جنگ حق با ماست و ما برای اسلام می‌جنگیم و دشمن برای سرکوب اسلام، جنگ را شروع کرده و ادامه می‌دهد، اما شیطان دست از سر انسان برآمد و گاهی که در جنگ، جمع زیادی کشته می‌شوند و یا با انبوه جانبازان در بیمارستان‌ها مواجه می‌شوند و یا آمار اسراى فراوان دو طرف را که سال‌ها در اسارت به سر می‌برند، می‌بیتم؛ و سوشه اینکه مسلمان‌ها در دو طرف کشته می‌شوند و رنج می‌برند، انسان را آزار می‌دهد و با مقداری تفکر و استدلال، این و سوشه را دفع می‌کنم؛ لابد دیگران هم چنین حالی دارند.

مخصوصاً این و سوشه در موقعی بروز می‌کند، که از جهتی احساس ضعف یا مشکل شدن کار جنگ پیش می‌آید. مشکلات پیش روی دیروز و فشار هوایی بر شهرها و مردم غیر نظامی، در روحیه ام اثر گذاشته و امروز صبح دمغ و غمگین هستم. شاید هم به خاطر اینکه پس از ماهها تلاش و آماده کردن همه چیز، برای عملیات سرنوشت‌ساز به منظور ختم جنگ و آکنوں ملاحظه علائم عدم تحقق این هدف در این عملیات باشد.

رادیو صدای آمریکا امروز صبح با اعتراف به پیش روی ما، موذیانه بر زیاد جلوه دادن تلفات ما و کم کردن تلفات عراق - بر عکس واقعیت - نوعی عدم موفقیت را القاء کرد. معلوم است که از سقوط

عکس دعا و تصریع آقای هائینی در شب عملیات

احتمالی بصره و در نتیجه پیروزی اسلام و تضعیف یا شکست بعث عراق نگرانند و موذیانه روحیه او را تقویت می کنند.

با آقای خرازی برای مبارزه با این خط انحرافی تبلیغات مذاکره کردم. قرار شد در مصاحبه با خبرنگاران خارجی که امروز می آیند، آن را مطرح کنند. آقای رفیق دوست گفت که دیشب در جهت تحکیم خط، پیش روی داشته ایم. تلفنی با عفت در منزل صحبت و احوالپرسی کردم. آقای [موسی] رفان فرمانده نیروی هوایی سپاه آمد. از بی نیازی واحد موشکی به کمک لبی و دیگران و شایک چند موشک به دست خودشان گفت و اجازه گرفت که در یک روز دو موشک متواتی به کاخ صدام بزند. موافقت کردم؛ چون عراقی ها اعلان کرده اند که به قصد بمباران جماران به تهران حمله کرده اند. قرار شد یک سایت موشک زمین به هوای چینی در اصفهان ایجاد کنند و برای گرفتن موشک جدید، به آقای ریاضی تأکید کردم.

عصر فرماندهان تیپ [مستقل ۱۸] الغدیر، لشکر [۲۲] المهدی و [لشکر ۲۱] عاشورا آمدند. گزارش عملیات اخیر و موقیت ها و تلفات را دادند. سپس به بیرون شهر اهواز رفتیم. هواپیماهای عراقی به اهواز حمله کردند و چند فروند موشک خوردند، یکی از آنها متلاشی شد و روی اهواز سقوط کرد، ولی یک بمب در محل گلف ریختند.

عکس بیماران

اوج دفاع
۴۳۷

شب فرماندهان قرارگاه رمضان آمدند. از آمادگی نیروهای نظامی مخالف عراقی برای اجرای عملیات گفتند و برای باز کردن راه کمک به آنها استعداد نمودند. تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره جنگ و نتیجه سفر آقای ولایتی به لیبی که منطقی بوده و برنامه گفتن تکمیر بر اینها برای تایید جنگ صحبت کردیم. به چند شهر مان حمله هوایی شده است.^۱

پنجشنبه ۲ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۱ جمادی الاول ۱۹۸۷ Janu ۱۹۸۷

دیشب عملیاتی در جبهه نداشته‌ایم و امروز خبری برای پخش نداریم. به خاطر بحران جنگ شهرها، نیازمند خبر پیروزی هستیم. آقای حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. توضیحاتی درباره عدم توفیق در عملیات کربلای شش و برنامه آینده داد. عراق در جزیره صالحیه پاتک انجام داده که سرکوب شده است. به آقای رضایی گفتم بیشتر مواظب باشد. عصر برای رفع خستگی به اطراف شهر اهواز رفیم.

تعداد زیادی هوایی عراقی که گفته شد حدود شصت فروند بوده‌اند، برای بمباران اهواز آمدند. سایت موشکی هاک، پنج موشک به سوی آنها پرتاب کرد که سه فروند آنها سرنگون شد و قطعات یک هوایی در اطراف محل اقامت ما فرود آمد که پاسداران به داخل آوردند.

آقای [محمد باقر] ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان، برنامه عملیات درون خاک عراق را توضیح داد. خلبانان برای بمباران عراق آمدند. آقای [حسین] علایی [فرمانده نیروی دریایی سپاه] آمد و جریان شلیک موشک ساحل به دریای چینی به یک کشتی، در ساعت نه دیشب را توضیح داد. مدعی بود موشک به کشتی اصابت کرده است.

کویت اعلام کرده دیشب خمپاره‌ای در جزیره فیلکه منفجر شده است، گویا خواسته محملی برای صدای انفجار معرفی کند و از اعلان آن برای پرهیز از ایجاد جو ناامنی در آستانه کنفرانس اسلامی احتراز کرده است. قرار شد فردا شب هم شلیک بشود.

امروز عراق به بیش از ده شهر ما حمله کرده و بیش از دویست نفر را شهید نموده است. با آیت الله خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم و پیشنهاد کردم برای ساختن پناهگاه اقدام شود. ظاهراً جنگ شهرها ادامه

^۱- در این روز شهرهای قم، نوازنده، ایلام، یا ختران، اصفهان، خرم‌آباد، همدان و تبریز مرد هیجوم جنگله‌های نیروی هوانی اوشش عراقی قرار گرفتند. در این حملات نعدادی از هزار طنان ساکن در این ۸ شهر به شهادت رسیدند و عده‌ای متروک شدند.

می‌یابد. آقای [محسن] رضایی اطلاع داد، امشب در منطقه کربلای پنج عملیات خواهیم داشت و در [منطقه عملیاتی] کربلای شش هم احتمالاً حمله محدودی داریم.

جمعه ۳ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۲۳ Janu ۱۹۸۷

از آقای رضایی وضع عملیات دیشب را استفسار کردم. مشخص شد در محور جاده شلمچه به بصره، پیشروی داشته‌ایم. دشمن در غرب کanal ماهی پاتک کرده و شکست خورده و اسیر هم داده است. از گزارش‌ها بوی قصد دخالت آمریکا علیه ما می‌آید و به احتمال بیشتر، قصد ارعاب دارند.^۱ امروز خبرنگاران خارجی از محل فتح شده کربلای پنج بازدید کردند. آنها زود بوده شدند که قبل از فعال شدن هوایی‌های دشمن برگردند. با همراهان، به طور ناشناس به هفت تپه رفیم. جای زیبایی است. از مزارع نیشکر، کارخانه و تلمبه خانه آبیاری بازدید کردیم. همانجا یک هوایی‌مای میگ ۲۵ عراقی را دیدیم که به طرف اصفهان می‌رفت. این هوایی‌ما رفت، بمساران کرد و برگشت؛ تقریباً وبع ساعت طول کشید.^۲ آنقدر بالا رفته بود که ضد هوایی‌ها تیرشان به آن نمی‌رسید. ساعت دو بعد از ظهر به اهواز برگشتم؛ ناهار، نماز، اخبار و استراحت. از خط مقدم سوال کردیم، معلوم شد که در محور خوزیره صالحیه پیشرفت داشته‌ایم و در محور دیگر عقب نشینی محدود بوده و پاتکهای شدیدی دفع شده است. شرارت حمله به شهرها امروز کم بوده؛ شاید به خاطر طوفانی بودن هوا.

احمد آقا از تهران تلفنی احوالپرسی کرد.^۳ شب با آقای [حسین] علایی درباره زدن موشک

۱- رادیو صدای آمریکا اعلام کرد گاسپر و اسپرینگر وزیر دفاع آمریکا گفت: "در صورتی که ایران شهر بصره را به تصرف خود درآورد، دخالت نظامی آمریکا لزومی نخواهد داشت. پیروزی ایران در جنگ خلیج فارس، ماجده آمیز خواهد بود. ایالات متحده می‌خواهد کشورهایی را که پیروزی ایران با آنان تأثیر خواهد گذاشت، یاری دهد، منها از طریقی که یاری دخالت نظامی آمریکا پاشه". روزنامه اکتوبریست چاپ لشکر لیور لوشت: "ایران با سربازان مشتاق خود و رهبریتی که اینکار عملی را در دست گرفته است، بر عراق برتری دارد و قدر امکن بصره را هم از دست ندهد، باز در خط مرز خواهد بود. سقوط صدام مقدمه‌ای برای منوط بشه حکومت‌های طرفدار غرب در مقطعه و ناجعه‌ای برای غرب است. آمریکا باید اعراب را برای مقابله با ایران متوجه کند. پیروزی ایران ماجده‌ای است که فقط دامن دولتان عداء را تخریب گرفت.^۴ درصد ذخایر شناخته شده نفت در خلیج [فارس] قرار دارد و هرگونه سقوط صدام، انتیت این نفت را به خطر خواهد انداخت".

۲- این حمله هرایی ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه ایام شد و می‌آن دو منطقه مستکنی شهرو اصمیان مرد تهاجم جنگده‌های عراقی فرازگرفت. در این حمله ۴ نفر شهید و ۱۰ نفر مجروح شدند. یک مجتمعه وزشی و ۵ واحد مستکنی نیز خسارت کلی دید. در این روز همچنین شهرهای تبریز، خرم آباد، ملایر، همدان، اسلام آباد، نهاوند، دزفول و قم نیز مردم هجوم هوایی‌های ارتش عراق واقع شد.

۳- در این روز مهندس مهدی بازگشتن رهبر نهضت آزادی ایران در نامه سرگشاده‌ای برای آقای هاشمی از سکرتت مستولان در مورد تلفات مردم

صحت شد.

۲۴ Jann ۱۹۸۷

شنبه ۴ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۳ جمادی الاول

بعد از نماز صبح به اخبار رادیو فارسی آمریکاگوش دادم. [رونالد ریگان] رئیس جمهور آمریکا در مورد توسعه جنگ به کشورهای دیگر به ما هشدار داده و تصرف اراضی عراق را محاکوم نموده است.^۱

آقای محسن رضایی آمد. وضع ججه را توضیح داد. برنامه ادامه عملیات را در کربلا پنج و نیازها را گفت. ساعت هشت و پانزده دقیقه با اتومبیل به طرف تهران حرکت کردیم. از اندیشه کش به بالا باران می بارید و در ارتفاعات خرم آباد تا اراک، برف و کولاک بود.

شهرهای پل دختر و خرم آباد را از ترس بچاران عراق به صورت تعطیل دیدیم. ناهار را در کافه محقری در «زاغه» خوردم که غذای خوبی نداشت. ساعت نه و نیم شب به منزل رسیدیم. اصرورز تهاجم عراق به شهرها محدود بود، علت آن شاید به خاطر نامناسب بودن وضع هوا است.

۲۵ Jann ۱۹۸۷

یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۴ جمادی الاول

اول وقت به مجلس آمدم. از دو منطقه کربلا پنج و کربلا شش اطلاع گرفتم؛ تحرکی نداشته‌اند.

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

در ضربات مرگ آور دشمن و حتی علیه تپه‌های ایران ابراز تعجب کرد. ری همچنین مستولان نظام را به علت عدم ترجیح به عقاید رفای سیاسی ری‌یار مردم‌گویید. مردم غیرظامی می‌گناه عراقی و عدم شرکت در آخرین اجلاس سران سازمان‌گفتاران اسلامی در گروت، مورد مژذعش قرار داده است.

۱- اشاره به صدور پیانیه تهدید آمیز توسط رونالد ریگان رئیس جمهور ایالات متحده. ریگان در این پیانیه با اشاره به عملیات اخیر ایران در داخل خاک عراق اظهار داشت: «این حمله یاد آور صدمات ناچاری کننده ریادی است که جنگ ایران و عراق در منطقه طی قارس به این معنی آورده است و ادعاً این جنگ خوبین به خوان یک نگرانی عمیق برای ایالات متحده و تمامی دنیا به شمار می‌رود. این جنگی است که نه تنها منابع استراتیکی آمریکا بلکه ثبات و امنیت دوستان این کشور را در منطقه تهدید می‌کند. ما مصمم و قاطع هستیم که از طریق مذاکره و بدن اینکه یکی از طرقین بیرون شود یا تکست بخرد و با ایجاد استعمال و تجاوز ارضی ایران و عراق به خم سریع جنگ کشک کنیم. ما چاره‌ای نداریم جر اینکه گرفت و اشغال اراضی عراق را توسط ایرانی‌ها، محکوم کرده و مجدد از دولت ایران تحریف که دولت عراق حق پیدا کردن یک راه حل سریع از طریق مذاکره بیبورند. ما نگرانی دوستانمان در منطقه هستی برآمده جنگ و تهدید اینست آنها شریک هستیم و همچنین توسعه جنگ را یک تهدید عسده به منابع خودمان و منابع دوستانمان در منطقه می‌دانیم. ما مصمم هستیم که جریان آزاد نمای از تگ همراه را تفصیل کنیم. ما همچنین سرستاخانه معتقد هستیم که از دفع یک جانبه و یا جند جانبه دوستانمان که با آنها بستگی‌های درازمدت عمیق داریم، حمایت کنیم».

قبل از رسمی شدن مجلس، وضع جنگ را به نمایندگان گفت و در نقط قبیل از دستور جواب اخطار ریگان را دادم^۱. تا هنگام تنفس در جلسه ماندم^۲. مراجعات نمایندگان زیاد بود. مشکلات ناشی از بمباران شهرها خیلی زیاد است، اما پیروزی های کربلای پنج آن را قابل تحمل کرده. تا شب در دفترم به کارهای عقب مانده پرداختم.

آقای [علی] شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] اطلاع داد که دشمن در سه محور پاتک داشته و در محور میانه، کمی هم موفق بوده است. دیشب مواد شیمیایی زیاد به کار بوده. گفتم اگر شما پیشنهادی کنید، نیروها را در پاتک از دست نمی دهید؛ تا خیرها دشمن را خیره می کند. خواست که خطوط پدافندی را که سپاه دارد، ارتضی برای تحصیل بیشتر تیرو، تحويل بگیرد.

آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب پرتاب موشک ساحل به دریای سپاه به خوبی انجام شده ولی تاکنون دلیل و اثری از موقوفیت نرسیده است. شب سران قوا در دفتر من مهمان بودند. توضیحاتی درباره جنگ دادم و درباره مسائل جاری، کویت، مصاحبه و احتمال تجاوز آمریکا به ایران مذاکره کردیم.

۱- آقای هاشمی رفسنجانی در پاسخ به بیانیه رسمی اخیر ریگان می برشم «منافع جهانی» آمریکا در خلیج فارس و حمایت از کشورهای منطقه، گفت: «پیروزی های رزمی دشمن جای برگفته مادر جبهه ها، تراویث نازدی وجود آورده است و همان غلبه نمایندگان محترم اطلاع دارند، ریاست جمهور آمریکا، آقای ریگان، به صورت یک هشدار، مآل را با مطری کردند که با سادگی نمی شود از طرف ما باین سال بر خورد بشود. تا لی توجه است که بعد از تهدید یافت سال جنگ و این همه شرارت که جنگ افزای عقلمند ایجاد کرده، رئیس جمهور آمریکا شخصاً و به طور رسمی بیانیه صادر می کند و مسائل، اینکه ایران می شود. فقط قابل تأثیر برای دنیای اسلام این است که آقای ریگان خود را در مقابل جمهوری اسلامی، حامی کشورهای اسلامی می دارد و به تغیر خود اجازه نمی دهدند که درستان شاه مورد تعزیز قرار بگیرند. این هم مانع عار و نیک مسلمان هاست که آمریکا دوستی ایجاد نماید که از طرف خود مسلمانها خورد تعریض هستند و او دلسرور از مسلمان های دیگر است. و زشت تر اینکه این کشورهای به اصطلاح اسلامی، به جای اینکه جواب به آنها [آمریکایی ها] بدهند، سکوت کرده اند، سکوت رضایت آمیز این اظهارات». ایشان سپس در پاسخ به این مطلب که «آمریکا اجراء نمی دهد منافع جهانی اش در خلیج فارس به خطر بیند، گفت: «ما نمی دانیم منافع جهانی آمریکا در خلیج فارس در منطقه ما چه می کند؟ غیر از اینکه هملاً ایجاد کشورهای هستند که نفت دارند، و نفت شان را اگر بخرانند می فروشند و اگر نخرانند، نمی فروشند و قیمت تعیین می کنند. خوب، اگر اینها منافع جهانی آمریکا هستند، پس کمالاً آمریکایی هم مورد تیاز همه مردم دنیا هست. آنها هم منافع جهانی هم دنیاست. چطور آنها هم کار می کنند، ولی اینجا نامنای ای مطرح می شود، منافع جهانی آنها به خطر می افتد؟ کشورهای منطقه فیاض دارند نفت شان را بفروشند و دارند می فروشنند. این چه حرف زشنی است که اینها مرتضی مطرح می کنند: منافع جهانی اقتضیت خلیج فارس؟ رجوع کنید ۲- کتاب «هاشمی رفسنجانی، نظریه های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم»، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۷.

۲- رادیو صدای آمریکا درباره نقط آقای هاشمی گفت: «در تهران رئیس مجلس شورای اسلامی گفت که ایران در این اندیشه نیست که جنگ با عراق را به دیگر کشورهای جزو خلیج فارس گسترش دهد. اظهارات علی اکبر هاشمی رفسنجانی بخشنده پاسخ به بیانیه روز جمعه پژوهش انت ریگان است که بر تهدید آمریکا نیست به ذخیر از کشورهای دوست در منطقه تأکید ورزید. پژوهش انت ریگان هیچین از ایران خواست، برای پایان بخشیدن به جنگ او راه گشتنگر به عراق پیشنهاد. آقای رفسنجانی هشدار رئیس جمهوری آمریکا را به شکست آمریکا در سه هزار ملساپاشن با ایران نسبت داد. وی امروز در آنجه یک جدای غیرعادی از اظهارات گذشته افقی می شود حتی پنک بار آمریکا را شیطان نزدیک توصیف نکرد و سخنی نیز از استکبار جهانی به میان نیاورد».

۲۶ Jan ۱۹۸۷

دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

صبح مجید فردوسی پور آمد و از وضع بنیاد پانزده خرداد رفسنجان گفت. ساعت نه صبح به مجلس آدم. اخوی محمد آمد. درباره مصاحبه با تلویزیون سی. بی. اس آمریکا مذاکره کردیم. سپس مصاحبه انجام شد. حدود دو ساعت طول کشید. بیشتر درباره مسائله مکفارلین، گروگان‌ها، اسلحه و روابط آینده بود.^۱

آقای [مجید] قاسمی رئیس کل بانک مرکزی آمد و گزارش وضع ارزی را داد. مشکل داریم. عصر تا ساعت هشت شب کارهای عقب مانده را در دفترم انجام دادم. آقای شمخانی از جبهه اطلاع داد که امروز تحرک مهمی از دو طرف نبوده است. جنگ شهری هم آرام بود. شب به خانه آدم. برای هدیه فارغ‌التحصیلی، یک خودکار به فاطی دادم.

۲۷ Jan ۱۹۸۷

سه شنبه ۷ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

قبل از جلسه از جبهه سراغ گرفتم. پیشرفته داشته‌ایم، ولی به اندازه مطلوب نبوده است. وضع جبهه را به نمایندگان گفتم. تا آخر جلسه ماندم؛ چون لایحه بیمه کارگران بیکار مطرح بود و اهمیت داشت. مراجعات نمایندگان خیلی زیاد بود و استمداد برای رفع مشکلات شهرهای بمباران شده، خیلی بود. عصر در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی مطرح بود؛ پیشرفت نداشت. سپس با آقای خامنه‌ای درباره تعیین فرمانده نیروی هوایی مذاکره کردیم. قرار شد سرهنگ [منصور] ستاری را انتخاب کیم. سرهنگ ترابی با سه نفر که مورد نظر بودند - آقایان [عباس] پایانی، [منصور] ستاری و سپید موی - مصاحبه کرده و به این نظر متنه شده است. شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. درباره جلسه چهارده بهمن برای دهه فجر بحث شد. خبر آمد که شهر خمین بمباران شده است. قرار شد قصد هوایی به آنجا ببرند.

۱- آقای هاشمی در این مصاحبه مواضع جمهوری اسلامی ایران در مورد ارتباط با آمریکا را بیان نمود و اعلام کرد تا زمانی که آمریکا ثابت نکند که با انقلاب ما خصومتی تدارد و به تعریف غیرقانونی اموال ما در آمریکا پایان ندهد، هیچ‌گونه رابطه‌ای بین ایران و دولت آمریکا وجود نخواهد داشت. آقای هاشمی در این مصاحبه به تمامی سوالات خبرنگار تلویزیون سی بی اس پاسخ گفت و از این شکل خواست عباد قائه و بدون خیانت، آن را به طور کامل برای انکار عمومی آمریکا بخش کند. اما این مصاحبه در روز ۷ بهمن به صورت تقطیع شده و ناقض و همراه تفسیر و تحلیل‌های خاص پخش نشد. من این مصاحبه به جهت اهمیت، در بخش خصوصی پایان همن کتاب به طور کامل درج شده است.

عکس انجل

چهارشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۷ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۲۸ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز، ورزش و صحانه به مجلس آمدم. گزارش‌ها را خواندم و از ججهه خبر گرفتم. در ججهه دیشب پاتک سنتگینی از دشمن را دفع کرده‌ایم. تلویزیون می‌بی. اس آمریکا مصاحبه با من را با تبلیغات به منظور بهره‌گیری در اختلافات داخلیان و جلب تماشاگر بیشتر پخش می‌کند. [رونالد ریگان و [جرج] شولتز هم مطالبی از موضع ضعف گفته‌اند.

آقای مهدی نژاد آمد، انجیلی را که ریگان امضاء کرده و به نشانه حسن نیت تو سط اخوی زاده علی هاشمی فرستاده بود، برای استفاده در مصاحبه امروز آورد.

اطلاع داد اسقف «تری ویت» فرستاده کلیسای کاتولیک - که معمولاً برای حل مشکل گروگان‌ها به لبنان می‌رود - و نیز یک نفر از مأموران عربستان در لبنان وجوده شده و گفت اطلاع رسیده که به قائم مقام ناتو گفته شده که طرح بمباران ایران را از آرشیو بیرون بیاورد. احتمال دارد درز خبر، عمده و برای ارغاب ما باشد، ولی قابل توجه است. مخصوصاً با تهدیدهای اخیر ریگان و شولتز و [هنری] کیسنسیجر و حضور بیشتر آمریکا در خلیج فارس. قرار شد به لبنان برود.

عکس مصاحبه

با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه داشتیم^۱. خیلی مهم و با شکوه بود. تقریباً همه مسائل مهم مطرح شد. به نظرم مقید بود. انجیل اهدایی ریگان را ارائه دادیم.

ظهر آقایان رفیق دوست و دکتر روحانی برای امور جنگ، خریدها و پدافند آمدند. عصر جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم. قرار شد در دهه فجر برای رسیدن نمایندگان به امور جنگ و اعزام نیرو و مشکلات بمباران شهرها و نیز احتیاط به خاطر احتمال بمباران مجلس - که هدف مشخصی است - مجلس را تعطیل کنیم.

شب سران قوا مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم، درباره مسائل مربوط به گروگانگیری‌ها در لیستان و نیز در مورد کشتی توقيف شده کویت، سفر آقای ولایتی به روسیه - که در خصوص خبر تحویل میگردد - به عراق اخطر بدهد - و احتمال بمباران ایران توسط آمریکا بحث و مشاوره شد. آقای خامنه‌ای در مورد تحویل تانکهای اسکورپیون ارتتش به سپاه دستور دادند و درباره فرمانده جدید نیروی هوایی [ارتتش] که قرار شد آقای سرهنگ [منصور] ستاری انتخاب گردد. ساعت ده و پانزده دقیقه به خانه رسیدم. ساعت یازده در تهران وضعیت قرمز اعلام شد و ضد هوایی‌ها کار کردند. معلوم شد هجومی نبوده و در آن ساعت به قم حمله شده است. سایت موشکی هاک در جبهه جنوب، امروز آسیب دیده که مایه تاسف است. امروز عراق حمله‌های شدیدی داشته که دفع شده است.

پنجشنبه ۹ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۸ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۲۹ Janu ۱۹۸۷

به مجلس آمدم. با جبهه تماس گرفتم. پاتک‌های دشمن را دفع کرده‌اند و مجدداً از امروز صبح،

۱- آقای هاشمی رفسنجانی در جمع بیش از ۱۵۰ تن از خبرنگاران داخلی و خارجی به سوالات مختلف آنها پیرامون عسائل گروگان پاسخ گفت. اینسان غل از آغاز این گفتگو، از کلیه خبرنگاران حاضر در این مصاحبه در خواست کرد تا مطالب عنوان شده را عیناً و بدون هیچ‌گونه تعریفی معکوس کند. رئیس مجلس در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران پیرامون اقدامات جمهوری اسلامی ایران در رابطه با آزادی گروگان‌های آمریکایی و غرایسوی در لسان گفت: "ما تلاش کردیم که در لسان کسانی را بیایم که بتواند روی میجاھادانی که گروگان‌ها را در اخبار دارند اثر نگذارند و تا حدودی هم معرف پوردم. اما توقعی که ما از آمریکا و قرائمه داشتمم خرچ معامله‌ای و یا مقابلی نبود. سخن ما با آمریکا و قرائمه این بود که اگر شما توقع دارید که ما در این رابطه کاری بکنیم، ناید اقدام ایجاد دید که ما بدانش شما در صدد ضربه زدن به ما نیسیم. ما به آمریکایی‌ها گفتم که اموالی که از ما توقيف کرده‌اید و استحدهایی که بولن را به سال قتل گرفته و ذر اثارهای نگهداشته و حق اثمارداری تیز از ما هی نگیرید، پس بدینه تا علامت عدم خصوصت شما محسوب نمی‌شود. به فرآینه نیز گفتم که نگهداری غیر قانونی بولهای عا و حدایت از تورورستهای فراری و کسک‌های تسلیحاتی به رژیم عربی تا حد قرض دادن هواپیماهای مدرن به این کشوره، این نشانه عدم حسن نیت شما است. شما علامتی بی طرفی نشان ندهیده خصوصت‌ها را کم کنید، ما هم متعاقباً مایلیم که کسک کبم تاگر و گان‌های شما در اینان آزاد شوند".

رجوع کبد سی کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم"، دفتر تشریفات معارف اهل‌بخارا، ۱۳۸۷.

عکس لشکر سیدالشهدا

دشمن حمله کرده است. گویا عراق برای تاثیر بر کنفرانس کویت، تلاش مضاعف دارد و مقاومت نیروهای ما خوب بوده. قرار شد برای خنثی کردن حرکات عراق، امروز تبلیغات داشته باشیم. سایت دوم هاک را بنا به خبر آقای دکتر روحانی امروز فعال کرده‌ایم.

برای رسیدن به امور جنگ، به جلسه علنی نرفتم. اعتبارنامه عبدالصاحب موسوی مطرح است. آقای رحمانی [مسئول] پسیج برای تبلیغات اعزام سپاه مهدی آمد. آقای ری شهری آمد. برای همکاری [وزارت اطلاعات] در امور جنگ و وضع سیدهادی مذاکره شد. نمایندگان زابل آمدند و برای توجه بیشتر به زابل و عمران منطقه سیستان و مخصوصاً کارخانه آرد و نوله کشی، استمداد کردند. آقای فاضل هرنדי برای حل مشکل تصرف منابع طبیعی آمد که مخالفت شورای نگهبان، مانع تصویب قانون است. عصر لشکر سیدالشهداء که از جبهه بازگشته مقابل مجلس آمدند، برای آنها صحبت کردم.^۱

۱- آقای هاشمی در احسان اعضا لشکر خط شکن ده سیدالشهداء در مقابل مجلس شورای اسلامی گفت: «کار شما در شکستن دشمن و بازگردان راه نیروهای اسلام در شاندیجه کار بسیار بزرگی بود که در کتاب تاریخ جنگ، جز تعیین بسیار بالای رخواهد داشت و مردم بدل انگیزی در حمایه جنگ تشکیل خواهد داد. کار شما در کربلا^۲ و محبوعه سپاه و پسیج و جهاد و نیروهای پشتیانی ارتش و سایر نیروهای مردمی، آثار بسیار با ارزشی در منطقه بالاخض در کشورمان خواهد داشت که هنوز ارزیابی آن زود است. این کار بزرگ شما و ادامه (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم. فرمانده جدید نیروی هوایی انتخاب شد. بعد از جلسه به خانه وقت و شب را پای تلویزیون گذراندم.^۱

جمعه ۱۰ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۳۰ Jan ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم در منزل کار کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم.^۲ با توجه به جریان حنگ شهرها، نگرانی از بمبان نماز جمعه هست، ولی مردم بیشتر شرکت می‌کنند. مهمانان دهه فجر آمده بودند.

عصر از سپاه آمدند و خواستار گرفتن امکانات رزمی و توپخانه‌ای از ارتش برای جنوب و نگران فشار عراق بر کانال ماهی بودند؛ من هم نگرانم. عراق هر چه بتواند روی آنجا سرمایه‌گذاری می‌کند. از پریروز تا حال بیش از ده تیپ، برای پس گرفتن سرپل در دست ما در جنوب غربی کانال به کار برده

(ادامه پاروپی از ضمیمه قبل)

آن و پره گیری از خطوط تکنیکی، انور شایان نوجه است و سایر رزمگان و خود شماها باید از شکن خطوط دستمن پره گیری کامل بکنید و ان شاء الله دشمن را بد زانو درآورید.^۳ این حضور رزمگان در مقابل مجلس را اخباری برای مجلس و نمایندگان دانست و از طرف نمایندگان مجلس از رزمگان حاضر تشکر و قدردانی کرد. در این اجتماع چند گلوله مور به نشانه پاد آوری خطوط مقدم جهه‌ها به هوا شلیک شد و آفای هاشمی حلقه‌های گل برگرد فرماده‌ان گردان‌های مختلف شکر خط شکن ده سید الشهداء آربیخت، تشکر خط شکن ده سید الشهداء منتکل از ده گردان رزمی خط شکن اعزامی از تهران و کرج است که بعد از شکن خطوط مقدم و فرو ریختن دزهای دفاعی دشمن و باز کردن راه پیشوای نیروهای اسلام در عملیات کربلا ۵ به تهران و کرج بازگشته و قل از رعن نه نازل شان در مقابل مجلس شورای اسلامی اجتمع گردند.

۱- زادیری بی سی گفت: ادر تهران آفای هاشمی رفسنجانی درباره تماس‌های مجرمانه بین واشنگتن و تهران اطلاعات تازه‌ای منتشر کرده است و به عقیده سیاری از ناظران امور باعث سراکنندگی بیشتر دولت پر زیان ریگان خواهد شد. آفای رفسنجانی در ماههای اخیر مهارت تمام و کمال خود را در سراکنندگی کرد آمریکا به تبریز رسانده است. او اکنون در یک کفارانس مطیع‌عالی در مجلس، یا اشان دادن اینجلی چند چرخی که توسط پر پریدلت ویگان برای همین ایران غرسداده شده بود، برگ تازه‌ای به صحنه ماجراجی ایران گفت اضافه گردد است.^۴

۲- در خطبه اول درباره سالگرد انقلاب اسلامی می‌حنی در خصوص مهمترین اهداف، دستاوردهای می‌باشد و موضوع گیری‌های اقتصادی انقلاب مطرح شد. در خطبه دوم تحلیلی درباره آخرین وضعیت حنگ ایله گردید. در این تحلیل، وضعیت مفاهیه عملیاتی کربلا ۵، حنگ شهرها و دلایل گستردن آن از سوی عراق و مسئله تداوم حنگ تشریح شد. در بعضی از خطبه دوم آمده است: "شرط طاری حنگ الان طوری است که ما به خودمان نایاب مغفور شویم. رزمگان ما نایاب به خودشان مغفور نشوند. خداوند این نصرت را به ما اختیات گردد و اگر لطف و اراده خدا تباشد در همین شرایط پیروزی، باز هم هر چه او بخواهد پیش می‌آید و ما هم تابع او هستیم و اگر خداوند، شکست را هم برای ما تقدیر کند، باز ما همان را قول می‌کنیم و از حمیم ذل می‌پذیریم. ما برای خداوند جواد می‌کنیم، ما برای خدا و دین خدا انقلاب گردیم و خداوند همواره قادر شی از ما بیشتر است، برای دین حرضش و ما وظیه خود را انجام می‌دهیم. حالا چه خواهد شد، آن دیگر سئگی به اراده الهی و آن چیزی که در قلم تقدیر الهی رفته دارد و همان برای ما خوب و سعادت است، ولی به هر حال اکنون در حینه‌ها و قلع این طوری است." رجوع گنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

که همه شکست خورده‌اند، اما فشار را قطع نکرده است. شب محمد - همشیره زاده - برای امور [شرکت] البرز قم آمد.

شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | جمادی الآخر ۳۱ Jann ۱۹۸۷

بعد از نماز، آقای رضایی از جبهه اطلاع داد که دشمن در کنار کانال ماهی در نقطه استقرار لشکر الغدیر عبور کرده و نیروهای ما را عقب رانده است. گفتم خیلی خطرناک است جدیت کنید و پس بگیرید. مدتی است که تأکید دارم، این نقطه در خطر است و اولویت را به اینجا داده‌ام.

تا ساعت هشت کارهای مجلس را که به خانه برد بودم، انجام دادم. ساعت هشت و نیم به مجلس آمدم. گزارش‌ها را خواندم. ساعت نه صبح، وقت ملاقات وزیر نفت بود، لغو کردم و به جای آن با فرمانده نیروی زمینی، دکتر روحانی، رفیق دوست، روشنید، باقری و سنجقی در مورد کمک نیروهای رزمی و توپخانه ارتش به جبهه جنوب جلسه‌ای داشتیم.

آقای حسنی سعدی مقاومت می‌کرد و مخالف بود و مایل است نیروهایش را در غرب در نقاط دیگری غیر از نفت شهر - که ناموفق بوده - به کار گیرد. فرماندهان سپاه اصرار دارند که به عملیات کربلای پنج کمک شود. ۴۸ ساعت وقت دادیم که سعدی طرح‌هایش را برای غرب بیاورد تا تصمیم بگیریم. قرار شد جلسه بعدی در جنوب باشد.

آقای رضایی اجازه گرفت که دو موشک به بغداد بزنند. آقای صیاد آمد. طرحی آورده بود که پنج تیپ از نیروهای ارتش ببایند و در کنار عملیات کربلای پنج، محور جدیدی باز کنند. تبایل دارد که مسئولیت به خودش سپرده شود و تلویحاً می‌گوید این کار را فرماندهان موجود نیروی زمینی، نمی‌توانند انجام دهند. گفتم به آقای خامنه‌ای هم عرضه کند.

امام جمعه باختران [کرمانشاه] آمد. از مشکلات بمباران باختران و آوارگی مردم گفت و برای تقویت پدافند کمک خواست. برادران آقای [احمد] متولیان که مدتی پیش با کاردار ما در لبنان ربوده شده‌اند و بعد از چهار سال هنوز از آنها خبری نیست، آمدند و برای پیدا کردن اثری از آنها استعداد کردند و از کم توجهی گله داشتند. اشاره به تلاشهایمان در رابطه با در فشار قرار دادن فالانزها و غربی‌ها کردم. بنا شد که تبلیغات بیشتر شود.

کارپردازان برای چاره جوئی اختلاف بین دفتر من و روابط عمومی آمدند. آقایان خزاعی، [فخرالدین] انوار و [محمد] بهشتی آمدند. گزارشی از پیشرفت صنعت فیلم سازی و تربیت هنرمندان اسلامی بعد از انقلاب دادند و خواستار توجه بیشتر به فیلم و شرکت در جشنواره فجر شدند. آقای آقازاده آمد. از بالا رفتن صدور نفت و فشار اخیر عراق بر کشتی‌ها و انهدام مؤسسه رازی در ماهشهر و اظهار همکاری در برنامه‌گردن امکانات از آمریکا برای چنگ گفت.

عصر آقای رفیق دوست خبر داد که نیروهای ما از جنوب کانال ماهی عقب نشینی کردند. خیلی ناراحت شدم. از قرارگاه پرسیدم که آقای شمخانی تائید کرده. گفتم بیست روز جهاد به هدر رفت. بارها به آنها تاکید کرده بودم که اولویت برای اینجا قائل شوند. قرار گذاشتم، برای نظارت بیشتر بر امور، فردا به منطقه بروم.

آقای خرازی خبر داد که عراق برنامه فوق العاده اعلام کرده است. عصر آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. گزارش سفر به عربستان را داد و تمایل این کشور برای همکاری در امور آینده عراق را گفت. گفتم حرکت آنها مشکوک است. باحتیاط با آن برخورد شود. هنوز به عراق کمک می‌کنند. اخوی محمود و سفیر جدیدمان در لبنان برای خداحافظی و مشورت آمدند.

آقای [علی] یونسی آمد. مشکلات سازمان قضائی نیروهای مسلح و حفاظت اطلاعات ارتش را گفت. خواستار همکاری بیشتر وزارت اطلاعات و شورای عالی قضائی است. مهدی هم خواست برای شرکت در چنگ با من بیاید. مادرش هم موافقت کرد. او صبر می‌کند؛ خدا صبر کامل پدیده که اجرش کم نشود.

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۶۵ | ۲ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۱ Febr ۱۹۸۷

بعد از نماز و استحمام و کمی ورزش، چمدان را برای سفر به خوزستان بستم. تلفنی به آقای خامنه‌ای، وضع نامطلوب جبهه را گفت و تأکید کردم عقب نشینی از غرب کانال ماهی، بیانگر وضع نامطلوب نیروهای ماست. می‌روم که اوضاع را از نزدیک ارزیابی کنم.

درباره دستور امام در خصوص تحويل وسائل زرهی و توپخانه از ارتش به سپاه، در جواب درخواست آقای رضایی که از من و آقای خامنه‌ای خواسته‌اند اقدام کنیم، مشورت کردم. ایشان گفت به اختیار قرارگاه خاتم باشد و تصمیم قرارگاه را ایشان هم قبول دارند.

عکس جلسه در قرارگاه

مهدی هم که با من عازم جبهه است، برای خدا حافظی از معلمان و همدرسانش، به مدرسه رفت. عفت صبورانه آئینه قرآن درست کرد و صدقه داد و دعای سفر در گوش مهدی و من خواند. از این تحول مبارک در زنان و مادرها که این گونه فرزندان خود را به سوی میدان شهادت پدرقه می‌کنند، باید شاکر بود.

مدیر مدرسه مهدی، تلقنی به من گفت که مهدی از شاگردان ممتاز ریاضی است و مغزش در مسائل ریاضی فوق العاده است و خوب است در جبهه، در جائی از او استفاده شود که از این استعداد بهره گیرند و اظهار ناراحتی کرد که این گونه استعدادها از دست بروند. گفتم معمولاً خوبها و ممتازها در این راه پا می‌گذارند.

ساعت هفت و نیم با مهدی، دکتر روحانی، آقای سنجقی و پاسداران با اتوبیل به سوی خوزستان حرکت کردیم. ناهار و نماز در کافه ای نزدیک بروجرد الجام شد. شام در حومه اندیمشک صرف شد. ساعت ده شب به اهواز رسیدیم و در محل گلف مستقر شدیم.

آقایان [محمدی] عراقی و صدر نماینده امام در سیاه و دادستان سپاه آمدند. گزارش وضع جبهه را دادند و گفتند روحیه و وضع نیروها، نیاز به تقویت دارد. مخصوصاً آقای صدر که در قرارگاه نجف حضور داشته، می‌گفت لشکرها ایستان خراسان که مسئول جنگ در جزیره صالحیه و شمال آن

هستند، وضع سختی دارند. نیروهای تازه رسیده هنوز سازماندهی نشده‌اند و فرماندهان در اثر طولانی شدن عملیات خسته‌اند.

دشمن امروز جزیره صالحیه را پس گرفته و احتمالاً فردا به پاتک ادامه می‌دهد. وضع خطوط اطمینان بخش نیست. آقای [محمدی] عراقی برای تشییع جنازه شهید [یاسر] رستمی [توه آیت الله منتظری] به تهران حرکت کرد. با آقای رضایی تلفنی صحبت کرد. اظهار ناراحتی نکرد و پس دادن صالحیه را تأثیر کرد. قرار شد فردا ملاقات کنیم.

دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۶۵ | ۳ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۲ Febr ۱۹۸۷

ساعت پنج بامداد پیدار شدم. گزارش‌ها را خواندم و رادیوهای فارسی آمریکا و انگلیس را گرفتم. هنوز مسئله رسوائی آمریکا در ارتباط با ایران مسأله روز است. گروگان‌گیری جدید در لبنان، دارد بحران می‌آفریند. بوی شرارتی از طرف آمریکا می‌آید. پیروزی چشمگیر ایران در عملیات کربلای پنج و تهدید بصره، سه اردوگاه غرب و شرق و ارتیاع را در حمایت از صدام جدی تر کرده است. از قرارگاه مقدم اطلاع گرفتیم. معلوم شد برخورد مهمی نداشته‌اند. از جزیره صالحیه به طور کامل بیرون آمده‌اند و پل‌ها را پشت سر خود خراب کرده‌اند. قرار شد با فرماندهان [شکر] نصر در فرارگاه خاتم مذاکره داشته باشیم.

تا عصر فرصتی داشتیم. با همراهان به شهر شوستر در یکصد کیلومتری اهواز رفیم. در بین راه دو نیروگاه رامین و زرگان را دیدیم. از روستاهای شهرک‌ها عبور کردیم. تقریباً تمام طول راه از میان مزارع عبور کردیم. منطقه آبادی است، ولی در راه جز کمی نخل ندیدیم. در خیابان‌های شوستر گردش کردیم و شهر را شلوغ و پرجمعیت دیدیم. نگران بخباران آن و سایر شهرها هستیم. در مراجعت، بیرون شهر زیر درخت گناری توقف کردیم و کاهو مصرف شد. برای ناهار به گلف برگشتم. مهدی تلفن منزل را گرفت، تلفنی با منزل صحبت کرد.

ساعت چهار بعد از ظهر به قرارگاه خاتم رفیم. آقایان شمخانی و رحیم صفوی، شرح وضع جبهه و توجیه عقب‌نشینی از غرب کانال ماهی و صالحیه را گفتند که در مورد صالحیه قابل قبول نبود. در مورد کانال ماهی هم نظر من این است که از اول در تحکیم مواضع و الحاق کوتاهی شده است. بعد از نماز و شام، فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند. پیشنهاد چهار عملیات محدود در مناطق

غرب و شمال غرب دادند. آقای رضایی گفت بهتر است که امکانات آنها به جنوب بباید و سپاه را پشتیبانی کند. گفتم تصمیم‌گیری را به بعد می‌گذاریم.

سپس فرماندهان لشکرهای محمد رسول الله (ص)، کربلا و الغدیر که از غرب کانال عقب نشسته‌اند، آمدند و توضیحاتی دادند که ما را قابع کنند که امکان ماندن نبود. در مجموع قبول کردیم که در شرایط موجود نمی‌توانستند بمانند. گرچه آگر از اول تلاش کرده بودند، می‌توانستند شرایط الحق به سایر نیروها و تحکیم موضع را فراهم کنند.

سپس درباره ادامه عملیات بحث شد. نظر آنها این بود که امکان تداوم پس از رسیدن نیروهای سپاه مهدی و سازمان دھی آنها به دست می‌آید و فعلًاً باید به پدافند در خطوط فعلی اکتشا شود. حرف ما این بود، با فشاری که در اثر بمباران شهرها بر ما هست، رکود جبهه قابل تحمل نیست. نظر آقای رضایی این بود که هر اندازه که نیرو جمع شود، می‌توانیم عمل کنیم.

بعضی‌ها نظرشان این بود که صبر کنیم تا نیروی کافی بباید و حمله وسیع یکنیم. تا ساعت دوازده شب بحث شد. اصرار آنها برای گرفتن امکانات از ارتش بود و موقتی را مشروط به وجود توپخانه بیشتر و تانک و نفربر می‌دانستند. ساعت پک پامداد به گلف رسیدیم و خوابیدیم. مهدی به جبهه فاو رفت.

سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۳ Febr ۱۹۸۷

اول صبح هنگام اذان بیدار شدم. استحمامی کردم و پس از نماز به اخبار خارجی و داخلی گوش دادم. آمریکایی‌ها عقب نشینی می‌کردند و خلاف ادعای عراق که مهم معرفی کرده، جزوی قلمداد کرده‌اند. با دکتر روحانی درباره شیوه و فتاوی نیروها و زمان و کیفیت ادامه عملیات و در مورد امکانات ارتش که باید به سپاه برسد، مشاوره کردیم.

آقای رضایی نامه‌ای به امام نوشت و درخواست یکصد تانک، یکصد نفربر و سه هزارهای ۵۷ شنی دار و ده گردان توپخانه کرده است. امام هم به من و آقای خامنه‌ای نوشتند که نیازهای کربلا پنج تامین شود و آن را عقلانی و شرعاً لازم شمرده‌اند^۱. ولی سپاه ارقام درخواستی را بعد از این بالا برده

۱ - فرماندهان منطقه عملیاتی کربلا بیچه طی درخواستی اضطراری به محضر امام خمینی، فرمانده کل قوا، با بیان نیازهای عاجل خوش شامل (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

است. به نظرمان رسید که تامین همین ارقام مصوب امام هم به زحمت قابل امکان است. با آقای [موسى] رفان [فرمانده نیروی هوایی سپاه] درباره تسریع در عملیاتی کردن سایت‌های ضد هوایی که از چین گرفته‌ایم، صحبت شد. یکی از آنها در تهران عملیاتی است و یکی در اصفهان تا پنجشنبه عملیاتی می‌شود. امروز صبح یک موشک به بغداد زده‌اند و گفتم تا اطلاع ثانوی و در صورت شرارت بعضی‌ها در شهرهای روز در میان یکی بزنند.

به آقای رفیق دولت گفته شده که تلاش کنند تعداد پیشتری موشک از کره شمالی بگیرند. ایسی دیگر به ما موشک نمی‌دهد و کم کم دارد موضع ضد جنگ می‌گیرد. حتی سایت موشکی سام ضد هوایی را که در تهران دارد، به بهانه نقص قطعه، غیر عملیاتی کرده است.

آقای حسنی سعدی به همراه سه فرمانده نیروی زمینی آمدند. درباره نیازهای درخواستی سپاه که امام دستور تحويل آن را داده‌اند، حذاکره شد. نظر آنها این است که با این ابزار هم، سپاه با تلفات زیاد، حداقل به کانال زوجی می‌رسد و این مقدار پیشرفت، چیزی را عوض نمی‌کند. بهتر است امکانات را حفظ کنیم و با اتکاء به آنها خواسته‌ها را مطرح کنیم، ولی در مقابل این سوال که با جریان بعبارات شهرها در جبهه چه بکنیم، جوابی ندارند. نتیجه حرفشان این است که صبر کنیم تا نیروی پیشتری تجهیز نمائیم.

احمد آقا تلفنی اوضاع جبهه را پرسید و از مسئله تحويل امکانات سپاه پرسید. بالآخره با مشورت با دکتر روحانی، ذیل دستور امام به نیروی زمینی ارتش نوشتم که اقلام درخواستی را برای مدت پنج هفته در کنترل عملیاتی سپاه قرار دهند. عصر به محل سایت موشکی هاک در غرب اهواز در جنگل مصنوعی رفیم. از قسمت‌های مختلف بازدید کردم. برایم جالب بود. قرآنی به سایت هدیه کردم. سپس به قرارگاه خاتم رقتم. فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌ها جمع شدند. برای آنها درباره ضرورت تداوم عملیات و تعقیب دشمن صحبت کردم. آنها عمدۀ مشکل خود را نداشتند حمایت زرهی در مقابل عراق ذکر کردند و خواستار آمدن امکانات نیروی زمینی ارتش به کمکشان بودند و مقداری را که امروز دستور داده شده، کافی نمی‌دانند. ساعت دوازده شب به گلف برگشتم.

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

توفیجانه، نظربر زرهی، تانک و تزرب ضد هوایی و ذکر آمار تجهیزات مورد نیاز، خواستار تأمین و ارسال آن شده‌اند. امام خمینی (ره) در پاسخ به این درخواست چین مرقوم فرموده‌اند: "بسم الله تعالى، جناب الله جمیل الاسلام آقای جامیه‌ای و آقای هاشمی - اعز الله تعالی با وصیت بسیار خطیری که با آن مواجه هستم شرعاً و عقلانياً لازم است برای وسائلن ما بمحاج ذمدادگان حان به گفت کربلای پیغمبر انسان شود. مسامحة در این امر بک فاجعه اندای نخواست میکن است به بار آورد. والسلام عليکم و رحمة الله. ۱۱ بهمن ۶۵ روح اللئاله موسوی الحسینی"

۴ Febr ۱۹۸۷

چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

اخبار رادیو آمریکا و انگلستان، بوی توطئه دخالت مسلحانه در منطقه و مخصوصاً در لبنان و شاید در خلیج فارس علیه ما می‌دهد. مسأله گروگان‌گیری اخیر در لبنان و بازداشت [آقای جرالد سیب] یک روزنامه نگار آمریکایی در ایران را بزرگ می‌کنند. تا ساعت ده صبح در گلف به کارهای جنگ رسیدگی کردیم.

سپس برای بررسی وضع منطقه سوستگر، هویزه و بستان حرکت کردیم. منطقه عمدها سر سبز و اراضی کشاورزی است. هوا طوفانی و گرد و غبار بود. در سوستگر از نقطه بمباران شده شهر بازدید کردیم. شهر را خلوت و نیمه تعطیل دیدیم. لابد از ترس بمباران، بیرون رفته‌اند. هویزه هم حالی بود. هنوز منازل تحويل نشده است. بیرون هویزه، لب جوی آبی توقف کردیم. ساعت دو و نیم بعد از ظهر به اهواز رسیدیم. نماز ناهار، خواب و سپس در ساعت چهار و نیم شروع به دیدن گزارش‌ها کردیم.

احمد آقا تلفنی گفت، نامه‌ای از سرهنگ حسنی سعدی به امام رسیده که توشه تحويل این همه امکانات به سپاه برای ارتش مشکل است و امام دستور داده‌اند که در جواب توشه شود، لازم است از دستورات فرماندهی جنگ (من) اطاعت شود و تاخیر موجب کیفر زمان جنگ است.

با آقای [حسین] علایی [فرمانده نیروی دریایی سپاه] در مورد استفاده از موشک ساحل به دریا، برای شهرها و مواکر زمینی مذاکره کردیم. قرار شد بررسی کنند. از دیروز ظهر تا امشب، دشمن بمباران شهرها نداشته است. ما هم گفتیم نیروها اقدام نکنند و اگر دشمن شروع کرد، مقابله به مثل

۱ - رادیو اسرائیل در این باره گفت: «لبنان دوباره به لسان چشم دوخته و در انتظار کسب اطلاع از مربویت افرادی که توسط سارکان‌های فرو ریسم ریزده شده‌اند، رسانه‌های گروهی تصریح نیروهای نظامی آمریکا در ترقی دریایی مدیرانه را به دقت دیال می‌کنند. هرج و هرج در شهر طاغی زده بیرون چنان شدت پاکت که در محدوده‌ای اخیر هر گروه گروچک و ناشناس به آدم‌بایی دست می‌زند و برای آزادی گروگان‌های خود مبالغ هنگفتی مطالبه می‌کنند. یک گروه نیرویی کمیش انگلیسی ترقی ویت را به اسارت گرفته و در ازای آزادی او یک میلیون دلار مطالبه می‌کند. اسقف اعظم کلیسای انگلیسی برباتیا برای کسب آزادی ترقی ویت به آفاق هاستی رفستجانی منتسل شد. یک گروه تزوییتی دیگر که چهار نفر اتباع آمریکایی را ریزده برای آزادی آنها چهار میلیون دلار پول نهد و آزادی چهار صد تروریست زندانی در اسرائیل را مطالبه می‌کند. این در خواست‌های اورتسلم و واتسگن را بی اعتمایی و لبخند و نسخر روپرتو گردیده است. ایالات متحده در روزهای اخیر بیان ایروی عظیمی در جویه شرقی دریای مدیرانه و در فاصله کمی از سواحل لبنان منتظر می‌باشد و شایع گردید که نیروهای کمادنو قصده دارند برای نجات گروگان‌ها در آن کشور پیاده شوند ولی کارشناسان نظامی به تایپ یک اقدام کمادنوی خوشبین نیستند؛ احتمال آن را سیار ضعیف می‌دانند. از جانب دیگر کارشناسان می‌گویند که ایالات متحده بیش از این نیم تواند در برابر تحریکات با جنگرانه گروه‌های تزوییتی مکوت کند و دیر بازود نایار خواهد گردید برای رسیله کن ساختن ترور و حفظ حیثیت خویش به یک واکنش مؤثر علیه سازمان‌های خرانکاری و حکمرانی‌های تزوییت پرور دست نزدیک».

۵ Febr ۱۹۸۷

پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶

اول وقت آقایان محسن رضایی و رحیم صفوی آمدند. برنامه و مانور عملیات آینده را گفتند و تاکید بر تحويل ابزار جنگ از ارتش نمودند. ساعت نه و نیم از راه [استان چهارمحال و] بختیاری و اصفهان به سوی تهران حرکت کردیم. در مسیر از شهرهای رامهرمز و ایذه در استان خوزستان گذشتیم. بعضی از همراهان از جمله دکتر روحانی با رفتن از این راه مخالف بودند، چون در گردندهای بعد از ایذه تا دهدز و از آنجا تا سرخون، راه غیر قابل عبور اعلام شده بود. پیش رو که برای بررسی راه رفته بود، در جاده برفی گیبر کرده بود و خبری از او نداشتم. در سفر گذشته هم پیش رو اطلاع داده بود که راه قابل عبور نیست، ولی من برای دیدن منطقه و راه و تنوع در سفر، اصرار داشتم که برویم. در بین راه به آقای قلای شیخی نماینده ایذه [و باغملک] برخورد کردیم. ایشان مدعی بود راه قابل عبور است و قبل از هم نماینده اردل گفته بود که به تازگی از این راه سفر کرده است. در راه به پیش روها رسیدیم که برمی گشتد و گفتند که امکان عبور نیست.

در دهدز، بخشدار گفت عبور مشکل است ولی یک تراکتور همراه ما کرد که هر جا گیبر افتادیم به ما کمک کند. نزدیک غروب به جاده های پاتلاقی و برف گرفته رسیدیم. ماشین ها در گل ماندند و بالاخره با رحمت و اصرار من عبور کردیم.

اول شب لب رودخانه بازفت رسیدیم. رودخانه پر آب بود و سیل پل آن را برد بود. به کمک بولدوزرهای وزارت راه از آب عبور کردیم. در محل کمپ نماز خواندیم و شام که عدیسی بود، صرف شد. چون خسته بودیم و جاده های جلو هم خطرناک بود و مایل بودیم برای تهاشای منطقه سفر در روز باشد، شب را در همان کمپ خوابیدیم.

من در اتاق خواب رئیس کارگاه آقای جعفری خوابیدم. برای کارکنان آنها قابل تصور نبود که ما شب را در آنجا بمانیم. بد هم نگذشت. به خاطر خستگی شدید نیاز به استراحت داشتیم. پاسدارها هم مطابق معمول نگهبانی می دادند. هوای آنجا هم معتدل بود.

مبلغ پنجاه میلیون تومان از بودجه جنگ، به وزارت راه و ترابری کمک کرده ام که جاده اصفهان به اهواز زودتر ساخته شود که در جنگ - مخصوصاً در صورت مسدود شدن راه تهران اهواز - مؤثر است.

٦ Febr ١٩٨٧

جمعه ۱۷ بهمن ۱۳۶۵ | جمادی الآخر ١٤٠٦

بعد از نماز صبح با کارکنان کمپ احوال پرسی کردم و گفتم ببلغی به افرادی که دیشب برای ما زحمت کشیده‌اند، بدهند. آنها قبول نکردند و آن مبلغ را حواله جبهه نمودند. ساعت شش و تیم صبح به سوی تهران حرکت کردیم.

آقای روحانی نقل کرد که بعضی از کارگران به احترام حضور ما در کمپ، تا صبح نخواهید بودند و بعضی از آنها با احساسات، پیشنهاد می‌کردند که چون گومندگی برای کشتن در مقابل ما ندارند، آمادگی دارند خودشان قربانی شوند؛ این محبت‌ها مایه شرمدگی من است. مردم به خاطر اسلام، با مسئولان چنین بخوردی دارند و ملایقت این همه محبت را نداریم.

از گردندها و ارتفاعات صعب العبور و جاده‌های خاکی زاگرس در حواشی رودخانه کارون و سرشاخه‌ها عبور کردیم. به اولین آبادی به نام «سرخون» رسیدیم. جای جالبی است. تزدیکی‌های دوراهی لردگان - بروجن چلوکباب خوردیم. ساعت نه شب به منزل رسیدیم.

٧ Febr ١٩٨٧

شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۶۵ | جمادی الآخر ١٤٠٦

در منزل بودم. بیشتر وقتی به قرائت گزارش‌ها گذشت^۱. چند بار با جبهه تماس گرفتم. قرار بود شب یکشنبه عملیات محدودی داشته باشیم. امروز حمله عراق از شلمجه دفع شده است. مذاکرات ارتش و سپاه برای تحويل وسایل ارتش، نیمه موفق بوده است. سه هوایی‌ای عراق ساقط شده. یک فالکن خودی از سپاه پاسداران در اطراف پایگاه امیدیه، هدف قرار گرفته، سرنگون شده و سرنیشان شهید شده‌اند. احتمالاً به اشتباه از طرف پدافند خودمان خورده، زیرا هنگام وضعیت قرمز به آنجا رسیده است.

امروز هم چند شهر ما بمباران شده است، به آقای رفیق دوست گفتم برای گرفتن موشک زمین به زمین بیشتر از کره‌ای‌ها، برای مقابله با زدن شهرها جدیت کنند. بناست سه شنبه به آنجا بروند. سایت موشک ضد هوایی که از چین گرفته‌ایم از دیروز در اصفهان عملیاتی شده و امروز اولین

۱ = رادیو آمریکا در این روز اعلام کرد: ایران ذر میان اختلاف نظرها و سردگمی هایی که ذر مورد عاجزای بارداشت جرالد سیب خبرنگار آمریکایی در داخل حکومت ایوان وجوده داشت، سبب را آزاد کرد. میب که خبرنگار وال استریت جورنال است، روز شنبه گذشته به اتهام جاسوسی بازداشت شد و حدود نیمروز جهارشته به مقام‌های سفارت سوئیس در تهران تحويل داده شد. رادیو تهران به تعلی از موسری تجسس و زیر گفت: "سب طرف چند روز آینده اخراج خواهد شد".

موشک را شلیک کرده است؛ اگر چه اصابت نکرده، ولی احتمالاً یافع و حشت میگ های ۲۵ عراق که معمولاً بدون ترس از ارتفاع ۷۰ هزار پائی بمباران می کردند، خواهد شد. از اینکه افراد سپاه توانسته اند موشک را عملیاتی کنند، باید خوشحال بود.

یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | جمادی الآخر ۸ Febr ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در منزل به مطالعه گزارش ها پرداختم.^۱ به مجلس آمدم. از ججهه سراغ گرفتم. معلوم شد عملیات موعود انجام نشده و به بعد موکول گردیده است. آقای محسن رضایی از توافق با حسنی سعدی تا حدودی راضی بود. آقای موسوی از اعضای دفترم آمد و از عدم همکاری روابط عمومی شاکی بود.

آقای مرتضایی معاون آقای فروزنده [رئیس ستاد قرارگاه خاتم] آمد. از وجود مقدار قابل توجهی راکت ۲/۵ در هوانیر ور خبر داد که مورد استفاده قرار نگرفته و خواستار تحويل بخشی از آن به سپاه بود. این راکتها برای های کوپرهای خریده شده که نیاز آنها کمتر است. عجیب است که بعد از حدود هفت سال جنگ، امکانات استفاده نشده کشف می شود.

آقایان [مصطفی] ترابی [فرمانده حفاظت و اطلاعات ارتش] و [علی] یونسی [دادستان ارتش] آمدند. خبر از شروع همکاری وزارت اطلاعات با حفاظت اطلاعات ارتش دادند. در گذشته حاضر به همکاری نبودند و از اینکه در پیش نویس قانون ارتش نوین، نظارت وزارت اطلاعات بر حفاظت آمده ناراضی اند.

[آقای مختار کوسوماتما] وزیر امور خارجه اندوتزی به ملاقات آمد. بحث ها کلی بود و به خصوص در مسائل اخیر ما با آمریکا سوال کرد که گفتم آنها مدعی بودند خصوصی با ما ندارند، اما در آزمایش رفوزه شدن و همان شیطان بزرگ، لقب مناسبی است، بعد از آزمایش و آماده ایم که در

۱ - در این روز خبرگزاری مبارستان اعلام کرد آقای هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران در مصاحبه ای با تلویزیون مبارستان گفت: "حدود یک ماه پیش تماس هایی بیان یک فرستاده آمریکا و نایابندگان دولت ایران انجام گرفته است". خبرگزاری مبارستان به نقل از آقای هاشمی افroot: "حدود یک ماه پیش وزارت امور خارجه آمریکا شخصی بنام «ذامیار» و نیز افراد دیگری که قللاً آمده بودند، عازم ایران گردید. وی حامل طرحی از میری وزارت امور خارجه آمریکا بود. این شخص اظهار داشت وزارت امور خارجه آمریکا آزاده برای عداگره در آینده با ایران است. آقای رفسنجانی گفت که به نایابندگان ایران دستور داده شد تا از پدربوین طرح خودداری کنند، زیرا ایران دیگر به آمریکا اعتماد ندارد، آمریکا جدی نیست. پس از شکست مأموریت مکث فارلن فرستاده های آمریکا همچنان به تماس با عوامل داکه به خوبی اسلحه اشغال دارند و زیر نظر ادارات اطلاعاتی عمل می کنند ادامه دارد"

امتحان تجدیدی شرکت کنند. او تصريح کرد که حرف‌های ایران درست از کار بیرون آمد. آقای دکتر ولايتی از حرکات مشکوک روسها در رابطه با سفر ایشان به سوریه خبر داد و گفت شرط کرده‌ایم که [ادوارد شوارد نادزه] وزیر امور خارجه سوریه به استقبال بیاید و هنوز جواب مشیت ترسیله است.

عصر آقای [علی اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد و استادی آورد که فرانسه و دیگران، نگران نتایج عملیات اخیرند و هم در تلاش برای حفظ بعث عراق و جلوگیری از پیروزی ما و هم به فکر آینده عراق بعد از صدام هستند.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. بیشتر درباره جنگ، تحصیل و مسائل دفاعی مخصوصاً موشك و اقداماتی که در قرض دادن موشك اس - ۱۲ روسي به عراق بتوان انجام داد، بحث شد. شب به خانه رفتم.

دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۰ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۹ Febr ۱۹۸۷

تا ساعت هشت صبح در منزل مطالعه کردم. در راه مجلس از غرفه ابزار تخریبی کشف شده از ضدانقلاب خرابکار و چیزهایی که مأموران خودمان ابتکار کرده‌اند، دیدن کردم. از جبهه خبر گرفتم. باز هم عملیات به تأخیر افتاده است.

آقای [علیرضا] معیری معاون [سیاسی] نخست وزیر آمد و گزارشی از سفر به ترکیه و کوبا داد. تازه مهمی نداشت. نخست وزیر کوبا و ترکیه ابتدا معتقد بوده‌اند که عراق تاب مقاومت را دارد و به این زودی جنگ تمام نمی‌شود.

آقای [اسماعیل] قدائی نماینده اراک آمد و گزارش سفر جبهه را داد و گفت مردم اراک کم کم با بمبانها خو می‌کنند و قابل تحمل شده است. نماینده‌گان تبریز آمدند و خواستار تقویت پدافند این شهر شدند و از مقاومت مردم تبریز راضی‌اند. نماینده راه‌انداز همراه دو هنرمند راه‌دانی آمدند. از کسبود امکانات فرهنگی آنجا گفتند. آقای [حسین] مهدیان آمد. راجع به خیریه [مرحوم ابوالفضل] تولیت و امور شخصی و شرکت نشر [فرهنگ اسلامی] گفت.

عصر داشگاهیان آمدند. برای آنها سختواری کردم! آقای [حسن] غفوری فرد آمد. درباره شیوه

^۱- در این ملاقات که گروهی از نایندگان دفتر آیت‌الله منظری در داشگاه‌ها، مدیران و اساتید داشگاه‌ها و جهاد داشگاهی و انجمن‌های

عکس نا معبری

کناره‌گیری از مسئولیت [کمیته ملی] المپیک مشورت کرد. آقای [ابولفضل] توکلی بینا آمد و گزارشی از وضع مهندسی و ساختمانهای سپاه داد و خواستار کمک در خانه سازی برای سپاهیان در اراضی حظیره [شهرک شهید محلاتی] شد. سپاه این اراضی را اخیراً با پیشنهاد من و دستور امام از بیان مستضعفان گرفته است.

آقای [محسن] نوربخش آمد و از وضع دانشگاه شهید بهشتی - که اخیراً استاد و معاون آموزشی آنجا شده - گفت. امروز گزارشی از تجاوز هوایی عراق نداشتم و گفتم که توپخانه‌ها شاید نکنند. شب به خانه آمدم، عفت و فاطی به مراسم ازدواج یک معلم جنگ رفته بودند.

سه شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۱ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۱۰ Febr ۱۹۸۷
 ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمدم. گزارش‌های خواندم. از جبهه اطلاع گرفتم. گفتند بناست

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

اسلام دانشجویان و کارکنان دبیرخانه شیرازی عانی انقلاب فرهنگی حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "ما انتظار داریم در سالروز انقلاب بار دیگر شاهد حضور وسیع مردم در خیابان‌ها باشیم و امت الفلاحی کشورمان با آمدن در خیابان‌های سراسر کشور اثبات کند که تهدیدها و ارعاب‌ها، آن‌ها را نسبت به انقلاب خودشان صمیمی تر و ایثارگرتر می‌کند و این مسئله در مراحل قلی هم ثابت شده است و اکثرین زمان نشان دادن حسینیت و وفادی جامعه اتفاقی نسبت به انقلاب است. به خاطر آنکه ما اکنون در مفعلي هسیم که بهاجم شبهانی شده است و ما باید با حضور در صفحه‌ها یک تزدهری به آنها بربم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفتر شریعت‌علوم اسلامی، ۱۳۸۷

عکس محلی کوپرساری

امشب عملیات باشد. شب معلوم شد که به علت مهتاب و آمادگی دشمن، از این تصمیم منصرف شده‌اند. من هم تاکید کردم که ممکن است دشمن به خاطر احتمال عملیات در شب ۲۲ بهمن آماده باشد.

آقای عبدالله نوری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه آمد و گزارش وضع بودجه را داد و در مورد بودجه جنگ و قطع کمک دولت به وزارت نیرو و وزارت نفت، به منظور خودکشان از طریق گران کردن برق و نفت، مشورت کرد.

آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. گزارش وضع گروگانها در لبنان را داد و امکان آزاد شدن "تری ویت" را گفت که گویا ریاندگان در نظر دارند بعد از تخلیه اطلاعاتی آزادش کنند. او برای مخارج لبنان ارز خواست، به آقای رفیق دوست نوشتم که بدهد.

ظهور آقای [سیدحسین] موسویان مدیر کل ادارات مجلس آمد. گفت شخصی بنام دکتر رابرت از آمریکا، تلفنی پیشنهاد کرده که من با شماره تلفنی که داده با ریگان رئیس جمهور آمریکا تماس بگیرم. آن را توطئه‌ای تلقی کردم و جواب ندادم. گفتم روی شخص گوینده که خود را عضو روزنامه «موریسینگ نیوز» معروفی کرده تحقیق شود.

آقای [براهیم] سنجشی آمد؛ از وضع چبه و نیازهای سپاه گفت. عصر به پنهان برای بازدید.

کیفیت تعمیر هلی کوپترها رفته است، جالب است، پیشرفت خوبی دارند، برای آنها درباره اهمیت هلی کوپترها در جنگ و پشت جبهه و اهمیت کارشان صحبت کردم.^۱

شب به تالار وحدت رفتم. در مراسم افتتاحیه پنجمین جشنواره فیلم فجر سخنرانی کردم.^۲ در پایان سخنرانی ضمن شعارها، مرگ بر شوروی گفتند، اعضای سفارتخانه شوروی که جزو مهمانان بودند، به عنوان اعتراض بیرون رفته اند. گفتم از آنها دلجویی شود و به حضار تذکر بدھند.^۳ به خانه رفتم و فیلمی از تلویزیون تماشا کردم. بد تبود. عفت و بچه ها، بیرون شام خورده بودند. برای من هم آوردند.

چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۲ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۱۱ Febr ۱۹۸۷

راهپیجایی [۲۲ بهمن] با شرکت ابوه مردم حتی در شهرهای مکرر بجیاران شده، بیش از حد انتظار

۱ - آقای هاشمی در این بازدید ابتدا از نباش پرواز جمعی انواع هلی کوپترها دیدن کرد و در پیاس خطاب به جلیان هلی کوپترهایی که در آسمان تهران به پرواز درآمده بودند، از خدمات آنک در جبهه ها و پشت جبهه ها قدردانی نه عمل آورد. سپس از بعضی های مختلف ساخت، تعمیر و قطعه سازی صنایع هلی کوپترسازی دیدن کرد و در گفتشگری کوتاه از ابکارات پرست این صنایع گه در نوع خود در جهان کم نظری است قادرانی کرد. آقای هاشمی آنکه در جمع کارکنان صنایع هلی کوپترسازی حضور یافت و طی سخنایی به تصریح مقش ارزشده خدمانی وزیری هلی کوپتر در عرصه زندگی اجتماعی - اقتصادی و نظامی پرداخت. اینسان با یادآوری تعداد قابل ملاحظه هلی کوپرهای موجود در گشتو و نقش آنها در کارهای خدماتی و رزمی، حفظ و نگاه داری این امکانات را از جمله رطایت بسیار مهم و با ارزش توصیف کرد. اینسان عملکرد و ابکارات به عمل آمده در صنایع هلی کوپرساری را با توجه به هفت سال جنگ و واسطگی وسیع آن به نکولوژی خارجی و کارشان اس بیگانه، غیرقابل انتظار توصیف کرد و خطاب به کارکنان این صنایع حاطمندان ساخت: "آنکه امروز در زمینه هلی کوپر و مسائل مربوط به آن مفہومهای احسان نمی کنیم، این را موهون رحمات شنا من داشم و این خلی اتفخار آفرین است که در جایی که روی کاکل خارجی های می گشته، الاز شما این قدر خوب کار کرده اید که از آمریکا و شوروی و انگلستان و دیگر کشورها در این زمینه بی نیاز هستیم هم اکنون در گشتو های جهان سوم و سیاری از گشتوهای پیشنهاده تعمیر هلی کوپر در این سطح بالایی که در اینجا صورت می گیرد، وجود ندارد." آقای هاشمی در پایان سخنرانی خطاب به کارکنان صنایع هلی کوپرسازی تأکید کرد: "نشایر ای جهان سوم الگوی هستید که نشان می دهد می توانند اتون اتکا به قدرت ها از عهده کارهای فنی پیچیده ببرآمد". روحی کنید که کتاب "هاشمی رضانیان، سخنرانی های سال ۱۳۶۵" دفتر شعر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - در سخنی از این سخنرانی آمده است: "انقلاب مردم را با صنعت سینما آشنا یاد و حرکت های سیار خوبی که تاکنون انجام شده است، گام های سخت راه است و یاد کار در این زمینه خلی بیش از این اوج بگیرد. با توجه به اینکه از گذشته هم ماتسوههای نباش برای تبلعت داشته ایم، مثل شنیه گردانی و نمایه که در مردم نجود مطرح کردن مسائل در جهان بی نظر است، چرا تایید از سینما و فلم برای بیان مسائل خود استفاده کنیم." روحی کنید که کتاب "هاشمی رضانیان، سخنرانی های سال ۱۳۶۵" دفتر شعر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۳ - سه تن از اعضای مغارف شوروی در تهران گه به ذعرت برگزار گشتدگان پیشخون چشم از فیلم فجر در عرض اختیاه این جشنواره در تالار وحدت شرکت کرده بودند، پس از شعارهای مرگ بر شوروی که توسط حاضران در تالار داده شد به عنوان اعتراض نالار را ترک کردند. پس از خروج سه عضو مغارف شوروی از تالار، مجری برنامه ای مردم خواسته تا شعار مرگ بر شوروی را از شعارهای خود حذف کنند که با اعتراض یکی از افراد حاضر در تالار روبرو شد.

انجام شد. ارزش سیاسی بالائی دارد. ضمن راهپیمایی، هوایپماهای عراق به چند شهر منجمله تهران و قم حمله کردند، ولی مردم رشدات به خروج داده و با دست های افراشته و شعار جنگ جنگ تا پیر وزی و استقبال از شهادت با آن مواجه شده بودند؛ خیلی مهم است.

آقای رفیقدوست آمد. علت تأخیر سفر به کره شمالی را که برای گرفتن موشک بیشتر بایستی انجام شود، گفت خیال می کند به علت اختلاف دو جریان نظامی و بازرگانی در کره است، ولی احتمال فشار روشهای هم هست. گفت پانصد موشک تاوا - که آخرین محمولة آمریکایی هاست - از نوع قدیمی و عمدهاً معیوب است؛ برخلاف قرار که بایستی از آخرین محصول کارخانه باشد. این سند شیطنت و پستی آمریکایی هاست.

عصر برای سخنرانی در مراسم ختم برنامه های مهمانان دهه فجر به هتل لاله رفتم. فاطی هم با من آمد و شب با غفت و خانم مطهری در مراسم بودند.

شب با دیگر سران قوا مهمنان احمد آقا بودیم. امام هم شوکت نمودند. درباره سفر دکتر ولاپی به شوروی مذاکره شد. قرار شد با قبول شرط حضور وزیر خارجه شوروی در استقبال و دادن ملاقات با گورباچف و نخست وزیر شان بروند. گویا مایل نیستند این شرطها را پذیرند. نظر امام این بود که اگر از موضع ضعف با روشهای برخورد کنیم، سفر هم کم تیجه و احتمالاً مضر خواهد شد.

درباره جنگ شهرها مذاکره کردیم. همه قبول داشتیم که فشارها سخت است و ممکن است به صورت غیر قابل تحمل در آید، ولی چاره ای جز مقاومت و ادامه جنگ به نظر نرسید. فقط با توسعه امکانات موشکی برای مقابله به مثل و فشار در جبهه ها قابل تحمل است. قرار شد بحث ادامه یابد. قرار شد آقای خامنه ای برای دیدن آیات به قم بروند که در عین بمباران در قم مانده اند. قبول شد که آمدن مهندس غربی به ایران برای تعمیر موشکهای فونیکس را پذیریم. از طرف یکی از همین آمریکایی ها به مهدی تزاده بدون هدف سیاسی و فقط به عنوان کسب و تجارت خودش پیشنهاد شده است.

امروز شرارت بمباران دشمن زیاد بوده است. شاید علت آن عملیات فتح چهار بوده که امشب در شمال عراق انجام داده ایم. دیر وقت به خانه آمدم. تیمه شب و صبح زود، عراق به تهران حمله کرد،

۱- آقای هاشمی در این مخوارق خیمن از ارزا حرستی از حضور مهمانان خارجی، از آنان خواست تا حلقان و واقعیت هایی را که در مدت اقامت خود در ایران درگذراشده ای را ملکت های خود بارگز کنند. اینسان با اشاره به راوی سایی عظیم امت حرب الله در روز ۲۲ بهمن گفتند: "خوشحالی ما این است که شما موقت شدید با یکی از حساسه های مردم ما از نو دیگر آشنا شوید و قدرت اسلام را نیس کنید. من فکر می کنم به هیچ زیان و مسله دیگری نمی شد عظمت روح اسلام و قدرت ایمان را آن علیور که شما در خیابان ها مشاهده کردید، به نمایش گذاشت". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۵"، دفتر شریعت و علوم اقلیات، ۱۳۸۷

سخنرانی در اختتامیه جشنواره فیلم فجر

بازدید از هلی کوپتر سازی

ولی بمب‌ها در بیرون تهران افتاد.

پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ Febr ۱۹۸۷

صیح مجلس آمدیم، نماینده نهادن برای مسائل آن شهر که در اثر بمباران پیش آمده است، استمداد کرد. تا عصر پیشتر به قرائت گزارش‌ها و انجام امور جنگ گذشت. سفارتمان در انگلستان اطلاع داده که رئیس کلیسای کاتولیک نامه‌ای به من نوشته و خواسته که برای نجات «تری ویت» [کشیش انگلیسی] کمک کنم و متقابلاً اظهار آمادگی کرده که برای نجات [احمد] متولسلیان و [سید محسن] موسوی در لبنان کمک کنند. وسیله خوبی است برای مطرح شدن مسأله فراموش شدگان ما در لبنان که ظاهراً توسط فالاترها ربوده شده‌اند.

آقای [حسین] کمالی [نجاینده تهران] آمد، برای منبع مالی لایحه بیمه بیکاری استمداد کرد و از اسراف در مصرف در جبهه گفت. آقای شمخانی اطلاع داد که عملیات به تحریر افتاده است. هوایپمای عراقی چند بمب در تهران انداخت که شش نفر شهید و جمعی مجروح داشته است. ما هم یک موشك به بغداد زدیم.

عصر دکتر ولایتی آمد و گفت روسها شرط حضور وزیر خارجه‌شان در استقبال را پذیرفته‌اند و ملاقات با نخست وزیر را در برنامه گنجانده‌اند. قرار شد بروند. تذکراتی در مورد مسائل فیما بین از حمله تاکید بر ضرورت بی طرفی شوروی در جنگ یا برخورد مساوی و اشاره به همکاری ما و سوری‌ها و لیبی‌ای‌ها در عراق بعد از صدام و تهدید به امکان شدت بعض ملت ایران علیه شوروی، به خاطر حمله به شهرها توسط عراق و امکان دریافت سلاح دفاعی از غربی‌ها در صورت ادامه شرارت‌ها، دادم.

تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم. برق تهران و بخش وسیعی از کشور قطع گردید.

جمعه ۲۴ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ Febr ۱۹۸۷

آیت‌الله موسوی اردبیلی نماز جمعه را اقامه کردند. دیشب و امروز دو سه بار هوایپماهای عراقی به تهران حمله کردند. دو سه بمب روی نقاط مسکونی افتاد و حدود بیست شهید و حدود یکصد

^۱- متن کامل نامه استف کلیسای کاتولیک و پاسخ آقای هاشمی در بحث فصلیم کتاب درج شده است.

مجروح به جا گذاشت. ما هم برای مقابله به مثل به بغداد موشک زدیم. از پدافند موشکی خواستم جدی تر عمل کنند.

هوایپمای میگ ۲۵ در ارتفاع ۷۵ هزار پا پرواز می کنند و [سیستم موشکی] هاک به آن نمی رسد. موشک های چینی دقیق نیستند و [موشک] شباهنگ عملیاتی بوده و لیبیائی ها هم این روزها، سایت موشکی سام ۲ را تعطیل کرده اند.

حمله به تهران از لحاظ روانی، باعث کاهش فشار روی شهرستانها شده است و از فشار جمعیت مهاجر شهرستان ها به تهران می کاهد، ولی برای عراق هم که می تواند مرکز را بزنند، موفقیت به حساب می آید. دیشب شیکه برق سراسری مدتی خاموش شد، ولی به تدریج در مدار قرار گرفت. از این جهت دمغ بودم.

شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۵ جمادی الآخر ۱۹۸۷ Febr

ساعت شش صبح با صدای ضد هوایی های تهران بیدار شدم. معلوم شد هوایپمای دشمن نتوانسته بمب به تهران بیندازد و فرار گرده است.

به مجلس آمدم. گزارش ها را خواندم. سفر آقای دکتر ولایتی به سوریه، مورد توجه شرق و غرب است. آقای لطیف صفیری آمد. گزارش وضع اسلام آباد [غرب] را داد. در بمباران تقریباً کل شهر خالی، ویران و غیر مسکونی شده است. مردم به روستاهای اطراف شهر پناه پرده اند و امکانات و خدمات به آنها می رسد. روحیه مردم، خوب و قابل تحمل است. به نظر خیلی عجیب می رسد. آقای سیدزاده آمد و گزارش وضع باختران را داد. تقریباً شهر خالی است و مردم ناراحتند؛ چون مثل اسلام آباد، بافت مردم عشايري نیست. آنها به آسانی جذب روستاهای شده اند و مشکلات زیاد است.

آقای رفیق دوست آمد و گفت سفرش به کره [شمالی] باز هم به تأخیر افتاده است. به وزیر راه و ترابری و دکتر روحانی و وزارت خارجه گفتم، سریعاً هوایپما برای آوردن موشک ها اعزام شود و منتظر سفر رفیق دوست نماند. آقای سنجری آمد و گفت عملیات محدود را وسیع تر گرفته اند و زمان معین نکرده اند. به نظرم رسید که زودتر به جنوب برویم؛ گویا مشکلی دارند. آقای روحانی گفت، دولت دستور داده مدارس تهران تعطیل شود. به نخست وزیر گفتم این کار

مصلحت نیست. دشمن را تشویق به ادامه بمباران می‌کند و به سایر اجتماعات هم سرایت می‌نماید. قرار شد برای مشورت بیشتر دست نگه دارند.

عصر دکتر جاسبی آمد. درباره مسائل دانشگاه آزاد اسلامی در ارتباط با وزارت خانه علوم و آموزش عالی صحبت شد. مسؤولان ژاندارمری آمدند و برای گرفتن اعتبار استمداد کردند. فوق العاده عملیات آنها عقب افتاده است. [آقای محمد سعیدی کیا] وزیر راه و ترابری آمد. درباره شرکت آسمان و اعزام هواپیمای ارتضی به اسم هما، بحث و بر ارسال سریع یک هواپیما به کره شمالی، تأکید شد. امروز هم چندین شهر بمباران شد.

یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۶ جمادی الآخر ۱۹۸۷ Febr ۱۹۸۷

نیمه شب با صدای ضد هوایی ها از خواب بیدار شدیم. بعداً معلوم شد که بمبی در تهران نیفتاده و در بیرون از شهر افتاده است. اولین جلسه مجلس، بعد از تعطیل دهه فجر تشکیل شد. قبل از دستور درباره راهپیمایی عظیم مردم در روز ۲۲ بهمن و مخصوصاً در شهرهای بمباران شده صحبت کردم^۱. تا تنفس در جلسه ماندم. مراجعت نمایندگان زیاد است. روحیه ها بد نیست. حضور گسترده مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، روحیه ها را قوی کرده است. دونفر از سپاه و ارتش آمدند. مدعی بودند از کمبود موشکهای فونیکس سرنخی دارند که پس از تحقیق، حرف حسابی نداشتند و متکی به نقل قولهایی بود که نمی شد تعقیب کرد. آقای محسن رضایی و دیگران اطلاع دادند که موشک چینی در اصفهان، یک [هواپیمای مهاجم] میگ ۲۵ را زده و خلبان آن اسیر شده است؛ موقوفیت خوبی است. عصر [آقای نومورا]

۱- در بختی از این لحظه آمده است: «صحنه هایی که از حضور مردم ما در روز ۲۲ بهمن در صحنه دیدیم، راقعاً اعجاب انگیز است و برای کسانی که مسائل را با دید مادی تحلیل می کنند، قابل باور نیست. آن چنان حضور مردم وسیع و عمیق و با احساسات در صحنه متعاهده شد که عنود ترین باطران بین اهلی هم که این بارگوش به زنگ بودن تا خیابان های شهر را خلوت بینند، تجت تأثیر قرار گرفته و نتوانستند اعجاب خود را مخفی کنند. آنچه که چشم روحیه ای را به مردم مادراده، هدف بزرگی است که مردم ما دارند و این را دستیان ما نمی فهمند. تعیین هدف و آرمان و بزرگی اسلام و عطالت اتفاقاً از نظر مردم آن چنان است که هر میبین و رتیع را آسان می کند که دیدیم در این میان شهرهای نصیران شده و زیر تهاجم، جلوه بیشتری داشت. از بین شهرهای زیاد است، فام همه آنها را در ساختاری کوتاه قلل از دستور قمی شربه برده، ولی تغیریاً استثناء ندارد. در شهرهایی که دکتر می کردیم خلوات هستند، حضور مردم آن چنان در خیابان ها زیاد به چشم می خورد که گویی این مردم حاضر نیستند یک لحظه از عینان مبارزه و جهاد بیرون باشند». برچاع کنید → کتاب «هاشمی رفسنجانی، نقیه های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد دهم»، دفتر نشر معارف اهل‌السنّة، ۱۳۸۷

سفری ژاپن برای خداحافظی آمد. درباره جنگ و اهمیت خلیج فارس و شرایط بعد از صدام و طرح دبیر کل سازمان ملل و کمک برای نجات گروگانها در لبنان هم سوال کرد. یک رادیوی کامپیوتری [= دیجیتالی] هم هدیه آورد.

فرماندهان نیروی دریایی سپاه آمدند. درباره خرید ناوچه پیشنهاد و وضع موشک‌های موجود مذکور شده و برای همکاری بیشتر با نیروی دریایی ارتقی استعداد کردند. آقای [محمد حسین] رضایی مدیر کل حج آمد. برای رفتن به جبهه استفسار کرد که گفتم به خاطر اهمیت شغاز نروود، مگر اینکه مسئولیت مهمی در ارتباط با جنگ در کار باشد. فرزندش به جبهه رفته است.

آقایان الوری و حیدری آمدند و پیشنهاد از یک شرکت آلمانی برای اقلام نظامی آوردند. دو سه قلم را مشخص کردم که به عنوان نمونه و آزمایشی بیاورند.

شب سران قوا در مجلس جلسه داشتیم. برای امنیت بیشتر، جلسه را در قرارگاه طبقه پائین گذاشتیم. نخست وزیر برای مخارج ناشی از بمبان شهرهای سه میلیارد تومان خواست که قرار شد با اجازه امام، مخارج ضروری از بانکها استقراض شود.

دکتر ولایتی نتایج سفر به سوریه را گفت. روسها در افغانستان به مشکل و بنست افتاده‌اند و از ما خواسته‌اند که برای تهیه امکانات خروج آنها از افغانستان، به صورتی که آمریکا جای آنها را پرنکند و طرفدارانشان بعد از خروج شوروی، قتل عام نشوند و حاکمیت افغانستان غیر معهد و در رابطه با همسایگان باشد، به آنها کمک کنیم.

در مسئله عراق حساسیتی شان نداده بودند و در مورد توسعه روابط اقتصادی از جمله شروع حفاری ما در دریای خزر و رفتن قطار ماتا مسکو و آمدن [هواپیمای شرکت روسی] ایرفلوت به ایران و آمدن کارشناسان ذوب آهن و نیرو و... تفاهم‌هایی شده است. درباره مسائل جنگ، [تعطیلی] مدارس، لبنان و تحکیم روابط با سوریه هم بحث و تصمیم اتخاذ شد.^۱

دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | Febr 1987

امروز صبح برای ملاقات مجر و حان جنگ به بیمارستان نور اشان رفتم. با حدود نود نفر ملاقات و

۱- در این روز آقای هاشمی در تیمس تلفنی با آقای سید هادی خامدای نایابنده مردم مشهد که در یکی از بیمارستان‌های این شهر بستری است، گفت و گو کرد و برای وی شفای عاجل طلب نمود. آقای سید هادی خامدای در حریان راهی‌گایی ۲۴ بهمن در مشهد بر اثر انفجار نارنجک متروک شده بزد.

عکس بازدید از مجروهان

احوالپرسی کردم و هدیه دادم، برای کارکنان صحبت کردم^۱. وضع بیمارستان خوب بود و مجروهان از مدیریت پزشکان راضی بودند. ظهر به مجلس آمدم.

عصر آقای نقاشیان آمد و گفت یکی از شخصیت‌های آمریکایی از او خواسته که اجازه بدهیم آقای ریگان تماس تلفنی بگیرد. گفتم شیطنت در کار است و باید با سران قوا و امام مشورت شود. هیأت رئیسه مجلس برای بررسی اهانت مجلس در مقابل خطر بباران، جلسه داشت. قرار شد فعلاً در همان محل معمولی کار ادامه داشته باشد و اگر وضع بحرانی شد، جلسه عمومی را به زیر زمین ببریم. آقای صالحی فرمانده سپاه حفاظت آمد. درباره مسئول تیم حفاظت من و مسئول انتظامات مجلس مذکور کرد. از ساعت نه و نیم، اعضای کمیسیون‌های دفاع و برنامه و بودجه آمدند. درباره بودجه

۱- آقای هاشمی با مجروهان جنگ تحصیلی در بیمارستان تهران تبریز دیدار کرد و ضمن رسیدگی به مشکلات آنان، در گفتگویی با خبرنگاران، درباره نتیجه این دیدار، اعلام کرد: "حدود ۷۰-۸۰ تن مجروه‌ی که با آنان دیدار کردم، از روحیه خوبی برخوردار بودند و بیشتر آنان در عملیات کربلای ۵ و ۶ آسیب دیده بودند. وضع بیمارستان، رضایت‌بخش بود و خوشخانه، تمام مجروهان، بدون استثناء از مدیریت بیمارستان، پزشکان، پرستاران و خدمتگزاران رضایت داشتند و خواستار قدردانی از آنان بودند این ترد که هیچ یک از مجروهان تا این لحظه، شماگی نیزدند و با وجود آنکه مجروهان، به میب آسیب دیدگی داشتند، حق دارند بیشتر ترقع داشته باشند، ولی آناد حسی یکتا غرر در خواست داشتند. آسیب دیدگان بیماران‌های باختنان و ایلام نیز جزو ستری شدگان این بیمارستان بودند که خلاف انتظار ما روحیه خوبی داشتند و حکایت‌گری‌های آنان از صحنه‌های بیماران، نشانگر وحشی‌گری دشمن و مقاومت مردم ما است". آقای هاشمی در بیان اظهار امیدواری کرد که در دیگر مراکز بهداشتی نیز امکانات درمانی مجروهان جنگ تحصیلی، به قدر کافی، تأمین شود.

کل کشور بحث شد. یک نظر این بود که بودجه را جنگی کنیم و از اعتبارات عمرانی بزنیم. بالاخره قرار شد بودجه جنگ را به اندازه مصرف سال گذشته بدھیم و سویسید [= یارانه] را از برق و سوخت برداریم و بعضی از وزارتخانه‌ها را مسؤول ترمیم مشکل شهرهای بمباران شده کنیم. ساعت ده شب به خانه رسیدم.

سه شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۸ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۱۷ Febr ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی ماندم. مراجعة نمایندگان زیاد است. در دفترم آقای رحیم صفوی آمد. برای مشکل در ارتباط با مسئله سید مهدی هاشمی صحبت شد و از وضع جبهه گفت. آقای [ایرج] صفاتی دزفولی رئیس دیوان محاسبات آمد. از وضع بانک مرکزی گفت و تقاضای اجازه رسیدگی آنجارانمود. قبل آقای [تحید] قاسمی [رئیس کل بانک مرکزی] گفته بود که ممکن است با رسیدگی، اسرار محرومانه بانک [مرکزی] فاش شود؛ اجازه دادم.

آقایان سعید الذاکرین و رئیس زاده از روابط عمومی [مجلس] آمدند. درباره آئین نامه تنظیم روابط با دفتر رئیس مذاکره کردند. از اتفاق خبر محرومانه که به تازگی تنظیم شده پازدید کردم. تقاضای دادن مطالب سری را داشتند.

عصر آقایان سازگار نژاد و هاشم زائی برای تجهیز زیرزمین [مجلس] برای تشکیل جلسات اضطراری مراجعت کردند. برای انجام کارهای عقب افتاده به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی و جامعه روحانیت مبارز نرفتم. شب آقای مهدی نژاد و دکتر هادی آمدند. درباره پیشنهاد تعمیر موشک‌های فونیکس توسط مهندسین خارجی از طریق یک ایرانی آمریکایی شده، مذاکره شد. قرار شد پذیرفته شود. ساعت هشت و نیم به منزل آمدم.

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۹ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۱۸ Febr ۱۹۸۷

دیشب برف یارید. ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. [آقای هوی رفان] فرمانده نیروی هوایی سپاه آمد. در مورد پدافند هوایی موشکی و خرید موشک زمین به زمین صحبت شد. قرار شد دو سایت

٤٧١ دفاع اوج

عکس

چینی در تبریز و قم برقرار شود. آقای موسویان آمد، در مورد آئین نامه روابط دفتر [ریاست مجلس] و روابط عمومی صحبت شد.

فرماندهان لشکر سیدالشهدا(ع) آمدند. گزارش عملیات کربلای پنج را دادند و من هم صحبت کردم. توضیحاتی درباره شرکت [پسرم] مهدی در جبهه، به آقای فضلی دادم.

آقای ری شهری آمد و درباره پرونده احمد کاشانی و گروه مربوطه و سیاست جدید فرانسه در ارتباط با ایران توضیح داد. خانم [آقای] احمد کاشانی آمد و برای پرونده شوهرش استمداد کرد. گفت تلفنی از او خواسته که از من استمداد کند. آقای تقاشیان آمد. خواستار همکاری با وزارت اطلاعات بود. به آقای ری شهری تذکر دادم.

آقای [محمد مهدی] پورگل [نماینده پندر ازولی] آمد. از تعطیل شدن کار تالاب ازولی با شمار محیط زیست شاکی است. آقای [مهدی] زاده نماینده گناباد آمد و درباره نیازهای آن شهر - آب و دانشکده پژوهشی و... استمداد کرد. عصر آقای [غلامحسن] زائری برای کارهای مجلس مراجعت داشت. آقای مهندس [حسین] طاهری پیشنهادهایی درباره جنگ داشت.

دکتر روحانی آمد. برنامه سفر فردا را تنظیم کردیم. آقای عبدالله نوری آمد و درباره مصوبات کمیسیون برنامه و بودجه توضیح داد.

شب سران قوا مهمان آقای موسوی اردبیلی بودند. خبر رسید که عراق اعلام کرده از فردا ظهر بمباران شهرها را قطع می‌کند. باعث خوشحالی و تعجب شد. احتمال می‌رود که با فشار روسها باشد. احتمال دیگر این است که مقاومت مردم ماء آنها را مایوس کرده است. اگر فشار روسها هم باشد، خود معلوم مقاومت مردم است که معلوم شد برای عراق و روسها، اثر معکوس مورد نظرشان از بمباران به دست آمده است.

درباره جنگ و روابط باروسها و سوریه و لیبی و بودجه خسارات شهرها و... بحث شد. شام را با فرماندهان لشکر سیدالشهدا(ع) که مهمان آقای خامنه‌ای بودند، صرف کردیم.^۱ دیر وقت به خانه

۱ - مسعود رجوی رهبر گروهی مجاهدین خلق (منافقین) در پیامی که از راذبر محادله پختن شد، اذعاکر: "او بور عن به بغداد رفم و باز پرسیم جمهور عراق دیدار کردم و درباره قطع بمباران معاولاً صحبت کردم. رئیس جمهور و فرماینده کل قوا ای عراق آقای صدام حسین، از من به عنوان یک ایرانی، به عنوان یک مجاهد خلق و مسئول مقاومت استقلال کردند و عن هم تھاضیم را برای قطع بمباران شهرهای وطنمان که در هفته‌های گذشته مع انسانخواه عربان کرده بودم، مجدداً با خود ایشان ذر میان گذاشتم و الله انصارهم کردم تا اینکه ظهور امروز تقصیم گرفتند بمباران را به مدت دو هفته قطعی کنند".

۲ - آقای هاشمی در دیدار با فرماندهان لشکر سیدالشهدا می‌باشد اسلام، فسیح مختاری، پیروزی ایران در عملیات کربلای پنج را ضربه‌ای مؤثر در تایید مازی تیان جنگی دشمن خواهد و تأکید کرد: "ما توجه به اعزام نیروهای سیاه حضرت مهدی (عج)، برای تداوم (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

رقم.

پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۰ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۱۹ Febr ۱۹۸۷

چمدان را برای سفر به خوزستان بستم و ساعت هفت و پانزده دقیقه با بدرقه و دعای سفر عفت از خانه بیرون آمدم.

در جلسهٔ علمی، قبل از دستور دربارهٔ ولادت حضرت زهراء(س) و امام و [روز ۲۹ بهمن] سالگرد قیام مردم تبریز [در سال ۱۳۵۶] و سالگرد شهادت جمعی از تمایندگان و دیگران در سقوط هوایپیما با موشك عراقی‌ها صحبت کردم.^۱ [این نطق] بیشتر به منظور اعلان حضور در تهران بود. ساعت نه و نیم صبح به سوی قم حرکت کردم. در اثر مسامحه دفتر من که به ایشان اطلاع نداده بود، دکتر روحانی عقب ماند. در راه قم به من رسید و در ماشین من آمد. ساعت یازده به متزل آیت‌الله منتظری رسیدم. بیرون متزل، داشتند پناهگاه زیر زمینی می‌ساختند. [آقای محتشمی‌پور] وزیر کشور هم آنجا بود. در بیرونی ملاقات کردیم.

اطلاع دادند وضعیت فرمز است. به زیرزمین خانه که ضدبمب و... ساخته شده، منتقل شدیم. شیشه‌های متزل آقای منتظری و اطراف آن در اثر انفجار یک بمب که در چند صد متزل خانه در رودخانه افتاده، شکسته است. برای ایشان از نتایج سفر آقای ولایتی به شوروی گفتم. آقای روحانی برای پاسخ به انتقادات ایشان از پدافند، کمبود امکانات پدافند را توضیح داد. ناهار خبر کردند ولی ما

(ادامه پاورپوینت از صفحهٔ قبل)

عملیات، زمان را باید از دست داد. آن قسمت از اوضاع عراق که در عملیات کربلایی پیش آزاد شد، بسیار خطروناک است و دشمن دیگر با آسانی نمی‌تواند چنان فاصله‌ای بین ما و پسره ایجاد کند. آمار تلفات وارد به دشمن و نیز ارقام ابرار و ادوات نظامی منهدم شده دشمن در عملیات کربلایی پیش، به قدری زیاد است که تگاه، آمار اغراق آمیز جلوه‌می‌کند. اگر از آن تعداد ادوات آسیب‌زدیده که دشمن توالته آهارا را از حمله تبرد خارج کند، فیلم و عکس تهیه می‌کند، آن وقت اولیه شکست عراق در منطقه پصرمه با وسعت بیشتری نمایانی شد.^۲ رجوع کنید

← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف اتفاقات، ۱۳۸۷

۱- در پخشی از این نطق آمده است: "مارگرک باشد بر خانم‌ها و قدر عظم سوانگی، زور زن، میلاد نا سعادت حضرت زهرا (س) و نیز میلاد با سعادت زهرا بزرگواره فرزند صالح حضرت زهرا برای عموم مسلمانان جهان سالگرد حادثه مهم تبریز ۲۹ بهمن، باد آور مقاومت مردم غبور آذربایجان است که ما امروز هم شاهد همان‌گونه مقاومت‌ها در تبریز و ارومیه و شهرهای بسازان شده‌مان هستیم و ما این مقاومت را که بیرونی واقعی است به مردم‌مان تبریز کنند عرضی می‌کنیم. خساستگر مفروط همراهی از تمایندگان و شخصیت‌های کشتو را دست نیروهای متغیر و جایگزین علوفی است که ما در این حادثه جمعی از برادران عزیزان را در دست دادیم. شهید حجت‌الاسلام والملین آنای محلاتی نماینده حضرت امام در سیاه، جمعی از قصبات معظام، جمعی از روحانیون معظم که برای تبلیغات به جهه می‌رفند و همچنین کادر بیرونی". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم؛ دفتر نشر معارف اتفاقات،

عکس جنگ

نمایندیم.

قبل از ظهر به سوی اهواز حرکت کردیم. بیرون شهر قم، ماشین و لباس را عوض کردیم. ناهار را در کنار مزار امامزاده جعفر، بین راه قم و اراک خوردیم. سپس یکسره تا دزفول راندیم. در گردندها باران و برف می‌بارید. خرم آباد، پلدختر و ملاوی خلوت بودند. ساعت ذه شب به پایگاه وحدتی دزفول رسیدیم. بختیاری معاون فرمانده پایگاه، میزان بود. شام خوردیم و اخبار ساعت ده و نیم کنان دو [تلوزیون] را گرفتیم و خوابیدیم.

از ظهر امروز، بعباران شهرها قطع شد و ما هم دستور قطع حمله به شهرها را دادیم. تا شب به قرائت گزارش‌ها و مذاکره با دکتر روحانی درباره جنگ گذشت. امروز یک درگیری بین هوایماهای اف ۱۴ ما و هشت هوایما میراث عراقی در فضای خلیج فارس رخ داد که خلبانان ما مدعی آند، سه هوایمای عراق را سرنگون و دو هوایما را دچار آسیب کرده‌اند.

شب فرماندهان سپاه آفایان محسن رضایی و [علی] شمخانی و [یحیی رحیم] صفوی آمدند و طرح حملات آینده را توضیح دادند. به نظر می‌رسد جنگ سخت و چبهه‌ای داریم، ولی راه را منحصر به این می‌بینند و به تظر رسید که ماندن ما در اهواز لزومی ندارد. تا ساعت یک بامداد بیدار بودیم.

عنوان اسمند

٤٧٥ اوج دفاع

حالی

جمعه ۱۳۶۵ | ۲۱ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۲۰ Febr ۱۹۸۷

ساعت شش صبح بیدار شدیم. بعد از نماز و استماع اخبار و صرف صبحانه از راه شوشتراز در فول عازم اهواز شدیم.

قبل از حرکت، کمی در خیابانهای پایگاه وحدتی پیاده روی کردیم. خیلی با صفا و خوش هواست. کمی هم با ماشین در خیابانهای شهر دزفول گشتم. آثار خرابیهای بمباران و موشک باران زیاد است ولی آن طور که انسان از اخبار می‌فهمد، شهر خراب نیست و شهر سر پا به نظر می‌رسد. جمعیت زیادی در شهر به چشم نخورد. جموعه و تعطیل است. در بین راه دزفول تا اهواز از طریق شوشتراز، تقریباً همه جا دو طرف جاده اراضی کشاورزی سبزی و سرسبز است؛ واقعه‌که حاصلخیز است.

در بین راه با دکتر روحانی درباره نیازهای تسلیحاتی و ارز لازم برای ارتش و سپاه و... و طریقه کنترل مصرف ارز مذاکره کردیم. ساعت ده به اهواز رسیدیم. آقای رفیق دوست هم که دیشب از تهران راه افتاده بود، تازه رسید. اطلاع داد که احتمالاً عملیات محدودی در پیش داریم. قرار نبود محدود باشد و تردید داریم که با توجه به قطع بمباران شهرها و احتمال تجدید آن در صورت شروع عملیات، عملیات محدود به صلاح باشد. منتظر رسیدن خبر از قرارگاه مقدم می‌مانیم. گزارش‌ها را خواندم.

جريدة آلمان نوعاً از عکس العمل شدید ایران در مقابل برنامه فکاهی تلویزیون آلمان که به امام

اهانت کرده، تعجب کرده‌اند و دولت آلمان ترسیده است. عکس العمل زیاد شدید بوده است.^۱

۲۱ Febr ۱۹۸۷

شنبه ۲ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ جمادی الآخر

آقای روحانی و آقای [ابراهیم] سنجقی به عیادت آقای [محمد] فروزنده رئیس مهندسی قرارگاه خاتم - که در اثر تصادف در بیمارستان بستری است - رفتند. گزارش‌ها را خواندم. ساعت نه صبح با اتومبیل از راه کوهکیلویه به طرف تهران حرکت کردیم. در بین راه از شهرهای امیدیه، بهبهان، گچساران و مرآکز نفتی عبور کردیم. ناهار را در کنار رودخانه‌ای در شرق بهبهان صرف کردیم. از شهر چلوکباب آوردند؛ خوب بود و ارزان.

مغرب به یاسوج مرکز استان [کوهکیلویه و بویراحمد] رسیدیم. گشتی در شهر زدیم، تمیز و زیبا است. در مهمنان سرای استانداری ماندیم. فقط استاندار و معاونش از حضور ما مطلع بودند. تا آخر شب از استاندار، توضیحاتی در خصوص منابع و امکانات و نیازها و اوضاع استان گرفتیم. شام خوردیم و خسته خوابیدیم.

تلفنی با عفت صحبت کردم و گفتم در راه مراجعت هستیم. قبل از یاسوج در گردندها، در کنار آبشاری توقف کردیم. خیلی با صفات است. در مذاکرات با فرماندهان به این نتیجه رسیدیم که فعلاً ماندن ما در خوزستان ضرورتی ندارد، زیرا فعالیت عملیات موعود انجام نشد و تصمیم به بازگشت گرفته شد.

۲۲ Febr ۱۹۸۷

یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ جمادی الآخر

بعد از تماز و استحمام و پس از صرف صبحانه رفیم و منطقه آبشار یاسوج را دیدیم. خیلی زیاست؛ شبیه [کوهستان] درین تهران است. سپس همراه استاندار به سوی اصفهان حرکت کردیم. راه‌ها کوهستانی و با صفا و قسمتی از آن حاکی و صعب العبور است. استاندار برای تکمیل راه کمک

۱ - ایران در پی پیشنهاد برخانمای امانت آمر به امام خمینی در بخوبی از شکلهای تلویزیونی آلمان عربی، دو دیبلمات ایرانی کشور را اخراج کرد. وزارت ارشاد اسلامی در مرکز هرهیگی آلمان در تهران را تعطیل نمود. دانشجویان دانشگاه‌های تهران با راهپیمایی و تجمع در مقابل سفارت آلمان، اقدام شکله تلویزیونی این کشور را محکوم کردند.

خواست. قرار شد به وزیر برنامه و بودجه بگویم. تا موز استان، استاندار همراه ما آمد و توضیحات لازم را داد و سپس برگشت.

از شهرهای سمیرم و شهرضا گذشتیم و ناهار را ساعت دو بعد از ظهر، در مزرعه‌ای در راه شهرضا و اصفهان خوردیم. سپس از شهرهای مبارکه، زرین شهر، فلاورجان، پولاد شهر، خمینی شهر و درجه گذشتیم و از طریق نظرت، کاشان و قم به تهران آمدیم.

ساعت ده و نیم به منزل رسیدم. آقای سنجقی از قرارگاه اطلاع داد که عملیات محدود مقرر در شلمچه از ساعت هشت شب شروع شده و پیشافت خوب است. امروز عراق به فرستنده کمال آباد حمله کرده و آسیب جزئی وارد کرده و یک هواپیماش هنگام مراجعت، در کردستان سرنگون و خلبانش اسیر شده است.

دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۴ جمادی الآخر ۱۴۰۶ | ۲۳ Febr ۱۹۸۷

در منزل ماندم. خستگی سفر را در کردم. گزارش‌ها را آوردم، خواندم. عصر آقای [حسین] شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزیر امور خارجه] آمد. گزارش سفر دو ماهه خود به لبنان و سوریه و تعقیب طرح حل مشکل بین امل و فلسطینی‌ها و کارشکنی‌های احزاب و لیبی و سوریه را داد. گفت بعضی‌ها پیشنهاد دارند که حزب الله به کمک امل در مقابل جنگ با احزاب چپ، وارد جنگ شود. گفتم باید بررسی همه جانبه شود و ما هم بنا نداریم در مسائل داخلی لبنان دخالت نمائیم. دکتر ولایتی برای سفر به سوریه، تلفنی خداحافظی و مشورت کرد. گفتم درباره آینده عراق با سوریه صحبت کنم.

دشیب عملیات محدود در ادامه کربلای پنج در شلمچه با موافقت انجام شده است و تقریباً همه اهداف را به دست آورده‌اند.

۱- در عملیات «کربلای ۵» دشمن از دو سو مورد هجوم قرار گرفته بود. محور شرقی - عربی و محور شمالی - جنوبی. ارتش عراق تا گزینی بود در سلطه‌ای محدود به حد فاصل کنال زوجی تا نهر حاصم، در دو جبهه با دو آبیش و نیم درجه تغییر جهت، با رژیم‌گان ایران مقابله کنده این نکته - که از پیچیدگی‌های عملیات کربلای ۵ محسوب می‌شود - دشمن را سیار آسیب‌پذیر کرده بود، لذا عذری پس از تثبیت عملیات کربلای ۵، ارتش عراق کوشید تا این محاصره بیرون آید که بدین منظور تراک زرهی خود را در جنوب، کنال پرورش ماهی هنرگز کرد و با آنبوه آتش توپخانه و زرهی در عملیاتی بسیار دشوار، ضلع جنوبی کنال پرورش ماهی را پس گرفت. از این پس عراق در یکند جبهه غربی - شرقی در مقابل رژیم‌گان اسلام یافتند می‌کرد. پس از آن، اقدامات مهندسی عراق آغاز شد که سه دز مسلح به نام خاکبرهای ۱۰۰۰، ۵۰۰ (ادامه پاورتی در صفحه بعد)

۲۴ Febr ۱۹۸۷

سه شنبه ۵ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ جمادی الآخر

به مجلس آمدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. از ساعت هشت و ربع تا دوازده و ربع یکسره در مجلس ماندم، چون لایحه اراضی شهری مطرح بود و اهمیت داشت.

حدود پنجاه هزار نفر از دانش آموزان تهران در پایان دهه مقاومت و انجام مراسم و راهپیمایی به مجلس آمدند. مراسم انجام شد. من برای آنها سخنرانی کردم.^۱

ظهر نمایندگان مازندران آمدند و خواستند که سفری به استان مازندران کنم؛ پذیرفتم. از مسؤول حزب جمهوری اسلامی [مازندران] گله داشتند. ظهر عفت، فاطی، فائزه، سارا و مونا به مجلس آمدند. ناهار را اینجا خوردند و ساعت چهار رفتهند. تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. آقای سنجقی آمد. گزارش عملیات محدود شلمچه را داد و نیازها را گفت.

۲۵ Febr ۱۹۸۷

چهارشنبه ۶ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ جمادی الآخر

ساعت نه صبح به مجلس آمدم. تا ساعت ده گزارش‌ها را خواندم. دیشب در شلمچه نیروهای ما پیشرفت داشته‌اند. روحیه عراقی‌ها ضعیف‌تر شده است. مسئله مهم دنیا، حوادث بیروت است و غرب به برخورد حزب الله با سوریه و تیره شدن روابط ایران و سوریه امید پسته است. کشتن ۲۲ نفر از

(ادامه پاره‌قی از صفحه قبل)

و ۱۵۰۰ احداث کرد. در «عملیات تکیلی» عملیات کوبلای ۵ - که سیاه طریع و مجزی آن بود - هدف، بازیں گیری قلعه خربی کمال پیروزی ماهی بود. در این عملیات با آنکه دشمن کاملاً مغلوب شد و تاکتیک و جیت تکه روزنه‌گان نیز مشخص بوده، تا پل کاتال ماهی گیری پیش روی شد؛ اما سرانجام پس از چهار مرحله عملیات و انهدام بخش مهمی از ارتش عراق، برای تثیت مسلطه، نیروهای خودی به جهت خاکبریز ۵ آغاز کردند.

۱ - تعداد پنجاه هزار دانش آموز از سوی امور تربیتی استان تهران به نمایندگی دانش آموزان شهر تهران، کلام‌های درمن را به خیابان کشیده بودند. نایاب تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی، خواسته‌های خود را به گوش جهانیان برسانند. آنها در قطب‌آزادی خواستار ادامه بی‌وقایه عملیات در جبهه‌ها جنگ تا سرینگری حکمرانی خدام جسمین در کشور عراق شدند. آقای هاشمی در این تجمع دانش آموزی گفت: «آن اجتماع تجھیگان جوان که در مقابل مجلس شورای اسلامی شاهد آن هستیم، قدری مقاومت و استقامت نسل جوان ماست و این حمام‌های که امروز شما دانش آموزان در خیابان‌های تهران خلق کردید، یکی از بزرگترین حمام‌های تاریخ انقلاب ما به حساب من آید و این فریادهای شما از من تاریخ بلند شده است و دی‌سرویشت تاریخ پیروزی تأثیر دارد. شما دانش آموزان امید آینده و ارثان انقلاب و جهاد و شهادت و خون‌های ریخته شده در صلحه مبارزه هستید». رجوع کیهان ^{۱۳۸۷} کتاب «هاشمی رفسنجانی؛ سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵» دفتر تشریف معارف انقلاب،

شیعیان لبنان توسط سربازان سوری در غرب بیروت، احتمال خطر درگیری را بالا برده است. گروه موشکی سپاه پاسداران آمدند. گزارش دادند و من هم برای آنها سخنان تشویق آمیز ایراد کردم.^۱ آقای [عباسعلی] زالی وزیر کشاورزی آمد. از مراحمت‌های بعضی از نمایندگان گله داشت و فرائضی آورده بود بر معرض بودن آنها و توضیحاتی درباره شیلات... داد و نگران ادغام وزارت خانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی بود که اخیرا در هیأت دولت تأیید شده است.

[سرهنگ جلالی] وزیر دفاع آمد. از تقسیم بودجه جنگ در کمیسیون برنامه و بودجه گله داشت. سهم ارتش را کم می‌دانست. گفتم قرار است بودجه جنگ به تناسب شرکت در جنگ تقسیم شود.

آقای [عبدالحسین] ساوه نماینده کرمان آمد. از عدم امنیت در کرمان به خاطر چند شرارت اخیر ضد انقلاب گفت و از وزیر آموزش و پرورش و استانداری [کرمان] گله کرد. آقای اسحاق مدنی نماینده اهل سنت آمد. پیشنهاد کرد امام فردی را به عنوان رابط با اهل سنت تعیین کنند و مایل بود آن رابط من باشم، که گفتم من فرصت ندارم. قرار شد که خدمت امام بنویسنده. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اول شب آقای [عبدالله] نوری و آقای روحانی آمدند. درباره تسهیم بودجه جنگ مذاکره شد. همان نظریه کمیسیون را تایید کردیم؛ آقای روحانی راضی نیست.

آقای مهدی نژاد آمد. توضیح مذاکراتش با [آلبرت] حکیم در ترکیه، در خصوص همکاری برای تعمیر اسلحه‌های آمریکایی و پیشنهادهای او در جهت ایجاد محیط بهتر در آمریکا در ارتباط با انقلاب اسلامی گفت. قرار شد با دکتر روحانی مذاکره را ادامه دهند.

شب جلسه سران قوا در دفتر رئیس جمهور بود. توضیحی درباره جنگ دادم. آقای رضایی هم از جبهه اطلاع داد که امشب هم عملیات ادامه دارد و به خوبی از غرب رود جاسم پیش می‌رویم. مسئله سوریه و شهادت ۲۴ نفر از حزب‌الله‌ها به دست سربازان سوری و احتمال ورود سوری‌ها به جنوب

۱- در بخشی از این سخنرانی آمده است: «اینکه ما در هر رمان بخواهیم، بدون هیچ مانعی، من توافقم «بعد از را تحت شمار قرار دهیم و امنیت را از این شهر سلب نماییم، ضربه بزرگی است. الله ما خوبی‌های ذیگری هم برای مقابله با شرارت‌های رژیم بعنی عراق در جنگ شهدا داریم و اینکه شهرهای مرزی عراق از جمله شهر «بغداد» در تبریز من توپخانه‌ها قرار دارد، مسئله مهمی است؛ فدرات موشکی جزایی است که در طول سال‌های پیش از اینکه اتفاق افتاد، اینکه ما توافقیم علی رغم مشکلات متعدد و باگذشتین هزینه، بگان موشکی را مجهز سازیم؛ کار ساده‌ای نیست. حیلی بیش از این ناید خروج می‌شد تا یگان موشکی ما به این مرحله از رشد خود برسد و دست یابی به این مرحله را نیز باید از آثار خوبی‌های اگر ان بهای شهاده و اراده خداوند داشت». رجوع کنید به کتاب «اهمیتی و مسأله‌ای سخنرانی‌ای سال ۱۳۶۵»، دفتر شریعت‌معارف اخلاقی، ۱۳۸۷.

بیروت و درگیری با حزب الله هم مورد بحث قرار گرفت.^۱ فرار شد به دولت سوریه تذکر دهیم که وارد ناحیه جنوب بیروت نشد.

به مهندس موسوی توصیه کردیم که در مورد ادغام دو وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی عجله نشود و کارشناسی کامل به عمل آید. دیر وقت به خانه رسیدم.

٢٧ | ١٣٦٥ | جمادى الآخرة | ١٤٠٦ | پنجشنبه ٧ اسفند ١٩٨٧ | Febr ٢٦

اول وقت به مجلس آمدم. تا ساعت ده صبح در جلسه علنی ماندم. لایحه بیمه بیکاری مطرح بود. به شورای نگهبان درباره غیر موجه بودن رد تفسیر ماده ۹ قانون اراضی شهری تذکر دادم. به صدا و سیما گفتم برنامه فوق العاده برای پخش پیروزی های دیشب داشته باشد.

ظهر یک هیأت فرهنگی که عازم آفریقا است، برای مشورت آمد. آقای [محمد رضا] عباسی فرد نماینده خرم آباد آمد. اجازه خواست، به خاطر اهانتی که پریروز در مجلس به ایشان شده استعفا دهد؛ اجازه ندادم. عصر انجام کارهای عقب مانده و قسم را گرفت. چون به ججهه می‌روم، کارهای اینجا عقب می‌ماند. ریگان در بیانیه‌ای به ایران حمله کرده و تهمت تزویریست و جنگ طلب زده؛ گویا تحت تأثیر رسوایی میادله سلاح و گروگان است؟ ناساعت نه شب در دفترم کار کردم.

۱- زادیو بی می می گزارش داد: "در نهضتی رورهای ورود بیروهای سوری به بخش غربی بیروت، تعدادی از شه نظایران سازمان شیعه حزب الله که از ایران هواپاری می‌گشند، در برخورد با لیبروهای سوری کشته شدند. روابط تردیدکار ایران و سوریه مانع از آن بوده است که دولت جمهوری اسلامی رسمیاً سوریه را با خاطر آنچه که در بیروت رخ داده ملامت کند اما چنان که در گزارش از تهران می‌شونو مقامات ایرانی تلویح با علناً سوریه را مسئول این حادث معرفی کرده‌اند. آیت‌الله منظری امروز پیامی برای روحانیون لبنانی فرشتاده و از آنان خواسته است کاری کنید که عسلوین کشتن افراد حزب الله در لبنان مجازات شوند. با اینکه در خبرها آمده بود که افراد حزب الله در برخورد با تبروهات سوریه کشته شده‌اند، آیت‌الله منظری در پای خود مستحبیاً به دولت سوریه اشاره‌ای نمی‌کند. اما احمد عزیزی، رئیس کمیسیون روابط خارجی در مجلس در مصاحای با روزنامه کیهان سخت از سوریه اتفاق‌گرد. وی گفته سوریه عسکل برخورد اخیر با تبروهات مسلمان در بیروت بوده است و از تبعیض نیروهای اسلامی، سوریه دشی، او همه آسب جهاد دارد."

۲- در این بیانیه دولت جمهور ایالات متحده خراسان راجحه چنگ عراق با ایران شد. در بعثتی از این بیانیه آمده است: "این چنگ منافع استراتژیک آمریکا و تیارات و امنیت تمام دوستان آن را در منطقه تهدید می‌کند. آمریکا به شدت تسبیت به حسایت از خود و دوستاش در منطقه تهدید است و برای فاکید بر این تعهد نیروهایش را به حلچ قارس مستقل خواهد کرد." ریگان همچنین گفت معادن پرگرینه و وزارت خارجه را برای حلچگیری از صادرور اسلحه به ایران مأمور کرد. این

۱۴۰۶ | ۲۸ جمادی الآخر ۱۳۶۵ | ۲۷ Febr ۱۹۸۷

خطبه‌های نماز جمعه را آماده کرد. باران از دیشب تا نزدیک ظهر ادامه داشت. چمدان را برای سفر به جبهه بستم. برای نماز به دانشگاه رفتم. باران ایستاد ولی من خطبه‌ها را کوتاه کردم.^۱ جمعیت هم زیاد نبود. البته با توجه به باران، حضور این تعداد هم عجیب است. ناهم را در مجلس خوردم. ساعت دو با دکتر روحانی، محسن رضایی، ترابی، سنجقی و پاسداران حرکت کردیم. نماز و شام در کافه‌ای بعد از خرم آباد انجام شد. ساعت یک بامداد به پایگاه وحدتی دزفول رسیدیم. بدون معطلي خواييم.

در بين راه گزارش‌ها را خواندم. گزارش کميسيون تاور درباره رسوايي کاخ سفید آمریكا در رابطه با ايران، در راس همه اخبار است. من هم در نماز جمعه امروز درباره تاييد شدن اظهارات ما در اين گزارش و انتقاد از بيانيه ديروز ریگان صحبت کردم.^۲

۱- در خطبه اول بحث عدالت اجتماعی در اسلام با مباحث ديدگاه اسلام نسبت به مقوله طلاق، توصیه فرقه به خانواده‌ها و شرایط مشکل طلاق دلال شد. در خطبه دوم فظالي درباره افغانستان، لپاز، رساله مک فارلين و گزارش تاور و جلوه‌های از ايتارگری مردم ايران بآن گردید. در بخش از خطبه درم آمده است: "اين دو سه روزه روزگر بهجهه‌ها عملیات کرده، اطلاعاتی که آنها من دهد می‌گويند عراق حرب ای بريده است و آن کاري که گربالی^۳ به سر عراق آوردده آن چنان ماقصین جنگی عراق را فرسوده گرده که دو سه روزه پجداه‌ها سدهای حکم عراق را که به آنها اميد بسی بود و مستحبکم ترین سدهایش را مثل کربلاس پاوه گردند و عبور گردند و آنجا که می‌خواستند مستقر شوند [نكثه نصارگران و شعار رزمندگان اسلام، نشکر نشکر]. آن يلاياني که فرارگاه خاتم از تابع عملیات کربلاي ۵ داد را فاص عظیم بود. انهادی که از بیرون و امکانات و نصرت اساسی برين شفاط صیدان چنگ و ضربه‌های که به کادرها ارتش بعثت عراق وارد آمده آنها چيزهایی نیست که آدم خوار بکند، به اين آسمانی می‌توانند تحقق پسندانند. آنها پايه اش همین طرز ايتارگری‌ها و مجاہدات‌ها و جانشانی هاست که انجام شده و من ناز تائیکد می‌کنم خواهان و بوادران مان را که ما اگر هم چيزی داریم از تقدیر و غرامتش نکنید، این جوهر انسانیت و توشه آخرت را فراموش نکنید که همیشه داشته باشید و اگر ما پیروزی نداشته باشیم ولی تقوی داشته باشیم، باز موافق هستیم و خدای نزدکه اگر پیروز باشیم ولی بقوی، شکست خورده‌ایم". رجوع كنيد سـ"کاب "هاشمي رفچانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم" دفتر نشر معارف اقلیات، ۱۳۸۷

۲- اشاره به اين بخش از خطبه‌ها، "مسئله دیگری که اتفاق افتاد اعلام نظریه کميسيون بوسیلی رساله کاخ سفید آمریکا برد که دارای نکات جالی است. یکی از نکات جالب در این نظریه این بود که همان حرف هایی را که ما در اولین افتخارگری گفتم و حتی تحلیل ما در این تحقیق آمده است. ما آن روز گفتم آمریکا از قلعه راپته با جمهوری اسلامی ايران پیشانی است و در صدد ایجاد رابطه است و گروگان را پهلوی فرار داده اعاده عبور از این پل اشتباه گرده و بد عبور گرده، تخلیف گرده؛ دروغ گفته، کلاهبرداری و گران فروختی و ترطیه گرده است و حرف ما آن روز این بوده و من همان روز نتیجه گفیری کميسيون را که گفته بودم باد آور شدم. اين کميسيون در اصل حرکت به سوی ايران را که به «بد و سنان» می‌جر شده است فیول دارد، اما هي گويد کاخ سفید و روگان در این امر دچار اشتباهات شده‌اند منتهي اين کميسيون جحالت می‌کنند که اين اشتباهات را بگزيرد اشتباهاتش اين است که دروغ گفته و همین اسلحه چيزی را که و بد شده است را چند برابر فروخته و تطلب گرده‌اند و اشتباهش اينجا بوده که حیات گرده‌اند و تو انتقامه گر و گران هایشان را از دست هر دم لبان آزاد گند و بد عمل گرده‌اند و به مردم خودشان دروغ گفته‌اند. اشتباهشان اين بود که مسافرت‌های فاچان و جعل سند گرده‌اند و اساد کشور دیگری را براي ورود به کشور ما جعل گرده‌اند. اشتباهشان اين بود که به اسم خدمه هر ايها آمده بودند در حالی که خدمه هر ايها نبودند و از سود اين معامله که چيزی نمي شود و لابد جاي (ادame پاوري) در صفحه بعد)

عکس جنگ

شنبه ۹ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ جمادی الآخر ۱۹۸۷ Febr ۱۹۸۷

بعد از تماز، اخبار صدای آمریکا را گرفتم. در کاخ سقید آمریکا، زلزله‌ای شدیدتر از گذشته، بعد از پخش گزارش کمیسیون تأویر به وجود آمده است.^۱

ساعت نه صبح از دزفول حرکت کردیم و ساعت یازده و نیم وارد گلف شدیم. گفتند قرار است امشب عملیات جدیدی آغاز شود. تا ساعت پنچ بعد از ظهر گزارش‌ها را خواندم.

آقای محسن رضایی آمد. مانور عملیات را توضیح داد. یا اینکه خیلی به پیروزی مطمئن بود، به دلم نمی‌چسبید، ولی چیز بهتری هم به نظر نمی‌آمد. قرار شد اگر موفق بود، کربلای هفت اعلام شود. فرماندهان نیروی هوایی آمدند. گزارشی از وضع خودشان دادند و نیازها را مطرح کردند. نیازها جدی است و قدرت تأمین بسیاری از آنها را نداریم و خودشان هم می‌دانند.

(ادامه پاورپوینت از صفحه قبل)

دیگر چیزهایی می‌گرفتند و به چای دستگیری به حذف قاتلان پرداخته‌اند و تمام اینها از اشتباكات شان پرده است و تمام اینها بزیرط به خودشان می‌شود.^۲ رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم" دفتر نشر معارف اهل‌بیت، ۱۳۸۷

^۱- برای مطالعه گزارش تأویر و تحلیل‌های آن پیرامون آن رجوع کنید به کتاب "اجرای مکاری‌لین، محسن هاشمی، حبیب‌الله حمیدی، دفتر نشر معارف اهل‌بیت، ۱۳۸۸".

ساعت ده شب برای تماشای منظره میدان جنگ با همراهان به طرف خرمشهر رفتیم. حدود نود کیلومتر از جاده اهواز - خرمشهر را رفتیم. به جایی رسیدیم که صدای گلوله‌ها و نور آنها و جوش برق توپها و منورها را می‌دیدیم. حدود یک ساعت از روی خاکریز بلندی که در طرف راست جاده زده‌اند، به تماشای منظره میدان جنگ نشستیم. محافظان مدعی بودند که آنجا هم در برد تویخانه دشمن است. راضی نبودند که بیشتر بمانیم. برگشتم و ساعت یک بامداد به گلف رسیدیم و خوابیدیم. امروز تبلیغات دشمنان این است که ما تحت فشار شوروی و در اثر مقاومت عراقی‌ها، عملیات کربلا پنج را خاتمه داده‌ایم. اعلان عملیات جدید وضع را عوض می‌کند. آقای ترابی اطلاع داد که نیروی زمینی ارتش، در صدد اجرای عملیات محدودی در جبهه شمال هستند. قبل از خوابیدن، از خط مقدم اطلاع گرفتیم. گفتند محور لشکر ۲۷ و محور لشکر ۸ نجف حوب است اما محور ۲۵ کربلا روشن نیست. در بین ساعات شب، چند بار بیدار شدم و از وضع جبهه‌ها پرسیدم.

یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۲۹ Febr ۱۹۸۷

برای تماز صبح که بیدار شدم، از جبهه خبر گرفتیم. معلوم شد، لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در کنار کانال ماهی هدفش را گرفته، ولی چون ۲۵ کربلا پشت میدان مین و سیم‌های خاردار گیر کرده است، نتوانسته اهدافش را بگیرد و جناح چپ هم که پیشرفت داشته، به خاطر وضع ۲۵ کربلا به موضع قبلی برگشته است.

درباره سیاست تبلیغات مشورت کردیم. قرار شد عملیات مستقل جدید اعلام نشود و به عنوان جلوگیری از تحرک متوقع الوقوع دشمن که پیش‌ستی کرده‌ایم، اعلام شود. قرار شد برنامه رادیو را فوق العاده کنیم و اخبار جنگ را بگوئیم. آقای روحانی و سرهنگ ترابی برای امور پدافند به امیدیه رفند و آقای سنجقی را به قرارگاه جلو، برای شرکت در بحث‌های فرماندهان و آوردن اخبار و اوضاع واقعی جبهه و میدان جنگ فرستادم.

آقای [محمدعلی] انصاری از بیت امام تلفنی گفت، امروز نخست وزیر برای مسائله قطع سویسید [یارانه] از وزارت نفت و نیرو - که در کمیسیون برنامه و بودجه برای [تأمین] مخارج جنگ قطع شده - خدمت امام می‌رود. بیگان دادم که نظر کمیسیون هم به امام گفته شود. گفتم راجع به مسائل

اختلافی حزب الله و سوری‌ها در لبنان زیاد سر و صدا نشود.

آقایان حسینی تاش و احمدی از نیروی دریایی سپاه آمدند. توضیحاتی درباره موشک ساحل به دریا دادند و خواستار همکاری بیشتر با نیروی دریایی ارتشدند. ارتشی‌ها چون اینها را رقب آینده خود می‌بینند، همکاری مشکلاتی دارد. به آقای تاخدا ملک زادگان گفتم عصر برای ترتیب همکاری اینجا باید. نخست وزیر با واگذاری انبارهای رباط‌کریم [متعلق به] وزارت بازرگانی [در جاده ساوه] به نیروی دریایی سپاه مخالفت کرده است و این نیرو گله دارد. وزارت بازرگانی هم برای تأمین نیازهای مردم، به این انبارها وابسته است.

۱ March ۱۹۸۷

دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | رجب ۱

گوارش‌ها را خواندم. در گلف کاری نداشتیم. قرار شد برای بازدید بخش‌هایی از خوزستان و کهکیلویه برویم. تلفنی از منزل احوالپرسی کردم. ساعت نه صبح به قصد بازدید دریاچه‌ای در منطقه «گُت» از توابع بویراحمد، به سوی رامهرمز حرکت کردیم.

پس از عبور از رامهرمز از جاده بهبهان، از دره‌ای که منطقه نفتی است، عبور کردیم. لوله انتقال نفت در سراسر دره، بدون حفاظ گسترده است. در جاهای دیگر هم وضع همین گونه است. جای تعجب است که در دوران جنگ و حضور ستون پتحجم دشمن، با این وضع حفاظت، مشکل مهمی در استفاده از آنها پیش نیامده است.

تا ساعت دو بعد از ظهر پیش رفتیم. بالاخره به دریاچه نرسیدیم. استاندار کهکیلویه و بویر احمد معرفی کرده بود. مردم بومی گفتند دریاچه‌ای در آنجا نیست. به طرف امیدیه رفتیم. نزدیک ساعت چهار بعد از ظهر به پایگاه امیدیه رسیدیم. ناهار خوردیم و استراحت کردیم.

نزدیک غروب رفتیم و ماشهه را دیدیم و از آنجا از راه شادگان به سوی خط مقدم جبهه حرکت کردیم. در راه در سمت دریا، منظره جرقه‌های شبیه نور رعد وبرق مشاهده می‌شد که بومی‌ها می‌گفتند در گذشته چنین منظره‌ای نداشته‌اند. احتمال دادیم در فاو درگیری باشد، یا طوفان و رعد و برق در دریا است و یا آتش سوزی چاه یا کشتی باشد؛ بالاخره معلوم نشد.

نمای مغرب و عشاء را در مسجد دارخوین خواندیم. صدای انفجار توپها از جبهه به خوبی به گوش می‌رسید. با عبور از پل روی کارون به سوی شلمچه رفتیم. منظره جرقه آتش توپها و منور، نشان از

عکس جنگ

هشیاری دشمن می‌داد.

نزدیک ساعت ده شب وارد قرارگاه تاکتیکی سپاه شدیم. فرماندهان سپاه چمع بودند. عملیات آغاز شد، تا ساعت سه و نیم بعد از نیمه شب در قرارگاه بیدار ماندیم. برای دیدن منظره نبرد، باز روی سقف قرارگاه رفتم. تقریباً در ۱۵ کیلومتری میدان نبرد بودیم. منظره عجیبی بود. نمی‌دانم اگر مردم در بصره مانده باشند، چگونه برایشان قابل تحمل است. انفجار گلوله‌های توپ و قانک و کاتیوشاه، صدای هولناکی دارد.

مرتب از میدان توسط بی سیم اخبار را می‌گرفتم و به ما می‌دادند. بخش قابل توجهی از اهداف در مرحله اول تصرف شده بود، ولی نشکر ۲۵ کربلا و ۳۲ انصار کارشان ناتمام بود و نقطه ضعف برای ادامه کار بود.

ساعت سه و نیم بامداد به سوی اهواز حرکت کردیم. تگرگ و باران شدید می‌بارید. امروز در سراسر ایران هوا متغیر و همراه با یارندگی بود، نماز صبح را خواندم و از جبهه خبر گرفتم که حاکی از بهتر شدن شرایط بود. خوابیدیم.

۲ March ۱۹۸۷

سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب ۲

ساعت هفت و نیم صبح بیدار شدم. اخبار را گرفتم. مهمی نداشت. از جبهه کسب خبر کردم، معلوم شد بخشی از تصرف‌های دیشب را از دست داده‌ایم و بخشی را داریم. چون وضع روش نبود، در کیفیت اعلان خبر مشکل داشتیم که ادامه عملیات کربلای پنج باشد یا عملیات کربلای هفت. تا ظهر همین وضع ادامه یافت و بالاخره قرار شد، بدون اسم و مبهم تبلیغ شود و وضعیت رادیو را فوق العاده کنیم.

با احمد آقا، دکتر روحانی، دکتر خرازی و محسن رضایی در این خصوص مشورت شد، ولی رادیو خیلی ضعیف عمل کرد. به آقای [محمد حسن] زورق معاون سیاسی [سازمان صدا و سیما] اعتراض کردم. گفت دیر اطلاع دادند. تا ساعت دو بعد از ظهر از وضع تتابع جنگ جاری ناراضی بودم و با ناراحتی خوابیدم. ساعت سه و نیم آقای سنجقی اطلاع داد لشکر ۴۱ ثارالله در جنوب کانال ماهی بانیروی زرهی وارد عمل شده و پیشرفت خوبی داشته و باعث بالا رفتن روحیه‌ها و تحرک سایر واحدها شده است.

آقای موسوی اردبیلی و احمد آقا، تلفنی از وضع جبهه استفسار کردند. امیدوار کننده حرف زدم. آخر شب آقای سنجقی از قرارگاه مقدم آمد و برنامه عملیات امشب را گفت، ولی باد و باران شدید، احتمالاً مانع ادامه جنگ خواهد شد. زمین‌های میدان جنگ به گونه‌ای است که باران مانع تحرک است.

۳ March ۱۹۸۷

چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب ۳

بعد از نماز آقای سنجقی آمد و اطلاع داد که دیشب به علت بارندگی و باد شدید، نیروهای رزمتنه تحرکی نداشته‌اند. سرهنگ ترابی و دکتر روحانی اطلاع دادند نیروی زمینی ارتش در منطقه حاج عمران حمله کرده و لشکر ۶۴ ارومیه، توانته اهداف خود را گیرد. تا عصر دو سه بار سرهنگ حسنی سعدی موافقیت‌های را توضیح داد و سرانجام معلوم شد ارتفاع ۲۵۱۹ و بالهای آن را گرفته‌اند و بیش از دویست اسیر و مقادیری غنائم به دست آورده‌اند. این پیروزی برای ارتش بسیار گرانبهاست و

عکس جنگ

ممکن است شروع سلسله عملیات محدود دیگری باشد و در جنگ هم تاثیر شایانی خواهد داشت.^۱ باران و برف و تگرگ در سراسر ایران می‌بارد. من هم تمام روز در اتاق ماندم و بیرون نرفتم. دکتر روحانی و ترابی به امیدیه رفته بودند. عصر آمدند. شب فرماندهان توپخانه سپاه و جمعی از فرماندهان توپخانه ارتش که در والفحجز هشت و کربلای چهار و کربلای پنج مامور به سپاه بودند، آمدند. برای آنها سخنرانی کردند و تشویق نمودم.^۲ گوارش وضع توپخانه سپاه را دادند. پیشرفت زیادی کردند. مجموعاً حدود شصت گردان توپ دارند. توپ‌ها بیشتر از انواع شرقی است. نیازهای گفتند.

سه نفر از پزشکان سپاه آمدند. از موقیت‌های امداد و درمان جنگ گفتند که معدل زمان رساندن معروض جنگی از خط مقدم به بیمارستان را به کمتر از سه ساعت رسانده بودند و مدعی اند این معدل در جنگ جهانی اول ۴۸ ساعت و جنگ جهانی دوم ۲۴ ساعت و در جنگ ویتنام ۸ ساعت بوده

۱ - تصرف ارتفاعات ۲۵۱۹ بکی از هدف‌های نیروهای مسلح خودی بود. این ارتفاع که در عملیات والفحجز ۲ آزاد شده بود، در ذوره دفاع منحروک سقوط کرد و در عملیات کربلای ۲ نیز تأیین نگردید، تا در ۱۳۶۵ در حالی که چند هنر بر قله آن را پوشانده بود، آزاد شد. این عملیات با فرمادهی ارتش جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی و شکر ۶۴ ارومیه آن را به اجرا درآورد. در عملیات کربلای ۷ نیروهای خودی موقت شدند با غلطگیر کردن دشمن، ارتفاع ۲۵۱۹ را مجدداً به تصرف درآوردند و پس از مقابله با باتکهای دشمن، منطقه را تثیت کردند. ۲ - رجوع کنید ^۲ کتاب "عاصمی رف高尚ی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"؛ دفترش رمارات افقلاب، ۱۳۸۷

است. از کمبود پرشک چراح و نیازها گفتند.

فیلم پیروزی‌های جنوب و شمال را دیدیم؛ خوب است. آقای شمخانی اطلاع داد که امشب بر نامه حمله وسیعی در جنوب کanal ماهی دارند. ساعت دوازده شب گفت عملیات شروع شده و در چند محور درگیر شده‌اند. ساعت یک بامداد خواهدید.

پنجشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۴ March ۱۹۸۷

ساعت شش بامداد بیدار شدم. آقای سنجقی اطلاع داد که پیشرفت در جنوب کanal محدود بوده و در دو، سه محور بعد از شکستن خط دشمن عقب نشته‌اند. لشکر ۴۱ ثارالله پیشرفت داشته است؛ مجموعاً بهترین کار را در این مرحله، همین لشکر و لشکر ۲۷ داشتند.

به اخبار فارسی رادیو [صدای] آمریکا گوش دادم. متن نطق ریگان را درباره رسوانی کاخ سفید نقل کرد. اعتراف به اشتباه و شکست کرد و مسئولیت را به عهده گرفت و قول ترمیم داد. مجموعاً خبلی ضعیف صحبت کرد. فکر نمی‌کنم مشکلی را بتواند حل کند!

آقای حسنی سعدی اطلاع داد که امروز صبح هم پانکی در [منطقه عملیاتی] حاج عمران از دشمن دفع شده و شمار اسرا به ۲۳۵ نفر رسیده است؛ تشویه ش کرد. عصر هم پانک دیگری را با گرفتن اسیر و تانک از دشمن دفع کردند.

عصر به سوی جنوب از راه آبادان رفیم و محل [نیروگاه] انرژی اتمی دارخوین را دیدیم. پنا بود از پل دارخوین از رود کارون عبور کنیم؛ به خاطر زیاد شدن آب در اثر بارندگی، پل را برداشته بودند. به اهواز برگشتیم. از شهر عبور کردیم و ساعت هشت وربع به قرارگاه خاتم رسیدیم. تا ساعت دو و نیم بامداد، با فرماندهان لشکرهای سپاه مذاکره کردیم. هر یک نحوه جنگیدن خودشان در هفته جاری را گفتند. پیشرفت کم است و علت آن را هوشیاری دشمن و وجود موائع و

۱- در این سخنرانی رادیو تلویزیونی ریگان اذعان کرده که نلاش پنهانی اش برای ایران که به معامله اسلحه در برابر گروگان‌ها منجر شد، اشتباه بوده است. او گفت: "به عنوان رئیس جمهور، نمی‌توانم از مستثناش بگیرم. جراحت اشتباه به وفور پیوست، دلایلی برای آن وجود دارد، اما پنهانی در کار نیست. این مسئله یک اشتباه بود، انسان وقتی دچار اشتباه عیش شود، چه اختلافاتی باید رخ دهد؟ وقتی شزادگان اشتباه می‌شوند، منته می‌شوند، دروس عبرت می‌گیرند و بعد از آن به راه خود ادامه می‌دهند. این صحیح ترین شیوه پرداختن به یک عنکل است. می‌دانید، وقتی انسان به من می‌رسد، اگر درست زندگی کرده باشد، اشتباهات زیادی انجام داده است. بنابراین بند می‌گیرم که هر جزیی را در جای طبیعی آن قرار دهند، نیروهایش را اسیع کند، خود را تغییر دهد و به پیش بروند".

ضعف هماهنگی با واحدهای مجاور خود می‌گفتند و بعضی‌ها ممکنات خود را و آتش زیاد دشمن را عنوان می‌کردند.

با اینکه با گرفتن بخشی از غرب کانال ماهی توفیقانی داشته‌ایم، ولی خیلی کمتر از حد انتظار و غیر مناسب با مقدار تلفات بوده است. قرار شد دو سه روزی حمله متوقف شود. ساعت سه وریع بامداد به گلف رسیدیم.

نبرد بعد از پیروزی‌های سریع و وسیع در روزهای اول عملیات کربلای پنج مشکل شده است؛ اولاً به خاطر وضع زمین، بالاتاق‌ها، تخل‌ها، کanal ماهی و وضع جزایر درون ارondon و ثانیاً به خاطر هوشیاری دشمن و ثالثاً به خاطر نزدیکی به بصره و احساس خطر جدی برای رژیم عراق و نگرانی کشورهای جنوب خلیج فارس از سقوط بصره و همچوar شدن ایران با آنها و رابعاً به خاطر نگرانی حامیان شرقی، غربی و منطقه‌ای صدام در تغییر معادلات منطقه‌ای، با قسلط کامل ایران بر شمال خلیج فارس و منابع عظیم نفتی آن و به همین جهت در دادن ایکات، اطلاعات و تبلیغات به صدامیان با دست باز عمل می‌کنند. عملیات مکرر و موفق ما در کردستان عراق، با همکاری خود کردهای عراقی هم نگرانی آنها را دامن می‌زنند.

اظهارات صریح ریگان رئیس جمهور آمریکا، پس از اطلاع از پیشرفت‌های ایران در عملیات کربلای پنج، به خوبی همه چیز را روشن می‌کند. او بعد از محکوم کردن عملیات ایران در شلمچه می‌گوید: «آمریکا توسعه این درگیری را به عنوان یک تهدید اساسی به منافع خود در خلیج فارس تلقی می‌کند و... ما با نگرانی دوستانمان در منطقه خلیج فارس، پیامون گسترش احتمالی جنگ و مورد تهدید قرار گرفتن امنیت آنها سهیم هستیم...»^۱

جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۵ ربیع

برای نجاز بیدارم کردند. تا ساعت نه صبح کارها را انجام دادم. در اخبار صدای آمریکا به نظرم رسید که می‌خواهند ریگان را حفظ کنند و شیوه تبلیغ علیه ما را عوض کرده‌اند. تهمت تا جوانمردانه فساد مالی در مسئولان ایران را مطرح کرده‌اند.^۲

^۱ - اشاره به بایه رئیس جمهور آمریکا در روز ۲۶ فوریه (۸ اسفند) که در پاورپوینت خاطرات این روز درج شده است.

^۲ - رادیو آمریکا اعلام کرد: روزنامه «وال استریت ژورنال» در گزارشی م Shrout می‌نویسد مقامات ایرانی متکن است با موافقت در مزد خرید

استحمامی کردم و عازم بروگشت به تهران شدم. ساعت نه صبح حرکت کردیم. در کنار رودخانه‌ای بعد از اندیمشک توقف نمودیم و ناهار را بچه‌ها از خرم آباد گرفتند و ده کیلومتر بعد از خرم آباد، کنار رود دیگری صرف شد. بین ارک و قم ماشین پنجر شد. شب ساخت نه و نیم به منزل رسیدیم. آقای سنجقی، تلفنی خبر از دفع سه پاتک عراق در شلمچه داد. در اخبار و گزارش‌ها، توجه ویژه قدرت‌های حامی صدام به وضع مشکلات اقتصادی ایران محسوس است و نشانه‌های برنامه‌ریزی برای محروم کردن ایران از درآمد نفت از طریق زدن کشته‌ها و مراکز بارگیری نفت ایران خودنمایی می‌کند و تقویت نیروهای دریابی سپاه را مانع برای اجرای این توطئه می‌بینند و به فکر بهره‌گیری بیشتر از فضاهای بین‌المللی و پایگاه‌های کشورهای جنوب خلیج فارس به نفع صدامیان هستند.

شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۶ رجب March 1987

در منزل بودم. و قسم به استراحت و قرائت گزارش‌ها گذشت. حاج احمد آقا آمد. اوضاع جبهه را برای اطلاع امام گرفت. راجع به اوضاع جاری مذاکره شد. گفت آقای آذری قمی خدمت امام آمده و از امام برای ادائی قرض‌های روزنامه رسالت، کمک خواسته است و امام چیزی نداده‌اند. عصر آقای رفیق‌دوست و دکتر هادی آمدند. نتایج سفر کره شمالی را گفتند و اینکه تعداد پنج فروند موشک اسکاد بی از کره خریده‌اند؛ خوب است. آقای سنجقی اطلاع داد که امروز در جبهه جنوب تحرکی نبوده و در حاج عمران همه پاتک‌های دشمن شکست خورده است. گفتند در مجلس امروز شایعه فرار صدام بود.

پیروزی‌های خیره کننده رزمندگان در حساس‌ترین نقطه نبرد در شلمچه، باعث کم شدن امید به

(اداء پاورفی از فتحه قبل)

اسلحه آمریکایی به قیست‌های بالاتر رشوه گرفته باشند. مأموران تحقیق اکبرن طبلی هستند که بخشی از میلیون‌های دلار منافع ناپدید شده حاصل از فروش‌های تسلیحاتی به ایران به جیب مقامات ایرانی رفتند. به گفته مقامات دادگستری «الارض والبن» (ایران) مسئول به تعقیب و پیگیری مدارکی بودند. این مقامات عالی رتبه ایرانی در مرزه بودند از پیش‌نیت‌هایی بالاتر برای سلاح‌های ساخت آمریکا در تپال رشته‌های کللان حکایت فارد. این مقامات گفتند مأموران تحقیق که برای آقای والش کار می‌کنند، معتقدند که از تابستان ۱۹۸۵ که فروش‌های تسلیحاتی آغاز شد و در سال ۱۹۸۶ بی‌ادامه یافت، تسلط رشوه بخشی از معاملات سری تسلیحاتی بود. آنان هم گویند آقای والش اعلی‌اعنایی کسبه کرده است که لشان می‌دهد در تحسین مراحل معاملات تسلیحاتی واسطه‌های اسرائیلی بول و شوه را به مقامات ایرانی داده‌اند».

قدرت مقاومت صدام شده و با شکست حرکت آمریکا در مقابل سلاح با گروگان و ایجاد شبهه در ادامه سیاست حمایت آمریکا از صدام هم فضای غبارآلودتر کرده است.

مقاومت مردم ایران در مقابل شرارت‌های غیر قابل توجیه و جنایات جنگی صدام از زدن شهرها و کشتی‌ها و استفاده بی‌حساب از سلاح شیمیایی، توان پایداری نظام اسلامی و استحکام آن را آشکار نموده و مهمتر از همه، امواج وسیع داوطلبان جهاد برای رزم و قدرت تجهیز صدھا گردان جدید تازه‌نفس و تأمین نیازهای جنگی با تولیدات داخلی و ابتكارات مهندسی در ساخت پل‌های بعثت و خیبر - که از حماسه‌های مهندسی نظامی اند - و سازمان تیروی دریایی سپاه با امکانات ابتكاری، امید به پیروزی را، واقع بیانه جلوه می‌دهد.

یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ ربیع‌الثانی | March 1987

قبل از جلسه گزارش‌ها را خواندم. پیش از شروع جلسه علنی درباره جنگ برای نمایندگان صحبت کردم. در جلسه علنی تا هنگام تنفس ماندم. بحث در کلیات بودجه بود.

امسال به خاطر وضع جنگ و به خاطر تذکر امام به نمایندگان، در خصوص خودداری از صحبت‌های تضعیف کننده و دشمن پسته، مخالفان دولت هم حاضر نبودند صحبتی بگفتند و در نتیجه بحث در کلیات، مختصر و کوتاه برگزار شد و موضع گیری‌های سیاسی که معمولاً در بحث بودجه بروز می‌کند، بروز نکرد. انتظار می‌رود بحث در تبصره‌ها هم کوتاه باشد؛ چون وضع مالی کشور میدان مانور زیاد ندارد که در تبصره‌ها جای بحث داشته باشد.

آقامحمدی آمد. درباره برنامه‌های عملیاتی قرارگاه رمضان در داخل خاک عراق توضیح داد.

طرح‌ها جالب است و اگر خوب اجرا شود، چشمگیر است. کمک‌های را مطرح کرد. آقای [سیدرضا] زواره‌ای آمد و از اوضاع، بدگفت. عصر تا شب کارهای عقب مانده را انجام دادم.

شب جلسه سران قوا در منزل احمد آقا بود. امام هم مطابق معمول شرکت کردند. گزارش وضع ججه را دادم و اشاره به مشکل پیشرفت در شرق بصره و تلفات زیاد طرفین کردم. با تقاضای تخت وزیر و اجازه امام، مبلغ دو میلیارد تومان برای مخارج بمباران شده‌ها و ۲/۴ میلیارد تومان برای فوق العاده عملیات ارتشی‌ها و ساصد [= سازمان صنایع دفاع] با تأیید سران سه قوه، از بانک مرکزی استقراض شد.

۸ March ۱۹۸۷

دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | رجب ۸

تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی ماند. ظهر آقای [اکبر] ترکان برای گرفتن بودجه ارزی و زیالی برای ساصل آمد.

عصر [پروفسور لومر] یکی از اعضای هیأت یونسکو که برای دیدن مراکز تاریخی آسیب دیده ایران در بمبان عراقی ها به ایران آمده است، به عنوان تقدیم پیام محرمانه [دکتر مختار آمیو] مدیرکل یونسکو به ملاقات آمد؛ ولی پیامی تقدیم نکرد و فقط درباره متجاوز بودن صدام و لزوم موضع گیری ما در جهت پذیرش پیشنهاد تردد مراکز فرهنگی، پیشنهادی داد.

تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. احمد آقا تلفنی گفت، جمعی از نمایندگان به امام نامه نوشته اند و از اظهارات در جلسه سالگرد حزب جمهوری اسلامی که علیه دولت و به نفع مخالفان دولت بوده است، اظهار نگرانی و کسب تکلیف کردند. از من خواست که نوار سخنان را بخواهم و بشنوم. کم کم این گونه کارها، نظر امام نسبت به حزب را دچار تردید خواهد کرد.

۹ March ۱۹۸۷

سه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | رجب ۹

در گزارش ها مطلب مهمی نیست. وضع جبهه راکد است. توطئه ای تبلیغاتی برای انحراف افکار از افصاح کاخ سفید به چشم می خورد! تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی ماند. ظهر هم چند ملاقات داشتم. عصر در جلسه شرکت کردم؛ چون بحث بودجه جنگ مطرح بود.

بعد از ختم جلسه به شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. اول شب در دفتر آقای خامنه‌ای، آقای دکتر ولایتی آمد و برای سفر به بلغارستان و سودان مشورت کرد. درباره جنگ، اسلحه و مسائل

۱ - روزنامه تیوبورزک تایمز ادعای کرد قتل اولاف پالمه نجست وزیر فضیل سوئد به خاطر میانجی گری در جنگ عراق و ایران بوده است. نجست و وزیر و معاون سیاسی وزیر امور خارجه سرتلی ادعاهای منتشره در شماره یکشنبه روزنامه آمریکایی تیوبورزک تایمز در مورد قتل پالمه واریانط آن با نفس میانجی گری وی در جنگ عراق با ایران از جانب دیرکل سازمان ملل و به طور مطلع رد کردند. خبرگزاری سوئد در گزارش کوتاهی تحت عنوان «توقف معاملات تسليحاتی - انگلیز خل» هم‌زمان با ملکویز قتل اولاف پالمه نجست وزیر فضیل سوئد به تعلی از گزارش تیوبورزک تایمز به چاپ رسیده است، نوشت: "بعضی از اعضا ای دلت سوئد به این شیوه رسیده اند که قتل پالمه ناشی از دخالت های وی در جنگ عراق و ایران همچنین هم‌زمان با تحويل عرب‌قانوی سلاح‌های ساخت کمپانی بوفروس به ایران بوده است." خبرگزاری سوئد در خبر کوتاه خود به تعلی از گزارشی روزنامه آمریکایی از قول یک نیم صحیح سوئدی نوشته است اغلب اعضا ای دلت سوئد مایل نیستند حقایق اتفاق شوند. مژده علاقمند است می‌دانم مهم نازرگانی خود را حفظ کند.

عکس شمخانی و رشد

سودان نظراتی داده شد. درباره کیفیت برخورد با آمریکایی‌ها، برای ادامه بحران در کاخ سفید هم بحث شد.^۱

چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۰ رجب ۱۴۰۶ | ۱۰ March ۱۹۸۷

تا ساعت نه و نیم صبح در جلسه علنی بودم، پیش از ظهر آقای شمخانی آمد و برنامه عملیات را گفت. تحلیل خوبی از جبهه شرق بصره ارائه داد و گفت آن قدر دو طرف جدی‌اند که گاهی جنگ به صورت تن به تن در می‌آید؛ مثل این است که مشت به صورت هم بکویند. ایشان فرمانده عملیات است و خوب اداره می‌کند. او از مشکلات سپاه از جهت اختلاف با مسئول بسیج و دفتر امام و حفاظت نیز مطالبی گفت.

آقای حسنی سعدی آمد و برنامه عملیات آینده را گفت. ظهر آقای [مطلوب] دشتی تماينده معان آمد و پيشنهاد داشت فرصت سخترانی پیش از نماز جمعه تهران به ایشان داده شود تا درباره انحرافات

۱- آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه از اطلاعاتی خبر داد که آمریکایی‌ها با اراده بک عکس مأموریه‌ای ادعای کردند که اتحاد جماهیر شوروی، فضله حمله نظامی به ایران را دارد. این خبر در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب سیاری داشت و بحران در کاخ سفید را وارد فاز جدیدی کرد.

فکری موجود حرف بزند.

عصر به خاطر کارهای دفترم به جلسه مجلس نرفتم. هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. مراجعه نمایندگان خط راست، برای نجات آقای احمد کاشانی از زندان، این روزها زیاد شده است. خود من هم مایل نجات یابد، ولی کسانی هم مانع می‌شوند.

شب آقای موسوی اردبیلی و نخست وزیر در مجلس مهمان من بودند. پانصد میلیون تومان برای نیازهای ارتشی‌ها و ساقد تصویب کردیم. درباره ارتش و سپاه بحث شد. آقازاده وزیر نفت که امروز از سفر آمده، گزارش سفر داد. گفت الجزایر و امارات پیشنهاد کرده‌اند که حاضرند به شرط متوقف شدن وقت جنگ برای حذف صدام اقدام کنند؛ قبلاً عربستان سعودی هم گفته است. به نظر می‌رسد تصمیم منطقه‌ای باشد، اگر فریبی در کار نباشد. مایل نیستند حذف صدام نتیجه پیروزی ایران باشد. گفت کشورهای عضو اوپک، مصمم هستند تا قیمت را حفظ کنند. در لیسی استقبال خوبی از او نشده است. شب در مجلس خوابیدم.

11 March 1987

پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۱ ربیع

تا ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی تا ساعت ده و نیم ماندم. آقای سنجقی آمد و گزارشی از برنامه‌های آینده در غرب کشور داد و نیازهای را مطرح نمود. جمعی از نمایندگان آمدند.

از اظهارات در جلسه سالگرد حزب [جمهوری اسلامی] گله داشتند و از من خواستند که از حق آنها دفاع کنم. توصیه به آرامش و عدم برخورد کردم. شکایتی به امام هم نوشته‌اند و گویا اطلاعیه‌های بی‌نامی هم در قم منتشر شده است. به نظر می‌رسد درگیری در پی داشته باشد.

ظهور آقای حمید بهرامی آمد. از دکتر افتخار جهرمی گله دارد و می‌خواهد استغفار دهد و می‌گوید دولت به داوران ایرانی در لاهه دستور داده، فقط ماهانه پنج هزار دلار از حقوق خود استفاده کنند و بقیه را پس بدهند و دکتر مصطفوی گفته در مضیقه خواهد افتاد.

عصر آقای شمخانی برای مسائل جنگ و تغییرات در سپاه آمد. شب به خانه آمد. بچه‌ها از بیرون شام آوردند.

جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب

۱۲ March ۱۹۸۷

احوال آقای آذری قمی را پرسیدم؛ امیدوار است، تا ساعت ده و چهل و پنج دقیقه در خانه برای نماز جمعه مطالعه کردم. برف و باران در تهران می‌بارید. به نماز جمعه رفتم. هنگام خطبه‌ها، باران متوقف شد.

عصر آقای [علی اصغر] مروارید آمد. برای ثبت وضع محل بنیاد انقلاب و پرونده امید نجف آبادی کمک خواست. نمونه کار بنیاد انقلاب در جمع کردن متون فقهی قدیمی در یک کتاب را آورد. آقای امیر عراقی آمد. از وزارت نفت استعفا داده است، پسر همشیره زاده ملکه همراه بستگان برای عقد ازدواج آمدند.

شب احمد آقا آمد. امام نسبت به اظهارات در جلسه سالگرد حزب انتقاد کرده‌اند. درباره آینده ارتش و سپاه هم بحث کردیم. قرار شد نظر امام را استفسار کنیم، تا سیاست مان در ارتباط با نیروی دریایی و نیروی هوایی سپاه روشن شود. سپاه برای توسعه آنها اصرار دارد و باید هدف نهائی امام روشن شود.

شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ رجب ۱۳

رئیس جمهور تلفنی گفت مریض است و مشکل می‌تواند به جلسه ملاقات امام بپاید. گفتم با توجه به

۱ - خطه اول این هفته به ادامه بحث عدالت احساسی در اسلام با موضع حقوق زنان دلال شد. در خطه دوم در خصوص شخصیت حضرت امیر المؤمنین علی (ع) رمز اسواری انقلاب اسلامی، خصوصیات ملت و ارتباط صمیمی آنها با انقلاب اسلامی و نتایج گزارش تاور مطابق بیان شد. رادیو صدای آمریکا در مارقات خطه‌های این روز گفت: «ایران، ایلات متحده آمریکا را نهیم ساخت که در جهت لطفه زدن به روابط تهران با شوروی تلاش می‌کند. به گفته اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، تلاش‌های آمریکا در این زمینه در مطابق گزارش کمیسیون ویژه تحقیق گنجانده شده به عمل گشته. در گزارش کمیسیون ویژه که درباره عاجزای تسامه‌ای محعمانه آمریکا با ذیزم اسلامی برای فروض اسلحه و آزادی گروگان‌های آمریکایی در لستان تحقیق کرده بود به جزئیات مذاکرات مقام‌های آمریکایی و رژیم اسلامی ذوب‌باره هدف‌های شوروی در ایران اشاره شده است. هاشمی رفسنجانی امروز گفت بیاناتی که در این کمیسیون به مقام‌های رژیم اسلامی نسبت داده شده، دروغ‌هایی است که مدعی شرکت برانگیختن شوروی بوده است. آقای رفسنجانی عقایم‌های آمریکایی که سال گذشته به طور محرومانه به ایران منتشر کرده‌اند، تصاویر ماعوره‌ای با خود به همراه آفرده بودند که راههای احساسی تجاوز شوروی به ایران را نشان می‌داد. هاشمی رفسنجانی گفت: جمهوری اسلامی اعتمادی برای اطلاعاتی که آمریکا در اختیار ایران گذاشت، قائل نیز و آن را تلاشی در جهت منحرف کردن قرای ایران از جنگ با عراق و لطفه زدن به روابط ایران و شوروی توصیف کرد». عجیزگاری آسوشیتدپرس هم چنین گزارش داد: هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران روز جمعه گفت که سربازان سوری در غرب بیروت «امنیت نسی» را به پا بینخت لبان. بازگردانده‌اند. رفسنجانی که برای نمازگزاران جمعه مراسم هنگامی در دانشگاه تهران صبحت می‌گردید: صوره قوی ترین مانع در مقابل اسرائیل است. وی همچنین گفت که اما مسلمانان شیعه طوفان ایران در حزب الله عیارز ترین نیروی هستند که در لبان با اسرائیل می‌جنگند.

مطلوبی که در ارتباط با سالگرد حزب [جمهوری اسلامی] و نامه جمعی از تمایندگان به امام مطرح است، مصلحت نیست که در این جلسه غایب باشند.

ساعت هشت و نیم به حسینیه جماران رفتم. امام منتظر رسیدن ما بودند که به جلسه تشریف بیاورند. آقای خامنه‌ای ترسیده بودند و قرار شد اگر نیایند، من صحبت کنم. خوشبختانه رسیدند. امام به شدت از تفرقه انگلیزی برحدار داشتند و تهدید کردند.^۱

عصر آفای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. راجع به نیازهای بنیاد تاریخ انقلاب گفت و اساسنامه را که تصویب شده بود، گرفت. شب احمد آقا گفت که سید مهدی هاشمی و همکارانش به قتل سه نفر از قهریجان اعتراف کردند و به دنبال کشف محل دفن اجساد آنها، مقداری اسلحه هم کشف شده است. نظرش این بود که پخش این اخبار، چند روزی به تأخیر اقتد که ارتباطی با سخنان امروز امام پیدا نکند.

شب تلفنی با محسن و عفت صحبت کردیم. محسن تحصیلش تمام شده و از کانادا در راه ایران به آلمان وارد شده است. بنا بود دوره دکترا را هم تمام کنند، ولی با توجه به نیاز به تخصص او در صنایع موشکسازی و فضای زالمنی که ضدانقلاب و استکار در کانادا تدارک دیده‌اند، ترجیح دادیم که به ایران برگردد.

۱- در بخشی از سخنان حضرت امام (ره) آمده است: "ما باید فکر این معنا باشیم که در این کشور یک وقت - خدای نخواسته - به تدریج اختلاف راچ نشود. همه پیشیان هم باشیم. بارانی، دنیان روی جنگل پیکاری و هوای نفسانی را زیر پا نگذاریم و با خوب شویم. اگر در قلب هم یک چیزی هست که الان نمی تواند یک آدمی جلویش را نگیرد، ولی در عمل قادر دارد به اینکه جلویش را نگیرد، امروز تأیید همه نشرا بر همه ما لازم است؛ ما باید از مجلس طرفداری بکیم، مجلس هم باید از همه ملت طرفداری نکند؛ ما باید طرفدار دوست باشیم، دوست هم باید به ملت خدمت نکند. ما باید از همه فرانی که الان هستند تعیت کیم که انداره‌ای که باید بکیم و پیشانی کیم از اینها به انداره‌ای که باید بکنیم، آنها هم باید از هم پیشیابی نکند. یک دسته پیانند بخواهند یک طرف بکشند، یک دسته هم یک طرف دیگر نکشند - در حالی که نیست آن، این طرف دارند می‌گیرند - اگر خدای نخواسته - یک جرمه‌ای پیدا شود، دنیا این را بزرگ خواهد کرد تا آنجایی که بگویند ایران الان دیگر هیچ چیز در حق نیست... عمل ما و دیانت ما و اسلام و همه چیز اتفاقی می‌کند که حالاً و قبیل پیشانده که همه با ما بندند؛ با هم خوب بشویم، طرفدار هم باشیم؛ ارتش طرفدار سپاه باشد، سپاه طرفدار ارتش باشد رهه ارگان‌ها طرفدار هم باشد. این تخریب از این روزه، آن تخریب‌های سپاه را از بین برد، آن تخریب‌های دولت را از بین برد؛ آن تخریب‌های فرقه کفایی را از بین برد؛ همه باید با هم باشند. این یک تکلیف الهی - شرعاً است به عهده ما و به عهده همه ملت. الله در موقع اگر - خدای نخواسته - یک وقت ما بسیم که من خواهد یک همیجر چیزی واقع نمیره، تکلیف شرعاً مان این است که با هر ترتیبی که می‌شود جلویش را نگیریم و لو ره اشتاکردن، و لوله این که یک نفری را فربالی کنیم برای یک ملت، یک دسته‌ای را فربالی کنیم برای یک ملت. من دارم به شما آقایان غرضی می‌کنم، همه تو جهه این داشته باشید که دنبال اختلاف نزولید. فدا ممکن است که انتخابات پیش بایدیه، خوب، در مرتع انتخابات آنها صحبت‌ها خواهد شدند؛ دنبال این تزوید که به هوای نفسانی خود را برای خود ندان درست کنید. من خواهد یک قضیه‌ای واقع شود در ایران، دنبال این نباشید که به نفع من باشد، آن یکی بگویند به نفع من باشد، این مبدأ اختلاف است". (رجوع کنید به کتاب "صیغه‌های امام" جلد بیستم، صفحه ۲۲۹، مؤسسه تبلیغ و نشر آثار امام خمینی (ره)).

۱۴ March ۱۹۸۷

یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۰۶

قبل از دستور درباره اظهارات امام و ولادت حضرت علی(ع) صحبت کوتاهی کردم.^۱ تا ساعت ده و نیم در مجلس ماندم و تا عصر چند ملاقات داشتم. عصر هم به جلسه رفتم و بین نمایندگان نشستم. اول شب منزل آیت‌الله خامنه‌ای رفتم و درباره صحبت‌های امام و ضرورت کم کردن تراعه‌ای دو حریانی و نقش پدری حزب جمهوری اسلامی مذاکره کردیم.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. بحث عمدۀ درباره بودجه بود. کمیسیون برنامه و بودجه، اعتبار وزارت توانمندی‌های نیرو و نفت را حذف کرده و به آنها اجازه داده که با گران کردن محصولات خود، درآمد کسب کنند. دولت با این کار مخالف است و می‌خواهد از طریق استقرارض، این کمبودهارا که حدود سیزده میلیارد تومان است، تامین کند. امام تصمیم‌گیری را به سران قوا محوّل کرده‌اند.

بعد از بحث زیاد به اتفاق آراء نظر دادیم که کار کمیسیون درست است. آقای محتشمی هم آمد و راجع به نتایج سفر به سوریه و ملاقات با حافظ اسد درباره حزب الله لبنان و حوادث اخیر گزارش داد. نظر این شد که فعلًاً خطوطی حزب الله را تهدید نمی‌کند و قرار شد با سوریه مدارا شود. برای خواب به مجلس آمدم. دیر وقت خوایدم.

۱۵ March ۱۹۸۷

دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۰۶

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی ماندم. ظهر معاون استانداری بزد و مدیر اراضی شهری بزد

۱- در پیشی از این نطق آمده است: «میلاد پریزگفت مولای عفیان، علی بن ابی طالب(ع) این بزرگترین تاریخ را خدمت نمایندگان محترم و ملت عزیز مان تبریز که عرض می‌کیم، از آثار این روز مقدم، توثیق ریارث حضرت امام بود که برای مستولان کشور و فسایندگان مجلس دست داد و بر خودداری از غصت ناصیح سرمهند و پرخیر رهبر عظم الشأن مان بود. ایشان، همیشه علی طبیعت خاذق، سکان دار بیدار و هر ساز کشی انقلاب، مراطیب حرکت انقلاب هستند و هر وقت که لازم می‌بینند و مقید تشخیص می‌دهند، فرزندان خودشان را نصیحت می‌کنند و این باز هم مثل همیشه در شرایطی که دشمنان عالم مایوس از تواندها و تسلطهای گذشته‌شان، در حمده ایجاد تفرقه برآمدند و آنارخ از شیوه‌هایی که قدر رسانه‌ایشان پختن می‌شود، روشی است ایشان، هشیار و بیدار، همان‌گذار، همه مستولان و همه مستولان و ملت را متوجه این خطر کردند. حتماً، مردم ما و مستولان ما، مگر تم شرعاً خواهند داشت و از این نصیحت‌های جیات پیش استفاده خواهند کرد و انشاء‌الله ما همیشه در مسایله وجودت و همراهی، انقلاب را به اهداف عالی ای که دارد، خواهیم رساند. خداوند، سایه این معلم و مرشد و طیب و حکیم این انقلاب و این راه را بر سر مستضعفان جهان و ما، مستدام دارد». برجع کنید → کتاب «ماشی رفتگانی، نطق‌های پیش از دستور مال ۱۳۶۵، جلد ششم»^{۱۳۸۷}

آمدند. از قوه قضائیه بیزد شکایت داشتند. سرهنگ ترابی آمد و پیشنهاد تعویض رئیس ستاد [ارتش] را داد. آقای صفائی مسئول عقیدتی سیاسی ارتش آمد. گزارشی از وضع کارش داد و کمک خواست و پیشنهاد رفتن من برای بازدید از داشکده افسری و خودکفایی نیروی هوایی را داشت. آقای دکتر زالی وزیر کشاورزی آمد. شرح مبسوطی از ضررها احتمالی ادغام کشاورزی در جهاد داد. از پیشرفت‌های کشاورزی گفت. آقای [محمد تقی] بانکی [وزیر نیرو] و معاونان آمدند. برای تصویب پیشنهادی برای گران کردن آب بها در خوزستان برای ساختن سد کرخه استمداد نمودند.

در اثر سرماخوردگی تب داشتم. شب را به منزل رفتم. مهدی هم از مشهد برگشته است. آقای طبسی برایمان قند فرستاده‌اند. با مسکن خوابیدم.

سه شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۶ March ۱۹۸۷

به جلسه علنی مجلس رفتم. قبل از شروع جلسه به نمایندگان گفتتم، وقت کم و پیشنهاد زیاد است، خوب است از بخشی از پیشنهادها صرف نظر شود که امروز کار بودجه تمام شود. چون تب شدید داشتم زود به دفترم برگشتم. تا عصر به استراحت و مطالعه سطحی در دفترم گذشت. بالاخره آقای کروپی نزدیک ظهر از مجلس رأی گرفت پیشنهادهایی که بار مالی دارد، مطرح نشود که با اکثریت قوی آرای نمایندگان تأیید شد. این مصوبه دهها پیشنهاد را از سر راه برداشت و کار بررسی تبصره‌ها تمام شد.

قرار بود وزیر خارجه الجزایر به ایران باید و حدس می‌زدیم پیشنهاد کنار گذاشتن صدام را مطرح کنند، ولی سفرش را کنسل کردند. نمی‌دانیم چرا؟ گفتند مربیش شده است. آقای [سیاوش زرگر] یعقوبی سفیر مان در الجزایر آمد. مدعی است انقلاب ما در میان مردم و مسئولان الجزایر اعتبار و عظمت دارد. در جنگ هم مارا پیروز می‌دانند. گفتم می‌است ما هم به خاطر مواضع سرد و کم وفاچی اخیر لیبی‌ای‌ها، گرسنگی بیشتر با الجزایر است.

مغرب به خانه رسیدم. دکتر جزایری معاون وزیر بهداشت برایم پزشک آورد. مسکن و آنتی بیوتیک و بخور داد و تاکید بر استراحت کرد. با اینکه تب دارم، شب‌ها را به راحتی می‌خوابم. غفت گفت بنas است برای عمل روی سینوسها فردا به بیمارستان بروند و خواست که دعا کنم و صدقه

بدهیم و گوسفند قربانی نمائیم.

چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۷ March ۱۹۸۷

تمام روز در منزل بودم. مراجعات تلفنی هم کم بود. شب دکتر ولایتی آمد. گزارش سفرش را داد. معتقد است بلغارها تمایل زیادی به توسعه روابط دارند و مارانهایاً پیروز [جنگ] می‌دانند. آنها در مقابل پیشنهاد دادن موشك‌های فرآگ و اسکاد، جواب را موكول به مطالعه کردند. یونانی‌ها تیز تمایل زیادی به توسعه روابط نشان داده‌اند.

در سودان مردم تحت تاثیر و نفوذ انقلاب اسلامی ما هستند و حزب حاکم [امت] با ما است. سایرین هم مخالفتی ندارند و خواستار کمک سپاه برای تربیت نیروی نظامی شبیه پاسداران برای محافظت از انقلاب خودشان هستند. قرار شده، برای آموزش نیرو و به ایران بفرستند. سعودی‌ها خیلی گرم نیستند. [آقای سعود الفیصل] وزیر خارجه آنها که انتظار می‌رفت برای ملاقات ایشان به جده بیاید، نیامده و پیشنهاد کردند که دکتر ولایتی به ریاض برود که او هم نرفته است.

قرار شد در وزارت خارجه برنامه‌ای برای پرخوره با تبلیغات آمریکایی‌ها و مخصوصاً جزوۀ گزارش «تاور» درست شود.

پنجشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۸ March ۱۹۸۷

رادیو آمریکا به منظور وارد کردن تهمت سوء استفاده مالی به مقامات دیگر ایران از معامله اسلحه با آمریکا، شطینت جدیدی شروع کرده ولی این تهمت قبل جا اندازی نیست، شاید به خاطر اینکه بخشی از بهای سلاح‌ها را بر خلاف قانون به مخالفان دولت نیکاراگوئه داده‌اند، و یا افرادی از خودشان سوء استفاده کرده‌اند، یا با این تهمت‌ها و تبلیغات، می‌خواهند ردگم کنند و ابهام بیافرینند و ضدانقلاب ایران هم در این جهت کمک می‌کرند، به وزارت خارجه گفتم شکایت کنند.

با اینکه هنوز تدبیر داشتم به مجلس رقم، در جلسه علمی، اصلاحات در لایحه بودجه برای تامین نظر شورای نگهبان انجام شد. ایراد مهمی نگرفته بودند، ولی بر اساس همان نظریه قبلی خودشان،

استقرار ارض را به دلیل ایجاد تورم و در نتیجه پائین آمدن ارزش پول مردم، خلاف شرع دانسته‌اند. با تمام شدن کار بودجه، جلسه را اختتم کردم و در پایان صحبت کوتاهی نمودم.^۱

با حالت تب و خستگی، در دفترم به کار پرداختم. دکتر روحانی برای امور جنگ آمد و نظر داد بهتر است در صورت تخفیف ۲۵ تا ۴۰ درصد معامله، بقیه توپ‌های اتریشی را بگیریم.

عصر آقای آخوندزاده کاردارمان در لندن آمد. گزارش داد و گفت نفوذ و ابهت انقلاب ما در انگلستان قوی است. گفتم سعی کنند مسائل ربوه شدگان ایرانی در رابطه با [آزادی] "تری ویت" در رسانه‌ها مطرح شود.

وزیر دفاع و ترابی پور آمدند. درباره برخورد با فروشنده مهمات کاتپوش‌ها به جای جنس روسی، جنس کره‌ای تحویل داده، مشورت کردند. آقای [علی اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد. درباره گروه تبلیغات مربوط به رسواشی کاخ سفید و اطلاعات برای جنگ صحبت کردم. شب به خانه آمدم، حالم رو به بهبودی است. فاطی گفت عمل سینوس‌های عفت به خوبی انجام شده است، خوشحال شدیم. آقا جلال گوسفند بزرگی قربانی کرد.

جمعه ۲۹ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴۰۶ | ۱۹ March ۱۹۸۷

تلفنی با رئیس جمهور درباره مطالب نماز جمعه، اظهارات دیشب ریگان، جنگ و امور کویت مذاکره کردیم. آقای [محمد حسن] زورق [معاون سیاسی سازمان صدا و سیما] آمد. درباره تبلیغات جنگ و

۱ - در این نقطه آمده است: "در پایان سال جاری، در آستانه سال جدید، لازم است از برادران و خواهران نماینده، به حاضر کار قانون‌گذاری و نظارت آنان بر امور، تشکر کنیم، به وزیر از نمایندگانی که در جنگ رفته‌اند، تشکر می‌کنیم، زیرا حضور نمایندگان در جبهه‌ها و رفن آناد به عیان رژیم‌گان بسیار غافل است. تشکر می‌کنم از حکوم مسلولان کشور و مسئولیت از رژیم‌گانشان که در سال جاری، مایه اضطرار و عظمت اسلام شدند و فدرات اسلام و عظمت انقلاب را به نسبت گذاشتند. ما، امسال شاهد خسرو گفت و اسکار در مقابل اسلام را مقابله بودیم و آنرا از مقاومت مردم و ایثارگری‌های رژیم‌گان می‌دانیم و از آثار خوبی‌های گرامی‌ترین شهدایان می‌دانیم. از طرف همه نمایندگان، از خاور اد های شهدا و گسانی که در راه این انقلاب، شهید یا مغلول داده‌اند با دچار حسرت شده‌اند. تشکر می‌کنم. امیدوارم که سال آینده را خداوند برای این انقلاب و این مردم و برای مسلمانان، سال پیروزی و موفقیت کامل بگرداند و به ما توفيق دهد تا بنویسیم خدمتگزاران خوبی برای اسلام و انقلاب باشیم. از کارگران مجلس شیر به حاضر تنظیم لاجه برده و تیز به حاضر ایشان در سراسر سال، ما را برای اتحاد و وظایف مان پاری کردند، تشکر می‌کنیم. از میری توجه به حاضر مراقی که از اسلامی بودن مفرازات ما و خواهانگی آنها با قانون اساسی دارند، تشکر می‌کنیم و همه اینها در سایه رهبری‌های رعی عظیم انسان مان است که ما همه شاگردان و پیروان ایشان هستیم. خداوند مایه ارزشمند ایشان را از سر مسلمانان و ما و انقلاب اسلامی، کوتاه نفرماید". (رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،

عکس

اوچ دفاع

۵۰۳

مسائل گروگانها و "تری ویت" مذکور شد^۱ و خطوط تبلیغی مشخص گردید.
آقای سرهنگ جمالی برای مشورت در امور جنگ آمد. آقای رحمانی مسئول بسیج آمد. از فشار فرماندهان سپاه برای تحت کنترل آوردن او و بسیج گله داشت و فرماندهان سپاه هم از او به خاطر عدم اطاعت از فرماندهی سپاه شاکی اند و تصمیم گرفته اند که یا اطاعت کند و یا بروند.
عصر و شب به استراحت و مطالعه گذشت. در گزارش‌ها خبر مهمی نداشتیم. استقرار موشک‌های ساحل به دریای ما در تنگه هرمز، زیاد مطرح می‌شود. ستاد تبلیغات جنگ و صدا و سیما و آقای روحانی درباره اخبار جنگ، تلفنی مذکور کردند. امروز تب نداشتیم ولی نقاهت هنوز هست.
سال ۶۵ هم تمام شد، اما امیدهایی که به ختم جنگ یا یک پیروزی قاطع داشتیم، تمام ناند. طراحی عملیات سرنوشت‌ساز و تجهیز پانصد گردان رزمی و دریافت دهها میلیارد تومان با اجازه ویژه امام از بانک مرکزی و بحث‌های طولانی در شورای عالی دفاع و جلسات سران قوا و بحث فراوان قرارگاهی و هماهنگی‌های ایجاد شده، بین ارتش و سپاه و تأمین موشک‌های دوربرد تاو و هاک و قطعات از آمریکا و تبدیل تعدادی از خطوط تولید صنایع مصری به تولید نیازهای پر مصرف جنگ، شرایط جنگ را به نفع ما تغییر داد، اما ناکامی در [عملیات] کربلای چهار مشکل آفرین شد و خوشختانه با تصمیم خوب ادامه عملیات در قالب عملیات کربلای پنج، تا حدود زیادی ناکامی کربلای چهار را جبران کرد، لکن نتوانستیم به همه اهداف کربلای پنج برسیم که کنترل کامل بصره و کوتاه کردن دست صدامیان از دریا بود؛ گرچه اکنون در نزدیکی بصره حضور داریم و ان شاء الله یا یک حرکت جدی دیگر به اهداف ترسیم شده برسیم. باید به خداوند توکل کرد و از ایمان و صلابت کرام بهره گرفت.

پایان

۱- زایرت رالسی اسقف اعظم کلیسای کاتولیک ری انجلیس با ارسال ناجا ای برای آقای هاشمی از ایشان خواسته است تا در جوره یاقین «تری ویت» گه چند ماه قبل در لبنان زبوده شده هنگاری نماید. آقای هاشمی تبر دو پاسخ به این نامه غصه فاکیه بر اینکه ایران قلاً از دوسان خود در لبنان و سوریه خواسته است تا در یاقین تری ویت اعدام شماید، خراسان قلاً اسقف هزیر برای پیدا کردن چهار ایرانی زبوده شده در لبنان شد. متن کامل نامه اسقف اعظم کلیسای کاتولیک ری پاسخ آقای هاشمی در یعنی ضمایم هسین کتاب درج شده است.

٥٠٥ اوج دفاع

عنوان خسائص

حالی

فهرست ضمایم

صفحه	عنوان
۵۰۹	پایگاه منتظران شهادت (گلف)
۵۱۸	نامه‌ای به فرزند رژمنده
۵۲۳	نامه‌ای به مادر شهید
۵۲۶	تهاجم به ارتفاعات در بندیخان
۵۳۴	عملیات کربلای یک (آزادسازی شهر مهران)
۵۴۸	عملیات در اسکله‌های البکر و العمیه
۵۵۸	گزارشی از جلسه ۵ مهر ۱۳۶۵
۵۶۳	قطعناهه ۵۸۸ شورای امنیت درباره جنگ عراق و ایران
۵۶۵	عملیات کربلای ۵
۵۷۳	گزارش یک تصمیم‌گیری (کربلای ۵)
۶۲۰	جنگ در سال ۶۵ از نگاه دیگران
۶۳۹	گزارشی از ماجراهای مکفارلین
۶۶۲	مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی بی اس آمریکا
۶۷۵	پس گرفتن سوال

نامه نمایندگان مجلس به امام خمینی(ره) در حمایت از سخنان ایشان ۶۷۷
بازتاب‌های رسانه‌ای کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی آقای هاشمی ۶۸۰
نامه استعف اعظم کلیساي کانتربری و پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی ۶۹۲
سخنرانی امام خمینی(ره) در مورد رسوایی مکفارلین ۶۹۴
نامه امام خمینی(ره) به آیت‌الله منتظری درباره سید مهدی هاشمی ۶۹۸
اعترافات تلویزیونی سید مهدی هاشمی ۷۰۰
نامه به رئیس مجلس ملی فرانسه ۷۱۲
نامه به نخست وزیر چین ۷۱۶
حکم برای فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۷۱۸

پایگاه منتظران شهادت

(گلف)

یکی از پایگاه‌های مهم و فعال رژیم‌گران دلاور اسلام در دوران دفاع مقدس و به ویژه اوایل جنگ تحمیلی، «پایگاه منتظران شهادت» نام داشت که در محل باشگاه «گلف» واقع در حومه شهرستان اهواز، تشکیل شده بود و به دلیل حساسیت و اهمیت فعالیتهاش، محل حضور و رفت و آمد فرماندهان ارشد سالهای دفاع مقدس نیز به حساب می‌آمد.

دفاع از مرزهای میهن اسلامی

به دنبال شروع جنگ تحمیلی از سوی عراق، هجوم نیروهای مردمی و داوطلب برای دفاع از مرزهای میهن اسلامی آغاز شد. در ابتدا به علت عدم آمادگی برای پذیرش و سازماندهی، این نیروها با بی‌برنامگی و تشتت روی رو بودند. تا اینکه آفای داد و کریمی به عنوان مسؤول عملیات جنوب به خوزستان آمد. در ابتدای کار به علت اینکه ستاد عملیات سپاه اهواز، محل مناسبی جهت انجام امور مربوط به نیروهای اعزامی و رسیدگی به امور جبهه‌ها نبود، ساختمانی متعلق به شرکت نفت در بیرون شهر اهواز محل مناسبی تشخیص داده شد. «باشگاه گلف» که پیش از آغاز جنگ برای امور مربوط به حفاظت لوله‌ها و تأسیسات نفتی در نظر گرفته شده بود، به عنوان «ستاد عملیات جنوب» برای پشتیبانی جبهه‌ها و هدایت امور اطلاعاتی، در خدمت جنگ قرار گرفت.

عکس گلف

تابلویی به در ورودی ساختمان [درب چهه] نصب و به حق نام «پایگاه منتظران شهادت» برای گلف انتخاب شد. شهید تندگویان وزیر نفت پس از بالاگرفتن شوارت‌های مزدوران عراقی و عوامل داخلی آنان که تحت نام «خلق عرب» دست به انفجار لوله‌ها و تأسیسات نفتی می‌زدند، طی توافقی با آقای علی شمخانی فرمانده سپاه خوزستان، مأموریت حفاظت از لوله‌ها و تأسیسات متعلق به شرکت نفت را به سپاه واگذار کرد. پاشگاه گلف که برای این امر در نظر گرفته شده بود، تعمیر و بازسازی و همزمان با حملات سراسری ارتش عراق با صلاح‌الدید مسئولان برای جنگ اختصاص یافت.

انسجام ارتش و سپاه

با گذشت زمان و کسب تجربیات و آمادگی لازم، ستاد عملیات جنوب (گلف) به کارها سروسامان می‌داد. رفته رفته عملیات از حالت شیخوخون که با نیروها و اهداف محدود و بیشتر انهدامی و درجهت زمینگیر کردن دشمن انجام می‌شد، به عملیات تعریضی محدود (شامل شکستن خطوط اولیه جبهه دشمن و پیشروی به عمق محدود) تبدیل شد. اولین اقدام و حمله به دشمن، عملیات امام زمان (عج) در غرب سومنگرد در تاریخ ۲۳/۱۲/۵۹ بود که با موفقیت زیاد همراه بود. این عملیات منشاء عملیات بعدی بود که در جبهه‌های جنوب و غرب انجام می‌شد. عملیات موفقیت‌آمیز «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» در دارخوین تجربه‌ای مفید و بارقه امیدی بود، برای قدم‌های بعدی در بیرون راندن دشمن. با انتقال آقای سید رحیم صفوی از دارخوین به ستاد عملیات جنوب در زمستان سال ۵۹، تیم سه تفره آقایان: رحیم صفوی، غلامعلی رشید و حسن باقری "شکل گرفت. با فرماندهی آقای محسن رضایی و انسجام بیشتر فرماندهان ارتش و سپاه، انجام عملیات گسترده و مشترک با شرکت نیروی عظیم مردمی و ارتش جمهوری اسلامی در دستور کار قرار گرفت. تبلور این ایده شکستن حصر آبادان و اجرای دستور فرمانده کل قوا بود.

به این ترتیب با توجه به اهمیت منطقه جنوب و ضرورت هماهنگی نیروهای سپاه در این منطقه، ستاد عملیات جنوب به عنوان نخستین اقدام تشکیل شد. تشکیل این ستاد به منزله نقطه عطفی در هویت یابی سازمان سپاه در منطقه جنوب بود، از این پس «ستاد عملیاتی جنوب» محل تمامی هماهنگی‌های درونی و بیرونی سپاه در منطقه جنوب با مرکز سپاه بود. نیروهای اعزامی به جنوب نیز ابتدا به «پایگاه منتظران شهادت» اعزام و از آنجا طبق تدبیر ستاد عملیات جنوب، به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند.

شکل‌گیری هویت نظامی

ستاد عملیات جنوب، مسئولیت منطقه دهلران تا دهانه فاو را به عهده داشت. این مناطق به تناسب معابر تهاجم دشمن و یگان‌هایی که از سپاه برای مقاومت در برابر دشمن تشکیل شده بود، به چند محور تقسیم شدند. به عبارت دیگر ستاد عملیات جنوب به متزله کانون شکل‌گیری هویت نظامی و اندیشه‌های دفاعی سپاه برای شکستن بنست جنگ بود. سردار غلامعلی رشید در توضیح نحوه طرح ریزی‌ها می‌گوید: "هر کس در هر محوری مسئول بود. پیشنهادهایی می‌داد، بررسی می‌کردیم، وقتی قانع می‌شدیم، به کمک آنها می‌رفتیم. تمی ما [آفارحیم، شهید باقری و من] مثلاً از اهواز پیش عزیز جعفری در سوستگرد می‌رفتیم، می‌ماندیم پیش آنها، اگر در عملیات کمک لازم داشتند، کمک می‌کردیم و مشکلات آنها را پیگیری می‌کردیم".

وظایف ستاد عملیات جنوب (گلف) و تشکیلات و واحدهایی که در این ارتباط بسیج شدند، بحسب نیاز و ضرورت شکل گرفت و به مرور زمان رشد کرد. سیستم ارتباطی که بین جبهه‌ها و گلف [ستاد عملیات جنوب] وجود داشت، به این ترتیب بود که هر چند جبهه تحت پوشش یک محور قرار داشت، اما با توجه به شکل گسترش قوای دشمن اکثر پایگاهها (شهرها) مسئولیت محورهای اطراف و مربوط به محدوده جغرافیایی خود را به عهده داشتند. مثلاً پایگاه سوستگرد که شامل جبهه‌های سویدانی، دهلاویه، مالکیه، جلالیه و... بود، شهرهای اهواز، آبادان، خرمشهر، سوستگرد، شوش و ذوقول هر کدام به نوع خود جبهه‌های مختلفی را تحت پوشش داشتند. هر کدام از قسمت‌ها در ارتباط با مسئولیت محوله باکلیه محورها تماس می‌گرفتند و کارهای مربوطه را به طور مستقیم با واحد مشابه در محورها انجام می‌دادند. فرماندهی ستاد عملیات جنوب نیز با سرکشی مستمر به جبهه‌ها و محورها و بررسی اوضاع و نیز تشکیل جلسه هفتگی مسئولین محورها در جریان امور قرار می‌گرفت. هر چهارشنبه مسئولین محورها گزارش آخرین تغییر و تحولات در جبهه را ارائه می‌دادند و مسائل حائز اهمیت هر محور بنا به ضرورت زمانی و مکانی مورد بررسی و توجه بیشتری قرار می‌گرفت.

جلسات هفتگی، ارتباط دائم محورها با ستاد جنوب و حضور فرمانده عملیات در محورها موجب شده بود که فرماندهی ستاد عملیات جنوب (گلف) در جریان کارها قرار بگیرد. قسمتهايی که در ستاد عملیات جنوب (گلف) فعالیت می‌کردند، در جهت پشتیبانی عملیات نقش مؤثری داشتند. به اختصار به فعالیت‌های هر قسمت اشاره می‌شود:

اطلاعات عملیات

از همان ابتدای جنگ، لزوم وجود واحد اطلاعاتی که بتواند اطلاعاتی کسب شده از دشمن را پیروزاند و با

توجه به موقعیت و استعداد نیروی دشمن، جمع‌بندی لازم را انجام دهد، احساس می‌شد. این قسمت در ابتدای کار صرفاً از دشمن اطلاعاتی را جمع آوری می‌کرد، اما کم کم به کار خود شکل داد، به طوری که در صد قابل توجهی از پیروزی‌هایی که نصیب رزمندگان می‌شد، مدیون اطلاعات دقیقی بود که توسط برادران به دست می‌آمد و تفسیر، جمع آوری و برآورد اطلاعات می‌شد. بخش‌هایی که اطلاعات را در انجام مأموریت یاری می‌دادند، عبارت بودند از: تیم‌های شناسایی، بازجویی اسراء، پناهنده‌گان، عوامل برون مرزی، عکس‌های هوایی، ترجمه استاد و مدارک و اطلاعات عملیات، گزارش نوبهای ۲۴ ساعته و گزارش‌های ویژه ۴۸ ساعته تهیه می‌کرد که برای فرماندهی منطقه، مسئول اطلاعات منطقه، مسئول عملیات منطقه، فرماندهی مرکز و اطلاعات عملیات مرکز ارسال می‌شد. گزارش‌های ۴۸ ساعته به محورها ارسال می‌شد. برگه‌های خبر طبقه‌بندی شده و ترجمه استاد و مدارک بدست آمده و موارد فوریتی بنا به ضرورت، بین ارتش و سپاه تبادل می‌شد. روزهای دوشنبه هر هفته جلسه مسئولان اطلاعات و محورها در «گلف» به سرپرستی شهید حسن باقری به طور مستمر تشکیل می‌شد.

همچنین جلسات تبادل اطلاعات ماهانه با رکن دو لشگر‌های مستقر در جنوب برقرار بود. نقش تعیین کننده و باز شهید حسن باقری در تأسیس اطلاعات عملیات و سایر فعالیتها در فرماندهی ستاد عملیات جنوب، مطلبی مهم و اساسی بود.

طرح و برنامه‌های عملیات

این قسمت فاقد مکان و تشکیلاتی مستقل از فرماندهی ستاد عملیات جنوب بوده در واقع فرماندهی، تمامی فعالیت‌های ستادی و ایجاد هماهنگی با محورها را خود به عهده داشت. امور طرح و برنامه‌های ستاد عملیات جنوب را تا قبل از تشکیل قرارگاه‌های کربلا و خاتم الانبیاء آقای رحیم صفوی به همراه آقای غلامعلی رشید و شهید حسن باقری به عهده داشتند. در جلسات هفتگی که روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد، فرماندهان محورها ضمن ارائه گزارش وضعیت جبهه، طرح‌های پیشنهادی را جهت آفند و پداوند مطرح می‌کردند. همین جمع پر برگت، بعدها فرماندهی قرارگاه‌های لشکرها روزمندگان اسلام را بر عهده گرفتند.

اعوام نیرو

مسئله اعزام نیرو به جبهه‌ها، موضوعی بود که سپاه از ابتدای کار با آن مواجه بود. برای پذیرش،

سازماندهی و اعزام نیروهایی که از سراسر کشور به جبهه اهواز می‌آمدند؛ اعزام نیرو در پایگاه منتظران شهادت (گلف) شکل گرفت و با توجه به تغییراتی که در طول سال‌های اولیه جنگ در کار آن پدید آمد، خدماتی ارایه می‌شد. از قبیل:

- پذیرش نیروهای اعزامی با توجه به ضوابطی که تعیین شده بود.

- فراهم کردن مقدمات اعزام برادران به جبهه و اسکان در اردوگاههایی که عموماً در اهواز به این کار اختصاص داشتند. توجیه نیروها و فرماندهان آنان، سازماندهی، تجهیز و جرمان تمرین آموزش‌ها به وسیله هماهنگی و معرفی به تدارکات و آموزش مستقر در گلف. تدارکات داخلی و آموزش گلف به ستاد سپاه خوزستان و منطقه ۸ وابسته بودند. ترتیب اعزام این نیروها به محور مربوطه بنا به تشخیص و دستور فرماندهی ستاد عملیات جنوب و با همکاری ترابری سبک و سنگین گلف انجام می‌شد.

- اعزام نیروی گلف با تشکیل و ارتباط با اعزام نیروی محورها (پذیرش نیرو) تا فرار سیدن زمان مناسب و امکان آرایش نیروها در محورها آنها را در اردوگاههایی که در اهواز به این کار اختصاص داشت، اسکان می‌داد.

- در اردوگاه «دوكوهه» به جهت نزدیکی به منطقه عملیات فتح الجیین، قبل از آن عملیات پذیرای نیروهایی بود که به تازگی در قالب سازمانی تیپ به منطقه می‌آمدند. به ویژه تیپ محمد رسول الله (ص).

- انجام امور مربوط به پشت جبهه، از قبیل پاسخ به تلفن‌های مربوط به رزمدگان، تهیه آمار هفتگی از محورها در فرم‌های تهیه شده و اطلاع از نیازهای محورها به نیرو. پرداخت هزینه سفر، صدور برگ تردد جبهه، صدور برگ پایان مأموریت انفرادی یا گروهی و انجام امور پرسنلی. ارایه و خدمات حقوقی به نیروهای سازمانها و نهادهای دولتی، قبل از فعال شدن پرسنلی رزمی در اواخر سال ۱۳۶۱.

- صدور احکام مأموریت و تقسیم نیروهای خدماتی، فنی، تبلیغاتی، روحانی و... که بیشتر به صورت انفرادی و در گروههای کوچک عازم جبهه می‌شدند (تا یک سال و اندی پس از جنگ). درخواست نیرو با تعیین مشخصات مورد نظر از تهران و سایر مناطق.

- تأمین درخواست‌های متنوع واحدهای مختلف خدماتی و تحصصی پشت جبهه بنا به تقاضا و اقداماتی از این قبیل که به لحاظ نیاز و ضرورت انجام می‌شد. بعضی از واحدهای دیگر ستادی مانند تدارکات، آموزش و روابط عمومی جهت انجام امور خودشان که به نحوی در ارتباط با نیروهای اعزام به جبهه بود، دفتری در «گلف» داشتند که با بررسی

اجمالی از آنها می‌گذریم:

تدارکات

امور مربوط به تدارک جبهه‌ها از طریق واحد تدارکات جبهه و محور مربوطه انجام می‌گرفت. در یکسان و اندی پس از جنگ، دفتر تدارکات در گلف اقدام به تجهیز نیروها و در بعضی موارد تسلیح آنها و پس از پایان مأموریت تسویه حساب با آنها می‌کرد. تراپری سبک و سنگین برای ارایه خدمات به محورهای جنگی و رزمندگان، زیر نظر تدارکات منطقه استقرار داشت.

آموش

در ماههای ابتدایی دفاع مقدس، با توجه به شرایط و نبود سازمان، نیروهای اعزامی نیاز به آموزش‌های تکمیلی داشتند. انواع سلاح‌ها مانند موشک دراگون، تاو، آر. پی، جی، تفیگ ۶ و ۱۰ و انواع خمپاروها در «گلف» توسط مریبان به صورت فشرده آموزش داده می‌شد.

تشکیل سازمان رزم

با سپری شدن ماههای اولیه جنگ و فعال شدن سازمان رزم سپاه، «گلف» جوابگوی اسکان و پذیرایی نیروهای مشتاق نبود. از این رو با اسکان نیروها در اردوگاه‌ها، مریبان آموزش نیز به طور غیر مرتب و بدون سازماندهی مشخصی با آموزش‌های تخصصی دیگری از جمله مخابرات و تاکتیک و رزم شبانه، اوقات فراغت نیروها را پر می‌کردند و بر آمادگی آنها برای اعزام می‌افزودند. قسمت‌های دیگری در «گلف» قعال بودند. نظیر روابط عمومی، مدیریت داخلی، انتظامات و پدافند که با کمترین امکانات و پرسنل به نوبه خود منشاء خدماتی بود. نباید فراموش کرد که «گلف» تنها یک پایگاه یا ستاد عملیاتی نبود، نقش گلف در جنوب، ارتقای سازمان سپاه، تشکیل سازمان رزم، پرورش و رشد فرماندهان در کلیه زمینه‌ها، طرح ریزی و فرماندهی عملیات مهم و سرنوشت ساز و... عجین شده بود.

مهندسی رزمی

در ماههای اولیه دفاع مقدس، دفتر فنی مستقر در «گلف» به فعالیت‌های عمرانی و مهندسی می‌پرداخت. در محورها عموماً خدمات فنی و عمرانی به صورت خودجوش و با استفاده از امکانات محلی و تدارکات منطقه ۸ و استانداری خوزستان در قالب کارهای تدارکاتی و خدماتی کم و بیش

انجام می‌گرفت. با آغاز شکست حصر آبادان، فرماندهی ستاد عملیات جنوب با دعوت و سازماندهی تعدادی از نیروهای داخلی «گلف» و از جمله مدیر داخلی دفتر طرح و برنامه عملیات و دفتر فنی و پیگیری شهید باقری و پشتیانی سپاه منطقه ۸، گامهای اویله را در جهت تأسیس و تقویت مهندسی برداشت.

قبل از عملیات «طريق القدس» و ادغام ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران، امکانات و مکانهایی در اختیار آن ستاد به مهندسی ستاد عملیات جنوب و آگذار شد. در عملیات فتح الجبین، مهندسی رزمی جان قازه‌ای گرفت و قبل از شروع عملیات بیت المقدس در «دارخوین» در جلسه‌ای که شهید باقری حضور داشت، آقای رحیم صفوی و شهید صیاد شیرازی از راه رسیدند. صحبت از تقویت مهندسی رزمی سپاه و برآوردها شد و اینکه برای هر کیلومتر خاکریز سه لودر و یک بلدوزر در سازمان نیاز دارد. بعد از این جلسه، مهندسی رزمی بنیان گذارده شد. برادران شهید مظفر آقا خورده، علی پشتیانی و صالح شریعتی از مؤسسه‌ین و اولین شهدای این واحد بودند. احداث خاکریز، ساخت و تعمیه سنگرهای بتون آرمه، زاغه مهمات، جاده سازی، ارتباط خطوط مقدم با پشت جبهه، پل سازی، جمع آوری و ایجاد میدان مین و امور تحریب از جمله وظایف و حیطه فعالیت مهندسی رزمی ستاد عملیات جنوب بود.

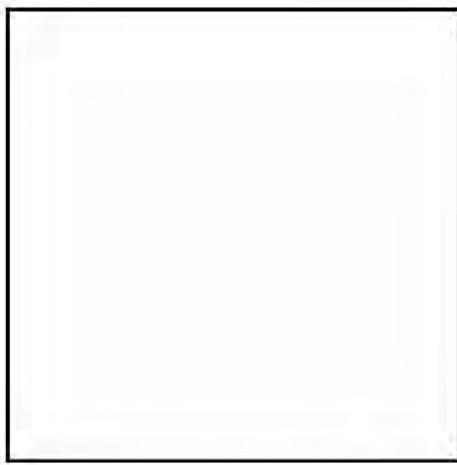
مخابرات

مخابرات «گلف» وظیفه برقراری سیستم ارتباطی در محورهای عملیاتی (بین جبهه‌ها و محورها و بالعکس) و نیز محورهای عملیاتی و ستاد عملیات جنوب را از طرفی و از طرف دیگر ایجاد ارتباط ستاد عملیات جنوب با تهران را بر عهده داشت. یک دستگاه بی‌سیم یک کیلوواتی، ارتباط اهواز با تهران و یک دستگاه ۳۰۰ واتی ارتباط اهواز (ستاد عملیات جنوب) با محورها را می‌سازد. دستگاه دوم استان‌های خوزستان و لرستان را تحت پوشش داشت. علاوه بر آن موقعی که حمله‌ای در پیش بود، وظیفه برقراری سیستم ارتباطی بین فرماندهی ستاد عملیات جنوب با خطوط مقدم را مخابرات بر عهده داشت و با کمک فرماندهی، طرح برقراری سیستم ارتباطی و نوع و تعداد بی‌سیم‌ها تعیین می‌شد. این قسمت به دو بخش کالی (بی‌سیم) و (باسیم) تقسیک شده بود و بخش باسیم آن به رژمندگان و فرماندهان مستقر در گلف، خدماتی ارائه می‌داد. این قسمت که با امکانات و پرسنل سپاه خوزستان و سپس منطقه ۸ اداره می‌شد با تلاش شبانه‌روزی خود در سالهای ابتدای جنگ تحملی و

عکس جبهه و جنگ

سلسله عملیات پیروزمندانه در جهت اجرای مأموریت خود موفق بود و شهیدانی تقدیم انقلاب اسلامی کرد.

پایگاه منتظران شهادت یادگاری از سال های پر شور دفاع مقدس است که جای آن خاطرات بسیاری از دلیر مردانی دارد که جان خود را در دفاع از میهن اسلامی بر طبق اخلاق نهادند. اکنون گلاف در اهواز به عنوان یکی از مراکز مهم حفظ ارزش های دفاع مقدس محسوس می شود و اتاق های آن که روزی مرکز صدور فرمان آغاز عملیات ها بود، به همان صورت نگه داشته شده است. اتاق فرماندهی که آیت الله هاشمی رفسنجانی جانشین فرمانده کل قوا و فرمانده عالی جنگ، هنگام حضور در صحنه جنگ در آن مستقر می شد، به همان سبک و سیاق حفظ گردیده است.



نامه‌ای به فرزند رزمند

بسم الله الرحمن الرحيم

نور چشم و فرزند بسیار عزیز و دلبندم مهدی

در گذشته این مضمون فوق را خطاب به فرزندان دیگر نوشته‌ام، ولی هیچ وقت مثل این بار معنا و مفهوم آن در قلبم و مغزم، تأیید و تصدیق دریافت نکرده بود. چند دقیقه پیشتر از تلفن تو و آقای روحانی محافظت با وفا یمان، که از مرکز لشکر سید الشهدا به خانه زدید، نگذشته است. گفتید که اکنون عازم خط مقدم هستید، برای نبرد علیه صدامیان متحاوز و گفتی آموزش خوب دیده‌ای؛ ۱۵ روز تمرین. صدایت مردانه و محکم بود و نشانی از دلهز و تشویش در آن ندیدم.

نمی‌دانم صدای من در گوش تو چگونه بود؟ تصدیق می‌کنم دلیری و گردی شما جوانان را. ولی اعتراف دارم که صدای من، نباید مثل صدای تو، پر و پیمان باشد، چون حالم کمی عوض شده بود. البته نه به خاطر نگرانی از شهادت یا آسیب دیدن تو، بلکه به خاطر هیجان ناشی از داشتن فرزندی شجاع و فداکار که در اولین روزهای درک سن مجاز شرکت در جنگ - ۱۷ سالگی - خانه و مدرسه

و رفاه و مقامات رایه سوی میدان جهاد، پشت سر گذاشت و لحن و صدایش، خبر از انتخاب آگاهانه و نه احساس جوانی می‌داد.

منتظر تلفن شما هم بودم، پریشب در قرارگاه مرکزی خاتم‌الآباء، طرح حمله را که فرمانده نیروی زمینی سپاه آورده بود، تصویب کرد و مطلع شدم لشکری که شما عضو داوطلب آن هستید، مسئولیت شکستن خط و تصرف نقاط حساسی را دارد. و مایل هم بودم مقداری بیشتر با تو حرف بزنم، ولی نخواستم خط تلفن را که لابد رژیمندگان دیگر هم می‌خواهند از آن برای خداحافظی با پستگاشت‌شان استفاده کنند، در اشغال داشته باشیم. از تند صحبت کردن شماها هم فهمیدم که شما هم مایل نیستید، تلفن معطل شود.

فقط پرسیدم آموزش خوب دیده‌ای؟ و تو گفتی: بله، گفتم خوب بجنگ، پرسیدم کاری اینجا نداری؟ گفتی: نه، راست هم می‌گویی، تو جوان آزاد و بدون وابستگی و مسئولیت‌های شغلی و زندگی، چکاری داشته باشی، کمی پیشمانم که چرا این سوال را از آقای رحمانی نکردم که همسر و فرزندانش را گذاشته و به جبهه رفت، گرچه خودش عجله کرد و زودی تلفن را به دست تو داد.

مشغول نوشتن تقریظی بر کتاب ارزشمند "صحیقه خون" بودم. این کتاب شرح حال و حاوی وصایای شهدای دانش‌آموز و فرهنگی استان یزد است. مدیر کل آموزش و پرورش یزد از من خواسته که چند کلمه‌ای برای چاپ‌های بعدی آن بنویسم. دو جلد آن چاپ شده و زندگی نامه ۱۴۳ نفر از شهداء را آورده است. حال و حواس من در فضای پر نور شهادت و ایثار فرهنگیان بود که صدای تلفن از آن فضای ملکوتی بیرون نم کشید، ولی فضای جدید هم دست کمی از آن نداشت و شاید برای شخص من لطافت بیشتری داشت. آخر تو هم دانش‌آموزی و دانش‌آموز بسیار خوب که معدل کارنامه تحصیلی ات همه ساله نزدیک به بیست بوده و مورد رضایت مدرسه و معلمات است و می‌دانم که در این نبرد هم سنگران دیگری از دانش‌آموزان و فرهنگیان داری. شاید در بقیه آن تعریض اسم تو را هم بیاورم و شاید هم نیاورم، از ترس ابتلاء به ریاه کار را نیمه تمام گذاشتم.

به حیاط خانه آمدم و کمی قدم زدم. دیدم دلم می‌خواهد برای تو نامه بنویسم. شاید هم این اولین و آخرین نامه به تو باشد. اینجا نشتم و مشغول نوشتن شدم و نسی دانم که این نامه به دست تو می‌رسد یا نه؟ چون زمان حمله نزدیک است، ولی احتمال شهادت کم است. باشد اگر به فيض شهادت رسیدی، این نامه در زندگی نامه‌ات صفحاتی را اشغال می‌کند و نام من هم در سایه نام شهیدی در تاریخ می‌ماند؛ وصف حال پدری است که خودش فرمانده جنگ است و در حین اعزام فرزندش به میدان جنگ به درد تاریخ هم می‌خورد. و اگر از میدان برگشته، نامه را می‌خوانی البته دعا می‌کنم که

همه رزمندگان اسلام سالم و فاتح برگردند و یا ضعفی که در دشمن سراغ دارم و روحیه‌ای که در رزمندگان ایثارگر خودمان هست، امید پیروری بسیار زیاد است. تنهایی و فراغت مجالم داد که به عقب برگردم و گذشته‌ات را با عجله و سرعت مرور کنم. چیزهای زیادی در خاطرم رژه رفتند.

یادم آمد که مادرت عفت، در سفر زیارت عتبات عالیات در حرم مقدس امام حسین(ع) از خداوند فرزند صالحی خواسته بود و پس از آنکه تو به دنیا آمدی، دعايش را مستجاب می‌دانست و خوابی هم گویا در همین رابطه دیده بود و اکنون می‌بینم، افسخار شرکت در راهیان کربلا را داری. برای نامگذاریت، دو سه روزی با هم حرف می‌زدیم، عمروزاده آقای هاشمیان امام جمعه فعلی رفسنجان اطلاع داد که خواب دیده است که باید اسمت را "مهدی" بگذاریم. خوشحال شدیم چه هدایتی از این بهتر که نصیبت شد و ان شاء الله خودت یا با خونت، هدایت گر هم خواهی شد. راهت ادامه دارد. در دوران کودکی، تیزهوشی ات مایه اعجاب من بود. مکرر اتفاق افتاد که در خیابان‌های تهران در حال رانندگی، من سرگردان می‌شدم و تو در سینین سه - چهار سالگی راه را نشان می‌دادی و این صحنه، در سفر اروپا هم چند بار پیش آمد. البته آن وقت بزرگتر بودی. و یک بار تحت تأثیر هوشت گفتم ابوعلی سینا می‌شود و این اسم در خانه برایت مانده.

از کودکی به خاطر وضع زندگی من و درگیریم با رژیم طاغوت، همیشه در معرض خطر بودی، و سال‌ها فقط من را در پشت میله‌های زندان ملاقات می‌کردی، ولی ندیدم که احساس وحشت و دلزدگی و واماندگی داشته باشی و حتی درس خود را به خوبی می‌خواندی، البته این شرایط زندگی هم در هدایت تو مؤثر بوده و اثرات آن سازنده است.

از آن روزی که به دوران تمیز رسیدی، با همسالان خود مخصوصاً در بین فامیل تفاوت فاحشی داشتی. درون گراه اهل مطالعه و تحقیق و دنبال کتب سودمند. و بیشتر در کتابخانه بودی. قبل از اینکه به حیاط خانه بیایم، سری به اتفاق نزدم. آزمایشگاه کوچکت با ابزار ساده‌اش و دو قفسه کتابخانه‌ات و میز مطالعه‌ات و تخت خواب محقرت را با فضای کوچک اتفاق و موکت کهنه‌اش و باقیمانده لباس‌های کهنه و چروک و وضع بهم ریخته، اتفاق را که از ویژگی‌های محصلان بی رغبت به دنیا و علاقه‌مند به تحصیل است، از نظر گذراندم و به جای اینکه ناراحت شوم از جای خالی ات احساس رضایت کردم. چه در جای دیگری که جای مردان بزرگ و انسان‌های والامقام است، حضور داری؛ جبهه.

همان جا یادم آمد که چند ماه پیش هنگامی که منظره اعزام دانشجویان به جبهه را بآهن از تلویزیون می‌دیدیم، از من پرسیدی که آیا نیازی که انقلاب به نیروهای تحصیل کرده مسلمان و معهد دارد، درست است که اینها به جبهه بروند؟ و من جواب دادم: اگر درست نیست چرا خودت که شاگرد

موققی هستی، می خواهی بروی؟ و تو با تواضع گفتی: من مثل اینها نیستم، و سپس توضیح دادم اینها همه که شهید نمی شوند. تعداد کمی ممکن است شهید بشوند، مثلاً دو درصد. و علاوه خون های آنها که شهید می شوند و نامشان و یادشان و آثارشان در اصلاح جامعه و محیط دانشگاه ها تأثیر زیادی دارند. و آنها که بر می گردند، به خاطر اعتلای روحی که در جبهه کسب می کنند، خیلی مفیدتر از جبهه نرقه ها خواهند بود. و در مجموع محصول جهاد و فداکاری، برکات بیشتری برای جامعه و آینده انقلاب و اسلام و خود دانشگاه ها دارد و علاوه بر اینها، جهاد امروز واجب کفای است و تأثیر کامل جبهه ها بر آورده نشود، همه تکلیف دارند. به نظرم رسید قانع شدی و حالا می فهمم خودت هم می دانستی و نمی دانم که چرا پرسیدی. شاید برای قانع کردن اطرافیان مطرح کردی.

نکته جالب دیگری که در این رابطه دارم، صبر و تحمل مادرت و برادران و خواهران است. مادر شماها که در شرایط عادی، ساعتی دوری مبهم شماها را تحمل نمی کند و احتمال خطر و رنج شماها او را از پا می اندازد، در اینجا تحمل و صبر جمیلی ارائه داده. تو را مثل پاسداران محافظ که به جبهه می روند، بدרכه کرد و مثل آنها برایت صدقه داد و اگر آشوب خاطری دارد، در دل نهان کرده و صبورانه برخورد می کند و حال بقیه اعضا خانواده هم کاملاً طبیعی است و گویا همگی می فهمند، زینده نظام اسلامی همین است که فرزند رئیس مجلس و فرمانده جنگ و نماینده امام و سخنگوی شورای عالی دفاع، مثل سایر فرزندان انقلاب، بی نام و نشان همراه سایر داوطلبان جان برکف در جبهه ها باشد. من هم از این بابت خیلی راضی و سوپلندم و از خدا می خواهم تو را که باعث این سربلندی مسئولان جمهوری اسلامی شدی، مشمول عنایات خاصش قرار دهد. لابد می دانی که فرزند [آیت الله خامنه‌ای] رئیس جمهور هم قبل از تو در چند حمله شرکت داشته و فرزند آیت الله متظری هم در جبهه مجرروح شده و نقص عضو پیدا کرده و فرزندان بسیاری از وزراء و وکلاه و شخصیت های درجه اول و دوم کشور منجمله [آیت الله موسوی اردبیلی] رئیس شورای عالی قضایی هم اکنون در جبهه اند و یا بوده اند و خبر آن موقعی پخش می شود که به فیض شهادت برسند. و اگر مسئولان کشور چنین نبودند، توده ملت ما اینگونه مقاوم و فداکار و شهادت طلب نبودند و همین است که ملت ما به تنها بی، قدرت مقاومت در مقابل قدرت های جهنمی شرق و غرب و ارتقای و صهیونیسم پیدا کرده و این پیروزی های عظیم را در تاریخ ثبت گرده. و تا این روحیه های قافی باشد و فساد و توجه به مادیات و شهوات در سرمداران کشور نفوذ نکند، عظمت انقلاب روز افزون است و راه انقلاب اسلامی از همین مسیر مقدس و با ایثار و فداکاری هموار شده و خواهد شد.

ما مایل به بروز جنگ بین دو کشور ایران و عراق نبودیم. [جنگ] بر ما تحمیل شد و بعث عراق

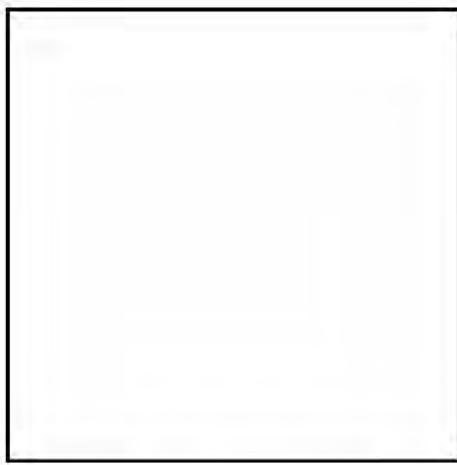
جنگ را شروع کرد و بخشی از خاک ما را تصرف کرد و خرابی‌های زیادی به بار آورد و قصد نابودی انقلاب اسلامی مان و یا تجزیه کشورمان را داشتند. با همه اینها حال که جنگ ناخواسته پیش آمده، ما با الهام از معارف فرآن کریم، ضمن تحمل مشکلات و خرابی‌های جنگ، می‌توانیم از موهب و آثار مثبت جهاد برای سازندگی مردم در جهاد و برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی استفاده کسیم. **كُلُّكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كَرِهٌ لَكُمْ وَ عَلَيْهِ آن... هُوَ شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ....**
هنوز دلم می‌خواهد بنویسم و با تو حرف یزnam و حرف هم برای گفتن زیاد است، ولی غروب رسید و کارهای مجلس را آوردند. خدا حافظ. اکبر هاشمی

ساعت ۷ بعد از ظهر پنج شنبه

۶/۶/۶۵

لشکر حضرت سید الشهداء - گردان علی اصغر -

وسیله فرمانده گردان - آفای مهدی هاشمی



نامه‌ای به مادر شهید

خواهر بزرگوار و سعادتمندم طبیه خانم هاشمی

به شما و همسر داغدار تان آقای محمد شریفیان و حاجیه والده عزیزان و همه بستگان، سلام می‌فرستم و برای سعادت همگی دعا می‌کنم. ضمن اینکه از فقدان مهدی عزیز، حالی از تأثیر نیستم و از لحاظ عاطفی، دلم برای اندوهی که طبعاً خواهید داشت، اندوهگین است. اما عمیقاً از سعادتی که نصیب خود او، شما و پدرش و سایر بستگان شده، راضیم و از اینکه می‌بینم خواهر بزرگترم، لیاقت افتخار عظیم «مادر شهید بودن» داشته خرسندم.

چند ماه پیش که در تهران شما و پدرش، خبر آمادگی و اشتیاق مهدی را برای جهاد پس از شرکت در صفت شکن عملیات والتحریک در گروه غواصان، پیشنهاد و شهادت طلب را دادید و دیدم از این وضع خیلی راضی و مهیج هستید، خیلی خوشحال شدم و همان روز هم در دفتر خاطراتم آن را نوشتم و به عنوان سندی برای تحول روحی جامعه و مادران و جوانان ثبت کردم، مخصوصاً که همان روز

خبر مجروح شدنش را در جبهه شنیده بودید و آرامش روحی قابل تحسینی داشتید و بقیه اعضاي خانواده هم با شما هماهنگ بودند و بيشتر از همه مادر سالخورده وضعیف مان، از اينکه خداوند به او اينگونه فرزندانی عطا کرده، شاکر و شادمان بود.

اینها همه برای من خیلی زیبا بود، از اينکه می دیدم، بستگان نزدیک من، به جای اينکه به فکر نارواي استفاده از موقعیت فamilی خود در جهت منافع مادي باشند، مثل بسیاري از مردم مستضعف مسلمان کشور، راه جهاد و فداکاری و خدمت به اسلام و انقلاب را ترجیح داده اند، عمیقاً خوشحال و خدای را بر این نعمت سپاسگزار شدم.

چه شیرین است زندگی در جامعه‌اي که نزدیکان مسؤولان تراز اول کشور، گمنام در کنار سربازان دیگر در سنگرهای جهاد شرکت کنند و در غم و شادی و رنج و رفاه با دیگران همراه و همساز باشند. همین حال و برداشت را هم در روزهایی که مهدی، فرزند خودم در یکی از خطروناک ترین خطوط جبهه در عملیات کربلای ۲ شرکت داشت و هر لحظه احتمال شهادتش می‌رفت، داشتم. هنوز جزئیات و کیفیت شهادت مهدی عزیزت را نمی‌دانم و نخواستم از فرمانده محترم لشکر ش آقای قاسم سليمانی که پریروز در اهواز این خبر را به من داد، بیش از آنکه درباره سایر شهدا می‌برسم؛ سوالی درباره مهدی بگشم، در محیط خانه از بچه‌ها شنیده‌ام که از پرخاله مجاهد و ایثارگر ش عباس هاشمیان که با مهدی در یك سنگ در عملیات کربلای ۴ بوده‌اند و او هم به سختی مجروح شده و در همان بیمارستان است، نقل می‌کند گلوه‌ای در سنگرهای فرود آمده و منجر شده و بعضی‌هارا از همان جا به بهشت شهدا و به بزم گرم صالحان فرستاده، روی بال ملاٹکه خدا. و شهید مهدی جزو آنها است و بعضی‌ها را هم به بیمارستانی که عباس عزیز در میان آنها است، چه مرگ شیرینی، اگر بشود اسم آن را مرگ گذاشت.

حالا خودم را مغبون می‌بینم که در حیات مهدی او را کم دیدم. برادران بزرگترش حسین و علی را بیشتر از او می‌دیدم، دو سه ماه پیش، یک بار او را اینجا دیدم. بعد از آن تاریخی که شما از شهادت طلبی و قهرمانی اش گفته بودید، در نظرم خیلی عمیق و وزین جلوه کرد. حرف کم می‌زد، خجول و فکور و آرام و متین بود. بیشتر از شرایط و نیازهای جبهه گفت و کمتر از مسائل دیگر، وقت زیادی نداشت که بیشتر با او صحبت کنم.

وقتی که می‌رفت به فکرم رسید که ممکن است او را دیگر نبینم. احتمال اینکه او به زودی به ملاء اعلاه و به ملاقات خدا برسد و من مثل گذشته در همین دنیای خودمان و با همین اشتغالات روزانه‌ای که زیاد هم بود، لحظه‌ای خواستم با این برداشت، خدا حافظی و از او قول شفاعت بگیرم، ولی منصرف

شدم و با خودم گفتم درست نیست، قبل از موعد مسأله احتمال شهادت با رزمنده جوان مطرح شود. بهر حال در فامیل ما از همه جلو افتاد و خداوند او را از همه لا یق تر دید و دعوتش کرد و برداشت و برداش، البته قبل از او فرزند بزرگوار ملکه، پرواز کرده که با این حساب ملکه و فرزندش، شهید کاظم داوودی را باید جلوه دار به حساب بیاوریم، با اینکه می دانم شما و پدرش و دیگران با صبر جمیل و اجر جزیل الهی را به دست خواهید آورد ولی باز هم تأکید و توصیه می کنم.

انتظار این است که شما در میان خاتواده های شهدا از نمونه های بارز صبر و رضا و تسليمه باشید و روح مهدی عزیزت را با صبر و رضایت شاد و راضی نگهداری. با اسناد قطعی معارف اسلامی، شهید زنده است و با بازماندگان رابطه دارد و همیشه ناظر حال و اعمال بستگان است و اگر آنها را در راه خودش ببینند، خوشحال است. او از راهی که رفته و آن همه نعمت و عظمت را به دست آورده، خیلی راضی است و مایل است پدر و مادر و برادران و خواهران و سایر بستگان خود را هم در راه خودش ببینند و سعادتش موقعي کامل است که دوستانش را با خودش داشته باشد. فرق آن چنین به ما می گوید: "وَ لَا تَحْسِنَ اللَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالَهُمْ بَلْ أَحْيِاهُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُوْزَقُونَ، فَرِجَىٰنَ يَعْمَلُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يُسْتَبِّهُرُونَ إِلَى الَّذِينَ لَمْ يَلْحِقُوْا بِهِمْ مِنْ حَلْفِيهِمْ إِلَّا حُوفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزُنُونَ، يُسْتَبِّهُرُونَ بِنِعْمَةِ مِنْ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْصِيْعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ".

همیشه در خاطرم خواهد ماند که مهم ترین خواست شما در سال گذشته این بود که بتوانی در مورد جبهه رفن مهدی، صابر و شاکر باشید و اکنون خدای را شاکر باش. آنچه برای ما می ماند، رضایت خداست و مادیات ماندنی نیست.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۶۵/۱۰/۱۵

تهاجم به ارتفاعات در بندیخان

۱۶/۱/۱۵

ارتش عراق در تاریخ ۱۶/۱/۱۵ در سه محور «یال بیاروک»، «برددکان» و «شاخ شمیران»، با مسئولیت سپاه یکم و به کارگیری ۱۰ گردان پیاده که گردان‌های کماندوئی منطقه خود بودند، درگیری را آغاز کرد.

در یال بیاروک، دشمن با استفاده از آتش تهیه و نیز دور زدن نیروها، توانست مناطقی را به تصرف خود درآورد. پس از آن نیروهای خودی دست به پاتک زدند که در نتیجه آن قسمتی از مناطق تصرف شده آزاد و چند تن از نیروهای عراقی، از جمله یک افسر، به اسارت درآمدند. در محور شاخ شمیران، نظر به اینکه نیروهای اندک در موضع وجود داشتند، لذا دشمن پس از مدتی مقاومت که صورت گرفت، توانست ارتفاع مزبور را به تصرف خود درآورد.

نحوه مانور دشمن در محورهای یاد شده بدین شکل بود که با استفاده از تک رخنه‌ای در طی روز اول توانست در جناحین خطوط پدافندی خودی نفوذ کرده، اقدام به گسترش خود در این مناطق بنماید و جا پای مناسی را بدست آورد. بعد از آن با حضوری که بر روی یال بیاروک قله برددکان و شاخ شمیران داشت، از دو سو به محور شاخ شمیران و بر دکان فشار آورد و این محور را اشغال کرد و بدین وسیله توانست جاده تدارکاتی خود را به خطوط اول جدید متصل نموده، نیز خط پدافندی جدیدی را در امتداد برددکان به تنگه گرگمل ایجاد کند.

همچنین تک دشمن به «پشت قلعه» و تصرف آنجا موجب شد ارتباط «کی بره» و «شاخ سورمر» قطع شود و بعد از آن، با فشاری که توسط دشمن از سمت ساحل دریاچه در بندهیخان وارد شد و نیز دور خوردن جناح چپ، ارتفاع «شاخ سورمر» به تصرف دشمن درآمد. دشمن در این تهاجم تلفات سنگینی را متحمل شد، به طوری که ۸۰ درصد از گردان‌های «الکفایه» و «فلسطین» که جمیعاً شامل حدود ۷۰۰ نفر می‌شد، منهدم گردید.

تهاجم به ارتفاعات سومار (۶۵/۱/۲۲)

وجود رشته ارتفاعات نسبتاً متعدد «گسیکه» و «کنه ریک» در منطقه سومار و مندلی، از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود؛ بدین معنی که تزدیک ترین راه به بغداد محسوب می‌شد دشمن اینکه سلطط بر ارتفاعات مزبور، منجر به اشرف کامل بر شهر مندلی عراق می‌شد. به همین جهت در تاریخ ۶۵/۱/۲۲ در حالی که باران به شدت می‌بارید، دشمن تک خود را در محور کنه ریک از سمت تپه‌های اسماعیل خان آغاز کرد. بارانی بودن هوامکان تک دشمن را نامتحمل می‌نمود، لیکن بر خلاف انتظار، دشمن تلاش خود را آغاز کرد، در ابتدا مبادرت به قطع ارتباط تپه ۳۴۵ با دیگر تپه‌ها نمود و سپس تپه ۳۴۶ و ۳۴۵ را به تصرف خود درآورد.

در ساعت ۴۰/۲۲ دقیقه همان روز دشمن با ریختن آتش بر روی جبل کنه ریک، از محل استقرار اورزانس نیروهای خودی تا رودخانه کنگیر، توانست قلعه جوق را تصرف کند. به دنبال وضعیت یاد شده، نیروهای سپاه پاسداران جهت ممانعت از پیشروی بیشتر دشمن، در تاریخ ۲۳/۱/۶۵، به منطقه اعزام شد و طی اتخاذ تصمیمی در قرارگاه مشترک با نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی آماده تهاجم شدند. در نتیجه در تاریخ ۲۵/۱/۶۵ نیروهای خودی با نیروهای دشمن که به استعداد یک گروگان کماندو و یک گروهان پیاده از گردان ۱ تیپ ۶۰ بودند، رویارو شدند.

با اجرای آتش مناسب و فعالیت چشمگیر تیر بارهای تک دشمن متوقف و تلفاتی بر آنها وارد شد. دشمن بر اثر این حرکت مجبور شد سه تپه‌ای را که در محور کنه ریک، تصرف کرده بود و نیز ارتفاع ۴۰۲ را تخلیه و عقب نشینی نماید.

مجموعاً دشمن طی ۴ روز درگیری در این محور توانست تپه‌های اسماعیل خان، تپه اورزانس و بال قلعه جوق به سمت میان تنگ و پاسگاه دوله شریف را به تصرف خود درآورد؛ لیکن به دلیل

مقاومت نیروهای خودی، از ادامه تک باز ماند و از تصرف ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریک نامید شد.

تک دشمن به محور گیسکه

دشمن پس از ناکامی در محور کهنه ریک، در تاریخ ۲۶/۱/۶۵، به دنبال اجرای آتش بر روی رودخانه گیسکه، تهاجم را با استعداد ۲ گردان و یک گروهان از گردان ۳ از تیپ ۴۶ مکانیزه، آغاز کرد.

صبح همان روز تعدادی از نیروهای خودی جهت مقاومت در مقابل دشمن، که هنوز کاملاً بر روی ارتفاعات تسلط تیافه بود، حرکت کردند، لیکن علیرغم رشادت‌هایی که نشان داده شد، امکان پاکسازی کامل دشمن فراهم نیامد. منطقه سومار تحت مسئولیت سپاه دوم عراق بوده و در تهاجم دشمن مجموعاً ترددیک به ۱۵ گردان پیاده - مکانیزه به کار گرفته شد.

تهاجم به ارتفاعات منطقه لولان (۶۵/۲/۵)

سپاه پنجم عراق در تاریخ ۳/۲/۶۵ در منطقه سپدکان طی چند مرحله و با پکارگیری ۵ گردان پیاده و مشارکت نیروهای ضدانقلاب، پس از انجام تک سنگین بر روی ارتفاعات لولان، در ۱۵ کیلومتری خاک عراق توانست این منطقه را به تصرف خود در آورد.

تهاجم به منطقه فکه بیچ انگیزه، شهرهانی، بحلیه (۶۵/۲/۱۰)

دشمن مدتها - حتی قبیل از انجام عملیات والتحر - به تقویت سراسری منطقه در محورهای فکه، شهرهانی و زبیدات مبادرت می‌ورزید. از جمله اقدامات دشمن افزایش موضع توپخانه، تجمع بیش از حد نیرو و تانک و همچنین ورود یگان‌های جدید بود.

چنین به نظر می‌رسید که تحرکات دشمن در منطقه فکه، اجرای طرح فریب برای محور شهرهانی است تا بدین وسیله بتواند جبال حمرین را که در عملیات محروم به تصرف نیروهای خودی درآمد، دور زده، آنجا را اشغال نماید. چنانکه فرمانده سپاه چهارم عراق، طی جلسه‌ای با فرماندهان لشکرها در فرارگاه لشکر ۱ در فکه، تصرف جبال حمرین را به عنوان دستور کار سپاه چهارم ابلاغ کرده بود. نظر به اینکه جبال حمرین در خط الرأس جغرافیایی قراردارد، تسلط بر روی آن دید و تیر مناسبی را فراهم می‌سازد، بر این اساس چنانچه دشمن بر روی آن استقرار می‌یافتد، می‌توانست منطقه عین خوش تا دهلران را زیر دید و تیر مستقیم خود قرار دهد، در حالی که اکنون نیروهای خودی با

استقرار بر روی آن، بر قسمتی از خاک عراق اشراف و تسلط کامل داشته‌اند، علاوه بر این وجود یک حوزه نفتی بر روی ارتفاعات و نیز مرز مشترک ایران و عراق بر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه می‌افزاید.

بر این اساس ارتفاعات جبال حمرین مورد نظر ارتش عراق بود. از این رو نیروهای عراقی - طی تلاش‌هایی که انجام دادند - در نظر داشتن ارتفاعات چم سری و چم هندی را بگیرند، به این صورت که هفت تیپ در مرحله اول، تا چم سری را تأمین کنند و سپس لشکر ۱۰ عبور کرده بر روی ارتفاعات جبال حمرین مستقر گردد.

بدین ترتیب در تاریخ ۱۰/۶/۶۵ پس از یک روز سکوت رادیویی (بی سیم) دشمن، نیروهای عراقی، به استعداد ۲ لشکر پیاده مکانیزه و زرهی با پشتیبانی آتش توپخانه در محور فکه، تعرض خود را به مواضع پدافندی نیروهای خودی آغاز کرد.

بدنبال این حمله، یکی از یگان‌های ورزیده مپا در مدتی کوتاه پس از کسب اطلاع از وضعیت موجود، در بعد از ظهر ۱۰/۶/۶۵ - به منظور مقابله با تهاجم دشمن - غاز منطقه شدند. تدبیر تهاجم به دشمن بر این اساس بود که قبل از جاگیر شدن نیروهای عراقی، حمله صورت گیرد. بدین قرار نیروهای یگان یاد شده در ۶ محور سازماندهی شده، با هدف بازپس‌گیری خط مقدم، به دشمن حمله‌ور شدند و پلا فاصله تو استند در مواضع نیروهای عراقی رخنه کنند.

از آنجاکه غافلگیری رعایت شده بود و سرعت عمل نیز با آن همراه گردید، مواجهه با حرکت یاد شده برای دشمن غیرمنتظره تلقی می‌شد.

کثرت نیروهای دشمن در منطقه عملیاتی چشمگیر بود، به طوری که نیروها با کمبود مهمات مواجه شده، در ادامه کار از مهمات خنیعتی دشمن بر علیه خودشان استفاده می‌کردند. پس از عملیات، از منابع مختلف و اسرائیل کسب اطلاع شد که در منطقه فوق، مجموعاً ۶ تیپ از نیروهای دشمن مستقر بوده، که ۳ تیپ آن نیروهای مستقر در خط بوده‌اند. در همان شب ۳ تیپ دیگر به منظور تعویض خط وارد منطقه شده بودند. در این فاصله نیروهای خودی به دشمن مجال نداده، تنها با استعداد یک تیپ به مصاف ۶ تیپ آنها می‌روند.

تا حوالی صبح اکثر گردنها تو استند خود را به خاکریزهای دشمن برسانند، لیکن به دلیل تجمع بیش از اندازه نیروهای دشمن، الحاق چنانچین در تمامی محورها صورت نگرفت و بدین ترتیب در حوالی ۴ صبح، قبل از روشن شدن هوا نیروها جهت سازماندهی مجدد از ادامه تک و استقرار در مواضع تصرف شده خودداری کردند.

در این تهاجم مجموعاً بیش از ۷۶ تانک و ۱۰۰ دستگاه نفربر و ۱۲ دستگاه خودرو و ۱۵۵ قبضه خپاره و تیربار دشمن منهدم شده، تعداد کثیری از نیروهای عراقی کشته و زخمی شدند.

تعرض عراق به بجليه

بر اساس دریافت و استنباطی که نسبت به ادامه تک دشمن در منطقه عمومی فکه وجود داشت، چنین تدبیر شد که ۲ پیگان از نیروهای سپاه، به عنوان احتیاط و تقویت نیروهای پدافند کننده ارتش، در منطقه حضور داشته باشد.

دشمن یک روز پس از تک اصلی خود در (۱۸/۲/۶۵)، به وسیله تک تیپ زرهی در محور فکه تظاهر به تک نمود و سپس در تاریخ ۲/۶۵ تک اصلی خود را در بجليه آغاز کرد. در مقابل تهاجم دشمن، مقاومت هایی به صورت جسته و گریخته از سوی نیروهای مستقر در خط صورت گرفت، تا اینکه ۲ پیگان احتیاط منطقه جهت سد کردن راه تهاجم دشمن و در هم کوبیدن آن، از دو محور از طریق پل چم هندی و چم سری وارد منطقه شدند.

علیرغم محدودیت زمان و وضعیت خاصی که بر منطقه و نیروها حاکم شده بود، پیگان های مزبور به دشمن زده، در مجموع آنها را بیش از ۲ کیلومتر عقب زدند و ضمن دور زدن دشمن از رودخانه دویرج، موفق به الحاق شده، بدین وسیله از پیشروی آنها ممانعت به عمل آوردند.

از طریق اطلاعات و اسلحه و اطهارات اسرا، معلوم شد که پیش آمدن وضعیت فوق و مقاومت نیروهای خودی و در نتیجه، عقب راندن دشمن نامحتمل تلقی می شده است.

در هر حال، دشمن پس از این واقعه، نیروهای مختلفی را وارد منطقه کرد تا شاید با تقویت آنها اهداف مورد نظر خود را تأمین نماید؛ لیکن با آسیب پذیری آنها، عملاً مجبور به تعویض و انتقالشان به عقب جبهه می شد. چنانکه در این میان پیگان های زیر، به منظور بازسازی از منطقه خارج شدند:

- تیپ های ۵۱، ۵۰، ۶۰، ۸۰۵، ۴۳۷، ۹۵ -

- تیپ ۱ گارد جمهوری و تیپ ۲ خطین و تیپ ۴ ویژه و لشکر ۱۰ و لشکر ۱ و تیپ ۹۱ و ۶۲ پیاده.

- در مجموع ۱۱ تیپ و ۲ لشکر پیاده، مکانیزه، زرهی در طول ۱۰ روز اول عملیات به منطقه آمدند و با نیروهای خودی درگیر شدند.

طبق آنچه که بعدها از اطهارات اسرا و شواهد و قرائن موجود به دست آمده، دشمن قصد داشته است ضمن گرفتن جناح از نیروهای خودی در محور فکه، عملیات اصلی خود را در محور بجليه

شروع کرده، با تصرف پل های چم سری و چم هندی ادامه تک داده، ضمن تصرف سه راهی شهرانی از طریق جاده نهر عنبر سلسله جبال حمرین را دور زده، در نهایت به روادخانه میمه جناح دهد. با این حساب، کلیه ارتفاعات سرکوب منطقه را از قبیل ۲۹۰ و ۴۰۰ و ۱۷۵ - که تماماً بر جاده آسفالت مهران - دهلران دید دارند - تصرف می کرد و تقریباً ۲ لشکر از تیروی زمینی ارتش در محاصره قرار می گرفتند. در نتیجه کل منطقه‌ای که طی عملیات محرم آزاد شد مجدداً در اختیار دشمن قرار می گرفت.

تهاجم به ارتفاعات حاج عمران (۶۵/۲/۲۴)

منطقه حاج عمران، واقع در حاکمیت عراق و شمال پیشان شهر است و از نظر نظامی، دشمن استحکامات قابل توجهی را بر روی آن ایجاد کرده بود. لیکن علیرغم وضعیت یادشده، طی انجام عملیات والفرج ۲، پادگان حاج عمران و ارتفاعات کدو، گرده‌مند و گرده کو به تصرف نیروهای خودی درآمد. نظر به اهمیت منطقه، دشمن در چارچوب تدبیر جدید خود، با ابتکار عمل در به کارگیری عشاری ضد انقلاب، تلاش جدید را برای بازپس‌گیری منطقه سازماندهی نمود. مدتی قبل از تعرض دشمن به حاج عمران، شواهد و فراین گوناگونی دال بر تقویت نیرو نمایان بود؛ چنان‌که ۱۰ روز قبل، ۸۰ فروند هلی کوپتر دشمن در فرودگاه دیانا مستقر شد و ۱۰۰ قبضه توپ، علاوه بر توپ‌های موجود در منطقه، به منطقه وارد شد. همچنین اخبار بدست آمده حاکی از حضور بیش از ۴ تا ۸ هزار جاش (مزدور) در منطقه بود.

بدین قرار قطعی به نظر می‌رسید که عراق پس از منطقه لولان، در منطقه حاج عمران عملیاتی را سامان بخشید. بدین منظور، با ورود چند یگان از سپاه به منطقه، اقدامات پیشگیرانه صورت گرفت. دشمن از نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه مورخ ۶۵/۲/۲۴ پس از اجرای آتش تهیه سنگینی بر روی ارتفاعات شهید صدر، تپه شهدا، ۲۵۱۹، کدو و سرسول، تک خود را شروع کرد. استقامت نیروهای پدافند کننده نیروهای زمینی ارتش و یگان‌های تقویت کننده سپاهی در این منطقه چشمگیر بود، به طوریکه در ساعات اولیه درگیری موفق شدند رخنه دشمن بر ارتفاعات ۲۵۱۹ و شهید صدر را کنترل کرده، به ترمیم آن پردازند.

فلاش حرکت اصلی دشمن در این محور ایجاد رخنه در محور چپ و سلط بر ارتفاعات کدو و سرسول بود و عملیات از طریق شیار «انه» طراحی شده بود. علیرغم اینکه دشمن از های برده منظور انتقال نیرو و پشتیبانی بهره می‌جست، لیکن مقاومت‌هایی

که انجام می‌گرفت مانع از پیشروی آنها و دست یازیدن بر اهداف از قبل تعیین شده بود. در واقع، دشمن نیروهای خود را به دست خود وارد دهليز مرگ کرده بود. وضعیت خاص زمین منطقه و فقدان تدارکاتی بر روی ارتفاعات شهید صدر و ۲۵۱۹، دشمن را بر این داشت که بهره‌گیری بیشتر از هلی‌کوپتر بنماید. به دنبال آن، تا ۷ صبح روز اول عملیات، آمار هلی‌کوپترهای ساقط شده دشمن به ۶ فروند رسید و نا ساعت ۱۵ همان روز به ۸ فروند و در روز پنج شنبه ۶۵/۲/۲۵ مجموعاً به ۹ فروند، افزایش یافت.

دو روز پس از تهاجم دشمن، در تاریخ ۶۵/۲/۲۶، از سوی نیروهای خودش طی یک سازماندهی تعجیلی و هماهنگی برادران ارتش و به دنبال آن، منطقه مزبور از وجود نیروهای عراقی پاکسازی شد.

در تاریخ ۶۵/۲/۲۸ نیز مجدداً از سوی نیروهای خودی تلاش جدیدی بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ به عمل آمد؛ بدین صورت که عملیات از دو محور آغاز شد و با پیش روند و قابل توجه نیرو از سمت چپ و راست توأم بود. چنانچه در محور چپ ۴۰ نفر و از محور راست ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. تلفات وارده بر دشمن نیز قابل توجه بود. علاوه بر این فرمانده تیپ ۴۳۳ پیاده از لشکر ۲۳ عراق بنام سرهنگ عبدالرزاق به هلاکت رسید و این امر نقش به سزاگی در به اسارت درآمدن نیروهای دشمن داشت.

دشمن پس از چند روز مجدداً در تاریخ ۱/۳/۶۵، طی تلاشی، موفق به ایجاد رخته بر روی تپه شهدا شد؛ لیکن نیروهای سپاه و ارتش به طور مشترک بعد از ۹ روز مقاومت و تلاش موفق شدند نیروهای عراقی را پس زده تپه شهدا را به طور کامل پاکسازی نمایند.

در تاریخ ۲/۳/۶۵ از سوی نیروهای خودی مانوری به منظور آزادسازی ارتفاع شهید صدر (۲۴۳۵) طراحی شد و به دنبال آن، در ساعت ۲ بامداد روز جمعه، عملیات آغاز شد. یک ساعت و نیم پس از آغاز تک، تمامی مواضع دشمن سقوط کرد و بدین ترتیب، ارتفاع شهید صدر آزاد گردید. در این عملیات ۸۰۰ تن از قوای دشمن کشته و زخمی شدند و ۳۶ نفر به اسارت درآمدند. که در میان آنها ۸ نفر درجه دار و افسر مشاهده می‌شد.

تهاجم به مهران (۶۵/۲/۲۷)

سپاه دوم عراق در منطقه مهران وارد عمل شد. عراق برای این منطقه سرمایه‌گذاری نسبتاً سنجینی کرد؛ بدین معنا که لشکر ۱۷ با ۳ تیپ زرهی به همراه حدود ۵ تیپ پیاده و از چند محور وارد عمل شدند.

عراق یا بکارگیری ۲۶ کگردان مختلط توانست پس از اجرای آتش تهیه منگین هجوم خود را با تصرف ارتفاعات ۳۰۷، تپه رحمان و پاسگاه آبزیان آغاز کند و سپس موفق به قطع جاده دهلران - مهران شد و بدین وسیله شهر را در کنترل خود گرفت.

پس از اشغال شهر مهران، رادیو عراق طی قراحت اطلاعیه‌ای به توضیح و تشریح علت تغییر سیاست ارتقاء عراق از پدافند به آفند و پدافند از مناطق حساس پرداخته، اظهار می‌دارد: "ایران از عقب نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی و سیاست پدافندی سوءاستفاده کرده است. تصرف فاو توسط ایران به دنیا نشان داد که ایران دنبال کشورگشایی است. اکنون سپاه‌های مختلف عراق عملیات دارند و این در حالی است که تنها سپاه هفتم جلوی ایران را گرفته است!" عراق اقدام به تصرف مهران نمود که ایران فکر نکند ماضیعیت هستیم! ما اعلام می‌کنیم در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم، در صورتی که:

۱ - عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین‌المللی و عدم دخالت در مسایل داخلی یکدیگر صورت می‌گیرد.

۲ - عقب نشینی ایران از فاو در مقابل عقب نشینی عراق از مهران خواهد بود والا شهر مهران را در اشغال خود نگه می‌داریم."

در دشمن در شب ۲۷/۶۵ طی نمایش فیلمی در تلویزیون بغداد، صحنه‌هایی را نشان می‌دهد. که در آن شهر مهران در اشغال سربازان عراقی است و تعدادی از آنها در حالی که پرچم این کشور را در دست دارند، شادی کنان می‌دوند و بر بالای پشت بام رفته، پرچم‌ها را تکان داده، دستها را به علامت پیروزی بلند می‌کنند.

همچنین دشمن، غنایم مختصری را که به دست آورده بود و نیز تعدادی قليل از اسرا را به اشکان مختلف (سوارد، پیاده، ستونی) و بیش از ۲۰ بار به نمایش گذاشت. دشمن مجموعاً در طول این مدت (اتخاذ استراتژی دفاع متحرك)، دهها هزار نفر کشته و زخمی و اسیر داد و نیز چندین فروند هوایپما، ۲۷ فروند هلی کوپتر و ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دست داد.

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که نیروهای خودی، هم در یک عملیات تاکتیکی و هم در رویارویی با استراتژی کلی دشمن مبنی بر پدافند متمرکز، موفق بودند و عملاً دشمن را زمین گیر کردند به گونه‌ای که ادامه تک از سوی دشمن، به لحاظ تلفات وارده و نیز امکان از دست دادن نتوان لازم جهت رویارویی با والنجر ۱۰ و یا هر گونه تحرك در فاو و سایر مناطق عملیاتی، متوقف گردید و مجدد آنیروهای عراقی، ناتوان تر و مأیوس تر از گذشته، در لاک دفاعی خود فرو رفتند.

عملیات کربلای یک

(آزادسازی شهر مهران)

پس از اشغال مهران برخی شواهد نشان دهنده این بود که دشمن از حملات زمینی خود دست برنداشته و همچنان در محورهایی خود را آماده تک می نماید و احتمال داده می شد، در صورتی که نیروهای خودی به دشمن مجال پذهنده، قصر شیرین و سپس سومار تیز مانند مهران به تصرف عراق در خواهد آمد.

در این صورت علاوه بر اینکه برخی نقاط استراتژیک و شهرهای مرزی را از دست می دادیم، در روایه نیروهای خودی اثر سوء می گذاشت و برای کشور نیز تبعات سیاسی نامناسبی داشت. همین ضرورت‌های سیاسی و نظامی برای اجرای عملیات بود که حتی امام خمینی (ره) مکرراً درباره مهران سوال می کردند، به طوری که دوباره مسئولان جنگ فرمودند: "پس مهران چه شد؟"

اهداف عملیات

باز پس گیری شهر مهران و سلسله ارتفاعات قلاویزان و دستیابی به مرز و تأمین کل منطقه.

موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی از جنوب به ارتفاعات قلاویزان، از شمال به ارتفاعات نمه کلان کوچک، از غرب به

امتداد غربی ارتفاعات قلاویزان و پاسگاه مرزی بهرام آباد و از شرق به جاده مهران - دهلران محدود
می‌شد.

پس از اشغال مهران، دشمن استحکامات و موانع متعددی در این منطقه ایجاد کرد. در محور شمالی (جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی) موانع دشمن، دارای هفت ردیف مین همراه با کانال و بیش از پنج ردیف سیم خاردار رشته‌ای بود. در محور میانی، حدفاصل رودخانه گاوی و جاده دهلران - مهران، به دلیل کوهستانی بودن منطقه، استحکامات نسبتاً ضعیف بود. دشمن در محور جنوبی (ارتفاعات قلاویزان) نیز ستگرهای کمین و در بعضی شیارها یک ردیف سیم خاردار و مین ایجاد کرد.

اقدامات عملی برای اجرای عملیات

شناسایی

عناصر اطلاعات عملیات قرارگاه نجف با هماهنگی واحد اطلاعات یگان‌های عمل کشته، کار شناسایی را در سرتاسر خطوط دشمن آغاز نمودند. اطلاعات به دست آمده نشان می‌داد که در مجموع خطوط دشمن در ۳ محور: محور شمالی (جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی)، محور وسط (حدفاصل رودخانه گاوی و جاده دهلران - مهران) و در محور جنوبی (مجموعه ارتفاعات قلاویزان) از سه نوع مختلف استحکامات و موانع برخوردار است. در محور شمالی به دلیل استحکامات قوی و موانع متعدد، ادامه شناسایی متوقف گردید. دو محور واحدهای شناسایی، اطلاعات نسبتاً خوبی از خطوط دشمن به دست آوردن و شناسایی از اوضاع عمق نیروهای دشمن را نیز عناصر دیده پانی انجام دادند.

حفظ، فریب و مخالفتگیری

پس از تصرف مهران به دست دشمن، سپاه دوم نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موسوم به قرارگاه نجف اشرف وارد منطقه شد و اقدامات عملی به منظور متوقف کردن قوای دشمن و برنامه ریزی برای آزادسازی مهران را شروع کرد.

پس از متوقف کردن پیشروی عراقی‌ها در ۳ تا ۵ کیلومتری جاده کمرنگی مهران، نیروی زمینی سپاه برای پر کردن فاصله خط خود با دشمن و آماده کردن زمینه اجرای اجرای عملیات، به قرارگاه نجف اشرف و یگان‌های تابعه ابلاغ کرد تا خاکریز خط مقدم خود را به طرف دشمن نزدیک کنند. در مورخ ۱۵/۳/۱۳۶۵ با پیگیری‌های آقای رحیم صفوی جاشین فرمانده نیروی زمینی سپاه

اولین اقدام مؤثر برای احداث خاکریز نیروهای خودی بدون هیچ گونه درگیری با نیروهای عراق، به وسیله لشکرهای ۲۵، ۲۷ و ۴۱ میاه انجام شد. احداث خاکریز مزبور به طور پراکنده و نامنظم در شب‌های متوالی ادامه یافت، به طوری که بعضی از خاکریزها تا پشت سرگر کمین دشمن رسیده بود.^۱ طرح احداث خاکریز که تا شب‌های قبل از عملیات به طول انجامید، یکی از عوامل فریب دشمن بود. عامل دیگری که باعث فریب دشمن شد، مسئله عکس العمل نیروهای خودی در برابر تحرکات و جا به جایی‌های دشمن در محورهای مختلف بود، به طوری که در زمان احتمال آمادگی دشمن برای اجرای تک نیروهای خودی به منظور تقویت آن مناطق و فریب دشمن، ترددها و مکالمات کاذبی انجام دادند. از جمله مطالقه‌ی که در این باره با تأکید بسیار کار شده، محورهای قاو، سومار و قصرشیرین بود.

پس از آماده شدن زمینه اجرای عملیات در مهران، به نیروهای خودی در محورهای یاد شده تأکید گردید که با چراغ روشین به طرف خطوط مقدم ستون کشی کنند و مکالمات بی سیمی را افزایش دهند. این طرح فریب نتیجه مناسبی داد که از جمله دلایل آن بمباران پادگان ابوذر در سر پل ذهاب و شادگان بود.

البته تا قبل از عملیات به دلیل وضعیت خاص زمین و دشمن، تصورات گوناگونی درباره امکان رعایت حفاظت در این منطقه وجود داشت که دلیل اصلی آن تسلط دشمن بر ارتفاعات سرکوب منطقه و در دید قرار داشتن عقبه‌های خودی بود. از سوی دیگر به طور محسوسی اخبار مربوط به عملیات در مهران پراکنده شده بود و به دلیل ضعف حفاظت، احتمال فاش شدن تک خودی زیاد بود. اما این وضعیت به دلیل وجود زمینه‌های غافلگیری و انجام طرح‌های فریب و مسدود بودن برخی کانال‌های اطلاعاتی، ضایعه‌ای برای عملیات ایجاد نکرد.

طراحی عملیات

مباحث و سیر طرح مانور

شاید بتوان گفت مانور عملیات کربلای یک با توجه به محدودیت زمان در طراحی و تضمیم گیری و وضعیت خاص منطقه در طول جنگ، از بهترین و موفق‌ترین مانورها بوده است.

^۱- در یک مورد نیز لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) به قدری خاکریز را به دشمن برده که با روشن شدن هوا نیروهای خودی ۱۱ تن از نیروهای سرگر کمین دشمن را در یک درگیری کوتاه به اسارت درآوردند.

پس از ساعت‌ها بحث و گفت و گو درباره طرح مانور و راه کارهای حمله به مواضع دشمن، سرانجام دو محور برای عملیات در نظر گرفته شد: ۱ - جاده ایلام - مهران و باعث کشاورزی ۲ - جاده دهلران - مهران و ارتفاعات قلاویزان به طرف شهر و غرب قلاویزان.

اجرای این طرح عملیات به بیش از ۳۰ گردان نیروی زمینی نیاز داشت، اما این توان آماده نبود. از سوی دیگر به تعویق انداختن عملیات، ضایعات دیگری در پی داشت، لذا طرح مانور بر اساس ۳۰ گردان مورد توجه فرماندهان سپاه قرار گرفت. مدتی بعد در سخنیار فرماندهان نظامی سپاه در کرمانشاه، مانور عملیات باز دیگر بررسی شد و فرمانده سپاه درباره تعجیل در اجرای عملیات گفت: امام تأکید داردند قضیه مهران به سرعت حل شود.

در نهایت مقرر شد به دلیل کمبود نیرو و وجود استحکامات دشمن، محور باعث کشاورزی حذف و از محور قلاویزان و یال‌های آن تارودخانه گاوی تلاش قوی تری انجام شود. سه مرحله برای تحقق اهداف عملیات در نظر گرفته شد: مرحله اول، تأمین ارتفاعات قلاویزان تا روستای امام زاده سید حسن به عنوان مهم‌ترین فلاش حمله که مورد تأکید فرماندهی کل بود. مرحله دوم، تأمین انتهای جبل حمرین تا شیار میگ سوخته و در امتداد آن تأمین روستای بهین بهروزان و هرمز آباد، مرحله سوم تصرف خاکریز والفجر ۳ که از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلاویزان امتداد داشت.

سازمان رزم

نیروی زمینی سپاه به عنوان فرماندهی عملیات در منطقه حضور داشت و قرارگاه نجف باشش لشکر، سه تیپ و یک گردان مستقل زرهی، مأمور به آزادسازی شهر مهران بود.

یگان‌های قرارگاه نجف عبارت بودند از:

لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) ۷ گردان پیاده ۱ گردان زرهی و ۱ گردان ادوات

لشکر ۱۷ علی بن ایطالب (ع) ۳ گردان پیاده، ۱ گردان زرهی و ۱ گردان ادوات

لشکر ۴۱ ثارالله (ع) ۶ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

لشکر ۲۵ کربلا ۴ گردان پیاده ۱ گردان زرهی و ۱ گردان ادوات

لشکر ۱۰ سید الشهدا (ع) ۳ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

لشکر ۵ نصر ۳ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

تیپ ۲۱ امام رضا (ع) ۴ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

تیپ ۱۵ امام حسن (ع) ۲ گردن پیاده و ۱ گردن ادوات
 تیپ ۶۶۲ بیت المقدس ۲ گردن پیاده و ۱ گردن ادوات
 تیپ ۶۶۲ بیت المقدس ۲ گردن پیاده و ۱ گردن ادوات
 گردن مستقل ۳۸ زرهی ذوالفقار
 در مجموع سپاه با ۳۴ گردن پیاده، ۹ گروهان ادوات و ۴ گردن زرهی، عملیات کربلای یک را
 آغاز کرد.

پشتیبانی آتش این عملیات را گروه ۱۲ توپخانه خاتم و گردن ادوات قرارگاه نجف از نیروی زمینی سپاه و ۳ گردن توپخانه از نیروی زمینی ارتش به عهده داشتند. تیپ ۴۵ مهندسی جوادالائمه (ع) و لشکر مهندسی ۴۳ امام علی (ع) و جهاد ستاد نجف (که واحدهای مهندسی جهاد تهران، فارس و.... را تحت امر داشت) نیز تلاش‌های مهندسی را عهدهدار بودند. همچنین نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با تعهد روزی ۱۰ سورتی پرواز به منظور بمباران مواضع دشمن و هوایروز ارتش با ۲ تیم آتش و تخلیه معرفت، پشتیبانی هوایی عملیات را به عهده داشتند. علاوه بر این، تیپ ۴ لشکر ۲۱ حمزه که در خط پدافندی باغ کشاورزی مستقر بود، موظف به اجرای آتش مستقیم و تظاهر به تک شد.

وضعیت دشمن

عراق پس از تصرف مهران، یگان‌های بیشتری در منطقه مستقر کرد. شهر مهران و اطراف آن تحت مسئولیت لشکر ۱۷ زرهی از سپاه دوم عراق بود که با تیپ‌های ۴۴۳، ۴۲۵، ۷۰۵ پیاده از آن دفاع می‌کرد. علاوه بر این، تیپ‌های ۷۰ زرهی، ۵۹ مختلف و ۱۵ پیاده در احتیاط نزدیک و تیپ ۱ کماندویی کمی عقب‌تر در احتیاط قرار داشتند. در مجموع، دشمن تا قبل از عملیات کربلای یک دارای ۴۲ گردن پیاده و ۶ گردن زرهی در این منطقه بود.

شرح عملیات

۲ ساعت قبل از شروع عملیات ۲ گردن از لشکر علی بن ابی طالب (ع) برای دور زدن ارتفاعات قلاویزان حرکت کردند. هم زمان با حرکت این نیروها، طوفان نسبتاً شدیدی همراه با گرد و غبار، سطح منطقه عملیات و عقبه‌های خود را پوشاند و دقیقاً این وضعیت در زمانی بود که یگان‌های خودی مشغول انتقال نیرو و امکانات به منطقه بودند.

از غروب روز دوشنبه ۱۳۶۵/۴/۹ نیروها از خط خودی به طرف دشمن حرکت کردند، حدود یک ساعت مانده به زمان شروع عملیات، نیروهای دشمن که به دلیل تردد روزانه رزمندگان حاس شده بودند، به طور گسترده‌ای اقدام به پرتاب گلوه‌های منور و شلیک سراسری تیربار نمودند. در این وضعیت نیروهای خودی که در حال نزدیک شدن به دشمن و بعضًا در حال باز کردن معابر بودند، تصور کردند عملیات لو رفته و دشمن هوشیار شده است. قرارگاه نجف را سکوت فراگرفت اما ساعتی بعد (قبل از شروع عملیات) مشخص گردید که آتش دشمن تنها به دلیل احساسی کاذب بوده است؛ نه اطلاع از عملیات رزمندگان. سرانجام حدود ساعت ۲۰/۴/۹ دوشنبه ۱۳۶۵ عملیات با رمز "یا ابوالفضل العباس ادرکنی" آغاز شد.

با اعلام رمز عملیات، رزمندگان به قوای دشمن حمله کردند و در بیشتر محورها خطوط دشمن را شکستند و به داخل موضع آنها نفوذ کردند، اما در محور لشکر ۲۵ کربلا در ارتفاعات قلاویزان به دلیل وجود جاده‌ای در ارتفاعات و استحکامات و موانع بسیار که موجب تسلط دشمن بر این جاده شده بود، پیشروی باکنده رو به رو شد، طوری که فرمانده گردان خط شکن لشکر ۲۵ کربلا اعلام کرد امکان پیشروی در این محور وجود ندارد، اما پس از یک ساعت درگیری و حرکت خودروها، دستگاه‌های مهندسی و ادوات تزهی به صورت ستونی با چراغ روشن به طرف خط، نیروهای دشمن متزلزل شدند و بدون مقاومت قابل توجه، عقب نشینی کردند که در پی آن نیروهای پیاده به پیشروی ادامه دادند.

از سوی دیگر، هم زمان با شروع عملیات، تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه ارتش با نیروهایی از تیپ ۱۱۴ امیرالمؤمنین (ع) زرهی لشکر ۲۱ حمزه ارتش با نیروهایی از تیپ ۱۱۴ امیرالمؤمنین (ع) سپاه در محور باغ کشاورزی تظاهر به تک کردند و با اجرای آتش توپخانه و تیر مستقیم، دشمن را به خود مشغول نمودند.

در محور لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع) نیز نیروها در حالی به بالای ارتفاعات رسیدند و به دشمن مسلط شدند که دشمن متوجه حرکت آنها نشده بود و این یگان هم زمان با سایر محورها درگیری را آغاز کرد. حمله رزمندگان لشکر ۱۷ به قدری برای نیروهای عراقی غافلگیر کننده بود که بسیاری از آنها برای فرار از محاصره، خود را به پایین ارتفاعات می‌انداختند و بعضًا به طرف خط خودی فرار نمودند.

در مجموع با توجه به وضعیت دشمن هنگام شکسته شدن خط و نفوذ سریع نیروهای خودی در موضع آنها، به نظر می‌رسید دشمن غافلگیر شده بود.

تلاش نیروهای لشکر ۲۵ کربلا با توجه به مانور احاطه‌ای که روی جاده واقع بر ارتفاعات انجام دادند، تلفات بسیار سنگینی بر دشمن وارد کرد و آنها تا صبح تو استند به اهداف مورد نظر دست یابند و یک قرارگاه فرماندهی تیپ دشمن را تصرف نمایند.

لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) پس از دور زدن ارتفاعات قلاویزان، با توجه به موفقیت لشکر ۲۵ کربلا، یک گردان نیروی دیگر را وارد عمل کرد، این یگان تا صبح محدوده مأموریت خود را تصرف و پاکسازی کرد و تعداد بسیاری از افراد دشمن را اسیر نمود. لشکر ۴۱ ثارالله دشمن تأمین اهداف از پیش تعیین شده خود به طرف ارتفاعات حمرین حرکت کرد و در کنار لشکر ۲۵ کربلا قرار گرفت. لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) دشمن وارد کردن ۴ گردان تیرو، پس از شکستن خط، روزتای امام زاده سید حسن را پاکسازی کرد و تپه مهم ۱۷۷ را تصرف نمود. لشکر ۱۰ سید الشهداء (ع) هم زمان با سایر یگان‌ها پس از شکستن خط و پاکسازی آن، در کنار لشکر ۲۷ مستقر گردید.

در مجموع یگان‌های عمل کننده تا قبل از روشنایی صبح، اهداف مرحله اول عملیات را کاملاً تصرف کردند و با روشن شدن هوا تا یک سوم از محدوده مرحله دوم عملیات را نیز تأمین نمودند. هر چند ارتش عراق در روز اول عملیات با وارد کردن یگان‌های احتیاط با قوای خودی درگیر شد، لیکن در این روز هیچ حرکت اساسی و حساب شده‌ای اعم از پاتک و یا استفاده از نیروی هوایی و توپخانه مشاهده نشد و این وضعیت برای عموم فرماندهان عملیات غیرمنتظره بود. مسئول واحد شنود قرارگاه نجف به فرمانده کل سپاه، در این باره گفت:

”به کار نگرفتن نیروی هوایی در ۲۴ ساعت گذشته و وارد نکردن نیروهای احتیاط در عین حال که لشکر ۶ و لشکر گارد به طور طبیعی قرار بوده وارد منطقه شوند، مشکوک به نظر می‌رسد. شاید دشمن در مناطق دیگر قصد تک به مواضع نیروهای خودی را دارد. به هر حال ما با تأکیدات شما به نیروهایمان در قاو اعلام آماده باش داده‌ایم و گفته‌ایم وضعیت دشمن را بررسی نمایند.“

از سوی دیگر، بنا به درخواست قرارگاه از نیروی هوایی ارتش، یک هوایی‌مای جنگنده خودی مواضع دشمن را بمباران کرد، لیکن هنگام برگشت هدف یک موشک دشمن قرار گرفت و در جنوب منطقه عملیاتی مهران، در حاک عراق سقوط کرد. همچنین یک هلی کوپتر کبری که در حال اجرای مأموریت در این منطقه عملیاتی بود، بر اثر اصابت گلوله سقوط کرد که خلبانان آن مجرروح شدند و به عقب مستقل گردیدند.

در ادامه عملیات مقر تیپ‌های ۴۴۳ و ۷۰۵ پیاده - که فرمانده یکی از این دو تیپ در کنار

خودروی خود کشته شده بود - تصرف شد. این وضعیت حاکمی از این بود که قبل از اینکه رزمندگان با نیروهای عمله این دو تیپ در گیر شوند، قرارگاه فرماندهی تیپ‌ها را منهدم کردند، لذا عمله قوای این دو تیپ با یک حالت گیجی ضمن جنگ و گریز عقب نشینی کردند.

در مجموع در شب اول عملیات ۸۰ درصد از ۱۰ گردان نیروهای پیاده دشمن که در محدوده منطقه مرحله اول عملیات حضور داشتند، منهدم شدند.

البته با شروع عملیات، تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم عراق از پدره حرکت کرد و در ساعت ۵ صبح به منطقه وارد و در ساعت ۶ صبح با نیروهای خودی در گیر شد که در تیجه هر ۳ گردان منهدم گردید. علاوه بر این، صبح هنگام، نیروهای احتیاط دشمن در محور امام زاده سید حسن دست به پاتک زدند که با مقابله لشکر ۲۷ مواجه شدند و با ورود هلی کوپترهای هوایی وز به صحنه نبرد و انهدام چندین دستگاه تانک عراقی، این پاتک خشی گردید.

یگان‌ها با هماهنگی یکدیگر، عملیات را در تمام محورها با قدرت و سرعت و بدون وقفه در طول روز اول ادامه دادند. قرارگاه فرماندهی عملیات تقریباً در موضع انفعال قرار گرفته بود، چراکه دشمن از هم گسیخته شده و یگان‌ها از موقعیت استفاده کرده، بدون توقف به پیشروی ادامه دادند و سپس به قرارگاه پیشنهاد نمودند که عملیات در روز ادامه پیدا کند. از این به بعد یگان‌ها ابتدا پیشروی می‌نمودند و هدف را تصرف می‌کردند و سپس قرارگاه را در جریان وضعیت قرار می‌دادند. به طور مثال پس از اینکه نیروها تا شیار «میگ سوخته» پیشروی کردند، خبر آن را به قرارگاه دادند.^۱ به این ترتیب بود که اهداف مرحله دوم عملیات تا پایان روز اول تأمین گردید.

در شب دوم، اجرای مرحله سوم عملیات آغاز شد. در این شب لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع) به استراحت پرداخت و تیپ ۲۱ امام رضا (ع) با ۳ گردان نیرو در محور لشکر ۱۰ عملیات را شروع کرد و پس از پاکسازی هرمآباد تا ۵۰۰ متری شهر مهران پیشروی کرد. لشکر ۴۱ ثارالله نیز همراه با لشکر ۲۵ کربلا از شیار میگ سوخته (بعد از جبل حمرین در امتداد مرز) عبور کردند و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) روستای بهین بهر و زان را پاکسازی نمود.

در نهایت کلیه یگان‌های عمل کننده ضمن پیشروی در باقی مانده محدوده مرحله دوم عملیات، تا

۱ - به علت سرعت عمل نیروهای پیشرفت عملیات علاوه از دست فرماندهان رده بالا خارج شده بود و با وجود اینکه هدایت عملیات به عهده قرارگاه بود، بعضی اوقات فرماندهان قرارگاه تنها نظاره گر پیشرفت عملیات بودند. فرمانده قرارگاه تجف در این ناره گفت: "عملیات از دست ما خارج شده است و همه چیز دست خداست" محسن زبانی نیز گفت "بله امام فرمودند، فرمانده کل فرا خداست، الان و افعاً همین طرز است."

قبل از روشنایی صبح خط سراسری از هرمزآباد تا شیار میگ سوخته و مقداری از محدوده مرحله سوم عملیات را تأمین کردند.

در شب دوم خبرهای مختلفی از عقب نشینی دشمن در محورهای باغ کشاورزی و تپه‌های غلامی و پاسگاه دراجی می‌رسید که قرارگاه باباوری با این خبر برخورد می‌کرد. صبح روز عملیات مشخص شد که اکثر نیروهای دشمن در محورهای فوق عقب نشینی کرده‌اند و سرعت عقب نشینی چنان بوده که بسیاری از وسایل زرهی آنها از روی جاده آسفالت به پایین افتاده و واژگون شده است.

آزادسازی شهر مهران (۱۳۶۵/۴/۱۱)

باروشن شدن هوا در روز دوم نیروها با روحیه‌ای تهاجمی ضمن تقویت خود به سمت دشمن حرکت کردند. در محور باغ کشاورزی، دشمن سازمان رزم خود را از دست داده و در حال عقب نشینی بود. در این محور نیروهای اطلاعات قرارگاه نجف به سرعت به بازکردن معابر میان مشغول شدند. سپس با کمک تعدادی از نیروهای ارتش با سوار شدن بر نفربر، بدون درگیری مهمی وارد باغ کشاورزی شدند و از نیروهای پراکنده دشمن حدود ۱۰۰ اسیر گرفتند.

لشکر ۱۰ سیدالشهدا^(ع) نیز از طریق روستای هرمزآباد از پشت به طرف باغ کشاورزی حرکت کرده و ضمن جنگ و گریز با نیروهای در حال فرار دشمن، بسیاری از آنها را به اسارت درآورد. علاوه بر این، تیپ ۲۱ امام رضا^(ع) که در شب گذشته تا پشت دیوارهای شهر مهران پیشروی کرده بود، باروشن شدن هوا از ۲ محور شهر را دور زد و به طرف روستای فرخ آباد و روستای رستم آباد رفت و ضمن پاکسازی و تصرف آنها در غرب مهران الحاق نمود. سپس اقدام به احداث خاکریز کرد و شهر مهران بدون هیچ گونه درگیری به محاصره نیروهای خودی درآمد.

نیروهای تیپ امام رضا^(ع) نزدیک ظهر از چند محور وارد شهر شدند و دشمن که قبل^۱ عده قوای خود را از شهر تخلیه کرده بود^۱ با ورود نیروهای خودی ضمن جنگ مختصری تسليم شد و شهر مهران تا غروب همین روز کاملاً پاکسازی گردید. همچنین نیروهای عراقی از محورهای باغ کشاورزی و تپه‌های غلامی و پاسگاه دراجی کاملاً عقب نشینی کردند و این مناطق هم زمان با مهران به

۱ - دشمن در تخلیه شهر هیچ گونه امکانات و نجابتی خی سلاح سکنه بر جای نگذاشته بود. در سنگرهای که به نظر می‌رسید مقر فرماندهی دشمن بوده ۳ جلسه عراقی به صورت دست سنه مشاهده گردید. به نظر می‌رسد این ۳ نی در جریان عملیات نیروهای خودی تخلف کرده‌اند و سپس به دست فرماندهانشان تیرباران شده برند.

تصرف نیروهای خودی درآمد.

در محور لشکر ۴۱ ثارالله نیروهای خودی هنگام پیشروی به سمت ارتفاعات قلاویزان عراق، نیروهای دشمن را در چند نقطه دور زده و محاصره کردند.^۱ از سوی دیگر مرکز شنود اعلام کرد نیروهای فراری عراقی گفته‌اند که نیروهای ایرانی قصد دارت به طرف شهر بدرو و زرباطیه پیشروی کنند. متعاقب آن دو گردان مهندسی دشمن، مأمور احداث خاکریز برای دفاع از شهر زرباطیه شدند و یک تیپ نیز مأموریت دفاع از این شهر را به عهده گرفت.

ظهر روز دوم، در قرارگاه ادامه عملیات طرح ریزی شد که بر مبنای این طرح نیروهای خودی در شب سوم باید برای تأمین ارتفاعات قلاویزان عراق (قله ۲۱۵ و بالهای آن) آماده عملیات می‌شدند. اما لشکر ۵ نصر که به طرف ارتفاعات ۲۱۵ و لشکر ۴۱ ثارالله که به طرف یانهای ان پیش می‌رفتند، به دلیل روحیه بالای نیروهای خودی و از هم گسیختگی دشمن، همچنان به پیشروی ادامه داده و طرح مذکور را از بعد از ظهر همین روز آغاز کردند.

به طور خلاصه می‌توان گفت دشمن در روز دوم به دلیل ضربه مؤثری که در آغاز عملیات متholm شد، همچنان دچار وضعیتی ناسامان بود و حتی نیروهای احتیاطی که وارد منطقه می‌کرد قادر نبودند محور اصلی عملیات را تشخیص دهند و پاتک مؤثری علیه نیروهای خودی اجرا نمایند.

استیصال در جبهه دشمن به گونه‌ای بود که نیروی هوایی عراق تنها به بمباران‌های پراکنده و محدود اکتفا می‌کرد و توپخانه و زرهی آن نیز به جز تحرکات ضعیفی قادر به فعالیت دیگری نبود. همچنین در روز دوم عملیات تیپ ۶۶ نیروی مخصوص وارد منطقه شد و در مقابل مهران مستقر گردید. این تیپ که احتمالاً برای تأمین مهران یا قلاویزان در تردید به سر می‌برد، تأمین ارتفاعات قلاویزان را به شهر مهران ترجیح داد و برای جلوگیری از پیشروی نیروهای خود به سمت قلاویزان رفت.

غافلگیری و فریب در عملیات و سرعت پیشروی نیروهای خودی به حدی موفق و مؤثر بود که

۱- در این اوضاع فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله برای بررسی آخرین وضعیت نیروهای خود و هدایت آنها به سمت هدف، به منطقه رفته بود. وی را در یکی از مناطق محاصره می‌شود و قلی از اینکه هنرجه موقوع شود با عذرای حدود ۶۰ نفر که در نقطه‌ای تجمع کرده بودند مراجعت می‌گردد و با تصور اینکه اینها سیجی هستند به طرف آنها می‌رود. در فاصله ۱۰ متری متوجه هیکل‌های بلند روی ایام سبز آنها می‌شود. نیروهای عراقی هم که هنرجه آفای قاسم سلیمانی شده بودند فریاد می‌زنند: «قف قف». وی از مقابل آنها فرار می‌کند که آنها به طرف وی تیراندازی می‌کنند. سرانجام فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله بدون هیچ برحوری از آن محل دور می‌شود و بعد نیروهای را با یک دستگاه نفربر به آن منطقه می‌فرستند که آنها کابله افراد دشمن را به اسارت در می آورند.

عکس جبهه

دشمن پس از عقب نشینی از خط مقدم خود در شب اول عملیات، در روز دوم عملیات همچنان در گیجی به سر می برد و به صورت جنگ و گریز در حال عقب نشینی بود و از فرماندهان رده بالای دشمن و یگان های مؤثر و قوی برای مقابله با نیرو های خودی اثری دیده نمی شد.

در شب و روز سوم عملیات مطابق طرح قرار بود روستای فیروزآباد و ارتفاعات قلاویزان عراق و ارتفاعات ۲۲۳ آن به صورت یک خط ممتد تأمین گردد، اما نیرو های خودی در ادامه عملیات روز دوم در محور قلاویزان به طرف اهداف فوق پیشروی کردند. لشکرهای ۲۵ کربلا و ۵ نصر با هماهنگی یکدیگر به طور تلفیقی عمل نموده و به طرف ارتفاعات ۲۲۳ پیشروی کردند و لشکر ثارالله نیز در یال های آن به پیشروی پرداخت. این یگان ها تا قبل از صبح روز سوم به نزدیکی ارتفاعات مزبور رسیدند. همچنین لشکر حضرت رسول (ص) در قسمت یال ارتفاعات قلاویزان به سمت غرب و تیپ امام حسن (ع) نیز با وارد کردن ۲ گردان نیرو از خسروآباد به سمت فیروزآباد عملیات را ادامه دادند که تیپ امام حسن (ع) قبل از تصرف روستای مذکور متوقف گردید.

خبرهای مختلفی از طریق لشکر ۵ نصر به قرارگاه می رسید مبنی بر اینکه ارتفاعات ۲۲۳ تصرف شده است ولی هیچ کدام به طور قاطع تأیید نگردید و بعد معلوم شد در ۸۰۰ متری آن یعنی قله ۲۱۰ مستقر شده اند.

در طول روز سوم به رغم درگیری رزمندگان با قوای دشمن، محورهای پاسگاه دراجی و باغ کشاورزی و تپه‌های غلامی کاملاً پاکسازی نشد و دشمن کم و بیش به طور پراکنده در این محورها حضور داشت.

در ادامه عملیات تیپ بیت المقدس به استعداد ۲ گردان وارد منطقه شد و تحت امر تیپ ۲۱ امام رضا(ع) در خط پدافندی فرخ آباد مستقر گردید. لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) از محورهای قلعه کهنه و فرخ آباد به طرف تپه‌های غلامی و باغ کشاورزی و پاسگاه دراجی حرکت کرد و دشمن پاکسازی کامل منطقه، عده بسیاری از نیروهای دشمن را به اسارت درآورد و سپس نیروهای ارتش در پاسگاه دراجی مستقر شدند.

ساعت ۶ صبح روز سوم تیپ‌های ۴ و ۵ گارد ریاست جمهوری عراق به ارتفاعات ۲۱ پاتک نمودند و پس از یک درگیری سخت آن را تصرف کردند. به همین علت لشکرهای ۲۵ کربلا و ۵ نصر حدود ۲۰۰ متر عقب آمدند. این محور استحکاماتی قوی داشت و نیروهای خودی برای نفوذ در آن تلاش می‌کردند.

در شب چهارم عملیات نیروهای خودی ضمیم تصرف موضع دشمن در فیروزآباد وارد این روستا شدند و در حالی که دشمن از این منطقه عقب نشینی کرده بود، اقدام به احداث یک خاکریز از فیروزآباد به سمت خاکریز قدیمی در فرخ آباد نمودند و سپس خاکریز را از فیروزآباد در مقابل استقرار لشکر حضرت رسول (ص) ادامه دادند و به یال‌های ارتفاعات قلاویزان رسانندند.

در این شب، درگیری در اطراف ارتفاعات ۲۲۳ ادامه یافت و نیروهای دشمن که هنوز این ارتفاعات را در تصرف داشتند، فشار زیادی را در نقاط مختلف وارد کردند. البته دشمن همچنان در گنجی به سر برده و هر چند تحرکات هوایی عراق شروع شده بود، ولی ضعیف و در حد شناسایی بود. آتش توپخانه‌اش نیز چشمگیر نبود. نیروهای تازه نفس دشمن هم تنها توانستند قسمت‌هایی از ارتفاعات قلاویزان را حفظ کنند.

پاتک شدید دشمن حدود ساعت ۷ صبح ۱۳۶۵/۴/۱۳ (روز چهارم عملیات) آغاز شد. تیپ‌های ۹۵، ۷۱، ۷۲ و تیپ‌های ۴ و ۵ گارد ریاست جمهوری ارتش عراق پاتک شدیدی را روی ارتفاعات قلاویزان برای تصرف قله ۲۰۰ شروع کردند. با مقاومت سخت رزمندگان و حملات پی در پی آنان، این پاتک شکست خورد و قوای دشمن متحمل تلفات سنگینی شدند. در جریان این درگیری‌ها فرمانده تیپ ۴ گارد کشته شد که عراقی‌ها جسد او را به عقب منتقل کردند. در ادامه عملیات، لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) قسمت‌هایی از یال قله ۲۱۰ را تصرف کرد. مرکز

عکس جبهه

شند نیز گزارش داد که در حمله هواپیماهای خودی به موضع دشمن، ۲۰ خودرو منهدم و ۴۰ تن کشته و زخمی شدند.

در روز پنجم عملیات (۱۴/۴/۱۳۶۵) لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) به سمت قله ۲۱۰ تک نمود و این قله را مجدداً به طور کامل تصرف و بیش از ۱۰ اسیر گرفت.

پنجمین مرحله عملیات کربلای ۱ در سحرگاه ۱۵/۴/۱۳۶۵ با حمله هماهنگ لشکرهای ۱۰ و ۲۷ شروع شد. در این حمله لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) مأموریت تصرف قله ۲۲۳ را داشت و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) مأمور تصرف یالهای آن بود. تلاش لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در تزلزل دشمن مؤثر بود، طوری که لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) با سرعت به طرف قله ۲۲۳ رفت و با تاکتیک‌های احاطه‌ای اهداف خود را تأمین و ضمن آن قرارگاه تاکتیکی لشکر ۱۷ زرهی عراق را تصرف کرد.

سرانجام در مورخ ۱۸/۴/۱۳۶۵ لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) یاقی مانده یالهای ۲۲۳ در غرب این قله را تصرف کرد. در جریان این عملیات قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ دشمن منهدم و تعدادی عناصر آن از جمله فرمانده تیپ به اسارت درآمد. عملیات مزبور در واقع آخرین پیشوای نیروهای خودی در عملیات کربلای ۱ بود و از این پس نیروها به ثبیت و تحکیم

مواقع تصرف شده و تقویت خطوط پدافندی موجود پرداختند و این عملیات با پیروزی کامل و با دستیابی به اهداف آن به میزان بیش از ۱۰۰ درصد به پایان رسید.

در نهایت نیروهای خودی با تسلط کامل بر قله ۲۲۳ و بالهای آن تا ۱/۵ کیلومتر از قله مذبور به سمت غرب گسترش یافتند. در شمال این قله ادامه آخرین خط خودی به این شرح بود: امتداد خط از تپه ۱۷۰ به سمت شمال تا مقابل روستای فیروزآباد و از آنجا به طرف یک کیلومتری غرب فرخ آباد و سپس به سمت پاسگاه دراجی دشمن و در نهایت به ارتفاعات نمکلان بو ختم می‌شود.

نتایج عملیات کربلای یک

ده روز جنگ و مقاومت در منطقه مهران به آزاد سازی ۱۷۵ کیلومتر مربع از خاک ایران و عراق، از جمله جاده دهلران - ایلام، شهر مهران و بیش از ۸ روستای اطراف آن، ارتفاعات حساس و سرکوب قلاویزان و حمرین خصوصاً بلندترین قله منطقه (قله ۲۲۳) و ۲ پاسگاه مرزی منجر گردید. همچنین عقبه‌های دشمن از جمله شهرهای بدراه و زرباطیه در دید و تیر نیروهای اسلام قرار گرفت. در این عملیات ۷۰۰ تن از تیروهای خودی شهید و ۴۵۰۰ تن مجروح شدند.

عملیات در اسکله‌های البکر و العمیه

تصرف و یا انهدام دو اسکله‌ای البکر و العمیه عراق همواره از اهداف مورد نظر مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این دو اسکله که در شمالی ترین قسمت آب‌های خلیج فارس و در ضلع غربی شبه جزیره فاو واقع شده‌اند، قبل از شروع جنگ از عمدۀ ترین محل‌های صدّور نفت عراق بود به طوری که یک سوم نفت عراق از این دو اسکله صادر می‌شد. همچنین این دو اسکله به دلیل قرار داشتن بر سر راه ام‌القصر، بندر بصره و جزیره بویان حساسیت جغرافیایی خاصی داشته است.

عراق همواره در تبلیغات خود با استفاده از این اسکله‌ها تلاش می‌کرده است تا تسلط خود را بر شمال خلیج فارس - مخصوصاً بعد از تصرف فاو - اثبات نماید. علاوه بر ویژگی‌های مذکور، جنبه‌های تاکتیکی این اسکله‌ها تیز بسیار حائز اهمیت بوده، زیرا دشمن می‌کوشیده است که با بهره‌مندی از دو پایگاه دریایی در شمال آب‌های خلیج فارس برای خود برتری دریایی کسب کند، چون نبودن عارضه طبیعی و مصنوعی در کل منطقه موجب دید مفید، برای تجهیزات راداری و اجرای تیز مؤثر برای نیروهای او می‌شده است.

از سوی دیگر، تصرف اسکله‌ها به دست نیروهای خودی، «ام‌القصر» را نامن می‌کرد. گفتنی است که دشمن در این منطقه از امتیاز آزادی عمل در استفاده از پشتیبانی هوایی سکوها و نیز تردد شناورها برخوردار بود زیرا از تمامی فضای آب‌های جنوبی منطقه جزایر وریه و بویان استفاده می‌کرد. بدین ترتیب هوایپماهای دشمن از امکان مانور مناسب برای پوشش تقویتی پایانه‌های خود برخوردار بودند.

مجموعه این عوامل باعث گردید تا از همان ابتدای جنگ، تلاش برای تصرف و یا انهدام سکوهای مذکور، یکی از برنامه‌های نیروهای نظامی جمهوری اسلامی باشد. به طوری که در ۷ آذر ماه ۱۳۵۹ نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به این دو اسکله حمله و خسارت‌های سنگینی به آنها وارد کردند. از آن پس دشمن با استقرار تیرو و ادوات جنگی از این دو پایانه نفتی به عنوان دو دژ محکم و مجهز برای کنترل آب‌های خلیج فارس و ارونده رود و زیر نظر گرفتن تحرکات دریایی نیروهای خودی بهره می‌گرفت و بر روی شناورها و کشتی‌های تجاری خودی آتش می‌گشود، همچنین با استفاده از پشتیبانی سکوهای موشکی مستقر در فاو، منطقه را نامن می‌کرد. متعاقب تقویت نظامی این اسکله‌ها و نامن ساختن منطقه، انگیزه رزمندگان برای انهدام این اهداف بیشتر شد، لذا در پاییز سال ۱۳۶۲ مجدداً مقرر شد همزمان با عملیات خیر، مانوری به عنوان فریب در این منطقه به اجرا درآید که به دلیل نوبای بودن نیروی دریایی سپاه این عملیات اجرا نشد. در سال ۱۳۶۴ نیز قرار شد همزمان با اجرای عملیات فاو، یگان‌هایی از نیروی دریایی سپاه و ارتش به طور مستقل ولی هماهنگ به ترتیب به دو اسکله دریایی العمیه و البکر حمله کنند که در این عملیات، تک ارتش روی اسکله البکر متفرقی شد و سپاه نیز با سه روز تأخیر در ۱۱/۱۲/۱۳۶۴ عملیات خود را روی اسکله العمیه آغاز کرد لیکن به دلایلی از جمله نبودن امکانات و تجهیزات، عملیات با موقعیتی همراه نبود.

پس از فتح فاو، فعالیت نیروهای دشمن در اسکله‌ها تشدید شد و استفاده از اسکله‌ها به عنوان پایگاه اطلاعاتی برای کنترل تردد شناورهای تجاری و جنگی در کل خلیج فارس و راهنمایی هواپیماها به منظور بسیاران نفت کش‌ها شدت یافت. بدین منظور آقای هاشمی رفسنجانی فرماندهی عالی جنگ مأموریتی برای انهدام اسکله‌های مذکور به ارتش واگذار کرد. طبق طرح قرار بود با کمک چندین فروند قایق مسلح به توب، ضمن حمله به اسکله العمیه آن را منهدم کنند، اما درگیری زود هنگام و از راه دور نیروهای خودی باعث هوشیاری و اجرای آتش مقابل دشمن گردید و عملیات بدون نتیجه خاصی پایان یافت.

با تشدید حملات عراق به کشتی‌ها، اجرای حرکتی مؤثر برای ساقط نمودن این حوزه جاسوسی و عملیاتی دشمن، یک بار دیگر به نیروی دریایی سپاه ابلاغ شد تا برنامه‌ریزی مجددی را برای عملیات روی اسکله العمیه طراحی کند. سپاه نیز این مأموریت را به قرارگاه نوح سیرد، اما به دلیل کم تجربگی یگان‌های عملیاتی این قرارگاه، در عمل، فرمانده سپاه رسماً مأموریت اجرای عملیات روی اسکله‌های مذکور را در اوخر اردیبهشت ۱۳۶۵ به فرمانده لشکر امام حسین (ع) که از جمله یگان‌های مجبوب و

مانوری سپاه به حساب می‌آمد و از حیث توازن رزمی در مرتبه‌ای بالا قرار داشت و اگذار کرد تا به عنوان واحد عمل کننده قرارگاه نوح به اجرای این مأموریت پردازد.

مسئولان این یگان بعد از ابلاغ مأموریت، در منطقه حضور یافتند و اقدامات لازم را برای آماده‌سازی، سازمان‌دهی و آموزش نیروهای اجرای عملیات فراهم کردند؛ از جمله اینکه از همان ابتدا (۱۳۶۵/۲/۲۷) آموزش نیروهای غواص را باهدف اجرای عملیات مهم مذکور آغاز کردند. این امر با سازمان‌دهی مجدد گردان غواص یونس - که قبلاً عملیات والفجر ۸ را پشت سر گذاشته بود - انجام شد که با گزینش نیروهای ورزیده و مجرب مایر گردان‌ها برای تکمیل این گردان اقدام شد. پس از مدتی با فعالیت گردان حضرت یونس (ع) به عنوان خط‌شکن و گردان‌های امام رضا (ع) و امام محمد باقر (ع) به عنوان پشتیبان با اولویت‌های اول و دوم، آمادگی یگان وارد مرحله جدیدتری شد، سپس نیروها آموزش‌های مختلفی را در این مدت طی کردند. گردان یونس (ع) با دو گروهان غواص و یک گروهان سوار شناور (غواص) و گردان امام رضا (ع) یا استعداد دو گردان تقویت شده خود را مهیا یک عملیات بزرگ و خطیر ساختند. نیروهای مذکور در تاریخ ۱۳۶۵/۵/۱ برای آشنازی با منطقه عملیاتی و تکمیل آموزش، وارد منطقه شدند.

تهیه تجهیزات برای بالا رفتن از اسکله العمیه

لشکر امام حسین (ع) به منظور برنامه‌ریزی برای ساخت امکانات ابتکاری متناسب با عملیات دریایی، با جذب افراد مبتکر و متخصص بسیجی، «کمیته ابتکار» تشکیل داد که از جمله اقدامات این کمیته، ساخت نردهان‌هایی به منظور بالا رفتن از اسکله‌ها بود که با توجه به طرح مانور قرار بود سه نوع نردهان تهیه و به روی قایق‌های عملیاتی نصب شود که عبارت بودند از:

۱ - نردهان دو پایه ۸ شکل: این نوع نردهان از اتصال دو نردهان آلومینیومی ۱۲ متری به یکدیگر درست شده است که در مانور خارک مورد استفاده قرار گرفت. در این آزمایش ضعف‌های موجود از جمله عدم تعادل لازم و محکم نبودن محل اتصال نردهان به شناوره مشخص شد که با تدبیری از جمله محکم کردن آن باله قایق با سیم بکسل، مشکل برطرف گردید.

۲ - نردهان کشویی: این نوع نردهان از آهن و به شکل یک مشور با قاعده مربع که هر یک از سطح‌های جانبی آن، یک نردهان است، طرح ریزی شده بود. ارتفاع آن ۱۲ متر است که ۶ متر آن ثابت و ۶ متر دیگر با قرقه و وینچ بالا و پایین می‌شود.

۳ - نردهان ۱۲ متری مورب: این نوع نردهان از جنس آلومینیوم و به ارتفاع ۱۲ متر ساخته شده و

به طور مورب در قایق‌های ندران و عاشورا نصب گردیده است. تعادل نردهان با میله‌ای که از وسط نردهان به کف قایق متصل گردیده، حفظ شده است. هنگام عملیات، قایق‌های مزبور با سرعت زیاد به اسکله تزدیک می‌شدند و با تماس نردهان مزبور با اسکله، عبور نیرو به آسانی و سرعت کافی انجام می‌گرفت.

به دلیل سنگینی نردهان‌ای یک و دو و ارتفاع نسبتاً زیادشان که باعث به اصطلاح «لکگرانداختن» و عدم تعادل می‌شد، لازم بود که اینها فقط روی قایق‌های بزرگ، «الفجر» نصب شوند. علاوه بر این برای پیشگیری از هرگونه پیش آمد احتمالی از قبیل شل شدن نردهان‌ها و یا بریده شدن پیچ و مهره‌های کف قایق، ابتدا یک صفحه فلزی محکم در کف این قایق‌ها جوش دادند، آن گاه نردهان را به روی آن سوار نمودند. در نهایت، یک نردهان کشوبی آهنی، دو یا سه نردهان دو طرفه «۸ مانند» آلومینیومی و پنج نردهان یک طرفه مورب به روی قایق‌ها نصب گردید و برای استفاده در عملیات آماده شد.

عملیات کربلای ۳ و تصرف اسکله العمیه

در آخرین دقایق شب نیروهای غواص پس از اینکه با قایق به سه کیلومتری اسکله العمیه رسیدند، وارد آب شدند و طبق دستور به سمت اسکله حرکت کردند. اندکی بعد، یعنی از اولین ساعات پامداد، مشکلاتی پدید آمد که عملیات را با تهدیدی جدی مواجه ساخت. از جمله مشکلات اینکه بر اثر وزش باد از سمت مخالف، آب به شدت به سینه نیروهایی که به طرف اسکله در حال پازدن بودند برخورد می‌کرد و سبب خستگی مفرط، کندی حرکت و انحراف مسیر آنها می‌گشت. علاوه بر این، نفوذ آب به داخل محفظه مخصوص بی سیم غواص‌ها، تماس بی سیمی را نیز با آنها قطع کرد و تلاش برای برقراری مجدد ارتباط به جایی نرسید. در آخرین تماس مشخص شده بود که عده‌ای از نیروهای فاصله ۷۰ متری اسکله رسیده‌اند. با تزدیک شدن به ساعت ۲۰:۰۰ پامداد و آغاز مدد، حتی ادامه این گونه حرکت نیز برای نیروها دشوار می‌شد و این امر هرگونه امیدواری را به موفقیت غواص‌ها کم کم به یأس مبدل می‌ساخت به این ترتیب، همه گمان می‌بردند که به علت شدید بودن موج و تلاطم، آب نیروهای غواص را به اسکله خودی خواهد راند.

از سوی دیگر، به دلیل اینکه از وضعیت ۱۲۰ غواصی که در آب بودند اطلاع درستی در دست نبود، احتمال می‌رفت که اگر به «سوار شناور»‌ها دستور حرکت داده شود، شناورها غواص‌ها را زیر بگیرند. این مسئله نیز وجود داشت که با روشن شدن هوا، قایق‌ها را دشمن از روی اسکله ببیند و

غواص‌ها داخل آب در خط‌ری دیگر قرار گیرند، به ناچار قرار شد یک قایق جهت کسب اطلاع از وضع غواص‌ها به برسی آب‌های منطقه پردازد. آقای موسوی مسئول اطلاعات لشکر ۱۴ امام حسین(ع) برای پیگیری این کار به طرف اسکله العجمی رفت و پس از بازگشت، از وضعیت نیروها اظهار بی اطلاعی کرد.

سرانجام حدود ساعت ۴ صبح دستور عقب نشینی نیروها صادر شد. از مسوی دیگر، طی این مدت غواص‌ها به رغم قطع ارتباط شان با فرمانده، به راه خود ادامه داده بودند در حالی که بین ستون‌ها فاصله افتاده و ارتباط بین آنها (ستون‌ها) نیز قطع شده بود. با مد شدن آب و تلاطم فوق العاده آن، گروههایی که آقای علی حجازی فرمانده آن بود و می‌باشد در سمت چپ عمل می‌کرد، از رسیدن به اسکله بازماند و محور میانی نیز نتوانست به اسکله نزدیک شود، تنها گروهان حضرت موسی(ع) به فرماندهی آقای مهدی مظاہری، حدود ساعت ۴ صبح به اسکله رسید، ولی غواصان این ستون نیز به جای سمت راست به سمت چپ اسکله، یعنی محل پد های کوپتر رسیده بودند.

آن گاه برادران می‌باشد تصمیم می‌گرفتند که چگونه علاوه بر مأموریت خود، مأموریت نیروهای دیگر را انجام بدهند. در همان جا با مشورتی کوتاه، سریعاً طرحی ریخته شد و طبق آن، در ۱۰۰ متری اسکله، فرمانده نیروهای محور راست به همراه معاون خود و یکی از مسئولان دسته‌ها از گروه جدا شدند و به طرف اسکله رفتند تا به زیر آن رسیدند. این برادران در عمل موفق شدند با سلسله‌ای از حرکت‌ها و تاکتیک‌های ابداعی بی نظیر، خود را به بالای اسکله، روی پد های کوپتر بر سانند.

برادران در بالای پد، یک سنگر نگهبانی و سه نگهبان را در حال گفت و گو - شاید برای تعویض پست - دیدند؛ در آن وضعیت کار پاکسازی بدون سر و صدا مشکل به نظر می‌رسید، ناگزیر در تاریکی منتظر فرصتی برای غافلگیری دشمن ماندند. ناگاه یا برخورد دست یکی از برادران به کلاه آهنه اش و افتادن آن، صدایی برخاست که سبب کنجهکاری یکی از نگهبان‌ها شد؛ با حرکت وی به سمت محل صدا، نیروهای خودی چاره‌ای جز درگیری نداشتند. درست در لحظه رسیدن نگهبان به نزدیکی غواصان، یکی از آنها که لباس غواصی سیاه و دارای لوله مخصوص بر تن داشت، بلند شد و ایستاد، نگهبان عراقی که در تاریک و روشن بامداد ناگهان دید موجود عجیب و پرهیستی در جلوی او ظاهر شده، از شدت وحشت بی هوش بر زمین افتاد. سپس برادران با اسلحه کلت، بدون دادن فرصتی به نگهبانان دیگر، آنها را هلاک کردند.

غواصان به سرعت عملیات پاکسازی پد های کوپتر، انهدام موائع و آماده کردن محل برای ورود

دیگران را انجام دادند. بدین ترتیب، یقیه نیروها آماده بالارفتن از اسکله شدند. در این هنگام، یک عراقی در حالی که فریاد زنان تیراندازی می‌کرد، به بالای سر نیروهای خودی رسید، که برادران با کلت او را از پا درآوردند. دشمن خیلی دیر متوجه حضور نیروهای ما در اطراف پد هلی کوپتر شد زیرا در این زمان، تیمی از نیروهای محور راست از اسکله بالا رفته بودند. قدرت و سرعت عمل نیروهای خودی - هر چند که ساعت‌ها با امواج مبارزه کرده و خسته بودند - آن چنان بود که اقدامات دشمن بی اثر ماند، به نحوی که برادران بدون دادن تلفات، توانستند خود را به بالای اسکله برسانند و در ساعت ۴:۳۰ با مدد، آخرین نیرو به بالای اسکله رسید.

به جایگاه فرمانده عملیات باز می‌گردیم. چنان‌که ذکر شد، حدود ساعت ۴ با مدد برادران در صدد اجرای عملیات عقب نشینی برآمدند، اما در اوج نومیدی و نگرانی جانشین فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و در حالی که تنها حدود نیم ساعت به روشنی هوا مانده بود، شنود خودی خبر داد که بالای اسکله العمیه درگیری است. به دنبال آن از کنار «بویه ۷» شلیک چند رگبار تیر «رسام» مشاهده شد؛ از این زمان به بعد تصمیم‌گیری در مورد عقب کشیدن نیروها وارد مرحله جدیدی شد؛ می‌بایست دقیقاً مشخص می‌شد که آپا عراقی‌ها بر اثر مشکوک شدن تیراندازی کرده‌اند، یا اینکه نیروهای پیشاز خودی با آنها درگیر شده‌اند.

از آنجاکه قرار بود غواص‌ها هنگام رسیدن به اسکله، با کلت منور علامت بدنهند و هنوز این امر اتفاق نیفتاده بود، شک و تردید به قوت خود باقی بود، اما به هر حال این فرض که ممکن است نیروهای خودی به بالای اسکله العمیه راه پیدا کرده باشند، قوت گرفت. با این فرض، عقب کشیدن نیروها متوقف شد و قایقهای «الفجر» به جای خود بازگشتند.

سپس در آستانه روشنایی هوا، در حالی که شبح اسکله از دور پیدا می‌شد، نیروها دوباره سوار قایقهای «عاشورا» شدند. در این هنگام بار دیگر تیراندازی آغاز و همراه آن دو گلوله «آر.پی.جی» نیز شلیک شد، با شلیک «آر.پی.جی.»‌ها مسلم شد که نیروهای خودی درگیر شده‌اند، برای همین جانشین فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) دستور داد «سوار شناورها» به اسکله نرسیده بودند، نیروهای غواص با سلاح‌های محدود خود (۶ قبضه آر.پی.جی با ۱۲ گلوله؛ ۲ قبضه تارنجک تفنگی و تعدادی کلاش) توانستند از پد هلی کوپتر تا بریدگی و سط اسکله را پاکسازی می‌کند.

مقاومت شدید دشمن در سمت راست، خستگی نیروها و محدودیت سلاح نیز مانع از پیش روی بیشتر نیروها می‌شد. در ساعت ۴:۳۵ گروهان سوار شناور «یونس» (ع) نیز توانست به اسکله تردیک شود، دشمن که سمت راست اسکله را در دست داشت با سلاح چهارلول به سمت قایقهای تیراندازی

عکس جبهه

می‌کرد که در نتیجه آن، چند قایق مورد اصابت گلوله قرار گرفت و تعدادی از نیروها زخمی شدند. در همین لحظه یک هواپیمای دشمن در آسمان اسکله ظاهر شد ولی به دلیل حضور نیروهای عراقی روی اسکله، از حمله به آن خودداری کرد و تنها با یکباره به تعدادی از قایقهای خودی خساراتی وارد ساخت، در این هنگام یکی از غواصان زیده با به کارگیری یکی از قبصه‌های «چهارلول» دشمن روی اسکله، به طرف این هواپیما آتش گشود و آن را سرنگون کرد، خلبان آن به رغم خارج شدن از هواپیما، به علت انفجار آن به هلاکت رسید. سقوط هواپیما و رسیدن نیروهای تازه نفس گردان امام رضا(ع) به شدت موجب تقویت روحیه نیروهای خودی و تضعیف روحیه دشمن گردید.

در همین حال، نیروهای دشمن با دو قبصه توپ ۵۷ میلی متری که در انتهای سمت راست اسکله قرار داشت، اسکله و مسیر قایق‌ها را زیر آتش گرفته بودند، عراقی‌ها در پشت هتل سمت راست اسکله سنگر گرفته بودند و نیروها را هدف قرار می‌دادند، اما به رغم همه این فشارهای نیروهای خودی با جدیت تمام در پناه آتش آرپی‌جی به جلو می‌رفتند و به پاکسازی و تأمین منطقه می‌پرداختند. با ورود توپ ۲۳ و تفنگ ۱۰۶ میلی متری خودی و شلیک آنها به طرف اسکله و به دنبال آن تصرف اولین قبصه ۵۷ میلی متری دشمن در سمت راست و شلیک آن به داخل ساختمان هتل، عراقی‌ها تسلیم شدند. بدین ترتیب کار تصرف اسکله ساعت ۸ صبح پایان یافت. در ساعت ۹ صبح، دشمن اسکله العمیه و قایقهای اطراف آن را بمباران کرد و چند بار نیز در «اروند رود» قایقهای را هدف قرار داد، ناوجة توپداری که در کنار اسکله «البکر» پهلو گرفته بود نیز چندین گلوله توپ به سمت اسکله العمیه شلیک گرد.

از سوی دیگر، از ساعت ۵:۳۰ امروز همزمان با اجرای عملیات در اسکله العمیه، عملیات دیگری (بر اساس طرح مأمور قبلی) به کوشش یک شیم مهندسی از قرارگاه نوح آغاز شد که در نتیجه آن، اسکله البکر نیز در ساعت ۹ صبح به آتش کشیده شد. در این زمان، دود و آتش یک انفجار مهیب سراسر اسکله را فراگرفت و قارچ انفجاری بزرگی روی اسکله ایجاد شد که از فاصله ۳۴ کیلومتری دیده می‌شد.

در این عملیات که در قالب یک طرح ابتکاری تحت عنوان «نارالرحمه» اجرا شد، با پیچاز مقدار فراوانی نفت به داخل لوشهای نفتی فاو - البکر به وسیله ۶ پمپ با دبی ۴ متر مکعب در ثانیه و با اعمال فشار بر دریچه‌های لوشهای نفتی روی اسکله، مقدار فراوانی از نفت داخل لوشهای به بیرون فوران کرد و بر روی اسکله پاشیده شد، سپس نیروهای خودی با شلیک آتش توپخانه به روی اسکله آغشته به نفت، آن را به آتش کشیدند.

عکس

بر اساس گزارش شنود، نیروهای دشمن - که سخت وحشت زده شده بودند و در محاصره آتش قرار داشتند - از فرماندهان خود در عقبه کمک می خواستند و تقاضا می کردند از اسکله خارج شوند. برخی از آنها هم از ترس خود را به داخل دریا پرتاب می کردند. در ساعت ۱۱:۳۷ فرمانده نیروهای دشمن، مستقر روی سکوی البکر، به رده بالاتر خود گزارش داد که اینبار مهامات سبک و سنگین توپخانه‌های مستقر بر سکو، منفجر گردیده و هم اکنون در حال سوختن است. وی پس افروز: "پرسنل نیروی دریایی مستقر روی سکو هیچ گونه مهارتی ندارند و در صورت نزدیک شدن هلیکوپتر و یا ناوچه ایرانی‌ها، قادر به دفاع کردن نیستیم".

در این عملیات قسمت‌های مهمی از اسکله البکر منهدم شد و تجهیزات آن به کلی در آتش سوخت. این اقدام بزرگ با برانگیختن شور و شعف رزمندگان مستقر روی اسکله العجمیه، روحیه نیروها را بسیار افزایش داد.

از این سو، در مقر فرماندهی عملیات، با پیش‌بینی شروع آتش شدید دشمن روی محدوده کوچک اسکله العجمیه، تصمیم گرفته شد که با تخلیه هر چه سریع تر نیروهای اضافی از اسکله، فقط تعدادی نیرو برای پدافند باقی بمانند. این کار با توجه به سرعت عمل دشمن در استفاده از هواپیماهای هر چه سریع تر انعام پذیرفت و حدود ساعت ۱۰ صبح کلیه نیروهای گردان یونس(ع) چه غواص، چه «سوار شناور» به عقب برده شدند.

تنها نیروی باقی مانده روی اسکله، گردان امام رضا(ع) بود که به دلیل شهید و زخمی شدن ۲۰ تن از نیروهایش تنها ۷۰ تن را در اختیار داشت. بالای اسکله تعداد ۴ قبضه پدافند «چهارلول»، ۲ قبضه «دولول» و چند قبضه «توب ۵۷ میلی متری» و یک قبضه هم «شلیکا» موجود بود که نیروها بلافاصله اقدام به راه اندازی آنها تموند.

نخستین فشار شدید دشمن با پرتاب یک فروند موشک پرقدرت «کرم ابریشم» آغاز شد. این موشک در ساعت ۱۰ به باند های کوپر اصابت کرد که در نتیجه ۸ تن از نیروهای محروم خودی را شهید و ۱۵ تن از اسیران عراقی را که در حال تخلیه بودند نیز به هلاکت رساند. شلیک این موشک احساس ناامنی را در نیروهای خودی برانگیخت و آنان را نگران ساخت. در طول روز به رغم پیش‌بینی‌های قبلی، هواپیماهای دشمن اقدامات مهمی انعام ندادند، شاید دلیل آن سقوط اولین هواپیمای او بوده باشد. اما دشمن به جای استفاده از هواپیما، چهار موشک کرم ابریشم در ساعت ۱۶، ۲۳، ۲۲ و ۲۴ به اسکله شلیک کرد. این موشک‌های هشت متری بر سطح آب پیش می‌آمدند و پس از برخورد با اسکله منفجر می‌شدند که در مجموع، قسمت‌های مهمی از آن را تخریب کردند. برای جلوگیری از تلفات بیشتر، نیروهای مستقر در اسکله را به حداقل کاهش دادند و نیز ۷۵ تن از اسیران عراقی را به عقبه تخلیه کردند.

گزارشی از جلسه ۵ مهر ۱۳۶۵

گزارش اوضاع جبهه‌ها در قرارگاه خاتم ۲

فرماندهی عالی جنگ

طرح مانور مطرح شده در این جلسه به این ترتیب است:

هدف: بستن «تنگه ابوالخصب» (عنوانی که در محاوره رزمندگان به حدفاصل ارونده رود تا خور زیر در ناحیه مجاور ابوالخصب، داده شده بود).

محدوده عملیات: محدوده عملیاتی در جهت عرضی از جزیره «مینو» (در جناح چپ) تا کارخانه پتروشیمی و نهر «ابوالفلوس» (در مقابل جزایر «بوارین») و در عمق تا جاده دوم (در محاوره برادران موسوم به جاده استراتژیک) می‌باشد.

برای تصرف این منطقه دو قرارگاه سپاه (کربلا و قدس) به فرماندهی برادران احمد غلامپور و محمدعلی (عزیز) جعفری با تحت امر داشتن تحریمی یگان‌های مانوری سیاه، در سه مرحله وارد عمل می‌شوند. مانور قرارگاهی آن در مراحل مختلف چنین است:

الف - قرارگاه کربلا: در عرض از جزیره «قطعه» که در جنوب ارونده، در مقابل جزیره مینو قرار

دارد - تا جزیره «ام البابی» غربی و در عمق تا چاده دوم (موسوم به چاده استراتژیک) به نحوی که چاده سوم زیر آتش خمپاره ۱۲۰ میلیمتری و مینی کاتیوشای قرار بگیرد. این قرارگاه که تأمین جناب چپ عملیات را به عهده دارد، با شش لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، ۴۱ ثالث الله، ۷ ولی عصر (عج)، ۱۷ علی بن ابی طالب (ع)، ۵ نصر و ۳۳ المهدی و تیپ مستقل ۴۶ قمر بنی هاشم (ع) در سه مرحله عمل می‌کند.

ب - قرارگاه قدس؛ در عرض از جزیره «ام البابی» شرقی تا انتهای جزیره «بوارین» تا (کارخانه پتروشیمی) و در عمق تا چاده دوم پیش روی نموده تا پشت نهر «ابو قلوس» پدافند کنند. این قرارگاه نیز با شش لشکر ۲۵ کربلا، ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۸ نجف اشرف، ۱۰ سید الشهداء (ع)، ۳۱ عاشورا و ۲۱ امام رضا (ع) و تیپ مستقل ۱۸ الغدیر در سه مرحله وارد عمل می‌شود. تیپ ۳۲ انصارالحسین در مرحله اول تحت امر قرارگاه قدس و در مرحله سوم تحت امر قرارگاه کربلا قرار دارد.

در جلسه ۵ مهر ۱۳۶۵ قرارگاه تیروی زمینی سپاه در اهواز که در حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی برقرار شد، مسئولان نیروی زمینی سپاه در گزارشی به تشریح اوضاع خطوط خودی و فعالیت‌های دشمن در سرتاسر جبهه‌ها و مشکلات نیروهای خودی در تأمین مهمات و امکانات مهندسی و لجستیکی پرداختند.

در این جلسه ابتدا مسؤول اطلاعات نیروی زمینی «برادر محمد باقری»، اطلاعاتی از وضع عمومی دشمن در طول جبهه‌ها در فاصله زمانی دهم شهریور تا چهارم مهرماه را بیان کرد. وی در خصوص وضع جبهه‌ها به ترتیب از شمال به جنوب گزارش داد که اهم موارد آن به اختصار بدین شرح است: "وضعیت دشمن در منطقه عمومی «پیرانشهر» و «شمال غرب» اکنون عادی است و به تحکیم مواضع پدافندی مشغول می‌باشد. عمدۀ فعالیت دشمن در این محور گلوله‌باران عقبه نیروهای خودی به وسیله تانک است. در این منطقه دشمن تا بیستم شهریور ماه گذشته احتمال حمله نیروهای خودی را داد و به همین دلیل پرتاب «منور» و فعالیت‌های هوایی دشمن تشدید شده بود اما بعد از این تاریخ وضعیت عادی شده است.

در منطقه سرداشت نیز دشمن تلاش دارد تا راه ارتباطی بین نیروهای خودی و نیروهای خودی و نیروهای (اتحادیه میهنی کردستان در شمال عراق را در «هرزینه» و ارتفاعات «ویسی» قطع کند، که این تلاش‌ها بعد از عملیات اخیر اتحادیه در منطقه «کاریزه» تشدید شده است. در منطقه «بانه» و «بنجوین» (منطقه عملیاتی والفحجر) نیز علی‌رغم اینکه دشمن نیروهای «جاش»

را تقویت کرد اما به طور کلی وضعیت کنونی منطقه عادی است.

در منطقه سد «در بندهیخان» فعالیت‌های هوایی و بمباران دشمن متوقف شده اما نیروهای قبلی دشمن در منطقه باقی مانده‌اند و اکنون منطقه حالت عادی به خود گرفته است. در منطقه عمومی غرب نیز عمله فعالیت‌های دشمن در منطقه «مندلی» و پشت «نفت شهر» می‌باشد که طی آن اقدام به ساختن چند جاده در پشت ارتفاعات این منطقه گرده است. دشمن نسبت به منطقه تاحدی حساس می‌باشد و به همین دلیل منطقه را به طور محدود تقویت کرده است.

یکی از اهداف کنونی دشمن در منطقه غرب، گرفتن اسیر است تا بتواند اطلاعات لازم را کسب کند که به این منظور اقدام به اعزام گروههای گشی رزمی می‌کند و در گرفتن اسیر از نیروهای خودی نیز تا حدی موفق بوده است.

در مناطق شمال «عماره» عمله فعالیت دشمن، فعالیت‌های پدافندی است و علی‌رغم اینکه در شهریور تا حدی نسبت به این منطقه حساسیت پیدا کرد اما اکنون وضعیت منطقه عادی است. دشمن اکنون نسبت به منطقه «شرق دجله» و «هور» حساسیت بیشتری دارد به طوری که در منطقه «القرنه» ۱۷۰ تانک را مجتمع کرده است.

دشمن در منطقه «هور» حساسیت مؤکد و ویژه‌ای دارد، دلیل این امر افزایش آب «هور» در این فصل سال و همچنین سابقه انجام حملات در این فصل از سال می‌باشد. دشمن در جزیره «مجنون» از مدت‌ها قبل آماده عملیات بود ولی با عملیات نیروهای خودی در پد غربی جزیره (عملیات انصار)، نیروهای عملیاتی دشمن منهدم شده‌اند ولی به هر حال «صدام حسین» به فرمانده لشکر ۳۱ عراق مأموریت داده است تا جزیره را از نیروهای ایرانی بازپس گیرد و به همین دلیل نیروهای تیپ ویژه عراق در جزیره مستقر شده‌اند و ضمن گوله باران نیروهای خودی با توب، تانک و خمپاره، خود را برای عملیات روی پد شرقی در جزیره، آماده می‌کنند.

با تغییر فرمانده سپاه سوم که در جنوب مستقر است و جایگزین شدن سرلشکر «ضیاء الدین جمال» که از فرماندهان گارد و از منسوبيین صدام نیز می‌باشد، به نظر می‌رسد که حساسیت دشمن در جنوب زیاد شده و قصد تقویت جبهه سپاه سوم در جنوب را دارد.

دشمن همچنین در منطقه آب گرفتگی (پاسگاه) «پویان» نیز در حال احداث جاده‌ای است تا بتواند خط دفاعی جدیدی را در «شلمچه» ایجاد کند و پدافتد خود را عمق دهد و پیشرفت در حاده‌سازی، هر شب حدود ۱۰۰ متر است.

در منطقه «آبادان» و «خرمشهر» نیز دشمن در حال حفر کانال، احداث خاکریز، سیل‌بند و ادامه

کارهای پدافندی می‌باشد. همچنین جدیداً سکوهاي برای تانك به منظور زير آتش قرار دادن پشت جبهه نيروهای خودی احداث کرده و با توجه به حساسیتی که نسبت به منطقه دارد، تعداد دكالها و نقاط ديده‌باني خود را در اين منطقه افزایش داده است.

دشمن منطقه فاو را در تاریخ یازدهم شهریورماه با نيرویي به استعداد يك لشکر پياده تقویت کرد و چيزی حدود چهار گردن توپخانه به منطقه اضافه کرد و ضمن تقویت منطقه، اقدام به احداث مواضع و سنجک‌های جدید کرده است.

بازسازی نيروهای دشمن باشد دنبال می‌شود که از جمله می‌توان به گسترش توازن رزمی لشکر گارد (در حد سپاه) و افزایش آن تا حد ۱۵ تیپ اشاره کرد.

در مورد نيرو نيز اکنون تعاملی پادگان‌های عراق پر از نيرو است که عمدتاً نيروهای دانش آموز و دانشجو می‌باشند و در حال گذراندن دوره آموزشی هستند اما به دلایل نامعلومی آنها را وارد واحدهای پدافندی در مناطق عملیاتی نمی‌کنند، البته استعداد نيروهای عملیاتی تقویت نشده است. عمدۀ فعلیتی که الان دشمن دارد، همین حفظ هوشیاری است و تلاش می‌کند تا محل عملیات آتی احتمالی نيروهای خودی را در سراسر جبهه‌ها کشف کند.

در ادامه اين جلسه مسؤول اطلاعات قرارگاه كربلا (برادر محابي) گزارشی از اقدامات شديد مهندسي دشمن در «فاو»، بيان کرد و افزو: «دشمن با يك برنامه ريزی اساسی از شمال «كارخانه تمک» تا «ام القصر» و تا منطقه جزیره «مينو» به فعالیت مهندسي مشغول است و اکنون رده‌های دوم و سوم پدافندی او در منطقه ساخته شده و آتش خود را روی خطوط نيروهای خودی گسترش داده است.

دشمن در مورد سواحل «اروند» تا «سلمچه» حساسیت خاصی دارد به طوری که از يك سو نيروهای شناسایی دشمن در اين منطقه به مواضع خودی نفوذ می‌کنند، دكال‌های ديده‌باني خود را افزایش داده است و در حال کسب اطلاعات می‌باشند و از سوی ديگر با شليک تير مستقيم تانک تمامی دكال‌های ديده‌باني خود را منهدم کرده است. وی در خاتمه گفت: «على رغم عدم تغيير زياد در خطوط مقدم خودي، دشمن در منطقه فاو و كل سپاه هفتم دست به يك تقویت نسبی زده و آمادگی خود را افزایش داده است».

در ادامه اين جلسه گزارش هايي نيز از وضعیت نيروهای خودی بيان شد که در اين گزارش ضمن تشریح نحوه گسترش اين نيروها در خطوط پدافندی، به مشکلات آنها از جمله کمبود مهمات و ادوات مهندسي مخصوصاً در خط فاو اشاره شد و گفته شد که تاکنون بخلاف آنچه قرار بود، تنها

۱۷ کیلومتر از ۲۰۰ کیلومتر جاده‌های منطقه فاو شن ریزی شده است. در این باره فرمانده قرارگاه کربلا (برادر غلامپور) ضعف امکانات مهندسی را مهم‌ترین دلیل این کندی کار دانست. مشکلات عقبه و عدم تقویت خاک ریزها به منظور کاهش تلفات در خطوط خودی، اقداماتی برای جلوگیری از نفوذ نیروهای اطلاعاتی دشمن به خطوط خودی، از دیگر مباحثی بود که در جلسه امروز مطرح و تصمیمات لازم در مورد آنها اتخاذ شد.

قطعنامه ۵۸۸ شورای امنیت

درباره جنگ عراق و ایران

متن قطعنامه ۵۸۸ شورای امنیت در خصوص جنگ ایران و عراق (در جلسه ۲۷۱۳، روز ۸ اکتبر ۱۹۸۶):

با بررسی موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» با در نظر گرفتن اینکه شورا این موضوع را بیش از شش سال زیر نظر داشته و تصمیماتی در مورد آن گرفته است،
با نگرانی بسیار در مورد طولانی شدن و شدت یافتن برخورد مزبور که منجر به خسارات سنگین
انسانی و زیان مادی قابل ملاحظه شده و صلح و امنیت بین الملل را به خطر انداخته است،
با در نظر گرفتن تعهد دولت‌های عضو که در روابط بین المللی شان از تهدید یا کاربرد زور علیه
تحامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی، یا هر روش دیگر مغایر با مقاصد ملل متحد خودداری
کنند؛

با خاطر نشان ساختن مفاد منشور ملل متحد و به ویژه تعهد همه اعضاء به حل اختلافات
بین المللی شان از راه‌های مسالمت‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خط نیافتد،
همچنین با خاطر نشان ساختن اینکه دولت‌های عضو، بر اساس منشور، مسؤولیت اولیه حفظ صلح و
امنیت بین المللی را به شورای امنیت واگذار و بدین منظور موافقت کردند نقش شورای امنیت را در
حل اختلافات پذیرند؛

با ستودن تلاش‌های دبیرکل برای یافتن راهی مسالمت آمیز برای بروخورد مزبور:

- ۱ - از ایران و عراق می‌خواهد که بی‌درنگ و به طور کامل قطعنامه ۵۸۲ را که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ به اتفاق آراء تصویب شد، اجرا کنند.
- ۲ - از دبیرکل درخواست می‌کند همراه با طرفین برای اجرای اقدامات بالا تلاش‌هایش را شدت بخشیده و حداقل تا ۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ به شوراگزارش دهد.
- ۳ - تصمیم می‌گیرد به منظور بررسی گزارش دبیرکل و شرایط استقرار صلحی پایدار میان دو کشور طبق مشور ملل متحد، اصول عدالت و حقوق بین‌المللی، بار دیگر تشکیل جلسه دهد.

عملیات کربلای ۵

دو هفته پس از توقف عملیات کربلای ۴ در منطقه ابوالخصب (غرب خرمشهر)، عملیات گسترده دیگری در منطقه شلمچه آغاز گردید که کربلای ۵ نامگذاری شد و به رغم ناعیمدی‌های قبل از عملیات و مشکلات و پیچیدگی‌هایی که در این منطقه وجود داشت، ایران به یکی از موفق‌ترین عملیات‌های گسترده خود در طول جنگ دست یافت.

این عملیات که با هدف پیشروی به سمت بصره طراحی شده بود، به رغم شکسته شدن خط دشمن در غالب محورها و تلاش بسیار و جانبازی رزمندگان غواص و خط شکن، به دلیل هوشیاری دشمن، موقتی در پی نداشت و پس از ۲۴ ساعت متوقف شد. در موقعیت بسیار دشوار و پیچیده پس از این عدم الفتح، کار بررسی برای انتخاب منطقه‌ای دیگر و طرح ریزی عملیات گسترده دیگری از ۵/۱۰/۱۳۶۵ شروع شد و سرانجام در نیمه شب ۱۳۶۵/۱۱/۱۰، پس از بررسی‌ها و بحث‌های طولانی، منطقه شلمچه برای عملیات انتخاب شد و آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ دستور آمادگی برای عملیات طی یک هفته را صادر کرد و برای جلوگیری از تردید و تزلزل، بر کار آماده‌سازی و عملیات در این منطقه، به عنوان یک تکلیف تأکید نمود.

مأموریت و طرح مانور

با قطعی شدن منطقه عملیاتی، قرارگاه قدس مأموریت یافت که در مرحله دوم عملیات پس از اینکه قرارگاه کربلا جای پایی در منطقه پنج ضلعی گرفت وارد عمل شده، به طرف جنوب و غرب پیشروی

نماید. منطقه مأموریت قرارگاه قدس از طرف غرب به کانال زوجی، از جنوب به ارونده رود، از شرق به نهر دو عیجی و از شمال به اولین دز غربی کانال پرورش ماهی محدود می‌گردید. یگان‌های زیر برای انجام دادن این مأموریت تحت امر قرارگاه قدس قرار گرفتند:

"لشکر های ۷ ولی عصر؛ ۸ نجف، ۱۴ امام حسین، ۲۷ حضرت رسول، ۳۲ انصار الحسين و تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم.

اکثر فرماندهان یگان‌های مأمور به قرارگاه قدس، موافق عملیات در این منطقه بودند و موقفيتی را برای این عملیات پیش‌بینی نمی‌کردند، ولی با توجه به اینکه فرماندهی عالی جنگ، به اجرای این عملیات به عنوان "تکلیف" تأکید نمود، خود را ملزم به آماده سازی و اجرای عملیات می‌دانستند و اقدامات مناسبی در جهت آماده سازی نیرو، امکانات و منطقه عملیاتی انجام دادند.

فرمانده لشکر ۸ نجف (احمد کاظمی) در صحبتی با فرمانده قرارگاه قدس (عزیز جعفری)، گفت: "من دیشب مسئولین لشکرمان را جمع کردم و به آنها گفتم برادران می خواهیم برویم شهید بشویم، به آنها گفتم که قرار شده یک عدد شهید شوند و خونشان ریخته شود تا کار جنگ حل شود؛ هر کس حاضر است بفرماید، هر کس حاضر نیست نیاید بگویید... ما که دلیل نداریم".

هنگامی که فرمانده قرارگاه قدس از فرمانده لشکر نجف و فرمانده لشکر امام حسین، تقاضا کرد که در امر خط شکنی در آغاز عملیات شرکت کنند، برادر خرازی با بیان اینکه ما در کربلای ۴ انهدامی زیاد داشتیم، پذیرفت و برادر کاظمی نیز گفت: "ما ان شاء الله به حول و قوه الهی در این جهت [مأموریت مشخص شده] کمک می‌کنیم و در آن جهت [خط شکنی] هم کمک فکری و ذهنی و مسائلی که از دستمان بر می‌آید انجام می‌دهیم. اگر تلفات به من وارد نشده بود و مشکلات نداشتم، در امر خط شکنی گردن خط شکن من منهدم شده است خدا و کیلی کمک می‌کردم. قلبم هم روشن است برای این عملیات و این بینا که با یک واسطه از امام گفته شده، دیگر برایمان روشن است که دیگر شهادت می‌خواهد باشد؛ هر چه می‌خواهد باشد. ما اصلًا برای پیروزی قدم برنمی‌داریم..... الان با این حالی که دارم، اطمینان ندارم که بتوانم خط را بشکم و لی با این حالتی که دارم به من بگویند خط بشکن، خدا و کیلی می‌گوییم می‌روم، ولی من گردن های خط شکن همه‌اش را وارد کردم، منهدم شدند".

با توجه به شروع مأموریت قرارگاه قدس در دومین مرحله عملیات، تعیین مأموریت قطعی یگان‌ها ممکن نبود لذا طی چند جلسه به برسی طرح‌های مختلف پرداخت شد و در آخرین روز قبل از عملیات (۱۰/۱۳۶۵) در جلسه‌ای با حضور فرماندهان دو لشکر نجف و امام حسین، فرمانده

قرارگاه قدس ضمن پیش بینی وضعیت های مختلف، مأموریت این دو یگان را چنین مشخص کرد: "در حالتی که لشکر عاشورا و لشکر کربلا آماده هستند به طرف گوشه (نوک) کanal ماهی گیری بیچند، ما هم عبور می کنیم و خط خودمان را تأمین می کنیم.

در حالتی که یگان های قرارگاه کربلا توanstند عبور کنند و آن گوشه را تأمین کنند، تعداد پنج (موقع) هلالی شکل اول غرب نهر دوعیجی را لشکر امام حسین و پنج (موقع) هلالی شکل ادامه آن را لشکر نجف تصرف کرده و پاکسازی کنند و پشت آن باشند.

در حالتی که یگان های قرارگاه کربلا تا کanal (۹ پل، جنوب پنج ضلعی) آمدند و توanstند ادامه دهند، لشکر کربلا موضع هلالی شکل اول و دوم غرب نهر دوعیجی را بگیرد و لشکر امام حسین هم دو موقع بعد از تصرف نعاید، لشکر نجف هم جاده آسفالت شلمچه را گرفته و پداشتند. در این حالت باز هم در ادامه عملیات، پنج موقع هلالی شکل (غرب نهر دوعیجی و پایین جاده شلمچه) را لشکر امام حسین و پنج موقع ادامه آن را لشکر نجف باید تأمین کنند و [بین منظور] لشکر نجف باید دو فلاش بگذارد؛ "یکی در ادامه حرکت لشکر امام حسین و دیگری از جلو (شرق) نهر دوعیجی؛ در این حالت قرارگاه نجف باید قبل وارد عمل شود تا جناح چپ را تأمین نماید". ضمناً در اولین مرحله عملیات قرارگاه قدس، تیپ قمر بنی هاشم در احتیاط این مرحله قرار داشت.

همچنین با توجه به اینکه یگان های قرارگاه قدس باید از محور دو لشکر فجر و عاشورا (از قرارگاه کربلا) وارد عمل می شدند طی جلسه ای در روز قبل از عملیات، موضوع بررسی و مقرر شد که لشکر امام حسین از لشکر عاشورا و لشکر نجف از لشکر فجر عبور نمایند.

آماده سازی

پس از قطعی شدن منطقه شلمچه به عنوان منطقه عملیاتی، فرصت آماده سازی ابتدا یک هفته و سپس پنج روز اعلام گردید، یعنی قرارگاه و یگان ها باید روز ۱۷/۱۰/۱۳۶۵ برای شروع عملیات اعلام آمادگی می کردند. پنج روز برای آماده سازی یک عملیات گسترده، نسبت به فرصت های چند ماهه ای که معمولاً برای این گونه عملیات ها در نظر گرفته می شود، زمان ناچیزی بود. البته با توجه به نزدیکی این منطقه عملیاتی به منطقه عملیاتی کربلا ۴، و حتی محورهای مشترکی نظیر پنج ضلعی، بوارین و... بین این دو منطقه و حضور نیروها و امکانات آماده عملیات در منطقه کربلا ۴، تا حدود زیادی مشکل کمبود زمان را حل می کرد، مبنای اصلی انتخاب منطقه شلمچه و در نظر گرفتن این فرصت محدود نیز همین نزدیکی و آمادگی بود. علاوه بر این، سه نکته اجرای هر چه سریع تر عملیات را

ضروری می ساخت: لزوم به کارگیری سریع نیروهای آماده نبود، لزوم غافلگیری دشمن و ضرورت کاهش عواقب نامطلوب توقف عملیات ناموفق کربلای ۴. به هر صورت، علی رغم فرصت محدود و امیدوار نبودن عده‌ای از فرماندهان به موقیت، و حتی ناباوری برخی در مورد اجرای عملیات در این منطقه، اعلام شدن "تکلیف" از زبان فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) و اقدامات پیگیر فرماندهی کل سپاه، موجب تلاش‌های همه جانبی و بی سابقه در زمینه آماده‌سازی شد.

به طور کلی آماده‌سازی در چهار زمینه باید انجام می‌گرفت: نیرو، امکانات و تسلیحات، مهندسی و عبور.

الف - نیرو

نیروهای عمل کننده، همان نیروهای آماده شده برای عملیات کربلای ۴ هستند. گردان‌هایی که در این عملیات وارد عمل نشده‌اند، آمادگی کامل دارند. دستور داده شده که گردان‌هایی که وارد عمل شده و ضربات و تلفاتی به آنها وارد شده، حتی المقدور با استفاده از نیروهای اعزامی جدید بازسازی و تکمیل گردند و سریع آماده عملیات شوند.

ب - امکانات و تسلیحات

با قطعی شدن منطقه عملیاتی، اقدام برای استقرار امکانات لازم به منظور پشتیبانی عملیات اعم از پیگان‌های آتش، تراپزی، تدارکاتی، اورژانس و... شروع گردید. با توجه به آمادگی این امکانات در منطقه عملیاتی کربلای ۴ و دستور خارج نکردن این امکانات از منطقه پس از توقف این عملیات، مشکل چندانی برای انتقال امکانات لازم به منطقه عملیاتی شلمچه وجود نداشت، لیکن مشکل اصلی کمبود محل استقرار بود. منطقه، وسعت لازم را برای استقرار همه امکانات و تسلیحات ضروری به نحوی که پراکندگی لازم رعایت شود، نداشت.

ج - مهندسی

پیگان مهندسی می‌بایستی در دو زمینه اقدام می‌کرد: اول، آماده‌سازی مقدمات عملیات، مثل ایجاد مواضع توپخانه، سنگر و سوله‌سازی، جاده‌سازی عقبه و آماده‌سازی جاده اتصالی به خط دشمن. دوم، کسب آمادگی برای ورود به منطقه آزاد شده و منطقه درگیری برای پشتیبانی مستقیم نیروهای رزمده. مهندسی علاوه بر مأموریت‌هایی که قبل از شروع عملیات به عهده داشت، قسمت مهمتر کارش

آمادگی برای پشتیبانی نیروهای رزمانده در حین عملیات بود. پیچیدگی خطوط و زمین دشمن در منطقه شلمچه و استحکامات آن ایجاد می‌کرد تا مهندسی سرمایه‌گذاری بیشتری در این زمینه بیناید. فرمانده قرارگاه قدس با رها بر اهمیت این مسئله و لزوم به کارگیری همه امکانات مهندسی و زرهی یگان‌ها تأکید می‌نمود؛ از جمله وی چند ساعت قبل از شروع عملیات به فرماندهان لشکرها نجف و امام حسین چنین تأکید می‌کند:

”خودتان می‌دانید که جنگ بدون تانک و بولدوزر نمی‌شود. اینجا نمی‌توانیم بدون تانک و بولدوزر بجنگیم.“

به دلیل چنین اهمیتی بود که واحدهای مهندسی یگان‌ها آماده شدند تا با کمک واحدهایی از مهندسی جهاد سازندگی که در اختیار آنها قرار می‌گرفت، به پشتیبانی نیروهای رزمانده شتابه، اقدامات لازم از جمله ایجاد خاکریز و استحکامات را شروع نماید.

د - عبور

پکی از مهمترین مراحل عملیات در منطقه شلمچه، عبور سریع و بدون درگیری بادشمن از منطقه آب گرفتگی بود. اگر چه این موضوع برای یگان‌های قرارگاه کربلا که در اولین مرحله عملیات وارد می‌شدند بسیار اهمیت داشت (چون شکستن خط به توفیق در آن وابسته بود)، برای یگان‌های قرارگاه‌های قدس و نجف هم که در مرحله دوم وارد عمل می‌شدند، خالی از اهمیت نبود، زیرا پیش‌بینی می‌شد انتقال سریع گردن‌های اویله این دو قرارگاه برای ادامه دادن به عملیات قرارگاه کربلا در موقیت عملیات تأثیر به مزایی داشته باشد.

از محور شرقی که طبق طرح مانور می‌ابیست ابتدا لشکر سیدالشهدا وارد می‌شد و پس از شکستن خط، سرپل را می‌گرفت، سپس یگان‌های اویله قرارگاه‌های نجف و قدس وارد می‌شدند در اولین مرحله عملیات به دلیل نبود راه خشکی قابل استفاده، تنها راه ممکن برای وارد شدن نیروها، عبور از آب و استفاده از قایق بود. برای مرحله دوم به دلیل احتمال باقی نماندن قایق و خشایار، تلاش برای ترمیم و گشودن جاده‌های عقبه قرارگاه‌های قدس و نجف بسیار ضروری می‌نمود، خصوصاً اگر به دلیل عدم موفقیت لشکر سیدالشهدا در تصرف سرپل، دید و تیر مستقیم دشمن از روی جاده برداشته نمی‌شد.

حافظت و غافلگیری

اعتقاد همه دست اندزکاران جنگ بر اینکه علت اصلی عدم موفقیت کربلای هوشیاری دشمن بوده

است، ضرورت فوق العاده غافلگیری دشمن را برای عملیات بعدی گوشزد می نمود، اما بین آنچه طبق معمول غافلگیری عنوان می شد و عجله و شتابی که برای آمادگی و شروع عملیات وجود داشت، تناقضی آشکار بود.

با شروع اقدامات آماده سازی منطقه بسیار شلوغ شد. جاده های اصلی مخصوصاً جاده اهواز - خرمشهر ابوبهی از انواع خودروهای سبک و سنگین و مهندسی و باری و... را بر روی خود تحمل کرد. در آخرین روزهای قبل از عملیات، منطقه عملیاتی به خصوص خط دوم از فرط شلوغی به گونه ای شد که فرمانده لشکر نجف (احمد کاظمی) آن را به بازارچه تشبیه کرده و گفت:

"اینکه خط نیست، بازارچه است! هر کجا یش دشمن آتش بزید، هدف است."

همچنین در آخرین جلسه هماهنگی، برادر کاظمی نظر خود را در مورد هوشیاری دشمن چنین بیان کرد:

"خدا و کیلی همه چیزمان را عراقی ها می فهمند. لوله توپ ها که از این طرف، جهت مأشین ها همه به این طرف، خرمشهر هم که دیگر خبری نیست. با این [برج دیده بانی کارخانه] پتروشیمی عراق که مثل این است که دشمن یک کمین توى آسمان داشته باشد این برای من روشن است که دشمن می داند."

فرمانده قرارگاه قدس سعی می کند که در این نظر تردید ایجاد کند، لذا می گوید:

«علوم نیست، این را نمی توانی پگویی»

با وجود همه شواهدی که نشان دهنده هوشیاری دشمن و در صد ناچیز غافلگیری او بود، دو موضوع در غافلگیری دشمن اهمیت زیاد داشت:

سرعت عمل:

هر چند دشمن از طرق مختلف به خوبی متوجه اقدامات و تحرکات خودی در منطقه شده بود، ولی در طول جنگ به خصوص سه چهار ساله اخیر سابقه نداشته که دو عملیات گسترده به فاصله زمانی کوتاهی از یکدیگر انجام شده باشد، به ویژه پس از عملیات ناموفق کربلای ۴، که از نظر دشمن ضربه سختی به اردوگاه خودی وارد شده و تا مدت ها توان روحیه عملیات برای ما باقی نگذاشته است. دشمن اگر تحرکات چند روز قبل از عملیات را نقل و انتقالات پس از عملیات کربلای ۴ تلقی نمی کرد، حداقل هرگز انتظار نداشت ما در کمتر از دو هفته آماده عملیات گسترده دیگری شویم. در نتیجه، هر چند امکان غافلگیری در مکان میسر نگردید، ولی دشمن در زمان غافلگیر شد.

وضعیت جوی مناسب:

وضعیت جوی در روزهای دوم و سوم (۱۶ و ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵) قبل از عملیات که از شلوغ‌ترین و فعال ترین روزهای قبل از عملیات محسوب می‌شد به گونه‌ای بود که دشمن هیچ گونه دیدی روی منطقه عملیاتی نداشت. از اوایل روز ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵ آسمان تیمه ایری بود و بر اثر وزش شدید باد از جنوب به طرف شمال، غبار غلیظی سطح زمین را تا ارتفاع چند متری پوشاند به طوری که منطقه از دید دشمن در امان بود و همه برادران آرزوی کردند این وضعیت ادامه یابد. روز بعد هم با آنکه آسمان صاف بود، وجود غبار در سطح زمین همچنان تحرکات خود را از دید دشمن می‌پوشاند. در آن دو روز هواپیماهای شناسایی دشمن امکان هیچ گونه فعالیتی نداشتند و آتشی نیز اجرا نگردید.

آخرین روز قبل از عملیات هوایاً صاف و بدون غبار بود و دشمن با استفاده از دید کاملی که به منطقه داشت، از اوایل صبح شروع به اجرای آتش روی محل استقرار دستگاه‌های زرهی، محورهای کار مهندسی و محل استقرار گردن‌های پیاده و واحدهای پشتیبانی نمود.

زمان بندی عملیات:

پس از قطعی شدن عملیات در منطقه شلمچه، ابتداء ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۵ سپس ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵ به عنوان زمان آغاز عملیات تعیین گردید.

در شب ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵ جلسه‌ای با حضور آفای هاشمی رفسنجانی و همه فرماندهان سپاه تا رده قرارگاه‌ها و چند تن از فرماندهان ارتش و دیگر مشغولان سپاه برای بررسی ساعت شروع حمله برگزار شد که با توجه به پیچیدگی‌های این موضوع، در بخشی طولانی، حتی آغاز عملیات در فردا شب مورد تردید قرار گرفت. مشکل اصلی بر سر راه تصمیم قطعی، وضعیت ماه بود. فردا شب آغاز تاریکی و بر طرف شدن مهتاب، ساعت ۲ بامداد بود و با توجه به مسافت طولانی که بعضی از یگان‌های قرارگاه کربلا باید تا خط دشمن طی می‌کردند، فرست کمی تا آغاز روشایی روز باقی می‌ماند و نیروها قبل از رسیدن به یک جا پای محکم با دشمنی روبه رو می‌شدند که آمادگی خوبی برای جنگ در روز داشت، مسئله مهمتر اینکه در این صورت یگان‌های قرارگاه قدس می‌باشد در روز یا قوایی آماده و هوشیار روبه رو می‌شدند و بدین ترتیب موقتیت چندانی برای نیروهای خودی متصور نبود.

بالاخره پس از بحث بسیار و نظر خواهی آفای هاشمی از فرماندهان در مورد تصمیم‌گیری قطعی

و عدم اعلام نظر قطعی آقای هاشمی و برادر رضایی در یکی بررسی دو نفره، ساعت ۲ بامداد روز ۱۹/۱۰/۱۳۶۵ را به عنوان زمان شروع عملیات اعلام کردند. آقای هاشمی این تصمیم را چنین بیان کرد:

"ما با آقایان اینجا مشورت کردیم. با توجه به همه اظهاراتی که شده، نظر مان این است که ان شاء الله فردا شب انجام شود و فرماندهی آقای رضایی که حضور دارند اینجا تا لحظات آخر (قبل از عملیات) مسائل را زیر نظر دارند. اگر وضع فوق العاده پیش نیامد، همین طور که دستور داده عملیات انجام می شود. اگر ایشان تشخیص داد که خواست متوقف کند، ایشان این حق را دارند که متوقف کنند. ولی فقط ایشان این حق را دارند؛ یعنی فرماندهان دیگر این حق را ندارند...".

* گزارش یک تصمیم‌گیری (کربلای ۵)

در آخرین شب از فرصت تعیین شده برای کسب آمادگی برای انجام عملیات جدید، تلاش‌های بی‌وقفه همچنان در اوج خود قرار داشت. گزارش‌های پی در پی که به فرماندهی کل سپاه می‌رسد، حاکی از آن است که کارها با سرعت و جدیت پیش می‌روند.

منطقه عملیاتی به شدت شلوغ و در هرگوشه آن بیگانها و واحدها به اقدامات مربوطه مشغول هستند. در دو روز اخیر زمین منطقه با کارهای مهندسی و جاده‌کشی و استقرار نیروها و تجهیزات ناگهان به کلی تغییر یافته ولی وجود گرد و غبار شدید همراه با مه، تمامی این تحرکات را از دید دشمن پوشانده است. خبر می‌رسد که در برخی نقاط حتی فاصله ۱۰۰ متری به زحمت قابل روئیت است. کلیه کادرهای عملیاتی و فرماندهان و مسئولین برای پیگیری و سرعت دادن و انجام امور بسیج شده‌اند و با وجودی که قرار است آقای هاشمی در همین شب به قرارگاه خاتم یک آمده و آخرین جلسه بررسی و پیگیری امور را برگزار کند، به جز فرمانده کل سپاه و تنی چند از معاونین و مشاورین، سایر برادران هنوز به قرارگاه مراجعت نکرده‌اند، حتی برادران شمشانی و رحیم صفوی تا ساعتی پس از

* این گزارش را راوی قرارگاه خالق‌الآباء (ص) در میان سال ۶۵ نوشته است. در این گزارش روند تصمیم‌گیری بسیار سخت و مشکل درباره آغاز عملیات کربلای ۵ کاملاً تذبذبی شده است. برای ذوک بهتر متن خاطرات روزهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ دی را مطالعه ناید.

عکس جبهه

آمدن آقای هاشمی، به دنبال کارها هستند و هنوز برای شرکت در جلسه در قرارگاه حاضر نشده‌اند. در مجموع مشکلات باقیمانده، تحت الشاعع اقدامات انجام شده است و وضعیت، حاکی از آن است که عملیات در زمان تعیین شده (فردا شب) انجام خواهد شد. البته این مسئله ناشی از رفتار و بروخورد های برادر محسن است و دیگران، اما و اگر هایی در ذهن دارند که در سیر پرشتاب پیشرفت کار، چندان مجال بروز و ظهور نمی‌باید.

حضور آقای هاشمی در قرارگاه:

آقای هاشمی دقایقی پس از ساعت ۲۲ (۱۳۶۵/۱۰/۱۷) به قرارگاه می‌رسد و قبل از آن که برادران حاضر شوند و جلسه اصلی تشکیل گردد، با برادر محسن به گفت و گو می‌پردازد. آنچه در این جلسه خصوصی طرح گردید نشان دهنده وضعیت و موقعیت از دیدگاه فرماندهی کل سپاه است. برادر محسن رضایی طی گزارش اجمالی اقدامات انجام شده و همچنین ضمن پاسخ به سوال آقای هاشمی و توضیحات لازم در مورد کارهای باقیمانده و تدبیر اتخاذ شده، در واقع اعلام می‌کرد مشکلات لایحلی که منجر به توقف شود، باقی نماند و عملیات انجام خواهد شد. قسمتی از گفت و گوهای انجام شده ذیلاً ارائه می‌شود:

گفت و گو با موضوع کمبود زمان و تراکم کارهای لازم شروع شد.

برادر محسن رضایی: مقداری عجله شده.

آقای هاشمی: چرا عجله، چند روز هم دیر شده.

برادر محسن: خشایارها حاضر نبود.

آقای هاشمی: شما که اینها را در هور به کار می‌گرفتید، دیگر چه...؟

برادر محسن: مقداری کوتاه کردن اپایه لاورها طول کشید [زمان لازم برای] آموزش غواص‌ها، چون [منطقه] با هور فرق دارد و غواص‌ها باید سینه‌خیز بروند.

آقای هاشمی: اینها که آموزش نمی‌خواهد.

برادر محسن: منطقه جای استقرار بیگانها را تدارد و خیلی محدود است.

آقای هاشمی: قبلاً لشکرهای دیگر بوده‌اند.

برادر محسن: مشکل لشکر ۴۱ هنوز حل نشده.

آقای هاشمی: ۴۱ از اول مخالف بود.

برادر محسن: حالا از همه موافق تر شده.

سپس اقدامات انجام شده و برخی نکات مربوط به عملیات مطرح می‌گردد.

برادر محسن (ضمون توضیح مانور و برخی نکات مربوط به یگان‌ها): یک مقداری شناسایی‌ها در روحیه‌ها مؤثر بوده، یک مقداری پل کوثری که قرار شده بزئیم، یک تعداد خشایارها به دست بچه‌ها رسیده که مؤثر بوده و یک مقدار اطمینان‌ش بعتر از گذشته است.

آقای هاشمی: وضع بعتر شده‌ها؟

برادر محسن: لشکر سید الشهداء یک سری شناسایی‌هایی کرده، که امیدوارکننده است، ان شاء الله، رفته‌اند تا پشت دشمن را شناسایی کرده‌اند.

برادر محسن به تلاش‌های اصلی مانور اشاره می‌کند و می‌گوید:

سه سرپل حیاتی در منطقه داریم (روی نقشه سرپل پشت کانال ماهی، نوک جنوبی کانال و جاده آسفالت جلوی شلمجه را نشان می‌دهد) برای اینکه عملیات مان قفل نشود، باید این سه گره با آتش توپخانه و ادوات و... حل شود و بچه‌ها بکشند داخل و حرکت پیاده و مکانیزه شروع شود و بعد در عمق جنگ سختی داریم که با آتش توپخانه و زرهی باید کار کنیم که الحمد لله آمادگی مان لاز این نظر [خوبست]. ۲ گردان تانک داریم، یعنی دو تا + ۳ دستگاه، زرهی ما که راه بیافتد در قلب دشمن و اولین نیروهای ما که آنجا بر سند دیگر تمام است. (امیدواری زیاد است)

آقای هاشمی: دشمن هم که زرهی دارد.

برادر محسن: عرصه بیش تنگ می‌شود، عیدان مانورش تنگ می‌شود.

آقای هاشمی: چرا؟

برادر محسن: در این صورت زمین ندارد برای مانوره و وقتی ما از این جاده رد شویم (جایی که از آن پس زرهی وارد می‌کنیم) دیگر با دشمن قاطی می‌شویم.

سپس گزارش تشکیل سه قرارگاه پشتیبانی در کنار قرارگاه‌های عمل کننده همراه با محسنات و پیامدهای راه‌گشای این اقدام، داده می‌شود. توضیحات برادر محسن به نحوی است که خود به خود قوت قلب می‌دهد. وی سپس اضافه می‌کند:

"به یگان‌ها گفته‌ایم تا ۴۸ ساعت روی جاده‌ها حساب نکنند برای اینکه مدام مسئله (حل نشده احتمالی) جاده مشغول شان می‌کنند، گفته‌ایم که طوری برنامه‌ریزی کنند که فقط متکی به ابتکارات

عبور آبی باشند اما به مهندسی گفته ایم تا صیغه باید جاده ها تمام شود.

نهایتاً جمع بنده این است که در عملیات زرهی خواهیم داشت، از توپخانه استفاده مؤثر خواهد شد، البته مقداری کنده در اول کار ممکن است باشد که با آتش باید حل شود، البته دشمن هم باید خیلی هوشیار باشد که زودتر از آن پیش بینی می کنیم، کنده نشویم".

برادر محسن روی این قید آخر زیاد مکث نمی کنند و آقای هاشمی نیز حساسیتی نشان نمی دهد، جلسه از این به بعد به مباحث حاشیه ای کشیده می شود و مسائلی از قبیل تراکم ۷۰ کشته در جلوی بصره، پل متخرک سندباد که سابقاً جهت عبور کشتی ها بالا و پایین می رفت، لرزم گرفتن توب سنگین (۲۰۳ برای کوییدن منطقه) و (۱۷۵ جهت کوییدن شعیبیه) از ارتش، پیش می آید.

برادر رحیم صفی وارد می شود، اتا بعضی از برادران از جمله شمخانی هنوز نیامده اند و گفت و گوهای پراکنده ادامه می یابد.

آقای هاشمی (خطاب به برادر رحیم): قرار گاهتان را کجا زده اید؟

برادر رحیم منطقه ای را نشان می دهد و این باعث بحث کوتاهی در زمینه لرزم حضور فرماندهان در جلو و مخاطرات احتمالی می شود.

آقای هاشمی: چرا این قدر جلو است؟

برادر محسن: باید کنترل کنیم.

آقای هاشمی: با جلوبردن؟

برادر محمدزاده: برادرها (فرماندهان قرار گاهها و لشکرها) عقب می آیند برای جلسه و...

برادر محسن: اگر بگویید نفربرهای ام ۱۱۳ بدنه برای فرماندهان خیلی خوبست، اینها که وصیت هایشان را نوشته اند ولی... از این نفربرها دو تا داده اند به من و آقا رحیم و شمخانی، خیلی مناسب است ارتباط دارد و...

آقای هاشمی: این را زیاد دارند؟

برادر محسن: اینها که گرفته اند برای ما صفر کیلو متر است.

آقای هاشمی از هوشیاری دشمن سوال می کند و بحث عوض می شود و...

برادر محسن: شام خوردید شما؟

دیگر صحبتی باقی نمانده و همه مشترک جلسه اند، آقای هاشمی که ظاهرآ در جو جلسه جایی برای نگرانی، از آن نوع که سابقاً مطرح بود، نمی بیند چیزی به یاد می آورد و می برسد؛ رشید قبلآ موافق

نیود، الان چه نظری دارد؟

چند ثانیه مکث جلسه.

برادر محمدزاده: اصولاً بچه‌ها تردید دارند.

آقای هاشمی: همه تردید دارند؟

برادر محمدزاده: بله، به هر حال با مشکل بودن کار و کمی وقت و...

آقای هاشمی: از چیش تردید دارند؟

برادر محمدزاده: از اینکه بشود هدف را بگیرند، مشکلات دارند چون واقعاً عملیات جدیدی شد و مدت خیلی کم است.

چند ثانیه سکوت جلسه نشان می‌دهد که به خصوص از سوی برادر محسن، تمایل و زمینه‌ای برای ادامه بحث وجود ندارد و برادر محمدزاده موضوع را عوض می‌کند.

دیشب اگر اینجا می‌آمدیم، برادر محسن، کانال سلمان را کرده بود یک نهری، خیلی عجیب بود.

آقای هاشمی: آب انداخته بودند.

مقداری راجع به مانور خشایار و کاربرد آن و اینکه اگر ۱۵ روز زودتر می‌رسید، چه نتایجی گرفته می‌شد و... صحبت می‌شود. هنوز برخی برادران از منطقه نیامده‌اند.

آقای هاشمی: اگر جلسه طول خواهد کشید، ما یک کمی استراحت کنیم تا بچه‌ها بیایند. در شرایط طبیعی، نحوه شروع، ادامه و پایان یافتن جلسه نشان می‌دهد که در رده فرماندهی کل جنگ و سپاه در مورد عملیات، مسأله چندانی وجود ندارد ولی در شرایط جدید، این گونه جلسات کافی نبود و همان گونه که در مباحث ذکر شد، آقای هاشمی پس از کربلای ۴ به ورود و دخالت در جزئیات بیشتر تمایل نشان می‌داد. و در واقع جلسه بعد، که شرح آن خواهد آمد، در نظر آقای هاشمی، چیزی بیشتر از یک جلسه توجیهی بوده و حالت تعیین کننده داشت.

تشکیل جلسه

در ساعت ۲۰:۲۳، پس از حضور کلیه برادران مورد نظر در قرارگاه، جلسه تشکیل شد. پس از تلاوت قرآن، ابتدا برادر محسن رضایی به طور اجمالی از کلیات اقدامات انجام شده گزارشی داد که نشان می‌داد آمادگی‌های به دست آمده و در برخی زمینه‌ها تیز عقب افتادگی‌هایی وجود دارد که تا فردا حل خواهد شد. سپس به وضع دشمن اشاره کرد که به جز تحرکاتی در ۵ ضلعی، مطلب خاصی نداشته است. برادر محسن اشاره کرد که برادران جزئیات را توضیح خواهند داد و افزود:

٥٧٩ اوج دفاع
ضمانیم

عکس جبهه

"همه برادران دیگر به صورت جدی آماده شده‌اند. ان شاء الله اینجا صداقت‌شان را نسبت به خداوند متعال و امام عزیز و شما مستولین شان می‌دهند و امیدواریم از این آزمایش [موفق] بیرون بیایند و از همه چیز خودشان آماده شوند که بگذرند و ان شاء الله موفق هم خواهند شد. به قول حضرت امیر (ع): خداوند صداقت ما را دید و ما را موفق کرد، اگرچه سوالات و ابهامات در ذهن برادران هست اما خود این راه ما به فال نیک می‌گیریم. که همیشه هر وقت سوالات زیاد بوده ما موفق بوده‌ایم و هر وقت خوشبیتی داشته‌ایم با شکست مواجه شدیم. امیدواریم که در این میدان آزمایش همه‌مان روسفید بیرون بیاییم و بتوانیم یک حداقل کاری را انجام بدھیم."

تحووه شروع جلسه نشان دهنده مساعد بودن وضعیت است و امیدواری فراوانی را نشان می‌دهد، آقای هاشمی نیز در همین زمینه می‌گوید: "تشکر داریم از برادران که علیرغم فترتی که پیش آمد، روحیه‌ها را و تسلط بر خودشان را حفظ کردن و سریعاً برای ادامه کار آماده شدند. با ادله قطعی قرآنی، مابا آمادگی که در برادران مان می‌بینیم، مستحق نصر خداوند هستند (ان شاء الله حضار) هر چه خداوند تقدیر کرد، ما تابع همان هستیم و آن را خیر خودمان می‌دانیم. با ادله قرآنی زمینه نصرت الهی را درک کردید، ان شاء الله خداوند نصرش را نازل می‌کنند".

در ادامه جلسه برادر [غلامرضا] محرابی [مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا] درباره وضعیت و حرکات دشمن، شناسایی‌های الجام شده و وضعیت عمومی منطقه به خصوص آب‌گرفتگی، مفصلأً توضیح می‌دهد و به سوالات آقای هاشمی پاسخ می‌گوید و سپس برادر [احمد] غلامپور [فرمانده فرارگاه کربلا] پیرامون مأموریت قرارگاه کربلا و مسائلی چون سازمان رزم قرارگاه، مانور یگان‌ها و... گزارش مبسوطی ارائه نمود.

تا پایان گزارش برادر غلامپور که حدود یک ساعت از شروع جلسه می‌گذرد، روال جلسه عادی و متناسب با مضمون گفت و گوهای قبلی و شروع جلسه است و تنها در آخرین گزارش فرمانده قرارگاه کربلا، مقداری درباره کانال زوجی و نحوه پدافند در آن و پیش‌بینی‌ها و احتمالات مربوطه بحث می‌شود و مختصر ابهامی باقی می‌ماند به تحوی که آقای هاشمی با مختصراً و اگرهایی اشاره می‌کند که حالا بقیه برادران هم بگویند که مهمترین مسئله همین پایان کار اینجا است.

به خلاف آنچه تاکنون از مقاد جلسه حاصل می‌شد، با شروع گزارش برادر [عزیز] جعفری [فرمانده قرارگاه قدس] و توضیحات وی راجع به مانور و مشکلات مربوطه، به تدریج جو جلسه تغییر می‌یابد. قبل از برادر جعفری، وقتی از زمان حضور مجدد آقای هاشمی در منطقه مطلع شده بود، به اطلاع برادر شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] می‌رساند که وی تصمیم دارد با آقای هاشمی راجع

به مسائلی که نسبت به عملیات در ذهن دارد، صحبت کند، لیکن فرصتی فراهم نشد و ظاهراً همان مطالب در قالب گزارش توضیح مشکلات در همین جلسه طرح گردید و باعث شد روال بحث‌ها تغییر کند. نکته مهم اینکه آقای هاشمی، برخلاف جلسات قبل، این بار روی ابهامات می‌ایستاد و بحث می‌کرد.

برادر عزیز جعفری پس از آنکه مانور گلی قرارگاه و یگان‌های تحت امر را توضیح داد، به عبور مسئله زمان آن پرداخت، در این رابطه مسئله عقبه و تراپزی نیرو مطرح گردید و نتیجه این شد که عملیات په روز خواهد کشید حتی اگر غافلگیری هم باشد و دشمن در موضع آماده خود تا آن زمان استقرار خواهد یافت و نیروهایش را پس خواهد زد.

پس از حدود ۲۰ دقیقه از گزارش برادر عزیز جعفری که ضمن آن بعضی برادران نیز سوالات و توضیحاتی داشتند، آقای هاشمی به نتایج جدیدی می‌رسد و اولین آثار نگرانی و تزلزل در این زمان ظاهر می‌گردد.

آقای هاشمی: شما با همه محاسباتی که دارید، می‌گویید اگر در وضع فعلی بخواهد عملیات شود، روز وارد عمل خواهد شد.

برادر جعفری: بله، به روز کشیده می‌شود.

آقای هاشمی: روز هم که قاعده‌نمی توانید اینجا بجنگید.

برادر جعفری: من مطمئنم، یعنی با این پیش‌بینی هایی که دشمن [اینجا]کرده و با این عبور از نهرهای ما و این موضع مسلط دشمن [ا]، عمل در روز کار آسانی نیست و باید شب باشد. سپس بحث به اینجا کشیده می‌شود که دشمن در چه خطوطی نیروی کامل دارد و چگونه با شروع عملیات جاهای خالی را پر خواهد کرد و اینکه از کانال‌ها و نهرها و آب گرفتگی‌ها چگونه عبور خواهد نمود و... در آخر،

آقای هاشمی: پس مطلقاً شب اول نمی‌رسد ایشان؟

برادر جعفری (با خنده): نه.

برادر رحیم صفوی: اگر آن نون شکلی‌ها را بگیرند، اگر آن گرفته شود، این‌ها شب اول می‌رسند.

برادر جعفری: بستگی دارد. من نمی‌دانم روی ساعت (س) چه قصیمی گرفته شده، یک بحث ما وجود مهتاب است، مگر اینکه فردا شب یک ابر تاریک تاریک باشد. از آقای فضلی که امشب در جلسه سوال می‌کردم گفت که یک محور شان چهار ساعت وقت می‌خواهد.

اکنون یک موضوع جدید به بحث اضافه شده است.

پس از گفت و گوهایی معلوم می شود که به گفته هواشناسی، امشب و فردا شب هوانیمه ابری است و از آن به بعد، دیگر تا ساعت ۲۲ صاف خواهد بود.

بحث های فراوانی راجع به مهتاب، دید دشمن، دوربین مادون قرمز، ساعت (س)، وضع نیروهایی که می خواهند مسافت طولانی را در آب گرفتگی طی کنند، انجمام می شود و آقای هاشمی و برادران محرابی، شمخانی، جعفری و در یکی دو مرد برادر محسن، مسائلی را مطرح می کنند و سپس آقای هاشمی نتیجه می گیرد که خوب اگر این طور که شما می گویید که هیچ وقت نمی توانیم عمل یکنیم، برای اینکه فرض می کنیم که الان عمل نکنید، برویم شب بیستم.^۱ آقای غلامپور می گوید چهار ساعت حداقل وقت لازم است تا تیپ الغیر بخواهد خودش را به خط برساند، شما در آن شب اول غروب...

برادران توضیح می دهند که در آن صورت، حدود ساعت ۲۰:۳۰ می توان به خط زد و زمان پیش بینی شده برای پاکسازی برای نیروهای عبور کنند، حداقل از ۳ تا ۷ صبح فرصت عمل باقی می ماند اما در ادامه بحث، مشکلات پشتیبانی محورهای دیگر و... نشان می دهد که حتی در این وضعیت هم امیدواری چندان بالا نیست، به هر صورت گزارش قرارگاه قدس خاتمه می یابد و آقای هاشمی از برادر [مصطفی] ایزدی [فرمانده قرارگاه نجف] می خواهد که اوضاع قرارگاه نجف را گزارش دهد اما برادر عزیز جعفری یک مطلب دیگر را نیز مطرح می کند که بر نگرانی ها افزوده می شود.

برادر جعفری: مشکل دیگری هم هست و آن اینکه این دو روز هوا خیلی خوب بوده یعنی الحمد لله اصلاً دشمن روی جاده ها و منطقه که اصلاً دید نداشت یعنی هوا [پراز] عبار و مه بود، اگر فردا دید خوب باشد، منطقه وضعیت خیلی ناجوری دارد. خدا خدا کنیم که فردا هوا خراب باشد، همه جاده ها توی دید دشمن است.

آقای هاشمی که با مشکل تازه ای مواجه شده می برسد: چرا، [مگر] فردا می خواهیم فعالیت مهندسی باشد؟

برادر جعفری: فعالیت باید باشد یعنی کارهای توپخانه عقب است، یک سری جاده دارند می زند، یک سری امکانات بچه ها می آورند پای کار، این کارهایی که توی منطقه هست، این تحرکی که توی منطقه هست، اگر فردا خدای ناکرده دید خوب باشد، با این وضعیتی که آقای محرابی می گوید، دیگر

۱ - شب بیستم مهتاب نیست و از تمامی مدت تاریکی شب می توان استفاده نمود.

دشمن صدر صد متوجه می شود.

سپس برادر ایزدی به توضیح مأموریت قرارگاه نجف و مانور بگانهای تحت امر پرداخت و مسئله بحث انگیز در این قسمت از جلسه، عملیات لشکر ۲۱ امام رضا(ع) در روی نوک بوارین بود. برادر ایزدی: ما عمدتاً اینجا را به عنوان تک پشتیبانی در نظر داریم، با وضعیت منطقه و سلط دشمن، امکان اینکه بتوانیم بمانیم را نمی بینیم. حالا فرضًا آن شاه الله بتوانیم بمانیم، از این سمت تقریباً غیر ممکن است. با این حال گفتیم تیپ ۱۲ قائم از اینجا هم مانور بچیند برای ادامه حرکت اماً عمدتاً توجه روی عبور از لشکر ۵ نصر است (بالای بوارین).

آقای هاشمی با عمل عملیات از نوک بوارین، چندان موافق نبود و استدلال می کرد نیروهایی که وارد اینجا بشوند منهدم خواهند شد، اما برادر محسن روی ضرورت انجام تک پشتیبانی در این منطقه تأکید داشت و نظر می داد که به فرض اینکه دشمن به سرعت قادر خواهد بود که در منطقه اصلی تحرکر دهد، امکان فعل شدن عملیات نیز وجود خواهد داشت. برادر محسن در ادامه تأکید کرد: "ما باید حتماً به عنوان یک عملیات پشتیبانی آنچا عمل کنیم، ضمن اینکه این بوارین یک منطقه خیلی بزرگی است، یک کمین که نیست، دو تیپ دشمن در آن استقرار دارد. اگر ما آن گوش اش را نگیریم و بخواهیم از این عقب بیاییم، لقمه خیلی بزرگی است."

آقای هاشمی: نه، شما اگر این عقبش را بگیرید، خود به خود دشمن توی بوارین نمی ماند.

برادر شمخانی: چرا وصل می کند

آقای هاشمی: وصل می کند به کجا؟

برادر شمخانی: ام الرصاص، بلجانیه

آقای هاشمی: نه، به ام الرصاص پل ندارد.

برادر شمخانی: تدارک می کند.

برادر محسن: نه، سریع پل می زند، کمتر از ۲۴ ساعت، کاری ندارد، توی بیت المقدس همین کار را کرد (نیروهایی که برد از اینجا)، سریل هایش هم آمده است، اینجا پل می زند، تقویت می کند و به ما فشار می آورد.

بحث از مسئله تک پشتیبانی دور شده و اذهان به موضوع تصرف جزیره بوارین و عکس العمل دشمن معطوف گردیده است، برادر محسن مجدداً مسئله ضرورت تک پشتیبانی را یاد آوری می کند: "این تنها پشتیبانی عملیات است، ما می خواستیم جزیره مینو و جزیره جبوی عمل کنیم، این دو نا نشد، اینها اگر حذف شود دیگر این عملیات هیچ تک پشتیبانی ندارد".

آقای هاشمی: همین نیرویی که می‌خواهد اینجا عمل کند، جزیره جنوبی موفق تر است.

برادر محسن: چرا؟

آقای هاشمی: برای اینکه یک تکه از پل را هم بگیرد، آنجا عملیات جدی تر هم تلقی می‌شود.

برادر محسن: نه، اینجا مؤثر است، آنجا عمل کنیم، اگر بگیرد هم کاری نمی‌توانیم بکنیم، باید

برگردیم، اما اینجا اگر بگیرد قابل اتصال است.

برادر ایزدی: با وضعیتی که این جاده‌ها دارد، باید حداقل ۴۸ ساعت، مانع اید روی عبور خودرو از آن حساب کنیم. دشمن با توجه به آگاهی که نسبت به منطقه دارد، وقتی متوجه شود که عملیات فقط در این نقطه است یقیناً همان طور که برادر محسن فرمودند، اینجا را می‌بندد.

آقای هاشمی: اینجا هم بعد از ۵ ساعت، صبح زود می‌فهمد که اینجا آن قدر نیست.

برادر ایزدی: همین فرصت برای ما مغتنم است.

برادر محسن: اینجا اگر بگیریم برای ما مهم نیست که یک کیلومتر برویم یا دو کیلومتر، مهم این است که ما برویم آن طرف نهر خین. دشمن از این وحشت دارد و تا ما را بیرون نکند همچنان در وحشت و نگرانی است. مهم این نهر ۵۰ متری است که عبور از این مشکل شده.

آقای هاشمی: فرض بر این است که لشکر نصر رسیده و عقب بوارین را گرفته، در این صورت شما از نهر خین عبور کردید اینجا، خین اینجا هم هست.

مجددآ بحث می‌شود و برادر ایزدی مجددآ به این مسأله اشاره می‌کند که باز شدن جاده ۴۸ ساعت طول خواهد کشید. بنابراین محور بالای بوارین تا این زمان وارد عمل نخواهد شد. در اینجا آقای هاشمی روی این مطلب درنگ می‌کند.

آقای هاشمی: اگر شب اول وارد نشود دیگر نمی‌تواند.

برادر ایزدی: خوب

آقای هاشمی: تحقیقاً دیگر نمی‌توانید، یعنی واقعاً اگر مانور شما این طور باشد که مصلحت نیست وارد شویم، برای اینکه فرض کنید فردا صبح ۵ صلغی راهم گرفته باشید، دشمن از اینجا از آب و زمین نیرو می‌ریزد و عوارض به این مهی را هم دارد، آتش هم دارد. دیگر چطور می‌توانید او را بزرگ عقب؟

برادر ایزدی: حالا ان شاء الله که شب اول بشود ولی...

پس از چند دقیقه بحث، سراجام با این گفته برادر ایزدی که یگان‌ها بنا بر وضعیت ادامه تک خواهند داد، گزارش قرارگاه نجف نیز بدون رفع کامل ابهامات، تمام گردید.

پس از گزارش سه قرارگاه و گذشتن حدود دو ساعت از جلسه، آقای هاشمی جلسه را با دستور العمل زیر ادامه می‌دهد:

”خیلی خوب، حالا دورنمایی روشن است از وضع، حالا آقایان که نظری دارند صحبت کنند“.

دیگر.

سپس نظر سرهنگ حسنی سعدی فرمانده نیروی زمینی ارتش را جویا می‌شود. از آنجاکه وی در به جلسه رسیده بود، برادر غلامپور یک بار دیگر جهت اطلاع، مختصراً مأمور قرارگاه کربلا را توضیح می‌دهد. سرهنگ حسنی سعدی نظر می‌دهد که اگر نیروها در همان شب اول به نهر جاسم برسند، ادامه عملیات میسر خواهد بود و لازمه این حرکت نیروها از ساعت ۷ الی ۸ شب است که فرصت کافی برای کار باشد. آقای هاشمی اشاره می‌کند که در فرض یاد شده نیز ادامه عملیات دیگر مقدور نخواهد بود و دشمن با استفاده از فرصت به دست آمده اجازه پیشروی بیشتر نخواهد داد و بایستی همان شب اول به دژ پشت کanal زوجی برسیم. سرهنگ حسنی می‌گوید که با آمادگی بعدی می‌توان از نهر جاسم به طرف جلو حرکت کرد و حتی در وسط زمین منطقه نیز در روز خود را حفظ نمود، خاکریز هم می‌توان رد و اضافه می‌کند: ”به هر صورت اینکه یک شب به نهر جاسم هم برسیم مشکل است، چه بررسد به اینجا (دژ پشت کanal زوجی)“.

برادر جعفری: یک شبه غیر ممکن است.

سرهنگ حسنی سعدی: فاصله ۶-۵ کیلومتری باقیمانده را، در شب بعد، وقتی نیروی تازه نفس پای کار است و از سر شب فرصت دارد، می‌توان عمل کرد.

برادر جعفری: ولی باز می‌رود تا یک کیلومتری، دو کیلومتری کanal باز هم عبور از کanal دوباره...

سرهنگ حسنی سعدی: بله، عبور از کanal دیگر مشکل می‌شود، مسئله می‌شود اینجا.

برادر جعفری: بایستی در یک کیلومتری کanal خاکریز زده، دوباره...

آقای هاشمی: اگر ما اینجا متوقف شدیم و نرفتیم جلو، دشمن تا شب وقت دارد نیرو بچیند.

برادر محسن: الان مشکل ما پدافتند در وسط این منطقه است، این مسئله‌ای نیست خاکریز هم زند

می‌مانند.

آقای هاشمی: نه، من می‌گویم اصلاً نمی‌گذارد برویم جلو، دیگر بیدار شده.

برادر محسن: باشد، جنگ است دیگر، یعنی او توی مواضعش نیست، ما هم وضع مان....

آقای هاشمی: مواضع که دارد.

برادر محسن: دیگر جاده‌هایمان باز شده و می‌جنگیم. (پس از مقداری بحث)

آقای هاشمی: اگر شب اول نگیرید آن دژ را، دیگر باید از آن صرف نظر کنیم، برای اینکه آن دژ تحقیقاً طرف روز بعد پرپر می‌شود.

برادر محسن: حالا یک کیلومتر آن طرف ترش [حداکثر] می‌رویم می‌مانیم تا یک بازسازی کنیم.

آقای هاشمی: بله، حداکثر با یک تلفات زیاد ما... (مکث کوتاه) تا تیررس تانک (اگر ۳ - ۴

کیلومتر را می‌زند) دیگر شما نمی‌توانید خاکریز بزنید، نمی‌گذارد، تانک می‌چیند کاملاً روی آن دژ، محدودیتی هم ندارد، یک ردیف...

برادر محسن: خاکریز را که شب می‌زنیم.

آقای هاشمی: شب مگر تانک نمی‌تواند بزند؟

برادر محسن: شب می‌رویم تا خود کانال را پاکسازی می‌کنیم، یک کیلومتر پشت سرمان را خاکریز می‌زنیم، نیروها بر می‌گردند پشت آن.

آقای هاشمی: شب نمی‌تواند مرا حم خاکریز زدن باشد؟

برادر محسن: آتش می‌کند، اما نمی‌بینند بولدوزر را که نقطه‌ای بزند. همین طور تیر تراش مرتب می‌زند، تلفات هم بالاست، مثل فاو، مثل جاهای دیگر، تلفات هم خیلی بالاست ولی معمولاً ما در صورتی که زمین را بگیریم خاکریز مان را می‌زنیم. البته دستگاه باید بتوانیم بر سانیم که جاده‌ها را باز کنیم، دستگاه می‌توانیم بر سانیم.

آقای هاشمی: اگر روز اول اینجا بودید دیگر یعنی جاده‌ها باز است؟

برادر محسن: بله دیگر.

برادر شمخانی: این فشار تانک و آتش که دائمی است.

برادر محسن: از اون به بعد مسئله حل است، مشکل نداریم.

آقای هاشمی: بینید، اگر واقعاً توی...

آقای هاشمی می‌خواست نتیجه‌ای بگیرد اما باز هم ترجیح داد که نظرخواهی کند، بنابراین با یک لحظه مکث چنین ادامه داد.

"حالا آقایان دیگر نظری دارند بگویند تا یک نتیجه‌ای بگیریم، (مکث کوتاه جلسه) هر کس نظری دارد صریح بگویید، الان توی حرف‌هایی که آقای جعفری این‌ها زندند، مسئله مشکلات خیلی

٥٨٧ اوج دفاع
ضمائمه

عکس جبهه

برایشان بزرگ است اینجا".

در حالی که آقای هاشمی با تأکید برادران را به اعلام نظر تشویق می‌کرد، برادر محسن به نحو زیر نشان داد که با روال جلسه موافق نیست و سیر مباحثت را در جهت دامن زدن به تردیدها و ابهامات می‌بیند. وی علاوه بر اوری کرد که تعیین کننده شمردن مسائل برادر جعفری، که آقای هاشمی آن را به عنوان دلیلی بر ضرورت اعلام نظرهای صریح شمرده بود، درست نیست.

برادر محسن: این‌ها قرارگاه‌های ناظر هستند.

آقای هاشمی: همان؟

برادر محسن (با چاشنی خنده که موجب آزدگی برادران هم نشود): اینها قرارگاه ناظرند، قرارگاه عمل کننده که...

آقای هاشمی: آقای جعفری که قرارگاه عمل کننده است.

برادر محسن: منظورم این است که دنبال پشتیبان هستند.

آقای هاشمی: بالاخره مسئولیت سنگیتی هم دارد، یعنی این قسمت را او می‌خواهد بگیرد.

برادر محسن: آقای عزیز [جعفری] نگرانی توی این قسمت تدارد، ایشان نگرانیش این است که توی شب بتواند از اینجا (سلمچه) عبور کند.

آقای هاشمی: همین، خوب بالاخره ایشان معتقد است که شب اول نمی‌رسد.

برادر محسن (با تأکید): نگرانیش از آنجا اصلاً نیست.

آقای هاشمی: [او] معتقد است شب اول نمی‌رسد، ما هم فکر نمی‌کنیم اگر ایشان شب اول نرسد، دیگر از همین جا هم عبور نمی‌تواند بکند. دیگر از اینجا...

برادر محسن تلاش می‌کند بحث را شکل داده و از گسیختگی بیرون آورد، وی به سه نکته زیر اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که اینها از قبل هم روشن بوده است:

۱ - احتمال عدم غافلگیری وجود دارد، بحث تجربه ۵ الی ۶ سال جنگ در این منطقه است و با توجه به تسلط دشمن به منطقه از دکل پتروشیمی، برادران همه توجیه هستند این مسئله را.

۲ - اگر گیرهایی در وسط کار ایجاد شد، باید برای آن تدبیری اندیشید.

۳ - عدم اتکاء یگان‌ها به جاده‌های خشکی تا ۴۸ ساعت و فشار به مهندسی جهت بازگردان جاده‌ها طی چند ساعت اول عملیات.

برادر محسن اضافه می‌کند: "این فرضیات از اول بوده است، خوب حضر تعالی هم دستور فرمودید، برادران هم کار کردند منتهی چون زمان کم بوده یک مقدار عقب ماندگی وجود دارد ولی

برای این‌ها پیش‌بینی هایی شده است، اما ممکن است پیش‌بینی‌ها موفق باشد یا نه.

برادر محسن سپس توضیح می‌دهد که از سه سرپل مهم منطقه (قبل‌^ا به آن اشاره شده) دو سرپل آن حیاتی است که بایستی تأمین شود، وی پس از چند دقیقه توضیحات پیرامون تحوه حرکت و چگونگی استفاده از آتش زرهی و تحوه گسترش وضعیت ... نتیجه می‌گیرد که کار مشقات و مشکلات زیادی دارد ولی امیدواری وجود دارد، در اینجا این مسئله مطرح می‌شود که آیازمان کافی برای گرفتن سرپل‌های مذکور و کسب آمادگی برای گسترش وضعیت وجود دارد؟

برادر محمدزاده: شما مسئله‌ای را که می‌فرمایید با زمان تطبیقش بدھید و همه ابعادش را در نظر بگیرید.

برادر شمخانی: روشنایی ماه را می‌گویید.

برادر محسن: اگر ماساعت (۵ صبح) هم خودمان آن طرف کanal وصل بکنیم می‌شود، ضمن اینکه تیپ سیدالشهداء را که به این کمین‌ها می‌زند باید تقویت کنیم، این‌ها همه کارهایی است که باید بکنیم، یعنی این احتمالات برای همه جا هست، اینجا هم قابل پیش‌بینی بود که ممکن است اینجا گیر کنیم، خوب چکار باید کرد؟

برادر جعفری: یعنی در روز ادامه بدھیم؟ برادر محسن!

برادر محسن: اینجا در روز باید با تانک و آتش ادامه بدھیم... به هر حال عملیات مشکل‌ای اش روی همین است دیگر.

اکنون قضیه تا حد زیادی روش‌ن است، بر اساس خوشبیانه‌ترین نظرها که متعلق به برادر محسن است، با ادامه و انجام یک جنگ شدید و مشکل در روزه امیدواری به عملیات وجود دارد و برادر محسن با همین تلقی تأکید می‌کند که باید پای کار رفت.

آقای هاشمی باز هم سؤال می‌کند: آقایان دیگر حرفی ندارند؟

برادر غلامپور که مسئولیت اصلی در شروع عملیات را به عهده دارد، لزوم سرعت عمل برای رسیدن به جا پای مناسب و مشکلات عقبه و تراپری را مجددًا مرور می‌کند. وی با آن که نظر قطعی و تعیین کننده‌ای نمی‌دهد، اثنا نشان می‌دهد که نگرانی‌های عمدۀ‌ای در موارد ذکر شده دارد.

ظاهرًا دیگر کسی تمایل به اعلام نظر ندارد. آقای هاشمی نظر سرهنگ لطفی را جوای می‌شود. سرهنگ لطفی: ما صحبتی یا آقای رضایی کردیم که با توجه به وسائل دید شبانه و دستگاه‌های شنود رازیت که دشمن دارد، این عملیات از اول کشف شده است. ما وقئی عملیات شبانه می‌کنیم تا زمانی که کشف نشده غافلگیری را در خود دارد، یعنی با توجه به این وسائل کشف شده است، بنابراین

باید زمان را تطبیق بدهند و برسند، یعنی باید هر چه زودتر شروع کنند، اگر به این فرصت بمانند که تاریک شود، با این زمان کم خواهد رسید.

در ادامه سرهنگ لطفی برای رسیدن به نقاطی که لازم است به عنوان جایا، گرفته شود به آش و حرکت سریع خشایارها در حمل نیرو و اشاره می‌کند. ولی همچنین در جواب سوال آقای هاشمی میزان موقیت در عبور از کانال ماهی که حرکت تهدید کننده‌ای برای دشمن است را به تعداد خشایارها و حرکت آنها وابسته می‌داند. پس از سخنان سرهنگ لطفی، نظرخواهی ادامه می‌یابد.

آقای هاشمی: شما آقای دکتر روحانی چیزی نگفتید، خواهید؟ خواهید شما؟

آقای روحانی: آن آخرش قدری من خواب بودم.

آقای هاشمی: نظری ندارید؟

آقای روحانی پس از قدری سکوت، به احداث حاکریز پشمehادی در جلسه و نقشی که قبل از برادران برای کانال زوجی قائل بودند، اشاره مختصرو می‌کند و سپس یادآوری می‌نماید که برای تراپری نیروها در آب گرفتگی آسیب‌پذیر است و ممکن است موج اول را برساند اما در موج‌های بعدی ایجاد اشکال کند.

واضح است که بحث‌ها به تدریج حاشیه‌ای و تکراری است و مخاطب قرار دادن افراد جلسه توسط آقای هاشمی و وادار کردن آنها به اظهارنظر نیز نمی‌تواند به تعیین تکلیف و روشن تر شدن وضعیت کمکی بکنند؛ از این رو آقای هاشمی در صدد است نظرخواهی را تمام کرده و خود به صحبت پردازد. قبل از آن سرهنگ حستی سعدی نکته‌ای را تذکر می‌دهد: "من یک نکه را اشاره کنم، در جنوب قوی ترین جبهه دشمن اینجا است. باید خیلی دقیق و حساب شده کار کرد تا بتوانیم واقعاً مطمئن عمل کنیم. باید خیلی دقیق و حساب شده، درست، قدم به قدم رویش محاسبه بکنند در جهت پای کار آوردن نیرو، بعد شکستن خط، رسیدن به هدف، که انشاء الله این خط را [بتوانند] تأمین کنند".

آقای هاشمی مجدداً خطاب به اعضای جلسه گفت: خوب حالا، آقیان که دیگر نمی‌خواهند صحبت بکنند، من هم بگویم یک قدری، بعد به نتیجه‌ای برسیم.

"بسم الله الرحمن الرحيم. اولین مطلب این است که انصافاً اشتباه کردیم اینجا نجتگردیم. اگر به جای جنگ‌هایی که هر جا کردیم، جزیره مجنون، بدر، این شهداًی که دادیم، اینجا حساب شده شهید می‌دادیم و می‌رفیم جلو، ارزش اینجا خیلی بیشتر از جاهای دیگر بود. حتی در عملیات متوقف شده‌مان [کربلا] ^[۱۴] اگر اینجا را محور اصلی کرده بودیم، ادامه داده بودیم، اینجا بهترین جا بود.

غفلت کردیم که تایه حان اینجا نیامدیم، ما اگر یک مقنصل برویم جلو و خودمان را به نهر کتیبان بر سانیم اینجا را بردایم، در ۲ تا ۳ عملیات تمام کردایم [برادر شمخانی؛ این هدف رمضان ما بود] متوقف شدیم بعد هم چشم مان ترسید و از اینجارت قیم، هر جا کار کردیم چیز حسابی به دست نیاوردیم غیر از اینکه جنگ را گرم نگه داشتیم، پس اولین چیزی که می فهمیم اینکه باید روی اینجا کار کنیم، مسئله دوم که مهم است اینکه اگر ما الان خواهیم اینجا بجنگیم، معلوم نیست دیگر کی می توانیم بجنگیم، البته اگر بد بجنگیم خیلی ضرر می کنیم، یعنی اگر ما شکست بخوریم حتی متوقف هم بشویم، یعنی مثل کربلای ۴ در بیاید اینجا، برای ما خیلی ضرر دارد [اشارة به وضعیت روحی مردم و اینکه اطلاع دارند و اگر بار دوم هم شکست باشد خیلی ضرر می بینند] بنابراین ما می خواهیم عملیاتی بکنیم که حداقل فتحی داشته باشیم.

پس یکی این شد که اینجا جای جنگ ماست و از اینجا که بگذریم، جای درستی نداریم که با نیروی موجودان بجنگیم و دوم اینکه باید به گونه ای بجنگیم که پیروز شویم، ما اگر فکر کنیم که اینجا نمی توانیم پیروز شویم این معناش این است که ما بی خود به امام می گوییم ما اینجا می خواهیم بجنگیم، یعنی امام را در حقیقت فربی می دهیم، چون الان مهم ترین کسی که اصرار دارد بر جنگ، بیش از همه ماه، شخص امام هستند. امام هم متکی هستند به حرف هایی که ما می زنیم، دیگر که ما می توانیم بجنگیم و دشمن چگونه است و...”.

در اینجا جلسه با مسائلی مهمتر از یک عملیات خود را رو به رو می بیند، از طرفی شرایط به گونه ای است که نمی توان شروط ذکر شده را [نجام عملیات در این منطقه با تضمین پیروزی] با هم الاماً تعهد نموده و از طرفی هر گونه نتیجه گیری، جز آن که ذکر شد، معنا و مفهومی یافته است که کسی بدان راضی نیست، آقای هاشمی که این را برای اولین بار است به این شکل مطرح می کند، در ادامه موضع برادران سپاه را تأیید می کند اما قوی کردن همت و برنامه ها را به عنوان ملزومات این موضع ذکر می نماید: “اگر حالا که شما این همه نیرو و امکانات به دست آورده اید، نتوانید بجنگید، حتماً چند ماه دیگر بدتر از این خواهد شد، دشمن قوی تر از حالا می شود و ما قوی تر نمی شویم، آقایان که جای بهتری سراغ نداشتند، ما توی آن جلسه بحث کردیم و البته همین آقایان هم هستند که باز هم می گویند ما باید بجنگیم، یعنی هیچ راهی غیر از جنگ، می گویند ۲۰ سال می جنگیم، حق هم با آنهاست ما باید بجنگیم و اگر از این جنگ پیروز بیرون نیاییم خیلی ضرر می کند انقلاب، خوب، باید همت ها را قوی کرد، باید برنامه را قوی کرد بجنگیم”.

سپس مباحث قبلی در مورد عملیات توسط آقای هاشمی به نحو زیر جمع بندی می شود: “الآن مثل

اینکه مسأله رسیده به یک نقطه خیلی روشن، از حرف‌های شما من این را می‌فهمم که شماروی زمان حرف دارید، یعنی آقایان مسأله نور ماه را بیشتر به عنوان یک مانع مطرح می‌کنند که وقت کمی را به آنها می‌دهد، یعنی ۴،۳،۵ ساعت از شب برایشان می‌ماند.

آقای هاشمی از نتیجه فوق می‌خواهد راه حلی را پیشنهاد کند اما از آن به این مسأله می‌پردازد که در امر تعیین تکلیف و فرستت یک هفتاهی که لزوماً شب شروع عملیات را در وضعیت فعلی ماه قرار داده است، تدبیر اتخاذ شده توسط فرماندهی جنگ ناشی از اظهارات برادران بوده، فی الواقع آقای هاشمی ذکر این مطلب را برای جلوگیری از ایجاد شایشهایی در اذهان برادران لازم می‌دانست، زیرا این می‌توانست یک مسأله شود که چگونه فرماندهی جنگ، خود زمان عملیات را تعیین می‌کند و خود نیز مشکلات ناشی از انتخاب این زمان را معضل اصلی می‌داند.

"این را گرچه ما توی آن جلسه قبلی گفتیم یک هفته، من تعیین کردم، ولی این مشکل بود به حرفي که خود برادران بعد از عملیات کربلای ۴ زده بودند، شما آخذید و گفتید که ما در ظرف یک هفتاه تا ۱۰ روز وقت می‌خواهیم که همین جا بجنگیم، آن موقع هم محاسبه کرده بودید، حالا شاید آن موقع غفلت شده بود از نور ماه و این مسأله‌ای که الان هست قابل قبول است که باشد."

پس از جمع‌بندی یاد شده و طرح مسأله فوق، آقای هاشمی به نحوی که در زیر خلاصه آن می‌آید، سه وضعیت را برای انجام عملیات مطرح کرده تاروی آن بحث شود و یکی از آنها به عنوان راه حل انتخاب گردد:

۱ - یک راه همین است که تصمیم گرفته‌ایم، همین را عمل کنیم یعنی بعد از مهتاب.

۲ - در مهتاب و از اول شب وارد عمل شویم، در این صورت باید بینیم اینکه دشمن بیشتر می‌بیند یا کمتر می‌بیند ما راه چقدر مؤثر است روى برنامه‌های ما.

۳ - فرض سوم - که توی ذهن و اظهارات خیلی از آقایان این طور دیده می‌شود - این است که بگذاریم برای زمانی که ما از سر شب بتوانیم از تاریکی استفاده کنیم که از ۱۰ روز دیگر، زودتر نمی‌شود، در فرض سوم شما یک امتیازی به دست می‌آورید ولی احتمالاً امتیازات زیادی را از دست دست می‌دهید. منجمله الان خبر عملیات شایع شده و خود من موارد زیادی را شاهد بوده‌ام، اگر اینجا هم لو برود که احتمال لو رفتش کم نیست شما نفعی که از مهتاب به دست می‌آورید با هوشیاری دشمن از دست می‌دهید. به علاوه ما واقعاً الان امنیت نداریم. عراق احتمال دارد همین فردا به جایی حمله کند، مثل سومار و یا فاو یا جایی دیگر، همین الان حملات هواپی به ما می‌شود، توی کربلای ۴ مردم یک ضربه روحی خورده‌اند، پس فردا هم با خبر شوند که عراق آمده صدتاً اسیر گرفته، یک

ارتفاعی جایی را هم از مانگرفته، آثار بدی دارد. آن وقت ما باید دنبالش کشیده شویم، نیروهایمان را هی برداریم برویم آنجا... این خطرها را هم دارد. آقایان این سه راه اول انتخاب شد. ما اصرار داریم که باید تلاش این باشد که شب اول به خطی بررسیم که منجر به برگشت مان نشود، حالت دوم را هم بحث کنیم، در مورد حالت سوم هم اگر موافقت شد، از ۱۰ روز دیگر هر وقت شما الان تعیین کردید، شب مناسب را انتخاب می کنیم.

با جمع بندی و نتیجه گیری فوق و مطالبی که در حاشیه آن ذکر شد به نظر می آمد که جلسه شکل جدی به خود گرفته و بحث چارچوب دیگری پیدا کرده است اما در اینجا برادر محمد زاده پیشنهاد نمود که برادران در مورد هر کدام از این سه وضعیت نظر می دهند، در صد احتمالی موقفيت را تیز ذکر کنند که در مجموع مشخص شود که چه حالتی احتمال موقفيت پیشتری را دارد. این پیشنهاد باعث شد که مسئله تضمین پیروزی به نحو بارز تری در جلسه طرح شده و مشکلای بر مشکلات قبلی اضافه گردد. آقای هاشمی (در پاسخ به پیشنهاد): با توجه به آن دو اصلی که من قلاً گفتم؛ یعنی حتماً... برادر محمد زاده: حتماً هم باید پیروزی...

آقای هاشمی: بله، ما واقعاً پیروزی می خواهیم. الان ماحتی اگر عمل هم نکنیم، همینجاوری مردم را در خوف و رجاء نگهداریم بهتر است از اینکه عمل کنیم و پیروز نشویم. اگر ملاً حمله کنیم، ما پک مقدار از دشمن منهدم کنیم و یک مقدار هم خودمان منهدم شویم، عراق این را برای خود پیروزی تلقی می کنند، الان هر وقت عراق بتواند حمله ما را برگرداند پیروزی حساب می کنند، همین دفعه (کربلا) (۴)، بنابراین ما پیروزی می خواهیم یعنی آقایان که بحث می کنند روی این صحبت کنند که ما می خواهیم پیروز شویم، بهترینش این است که خیلی جلو برویم و حداقلش اینکه از این کمتر نباشد که بتوانیم ما ۵ - ۶ کیلومتر رفیم تزدیک بصره رسیدیم؛ خط شلمچه را شکستیم، البته این خیلی پیروزی تلقی نمی شود، چون این هدف سیاسی مشخصی تدارد خیلی رویش نمی شود حرف بزنیم، منتهی از نظر نظامی پیروزی است. خوب آقایان بگویید تا یه نتیجه بررسیم.

در وضعیت به وجود آمده خود به خود بحث نمی تواند به صورت های متعارف و به شکل کلاسیک ادامه باید و با وجود آن که چارچوب بحث مشخص است، اما مسائل مهمی که خاص این عملیات هم نیست از زوایای مختلف خود را به جلسه تحمیل می کنند، مسائل حل شده ای که در طول جنگ هرگاه زمینه ای یافته بروز کرده است. در اینجا نیز یک سوال برادر جعفری جلسه را به مباحث دیگری می کشاند.

برادر جعفری: اول یک سوال هم هست اگر اجازه بفرمایید.

عکس جبهه

آقای هاشمی: بفرمایید.

برادر جعفری: توی بحث‌های نظامی (ما)، دو تا بحث اساسی هست، یکی تدبیر و یکی توکل.
 سوالم این است که مرز بین این دو چی بوده و چی هست؟ به طور مثال برای ما اصل این است که با غافلگیری حمله کنیم؛ از آن طرف می‌بینیم زمان کم می‌آوریم، یک تنافق به وجود می‌آید.
 می‌گوییم توی مهتاب حمله کنیم در این صورت هم دشمن قشچگ می‌بینند، حالا اینجا یک چیزی کم می‌آوریم، بعد این را می‌گذاریم به حساب خدا، می‌گوییم این را توکل می‌کنیم، یا مثلاً این عملیات پشتیبانی سنتگین می‌خواهد، دشمن جاده‌ها را بسته، می‌گذاری کرده و بریدگی ایجاد کرده، ما هم ناچاریم عمل کنیم، می‌بینیم برای پشتیبانی سریع چیز روشنی نمی‌توانیم بگوییم، البته خشایار و سطحه و... چیزهای خوبی است ولی امکان دارد به مشکلات بخورد، باز هم اینجا یک چیز روشنی نداریم، می‌گوییم ان شاء الله خدا کمک می‌کند و... به همین ترتیب باید مرز این دو تا روش شود، این را شما برای ما بگویید.

آقای هاشمی: نه، توکل این طور نیست اصلاً. شما وظیفه دارید تدبیر بکنید، اگر نقطه ابهامی دارید رفع بکنید، ما چنین دستوری نداریم، یعنی خداوند به ما اجازه نمی‌دهد چنین توکل بکنیم. بینید خبلی فرق می‌کند، الان شماروی اصل جنگ دارید توکل می‌کنید، در شرایطی که روس و آمریکا و

انگلیس و فرانسه از عراق حمایت می‌کنند، ما باز هم داریم می‌جنگیم این توکل است. اما برای جنگ‌مان باید برنامه درست بکنیم.

حرفی که با شما هست این است که بینید، تنها نیرویی که ایستاده و می‌گوید ما باید بجنگیم و اگر یک کسی یک گوشه‌ای بگوید ملاً برویم آتش بس بدیم یا... چه بکنیم، دنیا را می‌گذارد روی سرش سپاه است، یعنی بجهه‌های سپاه هستند.

این نهایت قدرت ماست که الان جمع کردیم، بهترین شرایط را هم داریم، شما اگر الان توانید عملیات بکنید، باید بروید به امام بگوید ما نمی‌توانیم بجنگیم، یعنی رسمًا مردانه قدم بردارید، همه‌تان امضاء کنید نمی‌شود با عراق جنگید. امام بشیوه‌ی داشتن می‌بینیم، فکر کنیم بشیوه‌ی آخر مملکت را که نمی‌شود...، ما یک انقلابی داریم، مردمی داریم، مردم را اندختیم به دردرس، همین جوری که نمی‌شود چیز بکنیم. توکل قضیه اینجاست که می‌خواهید بجنگید، خوب باید کار کنید.

وضعیت بفرنجی برای برادران سپاه به وجود آمده است، از سوئی سپاه به عنوان تنها عامل ادامه جنگ مطرح می‌شود و حتی تصمیمات امام ناشی از نحوه برخورد سپاه تلقی می‌گردد. از سوی دیگر گفته می‌شود که تنها اثر نیروهای گذشته، بعد از رمضان، گرم نگه داشتن جنگ بوده است و اساس اقدامات سپاه در رابطه با خیر و بذر و کربلا^۴، یعنی تمامی اقدامات جمهوری اسلامی طی چند سال اخیر، زیر سوال می‌رود. از سوی دیگر تأکید می‌شود که توان فعلی، بالاترین قدرت ممکنه جمهوری اسلامی در جنگ است و با این توان عملیات تعیین کننده و پیروز طلب می‌شود. از طرف دیگر وضعیت کشور ترسیم می‌شود، که تحمل ادامه چنین وضعی را ندارد قدرت روزافرون دشمن با اتکاء به کمک قدرت‌های بزرگ هم مزید بر علت است و هر روز که بگذرد ممکن است با اقدامات آن توازن قوایه کلی (به ضرر ما) تغییر کند به واقع در این وضعیت سرگیجه‌آور، سپاه عملاً به انتخاب یکی از این دو راه مخیّر و موظف می‌شود:

- ادامه و پاشاری بر مواضع قبلی در مورد ادامه جنگ، که در این صورت بایستی در همین منطقه و در یکی از سه حالت ذکر شده عملیات داشته باشد، آن هم با تضمین پیروزی.
- قبول پایان جنگ با اعلام این مسئله که نمی‌توان با عراق جنگید.

آقای هاشمی به عنوان فرماندهی عالی جنگ (به نیابت از امام) خود نشان می‌دهد که با راه اول موافق است اما انتخاب رابه سپاه وامی گذارد و می‌گوید که با حالت دوم نیز مخالفتی نخواهد داشت و در این صورت امام و مسئولین و مشخصاً خود ایشان، فکری خواهد کرد.
البته هر یک از حضار، متناسب با اطلاعات و درک و تحلیل خویش از روند قبلی و عوامل مؤثر

در به وجود آمدن وضعیت کنونی چنگ، تلقی خاص خود را از وضعیت به وجود آمده دارد، اما جلسه تصمیم‌گیری برای عملیاتی که قرار است فردا شب انجام شود، محیط مناسبی برای پرداختن به مسائل و مشکلات اساسی و استراتژیک چنگ نیست به خصوص که سپاه و فرماندهی آن هنوز زیر بار فشار و ضربه کربلای ۴ قرار دارند. به هر صورت از سوی برادران مطلبی در رابطه با مسائل ذکر شده ابراز نمی‌گردد و تنها برادر جعفری می‌گوید: "حاج آقا، این جوری هم که می‌فرمایید (با چاشنی خنده) بخشید ما مجبور می‌شویم که اینها [اشکالات] را فراموش کنیم، بگوییم می‌شود بچنگیم و [بدون حل مسائل] برویم بچنگیم، چون ما می‌خواهیم بچنگیم".

آقای هاشمی: نه، من واقعاً نمی‌خواهم بگویم...

برادر جعفری: شما ما را در فشار قرار می‌دهید، بعد [نتیجتاً ما هم] هیچ چیز نمی‌گوییم...

آقای هاشمی: من واقعاً این را نمی‌خواهم بگویم، لذا با اینکه قاطع گفته بودم ظرف یک هفته عمل کنید، الان که می‌بینم حرف دارید، گفتم باید یک راهی پیدا کنیم. شما الان قدرت، نیرو و امکانات دست تان است بروید راه پیدا کنید که درست بچنگید. نشستیم بحث می‌کنیم برای اینکه راه پیدا بکنیم. خوب و این طور فشار لازم نیست. درست هم نیست، چون بچه‌های مردم دست ما هستند که مان باید آنها را، درست هم نیست، شکست بدتر است، الان [اگر] ما یک شکستی بخوریم، همه دشمنان ما را شاد می‌کنیم و روحیه می‌دهیم و خودمان را ضعیف می‌کنیم. ما اصلاً نمی‌خواهیم واقعاً شکست بخوریم و اصلاً نمی‌خواهیم کار ضعیف بگیم، این تحقیقات جناب عالی است.

آقای هاشمی در وضعیت به وجود آمده لازم می‌بیند که مواضع برادران سپاه را (به نحوی که ذیلاً می‌آید) تأیید و تأکید کند و نشان بدهد که خود این مواضع ایجاب می‌کند که با قید پیروزی حتمی، یکی از سه راه یاد شده برگزیده شود. البته در پایان اضافه می‌کند که اگر راه چهارمی هم وجود داشته باشد که زمان نبرد، حاضر است آن را بشنوید. به هر حال ایشان در ادامه سخنان خود مطالب زیر را اضافه می‌کند: "ولی من به شما می‌گوییم که من هم مثل شما هستم، من هم الان معتقدم که غیر از پیروزی (در چنگ) هیچ راهی نداریم. ما اگر بخواهیم چنگ را بدون پیروزی تمام کنیم شکست خوردہ‌ایم؛ یعنی جواب مردم را نمی‌توانیم بدھیم. ما پنج سال است داریم می‌گوییم سقوط صدام، امام دارد می‌گویید، ما داریم می‌گوییم، شما دارید می‌گویید سقوط صدام و در این پنج سال، بعد از فتح خرمشهر این همه شهید دادیم، این همه خسارت بار آوردیم، حالا بخواهیم یک دفعه رها کنیم اصلاً توی دنیا زیر پای انقلاب سست می‌شود. به علاوه صدام دیگر نمی‌گذارد توی منطقه چیزی پا بگیرد. تحقیقاً ما راهی غیر از چنگ نداریم، من هم با نظرات شما موافقم اما فکر می‌کنم این طور هم

نیست که ما نتوانیم، بالآخره ما باید تدبیر کنیم و راه مختلف پیدا کنیم و من خیال می‌کنم جای جنگی واقعی همین جاست.“

در ادامه آقای هاشمی مجددآ توپیچ می‌دهد که، مناطق دیگر با ارزشی ندارد (مثل سلیمانیه) که فرضًا اگر هم آن را بگیریم چیزی نیست و صدام سقوط نمی‌کند یا اینکه تابخواهیم برویم و در آنجا و آماده شویم، وضعی شبیه یا بدتر از همین جارا پیدامی کند (مثل هور...) و تأکید می‌کند که هر متر اینجا به اندازه یک کیلومتر جاهای دیگر ارزش دارد. در آخر با ذکر مطالب زیر دستور جلسه تعیین می‌گردد:

”حالا در این سه راه یکی را انتخاب کنند. آقیان، البته آن جلسه هم گفتیم که اگر جای بهتری دارند بگویند، ما راه را بسته‌ایم، متنهای نمی‌شود یک ماه و دو ماه فرصت بددهیم بجهه‌ها برond و دوباره برگردند خانه‌هایشان، الان نمی‌شود این کار را کرد. باید با این نیرویی که الان دستمنان است بجنگیم، حالا اگر جای بهتری دارید، پیدا بکنید. این سه راه هم الان وجود دارد، اگر راه چهارمی دارید ما حاضریم گوش بددهیم.“

ظاهرآ مباحث جلسه مجددآ به چارچوب مسائل مربوط به عملیات بازگشته است. آقای روحانی یادآوری می‌کند که فرماندهان لشکرها در جلسه قبلی تأکید داشتند که اگر زمان از ۱۰ روز (از آن تاریخ) بیشتر شود، قادر به نگهداری نیروها نخواهند بود و این مسئله از عوامل تصمیم‌گیری بوده است. به هر حال در محاسبه مد نظر قرار گیرد. سپس فرمانده قرارگاه عمل کننده (کربلا) طی بحث نسبتاً مفصلی (که خلاصه آن ذیلاً می‌آید) هر سه راه را بررسی کرد. از مجموع سختان وی مشخص می‌شد که با وجود تلاش‌ها و فداکاری‌های بی حد برادران، در هر سه راه حل تناقضات و ابهامات حل نشدنی وجود دارد.

برادر غلامپور: از زمانی که شما فرمودید اینجا حتماً باید بشود، خوب ۸ روز بیشتر نگذشته، واقعیت امر این است که انصافاً برادران در این ۸ روز در حد چند ماه (به روال دیگر عملیات‌ها) کار کرده‌اند و با یک وضع بدی که سابقاً نداشتیم. (ملأاً) این بجهه‌ها توی سیل‌بندها، کنار حاکریزها نشسته‌اند و پتو رویان کشیده‌اند چون فرصت سویه ساختن نبوده است و اینکه شما هم تکلیف کرده بودید و برادرها هم رفتن و الحمد لله...

آقای هاشمی: قبل از (گفتن) من آنجا تعیین شده بود.

برادر غلامپور: به، کار اساسی نشده بود؛ چون مسطقه اصلی که نبود، اینجا فقط یک لشکر ما و ۱۹ فجر فعال بود، بقیه یگان‌های ما اینجا نبودند اصلاً.

آقای هاشمی: چطور نبود؟ لشکر نصر اینجا بود، تیپ امام رضا (ع) بود...

برادر غلامپور: پایین بودند حاج آقا.

(در ادامه صحبت) منطقه‌ای که کسی حضور نداشت و... الحمد لله برادرها رفته‌اند پای کار، توپ‌ها را بردن، نیروها مستقر شدند، حوضچه‌ها را زدند و... الان توی منطقه یک غلغله‌ای است، همه چیز پای کار است، حتی گردن‌ها هم امشب می‌روند پای کار که برای فردا شب آماده شوند.

برادر غلامپور پس از اعلام آمادگی نسبی، به بررسی راه حل‌های پیشنهادی می‌پردازد و می‌گوید: ما متأسفانه، با یک تناقضاتی متوجه هستیم که نمی‌دانیم این‌ها را چگونه حل کنیم. الان مهتاب مشکل عمده‌ای شد برای ما، که وقت کمی را برای ما گذاشته، از طرفی وضعیت منطقه طوری است که هاتیاز به زمان کافی داریم تا جای پای مؤثر و مفیدی بگیریم و بتوانیم خودمان را، ولود روزنگه داریم تا شب بعد ادامه دهیم. این تناقضی است که ما توی حاش مانده‌ایم. اگر بخواهیم فردا شب عمل کنیم واقعیت‌ش این است که ما در حد قرارگاه کربلا می‌توانیم یک جای پای بگیریم اما بعید است قرارگاه قدس و نجف بتوانند وارد شوند. وارد شدن آنها هم به این معنی است که جای پای ناقص احتمالاً گرفته شده. باید تثیت شود تا آنها شب بعد بیایند، این را بعید است آدم بتواند روی آن ضمانت بدهد. از طرف دیگر به هر حال همه چیز رفته پای کار؛ اگر امشب تصمیم گرفته شود که عمل نشود و بخواهیم طوش بدیم تا ۱۰ روز دیگر، فردا اگر هوایی دشمن بیاورد یک عکس بگیرد کل تجمع آنجاست، اگر هم بگوییم همه برگردند که اصلاً کای توی روحیات تأثیر می‌گذارد.

این تناقض است که ما خودمان توی حل آن مانده‌ایم. حالا (اگر هم) تصمیم بگیرید مثلاً توی مهتاب عمل بکنیم؟ یا نکنیم؟ یا چه بکنیم؟ که واقعاً این‌ها مشکلاتی است که ما الان با آن مواجه هستیم.

در واقع برادر غلامپور هیچ یک از این راه حل‌ها را با چشم انداز روشن و پیش‌بینی حداقل پیروزی قابل حفظ، نمی‌تواند انتخاب کند. این وضعیت قرارگاه عمل کننده و خط شکن است که تاکنون نسبت به دیگران ابهام و تردید کمتری را بروز داده بود. با این اوصاف، خطر ایجاد بنست کامل در کار، به صورت تهدید کننده‌ای خود را نشان داد و پس از حدود سه ساعت بحث، نظر عناصری که مستقیماً در عملیات مسئولیت دارند، مشخص شده است.

برادر ایزدی در شب اول فقط عملیات نوک بوارین را به عنوان یک عملیات پشتیبانی که به احتمال زیاد منجر به استقرار نخواهد شد، حتمی می‌داند و چون بایستی متنظر وضعیت به دست آمده بماند در مورد بقیه مأموریت حرف چندانی ندارد، البته امیدواری به وارد شدن در عملیات اصلی در اواین شب

رانیز ندارد، برادر جعفری به طور جدی وجود ابهام و تردید را چه در گام اول و چه در گام‌های بعدی و در کل عملیات، خود مطرح کرده است.

برادر غلامپور که مسئولیت اصلی را در شروع عملیات به عهده دارد، معترف است که تمی‌داند با تناقضات موجود چه باید کرد. برادر رشید که اصلاً در صحنه مباحث حضور ندارد و ظاهراً مسائل جاری برای وی چنین حادتری یافته است. برادران رحیم صفوی و شمخانی نیز در عین اینکه در اجراییات فعال بوده‌اند اما در این جلسه به جز موارد محدودی آن هم در حواشی بحث، از اظهارنظر خود داری کرده‌اند و این خود علامت نامساعد بودن وضعیت است. در این میان برادر محسن رضایی نظر روشن و قاطعی برای ادامه کار نشان داده و چشم‌انداز نسبتاً امیدوارکننده‌ای را ترسیم نموده است، اما وضعیت به گونه‌ای نیست که بتواند دخالت تعیین کننده‌ای در روند جلسه داشته باشد و آقای هاشمی خود مستقیماً با مسائل بخورد می‌کند و جلسه را هدایت می‌نماید.

به نظر می‌رسد آقای هاشمی دچار تنبکنایه‌ای فراوانی ناشی از مسائل سیاسی کشور و اوضاع اجتماعی است که به نحوی به جنگ و شخص وی مربوط می‌گردد. وی هر چند در رده فرماندهی کل جنگ نظر مشخص دارد (ادامه جنگ با انجام عملیات موفق در همین منطقه و یا عدم انجام این عملیات به معنای اعلام ناتوانی در ادامه جنگ و نتیجتاً برگزیدن راه‌های دیگر) اما تطبیق این نظر با اوضاع جاری و نظرات برادران، به نظر غیر ممکن می‌آید و همین به حساسیت بالای مسأله و لایحل جلوه کردن آن دامن زده است.

در این میان، آن دسته از حاضرین که نقش مشورتی در سپاه دارند و یا به دعوت آقای هاشمی به همین منظور (مشورت) به جلسه فراخوانده شده‌اند نیز، عموماً و تنها در تأیید و تأکید وجود مشکلات نظر داده‌اند و در عمل لایحل بودن قضیه را تصدیق کرده‌اند.

پس از سخنان برادر غلامپور، به نظر می‌رسید که ادامه بحث در چارچوب یاد شده مقدور نبوده و مسائل به گونه‌ای نیست که بتوان صرفاً سه راه حل پیشنهادی را بررسی کرده و نتیجه گرفت. در عمل نیز این چنین شده و طرح دو سوال از سوی آقای عراقی و به دنبال آن طرح یک سوال از سوی برادر محمد زاده باعث شد که مجدهاً یک سلسله مسائل کلی تر مطرح شود. آقای عراقی ضمن ذکر مطالبی، در باب غافلگیری و هوشیاری دشمن، مهتاب و... به هوشیاری دشمن در کربلای ۴ اشاره نمود و با فرض هوشیاری دشمن که آن را محتمل خواند، دو سوال زیر را مطرح ساخت و خاطرشنان کرد که سوال اول باید بر مبنای اصول نظامی جواب گفته شود، اما سوال دوم فقط به نظر تصمیم‌گیرنده جنگ بستگی دارد.

آقای عراقی: [سئوال اول] اگر دشمن اینجا هوشیار باشد، که در این صورت فرقی بین مهتاب و غیرمهتاب و حتی روز و شب نباشد، جای این سئوال پیش می‌آید که ما چون می‌خواهیم پیروز هم بشویم آیا با این نیرویی که داریم می‌توانیم بر مبنای اصول نظامی موقوفیت داشته باشیم؟ فرض کنید روز هم می‌جنگیم. در این حالت در صد موقوفیت چقدر است؟

و اما مطلب دوم که بالاخره تضمین گیرنده جنگ باستی تضمین بگیرد، این است که اگر پاسخ سئوال او این باشد که بله ما می‌توانیم موقوفیتی به دست بیاوریم منتهی با تلفات بسیار بالا، آن وقت آیا مجوزی داریم برای رسیدن به هدف با فرضًا ۵۰ هزار تلفات؟

اگر این فرض (وجود هوشیاری دشمن) صحیح باشد و پاسخ این دو سؤال روشن شود، به نظر من می‌شود تضمین گرفت.

قبل از هرگونه پاسخ و یا اظهارنظری پیامون سؤالات یاد شده، برادر محمدزاده سئوال دیگری را مطرح کرد که پاسخ به آن قید پیروزی تضمین شده را زیر سؤال می‌برد.

برادر محمدزاده: حاج آقا با اجازه‌تان یک جمله هم بگوییم. برادرهای نظامی ما اینجا هستند، [سئوال این است که] چگونه می‌توان در یک عملیات، اول پیروزی حتمی را فرض گرفت و بعد عمل کرد. من عکس این فرض [هوشیاری دشمن و جنگ در مهتاب و روز و...] را هم می‌گذارم یعنی از اول شب تاریک است، دشمن هم صد در صد غافل است [در این حالت هم] چه کسی، کدام سردار جنگی توی ذیبا پیدا شده که عملیات را منحصر بکند به پیروزی و این پیروزی اش هم تضمین باشد؟

آقای هاشمی: [بحث] تضمین که نیست، بالآخره ما...

آقای عراقی: پیش گویی منظور نیست، بر مبنای اصول.

برادر محمدزاده: همین الان می‌بینیم که اصول...

سرهنگ لطفی: بر مبنای اصول اگر بخواهیم [صحبت کنیم] چهار عامل، پیروزی را تضمین می‌کند:

۱ - برتری هوایی - ۲ - تتفوق آتش - ۳ - عمدۀ قوای برتر از دشمن - ۴ - قبول تلفات، این اصول نظامی است.

آقای عراقی: ۵ - استقامت.

سرهنگ لطفی: آن یکی از فرعیاتش است ولی چهار عامل حاکم است: ۱ - کسی که حمله می‌کند باید برتری هوایی داشته باشد، اگر نداشته باشد باید حمله کند. ۲ - باید برتری آتش داشته باشد، اگر نداشته باشد می‌کوبند او را. ۳ - برتری توازن رزمنی نسبی، یعنی سه بر یک حمله کند، این را اصول می‌گویند. ۴ - قبول تلفات، حمله جنگ است.

عملیات بنابر آنچه در جلسه خواه ناخواه مطرح گردید، با شرط پیروزی کاملاً متفق بود، فقط نقطه امید کمنگی روی مسأله غافلگیری باقی می‌ماند که سرهنگ لطفی آن را هم به عنوان امری که بتواند تضمینی داشته باشد متفق می‌دانست. گذشته از اظهارات سرهنگ لطفی در مورد غافلگیری، سخنان برادر شمخانی به کلی این مسأله را متفق کرد، چیزی که آقای هاشمی نیز آن را تصدیق نمود. برادر شمخانی: این را همین الان ما حاضریم زیرش را امضاء کنیم. با این وضعیت که توان مان و کلیت ما دارد، در هیچ نقطه از جبهه، در هیچ زمان، اگر این وضعیت را داشته باشیم، اصلاً نمی‌توانیم غافلگیری را رعایت کنیم. دشمن حتماً کشف می‌کند.

آقای هاشمی: کاملاً دیگر ما نمی‌توانیم غافلگیری را رعایت کنیم.

در اینجا برادر شمخانی، در زمینه به دست آمد، به توضیح نقش غافلگیری و چگونگی آن در وضع فعلی جنگ و سپاه می‌پردازد و ضمن آن به برخی مسائل که همیشه مبتلا به جنگ و سپاه بوده است نیز می‌پردازد. وی سخنان خویش را چنین ادعا می‌دهد: "غافلگیری یکی از اصول مهم و لاینفک پیروزی ماست. به طور قطع برای ما روشی است که بدون غافلگیری، توان پیروزی ما به شدت پایین است. به دلیل تفوق هوایی دشمن، تفوق آتش و تفوق نیرو. دشمن هر جا تمرکز قوای بدده ما هجوم کننده هستیم و او سه بر یک با ما می‌جنگد. غافلگیری انواع و اقسام دارد، غافلگیری در زمان، غافلگیری در مکان و غافلگیری در تاکتیک. ما در تمام جنگ‌هایی که کرده‌ایم فقط در یک جا تواسته‌ایم غافلگیری در سه بعد را بر دشمن تحمیل کنیم آن هم در فاو بود. در عملیات‌های دیگر نظیر فتح المبین غافلگیری در تاکتیک داشتیم. در فاو هم اگر دشمن ۱۵ روز جنگ خودش را ادامه می‌داد، یعنی زمینش برای ادامه جنگ مساعد بود و از نظر سیاسی شرط چهارم، یعنی تلفات بیشتر را می‌پذیرفت، قطعاً ما را از فاو عقب می‌راند.

البته این وضعیت، وضعیت ۷ سال جنگ است. ما اگر سال ۹۵ تصمیم می‌گرفتیم که این وضعیت را دچار نشویم [می‌شد]. کما اینکه صدام تصمیم گرفت دچار این وضعیت نشود و امروز به همین دلیل می‌تواند محکم صحبت کند. به این دلیل است که ۷ سال روی جنگش برنامه‌ریزی کرده است. ما عقب ماندگی ۷ ساله را در سال ۶۵ نمی‌توانیم حل کنیم.

البته این تحلیل سیاسی است ولی در رابطه با وضعیت نظامی؛ ما امروز هم هر جا بخواهیم قدم بگذاریم باید بلدوزر کار یکند. همین الان وقتی بلدوزرمان دارد اینجا کار می‌کند، فاومان مانده است، و یعنی قاسم سلیمانی و مرتضی قربانی می‌گوید آقا خط شن ندارد. من نمی‌توانم به مهندسی بگویم شن بیر، چون می‌گوید من کمپرسی ندارم. یعنی ما هرگز نمی‌توانیم هم زمان دور زمین را آماده کنیم.

الآن زمینی که از دشمن گرفتیم کجاست؟ یکی جزیره است و یکی قاوه. چند سال است جزیره را گرفته‌ایم و یک سال و نیم هم قاوه را. تا این لحظه ما مسئله جزیره و قاوه را نتوانستیم حل بکنیم. همین منطقه عملیاتی (کربلا) (۴)، گزارش هایش هست، همان شبی که عملیات کردیم قبضه‌هایمان توی موضع بود. همین الان اگر فردا باران بیارد هیچ یک از این چاده‌ها قابل استفاده نیست. برادرها عمق دشمن را گفتند، توان مهندسی ما این است. بوای ما غافلگیری با این توان و با این استعداد امر محالی است. غافلگیری شرایطی دارد، می‌شود رعایت کرد البته اگر ما این وضعیت را نمی‌داشیم".

برادر شمخانی درباره موضوع مورد بحث (حرکت در مهتاب...) اضافه می‌کند: "اما این هم به این مفهوم نیست که ما توی دید دشمن برویم هجوم بکنیم، یعنی اگر با دوربین دید در شب ما را بینند به تعداد دوربین‌هایی که دارد احتمال دیدن ماهست، اما اگر توی ماه روشن برویم طبیعی است هر چشمی که روی دژ باشد مارا می‌بیند، تمام چشم‌هایی که روی دژ باشد مارا خواهند دید، این بالا و پایین بودن میزان موفقیت است".

پس از چند دقیقه مباحث پراکنده برادران، پیرامون غافلگیری و شکستن خط، برادر شمخانی می‌گوید: این نتیجه را می‌شود گرفت حاج آقا که اگر فردا شب توانیم خط را بشکنیم، ۱۰ شب دیگر قطعاً نمی‌توانیم، یعنی میزان غافلگیری فردا شب یقیناً بیشتر از ۱۰ شب آینده است. آقای هاشمی: من هم به همین معتقدم.

برادر شمخانی: من زیر این را امضاء می‌کنم که فردا شب، احتمال شکستن خط ما بیشتر از ۱۰ شب آینده است ولی فردا شب را هیچ‌کس، هیچ فرماندهی نمی‌تواند تصمیم کند، حتماً خط را می‌شکنیم. آقای هاشمی: بنده هم آن نکته‌ای را که گفتم همین است که هر روزی که بگذرد وضع شما ضعیف‌تر می‌شود.

مجدداً بحث‌های پراکنده پیرامون غافلگیری و شکستن خط و... در می‌گیرد، بیشتر نظرها نویمید کننده است. مطلب کم به مسائلی چون سختگیرانی صدام و نقش منافقین و احتمال حرکت دشمن در قاوه یا حمله به شهرها کشیده می‌شود گویا همه ناخودآگاه از وضعیت حاکم بر جلسه مفری طلب می‌کنند، پس از مدتی آقای هاشمی می‌گوید، خوب، از بحث بیرون نرویم، برویم سراغ...

اما بحث هم کارساز نیست، مطالب تکراری می‌شود و به هنگام نتیجه گیری همان بنیست سابق. در ادامه مباحث، وقتی برادر غلامپور راجع به مشکلات جنگ در روز و مسلح بودن زمین منطقه صحبت می‌کند آقای هاشمی می‌پرسد: بالاخره چی؟ حالا شما نظر روش بدهید، جمع‌بندی کنید و نظر

بدهید.

برادر غلامپور: من که گفتم خدمت تان، حقیقتش نظری که بخواهیم بدھیم من خدمت تان گفتم،
گفتم از یک طرف انصافاً همه رفتارند پای کار...

آقای هاشمی: دوباره همان حرف‌ها را تکرار نکنید، نظر بدھید.

برادر غلامپور: نظر که، گفتم...

برادر غلامپور قبل آنچه می‌توانست بگوید گفته بود ولی اکنون آقای هاشمی از او می‌خواست که
نظر قطعی بدهد، چیزی که وی نه قادر به تصمیم‌گیری قاطع در مورد آن بود و نه آن را در صلاحیت
خود می‌دانست، زیرا با توجه به مسیر مباحث و تحوهه هدایت جلسه توسط آقای هاشمی، مسئله از حد
سرنوشت مأموریت یک فرارگاه بالاتر رفته بود و مسائل پیچیده و مهی را به همراه داشت. این
وضعیت، آن هم در ساعت ۳ بامداد روز (۱۸/۱۰/۱۳۶۵) بروز اوضاع نامطابقی را گواهی می‌داد
و بایستی به ترتیبی شکل قضیه تغییر می‌یافت. برادر محسن که از ابتدای جلسه شان داده بود با
چگونگی طرح مسائل و سیر جلسه در آن شرایط، چندان موافقی ندارد، در اینجا وارد گفت و گو
شد.

برادر محسن: اصلاً آقای هاشمی، شما نباید نظر بگیرید. برای اینکه الان موقع نظر نیست که، فردا
کارمان با اینها مشکل می‌شود چون همین آقای غلامپور، فردا باید برود بجنگند و ایشان الان متزلزل
شده است. ما از فردا باید فکری بکنیم و اصلاً تیروها توی منطقه هستند، این بحث می‌بایست یک
هفته پیش صورت می‌گرفت و آن موقع بحث و صحبت می‌شد.

آقای هاشمی: یک هفته پیش هم صحبت شد.

برادر محسن: نه، هیچ صحبت نشد.

آقای هاشمی: چطور نشد.

برادر محسن: نه، این موضع به این دقیقی صحبت نشد، شما فرمودید که ما تصمیم گرفتیم...

آقای هاشمی: ما تکلیف کردیم... (برادرها داخل صحبت هم حرف می‌زنند)

برادر محسن: الان که، تا شب عملیات که نمی‌شود تصمیم را برگرداند، این را باید تا آخر خط
بروید.

آقای هاشمی: این تصمیم را روز قبل شما گرفته بودید. آمدید در امیدیه و گفتید دستور داده‌ایم
که تا ۱۰ روز دیگر بروند در آنجا بجنگند، گرفته بودید این تصمیم را، همه ما گرفته بودیم، خود
اینها گرفته بودند، یعنی با اینها مشورت کرده بودید و تصمیم گرفته بودید.

برادر محسن: حالا این بحث را نداریم که تصمیم چه بوده، حالا... تا آنجا گفته بودیم که در اینجا [شلمجه] و هور و غرب سه قرارگاه فعال شدند [مکث، برادر محسن از پرداختن به این بحث که منطقه شلمجه را چگونه پیشنهاد کرده است منصرف می‌شود] حالا کاری به اون نداریم آنچه مسلم است ایشکه تصمیم گرفته شده است و اینها پای کار رفته‌اند. اگر [همین حالا] اینجا نخواهیم عمل کنیم هیچ وقت نباید عمل کنیم، یعنی این مشکلات هست، یعنی یک طور شده که الان... آقای هاشمی: آخر یک وقت فرمانده لشکرها حاضر نیستند و یک وقت ایشان فرمانده قرارگاه است و اصلاً قبول ندارد این را.

برادر محسن: خوب، اینها ایهاماتی است که هست، خوب مانده دیگر، قلش باید حل می‌شد. حالا که حل نشده، الان همه پای کارند، الان هیچ تصمیمی مانمی‌توانیم بگیریم، ما چه بگوییم به اینها، بگوییم نیروها بایند عقب؟!

برادر محسن در حالی که روی عمل کردن نظر قاطع دارد و کار را تمام شده می‌داند اما مشکلات و عوارض احتمالی را تلویحاً متوجه آقای هاشمی می‌کند و آن را ناشی از عملکرد ایشان می‌خواند، آقای هاشمی نیز این را قبول نمی‌کند و می‌گوید که تصمیم‌گیری اعلام شده از سوی او، مبنی بر نظرات و پیشنهادها و گزارش‌های برادر محسن و دیگر برادران سپاه بوده است. آقای هاشمی برای اثبات این مدعای برادر رحیم صفوی را به شهادت می‌خواند.

"آقای صفوی! آن شب وقتی شما به امیدیه آمدید، وقتی می‌خواستید بروید، یادتان است؟ من در دستشویی سوال کردم که شما ایمان دارید به این، گفتید ایمان دارم."

برادر رحیم صفوی: بله ایمان داریم که این بهترین منطقه است، بله همه قبول دارند این منطقه خوبست ولی باید شرایطش را فراهم کرد برای جنگیدن، باید شرایط جنگیدن در این منطقه فراهم شود.

آقای هاشمی: چیه شرایطش؟

برادر رحیم: یکی اینکه نیروها توجیه بشوند، زمان داشته باشند، یعنی کار عجولانه اینجا، جنگ سختی است ایجا حاج آقا، [اگر] یک کار عجولانه اینجا بکنیم برگردیم. این را باید با دقت و قوت و سرعت و...

پس از چند دقیقه گفت و گوی پراکنده، برادر رحیم اظهار نگرانی می‌کند که چند ساعتی به روشن شدن هوا نمانده و زودتر باید تصمیم گرفت که در صورت لزوم، منطقه سبک [تخذله] شود و گزنه فردا با این همه تیروی بی‌سنگر و موضع در منطقه، احتمال تلفات سنگین وجود دارد. اما با وضع

موجود رسیدن فوری به تصمیم‌گیری چیزی دور از ذهن می‌نماید. در اینجا برادر جعفری پیشنهاد مشخصی به نحو زیر ارائه می‌دهد: "مانمی دانیم دشمن در اینجا غافلگیر است یا نه؟ کسی که نمی‌تواند بگوید دشمن در اینجا صدرصد هشیار است. درسته؟ ولی این را می‌توان امتحان کرد حتی تانیم ساعت قبل از عملیات. یعنی تصمیم‌گرفتیم نیروها بروند پای کار، ولی به یک شرط که آن موقع این شهامت را داشته باشیم که وقتی یک ساعت مانده به عملیات، دیدیم نیروها دارند رها می‌شوند و در وسط راه مثل آن دفعه [کربلا] ۴ منور زده، تیز زد و فهمیدیم دشمن هشیار است، یا از غروب متوجه شدیم که دشمن یک آتش غیرعادی دارد، دو تا بمباران کرده است و خلاصه فهمیدیم عملیات لو رفته، آن موقع بگوییم نه. یعنی نگوییم که دیگر چون حالا رفتیم پای کار ان شاء الله دروغ است. با این شرط می‌شود و حتی این گونه تصمیم‌گرفت".

برادر محسن: حالا که هیچ تصمیمی نمی‌توان گرفت.

برادر محمدزاده: آن وقت باید در مهتاب برویم دیگر، چون وقت کم می‌آوریم.

برادر جعفری: البته آن دو حالت هست [عمل در مهتاب یا پس از تاریکی] باید برسی شود.

برادر خلامپور: این مشکل را حل نمی‌کند، فرض کنید فردا شب خط را هم شکستیم ولی با این مشکل زمان که با آن مواجه‌ایم یعنی سه نیمه شب، چهار صبح بزنیم به خط و نتوانیم هدف‌هایمان را کامل بگیریم و برویم توی زمین دشمن و بعد بخواهیم برگردیم اینکه خیلی بدتر است.

پیشنهاد برادر جعفری در عین اینکه حاوی نکته راه‌گشایی بود، اما تووانسته همه مسئله را حل کند و بحث به پراکنده‌گی کشیده شد. آقای هاشمی مجدد از برادر رحیم نظر خواست، وی گفت که چند روز اجازه تعویق داده شود و بعد هم عمل بشود، برادر عزیز جعفری تأکید کرد که اگر نیروها را برگردانیم عملیات لو می‌رود... مشکل باقیمانده بود برادر رحیم اشاره کرد که آقای هاشمی به عنوان فرمانده جنگ باید هر نتیجه‌ای به بار آمد را تقبل کند، برادر محسن ادامه داد که این بحثی ندارد و برادر شمخانی این مطلب را که از گره‌های اساسی کار بود به نحو زیر پیگیری و تأکید کرد.

برادر شمخانی: فردا شب مناسب‌ترین شب برای عملیات است، اما همین‌طور که برای هیچ شبی،

هیچ‌کس هیچ نوع تصمیمی برای پیروزی نمی‌دهد، فردا شب هم نمی‌دهد.

در میان نظرهای پراکنده‌ای که هم زمان ابراز می‌شود، برادر شمخانی در ادامه زیان تأخیر را به صورت جدی مطرح می‌کند.

"مهم این است که شما اگر ۱۰ روز دیگر بخواهید خط اول و دوم و سوم دشمن مضبط خواهد بود، بلکه آتش تویخانه، بمبهای شیمیایی و همه را عراق می‌آورد در خط".

برادر جعفری؛ مگر آیه قرآن است که ما تا ۱۰ روز دیگر حتماً و در هر شرایطی باید عمل کنیم.

برادر شمخانی؛ اون یک بحث دیگر است.

برادر محسن؛ تا کی پس؟ یک ماه دیگر؟ دو ماه دیگر؟ سه ماه دیگر؟

جلسه بار دیگر متوقف شده است و برادران اظهاراتی مبنی بر این می‌کنند که اگر دستور است و حل مسائل برادران لازم نیست، این را آقای هاشمی باید بگویند و برادران هم ولو برای عاشورا درست کردن با کمال میل و با جدیت پای کار خواهند رفت. آن گونه که سیر مباحث پیش رفته است معلوم شده که اگر قرار است عملیاتی باشد، زمان آن همان زمان قبلی (فردا شب) اما نه تنها تفصیل مورد نظر آقای هاشمی پذیرفته نشده است. بلکه مسئولیت نتایج غیرقابل پیش بینی کار نیز تماماً متوجه ایشان گردیده است. از این رو لازم می‌بیند که نحوه تصمیم‌گیری و نقش برادران در این تصمیم را توضیح بیشتری بدهد و علاوهً نقش برادران در این تصمیم‌گیری و نتیجتاً مسئولیت مشترک آن را بادآور شود. طرح چنین مسائلی با وجود فrust بسیار کم و شرایط حساس، نشان دهنده درجه اهمیت و موضوع مورد نظر بازگو کننده میزان نیاز به قبولاندن این مطلب است.

علاوه بر این، آقای هاشمی که قبلاً با قاطعیت انجام عملیات را تکلیف کرده بود، اکنون خود دچار تردید شده است و این را نیز ملزم می‌داند حل کند تا از بروز مشکلات احتمالی در این زمینه، جلوگیری شود.

آقای هاشمی؛ "اگر من نظامی باشم با مجموعه اطلاعات خودم این تصمیم را روشن تر می‌کنم.
[لان] تصمیم‌گیری من یک مقدارش متکی است به نظراتی که از شماها می‌فهمم. می‌توانم همین طوری بگویم که بزنید و بروید. این کار را نمی‌توانم بکنم. [علت] آن که آن شب تصمیم گرفتم مقدماتی داشت. مقدماتی هم این بود که بعد از عملیات کربلا^۴، آقایان فرماندهان آمدند پیش ما و گفتند که ما تصمیم گرفتیم که در ظرف یک هفته و یا ۱۰ روز در شلمچه بجنگیم، [برای] ما هم این منطقه خوبی بود. از بعضی از آقایان هم پرسیدیم، بحث هم کردند، ارشی ها هم بودند، همه گفتند خوبست. همانجا من علیغم اینکه خود آقایان پیشنهاد کرده بودند گفتم که این، دستور تلقی بشود که دیگر بعضی ها [چون گفته شد که ممکن است بعضی ها مخالف باشند] که دیگر با قاطعیت بروید و وقت تلف نکنند. بعد هم هر چی که به من اطلاع داده شد [شان می‌داد] واحدها [منظور یگان هاست] دیگر حرفی ندارند.

آن شب (۱۰/۱۰/۱۳۶۵) که آمدم بحث کردیم، از واحدها که پرسیدیم نقطه نظر مناسبی ندادند. ضمن اینکه اینجا نظر روشی ندادند هیچ جای دیگر هم ندادند. یعنی یک وقت افرادی هستند

که می‌گویند ما اینجا را قبول نداریم یک جای دیگر می‌رویم می‌جنگیم [ما اینها] هیچ جا را هم نمی‌گفتند، هیچ کس هم هیچ چی نمی‌گفت. [در مورد] هور هم به نحوی توضیح داده شد که ما منصرف شدیم. به آن گونه‌ای که می‌گفتند که اینجا اگر شد، یک ماه و نیم دیگر شد، اگر دیدیم شد کمی جلوتر می‌آییم، یک جای پایی آنجا می‌گیریم، اگر دشمن غافلگیر شد، چه شد، چندتا اگر داشت، من هم از طرز صحبت دیدیم که آن هم نمی‌شود. خوب این [شد] واقعاً راه را بست.

تنها جایی که بعضی‌ها با شرط قبول کردند [همین جا بود] بعضی‌ها گفتند اگر منطقه زید اضافه شود، بعضی‌ها گفتند اگر این پایین باشد، بعضی‌ها با... اینجا، با یک اگرها، تنها جایی بود که واحدها [منظور یگان‌هاست] قبول کردند. خوب آن شب به اینجا رسید که دیدیم باید با قاطعیت بگوییم. بعدش هم خوب مخصوصاً آقای رضابی صحیح که آمدند با آقای شمخانی، آقای رضابی گفتند که بعد از جلسه ما، شب آقایان جمع شدند و کار تقسیم شد و رفته‌نیال کار، باز در این فاصله می‌فهمیم که خوب، سر زمان بود دیگر، ما یکی از عناصر مهم مان زمان بود که تأخیر الان برای ما خسارت نظامی دارد. همین طوری که دارید می‌بینید روز به روز دارد کشف می‌شود.

الآن مسئولین و کسانی که می‌خواهند بجنگند و بچه‌های مردم را ببرند، قبول ندارند این راه، یعنی بعد از یک هفته هم که کار کردند قبول ندارند. این راه، یعنی بعد از یک هفته هم که کار کردند قبول ندارند. چه چوری می‌شود تصمیم گرفت؟ (مکث) آقای صفوی صریح می‌گوید که، خوب ایشان از کسانی است که تصمیم گیریش مهم است، در این قضیه می‌گوید که این چوری ته".

اینکه برادران که در تئاتراها و بحران ناشی از عدم الفتتح کربلا^۴، این منطقه را در کنار دو منطقه دیگر پیشنهاد کرده بودند، اکنون به صورت عاملی در آمده بود که بر مبنای آن آقای هاشمی آنان را هم در تصمیم گیری و تعیین تکلیف گذشته وهم در بروز تردیدهای امروز شریک دانسته و حتی آنان را عامل اصلی ایجاد وضعیت کتوئی می‌دانند.

قبل از آن که انگکاسی از سخنان فوق در جلسه ظاهر گردد و یا پیرامون آن مطلبی گفته شود، برادر سنجقی به طرح مسائله‌ای پرداخت که در خلال آن مختصراً اشاره‌ای به سخنان یاد شده داشت ولی بر اساس آن پیشنهاد مشخصی را مطرح کرد که می‌توانست شکل دیگری به جلسه بدهد. ایشان گفت: در آن جله‌ای که در گلف تشکیل شد این طوری نبود که برادران، فرماندهان

عکس جبهه

لشکرها نظر خاصی در رابطه با منطقه عملیاتی نداشته باشند. همه در این زمینه صاحب تجربه و به منطقه آشنا بودند، اما مسئله‌ای که شما فرمودید به عنوان یک تکلیف (محضوصاً) یکی از برادران سوال کردند که این تکلیف است و حضر تعالی فرمودید این تکلیف است بروید وارد کار شوید) از آن موقع یک دفعه ورق برگشت.

همه با یک نیت خالص ان شاء الله و در اصل با یک قوت قلبی رفتند و مشغول کار شدند. همان شب در جلسه‌ای که بعد از آن جلسه تشکیل شده، متعدد شدند که امکانات شان را یک کاسه بکنند. این برادران رفتند پای کار و الحق والانصاف هم یک رحمت خیلی خیلی معجزه آسائی کشیدند. الان به یک نقطه‌ای رسیده‌ایم که اگر بخواهیم به یک جمع‌بندی مشخصی در خلال این مشورت‌ها برسیم قطعاً نمی‌رسیم، چون میزان پراکندگی نظرات خیلی زیاد است. البته شاید بشود گفت که ما در هیچ عملیاتی نتوانیم به نقطه نظر واحدی برسیم. در خود عملیات فاو موفق ترین عملیات ما بود، می‌بینیم که اختلاف نظرها خیلی زیاد بود، بیش از این بود.

برادر محسن: در کجا؟

برادر سنجقی: در فاو.

برادر محسن: در فاو خوب از اول تا آخر یک نفر تصمیم می‌گرفت، اون فرق داشت. الان یک مقدار کار قاطی شده، ما در آنجا وقتی می‌دیدیم رده‌های پایین تر دارند مانع کار ما می‌شوند آنها را کمتر می‌زدیم. تصمیم را یکی بیشتر نمی‌گرفت. الان یک مقدار قاطی شده و گرنه الان هم...

انتقاد برادر محسن از نحوه تصمیم‌گیری می‌توانست مجدداً باب بحث هایی را که به کل حرکت جنگ و سپاه مربوط می‌شود، باز کند و بار دیگر تصمیم‌گیری راجع به عملیات را به تعویق اندازد، اما برادر سنجقی در همین جای سخنان خویش ادامه داده و پیشنهاد مورد نظر را مطرح ساخت و گفت: "الآن می‌خواهم به همین نقطه برسم که الان برادران نظرشان را داده‌اند، حضر تعالی [خطاب به آقای هاشمی] اگر خواستید نظر برادرها را بگیرید، نظرشان را داده‌اند و بیش از اینکه گفته‌اند دیگر چیزی ندارند. هر کس هر چه داشت الحق والانصاف رو کرد. حضر تعالی یک جلسه‌ای با آقا محمد بگذارید، به یک تدبیر برسید و تدبیر تان را ابلاغ بفرمایید که برادران بروند پای کاره، دیگر کسی چیزی برای گفتن ندارد هر کس چیزی برای گفتن داشت و ته دلش بود دیگر گفته است."

مکث کوتاه جلسه نشان می‌داد که آقای هاشمی این پیشنهاد را پذیرفته است و به دنبال آن جلسه به گفت و گوهای پراکنده ما بین برادران ادامه می‌یابد.

علوم بود که آقای هاشمی هنوز به نظر مشخصی نرسیده است و در خلال همین گفت و گوهای

پراکنده نیز با برخی سوالات در صدد یافتن راهی بود، اما مطالب همچنان تکراری می‌شد و مدام نظرات و احتمالات با اما و اگرها بیان می‌گردید که فقط وجود بنست را تأیید می‌کرد. از جمله برادر ایزدی پس از ذکر مطالبی در مورد حفاظت منطقه و برخی کلیات گفت که همه مسائل صحبت شده و بالاخره باید تصمیم گرفت ولی وی همچنین پیشنهاد کرد که می‌توان ابری بودن هوا را به عنوان شرط شروع عملیات فردا شب در نظر گرفت [وی به صحبت برادر محسن که گفته بود به پیش بینی هواشناسی احتمالاً هوا نیمه ابری است اشاره کرد]. به طور کلی وضعیت جلسه به اینجا رسیده بود که عموماً هر برادری وقتی نظری می‌داد سوالات آن توسط خود او با دیگران به سرعت بازگو شده و متفقی می‌گردید. این موضوع در مورد خود آقای هاشمی نیز صادق بود و نشان می‌داد که در تردید به سر می‌برند. آقای هاشمی پس از پیشنهاد و تذکر برادر ایزدی مبنی بر لزوم تصمیم‌گیری گفت: "من تردیدی که به طور جدی تردید دارم به همین جا رسیده که یک مهلت ۱۰ روزه بدھیم که یک قدری وضع مهندسی شما بهتر شود و یک قدری هم زمان شب را بیشتر داشته باشیم".

آقای هاشمی بلافضله افزو: با این شباهتی که مطرح می‌کنید، مخصوصاً حرف آقای معیدی مهم ترینش است الن نیروهای شما می‌دانند نقطه عمل را [برادر ایزدی گفته بود تا رده دسته همه توجیه شده‌اند] در این نیرویی که شما آورده‌اید سربازهای عادی هم هستند، منحصر به بسیجی‌ها که نیست.

برادران برخی استقبال کردند اما اشکالات مربوطه را نمی‌توانستند پاسخ گو باشند و برخی نیز اشکالات را با وجود تکراری بودن یاد آور می‌شدند.

برادر جعفری: اینها را برگردانید می‌شود به آنها گفت به هم خورده، تمام شده.

برادر محمدزاده: این را به عنوان فریب تلقی می‌کنند و تمام شده.

برادر جعفری: برشان گردانید و بگویید که جای دیگر است.

برادر غلامپور: فقط که عامل نیرو نیست که، آنها (دشمن) عکس هوا بی می‌گیرند، نیاز نیست کسی به آنها بگویید.

برادر جعفری: کافی است یک روز هوا صاف باشد یک نفر از بالای پتروشیمی منطقه را نگاه کند.

برادر غلامپور: حاج آقا، پریش اینجا دژ بوده، فردا صبح که دشمن چشمش را باز کند جاده شده این تا خط کمین مان امشب جاده می‌شود، یعنی نصفش را بریده‌اند، فردا دشمن نگاه می‌کند می‌بیند، اینجا که دژ بوده جاده شده!

آقای هاشمی: به نظر می‌رسد که تا ۱۰ روز دیگر همه چیز لو می‌رود اینجا.

برادر محسن: اینکه مسلم است.

برادر نجات: توبه‌توى موضع رفته‌اند، اکثر خشایارها که رفته منطقه در کنار جاده‌هast. اگر فردا هوا خوب باشد عکس هوایی همه آنها را مشخص می‌کند.

برادر نجات: اصلاً صبح از این جاده حرکت کردیم، بعد از ظهر موقع برگشتن جاده را شناختیم، از بس موضع زده بودند، از بس سنگر درست گرده بودند، مثل اینکه همان جاده نیست.
اشکالات فراوان است و ذکر آنها می‌تواند گفت و گویی بی‌پایانی باشد و در نهایت هم به تصمیم مشخصی منجر نشود. آقای هاشمی گفت و گوها را قطع می‌کنند و می‌گویند: خیلی خوب، حالا شما چه می‌گویید آقای صفوی؟

برادر رحیم: دیگر شما با آقا محسن می‌توانید تصمیم بگیرید. اینجا دیگر اصلاً جای نظر نیست. ما حرف هایمان را زده‌ایم.

آقای هاشمی: تصمیم را آدم ممکن است برسد بگیرد. حالا که این بحث‌ها را کردیم ممکن است به یک نقطه بر سیم تصمیم بگیریم. ولی خودتان بگویید که به چی می‌رسید آن. شما که صاحب نظر هستید به چی می‌رسید؟

با این چیزی که پیش می‌آید به احتمال قوی ۱۰ روز دیگر کاملاً متفقی است عملیات سلمچه. این فرض را چه جور؟ اگر این طور شد چکار می‌کنید؟

برادر رحیم: شاید هم متفقی نشود.

آقای هاشمی: به احتمال قوی متفقی است. دشمن در این ۱۰ روز این سربازهایی که برمی‌گردند...
برادر رحیم: چنانچه تصمیم این گونه شود، تمامی موضع و توبخانه‌ها باید از آنجا آورده شود کناره، اطراف کارون و... تمامی کارهایی که متناسب این عقب افتادن زمان است باید انجام شود، به اینکه توبه‌ها را ۱۰ روز بگذاریم توى موضع، همه باید بروند عقب جایی که قابل عکس برداری نباشد.

مقداری راجع به عملی بودن این تدبیر بحث می‌شود. برخی برادران با این تدبیر نیز هوشیاری دشمن را محتمل می‌دانند اما برادر جعفری تدبیر یاد شده را عملی می‌داند و آشکارا به عملی شدن این نظر اشیاق نشان می‌دهد و خود در این رابطه، طرح اجراء می‌دهد. اما آقای هاشمی یک نکه جدیدی را مطرح می‌کند.

آقای هاشمی: یک بحث دیگر هم پیش می‌آید [او آن اینکه] این نیرویی که این کار را بوسرش آوردیم، ۱۰ روز دیگر دوباره بخواهیم بیاوریم آنها را در اینجا بجنگیم، دیگر چه اعتمادی به

فرمانده اش دارد؟ فرماندهی که آنها را در کمپرسی ریخته و رویشان پلاستیک کشیده و آنها را آورده است، ما که دیدیم خیال کردیم گونی است.

برادر محسن: اصلاً امشب جزء عملیات محسوب می شود و چنانچه بگوییم عمل نشه، خود یک شکست است، از قبل نمی بایستی می شد ولی حالاً که شده یک وضع خاص و اضطراری است.

آقای هاشمی (با تأثیر و تأمل): مجموعه بیشتر به این طرف می چرخد.

برادر جعفری: حاج آقا آدم یاد والفقیر مقدماتی می افتد. من دقیقاً یادم است که تصمیم والفقیر مقدماتی هم چنین حالتی بود. نیروها پای کار بودند و... دقیقاً همچنین حالتی بود و عمل شد. این در واقع جمع‌بندی نهایی و پیش‌بینی برادر عزیز جعفری از نتیجه عملیات بود که لحظاتی حالت خاصی را به جلسه حکم فرما کرد، عباراتی نظیر شما یاد والفقیر ۸ بیفتد، از برادر عزیز بعید است که در چنین شبی همه‌اش آیه یأس بخواند، برادر عزیز وقتی تصمیم گرفته شد از همه محکم تر است از حضار شنیده می شود و برادر عزیز گفت که اینها باید آیه یأس تلقی شود و او وظیفه خود می داند که بگوید. به دنبال آن لحظاتی سکوت ناخوشایندی همراه با کلماتی نظیر لا اله الا الله برقرار شد. در این وضعیت آقای هاشمی مطلبی را عنوان کرد که ناگهان روال آرام جلسه را بر هم زد و موجب برخورد برادران با مسئله مطرح شده گردید و بحث مجدد از چارچوب تصمیم‌گیری برای عملیات خارج شد.

آقای هاشمی: آنچه که مهم است این است که، حالا این عملیات ۱۰ روز، ۵ روز تأخیر بیافتد مسئله‌ای نیست، آنچه که آدم می فهمد این است که مجموعه فرماندهان سپاه که حالا مسئول جنگ هستند، دیگر در شرایط آینده، قدرت تصمیم‌گیری برای عملیات نخواهد داشت.

برادر شمخانی: چرا حاج آقا.

آقای هاشمی: برای اینکه هیچ عملیاتی در آینده بدون این محدودیت نخواهد بود.

برادر محمدزاده: نه بحث این منطقه هستش که همین الان اگر ما تاریکی را داشتیم این حرف‌ها را نداشتیم؟

آقای هاشمی: بله، آقایان می دانند دیگر، در والفقیر ۸ مگر همین بحث‌ها را نداشتیم.

برادر محمدزاده: من آن دفعه خدمت تان عرض کردم... ولی کلاً سپاه معتقد است که بجنگد. یک، دو سال، روشن ترش این است که ما، اعتقاد سیاه را دارم عرض می کنم، من بینی و بین الله حرف بجهه‌های سپاه را فکر می کنم دارم می گوییم. امام گفته‌اند که این جنگ ممکن است ۲۰ سال هم طول بکشد. سپاه هم واقعاً می خواهد ۲۰ سال بجنگد، بحث این را هم ندارد که حتماً یک پیروزی در این

لحظه به دست بیاورد و عرض کنم که فردا این یک پیروزی سیاسی باشد و مسأله جنگ تمام بشود. سپاه می خواهد ۲۰ سال بجنگد. ولو آن که نهایت این ۲۰ سال جنگ هم کربلا باشد. تازه روش امام حسین (ع) است. نه خون ما از امام حسین (ع) رنگین تر است و نه پدر و مادر و خواهر ما از حضرت زینب (س) بالاترند.

آقای هاشمی: شما فکر می کنید امام می خواهد ما همین طوری بجنگیم؟ همین طوری...؟
برادر محمدزاده: ما این طوری فهمیدیم. یک ماه و نیم پیش فرماندهان سپاه رفتند پیش امام، نوارش هم هست، ایشان عین جملاتشون را من عرض می کنم، در عملیات کربلا ۴ هم برادرها این سخن امام را به صورت پلاکارد روی سر در اتاق فرماندهی عملیات، درشت زده بودند. شما ان شاء الله... می روید کربلا، من هم می آیم آنجا با هم نعاذ می خوائیم. این برای ماخت مشی است حاج آقا.

آقای هاشمی: به شرط اینکه بجنگند.
برادر محمدزاده: می جنگیم، جنگ ما کربلا هم تویش دارد.
آقای هاشمی: آقای محمدزاده شما چه حریق دارید [می زنید]. شما از اول سال تا به حال، پشت سر هم نیروهای مردم آمده‌اند برگشته‌اند، این جور امام آن روز که آمدید پیش امام، امام نگفتند و لو ایذائی بجنگید؟
برادر محمدزاده: خوب ما آمدیم یک عملیات بزرگ برای پیروزی سیاسی در نظر گرفتیم که این طور شد.

آقای هاشمی: نگفتند مگر؟
برادر شمخانی: امام فرمودند، بله.
آقای هاشمی: ولی شما اصلاً تعطیل کردید، شما اصلاً چند ماه است که تعطیل کردید.
برادر شمخانی: ما عملیات ایذایی که کردیم...
آقای هاشمی: جنگ فقط از طرف عراق است. یعنی الان مدت‌هاست که هر روز یک کارخانه‌مان، یک تلحیه‌خانه‌مان و همه چیزمان را عراق دارد می‌زند. هر روز دارد یک شهرمان را می‌زند و خراب می‌کند. از طرف ما که جنگی نیست، چه جنگیم، غیر از اینکه ما هر روز مردم‌مان را قطار می‌کنیم و می‌آوریم اینجا، بعد سه ماه می‌مانند بعد هم برمی‌گردند و می‌روند. یا باید بروید و (مکث)... حرث امام که این نیست که، امام چند روز قبل از این با اوقات تلحی خی با من یک حرثی زدند سر این تأخیرها.

برادر محمدزاده: ما عملیات ایدایی نمی‌توانیم بکنیم؟ ما عملیات محدود نمی‌توانیم بکنیم؟ واقعاً نمی‌توانیم بکنیم حاج آقا، واقعاً نمی‌توانیم.

آقای هاشمی: پس چرا نکردید؟

برادر محمدزاده: به خاطر اینکه رفیم سراغ عملیات بزرگ تر.

آقای هاشمی: خب عملیات بزرگ تر هم این طور... [اشاره به عملیات کربلای ۱۴]

برادر محمدزاده: به هر حال حاج آقا من که گفتم که واقعاً، کی فکر می‌کرد که عملیات کربلای ۱۴ این طوری بشود.

آقای هاشمی: حالا...

برادر محمدزاده: شما خودتان، وقتی می‌آمدیدم خدمت تان، واقعاً به نظر من که این طوری می‌رسید که شما حتی مرحله را بالاتر ش می‌گرفتید، یعنی واقعاً تردیدی در مسأله عملیات نبود.

آقای هاشمی: نه من نداشتم، تردیدی نداشتم.

برادر محمدزاده: خب، به هر حال وقتی شما فرمانده ما بودید و تردیدی نداشتید ما هم اگر عمل نمی‌کردیم آدم بدی بودیم.

آقای هاشمی: من حرفی توی آن ندارم، من می‌گوییم در این جنگ، الان اگر ما نتوانیم اینجا تصمیم را درست در بیاوریم، خب داریم پیش‌بینی می‌کنیم دیگه، که ۱۰ روز دیگر هم بیاییم بشنیپم همینجا و بگویند که خوب دشمن متوجه شده. واقعاً هم احتمالش خیلی قوی است که برگردیم بگوییم دشمن بیدار شده، کجا می‌بریم نیروهایمان راه، کجا می‌جنگیم؟

برادر محمدزاده: چرا، مأموریت بدینه من فکر می‌کنم همه بجهه‌ها آمادگی دارند که از حداقل عملیات ایدایی تا عملیات محدود انجام بدهند.

آقای هاشمی: خوب اون یک رویه دیگری است. یعنی اگر این جوری نمی‌خواهیم بجنگیم، یعنی واقعاً نمی‌توانیم، همان حالا...

برادر محمدزاده: نه، هر وقت هم جایی مثل قاو پیدا کردیم باز می‌رویم عمل...

آقای هاشمی: ... همین حالا لشکرها را تقسیم کنیم بگوییم بروید از بالا تا پایین. بروید هر کدام یک محلی برای خودتان پیدا کنید.

ایشان خطاب به آقای رضایی: خوب آقای رضایی بباید یک تصمیم بگیریم دیگر. مثل اینکه آقایون به جایی...

برادر محسن(باختنه) این جمع فایده نکرد. با هم بریم ان شاء الله خدا کمک می‌کند یک چیزی...

آقای هاشمی (زیرلپ) بعله.

در اینجا برادر شمخانی نکته‌ای را که در مورد انجام عملیات کوچک [ایدایی و محدود] مبهم مانده لازم می‌داند یادآوری کند. از نظر وی اهمیت مطلب آن قدر است که حاضر شد باز هم نتیجه‌گیری را به تأخیر بیندازد، البته این بار قطع بحث طولانی نشد.

برادر شمخانی: حاج آقا، چون در جلسه پیش هم شما فرمودید، ما عملیات‌های... ما در طول امسال عین حکم حضرت امام را اجرا کردیم.

آقای هاشمی: یک مدتی راست می‌گویید. یعنی العمیه، کربلا...

برادر شمخانی: کربلای ۱ و ۲ و ۳، فتح ۱ و ۲ و ۳ و کربلای ۵ و ۶ و سد دریندیخان و... را داشتیم.

آقای هاشمی: آخرش هم به خدمت امام، همین اخیراً گفتم، گفتم که ما برای عملیات وسیع برنامه‌ریزی می‌کردیم.

برادر شمخانی: علت هم دارد. اصلاً تناقض دارد عملیات سرنوشت ساز و عملیات ایدایی. ما همین الان که شب عملیات مان است، مهمات خمپاره ۱۲۰ مایه اندازه یک آتش شکستن خط نیست. اگر عملیات (کوچک) می‌کردیم همین اندازه امکاناتی هم که داریم، آن را هم نداشتم.

آقای هاشمی: درست است، ما هم می‌خواستیم عملیات وسیع بکنیم، تاچار بودیم. اگر آن عملیات را کرده بودیم، همین را هم نداشتم. به همین دلیل هم ما پذیرفته‌یم که مدتی متوقف بشود.

علی‌رغم آن که قرار شده بود آقای هاشمی با برادر محسن به تصمیم گیری بنشینند، در همین جا و در ادامه سخنان قبلی با ایشان تصمیم نهایی را به نحو زیر اعلام می‌کنند. خیلی خوب، تصمیم بگیریم که به حول و قوه‌اللهی آقایان بروند پای کار، مشروط به همان حرفي که آقای جعفری می‌گویند، یعنی اگر تا فردا شب روشن شد که دشمن هوشیار است نسبت به عملیات، قبول بکنیم که برگردیم.

باز هم گفت و گوهایی در می‌گیرد و چند تن از برادران به طور پراکنده مسائلی چون ساعت عملیات، غافلگیری دشمن و... را مطرح می‌کنند اما برادر محسن قبل از آن که این وضعیت چندان طول بکشد می‌گوید... با این وضع روحیات اینها به هم می‌خورد؛ اینها بروند دنبال کارشان، ما با هم بنشینیم و...

آقای هاشمی: اینها نشسته‌اند که ما تصمیم بگیریم بروند دیگر، بعد که...

برادر محسن: آخر شما، با شرط که تمی شود فرماندهی کرد. شما می‌گویید اگر این طور شد، اگر آن طور شد، یک بلشوئی می‌شود شب حمله. فردا شکر می‌گوید آقا! آقای هاشمی گفت اگر بشود،

اگر نشود، پس این سیستم مایه هم می‌زیند که، مانع توائیم این طوری کار بکنیم. شما مشورت‌هایتان را کرده‌اید، باید بنشیتم با همدیگر بحث کنیم. کار به اینجا رسیده باید به یک طریقی آن را از این گردنونه خارج‌ش کنیم دیگر.

آقای هاشمی: اگر روشن شود که دشمن می‌داند، باز بگوییم بروند جلو؟

ظاهراً آقای هاشمی ترجیح می‌دهد که در حضور همین جمع تصمیم نهایی گرفته شود و باز هم گفت و گوها می‌رود که شروع شود اتا در اینجا آقای عراقی نظر برادر محسن و پیشنهاد قبلی برادر سنجاقی و برادر رحیم را بار دیگر به این نحو مطرح می‌کند.

در این مدت بحث دسته جمعی شده، نیم ساعت هم اگر صلاح می‌دانید مذاکره دونفره بفرمایید و برادران در این نیم ساعت، نماز امام زمان را می‌خوانند (برادر رحیم با خنده: نماز جعفر طیار)، کنایه از احتمال طولانی شدن جلسه آقای هاشمی و برادر محسن و نیم ساعت دیگر می‌آیند و جواب را می‌گیرند.

ساعت نزدیک چهار بامداد است، حاضرین همه همین را ترجیح می‌دهند و با صلوات جلسه تمام می‌شود.

اعلام تصمیم فرماندهی:

پس از مشورت و بحث دو نفره آقایان هاشمی و محسن رضایی، جلسه مجددآ تشکیل شد و تصمیم اتخاذ شده به نحو زیر توسط آقای هاشمی اعلام و ابلاغ گردید: "ما آقایان اینجا مشورت کردیم، با توجه به همه اظهاراتی که شده نظرمان چربید که ان شاء الله فردا شب انجام شود و فرماندهی، آقای رضایی که حضور دارند اینجا، تا لحظات آخر مسائل را زیر نظر دارند. اگر وضع فوق العاده‌ای پیش نیامد، همین طور که دستور داده شده شد، عملیات انجام می‌شود. اگر ایشان تشخیص داد که خواست متوقف کند، ایشان این حق را دارند که متوقف کنند ولی فقط ایشان این حق را دارند، یعنی فرماندهان دیگر این حق را ندارند. ضمناً آقایون هم در محورهایی که پیش می‌روند حتماً آقای رضایی را در جریان بگذارند که یک وقتی مثلاً عقب گرددی، چیزی، بدون هماهنگی با ایشان پیش نیاید. مسئولین محورها اینجا الان هستند، آخرين وضعیت را دائماً به ایشان بگویید.

من هم باید چایی مستقر باشم که اطلاعات هم به من برسد، آقایان اطلاعات را دقیق و صریح بدهید به مقر ایشان (برادر محسن) و ایشان به من برساند. ان شاء الله با توکل بر خداوند و این مقدار که عقل مان می‌رسد مشورت کردیم و مجموعاً راه حل صحیح را تشخیص دادیم. خداوند نصر می‌دهد

ان شاء الله...".

پس از آن که مقداری در مورد محل استقرار آقای هاشمی و واگذاری برخی امکانات ارتش توسط سرهنگ حسنی سعدی صحبت شد، آقای هاشمی مجدداً در مورد انجام عملیات تأکید کرد و چنین گفت: حالا بعد از این تصمیمی که گرفتیم و ابلاغ کردیم، [لازم است بگویم] بهر حال ما یک جنگ قطعی باید با عراق داشته باشیم و بهترین جای جنگ هم اینجاست و بهترین شرایط زمانی همین حال است. ما نیروی مان و روحیه مان و شرایط مان مساعد است برای این جنگ. یچه ها به خاطر آن فترتی که پیش آمده حتماً انگیزه بیشتری الان دارند که انتقام را از دشمن بگیرند. جنگ را ادامه می دهید ان شاء الله حالا یک جا متوقف شد همان جای پارامی گیریم و بالآخر خط راشکته اید شما دیگر، این کار را که می توانیم بکنیم، بعد از شکستن خط ان شاء الله میدان به میدان می رویم جلو، نیروهای مان را بسیج می کنیم، مردم را دعوت می کنیم، ادامه می دهیم جنگ را، اینجا دشمن بیشتر از ما منهدم می شود. ما ۲۰ کیلومتر که برویم جلو رسیده ایم به بصره".

ان شاء الله حضار و ختم جلسه.

پس از پایان جلسه بلافضله برادر محسن جلسه دیگری را به منظور فراهم سازی مقدمات انجام عملیات و پیگیری آخرین وضعیت برگزار کرد. در ابتدای این جلسه برادر محسن طی یک جمع بندی از وضعیت کلی جنگ و نحوه تصمیم گیری انجام این عملیات گفت: "ما در امر جنگ، در شرایط خیلی خاصی قرار گرفته ایم که برادران ما باید این شرایط را حداقل درک بکنند و ایشکه چقدر می توانند در این میدان عمل بکشید، این بحث دیگری است..."

یک سری از مسائل را خود شما می دانید و من نمی خواهم بگویم. یک سری مسئله دیگر هست و آن اینکه همان طور که تشخیص داده بودیم امام تأکید بر انجام عملیات دارند و از عدم انجام عملیات نگران هستند و من فکر می کنم به همه بزرگان توپیده و گفته این چه وضعیت است؟ ما فعلاً نباید تقصیر را به گردن کسی بیندازیم. به هر حال مسائل مشخص است که اگر ما ضعف هایی هم داشته ایم شخص است. خط مشی، استمرار جنگ است ولی یک قدم رفتن، دو قدم رفتن، ۱۰ نفر اسیر گرفتن، ۵ نفر اسیر گرفتن، چه عملیات بزرگ بشود چه کوچک، به هر حال استمرار عملیات است.

مسئله دوم اینکه به هر حال در ذهن ایشان [آقای هاشمی] طرح شده و در ذهن امام طرح شده اینها نمی خواهند بجنگند این استباط شخص خود من است که نکند فرماندهان سپاه نمی خواهند بجنگند و یک مقدار صداقت شما در انجام تکلیف مان شاید مورد سوال قرار گرفته.

مسئله بعدی ایشکه دشمن قصد دارد به فاو حمله بکند و باید کوچک ترین فرستی به دشمن داد تا

وارد عمل شود.

مسئله بعدی تصمیم‌گیری طوری بود که وضع به نحوی شد برخلاف عملیات فاو که از اول و آخرش یک ابتدایی داشت و یک انتهایی داشت، بعد از یک مدتی به هر حال بعد دوگانگی هازیاد شد، الان ما اگر بخواهیم این وسط تعیین تکلیف کنیم که چطور شود و چطور نشود، وضع دوباره پیچیده‌تر می‌شود و همین طور مسئله اینجا بین زمین و آسمان می‌ماند همین طور به یک بنستی می‌رسد که بدتر از هر کار دیگری است و هر آن ممکن است از جای دیگری سر در بیاورد. اینها یک سری مسائلی است که وجود دارد و ما انشاء‌الله باید برویم پایی کار و به امید خدا آماده عملیات بشویم و در تلاش باشیم که عبور یکنیم. اگر احیاناً دیدیم همان سر شب، مشکلات مثل عملیات کربلای ۴ هست، یک نقطه‌ای است که می‌شود روی آن تصمیم گرفت، و اگر وسط کار مشکلاتی پیدا شود ما باید به هر حال با انتقال زرهی و تمرکز آتش تلاش‌هایی یکنیم که یکی از آن عملیات‌های ایدایی که امام می‌گوید، اینجا یک جایایی، بگیریم... و در ۵-۶ کیلومتری، با خاکریز و زیر آتش و به هر صورت با تعدادی اسیر... و یکی از آن عملیات‌های ایدایی باشد که امام توی ذهنshan هست.

ما الان در وضعیتی هستیم که باید به سرعت بر خودمان غلبه یکنیم که این وسوسه‌های جانبی خودمان را نجات بدھیم و همان طور که ایشان هم [آقای هاشمی] تصمیم گرفتند که خوب ما کمک‌شان کردیم که همین طور هم تصمیم بگیرند، و باستی الان اگر بخواهیم از خسارات بیشتر جلوگیری یکنیم فقط بایستی با تمام قدرت و با تمام توان قوا و قبول هر مسئله‌ای جلوگیری بشود. خلجان‌هایی که در فکر و افکار هست این را بپرون بیاوریم.

حالا ایشان [آقای هاشمی] با همین نتیجه‌ای که رسیدند، حالا لازم نیست همه تصمیمات را در عمل هم خودشان بگیرند، این یک مقدارش حل شد در رابطه با برادرهایی هم که پایین‌تر هستند. [فرمانده قرارگاهها و یگان‌ها] باید همین طور باشد و از خلجان‌ها پرهیز کنیم. هر خلجانی الان ما را به سرنوشت بسیار بدی درگیر می‌کند و برای ما خطرناک است. ایشان در ذهنshan این بود هر لحظه‌ای برایشان گزارش شود که فلاں لشکر اگر می‌خواهد عقب بیاید، باید ملا [آقای هاشمی] را در حریان بگذاریم که بگویند عقب نیاه که گفتیم باید اینکه خیلی مشکل است، نمی‌شود و خوب ایشان لطف گردند و گفتند که شما [محسن رضایی] خودتان اختیار داشته باشید و من فکر می‌کنم تنها راه حلی که برادرها باید انجام بدهند، این است که بایک روحیه ایثارگرانهای که واقعاً صداقت‌مان را هم به امام نشان بدهیم و هم انشاء‌الله بتوانیم به خداوند متعال نشان بدهیم و ثابت کنیم که ما برای آخرت‌مان واقعاً می‌جنگیم و نه برای هیچ مسئله دیگر و این را باید در عمل ما نشان بدهیم و شاید این میدان

آزمایش که بتواند ما را از بوته آزمایش در بیاورد، بهتر از این جنگ، چیز دیگری نیاشد و آنچه که مسلم است اینکه به هر حال این بیت یک صاحبی دارد که بیشتر از ما دلش می‌سوزد و برای مسائل باید به او توکل کنیم و پیش برویم.

مجموعه این مسائل ما را وادر می‌کند که بدون خلجان فکری، الان تمام قوایمان را بسیج کنیم و کارهایی که تا حالا عقب مانده پیش ببریم تا بینیم ان شاء الله خدا چه می‌خواهد". در ادامه جلسه یاد شده همچنین پس از مباحثی ساعت ۲ با مدد نیز به عنوان زمان شروع عملیات تعیین شد و سپس جلسه خاتمه یافت.^۱

۱- فصلنامه نگین، مرکز مطالعات و تحقیقات حگم سیاه، شال ششم، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۸۶، صفحه ۱۰۸-۱۰۵.

جنگ در سال ۷۵

از تگاه دیگران

□ عبدالحليم أبو غزاله

وزیر دفاع مصر در دوران جنگ تحمیلی

گربلا ۱

در ۲۰ جولای (۲۹ تیر ۱۳۶۵) حمله ایران بر مواقع عراقی‌ها و ارتفاعات اطراف مهران آغاز شد و با فرا رسیدن ظهر، رژیم‌گان ایرانی در نبرد کوهستان بر قوای عراقی تا حدی به برتری دست یافتند. غفلت نیروهای عراقی از انجام دادن گشت‌های شناسایی، فرصت خوبی برای ایران فراهم آورد. عراق به تأمین پیرامونی و جلو خطوط دفاعی خود تا فاصله ۲۰ کیلومتری نپرداخت، در نتیجه نیروهای ایران به سرعت مواقع دفاعی عراق را شکستند و ۲۰۰ کشته بر او تحمیل کردند.

عراق پس از شکست خود در مهران، کوشید تا حملاتی را در جزیره صحون علیه ایرانی‌ها انجام دهد، اما در این کار نیز موقتی حاصل نکرد و ناگزیر شد به استفاده از نیروی هوایی پناه ببرد، لذا پس از یک توقف سه ماهه، سلسله‌ای از بمباران‌های هوایی علیه اهداف متعدد را آغاز کرد و در روزهای ۲۰ تا ۳۰ جولای (۲۹ تیر تا ۸ مرداد) یک کارخانه قند، یک پادگان، یک تلمبه خانه نفت و برخی اهداف غیر نظامی را در اراک و مریوان و سمندج هدف حمله قرار داد و حملات هوایی به اهداف نفتی را نیز افزایش داد. در ۱۴ آگوست (۲۱ مرداد) جنگنده‌های ایرانی به تلافی حمله هوایی عراق -

که برای اولین بار به جزیره سیری صورت گرفت و طی آن سه نفتکش ایرانی آسیب دید - حملاتی را به تأسیسات نفتی عراق انجام دادند. جزیره سیری در فاصله ۶۴۰ کیلومتری عراق و ۲۴۰ کیلومتری تنگه هرمز قرار دارد. این حمله نشان داد که ایران برای یافتن راه امن صدور نفت خود، چهار مشکل گردیده است. پیش از آن، ایران گمان داشت که مناطق انتخابی جدیدش برای صادرات نفت، دور از تیررس عراق قرار دارد. عراق حمله به این جزیره را چند بار تکرار کرد و بمباران اهداف نفتی در زمین را نیز ادامه داد. در اوخر آگوست (اوایل شهریور) عراق ۱۲۰ سورتی پرواز فقط بر ضد جزیره خارک انجام داد و در ۳ سپتامبر (۱۲ شهریور) اعلام کرد که همه تأسیسات نفتی ایران را در تیررس نیروی هوایی خود دارد.

واکنش ایران، شلیک موشک به مراکز صنعتی و تأسیسات نفتی عراق بود. ایران استفاده از موشک‌های ساخت خود به نام «عقاب» را با ۴۰ کیلومتر برد و ۷۰ کیلوگرم وزن سر جنگی آغاز کرد. ظاهراً این موشک مدل بهینه سازی شده از موشک چینی «مارک - ۸۲» بآشد. تعداد موشک‌های شلیک شده ایران در سال ۱۹۸۶ (زمستان ۱۳۶۴ تا پاییز ۱۳۶۵) به ۱۹ فروند، در سال ۱۹۸۷ (زمستان ۱۳۶۵ تا پاییز ۱۳۶۶) به ۸۱ فروند و در سال ۱۹۸۸ (زمستان ۱۳۶۶ تا پاییز ۱۳۶۷) به حدود ۱۰۴ فروند رسید. با این حال تأثیر این موشک‌ها به دلایل بسیار، نسبتاً ضعیف بود.

از همه این وقایع و سایر اتفاقات می‌توان چنین دریافت که ایران راهی جز کسب پیروزی در نبرد زمینی در پیش رو نداشت. ایران نیروی انسانی بیشتری در اختیار داشت.^۱ هر چند که با مشکلات فراوانی در این زمینه رو به رو بود. با همه این احوال، نیروی زمینی ایران به ۱/۲۵ میلیون تن رسید و به این کشور امکان داد تا سازماندهی و تشکیلات آن‌ها را بهبود بخشد. تعداد ۶۵۰ هزار تن نیروی داشتی و عملیاتی؛ حدود ۵۵ هزار تن نیروی بسیجی و احتیاط که در مقاطع زمانی مختلف به کار گرفته می‌شدند؛ ارتش نیز حدود ۳۵۰ هزار تن نیرو داشت که در لشکرها سازمان دهی شده بودند. گرچه سقف نیروی لشکرها به ۱۰ هزار تن کاهش یافه بود، سپاه پاسداران انقلاب هم با استعداد ۳۵۰ هزار تن در لشکرهای کوچکتر از ارتش سازمان دهی شده بود. سپاه پاسداران بر خلاف ارتش، نقشی اساسی در برقراری امنیت داخلی نیز بر عهده داشت.

^۱ - نیروی زمینی ایران همواره در کلیه مقاطع جنگ بسیار کمتر از نیروهای عراقی بوده است. شاید منظره تویسته، مقایسه جمعیت ایران با جمعیت عراق بروز باشد.

عملیات فاو باعث شد تا ایران مجبور شود در سیستم فراخوانی نیروهای سرباز و داوطلب خود تغییراتی بدهد و تنها اتکاء بر شور انقلابی و قومیت نکند. در ماه آوریل، [امام] خمینی فتوای ضرورت انجام دادن حمله جدید را صادر کرد و دستور داد که این حمله تا قبل از عید نوروز آینده یعنی آغاز سال ایرانی ۲۱ مارس ۱۹۸۷ برابر ۱ فروردین ۱۳۶۶) انجام گیرد. به این جهت دولت بلاfacile پس از صدور این فتوی، ۵۰۰ گردن داوطلب را به جبهه فراخواند. (هر گردن هزار تن).

کربلای ۲ و ۳

به رغم تمام تلاش هایی که ایران برای افزایش توان هجومی خود انجام داد و تا آگوست و سپتامبر (شهریور) به نهایت خود رسید، اختلافات حادی در داخل فرماندهی ایران بروز کرد و شایعاتی منتشر شد که رقابتی بین [امام] خمینی و رفسنجانی در گرفته است. موضوع این رقابت، اظهارات گروههای لاییک بود که استراتژی به کار گیری شدید امواج انسانی در حملات ارتش و سپاه و نبردهای خونین و شور انقلابی را محکوم می کردند.^۱

صرف نظر از آن که این شکاف در سطوح بالای فرماندهی ایران وجود داشته است یا نه، این امر مانع آمادگی هجومی ایران نشد. در ۲۹ آگوست (۱۳۶۵/۶/۷) رفسنجانی اعلام کرد که ۶۵۰ هزار بسیجی، آمده حمله نهایی شده اند. در سپتامبر (شهریور) ایران گزارش هایی مبنی بر اعزام ۳۵۰ هزار نیروی جدید برای پیوستن به سپاه پاسداران انقلاب جهت اجرای حمله نهایی منتشر ساخت و اعلام کرد که ۵۰۰ گردن جدید بسیجی تشکیل شده است. ایران در همین زمان برای بهره برداری از تمام شکاف های داخلی عراق می کوشید، به این جهت تمایل خود را برای تبدیل اسیران اعلام کرد و مقامهای رسمی ایران در سخنان خود می گفتند که در صورت پیروزی، از هر حکومت جدیدی در عراق خسارت نمی گیرند.

ایران برای باز پس گیری ارتفاعات حیاتی در منطقه حاج عمران، حمله جدیدی را در ۳۱ آگوست (۱۳۶۵/۶/۹) با نام کربلای ۲ آغاز کرد. در این حمله نیروهای کرد نیز همراه قوا ایرانی بر ضد پنج تیپ از سپاه پنج عراق عمل کردند. ظاهراً ایران توانست ارتفاعات کریمان [گردنده] مشرف بر

۱ - آقای هاشمی در این زمان از طرف حضرت امام (ره) فرمانده جنگ بود و تدبیر وی در تحره حنگیان تضادی با نظر ایشان داشت، به سبب همین راقیت بود که به قول بوسیده در جمله بعدی «آمادگی هجومی ایران با تابعی روبرو نشد»، زیرا در غیر این صورت امکان آمادگی هجومی برای ایران به دلیل بروز آن شکاف ادعایی نمی بایست وجود می داشته

کردستان [عراق] را به دست آورد. نیروی هوایی عراق، یک صد پرواز در روز برای پشتیبانی از نیروهای پدافندی انجام داد. جنگ سنگین و سختی بود. در ۳ سپتامبر (۱۲ شهریور) کوه گردنده (کارمانه) و برخی تپه‌های حاج عمران به دست ایران افتاد، پس از آن، نیروهای سپاه پاسداران و سیچیان وارد عرصه تبرد شدند، اما بدون هماهنگی و نظام لازم.

نیروهای احتیاط تزدیک عراق از سپاه پنجم (گردان ۴۰۴ نیروی مخصوص و گردان گارد ریاست جمهوری) با استفاده از بی‌نظمی و ناهمانگی بین نیروهای ایرانی، به اجرای پاتک پرداختند و توانستند ایرانی‌ها را از پیشتر تپه‌هایی که بر آن مسلط شده بودند، عقب براند. در نهایت، حمله ایران با سلط بر برخی روستاهای کوچک و چند پل روی جاده و یک تپه در تزدیک جاده، به پایان رسید. در عملیات کربلای ۳ نیز بار دیگر مشکلات ناهمانگی و بی‌نظمی در نیروهای ایران بروز کرد حمله در روز اول سپتامبر (۱۰ شهریور) با سلط تفنگداران سپاه هوایی [نیروی هوایرد] بر پایانه نفتی [العمیه] که نیروی اندکی روی آن مستقر بود، آغاز شد. ۱. ایستگاه رادار عراق که مراقبت کشتی رانی در خلیج فارس را به عهده داشت، منهدم شد. ایرانیان امیدوار بودند که از سمت جنوب بتوانند پندر «ام‌القصر» و «البکر» را با توپخانه هدف قرار دهند. در دوم سپتامبر (۱۱ شهریور) فرمانده سپاه پاسداران انقلاب دستور داد تا ۲۰۰ نیروی تکاور در مجموعه‌های کوچک با قایق از «رأس الیشه» به سمت پایانه العمیه و پایانه البکر در خلیج فارس حرکت کنند. هوایی‌ها و هلی‌کوپترهای هجومی و توپخانه عراق به اجرای آتش روی این نیرو پرداختند و تنها ۱۳۰ تن توانستند به اسکله العمیه برسند. پس از آن، چتریازان عراق روی اسکله فرود آمدند و آن را بازپس گرفتند.^۱

تمام آنچه ایران توانست در خلیج فارس انجام دهد، فراتر از اجرای یک عملیات گشت رزمی نبود. ایران فعالیت دریایی خود را با بازرگانی کشتی‌ها در خلیج فارس افزایش داد و روزانه به بازرگانی ۱۵ تا ۲۰ کشتی می‌پرداخت.

۱- اجرای عملیات اهدامی کربلای ۳ روی اسکله نفتی العمیه، به عهده نیروی هوایرد سپاه نبوده است؛ این عملیات به هفت نیروهای طواص و تفنگداران دریایی نیروی دریایی سپاه (با مشکل نیروی زمینی) انجام شد.

۲- هدف عملیات کربلای ۳ اهدام سکوهای البکر و العمیه بود که اهدام سکوهای العمیه با موقتی ۱۰۰ درصد همراه بود و اسکله البکر نیز پس از بهباز گشت روی آن از طریق خط لوله‌های فاو، به آتش کشیده شده که خسارات و آسیب بسیاری بر آن وارد آمد. نیروهای ایرانی از قل می‌دانستند که قادر به ماندن روی این سکوها نیستند، شایراین، طبق برنامه به عنق بارگشته و اساساً فرود آمدن چریازهای عراقی انجام نشده است و عراق فقط با مرشک و سواران هوایی به این سکوها حمله کرده است.

عراق همچنان بر جنگ هوایی تکیه داشت و حملات هوایی در عمق سرزمین ایران را ادامه می‌داد و عملاً پالایشگاه نفت تبریز را در آگوست ۱۹۸۶ (مرداد ۱۳۶۵) بمباران کرد. سپس در سپتامبر (شهریور) به نقطه بارگیری نفت ایران در جزیره «لاوان» حمله برد و پس از آن، سلسله حملات موفقی را به «خارک» و «لارک» انجام داد که آثار ملموسى بر صادرات نفت ایران گذاشت.

نیروی هوایی عراق حمله به انبارها و زاغه‌های مهمات و یگان‌های توپخانه ایران را در طول مرز ادامه داد و شهرهای مرزی مانند مریوان را بمباران کرد. ایران هم در ماه نوامبر حمله‌ای موشکی به بغداد انجام داد که تأثیر محدودی بر جای گذاشت. ایران از رویارویی با حملات هوایی عراق ناتوان بود و تعداد کمی از این حملات با مقابله ایران رو به رو می‌شد و تعداد هوایماهای ساقط شده تیز اندک بود. جنگ به سمتی پیش می‌رفت که [به نظر می‌رسید] عراق با بهره‌گیری از نیروی هوایی خود، [قصد دارد] اقتصاد ایران و نتوان به کارگیری نیروی زمینی ایران را در حمله به عراق، تضعیف کند. اما عراق همچنان درگیر مشکلات همیشگی‌اش در به کارگیری نیروی هوایی بود و به همین جهت تأثیر حملات هوایی‌اش چندان تعیین کننده نبود و نتوانست حملات و ضربات هوایی پی در پی و مؤثری انجام دهد و این ناتوانی دلایل متعددی داشت، از جمله، عدم قابلیت پشتیبانی فنی. با همه این احوال، عراق از این حملات هوایی به موفقیت‌هایی بر ضد صادرات نفت ایران و نتوان بودجه ایران و کاهش قیمت نفت او دست یافت. (ایران ناگزیر شد تسهیلات و تخفیفاتی برای مشتریان نفت خود در نظر بگیرد). اما این حملات باشد و قدرت کافی استمرار نیافت و همین موجب پایین آمدن تأثیر آن در صادرات نفت ایران شد. عراق پس از هر حمله هوایی، بار دیگر همان اهداف را بمباران نمی‌کرد تا ایران را از تعمیر و بازسازی آن بازدارد و به عبارت دیگر، حملات هوایی عراق تأثیر مورد نظر را در انهدام اقتصاد ایران نداشت.

ظاهراً عراق این حقیقت را دریافته بود و به همین جهت در عمل، به تقویت نیروی زمینی خود پرداخت. مسئولان عراقی هشدار می‌دادند که هجوم اصلی ایرانی‌ها به زودی انجام می‌گیرد و این بار به منظور فرسایش توان عراق حمله در چند جهه صورت خواهد گرفت. عراق با وجود مشکلات مالی که با آن مواجه بود، استعداد نیروی زمینی خود را به ۸۲۰ هزار تن افزایش داد و نتوانست سپاه‌های هفت گانه خود را به حد سازمان رزم کامل بر ساند (این نیروها در طول جبهه‌ای به وسعت ۱۱۰۰ کیلومتر رو در روی ایران قرار داشتند). تعداد لشکرهای عراقی به ۴۶ لشکر رسید. کارشناسان غربی استعداد لشکرهای عراق را در مقایسه با استعداد مورد نیاز در دکترین رزم غربی، در حد یک تیپ تقویت شده (گاهی بیشتر) می‌دانستند. فرماندهی عراق یگان‌های گارد ریاست جمهوری را از ۶ تیپ به ۱۷ تیپ

مکانیزه و زرهی افزایش داد و آن‌ها را به تانک‌های «تی - ۷۲» مجهز ساخت. به این ترتیب عراق قدرت هجومی بالنده و آموزش دیده‌ای در عملیات تک و پاتک فراهم ساخت و کم کم دکترین پدافند ثابت را تغییر داد، خطوط و موضع پدافندی و میدان‌های مین و سیم‌های خاردار و شمار تانک‌های ثابت در خطوط اولیه پدافندی، همچنین یگان‌های توپخانه را در تمام مناطق پدافندی افزایش داد و طرح آتش پدافندی مناسبی برای توقف نیروهای مهاجم و تجمعات آن‌ها و بر ضد نقاط ثبت شده قبلی، تهیه کرد.

بعد از نبرد کربلای ۳، عملیات زمینی مهمنی تا اواخر دسامبر (اوایل زمستان) صورت نگرفت، اما ایران فعالیت زمینی خود را پس از نبردهای کربلای ۲ و کربلای ۳ متوقف نساخت و برخی تپه‌های مشرف بر مهران و اطراف «بدره» و «زرباطیه» و «ورمهزار» را به تصرف خود در آورد. در ماه سپتامبر [ماه] خمینی اجتماع بزرگی با فرماندهان داشت و شایعاتی مبنی بر اجرای حمله سالیانه ایران در روز ۲۴ سپتامبر (۱۱ شهریور) به گوش می‌رسید.

در طول سپتامبر و اکتبر (شهریور و مهر)، ایران برخی تهاجمات زمینی کوچک برای فشار بر روحیه نیروهای عراقی را انجام داد و آتش ایدایی توپخانه بر بصره و عملیات ویژه کماندویی بر برخی اهداف حیاتی مثل پالایشگاه اصلی در کرکوک را ادامه داد. اما موفقیت قابل ذکری به دست نیامد. در برابر، عراق هم ایراد ضربه به اهداف نفتی ایران (تلخه خانه شیراز، مرکز صنعتی اصفهان و غیر آن) را ادامه داد.

در ماه سپتامبر (شهریور)، عراق حملات موقتی را بر خارک انجام داده و در اکتبر (مهر) توانست دو اسکله عملیاتی آن را که باقی مانده بود، از کار بیندازد، به این ترتیب، صدور ۸۰۰ هزار بشکه نفت ایران در روز موقتاً قطع گردید.

پس از آن، ماجراه افشاگری ایران بود که پرده از اقدام ایالات متحده آمریکا در ارسال اسلحه به ایران برداشته شد. در بین سلاح‌های ارسال شده، موشک‌های ضد هوایی «هاک» و ضد تانک «تاو» نیز بود، اما تأثیر این سلاح‌ها در میدان نبرد محدود بود.

در زمانی که عراق مشغول ادامه عملیات هوایی بود، ایران خود را آماده حمله زمینی جدیدی می‌کرد. در ماه نوامبر (آبان)، عراق سلسله حملات هوایی جدیدی را آغاز کرد. حدود ۵۵ جنگنده به شش هدف، از جمله موضع موشکی هاک نزدیک دزفول و یک پایگاه زمینی و هوایی و دو ایستگاه راه آهن حمله پردازد. هوایماهای میراث اف - ۱ عراق برای بمباران «لارک» مسافتی حدود ۱۰۵ مایل پرواز کردند؛ این حمله برای ایران ناگهانی و غیرمنتظره بود. در این حمله تعدادی شناور ایرانی

نیز مورد اصابت قرار گرفت. حمله به لارک، یک پیروزی استراتژیک برای عراق به حساب می‌آمد. با اینکه عراق به هواپیماهای پشتیبان و سوخت رسان دست یافته بود، اما حمله به لارک ثابت کرد که برد عملیاتی نیروی هوایی عراق بیشتر از گذشته شده است. همچنین اطلاعاتی مبنی بر بهینه سازی ۱۰ فروردند هواپیمای ایلوشین - ۱۱۲ روسی و تغییر آن‌ها به سوخت رسان به دست آمد و البته توانایی استفاده از یک سیستم فرانسوی برای سوخت رسانی به میراژهای اف - ۱ را نیز باید به آن افزود. در ماه نوامبر (آبان)، عراق حملات هوایی خود را به خارک (۲۷ نوبت) و پالایشگاه‌های تهران و اصفهان و تبریز و سایر اهداف دیگر ادامه داد. به کارگیری بمبهای لیزری در حملات هوایی عراق به خوبی انجام می‌گرفت، میانگین حملات این کشور بالا رفت و تاکتیک‌های هجوم هوایی آن بهبود یافت. با وجود قراردادهای خربد سلاح که ایران منعقد ساخت، در توان رزم هوایی این کشور بهبود خاصی حاصل نشد. با فرا رسیدن زمستان ۱۹۸۶، ایران بیش از ۴۰ فروردند هواپیمای قادر به عملیات برای نبرد هوایی (دفاع هوایی) نداشت و ۱۰۰ تا ۱۰۸۰ فروردند هواپیما نیز برای مأموریت‌های دیگر باقی مانده بود. برخی منابع می‌گفتند که تنها ۷ فروردند هواپیمای اف - ۱۴ و ۲۰ فروردند اف - ۴ و ۱۰ یا ۱۵ فروردند اف - ۵ برای ایران باقی مانده است. با همه این اوصاف، ایران قادر شد پدافند هوایی از پایگاه‌های هوایی خود را بهبود بخشد.

کربلا ۴

با آن که ایران در فاصله زمانی بین آخر سپتامبر و اوخر دسامبر (مهر ماه تا دی ماه) به انجام دادن چند عملیات زمینی پرداخت، لیکن تبلیغات او در مورد انجام یک حمله مهم ادامه یافت و همچنین مدعی شد که در نیمه اکتبر، کردهای هودار ایران اقدام به گلوله باران کرکوک کرده‌اند.^۱ در دسامبر (آذر ماه)، ایران اعلام کرد که نیرویی بالغ بر یک صد هزار داوطلب سیجی را به جبهه‌ها گسیل داشته است. در ۲۳ و ۲۴ دسامبر (اول و سوم دی ماه) هجوم شبانه ایران آغاز شد که

۱ - در ۷/۱۹/۱۳۶۵ (وازدهم اکبر) تبرد نامنظمی با هتوان (فعح ۱) در کرکوک (عده ۱۵۰ کیلومتری داخل حاکم عراق) به گوشش کردهای معارض عراقی و نیروی زمینی سپاه پاسداران برای بسaran ریشه ناسیبات مطابی - اقتصادی عراق صورت گرفت. ناسیبات بالایشگاه کرکوک و واحد پوره بوداری شماره پک ناسیبات نفی، نیروگاه حراری برقی کرکوک، ناسیبات بالایش نفت و گازهای ناسیبات نفت و گاز جل بور، استگاه راه آهن بانی کوره - مرکز ذخیره و بیاناز نفت کیوان، پل ار ۴۰ پایگاه دشمن در ارتفاعات دوبلان، و مقبر منافقین و ضدانقلاب، هدف این حملات قرار گرفتند.

این هجوم نام «عملیات کربلای ۴» به خود گرفت و طی آن، نیروهای ایرانی شط العرب [جنوب سطح العرب (دجله) و نیمه شمالی اروند رود] را پشت سر گذاشتند و در طول جبهه‌ای حدود ۲۵ مایل از ابوالخصیب در جنوب بصره تا جزیره ام‌الصاص در نزدیکی آبادان، خط را شکستند. این هجوم در خط حد سپاه سوم عراق در منطقه شرق بصره و سپاه هشتم در منطقه نزدیک شبه جزیره فاو به وقوع پیوست. حمله با نیروی حدود ۱۵۰۰۰ تن آغاز شد که جزیره‌های ام‌الصاص، ام‌البابی، قطعه^۱ و سهیل را تأمین کردند. این جزایر [به صورت پی در پی در کنار هم قرار گرفته و تا ساحل عراق می‌رسند] مجموعاً یک شبہ پل را بر روی شط العرب [اروند رود] تشکیل می‌دهند (عرض این رود ۴۸۰ متر و جریان آب در آن آرام است). رهبری حمله به عهدۀ مجموعه‌ای از تکاوران و مردان قورباغه‌ای بود که موفق به استیلا بر جزیره ام‌الصاص و جزایر نزدیک به آن شدند. پس از آن و در طول روزه حمله ایران به مواضع عراق در داخل خاک این کشور ادامه یافت. این مواضع برای پدافند از راه‌های شط العرب [اروند رود] ایجاد شده بودند. این هجوم را عناصری از لشکری که نام لشکر محمد رسول الله (ص) به آن داده بودند، رهبری می‌کردند. این نامی بود که ایران برای بسیج یکصد هزار جنگ آور اضافی داوطلب در قالب ۵۰۰ گردن، گذاشته بود.^۲ در حالی که تعداد بسیاری از نیروهای با تجربه و باکیفیت در عملیات شرکت داشتند، اما حمله اساساً بر پایه واحدهای کم تجربه و با آموزش اندک، استوار بود.

عبور از شط العرب [اروند رود] به سمت ام‌الصاص و ساحل عراقی شط العرب [اروند رود] را نیروهای حدود ۶۰ هزار پاسدار انقلاب و داوطلبان بسیجی انجام دادند. اما هنگامی که این نیروها برای حرکت به سوی بصره در کنار انقلاب و داوطلبان بسیجی انجام دادند، اما هنگامی که این نیروها برای حرکت به سوی بصره در ساحل شط العرب [اروند رود] تلاش خود را آغاز کردند، پشتیبانی کافی به وسیله نیروهای نظامی ایران [ارتش] انجام نشد و پشتیبانی آتش نیز در طول شط العرب [اروند رود] کم و ضعیف بود. بیشترین تجمع نیروهای نظامی ایران [ارتش] در جای دیگری در نزدیکی بصره مستقر شده بودند و با تجمع آنان در جبهه میانی رو به روی بغداد بود. همچنین آمادگی‌های عملیاتی برای حمله ضعیف

۱ - در متن اصلی فاعله نوشته شده است.

۲ - آنچه بوسیله به آن اشاره گرده است، سید محمد (ص) نام داشت که «لشکر محمد رسول الله (ص)» نخاوت دارد. سپاه محمد (ص) نام یک نوبت اعزام هنگانی نیروهای بسیجی به جبهه بود که رهبری این عملیات را نیز بر عهده نداشتند، بلکه از نیروهای حاضر در تبرد بودند.

بود و به آماده سازی عملیات فاو شbahت داشت.

این نیروها به موضع بسیار مجهز و قوی و ویژه‌ای که در منطقه ام‌الرصاص به دست نیروهای عراق احداث شده بود، حمله آوردند و مواجهه آنان با سیم‌های خاردار و میدان‌های مین ضد نیروی خط‌شکن، منطقه را تبدیل به یک میدان کشتار نمونه کرد. سازماندهی رزمی هجوم نیز بد بود و نیروهای ایرانی نتوانستند تاکتیک‌های نفوذی را که آموخته بودند، به کار بینند. به محض آن که فرماندهان ایرانی نیروهای خود را رها کردند (در نقطه رهایی)، آتش انبوهی را از سلاح‌های پیاده بر سنگرهای و موضع مجهز عراق فرو ریختند. در واقع عملیات کربلای ۴ از حیث سازماندهی و طراحی مانور، بدترین عملیات در طول جنگ محسوب می‌شود. این عملیات شbahت بسیاری به حمله پیادگان مأیوس و نامید انگلیس و فرانسه و آلمان علیه نیروهای سنگر گرفته یکدیگر در کانال‌ها و موضع دفاعی مجهز به تجهیزات پیشرفته در جنگ جهانی اول داشت.^۱

در خلال یک و نیم روز پس از آغاز این عملیات، به وضوح حجم خساراتی که نیروهای ایران در حمله‌ای اشتباه به موضع دفاعی منظم و قوی متحمل شده بودند، مشخص گردید. نیروهای عراقی برای از بین بردن نیروهای ایرانی، فقط از سلاح‌های مستقیم و توپخانه بهره نبردند، بلکه هوایماها و هلیکوپترهای مسلح را نیز علیه نیروهای بی‌مرپناه و آشکار در منطقه، به کار گرفتند. بخش عظیمی از نیروهای آب خاکی ایران غرق شدند و عبور آنان از شط‌العرب [ازوند رود] دفع گردید و ۱۲۰۰۰ کشته و زخمی برای ایران بر جا ماند. عراق اعلام کرد که در برابر هر کشته عراقی، یک صد سرباز ایرانی کشته شده‌اند و خسارات تقریبی ایران بین ۶۰ تا ۹۰ هزار کشته و زخمی است. در برابر، ایران نیز اعلام کرد که بین ۹۵۰۰ تا ۱۴۰۰۰ سرباز عراقی در این عملیات کشته شده‌اند.^۲

۱ - شرط لازم برای موقتیت عملیات کربلای ۴، خاطلگیری دشمن بود و برای این محدود اقدامات بسیاری را نیروهای نظامی ایران برای غرب دشمن و ایجاد نزدید در کشف منطقه اصلی لبرد انجام دادند که با امکانات عادی ارتش عراق قابل کشف نبود لیکن کمک‌های اطلاع‌گیری آمریکا به عراق - که به منظور حفظ موافنه در جنگ و جلوگیری از برتری ایران صورت می‌گرفت - به دشمن امکان مقابله و طراحی پدافند لازم را داد. این هم کاری عذرگشتنی اطلاع‌گیری بین عراق و آمریکا را عقام‌های آمریکایی در اوج جربان اختلاف آمریکا با عراق بر سر اشغال کریت به وسیله ارتش عراق در سال‌های آخر دهه ۹۰ میلادی (۱۹۹۰) افترا کردند.

۲ - در عملیات کربلای ۴ نیروهای ایران به تعداد انداک و محدود وارد عمل شدند و فرمانده سپاه پاسداران بالا فاصله بین از اطلاع از هوشیاری دشمن دستور عقب نسبی نیروها را صادر کرد و اساساً به همین دلیل ایران هرچند شد با نیروهایی که برای این عملیات تدارک دیده بود، عملیات موقت کربلای ۵ را به انجام نماند. در نتیجه آمار ارائه شده از صوری نویسنده به هیچ وجه صحیح نبی رشد.

حمله نهایی ایران به بصره

پس از گذشت چند هفته از عملیات کربلای ۴، ایران دو حمله جدید دیگر را آغاز کرد که هجوم اول با نام کربلای ۵ مستقیماً علیه بصره و دومی، کربلای ۶، نام داشت که در منطقه شمالی بغداد، بین قصرشیرین و سومار انجام گرفت.^۱

اما اهمیت عملیات کربلای ۵ بیشتر و طراحی آن نیز بهتر از عملیات کربلای ۶ بود. ایران آموزش نیروهای خود را در منطقه‌ای مردابی تزدیک دریای خزر صورت داد تا مناسب‌ترین شیوه عملیات را برای اجرای حمله و عبور از موانع آبی رو بروی بصره برگزیند. این تمرینات، طرح آموزشی مشترک بین چند لشکر ایرانی بود و این اولین مانور و تمرین منظم بود که در آن از اندیشه عملیات مشترک استفاده می‌شد. در اوایل ژانویه (نیمه دوم ماه)، ایران حدود ۲۰۰ هزار نیروی خود را در جبهه جنوبی گشرش داد و این میزان تقریباً برابر با نصف نیروهای عراقی بود که می‌بایست با آنان مواجه می‌شدند. در واقع، ایران به نسبت ۱ به ۱ در نیروی انسانی دست یافته بود. بیشترین بخش این نیروها را پاسداران انقلاب و پسیجیان تشکیل می‌دادند. در موج اول، حدود ۶۰ هزار تن شرکت کردند که از مواضع عراق در تزدیکی منطقه مرزی شلمچه گذشتند. این منطقه مرزی در فاصله ۲۰ کیلومتری بصره قرار دارد. سپس نیروهای تثبیت کننده شامل ۶۰ هزار نیروی دیگر به عنوان احتیاط وارد عمل شدند (موج دوم). ترکیب این نیروها شامل ۷۰ درصد از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب و پسیجیان و ۳۰ درصد از ارتش بود.^۲

۱ - نبرد کربلای ۵ به فاصله کرتناکی (دو هفته) پس از عملیات کربلای ۴ در منطقه شمالی این عملیات به کوشش نیروی زمینی سیاه، طراحی راجرا شد. سرعت عمل نیروهای ایرانی در طراحی و اجرای یک عملیات سنگین دیگر در زمانی اندک پس از عملیات پیشین (کربلای ۴)، سبب شد تا فرست هیاونگی و هم‌کاری اطلاع‌ارائه بین عراق و آمریکا فراهم نشود و عراق در وضعیت سینا غافلگیر شده‌ای قرار گیرد. با این حال، نبرد کربلای ۵ به مدت ۴۵ روز به طول انجامید و این نشان دهنده اراده و آمادگی و توان نیروهای ایران برای ادامه چنین درگیری‌های سنگین و به دست گرفتن اینکار عمل میدان نبرد برد. نبرد کربلای ۶، چهار روز پیش از آغاز عملیات کربلای ۵، در منطقه شمالی متواتر به رسیله نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمد. گروچه عطفه این عملیات از لحاظ حساسیت، به دلیل تزدیکی به بغداد، مهتر از منطقه عملیات کربلای ۵ بوده، با این حال عراق در تشخیص حمله اصلی دچار اشتباه نشده و عnde یگان‌های اصلی خود را در منطقه عملیاتی کربلای ۵ وارد عمل ساخت.

۲ - فرماندهی جنگ پس از عملیات بدر و در اندای سال ۶۶ تدبیر جدایی عملیات ارتش از سیاه، مقرر گردید که در سازمان مستقل ارتش و سپاه طرح‌های عملیاتی جو در نظر به فرماندهی جنگ پیشنهاد گردد و هر یک به صورت جداگانه به اجرای عملیات (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

هدف تاکتیکی عملیات کربلای ۵ عبارت بود از: ایجاد ضربه بر ارتش عراق در مرازهای نزدیک بصره و سمت‌گیری به سوی این شهر و پشت سر گذاشتن موانع آبی منطقه، روشن بود که هدف استراتژیک این عملیات، تسلط بر بصره و تبدیل آن به پایتخت عراق در جنوب^۱ و انهدام نیروی موجود عراق در این منطقه (جنوب) و ساقط کردن حزب بعث عراق و نظام حاکم بر این کشور، سپس حرکت به سمت شمال و تصرف کربلا و نجف، دو شهر مقدس شیعیان، بوده است و به عنوان کمترین دست آورده، تضعیف ارتش عراق و فرسایش آن و محاصره بصره و دادن درس فراموش ناشدندی به سایر دولت‌های خلیج [فارس]^۲، ایران در مسیر تحقق این اهداف، با سختی‌های بسیار مهمی روز به روز شد. عراق خطوط دفاعی قوی و مستحکمی را احداث کرده بود که غلبه بر آن‌ها بسیار دشوار بود. غیر از موانع آبی^۳ که در اطراف بصره بود، عراق یک مانع آبی نیز با عرض یک کیلومتر در امتداد شمال - جنوب مرازهای بصره ایجاد کرده بود که یک زاویه ۹۰ درجه به سمت شرق ایجاد می‌کرد، همچنین سیل بندهایی خاکی در طول مرز کشیده بود تا آب گرفتگی‌ها خشک نشود.

در آغاز سال ۱۹۸۲ (ازمنان ۱۳۶۰) عراق به ساخت دریاچه مصنوعی بزرگی در طول شط العرب (اروند رود) از بصره تا دریاچه ماهی پرداخت. در نقطه‌ای که سپاه سوم و هفتم عراق به هم متصل می‌شدند. این دریاچه با موانع و تله‌های هشدار دهنده و سیم‌های خاردار و برق فشار قوی (در مناطق ممکن) پر شد. عراق خود از جاده خاکی که از شلمچه آغاز می‌شد و تعدادی خشکی‌های خارج از دریاچه برای تحرک بهره می‌گرفت. سپس این موانع آبی با حفر کانال‌های کوچک و موانع آبی

(ادامه پارزیقی از صحنه قبل)

پیروزیل، پس از این تاریخ سپاه پاسداران جدای از عملیات‌های محدودی که به صورت مستقل انجام داد، عملیات‌های والفتح، کربلای ۴ و کربلای ۵ را نیز طرح ریزی را جوا نمود. بنابراین اطلاعات نویسنده درباره حضور^۴ در حد از نواد ارتش در عملیات کربلای ۵ نادرست است.

۱ - ظاهراً نظور نویسنده آن است که ایران قصد تحریمه جنوب عراق را داشته و از هصره به عنوان پایتخت این مملکه یاد می‌کند.

۲ - مشخص نیست اهداف استراتژیکی که نویسنده برای این نبرد ذکر می‌کند از کدام نوع و مأخذی بد دست آمده است و زیرا محقق اهداف مذکور تبار به اجرای چندین عملیات زنجیره‌ای دارد که هرگز در طرحی‌ها و اجراء خارجی نداشته است و از لحاظ تحلیلی نیز قابل قبول نمی‌باشد. بصره به تهابی نیز هدف ارزشمندی به حساب می‌آید. موقعیت خاص بصره به عنوان دویین شهر بزرگ عراق و بندری تاریخی، از لحاظ جغرافیای سیاسی و نظامی و اقتصادی، به آن اهمیت استراتژیک می‌بخشد. به کارگیری حجم وسیعی ارگان‌های اگردد ریاست جمهوری و چهار سیاه عراق در

دفاع از این شهر، نشان دهنده میران اهمیت و ارزش استراتژیک این منطقه برای عراق بوده است.

۳ - منظور از موانع آبی، آب گرفتگی‌های شلمچه بود که به دلیل عمق کم، امكان استفاده از قایق و عراض در آن نیزد.

مخالف پشتوانی شد به طوری که حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع زمین را پوشیده از آب ساخت و این امر برای دفاع از ساحل نزدیک کمک شایان توجهی می‌کرد. خود شط العرب [اروند رود] بیز مهترین مانع آبی در پشت این دریاچه بود. عراق این موضع آبی را با موضع مستحکم دیگری تقویت کرد. این موضع در هنگام آغاز حمله ایرانیان، شش ضلعی یا دایره‌ای بودند.

عراق همچنین به اجرای عملیات خاکی قوی و احداث موضع دفاعی محکم در طول مرزهای شمال شط العرب [اروند رود] پرداخت، با آن که به موضع آبی خود به عنوان حاشیه امنیتی ضد ایران، اعتماد داشت. عراق در پشت جبهه برای حضور و استقرار نیروهای نزدیک به مرز موضعی ایجاد نکرد. خطوط دفاعی جلو نیروهای عراق در ساحل جنوبی شط العرب [اروند رود] در شرق ابوالخصیب بسیار قوی بود. این شهر مرکز پالایشگاه‌های بزرگ بود که در فاصله‌ای نه چندان دور از مرز و در ۱۰ کیلومتری بصره قرار داشت.

این خطوط دفاعی، بسیار بیشتر می‌توانست برای عراق مورد استفاده قرار گیرد، اگر ایران قادر به استفاده از غافلگیری تاکتیکی نمی‌شد. ایران چگونه به این غافلگیری دست یافت؟ برای پاسخ به این پرسش، هیچ‌گونه عوامل و اسباب روشنی یافت نمی‌شود. عراق آمادگی‌های ایران را برای انجام دادن عملیات کربلای ۵ دریافته بود، لیکن قادر به درک زمان بندی و کشف جهت اصلی حمله نشد. عراق در منطقه نیروهای قدرتمندی داشت: چهار لشکر و پنج تیپ از گارد ریاست جمهوری. چنین مفروض بود که عراق قدرت مهار حمله و اجرای یک عملیات پدافندی قوی را از همان لحظه اول دارا باشد، اما زمانی که حمله آغاز شد، بعضی از یگان‌های اصلی در خارج از موضع دفاعی (در موضعی که برای پدافندی احداث نشده بود) به سر می‌بردند. فرماندهی عراق دو لشکر را در جناح غربی شط العرب [اروند رود] نگه داشت تا از بصره پدافند کنند و بر این اساس، عراق نیروی کافی برای دفاع از خطوط اول پدافندی را در اختیار نداشت. همچنین روشن است که عراق از جنگ‌های مردابی سال ۱۹۸۵ [عملیات بدر، اسفند ۱۳۶۳] و یا خساراتی که در اوایل سال ۱۹۸۶ [عملیات والفجر ۸ در بهمن و اسفند ۱۳۶۴] در قاؤ متحمل شد، درس‌های عبرت لازم را که باید می‌گرفت، نگرفته بود!

نیروهای احتیاط عراقی به آن درجه از آمادگی نرسیده بودند که بتوانند با شروع حمله ایران تحرک سریعی داشته باشند. این نیروها به کندی وارد عمل می‌شدند. اوضاع جوی نیز به نفع ایرانیان بود؛ نگرچه آب در مرداب‌ها به بالاترین حد خود نرسیده بود، اما این میزان برای به کارگیری موتور

قایقهای کوچک کافی بود.^۱ و از طرفی تحرک نیروهای زرهی عراق را با مشکل مواجه می‌ساخت، در نتیجه تمام این عوامل، ایرانیان به موقیت‌های زودرسی دست یافتند. در ۹ زانویه ۱۹۸۷ (۱۳۶۵) نیروهای ایرانی به دو سمت کوشک (در شمال شرق دریاچه ماهی) و شلمچه در جنوب شرق هجوم برداشت و به نظر می‌رسد که این امر برای تصرف جناحین کانال ماهی و انهدام نیروهای عراقی مدافع بصره در ساحل شرقی شط العرب [اروند رود] صورت گرفته است به نحوی که دو جناح حمله کننده در نزدیکی ابوالحازب^۲ با یکدیگر العاق کنند.

ایران در موج اول حمله خود، ۵ هزار نیروی رزمی را رأس ساعت ۱۰:۰۰ نیمه شب وارد عمل کرد، اما ایرانیان در حالی که اوضاع جوی هم به نفع آنان بود، مهارت کافی برای بهره‌گیری از این فرصت و هجوم شبانه را نداشتند و مانند سایر دفعات موج‌هایی از داوطلبان برای حمله ابتدایی به مواضع عراقی‌ها روانه شدند که نیروهای پاسدار انقلاب به دنبال آنان وارد عمل می‌شدند.^۳ هجوم اولیه نسبتاً موفق بود، خصوصاً آن که فرماندهی نیروهای بسیجی و نیروهای پاسدار انقلاب از تعدادی افسران و افسران صف^۴ که دارای تجربیات جنگی قابلی در به کارگیری شیوه امواج انسانی بودند، بهره می‌گرفت. در خلال روز اول نبرد نیروهای ایرانی موفق به تسلط بر شهر مرزی کوچکی شدنده و با وجود شدت و انبوهی آتش عراق پیش روی ایرانیان به آرامی ادامه یافت و بر برخی مواضع در نزدیکی مرز نیز مسئولی شدند. ظاهراً هر دو طرف از گازهای سمی در این نبرد استفاده کرده‌اند.^۵

۱ - غیزان آب در برخی جبهه‌ها برای قایقهای سوار سکنه کفایت می‌کرد. آن وحود جاده‌های زیرآب رند در مسیر، مانع عملهای برای پکارگیری قایق در هر صورت محروم می‌شد.

۲ - شاید این شخصیت مورد نظر باشد! که این ربطی به این منظمه ندارد.

۳ - توپستاده این سک از عملیات راه‌دادت جنگی ایرانی داشته است و این شبانه دهنه عمق بی‌اعلاضی ری از مازمان رزمی سپاه رسمی است. آن در ادامه همین حمله، تکه‌ای را آورده که حکایت از آن دارد که برای توجه عطاشه تادرست خود، حتی حملات تلی خویش را نیز خراموش کرده است.

۴ - نجز سازمان دهنی سید محمد (ص) به این شکل بود که نیروهای اعرابی در غالب سازمان‌های رزمی شکل می‌گرفتند که قادر این سازمان‌ها از اعضای نابت سپاه بوده‌اند، در حد افسران عملیاتی

۵ - توپستاده با استفاده از کلسه «ظاهر آ» نزدیک نسی خود را در مرز استفاده ایران و عراق از گازهای سمی در این نبرد بیان کرده است. غیر از اسد و عذرکی که پس از جنگ عراق و کویت به وسیله منjudin افتخار گردید و غیر از آن چه گزوه جمع سلاح سازمان محل از عراق گشته و مهدم (ادامه پاورنی در صفحه بعد)

نیروهای ایران بر شلمچه در ۳۰ کیلومتری جنوب بصره دست یافتند و دو خط پدافندی در نزدیکی کوشک در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال بصره را نیز شکستند. به این ترتیب نیروهای ایرانی سر پل عبور از مرز را به دست آوردند و آن را تأمین کردند، سپس در طول ساحل شرقی شط العرب [ازوند رود] در فاصله ۲۰ کیلومتری حومه بصره به حرکت درآمدند. تمام پاتک‌های عراق در ۱۰ ژانویه (۲۰ دی) شکست خورد. عراق کوشید از زره پوش‌های آبخاکی استفاده کند، ولی این خودروها در زمین‌های سخت به آرامی حرکت می‌کردند و نیروهای عراقی نتوانستند از قابلیت مانوری آن در برابر نیروهای پیاده ایرانی که مجهز به سلاح‌های خفیف ضد زره بودند، بهره‌ای بگیرند. نیروهای ایرانی موفق به تثیت نواری به عرض شش کیلومتر از زمین‌های بین دریاچه ماهی و شط العرب [ازوند رود] شدند و پیشروی به سمت جنوبی شرقی را آغاز کردند. حتی برخی از یگان‌های ایرانی موفق شدند خطوط پدافندی اطراف بصره را نیز بشکستند. در روز ۱۱ ژانویه ۲۱ (ماه) ایران اعلام کرد که ۱۴ هزار سرباز عراقی را کشته است و عراق هم اعلام کرد که ۱۱ لشکر از نیروهای داوطلب بسیجی و پاسدار انقلاب و چهار تیپ شامل ۶۰ هزار نیرو را منهدم کرده است! در ۱۳ ژانویه (۲۳ دی) وزیر میاه پاسداران ایران پیانیه‌ای خطاب به شهروندان ایرانی منتشر کرد که در آن از داوطلبان برای پیوستن به سپاه محمد رسول الله دعوت شده بود. تاکنون ۲۰۰ هزار جوان از بین ۵۰۰ هزار نیرویی که دولت طلب کرده بود، داوطلب شده بودند. همچنین در ۲۱ ژانویه عراق اعلام کرد که داوطلبان خدمت بین ۱۴ سال تا ۳۵ سال را می‌پذیرد.

سیز نبرد به سختی می‌رفت که امکان آوردن پشتیبانی‌های بیشتر [برای عراق] فراهم می‌شد. در روز ۱۲ ژانویه (۲۲ دی) نیروهای گارد ریاست جمهوری وارد عمل شدند و خطوط دفاعی عراق کم کم به حالت پیوسته درآمد. در حالی که خسارت‌های عراق واقعاً فراوان بود، اما نسبت به خسارت‌های

(اداوه پاروچی از صفحه قبل)

گردد، می‌توان اعزام مصدومان و مجزوحان شیعیانی ایران به بیمارستان‌های ازویانی به ویژه آلمان را اشاره کرد. این امر اثبات می‌کند که عراق از این گزارها همانند گذشته استفاده کرده است. گرچه شدت استفاده از این گزارها در مناطق نزدیک سبب می‌شود که برخی سربازان عراقی نیز در انورش باد مخالف، آسیب بینند. اما با توجه به عوامل شیعیانی استفاده شده در این نبرد که مشابه عوامل فلی و بعدی شیعیانی مزبد استفاده عراق بوده است و با توجه به عدم گزارش مستدی دال بر استفاده ایران از هرگونه عوامل شیعیانی در قتل ریعد از این نبرد، روش است که عرف ایرانی از گزارهای جنگی استفاده نکرده است.

ایران بسیار کمتر بود.^۱ عراق بخش عظیمی از سلاح‌ها و تجهیزات اصلی خود را حفظ کرده بود و همچنان قادر به استفاده روزافرون از قابلیت‌های خود بود، در حالی که هر چه نیروهای ایرانی به سمت زمین‌های خشک و به هم پیوسته بیشتر می‌رفتند و خطوط پدافندی اصلی بصره را مورد تهاجم قرار می‌دادند، خسارات بیشتری را در نتیجه کاهش قدرت آتش و پایین آمدن میانگین خط شکنی‌های مناسب، متحمل می‌شدند. ایرانیان کم‌کم با مشکلات مهمی که ناشی از بدی سیستم پشتیبانی رزم و نقص ذخایر بود، رو به رو شدند.

در این ماه، عراق قادر به استفاده از نیروی هوایی خود بود که با جرأت و قوت عمل می‌کرد. میانگین تعداد پرواز نیروی هوایی عراق در انجام دادن حملات پشتیبانی از نیروی زمینی، به ۵۰۰ پرواز در روز رسید.

به این ترتیب ایران موج دوم خود را با نیرویی بالغ بر ۵۰ هزار تن وارد میدان کرد. ولی موقوفیت‌های قابل ذکری به دست نیاورد. در ۱۷ ژانویه (دی) ایران حمله زمینی دیگری علیه بروخی اهداف موجود در نزدیکی شط انجام داد و در ۱۸ ژانویه (۲۸ دی) بر جزایر بواریون، دویجه، ام التالول و فیاض (داخل شط) مسلط شد. اما نیروهای ایران در سمت شمال میدان نبرد تواتستند با نیروهای جنوب آن طور که در مانور طراحی شده بود، الحاق کنند. با ورود موج دوم نیروهای ایران، خسارات سنگینی متوجه ایرانیان شد و پیشروی آن‌ها تقریباً متوقف گردید. در ۱۶ ژانویه (۲۶ دی) منابع نظامی جهانی اعلام کردند که ایران حدود ۴۰ هزار تن و عراق حدود ۱۰ هزار نفر خسارت دیده‌اند.^۲

۱ - مطالعه مطلب حاضر نشان می‌دهد که اطلاعات ترسیمه نسبت به واقعیت‌های صحنه جنگ بسیار ضعیف است و معلوم نیست ترسیمه بر اساس چه اسناد و مدارکی جنین تایپی را ارائه کرده است. آنچه معلوم است در این عملیات خسارات‌های سنگینی به ارتش عراق وارد آمد، ناجانی که تحلیل گیرنده نظامی معنده بودند که ارتش عراق عجزور به تحدیدنظر در استراتژی و تاکتیک‌های دفاعی است.

۲ - آمارهای ارائه شده ذهنی است و با واقعیت تطبیق ندارد اورش مراق در عملیات کربلای ۵ پیشترین خسارت‌ها را تحمل شد. آمار دریافتی از واحدهای اطلاعاتی بر اساس گزارش‌های منتشره به اطلاعات اسیران عراقی و اجساد نظامیان عراقی و شنیده ارتباط و برخی اسناد به دست آمده از ارتش عراق حاکی است که حداقل ۸۶ نیب از سیاه‌های سرم، چهارم، ششم و هفتم عراق وارد محل شده‌اند که ۷۴ نیب آن از ۱۰۰ نا درصد منحصر خسارت شده‌اند (۱۱ نیب ۱۰۰ درصد ۳۰ نیب بین ۷۰ تا ۹۰ درصد و ۱۰ نیب بین ۵۰ تا ۷۰ درصد و بقیه نیب‌ها کمتر از ۵۰ درصد منهدم شده‌اند) همچنین ۲۰۵۶ نز از ۶۵ نیب و ۱۸ گزدان (و سه خلنان) به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند. تلفات ارتش عراق به دلیل گذشت آن، (ادامه پاورانی در صفحه بعد)

کل دست آورده عملیات بین ۱۹ تا ۲۶ ژانویه (۲۹ تا ۲۹ دی) برای ایران، شکستن جزئی برخی مواضع نزدیک به بصره بود و ایران به این ترتیب به تلاش برای محاصره این شهر و بمبازان موشکی و توپخانه‌ای آن پرداخت. نیروهای داوطلب در روز ۱۹ و ۲۶ ژانویه (۲۹ دی، ۶ بهمن) هجوم جدیدی را آغاز کردند و به فاصله حدود ۱۵ کیلومتری بصره و ۳ کیلومتری مواضع پدافندی اصلی ابوالخصیب رسیدند، ولیکن چیزی به مساحت ۶۰ کیلومتر مربع سابق که فلأ به آن دست یافته بودند، اضافه نشد. دیگر نیروهای ایران به جای پیشروی های کیلومتری، به پیشروی های متري دست می یافتند، تازه اگر موفق به پیشروی می شدند.

اما خسارات عراق در تمام نیروهای مسلح ادامه یافت تا جایی که عراق به از دست دادن ۵۰ هواپیمای نظامی خود که ۱۰ درصد کل هواپیماهای عملیاتی را شامل می شد، اعتراف کرد. در فوریه (بهمن)، عراق با مشکلی در قابلیت آتش توپخانه و هواپیماهای جتگنده مواجه شد، چرا که نوع زمین منطقه، گل بود و بسیاری از گلوله بمبهای از آن که منفجر شود، در خاک و گل فرو می رفت و این چیزی است که آن را انفجار زیر سطحی می نامیم. (و تأثیر قابل توجهی ندارد) در نتیجه، نیروهای ایرانی امکان یافتند که به رخدنهای شبانه و کشنده کانال و تحمل آتش انبوه توپخانه در مواضع پدافندی، ادامه دهند.

فشل ایران بر بصره به حدی بود که فرماندهی عراق ناچار به استفاده نیروهای بیشتری از گارد ریاست جمهوری شد و نیروهای سپاه هفتم را برای پشتیبانی از خطوط دفاعی اطراف بصره به کار گرفت.

نبرد نرمیتی بسیار وحشتناک بود، خصوصاً در روزهای بین ۲۹ تا ۳۱ ژانویه (۹ تا ۱۱ بهمن). ایران در ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) در حمله شبانه جدیدی، خط سوم پدافندی عراق را در هم شکست و به ساحل غربی شهر جاسم رسید.

با این حال این موقتیت دارای ارزش عملیاتی نبود^۱ و ایرانیان خسارات بسیاری را متحمل

(ادامه پاورنی از صفحه قبل)

قابل محاسبه دقیق نبود. بر اساس درصد انهدام یگانها و سزان بازاری آنها و برخی گزارش‌ها از منابع اطلاعاتی داخل عراق، حدود چهل هزار کشته و زخمی برای عراق برآورد شده است.

۱ - ظاهراً نوبتیه از اهمیت این موضع تغافل می کند. نزدیک شدن ایران به شهر بصره حتی یک قدم، خسارات جریان نایدیری را چه از نظر

(ادامه پاورنی در صفحه بعد)

گردیدند. سپس میزان خط شکنی‌ها و حمله‌های ایران به شدت رو به کاستی گذاشت. شدت خسارات ایران به حدی بود که ابتکار عمل^۱ به دست نیروهای عراق افتاد. در ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن) عراق اقدام به چند پاتک کرد و ۲۰ کیلومتر مربع از منطقه دریاچه ماہی را بازپس گرفت. در اوایل فوریه (بهمن) خسارات ایران به ۱۷ هزار کشته و ۴۵ هزار زخمی رسید، اما خسارات عراق به ۶ هزار کشته و ۱۵ هزار زخمی بالغ می‌شد^(۱). ایران بیش از یک صد هزار نیرو وارد عمل کرده بود^۲. به هر حال وضع نیروهای ایرانی به حالتی در آمد که ارسال مهمات و پشتیبانی‌های جدید برای آنان ممکن نبود. نبرد تزدیک تأثیمه فوریه (واخر بهمن) ادامه یافت و اقدامات نیروهای عراقی خوب بود.

در همین هنگام که نیروهای ایرانی قوسی از مواضع عراقی در فاصله ۱۰ کیلومتری بصره را در اشغال خود داشتند، با این حال قادر به تحرک در خارج از این نوار باریک که بین شط العرب [ازوند رود] و دریاچه ماہی قرار داشت نبودند. پخش عظیمی از نیروها در منطقه‌ای تجمع کرده بودند که طول آن از ۵ کیلومتر و عرض آن از ۱ کیلومتر بیشتر نبود.

در پایان سومین هفته از ماه فوریه، مساحت زمینی که ایران بر آن مسلط شده بود از یک صد کیلومتر مربع تجاوز نمی‌کرد که شامل باتلاق‌ها، آب گرفتگی‌ها و برخی نخلستان‌ها بود. ایران پخشی از واحدهای ارتش را نیز از سمت سومار به حرکت درآورد و چنین به نظر می‌رسید که اگر می‌توانست نیروهای ترکی و توپخانه خود را به این منطقه وارد کند، حتماً هجوم همه جانبه نهایی علیه بصره را صورت می‌داد. در عمل، ایران اقدام به دو حمله در ۲۲ و ۲۳ فوریه (۳ و ۴

(ادامه پاورفی از صحنه قبل)

ناکیتکی و چه از نجات استراتژیکی به ارتش عراق ر حکومت این کشور تعجب می‌کرد. اگر این منطقه برای عراق ارزش عملیاتی نداشت، نکرهای گارد ریاست جمهوری بدین شکل وارد عمل نمی‌شدند. از نظره حمایتی دوره اشاره نمی‌شود، شهر بصره نیز بود توپخانه‌های مستکد ایران قرار می‌گرفت و همین امر به ارزش عملیاتی این منطقه می‌افزود.

۱ - انجام دادن پاتک در اوج شکست و از دست دادن مواضع پدافندی مستحکم (که عالی رتبه است)، ابتکار عمل نام ندارد. عراق از سر استیصال و ناچاری این اقدامات را انجام می‌داد و چاره‌ای جز این نداشت، در غیر این صورت ارش این کشور به طور کامل منهدم می‌شد.

۲ - جنابرجه ادعای نمی‌شود را در میان خسارات انسانی وارد شده بر نیروهای ایرانی صحیح فرض نکنم، تا این تاریخ نمی‌باشد از استعداد رزمی ایران از رده خارج شده است^(۱) و ادامه این نبرد سگین، با نیم دیگر صورت می‌گیرد - که شرح آن را خواهد خواند - آیا نویسده، خود در لحظه نگارش این جملات به معانی آن ترجمه داشته است؟

اسفند) کرد که در آن، گروه اندکی از لشکرها پیاده به موضع عراقی در شرق بصره و در طول جاده شلمچه - بصره حمله برداشتند. نام این حمله را «یا زهرا» گذاشتند که موقوفیت‌های محدودی به دنبال داشت و باز دیگر حمله ایران برای تضعیف پدافند عراق با شکست رو برو شد و خسارات سنگینی را پذیرفت. این شکست، پایان عملیات کربلای ۵ بود. در فوریه ایران اعلام کرد که مرحله جدیدی از جنگ آغاز شده است. ولیکن اعلام نکرد که عملاً پایان عملیات کربلای ۵ به معنای پایان نبردهای بوده است و بعد از گذشت سه روز از این اعلامیه که پایان عملیات کربلای ۵ را اعلام کرده بود، نیروهای ایرانی به هجوم دیگری علیه قوای پدافندی عراق در اطراف بصره دست زدند. با شکست این حمله، نیروهای عراقی اقدام به اجرای پاتک محدودی روی موضع ایرانیان در کنار دریاچه ماهی کردند که این پاتک نیز جز موقوفیتی اندک، چیزی برای آنها به ارمغان نیاورد.

این نبرد با محاصره بصره به وسیله ابوبهی از نیروهای ایرانی به پایان رسید و روشن شد که فرماندهی ایران قادر به شکست عراق نیست و عراق نیز گرچه قادر به دفاع از بصره می‌باشد، لیکن توان لازم برای عقب راندن نیروهای ایرانی را ندارد.

بصره و جنگ شهرها

جنگ بر سر بصره، سبب شد تا عراق بار دیگر به «جنگ شهرها» روی بیاورد. در طول ماه ژانویه (دی) عراق به شلیک موشک‌های دوربرد^۱ (۲۰۰ فروند) به روی ۳۵ شهر ایرانی پرداخت که شهرهای قم، نهادوند (در سمت جنوب غربی تهران)، رامهرمز، اصفهان و ذوق‌الله نیز در شمار اهداف عراق بودند. در پایان ماه ژانویه (۱۱ بهمن) ایران اعلام کرد که در طول یک هفته بیش از ۳۰۰۰ غیر نظامی بر اثر حملات عراق کشته شده‌اند. همچنین عراق ۷۵ حمله هوایی به تأسیسات اقتصادی ایران در روزهای اول ژانویه تا ۱۴ فوریه (۱۹۸۷) صورت داد و ایران اعلام کرد که حملات هوایی عراق در ماه ژانویه، ۱۸۰۰ کشته و ۶۲۰۰ زخمی بر جای گذاشته است. ایران نتوانست مقابله به مثلی در همان شدت و قوت انجمان دهد و تنها در ۹ فوریه (۲۰ بهمن) هوایپماهای ایران، بصره را بمباران کردند و حملات موشکی علیه بصره و بغداد نیز صورت گرفت. عراق به حملات هوایی علیه اهداف موجود در خلیج فارس ادامه داد و ایران نیز با زدن کشته‌های کشورهای دوست و اساساً علیه کویت متوجه شده بود به گونه‌ای که این کشور در طول چهار ماه (بین

^۱ - منظور نویسنده موشک‌های بالابرد از ۳۰۰ کیلومتر است.

اول دسامبر تا آخر مارس - ۱۰ آذر تا ۱۱ فروردین) ۷۵ کشته از دست داد. همین ضربات، بهانه‌ای شد برای کویت تا با برافراشتن پرچم یکی از ابرقدرت‌ها بر روی کشتی‌های خود، پناهی برای نجات از حملات ایران بجوید. این موضوع جنگ را وارد مرحله جدیدی کرد.

قطعاً جنگ شهرها برای عراق پیروزی هایی به ارمغان آورده، اما هزینه بسیار سنگینی به همراه داشت. در ژانویه ایران ادعای کرد که ۷۵ هواپیمای عراقی را ساقط کرده است. از این تعداد، عراق به سقوط ۱۵ فروند اعتراف کرد. بنابراین تعداد هواپیماهای ساقط شده عراقی به حدود ۴۱ فروند رسید که بیشترین میزان سقوط، بر اثر اصابت موشک‌های قابل حمل بر روی کتف و یا در نتیجه اشتباه خلبانان بود.^۱

۱- منبع: احیگ عراق و ایران، عبدالحليم ابو غزال، ترجمه قادر فرزروشاد، سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،

۱۳۸۰، تهران - صفحه ۲۹۷-۲۹۶.

گزارشی از ماجرای مک فارلین

اگر چه برحی بر این اعتقادند که نوشتن درباره وقایع گذشته بهتر است زمانی انجام گیرد که حب و غصهایی که ممکن است درباره یک پدیده یا اشخاص تأثیرگذار وجود دارد، از میان رفته باشد و استاد و مدارک اعم از محramانه و غیر محramانه نیز اجازه انتشار نیافته باشند؛ اما نمی‌توان به انتظار آینده نشست و از امروز و گذشته نزدیک، به این بهانه سخن نگفت، چراکه با انتشار خاطرات و استاد و کتابهایی درباره این حوادث، می‌توان از داوری‌های دیگران آگاه شد و روایت خود را به تقد گذاشت. از جمله شاخص ترین اقدام‌ها در این زمینه می‌توان به انتشار خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اشاره کرد که به نیاز محققان و مردم برای دانستن درباره حوادث انقلاب و جمهوری اسلامی پاسخ گفته و خود زمینه‌ای برای ورود دیگران در این عرصه شده است.

مطلوب مندرج در خاطرات سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره ماجرای موسوم به رسایی کاخ سفید و وعده ضمنی ایشان در مقدمه خاطرات سال ۶۴ مبنی بر شرح مواقع در آینده، دفتر نشر معارف انقلاب را برآن داشت تا بر اساس اهداف تشکیل خود، نسبت به بررسی و روشنگری ابعاد گوناگون این ماجرا، که در روایت ایرانی اش به رسایی مک فارلین و نزد رسانه‌های آمریکایی به ماجرای ایران - کنtra معروف شده است، اهتمام ورزد.

*- این مطلب، پیشگذار کتاب "ماجرای مک فارلین، قریش سلاح - آزادی گروگان‌ها" نوشته معین هاشمی و حبیب‌الله حبیدی می‌باشد که بواسطه دفتر نشر معارف انقلاب در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است.

هدف اثر حاضر بازگویی و شرح دقیق ماجرا بی است که در یک سوی آن ایران قرار داشت که به منظور دستیابی به مهمات و سلاح‌های ویژه، در کنار ملاحظات انسان دوستانه، به رهایی گروگان‌های غربی در لبنان کمک کرد و در سوی دیگر، دولت وقت آمریکا بود، که کوشید با هدف آزاد ساختن گروگان‌های مذکور، به ایران سلاح ابزاری بفرودش و عواید آن را صرف کمک به کشراها - از مخالفان دولت انقلابی نیکاراگوئه - سازد و در میانه نیز واسطه‌ها با هدف کسب سود یا شاید هم کمک به ایران یا آمریکا وارد صحنه شدند. انشای این ماجرا، به بحث‌های متعدد شد که روزنامه‌نگاران در آمریکا بعد آن را با ماجراهای واترگیت سنجیدند و بر آن نام «ایران گیت» نهادند.

امید است مطالعه این مستنده، به عنوان مکمل سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از انشای ماجرا و به خصوص خاطرات ایشان در سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۵، برای علاقه‌مندان و محققان علوم سیاسی و علوم ارتباطات اجتماعی، تاریخ نگاران، اصحاب رسانه‌ها و عموم مردم مفید و روشنگر باشد.

ماجرای مکفولین تاکنون از ابعاد گوناگون بررسی و نقد شده است و جریان‌های مختلف سیاسی کوشیده‌اند از دید خود آن را تحلیل کنند. به طور کلی، بررسی‌ها و تحلیل‌های گوناگون درباره این ماجرا را به ویژه در ایران می‌توان به شرح ذیل، تقسیم کرد:

الف. برخی تحلیل‌گران هدف نهایی دولت آمریکا را از فروش سلاح و سفر مکفولین به ایران، تضعیف وجهه ضدآمریکایی یا ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی در جهان می‌دانند و استدلال می‌کنند که آمریکا همواره کوشیده است با جاذبه ضدامپریالیستی جنبش‌ها و کشورهای مخالف ایالات متحده مبارزه کند و ضمن محدود کردن اولیه، آنها را از اهداف انقلابی‌شان به تدریج منحرف کند. این تحلیل‌گران به نمونه‌هایی از قبیل شروع رابطه با چین در زمان ماقو با دیپلماسی پنهان یا برقراری رابطه با مصر در زمان ناصر استناد می‌کنند. این گروه اظهار می‌دارند شکی نیست که اگر دیپلماسی مخفی آمریکا در این ماجرا موفق می‌شد، این امر توفیقی برای دیپلماسی آمریکا به حساب می‌آمد. زیرا این گروه عملیات یادشده را فرایندی برای برقراری رابطه پنهان با یک نظام انقلابی جهت استحاله تدریجی آن می‌دانند. این دسته با اشاره به سیاست چماق و هویج، یادآور می‌شوند استراتژیست‌های آمریکایی یا توجه به اینکه تهاجم سیاسی - نظامی آمریکا علیه انقلاب اسلامی به اندازه کافی مردم و مسئولان را واقع بین کرده بود، به دیپلماسی پنهان روی آوردند. بنابراین تسبیت به یک دیپلماسی مخفی که به برقراری پایی بین تهران و واشینگتن بیانجامد، خوبی‌بین نبودند و انشای به موقع معامله اسلحه با ایران را به سود انقلاب اسلامی دانسته‌اند.

ب. گروه دوم، آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان را هدف اصلی عملیات کاخ سفید دانسته و عنوان می‌دارند که آمریکایی‌ها از گروگان گرفته شدن دیلتمات‌ها و نیروهای برجسته اطلاعاتی خود در خاورمیانه به ویژه در بیروت، صدمه روحی و روانی سختی خورده بودند. همچنین آزادی گروگان‌ها برای تبلیغات انتخاباتی و حیثیت دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا اهمیت ویژه داشت. از این رو به انجام عملیات سری فروش سلاح در برابر آزادی گروگان‌ها حاضر شدند. این گروه از استدلال گران به دلیل نیاز ایران به سلاح‌های پیشرفته آمریکایی برای ایجاد تغییر موازنۀ نیروها در جنگ تحملی با غرق افشاری این عملیات را در آن برهه از زمان به سود ایران نمی‌دانند.

ج. گروه سوم، این موضوع را چنین تحلیل می‌کنند که دلالان اسلحه و آمریکایی‌ها در آغاز با شبودای فریکارانه با ارسال سلاح‌های کهنه و از رده خارج، کوشیدند آزادی گروگان‌ها را در برابر کالاهایی کم ارزش محقق سازند؛ اما با هوشیاری متخصصان نظامی و مسئولان ایران در فهم موضوع و با تعمیر و قابل استفاده کردن بخشی از سلاح‌ها و یا برگرداندن بخشی دیگر و دریافت سلاح نو، این بخش از عملیات نیز به نفع ایران تغییر مسیر یافت.

این گروه از تحلیل گران برای اثبات نظر خود چنین استدلال می‌کنند آمریکایی‌ها با کمک دلالان اسلحه، موشک‌های انباری در کشور ثالث را با قیمت‌های بالاتری به ایران فروخته و از درآمد آن برای هدف دیگری، که رساندن نقدینگی به مخالفان ساندیست‌ها در نیکاراگوئه یعنی کترها بود، استفاده کرند و در معامله خود با ایران تیز صادق نبودند. هر چند که برای موفق نمودن پروژه خود مجبور به استفاده از الفاظ و رُست‌های غیر صادقانه نیز بودند.

ورای نظریه‌های فوق هر چند به طور قطعی هم نمی‌توان احتمال علاقه آمریکا را به تغییر سیاست خود در مقابل ایران از زاویه منافع استعماری اش رد کرد، در نهایت آنچه رخداده شکست سیاست آمریکا و موققیت ایران بود که با دریافت بخشی از نیازهای خیلی ضروری دفاعی خود، به هدف انسانی اش در مورد آزادی تعدادی از گروگان‌ها نیز نائل آمد. زیرا با توجه به افشاری ماجرا، امکان بهره‌گیری مناسب برای دولت آمریکا از این ماجرا مهیا نشد و نتیجه کاملاً به زیان بر نامه‌بریزان آن شد، در ضمن سفر مک‌فارلین به ایران نه تنها به آزادی گروگان‌ها و برقراری رابطه با ایران تینجامید، بلکه افشاری سفر وی به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا و عدم پذیرش او از سوی مسئولان رده بالای کشور، موجب رسوایی آمریکا و تقویت جاذبه ضد ایریالیستی و ضد صهیونیستی ایران شد.

آمریکا اگرچه سرانجام توانست با تحویل موشک‌های مورد نیاز به ایران، که واسطه‌های ایرانی نمی‌توانستند در هیچ جای دنیا و حتی در بازار قاچاق آنها را تهییه کنند، تعدادی از گروگان‌ها را آزاد

کند، اما افشاری سیاست فروش سلاح در مقابل تأثیر بر آزادی گروگان‌ها از سوی ایران باعث سرشکنی سیاستمداران ارشد آمریکایی نزد افکار عمومی کشورشان و هم پیمانانشان در جهان شد. در نهایت این ایران بود که توانست در رسوایی کاخ سفید، آمریکا را هم در بعد نظامی و هم در بعد سیاسی شکست دهد. به همین دلیل گزارش‌ها و تحلیل‌هایی که در این زمینه توسط آمریکایی‌ها منتشر شده است، از جمله گزارش تاور، بیشتر برای کنعان این شکست است. متأسفانه در برخی تحلیل‌های داخلی تیز با هدف تحریب سیاسی، کوشش شده است واقعیت به گونه دیگری جلوه داده شود. لذا هم در خارج و هم در داخل، با استفاده از تبلیغات ژورنالیستی، سعی شده فضایی پرابهام پیرامون این ماجرا ایجاد شود؛ برای تموته، با استفاده از نقل قول‌هایی با چندین واسطه بحث مبارزه با اسرائیل در کنار ارسال سلاح از اسرائیل به ایران اکنار هم قرار گرفته و از این طریق سعی گردیده بر حواننده تأثیری خاص گذاشته شود.

با توجه به این مسائل، یکی از اهداف این مکتوب، ابهام زدایی و زدودن القاتل و شباهت، بر مبنای استاد و اطلاعات موجود و همچنین مصاحبه با مقامات درگیر در ماجرا بوده است تا حقیقت ماجرا هر چه بیشتر آشکار شده و از آن درس‌هایی برای آینده آموخت، چرا که:

این مستند کاملاً روشن می‌سازد که قصیه برای آمریکا و به ویژه جمهوری خواهان بسیار در دسرساز بوده است. نخست، از جهت فروش پنهانی اسلحه به ایران، آن هم در زمانی که سیاست رسمی آمریکا مبتنی بر تضعیف و متزوی کردن ایران بود. دوم، به دلیل انتقال پختنی از منافع این معامله به شورشیان نیکاراگوئه (کنترها) در هنگامی که کنگره هر گونه کمک مستقیم یا غیر مستقیم آمریکا را به این گروه ممنوع کرده بود.

البته این رسوایی اگر چه به کناره گیری رئیس جمهور آمریکا، رونالد ریگان، نینجامید، اما ضربه سختی به وی زده به گونه‌ای که او را یکسره ناتوان کرد. پس از افشاء خبر نیز ریگان و اطرافیانش بارها کوشیدند - به اصطلاح خودشان - «این زخم را بسوزانند»، اما با سیاست‌های هوشمندانه ایران موفق نشدند.

سیاست‌های تبلیغاتی ایران در این مقطع به قدری برای آمریکا در دسرساز بود که بارها ریگان و نیم کاری‌اش را به استیضاح کشاند و مکرراً بحث سیاست‌های اشتباه رئیس جمهور ایالات متحده

۱- بعدها منحصر شد که برخی از سلاح‌های ارسالی از سوی آمریکایی‌ها به ایران، بدون اطلاع ایران، از اسرائیل بارگیری شده بود، که با هوشیاری مستولان ایرانی این سلاح‌ها پذیرفته نشد و برگشت داده شد و به جای آن سلاح‌های موردنظر دریافت گردید.

مطرح شد. ریگان و اطرافیانش گزارش‌های خد و نقیضی ارائه دادند تا وامود کنند در صدد آزادی گروگان‌ها در مقابل سلاح نبوده‌اند. اما گزارش‌ها آشکار می‌کرد که این عمل اتفاق افتاده است، زیرا که پس از ارسال چند محموله سلاح، یکی از گروگان‌ها آزاد می‌شد.
اکنون که این ماجرا در قالب این مستند به خوانندگان تقدیم می‌گردد، لازم است این موارد تذکر داده شود:

نخست آنکه با توجه به ضرورت حفظ امنیت و مصالح ملی، تلاش بسیاری برای بیان حقیقت، بدون وارد شدن خدشه به سیاست‌های امنیتی کشور صورت گرفت و بدین منظور با افراد صاحب نظر در این زمینه نیز مشورت شد و مطالب به رویت آنان رسید.
دوم آنکه ویرایش اسناد و متون با دقت بسیار انجام گرفت و وقت بسیاری برد، به گونه‌ای که بیش از دو سال طول کشید تا این اثر آماده انتشار گردد.

سوم اینکه، مستند حاضر ممکن است از جنبه‌های گوناگون نواقصی داشته باشد که کوشش خواهد شد در ویرایش‌های بعدی بالحظه کردن نظریات تکمیلی و دیدگاهها و انتقادات خوانندگان، صاحب نظران عرصه سیاست، اهالی رسانه و... با در نظر گرفتن ملاحظات امنیت ملی، تکمیل شود.
چهارم اینکه، در آمریکا پس از این جریان ۵ کمیته از سوی دولت، کنگره، سنا و دادستانی برای بررسی موضوع تشکیل شد و هر یک از کمیته‌ها نیز با توجه به وظایف خود گزارش مشروح و مکتوبی از موقع تهیه کردند و دو مورد از این گزارش‌ها (گزارش تاور و گزارش والش) منتشر هم شد. اما در ایران گزارش مکتوبی از این جریان منتشر نشد، لذا برای دستیابی به برخی از جزئیات در اثر حاضر، به ویژه در مباحث مربوط به تصمیمات و مذاکرات آمریکایی‌ها درباره ماجرا، از این گزارش‌ها نیز استفاده شده است.

و سرانجام اینکه نکته مهمی که عامل اساسی بهره‌گیری ایران و خسارت آمریکا از این جریان بود، این است که در ایران سران قوا و شخص امام راحل از ابتدای آخر در جریان امور بودند و هیچ اقدامی برخلاف مقررات کشور انعام ندادند؛ ضمن اینکه دو هدف اساسی تأمین تیازهای دفاعی و رفع گرفتاری انسان‌های ربوده شده را دنبال می‌کردند. اما آمریکا در این جریان علاوه بر اینکه از سیاست‌های رسمی خود تخلف کرده، یا پنهان کاری و فریب کاری در معاملات نیز نقاط ضعف فاحشی در کارنامه خود ثبت کرد که در نهایت بخشی از این تخلفات با تلاش رقبای سیاسی دولت وقت آمریکا فاش گردید که منجر به بحرانی واقعی در این کشور شد.

پیش درآمدی بر ماجرا

در تاریخ دیپلماسی هر کشوری گاهی به ناگهان یک اتفاق رخ می‌دهد و بدل به نقطه عطفی شگرف می‌شود. این رخدادهای نادر گاه حتی طومار یک دولت را نیز می‌توانند در هم بیچندن. تاریخ دیپلماسی ایالات متحده تیز، که خود را با ثبات تر و نیرومندتر از اروپای کهنه‌سال می‌شمارد، به رغم این جوانی و زورمندی، خالی از زمین نرژه‌هایی نیست گه کاپیتول^۱ را نرزا نده باشد؛ از جمله گلوله‌ای که در یک لژ تئاتر به زندگی آبراهام لینکلن پایان داد، سقوط بورس در وال استریت، ناوها یی که کامیکازه‌های راپتی در پرل هارپر به قعر اقیانوس فرستادند، پاگداشت نخستین سرباز آمریکایی در جنگل‌های ویتنام، گلوله‌هایی که لی هاروی^۲ از فراز ساختمانی در دلاس به سوی کندی شلیک کرد، مقاله باب وودوارد^۳ درباره رسایی و اقرگیت در نیویورک تایمز، تسخیر سفارت آمریکا در تهران و سردرگمی‌های کارت و همکارانش در قبال لشکرکشی آمریکا به ایران در واقعه طبس که رسایی بزرگی برای دولت آمریکا گردید و بالاخره رخ دادن ماجراهی که در آمریکا آن را «ایران - کنtra» نامیدند و در ایران به «رسایی کاخ سفید» معروف شد. البته در حال حاضر نیز گرفتاری آمریکا در عراق و افغانستان در نتیجه سیاست‌های غلط را می‌توان به این فهرست افزود.

اما آنچه موضوع بحث این نوشتار است، ماجراهی مک فارلین است، ماجراهی که به نظر می‌رسد همه چیزی درباره آن می‌دانند اما این دانستنی‌ها تنها به منزله بخشی از کوه یخی بر سطح اقیانوس است. لذا برای فهم حقیقت ماجراهی مک فارلین و دیدن تمامی کوه یخ باید در اعمق اقیانوس غوطه‌ور شد و برای این غواصی بایستی به عقب بازگشت. از این رو لازم است از پیشینه و ریشه‌ها آغاز کرد تا گرفتار سطح شویم.

ریشه‌ها و پیشینه: آغاز ماجرا

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) روند جدیدی در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. پیروزی این انقلاب مبانی و موادی حاکم بر سیاست و روابط خارجی ایران را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دگرگون ساخت. نفی سلطه، که با شعار «نه شرقی و نه غربی» مردم در راه‌پیمایی‌ها مطرح

^۱ - کاخ سفید

^۲ - خلavan انتشاری رایی

^۳ - صارت جان اف کندی، رئیس جمهور آمریکا

^۴ - یکی از دو خوبنگاری که به افشاگری تقلب انتظامی نیکسون رئیس جمهور وقت ایالات متحده پرداخته

می شد، در روابط خارجی نظام نوپا تبدیل به یک سیاست اصلی شد و در نتیجه، برخی از هم پیمانان دیرینه و قدیمی دولت پهلوی در عداد مخالفان و دشمنان نظام جمهوری اسلامی درآمدند و ملت هایی که در سپهر سیاست خارجی رژیم پیشین جایگاهی نداشتند، در سیاست استراق یک نظام نوپا واجد اهمیت شدند.

اما یکی از مهمترین چرخش های سیاست خارجی ایران، بی شک تغییر نوع روابط ایران و ایالات متحده بود. آمریکا پس از همراهی و دخالت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت دکتر مصدق به قصد بازگرداندن شاه به قدرت، به مهمترین حامی شاه مبدل شد. پس از این کودتا، ۲۵ سان رابطه ای عمیق و استراتژیک میان شاه و مقامات کاخ سفید برقرار شد، یعنی دوره ای که با سرکوب و خشونت در داخل کشور همراه بود و در سایه حمایت ایالات متحده آمریکا از رژیم شاه، آزادیخواهان ایرانی اعم از مذهبی و غیر مذهبی، سرکوب می شدند.

انقلاب اسلامی مهر پایانی بر این رابطه استراتژیک نهاد و طبیعتاً جمهوری اسلامی و مردم ایران به دلیل حمایت های بی دریغ آمریکا از شاه و تجربه تلح دخالت آمریکایی ها در کودتای ۲۸ مرداد، نسبت به دولت ایالات متحده بدینتی سیار داشتند. آنان در این سال ها سفارتخانه آمریکا را به عنوان محل تعیین کننده سیاست های رژیم شاه می شناختند. در این اوضاع و احوال، انقلابیون از یک طرف نگران تجربه کودتای ۲۸ مرداد بودند، و از طرف دیگر، جذبیت ایدئولوژیک و ضد آمریکایی انقلاب ایران برای دیگر کشورهای منطقه، دولتمردان آمریکایی را به شدت سبب تشدید حکومت جدید ایران نگران ساخته بود.

یک گام پیش از جنگ

در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) سفارت آمریکا در ایران به دست دانشجویان انقلابی تبخیر و کارمندانش به گروگان گرفته شدند.

در پی تبخیر سفارت، ایالات متحده بالوکه کردن تمامی اموال دولت ایران در آن کشور، تحریم تجاری و قطع روابط دیپلماتیک واکنش نشان داد. در این میان آمریکا هرگونه فروش سلاح را به ایران ممنوع کرد و حتی از ارسال محموله های نظامی که دولت پیشین ایران خریداری کرده و بهای آنها را هم پرداخت کرده بود، ممنوعت کرد.

در دومین قدم، دولت کارتر به پاری شورای امنیت ملی ایالات متحده، نقشه اجرای عملیاتی غافلگیرانه به نام «پنجه عقاب» را برای آزاد ساختن گروگان‌های آمریکایی در ایران تدارک دید.
در واقع، از همان آغاز تسخیر سفارت آمریکا در تهران، این کشور ناوگان نظامی خود را به خلیج فارس اعزام داشت و کارتر اعلام کرد: «من می‌خواهم به محض آزاد شدن افرادمان، ایرانی‌ها را تنبیه کنم و واقعاً به آنان ضربه بزنم. آنان باید بدانند که نمی‌توانند ما را به بازی بگیرند!»^۱ مایلز کاپلندر، از دست اندرکاران سابق دستگاه اطلاعاتی آمریکا و همکار روزولت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲،
بعدها گفت: «هدف از تهاجم طبس تنها آزادی گروگان‌ها نبود، بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران هدف اصلی این عملیات بوده است.»^۲

به هر حال، عملیات نظامی نیروهای ویژه آمریکایی برای آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران، در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ صورت گرفت. آمریکایی‌ها در این شب با تعدادی بالگرد و هواپیمای نظامی و حدود صد کماندوی ورزیده با تجهیزات کامل به صورت هوایی وارد خاک ایران شده و در صحرای طبس فرود آمدند. آنان قصد داشتند پس از تجدید قوا، در زمین فوتبال استادیوم امجدیه (شہید شیرودی) فرود آمده و به کمک گروههای ضدانقلاب که از پیش آماده شده بودند، همزمان به دو مرکز نگهداری گروگان‌های آمریکایی حمله کنند و پس از آزاد ساختن آنها به بمباران شدید مراکز حساس کشور پردازند. اما توفان شن در صحرای طبس و برخورد یک بالگرد و هواپیمای نظامی آمریکایی با هم، عملیات را با شکست مواجه ساخت؛ اتفاقی که جز نام معجزه بر آن نمی‌توان نهاد.

با این همه، باز توطئه‌ها پایان نیافت و مقدمات کودتای نوژه فراهم شد که آن هم در نطفه خفه گردید.

بی‌گمان شکست کارتو و دموکرات‌ها در برابر ریگان و جمهوری خواهان در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به سبب عدم موفقیت به موقع کارتر در آزاد سازی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران بود، به عبارتی کشته کارتر در نتیجه گروگان‌گیری در ایران به گل نشست. از همین روی، دولت وقت آمریکا که از طریق نظامی نتوانسته بود گروگان‌های خود را آزاد سازد، ناچار به توافقی سیاسی تن داد که به بیانیه الجزایر معروف شد.

۱ - برویسکی، «ستقوط شاه، جعل گروگانها و مسامع ملی»، ترجمه منزه‌پور بی‌دایار، تهران کاوش ۱۳۶۴، ص ۹۵.

۲ - جلوه‌گیری‌زا، «هدف تهران، تهاجم کارتو و قاعع پشت برد»، ترجمه هادی سهرابی، تهران، تشریف، ۱۳۶۲، ص ۱۳۶.

در ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ (۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) بسیاری از محدودیت‌های ایجاد شده از سوی آمریکا به عنوان بخشی از شروط دولت ایران که منجر به رهایی گروگان‌های آمریکایی شد، منتظر گردید، اما این امر شامل رفع تحریم ارسال تسليحات به ایران نمی‌شد. حتی فراتر از آن، برخی تحلیل‌گران مخالف انقلاب اسلامی، اعلام داشتند بهترین راه مقابله با انقلاب اسلامی ایران و ممانعت از گسترش موج آن به کشورهای دیگر منطقه، درگیر کردن دولت توظیه‌ور با تهدید خارجی است. از این رو نه تنها جای شگفتی نیست که سران ایالات متحده از وقوع جنگی میان جمهوری اسلامی نوپای ایران بایکی از همسایگانش از صمیم قلب خست شوند، بلکه طبق استادی که بعداً فاش شد در تشویق صدام به تجاوز فعال بودند و در طول جنگ نیز از متجاوز به ایران حمایت کردند.

و جنگ آغاز می‌شود...

صدام حسین در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) با پاره کردن قرارداد الجزایر و ادعای دروغین تعریض نیروهای ایرانی به مرزهای عراق، به ایران حمله کرد. بی‌شک صدام حسین که از بحران موجود میان ایران و ایالات متحده آگاه بود، روی این دشمنی حساب زیادی باز کرده بود و وقایع بعدی ثابت کرد که او چندان اشتباه تکرده بود زیرا آمریکا و متحدانش با کمک‌های بی‌دریغ به صدام در پیشگیری از اضمحلال قطعی او مؤثر بودند. در واقع آمریکا و غرب جز شکست جمهوری اسلامی هدف دیگری نداشتند، چرا که صدام خطری فوری برای غرب محسوب نمی‌شد و این آرمان‌های انقلاب ایران بود که هر لحظه می‌توانست موجب شگفتی‌ای در منطقه شود. از همین رو، ماهواره‌های جاسوسی آمریکا اطلاعات مربوط به نقل و انتقالات نیروهای ایران را در اختیار ارتش عراق قرار می‌دادند تا بتوانند در برابر ایران ایستادگی کند. آمریکا همچنین با ادامه تحریم تسليحاتی ایران به ارتش عراق کمک می‌کرد. متحدین منطقه‌ای آمریکا همچون عربستان و کویت نیز به انتقال تقریباً نامحدود تسليحات غربی به عراق اقدام می‌کردند و بخشی از درآمد کمپانی آرامکو که امتیاز نفت عربستان را داشت، صرف خرید تسليحات و تجهیزات جنگی برای عراق می‌شد.

در همین دوره، سازمان‌های امنیتی آمریکایی اعلام کردند ایران از گروه‌های به اصطلاح خودشان تروریستی منطقه به ویژه لبنان، حمایت می‌کند. در پی این امر، در اول بهمن ۱۳۶۳ (۲۰ ژانویه ۱۹۸۴) وزارت امور خارجه آمریکا، دولت ایران را بیکی از حمایان تروریسم بین‌المللی معرفی کرد. پس از آن ایالات متحده غالباً کشورهای اروپایی و به طور کلی متحدان خود را وادار ساخت به بهانه حمایت از تروریسم، از فروش نیازهای لجستیک و قطعات و تجهیزات نظامی سبک و سنگین که

مورد استفاده ایران در جنگ بود، ممانعت به عمل آورند. گفتنی است که بخش عظیمی از درآمدهای حاصل از فروش نفت در اوخر دهه‌های ۱۳۵۰ صرف خرید تسلیحات و تجهیزات جنگی شده بود. اما ارسال آخرین محموله‌های نظامی که مجموعه‌ای از سلاح‌های پیشرفته از قبیل هوایپیماه، زیردریایی‌ها، تانک‌ها، موشک‌های پیشرفته و... را شامل می‌شد، در روزهای واپسین حکومت شاه لغو شد، بی آنکه بهای پرداخت شده آن به ایران باز پس داده شود.

سال ۱۳۶۴: سال سرنوشت ساز

در این میان سال ۱۳۶۴، سال سرنوشت سازی در حیات جمهوری اسلامی است. با وضعیتی که در جبهه‌های جنگ به وجود آمده بود، ضرورت داشت که ایران یک تغییر عمده در جبهه‌ها و سرنوشت جنگ به وجود بیاورد و با کسب امتیاز وافی، برای پایان دادن به جنگ از طریق سیاسی بکوشد که این بهم در خاطرات ۱۳۶۳ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با نام «به سوی سرنوشت» منعکس است.

در راستای این سیاست، ایران انجام چند عملیات سرنوشت ساز در این سال را هدف قرار داده بود که به طور طبیعی تأمین و تعمیر تجهیزات نظامی، سلاح‌های سنگین، قطعات یدکی هوایپیما، رادار، و موشک‌های ضدتانک و هوایپیماهای بلند پرواز روسی، موشک‌انداز و کشتی ضروری بود. اگر چه در داخل کشور تلاش‌های فراوانی در راستای ساخت و تولید سلاح صورت می‌گرفت، اما در کوتاه‌مدت نمی‌توانست جایگزینی مناسب برای نیازهای تسلیحاتی ایران پاشد که عمدتاً ساخت کشورهای غربی، به ویژه آمریکا بود. بنابراین طبیعی بود که دولت ایران برای تأمین نیازهای تسلیحاتی و قطعات یدکی مورد نیاز خود به منظور دفاع از مردم، کشور و انقلاب، به بازار سیاه اسلحه در سطح جهان مراجعه کند. از طرفی سلاح‌های عراق عمدتاً بر پایه تکنولوژی روسی بود و آمریکا سلاح‌هایی بر ضد آنها ساخته بود؛ این در حائی بود که به علت قطع روابط با دولت آمریکا، تحریم اقتصادی ایران توسط ایالات متحده و متحدانش، همزمان با دادن همه‌گونه سلاح‌های مدرن به رژیم بعضی عراق، به فشار بر جمهوری اسلامی ایران روز به روز افزوده می‌شد. در این وضعیت، منافع استراتژیک ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه اجرای برنامه‌های زیر را ایجاب می‌کرد:

کنترل صدور نفت توسط کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه که از نظر سیاست خارجی با ایالات متحده همسویی داشتند؛ ممانعت از اتحاد سیاسی کشورهای عربی با شوروی و عدم گرایش به آن کشور؛ تأمین منافع اسرائیل در کشمکش با مسلمانان فلسطین و لبنان؛ و ممانعت از پیروزی ایران بر

عراق به منظور تضعیف جمهوری اسلامی که در منطقه نفوذ معنوی فراوان داشت و تبدیل به خطر بالفعلی برای منافع آمریکا شده بود، ضمن اینکه واستگی بیشتر دولت عراق به آمریکا نیز نتیجه قطعی چنین سیاستی بود.

با توجه به آنچه گفته شد، ایران در شرایط حساس جنگی و تحریم تسلیحاتی ناجوانمردانه آمریکا و غرب در بازارهای بین‌المللی، به دنبال تسلیحات و به ویژه اقلامی مانند موشک‌های تاو^۱ (TOW)، قطعات پرتاب‌کننده موشک هاک^۲ (HAWK)، موشک هارپون^۳ (Harpoon)، موشک فوئیکس^۴ (Phoenix) سایدویندر^۵ (Sidewinder) و لامپ‌ها و قطعات حساس رادارها بود، که همگی آنها ساخت کارخانه‌های آمریکایی بودند.

آخرین ساعت سال ۱۳۶۳، آسمان تهران، از شلیک ضد هوایی‌ها روشن بود. دو روز بعد در آغاز سال نو هنگامی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مشغول ایراد خطبه دوم نماز جمعه تهران بود، پک هوایی عراقی دیوار صوتی در این شهر را شکست.

^۱ - موشک ضد تانک تاو (TOW) برای عملیات ضدزرهی طراحی شده است. تاو یکی از بهترین موشک‌های ضد تانک در دنیاست و می‌تواند به راحتی انواع تانک‌ها مخصوصاً تانک‌رویی جدید نی ۷۲ را منهدم کند. خود موشک درون محظوظه مخصوصی قرار دارد و می‌تواند به راحتی از پرتاپ نوسط دور شده سیم به سایت پرتاپ منصل است. به این ترتیب، پرتاپ کننده تا لحظه رسیدن موشک به هدف می‌تواند فرمانی اصلاحی به موشک بدهد. تاو را می‌توان از روی جیب تانک، مقری و حتی از روی زمین شلیک کرد.

^۲ - هاک (HAWK) از مهم‌ترین موشک‌های ضد هواپیما در ارتفاع بالاست. این موشک وقیعه به سوی هواپیما شلیک می‌شود، در نزدیکی هواییما انفجر شده و به هواپیما برکش آتشین دل می‌گردد. هاک موشکی راواری است؛ یعنی رادار آن روزی جنگده مهاجم غفل می‌گشته و موشک به طور خودکار تا نایابدی هدف دنیا آن می‌زود.

^۳ - موشک هارپون یکی از معروف‌ترین و قوی‌ترین سلاح‌های ضد کشتی است که با رژیم عبور طولانی‌افت. هنوز از بهترین موشک‌های ضد کشتی در بیرونی دریایی آمریکا و سیاری از کشتورهای جهان از جمله ایران است. این موشک گرچه رقیبی از روسیه و چین دارد، اما هنوز برتری خود را حفظ کرده است.

^۴ - فوئیکس موشک هوا به هوا است که مجوز به رادار بزده و برای اهداف دور استفاده می‌شود. این موشک بر روی جنگده‌های اف-۱۴ نصب می‌شود، فریبکس بحثین موشک دوربرد هوا به هوا ایالات متحده است که نایابی درگیری هم زمان با چند هدف سنترک را دارد.

^۵ - این موشک گرمایگیر کوچک از نوع موشک‌های هوا به هوا است که توسط جنگده‌ها جعل می‌شود. این موشک می‌تواند گرمای بدنی هدف را تشخیص دهد و به سمت آن برود.

این آغاز برای سال جدید نشان از خاص بودن وضعیت جنگ داشت، چراکه شکست پی در پی نیروهای عراقی در جبهه‌ها آنان را واداشته بود بمباران شهرها را تشدید کنند؛ اقدامی که حکایت از عدم پاییندی دولت بعثی به موازین بین‌المللی و انسانی داشت و همچنین میان گرفتن چراغ سبز از قدرت‌های غربی و شرقی در ارتکاب به این اقدامات بود.

با انجام عملیات خیر و بدرا، ایران ثابت کرد که می‌تواند از مرزها بگذرد و با حضور در خاک عراق، این کشور را تحت فشار بگذارد. با این اتفاق مهم و بزرگ، تحرکات از دو جانب آغاز شد. یکی از سوی میانجیگران بین‌المللی اعم از افراد، کشورها و سازمان‌های جهانی که همگی به تکاپو افتادند تا جنگی را که اکنون دیگر به صرر عراق در جریان بود، متوقف سازند. نخستین اقدام از این دست، سفر خاویر پرز دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد به تهران در هشتم فروردین ۱۳۶۴ بود. دیگری، آن که حامیان رژیم صدام سلاح‌های جدید و تدارکات مالی و نظامی فروزن از حد را در اختیار او قرار دادند، بدون اینکه بازخواستی از این رژیم برای بمباران و موشک‌باران شهرهای ایران، ربودن هوایپماهای مسافربری، حمله به کشتی‌های حامل نفت و کالا، بمباران چاه‌ها و تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس و استفاده از سلاح‌های شیمیایی بشود.

بنابراین، سال ۱۳۶۴ برای ایران در جنگ یک نقطه عطف محظوظ می‌شد. هاشمی رفسنجانی، فرمانده وقت جنگ، که خاطرات خود در این سال را بعدها تحت عنوان «امید و دلوایسی» منتشر ساخت، شرحی از این وضعیت داده است که در لایه‌لای اشارات مختصر این خاطرات می‌توان با توجه به شرایط آن زمان دریافت که به راستی این سال، سال امید و دلوایسی بود.

به هر روی، وضعیت جنگ بغرنج بود. بخش عظیمی از سلاح‌های ایران میراث دورانی بود که روابط شاه با آمریکا، امکانات بسیاری را در اختیار ایران قرار داده بود. اما تحریم آمریکا و فرسودگی زرادخانه نظامی ایران و از طرف دیگر، هم پیمانی شوروی با عراق که مانع از تأمین سلاح‌های مورد نیاز ایران از این کشور می‌شد، ایران را وادار کرد برای تأمین تجهیزات مورد نیاز خود راهکارهایی بیندیشد.

یکشنبه ۴ فروردین ۱۳۶۴، عراق دو کشتی ایرانی را هورد اصابت موشک قرار داد و مسؤولان کشور را واداشت بر تلاش‌های تهیه موشک بیفزایند.

در همین اوان، اولین جرقه‌های شکل‌گیری درخواست آمریکایی‌ها برای کمک به آزادی گروگان‌ها مطرح می‌شود. هاشمی رفسنجانی در یادداشت‌های ۵ فروردین ۱۳۶۴ نوشت: «پیش از ظهر احمد آقا [خمینی] آمد و گفت که بعضی از رسانه‌ها گفته‌اند، آمریکا به خاطر گروگان‌هایی که

در دست مردم لبنان دارد، تحت فشار است و مایل است که برای حل مشکل از ایران استفاده کنند. اگرچه ما گروگان گیرها را نمی‌شناسیم، اما گفتم اگر چنین درخواستی شد، درباره آن و راهکار ممکن مشورت کنیم.^۱ تقدیر چنین بود آمریکایی که از همه سو در پی مقابله با ایران بود، دست نیاز به سوی ما دراز کند.

حملات برای قطع شریان اقتصادی ایران

عراق که از رویارویی با رژیم‌گران ایران در جبهه‌های جنگ ناتوان بود، ناجوانمردانه حملات خود به کشتی‌ها، مراکز غیرنظامی و شهرهای ایران را آدامه داد. در ششم فروردین محمد غرضی، وزیر نفت، به مسئولان اطلاع داد فشار به کشتی‌های نفتی زیاد شده و ممکن است در آن ماه نتواند به تعهد خود در استخراج و فروش نفت عمل کند. به تدریج با گسترش جنگ، سیاست حمله به سکوهای نفتی ایران از سوی عراق در پیش گرفته شد تا مانع شدن از صدور نفت، ایران از لحاظ اقتصادی به زانو درآید. از حملات متعدد عراق به منابع نفتی ایران می‌توان به حمله ۲۴ مرداد ۱۳۶۴ به جزیره خارک اشاره کرد که طی آن اسکله‌تی و یک کشتی در اسکله آذرپاد沈沒 شد. رادیو بغداد با بزرگ‌نمایی این جریان اعلام کرد که نیروهای هوایی عراق ضربه مهلك و تابود کننده خود را بر شریان حیاتی ایران وارد ساخته و جزیره خارک را با خاک یکسان کرده‌اند.

با این اوصاف، ایران در تکاپو بود هرچه زودتر موشک‌های ضدهوایی، چه از نوع روسی و چه آمریکایی، را برای دفاع از جزیره خارک به دست آورد و سایت موشکی اش را در آن جزیره مستقر کند. در واقع ایران در این قسمت بیشتر در صدد پیشگیری بود تا عراق نتواند از این طریق فشاری به ایران وارد آورد.

روز ۲۸ شهریور ماه بار دیگر خبر رسید عراق با حمله هوایی به اسکله آذرپاد خارک و دو نیروگاه ذوق کارون، خسارات سنگینی به تأسیسات این مناطق وارد کرده است. تمامی این حوادث موجب شد برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از خطر قطع صادرات نفت اظهار نگرانی کرده و جلسه‌ای اضطراری در مورد بررسی بستن خلیج فارس روی نتفکش‌ها از طریق کنترل تنگه هرمز داشته باشند که این خود امری بحران زا تلقی می‌شد. حملات عراق در روزهای دیگر نیز آدامه پیدا کرد.

^۱ - هاشمی رفسنجانی، امید و دلایل پیشنهاد انتقام ساز لاهوتی، تهران، دفتر تشریف معارف اهل‌بیان، ۱۳۸۷، ص ۴۳.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در یادداشت ۵ مهر خود نوشت: "در اسکله‌های تی و آذرپاد به دو هدف با دقت توسط عراقی‌ها بمب اصابت کرده است. دلیل بر دقت هدف گری، اطلاع کامل قبلی و ضعف مقرط دفاع ماست و خسارات زیاد است. مسئولان [ترمیت‌های] نفتی جزیره خارک گفتند اگر درست دفاع شود، با وضع موجود می‌توانیم روزانه تا چهار میلیون بشکه نفت صادر کنیم ولی اعتمادی به دفاع نیست."^۱

تمامی این موارد نشان از حیاتی بودن دستیابی به موشک‌های دفاعی و اقدام به عملیاتی سرنوشت‌ساز علیه مواضع عراق داشت.

در جستجوی سلاح

ایران با توجه به نیاز مبرم به سلاح‌های حیاتی برای دفاع از خود از هیچ گزینه‌ای غفلت نکرد و کوشید از منابع گوناگون، از جمله بازار سیاه، سلاح به دست آورد. در این میان دلالان اسلحه نیز به تکاپو افتادند تا از این نمد کلاهی برای خود دست و پا کنند. اگرچه گاه به دنبال فرب طرف‌های ایرانی نیز بودند. البته این تلاش‌ها با درایت مسئولان جمهوری اسلامی ناکام می‌ماند.

هاشمی رفسنجانی مواردی از این دست را چنین ذکر کرده است. "آقای محلاتی پیشنهادی برای فروش ۳۵ [فروند] موشک هارپون از پاریس آورده بود. به فرمانده تیروی هوایی و دفترم گفتم که رسیدگی کنند. معمولاً دلالان اسلحه این گونه پیشنهادها را با اغراض خاص می‌آورند".^۲ یا: "شخصی با معرفی اخوان مرعشی آمد و از طرف یک شرکت هلندی، اسلحه برای فروش عرضه می‌کرد. او را به وزارت دفاع فرستادم. از این مراجعات این روزها زیاد داریم و نوعاً اسلحه‌های پیشرفته و کمیاب آمریکایی را پیشنهاد می‌کنند، ولی کمتر به نتیجه می‌رسد".^۳

در همین حین محسن رفیق دوست نیز پس از هماهنگی و مشورت با فرماندهان سیاسی و نظامی جنگ، از جمله هاشمی رفسنجانی، سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضایی، برای تهیه موشک از سوریه و گره شمالی اقدام کرد. همچنین یکی از نظامیان که برای خرید اسلحه به زنو رفته بود، در دیدار با هاشمی رفسنجانی مدعی شد، آمریکا آمادگی دارد هواپیمای اف ۴ و موشک فونیکس و قطعات لازم را در قالب یک شرکت به ایران بفروشد. این پیشنهاد با قيد احتیاط مورد موافقت هاشمی

^۱ - پیشین، ص ۲۶۴.

^۲ - پیشین، ص ۴۶.

^۳ - پیشین، ص ۹۸.

رسنگانی قرار گرفت و وی اعلام کرد از آنجاکه سلاح‌های نیروهای مسلح ایران اکثراً امریکایی است، وسایل مربوط به آنها را از هر کجا - به جز اسرائیل - می‌خریم. این قید مجدداً در یادداشت روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ در ذکر یکی از ملاقات‌ها آمده است: " حاجی یوسف آمد و گزارش سفر تیم خرید اسلحه را داد. مدعی است که آمریکا مایل است اسلحه‌ها، هوایپما، موشک و... مورد نیاز ما را از طریق شرکت‌های غیر آمریکایی به ما بدهد، ولی مانع توافق باور کنیم. استدلال آنها این است که آمریکا چون می‌ترسد ما اجباراً سیستم نظامی خودمان را که متکی به اسلحه‌های آمریکایی است، عوض کنیم، به اندازه‌ای که بتوانیم سیستم موجود را حفظ کنیم، تحويل می‌دهند؛ ممکن است نظرشان درست باشد. به هر حال به نفع ماست که بخریم و اجاره داده‌ایم، ولی امروز و فردا می‌کنند. به هر حال اجازه را تأکید کردم. آقای خامنه‌ای هم در این باره تلفنی مشورت کردن؛ نظر واحدی داریم" ^۱.

برخی پیشنهادها و گزینه‌ها برای خرید سلاح، به ویژه از طریق کشورهای غربی، از سوی دلالان و واسطه‌ها ارائه می‌شد، دلالانی که چندان هم قابل اعتماد نبودند و گاه ایران ناچار می‌شد علیه کلاهبرداری آنان در معامله‌های سلاح متولی به شکایت‌های حقوقی شود. این امر افزون بر این نکته است که معمولاً دلال‌ها، سلاح‌های مورد نیاز ایران را بسیار گران تر از قیمت واقعی می‌فروختند؛ چنانچه هاشمی رفسنگانی نقل کرده است: "آقای [غلامرضا] آقازاده آمد و درباره خرید موشک تاو - که ۳۰ درصد گران‌تر از قیمت اصلی می‌دهند - کسب تکلیف کرد. با رفیق دوست مشورت کردیم. او معتقد است، تعدادی بخریم بهتر است" ^۲.

البته در این اثنا ایران کوشش خود را برای طراحی و ساخت یا تعمیر موشک‌ها در داخل کشور نیز پی‌گرفت. تحقیق و ساخت موشک‌هایی شبیه به موشک تاو آمریکایی و مالیوتکاروسی در صنایع دفاعی سپاه شروع شده بود. ولی هنوز نتیجه قطعی نداده بود. روز ۱۳ خرداد اعلام شد که موشک شبانگ ایران برای نخستین بار شلیک شده و گویا به هدف نیز اصابت کرده است. این امر برای نخستین بار رخ می‌داد که در ارتفاع هفتاد هزار پایی هوایپما مهاجم مورد اصابت موشک قرار می‌گرفت. خبر گزاری شیئن هوا در همین باره گزارش داد: ایران برای نخستین بار با استفاده از موشک زمین به هوا یک هوایپما عراقی را که به تهران حمله کرده بود، سرنگون ساخت. هاشمی رفسنگانی، نماینده رهبر ایران در شورای عالی دفاع، چندی قبل اشاره کرده بود که ایران با استفاده از سلاح‌های تدافعی جدید از حمله هوایپماهای عراق به خاک ایران جلوگیری می‌کنند».

استفاده از موشک زمین به هوا به شکل موقت آمیز، تأثیر به سزاگی در روحیه مردم و مشغولان داشت. اما بدیهی است تلاش‌های داخلی برای ساخت موشک در گرماگرم جنگ شهرها، کفاف نیاز کشور را نمی‌داد و خرید و تهیه آن از مبالغ دیگر نیز حیاتی بود. سفرهای هاشمی رفسنجانی در اوخر خرداد / اوایل تیر ۱۳۶۴ به لیبی و سوریه و سپس به چین و ژاپن (در تیرماه همان سال) گشاش‌هایی در این باره ایجاد کرد. این گشاش‌ها البته مشکلات خاص خود را داشت. نظامیان ایرانی اغلب از عدم همکاری لازم تیم موشکی لیبی گلایه می‌کردند. سوری‌ها نیز نگران بودند که تحويل موشک به ایران خشم و دلخوری سوری را در پی داشته باشد. محسن رفیق دوست در بازگشت از کره شمالی، اطلاع داد توانسته است برخی از قطعات مورد نیاز را برای موشک‌های چینی بگیرد. او در عین حال حامل پیغام رهبر کره برای هاشمی رفسنجانی مبنی بر درخواست یک کشتی نفت در برابر درخواست‌های ایران بود. چینی‌ها هم در امر فروش سلاح بهانه جویی کرده و به طور کلی اغلب کج دار و هریز رفتار می‌کردند. در کل اینکه، تهیه سلاح‌های موره نیاز با تأخیر و مشکلات فراوان صورت می‌گرفت.

و جنگ ادامه دارد: دشواری‌ها و گشاش‌ها

شرایط ایران در این مقطع با توجه به طولانی شدن جنگ با عراق و تحملی توان نظامی و اقتصادی ایران از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در حالی که عراق از همه طرف حمایت می‌شد، بسیاری از سلاح‌های مهم و به ویژه راکت‌های ایران به خاطر نداشتن قطعات یدکی بدون استفاده مانده بود. این مسئله علاوه بر تشدید بمباران شهرها بر وحامت اوضاع می‌افزود.

بنابراین نیاز ایران به خرید و واردات اسلحه و تجهیزات جنگی امری بدیهی بود، اما این که این سلاح‌ها چقدر حیاتی بود و در سرنوشت جنگ چه تأثیری داشت، مسئله‌ای است که نظریات متفاوتی درباره آن مطرح شده است. هاشمی رفسنجانی، فرمانده جنگ، در مصاحبه‌ای به اهمیت حیاتی سیستم دفاعی هاک و موشک‌های ضد تانک و زرهی تاو اشاره کرده و می‌گوید: «آمریکایی‌ها می‌فهمیدند که ما می‌توانیم به اندازه کافی در بازار سیاه و جاهايی که هست نیازهایمان را برآورده کنیم و نمی‌توانستند چلویش را بگیرند. در نیازها به سلاح‌های استراتئیک مذکور که مستقیماً از آمریکا و یا زیر نظر آن بود، مشکل می‌توانستیم دست پیدا کنیم» او می‌افرادید: «از محدودیت‌های بسیار جدی ما لوازم یدکی و تجهیزات سیستم دفاعی هاک بود که برای ما خیلی اهمیت داشت». همچنین: «تانک‌های دشمن نیروهای ما را اذیت می‌کردند. برای من که فرمانده جنگ بودم، خیلی مهم بود که در عملیات ما تاو داشته باشیم. بچه‌ها خیالشان راحت بود. تانکی را که می‌زدند، کلی روحیه می‌گرفتند.»

شایان ذکر است که ارتش عراق در برابر برتری نیروی انسانی ایرانی‌ها تکیه قابل توجهی به تانک و ادوات زرهی داشت. موشک تاو یکی از جنگ افزارهای دقیق برای منهدم کردن نیروی زرهی چنین اوتی شی بود؛ از این رو اهمیت تأمین موشک‌های تاو در پیش رد اهداف جنگ و تغییر روند آن به نفع ایران، بسیار بود.

بعد از این وقتی ایران بیشتر به سلاح‌های مانند هاک دست یافت تأثیر بزرگ آن در تعیین نتیجه نبرد بیش از پیش آشکار شد. هاشمی رفسنجانی نیز پس از پیروزی در عملیات سرنوشت ساز فاو به این موضوع اشاره کرد و در مصاحبه‌ای اشاره کرد که از بخشی از امکاناتی که در جریان مکفارلین به دست آمد، در حمله به فاو استفاده شد: «این موشک‌ها در عملیات فاو مؤثر بود، در فاو خیلی تانک زدیم، فضایمان را با این هاک‌ها که تجهیز کرده بودیم، امن تر کردیم.»

از سوی دیگر، این پرسش مطرح است که آیا تهیه این سلاح‌ها و تجهیزات جنگی از طریق دیگری غیر از مسیر آمریکا امکان پذیر بود؟ البته از آنجا که این تجهیزات توسط آمریکا تولید می‌شد، سرانجام این مسیر با هر واسطه‌ای به آمریکا ختم می‌شد. کشورهایی که می‌توانستند این موشک‌ها را به طور مستقیم بخرند، عبارت بودند از اسرائیل، آلمان، آفریقای جنوبی و چند کشور تحت نفوذ آمریکا. همچنین جایه جایی و انتقال این تجهیزات از آنجا که جنبه استراتژیک داشتند، تحت نظر سیا (CIA) بود و هیچ کس حق نداشت بدون اطلاع مسئولان ایالات متحده نسبت به انتقال آنها اقدام کند.

از طرف دیگر، مسئله تأمین اسلحه هر چند برای ایران مهم و حیاتی بود، اما در حدی نبود که ایران هر شرایطی را از سوی آمریکا پذیرد. این امر در درجه اول به سیاست‌های اصولی و عقیدتی ایران باز می‌گشت و از طرف دیگر به این واقعیت که ایران خود در صدد تولید این سلاح‌ها بود.

البته واقعیت این است که خرید این سلاح‌ها از خود آمریکایی‌ها شاید با قیمت کمتری عملی بود تا پس از چند دست چرخیدن در میان واسطه‌ها.

کورسوسی امید

در آن شرایط بحرانی تحریم تسلیحاتی ایران، هفت مأمور امنیتی و سیاسی غربی، از جمله آمریکایی، طی هفت حادثه بین مارس ۱۹۸۴ (۱۳۶۲) تا زوئن ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) در بیروت به گروگان گرفته شدند. یکی از ریووه شدگان ولیام بالکلی، رئیس سیا در بیروت بود که در مارس ۱۹۸۴ (اواخر اسفند ۱۳۶۲) ربوده شد. نهادهای امنیتی آمریکایی بر این باور بودند که اگر نه همه

گروگان‌ها، دست کم بیشتر آنان در اختیار اعضای حزب الله لبنان هستند، که متأثر از آرمان‌های انقلاب اسلامی بودند.

به رغم تلاش‌های فراوان دولت ریگان، نتیجه مثبتی در آزادی این افراد حاصل نشد و حتی بدتر از آن، گروگان‌گیری‌ها شدت یافت.

در چهاردهم ژوئن ۱۹۸۵ (۱۴ خرداد ۱۳۶۴) نیز دولتی هواپیمای پرواز ۸۴۷ شرکت هواپی «تی. دبليو. ای» را با ۱۴۵ مسافر و هشت خدمه در مسیر آتن به رم رسید و خلبانان را مجبور کردند در فرودگاه بیروت به زمین بنشینند. گروگان‌گیران پس از چندین بار جایه جا کردن گروگان‌ها سرانجام پس از ۱۷ روز آنان را رها کردند. این ماجرا تازه‌مانی که در ۲۹ ژوئن گروگان‌های نجات یافته آزاد شدند، تمام توجه دولت آمریکا را به خود معطوف داشت.

در این جریان، پس از شکست سوریه برای حل بحران، اقدامات دولت ایران در قبال حل مسئله گروگان‌گیری در لبنان امری بود که نمی‌شد از آن چشم پوشید، به ویژه در سفر هاشمی رفسنجانی (رئیس وقت مجلس شورای اسلامی) به سوریه و لبنان، کمک مؤثری برای حل مشکل گروگان‌های هواپیمای تی. دبليو. ای صورت گرفت. در مقابل نیز آمریکا وعده داد برای آزادی اسرای لبنانی از زندان‌های اسرائیل کمک کند.

و قایع فوق الذکر، توجه دوباره برخی دولتمردان آمریکایی را به ایران جلب کرد. دولت ریگان در پی یافتن راهکارهایی بود تا مسئله گروگان‌گیری و بحران ناشی از آن را حل کند و افکار عمومی ایالات متحده را که در آستانه انتخابات کنگره نیز قرار گرفته بود، آرام گرداند.

ریگان به خوبی از این تجربه درس آموخته بود که یکی از علل پیروزی او در انتخابات پیشین ریاست جمهوری بر جیمی کارتر، این بود که کارتر در حل به موقع بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران، موفق شده بود. بنابراین حتی به روایت استاد و گزارش‌های خود آمریکایی‌ها - از جمله گزارش سناتور تاور - علت اصلی تمایل ریگان به فروش اسلحه به ایران، آزاد ساختن گروگان‌های آمریکایی در لبنان، آن هم به منظور کسب امتیازی سیاسی در صحنه رقات‌های تبلیغاتی ایالات متحده بود. چنانچه سیر و قایع را از طریق استاد مرور کنیم، در می‌یابیم هر چه زمان انتخابات کنگره در آمریکا نزدیک می‌شود، بر شدت فعالیت آمریکایی‌ها برای معامله با ایران و نیز بر میزان امتیازات پیشنهادی افزوده می‌شود، آنچنان که در مصاحبه‌های فرمانده وقت چنگ، هاشمی رفسنجانی آمده است، وی نیز بر این عقیده بود که آمریکایی‌ها صرفاً «می‌خواستند مسئله گروگان‌های خود را در لبنان حل کنند».

تأمین سلاح در برابر کمک به آزادی گروگان‌ها

با توجه به این که دولت ایالات متحده بر این باور بود که گروگان‌های اسلامی در لبنان تحت تأثیر جمهوری اسلامی هستند و در صورت توصیه ایران ممکن است گروگان‌های غربی را آزاد کنند، پس از ماجراهی حل بحران هوایپمایی تی - دبلیو - ای آمریکا بیش از پیش کوشید نظر موافق ایران برای وساطت در آزاد سازی گروگان‌هایش جلب کند.

در ۱۶ مرداد فرستاده ویژه نخست وزیر ژاپن یا نامه‌ای از طرف وی، برای دیداری محترمانه از هاشمی رفسنجانی کسب اجازه کرد. مطلب عمدۀ او درخواست کمک از ایران برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان بود. پاسخ رسمی هاشمی رفسنجانی چنین بود: «گفتم اولاً نمی‌دانیم که آیا واقعاً گروگانی هست یا خیر؟ و ثانیاً اگر باشد، نمی‌دانیم که صحنه‌سازی از خود آمریکا یا اسرائیل برای ایجاد بهانه دخالت در کشورهای منطقه نباشد، ثالثاً نمی‌دانیم آمریکا خواستار آزادی آنها هست یا خیر؟ عمل نکردن آمریکا به وعده قبلى در مورد آزادی زندانی‌های لبنانی از اسرائیل در مقابل حل مشکل هوایپمایی ریوده شده آمریکایی تی - دبلیو - ای که با همکاری ما و سوریه حل شد، دلیل اهداف غیرصادقانه آمریکا است. اگر آمریکا حسن نیت دارد به وعده قبلى عمل کند تا ما بتوانیم در این مسئله جدید اقدام نماییم. او مایل بود از طرف من برای آمریکایی‌ها پیغامی ببرد. تپذیر فرم و گفتم من با ژاپنی‌ها حرف می‌زنم.»^۱

با این حال، هاشمی رفسنجانی از فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محسن رضایی خواست که سپاه پاسداران بکوشید سرنخی از عوامل گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در لبنان بیابد تا ایران بتواند در مقابل آزادی اسرای لبنانی در اسرائیل به نجات گروگان‌های آمریکایی کمک کند. هم زمان گزارش رسید که آمریکا آمادگی تحويل برخی از نیازهای مهم جنگی ایران را در مقابل کم کردن فشار انقلابیون لبنانی بر آمریکا و آزادی گروگان‌ها دارد.

اعلام آمادگی آمریکا برای فروش اسلحه به ایران از چه کانال‌هایی صورت می‌گرفت؟ سیاست ایران و آمریکا در این موضوع چه بود؟ نحوه تصمیم‌گیری‌ها به چه صورت بود؟ اجازه اقدامات چگونه داده می‌شد؟ چه کسانی در گیر این عملیات بودند؟ اقدامات چگونه اجرا می‌شد؟ و سوال‌هایی از این دست، مواردی است که در ماجراهی مذکور مطرح می‌شود.

در این بین در مرحله اول پای واسطه‌ها و دلالان اسلحه مانند متوجهر قربانی فر از یک سو و

۱ - پیشین، ص ۲۱۳.

شورای امنیت ملی ایالات متحده از سوی دیگر به میان آمد. از این پس ماجرا اصلی که بعدها به ماجرا مک فارلین (ایران گیت / ایران کنتر) معروف شد، آغاز شد. اما پیش از ادامه این ماجرا و شناختن دلالان و واسطه‌های این جریان، به آگاهی درباره بسیاری از نکات و ابهامات نیاز است.

فروش سلاح، اما با چه هدفی؟

منابع آمریکایی، همچون گزارش تاور، کوشیده‌اند انگیزه مهم تری را نیز درباره تصمیم بخشنی از حاکمیت ایالات متحده در فروش سلاح به ایران، مطرح کنند. این منابع از اهمیت استراتژیک ایران و نیز لزوم برقراری ارتباط با آن به منظور جلوگیری از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در منطقه و بی‌اثر بودن سیاست‌های خصم‌های ایالات متحده در قبال این کشور سخن گفته‌اند. در نامه‌ای از قربانی فر به کنگرلو، مشاور وقت نخست وزیر ایران نیز بر همین نکته تکیه شده است.

برای نمونه، هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه ایالات متحده در زمان نیکسون در کتاب «دیپلماسی آمریکا در قرن بیست و یکم» نوشته است: «کمتر کشوری در جهان مانند ایران وجود دارد که ایالات متحده دلایلی اندک برای مخاصمه با آن داشته باشد یا منافع آنها تا حدیین حد با یکدیگر همگرا باشد. منافع دو کشور به شخص خاصی وابسته نیست. این منافع بازتابی از واقعیت‌های سیاسی و راهبردی است که در حال حاضر نیز وجود دارد. آمریکا هیچ دلیل رُغوبولیتیکی برای خصومت و دشمنی با ایران ندارد. دولت‌های متعدد در آمریکا برای عادی ساختن روابط بین دو کشور اعلام آمادگی کرده‌اند».۱

در این زمان بر اساس اطلاعاتی در آمریکا که مبنای آن امکان فوت رهبر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) بود، این قرض پذیرفته شده بود که ایران به روای وارد یک مرحله بی‌ثباتی می‌شود و این امر از نظر آمریکا به منزله بهره‌برداری بیشتر شوروی از شرایط ایجاد شده بود، تا جایی که حتی بحث جلوگیری از تجزیه ایران نیز در زمرة عوامل تغییر استراتژی آمریکا در قبال ایران ذکر شده بود. در این زمینه گراهام فولر، مأمور اطلاعات ملی ایالات متحده در خاورمیانه و جنوب آسیا، در یک برآورد اطلاعاتی پنجه صفحه‌ای به ویلیام کیسی، رئیس وقت سازمان سیا (CIA) چنین آورده است:

«آمریکا با اوضاع نامساعدی در مورد گسترش و بسط خط مشی جدید در مورد ایران

۱ - هنری کیسینجر، «دیپلماسی آمریکا در قرن بیست و یکم»، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایثار معاشر تهران.

۶۵۹ اوج دفاع
ضمانیم

عکس از ماجراهای مکفارلین

رو به روز است، سیر و قایع به طور عمدۀ علیه منافع ماست و به زودی شاهد مبارزه برای جانشینی [امام] خمینی خواهیم شد. آمریکا هیچ برگی برای بازی ندارد. اتحاد شوروی برگ‌های زیادی دارد. ایران به طور آشکار به این نتیجه رسیده است که چه روسیه و کمونیسم را دوست داشته باشد و چه نداشته باشد، اتحاد شوروی کشوری است که باید با آن کنار آمد. شوروی و آمریکا هر دو فاقد دسترسی مطلوب به ایران هستند. هر کسی اول برسد، موقعیت مستحکمی برای حذف دیگری خواهد داشت." فولر همچنین افروزده است: "پایه‌های خط مشی در آمریکا در ایران در جهت تسهیل منافع شوروی است." وی معتقد است "هیچ کس ایده روشی برای تعیین نحوه بازگشت آمریکا به تهران ندارد."

تردیدهای جدی در نیات آمریکایی‌ها!

دلایل و شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت ریگان نه به راستی در فکر ایجاد رابطه‌ای جدی تو و پلنددت با ایران بود و نه اصولاً امکان چنین کاری را داشت. قوی ترین دلیل آن است که اصولاً مصوبات کنگره ایالات متحده، فروش سلاح به ایران را ممنوع کرده بود و به این ترتیب، هر تلاشی در این باره غیرقانونی تلقی می‌شد. دوم اینکه، اگر قصدی جدی از سوی ایالات متحده برای ایجاد رابطه با ایران وجود داشت، نیازی به پنهان کاری و ارسال مخفیانه سلاح به ایران نبود، بلکه این امر می‌توانست به شکلی آشکار و رسمی صورت بگیرد.

سوم اینکه، همان گونه که بعدها آشکار شد، سلاح‌های ارسالی از سوی آمریکا در مواردی کهنه و معیوب و از رده خارج بودند که با قیمتی بالاتر تیز به ایران تحویل داده شدند و طبیعتاً این طرز معامله ناصادقانه نمی‌توانست با دغدغه ایجاد رابطه‌ای واقعی صورت گرفته باشد. دیگر اینکه، آمریکایی‌ها در این معاملات کوشیدند با همراهی و همکاری اسرائیل وارد عمل شوند، در حالی که می‌دانستند ایران بارها و بارها رسماً اعلام کرده است که به هیچ وجه حتی درباره تأمین سلاح‌های حیاتی اش وارد معامله از طریق اسرائیل نخواهد شد.

با توجه به این دلایل و دیگر دلایل که در ادامه به شکل مژروح تری صحبت خواهد شد، می‌توان گفت در واقع ابتدا طرح فروش اسلحه به ایران از طریق دلالان بین‌المللی و تأیید آن تنها از سوی بخشی از حاکمیت در آمریکا و به شکلی پنهانی و غیرقانونی صورت گرفت و هدف آن هم صرفاً امید به حل بحران گروگان‌گیری در لبنان به منظور کسب وجهه نزد افکار عمومی در آستانه انتخابات کنگره بود. زیرا علی‌رغم پیروزی جمهوری خواهان در ریاست جمهوری ولی کنگره هنوز در اختیار دموکراتها بود و آنها قصد پیروزی در انتخابات را در سر می‌پروراندند که در مواجهه با این استراتژی

گروههای درون حاکمیت آمریکانیز نظرات متفاوتی داشتند. از جمله کنگره و وزارت امور خارجه و سیا (CIA) نظرات بعضًا متفاوت و حتی مخالف ابراز می‌داشتند. این اختلاف نظرها از دید ایران نیز پنهان نبود ولذا مقامات ایرانی نیز موضوع را در حد محملی برای تهیه سلاح می‌دانستند. به همین دلیل این گونه بخوردها تا زمان آزاد سازی گروگان‌ها موضوعیت داشت و اصولاً این گونه مذاکرات مخفیانه و غیرصادق آن هم از طریق دلالان اسلحه و همراه با تقلب در کیفیت سلاح و قیمت آن هیچ‌گاه تمی توانت به رابطه‌ای رسمی و دائمی بیانجامد، به ویژه آنکه آمریکایی‌ها نیز به خوبی از سوءظن مقامات ایرانی نسبت به ایالات متحده و عدم رغبت آنان به رابطه با آن کشور آگاه بودند و می‌دانستند که هدف ایران نیز صرفاً تهیه تسليحات مورد نیاز و حیاتی خود است. بنابراین زمینه‌های لازم برای ایجاد رابطه در هیچ یک از دو کشور هنوز مهیا نبود.

بر این اساس، گمان می‌رود آن دسته از منابع آمریکایی که در مورد پروسه فروش اسلحه به ایران به منظور تزدیکی بیشتر ایالات متحده به حکومت ایران و تلاش برای دگرگونی سیاست‌های خصمانه آن کشور نسبت به جمهوری اسلامی سخن گفته‌اند، در واقع کوشیده‌اند انگیزه‌های مهم سیاسی و بین‌المللی برای عملکرد غیرقانونی دولت ریگان برآشند و از شدت رسایی موره نظر و مشکلات خود و ریگان بگاهند. این گونه تحلیل‌ها علاوه بر خارج از ایران، در داخل ایران نیز به صورت نآگاهانه یا پا انگیزه‌های خاص مطرح شده است. حتی اوازه گزارش تاور که ظاهراً به منظور کشف چگونگی و چرایی ماجراهای فروش اسلحه به ایران تهیه شد، تلاش بسیار زیرکانه‌ای برای فرافکنی مسئولیت این امر بر دوش کارمندان میان پایه و نجات شخص رئیس جمهور از یک رسایی بزرگ‌تر و جلوگیری از گونه‌ای «ایران‌گیت» در قیام با «واترگیت» بود.

البته در مورد کانال دوم که شورای امنیت ملی آمریکا مستقیم و خارج از روابط دلالان اسلحه وارد موضوع شده بود در صورتی که بهتر مدیریت می‌شد شاید می‌توانست امکان تأصین منافع درازمدت ایران در جنگ و منطقه را فراهم نماید.

مصاحبه با شبکه تلویزیونی

سی بی اس آمریکا

شبکه تلویزیونی «سی.بی.اس» آمریکایی‌ها برای برقراری روابط با ایران با آقای هاشمی رفسنجایی به گفتگو پرداخت متن گفت و گو به این شرح است:
خبرنگار شبکه تلویزیونی سی.بی.اس در ابتدا از آقای هاشمی رفسنجانی تشکر می‌کند و سپس می‌گوید:

س: خبرنگار سی بی اس: مهم ترین سوال این است که پسیاری از آمریکایی‌ها، مایلند بدانند که سواله اسلحه و ارتباط با ایران را چه کسی شروع کرد؟
ج آقای هاشمی: اگر واقعاً آمریکایی‌ها مایلند بدانند که قاعده‌ای مایلند، انتظار ما این است که چون باید مردم واقعیت ما را خوب بفهمند، حرف‌های من را با دقت و حفظ امانت برای مردم ثان نقل کنند.
حتی همین جمله را برای ما مسأله یک روند طبیعی و معمولی از اول داشته است. ما بعد از انقلاب و با شروع جنگ به دلیل اینکه اسلحه‌هایمان عمدتاً آمریکایی بود، هوایپماه، هلی کوپترها، رادارها، پخشی از توپ‌ها و پدافند کشور، مخصوصاً موشک‌ها و آمریکا هم به تعهداتی که برای لجستیک آنها داشت، عمل نکرده بود، طبعاً ما از هر جایی که برایمان امکان داشت، قطعات این اسلحه‌ها را تهیه می‌کردیم، به جز اسرائیل که ما متعهد هستیم که با اسرائیل به خاطر هویتش که یک هویت غاصبانه

است، معامله نکنیم.

خبرنگار سی بی اس: پس به این ترتیب که من استیباط می‌کنم ابتکار به دست آوردن اسلحه آمریکایی را شما شروع نکردید.

آقای هاشمی: الان توضیح می‌دهم. پیش از آنکه شما استیباط بکنید، خودم می‌گویم، بهتر است، ما اسلحه‌های مورد نیازمان را از واسطه‌ها و شرکت‌هایی می‌خریدیم و این هم چیز مخفی ای نبود و اعلام می‌کردیم و مردم ما هم می‌دانستند. بعد از حادثه هواپیمایی تی، دبلیو، ای که در لبنان اتفاق افتاده ما کمک کردیم برای رفع آن غائله و بعدش که من سفر کردم به ژاپن، به نظر رسید که مشغولان آمریکا به فکر افتادند که وضع جدیدی به وجود بیاورند.

پیام‌هایی از طریق دولت‌ها و مقامات رسمی دادند که ما آمادگی داریم که نیازهای شما را تأمین کنیم و در پیغام‌هایشان از ما می‌خواستند که در نجات مایر گروگان‌های آمریکایی در لبنان به آنها کمک کنیم. که من قلاً یک موردش را گفته‌ام، و آن از طریق ژاپنی‌ها بود و موارد دیگری هم دارد که فعلًاً چیزی نمی‌گوییم.

البته ما باور نمی‌کردیم، ما آثار دشمنی آمریکا را با خودمان می‌دیدیم و نمی‌توانستیم باور کنیم که اینها با ما صادقاً نه برخورد کنند. مثلاً ما می‌دیدیم که تبلیغات آنها علیه ما خصم‌انه است، می‌دیدیم به ضدانقلاب کمک می‌کنند. می‌دیدیم که آنها به عراق کمک می‌کنند هلی کوپتر و اطلاعات و چیزهای دیگر می‌دهند، اطلاعات می‌دهند، می‌دیدیم اقامار آمریکا مثل اردن و دیگران در جنگ شریک صدام هستند و حتی می‌دیدیم آمریکا آنقدر فشار می‌آورد که ما چند فروند هلی کوپتر که از ایتالیا خریده بودیم و پولش را هم داده بودیم، ایتالیایی‌ها را منوع کردند که جتس ما را تحويل بدهند. می‌دیدیم آن اجنباسی که ما داده سال پیش پولش را به آمریکا داده‌ایم، آنها مسدود شده و به مانعی دهنده نمی‌توانستیم باور کنیم که آمریکا در ادعایش صادق باشد و تنها حرف‌مان این بود که آمریکا باید در حرفش صداقت نشان بدهد تا ما باور کنیم که آمریکا خصوصتش را پشت سر گذاشته و هیچ وقت هم چنین چیزی ندیدیم که آمریکایی‌ها از خودشان این صداقت را نشان بدهند.

و همین که آمریکایی‌ها از پیغام‌ها مأیوس شدند، مشغولان شما به فکر استفاده از واسطه‌های خرید اسلحه افتادند و متوجه شدند به دلال‌های اسلحه، که آنها نقشی را که انتظار می‌رفت دولت‌های واسطه انجام بدهند، اینها انجام دهنند. این دیگر در سطح مأموران پائین مایود. مأموران اطلاعاتی که مأموران خرید را همراهی می‌کنند. با آنها صحبت کرده بودند که آمریکا حاضر است این قطعات را که شما از بازار سیاه و آزاد می‌خرید، اینها را به شما بدهد و توقعش هم این است که شما کمک کنید به موضوع

گروگان‌ها، مأموران اطلاعاتی به ما اطلاع دادند که چنین حرفی توسط دلال‌های اسلحه زده می‌شود و ما پذیرفتیم. گفتم اقدام بکند و از طرف ما یک آزمایش بود که واقعاً آمریکایی‌ها راست می‌گویند، یا اینکه شیطنت دیگری در سر دارند.

ما تلاش زیادی کردیم، به مأموران مان گفتیم در لبنان سرنخی پیدا کنید که از چه راهی می‌شود به نجات گروگان‌ها کمک کرد و بالاخره به یک سرنخی رسیدیم. دو سه مورد از آنها هم انجام شد و در طول برخوردها، دو سه گروگان مثل اینکه آزاد شدند و چیزهایی هم در لابلای آن به ما تحویل دادند و گفتند اینها را از آمریکا گرفته‌ایم که مشخصاً تا آخر حدود دو هزار موشك تاو و تعدادی هم قطعات سیستم هاوک بود. البته ما همیشه در طول جنگ اینها را می‌خریدیم؛ این بار اینها مدعی شدند که با اجازه آمریکا یا مستقیم از آمریکا تحویل گرفته‌ایم. البته اینها به ما می‌گفتند و ما پون را به دلال‌ها می‌دادیم و حتی شیوه پرداخت پول به شیوه پرداخت معاملات بازار آزاد بود. یعنی اعتباری در بانک باز نمی‌شد و معامله از طریق دولت به دولت انجام نمی‌شد. آنها مدعی بودند، البته ما باور نمی‌کردیم و در حال آزمایش بودیم. نتیجه آزمایش برای ما منفی بود که حالا می‌گوییم چرا منفی بود. یک دفعه ما متوجه شدیم در همین جریان به ما اطلاع دادند که یک هیأت آمریکایی به ایران آمده است، با هوایمایی که قبل اجازه گرفته بود که از ایران برای ما قطعات بیاورد.

تعجب ما بیشتر شد، وقتی که گفتند آقای مک فارلین هم در رأس این هیأت است. ما ابتدا می‌خواستیم آنها را تپذیریم و از فرودگاه بروگردانیم، اما بعد فکر کردیم که چیزهایی را باید از اینها بنهمیم و چرا این سفر را انجام دادند، گفتم این آقایان را با احترام منتقل کردند به هتل و آنجا هم مأموران امنیتی ما آنها را زیر نظر گرفتند.

در جریان صحبت‌هایی که به وسیله مأموران امنیتی انجام گرفت و به اضافه یک نفر از افراد واردتر به امور سیاسی که به طور ناشناس در میان آنها بود، ما بیشتر به این نتیجه رسیدیم که حسن‌بیتی در کار نیست. اولاً چرا بدون اجازه ما آقایان وارد ایران شده‌اند، ثانیاً چرا دروغ گفته‌اند؟ احتیاجی به دروغ گفتن نبود. ثالثاً یک چهارم مقدار قطعاتی که باید به وسیله هوایمایی بیاورند را آورده بودند، ما خیلی از این خشمگین شدیم که چرا اینها استناد دولت دیگری را جعل کرده‌اند. پاسپورت و چیزهای دیگر را، از اینکه با خودشان پیام ریگان را برای سران کشور ما آورده بودند، سوء‌ظن ما بیشتر شد، ما که هنوز در حد خصوصیت با هم برخورد می‌کنیم، چطور برای ما پیام می‌فرستند؟ آوردن هدیه اسلحه کمری و ایسطور چیزهایی توطنده را می‌داد. در عین حال همان موقع که آنها اینجا بودند، ما هیأتی را به لبنان فرستادیم و موفق شدیم خواسته‌های گروگان‌گیرها (مجاهدین لبنان) را برای اینها بیاوریم و دیدیم اینها

ترتیب اثر چندانی نمی‌دهند.

البته در مذکورات هم گفتند که ما می‌دانستیم دروغ می‌گویید، گفتند سی و چند لشکر شوروی در مرزهای شمالی آماده شده‌اند تا به ایران حمله کنند و چیزهایی از این قبیل، ما حق داشتیم که اینها را اینجا بازداشت کنیم و نگذاریم از ایران خارج شوند، آقای مک فارلین را از اینکه مسئولین ایرانی موافقت نکردند با او ملاقات کنند و یا هدیه‌اش را قبول کنند، به سختی عصبانی بود و ابراز عصبانیت می‌کرد و ماجرا را هم فاش نکردیم، برای اینکه به کلی مسایل قطع بشد.

بعداً، در حوادث بعدی معلوم شد که مسایل دیگری هست که بیشتر سوءظن ما را تحریک کرد و اسناد بیشتری به دست هاداد که آمریکا باز همان خصوصیت خودش را با ما دارد. یکی اینکه مسئله را با اسرائیل مخلوط کردن، با اینکه هنوز ما حاضر نیستیم هیچ گونه ارتباط معامله‌ای و یا غیر معامله‌ای با اسرائیل برقرار شود و آنها خودشان می‌دانند که در موارد قبل یک بار گفته شد هوایپمایی که وسایل با خودش به فرودگاه تهران آورده بود، هنگام بازگشت در اسرائیل به زمین نشسته است و ما مطلع شدیم و گفتیم که چیزهایی که آورده‌اند اینجا ما قبول نمی‌کنیم و بیایند ببرند و دوباره مجبور شدند آن چیزهایی را که آورده بودند، برگردانند و بردند. چون ما دیدیم هوایپمایی که محموله را آورده، در موقع بازگشت در تل آویو نشسته و گفته شد که عیب فنی پیدا کرده است و ما باز تا این اندازه مایل نبودیم که دست اسرائیل در این جریان باشد. ما اسرائیل را از ریشه غیرمشروع می‌دانیم و حتی آمریکا و مردم آمریکا دولت قانونی و رسمی هستند و برای ما تفاوت زیادی دارد. بروخورد با این دو دولت و خصوصاً ما با مردم آمریکا، هیچ مشکل و خصوصیتی نداریم. مسئله افغانستان و نیکاراگوئه را مخلوط کردن که باز از نشانه‌های سوءظن و سوءاستفاده‌های آنها است. گفتند اسلحه‌هایی که آمریکا به ما داده بعضی هایش برای تحويل به افغانستان بوده است. این مطلب را رسانه‌های شما بعد از رفتن مک فارلین گفتند. گفتند که ما برای برقراری تماس با میانه‌روهای ایران این اقدام را کردیم که هدف آنها ایجاد تفرقه و سوءظن در داخل کشور ما بود. دروغ به این بزرگی را مطرح کردند.

در همین معامله کوچک معلوم شد که سوءاستفاده مالی کردند و برای ما خیلی زشت و کوچک بود که بینیم مسئولان آمریکایی در یک معامله به این کوچکی هم دست از فساد مالی برندارند. اینها ادعا کردن که از سود حاصل از این معامله به نیکاراگوئه پول داده‌اند، با اینکه می‌دانستند ما به دولت نیکاراگوئه برای سرکوب سورشیان کمک می‌کنیم. اصلاً اخیراً آمدند گفتند، همان وزیر دفاع آنها به ما گفت که ما (ناوا)ها را ارزان فروختیم به سیا و سیا از طریق دلال‌ها به ایرانی‌ها گران فروخته است. اینجا واقعاً معلوم نیست در آمریکا چه کسی سوءاستفاده کرده و این سود چه مقدار بوده است، کل

معامله‌ای که در این قسمت انجام شده در بخش‌های دیگر ما با دلال‌ها خیلی معامله کردیم، شاید مجموعاً ۴۰ میلیون دلار و یا یک مقدار کمتر از آن بوده است، حدود ۳۰ میلیون دلار پول از ما سُکِر فته‌اند.

چیز دیگری که برای ما روشن نشد و برای دنیا هم روشن نشد، ضعف مدیریت در خود آمریکاست. به خاطر این ضعف مدیریت، مسئولان آمریکا نمی‌توانند شجاعانه برای کشور و ملت‌شان تصمیم‌گیری کنند و منافع خوبی و شخصی را بر منافع مردم‌شان مقدم نمی‌دانند. برای نجات جان شهر و نداشتن اهمیت کمتری قائل هستند، تا برای حیثیتی که می‌خواهند برای یک حزب و یا یک فرد درست بکنند یا یکی را بدنام کنند. رقابت احزاب در آمریکا به قیمت از دست دادن منافع ملت و کشور تمام می‌شود. به مردم شان و مردم دنیا، زیاد دروغ می‌گویند.

آخرین دروغی که گفته شد، دروغ آقای شولتز است که یکی دو روز پیش گفته است. ایشان ادعای کرده است که بعد از فاش شدن قضیه، مذاکرات بین مقامات کاخ سفید و مأموران ما ادامه داشته و وزارت خارجه آمده و آن را قطع کرده است. در صورتی که خود همین آقای شولتز شخصی را بنام «دانیار» فرستاده بود که با مأموران خربزه ما - با همان دلال‌ها - مذاکره بکند و طرحی را آورده بود. ما گفتیم که به آنها بگویند ما هیچ طرحی را از طرف آمریکا نمی‌پذیریم، چون به کار آنها اعتقاد نداریم. اما او به ملت آمریکا می‌گوید که خودش مذاکرات را قطع کرده است، ولی ما نوار ایشان را داریم، در خارج با مأموران ما ملاقات کرده، فکر می‌کنم در فرانسه باشد.

● چه چیزی را سعی می‌کرده در این حرفش بگوید؟

آقای هاشمی: گفته است طرحی را برای ادامه مذاکرات در دست داریم، و خواسته است طرح را ارائه بدهد که مانندی‌بر قبیم، ما گفتیم که به آنها بگویند حرف ما روشن است. اموال ما در آمریکا است، شما به عنوان حسن نیت اموال ما را آزاد بکنید. ما هم تلاش می‌کنیم در لبنان به شما کمک بکنیم. در این حد، الان ما می‌توانیم با شما برخورد بکنیم، بیش از این هم جلو نمی‌آییم. آقایان صریحاً دروغ به ملت آمریکا گفته‌اند که ما با پاسپورت خودمان رفته‌یم به ایران، در صورتی که فتوکپی پاسپورت‌هایی که اینها داشتند، پیش ما موجود است که ایرلندی است.

● می‌توانیم اینها را بینیم؟

آقای هاشمی: یکی از آنها را برای نمودن به شما نشان می‌دهم. بقیه‌اش بماند برای بعد.

(ایشان در این هنگام اسناد مربوط را به خبرنگار سی‌بی‌اس نشان می‌دهد.)

اینها همه پاسپورت‌های ایرلندی آقایان است. این مال آقای مک فارلین است.

- این فتوکپی یک پاسپورت ایرانی است به اسم آقای مک فارلین؟
آقای هاشمی: خیر، اسم مک فارلین در آن نیست، اسمش را هم عوض کرده است.
- خود پاسپورت‌ها چه شده است؟
آقای هاشمی: به خود آنها پس داده‌ایم. مأمورین ما در فرودگاه فتوکپی گرفته‌اند، اگر لازم شد بعداً می‌دهیم به آمریکایی‌ها.
- منظورتان به آمریکایی‌ها است؟
آقای هاشمی: هر کس، به ملت آمریکا. همین الان آمده‌اند مسأله دادگاه لاهه را که خودش یک حریان مستقلی است، مخلوط کرده‌اند با مسائل گروگان‌ها و حکم دادگاه لاهه را که باید بر اساس آن پانصد میلیون دلار ما را آمریکا پس بدهد، دارند به تأخیر می‌اندازند. اینها همه به ما نشان می‌دهند که آمریکا در داخل خودش یعنی دمکرات‌ها و جمهوری خواه‌ها و کاخ سفید از گرفتن یک تصمیمی که همه‌شان هم می‌گویند به مصلحت‌شان است تا روابط شان را با ایران اصلاح بکنند، عاجزند.
- این دو ماجرا از دید ما، شما اگر توصیحات بیشتری لازم دارید پرسید تا من به شما جواب بدهم.
● کلاً ایران چقدر برای این معامله پرداخته است؟
آقای هاشمی: من دقیقاً نمی‌دانم چون این را مأمورین خرید اسلحه انجام می‌دهند، ولی فکر می‌کنم که برای یانک‌ها حدود بیست میلیون دلار پرداخت شده است و برای قطعات موشک «هاوک» حدود ده میلیون دلار، من دقیقاً نمی‌دانم البته چون ما از این دلال‌ها همیشه خرید می‌کنیم، ممکن است بعضی از اینها مربوط به این قسمت‌های اخیر نباشد.
- دلال‌ها مدعی‌اند هنوز یک مبلغی از ما طلبکارند، ولی ما منتظریم بمانیم ببینیم که قیمت واقعی چقدر است.
- در آمریکا گزارش شده است که دولت ایران چهل و پنج میلیون دلار از طریق این دلال‌ها به دولت آمریکا پرداخته و یک تفاوت پانزده میلیونی در این وسط است؟
آقای هاشمی: بعيد می‌دانیم این طور باشد. این در حدی است که من می‌گویم، البته من دقیقاً نمی‌دانم.
- باز در آمریکا گزارش داده‌اند که ایران پول خیلی زیادی برای اینها پرداخته است، یعنی چندین برابر قیمت اصلیش و اینها ایران را تبع زده‌اند.
- آقای هاشمی: همین است که الان مطرح است، مدعی هستند قیمت واقعی این‌ها شش هزار و سیصد دلار است که در یک مورد اینها از ما هفت هزار دلار و خورده‌ای گرفته‌اند، با حمل، در یک

مورد هم ده هزار دلار گرفته‌اند که آن بقیه‌اش را بدھکارند. الان یعنی ما به آنها پرداخته‌ایم، باید از آن طلبی که خیال می‌کنند از ما دارید، کسر بشود. بنابراین اگر دو هزار [موشک] تا و بوده، قسمت کمتر از اینها می‌شود، به همین دلیل مأمورین شما راست نمی‌گویند. خوب هرچه گرفته‌اند راستش را به مردم بگویید.

● هم آمریکا و هم اسرائیل گفته‌اند که در این معاملات نقش داشته‌اند و البته شما هم قبلاً توجه کردید به آن چیز‌هایی که گفته‌اید، تعجب هم این است که چگونه می‌تواند چنین چیزی باشد، با آن موضع عذری که ایران نسبت به اسرائیل دارد؟

آقای هاشمی: اگر صحیح باشد به ما خیانت شده و این هم از آثار شیطنت دولت آمریکاست. اگر ما می‌دانستیم اسرائیل در این قضیه، دستش در دست آمریکاست، این عاملین را آزادشان نمی‌کردیم.

● یعنی در زندان می‌بودند؟

آقای هاشمی: در خانه آنان را نگه می‌دانستیم

● آخرین تماس آقای دانیار دقیقاً با ایران کی بوده است؟

آقای هاشمی: من دقیقاً نمی‌دانم و فکر می‌کنم مثلاً سه چهار هفته پیش باشد که مأموران خرید ما این گزارش را داده‌اند.

● دولت آمریکا اعتراف کرده است که تا اوایل ماه گذشته با ایران تماس داشته است، آپا این مسئله با موضوع «دانیار» تطبیق می‌کند؟

آقای هاشمی: اینها هیچ وقت با ایران به عنوان ایران تماس نداشته‌اند، آنان با مأمورین خرید اسلحه از طریق همان دلال‌ها تماس داشته‌اند و فکر می‌کنم هنوز هم این تماس قطع نشده باشد.

● البته رابطه‌ای با ایران داشته‌اند.

آقای هاشمی: با دولت ایران رابطه‌ای نداشته‌اند، با مأمورین خرید اسلحه رابطه داشته‌اند.

● تا حدی که جناب عالی می‌توانید بیاوردید، آقای «دانیار» از طریق این پیشنهادات و طرح‌ش چه چیزی به ایران می‌خواسته بفرمود؟

آقای هاشمی: ما حاضر نشدیم به طرح جدید آقای «دانیار» گوش بدیم.

● هیچ دلیل و یا شاهدی دارید که اراوه بدهید ایشان نماینده چه کسی در آمریکا بود؟

آقای هاشمی: خودش «دانیار» گفت من نماینده وزارت خارجه آمریکا هستم، و همراه کسانی بودند که قبلاً از طرف کاخ سفید به ایران آمده بودند.

● شما چگونه متوجه شدید که همراه او افرادی بودند که از کاخ سفید به ایران آمده بودند؟

آقای هاشمی: به ما گزارش دادند. اجازه خواست که به طرح او گوش بدھیم و ما گفتیم گوش نمی کنیم.

- در حال حاضر هیچ گونه تماس و یا ارتباطی با او «دانبار» ندارید!

آقای هاشمی: ممکن است مأمورین خرید ما با او تماس داشته باشند؛ به طوری که الان نیز قطعات برای ما می آید.

- در ماه گذشته که مسک فارلین به ایران آمد، چه هدایایی برای دولت ایران آورده بود؟

آقای هاشمی: به ما گفتند به همراه خود یک کمک و اسلحه کمری برای رؤسای کشور آورده اند که ما پذیرفتهیم و هر چه بوده برگشته است.

- گفته می شود که در میان این هدایا، کتاب انجیل نیز بوده است. آیا شما تأیید می کنید؟

آقای هاشمی: بعد از اینکه آقای مسک فارلین رفته بود با یک واسطه دیگری، کتاب انجیل را که امضای آقای ریگان نیز در آن نقش بسته بود و یکی از آیات انجیل را که پیروان ادیان را دعوت می کند که با هم همکاری بکنند را نیز با خط خودشان نوشته بودند که این انجیل در ایران محفوظ است.

- آن کتاب انجیل اکنون در کجاست؟

آقای هاشمی: اینجاست. (در ایران است) الان اینجا پهلوی من نیست، بعد ممکن است نشان بدهیم.

● اگر ما کتاب انجیل را نتوانیم ببینیم که مشکل می شود چنین چیزی را پذیریم که در ایران این کتاب موجود بوده است؟

آقای هاشمی: بگذارید یک بار دیگر تکذیب کنند و دروغ بگویند، آن وقت ما پخش می کنیم نشان می دهیم.

● گفتید ما از این صحبت‌ها و مذاکرات در مدتی که در هتل هیلتون بودند نوار گرفته‌ایم، آیا چه چیزهایی در این نوارها گفته شده است؟

آقای هاشمی: خیلی چیزها در این نوارها می باشد. و اگر لازم شد این نوارها پخش خواهیم کرد.

- آیا می توانید بگوئید چه چیز کلی در این نوارها می باشد؟

آقای هاشمی: الان لازم نمی دانم که بگویم چه چیز کلی در این نوارها بوده است.

- آیا این مطالبی که در نوار ضبط شده برای دولت آمریکا صرر دارد؟

آقای هاشمی: بگذارید فعلاً در این باره صحبتی نکنیم.

● حتماً این نوارها را دارید، چه موقع آنها را پخش خواهید کرد؟

آقای هاشمی: همه این نوارها را داریم، و هر وقت که وقتی را تشخیص دادیم پخش خواهیم کرد.

● با اینکه گفته‌اند فتوکپی از پاسپورت‌ها در فرودگاه گرفته شده است، اصل پاسپورت‌ها کجاست؟

آقای هاشمی: اصل پاسپورت‌ها را به خودشان پس داده‌اند.

● آیا پاسپورت‌ها را به خودشان برده‌اند؟

آقای هاشمی: لابد با خودشان برده‌اند، می‌توانید از آنها برسید.

● فتوکپی هر دو پاسپورت را در ایران دارید و آیا یادتان می‌آید پاسپورت چه کسانی بوده است؟

آقای هاشمی: اسم هایش در اینجا نوشته شده است، خیلی این موضوع را کش ندید بهتر است.

بحث‌های دیگری را مطرح نکنید.

ایشان آنگاه فتوکپی پاسپورت‌ها را به خبرنگار «سی‌بی‌اس» نشان داد.

● دولت ایران برای خلاص شدن گروگان‌ها در لبنان چه نقشه‌ای ارائه داده است؟

آقای هاشمی: همان چیز‌هایی که قبلاً گفته‌ایم. ما کمک کردیم و درخواست نمودیم و آنها نیز

قبول کردند. این موضوع به خوبی روشن است.

● اعلام شده که دولت آمریکا اطلاعات جاسوسی در اختیار دولت عراق و دولت ایران گذاشته

است. عکس العمل دولت ایران راجع به این مسئله چه بوده است؟

آقای هاشمی: درباره اینکه اطلاعات جاسوسی در اختیار دولت عراق گذاشته است به خوبی برای

ما روشن است. به طوری که مسئولین خودتان این موضوع را اعتراف کرده‌اند. در مورد اینکه آمریکا

اطلاعات در اختیار ما قرار داده شدید آنکه می‌کنم، زیرا هنوز مابه آمریکا اعتماد نداریم. در ضمن

اگر اطلاعات در اختیار ما قرار دهند این اطلاعات برای ما ارزشی ندارد.

● اخیراً دولت آمریکا اخطار کرده که ایران سعی کند شعله جنگ را گسترش ندهد، زیرا منافع

آمریکا نیز به خطر خواهد افتاد. عکس العمل ایران در این زمینه چه بوده است؟

آقای هاشمی: عکس العمل ما را حتماً دیده و شنیده‌ایم. من خودم صحبت کردم و وزیر خارجه ما

نیز در این رابطه بیانیه داده است، ما می‌دانیم که آمریکایی‌ها می‌دانند که ما نمی‌خواهیم جنگ را

گسترش بدیم و این موضوع دقیقاً روشن است. ما فکر می‌کنیم که آقای ریگان برای کم کردن فشار

داخلی از خودشان و برای ایکه عوامل شان در منطقه (کشورهای عامل آمریکا) دوباره به آمریکا بیشتر

توجه نکند، این اظهارات را کرده است. چون می‌دانند که جنگ گسترش پیدا نخواهد کرد، مسئله

خیلی جدی نیست.

- روابط ایران و آمریکا در آینده به چه صورت خواهد بود، چه شرایطی را ایران مایل است آمریکا تعقیب بکند تا بر اساس آنها روابط دو چاله ایران و آمریکا بهبود پیدا کند؟

آقای هاشمی: ما با مردم آمریکا هیچ احساس بدی نداریم و فکر می‌کنم مثل سایر مردم کشورها می‌توانیم با آنها ارتباط داشته باشیم. دولت آمریکاست که بد عمل کرده است. علاوه بر اینکه مسئول بخشی از جنایات دوران شاه برای رژیم قبل بوده و علاوه بر اینکه بعد از انقلاب در اینجا بد عمل کردند، سفارتخانه شما مرکز جاسوسی شده بود و دشمنان ما در آنجا بر تامه داشتند و مطبوعات شان منتشر شده است. در کودتا بی که علیه ما می‌خواستند راه بیندازند رابطه آمریکا را به طور روشن ملاحظه کردیم، در شروع جنگ به روشنی دیدیم که آمریکا دست داشته، در کمک به عراق نیز این موضوع را مشاهده کردیم.

این دولت شماست که واقعاً با مردم ما بیش از انقلاب خصوصت داشته و بعد از انقلاب هم با مردم و هم با دولت ما خصوصت کرده است. و تنها یک شرط است و آن این است که آمریکا باید ثابت کند که خصوصت با این دولت ندارد، خصوصت با این مردم و این انقلاب ندارد. اگر این موضوع را آمریکا بتواند ثابت کند، راه ما برای آینده صاف خواهد شد. البته شرایطی هم هست و اگر آمریکا بخواهد همین طور که از اسرائیل حمایت می‌کند، حمایت کند، طبعاً هیچ وقت رابطه‌مان با آمریکا حسنه تخواهد شد. چون اسرائیل مایه بسیاری از ضررها در منطقه است و چیزهای دیگری نیز در این رابطه وجود دارد، ولی عمدۀ کاری که آمریکایی‌ها باید بکنند، این است که باید ثابت کنند که خصوصت با ما ندارد و ما این کار را به عنوان یک آزمایش، الان شکست خورده می‌بینیم.

- چگونه آمریکا می‌تواند نشان دهد که خصوصت با ایران ندارد، به چه وسیله‌ای می‌تواند این موضوع را ثابت کند؟

آقای هاشمی: مشخصاً من این موضوع را تعیین کرده و اعلام داشتم، اموالی را که ما الان در آمریکا داریم غیرقانونی توقیف می‌باشد، آمریکا این اموال را آزاد کند و این یک دلیل برای هاست.

- از این موضوع بگذریم، با کمال احترام به شخص جنابعالی و کشور ایران، باید بگوییم که همانطور که در مورد مردم ایران فرمودید، مردم آمریکا هم کمپایش همین طور هستند و ممکن است خیلی از ایرانی‌ها را دوست داشته باشد ولی به دولت ایران اعتماد ندارند.

آقای هاشمی: به هر صورت تبلیغات گمراه کننده‌ای مثل تبلیغات شما باعث این مسأله می‌باشد.

- در زمینه‌هایی مانند تروریسم و گروگان‌گیری یا خاطره زندانی کردن افراد در لاهه جاسوسی

برای ۴۴۴ روز چه کاری ایران می‌تواند بگند که عدم اعتماد مردم آمریکا به کلی مرتفع شود؟ آقای هاشمی: ایتها را رسانه‌های جمعی شما در افکار عمومی القاء کرده‌اند. هیچ کشوری به اندازه خود ما از تروریسم خسارت ندیده است. شما منی دانید که نخست وزیری ما را منفجر کردند و رئیس جمهور و نخست وزیر ما را به شهادت رساندند. رئیس دیوان عالی کشور ما و هفتاد و چند نفر از سران کشور ما و نمایندگان و وزرا را در انفجارهای تروریستی به شهادت رساندند. هزارها نفر از مردم خوب ما را همین تروریسم در داخل ایران از بین برده است و همین تروریست‌ها در کشور شما پناه دارند و دفتر و دستک دارند. در کشورهای دیگر اروپایی نیز دفتر دارند و رسماً اعلامیه منتشر می‌کنند و شما به آنها کمک می‌کنید.

آیا این انصاف است که می‌گویید ما تروریسم هستیم و شما نیستید؟ چطور اگر یک آمریکایی را گروگان بگیرید، این عمل، عمل تروریستی است. اما اگر آنهایی که در رادیوی شما می‌آیند صحبت می‌کنند و ده‌ها ایرانی را شهید می‌کنند و بمب در نمازخانه ما منفجر می‌کنند، اینها تروریست نیستند؟ پس شما به مردمان توضیح بدهید. در مورد مسئله سفارتخانه شما، در آنجا شما به ما و مردم ماختیان کردید، به این خاطر ملت ما عکس العمل نشان داد، اگر به مردمان توضیح بدهید که آمریکایی ایران خصوصت کرده و ما عکس العمل نشان داده‌ایم مردم شما قانع خواهند شد و می‌فهمند. به هر حال اگر آمریکا در فکر حل این مسائل است، حال این مسائل دست خودش (آمریکا) هست.

متاسفانه شما به خاطر غروری که دارید - آمریکایی‌ها را می‌گوییم - عادت کرده‌اید که عیوب خودتان را هر قدر که بزرگ باشد، کم بینید و نواقص دیگران را هر چقدر هم کوچک باشد، بزرگ بینید، این مشکل شماست.

● دلیل اینکه مردم آمریکا احساس می‌کنند ایران هم در مسئله گروگانگیری شرکت دارد این است که ایران در نتیجه معاملاتی مثل اسلحه و غیره توانسته است فشار بیاورد تا برخی از گروگان‌ها را آزاد نماید. نظر شما در این مورد چیست؟

آقای هاشمی: شما اکنون نمی‌توانید فشار بیاورید بر کسانی که در اروپا و آمریکا پناهنده هستند و تحت حمایت شما هستند؟

ما می‌توانیم از ایتما به شما بگوییم که هیچ کاری برای شما نمی‌توانیم انجام دهیم و خودمان را راحت کنیم، ولی اکنون جرم ما این است که به شما کمک کرده‌ایم.

«من در سوریه که بودم حادثه هواپیمای تی» دیلیون، ای پیش آمده بود، دولت سوریه از من خواست که کمک کنیم. من همان جا در مصاحبه‌ای اعلام کردم که ما از انقلابیون لبنان می‌خواهیم که به این

حاده خاتمه بدهند و آنها به خاطر احترامی که برای ما قاتل بودند، مسأله را حل کردند. این ممکن است برای شما یک سند باشد که ما با آنها ارتباط داریم.

● آیا ایران هنوز هم مایل است نسبت به آزاد سازی گروگان‌هایی که اکنون در لبنان هستند کمک کنند؟

آقای هاشمی: ما واقعاً مایل هستیم کمک کنیم و ما از این نوع حوادث رنج می‌بریم، ولی ما دلیلی نمی‌بینیم به کسی که با ما دشمنی می‌کند کمک کنیم.

● آمریکا چه اقدامی که مورد قبول شماست انجام دهد تا شما به آزاد سازی گروگان‌ها کمک کنید؟

آقای هاشمی: اموال ما را آزاد کند و در صورت چنین اقدامی می‌توانیم آن را دلیلی به حساب آوریم که آمریکا با ما به طور خصمانه رفتار نمی‌کند و ما هم نسبت به آزاد سازی گروگان‌ها کمک خواهیم کرد.

● امام خمینی خسته و ضعیف به نظر می‌رسند، ممکن است بفرمائید از لحظه جسمی و روحی امام در چه حالی هستند؟

آقای هاشمی: الحمد لله حضرت امام با توجه به سن زیاد ایشان، حالشان سیار خوب است و کاملاً سر حال هستند و ممکن است در اثر کثربت کار و مطالعه به دلیل خستگی که برای انسان پیش می‌آید، گاهی خسته به نظر برستند ولی ایشان هم شاداب هستند و هم سالم و ما امیدوار هستیم ایشان برای انقلاب، عمر طولانی داشته باشند و این انقلاب را به اهدافش برسانند.

● امام خمینی تا چه حد در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دارند؟

آقای هاشمی: ایشان عادت ندارد در کار مسئولین دخالت کنند، لذا هر مسئولی کار خود را انجام می‌دهد و گاهی که ایشان تشخیص بدهند که کاری باید بهتر انجام شود، راهنمایی می‌کنند و ما آنگر مشکلی در کارهایمان داشته باشیم، به کمک ایشان آن را بطرف خواهیم کرد.

● عکس العمل امام در مورد حوادث اخیر مربوط به آمریکا چه بوده است؟

آقای هاشمی: ایشان عکس العمل خاصی نداشته‌اند ولی معمولاً نصیحت می‌کنند مواضع باشید که کلام سرتان نرود.

● آینده روابط ایران و آمریکا را چگونه می‌بینید؟

آقای هاشمی: این مسأله بستگی به آمریکا دارد، زیرا بدی‌ها همواره از سوی شما بوده است و ما از خودمان دفاع کرده‌ایم.

● موضع ایران نسبت به جنگ با عراق چیست؟

آقای هاشمی: ما بدون حذف حزب بعث از عراق جنگ را تمام نخواهیم کرد و حزب بعث که حذف شد، در منطقه هم صلح و امنیت پیش می آید و هم عراق آزاد می شود و هم مراحت می شویم.

● اکنون وضعیت جنگ برای ایران چگونه است؟

آقای هاشمی: خبرنگاران شما اینجا هستند و می توانند بروند و مشاهده کنند، آنها می توانند از ترددیک شهر بصره را ببینند.

آقای هاشمی رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان این مصاحبه، خطاب به خبرنگار شبکه تلویزیونی سی. بی. اس اظهار داشت: "من انتظار دارم که امانت را مراعات کنید، در غیر این صورت، این آخرین مصاحبه ما خواهد بود".

پس گرفتن سؤال

نامه هشت تن از نمایندگان مجلس به هیأت رئیسه مجلس در ارتباط با پس گرفتن سؤال خود از دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه، پیرامون تماس آمریکا با ایران که هفته پیش از آن مطرح گرده بودند به این شرح است:

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام، پیرو فرمایشات اخیر حضرت امام امت در روز میلاد حضرت پیامبر اکرم (ص) و اظهار پیروی کامل از رهنمودهای حکیمانه مقام رهبری، چون طرح سؤال از وزیر امور خارجه به تصور این بود که طرح مسئله در مجلس به مصلحت انقلاب و در سطح رضای امام امت نیست، پس از اطلاع از نظر امام امت و مصلحت ملت، بیازی به سؤال مجبور نمی بینیم.

امضاء کنندگان سؤال از وزیر خارجه

حلال الدین فارسی - سید محمد سیرجانی - موسویانی - نیک روشن - مرتضی فهیم کرمانی -
سید محمد خامنه‌ای - نجفی - اسرافیلیان.

رونوشت سند

نامه نمایندگان مجلس به امام خمینی(ره)

در حمایت از سخنان ایشان

عدد زیادی از نمایندگان در نامه‌ای به محضر حضرت امام(ره) در ارتباط با سخنان ایشان در روز میلاد حضرت پیامبر اکرم(ص) به چنین نوشتند:

محضر مبارک و هبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی
معنی الله المسلمين بطول بقائه الشریف.
سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

احتراماً با عرض تبریک به مناسبت بزرگ‌ترین پیروزی ملت و نظام که رئیس جمهور آمریکا را به رسوانی و عزا نشانده و به حق موسم شادی برای امت اسلامی در سراسر جهان پیش آورده است.
متعاقب فرمایشات گهربار امام عزیز در عید میلاد حضرت ختمی مرتبت، صل الله علیه و آله و سلم و حضرت صادق علیہ السلام در رابطه با حرکت خلاف مصالح نظام و خلاف اسلام و دیانت عده‌ای که از هر چندگاه، موجبات تکدر آن وجود پر برکت را فراهم می‌آورند، و این بار نیز به جای فریاد زدن بر سر آمریکا، با فریاد زدن بر سر مسئولین ما، می‌خواستند شیرینی این پیروزی عظیم را به کام مردم تلخ نمایند، ما نمایندگان مجلس با کمال تأسف عرض می‌کنیم که این حرکت از همان طبقی

رونوشت سند

سر زده که مدت‌هاست در جهت تضعیف دولت اسلامی، از طریق انتشار مطالب خلاف یا محروم‌اند در روزنامه وابسته به خود^۱ موضع گیری‌های منفی در مجلس، دفاع از پولداران و زمین‌خواران و محتکران در مقابل محروم‌اند و از همه قبیح‌تر و نابخشود‌تر، ایجاد نفاق بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در شرایط جنگی و توطئه‌های گوناگون متولّ شده‌اند، با توجه به وضعیت خاصی که این گروه‌اندک جدای از امام امت، در مجلس و خارج از مجلس بوجود آورده و هر روز به نحوی مسائل نظام و حرکت‌های دولت اسلامی را زیر سوال می‌برند و نفعی جز تضعیف جبهه اسلام و تقویت جبهه مقابل ندارند، ما امضاء کنندگان اکثریت نمایندگان مجلس، با ابراز ازنجار و تبری از این‌گونه حرکت‌های شیطانی، اعلام می‌داریم که بیش از این تحمل و رنجش خاطر امام بزرگوار و عزیز را توسط گروهی پوج و منحرف از اصول انقلاب نداشته، بر این میثاق تأکید می‌نماییم که مجلس شورای اسلامی همچون گذشته، همواره در خط ولایت فقیه و تبعیت کامل از آن رهبر عالیقدر، همه جانبه خواهد کوشید، ان شاء الله تعالى.

۱- اشاره به روزنامه وسایل با مدیر مستولی آیت‌الله احمد آدری فسی

بازتاب‌های رسانه‌ای کنفرانس مطبوعاتی ورادیو تلویزیونی آقای هاشمی

تهران - خبرگزاری فرانسه - ۱۳۶۵/۱۱/۸

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران امروز (چهارشنبه) در تهران یک جلد انجیل به امضای رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا و همچنین یک قتوکپی از گذرنامه‌ای که رابرت مک فارلین مشاور سابق رئیس جمهوری، سال گذشته با یک نام جعلی، از آن برای ورود به ایران استفاده کرده بود را در اختیار مطبوعات قرار داد.

هاشمی رفسنجانی ضمن اظهار این مطلب که ایران هیچ اعتمادی به آمریکا ندارد، طی کنفرانس مطبوعاتی خود تصریح کرد این انجیل که تاریخ امضای آن روز سوم اکتبر ۱۹۸۶ می‌باشد شخصاً توسط فرستاده وزیر رئیس جمهوری آمریکا تسلیم وی شده است. فرستاده وزیر ریگان در ماه اکتبر گذشته به طور مخفیانه با یک فروند هوایپما حامل اسلحه وارد ایران شده بود. وی دارای یک گذرنامه ایرلندی با نام «شون دولین» بوده است.

رئیس مجلس ایران به واقعیت تلاش‌های رئیس جمهوری آمریکا، جهت برقراری مجدد روابط با ایران معترض است و عقیده دارد که بیانات ریگان مبنی بر اینکه آمریکا هیچ مدرکی دال بر شرکت ایران در تلاش‌هایش با مخالفت دستگاه رهبری اش و همچنین رفای سیاسی اش مواجه شده و لذا این نکته وی را تضعیف کرد.

هاشمی رفسنجانی خاطرنشان ساخت که ریگان شکست خورده است. وی افزواد: "ضماین می دانیم که او از سلامتی کامل بخوردار نیست. او یک میانال است".

هاشمی رفسنجانی سپس تماس های احتمالی آمریکا پس از سفر مک فارلین به ایران را فاش ساخت که واسطه هایی از طریق وزارت امور خارجه آمریکا مأموریت یافته بودند، طی ماه گذشته در فرانکفورت با ایرانی ها به منظور امضای قراردادهای جدید در خصوص تحويل تسلیحات ملاقات کرده اند.

آقای رفسنجانی افزواد: "واسطه های مزبور می خواستند تا ضماین پیام دولت آمریکا نیز ابلاغ گردد لیکن تهران این مسئله را رد کرد".

آقای رفسنجانی یاد آور شد که ایران عمدتاً با سلاح های آمریکایی که از بازارها به دست می آورد و نیز با سلاح هایی که خود تولید می کند، می جنگند.

وی ضمن تصریح این مطلب که سلاح های مزبور گاهی با قیمت های پسیار تریادی خریداری می شوند افزواد: ایران همچنین دارای سلاح های ساخت سوری، انگلیس و دیگر کشورهای است.

آقای رفسنجانی همچنین اعلام کرد که ایران موشک های ضدتانک آمریکایی از نوع (تاو) با ۴ کیلومتر برد دریافت کرده است.

وی افزواد: "لیکن تاکنون این موشک ها عمدتاً در داخل تولید می شد و اینکه ایران خود در آینده نزدیک قادر خواهد بود تا این نوع موشک ها را صادر کند".

رئیس مجلس ایران خاطرنشان ساخت که وی دخالت نظامی آمریکا در خلیج [فارس] را باور ندارد.

وی افزواد: "در صورتی که این اقدام انجام گیرد به ضرر خود آمریکا خواهد بود".

هاشمی رفسنجانی سپس ضمن مطرح کردن سوالهای گروگان های خارجی به ویژه آمریکایی در لبنان تأکید کرد که ایران در صورتی که واشنگتن دارایی های ایران را که از زمان انقلاب اسلامی در آمریکا ضبط شده مسترد کرده و سپس رفتار خصمانه خود در قبال ایران را نیز رهانمایی از تمامی نفوذ خود بهره خواهد گرفت.

در خصوص ناپدید شدن تری ویت فرستاده کلیساي انگلیس در بیروت، آقای رفسنجانی ضمن اعلام این مطلب که وی چیزی درباره این ناپدید شدن تمی داند، اظهار داشت اگر ایران برای پیدا کردن تری ویت کاری بتواند انجام دهد، این کار را خواهد کرد.

وی سپس ضمن هشدار به کشورهایی که در مقابل ترویسم بر می خیزند یاد آور شد که ایران نیز از

تزویریسم رنج برده است.

وی در ادامه گفت: یک دیبلمات ایرانی دو سال پیش در لبنان توسط فالاترها مسیحی که تحت حمایت فرانسه و آمریکا می‌باشند، ربوده شده، حال آنکه شخصیت‌های متعدد ایرانی از جمله یک رئیس جمهور و یک نخست وزیر در ایران قربانی سوء قصد‌هایی بوده‌اند که توسط گروه‌هایی که خود چه در آمریکا و چه در آلمان غربی به راحتی مستقر شده‌اند، انجام گرفته است.
وی در پایان اظهار داشت اگر می‌خواهید تزویریسم پایان گیرد، باید از حمایت کردن از آن دست برداشت.

تهران - خبرگزاری رویتر - ۱۳۶۵/۱۱/۸

رئیس پارلمان ایران امروز (چهارشنبه) یک انجیل را که به گفته وی توسط رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا امضاء شده است، به خبرنگاران نشان داد.
علی اکبر هاشمی رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که ریگان یک نسخه انجیل را به عنوان تشاهه‌ای از حسن نیت در جریان ابتکار مجرمانه خود برای بهبود مناسبات با ایران، برای رهبران کشور ما فرستاد.

خبرنگاران، هنگامی که وی انجیل جلد تهوه‌ای را از جعبه‌اش بیرون آورد، از صندلی‌ها بالا رفتد تا بهتر بتواند صحنه را بینند.

آنها عبارتی از انجیل را مشعر بر وحدت مذاهب که بر صفحه سفید این کتاب نوشته شده بود، ملاحظه کردند. این نوشته به امضای رونالد ریگان و تاریخ آن ۲۳ اکتبر ۱۹۸۶ بود.
زمانی که رفسنجانی نخستین بار خرید تسليحات آمریکایی به ایران را سال پیش (میلادی) علی کرد، گفت که یک کلت همراه با هدایایی از سوی ریگان توسط رابرт مک‌فارلین مشاور پیشین امنیتی کاخ سفید، زمانی که با یک فروند هوایپیمای ایرلندي حامل قطعات یدکی نظامی به ایران آمد تحویل تهران شد.

این نخستین باری است که این هدایه، به معرض دید عموم قرار گرفته است.
فوکپی‌های یک صفحه از یک پاسپورت ایرلندي به نام «شان دولین» با عکسی از رابرт مک‌فارلین در کنفرانس مطبوعاتی امروز (چهارشنبه) ارائه گردید.
رفسنجانی امروز گفت که ایران اینک گفتگوها مربوط به خرید تسليحاتی را با آمریکا قطع کرده است اما هنوز آماده خواهد بود که از واشنگتن اسلحه بخرد، البته در صورتی که هیچ شرطی در

کار نیاشد.

رئیس مجلس خطاب به یکصد خبرنگار و فیلمبردار که در یک اتاق در ساختمان پارلمان ایران گرد آمده بودند گفت: "وقتی ما شاهد این هستیم که آمریکایی‌ها خصوصت خود را نشان می‌دهند، ما شرایط برای ادامه گفتگوها با آمریکایی‌ها را مناسب نمی‌بینیم و ما هیچ طرح تازه‌ای نداریم."

وی گفت: "ایران معامله قبای را به عنوان یک مبادله تسليحاتی در مقابل آمریکایی‌های ریووه شده در لبنان تلقی نمی‌کند، اما از آمریکا انتظار داشته‌ایم که اگر مایل است تهران کمکی به آزادی گروگان‌ها که تصور می‌رود توسط گروههای طرفدار ایران گرفته شده باشند، بکند سلاح‌های را که ایران پول آن را پرداخت کرده آزاد کند."

رفسنجانی گفت: "تماس آخر ایران با مقامات آمریکایی حدود یک ماه پیش در فرانکفورت صورت گرفته است؛ شخصی به نام دونبار، با طرحی از سوی وزارت خارجه و به همراه افراد عادی."

جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا دیروز در واشنگتن گفت که وی چارلز دونبار دستیار خود را برای ملاقات با مقامات ایرانی روز سیزدهم دسامبر به فرانکفورت فرستاد تا روشن کند که دیگر هیچ فروش تسليحاتی از هر نوعی، وجود نخواهد داشت.

رفسنجانی گفت: "طرف ایرانی در گفتگوهای فرانکفورت که وی آنها را به عنوان مأموران خرید که زیر نظر مقامات اطلاعاتی کار می‌کنند، توصیف کرد، گفته شد که طرح وزارت خارجه را نپذیرد." ما دیگر به ایالات متحده اعتماد نمی‌کنیم. آنها صداقت ندارند.

وی گفته به مأموران ایرانی گفته شده بود که هیچ طرحی قبل از آنکه آنها مایملک ما را آزاد کنند، قابل پذیرش نخواهد بود.

وی گفت: "ایران تلاش نکرده است که سیستم‌های تسليحاتی اکثرآ آمریکایی خود را در طول جنگ تغییر دهد زیرا که این کار پر هزینه بوده و هیچ کشوری نیست که مایل باشد سلاح‌های پیشرفته به ایران بفروشد."

رفسنجانی افزود: "ما قطعات یادکنی سلاح‌های آمریکایی خود را از هر جا که توانسته‌ایم مگر از اسرائیل خریداری کرده‌ایم. ما آماده‌ایم آنها را از آمریکا نیز بخریم، در صورتی که هیچ شرطی در کار نیاشد."

رفسنجانی این مطلب که سلاح‌های خریداری شده از آمریکا در سال گذشته که وی می‌گوید حدود ۴۰ میلیون دلار هزینه در برداشته و گران هم با ما حساب کرده‌اند، هیچ تأثیر قاطعی بر تهاجم جاری ایران علیه عراق در جبهه‌های جنوبی جنگ نداشته است را تکذیب کرد.

رفسنجانی در رابطه با اظهارات ریگان مبنی بر اینکه این به نفع آمریکا است که با ایران در صحبت باشد گفت: "وی صعف از خود نشان داده و این مطلب را تحت فشار مخالفان داخل خود بیان کرده است".

وی گفت: "ریگان با آگاهی از اینکه وی دیگر انتخاب نخواهد شد باید با بدلتوجه پیشتری به منافع آمریکا شجاعت پیشتری از خود نشان داده باشد".

رفسنجانی گفت: "گفتگوهای مالی میان ایران و آمریکا در لاهه در چارچوب موافقت‌نامه‌های الجزایر که به بحران گروگان‌گیری تهران پایان داد، سیاسی نبوده و هیچ ارتباطی با مسأله آمریکایی‌های رویده شده در لبنان ندارد".

وی گفت: "ایران تلاش کرده و تا اندازه‌ای موفق شده است افرادی را باید که می‌توانند نفوذی در مجاهدین (رزمندگان مسلمان) که گروگان‌ها را در اختیار دارند، داشته باشد".

رفسنجانی گفت که در مورد گزارش‌هایی مبنی بر اینکه تری ویت فرستاده کلیسا‌ای انگلیس در لبنان دستگیر شده است، اطلاعی ندارد اما در عین حال گفت: "تأسف آور است شخصی که برای حل مشکلاتی عمل کرده است، خود دچار مشکل شود. ما قطعاً در صورتی که بتوانیم به تری ویت کمک خواهیم کرد. من از جزئیات مأموریت وی اطلاعی ندارم، اما ظاهراً این مأموریت بشروع وستانه بوده است".

تهران - آسوشیتدپرس - ۱۳۶۵/۱۱/۸

آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران امروز چهارشنبه کتاب انجیل را که وی گفت توسط ریگان رئیس جمهوری آمریکا به ایران ارسال شده به نمایش گذاشده و افزود: "ریگان با جرأت است، اما با کارشکنی رقبای سیاسی مواجه است".

رفسنجانی در این کنفرانس مطبوعاتی، انجیل یاد شده را که دارای نوشته و امضائی از سوی ریگان به تاریخ سوم ماه اکتبر ۱۹۸۷ مهرماه سال جاری بود به نمایش گذاشت. رفسنجانی که پس از آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر انقلاب، دومنین مرد قدر تمند در ایران است گفت: "آمریکایی‌ها همین اواخر حدود یک ماه قبل در فرانکفورت سعی کردند از طریق دلالان اسلحه ایران یار دیگر تماس حاصل کنند و این دفعه توسط آقای دانبار در هیأت وزارت خارجه این کشور این اقدام صورت گرفت و لی ایران این ابتکار و پیشگامی را رد کرد. رفسنجانی از طریق یک مترجم گفت: "من تصور می‌کنم زمان برای گفتگو یا مذاکره با آمریکا مناسب نیست".

خبرنگاران خارجی هنگام ورود به مجلس در مرکز تهران، مجبور شدند ساعتها، کیف‌ها، حلقه‌های انگشتی، کتاب‌ها و تمامی لوازم شخصی خود به غیر از پول، یک قلم و یک دفترچه را هنگام بازرسی دقیق بدنی در مدخل ساختمان تحويل دهند. فقط دوربین‌ها و ضبط صوت‌ها که از شب قبل برای بازرسی تحويل داده شده بود، مجاز بود به داخل سالن کنفرانس برده شوند.

رفسنجانی همچنین یک فتوکپی از پاسپورت‌های ایرلندی جعلی را که وی گفت "را بر مک فارلین مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا در ماه مه سال گذشته در دیدار محروم‌اش از تهران به همراه داشت" به نمایش گذاشت. یک پاسپورت که دارای تصویری از مک فارلین ولی به نام شان دولین صادر شده بود، نوشته بود. وی در روز ۱۴ ماه سال ۱۹۳۷ در دوبلین متولد شده و در ایرلند زندگی می‌کند، دارای چشمانی رنگ میشی و ۱۷۴ سانتی‌متر قد دارد.

تسخیح‌هایی از این پاسپورت و تیز صفحه اول این انجیل با شرحی که ظاهرآ به خط ریگان نوشته شده بود، به خبرنگاران داده شد و نوشته‌ای که پیش بیشی می‌کند که خداوند ایت‌ها را به وسیله ایمان‌شان مورد قضاوت قرار می‌دهد. رفسنجانی گفت که این انجیل را مک فارلین نیاورده، اما به وسیله یک فرستاده دیگر دولت آمریکا آورده شده که وی هویت او را افشاء نکرد.

این مقام ایرانی گفت: "ریگان در جستجوی روابط بهتر با ایران و ابراز اینکه هیچ مدارکی دال بر مسئولیت ایران در قبال اقدامات تروریستی در یک و نیم سال گذشته وجود ندارد، از خود جرأت و حسارت نشان داده است."

رفسنجانی اضافه کرد: "علیرغم تبلیغات موجود در آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، من تصور می‌کنم این یک بیان جسارت آمیز توسط ریگان است، اما وی افروزد: "ریگان مسن، ضعیف و در وضعیت بد مزاجی است و نمی‌تواند با بعضی از رقبای خود در حزب جمهوری خواه مواجه شود. رفسنجانی درباره تری ویت فرستاده کلیسا اینگلیس به بیروت که در صدد آزاد ساختن گروگان‌ها است، ابراز بی‌اطلاعی کرد و گفت: "ویت در صدد کمک به دیگران است و ممکن است خودش اکنون به کمک نیاز داشته باشد. اگر بتوانیم کاری برای وی انجام دهیم، این کار را خواهیم کرد." گمان می‌رود بعضی از گروه‌ها که گروگان‌های غربی را در بیروت در اختیار دارند، روابط نزدیک با ایران دارند. مقامات ایرانی این مطلب را که دارای اختیاراتی برای آزادسازی آنها هستند، تکذیب می‌کنند.

رئیس پارلمان ایران گفت: "ایران در صدد شناسایی افرادی در لبنان است که روی گروگان گیرنده‌گان نفوذ دارند و تصور می‌کنند در این زمینه موفق بوده و به آمریکا و فرانسه گفته است اگر

مایل به کمک هستید، باید از خصوصت نسبت به ایران دست بردارند."

وی گفت: "اگر شما استاد دارید ما کاری برای شما انجام دهیم، شما هم باید کاری کنید که نشان دهید مخالفت نیستید." رفسنجانی در مورد دولت آمریکا گفت: "بزرگترین نگرانی، دارایی‌های ایران است که هنوز در آمریکا بلوکه است."

وی درباره فرانسه گفت: "این کشور باید پولی را که به ایران بدھکار است بپردازد، از تحمل شورشیان ایرانی مخالف دولت در فرانسه امتناع کند و عرضه سلاح به عراق را که از ماه دسامبر سال ۱۹۸۰ تاکنون با ایران در جنگ بوده، متوقف کنند."

رفسنجانی گفت تمی توائد احتمال بک حمله نظامی آمریکا به ایران را رد کند اما افزود: "چنین اقدامی اشتباه خواهد بود، زیرا آنها آسیب پذیر هستند." وی گفت: "مردم لبنان گروگان‌گیری می‌کنند زیرا آنها برخلاف قدرت‌های صنعتی غربی، راه دیگری برای اعمال فشار ندارند. آنها مجبورند حمله خود را متوجه هوایی‌ها یا فرستادگان و مقامات شما پکنند. بنابراین اگر می‌خواهید تروریسم ریشه کن شود، متجاوز نباشید."

رفسنجانی همچنین در مورد یک مهندس نفت کانادایی را که در دوم دسامبر در ایران به اتهام جاسوسی دستگیر شده است، اشاره کرد.

فلیپ انکس ۲۹ ساله از کارمندان شرکت اسکلامبرگ اپترنشنال مستقر در نیویورک و پاریس پس از بازگشت به ایران در دیدار از وظیفه بازداشت شد. یک سخنگوی وزارت خارجه ایران در آن زمان گفت که انکس متهم به گرفتن عکس از مراکز حساس نظامی است.

رادیو مسکو - ۱۳۶۵/۱۱/۸

رادیو مسکو امروز چهارشنبه گزارش داد: هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران اطلاع داد که وزارت امور خارجه آمریکا چند هفته پیش، بار دیگر تلاش کرد که با ایران تماس بگیرد. رفسنجانی در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی سی بی اس آمریکا گفت: شولتز وزیر امور خارجه آمریکا شخصی بنام دانتون را جهت دیدار با نماینده ایران برای گفتگو پیرامون مسئله تحویل اسلحه فرستاد، رفسنجانی گفت: "ایران این پیشنهادها را رد کرد. اکنون در آمریکا چنگال سیاسی در رابطه با تحویل محروم‌اند قبلی جنگ افوار آمریکایی به ایران و ارسال بخشی از وجوده به دست آمده برای ضدانقلابیون نیکاراگوئه خاموش نمی‌شود."

بخش فارسی رادیو اسرائیل - ساعت ۱۹ - ۱۳۶۵/۱۱/۸

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی در تهران شرکت جست تا درباره ماهیت تماس‌های محروم‌اند با ایالات متحده توضیح بدهد.

به دنبال آن رادیوی دولتی ایران ظهر امروز متن کامل مصاحبه شبکه تلویزیونی آمریکایی سی‌بی‌اس را با وی انتشار داد.

رئيس مجلس ایران در مصاحبه امروز، کتاب مقدسی را به خبرنگاران نشان داد که در یکی از صفحان آن افصای پرزیدنت ریگان و تاریخ سوم اکتبر ۱۹۸۶ دیده می‌شد.

وی تأیید کرد که شش هفته پیش در فرانکفورت دوباره ملاقاتی بین نمایندگان حکومت اسلامی و ایالات متحده صورت گرفته است ولی افزو: "هنوز زمان برای چنین مذاکراتی مساعد نیست".

به گزارش رادیو دولتی تهران حجت‌الاسلام رفسنجانی طی مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی‌بی‌اس آمریکا تأیید کرد که حکومت اسلامی ایران از همه منابع ممکن جز اسرائیل که به گفته وی یک رژیم غاصب است؛ اسلحه آمریکایی خریداری کرده است.

وی در ضمن گفت: جنگ تا سقوط حکومت حرب بعث عراق ادامه خواهد یافت.

حجت‌الاسلام رفسنجانی در پاسخ به پرسش دیگر خبرنگار آمریکایی گفت: "حال آیت‌الله خمینی با توجه به سن زیاد وی، بسیار خوب است، اگر چه ممکن است که گاهی به علت کار و مطالعه زیاد، خسته به نظر برسند".

ارائه انجیل اضباء شده توسط ریگان به خبرنگاران خارجی و رفع موانع موجود در بهبود روابط سیاسی تهران و رم پس از مشاجرات اخیر از سوی جراید ایتالیا به عنوان دو محور اصلی مصاحبه مطبوعاتی آقای هاشمی رفسنجانی قلمداد شده است. روزنامه‌های کثیرالانتشار ایتالیا به ویژه سه روزنامه معتبر ایل ساجر و کوریر دلاسرا و لارپولیکا در شماره‌های امروز پنج شنبه به نقل از فرستادگان ویژه خود به تهران، بخش‌هایی از مصاحبه مطبوعاتی آقای هاشمی رفسنجانی را منعکس ساخته‌اند. در گزارشات منتشره از این مصاحبه مطبوعاتی تنها قسمت‌هایی که طی آن ماجراهای سفر مکفارلین به تهران و تلاش‌های آمریکا برای برقراری رابطه با ایران تشریح شده است، توجه جراید را به خود جلب نموده است و در این مقالات گوچک‌ترین اشاره‌ای به نتایج عملیات اخیر رژیمندگان اسلام نگردیده، اما از ظاهر گزارشات و نحوه نقل قول از اظهارات آقای هاشمی نکته منفی به چشم نمی‌خورد. در این میان روزنامه‌های امروز، اظهارات ریاست مجلس ایران در مورد رفع موانع موجود در بهبود روابط میان ایران و ایتالیا را نیز مورد توجه قرار داده و این بخش را به صورت جداگانه‌ای

انتشار داده‌اند.

رادیو آمریکا ساعت ۲۰/۳۰ - فارسی

گزارشی به نقل از روزنامه وال استریت ژورنال درباره مصاحبه مطبوعاتی حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی:

جرالد سیب خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال در سفر به تهران برای تهیه گزارش‌هایی در مورد اوضاع ایران در مصاحبه مطبوعاتی حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد. وی در مورد این مصاحبه مطبوعاتی مقاله مفصلی نوشته است که در شماره امروز روزنامه وال استریت ژورنال به چاپ رسید. به ترجمه فارسی این مقاله توجه فرمائید. جرالد سیب خبرنگار وال استریت ژورنال از تهران می‌نویسد: سخنگوی قدرتمند مجلس ایران آشکار ساخت که ایران همچنان به بهبود روابط با ایالات متحده علاقمند است و پا فشاری کرد که آمریکا نیز خواستار چنین تحولی است. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی با اعتماد به نفس در یک مصاحبه دو ساعته به سوالات خبرنگاران پاسخ گفت و چنین به نظر می‌رسد که افشاء فروش تسلیحات آمریکا به ایران و تماس‌های مخفیانه با آمریکاییان، موقفیت سیاسی وی را تضعیف نکرده است. به نوشته وال استریت ژورنال هاشمی رفسنجانی گه گاه نسبت به پژوهش ریگان ابراز همدردی کرده ولی هشدار می‌داد که ایالات متحده باید برای بهتر شدن روابط با ایران بیشتر تلاش کند.

این روزنامه به نقل از هاشمی رفسنجانی می‌نویسد: پژوهش ریگان گفته است که خواستار برقراری روابط با جمهوری اسلامی است و ما نیز به صداقت وی معتقدیم، زیرا این مسئله به نفع وی است ولی هاشمی رفسنجانی از افزو: آمریکا برای نشان دادن حسن نیت و عدم خصوصیت می‌تواند شلیحاتی را که ایران در زمان شاه خریداری کرده بود به ایران تحویل دهد و در راه آزادی گروگان‌هایش در لبنان از کمک‌های تهران بهره‌مند شود. به گفته رفسنجانی زمان برای گفتگو در مورد تسلیحات مساعد نیست، اذعان گه گاه وی به اینکه تسلیحات ایران غالباً ساخت آمریکا بوده و دیگر کشورها علاقه‌ای به ارسال تسلیحات پیش‌رفته به ایران نشان می‌دهند، اشاره به لزوم روابط دوستانه با آمریکا بود.

جنگ ایران و عراق سبب شده تا ایران برای مقابله با برتری تسلیحات عراق در جستجوی تسلیحات کار باشد.

هاشمی رفسنجانی صحبت ملاقات نمایندگان ایران با آمریکا را که ماه گذشته در فرانکفورت انجام

گرفت و طی آن پیام وزیر امور خارجه آمریکا مبنی بر خودداری آمریکا از ارسال تسلیحات به ایران به مقامات تهران تسلیم شد، تأیید کرد. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا پیشتر گفته بود که چارلز دانبار دستیار خود را روز سیزدهم دسامبر به فرانکفورت فرستاد تا به ایرانیان بگوید، دیگر هیچ گونه اسلحه‌ای از آمریکا دریافت نخواهد کرد. جرالد سیب خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال از تهران می‌نویسد: رفسنجانی به قدری زیرک است که هنوز روش نیست آیا وی خواستار دوستی مصلحتی با آمریکا و از روی احتیاج است و یا اینکه خواستار یک رابطه مداوم است. هاشمی رفسنجانی به عنوان یک رهبر مقنن در حال ظهور است و به نظر می‌رسد از تسلیحات آمریکا با مهارت خاصی برای تحکیم موقعیت خود استفاده کرده باشد. به صورتی که وی توانست با دریافت سلاح‌های کلیدی از آمریکا چیز زیادی به آمریکا پس ندهد. هاشمی رفسنجانی کتاب انجل اهدایی پرزیدنت ریگان را نیز به خبرنگاران نشان داد. هاشمی رفسنجانی گفت برخلاف گزارش‌های اولیه، این انجل به وسیله رابت مک فارلین مشاور پیشین امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا به ایران برده نشده بود و تحويل انجل، مدتی بعد به وسیله یک فرستاده ناشناس از سوی رئیس جمهوری آمریکا انجام گرفت. وی انجل را به خبرنگاران نشان داد که ظاهراً در تاریخ سوم اکتبر ۱۹۸۶ به وسیله پرزیدنت ریگان امضاء شده است. رئیس مجلس شورای اسلامی بار دیگر تکرار کرد که آزاد ساختن تسلیحات خریداری شده از آمریکا، می‌تواند به آزادی گروگان‌های آمریکا در لبنان کمک کند. البته وی هرگونه ارتباط مستقیم با آدم ربایان را انکار کرد. هاشمی رفسنجانی اشاره کرد که ایران بنا به درخواست آمریکا و فرانسه با گروه‌های رباینده لبنانی تماس حاصل کرد و برخی اوقات نیز موفق شد. رفسنجانی همچنین خاطرنشان ساخت که ممکن است آدم ربایی ها توسط لبنانی‌ها قابل توجیه باشد، زیرا مسلمانان لبنان توسط اسرائیلی‌ها که از جانب غرب حمایت می‌شود سرکوب می‌شوند و راهی برای دفاع از خود ندارند. رفسنجانی به خبرنگاران گفت:

”مردم لبنان طوری هدف سرکوب قرار گرفته‌اند که مجبورند خطوط هوایی، سفارت‌خانه‌ها و مقامات غربی را هدف قرار بدهند.“ هاشمی رفسنجانی در طول گفتگو با خبرنگاران بارها تأکید کرد که آمریکا اگر می‌خواهد حسن نیت خود را ثابت کند، باید تسلیحات توقيف شده ایران که بهایش هم پرداخت شده آزاد کند.

رادیویی بی‌سی فارسی - ساعت ۱۹/۴۵

در این احوال در تهران حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران درباره تماس‌های

محرمانه بین واشنگتن و تهران اطلاعات تازه‌ای منتشر کرده است و به عقیده بسیاری از ناظران امور، باعث سرافکندگی بیشتر دولت پرزیدنت ریگان خواهد شد. رئیس مجلس ایران در کنفرانس خبری که در ساختمان مجلس شورای تشکیل داده بود همچنین آمریکا و چند دولت غربی دیگر را به بی‌اعتنایی نسبت به سرنوشت ایرانی‌ها که توسط ترویست‌ها به گروگان گرفته شدند متهم کرد. دیوید برانتشو از مفسرین بخش شرقی بی‌بی‌سی تأثیر اظهارات تازه آقای رفسنجانی را مورد بررسی قرار داده است:

"آقای رفسنجانی در ماه‌های اخیر مهارت تمام و کمال خود را در سرافکنده کردن دولت آمریکا آبه ثبوت رسانده است. او اکنون در یک کنفرانس مطبوعاتی در مجلس با نشان دادن انجیل جلد چهارمی که توسط پرزیدنت ریگان برای رهبران ایران فرستاده شده بود، برگ تازه‌ای به صفحات ماجراهای ایران گیت اضافه کرده است. انجیل مزبور به خط پرزیدنت ریگان در تاریخ سوم اکتبر ۱۹۸۶ امضاء شده بود و نشان می‌داد که مسافرت مک فارلین به ایران، چند ماه بعد از آنکه تصور می‌شد یعنی فقط یک ماه قبل از فاش شدن ماجراهای ایران گیت انجام گرفته است تاکنون تصور می‌شد که انجیل مزبور جزو یکی از هدایایی بوده است که مک فارلین برای رهبران ایران به همراه آورده بود و لی آقای رفسنجانی گفت که انجیل مزبور که نشانه تأیید موضوع توسط پرزیدنت ریگان می‌باشد، بعداً توسط یک هیأت دیگر آمریکایی به ایران آورده شده است.

دولت آمریکا آمدن یک چنین هیأتی را به تهران تاکنون تأیید نکرده است. عکس‌العمل‌های ناشی از این افشاگری، ممکن است تحت الشاع این امر واقع گردد که جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا روز سه شنبه اذعان کرد که در تاریخ ۱۲ دسامبر گذشته نمایندگان ایران و آمریکا در فرانکفورت در مورد فروش اسلحه به ایران سرگرم مذاکره بودند.

معهداً این موضوع یک بار دیگر این احساس که پرزیدنت ریگان میزان گشتش رابطه با ایران صادق گردیده است را تقویت می‌کند.

آقای رفسنجانی جزء گروهی از رهبران ایرانی محسوب می‌شود که در حالی که قطعاً و حقیقتاً میانه رو یا طرفدار غرب نیستند، معهداً به مزایای ایجاد روابطی دوستانه با آمریکا، البته بدون هیچ گونه تعهدی وقف‌اند. با توجه به این نکات سوالی که پیش می‌آید این است که چرا آقای رفسنجانی سعی می‌کند که زندگی را برای پرزیدنت ریگان دشوار نماید. یکی از دلایلی که می‌توان در این باره برشمرد، این است که رئیس مجلس ایران به منظور حفظ موقع خود در داخل ایران که احساسات ضدآمریکایی هنوز خیلی شدید است، لازم است که به پرده پوشی نقشی که در تماس‌های اخیر با

آمریکا داشته است، پردازد.

دلیل دیگر این است که دولت آمریکا هنوز حسن نیت خود را از طریق آزاد کردن دارایی‌های محدود شده ایران در آمریکا و یارفع توقیف از تسليحات متعلق به ایران که در زمان شاه خردواری شده بود، نشان نداده است. از دید آقای رفسنجانی لاقل تندروهایی که در دستگاه اداری آمریکا هستند هنوز حاضر نیستند که بر اساس شرایط مساوی با ایران رابطه برقرار شود. آقای رفسنجانی گفته است که پرزیدنت ریگان شخصاً پر جرأت بوده و در نظر خود به منظور بهبود روابط با ایران صادق است.

نامه اسقف اعظم کلیسای کاتربری و پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی

حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی - ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با احترام و افتخار به شما سلام می‌گویم. به شما به عنوان کسی که به خدای واحد رحمان و رحیم معتقد هستید درود می‌فرستم. ما بیانات قاطع شما را درباره رنج‌های ملت لبنان شنیدیم و به آنچه که درباره «تری ویت» گفتید توجه نمودیم. تری ویت انسانی با ایمان قوی است که علاقه شدید به ایرانیان دارد. من خودم نیز دوستان سیاری در میان مؤمنین جامعه شما دارم. تری ویت یک انسان مذهبی است که احترام عمیق نسبت به اسلام و مسلمانان قائل است. وی نماینده شخصی من است و مأموریت وی صرفاً یک مأموریت انسانی است.

وی کاملاً از دولت انگلیس یا هر حزب سیاسی دیگر مستقل است. و چنانچه به فعالیت‌هایش در سال ۱۹۸۱ توجه بفرمایده، عدم وابستگی، ایمان و احترام او نسبت به اسلام بود که باعث شد موقتیت‌هایی بدست آورد که نیل به آنها از طریق کانال‌های رسمی و کاملاً سیاسی دشوار بود. من سخنان این هفته شما درباره «[احمد] متولسانی» که چهار سال قبل به دست شیه نظامیان فالانژ ریوده شد شنیدم، اگر به من اجازه بدید خوشحال خواهم شد تا ضمن تماس با جامعه مسیحی بیروت اطلاعی از سوتی داشتم وی به دست آورم. من می‌دانم که مردم لبنان از تروریسم به شدت رنج برده‌اند. دو کشور خود ما نیز از این مصیبت رنج برده‌اند. امیدوارم که ایمان مشترک ما به بهترین سنت‌های

جوامع ما در استقرار صلح و عدالت در این جوامع کمک کند.
خدمت حضرت آیت‌الله امام خمینی سلام احترام آمیز را همراه با احساسات مذهبی خود تقدیم
می‌نمایم.
با احترام اعظم کلیسای کاتربری

پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی:

اسقف اعظم کلیسای کاتربری جناب آقای رابت رانی

نامه جناب عالی در خصوص گرفتاری جناب آقای تری ویت و آقای متولانی دریافت شد. با اظهار تأسف شدید از حوادث تلح که باعث رنج انسان‌ها می‌شود و اظهار آمادگی برای همکاری در راه مبارزه با این گونه حوادث، لازم می‌دانم از اظهار آمادگی آن جناب در خصوص وساطت نزد مسیحیان لبنان که آقایان [احمد] متولانی و [سید محسن] موسوی و دو نفر از همراهان شان را در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱۲ ربوده‌اند و هیچ گونه اطلاعی به ما و خانواده‌های رنجیده و غمگین آنها نمی‌دهند، تشکر کنم، متأسفم که مسئولان و رسانه‌های جمعی غرب عادت دارند که فقط در مورد ناراحتی‌هایی که برای غربی‌ها پیش می‌آید، تلاش کنند و حاضر نیستند که در اندوه و عزای مردم مظلوم دنیای سوم شریک باشند و بی شک اقدام جناب عالی برای نجات چهار نفر مظلوم ربوده شده ایرانی و خانواده‌های داغدار و چشم انتظار آنان که متأسفانه مورد بایکوت خبری غربی‌ها قرار گرفته‌اند نقطه درخشانی در فضای تاریک و آلوده امپریالیسم خبری غرب است و مایه اعتبار کلیسا و سیاست.

به هر حال اینجانب از پیشنهاد جناب عالی استقبال نموده و از مأموران و دوستان خودمان در لبنان و سوریه خواستاریم که پیگیرانه برای پیدا کردن اثری از تری ویت اقدام کنند. و از جناب عالی انتظار دارم که هرچه زودتر نتیجه تلاش خودتان را درباره پیدا کردن چهار انسان ربوده شده ایرانی و لبنانی و برگرداندن آنها به آغوش خانواده‌شان اطلاع دهید و دعا می‌کنم که این تلاش مشترک برای رفع رنج رنجیدگان دیگر هم ادامه یابد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر‌هاشمی رفسنجانی - ۱۸/۱۲/۶۵

سخنرانی امام خمینی(ره)

در مورد رسایی مکفارلین

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه که من امروز می‌خواهم عرض کنم، این است که ما در روزی عید گرفتیم که از جهاتی ملت ایران باید جشن بگیرند؛ یکی جهات پیروزی ملت ایران در جهان، در جبهه‌ها در پشت جبهه‌ها، در همه کشورهای اسلامی و غیراسلامی و یک امر مهمی که در این روز عید باید تبریک به همه عرض بکنم، این انفجار عظیمی است که در کاخ سیاه واشنگتن رخ داد و این رسایی بسیار مهمی که برای سران کشور آمریکا پیدا شد. شما ملاحظه بکنید و بینید که در تمام دنیا، در سراسر جهان، مطبوعات شان و رسانه‌هایشان و خطابه‌هایشان تمام متوجه این معناست که سرپوشی بگذارند بر این رسایی که برای رئیس جمهور آمریکا پیش آمد، رئیس جمهور آمریکا در این رسایی باید عزاً بگیرد و کاخ سفید مبدل به کاخ سیاه بشود - گرچه همیشه بوده است - لکن این متفرقه‌گویی و اضطرابی که در کاخ سفید پیدا شد و در طرفداری‌های آمریکا، حکایت از عظمت مسئله می‌کند یک مقام عالیرتبه - به قول خودشان - از آمریکا به طور قاچاق و با تذكرة جعلی وارد ایران می‌شود، در صورتی که ایران نمی‌داند چی است، به مجردی که وارد می‌شود و معلوم می‌شود که این از مقامات آمریکاست، ایران او را در یک جایی تحت نظر قرار می‌دهد و محبوس می‌کند و تمام حرکات او را تحت نظر قرار می‌دهد

و او با هر کس خواسته است ملاقات کند، ملاقات نمی‌کند. آنی که ادعا می‌کند که اگر من به شوروی رفته بودم، رئیس شوروی سه مرتبه به دیدن من آمد، گمان می‌کند اینجا هم شوروی است! اینجا کشور اسلام است. اینجا نه کرملین قابل این است که ذکری ازش بشود و نه کاخ سیاه؛ اینجا کشور رسول خداست، اینجا کشور حضرت صادق است، اینجا پاسدارهای ما شرافت دارند بر کاخ نشینهای، اینجا بسیجی‌های ما و امت ما شرافت دارند بر تمام کاخ نشینهای عالم و همه کسانی که ادعای پوج خودشان را می‌کنند و گمان می‌کنند که باید عالم پیش آنها خاضع باشد.

آنایی که می‌گفتند ما چه می‌کنیم و چه می‌کنیم و قطع رابطه می‌کنیم و از این مسائل می‌گفتند، امروز معلوم شد که با عجز و ناله در پیشگاه این ملت آمده‌اند و می‌خواهند که رابطه برقرار کنند، می‌خواهند عذر تقصیر بخواهند و ملت ما قبول نمی‌کند. این یک مسئله است، مسئله‌ای است که از تمام پیروزی‌های شما بالاتر است. مسئله رئیس آمریکا با آن همه به قول خودش جلال و جبروت، کسی را از مقامات عالی بفرستد به اینجا که با مقامات اینجا ملاقات کنند و هیچ یک از آنها حاضر به ملاقات نشود. این مسئله بزرگی است که دنیا را منفجر کرده است و باید هم بگند، کاخ سفید را به عزا نشانده است و باید هم بنشاند، مسئله مسئله مهم است. الان تسابق می‌کنند تمام کشورهای بزرگ برای رابطه پیدا کردن با ایران، این چی است؟ این افراد ایران است؟ این جمعیت کثیر ایران است؟ ایران جمعیتی ندارد در مقابل عالم. این ایمان جوانهای ماست، این برکات رسول اکرم است، این برکات امام صادق است. این برکاتی است که چشم دنیا را خیره کرده است و همه را مضطرب کرده. آنایی که گمان می‌کرند که با یک تشریف ایران را می‌توانند چه بگذند، گمان کرند که حالا هم زمان قاجار است. حالا هم زمان پهلوی است که مردم بیدار نبودند. امروز زمان بیداری مردم ماست، زمان هوشیاری و شکوفایی ایمان است در این کشور، ولذا می‌بینید که الان هر رادیویی را باز کنید از خارج، از هر گوشۀ عالم راجع به قضایای آمریکا و راجع به خصوص او در مقابل ایران صحبت می‌کنند و حرفا را هم می‌زنند. اضطراب در کلمات خود ریگان این قدر هست، تناقض گویی، اضطراب هست که انسان نمی‌تواند باور کند که یک آدمی که رئیس یک همجوکشوری هست و ادعایش آن قدر زیاد است، این قدر تناقض گویی، این قدر اضطراب، این قدر وحشت که او را گرفته است، امروز یک چیز مهمی است. نه فقط او را، کرملین هم همین طور است، آنها هم مسابقه می‌کنند با آمریکا در رابطه با ایران. چی است مسئله؟ چی شده است ایران؟ چه قصه‌ای در ایران واقع شده است که سابق چنانچه در زمان سلاطین سابق، در زمان قاجار، در زمان پهلوی اگر یک کلمه در آنجا می‌گفتند، اینها تمام کنار می‌رفتند، اگر یک تشریف می‌زدند آنها خلع سلاح می‌شدند. چه شده است که حالا پاسدارهای ما هم

اختنای آنها نمی‌کنند؟ برای اینکه آن وقت مردم را خواب کرده بودند، تبلیغات دامنه‌دار دشمن‌های اسلام، مردم را خواب کرده بودند، از هم جدا کرده بودند، شهروها از هم جدا بود، احزاب مختلفه همه با هم مختلف بودند، حکومت‌ها همه دست نشانده بودند. اما امروز مسئله این نیست، امروز ایران بیدار شده است امروز اسلام در ایران رواج پیدا کرده است. امروز حقیقت ایمان در ایران شکوفایی پیدا کرده است اینها برکات ایمان است. غافل نباشید از این، برکات وحدت شما در تمام امور است. غافل از این وحدت نباشید، غافل از این حظ الهی نباشید. در عین حال انسان می‌بیند که در حالی که کاخ کرملین به لرزه درآمده است و کاخ سیاه پوش شده است و می‌خواهد توجیه کنند هی حرف‌های خودشان را و هی از این ور به آن ور می‌زنند که توجیه کنند این خطایی که کردند و این کسی را که اینجا فرستادند و با رسایی از اینجا بیرون شکردن، می‌خواهند توجیه کنند. مع الاسف، بعض از اشخاصی که در خود ایران هستند، توجه به مسائل یا ندارند یا متعمندند. اینها هم به تعیین از تبلیغات آنها، آنها هم با همان لسان، اینجا تبلیغ می‌کنند.

«نمی‌خواهم در این روز مبارک اسباب افسرگی اشخاص بشوم، لکن می‌خواهم عرض کنم چرا این قدر ماقعه افتاده هستیم؟ چرا ما باید به واسطه اغراض نفسانیه این قدر خودمان را بیازیم؟ چرا باید وقتی که دنیا به تزلزل درآمده است برای این بی‌اعتنایی ایران به کاخ سفید و سیاه، چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آنها را؟ چرا ما باید این قدر غریزده باشیم یا شیطان‌زده؟ من هیچ توقعی نداشتم از بعض این اشخاص، ولو بعضی‌شان در نظر من پوچاند، لکن از بعضی از این اشخاص که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم که در این زمان که باید فریاد بزنند سر آمریکا، فریاد می‌زنند سر مسئولین ما! چه شده است؟ شماها چه تان است؟ چه کردید شماها؟ شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحت تأثیرات نفسانیت خودتان؟ در یک همچون مسئله مهمی که باید همه شما دست به هم بدهید و ثابت کنید به دنیا که ما وحدت داریم، وحدت ما این طور شده است و در روزی که هفت وحدت است چرا شماها می‌خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید دو دستگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟ کجا دارید می‌روید؟ این تذہبون؟ من نمی‌توانم که آن طوری که می‌خواهم، با شما صحبت کنم و نمی‌خواهم در روز عید رنجش برای شما پیدا کنم، لکن شما انصاف بدهید که در یک همچو وقی، وقت یک همچو اموری است؟! وقت یک همچو تأییدی است از کاخ سفید؟ وقت یک همچو تأییدی است از ریگان؟ لحن شما در آن چیزی که به محض دادید، از لحن اسراییل تندتر است، از لحن خود کاخ نشیان آنچه تندتر است. شما چه شده است این طور شدید؟ شما که این نبودید بعضی‌تان، من بعضی‌تان را می‌شناسم، شما این طور

نیو دیل.

من امیدوارم که شما باز توجه کنید به مسائل، توجه کنید به دنیا، توجه کنید به خودتان، توجه کنید به قدرت خودتان. نشکنید این قدرت را، گرچه شماها نمی توانید، لکن باید یک همچو کاری در ایران بشود. من نمی خواهم دل شما را بشکنم، لکن شما دل ملت ما را نشکنید، شما دل مسئولین ما را نشکنید، شما هی تندر و کندر و درست نکنید، دو دستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است، خلاف انصاف است، نکنید این کارها را.

من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به همه ملت ما سلامت و سعادت عنایت کند، و دوستان ما را به خود بیاورد و کسانی که می خواهند تفرقه ایجاد کنند، ان شاء الله، خدا هدایتشان کند و خدای تبارک و تعالی شر اشزار را از سر این کشور کوتاه کند، و این عید مبارک را بر همه مبارک تر کند. و روزمندهای ما را در هر جا که هستند با دل قوی به پیش ببرد و بدانند روزمندگان که پیروزند و بدانند که این پیروزی که اخیراً پیدا شده، از همه پیروزیها در نظر دنیا بالاتر است و توجه کنید به اینکه با عنایت خدا به پیش بروند و سیلی آخر را بزنند^۱.

۱- رجوع کنید کتاب "صحیحه امام"؛ جلد بسمه؛ صفحه ۱۵۹؛ مترجم و نشر آثار امام خمینی (ره).

فامه امام خمینی(ره) به آیت‌الله منتظری

درباره سید مهدی هاشمی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین، فقیه عالیقدر، آقای منتظری – دامت ایام برکاته

پس از اهدای سلام و تحيت، علاقه ایتحاب به جنابعالی بر خود شمار و شن تراز دیگران است. به حسب قاعده طول آشنایی صمیمانه و معاشرت از نزدیک، مقام ارجمند علمی و عملی شما، مجاهدت با مستگران و قدران، و رنج‌های فراموش نشدنی جنابعالی در سالهای طولانی برای اهداف اسلامی، قداست و وجاهت و وارستگی کم نظیر آن جناب، و بالاتر حیثیت بلند پایه‌ای که دنباله این امور به خواست خداوند تعالی برای شما فعلاً حاصل است، و احتیاج مبرمی که جمهوری اسلامی و اسلام به مثل جنابعالی دارد، انگیزه علاقه مبرم است. لهذا این حیثیت مقدس باید از هر جنبه محفوظ و مصون باشد. حفظ این حیثیت به جهات عدیده بر شما و همه مها واجب، و احتمال خدشه دار شدن آن نیز منجز است برای اهمیت بسیار آن.

با این مقدمه باید عرض کنم این حیثیت واجب الحراگة به احتمال قوی، بلکه ظن تردیک به قطع، در معرض خطر است؛ خصوصاً با داشتن مخالفین مؤثر در حوزه قم، که ممکن است دنبال بیانه‌ای

پاشند. این خطر بسیار مهم از ناحیه انتساب آقای سید مهدی هاشمی است به شما. من نمی خواهم بگویم که ایشان حقیقتاً مرتكب چیزهایی شدند؛ بلکه می خواهم عرض کنم ایشان متهم به جنایات بسیار، از قبیل قتل، مباشرت یا تسبیه، و امثال آن می باشد. و چنین شخصی، ولو میرا باشد، ارتباطش موجب شکستن قداست مقدم جنابعلی است که بر همه حفظش واجب مؤکد است.

آنچه مسلم است و در آن پای فشاری دارم رسیدگی به وضعیت و موارد اتهام او است؛ رسیدگی به خانهٔ تیمی و ابناشتن اسلحه، آن هم با پول ملت، به اسم کمک به سازمان‌های به اصطلاح آزادیبخش. اصولاً یک همچو اعمالی بدون دخالت دولت جرم است. و باید ایشان، که صلاحیت این امر را ولو واقعاً برای این سازمانها باشد ندارد و دخالت در حکومت است، جواب بدهد. این امر قطعی است. و آنچه از شما می خواهم در رتبهٔ اول پیشنهاد مستقیم شما به دخالت وزارت اطلاعات و رسیدگی به این امور است. و اگر برای شما محدود دارد، به طوری که تکلیف شرعی از شما ساقط است؛ سکوت است. حتی در محافل خصوصی دفاع از یک همچو شخصی که خطر برای حیثیت شما است و احتمال فساد و خونریزی بیگناهان است سم قاتل است. باید تمام فعالیت‌ها که به اسم کمک به سازمان‌های به اصطلاح آزادیبخش است قطع شود، و تمام کسانی که در این امور دخالت داشته‌اند محاکمه شوند.

و آنچه مسلم است و مایهٔ تأسف، حسن ظن جنابعلی به اعمال و افعال و گفته‌ها و نوشته‌های است که به مجرد وصول به شما ترتیب اثر می‌دهید و در مجمع عمومی صحبت می‌کنید و به قوهٔ قضائیه و غیره سفارش می‌دهید. و من از شما، که دوست صمیمی سابق و حال من هستید و مورد علاقهٔ ملت، تقاضا می‌کنم که با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت نمایید، پس از آن ترتیب اثر بدھید، تا خدای نخواسته لطفه به حیثیت شما، که برگشت به حیثیت جمهوری است، نخورد. آزادی بی رویهٔ چند صد نفر مخالف، به دستور هیأتی که بارقت قلب و حسن ظن شان واقع شد، آمار انفجارها و ترورها و ذردیها را بالا برده است. "ترجم بر پلنگ تیزدان - ستمکاری بود بر گوسفندان".

من تأکید می‌کنم که شمادامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است؛ والا هیچ عکس العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایات مورد اتهام حتمی است. سلامت و توفیق جنابعلی را خواهانم.

۱۲ مهرماه ۶۵ - روح الله الموسوي الخميني^۱

^۱- رجوع کنید \Rightarrow کتاب "صحیحه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۳۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

اعترافات تلویزیونی سید مهدی هاشمی

مهدی هاشمی در یک مصاحبه تلویزیونی که از سیماهی جمهوری اسلامی ایران پخش شد، به اتهامات خود که از سوی وزارت اطلاعات اعلام شده بود، اعتراف کرد. متن کامل اعترافات وی در پی می‌آید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

با سلام و درود به محضر مبارک حضرت بقیة الله اعظم امام زمان ارواحنا له الفدا و نائب برحقش بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی مدظله العالی و قائم مقام معظم رهبری، فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی متظری و به امید پیروزی هر چه سریع‌تر رزمندگان کفرستیز اسلام و فتح کربلا.

اینچاپ سید مهدی هاشمی فرزند مرحوم سید محمد، مصاحبه خود را به شرح زیر آغاز می‌کنم. انگیزه من از این مصاحبه که به پیشنهاد و رضایت خودم انجام می‌گیرد، اولاً روشن کردن اذهان نسبت به عملکردهای خلاف خود و همفکرانم و ثانیاً پرده برداشتن از یک سیر تصاعدی لغزش‌های اشتباهات و انحرافاتی است که متأسفانه از بد اتفاقات، در وجود من بوده، تا لحظه بازداشت و به حاضر همان تسلط هوای نفس و تسهیلات شیطانی و نیرداختن به تأثیب نفس، دوری از خط امام، این اشتباهات در من رشد کرد و در مدتی که در بازداشت به سر می‌بردم، در اثر برخوردگاهی سازنده و آموخته و اسلامی برادران بازجو و همچنین تفکر و مطالعه و بازنگری خودم به اعمال و رفتار و اندیشه‌ها و افکار

گذشته‌ام، به مجموعه‌ای از اشتباهات، انحرافات و لغزش‌هایی که در من بوده، پی بردم. در این لحظه اعتراف می‌کنم که خودم را مصدق پارز آن جمله حضرت امام که در جواب جناب آفای ری شهری فرمودند یافت. امام فرمودند «منحرف و توطئه‌گر».

قبل از بازداشت، طبعاً به خاطر این جو عمل زدگی و غرق شدن در این جو، من فرصت مطالعه و تفکر پیدا نمی‌کردم و نمی‌توانستم در خودم اعمال و رفتارم بازنگری کنم. شاید اگر فرصت پیدا می‌کردم، اصلاح می‌شد، اما امروز در این لحظات تبه خیز زندان و بازداشت، من در خودم مطالعه کردم و در اثر بازنگری و تعمق و مطالعه در خودم، به مجموعه وسیعی از این اشتباهات پی بردم و واقف شدم و متأسفانه این اشتباهات، نه فقط در من بوده بلکه هم‌فکران و همکاران من هم به این ورطه خطرناک کشیده شدند و در حقیقت، من آنها را به این وضع خطرناک کشیدم. خوشبختانه در این لحظات خوب زندان و لحظات تبه خیز بازداشت، یک فرصت طلائی و ارزنده‌ای که خداوند نصیب ما کرده و من بسیار خوشحالم.

در این لحظات من به نفس بازنگری کردم و برای اصلاح نفس که یکی از وظایف بسیار مهم اسلامی است اشتباهات و انحرافاتم را ریشه‌یابی کردم که هم اکنون با یک ارزیابی و تحلیل ریشه‌ای، من این اشتباهات و انحرافاتم را بازگو می‌کنم.

به امید اینکه درسی باشد برای دیگران و عبرتی باشد برای سایرین و قبل از اینکه مصاحبه را آغاز پکنم، از محض مبارک حضرت امام امت مدظلله‌العالی و فقیه عالیقدر و مسئولین محترم کشور و امت حزب الله درخواست جدی عفو، اغماس و گذشت دارم.

مصاحبه من کلاً به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول مربوط به قبل از پیروزی انقلاب و بخش دوم مربوط به پس از پیروزی انقلاب:

فعالیت‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

قبل از انقلاب چون فعالیت‌های سیاسی من، دقیقاً از اواسط دهه ۴۰ شروع شد و عمدتاً به دلیل کم تجربگی و نیختگی و شتابزدگی در برداشت‌هایی از اسلام و مکتب و قرآن و اینکه خط امام تبیین نشده بود، در آن زمان رگه‌های التقاط و روشنگری اسلامی، در من رسوخ کرد و در ادامه به جایی رسید که حتی لباس عزیز و مقدس روحانیت را از تنم بیرون کردم.

از طرفی دیگر از دوران خدمت سربازی، بنایه دلایلی روح تقوی، معنویت و اخلاق در من کاهش یافت و این کاهش معنویت در آن جو مبارزات آن زمان که یک جو عمل زدگی، برای من بود و مرا

وارد افراطی عمل زدگی کرد، موجب شد همین که خواستم برای زندگی ام برنامه‌ریزی کنم و خط مشی انتخاب نمایم، به یک سلسله اشتباهات و لغوش‌هایی دچار شدم که این لغوش‌ها در استمرار منتهی به انحراف شد.

بازترین اشتباهات و خطاهای من در آن زمان، دو چیز است و من با صراحة عرض می‌کنم:

رابطه با ساواک

محور اول نرمش و رابطه با ساواک است که در اثر همان پیختگی‌ها غلبه نفسازیات و برداشت‌های پیخته از اسلام، من بعضی ضرورت‌های مقتضی و زمانی را مجازی و توجیهی دانستم برای اینکه با ساواک نرمش بکنم و این نرمش یک لغوش کوچک بود، تدریجاً منتهی شد به تماس با یکی از عوامل محلی ساواک، به دنبال آن این اشتباه رشد کرد و به اینجا رسید که «من با یکی از بازپرس‌های ساواک نشستم صحبت کردم و این روند رو به رشد این لغوش و اشتباه به جایی رسید که من دستگیر شدم. در زندان اصفهان بودم رسماً به ساواک نامه نوشتم و اعلام همکاری کردم با آنها و این اوج یک لغوش بود که می‌توانم بگویم یک اشتباه بزرگ و یک انحراف است و از بازترین اشتباهات من در قبل از پیروزی انقلاب است.

قتل

محور دوم، محور قتل هاست و یکی از بازترین اشتباهات من قبل از انقلاب، محور قتل هاست. در محور قتل‌ها باید عرض کنم که دو فقره قتل صورت گرفت، در رابطه با مبارزه با منکرات و فحشهای یک زن و یک مرد و یک فقره هم در مورد قتل مرحوم آقای شمس آبادی بود. در محور قتل آقای شمس آبادی، من در اثر همان برداشت‌های عجولانه که از اسلام داشتم، اینها را مجوز قتل یک عالم دینی دانستم و این قتل را مجاز دانستم که حس می‌کنم یک اشتباه بسیار بزرگی بود، که در آن زمان در برداشت من از مبانی اسلامی صورت گرفت. نکته دیگری که در گشودن واقعیت این مسئله مؤثر است، این است که بعد از انجام قتل، مأموران انتظامی مانند ژاندارمری و ارتش وارد عمل شدند.

یک تعدادی از مردم آن منطقه را دستگیر کردند، و تا آن لحظه هم ساواک به طور رسمی در ماجرا دخالتی نداشت. بعد که من بازداشت شدم، من به انگیزه اینکه از زندان آزاد شوم و بروم برای بچه‌هایم یک اقدامی بکنم و به دنبال همان رابطه‌ای که با ساواک قبل از دستگیری داشتم، آن شیطان و

نفسانیات بر من غلبه کرد و من مکاتبه کردم و رسماً از سواک درخواست همکاری کردم و از آن لحظه سواک به طور رسمی وارد ماجرا شد و این هم یک نکه است که باید در رابطه با قتل آقای شمس آبادی روش بشود که دخالت سواک از چه لحظه و از چه مقطعی عیناً آغاز شد.

نکته دیگری که مهم است و باید دقت کنیم، در ایامی که من دستگیر و زندانی شدم و برای سواک هم به آن انگیزه نامه نوشتیم و سواک هم به هر دلیل ترتیب اثر نداد، بعد از محکومیت من با نوشتن یک سلسله نامه‌های زیادی به شخصیت‌های علمی، اجتماعی و سیاسی در داخل و خارج، مسأله قتل آقای شمس آبادی را در آن نامه‌ها، به عنوان یک قتل مرموز و اسرارآمیز قلمداد کرد. انگیزه‌ام هم روشن بود. آن زمان هم می‌خواستم خودم را از مهلکه نجات بدهم و هم اینکه می‌خواستم در آن شرایط برای رژیم و سواک یک نوع محکومیتی در افکار عمومی به وجود بیاورم. اینکه یک مدتی این قتل به حالت اسرارآمیز و مرموز معرفی می‌شد، به این انگیزه بود. در حقیقت مطلب روشن بود، منتهی من در آن مقطع بر این شدم که با مکاتباتم و نامه‌هایی که می‌نویسم، این واقعیت را این طور قلمداد بکنم تا هم رژیم را محکوم بکنم و هم در عین حال خودم را از مهلکه رها کنم.

نکته‌ای که باز باید در اینجا عرض بکنم، افرادی هستند که مرتکب این حادثه شدند، پرادران جعفرزاده، شفی زاده و ابراهیمی بودند.

قبل از پیروزی انقلاب بارزترین خطأ و اشتباه و لغزش من در این محور بود که معلوم همان عواملی بود که عرض کردم.

اما پس از پیروزی انقلاب با اینکه در جریان زندان فی الجمله تنبه‌ی برای من حاصل شده بود ولی آن ذهنیت‌ها و اندیشه‌هایی که در وجودم ریشه دوانده بود، همچنان وجود داشت و همین که از زندان آزاد شدیم در سال‌های نخست پیروزی انقلاب بر اساس همان تندری و افراط و همان برداشت‌های نسنجدیده که در وجود من ریشه داشت، در منطقه لنجان سفلی وقتی که مسأله سپاه و کمیته مطرح شد که طبق یک تصاد و رقابتی بین این دو نهاد انقلابی بود به وجود آمد. من با الهام از همان روح تندری و افراط که متأسفانه هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب بوده است، در آن لحظه و آن مقطع از جمله حمایت کنندگان جدی بودن سپاه در منطقه بودم و روی این مسأله هم سخنرانی زیاد می‌کردم و هم حمایت زیادی و البته دیگران هم بودند، منتهی حمایت و تأیید من خیلی کارساز بود که در نهایت این رقابت‌ها بین سپاه و کمیته اوج گرفت و بعداً متأسفانه بین این دو ارگان، تبدیل به زد و خورد شد و تلفاتی هم به بار آورد که باز من این نقطه را یک نقطه عطفی می‌دانم در رابطه با پیوندی که بین افکار و اندیشه‌های تندا افراطی و انحرافی از قبل و بعد از انقلاب در من وجود داشته است.

طبیعتاً در سال‌های اول انقلاب، یک شور و احساسات عجیبی در جامعه حاکم بود و آن قدر شور و احساسات زیاد بود که تندروی‌ها و انحرافات من در آن امواج خیلی تند انقلاب، محو شده بود و معلوم نبود. ظهور و بروزی نداشت و از آن طرف من یکسره مشغول کار اجرایی بودم و شبانه روز برای کار اجرایی تلاش می‌کردم.

از این نقطه باز اشتباها من ظهور کرد. وقتی که قانون‌مندی خواست برای انقلاب حاکم شود و با هرگونه برقراری نظم مدیریت و قانون‌مندی مخالفت می‌کردم و لذا به این نظم‌ها و مدیریت‌ها هم معتقد نشدم و نوعی خود محوری و گستاخی در اعمال ظهور کرد. من حتی فراموش نمی‌کنم آن زمانی که عضو شورای فرماندهی سپاه در سال‌های اول انقلاب بودم، گاهی برخلاف نظر شورا و فرماندهی خودم، طبق تشخیص خودم تصمیم‌گیری و کار می‌کردم که البته نتایج خیلی تلخی هم داشت و آن نتایج هم من احساس کردم اما این یک غریزه‌ای بود که در وجود من به خاطر همان خود محوری‌ها و گستاخی‌هایی که مربوط به تندروی‌ها بود.

در ارتباط با همین عوامل و علل فکری و بیشی و برداشتی که در وجود من بوده در تداوم سیر تاریخی عملکردم از روزهای اول انقلاب به این طرف محورهای مشخصی را سراغ دارم که یکی یکی عرض می‌کنم.

محور سوم خارج کردن مقادیر زیادی اسلحه و مهمات مواد منفجره و استناد از سپاه بود.

وقتی که واحد نهضت‌ها از سپاه جدا شد که در حقیقت جدائی نهضت‌ها از سپاه، مصوبه مجلس بود. از آنجاکه به خط فکری و عملی خودم پیش از حد اعتماد می‌کردم و نوعی مطلق گرایی را در خودم حاکم کرده بودم، وسوسه‌های خطی و گروهی بر من عارض شد و در ارتباط با همان ریشه‌های قبلی یعنی ضعف معنویت، غلبه نفسانیات و دوری از خط امام و نبرداختن به تهدیب نفس، این وسوسه‌ها در آن مقطع بر من قوت گرفت. وسوسه گروهی و خطی به حدی رساند که من به قانون و مقررات بی‌اعتماد شدم. فکر می‌کردم خودم یک فرد انقلابی هستم و انقلاب در من خلاصه شده - خودم را مطلق کردم، بزرگ کردم و به قانون و مقررات کلاً بی‌اعتماد بودم و بی‌اعتماد شدم و از این جهت وقتی که واحد نهضت‌ها از سپاه جدا شد، یا اینکه من قدرت داشتم برای جلوگیری، اما متأسفانه از همان روح بی‌اعتمادی به قانون و مقررات و عوامل خطی، وقتی که تعداد زیادی از اسلحه، مهمات، مواد منفجر و استناد سپاه را برادران از سپاه خارج کردند، به این کار به سادگی تن در دادم. در ادامه این روند انحرافی بود که یک سلسله خلاف قانونی توسط دوستان ما انجام می‌گرفت مثل جعلیات. جعلیات بعد از اتحال باید ما تحويل می‌دادیم به مقامات ذیصلاح، ولی باز همان روحیه ما را به

جائی رساند که این جعلیات را نگه داریم در خانه‌ای که آن خانه هم باید تحویل مقامات می‌شد ولی باز به خاطر همان روح گرایش به خلاف قانون، ما حفظ کردیم هم جعلیات و هم خانه را و کار را ادامه می‌دادیم. و اینها همه‌اش ملهم از همان اشتباه کاری‌ها، خطای کاری‌ها و تفکرات انحرافی است که در من قبل از انقلاب بود و بعد انقلاب هم همچنان رشد کرد.

محور دیگری که باز قابل توجه است و باید به آن دقت بکنیم، محور افشاگری هاست. تحت عنوان انتقاد، افشاگری‌ها شروع شد که این افشاگری‌ها، عنوان‌ین مختلفی داشت. به عنوان روحانیت بیدار، گاهی صورت می‌گرفت. گاهی عنوان حوزه علمیه بود، حزب الله شاهد بود. اعلامیه‌ای بود علیه وزارت خارجه که با تأیید ما پخش شد.

این جمیع اوراقی که هم جنبه انتقادی و هم جنبه افشاگری داشت، بر محور آن تحلیل و آن بیشی که در ذهن ما بود و رسونخ پیدا کرده بود، انجام گرفت و به دنبال پخش این اعلامیه‌ها بود که ما حس کردیم در کشور یک طبقی از نیروها این فکر را پذیرفته‌اند. این فکری که شاخص‌هایش معلوم است، یکی بدینی به دولت بود، یکی تندی و افراط در هم فکر و هم عمل بود و یکی هم مبارزات خطی یعنی در کشمکش‌های خطی دخالت کردن. این چندتا شاخص در فکر آن زمان م وجود داشت و ما فکر می‌کردیم در اثر این افشاگری‌ها که داریم، این فکر بین مردم گسترش و رواج پیدا می‌کند و غافل از اینکه دو انحراف بزرگ در این کار نهفته بود و ما امروز می‌فهمیم این انحرافات را.

انحراف اول این بود که ما با این کارمان بین مسئولین تفرقه ایجاد می‌کردیم که باید خدا ما را بخشد و دیگر اینکه ما مردم را به مسئولین و انقلاب بدبین می‌کردیم و نمی‌فهمیدیم که پخش یک سلسه مسائلی که در خور صلاحیت مردم نیست، تحت عنوان انتقاد و افشاگری این توهدهای امت حزب الله را که باید خوبی‌بین باشند به انقلاب و نظام و اسلام، اینها را به مسئولین بدبین می‌کردیم. این انحرافاتی بود که در قعر ما نهفته بود، اما به خاطر آن جو عمل زدگی و در خود فرو رفتن و عوامل دیگر ما نمی‌فهمیدیم، دیگر اینکه ما نمی‌فهمیدیم که یک جریان جدایی از دولت و جدایی از نظام به هر عنوانی، اگر در کشور جمهوری اسلامی پا بگیرد، رشد بکند به کجا منتهی می‌شود. واقعاً فکر نمی‌کردیم این خطرات، این انحرافات در عمق این عمل ما وجود داشت، ولی بدیختانه آن حالت در خود فرو رفتن، خود بزرگ بینی، این غلبه نفسانیات و دوری از خط امام و برداشت‌های غلط، مجموعاً ما را به یک حالت حصار ذهنی رسانده بود که نمی‌توانستیم معايب کار را بفهمیم و الان خوشحالیم که می‌فهمیم که عیب و انحراف کار ما در کجاها بود در تداوم و استمرار همان اشتباهات و لغزش‌ها که تدریجاً به انحراف منتهی می‌شد، می‌توانیم محور دیگری به نام محور مدارس علمیه نام ببریم.

مدارس علمیه

همان بیمتش‌ها و دیدگاه‌هایی که در محور قبل به آنها اشاره کردیم به اضافه چند تا عامل دیگر در ما احساسی ایجاد کرد که ما را در مسأله مدارس علمیه فعال کرد.

اصلًا با مشی جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] مخالف بودیم، یعنی ما با موضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنها مخالف بودیم منهاج ارادتی که به اینها داشتیم، اما با مشی مخالف بودیم و این هم باعث شد که من زمانی یک موضع غیری تند افراطی علیه اینها بگشم.

شورای مدیریت طبعاً قسمتی از جامعه مدرسین است و ما سیستم اداره و مدیریت این شورا را برای حوزه نمی‌پذیریم. در رابطه با جامعه مدرسین، این نکته را باید عرض بگشم که ما در عین حال که با موضع شان تقریباً مخالف بودیم، آن زمانی که حس کردیم از طرف جامعه مدرسین یک حرکتی برای قبضه کردن بیت فقیه عالی قدر و تسلط بر بیت شروع شده، بیشتر این موضع‌مان داغ‌تر شد و نمی‌توانستیم این سیستم را پذیریم. هم زمان با این تصور و تحلیل ما فقیه عالیقدر هم اعلام کردند مدارس جدید را و این مدارس رسماً وارد صحنه شد و ما حس کردیم که از طریق این مدارس می‌توانیم به نحو احسن، این افکار و اندیشه هایمان را در کشور علمی بگشم و لذا من خودم را نزدیک کردم به این جریان مدارس.

در اینجا باید عرض کنم که جریان مدارس، ذاتاً یک جریان مقدسی بود که فقیه عالیقدر اعلام کردنده، منتهی‌منی که آن همه آلوگی فکری و عملی داشتم و من با آن تفکرات غلط و اشتباه خیزی نمی‌بايستی نزدیک می‌شدم، ولی من در آن جو عمل زدگی نزدیک شدم به مسأله مدارس، بعضی مسئولین این مدارس را خود من پیشنهاد می‌دادم، مثل آقای کیمیابی که به پیشنهاد من مسئول مدرسه بعثت شدند. بعضی مسئولین دیگر این مدارس را هم فکر خودمان می‌دیدیم و برای اینکه افکارمان را در کشور جامه عمل پوشانیم، احساس کردم که باید جمعی و شورائی تشکیل شود برای مدیریت و برنامه‌ریزی این مدارس و لذا من از جانب آقای کیمیابی و آقای صلوانی، همچنین آقای محمودی و صفری و جانب آقای شکوری، دعوت کردم با خودم، می‌نشتمیم هر دو هفته یکبار مسائل مدارس را مطرح می‌کردم.

در اینجا یک نکه ضمئی هم هست که کتابخانه سیاسی قیلاً در دفتر تبلیغات [اسلامی حوزه علمیه قم] بود و بعداً هم اختلافی بروز کرد بین آقای محمودی و دفتر تبلیغات و بعد از اینکه ما دیدیم این اختلاف به جایی نمی‌رسد و آقای محمودی هم همکر ما بود و زمینه پذیرش داشت، آن هم جذبه شدیم به جلسات خودمان و در آن جلسات آن هم شرکت می‌کرد. بنابراین جلسات ما فکر می‌کردیم

باید مدیریت مدارس و کتابخانه سیاسی را باید در رابطه با بیت آیت اللہ منتظری ما هدایت بکنیم.
البته این نزدیکی من به این جریان، باعث آفات و عوارض و بدمعنی هایی شد که من ناچارم عرض
بکنم.

اولی اش این است که افکار تند و انحرافی ما به دوستانمان منتقل شد به مدارس، منتقل شد به
مریبان مدارس، منتقل شد. ما نمی فهمیدیم اما این یک نکته طبیعی بود که وقتی دیدگاههای ما،
تفکرات ما در شورای مدیریت این مدارس باشد در آموزش و مدیریت رخنه می کند و این افکار به
بچه ها منتقل می شود. این یک انحراف اصولی بود.

انحراف دوم این بود که در اثر همان سیستم فکری و بینشی که ما متأسفانه داشتیم و غلط بود و حال
داریم می فهمیم؛ روح سیاست گری و خط بازی و رفتن در وادی خط بازیها بر روح معنویت و اخلاق
اسلامی متأسفانه غلبه کرد. و ما در چند مورد شاهد بودیم که در بعضی طلبه ها عوارضی پیدا شد که این
عوارض گویای یک نوع انحراف بود.

طلبه ای برای اثبات یک موضع گیری حق، چاقوکشی می کند. این با هیچ منطقی سازگار نیست.
یک طلبه روحانی برای اثبات حقانیت موضعش چاقوکشی بکند و یا طلبه دیگری به فکر این بیفتند که
چند نفر را پیدا بکند؛ دسته و گروهی تأسیس بکند برای ترور کله گنددها و این دقیقاً معلول انتقال این
دیدگاههای انحرافی و این سیستم فکری به مدارس بود.

ما آرمان مان این بود که این سیستم آلترا ناتیو شورای مدیریت بشود. در حوزه علمیه قم. البته به
حاطر اینکه این افکار و نیات خودمان را جامعه عمل پوشانیم، کلیه طرح ها و پیشنهاداتی که به ذهن مان
می رسید، در این شورا به اخوی [آقای سید هادی هاشمی] در دفتر فقهی عالیقدر منتقل می کردیم و
ایشان هم به خود آقا منتقل می کردند و یک کانال فعالی راه انداده بودیم.

خطر اینکه من امروز اعتراف می کنم که این خطرات جدی بوده و آن زمان ما به دلایلی این
خطرات را نمی فهمیدیم؛ حس نمی کردیم یکی پیدایش جو ناسالم و قابت در حوزه است. حوزه ای که
مهد اسلام و مرکز فقه امام جعفر صادق (ع) است، در اثر رشد این جریان دچار یک رقابت و
کشمکش ناسالمی می شد و این برای حوزه زیسته بود و نیست، امروز می فهمیم. از آن طرف یک
جریان انحرافی در روحانیت اسلام رشد بکند، این گناه کمی نیست. ما نمی فهمیدیم که در روحانیت
شامخ اسلامی که منبع همه خیرات و برکات در انقلاب ماست، یک جریان انحرافی و غلط رشد بکند
و متأسفانه در همان جو عملزادگی ما دچار این غفلت ها بودیم و امروز احساس می کنم که این اشتباها
و لغزش ها در آینده این حرکت وجود داشت.

مطلق کردن دیدگاه

بینش‌های خودم که به غرور، تعصب و خود محوری، گستاخی، خود بزرگ بینی و کج‌اندیشی منتهی شده بود یک تحلیلی نسبت به مسئولین کشور پیدا کرد. البته این معلوم این بود که من به نظرات خودم بی‌نهایت اعتماد داشتم، نه با کسی مشورت می‌کردم و خود من دیدگاه‌هایم را مطلق می‌کردم. اعتماد بی‌حدی به دیدگاه‌هایم داشته‌اما غالباً از یک سلسله اشتباها و وسیع که در نقطه عمل ما و خلال عمل ما وجود داشت و من امروز با نهایت شرساری این نکات را از عمق جانم حس می‌کنم.

نکه اول اینکه ما در این وضع حساس کشور با این توطئه استکبار جهانی که علیه انقلاب ماست، حرمت مسئولین را می‌شکستیم. یعنی ما وقتی که این تحلیل غلط را به چهارتاً بچه جوان طلبی یا غیر طلبی، مستقیم یا غیر مستقیم مستقل می‌کردیم و فکر می‌کردیم کار خوبی می‌کنیم، این نتیجه را داشت که حرمت مسئولین جمهوری اسلامی شکسته می‌شود. مسئولیتی که باید در این موقعیت حساس، کشور را و جنگ را اداره می‌کنند و این یک نقطه انحراف بود.

نقطه دوم این بود که ما نمی‌فهمیدیم که ما با اینکارمان، داریم از خط امام دور می‌شویم. ما از محور خط امام از قبیل از انقلاب، تدریجاً داشتیم فاصله می‌گرفتیم اما خیلی ضعیف بود. به تدریج با رشد این ریشه‌های غلط و افکار انحرافی، این فاصله بیشتر شد و در این اواخر وقتی که برای مسئولین کشور تحلیل می‌کردیم، نمی‌فهمیدیم که تدریجاً داریم از خط امام فاصله می‌گیریم. امام دارد مسئولین را تأیید می‌کند. ما داریم علیه مسئولین کارشکنی می‌کنیم. از آن طرف ما به طور خواه ناخواه - خواسته یا ناخواسته - کشیده می‌شدیم به ایجاد یک طیف فکری مستقل، جدای از مسئولین و این هم یک عامل خطر خیز در کشور است که ما متأسفانه متوجه نبودیم.

در اینجا یک محور دیگری که باید به آن اشاره کنم و آن هم نقطه عطفی است، در بازشناسی و بازیابی اشتباها و انحرافات خودم، مسئله دفتر فقیه عالیقدر است. این عوامل نفسانی و دهنی من را به این تحلیل کشاند که دفتر فقیه عالیقدر را به عنوان یک پایگاه برای تحقق اهداف خودم اهدافی که بهش ایمان داشتم و فکر می‌کردم اهداف حق مطلق است، انتخاب بکنم.

زمینه‌هایی که میث بود و مرا در این تخیل یاری می‌کرد، چند چیز بود اول اینکه مسئول دفتر، برادر من بود و آن رابطه متقابل و اعتماد متقابلی که بین من و اخوی وجود داشت، این زمینه و پارامتر مشیتی بود که من را در این فکر موفق یکند.

از آن طرف فقیه عالیقدر از سال‌های خیلی دور به من اعتماد داشتند و این اعتماد را من به عنوان

یک پارامتر بسیار مثبتی در جهت اهداف خودم می‌دانستم.

سوم اینکه آقا سعید، فرزند آیت‌الله هم با ما همدلی و هماهنگی داشت. از آن طرف تعدادی از دوستان هم در دفتر وجود داشتند، از قدیم و جدید. از طرف دیگر در شخص فقیه عالیقدر، یک سلسله رهنمودهایی را می‌دیدیم که ایشان دارند و من آن را برای آینده کشور کارساز می‌دانستم. طلیعه خوشبختی آینده می‌دانستم.

اینها مجموعاً عوامل مثبتی بود که من را جذب کرد به طرف اینکه دفتر به تصور پایگاه من است و من می‌توانم از طریق دفتر، افکارم را و تمایلاتم را جامه عمل پیوшуam.

مسئله چهارم یک مسئله از تیروهای کشور بودند. هم‌فکران ما در سراسر کشور مراجعته می‌کردند به ما، موردنی داشتند به دفتر که بعضی هایشان از طریق ما انجام می‌گرفت و ما هم در این رابطه با دفتر رفت و آمد می‌کردیم. از آن طرف ملاقات‌های حضوری که من با فقیه عالیقدر داشتم که حضوراً مسئله را گزارش بدهم و یا به طور کتبی خدمتشان بنویسم.

این هم یک عاملی بود که ما را به دفتر مربوط می‌کرد. از آن طرف تماasm را با اخوی هر چه بیشتر می‌کردم برای تحلیل، بحث، بررسی که اینکه چه باید کرد، از آن طرف گزارشاتی به آقا می‌نوشتم که این گزارشات معتقد بودم کارساز است.

و در همینجا باید عرض کنم من با گزارشاتی که به آقا می‌نوشتم، در حقیقت از اعتماد پاک و بی‌شایشه فقیه عالیقدر به خودم سوءاستفاده کردم. من می‌خواستم با نوشتن این گزارشات و نامه‌ها خدمت ایشان، در حقیقت افکار خودم را القاء و تلقین بکنم، خط بدهم و در مقابل خطر تخیلی که احساس می‌کردم وجود دارد، خودم را مصون نگه دارم خدمت ایشان و در دفتر ایشان. من از این اعتماد پاک و بی‌شایشه‌ای که این فقیه بزرگوار به من داشت، سوءاستفاده کردم و در این لحظه خودم را جداگانه‌کار می‌دانم که از این اعتمادها سوءاستفاده شد.

در مجموع در این محور که دفتر فقیه عالیقدر باشد، من به چند نقطه انحرافی امروز باید اعتراف کنم که اینها وجود داشته و ما غافل بودیم و خیلی خوشحالم که امروز متوجه شدیم. و خدا را شکر می‌کنم که این توجه و تنبیه برای ما حاصل شد.

یکی از این تحلیل‌های ذهنی ما که اکثرآ خیالاتی بود، توهمند بود متکی به افکار و بینش‌های غلط انحرافی بود، اینها را ما منتقل به دفتر و آقا می‌کردیم و اینکار کار عاقلانه نبود و کار رُشته بود که مقام معظم رهبر آینده و دفتر ایشان را ما آلوهه بکنیم به تحلیل‌های غلط، رشت و انحرافی ذهنی خودمان. از آن طرف من که یک آدم آلوهه‌ای بودم به یک سلسله اعمال و بینش‌های غلط، رشت، انحرافی و

اشتباهی، من ناید خودم را نزدیک دفتر کنم. ولی خوب این نزدیکی صورت گرفت و من تلاش بر خط دادن داشتم، تلاش بر القاء فکر داشتم هم بر دفتر و هم بر آقا. و این را یک خیانت بزرگی می‌دانم.

در حقیقت در محور دفتر فقیه عالیقدر هم که من امیدهایی بهش داشتم به عنوان یک پایگاه برای افکار آینده خودم در کشور در آنجا هم تبلوری از لغزانهای فکری، انحرافات عملی من وجود داشت و بالاخره می‌رسیم به محور دهم، در این محور مجموعه آن همه عواملی که از قبل از انقلاب به طور خیلی ریز در وجود من بود و تدریجاً همپای زمان رشد کرد و بعد از پیروزی انقلاب هم این رشد ادامه پیدا کرد و رسید به مسائلی و نقاط انحراف خیزی در رابطه با روحانیت و مسئولین کشور و دفاتر و اینها این بهجایی از انحراف و خطر رسید که حریم امامت را هم شکست.

و این واقعاً عبرت است که یک اشتباه کوچک چگونه به انحراف تبدیل می‌شود، و انحراف چگونه تبدیل به انحراف بزرگ می‌شود. آن هم چه انحرافی و انحرافی که به حریم محترم و با حرمت امامت و رهبری انقلاب سرایت بکند و منحر بشود. و این به نظر من بالاترین خیانت است. از انحراف هم خیلی بالاتر است. ما متأسفانه در اثر همان علل و عواملی که در من بود، هم در پیشام و افکارام و اعمالی یک زمانی به یک تصوراتی نسبت به امام رسیدم که امروز هم زبانم شرمنده است و هم قلم عاجز است که این مسائل را بازگو بکنم.

و این نقطه اوج انحراف من بود. چرا من به اینجا رسیدم این سوال را باید من از خودم بکنم و کردم و امروز با کمال شهامت به این گناه اعتراف می‌کنم. من از چهار چوب خط امام و رهبری دور شده بودم و نمی‌فهمیدم نسخانیات بر اعمال و اندیشه‌های من به شدت حاکم بود، نمی‌فهمیدم من بیش از اندازه به نقطه نظرهای کجع اندیشه‌خود متکی بودم، مطلق می‌کردم دیدگاههای خودم را، من در باتلاق خط و خط بازی‌ها غرق شده بودم و من تحت تأثیر غرور و تأثیر فکری و استبداد فکری قرار گرفته بودم و خلاصه من جایگاه خود را در کنار کجا هستم و حس نمی‌کردم این حق جسارت با من نیست، با هیچکس نیست. نفس با من نسبت به رهبری خودش و پیشو خودش این حارت‌های غلط‌آمیز را بکند.

من از خداوند بزرگ اولاً جدأ درخواست مغفرت دارم و خودم را در مقابل خداگناهکار می‌دانم و احساس می‌کنم خدا اگر مرا بخشد، من در دنیا و آخرت معذبم.

از مقام معظم رهبری هم درخواست می‌کنم مرا بخشنده، من ایمان دارم به اینکه نیروهای من و انرژی‌های من این قدر هست که در کشور و انقلاب کارساز باشم، می‌توانم گذشته‌هایم را جبران کنم.

قادرم بر اصلاح امور.

امیدوارم که اولاً خداوند مرا بیخشد، ثانیاً حضرت امام امت مرا با دیده عفو و اغماض مرا مورد عفو و رحمت خود قرار دهد.

پیام به همکران

در خاتمه یک پیام مختصری دارم عرض می‌کنم.

من از غموم برادران و عموم دوستانی که از فکر من، اندیشه من، عمل من الهام می‌گرفتند و مرا الگوی خودشان می‌دانستند، خواهش می‌کنم در اعمالشان تجدید نظر کنند. استدعای من این است که فکر و عمل مرا الگو قرار ندهند و سعی کنند در خودشان و اعمالشان و اندیشه‌هایشان تجدید نظر کنند. من با توجه به موقعیت حساس کشور و توطئه استکبار جهانی در خواستم از نیروها این است که با تعصب خودشان بشینند و خودشان را وکردار خودشان را به نقد بکشانند و از روح خود بزرگ بینی و تعصب خلاص شوند.

من فکر می‌کنم که اگر از این خصلت‌های کلیف، انسان خارج بشود و خط خود را در راستای خط امام و چارچوب مقام رهبری بینند، همان طوری که اسلام دستور داده با ملاک‌های شرعی و ضوابط اسلامی خودش را به دور از حب و بعض‌ها بستجد، خواهد توانست یک زندگی اسلامی منطبق با خط امام تنظیم بکند و من استدعایم از همه نیروها و برادرانی که به گونه‌ای با من ارتباط داشتند و نزدیک بودند، خواهش بر این است که به دور از همه تعصبات و همه خواهش‌های نفسانی، خودشان را در چهارچوب تبعیدی نسبت به رهبری بینند و با آنها خودشان را محک برزنند.
والسلام عليکم و رحمت الله و برکاته

نامه به رئیس مجلس ملی فرانسه

جناب آقای ژاک شابان دلماس

و رئیس محترم مجلس ملی فرانسه

نامه جنابعالی را که توسط هیأت سیاسی ارسال شده بود، دریافت داشتم و تأکیدی که بر لزوم رفع تیرگی‌های روابط دو کشور و نقش دو محظس ما در این زمینه داشتید، مورد تصدیق اینجانب نیز هست و از شما که پیشقدم شده‌اید مشکرم.

در مذاکره با هیأت فرانسوی به طور مختصر مطالبی درباره علل تیرگی روابط و راه رفع تیرگی گفتم که لابد گزارش را به شما داده‌اند. فکر کردم حال که جواب نامه جنابعالی را می‌نویسم مطالب را مژروح تر و باز بنویسم که اگر جنابعالی مایل باشید، مسائل را تعقیب کنید، با اطلاع کامل اقدام نمایید و اگر مصلحت می‌دانید، مطالب من را در اختیار نمایندگان مجلس فرانسه قرار بدید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، فرانسه به خاطر میزانی رهبر انقلاب، در میان مردم ما بیش از کشورهای دیگر محبوب بود. همان روزهایی که سفارتخانه دیگر کشورهای غربی به خاطر همراهی تان با رژیم گذشته، مورد تعرض مردم بودند، مردم برای سفارت فرانسه گل هدیه می‌گردند. اسم خیابان‌ها و شهرک‌هایی را "نوقل لو شاتو" گذاشتند و زمینه توسعه همکاری با فرانسه و جایگزینی با روابط آمریکا در اینجا فراهم بود. متاسفانه مسئولان فرانسه با اطلاعات ناقص و گمراه کننده خود در مورد انقلاب ایران، یا تحت تأثیر عوامل دیگر، برخورد درستی با ایران نداشتند و کار به اینجا رسیده

۷۱۳ اوج دفاع
ضمائیں

رونوشت نامہ

است که می بینید و مهم این است که ایران هیچ گونه سهمی در تیره کردن روابط نداشته و طبیعی است که برای عادی شدن روابط، گام های عملی را باید کشور شما بردارد و ذیلاً قسمتی از اقدامات غیردوستانه و بلکه خصمانه فرانسه را می آوریم:

۱- بدون عذر موجهی از پرداخت وام یک میلیارد دلاری ما خودداری شد؛ آن هم در شرایطی که ما به خاطر جنگ پیش از شما به آن نیازمند بودیم.

۲- در مورد جنگ تحمیلی با اینکه فرانسه می داند عراق متجاوز و آغازگر جنگ و هتك کننده مقررات بین المللی در موارد به کار گیری اسلحه شیمیایی، زدن شهرها، حمله به هواپیماهای مسافربری، نامن کردن راه های دریایی و آلوده کردن محیط زیست دریایی است، به صورت کامل و همه جانبه از عراق حمایت کرد و حمایت را تا جایی پیش برداشت که بی سابقه کرایه دادن جنگنده های غیر قابل فروش و..... به عراق برای زدن کشتی ها نمود و مطمئناً پیش از نود درصد از کشتی های آسیب دیده ما در خلیج فارس، با موشک ها و پرندگان شما مورد اصابت قرار گرفته و هنوز هم ادامه دارد و می شود ادعای کرد که حمایت فرانسه از عراق، از همه کشورهای غربی و عربی بیشتر است.

۳- کشور شما از تروریست های فراری ضد انقلاب ایران، به گونه ای بی سابقه در عرف روابط بین المللی حمایت کرده و می کند. تا آنجا که هواپیمای درزیده شده ما و حامل جنایت کارانی که دستشان به خون ۷۲ نفر از شخصیت های درجه اول انقلاب ما، منجمله سی نفر نماینده مجلس و چهار وزیر و رئیس قوه قضائیه بود، به صورت قهرمان در کشور شما مورد استقبال قرار گرفتند و امکانات تبلیغی فراوانی در اختیار شان قرار گرفت که هر چه می خواهند دروغ بگویند و تهمت بزنند و عجیب اینکه شیه رؤسای درجه اول خودتان، از آنها حفاظت می کنند.

یقیناً شما می دانید که نشریات و رادیوهای رسمی آنها هر روز مسئولیت چند جنایت و جرم روشن را از قبیل انفجار بمب و ترور افراد غیر نظامی و تخریب و آتش سوزی و سرفت و جاسوسی و ربودن هواپیما را به عهده می گیرند.

۴- در تمام این مدت رسانه های جمعی شما، شیه عراق و ضد انقلاب فراری، با مسائل ایران برخورد کرده است.

۵- نماینده گان شما تقریباً در همه مراکز بین المللی، یا حرف و رأی، مواضع خصمانه علیه ما داشته اند و شما نمی توانید موردم را نشان بدید که جمهوری اسلامی با شما رفتار مشابه موارد فوق داشته باشد.

از مدتی پیش وزارت امور خارجه شما ادعای اراده اصلاح روابط داشته، ولی تاکنون اقدام

قابل توجهی جز حرف ندیده‌ایم.

البته پس از انتخابات و روی کار آمدن دولت جدید، آثاری از جدی بودن دولتمردان فرانسه در اصلاح مواضع خصمانه گذشته دیده می‌شود، از قبیل سرعت عمل و اظهارات تحسیت وزیر در مجلس و نامه‌های چهار مسئول طراز اول شما به مسئولان ایران و قرائتی دیگر. اما این مقدار برای جبران ماقات کافی نیست و ما را مطمئن نمی‌کنید. در خاتمه با صراحة - که از ویزگی‌های مسئولان نظام ما است - اعلان می‌کنم:

اگر مسئولان شما بخواهند گذشته را جبران کنند و روابط دوستانه بر اساس منافع طرفین ایجاد نمایند، جمهوری اسلامی هم آمادگی دارد و توقعی خارج از عرف و مقررات بین‌المللی و مقررات دو کشور ندارد
و اگر باز هم بنا است مثل گذشته، ادعا و عمل در دو جهت متناقض حرکت کنند، بهتر است وقت شما و ما تلف نشود و ما را هم لاید در این چند سال آزموده‌اید.

رئيس مجلس شورای اسلامی
۱۳۶۵/۱/۲۶
اکبر هاشمی

نامه به نخست وزیر چین

جناب آقای زائوزیانگ نخست وزیر چین

با تشکر از مساعدت‌های شخص جنابالی در خصوص انجام بحثی از معاملات مورد نظر، لازم است که جنابالی مطلع باشید، به خاطر محدود بودن افراد آموزش دیده، ما هنوز نتوانسته‌ایم از امکانات تهیه شده استفاده ببریم و آن گونه که کارگزاران کشور شما می‌گویند، تا تکمیل کادر مورد لزوم برای حداقل استفاده، فاصله داریم و چیزهایی که انتظار می‌رفت در مدت چند ماه به کار گرفته شود، پس از گذشت پیش از یک سال هنوز به نتیجه نرسیده است.

خواهشمند است دستور خاص جنابالی برای اعزام گروه مردمی و آموزش به ایران صادر شود که بتوانیم سریعتر به اهداف خود برسیم. در اینجا همه امکانات برای حسن اجرای برنامه‌ها و صحرمانه ماندن حضور افراد شما آماده است، و بی‌شك تکمیل مساعدت شروع شده، اثر نیرومندی در توسعه روابط دو کشور در آینده خواهد داشت. سلامت و سعادت ایران و مردم کشور دوست خودمان چین را خواستاریم.

رئيس مجلس شورای اسلامی

۱۳۶۵/۴/۲۵

رونوشت نامہ

حکم برای فرمانده کل سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی

جناب آقای محسن رضایی

فرمانده محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بر اساس اختیارات تفویضی حضرت امام و پس از کسب اجازه از مقام محترم ایشان و مشورت با ریاست جمهوری، جنابعالی را به عنوان جانشین خود در امور جنگ تعیین می‌نمایم و جناب سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش بنا به موافقت شما و ایشان، به معاونت شما انتخاب می‌شوند. در این شرایط که با اشاره مقام معظم رهبری نیروها مردمی و امکانات دولت و مردم برای جنگ بسیج شده و دشمن در اثر ضربه ناشی از پیروزی های والتجر ۸ پریشان است، لازم است با توکل بر خدای قادر قاهر ججه را فعال و عرصه را بر دشمن مت加وز تنگ نمایید.

۷۱۹ اوج دفاع
ضمائیں

رونوشت نامہ

با توجه به تلاش‌های مذبوحانه دشمن در برخی از نقاط جبهه برای اعاده روحیه سربازان شکست خورده‌اش لازم است یا هماهنگی کردن نیروهای سپاه و ارتش و مردمی در درجه اول موضع پدافندی را تقویت و آسیب‌ناپذیر کنید و سپس بدون فوت فرصت در نقاط حساس و استراتئیک به بعثیان عفلقی ضریب بزنید.

سریعاً سازمان جدید خود را با توجه به مسئولیت جدید، برای تصویب به اینجانب پیشنهاد کنید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

فرمانده جنگ

۱۳۶۵/۱/۲۲

٧٢١ اوج دفاع
ضمانیم

حالی

۷۲۲

کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۵

۷۲۳ تصاویر

٧٢٣ اوج دفاع
ضمانیم

حالی

۷۲۴

کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۵

پایان تصاویر ۷۶۵

٧٢٥ اوج دفاع
ضمانیم

حالی

۷۲۶

کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۵

شروع سر صحنه آرم نساب ۷۶۹

٧٢٧ اوج دفاع
ضمائمه

٧٧٠ حالی

شروع متن نسایه ۷۷۱

- ارشادی، ۱۸۰
اروج، ۱۲۶
ازهای، جواد، ۲۳۷، ۱۹۲
اسد، حافظ، ۲۲۹، ۱۷۲، ۱۴۹، ۱۴۵، ۵۲، ۲۵، ۲۱، ۱۰۰، ۱۴۹، ۱۴۵، ۵۲
اسدی جهرمی، ۴۱۴
اسدی، نماینده اهواز، ۱۰۱
اسرافیلیان، ابراهیم، ۱۸۲، ۱۰۸
استوفک، بوهسلاو، ۲۳۴
اشترکن، هانس، ۴۳۷
اشرفی اصفهانی، محمد، ۲۷۰
اصغرینیاوبیند، شهرام، ۲۵
اصغری، محمد، ۲۰۵
اعرابی، اکبر آقا، ۲۴۶
انتخار جهرمی، ۲۷۶
افسری، پروین، ۲۸۷
اقبالی پور، جواد، ۲۶۶، ۱۹۶
اکرمی، سید رضا، ۴۵۰
اکرمی، سید کاظم، ۴۶۷، ۳۸۵، ۲۹۹، ۲۶۹، ۲۳۱، ۴۱۹
اکرمی، نماینده سمنان، ۳۳۸، ۲۶۲
الاحمد الصباح، شیخ جابر، ۱۰۹
الذوبی، محمود، ۱۴۵
الکسم، عبدالرئوف، ۲۴۰
الماعدیه، محمد شریف، ۲۰۰
النعمی، راشد عبدالله، ۲۶۵
التویری، مرتضی، ۲۱۷
امام جعفر صادق(ع)، ۴۴۱، ۳۳۸
- آبه، شیتشارو، ۳۹۲، ۱۷۲، ۱۶۵، ۱۶۹
آجیلاتا، ۱۷۷
آخوندزاده، ۱۸۶
آخوندی، ۴۰۵
آذری قمی، احمد، ۲۴۸، ۲۴۲
آشتیانی، ۲۲۱
آصفی، ۱۰۳
آقادجال، ۲۴۶، ۲۴۰
آقازاده، غلامرضا، ۸۵۲، ۱۳۲، ۱۱۷، ۹۷، ۸۸، ۶۹، ۱۷۵، ۱۶۱، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۷۶، ۱۵۹
آردی، ۸۲۳، ۸۱۴، ۸۰۶، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۲۰، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۳، ۸۲۰، ۸۲۷، ۸۲۴، ۸۲۳، ۸۲۰، ۸۲۹
آرکی، ۴۲۰، ۴۰۶، ۳۹۳، ۳۹۱، ۳۸۱، ۳۸۰، ۳۷۲
آل اسحاق، ابوالحسن، ۶۶
آلدره، ویکتور، ۲۶۸
آمیرزا احمد، ۲۷۵
آیت‌الله‌ی، محمد رضا، ۳۷۱
ابو خالد، ۴۹
ابوشريف، ۳۴۱
ابوعمار، ۴۹
اجاره‌دار، حسن، ۳۸۴
احمدی، ۲۵۴
اخوان فرشچی، ۲۷۲
اخوان مرعشی، ۳۳۴، ۹۸
اخوان مرعشی، محسن، ۲۲۴
اراکی، ۴۰۲
ارسنجانی، ۳۸۱

- | | |
|---|--|
| پاریکبین، امام جمعه قزوین، ۲۳۳، ۹۳ | امام جمارانی، سید مهدی، ۲۶۱، ۱۹۴ |
| بازرگان، مهدی، ۷۷، ۴۳۵، ۲۰۶، ۲۰۵، ۱۹۹، ۹۳، ۸۵ | امام حسین(ع)، ۴۱۱، ۱۳۷ |
| | امام رضا(ع)، ۲۰۸ |
| بازرگان، (همافر)، ۲۳۸ | امام علی(ع)، ۱۳۷، ۵۵ |
| bastani، قادر، ۲۵ | امام محمدباقر(ع)، ۲۲۹ |
| باکری، مهدی، ۳۹ | امام مهدی(عج)، ۴۳۵، ۳۸۳، ۸۹ |
| باکلی، ویلیام، ۲۷۴، ۲۷۰ | اماکن کاشانی، محمد، ۳۹۸، ۳۶۲، ۳۲۷ |
| بانکی، محمد تقی، ۴۹۹ | اماکنی، سعید، ۱۸۳ |
| باهنر، خانم، ۴۲۸ | امراللهی، رضا، ۴۵، ۸۰، ۱۲۶، ۱۲۵، ۲۸۵، ۲۱۶ |
| باهنر، محمدجواد، ۴۲۸، ۳۱۵، ۳۹۱، ۲۷۸ | ۳۹۴ |
| بختیار، شاپور، ۹۹، ۸۷ | امیرزاده ایرانی، ۲۷۶ |
| برقعنی، سیدرضا، ۲۷۳، ۲۳۱ | امینی، ابراهیم، ۱۸۷ |
| برقعنی قمی، سیدمرتضی، ۲۸۸ | ازابی، ۲۷۶ |
| بروجردی، آیت الله، ۱۸۱ | انصاری، حمید، ۲۵ |
| بری، نبیه، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۲۷ | انصاری، محمدعلی، ۲۲۴، ۲۵۷ |
| بشراتی، جلیل، ۲۳۷ | انواری، محمدباقر محی الدین، ۱۹۴، ۱۸۹، ۴۶ |
| پشارتی، علی محمد، ۲۶۹ | ۳۷۲، ۳۰۴، ۲۵۸ |
| بنی صدر، ابوالحسن، ۲۸۷، ۲۱۶، ۴۳ | اوتو اوتو توکی، ۱۷۵ |
| بنی هاشمیان، سیدابراهیم، ۴۰۲ | اوزال، تورگوت، ۲۹۱، ۲۷۱ |
| بوش، جورج، ۲۷۰، ۲۲۹ | ایروانی، محمدجواد، ۲۷۱ |
| بهادران، ۲۵۰ | ایزدی، مصطفی، ۲۶۹، ۲۵۱، ۲۴۳، ۱۸۵ |
| بهاری، عباسعلی، ۲۱۴ | ایلیدوادوا، ۴۴۲ |
| بهرامی، حمید، ۳۶۸، ۱۱۷ | بابائی، عباس، ۲۳۱، ۷۳ |
| بهرامی ساوجی، ۷۲ | بابائی، سرهنگ، ۲۶۳، ۳۴۸ |
| بهروزی، مریم، ۲۷۶ | بادامچیان، اسدالله، ۶۳، ۲۴۹، ۱۹۲، ۲۵۸، ۲۶۹ |
| بهشتی، محمد، ۳۲۳، ۳۱۲، ۲۷۹، ۱۵۰، ۱۰۰ | ۳۷۸، ۲۹۷ |
| بهشتی، محمدرضا، ۴۳۶، ۱۹۲، ۹۶ | باریکانی، داریوش، ۳۵ |

- | | |
|---|--|
| توكلی بینا، ابوالفضل، ۱۰۰، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۰۹ | بی آزار شیرازی، عبدالکریم، ۲۶۷ |
| ۴۰۶، ۳۹۴، ۳۸۶ | بیات، اسدالله، ۲۰۵ |
| تولایی، ۲۹۱، ۲۶۴ | بیطاط، رابح، ۴۰۳ |
| تولیت، ابوالفضل، ۳۶۲، ۳۱۱، ۳۱۰ | بیگدلی، دکتر، ۱۱۰ |
| تولیت، خانم، ۲۶۲ | پالمه، اولاف، ۴۵۲ |
| تهرانی، خسرو، ۴۵۲ | پرزدکوئیار، خاویر، ۶۱، ۵۹، ۳۹، ۱۶ |
| تهرانی، علی، ۸۵ | پرن، زان، ۵۲، ۵۱، ۴۹ |
| تیزازتی، مصطفی، ۳۹۱ | پرورش، علی اکبر، ۱۰۰ |
| جاسبی، عبدالله، ۴۴، ۱۹۲، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۲۱، ۲۴۱ | پرهیزکار، اکبر، ۳۲۳، ۱۳۰ |
| ۳۱۹ | پسندیده، سید مرتضی، ۳۱۷ |
| جزایری، دکتر، ۳۴۳، ۳۲۵ | پنگ زین، ۱۶۰، ۱۵۹ |
| جعفری، رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۰۳ | پهلوی، اشرف، ۱۸۹ |
| جعفری، مفتی لبنان، ۱۵۲ | پهلوی، محمدرضا، ۱۹۶، ۱۰۸، ۹۸ |
| جلالی، محمدحسین، ۱۰۳، ۲۹۹، ۳۳۷، ۳۶۵، ۳۸۴ | پیری، استادار استان مرکزی، ۲۰۸ |
| ۳۹۴ | پیشو، سیداحمد، ۱۸۰ |
| جلود، عبدالسلام، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۲، ۲۱۷ | تاتلی، نماینده مریوان، ۲۱۲ |
| ۲۷۰ | تاج گردون، ۲۰۵ |
| جمالی، سرهنگ، ۴۰ | تاجیک، نصرت الله، ۴۰۰ |
| جمشیدی (همافر)، ۱۰۹ | ترابی پور، مصطفی، ۸۱۷، ۸۱، ۵۲، ۵۱، ۳۸، ۴۲ |
| جمی، امام جمعه آبادان، ۳۱۹ | ۳۴۲، ۳۴۱، ۲۴۰، ۲۲۷، ۲۲۵، ۲۲۲، ۲۱۰، ۱۹۴، ۱۲۵، ۱۲۴ |
| جنتی، احمد، ۱۸۰ | ۳۹۳، ۳۹۱، ۳۴۸، ۳۴۲، ۳۳۴، ۳۲۶، ۳۲۱، ۳۱۸، ۲۴۵، ۲۴۳ |
| چهان آرا، محمد، ۲۴۰ | ۴۰۳ |
| چمران، مهدی، ۲۶۸ | ترکان، اکبر، ۴۵۰، ۲۹۲ |
| حائزی شیرازی، محی الدین، ۱۸۰ | تمیمی، اسعد، ۱۳۱ |
| حائزی، مرتضی، ۴۴۸، ۴۳۹ | تندگویان، محمدجواد، ۲۷۴ |
| حائزی یزدی، عبدالکریم، ۴۳۹ | توسلی، محمدرضا، ۲۸۲ |
| | توكلی، احمد، ۳۳۱ |

- | | | |
|------------------------------|-----|--|
| حاج یوسف، ۹۴ | ۵۰ | خاتمی، سیدمحمد، ۲۹۹، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۸۳، ۹۷ |
| حیبی، ابوطالب، ۳۴۲ | | خاطر، سلیمان، ۳۷۷، ۳۷۶ |
| حیبی، حسن، ۴۹۳ | | خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی، ۲۲، ۲۲ |
| حیبی، محمدبنی، ۲۵۱ | | ۴۱، ۴۸، ۴۰، ۴۲، ۴۰، ۴۲، ۴۰ |
| حیبی، نجفقلی، ۸۷ | | ۸۲، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۴، ۷۰، ۶۹، ۶۷، ۶۶، ۵۹، ۵۷، ۴۵، ۴۳ |
| حجازی، ۱۸۷ | ۹۷ | ۵۱، ۱۰۹، ۱۰۸، ۹۹، ۹۸، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۰، ۸۸، ۸۶، ۸۵ |
| حجازی، فخرالدین، ۲۷۶ | | ۵۷، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۲ |
| ۴۵۱ | ۳۹۴ | ۸۰، ۴۰، ۴۰، ۱۹۹، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳ |
| حجتی، عزیز، ۲۷۶ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۱۹، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۵، ۴۱۴ |
| حجتی کرمانی، علی، ۳۷۷ | ۳۱۷ | ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۲۷ |
| حجتی کرمانی، محمدجواد، ۳۰۱ | ۲۱۷ | ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۲۷ |
| حسن سعید، ۲۲۶ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسن مبارک، ۱۴۳ | | ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسین تاش، ۲۵۴ | ۴۸ | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسینی، ۲۷۶ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسینی، ابوالحسن، ۲۷۶ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسینی خامنه‌ای، بدروی، ۸۸ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسینی خامنه‌ای، سیدمحمد، ۴۶۱ | ۲۸۳ | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسینی، سیدمنیرالدین، ۴۶۲ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسینی علوی، محمد، ۴۵۵ | ۲۵۴ | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسینی نژاد، ۲۷۶ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حسینی، نهایتده سیرجان، ۳۸۰ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حضرت محمد(ص)، ۳۹ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حکیم، ۴۲۰ | ۳۱۹ | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حکیم، سیدمحمدباقر، ۴۹۰ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حکیمی، حبیب‌الله، ۴۵ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |
| حمیدی، سیدهاشم، ۲۰۱ | | ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ |

- ریانی املشی، محمد Mehdi، ۱۰۸، ۱۰۳، ۸۰، ۷۴
۲۰۴، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۲۲
رجایی خراسانی، سعید، ۴۴۲، ۲۹۰
رحمانی، ایرج، ۲۴۵
رحمانی، حسینعلی، ۶۷
رحمانی، محمد علی، ۳۷۰، ۲۴۶
رحمی، ۴۲۹، ۵۱
رحمیان، محمد حسن، ۴۴۸، ۲۴۱، ۸۸
رحمی، سید نورالدین، ۴۲۳
رحمی، غلامرضا، ۲۷۲، ۳۷۰، ۲۵۸
رحمی، نماینده سابق شهر باک، ۲۶۷
رحمی (توجوان آزاده)، ۳۳۷
رزاقی، ابوالقاسم، ۴۲۳
رزمجو، حسن، ۲۵۴
رسولزاده، ۲۶۲
رضایی، محسن، ۴۱، ۴۲، ۴۱، ۴۷، ۴۲، ۵۳، ۵۲، ۷۳، ۶۹، ۶۲، ۸۶، ۸۹، ۸۷
۱۸۵، ۱۵۲، ۱۲۲، ۱۱۶، ۱۰۷، ۹۹، ۹۴، ۹۰، ۸۷
۸۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۲۷، ۲۱۹، ۲۰۱، ۱۹۹، ۱۹۳، ۱۹۰
۸۳۱، ۸۲۱، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۴۰
۸۶۴، ۳۲۵، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۰۶، ۲۰۰، ۲۹۷، ۲۹۴، ۲۹۰
۳۶۶، ۳۱۳، ۳۱۰، ۳۰۶، ۴۰۴، ۳۹۸، ۳۹۶، ۳۹۱، ۳۸۴، ۳۸۰، ۳۶۶
۴۵۴، ۴۵۲، ۴۴۸، ۴۳۹، ۴۲۷
خمینی، سید حسن، ۴۴
خوئی، سید ابوالقاسم، ۶۱
خوانساری، کاظم، ۳۶۹
خیر، ۳۳۹
خیمه کبود، جلال، ۳۵
دادبین، سرهنگ، ۲۱۶، ۲۶۷
داودی شمسی، ۳۴۱
داودی، عبدالله، ۲۶۳
دری نجف آبادی، قربانعلی، ۳۷۶، ۳۷۴
دستغیب، سید علی اصغر، ۱۸۰
دستغیب، سید علی محمد، ۳۹۷، ۳۹۶
دستغیب، سید محمد مهدی، ۱۸۰
دستغیب، سید محمد هاشم، ۱۸۰
دعاعگو، محسن، ۲۶۳، ۲۲۰، ۲۱۰، ۲۰۴، ۱۹۳
دعایی، سید محمود، ۲۱۶
دوزدوزانی، عباس، ۲۹۲
دوما، رولان، ۲۳۶، ۵۱
رئیس زاده، ۲۷۶
راجی، ۳۳۹
رازینی، علی، ۳۳۴، ۱۰۰
راه چمنی، محمد رضا، ۲۰۵

- سازگاریزاد، محسن، ۱۱۷
- سالاری، ۲۶۳، ۱۹۶
- سالاری، حسین، ۲۲۶
- سالک، احمد، ۴۰۲، ۲۰۱
- ساوه، عبدالحسین، ۲۵۲، ۳۱۱
- سخاچی، سرهنگ، ۲۴۰
- سخاچی، سفیر در قطر، ۳۲۵
- سدیفی، سودابه، ۴۳
- سرحدی زاده، ابوالقاسم، ۲۹۹، ۲۰۵، ۱۹۲، ۱۸۳
- سرفرازی، ۲۴۵
- سروری، ۱۰۸
- سروری، سرهنگ، ۱۸۹
- سعدمجبر، ۴۰۵
- سعوفیصل، ۱۴۰، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۰، ۹۷
- سعیدالذکرین، ۴۵۲
- سعیدی کیا، محمد، ۲۹۹
- سعیدی، مستول حفاظت اطلاعات، ۴۲۳
- سلامتی، محمد، ۲۰۵
- سلحشور، ۲۱۸
- سلطانی، غلامرضا، ۴۲۳
- ستحقی، ۳۹۴، ۳۵۲، ۵۷
- شهرابی، اسماعیل، ۴۱۱، ۲۶۴، ۳۹
- سیاح، ۲۱۰، ۸۵
- سیدررضی، ۴۰۴
- سیدزاده، سیدجلیل، ۱۳۰، ۱۲۵
- سیدزکی، ۲۷۴
- ۳۶۲۳، ۳۱۴، ۴۱۱، ۴۰۴، ۴۰۳، ۳۹۴، ۳۸۳، ۳۸۱، ۳۷۲
- ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۴، ۴۳۰، ۴۲۸، ۴۲۷
- رمضانی، ۲۱۲
- رنجبی، ۲۸۶
- روحانی، حسن، ۲۰۶، ۱۲۲، ۱۱۷، ۱۱۵، ۲۷۷، ۲۵۳
- ۳۵۵، ۳۳۸، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۷۶، ۲۶۸، ۲۶۱، ۲۵۲، ۲۲۴
- ۴۰۰، ۳۹۷، ۳۹۳، ۳۸۵، ۳۸۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۶۵
- ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۱۹، ۴۱۷، ۴۱۶، ۴۱۴، ۴۱۲، ۴۰۴، ۴۰۳، ۴۰۲
- ۴۵۱، ۴۵۰، ۴۴۸، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۲۸، ۴۲۵، ۴۲۱، ۴۲۰
- روحانی (زیارتی)، سید حمید، ۳۴۳
- روحانی، سید صادق، ۳۴۶، ۲۳۶
- روحانی، (مترو)، ۴۵۰
- روغنی زنجانی، مسعود، ۴۴۱، ۳۲۴، ۳۰۱، ۲۹۹
- رهامی، محسن، ۲۸۸
- رهنما، ۳۷۶، ۲۴۱
- ریاضی، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳
- ریگان، روتالد، ۷۷، ۷۸، ۷۷۳، ۷۷۲، ۷۷۱، ۲۲۹
- زائری، نماینده هرمزگان، ۳۴۹
- زانوزیانگ، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۹۲
- زالی، عباسعلی، ۴۴۶، ۲۹۹، ۱۸۳، ۱۱۷، ۹۹، ۵۶۹
- زمانیان، احمد، ۴۱۹، ۵۶۷
- زمانی، ولی الله، ۳۶۸، ۳۶۱
- زواره‌ای، سید رضا، ۴۷، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۸۳، ۲۰۵
- زوایی، صلاح، ۲۴۹، ۱۰۴، ۴۹
- زوق، محمد حسن، ۹۷، ۷۰، ۵۶۱، ۵۷
- زینب (س)، ۲۸۳، ۱۴۹

- شیراک، راک، ۲۷
- صادقی، ۴۰۲
- صادقی، سرهنگ، ۴۱۶
- صالحی، نماینده اصفهان، ۴۰۱، ۱۰۴
- صانعی پور، ۴۰۴
- صانعی، محسن، ۲۸۷
- صانعی، یوسف، ۱۸۱، ۱۱۵، ۱۰۹
- صدر، بنت الهدی، ۵۶
- صدر حاج سید جوادی، احمد، ۳۶۲، ۲۰۵
- صدر، سید محمد باقر، ۵۶
- صدر، سید موسی، ۱۵۲، ۱۴۷، ۱۴۳، ۱۵۵، ۵۱
- صدیقانی، نماینده سلماس، ۲۲۳
- صدوقی، آیت الله، ۲۲۳
- صدیق، هوشنگ، ۵۲، ۴۱، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۷۷، ۵۶، ۵۲
- صدیق، ۲۱۵، ۲۳۰، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵
- صدیقی، ۱۲۴
- صدیقی، کلیم، ۱۰۳
- صفا، ۱۰۸
- صفاتی ذرفولی، ایرج، ۲۰۱، ۱۰۱
- صفاری، ۱۸۵
- صفایی، ۳۹۱
- صفریان، اکبر، ۳۴۳
- صفوی، یحیی رحیم، ۱۱۶، ۹۹، ۲۲۰، ۲۲۱
- صمدی مصطفوی، ۲۰۵
- صوفی، ۲۳۷
- صیاد شیرازی، علی، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۲
- سیف الدین، ۱۵۶
- شافعی، غلامرضا، ۱۰۳، ۲۹۹
- شاملو، ۲۸۵، ۳۲۹
- شاهچراغی، سید حسن، ۴۲۳، ۴۴۵
- شجاعی، سید حسن، ۹۸، ۱۱۶
- شرافت، سیروس، ۷۰
- شرعیتمداری، ۱۹۴
- شرعیتمداری، سید کاظم، ۴۵۱، ۴۳۹، ۲۳۶
- شرعیتمداری، علی، ۱۰۴
- شرعیتی، از کمیته اسراء، ۴۰۵
- شرعیتی (معاون پارلمنتی وزارت کشور)، ۳۶۳
- شعبان، شیخ سعید، ۱۴۷، ۲۵۲
- شفیعی، شفیع، ۲۸۸
- شمخانی، علی، ۱۱۰، ۵۶۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۱۹، ۲۰۷، ۱۱۰
- شواردنادزه، ادوارد، ۴۰۳
- شهرکی، نماینده زاهدان، ۴۴۶، ۳۴۹
- شیائوپینگ، تنگ، ۱۵۰، ۱۵۹
- شیبانی، عباس، ۲۷۴، ۲۰۴
- شیخ الاسلام، حسین، ۱۹۴، ۸۷
- شیرازی، امام جمعه مشهد، ۳۹۲
- شیرازی، شیخ عباس، ۱۲۳، ۱۲۲

- عبدالسلام ترکی، علی، ۱۲۷
- عبدالقهرار عبد الرحمن، خالد، ۲۸۲
- عبدحق، جواد، ۲۶۹
- عبدخدائی، ۲۵۸
- عجالی، عبدالحمید، ۴۰۳
- عرانی، امیر، ۳۱۱، ۱۹۳
- عربی، محمدعلی، ۴۱
- عرفات، یاسر، ۱۴۷، ۱۴۴، ۴۹
- عرفانی، نماینده تالش، ۴۳۳
- عروج، ۳۶۶
- عزیز، طارق، ۴۳۱، ۴۱۸، ۵۰
- عزیزی، ۳۴۰
- عزیزی، احمد، ۳۹۴
- عسگراولادی، اسدالله، ۴۰۵
- عسگراولادی، حبیب الله، ۲۰۵
- عطائی، نماینده ستندج، ۳۲۲
- عطاری، احمد، ۲۸۵
- علاوی، حسین، ۸۱
- علم الهدی، خانم، ۲۴۸
- عليخانی، قدرت الله، ۲۱۰، ۲۹۷، ۲۷۵
- عليزاده، ۲۲۶
- عليزاده، نماینده اردبیل، ۳۵۵
- على ناصر، محمد، ۲۸۱
- عمیل، ۲۴۹
- عیسی(ع)، ۳۵۴
- غرضی، محمد، ۴۵، ۸۴، ۱۳۲، ۱۲۸، ۱۷۹، ۱۳۲، ۱۸۸، ۱۸۳، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۸۳، ۱۷۹
- عبدالباسط، ۱۰۱
- عبدالرشید ماهر، ۴۱۸
- ضیاء الحق، ۳۸۱، ۲۱۵۳
- طالبانی، جلال، ۴۳۱، ۷۹
- طاهری اصفهانی، جلال الدین، ۲۵۲، ۲۳۶، ۳۱۶
- طاهری، حسین، ۴۰۴
- طاهری خرم آبادی، محمد حسن، ۱۸۷
- طباطبائی، ۷۸
- طباطبائی، دکتر، ۲۳۱
- طباطبائی، سید عباس، ۲۸۶
- طباطبائی، صادق، ۲۵۲، ۱۲۵
- طباطبائی، علامه سید محمد حسین، ۳۱۸، ۱۸۱
- طباطبائی، فرشته، ۲۱۶
- طباطبائی، مهندس، ۲۸۳
- طبعیان، ۲۴۹
- ظهیرنژاد، قاسمعلی، ۲۴۰
- عادی جعفری، حسن، ۲۹۹، ۲۹۱، ۲۲۳، ۱۸۵
- عادلی، محمد حسین، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۷۸
- عبانی خراسانی، محمد، ۳۸۱
- عباسپور، شهید، ۳۵۲
- عبدالرباسط، ۱۰۱
- عبدالرشید ماهر، ۴۱۸

- | | |
|---|--|
| فیروزآبادی، حسن، ۲۸۵، ۳۶۵، ۳۷۰ | ۳۸۳، ۳۳۷، ۲۹۹، ۳۹۴، ۲۹۱، ۲۸۵، ۲۷۸، ۲۷۵ |
| فیض‌گیلانی، ۳۱۷ | غروی رفسنجانی، ۴۱۴ |
| قادری، مصطفی، ۲۰۵، ۲۲۴ | غزالی مصری، محمد، ۴۰۰ |
| قاسم‌زاده، ابوالقاسم، ۷۰ | غفاری قره‌باغ، میراکبر، ۲۸۰ |
| قاضی، ۴۲۸ | غفاری، هادی، ۲۶۱ |
| قاضی، سید‌مجد‌الدین، ۴۰۲ | غفوری فرد، حسن، ۱۰۷ |
| قدّافی، معمر، ۴۸، ۲۵، ۱۸۷، ۱۴۰، ۱۷۷، ۱۳۴، ۹۳، ۵۰، ۱۵۲ | غیوری، ۴۱۹ |
| ۴۰۵، ۳۶۹، ۲۷۴، ۲۷۰، ۲۶۳، ۸۱۷، ۸۸۸، ۱۸۷ | فارسی، جلال‌الدین، ۱۸۳، ۲۵۸ |
| قرائتی، محسن، ۱۰۹، ۱۰۰ | فضل ایرج، ۱۱۲، ۸۷ |
| قربانی، زین‌العابدین، ۲۷۶ | فضل هرنده، ۵۶۸، ۱۱۷ |
| قربانی فر، منوچهر، ۲۲۹ | فاطمه‌معصومه (س)، ۳۷۲، ۳۱۰ |
| قوچقی، دکتر، ۴۴۰ | فدایی، اسماعیل، ۲۷۶، ۳۲۵ |
| کارتی، جیمی، ۹۳، ۸۵ | فراهانی، احمد، ۴۴۵ |
| کازرونی، سراج‌الدین، ۲۹۹ | فردوسی پور، ۳۶۱ |
| کاسترو، فیدل، ۲۰۱، ۱۸۶ | فرزانه (ستاد مشاور فرماندهی چنگ)، ۲۶۵ |
| کاشانی، ابوالقاسم، ۴۴۶ | فروزنده، غلامرضا، ۲۸۵ |
| کاشانی‌زاده، مهوش، ۳۵ | فروزنده، محمد، ۳۷۰، ۳۵۳، ۲۷۸، ۲۱۰ |
| کاشانی، محمود، ۲۰۵ | فرهادنیا (سفیر در رومانی)، ۱۹۹ |
| کاظمی‌پور اردبیلی، حسین، ۲۲۵، ۲۱۳ | فرهادی، محمد، ۲۹۹، ۱۱۲، ۱۰۴ |
| کاظمی، احمد، ۲۵۱، ۲۴۲، ۱۹۹ | فضل‌الله، سید‌محمد‌حسین، ۴۰۵، ۱۴۷ |
| کاظمی، عزیز، ۲۶۹ | فقهی، هادی، ۶۷ |
| کروبی، مهدی، ۱۳۰، ۱۹۱، ۳۰۱، ۳۹۴، ۱۹۱ | فكوري، جواد، ۲۴۳ |
| کریمی، ۲۰۹، ۲۷۶ | فلحیان، علی، ۲۶۷، ۱۰۸ |
| کریمی، سید‌جعفر، ۲۲۱ | فلسفی، محمد‌تقی، ۵۱ |
| کریمی، عباس، ۲۹ | فوچیو، ماسایاواکی، ۲۷۹ |
| کریمی، فواد، ۱۲۱ | فومنی حائری، ۱۹۶ |
| کلاته‌ای، محمد، ۴۲۳ | فهیم، مرتضی، ۲۰۲، ۳۱۱، ۲۸۳ |

- | | |
|--|---|
| مجتبیان، ۳۱۱ | کمره‌ای، ناصر، ۹۴، ۶۴ |
| محتشمی پور، سیدعلی اکبر، ۵۷، ۲۷۰، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۸۹ | کتعانی، ۲۰۵ |
| محفوظی، ۱۰۳ | کنگرلو، محسن، ۱۹، ۲۲۹، ۲۴۵، ۲۸۸، ۲۷۰ |
| محلاتی، شیخ فضل الله، ۱۰، ۳۶، ۳۹، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۹ | ۲۴۸، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۲۵، ۴۲۲، ۴۱۷، ۴۹۷ |
| محلاتی، شیخ مجدد الدین، ۴۶ | کوثری، ۲۶۲ |
| محمد حسن سوارالذهب، عبدالرحمن، ۵۹ | کورنینکو، الکساندر، ۳۶۳، ۴۰۴، ۴۰۳، ۴۰۲، ۳۹۸ |
| محمدزاده، ۲۲۱، ۲۲۳ | ۴۰۹ |
| محمد، کارگر، ۲۱۹ | کورنینکو، گثورگی، ۳۹۲، ۴۰۲ |
| محمدی پیرایه، فرزانه، ۳۴۵ | کیاوش، محمد، ۴۵۲، ۴۷۴ |
| محمدی ری شهری، محمد، ۱۹۳، ۴۶، ۱۹۳، ۲۱۹، ۲۷۴ | گرشاسبی، غفور، ۲۱۶، ۸۸۳ |
| محمدی گیلانی، محمد، ۳۱۲، ۳۱۷ | گواهی، عبدالرحیم، ۲۶۷، ۶۲ |
| محمدی، یونس، ۲۶۸ | گوریاچف، میخائیل، ۲۲۳، ۱۲۴ |
| مخبر، ۴۰۲ | لاجوردی، اسدالله، ۷۹، ۵۶ |
| مدرس، سیدحسن، ۴۴۱ | لاریجانی، محمدجواد، ۱۸۶ |
| مدرسی، هادی، ۱۲۰ | لاهوتی اشکوری، حاج شیخ حسن، ۲۱۸ |
| مرعشی اهوازی، ۲۰۸ | لاهوتی اشکوری، حمید، ۵۱، ۴۷، ۴۹ |
| مرعشی، حسین، ۳۱۱، ۳۳۱ | لاهوتی اشکوری، سعید، ۲۱۷، ۵۱، ۳۹ |
| مرعشی، علرا، ۲۱۵، ۲۱۶ | لاهوتی اشکوری، مونا، ۴۴۲، ۴۴۴، ۵۱، ۳۹ |
| مرعشی، عفت، ۴۲، ۴۹، ۸۲۷، ۸۷۸ | لاهوتی، سارا، ۴۴۲، ۲۱۷، ۹۶، ۸۲، ۳۹ |
| مرعشی، ایران، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۳ | ماجدی، ۳۶۳، ۳۶۶ |
| مرعشی، عفت، ۲۱۵، ۲۰۸، ۱۸۱ | مارتن، ژاک، ۳۹۲ |
| مرعشی، ایران، ۲۲۶ | ماسایوکوفرجیو، ۳۹۱ |
| مرعشی، عفت، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۳ | مانوکیان، آراداک، ۴۹ |
| مرعشی، ایران، ۲۱۵، ۲۰۸، ۱۸۱ | ماء‌بی‌بی، ۵۷، ۱۱۹، ۹۵ |
| مرعشی، ایران، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹ | ماهر حمود، ۱۴۷ |
| مرعشی، ایران، ۲۲۸، ۲۲۹ | متکی، منوچهر، ۳۶۸ |
| مرعشی، محسن، ۲۲۷ | مجبر، ۱۸۷ |
| مرعشی نجفی، سیدشاهاب الدین، ۲۳۶ | |

- | | | | |
|------------------------------|---|-----------------------|-------------------------|
| منتجب نیا، رسول، | ۴۵۰، ۳۶۱، ۳۳۷، ۲۷۱، ۲۶۴ | مرندی، علیرضا، | ۴۲۵، ۳۱۶، ۲۹۹، ۲۹۷، ۲۹۱ |
| منتظری، حسینعلی، | ۱۵، ۲۰، ۲۴، ۲۰، ۲۷۰، ۲۸۴، ۲۸۵ | مروت، محمد، | ۲۵۷ |
| | ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۷۹، ۲۵۶، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۸۱، ۱۸۱، ۱۳۱، ۱۰۳ | مشکینی، علی، | ۳۱۸، ۳۱۷، ۱۹۱، ۱۸۷ |
| | ۱۳۵، ۱۳۳، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۴، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۱، ۱۳۰ | صلح، | ۲۳۱، ۱۱۰ |
| | ۱۸۱، ۳۷۹، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۶۷، ۲۵۰، ۲۴۶، ۳۴۲، ۳۳۸ | مطهری، خانم شهید، | ۴۲۸، ۴۶۸ |
| | ۱۴۸، ۳۶۹، ۳۴۳، ۳۳۱، ۳۹۶، ۳۹۴ | مطهری، مرتضی، | ۳۱۲، ۱۹۶، ۱۹۲، ۸۷، ۸۴ |
| منتظری، سعید، | ۷۰ | مطهری، نماینده زرند، | ۲۸۱ |
| منتظری، محمدله، | ۱۵۰ | مظاہری، طهماسب، | ۲۸۴، ۲۸۲، ۲۲۲، ۵۳ |
| منصوری، جواد، | ۳۲۷ | معادیخواه، عبدالمجید، | ۲۴۸، ۲۴۴، ۱۹۳، ۱۰۰ |
| موحدی، | ۴۴۰ | | ۴۴۰، ۳۶۴، ۳۴۳، ۳۲۱ |
| موحدی ساوجی، محمدعلی، | ۲۰۸ | معاویه، | ۱۲۷ |
| موحدی کرمانی، محمدعلی، | ۳۰۴، ۲۹۱، ۲۵۸، ۶۶ | معرفیزاده، علی، | ۴۲۳، ۳۶۸، ۲۱۴ |
| موحدی کرمانی، مهدی، | ۲۲۷ | معزی، محمدمعزالدین، | ۲۵۵، ۲۵۴ |
| موسوی ابرکوه، | ۲۷۶ | معصومی، دکتر، | ۳۶۳ |
| موسوی اربیلی، سیدعبدالکریم، | ۵۲، ۳۹، ۲۳ | معنویراد، | ۲۵۸ |
| | ۵۶۱، ۵۶۱، ۷۹، ۸۶، ۱۰۹، ۹۸، ۹۱، ۱۳۱، ۱۲۶، ۱۱۶، ۱۰۹ | معیری، علیرضا، | ۴۵۲، ۳۰۹ |
| | ۱۳۲، ۲۱۳، ۱۲۶، ۱۲۶، ۱۲۶، ۱۲۶، ۱۲۶ | معین، مصطفی، | ۹۴ |
| | ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۸۸، ۲۷۸، ۲۷۳، ۲۷۱، ۲۶۲، ۲۵۴، ۲۳۵ | مقتیزاده، | ۴۳۹ |
| | ۳۶۶، ۳۵۵، ۳۴۱، ۳۳۷، ۳۲۷، ۳۲۰، ۳۱۵، ۳۰۶، ۲۹۷، ۲۹۴ | مقصودی، جواد، | ۵۶ |
| | ۴۴۶، ۳۸۴، ۳۷۶ | مکفارلین، | ۲۲۹ |
| موسیان، حسین، | ۲۹۱، ۳۹۰، ۳۸۲، ۳۱۹، ۱۱۹ | ملادینوف، پیتر، | ۴۴۶ |
| موسیانی، حسین، | ۴۲۰، ۳۸۳ | ملک ادریس، | ۱۴۰ |
| موسوی پور، | ۶۳ | ملکزادگان، محمدحسین، | ۱۹۴، ۲۳۸، ۲۸۵ |
| موسوی خوئینی‌ها، سیدمحمد، | ۱۸۸، ۱۸۱، ۱۷۹ | | ۲۶۵، ۳۱۸ |
| | ۳۷۹، ۳۱۷، ۲۸۸، ۱۹۱ | ملکوتی، علی، | ۲۷۶ |
| موسوی ذامغانی، سیدابوالقاسم، | ۴۲۳، ۳۴۵، ۹۵ | ملکه (همشیرزاده)، | ۱۰۹ |
| | | منافی، هادی، | ۴۶۸ |
| موسوی، سراجالدین، | ۳۶۶ | | |
| موسوی، سیدرضا، | ۲۱۱ | | |

- ناصر، (خواهرزاده)، ۸۹
ناصری، ۴۳۸، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۷۵
ناطق نوری، احمد، ۱۹۴
ناطق نوری، علی اکبر، ۲۵۶، ۲۵۱، ۲۲۸، ۸۱، ۷۴
ناظام زاده، ۲۹۱، ۲۸۰، ۲۶۸
ناکاسونه، یاسوهیرو، ۸۶
ناکاسونه، یوشی هیرو، ۲۱۴
ناکاما یاها، یوشی هیرو، ۲۱۳
نامدار زنگنه، بیژن، ۳۵۲، ۲۹۹، ۲۰۸
نبوی، بهزاد، ۵۵، ۲۰۵، ۲۰۲، ۲۱۱، ۱۰۸، ۷۳
نبوی، مرتضی، ۲۴۵، ۲۴۴، ۱۹۲
نجفی، محمدعلی، ۲۰۵
نصیری، سپهبد، ۳۷۶، ۳۴۱
نظران، محمدعلی، ۴۰۵، ۳۰۰، ۵۲
نظری، ۲۹۳
نظری منفرد، علی، ۲۷۶
نعمی، عبدالله، ۳۹۱
نمایی، حسین، ۳۰۴، ۲۹۹، ۴۰۲
نمیری، جعفر، ۱۴۰، ۵۹
نوبری، علیرضا، ۴۳
نوربخش، محسن، ۲۴۶، ۲۴۲، ۲۵۱، ۲۰۵، ۲۰۲
نوروزی (همافر)، ۲۲۸، ۲۳۰
نوری، عبدالله، ۲۵۶، ۲۰۸
نیلی، حسین، ۳۰۴، ۲۹۹، ۲۹۱، ۲۳۵، ۵۶۴
واعظ طبیبی، عباس، ۳۰۴، ۱۹۰، ۱۸۸، ۹۶، ۶۸
موسوی، میرحسین، ۸۱۶، ۹۱، ۸۶، ۷۹، ۲۹، ۲۳، ۲۲
۸۱۵، ۸۱۳، ۲۱۲، ۸۱۱، ۲۰۵، ۲۰۱، ۱۹۲، ۱۸۴، ۱۲۲
۲۵۱، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶
۲۷۵، ۲۷۳، ۲۷۱، ۲۶۶، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۵، ۲۵۴
۳۰۱، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۰، ۲۸۸، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۳، ۲۷۹، ۲۷۸
۳۸۹، ۳۸۲، ۳۷۶، ۳۷۱، ۳۳۹، ۳۳۶، ۳۲۰، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۰۴
۴۲۰، ۴۰۴
مویل، ۲۱۷
مهاجری، مسیح، ۳۵۴، ۳۱۵، ۱۹۲، ۹۶
مهدوی، ۴۴۰، ۳۷۱، ۳۳۴
مهدوی کنی، محمد رضا، ۴۹۱، ۲۶۶، ۴۵۷، ۲۵۱
۴۲۳، ۴۱۹، ۳۷۵، ۳۴۸، ۳۰۴
مهدیان، حسین، ۳۶۲، ۳۴۳، ۳۱۰، ۲۷۳، ۲۲۱، ۵۱
مهدیزاده محلاتی، شیخ فضل الله، ۴۲۲
مهرآئین، ۲۲۷
میاکه، واسوکی، ۸۲
میتران، فرانسوا، ۳۹۲
میر، امیر، ۴۰۳
میرزاده، حمید، ۳۹۴، ۳۲۳، ۳۱۱
میرزا طاهری، ۳۷۷، ۳۳۶
میرزا بی، محمد، ۴۴۴
میرسلیم، مصطفی، ۳۷۵، ۹۱
میرعمادی، ۳۲۶، ۲۷۳، ۲۵۵
میرمحمد صادقی، ۴۰۵، ۳۴۲، ۲۱۷
میرمحمدی، ۲۶۷
مؤمن، محمد، ۱۸۷
ناصرانتار، علی احمد، ۲۸۰

- | | |
|--|--|
| هاشمی بهرمانی، فائزه، ۴۰، ۳۹، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۹۵ | ۴۰۸، ۳۹۶، ۳۸۱، ۳۶۶، ۳۱۷ |
| | ۴۴۲، ۴۴۴ |
| هاشمی بهرمانی، فاطمه، ۲۹، ۸۲، ۸۹، ۹۶، ۱۲۹ | ۴۴۸، ۴۴۶ |
| | ۲۵۸ |
| هاشمی بهرمانی، فاطمه (همشیره)، ۵۷، ۲۷۵ | ۲۶۱، ۲۵۸ |
| هاشمی بهرمانی، فرزانه، ۲۱۰ | واعظی، محمود |
| هاشمی بهرمانی، محسن، ۴۰، ۴۱، ۴۹، ۵۲، ۵۴ | وافقی، واقفی |
| ۵۹ | وحید، احمد |
| ۴۷۱، ۱۹۶، ۴۴۲، ۲۱۷ | وحید دستجردی، احمد |
| هاشمی بهرمانی، محمد (همشیره زاده)، ۸۹ | وحیدی، سپاه |
| ۸۹۵، ۸۸، ۵۵، ۵۰، ۴۸، ۴۳ | وحیدی، سرهنگ |
| ۳۹۸، ۳۷۷، ۳۴۳، ۳۲۱، ۲۷۶، ۲۵۶، ۲۲۰، ۱۲۹، ۹۸ | ولايتها، علی اکبر |
| ۸۹۵ | ۵۷، ۵۲، ۴۳، ۴۰، ۳۹، ۵۹، ۵۷ |
| ۴۷۱ | ۱۴۰، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۰۰، ۹۷، ۹۳، ۷۷ |
| هاشمی بهرمانی، محمد، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵ | ۱۵۹، ۱۵۲، ۱۴۰، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۰۰، ۹۷، ۹۳، ۷۷ |
| ۴۷۱ | ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۱۶، ۲۰۶ |
| هاشمی بهرمانی، ناصر، ۲۸۶ | ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۹۹، ۲۹۱، ۲۷۶ |
| ۴۴۱، ۴۱۴ | ۳۶۶، ۳۶۳، ۳۵۵، ۳۴۹، ۳۴۶، ۳۴۲، ۳۴۰، ۳۱۴ |
| هاشمی بهرمانی، یاسر، ۱۴۰، ۱۳۴، ۱۲۹، ۱۲۴، ۱۲۵ | ۴۰۲، ۴۲۳، ۴۲۰، ۴۱۳، ۴۰۲، ۳۹۸، ۳۹۷ |
| ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۳۶، ۱۳۴، ۱۲۹ | هاتفی، هادی |
| ۴۴۱ | ۴۰۲، ۳۷۴ |
| هاشمی بهرمانی، سید محمد، ۱۴۰، ۱۳۴، ۱۲۹، ۱۲۴، ۱۲۵ | هادی نجف آبادی، محمدعلی |
| ۱۴۰، ۱۳۶، ۱۳۴، ۱۲۹ | ۱۴۴، ۱۲۲، ۷۷ |
| ۴۴۱ | ۴۲۸، ۴۴۸، ۴۵۲، ۴۵۱، ۴۵۰، ۴۵۲ |
| هاشمی بهرمانی، سید حسین، ۲۸۶ | ۴۰۴ |
| ۴۴۱ | هاشمیان، آشیخ محمد |
| هاشمی بهرمانی، یاسن، ۱۴۰، ۱۳۴، ۱۲۹، ۱۲۴، ۱۲۵ | ۴۶۴، ۴۱۹، ۴۷۴، ۴۸۸ |
| ۱۴۰، ۱۳۶، ۱۳۴، ۱۲۹ | هاشمیان، حسین |
| ۴۴۱ | ۲۸۷ |
| هاشمی بهرمانی، احمد، ۳۲۷، ۹۷ | هاشمیان، محسن |
| ۴۴۱ | ۲۷۳ |
| هاشمی بهرمانی، احمد (عموزاده)، ۹۹ | هاشمی بهرمانی، احمد |
| ۳۲۱، ۱۹۳ | هاشمی بهرمانی، صدیقه (همشیره) |
| ۴۴۱ | ۴۰۶، ۳۸۴ |
| هاشمی بهرمانی، طاهره، ۴۵۴، ۴۵۱ | هاشمی بهرمانی، طاهره |
| ۴۴۱ | ۴۵۴، ۴۵۱ |
| هاشمی بهرمانی، طیبیه (همشیره)، ۳۲۱، ۵۷ | هاشمی بهرمانی، طیبیه |
| ۴۴۱ | ۳۲۱، ۵۷ |
| هاشمی بهرمانی، علی، ۳۸۵ | هاشمی بهرمانی، علی |
| ۴۴۱ | ۳۸۵ |
| هاشمی بهرمانی، عماد، ۴۰، ۳۹ | هاشمی بهرمانی، عماد |
| ۴۴۱ | ۴۶۶ |

همدانلو، ۲۳۷

هویدا، محمد، ۲۱۱

هیروهیتو (امپراتور ژاپن)، ۱۶۹

یزدی، ابراهیم، ۲۰۵

یزدی صمدی، بهمن، ۸۷

یزدی، محمد، ۱۱۲، ۷۷، ۱۹۹، ۱۸۳، ۱۵۲، ۱۳۰، ۱۱۳، ۷۷

۱۳۱، ۳۷۲، ۳۵۶، ۳۴۸، ۳۴۵، ۳۰۶، ۲۹۱، ۲۷۱، ۲۵۸، ۲۵۵، ۲۵۱

۴۴۹، ۴۳۴، ۴۱۷

یعقوبی، مهدی، ۴۲۳

یوسفیان، ۲۷۵

۷۸۵

اوج دفاع
نمایه

فهرست جاها

حالی

- | | | |
|----------------------|--|---|
| اسکله البکر، | ۴۱۳، ۴۰۹ | آبادان، ۱۴، ۸۳ |
| اسکله تی، | ۲۲۴، ۲۶۶، ۲۶۴، ۲۴۲، ۲۲۲، ۲۲۰ | آرژانتین، ۸۸، ۷۷ |
| اسکله گوگرد، | ۲۶۴ | آفریقا، ۳۶۳، ۳۱۴، ۸۲ |
| اسلام آباد، | ۲۸۱، ۱۹۴ | آفریقای جنوبی، ۲۴۸، ۲۱۵ |
| اسلام آباد غرب، | ۴۴۰، ۵۷ | آلمان، ۵۲، ۶۱ |
| اشتویه، | ۲۵۱، ۲۴۴ | آلمان شرقی، ۱۰۳، ۱۰۰، ۹۱ |
| اصفهان، | ۲۵۸، ۲۵۵، ۲۵۲، ۲۱۶، ۱۳۱، ۱۰۴، ۸۸ | آلمان غربی، ۴۳۷، ۳۵۳، ۴۸ |
| | ۴۵۱، ۴۲۹، ۳۹۸، ۳۵۴، ۳۳۵، ۳۰۰ | آنکارا، ۴۶ |
| افغانستان، | ۱۴۹، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴ | آنکولا، ۲۹۰، ۲۲۸ |
| | ۴۴۸، ۴۰۹، ۴۰۳، ۴۰۲، ۳۸۵، ۳۶۴، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۹۹، ۲۲۳ | ابوداکر، ۱۳۰ |
| الجزایر، | ۳۲۰، ۳۰۱، ۳۰۰، ۱۶۳، ۱۱۷، ۱۰۸، ۵۳، ۱۰ | ابولیلا، ۱۳۰ |
| | ۴۳۹، ۴۲۰، ۴۰۶، ۴۰۳، ۳۸۵، ۳۳۵، ۳۲۳ | اتریش، ۲۰۵ |
| العمار، | ۲۹ | اراک، ۴۵۰، ۲۰۸ |
| امارات متحدة عربية، | ۸۴۹، ۲۸۷، ۲۶۸، ۲۶۳، ۱۹۶ | اربدیل، ۳۵۵ |
| | ۳۹۱، ۳۸۶، ۳۶۵ | اردل، ۸۶ |
| ام قصر، | ۴۵۴ | اردن، ۲۲۰، ۲۵۲، ۲۱ |
| امیرآباد، | ۱۲۶ | ارومیه، ۲۸۱، ۳۷ |
| اندونزی، | ۳۷۷، ۳۶۲ | اروندروود، ۸۴، ۸۲، ۱۸۳، ۱۲۳، ۴۱۷، ۴۱۲، ۴۱۰ |
| اندیمشک، | ۳۷۸، ۳۷۰، ۱۲۵ | ۴۵۴، ۴۳۹، ۴۲۸ |
| انگلستان، | ۴۴۹، ۳۹۲، ۳۷۲، ۱۹۹ | اسپانیا، ۲۷۴، ۲۵۴، ۲۰۵، ۱۹۶ |
| اهواز، | ۱۴، ۱۰۱، ۹۸، ۹۷ | استرالیا، ۲۲۳، ۳۱۶، ۳۱۴، ۲۸۵ |
| | ۴۷۶، ۴۳۵، ۴۲۵، ۴۱۱، ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۰۳ | اسرائیل، ۱۰۱، ۵۰، ۱۰۱، ۱۴۹، ۱۴۷، ۱۴۳، ۱۳۷ |
| | ۴۲۳، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۰، ۴۰۸، ۴۰۲، ۳۷۸، ۳۷۰، ۳۱۵ | ۱۸۶۵، ۱۸۵۰، ۱۸۴۹، ۱۸۴۷ |
| | ۴۰۲ | ۱۸۷۳، ۱۸۷۱، ۲۷۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۲۴، ۲۲۲، ۲۱۹، ۲۱۲ |
| ایالات متحده آمریکا، | ۸۵، ۸۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۵ | ۳۹۷، ۳۸۱، ۳۷۶، ۳۶۹، ۳۴۲، ۳۱۰، ۳۰۱، ۲۷۶ |
| | ۹۳، ۸۵، ۸۰، ۷۸، ۷۷، ۵۳، ۵۲، ۵۰، ۴۷، ۴۳، ۴۲، ۲۸ | اسکله آذرپاد، ۲۶۴، ۲۵۶، ۲۲۰ |
| | ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۳، ۱۶۵، ۱۶۱، ۱۵۹ | اسکله اس.بی.ام، ۲۹۱، ۲۶۴ |
| | ۱۰۶ | اسکله الامم، ۴۱۳، ۴۰۹ |

- پندرگناوه، ۲۶۴
- پوشهر، ۳۷، ۳۹۴، ۳۶۱، ۳۴۱، ۳۲۷، ۲۷۶، ۳۲۱، ۳۲۰، ۲۰۷، ۲۰۴، ۲۰۱، ۱۹۰
- پهمان نوق، ۴۰۱، ۳۲۱، ۹۷
- پهشهر، ۱۰۳
- پهمشیر، ۴۳۱
- پیجار، ۶۷، ۴۷
- پیرجدد، ۶۸، ۵۷
- پیروت، ۱۵۲، ۸۵۰، ۸۴۷، ۸۴۳، ۸۰۹
- پاریس، ۳۹۲، ۳۸۰، ۳۵۲، ۳۲۸، ۲۵۷، ۵۲، ۴۶
- پاکستان، ۴۲۸، ۲۲۶، ۱۹۴، ۱۵۳، ۱۲۰، ۱۰۹، ۳۴۶
- پکن، ۴۰۱، ۴۴۹، ۳۹۰، ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۸۱، ۳۶۸، ۳۲۷
- پکن، فرودگاه، ۱۷۷
- پیروانشهر، ۳۲۴، ۲۵۱، ۱۸۶
- تالش، ۴۲۲
- تanzania، ۴۹۰
- تاپلند، ۳۹۲، ۳۷۷، ۲۷۴
- تبریز، ۳۷۶
- ترابه(پاسگاه)، ۴۱
- ترکیه، ۴۱، ۴۱، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۳۶۱، ۳۳۱، ۳۲۶، ۱۷۸، ۱۷۷
- تنگه هرمز، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۶۱، ۲۵۸، ۲۵۶، ۲۵۵
- توکیو، ۲۹۱، ۱۷۷، ۱۲۲
- تونس، ۳۰۹، ۳۰۱، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۱، ۲۷۰
- جاده ام القصر، ۴۳۹، ۴۱۹
- جزیره ام الرصاص، ۴۳۲، ۴۱۱، ۴۱۰
- پندرگناوه، ۲۲۵، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۳، ۲۱۰، ۲۰۷، ۲۰۴، ۲۰۱، ۱۹۰
- پوشهر، ۸۵۶، ۸۵۴، ۸۵۲، ۸۴۸، ۸۴۵، ۸۴۲، ۸۴۰، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۲۶
- پهمان نوق، ۳۲۳، ۳۲۰، ۲۸۸، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۳، ۲۶۱، ۲۵۸
- پهشهر، ۳۷۶، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۳، ۳۵۵، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۲۹، ۳۲۶، ۳۲۲
- پهمشیر، ۴۲۰، ۴۱۷، ۴۱۲، ۴۰۹، ۴۰۸، ۴۰۵، ۴۹۷، ۴۹۵، ۴۸۱، ۴۷۹
- پیجار، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۰، ۴۴۹
- پیرجدد، ۴۵۲، ۴۵۰
- ایالت شانکسی، ۱۶۴
- ایتالیا، ۳۹۲، ۳۳۲، ۲۴۱، ۱۳۴
- ایلام، ۳۵۶، ۳۰۴، ۳۱۲، ۱۳۲، ۱۲۵، ۱۱۷، ۱۱۲، ۵۷، ۴۷
- بابک، ۲۶۷
- باختران، ۸۴۲، ۸۳۵، ۸۳۵، ۷۸، ۶۶، ۵۶، ۵۶، ۵۶، ۵۶، ۵۶
- بانه، ۱۱۱، ۴۷
- بجنورد، ۴۲۲
- برزیل، ۴۴۰، ۳۵۸
- بروجرد، ۳۷۱، ۲۶۸
- بصره، ۴۲۷، ۱۳۳، ۱۳۰، ۱۱۱، ۶۶، ۵۶، ۵۲، ۴۵، ۴۲، ۳۹
- بغداد، ۴۵۹، ۴۳، ۴۱، ۴۳، ۴۲، ۴۶، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۹، ۴۰، ۴۹، ۴۵، ۴۶، ۴۵، ۴۷
- آزاد، ۱۴۰، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۰، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۸۵، ۸۴، ۸۱
- پلشیک، ۴۴۸، ۴۴۱
- پندرام قصر، ۱۵
- پندرامام، ۱۷۵
- پندرطاهری، ۴۵۲
- پندرعباس، ۳۷۲، ۲۸۰، ۲۱۱

- | | |
|---|--|
| حجاز، ۳۴۶ | جزیره یوارین، ۴۱۱، ۴۱۰ |
| حسینیه جماران، ۲۸، ۶۹، ۳۹، ۲۰، ۲۲۰، ۴۶۳، ۴۴۰ | جزیره بوییان، ۳۷۱، ۳۸۰ |
| ۲۲۸، ۲۸۶ | جزیره خارک، ۲۲۵، ۲۲۱، ۴۵، ۱۷ |
| حلب، ۱۸۵ | ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۰، ۴۵۸، ۲۵۴، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۵۸، ۲۵۷ |
| خراسان، ۴۵۱، ۳۹۸، ۳۶۱، ۱۹۰، ۳۶، ۴۵۰ | ۲۵۶، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱ |
| خرگان ساوه، ۳۲۳ | ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۷۸، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳ |
| خرم آباد، ۵۶، ۴۷ | ۳۲۱، ۳۴۰، ۳۱۴، ۲۹۹، ۳۴۷، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۵ |
| خرمشهر، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۱۷، ۲۹۸، ۲۱۴، ۱۳۳، ۱۰۳ | ۳۴۴، ۳۸۰، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۷ |
| خزانه (یکی از محلات تهران)، ۵۱ | جزیره سیری، ۲۵۷ |
| خلیج فارس، ۱۰۹، ۱۵، ۱۰۶، ۱۷، ۱۶، ۲۱، ۴۸، ۴۲، ۲۲، ۲۱ | جزیره سیسیل، ۳۴۳ |
| ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۷، ۱۰۱، ۹۹، ۹۶، ۹۰، ۵۲ | جزیره فارسی، ۲۴۱ |
| ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷ | جزیره فاو، ۴۱۸، ۴۱۶، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۱، ۴۱۰، ۴۹۸ |
| ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷ | ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸ |
| ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۲۸ | جزیره کیش، ۴۰۶، ۳۹۴ |
| ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۲۹ | جزیره لاوان، ۲۲۲ |
| ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | جزیره مالت، ۳۳۲ |
| ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | جزیره مجنون، ۴۱۶، ۳۷۹ |
| ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | جماران، ۴۴۵ |
| ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | جواهرد، ۲۱۸، ۲۱۷ |
| ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | چیرفت، ۷۸ |
| ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | چکسلواکی، ۲۲۵، ۲۲۴ |
| ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | چین، ۱۸، ۲۱، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ |
| ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | دریندیخان، ۴۴۵ |
| ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | دریاچه ام النعاج، ۲۹۷، ۲۰۱ |
| ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | دریای شمال، ۲۹۲، ۲۸۹ |
| ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰ | دریای مدیترانه، ۱۲۴ |
| ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰ | دریول، ۵۷ |
| ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰ | دلغان، ۳۲۸ |

- | | |
|--|---------------------------------------|
| سوریه، ۲۱، ۱۱۷، ۱۱۰، ۶۲، ۵۷، ۵۲، ۵۱، ۴۷، ۴۰، ۲۱ | ۱۷۸، ۱۵۲، ۱۴۹، ۱۴۷، ۱۴۵، ۱۴۳، ۱۱۷، ۵۷ |
| ۱۱۵، ۱۴۹، ۱۴۷، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۰، ۱۳۷، ۱۳۳، ۱۳۱ | دوگنبدان، ۴۷ |
| ۱۲۲، ۲۲۹، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۱۷، ۲۱۳، ۱۸۶، ۱۷۵، ۱۶۹، ۱۵۲ | دولت آباد، ۴۵ |
| ۱۲۹، ۲۳۷، ۲۳۵، ۲۳۰، ۲۱۹، ۲۱۷، ۲۱۳، ۱۶۹، ۱۶۶، ۱۵۲، ۱۴۱ | دهلران، ۱۸۵ |
| ۱۴۰، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۰، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲ | رامهرمز، ۵۷ |
| ۱۴۰، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴ | رشت، ۴۷ |
| ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴ | رفستجان، ۴۰ |
| سیدکان، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۰، ۱۰۹ | ۱۹۶، ۱۸۴، ۱۹۹، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴ |
| ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹ | رودخانه میمه، ۱۸۵ |
| شلمجه، ۲۵۲ | ۲۵۲، ۱۳۰، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴ |
| شوروی، ۱۲۴، ۱۲۴، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴ | رود دجله، ۱۲۹ |
| ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴ | رومانی، ۱۹۹ |
| ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵ | زایل، ۴۲۰ |
| ۱۲۸، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴ | زنجان، ۵۲ |
| ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰ | زینبیه، ۱۴۹ |
| شی آن، ۱۶۴ | ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱ |
| شیراز، ۱۲۴، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹ | ژاپن، ۲۵ |
| ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰ | سلاوه، ۲۰۸ |
| ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱ | سردشت، ۱۲۵ |
| ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳ | سلیمانیه، ۱۲۱ |
| عربستان سعودی، ۲۱، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲ | سمنان، ۲۶۴ |
| ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷ | سنقر، ۸۶ |
| طرابلس، ۱۲۴ | ۱۲۳، ۱۲۲ |
| ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵ | سنندج، ۱۲۵ |
| ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴ | سوئیس، ۱۲۵ |
| ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴ | سودان، ۱۴۰ |

- | | | | |
|---|--------------------|--------------------------------------|--|
| کرمانشاه، ۵۵، ۵۷، ۶۶ | ۲۵۲ | ۳۸۱ | ۳۷۴ ۳۷۷، ۳۶۴ ۳۵۲، ۳۴۲ ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۴ |
| کره جنوبی، ۸۸ | ۱۹۰ | ۴۱۷ | ۴۴۶ ۴۴۵، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۴۰، ۴۰۳ ۴۰۲، ۳۹۲، ۳۹۱ |
| کره شمالی، ۱۸، ۳۷، ۴۱، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸ | ۲۸۴ | ۴۱۷ | ۴۰۰، ۴۴۹ |
| کنگان، ۲۶۴ | ۳۳۴ | ۳۷۷، ۳۳۳ ۳۰۹ | فلسطین، ۲۵، ۳۵ |
| کنیا، ۳۳۴ | ۳۴۱، ۲۰۱، ۱۸۶ | ۳۷۷، ۳۳۳ ۳۰۰ | فیلیپین، ۲۷۰ |
| کوبیا، ۳۴۱ | ۳۴۱، ۲۰۱، ۱۸۶ | ۴۴۴، ۳۷۷، ۳۳۳ ۳۰۰ | گامبیا، ۱۷۹ |
| کویت، ۱۳ آبان، ۴۵ | ۴۱۰ | ۴۷۷، ۳۱۰، ۲۹۷، ۲۷۵ | قرموده، ۱۷۹ |
| کویت، ۱۰، ۱۰، ۹، ۹ | ۴۶۳، ۴۶۰، ۴۶۵، ۴۶۴ | ۳۳۳، ۳۱۰، ۲۹۷، ۲۷۵ | قزوین، ۹۳ |
| کوتا، ۲۷۰ | ۴۱۰، ۴۰۸، ۴۰۵، ۳۸۰ | ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۴۵ ۴۴۳ ۴۱۷ | قطر، ۳۲۵، ۳۱۰ |
| گرجستان، ۷۸ | ۴۵۰ | ۴۴۶، ۴۴۵ ۴۴۳ ۴۱۷ | قم، ۵۵ |
| گنجایش، ۴۲۸ | ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۳ | ۴۴۶، ۴۳۶ ۴۳۱، ۱۹۴، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۰۳ ۱۰۹ | کارون، ۴۴۸، ۴۱۴، ۴۰۶ |
| گیلان، ۲۱۵، ۲۲۶ | ۴۳۰ | ۴۳۶، ۴۳۵ ۴۳۴ ۴۳۳ ۴۳۲ ۴۳۱ | کاشمر، ۴۵۱، ۴۶۲، ۴۶۱ |
| گیلان غرب، ۱۱۱ | ۴۳۰ | ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۴۵ ۴۴۳ ۴۱۷ | کامبوج، ۱۶۰ |
| لبنان، ۱۹، ۱۰، ۹، ۵ | ۴۱۰ | ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶ ۴۴۵ ۴۴۴ ۴۴۳ ۴۴۲ ۴۴۱ | کانادا، ۴۰، ۴۱، ۱۰۳ ۱۰۴ |
| لندن، ۳۰، ۲۶۱ | ۴۲۲ | ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶ ۴۴۵ ۴۴۴ ۴۴۳ ۴۴۲ ۴۴۱ | کراچی، ۱۹۴ |
| لورستان، ۴۰۴ | ۴۵۲ | ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶ ۴۴۵ ۴۴۴ ۴۴۳ ۴۴۲ ۴۴۱ | کربلا، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۷۷، ۳۶۷، ۳۶۶ |
| لندن، ۳۰، ۲۶۱ | ۴۲۲ | ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶ ۴۴۵ ۴۴۴ ۴۴۳ ۴۴۲ ۴۴۱ | کروج، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳ |
| لیبی، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۴۰، ۴۰۵ | ۴۴۹، ۴۴۳ | ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶ ۴۴۵ ۴۴۴ ۴۴۳ ۴۴۲ ۴۴۱ | کردستان، ۴۲، ۴۳، ۵۶، ۵۵ |
| لیبی، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۴۰، ۴۰۵ | ۴۴۹، ۴۴۳ | ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶ ۴۴۵ ۴۴۴ ۴۴۳ ۴۴۲ ۴۴۱ | کرمان، ۳۱، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۱ |

- مسجد ولی عصر، ۲۸۲
- مسکو، ۵۰، ۵۲، ۳۵۴، ۳۵۲، ۳۵۸، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۴، ۴۰۳، ۴۰۲
- مشهد، ۶۶، ۹۰، ۱۹۰، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲
- مصر، ۵۹، ۳۷۷، ۳۷۶، ۳۶۴، ۳۵۳، ۳۳۳، ۳۰۹، ۲۵۸، ۲۵۲، ۳۰۱، ۲۹۱، ۲۷۶، ۲۴۶، ۲۱۷، ۲۱۱، ۲۰۸، ۰۵۲
- ملاوی، ۴۲۳
- ملایر، ۳۸۵، ۳۸۴، ۳۳۹
- موزه کوین تراکوتا، ۱۶۴
- مهرآباد، فرودگاه، ۲۰، ۱۵۳، ۱۵۰، ۱۷۸، ۱۵۴، ۱۵۳
- میدان تین آن من (صلاح آسمانی)، ۱۵۳، ۱۵۶
- ناصریه (عراق)، ۱۱۰
- ناکازاکی، ۱۷۶
- نوق، ۴۰۶، ۲۱۹، ۲۸۴
- نهاؤند، ۴۱۹، ۵۷
- نیروگاه اتمی بوشهر، ۳۹۴، ۳۴۱
- نیروگاه الحارسیه عراق، ۲۶۷
- نیروگاه دز، ۲۵۵
- نیروگاه زرگان، ۱۰۷، ۱۰۴
- نیروگاه شهید رجائی، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۰۸، ۱۷۷
- نیروگاه کارون، ۲۵۶
- نیروگاه نکا، ۲۵۵
- نیکاراگوئه، ۷۸، ۱۸۶، ۲۴۱
- واتیکان، ۱۸۶، ۴۴۲
- مازندران، ۴۱۳
- مجارستان، ۲۱۷، ۱۰۴
- مجلس خبرگان رهبری، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۳
- مازندران، ۴۲۴، ۲۱۴، ۹۵
- مدرسه جامعه الزهرای قم، ۳۴۱
- مدرسه دخترانه روشنگر، ۴۴۶
- مدرسه شهید بهشتی، ۲۲۳
- مدرسه عالی تربیت مدرس، ۲۱۴، ۲۲۳، ۸۴، ۸۲
- مدرسه عالی روان شناسی، ۲۸۶
- مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۹۲، ۸۷
- مدرسه علمیه، ۳۲۸، ۱۰۸
- مدرسه فیضیه، ۸۹
- مریوان، ۴۳۰، ۲۱۷، ۱۱۱، ۳۷
- مسجد آدیته جواهرده، ۲۱۸
- مسجد الاصحی، ۱۳۱
- مسجد جامع شیآن (در چین)، ۱۶۴
- مسجد چماران، ۱۲۴
- مسجد دانشگاه تهران، ۷۷
- مسجد دولت‌آباد، ۴۵
- مسجد نو شیراز، ۱۸۰

واشنگتن، ۱۷۸، ۴۲

ونزوئلا، ۷۳

هاندا، فرودگاه، ۱۷۷، ۱۶۵

هتل استانداری، ۱۶۴

هتل قدس مشهد، ۳۴۶

هتل کبیر، ۱۳۴

هتل لاله، ۴۰۶، ۳۹۸

هتل آزادی (هایت)، ۳۱۷

هلنل، ۴۰۵، ۹۸، ۵۴

همدان، ۵۵، ۵۶، ۵۷

هور، ۳۹

هور العظیم، ۳۹

هورالههیزه، ۲۵۲، ۲۴۵، ۲۴۳، ۲۱۴، ۲۰۱، ۱۳۳، ۱۳۰

یزد، ۳۹۰، ۳۱۶، ۲۱۱، ۲۲۳

یمن جنوبی، ۴۹۰، ۳۸۴، ۳۸۰، ۲۶۸

یوگسلاوی، ۴۴۱، ۳۳۸

یونان، ۳۳۳، ۲۱۰، ۱۳۴

حالی

٧٩٥

أوج دفاع
نمايه

فهرست اصطلاحات

۷۹۶

کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۵

حالی عکس

- روزنامه ابرار، ۲۱۶، ۲۹۲
روزنامه اطلاعات، ۹۷، ۱۰۱، ۱۸۳، ۱۸۲
روزنامه تایمز لندن، ۴۲۲
روزنامه تهران تایمز، ۲۰۵
روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴، ۲۵، ۹۶، ۱۸۳
روزنامه ژاپنی، ۱۷۷
روزنامه ساندی تلگراف، ۳۳۳
روزنامه صبح آزادگان، ۱۸۴، ۱۸۳، ۲۱۶، ۲۰۵
روزنامه فاینشال تایمز، ۲۰۵
روزنامه کرستن اینترنشنال، ۱۰۳
روزنامه کیهان، ۱۸۳، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۳، ۱۸۴
روزنامه واشنگتن پست، ۱۷۸، ۴۱۲
روزنامه یومیوری، ۱۷۵
روزنامه یومیوری، ۴۱۲
سازمان آتلاتیک شمالی، ۱۰۸
سازمان آزادیبخش فلسطین، ۴۹، ۱۲۱، ۱۲۸
سازمان اول، ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۳۷
سازمان اوپک، ۷۹، ۱۷۹، ۲۰۸، ۲۰۴، ۱۸۳، ۲۷۵
سازمان کنفرانس اسلامی، ۴۹، ۸۸، ۲۹۷
سازمان ملل متحد، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳۱، ۵۹، ۵۱
آسوشیتدپرس، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۸۲، ۲۲۵، ۳۵۱، ۳۳۳
بانک انگلیس، ۳۱۰
بانک سوئیس، ۳۴۱، ۳۷۶
بانک لندن، ۳۶۲
بانک مرکزی، ۵۰، ۵۱، ۲۴۹، ۲۵۸، ۳۴۲، ۳۴۶، ۲۷۶، ۴۴۱
بنیاد تدوین تاریخ انقلاب، ۸۷، ۱۰۰، ۲۲۲، ۲۲۱
خبرگزاری رویتر، ۳۳۳، ۵۷، ۴۰۹، ۴۰۶، ۳۸۹، ۳۴۵
خبرگزاری شین‌هوا، ۱۱۹
خبرگزاری یوناپرس، ۴۲۳، ۴۵۹، ۴۸، ۴۲
دانشگاه آزاد اسلامی، ۵۴، ۵۵، ۱۸۹، ۲۱۷، ۲۲۵
دانشگاه تبریز، ۱۰۳
دانشگاه تربیت مدرس، ۲۳۶
دانشگاه تربیت معلم، ۳۱۹، ۳۵۴
دانشگاه تهران، ۴۷، ۷۷، ۸۷، ۱۰۴، ۱۰۳، ۹۳، ۹۰، ۱۱۲
دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۹۷
دانشگاه شهید بهشتی، ۲۴۵
دانشگاه شیراز، ۱۲۳، ۲۹۲، ۲۶۲
دانشگاه کرمان، ۲۶۷
دانشگاه همدان، ۳۵۴
روز قدس، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰

عملیات عاشورای ۴	۲۹۹، ۲۹۸، ۴	۴۵۲، ۴۴۹، ۴۴۲، ۴۲۸، ۴۳۴، ۴۳۱، ۴۲۷
عملیات فاو	۴۱۸	ساید وایندر، ۳۸۴، ۴۶۲
عملیات قادر	۱۸۵، ۱۲	شرکت اورانیوم اورودیف فرانسه، ۲۱۶، ۵۲
عملیات قادر	۱۰۶، ۲۰۱، ۱۹۴، ۱۹۲، ۱۸۵	شرکت بیمه لویدز، ۱۲۲، ۲۱۰، ۱۲۵
عملیات قادر	۲۲۶، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶	شرکت تعاونی پسته رفسنجان، ۹۹
عملیات قادر	۲۰۶، ۲	شرکت طاهر، ۳۶۲، ۳۴۳، ۳۱۱، ۳۱۰
عملیات قادر	۲۲۵، ۲۳۳، ۴	شرکت کفش ملی، ۴۶۵
عملیات قدس	۱۲۵، ۱۱، ۱۰۵، ۱۸۵	شرکت متروی تهران، ۳۵۰، ۳۱۹
عملیات قدس	۲۶۶، ۲۱۴	شرکت مس سرچشم، ۲۲۵
عملیات قدس	۱۸۵، ۳	شرکت مشترک کشتیرانی ایران و پاکستان، ۱۲۰
عملیات قدس	۲۹۷، ۲۱۷، ۲۰۱، ۴	شرکت نفت، ۱۸۸
عملیات قدس	۲۲۳، ۲۱۴، ۵	شرکت هواپیمایی آسمان، ۴۴۳
عملیات قرارگاه حمزه	۲۱۹	شرکت هواپیمایی پان آمریکن، ۱۹۴
عملیات والفجر	۸	شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی، ۲۲۰
عملیات والفجر	۴۳۲، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۱۸، ۴۰۸	شورای امنیت، ۸۰، ۸۱
عملیات والفجر	۴۵۴، ۴۴۵، ۴۴۱، ۴۳۵، ۴۳۴	شورای نگهبان، ۱۰۴، ۱۰۰
عملیات والفجر	۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۰	۹۳، ۸۰، ۷۷۳، ۷۷۶، ۷۶۸، ۷۶۷
عملیات والفجر	۴۳۱	۸۹، ۱۹۹، ۱۸۵
قرارگاه ابوالفضل(س)	۴۲۲، ۴۳۱	۳۱۴، ۳۱۲، ۲۷۴، ۸۱
قرارگاه ثارالله	۸۶	۴۴۹، ۴۳۴، ۴۳۱، ۴۳۰
قرارگاه حمزه سیدالشهدا(س)	۲۱۹، ۱۹۴، ۱۸۵	شورای نگهبان، ۱۱۹
قرارگاه خاتم الانبیاء(ص)	۳۵۲، ۳۲۴، ۲۶۹، ۲۵۱، ۲۴۲، ۲۲۲	۴۵۰، ۴۰۲، ۴۰۰، ۳۹۳، ۳۵۶، ۳۰۶، ۳۰۱
قرارگاه خاتم(ص)	۳۸۲، ۳۷۰، ۳۵۲، ۲۵۲	عملیات بدر، ۱۰، ۱۱، ۳۹، ۳۹، ۳۹، ۳۹
قرارگاه خاتم(ص)	۴۶۶، ۴۳۵، ۴۰۷، ۳۹۶، ۳۹۰	۴۲۲
قرارگاه خاتم(ص)	۴۱۴، ۴۱۰، ۳۷۸	عملیات خیر، ۴۲۲، ۴۰۸، ۴۰۸، ۱۱، ۱۰
قرارگاه خاتم(ص)	۴۱۲، ۴۱۰	عملیات شلمچه، ۴۲۲
قرارگاه رمضان	۳۹۷، ۳۸۵، ۳۱۹، ۱۹۹، ۶۸	عملیات ظفر، ۱۱
قرارگاه نجف	۴۱۰	عملیات عاشورای ۲۲۲، ۳
کنفرانس اندیشه اسلامی	۳۹۸	عملیات عاشورای ۲۲۲، ۵

- کنفرانس اوپک، ۱۳۲، ۴۵۰
 کنفرانس خلیج سلاخ، ۴۳۳
 کنفرانس سران عرب، ۱۳۱
 کنفرانس سران عرب، ۲۱۵
 کنفرانس شورای همکاری خلیج فارس، ۲۱۰
 کنفرانس صحراء، ۳۲۸
 کنفرانس غیر متعدها، ۴۳۸
 ماهنامه پیام انقلاب، ۱۰۷
 متروی تهران، ۱۷۲، ۷۹، ۴۶۹، ۳۱۹، ۲۷۰، ۱۷۶، ۴۴۱
 مجله آفریقا، ۳۶۷، ۴۹۱
 مجله اقتصادی ژاپن، ۱۷۷
 مجله الدستور، ۲۰۲
 مجله پاسدار اسلام، ۲۶۱، ۲۴۸
 مجله پیام انقلاب، ۱۰۷
 مجله جوانان امروز، ۲۱۲
 مجله حوزه، ۱۰۷
 مجله زن روز، ۳۲۸
 مجله ژرون آفریک، ۲۵۷، ۳۶۷
 موشک تاو، ۱۹۰، ۴۰۶، ۴۱۴، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۱۸، ۴۴۴، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۴۵
 موشک شباهنگ، ۱۱۷، ۸۱۹، ۱۲۵، ۸۲۲
 موشک فونیکس، ۵۰، ۶۶۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۲، ۴۰۹
 موشک هارپون، ۴۶، ۲۱۸، ۲۱۸، ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۵۲، ۲۶۳
 موشک هاگ، ۱۲۵، ۱۲۵، ۸۳۱، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۹، ۲۸۸، ۲۶۲، ۲۴۴
 ۴۴۲، ۴۳۸، ۴۳۴، ۴۱۷، ۴۱۳، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۰۷، ۳۲۸، ۳۲۶